



انتشارات دانشگاه تهران

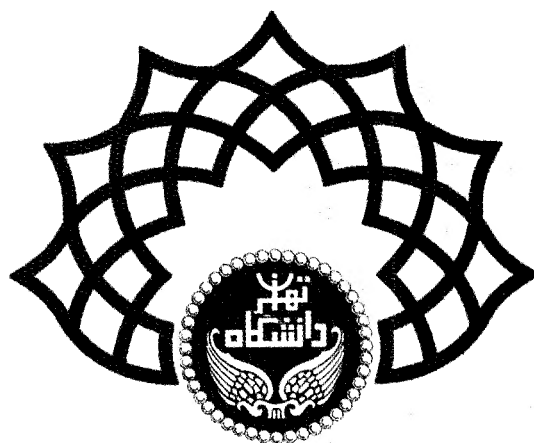
۲۶۴۸

تطبیق نام های کهن گیاهان دارویی با نام های علمی

جلد اول

تاریخ گیاهان دارویی
روش استفاده از منابع و متون قدیمی گیاهان دارویی
نام های کهن گیاهان دارویی
واژگان و نام های کهن در شناخت نام های علمی گیاهان

دکتر احمد قهرمان استاد دانشگاه تهران
احمد رضا اخوت



هفتادمین سال تاسیس دانشگاه تهران - ۱۳۸۳

۷۰ کنج از ۷۰ سال کنجینه
دانشگاه تهران

تفیق نام های کهن گیاهان دارویی
بانام های علمی

جلد اول

۱۳

پیشگفتار ناشر

گرچه دانشگاه تهران، هفتاد سال پیش پدید آمد، اما یک دهه و اندی پس از آن بود که انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۵ خورشیدی از آن رویش باشکوه، جوانه زد و بر شاخسارش شکوفه‌های خرد و اندیشه شکفتند و در همان سال نیز به بار نشستند. دیری دیگر، هنگامی که دانشگاه تهران درختی تناور شد، گشن و پر شاخسار، بر سرتاسر ایرانزمین سایه گستراند. انتشارات نیز هم گام با آن رشد شتاب‌آلود، پیشروی به عمق و درون را آغاز کرد تا بتواند از فرهنگ و دانش ره‌توشه‌ها به مشتاقان ارمغان کند.

اینک، که بیش از نیم سده از عمر انتشارات دانشگاه تهران، به مثابه نخستین ناشر دانشگاهی ایران، می‌گذرد، مفتخریم اعلام داریم که در طول این سال‌ها بسیاری از متون پارسی را به همت استادان فرهیخته‌ای که از استوانه‌های علم و فرهنگ و ادب این سرزمین کهن بوده‌اند، از دهلیزهای تار تاریخ بیرون کشیدیم، به زیور چاپ آراستیم و به خوانندگان عرضه کردیم. همچنین می‌توانیم ادعا کنیم و بر این ادعا پای بفشریم که این انتشارات دانشگاه تهران بود که سرآغازگر آشنایی مردم میهنمان با آثار فرهنگی، متون و نیز نوشتارهای دانش جهانی شد،

و در سلسله انتشارات دانشگاه تهران است که می‌توان تاریخ تطور علوم جدید را در سرزمین‌مان و در نیم قرن گذشته جستجو کرد. تا آن‌جا که امروز، شمار عناوین کتاب‌های چاپ نخست انتشارات دانشگاه تهران، فزون از دوهزار و هفتصد عنوان است.

اینک به فرخندگی هفتادمین سال پدیداری دانشگاه تهران، این اثر را به همه خواهندگان، به‌ویژه آنان که این شکوه ماندگاری، برآمدی بر تلاش سترگ آنان بود، ارمغان می‌کنیم.

باشد تا انتشار هفتادگنج از گنجینه‌های انتشارات دانشگاه تهران رهاورد پربار این سال باشد.

دکتر محمد شکرچی‌زاده

سرپرست مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

**تطبیق نام های کهن گیاهان دارویی
با نام های علمی
جلد اول**

- تاریخ گیاهان دارویی
- روش استفاده از منابع و متون قدیمی گیاهان دارویی
- نام های کهن گیاهان دارویی
- واژگان و نام های کهن در شناخت نام علمی گیاهان

احمد قهرمان

استاد گیاهشناسی دانشکده علوم دانشگاه تهران

احمد رضا اخوت

عضو علمی گروه زیست شناسی دانشکده علوم دانشگاه تهران



انتشارات دانشگاه تهران

شماره ۲۶۴۸

شماره مسلسل ۴۸۰۸

قهرمان، احمد، ۱۳۰۷ -
تطبیق نام‌های کهن گیاهان دارویی با نام‌های علمی ... / احمد قهرمان، احمد رضا اخوت. -
تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۳. -
ج: ۱. جدول. - (انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره ۲۶۴۸)
ISBN 964-03-4808-2 (ج. ۱) ۸۵۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
ص.ع. به انگلیسی:
Ahmad Ghahreman, Ahmad Reza Okhovvat.
Matching the Old Medicinal Plant Names With Scientific Terminology.

۱. گیاهان دارویی - - نامها - - واژه‌نامه‌ها. ۲. گیاهان دارویی - - واژه‌نامه‌ها - - چندزبانه. ۳.
فارسی - - واژه‌نامه‌ها - - چندزبانه. ۴. واژه‌نامه‌های چندزبانه. الف. اخوت، احمد رضا. ب. عنوان
۱۳۸۳ ۵۸۰/۳ QK ۹۹/آ۱ ق ۹
م ۸۲-۳۵۲۷۶ کتابخانه ملی ایران

شابک ۹۶۴-۰۳-۴۸۰۸-۲ ISBN 964-03-4808-2

عنوان: تطبیق نام‌های کهن گیاهان دارویی با نام‌های علمی

تألیف: دکتر احمد قهرمان، احمد رضا اخوت

ناشر: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تاریخ انتشار: بهار ۱۳۸۳ (چاپ اول)

چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است.

«کلیه حقوق برای دانشگاه تهران محفوظ است»

بها: ۸۵۰۰ ریال

پست الکترونیک: Press@ut.ac.ir - آدرس سایت: Press.ut.ac.ir

فهرست

عنوان

پیش سخن

مقدمه

- ۱ تاریخ شناخت گیاهان دارویی.....
- ۱۲ روش استفاده از منابع و متون قدیم گیاهان دارویی.....
- ۱۲ ۱ - ضرورت برگردان متون طبّی کهن و تعیین معادل نام علمی آن ها.....
- ۱۴ ۲ - روش استفاده از متون قدیم.....
- ۱ - ۲ - شناخت دوره های اوج طب در ادوار تاریخ کهن و تفکیک کتب
بجای مانده از این دوره ها.....
- ۱۴ ۲ - ۲ - عناوین و موضوعات متفاوت کتب دارویی قرون و اعصار.....
- ۱۵ ۲ - ۳ - معادل یابی و تطبیق واژگان متون قدیم با واژگان علمی.....
- ۱۵ ۲ - ۴ - تفکیک عناوین و روش های تجربی و استدلالی در متون قدیم.....
- ۲ - ۵ - لزوم تصحیح ادبی نوشتاری متون قدیمی، دسته بندی موضوعات
مختلف آن ، برای ایجاد فرهنگ طب گذشته.....
- ۱۵ ۳ - روش شناسایی گیاهان دارویی مذکور در متون کهن.....
- ۱۷ ۴ - نام ها، نشانه ها و واژگان گیاهان دارویی متون کهن.....
- ۱۷ ۱ - ۴ - تفکیک و طبقه بندی نام ها در متون گذشته.....
- ۱۹ آمار نام های محلی عربی و معرب.....
- ۲۰ آمار نام های محلی غیر عربی.....
- ۲۱ جدول ۱ - آمار نام های کهن گیاهان دارویی از دیسکورید تا مخزن الادویه
- ۲۱ جدول ۲ - آمار نام های گیاهان دارویی در کتاب جامع ابن بیطار.....
- ۲۱ جدول ۳ - آمار نام های گیاهان در کتاب صیدنه و مخزن الادویه.....
- ۲۲ ۲ - ۴ - اثر برخوردها و یا تداخل فرهنگ ها در گوناگونی نام گیاهان دارویی..
- ۲۲ ۳ - ۴ - نگاهی بر تحول نام های کهن گیاهان دارویی در کتب فوق و نتایج آن

| | |
|-----|--|
| ۲۳ | ۴ - ۴ - نکاتی در مورد نام ها |
| ۲۴ | ۵ - ۴ - منابع مورد استفاده کتاب |
| ۲۸ | فصل اول : نام های کهن گیاهان دارویی با ترتیب الفبایی زیر |
| ۳۴ | حرف الف |
| ۷۰ | حرف ب |
| ۹۳ | حرف ت |
| ۱۰۰ | حرف ج |
| ۱۱۰ | حرف ح |
| ۱۲۷ | حرف خ |
| ۱۴۱ | حرف د |
| ۱۴۹ | حرف ذ |
| ۱۵۲ | حرف ر |
| ۱۶۰ | حرف ز |
| ۱۶۶ | حرف س |
| ۱۸۳ | حرف ش |
| ۱۹۴ | حرف ص |
| ۱۹۷ | حرف ض |
| ۱۹۹ | حرف ط |
| ۲۰۵ | حرف ظ |
| ۲۰۵ | حرف ع |
| ۲۱۸ | حرف غ |
| ۲۲۱ | حرف ف |
| ۲۳۱ | حرف ق |
| ۲۴۸ | حرف ک |
| ۲۶۵ | حرف ل |
| ۲۷۵ | حرف م |
| ۲۸۷ | حرف ن |
| ۲۹۳ | حرف و |

| | |
|-----|--|
| ۲۹۶ | حرف ه |
| ۲۹۹ | حرف ی |
| ۳۰۲ | فصل دوم : واژگان و نام های کهن در شناخت نام علمی |
| ۳۰۵ | ۱ - تعیین نام علمی گیاهان با استفاده از منشاء نام های کهن یونانی |
| ۳۰۵ | ۱ - ۱ - نگاهی به ریشه یونانی نام های علمی کنونی |
| ۳۰۵ | ۱ - ۲ - نگارش و آوانویسی درست حروف عربی ، فارسی ، سریانی ، بربری |
| ۳۰۵ | الف - نگارش حروف یونانی به حروف عربی ، فارسی ، سریانی ، بربری |
| ۳۰۶ | ب - نگارش حروف یونانی به حروف لاتینی |
| ۳۰۷ | ج - معرب حروف لاتینی حسب کتاب ابن بیطار |
| ۳۰۸ | ۳ - ۱ - فهرست نام های علمی با منشاء نام های یونانی |
| ۳۲۲ | ۲ - برگردان نام های لاتینی گیاهان به توسط ابن بیطار در قرن هفتم |
| ۳۵۸ | ضمیمه ۱ : فهرست نام های کهن گیاهان دارویی به ترتیب حروف الفبا..... |
| ۴۴۴ | ضمیمه ۲ : فهرست نام های کهن گیاهان دارویی در زبان های مختلف |
| ۴۴۶ | ۱ - نام های عربی و معرب |
| ۴۸۱ | ۲ - نام های فارسی و محلی |
| ۴۹۳ | ۳ - نام های یونانی ، لاتینی و رومی |
| ۵۱۰ | ۴ - نام های هندی ، سندی و بنگالی |
| ۵۱۵ | ۵ - نام های سریانی |
| ۵۱۸ | ۶ - نام های بربری و نبطی |
| ۵۲۰ | ۷ - نام های ترکی |
| ۵۲۱ | ۸ - نام های متفرقه |
| ۵۳۴ | ضمیمه ۳ : فهرست نام های علمی و انگلیسی |
| ۵۳۶ | ۱ - نام های علمی گیاهان دارویی به ترتیب حروف الفبا |
| ۵۸۹ | ۲ - نام های گیاهان دارویی به ترتیب خانواده |
| ۶۴۲ | منابع |

پیش سخن

در دو دهه اخیر استفاده از گیاهان دارویی به هر دلیل بیشتر شده است و کتاب‌های گیاهان دارویی بسیاری، با ارزش‌های علمی متفاوت و غالباً کم محتوا، چه در شناخت و چه در کاربری گیاهان دارویی تالیف یا ترجمه شده است. بررسی کتاب‌های گیاهان دارویی تالیفی و یا ترجمه‌ای بازار، همه حاکی از چند گیاه دارویی شناخته شده معمولی، با محتوای یکسان و برگردان و یا برگرفته از کتاب‌های معمولی گیاهان دارویی عرضه شده در پیشخوان سوپر مارکت‌های اروپایی و آمریکایی است و فاقد اعتبار و یا منابع علمی قابل ملاحظه‌اند. در حال حاضر بازار کتاب اشباع از این قبیل کتاب‌های گیاهان دارویی است و هر از چند گاه نیز کتاب‌های دیگری با همان محتوا، با شکل و نحوه تبلیغ تازه و با شرحی از فواید و خواص اغراق آمیز و معجزه آسای درمان با گیاهان محتوای آن‌ها انتشار می‌یابد. گذشته از این دسته کتب، کتاب‌هایی نیز با عناوین گیاهان دارویی سنتی، گیاهان شفابخش طب سینایی و از این قبیل، با ذکر نام گیاهانی که تقریباً در همه آن‌ها تکراری است و با مولفان مختلف و غالباً بدون ذکر منابع مورد استفاده، چاپ و عرضه می‌شود. انتشار این قبیل کتب، همراه با تبلیغات و ذکر شواهد درمانی گیاهان مذکور در آن‌ها و پیدایش موسسات گوناگون خصوصی، نیمه خصوصی و دولتی و همچنین نهادهای دست اندرکار گیاهان دارویی و تجارت آن، باعث ظهور خودجوش برخی تشکیلات مخفی و یا نیمه آشکار در خرید و فروش گیاهان دارویی شده است. عرضه انواع گیاهان با عناوین دارویی، در بسته بندی‌های رنگارنگ و یا بصورت عرقیات در سوپرمارکت‌ها و یا دکان‌هایی با نام‌های طب علفی همگی سبب شده‌اند تا افرادی بدون هیچ مدرک علمی خود را متخصص درمان بوسیله این گیاهان دانسته و با برپایی تابلوهای بزرگ و چراغ نئون، به تبلیغ بسیار گسترده و وسیع این دکان بپردازند و ذهن برخی مردم بی اطلاع را با این تبلیغات غیر واقعی هدف سودجویی خود قرار دهند. متأسفانه هیچ کنترلی بر کار آن‌ها نیست و چنان بازار آشفته مخفی از کاسبی و تجارت گیاهان با عناوین دارویی (که اغلب مستقیماً از طبیعت برداشت می‌شوند) بوجود آمده است که هر سودجوی فرصت طلب و ناآشنا به طب و درمان و ناشناسای گیاهان دارویی خود را صاحب تجربه معرفی کرده و شیادانی نیز بساطی از گیاهان به عنوان دارویی و

طب سنتی گسترده، از اعتماد و باور خلق ساده و غالباً کم در آمد استفاده می‌کنند و چشم به کیسه بضاعت بیماران لاعلاج و بستگان مستاصل آن‌ها داشته باشند. ناگفته نماند موسسات علمی و پژوهشی و دانشگاهی یا غیر دانشگاهی و تحقیقاتی نیز وجود دارند که به کار تحقیق در خواص عصاره و ترکیبات و اثر گیاهان دارویی بدون هیچ تبلیغی مشغول هستند.

در حال حاضر بکارگیری تکنولوژی تهیه دارو از گیاهان و شناخت مولکول‌های موثر آن، باعث درآمدهای کلان کشورهای صاحب تحقیقات و تکنولوژی پیشرفته داروسازی شده است. این موسسات سالیانه ده‌ها میلیارد دلار فقط صرف تحقیقات این کار می‌کنند. همچنین موسسات کارتل‌مانندی برای تهیه دارو از گیاهان و تجارت آن در گوشه و کنار جهان وجود دارد. و هر روز مولکول‌های موثری در گیاهان کشف و برای ساخت (کپی) آن الگو برداری می‌شود و با تغییر مولکول‌های همین گیاهان گرانتترین داروها را می‌سازند. مقایسه بهره‌ناچیز و روش ابتدایی و قدیمی ما از این گیاهان، نسبت به استفاده کلان اقتصادی همراه با تکنولوژی پیشرفته از گیاهان دارویی در دیگر کشورهای جهان که از نظر غنای این ثروت خدادادی در حد ما نیستند نشان از اتلاف آشکار این ثروت عظیم کشور دارد و بسیار جای تاسف است، و تاسف بیشتر برداشت غیر مسئولانه این گیاهان به طور انبوه از محیط است که باعث انهدام و انقراض آن در طبیعت می‌گردد، و خود فاجعه‌ای است نامعقول در هدر رفتن ثروت ملی و برهم خوردن شرایط تعادل زیست محیطی کشور، و این در حالی است که بهره‌گیری درست آن می‌تواند جای در آمد نفت را بگیرد. اگر مسئولان کشور از هم اکنون به نتایج این برداشت‌ها از طبیعت توجه نکنند، در آن صورت باید پاسخگوی نسل‌های آینده باشیم که بی شک فرهیخته‌تر از ما هستند.

استفاده از گیاهان دارویی در ایران سابقه چند هزار ساله دارد و گذشته از دوران کهن در دوران اسلامی آثار گرانبهایی از دانشمندان ایرانی و غیر ایرانی در سرزمین ما جا مانده است. برخی از این آثار در یکی دو قرن اخیر، به زبان‌های اروپایی ترجمه گردیده است. به هر حال این حدیثی از سابقه درخشان کاربرد گیاهان دارویی و فرهنگ گذشته ایران است. و اکنون باید متناسب با پیشرفت علم و تکنولوژی از گیاهان دارویی بهره گرفت و اگر کسی ادعا کند در عصر حاضر هم باید از همان روش و شیوه بزرگان علم

طب گذشته ایران (همچون روش بوعلی سینا که به طب سینایی معروف است) از گیاهان دارویی استفاده کرد، بی شک در خواب قرون باقی مانده است. البته جای شک نیست که توجه به تجربه نسل‌ها در استفاده از گیاهان دارویی که پایه دانش این بزرگان را تشکیل می‌داد، امروزه نیز بسیار ارزشمند است. اما پرسش اینست اگر پورسینا (بنا به فرض) امروز هم می‌بود باز همان تجویز ده قرن پیش خود را داشت؟! که بسیار بعید است.

در هر صورت طرح عناوین استفاده از گیاهان دارویی با همان تجویز طبیبان و بزرگان علم پزشکی قدیم در واقع بهانه‌ای برای این مدعیان جهت برداشت گیاهان از طبیعت نیمه خشک ایران و دستبرد به این میراث طبیعی کشور و انهدام آن‌ها است. این مدعیان که حتی نام گیاهان مورد کاربرد این بزرگان را نمی‌دانند، با عنوان نمودن استفاده از روش آنها، نه تنها به ساحت علمی این مفاخر طب گذشته ما بی احترامی می‌کنند بلکه برای جامعه علمی ما در این روزگار پیشرفت سریع علم و توسعه تکنولوژی حقارت آمیز و بازگشت به قرون گذشته و تحقیر عقب ماندگی درخنده دار کردن فرهنگ علمی حال و گذشته است. متأسفانه در این ماجرای ناخوشایند گاهی برخی با عنوان پزشکی و داروساز و حتی با عناوین عضویت در دانشگاه‌های کشور به نحوی با آن‌ها مشارکت دارند.

در سال ۱۳۷۰ که تب کاربرد گیاهان دارویی با عنوان درمان با روش طب سنتی تقریباً بالا گرفته بود و انواع بسته بندی گیاهان دارویی، با تبلیغات وسیع در هر داروخانه و سوپر مارکت و حتی خواربار فروشی‌ها و بالاخره در بازارهای دارویی فروخته می‌شد. محققان و اعضای هرباریوم مرکزی دانشگاه تصمیم به بررسی محتویات این بسته‌ها و مطابقت آن با نام روی بسته‌ها گرفتند. متأسفانه در همان ابتدای بررسی معلوم شد که محتوای بسته‌ها با نام علمی آن‌ها مطابقت ندارد و خواص قید شده نیز مربوط به آن‌ها نیست و در مواردی حتی گیاهان خرد شده داخل بسته‌ها ناشناخته بود. نتیجه مقدماتی این بررسی‌ها سبب شد تا بررسی دقیق آن موضوع طرح تحقیقاتی رساله کارشناسی ارشد با عنوان "بررسی گیاهان دارویی بازار و عطاری‌ها" باشد و به عهده دانشجویی که سابقه‌ای در موسسه تحقیقات گیاهان دارویی داشت قرار گیرد. مقایسه بررسی محتویات بسته بندی‌های جمع آوری شده از بازار با اقلام خریداری شده با همان نام از عطاری‌های سنتی، نه تنها یکی نبود، بلکه با نام علمی آن‌ها نیز در بیشتر موارد مطابقت

نداشت و غالباً دو چیز متفاوت بود. نتیجه آماری این بررسی‌ها بسیار هشدار دهنده و نشان از آشفتگی این بازار بود. لذا بررسی آشفتگی و هرج و مرج بازار گیاهان دارویی، موضوع رساله کارشناسی ارشد دیگری شد تا اولاً معلوم شود نام گیاهان دارویی مورد شناسایی مثلاً بوعلی سینا یا ابن بیطار و دیگران در گذشته چه بوده است و چگونه و با مراجعه به چه منابعی تهیه کنندگان این بسته بندی‌ها آن نام‌ها را روی بسته بندی‌های تهیه شده خود گذاشته‌اند و همچنین منشا نام‌هایی را که عطاری‌ها معمولاً سینه به سینه می‌شناخته و می‌شناسند چیست. پس از سه سال کار روی روش‌های تطبیق نام گیاهان دارویی که در حد یک رساله کارشناسی ارشد بود، به این نتیجه رسیدیم که برای دستیابی به روش تطبیق نام‌های کهن گیاهان دارویی با نام‌های علمی آن‌ها که حداقل ۲۳ قرن سابقه مکتوب دارد. می‌باید کاری چند ساله را شروع کرد. خوشبختانه کار پژوهشی سه ساله آقای احمد رضا اخوت برای مسائل مقدماتی این تحقیق آماده شد و با ادامه این پژوهش اکنون ایشان اصلی‌ترین همکار و شریک شایسته این تحقیق می‌باشند. ضمناً می‌باید از سرکار خانم دکتر فریده عطار که در تمام موارد تطبیق نام‌های علمی و جدا نمودن مترادف‌ها و پژوهش نظام یافته در طبقه بندی موضوع کتاب با ما همکاری مداوم داشتند و از استاد فاضل و دانشمند جناب آقای دکتر موسی ایرانشهر که همیشه راهنما و همکار و مشوق این تحقیق بودند تشکر نمایم، همچنین از عضو دیگر هرباریوم مرکزی دانشگاه آقای مهندس کاظم مهدیقلی که تجربه فراوان در کار گیاهان دارویی و شناخت بازار آن داشته‌اند و از آقای دکتر غلامرضا امین که مشاور آقای احمد رضا اخوت در تهیه رساله کارشناسی ارشد بوده‌اند و از همه عزیزانی که ما را در این پژوهش همراهی نموده‌اند، صمیمانه تشکر نمایم

احمد قهرمان

مقدمه

نام هر کس یا هر چیز معرف هویت آن است. همه چیز با نام شناخته می شود. لفظ یا کلمه «نام» در هر زبانی ریشه عمیق در پیدایش تمدن و تشکیل هر جمعیت دارد. با آنکه نام‌ها در جوامع بدوی و کهن تاریخ، مفهوم گسترده کنونی را نداشته و آواهای ساده بیش نبوده‌اند، ولی افراد خانواده های ابتدایی تاریخ و یا جمعیت‌های قبیله مانند انسان‌های اولیه، با همان «آواهای نام گونه» یکدیگر و موجودات و اوضاع اطراف را می‌شناختند و مثلاً متوجه می‌شدند هر آوا نام کدام حیوان درنده و یا بی‌آزار و پرنده یا خرنده است و یا نام، مربوط به گیاهی خوراکی، سمی، بدطعم و نامطبوع است و یا به عوامل محیطی و اوضاع اطراف مربوط می‌شود.

نامگذاری‌های اولیه به هر ضرورتی و به هر دوره‌ای که مربوط باشد، آغاز راه انتقال آگاهی‌ها و ارتباط بین افراد خانواده‌ها و قبیله‌های بدوی بوده است.

شاید آغاز تکلم و ارتباط آوایی بین انسان‌های روزگاران کهن و ما قبل تاریخ همین «آواهای نام گونه» بوده است. تاریخ پیدایش نام و نامگذاری و بررسی آن نیاز به تخصص زبان شناختی و شناخت جوامع اولیه انسانی دارد که در هر صورت خارج از تخصص ما است. اما همین آواهای نام گونه احتمالاً در جریان توسعه و پیشرفت جوامع اولیه در، مکان‌های مختلف جهان و پیدایش زبان در تمدن‌ها موثر بوده است. نام‌ها با پیشرفت فرهنگ در تمدن‌های پراکنده جهان به تدریج مفهوم عمیق و گسترده پیدا نمودند و بدیهی است در زبان‌های متفاوت، هر شئی یا هر موجودی با ماهیت واحد نامی شناخته شده در آن تمدن و فرهنگ پیدا کرد و در عین حال نسبت به تعالی تمدن و زبان آن جمعیت، نام تداعی کننده بسیاری از خصوصیات و حتی ذات اصلی صاحب آن شد. در جهان کنونی نام اصلی‌ترین معرف هر چیز و هویت هر کس و تغییر ناپذیر است. با پیشرفت سریع و همه جانبه علوم در زمینه‌های مختلف، به ویژه علوم طبیعی و تجربی، وجود نام‌های گوناگون یک گیاه یا یک حیوان در زبان‌های متفاوت جهان، انتقال آگاهی‌های علمی و نشر دانش و پیشرفت جهانی علم را مشکل می‌نمود. لذا دانشمندان علوم طبیعی (به ویژه لینه پدر نامگذاری علمی) از قرن هیجدهم به بعد با طرح قواعد علمی نامگذاری (نوموکلاتور) و اصول رده بندی موجودات و تعریف گونه

به عنوان واحد رده بندی، باعث شدند تا، نام علمی و اصول نامگذاری برای گیاهان و جانوران و دیگر واژگان به مجامع علمی ارائه گردد. در عصر ما نیز هر چند سال یک بار کنگره ای با حضور دانشمندان جهانی این علم در یکی از کشورهای جهان برای نامگذاری علمی و تعیین "کد"های آن با عنوان مجمع جهانی (نوموکلاتور) معروف است.

اما نام های کهن گیاهان دارویی که خارج از این قواعد قرار دارد و تطبیق آن با نام های علمی و یا معادل که موضوع کتاب حاضر است در زبان های قومی و قبیله ای و تمدن ها و فرهنگ های سرزمین های مختلف سوابق چند هزار ساله دارد و در طول تاریخ با برخورد تمدن ها و بروز جنگ ها از زبانی به زبان دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر وارد و در این تداخل گاه چنان دچار سایش از گویش های قومی قرار گرفت و در پوششی از خاکستر قرون و ابر زمان فرو رفت که دست یابی به واقعیت و منشاء آن اگر ناممکن نباشد بسیار مشکل است.

البته از همان آغاز مشکلات این پژوهش برای ما کاملاً محسوس و معلوم بود و ما با وقوف به آن با جمع آوری تمام منابع موجود مانند کتاب های خطی و مراجعه به کتابخانه های معتبر، مانند کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه آستان قدس رضوی و مطالعه فهرست کتاب های کتابخانه مجلس و مطالعات منابع دیگر را آغاز کردیم و رده بندی کتاب ها و منابع خارج از ایران را برای هر قرن قبل و بعد از میلاد مسیح و دوران اسلامی تا قرن حاضر آغاز نمودیم و نام گیاهان دارویی را در متون مختلف از زبانی به زبانی دیگر غربال کردیم تا بتوانیم در حد امکان به نام اصلی و اولیه گیاه نزدیک شویم و از تغییرات آن در برخورد تمدن ها و تداخل فرهنگ ها به ویژه فرهنگ شرق و غرب در هر قرن آگاه گردیم و برگردان نام ها را نیز در زبان های این دوره ها از نظر دور نداریم و به شرح گیاهان در متون مختلف که غالباً غیر علمی و نا مفهوم و عجیب با نام گیاه بوده است دقت کردیم و برای فهم آن گاه به رمزگشایی واژگان در شرح ها پردازیم و در جریان این پژوهش گاه ناچار به ترجمه بخش بزرگی از کتب قدیمی و یا تمامی آن کتب دارویی بشویم، از آنجمله برگردان تمامی متن کتاب تفسیر دیسکورید و تنقیح الجامع ابن بیطار در متن این کتاب است که جا به جا دیده می شود. فهرست بقیه منابع مورد استفاده در پایان کتاب ذکر شده است.

تاریخ شناخت گیاهان دارویی

آغاز شناخت گیاهان دارویی تمدن یونان و رم / غرب قدیم
اگر از دوران ماقبل تاریخ بگذریم تاریخ کهن شناخت گیاهان دارویی به عهد عتیق و به دوران ارسطو بر می‌گردد.

ارسطو (۳۳۰ ق.م) اولین کسی است که آثار و مطالبی مکتوب مربوط به شناخت گیاهان دارد. البته قبل از او در آثار کهن مصر (حدود ۲۶ قرن ق.م) در «پاپیروس»ها (*Papyrus*) و «ابرز» (*Ebers*) مطالبی از گیاهان با شرح خاصی از موارد استفاده از آن‌ها باقی مانده است. ولی ارسطو نخستین اندیشمندی است که از رشد و نمو گیاهان، ماده سازی و از تفاوت آن‌ها و چگونگی استفاده آن‌ها از مواد خاک [سیاه خاک] مطالبی نوشته است. نوشته او بدون هیچ مبنای علمی تا چندین قرن بعد از او مورد قبول همه بود و حتی تدریس می‌شد.

«توفراست» یا «توفراستوس» شاگرد ارسطو که در سالهای ۲۵۸-۳۷۰ قبل از میلاد طیب بود [و بعدها به او پدر گیاه‌شناسی گفته‌اند]، علاوه بر آن که پیرو فلسفه استاد خود ارسطو بود تحت تأثیر نظریات «پلاتو» (*Plato*)^(۱) استاد ارسطو نیز قرار داشت. او رده بندی بسیار ابتدایی از روی ریختار یا قیافه [*Habit*] گیاهان، چرخه رشد، یک ساله یا چند ساله بودن، شکل گل آذین و نحوه رشد آن و همچنین وضع گلبرگ‌های گل‌ها در کتابی به نام «هیستوریا پلانتاروم» (*Historia Plantarum*) بر مبنایی مبهم و ناشی از استنباطات نخود، دارد. او بر این مبنای تفکر ۴۸۰ گیاه را در کتاب مزبور رده بندی نمود که اساس آن کاملاً دور از حقیقت و واقعیت است. متأسفانه این نظر از ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح تا قرن ۱۸ ماخذ و مبنای نگارش کتاب‌ها و آثار بسیار دیگر بود. توفراست به مقتضای شغل خود از گیاهان برای درمان استفاده می‌کرد. [متأسفانه آثاری در این مورد از او باقی نمانده است]

بعد از توفراست باید از بقراط یا «هیپوکرات» (*Hippokrates*) بزرگ‌ترین پزشک جهان باستان و هم عصر توفراست (۱۳۱ ق.م) نام برد که ادامه مکتب او بعدها منجر به مکتب طب جالینوسی شد. از این دانشمند که از گیاهان برای درمان استفاده می‌کرد مطالب و آثاری از نحوه درمان با گیاهان دارویی و یا توسط مواد گیاهی باقی مانده است.

بعد از این دانشمندان عهد عتیق می‌باید در سال‌های ۷۹ تا ۲۳ بعد از میلاد مسیح از «پلینی کهن» یا از «کارینوس پلینوس سکوندوس» (*Gaius Plinius Secundus*) یاد کنیم. او مجموعه آثاری در ۳۷ جلد به نام «تاریخ طبیعی» حاوی دانش‌ها و اطلاعات عصر و زمان خود دارد. ۹ جلد از مجموعه آثار او مربوط به گیاهان دارویی است که متأسفانه همه مطالب آن‌ها غیر واقعی و دور از حقیقت است. و جای تأسف است که تا قرن‌های بعد، یعنی تا پایان قرون وسطی آثار او سایه‌ای سنگین و تاریک بر بروز و ظهور آثار

علمی گیاه شناختی انداخته و سبب رکود این علم شده بود.

در همین عصر می‌باید از «دیوسکورید» [پدانیوس دیوسکوریدس] (*Pedanius Dioscorides*) طبیب و جراح، به ویژه جراح و طبیب ارتش روم در زمان نرون (در سال‌های ۷۵-۴۵ بعد از میلاد مسیح) اشاره کنیم که پس از ثوفراست، مشهورترین دانشمند در شناخت گیاهان دارویی دوران عتیق است. دیسکورید چون جراح ارتش امپراتوری روم بود همراه با ارتش مهاجم روم مسافرت‌های بسیاری به خارج از روم داشت. و از موقعیت این سفرها توانست از خواص گیاهان دارویی متداول در نقاط مختلف جهان آن روز اطلاعات فراوانی کسب کند و مجموعه اطلاعات و دانسته‌های خود را در کتابی معروف به نام «ماتریا مدیکا» (*Materia Medica*) که شامل شرح و خواص حدود ۶۰۰ گیاه دارویی است بنویسد. بعدها او با افزودن تصاویر جالب بر این کتاب کاربرد و معرفیت آن را بالا برد. نام ماتریا مدیکا [کتاب او] بتدریج کم رنگ و به نام خود او [دیسکورید] معروف شد. این کتاب در طول ۱۵ قرن به چنان شهرتی رسید که فقط گیاهان ذکر شده در آن اعتبار دارویی داشتند.

معروف‌ترین نسخه این کتاب پس از سال‌های طولانی از تاریخ انتشار آن، برای «جولیان» (*Juliana*) دختر امپراطور وقت روم «فلایوس اولی بریوس آنیئوس» (*Flavius Olybrius Anieius*) تهیه شد. نسخه‌های کلیشه‌ای این کتاب امروزه در کتابخانه‌های دنیا و نسخه اصلی و خطی آن در وین وجود دارد. در مورد این کتاب باید گفت با آن که خواص هر گیاه ذکر شده در آن فاقد هرگونه واقعیت علمی و پر از مطالب غیرواقعی است ولی تا یک قرن پس از هزاره میلاد مسیح همه آثار و کتب مربوط به گیاهان دارویی انتشار یافته در غرب غالباً ترجمه‌ای از دیسکورید و یا برگرفته از آن بود که ذکر همه آنها باعث اطاله مطالب ما است.

پیشگامان و نامداران دانش شناخت گیاهان دارویی در شرق

هزاره اول میلاد مسیح دوران طلوعه دانش گیاه‌شناختی در شرق است که تاریخی جدا از غرب دارد و با جنبه‌های کاربردی در درمان و تهیه داروهای گیاهی و مواد پزشکی معمول در شرق مشخص می‌شود. اما در عین حال بخشی از آن متأثر از شیوه‌های درمان غرب آن روز به ویژه روش دیسکورید و بخش عمده آن خاص شرق است. متأسفانه همه آگاهی‌ها و آشنایی‌ها به خواص داروها و گیاهان دارویی و همه دانستنی‌ها در مورد این گیاهان در شرق به علت عدم نشر آن‌ها [نسخه‌برداری‌های مکرر یا چاپ]، در داخل قوما و قبایل دور از هم سرزمین‌های شرقی و در سینه طبیبان، به صورت بسته و محدود باقی ماند و کمتر از آن خارج شد. بشریت وقتی در پژوهش‌های خود از این تجربیات گران قیمت قومی اطلاع یافت که جنگ‌هایی بین تمدن‌های ایران و روم، ایران و یونان و ایران و مصر و هندوستان و چین و سایر تمدن‌های آن روزی پیش آمد و موجبات تبادل اطلاعات و آگاهی از خواص گیاهان دارویی در بین این تمدن‌ها فراهم شد. مؤید این نظر، ریشه‌های متفاوت اسامی گیاهان دارویی است که گاه ایرانی و حتی محلی و قومی، گاه یونانی، عربی، هندی و یا چینی و غیره است. این اسامی به مرور زمان در هر کشور و در بین هر ملتی بر حسب زبان و حتی گویش‌های آنها غالباً دچار تغییرات متفاوت کم و یا زیاد کلامی شدند و اسامی تغییر یافته به سرزمین‌های دیگر یا حتی سرزمین منشاء منتقل گردید. در سرزمین ما متأسفانه در لشکرکشی اسکندر و حمله اعراب کتابخانه‌ها دوبار دچار آتش سوزی و انهدام شدند و همچنین کتابخانه مشهور اسکندریه در آتش سوزی عمدتاً نابود شد و بیشترین منابع و آثار و کتاب‌های

جمع آوری شده در آن سوخت و خاکستر شد، بدین ترتیب سوابق گیاهشناسی شرق کهن در دو تمدن ایران و مصر بر اثر این آتش‌سوزی‌ها فاقد هرگونه مدارک دیرینه شناخت گیاهان دارویی و خواص آن‌ها گردید. متأسفانه بعدها نیز بر اثر تخریب قلاع فرقه اسماعیلیه و آتش زدن کتابخانه‌های آن به وسیلهٔ هلاکوخان مغول، بقیهٔ آثار مکتوب گیاهان دارویی که توسط این فرقه جمع آوری شده بود از میان رفت.^(۱)

آغاز کاربرد وسیع گیاهان دارویی و رونق و گسترش آن در کشورهای شرقی به خصوص در دوره اسلامی به زمانی که شرق به کارها، نوشته‌ها و ترجمه‌های آثار بقراط، جالینوس و کتاب‌های دیوسکورید و پلین کهن و دیگران دسترسی پیدا نمود مربوط می‌شود. زیرا کارها و آثار این دانشمندان یونانی مستقیماً از طریق سوریه به شرق رسید و در اوایل قرن سوم میلادی در «بیت الحکمة» به عربی ترجمه شد. «بیت الحکمة» در سال ۳۳۲ هجری مطابق با ۸۴۷ میلادی، بوسیله «المأمون» خلیفه عباسی در بغداد تأسیس شده بود و به وسیلهٔ جانشینانش به خصوص «المتوکل» مورد حمایت و توجه بیشتر قرار گرفت. منابع ترجمه شده «بیت الحکمة» توسط پزشکان این دوره و پزشکان ادوار بعدی، چه به صورت نظری و چه به صورت عملی مورد استفاده قرار گرفت و بسیاری از اسامی یونانی گیاهان دارویی معرب شد. برخی اطلاعات مکتوب و ترجمهٔ این آثار، یکی از منابع اصلی و مهم مورد استفاده و استنباط پزشکان و داروسازان ایران، عرب، یهود، مسیحی و غیره را تشکیل داده است. کتاب گیاهان یا «الحشایش» یکی از مهم‌ترین ترجمه‌های این منابع است که در واقع همان ترجمه «ماتریا مدیکا» دیوسکورید است و از آن زمان و حتی تا همین اواخر به عنوان طب سنتی همیشه مورد استفاده قرار می‌گرفت و هنوز هم از آن استفاده می‌گردد. ترجمه «ماتریا مدیکا» در واقع توسط «استفان بن بسیل» با کمک استادش «حنین بن اسحاق» که پزشک و مترجم بود صورت گرفت. در کتاب الحشایش شرح حدود ۶۰۰ گیاه که عمدتاً مربوط به نواحی مدیترانه هستند مذکور است و اسامی آن‌ها به زبان‌های دیگر نیز آمده است یکی از ویژگی‌های این کتاب ذکر اختصاصات «ریخت شناختی» گیاهان دارویی است و خواص پزشکی آن‌ها نیز ذکر گردیده است.

«علی ابن سهل ربن طبری» در سال ۲۳۶ هجری برابر با ۸۵۰ میلادی کتاب «فردوس الحکمة» را به نام «المتوکل» خلیفه عباسی تدوین نمود. او در این کتاب ۲۰ گیاه جدید و مواد گیاهی را که دانشمندان یونانی نمی‌شناختند، با نام‌های فارسی و عربی ذکر می‌کند و بر آنچه دانشمندان یونانی نام برده بودند می‌افزاید.

از دیگر دانشمندان مهم عرصهٔ گیاه شناختی دارویی، می‌باید از «یوحنا بن ماسویه» پزشک و گیاه‌شناس ایرانی و یکی از آخرین استادان و پزشکان نامی دانشگاه جندی شاپور (به وسیله خسرو نوشیروان بنا شده بود) در سال ۲۴۳ هجری برابر با ۸۷۵ میلادی نام برد. کارهای علمی و کتاب «معرفی نامه داروهای گیاهی» این دانشمند و دیگر پزشکان هم عصر او مانند «عیسی بن ماسه» در سال ۲۵۷ هجری مطابق با ۸۸۸ میلادی و همچنین «ابوزید ارجانی» و برخی دیگر کاملاً از بین رفته و نابود شدند. از اهمیت کارهای ارزشمند این دانشمندان همین بس که پزشکان و دانشمندان بعد از آن‌ها در آثار خود

۱- فرقه اسماعیلیه با صدور گیاهان دارویی به نقاط مختلف ایران و کشورهای جهان آروز نوعی تجارت مخفی برای رفع نیازهای مالی پیروان خود در نواحی مختلف داشت و به همین علت به آن‌ها «حشاشیون» می‌گفتند. این نام به علت ترورهایی که افراد این فرقه مرتکب می‌شدند بعدها در غرب به اساسین یا تروریست مشهور شد.

اشاراتی بر کارهای ارزنده آن‌ها دارند و در برخی از تألیفات خود از کارها و آثار این دانشمندان با اهمیت خاصی نام می‌برند از جمله این دانشمندان «ابن بیطار» است که در کتاب خود معروف به «الجامع لمفردات الادویه والتغذیه» از کارهای «یوحنا» که یکی از قدیمی‌ترین کارهای ارزنده در ایران است و در آن بیش از ۲۹ رقم از گیاهان دارویی و مشتقات آن‌ها و برخی از گیاهان معطر که ارقام جدیدی در آن زمان بوده‌اند و در آثار یونانی‌ها و پزشکان اسلامی دیده نمی‌شود، نام می‌برد.

یکی از دانشمندان نامی ایران «محمد بن زکریای رازی» است. این دانشمند بزرگ ایرانی (سال‌های ۲۵۰ تا ۳۱۳ هجری قمری مطابق با ۹۲۵ تا ۸۶۴ میلادی) نه تنها در کارهای مربوط به گیاهان دارویی مطالعات عمیق داشته است بلکه نخستین دانشمندی است که تمام کارهای فارماکولوژی و همه واژه‌هایی که تا آن زمان چه از دانشمندان غرب و چه از دانشمندان شرق باقی مانده بود را مورد مطالعه و بحث قرار داد و دایرة المعارفی در درمان شناسی به نام کتاب «الحاوی فی الطب» و کتاب خلاصه پزشکی، به نام «المنصوری» و کتاب دیگری به نام «منافع لاغذیه و دفع مضارها» را نوشت. این کتاب‌ها و بقیه آثار او مخزن و مرجع مهم اطلاعات گیاه شناختی برای نسل‌های متمادی در شرق و غرب بوده است. آثار این دانشمند به زبان‌های دیگر به ویژه به زبان لاتینی نیز ترجمه شده و در کتابخانه‌های دانشگاه‌های غرب و حتی کتابخانه‌های کلیساهای معروف جهان باقی مانده است «محمد بن زکریای رازی» حدود ۶۳۰ گیاه را که مصرف پزشکی و دارویی دارند در بخش بیست و یکم کتاب «الحاوی» ذکر می‌کند.

«علی بن عباس مجوسی اَرْجانی» از دیگر دانشمندان عالیقدر ایرانی است که پزشک مخصوص عضدالدوله بود. او در کتاب «کامل الصناعات الطبییه»، خود را شاگرد «ابوماهر موسی بن یوسف بن سیار مجوسی» معرفی می‌کند. جالب‌ترین بحث این کتاب آن است که «اَرْجانی» در آن از پزشکان یونانی و مقلد اسلامی آن‌ها انتقاد کرده و به نظر او بسیاری از نظرهای فارماکولوژی و به ویژه نام گیاهانی که آن‌ها در کشورهای شرقی نامبرده‌اند قابل تشخیص و شناسایی نمی‌باشد. او شیوه‌های مداوا را که خود به کار می‌برده است، در این کتاب شرح داده و از داروهایی نام می‌برد که قبلاً مکرر به وسیله پزشکان پارسی و عراقی تجربه شده و به کار می‌رفته است. «اَرْجانی» در این کتاب بسیاری از داروهای ذکر شده به وسیله پزشکان یونان قدیم را مردود می‌شناسد. او می‌گوید پزشکان فارسی و عراقی آن‌ها را مصرف نمی‌کنند. در کتاب و آثار مجوسی حدود ۳۳۳ گیاه و مشتقات گیاهی دیده می‌شود که شرح مختصر آن‌ها تقریباً همان شیوه شرح جالینوسی است. از ارزنده‌ترین آثار مجوسی نوعی رده بندی گیاهان دارویی در کارهای او است که کار شناسایی این گیاهان را عملی و آسان می‌سازد. او در واقع اولین بنیانگذار رده بندی نوع «کیمیا تاکزونومی» است. زیرا طبق خواص گیاهان، آن‌ها را به ۱۳ گروه و یا طبقه تقسیم کرده است مانند:

- ۱ - سبزیجات (بقول) نظیر بادرنجبوه، (*Melissa officinalis*)، ریحان یا «بارزوج» (*Ocimum Sp.*)، اسفناج (*Spinach*)
- ۲ - علفها یا «حشایش» مانند «برنجاسف» یا درمنه (*Artimisia Vulgaris*)، شاهتره (*Fumaria Sp.*)، بادآورد (*Volutarella divaricata*)، پرسیاوشان (*Adiantum capillus veneris*) و غیره
- ۳ - گیاهانی که بذیشان مصرف می‌شود، مانند پنچ انگشتی (*Vitex angus-castus*)، سیاهدانه (*Nigella*)

- ۴- گیاهانی که دانه‌های مصرفی دارند (حبوب)، مانند «ماش» (*Vicia*) «کاکنج» یا عروسک پشت پرده (*Physalis alkekengi*)
 - ۵- سبزیهایی که میوه‌هایشان مصرف می‌شود (سماز)، مانند بادمجان (*Solanum melongena*)، بطیخ هندی یا هندوانه (*Citrulus vulgaris*) و غیره.
 - ۶- درختان بلند و درختچه‌ها، که شامل درختان باغ و درختان کاشته شده با میوه‌های خوراکی هستند، (شجر) نظیر فندق «فتق» یا پسته، گردو، نارگیل، اترج و غیره
 - ۷- درختان وحشی که میوه آن‌ها قابل استفاده نیست، چون «گازمارچ» یا گز (*Tamarix*)، سپستان^(۱)، شاه بلوط^(۲) و غیره.
 - ۸- گیاهانی که گل‌هایشان مورد استفاده قرار می‌گیرد، مانند: نسترن (*Rosa sp.*)، نیلوفر آبی (*Nymphaea*) و بید مشک (*Salix aegyptica*) و غیره.
 - ۹- گیاهانی که برگ‌های مورد مصرف دارند، مانند آزاد درخت^(۳)، سرو و زربین درخت.
 - ۱۰- گیاهانی که پوست و ریشه قابل استفاده دارند، مانند «پهن» (*Centaurea behen*) نوعی گل گندم، دیودار، سورنجان (*Colchicum*) و غیره.
 - ۱۱- گیاهانی که بن (ریشه، غده، پیاز و ریزوم) قابل استفاده دارند، مانند بصل یا پیاز، سلجم یا شلجم و غیره.
 - ۱۲- گیاهان روغنی که از آن‌ها روغن می‌گیرند (دهن)، مانند یاس زنبقی (*Jasminum sambac*)، بالسان^(۴) یا بالم و غیره.
 - ۱۳- گیاهانی که انواع صمغ‌ها را از آن‌ها می‌گیرند، مانند «افیون» (*Opium*)، اندروت (*Sarcocolla*) کهربا (عنبر زرد) و نیل و غیره.
- «کتاب النبات ابوحنیفه دینوری»، (۲۸۳ ه.ق.) از جمله آثار ارزنده آن سال‌هاست. این کتاب دارای دو بخش یا دو قسمت متمایز است، بخش اول آن واژه‌شناسی (ترمینولوژی) عربی در موضوعاتی است که کم و بیش با گیاهان ارتباط دارد. دینوری در این قسمت از کتاب برای هر یک انواع گیاهان، فصل‌هایی جداگانه تخصیص داده است. در قسمت دوم کتاب او در کاربرد گیاهان، به ترمینولوژی عربی و نام‌های مترادف گیاهان توجهی خاص دارد. در قسمت اول و همچنین در فصل‌هایی از این کتاب در مورد قارچ‌ها و گیاهانی که در رنگرزی و عطرسازی به کار می‌روند و همچنین گیاهان دارای صمغ و گیاهان قابل استفاده در دباغی و گیاهانی که از الیاف آن‌ها برای تهیهٔ ریسمان، نساجی و یا موارد دیگر در صنعت استفاده می‌کنند، نام می‌برد. فهرست الفبایی این کتاب شامل یازده حرف یعنی از حرف «الف» تا حرف «ز» و شامل ۴۸۲ باب است که ۴۴۰ باب آن مربوط به گیاهان و واژه‌های گیاهی است. بقیهٔ باب‌های این کتاب به مترادف‌ها، منابع، موضوعات اصلی، اظهارنظرها و یادداشت‌های کوتاه مربوط می‌شود.
- م. حمیدالله - در واقع ویراستاری است که با افزودن ۱۴۵ باب به کتاب النبات، مجموع باب‌های آن

۱- سپستان *Cordia myxa* L. و انبره *Cordia dicotoma* Boiss. دارای میوه با لعاب داروئی هستند و در تهیه چسب نیز از آن استفاده می‌کنند.

۲- شاه بلوط *Casanea sativa* Mill. دارای میوه خوراکی است.

۳- میوه و دانه‌های آزاد درخت یا چریش با نام علمی *Melia azadaracha* L. هستند و خاصیت حشره‌کش دارند.

۴- بالسام به ماده رزینی از گیاه *Abies balsama* (که در کانادا می‌روید) گویند.

را به ۶۳۷ باب که ۵۰۷ باب آن به گیاهان و ۱۳۰ باب به مترادف‌ها و منابع اختصاص دارد. «کتاب النبات» عمدتاً شامل گیاهان سرزمین‌های عربی و ضمناً حاوی اطلاعاتی چند از گیاهان غیر بومی و خارج از فلات و گیاهان ایرانی و نام‌هایی معادل برای نام‌های عربی است.

ابومنصور موفق هروی، (۳۰۷ هجری مطابق با ۹۸۰ میلادی) صاحب کتاب «الابنیه عن حقایق الادویه» از دیگر دانشمندان هم عصر با مجوسی است. به ویژه کتاب او اولین اثر فارسی در معرفی مواد پزشکی و تغذیه به شمار می‌آید. او ۴۵۰ گیاه و مشتقات آن را در کتاب خود معرفی کرده است. هروی در تألیف این کتاب معتقد است، تمام کتاب‌های فارماکولوژی یونانی و اسلامی پیشینیان خود را همراه با کارهای برخی از پزشکان هندی به دقت مطالعه کرده است. به همین علت کتاب او حاوی بسیاری از گیاهان دارویی با نام‌های هندی است که او آن‌ها را به نام‌های فارسی و یا معرب نام می‌برد. مانند اسامی فوفل، هل بویا، کبایه، قولنجان و زردچوبه و غیره.

«ابن سینا» (سال‌های ۳۷۰ تا ۴۲۸ هجری مطابق با ۹۸۰-۱۰۳۷ میلادی)، دانشمند و پزشک نامدار ایرانی که در غرب او را به نام «اَوِیسنیا» می‌شناسند و پس از انقراض تمدن یونان او را بزرگ‌ترین دانشمند جهان و به اشتباه عرب دانسته‌اند. (چون کتاب‌های او به عربی نوشته شده است) در جلد دوم کتاب «قانون فی الطب»، بیش از ۸۰۰ نمونه گیاه طبی و غذایی را نام می‌برد که از آن میان ۵۴۱ گیاه و مشتقات آن‌ها دارای توصیف کاربردی و صفات ریخت شناختی هستند. او اختلاف شکل و صفات گیاهان مشابه و یا نزدیک به هم را (برای اجتناب اشتباه آن‌ها از یکدیگر) با توجه خاصی در کتاب قانون توضیح می‌دهد و در مورد چگونگی استفاده از مشتقات گیاهان دارویی و کاربرد آن‌ها، با ترتیبی خاص، معین و نظام یافته به شرح و تفصیل آن‌ها می‌پردازد.

«ابوریحان بیرونی» (۳۶۲ تا ۴۴۰ هجری مطابق با ۹۳۷ تا ۱۰۴۸ میلادی)، این دانشمند نامی هم عصر ابن سینا مؤلف کتاب معروف «صَیْدَنَه فی الطَّب» است. کتاب صیدنه در نوع خود کتابی جامع و کامل است و در میان تمامی کتاب‌ها و نوشته‌های دانشمندان و فرهنگ‌های دوره اسلامی به عنوان اثری بی نظیر ذکر شده است. بیرونی با اطلاعات وسیعی که در شناخت گیاهان داشته است، با بهره‌گیری از کارهای مؤلفان بزرگ گذشته، به ویژه آشنائی با «ماتریا مدیکا» دیوسکورید و دانشمندان هم عصر خود و با گلچین نمودن و اخذ چکیده‌ای از آن‌ها و افزودن اطلاعات وسیع خود، کتاب «صیدنه» را تدوین و تألیف نمود. مواد پزشکی معرفی شده در صیدنه علاوه بر تمام مواد پزشکی موجود و شناخته شده قبل از او حاوی بسیاری از مواد پزشکی دیگری است که بیرونی خود بر آن افزوده است. در صیدنه به جز برخی مترادف‌ها (سینونیم) و ارجاع‌ها (رفرنس) حدود ۷۷۰ گیاه با مشتقات و صفات درمانی شرح داده شده است. اهمیت دیگر و منحصر به فرد صیدنه، فراوانی بی‌سابقه نام‌ها و اسامی معادل گیاهان است. بیرونی در صیدنه نه تنها نام‌های معادل زبان‌های سنتی (کلاسیک) زمان مانند یونانی، لاتینی، سیریاک، عربی، ایرانی و ترکی را به کار برده است. بلکه نام‌های موسوم در نواحی مختلف را با همان لهجه‌های محلی رایج عصر خود (مانند لهجه‌های بلخی، بخارایی، گرگانی، خوارزمی، سیستانی، بخارستانی و زابلی)، ذکر کرده و نام‌های هندی، سغدی را نیز جمع‌آوری نموده است. منظور بیرونی از ذکر نام‌های محلی همراه با نام‌های سنتی رایج، شناخت بهتر گیاهان دارویی و جلوگیری از اشتباهات متداولی بود که پیوسته از ترجمه نام‌های گیاهان از یک زبان به زبان دیگر مثلاً از سیریاک به عربی و یا از یونانی به سیریاک و عربی، از عربی به ایرانی و از ایرانی به زبان‌های دیگر پیش می‌آمد و مرتباً نیز در ترجمه‌ها

تکرار می شد. اگر به افزایش ورود گیاهان دارویی جدید و داروهای اخذ شده از آن‌ها در زمان بیرونی توجه کنیم، آن وقت به اهمیت و ارزش کار این دانشمندان در ثبت نام‌های محلی گیاهان دارویی در صیدنه آگاه خواهیم شد. بیرونی در تنظیم اسامی گیاهان در کتاب صیدنه از کتاب‌های لغت و مترادفات گیاهان که امروزه مفقود شده بهره گرفته است.

ضیاءالدین ابومحمد ابن بیطار المالقی معروف به ابن بیطار، متولد الماقه اندلس در نیمه دوم قرن ششم هجری معروف از دانشمندان بنام در شناخت گیاهان دارویی و درمان با این گیاهان است. ابن بیطار دارای کتاب «الجامع ابن بیطار» است. از دیگر آثار او «تفسیر دیسکورید» و «تنقیح الجامع» است. ابن بیطار در کتاب الجامع به نقد دانش شناخت گیاهان دارویی دانشمندان قبل از خود پرداخته و آن‌ها را نقد نموده است. ابن بیطار در اصل مدرس علم شناخت گیاهان دارویی به ویژه تدریس کتاب ماتریامدیکا دیسکورید و کتاب جالینوس در دمشق بود. او بسیار سفر می‌کرد و به زبان‌های عربی و یونانی تسلط کامل داشت و نام‌های یونانی را با همان تلفظ به شاگردان خود می‌آموخت. او وقتی گیاهی را در کتاب تفسیر دیسکورید نام می‌برد ولی خود آن را ندیده و نمی‌شناخته این عدم اطلاع و شناخت خود از آن گیاه را با صراحت یاد می‌کند.

قاسم ابونصر هروی مؤلف «کتاب ارشاد الزراعه» (سال ۹۲۱ هجری مطابق ۱۵۱۵ میلادی)، تقریباً اولین ایرانی است که علاوه بر ذکر گیاهان دارویی در این کتاب، به گیاهان کشاورزی و زراعی و درختان میوه نیز در کتاب خود توجه کرده است. در کتاب ارشاد الزراعه ۷۹ گیاه از غلات، سبزی‌ها، میوه‌ها، درخت‌ها، درختان زینتی، گل‌ها و گیاهان دارویی ذکر و شرح داده شده است. تحولی که در کتاب ارشاد الزراعه نسبت به زمان خود دیده می‌شود، پایبندی هروی به مفهومی نزدیک به گونه یا نوع گیاه است که تا آن زمان تقریباً به طور مبهم وجود داشت. او گیاهان را به اقسام و جورهای (وارته‌ها) کاشته شده تقسیم کرده، سپس به تفصیل به شرح گیاهان کاشته شده که خود می‌شناخت می‌پردازد. هروی در نگارش شرح‌ها دقت خاصی که معرف دید علمی او است مبذول می‌دارد. مثلاً برای انگور نزدیک به ۱۰۰ وارته (کلتیوار) برای خربزه ۵۸، برای زردآلو ۳۳، برای گندم و سیب ۱۹، برای کدو ۱۴، برای هندوانه ۶ جور یا وارته ذکر می‌کند. بدیهی است وارته یا جورهایی که او برای این گیاهان شرح می‌دهد همان ارزش واحدهای تاکسونومی امروز را ندارد.

«محمد مومن تنکابنی» (۱۰۷۷ تا ۱۱۰۵ هجری مطابق ۱۶۶۷ میلادی)، حکیم و پزشک شاه سلیمان صفوی یکی از دانشمندان و شخصیت‌های برجسته تاریخ فارماکولوژی گیاهی ایران است. تنکابنی در کتاب خود به نام «تحفة المومنین» مواد پزشکی یونانی - اسلامی، را که بیشتر شامل گیاهان دارویی است، از منابع یونانی و اسلامی اخذ و بر آن مواد هندی را اضافه کرد و همه آن‌ها را با نتایج تجربیات و کشفیات خود تلفیق نمود و بر آن‌ها با نظم الفبایی شرح نوشت. این کتاب نزدیک به ۵۷۵۰ عنوان دارد و شامل ۱۵۲۰ باب اصلی است که ۹۴۰ باب آن به گیاهان دارویی و مشتقات آن‌ها تخصیص دارد. از ویژگی‌های دیگر کتاب تحفة المومنین وجود نزدیک به ۴۲۳۰ نام‌های مترادف و مشابه گیاهی از زبان‌های مختلف یونانی، عربی، عبری، سریانی و بعضی لهجه‌ها و گرایش مختلف خراسانی، اصفهانی، مازندرانی و گیلکی (خزری)، ترکی و هندی و غیره در آن است. شرح گیاهان در این کتاب گاه کوتاه و گاهی نیز نسبتاً مفصل است. به ویژه وقتی گیاه مورد شرح، شباهت نزدیک با گیاهی دیگر داشته و یا چند رقم (وارته) مختلف داشته باشد، معمولاً دارای شرح و تفصیل بیشتری است تا در شناخت آن اشتباه

پیش نیاید. تنکابنی یک محقق بود و برای دریافت و کسب اطلاعات بیشتر از گیاه مورد نظر، مبادرت به کاشت آن می‌نمود. او در شرح ریختار (مورفولوژی) گیاهان دقت خاصی داشت. به عنوان مثال او در شرح «جوز ماتل» (معادل عربی گیاه تاتوره)^(۱) چنین می‌نویسد: «این گیاه هم وحشی است و هم کاشته می‌شود. ارتفاع یا قد آن به اندازه بوته بادمجان ولی برگ‌های آن کمی از بادمجان کوچک‌تر است. گل‌های آن سفید و شبیه گل نیلوفر ولی از آن کمی بزرگ‌تر است. میوه «جوز ماتل» به بزرگی گردو و مانند میوه‌های کوچک خاردار است. دانه‌های درون میوه مشابه دانه سماق و همان بخش مورد مصرف گیاه با طعم خوشمزه است». او همراه با شرح ریخت شناختی گیاه به تفصیل به شرح خواص دارویی گیاه می‌پردازد و سپس به نام‌های مترادف آن مانند جوز قائم، جوزماتا و دهاتورا (که نام هندی آن است) اشاره می‌کند.

محمد حسین عقیلی خراسانی (۱۱۸۳ هجری مطابق با ۷۰-۱۷۶۹ میلادی)، مؤلف آثاری ارزنده چون «مخزن الدویه» و «ذخایر ترکیب» است که مجموعاً به نام «قربادین کبیر» شناخته می‌شود. این دو کتاب عقیلی مجموعاً فرهنگ بزرگ و جامعی در موضوعات فارماکولوژی ایران تا آن زمان است. کتاب مخزن الدویه عقیلی تفصیلی نظام یافته (سیستماتیک) از کتاب تحفة المومنین تنکابنی است که عقیلی اطلاعات دیگری از منابع دیگر را که ظاهراً برای تنکابنی ناشناخته بود، بر آن افزوده است به طور مثال «الادویه القلبیه» ابن سینا و بعضی کارهای پس از تحریر تحفة المومنین و مواد پزشکی هندی را مانند «اکونیت» «بلادور» و «دیودار» و همچنین ذکر نظریات و مشاهدات و تجربیات شخصی نویسنده از این جمله‌اند. از ویژگی‌های کار عقیلی در تألیف این کتاب، به کارگیری نام‌های لاتینی و واژه‌های غربی است که با همان تلفظ غربی در آن آمده است. او نام‌ها و واژه‌های لاتینی و علمی را برای شناسایی و تشخیص بهتر گیاهان به کار می‌گیرد. به کارگیری نام‌های انگلیسی و علمی گیاهان دارویی توسط عقیلی توجه او را به کار دانشمندان انگلیسی که در آن زمان در هندوستان در امور فارماکولوژی و گیاه‌شناسی فعالیت داشته‌اند می‌رساند و نشانی از وجود نوعی نشر دانش در آن زمان است.

دینسانس و آغاز تحول دانش شناخت گیاهان دارویی در غرب جدید

بعد از آثار این دانشمندان که در حقیقت دوران شکوفایی علم در شرق و عصر دوران فضای اندیشه باز اسلامی در مقابل فضای بسته تفکر قرون وسطی غرب (کلیسای اروپا) دارد. یکباره با پیدایش رنسانس و تحولات علمی در غرب، چنان جهشی در اروپا به وجود آمد که حتی کلیسا و کشیش‌ها هم به علم تجربی، به ویژه به شناخت گیاهان دارویی و به مطالعه و پژوهش خواص آن‌ها پرداختند. این گروه که عمدتاً همان حشاشین (هربالیست) غرب بودند برای درمان از گیاهان دارویی جمع‌آوری کرده از طبیعت استفاده می‌کردند و در بین همین هربالیست‌ها، دانشمندان و محققان بزرگی برخاستند که انتشار آثار آنان سبب اعتلای علمی غرب یا اروپا شد. این دوره، آغاز تجربه شناخت علمی گیاهان همراه با توصیف دقیق و همچنین آغاز شرح نویسی علمی برای انتقال بهتر آگاهی‌ها و دانسته‌ها از گیاهان بود و هر سال نیز این آگاهی‌ها فزونی می‌یافت. در سطرور زیر روند توسعه دانش شناخت گیاهان دارویی را در غرب با ذکر آغازگران تحول این دانش،

۱- نام علمی تاتوره *Datura stramonium* و به احتمال زیاد *Datura innoxia* است.

شیوه‌های آنان در بهره‌گیری از گیاهان دارویی، به ویژه نحوه معرفی علمی این گیاهان توسط آن‌ها را یادآورد می‌شویم.

«آلبرت ماگنیوس» (*Albertus Magnus*)، این کشیش که در نوشته‌ها به «آلبرت بوستادت» بیشتر معروف است. در سال‌های ۱۲۸۰-۱۱۹۳ [بعد از ابن‌سینا و بیرونی در ایران] در بحران فکری قرون وسطی اروپا، در باره طب و تاریخ طبیعی و همچنین گیاه‌شناسی کتابی به نام رستنی‌ها [دو و ژتابلیس (*De vegetabilis*)] را نوشت. محتویات و نحوه نگارش این کتاب به خوبی نشان می‌دهد که آلبرت کبیر نیز تحت تأثیر شدید تئوفراست و دیگر دانشمندان و قدمای رم و یونان [مورد قبول کلیسا] قرار داشت و در عین حال برخی مشاهدات خود را نیز در این کتاب آورده است.

«اتوبرونفلس» (*Otto Brunfels*) (۱۴۶۴-۱۵۳۴م) این دانشمند ابتدا کشیش بود، بعد معلم شد و دومرتبه به کلیسا روی آورد و در آخر طبابت را انتخاب کرد. او برخی از گیاهان اطراف خود را جمع‌آوری نمود و به شناخت آن‌ها پرداخت و با شرح و تصاویر آن‌ها را منتشر کرد. شرح گیاهان در کتاب او بسیار ساده، عاری از هرگونه دیدگاه علمی است ولی حاکی از خواص درمانی، ارزش غذایی، طبخی، صنعتی و در واقع بیان ساده جنبه‌های کاربردی و برخی خواص غیر عادی و یا دارویی گیاهان است. برونفلس را در غرب پدر حشاشین یا طبیبان علفی (*Herbalist*) و درمان‌کنندگان با گیاهان طبیعی می‌شناسند. از کارهای برجسته او نگهداری نمونه‌های خشک کرده گیاهان جمع‌آوری شده بود و در واقع نخستین پایه‌گذار هرباریوم در جهان است. هرباریوم برونفلس مجموعه‌ای از گیاهان خشک شده، همراه با تصاویر بود و بیشتر گیاهان معرفی شده توسط تئوفراست، پلینی و دیوسکوریت را در برداشت. او در مورد این کار، کتابی به نام «هرباریوم ویواایکونس» (*Herbarium viva eicones*) را به چاپ رساند که از برجسته‌ترین آثار منتشر شده قرن شانزدهم اروپا (آلمان) است و شامل مطالبی در دسته‌بندی گیاهان گیاهان بی‌گل و گلدار است.

«والریوس کوردوس» (*Valerius Cordus*) از اهالی آلمان از حشاشیون (هربالیست‌ها) هم عصر اتوبرونفلس است (۱۵۴۴-۱۵۱۵ میلادی) کتاب «هیستوریا پلاتاروم» او علاوه بر داشتن نام ۴۴۶ گیاه دارویی، دارای شرح علمی و سیستماتیک گیاهان است و ۲۰ سال پس از مرگ او چاپ شد.

«لئونارد فوکس» (*Leonard Fucsia*) از اهالی آلمان، از دیگر هربالیست‌ها است و کتابی در مورد گیاهان بویژه گیاهان دارویی به نام «دو هیستوریا استیپریوم» (*De historia stiprium*) دارد که در آن علاوه بر شرح نسبتاً مبسوط گیاهان تصاویر آن‌ها نیز برای شناسایی بهتر آنها دیده می‌شود. این کتاب یکی از ارزنده‌ترین آثار دوره رنسانس است.

گذشته از او در این دوره باید از «ویلیام تورنر» (*William turner*) انگلیسی (۱۵۶۸-۱۵۱۰ میلادی) و از «رابرت دو دونس» (*Rambert Dodoens*) آلمانی (۱۵۸۵-۱۵۱۷ میلادی) و از «شارل دولکلوس» (*Charles de l'Ecluse*) و «جان جرارد» (*John Gerard*) انگلیسی در سالهای (۱۵۴۲-۱۶۱۲ میلادی) نام برد که کار و آثار هر یک از آن‌ها موجب شکوفایی علم گیاه‌شناختی در دوران رنسانس شد. از زمان این دانشمندان به بعد معرفی گیاهان دارویی همراه با شرح آن‌ها، جنبه علمی تازه‌ای پیدا کرد و به دانش وسیع‌تر یعنی علم گیاه‌شناسی منجر شد. به تدریج که بر تعداد گیاهان جمع‌آوری شده افزوده می‌شد تفکیک و تمایز آن‌ها از هم دشوارتر شده و ضرورت طبقه‌بندی به طریق ویژه و با روش‌های علمی تازه با نام علم رده‌بندی (تاگزونومی) برای شناسایی گیاهان پیش آمد. از این پس تا زمان لینه و حتی بعد از او

نیز که گیاه‌شناسان طبیب و یا داروساز بودند، انگیزه اصلی آن‌ها شناسایی گیاهان دارویی بود. ولی از آنجا که تعداد گیاهان دارویی بسیار زیاد شده بود و مجموع گیاهان جمع آوری شده نیز به چند هزار می‌رسید. لذا پژوهش در ریختار و خصوصیات کل گیاه [جدا از دارویی بودن یا نبودن آن‌ها] برای تفکیک آن‌ها از یکدیگر، در امر رده‌بندی گیاهان مقوله‌ای جدی و الزامی شد و از آن پس گیاه‌شناسانی که قبلاً فقط با گیاهان دارویی سرکار داشتند پا را فراتر نهاده پژوهش در نحوه طبقه‌بندی گیاهان را در پیش گرفتند و این سرآغاز علمی مستقل به عنوان علم رده‌بندی گیاهان شد. از این پس برای دستیابی به یک رده‌بندی واقعی و کارآمد و شناسایی هر چه بهتر گیاهان توجه به کلیه خصوصیات رستنی‌های سطح زمین امری ضروری و الزامی گردید و پژوهشگران این مسیر، به تدریج به مرزهای جدید و تازه‌ای در علم گیاه‌شناسی رسیدند که هر یک از آن‌ها سرآغاز رشته‌ای تازه شد و دانش ساده [فقط] شناخت نام و هویت گیاه، تبدیل به علوم گیاهی گردید.

در پایان نیمه اول قرن بیستم، با رایج شدن مواد پزشکی ساخته شده (سنتتیک) و شناخت مواد مؤثر درمانی گیاهان و استخراج و تعیین فرمول آن‌ها برای استفاده به عنوان دارو، ساخت مصنوعی این مواد وارد بازار شد و سبب تغییر در آموزش پزشکی گردید از این پس با پیشرفت علم درمان و فنون جراحی و به بازار آمدن داروهای گوناگون ساخته شده با تعیین «دز» مصرف، به ویژه تأثیر سریع آن‌ها در درمان، همه سبب شد تا استفاده مستقیم از گیاهان دارویی [روشهای طب قدیم (سنتی)] به تدریج به دست فراموشی سپرده شود.

تحولات طب در نیمه دوم قرن بیستم

هر چند تحول اساسی در نحوه درمان و علم طب با شناخت علل پاره‌ای از بیماری‌ها از زمان پاستور آغاز گردید و موضوع کشف میکرب و باسیل و نقش آن‌ها در ایجاد برخی از بیماری‌های عفونی و به ویژه اهمیت واکسن و سرم در پیشگیری و درمان برخی از این امراض کاملاً مسلم شد و علم طب مرزهای تازه‌ای پیدا کرد ولی، کشف آنتی بیوتیک‌ها و اثر قاطع و معجزه آسای آن‌ها در درمان فوری عفونت‌ها [قبلاً علاج آن‌ها اگر ممکن بود بسیار مشکل میسر می‌شد] مسیری دیگر بود و از آن پس دانش میکروبیولوژی، بیوشیمی و شناخت آنزیم‌ها و هورمون‌ها توسعه‌ای غیرقابل پیش بینی پیدا کرد و به مرزهای تازه رسید. الگوهای ساختار مولکول‌های حیاتی و عوامل ژنتیکی برخی از بیماری‌های سرشتی، قابل پیش‌بینی شد و مسئله آگاهی‌های جدید هر روزه پزشکی و درمان قطعی بیماری‌ها چنان بُعد حیرت‌آوری پیدا کرد که تا دهه‌های پیش حتی تصور آن به ذهن نمی‌آمد. با کشف داروهای تازه در هر روز و چاره‌های جدید در درمان بیماری‌هایی که قبلاً کشتار می‌کرد و همچنین پیشرفت تکنولوژی در ساخت دستگاه‌های پزشکی، چه در مورد معاینات و چه در اعمال جراحی‌های حیرت‌آور، مرزهای تازه‌ای از علم طب را در مقابل پژوهشگران قرار داد.

طب ایران نیز در راستای تحولات جهانی علم طب از زمانی که اطبای تحصیل کرده ایرانی از خارج به وطن آمدند و با خود فرهنگی از طبابت غرب (طب جدید) و آموخته‌هایی تازه آوردند. این ره آورد سبب شد تا طب سنتی ایران نیز مانند همه جای دیگر در آستانه تحول و جذب پزشکی جدید و تأثیرات سریع آن قرار گیرد. پزشکان آمده از خارج غالباً معتقد به درمان با گیاهان دارویی نبودند و یا اطلاعات لازم در باره آن‌ها را نداشتند و یا حد و حدود مقدار مصرف این داروها را نمی‌دانستند، با

تجویز داروهای جدید سریع التاثیر و درمان محسوس و سریع امراض، روش‌های سنتی درمان مستقیم با گیاهان شناخته شده دارویی به طبای قدیم را کنار گذاشتند. با تأسیس دانشکده داروسازی و پزشکی و تربیت دکترهای داروساز و پزشک در این دانشکده‌ها که پس از فراغت از تحصیل در مراکز استان‌ها و شهرهای ایران مشغول به کار شدند، روش قدیمی طبای سنتی به جز در نقاط دور افتاده و در ایل‌ها [که] کم و بیش باقی مانده بود، در شهرها فراموش شد و تقریباً همه به طب جدید مایل شدند.

زندگی ماشینی و دور شدن انسان‌ها [به خصوص مردم کشورهای صنعتی] از طبیعت و گرایش بازگشت به آن و مطرح شدن اثرات جنبی و نامطلوب برخی از داروهای سنتتیک و این که مصرف داروهای گیاهی و یا گیاهان دارویی کم زیان‌تر از داروهای سنتتیک‌اند و با جای گرفتن نظر مزبور در اذهان عمومی و حتی در محافل علمی و پزشکی گوشه و کنار جهان، ناگهان مصرف گیاهان دارویی و داروهای گیاهی مجدداً با تبلیغی وسیع، مسئلهٔ روز جهان شد. در این میان فرصت طلبان و سودجویان، بازار آشفته‌ای به وجود آوردند و با برانگیختن اذهان مردم عادی با عناوین طب سنتی سینایی، شفابخشی معجزه آسای گیاهان، جوی را باعث شدند که هر ناآگاهی خود را صاحب نظر در درمان با گیاهان دانست و متأسفانه رسانه‌های جمعی آگاهانه یا ناآگاهانه نیز با آن‌ها هم صدا شدند. معلوم نیست در این وضعیت چه باید کرد؟ و چگونه باید از گیاهان برای درمان بهره گرفت و راه درست استفاده چیست؟ در زیر فشار تبلیغات غالباً غیرواقعی که باور مردم عادی را هدف قرار داده است چه باید کرد؟ و مهم‌تر از همه، چه نباید کرد؟ تا دچار اشتباه بزرگی در سلامت جامعه نشویم و یکباره همهٔ اعتماد عامه را که به گیاهان دارویی رو آورده‌اند با سودجویی و عدم اطلاع و هزاران تبلیغ کاذب و دور از حقیقت و واقعیت، دچار آسیب جبران ناپذیر نسازیم. باید جلوی هرج و مرج و آشفستگی و بساط دروغین و پرفریب این کار در گوشه و کنار کشور گرفته شود و به وضع سواد و اطلاعات افرادی که به این کسب (که با سلامت مردم ارتباط دارد) رسیدگی گردد و از اشتغال چشم دوختگان به کیسه بیماران که علاوه بر هستی و سلامت آن‌ها با برداشت بی رویه گیاهان داروئی از طبیعت موجب انهدام آن‌ها می‌گردد، جلوگیری شود و به این هرج و مرج بازار آشفته گیاهان دارویی خاتمه داده شود. واقعاً در این غوغای تبلیغ و سودجویی چه باید کرد و یا احیاناً چه نباید کرد؟

احمد قهرمان

روش استفاده از منابع و متون قدیم گیاهان دارویی

تاثیر و اهمیت گیاهان دارویی در زندگی روزانه اقوام و ملت های مختلف سبب شد تا هر قوم و یا هر ملتی بر حسب توان، ادراک، تجربه و حتی حدس و گمان خود، از اثر درمانی گیاهان به روش های گوناگون استفاده کند. به تدریج انباشت دانسته ها و تجربه ها با گذشت زمان موجب پدید آمدن نظرها و مکتب هایی در ملل و اقوام جهان برای استفاده هر بیشتر از گیاهان دارویی، استخراج مواد پزشکی و یافتن اثر درمانی گوناگون آنها شد.

در مسیر طولانی تاریخ، از کتاب ها و متونی که حاکی از تجربه گذشتگان برای بهره گیری از گیاهان دارویی است بسیار به جا مانده است. استفاده از این تجربیات نسل ها می تواند رهیافتی به گنجینه پر ارزش فرهنگ درمان بشر، در گذشته باشد.

برای بهره گیری از تجربیات گذشتگان، جمع آوری و طبقه بندی متون به جا مانده، برگردان آنها و حتی دانستن اندوخته های تجربی نانوشته و مانده در سینه نسل ها نیز (که در حال حاضر در درون قوم ها و قبیله ها بکار درمان می آید) بسیار مفید و ارزشمند است. بنابراین هر چه متون قدیمی بیشتر بررسی شود و مشکلاتی که برای ادراک مطالب آنها وجود دارد بر طرف شود واقعیت موجود این متون بیشتر معلوم می گردد.

۱ - ضرورت برگردان متون طبّی کهن و تعیین معادل نام علمی آنها:

حکیمان و دانشمندان طب قدیم، با بهره گیری از دانش درمان و آگاهی از فلسفه و تجربیات خود و رجوع به تجربیات گذشتگان و یا دیگر حکمای هم عصر خود، فرهنگی غنی در شناخت گیاهان دارویی و درمان با آنها به وجود آوردند. توجه به نگاه عقلایی - تجربی این منابع و دانستن استدلال و چگونگی به کارگیری شیوه ها و تجربه های طبیبان گذشته در درمان بیماری های شایع عمومی و بیماری های خاص، امروزه نیز بسیار با ارزش است. برای نگاه به این منابع و مقایسه آن با پیشرفت کنونی این علم، به ویژه مقایسه تجربی - استدلالی طب قدیم در برابر بهره گیری از تکنولوژی جدید توجه به مطالب زیر سودمند است: ^(۱)

۱- رجوع شود به کتاب مقایسه طب سنتی با پزشکی نوین نوشته دکتر مصطفوی.

- در ایران تا اواخر دوره قاجار پزشکی به همان شیوه گذشته بود. در آخر این دوره پزشکان به تدریج به طب جدید روی آورده، از داروهای ساخته شده شیمیایی [در اصطلاح قدیمی ها (جوهری)] استفاده کردند. این امر با همه محاسنی که در برداشت ولی به علت جایگزین شدن به جای روش درمانی گذشته، موجب قطع یکباره ارتباط طب قدیم با طب جدید گردید. در حقیقت طب جدید همان تداوم طب قدیم نبود و پزشکان رسماً از مکتب جدید پیروی نمودند و اساس تعلیم و تربیت پزشکی نیز از این پس بر این رویکرد قرار گرفت و طب قدیم آشکارا حذف شد و فقط در بازارهای دارویی ردپایی از آن کم و بیش باقی ماند. همچنین به علت عدم پشتیبانی علمی، معنوی و مالی از طب کهن این طب با همه فرهنگ کهن خود به فراموشی سپرده شد و هرگز موقعیتی برای تداوم و پیشرفت و حتی تغییرات و دگرگونی مناسب (در مقابل طب جدید که مقوله ای جدا بود) پیدا نکرد و مراجعین خود را که عامه مردم بودند از دست داد.^(۱)

- متون گذشته به جا مانده از طب کهن، آن را یک طب استدلالی - تجربی نشان می دهد. عقل گرایی و منطق استدلال در این طب، با تمام محاسنی که داشته است در حل پاره ای مسائل از قبیل تعلیم عامه در پیشگیری یا درمان قاطع بیماری های شایع ناگهانی ناتوان بود، و دست آورد قابل توجهی در ابداع تکنولوژی های و ساخت ابزارهای معاینه و جراحی نداشت و این ناتوانی عاملی برای دوری عامه از آن گردیده است.^(۲)

- در کنار مبانی استدلالی - تجربی و جنبه های عقلایی، که مبانی بسیاری از متون پزشکی قدیم را تشکیل می دهند، ذهنیت های واهی و خرافات نادرست نیز در این متون کم و بیش دیده می شود که موجب تردید مراجعه به آن ها می گردد.^(۳) تفکیک موارد درست و نادرست در کتب قدیم می تواند موجب بهره گیری از بخش درست آن گردد.

- مطالب و محتوای استدلالی و تجربی متون قدیم می تواند با کمک تکنیک ها و تکنولوژی پیشرفته کنونی موجب پیدایش یک مکتب یا دیدگاه های دیگر در طب جدید گردد و بحثی تازه به وجود آورد و حتی در زمینه هایی می توان از شیوه و روش تشخیص بیماری و درمان بیمار، شناسایی و تعیین دارو و تشخیص اثر آن از قیاس و استدلال پزشکان قدیم بهره جست. زیرا تمام سعی پزشکان قدیم بر آن بود تا از تمام اجزای طبیعت (کانی، گیاه، جانور) برای متعادل ساختن جسم و روح بیمار و بهبود وی استفاده نمایند. و در این شیوه گاه می شد طبیب آن روزگار حتی نام گیاه مورد تجویز خود را نمی دانست^(۴)

- نگاه لطف آمیز و همدلی و توجه عاطفی طبیب به بیمار در طب قدیم در بهبود حال بیمار

۱- با نقد و بررسی فرهنگ طب قدیم باید انقطاع روند تاریخی آن را جبران نموده و زمینه شکوفایی آن را فراهم آوریم.

۲- بهره گیری ابزار و تکنولوژی جدید در این طب می تواند موجب رونق و شکوفایی آن شده نواقص و کمبودهای آن را جبران کند.

۳- اگر سطح علم گذشته طب را با امروز مقایسه کنیم و ارتباط عاطفی بیمار با پزشک آن زمان را در نظر بگیریم گاه خواهیم دید خرافه ها معمول در طب قدیم گاه اثر روانی مهم در بهبود بیمار داشته است و به هر حال می توان از بخش های مختلف این طب امروزه نیز بخوبی بهره جست.

۴- رجوع شود به مقدمه کتاب الحاوی رازی جلد یک.

بسیار کارساز بود. توجه به این گونه ارتباط عاطفی در طب قدیم، می‌تواند مکمل شیوه‌های پیشرفته و تکنولوژی عظیم طب جدید در درمان بیماران باشد.

- معاینات بالینی پزشکان کنونی که غالباً با دستگاه‌های پیشرفته است چنانچه تا حدی همراه با پیش فرض‌های طب قدیم باشد - که باری از تجربه‌های تاریخی و قیاس‌های تجربی دارد - فواید بسیاری خواهد داشت.

- عوارض روش درمانی پزشکان جدید، روبرو بودن ناگهانی بیمار (در معاینات) با دستگاه‌های هیولایی خودکار رباتی و آزمایشگاه‌های مختلف نامأنوس، خشک و بی روح و گاه خشن و ترس آوری است که خود عاملی برای ناکارایی درمان طب حاضر است. از طرفی گرانی حق پزشک، دارو و درمان موجب رویکرد عامه به طب گیاهی و به عبارت دیگر استفاده از متون و کتب قدیمی طب است.

اگر در برنامه‌های دانشگاهی سهم کمی نیز برای آشنایی با متون دارویی قدیم وجود می‌داشت بالاخره تکلیف شناخت این طب معلوم می‌شد، محتوای آن مورد نقد قرار می‌گرفت و به این صورت یکباره کهنه و خرافه معرفی نمی‌شد.

۲ - روش استفاده از متون قدیم

برای بهره‌گیری از متون قدیم گیاهان دارویی، می‌باید آن را تصحیح نمود، برای تصحیح بهینه متون قدیم رعایت نکات زیر لازم است:

۱ - ۲ - شناخت دوره‌های اوج طب در ادوار تاریخ کهن و تفکیک کتب مربوط به این دوره‌ها: همه تمدن‌ها در مسیر اعصار و قرون با فراز و نشیب‌های بسیار روبرو بوده‌اند. اهمیت محتوای کتب و موضوعات متون پزشکی این تمدن‌ها نیز با دوره‌های اوج یا فرود آنها مطابقت کامل دارد این دوره‌ها عبارتند از:

۱ - دوران قبل از اسلام

۲ - دوران ظهور اسلام تا قرن سوم هجری

۳ - دوران شکوفایی علمی شرق

۴ - دوران رکود علمی غرب

۵ - دوران رونق علمی غرب

۶ - دوران رکود علمی شرق

۷ - دوران خواب و فراموشی شرق

۲ - ۲ - عناوین و موضوعات متفاوت کتب دارویی قرون و اعصار: همه منابع قدیمی در دسترس ما، دارای یک اعتبار، دقت و موضوعات همسان نیستند. بنابراین ابتدا می‌باید عناوین موضوعات آنها را مشخص نمود مانند:

- قوانین استدلالی طب قدیم
- روش تشخیص و درمان طب قدیم
- روش شناخت دارویی بودن گیاه، جانور، کانی و...
- شناخت ابزارهای مورد استفاده طبیب قدیمی در معاینه و درمان
- دانستن نام‌های گیاهان، جانوران و کانی‌های مورد استفاده
- چگونگی استفاده از گیاهان، جانوران و کانی‌ها در درمان

۳- ۲- معادل‌یابی و تطبیق واژگان متون قدیم با واژگان علمی: انطباق درست واژگان متون قدیم با واژه‌های علمی جدید اگر مشکل نباشد ساده هم نخواهد بود. به هر حال این کار می‌باید صورت گیرد تا این واژگان در مجامع علمی و دانشگاهی جای خود را پیدا کنند. یافتن اینگونه معادل‌ها نیاز به دقت فراوان دارد تا معانی غیر واقعی از آن به ذهن نیاید و اختلاف نظرهای بیشتر نشود و همچنین نامأنوس بودن برخی واژگان این متون که سبب عدم رجوع به آن‌ها می‌شود برطرف گردد.

۴- ۲- تفکیک عناوین و روش‌های تجربی و استدلالی در متون قدیم: گرچه در طب قدیم، دستگاه‌های مدرن و رباتیک کنونی وجود نداشت ولی طبیب آن روزگار با دانسته‌های استدلالی و تجربه‌های خود و با دانستن زیر و بم روابط عاطفی با بیمار در او ایجاد اطمینان می‌نمود که این خود برای درمان بیمار و رفع بسیاری از مسائل ظریف دیگر او تاثیر بسزا داشت (به همین علت به پزشکان قدیم حکیم می‌گفتند). متأسفانه امروز مریض به جای عافیه طبیب با دستگاه‌های آزمایشگاهی بی‌روح در معاینات سر و کار دارد و ارتباط عاطفی بین او و پزشک کمتر برقرار می‌شود.

۵- ۲- لزوم تصحیح ادبی نوشتارهای متون قدیمی، دسته‌بندی موضوعات مختلف آن، برای ایجاد فرهنگ طب گذشته: با آنکه در حد خود در این مورد کوشش نموده‌ایم ولی از صاحب‌نظران انتظار داریم، با نقد و بررسی این زمینه و یا ویرایش ادیبانه، محتوای علمی این فرهنگ را اعتلا بخشند.

۳- روش‌های شناسایی گیاهان دارویی مذکور در متون کهن:

ادبیات نامأنوس متون قدیمی، نارسا و ابتدایی بودن شرح گیاهان و پیچیدگی نوشتاری آن، به ویژه عدم طبقه‌بندی علمی گیاهان و نامشخص بودن شرح سیستماتیک آن‌ها، کار شناخت گیاهان مذکور در متون قدیمی را بسیار مشکل می‌کند. به ویژه که نام اغلب آن‌ها با گذشت زمان تغییر کرده و سبب شده تا مراجعه‌کنندگان به متون قدیم نتوانند نام واقعی و امروزی گیاهان این کتب را تعیین کنند و ناچار به بازار گیاهان دارویی روی آوردند و یا بیشتر به حدس و گمان متوسل شدند. در زیر به برخی نکاتی مهم و اساسی برای شناخت گیاهان دارویی متون قدیم

اشاره می‌شود:

- ۱ - در قدیم همه یا غالب پزشکان و درمانگران خود گیاه شناس بودند و گیاهان را از روی خواص آن‌ها و تقریباً بصورت عینی می‌شناختند. از اینرو از برداشت‌های شخصی این پزشکان از گیاهان دارویی و استدلال‌های آن‌ها پیرامون خواص و کاربرد آن می‌توان برای شناخت نام کنونی گیاه دارویی متون کهن بهره جست.^(۱)
- ۲ - گیاهان دارویی متون قدیم را می‌توان در چهار گروه قرار داد: گروه کاملاً معروف، گروه کاملاً مجهول، گروهی نزدیک به گروه معروف و گروهی نزدیک به گروه مجهول^(۲)
- ۲ - دانستن چگونگی تغییر نام گیاه از زبانی به زبان دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر می‌تواند ما را در رمزگشایی نام آن‌ها و شناخت گیاهان مذکور در متون قدیم یاری دهد.
- ۳ - گرچه دانش گیاه شناسی قدیم مانند حال پیشرفته نبود ولی در حد خود دارای اصطلاحات و واژگانی برای شناخت گیاهان بود که توجه به آن‌ها ما را به دانستن نوع و اساس طبقه بندی آن زمان کمک می‌کند و بدینوسیله بهتر می‌توانیم متوجه شرح گیاهان مذکور در متون قدیم بشویم.^(۳)
- ۴ - در متون گذشته علاوه بر شرح گیاه، گاهی تصاویری نیز با شرح آمده است. تصاویر مزبور می‌تواند تا حدی مکمل شرح برای شناسایی بهتر و یافتن نام علمی آن باشد.^(۴)
- ۵ - همراه با نام گیاه در متون قدیم گاه مشخصات فیزیولوژیکی^(۵)، اکولوژیکی، بعضاً اکوفیزیولوژیکی، جغرافیای زیستی و صفات ریختاری گیاه را هم می‌بینیم، توجه به این نکات می‌تواند در تشخیص نام علمی گیاه ما را یاری دهد.
- ۶ - نام گیاهان مذکور در متون قدیم، معمولاً منشأ در منابع قدیمی‌تر دارد یا از منابع همان عصر استخراج شده و یا مربوط به خود نویسنده و یا نام رایج در بازار دارویی در زمان خود او بوده است، مؤلفان کتب قدیمی در ذکر نام گیاه، گاه خود نیز شک و تردید نموده، نسبت به نام برخوردهای متفاوتی داشته‌اند. از اینرو نام درست با منشأ نام و اعتبار مؤلف و دانش او ارتباط دارد. به عنوان مثال نام گیاهان مذکور در کتاب دیسکورید، در کتب مختلف دیگر نظیر کتاب جامع و مخزن و ... نیز آمده است. بنابراین در مواردی بهتر است به مرجع اصلی و یا منابع تکمیل کننده کتاب دیسکورید رجوع شود. (در فصل دوم کتاب حاضر نام تعدادی از گیاهان متون قدیم به همین صورت مورد تطبیق قرار گرفته است.)

در تطبیق نام‌ها انجام بررسی‌های زیر ضروری است:

- ۱ - شناسایی منشأ نام یا نام اصلی و چگونگی انتقال آن از یک کتاب به کتاب دیگر و یا از یک زبان به زبان دیگر.

-
- ۱- در جلد‌های بعد از نحوه استفاده شخصی پزشک و دیدگاه‌های او در مورد یک گیاه بطور مفصل صحبت خواهیم کرد.
 - ۲- در جلد دوم کتاب فهرستی از این نام‌ها آمده است.
 - ۳- در جلد دوم این کتاب اصطلاحات گیاه شناسی و همچنین نوع دسته‌بندی گیاهان موجود در متون قدیم را خواهیم دید.
 - ۴- برخی از این اشکال در جلد دوم آمده است.
 - ۵- مطالب مربوط به فیزیولوژی گیاه عمدتاً تحت عنوان «طبیعت گیاه» با اصطلاحات مخصوصی ذکر شده است.

- ۲ - بررسی واژگان گیاه‌شناسی در متون قدیم و برگردان علمی آن‌ها و همچنین شناسایی انواع طبقه بندی گیاهان در متون قدیم.
- ۳ - برگردان علمی واژگان فیزیولوژیکی، اکولوژی و جغرافیای زیستی در متون قدیم.
- ۴ - گروه‌بندی گیاهان متون قدیم از نظر پراکنش و جغرافیای زیستی.
- ۵ - گروه‌بندی گیاهان متون قدیم از نظر مشخصات اکولوژی.
- ۶ - شناسایی گیاهان متون قدیم با توجه به شرح ریختاری، مشخصات فیزیولوژیکی، اکولوژیکی و جغرافیای زیستی آن‌ها در این کتب.
- ۷ - گمانه زنی نام اصلی گیاه از روی تفسیر تصاویر موجود از آن‌ها در متون قدیم

ه - نام‌ها، نشانه‌ها و واژگان گیاهان دارویی در متون کهن:

نام، واژگان و نشانه‌ها در واقع مدخل هر فرهنگ علمی‌اند. مطالعه چگونگی انتقال واژگان از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر نیاز به توجه و دقت فراوان دارد زیرا همانقدر که دانستن انتقال و یا دگرگونی دقیق نام‌ها می‌تواند در یافتن نام اصلی یا ریشه‌ای بسیار موثر باشد عدم توجه به آن نیز سبب پیچیدگی در تطبیق درست نام‌ها می‌گردد.

نام و واژگان موجود در هر علم اهمیت ویژه در بیان آن داشته معرّف و نشانگر بسیاری از ویژگی‌ها هستند. هر شیئی یا هر جاننداری با نام آن شناخته می‌شود، به عبارت دیگر نام تعیین کننده هویت و ویژگی‌ها در شناخت هر موجود است و تغییر آن موجب حذف تمام ویژگی‌ها و هویت گذشته صاحب آن می‌شود. مثلاً نام گیاه «بادآور» بیان‌کننده بسیاری از صفات ریختاری، روشنی، خواص و اهمیت آن است. در تاکسونومی کنونی نیز نام گیاه همیشه بخش ثابت است و هیچگاه نام گیاه در جابجایی‌ها و دگرگونی‌های مرتبه‌های رده بندی عوض نمی‌شود. اصلیت نام گیاه در متون قدیمی نیز از همین اهمیت برخوردار است. بنابراین جستجوی نام‌های اصلی، تفکیک آن‌ها از نام‌های مترادف دیگر و یافتن ریشه آن‌ها در متون گذشته که غالباً دستخوش بسیاری از تغییرات به ویژه بر اثر تداخل یک زبان به زبان دیگر، یک فرهنگ به فرهنگ دیگر و یک زمان به ادوار دیگر بوده‌اند کاری بسیار مشکل است ولی گاهی منجر به باز نمودن گره‌های کور در زمینه شناخت گیاهان می‌شود.

- ۱ - ۴ - تفکیک و طبقه بندی نام‌ها در متون گذشته: نام گیاهان دارویی متون قدیم را می‌توان به صور مختلف رده‌بندی یا گروه بندی نمود:

الف - رده‌بندی آن‌ها به نام‌های «مشهور» و «غیر مشهور»:

- ۱ - منظور از نام مشهور نامی است که علاوه بر نام گیاه، شرح و سایر اطلاعات مربوط به آن نیز در متون ذکر شده است، این قبیل نام‌ها در واقع همان اهمیت نام‌های علمی امروزی را دارا هستند و نام‌های استاندارد زمان خود و معرّف مشخصات اصلی گیاه و در حکم نام ذاتی یا نام جنس گیاه (معمول امروزی) هستند.

۲ - نام‌های غیر مشهور نام‌هایی هستند که در زبان‌های مختلف به نام مشهور افزوده شده یا به جای آن آمده‌اند. این نام‌ها در کتب و ادوار مختلف، با زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون در کنار نام‌های مشهور و مترادف با آن قرار گرفته‌اند.

ب - نام‌های مشهور از دو گروه نام‌های اصلی و نام‌های مترادف و تفسیری تشکیل شده‌اند: نام‌های مشهور اصلی، معمولاً بدون مترادف‌اند و نام‌های مشهور مترادف غالباً دارای مترادف‌هایی در زبان‌های دیگر می‌باشند. بعنوان مثال در کتاب ابن بیطار که از مهم‌ترین منابع طب قدیم است ۲۳۵۳ نام مشهور دیده می‌شود که ۱۴۲۲ نام آن از گروه اول یعنی ۶۰/۴۳٪ و ۹۳۱ نام مشهور مترادف آن یعنی برابر ۳۹/۵۷٪ است.

علت وجودی نام‌های مشهور اصلی و مترادف در متون قدیمی ظاهراً مربوط است به:

- اختلاف نظر و شک مؤلفان در ذکر یک نام
- اتخاذ نام از منابع، ترجمه‌ها و زبان‌های مختلف بدون ریشه یابی نام درست گیاه در متن اصلی

- بکارگیری نام اندام‌ها یا بخش‌های مهم و مورد استفاده گیاه به جای نام خود گیاه در متون
۳ - نام گیاهان متون قدیم را می‌توان بر اساس زبان‌های مختلف به نام‌های: عربی، فارسی، لاتینی^(۱)، یونانی^(۲)، رومی^(۳)، پِریبری^(۴)، سریانی^(۵)، نبطی^(۶)، ترکی و هندی متمایز نمود.

۱- لاتینی: منسوب به لاتین یا در اصل مربوط به لاتیوم و لاتینی‌هاست و همچنین به کشورهایی چون فرانسه و ایتالیا و اسپانیا که زبان و فرهنگ آنها از لاتینی ناشی است بکار می‌رود. در دوران جنگ‌های صلیبی به سکنه اروپای غربی در مقابل یونانی‌ها گفته می‌شد. (لغت‌نامه دهخدا)

۲- یونانی: کشوری در جنوب غربی اروپا و در جنوب غربی شبه جزیره بالکان مشتمل بر جزایر پراکنده‌ای در دریای اژه و دریای ایونی. یونان کنونی است که از نظر جغرافیایی با یونان قدیم فرق دارد و خیلی کوچکتر و محدودتر است کلمه یونان که در السنه شرقی مشهور شده از کلمه یونیه که به قسمتی از سواحل آسیای صغیر می‌باشد گرفته شده است. (لغت‌نامه دهخدا)

۳- رومی: ژم در تداول مورخان اسلامی پایتخت ایتالیا است و در مواردی آسیای صغیر و نواحی آن است، توضیح دیگر آن که دولت‌های جمهوری و امپراطوری روم چون وسعت پیدا کردند و حتی آسیای صغیر را مسخر شدند از قرن پنجم میلادی به این طرف به غربی و شرقی منقسم شدند. بخش غربی آن همان ایتالیا به پایتختی رم و بخش شرقی آسیای صغیر به پایتختی استانبول بود. (لغت‌نامه دهخدا)

۴- پِریبری: منسوب به پِریر و بربر مردم بین حبشه و زنگبار را گویند. و بنا به قول دیگر ممالک شمال آفریقا عبارت از مغرب، مصر، طرابلس، تونس، الجزایر و مراکش است. (لغت‌نامه دهخدا)

۵- سریانی: منسوب به سورستان (بلاد عراق) و نام قومی سامی نژاد منسوب به قوم آرامی و با لهجه‌ای به همین نام است لهجه سریانی از لهجه‌های مهم آرامی شرقی است و در ایران به خود آرامی معروف‌تر و از آن متأخرتر است، لهجه آرامی را رفته رفته از یادها زدوده و سریانی جانشین آن گردید. مرکز این لهجه در شمال عراق (بین النهرین) شهر ادسا یا ارها است. ارها در کتب اسلامی ارها خوانده شده و اکنون اورفا نامیده می‌شود و در قرن دوم میلادی این ناحیه از مراکز مهم عیسویان محسوب می‌شد. و در چند قرن پیش از آن یعنی زمان اسکندر و جانشینان وی سلوکس و انتیوخس شمال بین النهرین از مراکز زبان سریانی بوده و به واسطه مهاجرت گروهی از مردم مقدونیه و یونان به آن سرزمین‌ها سریانی رنگ و روی خاصی بخود گرفت و لهجه آن بر دیگر لهجه‌های آرامی برتری یافت و بسیار لغات یونانی با زبان سریانی در آمیخت و تغییری در آن پدید آمد. هنوز هم در بسیاری از سرزمین‌های عربی زبان، لهجه سریانی وجود دارد، لهجه آشوری‌ها و کلدانیهای سوریه و عراق و ترکیه و ایران سریانی است. (لغت‌نامه دهخدا)

۶- نبطی: به معنای منسوب به نبط گروهی از مردم بطایح میان عراق عرب و عراق عجم یا به سواد عراق ساکن بوده‌اند و

۴ - نام‌های متون قدیم را می‌توان به نام‌های «محلّی» و «غیر محلّی» تقسیم کرد، نام‌های محلّی نام‌هایی هستند که در یک شهر و یا مکان بکار می‌رفتند. بدیهی است نام‌های مشهور در این گروه قرار ندارند. نام شهرها و محل‌های معروف (جدول شماره ۴ این کتاب) عبارتند از:

در ایران: اصفهان، شیرازی، سجز یا سجستان^(۱)، سمرقند، کرمان، همدان، یزد، زابل، سیستان، مکران، تنکابن، دیلم، گیلان، مازندران، ترمذ^(۲)، بخار^(۳)، طبرستان، بهر، ماوراء النهر، ری، خراسان، جرجان، نیشابور، سنجر، خوارزم^(۴)، خوز^(۵)، سغد^(۶)، خوازنه

در کشورهای دیگر: مغرب، اندلس، شام، دمشق، عراق، حجاز، موصل، عراق، بغداد، آفریقا، اسکندر، فاس^(۷)

آمار نام‌های محلّی عربی و مُعَرَّب

| | | | |
|---|----------------------------|----------------|----------------|
| ۱ | اندلس | ۲۱۹ | جامع ابن بیطار |
| ۲ | مغرب + آفریقا | ۷۷ + ۲۶ | جامع ابن بیطار |
| ۳ | مصر | ۷۴ | جامع ابن بیطار |
| ۴ | شام - دمشق | ۷۳ | جامع و مخزن |
| ۵ | فاس | ۶۸ | حذیقہ الازهار |
| ۶ | عراق + بغداد + موصل + بصره | ۱۰ + ۶ + ۲ + ۲ | جامع و مخزن |
| ۷ | حجاز | ۸ | مخزن الادویه |
| ۸ | اسکندریه | ۶ | جامع |

اینان غیر عرب بوده که عربیت را برگزیدند و در بر آوردن آب ماهر و در کثرت فلاحت مشهور بوده‌اند. (لغت‌نامه دهخدا)

۱- منظور سیستان و اصل آن سگستان است. (کتاب صیدنه)

۲- ترمذ شهری است در ساحل نهر بلخ که آن را جیحون می‌خوانند. (لغت‌نامه دهخدا)

۳- بخارا شهری از ماوراء النهر و مشتق از بخارست به معنای علم بسیار است. (لغت‌نامه دهخدا)

۴- خوارزم نام ناحیه‌ای است در سفلی جیحون و از ایام بسیار قدیم مهد قوم آریا بوده است لسترنج در جغرافیای تاریخی خود در مورد آن چنین می‌گوید: ایالت خوارزم در اوایل قرون وسطی دو کرسی داشت: یکی در جانب باختری یعنی جانب ایرانی رود جیحون موسوم به جرجانیه یا ارگنج و دیگری در جانب خاوری یعنی جانب ترکی آن رود موسوم به کاث و این کرسی اخیر در قرن چهارم هجری از ارگنج آبادتر شد. (لغت‌نامه دهخدا)

۵- منظور از خوزی مردم خوزستان است. زیرا «اهواز» را به فارسی «هورمشیر» می‌گفتند و نام آن «اخواز» بوده که پس از معرب شدن به آن اهواز گفتند. (زریاب در کتاب صیدنه)

۶- سغد نام شهری است در ماوراءالنهر نزدیک سمرقند. گویند آب و هوای آن در نهایت لطافت باشد و آن به سغد سمرقند شهرت دارد آن را بهشت دنیا هم گویند. (برهان قاطع)

۷- فاس شهر مشهور و بزرگی بر کرانه دریای مغرب و بزرگ‌ترین شهر مراکش است. (لغت‌نامه دهخدا)

آمار نام‌های محلی غیر عربی

| ردیف | نام محل | تعداد نام | منبعی که بیشترین تکرار را داشته است. |
|------|--|------------------|--------------------------------------|
| ۱ | شیراز | ۱۴۹ | اختیارات بدیعی |
| ۲ | اصفهان | ۳۷ | مخزن الادویه |
| ۳ | سجری + زابل + سیستان + مکران | ۲ + ۵ + ۱۳ + ۴۷ | صیدنه |
| ۴ | تنکابن + مازندران + دیلم + گیلان | ۷ + ۱۱ + ۱۳ + ۲۲ | مخزن الادویه |
| ۵ | جرجان - گرگان | ۱۰ | صیدنه |
| ۶ | خراسان + نیشابور | ۳ + ۱۲ | صیدنه |
| ۷ | بلخ | ۹ | صیدنه |
| ۸ | طبرستان | ۸ | صیدنه و مخزن |
| ۹ | کرمان | ۶ | مخزن و اختیارات |
| ۱۰ | بخارستان | ۶ | صیدنه |
| ۱۱ | خوارزم | ۶ | صیدنه |
| ۱۲ | سغد | ۶ | صیدنه |
| ۱۳ | ترمذ + ماوراء النهر | ۱ + ۴ | صیدنه |
| ۱۴ | سمرقند + هرات | ۱ + ۳ | صیدنه |
| ۱۵ | ری | ۳ | صیدنه |
| ۱۶ | آذربایجان + تبریز | ۳ + ۲ | مخزن و اختیارات |
| ۱۷ | اهواز، هرات، بستی، دامغان، یزد، سنجر، هری، خوازنه، | ۱ | |

۵- گسترده‌گی زبان عمومی شرق (عربی) نقش موثری در پدید آمدن آثار و متون قدیم گیاهان دارویی داشته سبب فراوان اشاعه نام‌های تازی گیاهان گردید. نام‌های تازی را می‌توان به دو گروه عربی و معرب متمایز نمود. منظور از نام معرب نام‌هایی هستند که ریشه غیر عربی دارند ولی دارای اعراب این زبان هستند.

۶- توضیح آمار از نام‌های مشهور و سایر نام‌ها و درصد آن‌ها در جداول و نمودارهای شماره ۱ تا ۳ صفحات بعد می‌بینیم. جدول شماره ۱ آمار نام‌های گیاهان دارویی در کتب مختلف از دیسکورید تا مخزن الادویه در کتب مورد مطالعه است. و جدول ۲ آمار نام‌های گیاهان مربوط به

کتاب ابن بیطار، و جدول ۳ آمار نام‌های مشهور کتاب مخزن الادویه و صیدنه است. نام‌های مشهور هندی در جدول شماره ۳ عمدتاً مربوط به کتاب مخزن الادویه است که به کتاب‌های طبی قرن ۱۱ و ۱۲ افزوده شد.

جدول ۱ - آمار نام‌ها که گیاهان دارویی از دیسکورید تا مخزن الادویه

| نام | تعداد | درصد | نام | تعداد | درصد |
|---------------|-------|------|--------|-------|------|
| عربی | ۵۵۱۹ | ٪۴۳ | فارسی | ۱۲۶۸ | ٪۱۰ |
| یونانی | ۱۹۸۴ | ٪۱۵ | محلّی | ۴۲۹ | ٪۳ |
| رومی و لاتینی | ۵۹۲ | ٪۴ | هندی | ۷۲۱ | ٪۵ |
| سریانی | ۴۴۳ | ٪۳ | ترکی | ۵۲ | ٪۰/۳ |
| بربری و نبطی | ۲۳۰ | ٪۲ | متفرقه | ۱۹۳۶ | ٪۱۵ |

جدول ۲ - آمار نام‌های گیاهان در کتاب جامع ابن بیطار

| نام | تعداد | درصد | نام | تعداد | درصد |
|--------|-------|------|----------|-------|-----------|
| عربی | ۱۲۷۱ | ٪۵۵ | عبری | ۱۱ | ٪۰/۱ کمتر |
| فارسی | ۴۵۴ | ٪۲۰ | هندی | ۸ | ٪۰/۱ کمتر |
| یونانی | ۴۲۸ | ٪۱۸ | مرکب | ۵ | ٪۰/۱ کمتر |
| لاتینی | ۶۰ | ٪۳ | مصر قدیم | ۱ | ٪۰/۱ کمتر |
| سریانی | ۴۷ | ٪۲ | نبطی | ۱ | ٪۰/۱ کمتر |
| ارامیه | ۲۹ | ٪۱ | سنسکریتی | ۱ | ٪۰/۱ کمتر |
| بربری | ۲۷ | ٪۱ | مجهول | ۹ | ٪۰/۱ کمتر |

جدول ۲ - آمار نام‌های گیاهان در کتاب صیدنه و مخزن الادویه

| نام | تعداد | درصد | نام | تعداد | درصد |
|---------------|-------|------|--------|-------|-----------|
| عربی | ۳۴۴۴ | ٪۴۶ | سریانی | ۳۷۴ | ٪۴ |
| فارسی | ۱۵۳۰ | ٪۱۸ | بربری | ۱۱۰ | ٪۱ |
| یونانی | ۱۵۳۰ | ٪۱۸ | ترکی | ۵۱ | ٪۰/۱ کمتر |
| رومی و لاتینی | ۵۴۴ | ٪۷ | نبطی | ۲۵ | ٪۰/۱ کمتر |
| هندی | ۶۸۰ | ٪۸ | متفرقه | ۱۲۲۴ | ٪۱۵ |

۲-۴- اثر برخورد ها و یا تداخل فرهنگ ها در گوناگونی نام گیاهان دارویی:

جابه جایی تاریخی نام گیاهان دارویی در زبان‌های ملل، در جریان برخورد تمدن‌ها و تداخل فرهنگ‌های متفاوت و تاثیر گویش‌های مختلف این ملت‌ها، گاه باعث دگرگونی‌های عمیق و استحاله آن‌ها گردید، برای ادراک این گونه تغییرات کافی است به نام‌های گیاهان دارویی از کتاب دیسکورید تا کتاب مخزن الادویه یا کتاب‌های دیگر برای مقایسه رجوع کنیم. در این مقایسه خواهیم دید:

(۱) نام‌های یونانی:

شمار نام‌های مشهور در کتاب دیسکورید: در کتاب ربرت^(۱) ۶۶۵، و در شرح ابن بیطار ۴۳۳، شمار نام‌های مشهور کتاب ابن بیطار^(۲) به زبان یونانی: ۴۲۸ یعنی ۱۶٪ از کل نام‌های مشهور گیاهان دارویی این کتاب است.

شمار نام‌های مشهور در کتاب مخزن الادویه و صیدنه به زبان یونانی: ۱۱۸ یعنی ۱۴٪ از کل نام‌های مشهور در این دو کتاب است.

شمار نام‌های یونانی آمده در کتب قدیم مورد مطالعه در حدود ۱۹۸۴ یعنی معادل ۱۵٪ کل نام‌ها است.

علت فزونی نام یونانی در کتب قدیمی برای افزایش گیاهان دارویی در آن‌ها نیست بلکه تغییر نام گیاه بر اثر گویش‌ها، ترجمه‌ها و تغییر آن‌ها در زبان‌های مختلف است.^(۳)

(۲) نام‌های هندی:

شمار نام‌های هندی در کتاب ابن بیطار مجموعاً ۸

شمار نام‌های هندی در کتاب صیدنه و مخزن الادویه ۱۰۹ یعنی ۱۳٪ از نام‌های مشهور آن است.

شمار نام‌های هندی در کتب قدیم مورد مطالعه ۷۲۱ یعنی ۵٪ کل نام‌های این کتب است. نام‌های هندی در کتاب مخزن الادویه شامل ۱۳٪ از نام‌های مشهور آن است که به خوبی نشان دهنده تداخل نام‌های هندی در این زمان است.

(۳) نام‌های سریانی:

شمار نام‌های سریانی در کتاب ابن بیطار ۴۷ یعنی ۲٪ از کل نام‌های مشهور آن است.

شمار نام‌های سریانی در صیدنه و مخزن الادویه ۱۸ یعنی ۲٪ از کل نام‌های مشهور این کتاب می‌باشد.

شمار نام‌های سریانی در کتب قدیم مورد مطالعه ۴۴۳ یعنی ۳٪ از کل نام‌های موجود در کتب قدیم است.

آمار فوق نشان می‌دهد که با گذشت زمان نام‌های سریانی به تدریج اعتبار خود را در این کتب از

۱- نام گیاهان کتاب دیسکورید همراه با نام علمی پیشنهادی ربرت در فصل دوم کتاب آمده است.

۲- نام گیاهان دیسکورید با ترجمه ابن بیطار در قرن هفتم به همراه نام علمی پیشنهادی توسط ابن مراد در مقایسه با نام علمی پیشنهادی ربرت فصل دوم آمده است.

۳- علت بیشتر بودن نام‌های یونانی در کتاب ابن بیطار نسبت به مخزن الادویه عمدتاً بخاطر وجود نام‌های مترادف مشهور در کتاب ابن بیطار است.

دست داده فقط شامل ۳٪ از کل نام‌ها هستند. این کاهش بیانگر کم اعتباری این نام‌ها در این برهه است.

(۴) نام‌های عربی:

شمار نام‌های مشهور عربی در کتاب ابن بیطار ۱۲۷۱ یعنی ۵۵٪ کل نام‌های مشهور آن است. شمار نام‌های مشهور عربی در کتاب مخزن الادویه ۵۱۱ یعنی ۵۹٪ کل نام‌های مشهور آن است.

شمار نام‌های عربی در کتب قدیم مورد مطالعه ۵۵۱۹ یعنی ۴۳٪ از کل نام‌های موجود در این کتب است.

تحولات آماری در این مقایسه مؤید آن است که زبان عربی از دوران ظهور اسلام تا قرن ۱۳ عنوان اصلی را در کتب دارویی قدیم داشته است و با مرور زمان نه تنها ارزش و اعتبار خود را از دست نداده بلکه بر اهمیت آن هر روز افزوده شد.

۳-۴ - نگاهی دیگر بر تحول نام‌های کهن گیاهان دارویی در کتب فوق و نتایج آن:

۱ - هر نامی در این آثار دارای بار تاریخی و سابقه‌ای مربوط به خود است و از سابقه آن‌ها می‌توان نحوه تغییر و انتقال این نام‌ها، زمان و آغاز و تغییر و اهمیت کاربرد گیاه مربوطه را در یک دوره یا یک مکان و یا محل پی برد.

۲ - افزایش یا کاهش نام‌های مختلف به نام اصلی یا تغییر در تلفظ و گویش نام‌ها، گاهی نشان از شکوفایی و یا افول کاربری گیاهان دارویی در یک زمان یا یک شهر و کشور و یا یک برهه تاریخی و تحولات اجتماعی را دارد.

۳ - شمار نام گیاهان تا حدودی تعیین کننده آن است که گیاه مربوط به آن فقط در این کتب نام برده شده بنابراین زمان تقریبی استفاده از گیاه را می‌توان تعیین کرد.

۴ - نام گیاه گاه گرفته شده از نام اندام مورد استفاده گیاه و دارویی بودن بخش خاصی از آن است مثلاً زیره نام میوه گیاه است که گیاه را به آن می‌نامند و یا هویج که نام ریشه است بر گیاه نیز اطلاق می‌شود.

۵ - نام‌های گوناگون یک گیاه غالباً حاکی از اهمیت دارویی و کاربری فراوان آن است. هرچه نام‌های گیاه متنوع و متفاوت و با گویش‌ها و زبان‌های گوناگون باشد نشان از اهمیت آن است.

۶ - تنوع نام یک گیاه گاه حاکی از انقطاع یا پیوستگی تاریخی یک روند اجتماعی است و اختلاف در نام‌ها معمولاً نشان از عدم پیوستگی روند اجتماعی در آن مقطع تاریخی دارد.

۴-۴ - نکاتی در مورد نام‌ها:

توجه به نکاتی در نام‌ها می‌تواند ریشه و علت برخی از ابهامات موجود در زمینه گوناگونی اختلافات و تشبیه آن‌ها را معلوم نماید:

۱ - برخی نام‌ها به صورت مشترک استفاده می‌شدند که معمولاً نام‌های غیر مشهور می‌باشند.

۲ - در تسمیه برخی از نام‌ها از دیر زمان اختلاف وجود داشته و تا امروز نیز ادامه دارد.

- ۳- برخی از نام‌های مذکور در متون تاریخی مربوط به گیاهان بازارهای دارویی است و نویسندگان خود هیچ گونه شناختی (جز خواص دارویی) از آن نداشته است. بنابراین نام این گیاهان هیچ کمکی به شناخت ریختاری گیاه نمی‌کند.
- ۴- برخی از گیاهان در مناطق خاصی مورد استفاده بوده‌اند و با توجه به منابع همان مناطق رونویسی شده‌اند بنابراین نویسندگان خود از گیاه و حتی آثار تجربی آن اطلاعی نداشته است.
- ۵- نام‌هایی نیز مربوط به گیاهانی از منطقه‌ای معین با مصارف دارویی معین بوده‌اند اما پس از انتقال نام گیاه به نواحی دیگر به اشتباه یا دانسته آن نام به گیاهان مشابه با همان مصارف دارویی داده شده که خود موضوعی جالب برای پژوهش است.

۵- منابع مورد استفاده در این کتاب

- در تألیف مجموعه حاضر دو نوع منبع برای استفاده مستقیم و غیر مستقیم در دست بوده است:
- منابع مستقیم مورد استفاده شامل کتابهایی هستند که در ۶ دوره زیر^(۱)، با مؤلفانی دقیق و ممتاز از سایرین انتخاب شده‌اند این مولفان در زمینه انتقال نام‌های از منابع دیگر دقیق‌تر بوده‌اند. منظور از منابع غیر مستقیم منابعی هستند که مورد استناد این منابع قرار داشتند.
- کتاب‌های انتخابی نوع اول عبارتند از:
- ۱- کتاب دیسکورید مربوط به قرن اول میلاد [مربوط به دوران قبل از اسلام]
 - ۲- کتاب رازی (۲۵۱ هجری قمری) و الابنیه^(۲) (۳۵۰ هجری قمری) [مربوط به دوران ظهور اسلام تا قرن چهارم]
 - ۳- کتاب صیدنه ابوریحان (۴۴۰ هجری قمری)^(۳) و کتاب تنقیح الجامع ابن بیطار (۶۴۶ هجری

۱- به کتاب تاریخ طب اسلامی اثر ادوارد بروان و ترجمه مسعود رجب نیا رجوع شود.

۲- منابع مورد استفاده ابو منصور علی الهروی که معتقد است «کتاب‌های حکیمان قبلی و عالمان و طبیبان محدث همه بجستم و هر چه گفته بودند بتأمل نگه کردم». عبارتند از: جالینوس، دیسکورید، فولس، ماسرجویه، رازی، یوحنا.

۳- منابع مورد استناد ابوریحان در صیدنه:

- خوز یا خوزی که همان اطباء مکتب جندی شاپور (از زمان خسرو انوشیروان تا قرن سوم هجری در ایران و عراق) هستند. از کتب مورد استفاده کتاب شوسمای یا کتاب کَنَاش الخوز است که نظرات جمعی از پزشکان جندی‌شاپور به زبان سریانی که زبان علمی آن‌ها بوده، می‌باشد.

- کتاب اوریباسیون از پزشکان جندی شاپور

- کتاب العطر ابو عباس الحُشکی - حَشْک شهری است از نواحی کابل و نزدیک تخارستان

- و کتاب جیب العروس تمیمی - احمد بن سعید تمیمی مقدسی پزشکی از بیت المقدس که در سال ۳۷۰ هجری در مصر اقامت داشته است.

- کتاب تفاسیر الادویه ابو معاذ جوانکانی (جوانکا یکی از شهرهای جرجان یا گرگان است). تقریباً هم عصر با بیرونی است.

- کتاب کَنَاش سجزی

- کتاب الجامع لاقوال القدماء و المحدثین من الاطباء و المتفلسفین فی ادویه المفردة از ابوبکر حامد بن ابن سمجون از اطباء اندلس در قرن چهارم هجری

- کتاب الرسائل الطیبه از ابو سهل بشر بن یعقوب بن المتطبّب السجزی، مولف از سجستان یا سیستان بوده حدود (۴۰۰

- ۴ - کتاب حذیقة الازهار غسانی^(۱) (۸۹۸ هجری قمری) و کتاب اختیارات بدیعی (۱۰۲۳ هجری قمری) [مربوط به دوران نزول]
- ۵ - کتاب مخزن الادویه^(۲) (۱۱۸۹ هجری قمری) [مربوط به دوران رکود و کمون]

سوم هجری)

ب - نام کتاب هایی که از نظر گیاهشناسی مورد توجه بوده است عبارتست از: ۱ - الانتخاب لابی حاتم السجستانی ۲ - العیان یا اعیان النبات ابی حنیفة الدینوری ۳ - المجره لابن درید ۴ - البارع لابی علی الفالی البغدادی ۵ و ۶ - کتاب انشوطا و کتاب الاشجار از هرمس ۷ - هیولی الطب فی الحشایش و السموم از دیسقوریس العین زری ۸ و ۹ و ۱۰ - کتاب‌های تدبیر الاصحاء و حلیة البر و المیامر از جالینوس ۱۱ و ۱۲ - کتابهای الاعتماد و سمائم و سموم از ابن جزّار ۱۳ - فردوس الحکمة ابی الحسن علی بن سهل ربّ الطبری (۲۴۰ هـ) ۱۴ - طب العرب لعبد الملک بن حبیب السلمی البیری (۲۳۸ هـ) ۱۵ - التصریف لمن عجز عن التالیف لابی خلف بن عباس الزهراوی (۴۰۴ هـ) ۱۶ - الفلاحۃ النبیطیة ترجمه ابی بکر احمد بن وحشیة (اواخر قرن سوم هجری)

ج - منابعی که فقط نام مؤلف آن ذکر شده است و مؤلف آن نیز در زمینه طب و گیاه‌شناسی صاحب‌نظر بوده است: ۱ - ابقراط ۲ - اهران القس ۳ - بولس الاجانیطی ۴ - ابن سراجیون یوحنا (قرن سوم هجری) ۵ - ابن ماسویه ابو زکریا (۲۴۲ هـ) ۶ - مسیح الدمشقی ابوالحسن عیسی بن الحکم (۱۷۰ هـ) ۷ - سابور بن سهل (۲۵۵ هـ) ۸ - ماسرجویه (قرن اول هجری) ۹ - اسحاق بن سلیمان الاسرایلی (۳۲۰ هـ) ۱۰ - ابوالحسن احمد بن محمد الطبری (۳۶۰ هـ) ۱۱ - ابو عبدالله محمد بن سعید التمیمی ۱۲ - علی بن عباس المجوسی (۳۸۴ هـ) ۱۳ - عیسی بن علی (قرن سوم هجری) ۱۴ - محمد بن عبدون الجبلی العددی (۳۶۱ هـ) ۱۴ - ابن جلجل ابو داود سلیمان بن حسان (۳۸۴ هـ) ۱۵ - علی بن محمد ۱۶ - ابن سمجون ابوبکر حامد (۳۹۲ هـ) علی بن سلیمان الحاسب الزهراوی ابوالحسن (قرن چهارم هجری) ۱۷ - ابن الهیثم عبدالرحمن بن اسحاق القرطبی ۱۸ - عمر بن ابی عمران (قرن چهارم هجری) ۱۹ - السوسی عبدالله بن محمد الثقفی (۴۰۳ هـ) ۲۰ - ابن الکتانی ابو عبدالله محمد بن الحسن المذحجی (۴۲۰ هـ) ۲۱ - ابن البغونش ابو عثمان سعید بن محمد (۴۴۴ هـ) ۲۲ - ابن وafd ابو المطرف عبدالرحمن بن محمد اللخمی (۴۶۷ هـ) ۲۳ - شیخ ابی الحسن اللونقه استاد مؤلف ۲۴ - اليهودی مروان بن جناح (قرن پنجم هجری قمری)

۱ - ابوالقاسم بن محمد الاندلسی الفسانی مشهور به وزیر در سال ۹۵۵ هجری قمری در شهر غرناطة اندلس متولد شد و در شهرهای فاس و مراکش به آموختن علوم طب و سایر علوم اشتغال ورزید. سه کتاب از او در زمینه گیاهان دارویی به جا مانده است که عبارتند از: ۱ - روض المکنون در شرح ارجوزه ابن غرون - این کتاب به نظم و به منزله الفیه ابن سینا تألیف ابو موسی هارون بن اسحق بن غرون (۴۹۴ هجری - قمری) است. غسانی گیاهان این کتاب را در روض المکنون شرح داده است. ۲ - مغنی الطیب عن کتب اعداد الحبيب که برگردان عربی کتابی در زمینه طب و گیاهان دارویی از یکی از زبان‌های اروپایی است. ۳ - حذیقة الازهار فی شرح ماهیة العشب و العقار، وی در این کتاب نام گیاهان را با زبان روز تطبیق داده و اسامی را بر اساس حروف ابجد تنظیم نموده است در این کتاب از ۳۰ گیاه و ۷ حیوان و کانی نامبرده است از امتیازات این کتاب برخوردار آن از نظام طبقه بندی است.

۲ - کتاب‌های مورد استناد مخزن الادویه:

- تذکرة شیخ انطاکی معروف به تذکرة اولی الالباب
- تذکرة شیخ یوسف بغدادی موسوم به مالایسح اللطیب جهله معروف به جامع بغدادی
- ارشاد شیخ اسماعیل هیبة الله
- ترجمه تذکرة ابوریحان معروف به سیدی
- مفردات نواب حکیم معتمد الملوک سید علوی خان
- اختیارات قاسمی حکیم محمد قاسم ملقب به هندو شاه مشهور به فرشته
- مجربات افضل حکیم میر محمد افضل
- حواشی حکیم میر عبد الحمید بر تحفه
- قانون ابن سینا
- جامع مالقی یا جامع ابن بیطار

۶- کتاب‌های الموسوعه، تصحیح ابن مراد بر کتاب شرح دیسکورید ابن بیطار، تصحیح ربرت بر کتاب دیسکورید، تصحیح زریاب بر کتاب صیدنه، تصحیح طباطبایی بر الحاوی، دائرة المعارف گیاهان دارویی هند، دارونامه پارسا، تصحیح خطابی بر کتاب حدیقه الازهار [مربوط به دوران جدید و عصر حاضر]

در آثار این دوران حتی المقدور سعی شد تا حد امکان نام علمی رایج کنونی برای نام قدیمی گیاهان انتخاب شود. از منابع مزبور کتابهای شرح دیسکورید ابن بیطار و تنقیح الجامع تقریباً بطور کامل ترجمه شده و از کتب دیگر فقط نام‌های گیاهان استخراج شده است.

فصل اول

نام‌های کهن گیاهان داروئی

در کتاب‌های:

- مخزن الادویه (قرن دوازدهم هجری)
- اختیارات بدیعی (قرن یازدهم هجری)
- حدیقه غسانی (قرن دهم هجری)
- جامع ابن بیطار (قرن هفتم هجری)
- تفسیر کتاب دیسقوریوس (قرن هفتم میلادی)
- عمدة الطیب فی معرفة النبات (قرن ششم هجری)
- صیدنه (قرن پنجم هجری)
- الابنیه (قرن چهارم هجری)
- الحاوی (قرن سوم هجری)

نام‌های کهن گیاهان داروئی

مهمترین مطالب این فصل عبارتست از:

- ۱ - نام‌های کهن گیاهان داروئی از اوائل سال‌های میلادی تا عصر حاضر به تفکیک منبع
- ۲ - تاریخ استفاده از گیاه و میزان اهمیت آن در قرون گذشته
- ۳ - تصحیح نام‌ها با توجه به منشاء زبان و گویش آن
- ۳ - نام‌های علمی پیشنهادی در برخی از منابع جدید برای این گیاهان

برای استفاده از کتاب به نکات زیر توجه شود:

- ۱ - در این کتاب سعی شده تقریباً همه نام‌های اصلی و نام‌های منتقل شده در منابع گوناگون قدیم از کتاب دیسکورید تا مخزن الادویه جمع آوری شده و بدون پیش داوری در اختیار محققان قرار گیرد.
- ۲ - برای بالا رفتن دقت و تصحیح گویش‌ها و کامل شدن تاریخ گیاه سعی شده از هر قرن، کامل‌ترین منبع در زمینه نام‌های گیاهان انتخاب شود. بنابراین عدم استفاده از منابع دیگر بخاطر هم پوشانی مطالب آن با کتب انتخابی است.
- بعنوان مثال کتاب مخزن الادویه از نظر اسامی از کتاب تحفه حکیم مومن / با توجه تشابه‌های زیاد این دو / کامل‌تر است و بعلاوه به دلیل متاخر بودن آن از امتیاز بیشتری برخوردار است.
- ۳ - در جمع آوری مطالب از منابع مختلف درستی یا نادرستی نام یا مطلب، مورد نظر نبوده است زیرا عدم تفکیک موارد درست و یا نادرست می‌تواند زمینه بیشتر اظهار نظر پژوهشگران بعدی را فراهم و پژوهش آنان را پربارتر سازد. بعنوان مثال اگر نامی با زبان خاص از منبعی در این کتاب ذکر گردید درستی یا نادرستی آن مورد نظر نبوده است، بنابراین منسوب کردن نام به یونانی، عربی، و... فقط نقل قول از منابع است که ممکن است نادرست باشد.^(۱) گاهی نیز نادرستی مطلب و واژگان در زمان خاص می‌تواند سرنخ‌های مطلوبی را در زمینه کشف قوانین دوره‌ای از تاریخ فراهم آورد.
- ۴ - در فصل حاضر کوشش بر این بوده نام‌های مشهور ذکر شده از منابع مختلف با یک شماره مشخص شوند مگر آنکه اختلافی بین نام‌ها به نظر آمده باشد. بنابر این تکرار شماره برای نام‌ها موید اختلاف آن‌ها با نام‌های مترادف است.
- ۵ - چنانچه قبلاً اشاره کردیم نام گیاهان با نام مشهور و غیر مشهور در کتاب متمایز شده‌اند و نام مشهور ممکن است مربوط به منابع یکسان یا منابع مختلف باشد. در هر صورت نام مشهور بلافاصله بعد از شماره در کتاب آمده و نام‌های بعدی آن با عنوان " سایر نام‌ها " آمده و غیر مشهور یا مترادف بشمار می‌روند.

۱- به همین دلیل همه مطالب و نام‌ها در کتاب با ذکر منبع آمده و برای هر منبع کلمه اختصاری انتخاب شده است.

۶- در بخش پایانی کتاب نام های گیاهان داروئی به زبان های مختلف به تفکیک با ذکر صفحه، فهرست شده اند تا با مراجعه به آن بتوان به تمام نام های موجود بویژه نام های مشهور در کتب قدیم دسترسی یافت.^(۱) با استفاده از این فهرست و مراجعه به متن کتاب امکان دستیابی به گیاه مورد نظر در منابع قدیم فراهم می شود. بعنوان مثال چنانچه محققى در نظر داشته باشد در زمینه گیاه «اسفرزه» در متون قدیم اطلاعاتی را استخراج نماید با مراجعه به فهرست آخر کتاب به متن ارجاع داده شده و با عنوان «بزرقوتونا» مواجه می شود بنابراین در کتبی که نام آن ها به صورت اندیس روی نام گیاه آمده است می توان اطلاعات مربوط به «اسفرزه» را تحت عنوان «بزرقوتونا» جستجو نمود.

۷- نام های علمی در جداول کتاب برای حفظ امانت به همان صورت کتاب است و به معنی تایید درستی آن ها نیست، بدیهی است در ضمیمه شماره ۳ کتاب نام های اصلاح شده یا درست آن ها آمده است.

۸- البته امکان یافتن نام علمی برخی از نام های علمی به علت نبود منابع میسر نگردید.

۹- برای هر گونه اظهار نظر در مورد گیاه خاص باید حتماً به اندیس و فونت آن توجه نمود.

شایان ذکر است نشانه ها اتخاذ شده برای مشخص نمودن منابعی است که نام ها و مطالب از آن ها گرفته شده است. این نشانه ها عبارتند از:

نشانه حرف «م» مربوط به کتاب مخزن الادویه (قرن دوازدهم هجری) با فونت لوتوس ۱۴

نشانه حرف «ت» مربوط به کتاب اختیارات بدیعی (قرن یازدهم هجری) با فونت ۱۰ یاقوت

نشانه حرف «غ» مربوط به کتاب حدیقه غسانی (قرن دهم هجری) با فونت بدر ۱۲

نشانه حرف «ج» مربوط به کتب ابن بیطار (قرن هفتم هجری) با فونت ۱۲ زر ایرانیک

نشانه حرف «ش» مربوط به کتاب عمدة الطیب فی معرفة النبات (قرن ششم هجری) با فونت ۱۰

نشانه حرف «ص» مربوط به کتاب صیدنه (قرن پنجم هجری) با فونت لوتوس سیاه ۱۲

نشانه حرف «ب» مربوط به کتاب الابنیه (قرن چهارم هجری) با فونت لوتوس ۱۰

نشانه حرف «ح» مربوط به کتاب الحاوی (قرن سوم هجری) با فونت میترا ۱۲

نشانه «Glo» مربوط به کتاب *GLOSSARY OF INDIAN MEDICINAL PLANTS*

نشانه «دی.» یا «د.» مربوط به تصحیح ابراهیم بن مراد بر کتاب «تفسیر کتاب دیسکورید ابن بیطار»

نشانه «زر.» یا «ز.» مربوط به کتاب تصحیح عباس زریاب بر کتاب «صیدنه»

نشانه «الم.» یا «ال.» مربوط به کتاب «الموسوعة فی علوم الطبیعة»

نشانه «طبا.» یا «ط.» مربوط به تصحیح سید محمود طباطبائی بر کتاب «الحاوی»

نشانه «خطا.» یا «خ.» مربوط به تصحیح محمد العربی الخطابی بر کتاب «حدیقه الازهار»

نشانه «صحا.» یا «صح.» مربوط به کتاب «الصباح فی اللغة و العلوم»

نشانه «پار.» یا «پ.» مربوط به کتاب «دارو نامه» احمد پارسا

برای روشن شدن مطالب فوق به مثال زیر اشاره می کنیم:

نام شماره ۱۸ این فصل بعنوان نمونه انتخاب می شود، که «آس» نام دارد.

۱۸- «آس»، «آس» (نامی فارسی)، «هَدَس» (نام دانه)، «آس»، «آس»، «اسفرم»، «اسمار»، «حب الاس»، «قیطس»؛ نام های دیگر آن: ریحان، - سریانی: آسای، آسای گدگدنفسی، (به معنای جاء بک نفسه) و کرلنفسا، به معنای خصومت کننده با جان خود نام های نوع بستانی آن: یونانی: مرسا ایمارس، قیطس، - سریانی: مرسنین، مرسینی - حبشی: ازورا - هندی: ادهیره، نام دانه آن: بکام، قطوس، قُطُسا، (بنک آس را) منطر - نام گیاه

۱- بدین ترتیب پژوهشگران می توانند با مراجعه به صفحه مربوط نام مشهور گیاه را در منبع دلخواه خود پیدا و به آن مراجعه کنند مثلاً گیاه «مورد» را باید در کتاب مخزن الادویه تحت عنوان «آس» جستجو نمایند.

در کتاب دیسکورید: مرسینس ایماروس^۷ - بنکه قیطس^۸، غمار^۹، اسماروزند^{۱۰} - مورد^{۱۱}

در مثال فوق:

- نام‌های مشهور گیاه عبارت است از: «آس، هَدَس، اسفرم، اسمار، حب الاس، قیطس» سایر شرح‌های گیاه و خواص آن در کتاب‌های مورد نظر در ذیل این نام‌ها آمده است.

- برای بررسی این گیاه در کتب قدیم به نام‌های زیر باید رجوع شود:

در کتاب الالبینه و جامع ابن بیطار و مخزن الادویه: آس

در کتاب صیدنه: آس، هَدَس

در کتاب اختیارات بدیعی: آس، قیطس، حب الاس، اسمار، اسفرم

- سایر نام‌ها و مطالب این گیاه در منابع مختلف در ادامه نام‌های مشهور گیاه ذکر شده است.

- اگر نام «ازورا» بعنوان نامی مجهول در اختیار ما باشد با مراجعه به فهرست پایان کتاب به صفحه مربوط به «آس» راهنمایی می‌شویم و برای مطالعه بیشتر به کتاب‌های مخزن الادویه، صیدنه، جامع، اختیارات بدیعی و الالبینه به کلمه «آس» مراجعه خواهیم نمود.

- در این مراجعات به منشأ تاریخی نام گیاه نیز واقف خواهیم شد مثلاً این گیاه از زمان دیسکورید با نام «مرسینس ایماروس» مورد استفاده بوده و در زمان‌ها، کشورها و فرهنگ‌های مختلف استفاده شده است، بنابراین به نظر می‌رسد امتداد تاریخی استفاده این گیاه از زمان دیسکورید تا قرن ۱۳ ادامه داشته است (زیرا در همه منابع قرون گذشته از آن نام‌برده شده است).

- از آنجا که نام دانه گیاه بصورت مستقل آمده می‌توان نتیجه گرفت که مصرف خاص داروئی داشته است.

- نام‌های گیاه در انتقال مؤلفان و کتب آن‌ها دستخوش تغییر شده است که می‌توان بهترین گویش را انتخاب و واژه‌ها و اصطلاحات بکار برده شده را اصلاح نمود و به منشاء نام تا حدودی بطور مستند نزدیک شد، مثلاً نام یونانی این گیاه در کتاب مخزن «مرسا ایمارس» و در کتاب جامع «مرسینس ایمارس» است و با نام سریانی آن که مرسین است تشابه زیادی دارد بنابراین نام «مرسینس ایمارس» نام یونانی قابل قبول‌تری برای آن است.

- استفاده گسترده از این گیاه در کشورهای مختلف مغرب، هند، ایران و ممالک دیگر از مواردی است که می‌توان با توجه به تعدد نام‌های مختلف گیاه در زبان‌های متفاوت به آن پی برد.

۱۱ - آذان الفار؛ آذان الفار؛ آذان الفار؛ آذان الفار البستاني؛ آذان الفار البري؛ آذان الفار؛ آذان الفار (نامی)

عربی)، سمقشمحون^۲: آذان الفار جنسی از مرزنگوش است.^۳ نام‌های دیگر آن: حشیشة الزجاج^۴ - یونانی: مروش^۵، مروش آقطی به معنی اذان الفار^۶ - هندی: چوهه کنی^۷ - اناغلس^۸ - سمسق^۹، سمسر^{۱۰}، ریحان داود^{۱۱}، سمشیر^{۱۲}، عیسوب^{۱۳}، عنقر^{۱۴}، مردوش^{۱۵}، مرزنجوش^{۱۶}، مرزجوش^{۱۷}، حبق القنا^{۱۸} - فارسی: مرزنگوش^{۱۹} - اشبیلی^{۲۰} می‌گوید: چهار گیاه به دلیل شباهت برگ‌هایشان به گوش موش - آذن الفار - به این نام مشهورند نام نوع اول «حشیشة الزجاج» و نوع دوم «آناغالیس» و نوع سوم «مرزنجوش» و نوع چهارم «البستنی» به معنی بستانی و با نام یونانی «ماوش اوطا» است. برخی آن را به اشتباه نوعی «هیوفاریقون» و یا نوعی «آناغالیس» می‌دانند در حالی که این نام به همه این گیاهان گفته می‌شود ولی به تنهایی برای آن‌ها استعمال نمی‌شود.^{۲۱} «آذان الفار البری» در آفریقا به «عین الهدهد»^{۲۲} معروف است. بُتوقُس اُوطا (Muos ota): «حنین ابن اسحق» در تفسیر «بتوقس اوطا» آن را نامی برای «آذان الفارالرومی» می‌داند. در آفریقا آن را «عین الهدهد» و همان «بادوَرْد» می‌دانند. اینان در این نامگذاری دچار اشتباه شده‌اند که در فصل ۴ به «آذان الفار حقیقی» اشاره می‌شود.

آلسینی (Alsine): این نام «آذان الفار حقیقی» است و بیشتر در باغها روئیده می‌شود. [این بیطار (در تفسیر کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۶۴ و ۴ - ۷۹]

| | | |
|----------|---|---|
| الموسوعه | آذان الفار | <i>Myosotis sp.</i> |
| الموسوعه | آذان الفار بری | <i>Myosotis arvensis L.</i> <i>M.stricta Roem & Schut.</i> |
| الموسوعه | آذان الفار جبلی | <i>Myosotis alpestris Schm.</i> |
| الموسوعه | آذان الفار المقعی - عین الهدهد - لاتسنی | <i>Myosotis palustris Lam.</i> |
| صاح | آذان الفار | <i>Myosotis palustris Lam.</i> |
| زریاب | آذان الفار | <i>Myosotis palustris Lam.</i> <i>Asperugo procumbens L.</i> |
| دیسکورید | آذان الفارالرومی | <i>Myosotis palustris Lam.</i> |
| دیسکورید | آذان الفار الحقیقی | <i>Parietaria cretica L.</i> |
| پارسا | آذان الفار - گوش موش | <i>Parietaria officinalis L.</i> |
| طباطبانی | آذان الفار | <i>Asperugo procumbens L.</i> |
| ط. - زر. | آذان الفار نبطی | <i>Anagallis arvensis L.</i> |

۱۲ - آذان الفستیس^{۲۳}: نام دیگر آن «قوتولیدون» است و نوعی از «حی العالم» است.

| | | |
|-----|-------------|-------------------------------|
| EN. | آذان القسیس | <i>Cotyledon umbilicus L.</i> |
|-----|-------------|-------------------------------|

۱۳ - آذان الفیل^{۲۴}: به آن «قُلُقاس» گفته‌اند اما «لوف الکبیر» صحیح تر است.^{۲۵}

۱۴ - آذربو^{۲۶} یا آذربویه^{۲۷}، آذربوی^{۲۸}، آذربوا^{۲۹}، اصل العربیثا^{۳۰}: (نامی یونانی) نام‌های دیگر آن: بیخ عربیثا^{۳۱} - سیطرمنون^{۳۲} - شیرازی: یریک^{۳۳} - تلاد^{۳۴}، بلاد^{۳۵}، گلیم شوی^{۳۶}، قصب شوی^{۳۷} - قعیلاس^{۳۸} - بخور مریم نوعی از آتست^{۳۹}. نام ریشه آن عربنیفه است.^{۴۰} - عربنیثا پیارسی «اشبریون» است و «تورم» و «فلال» نیز به آن گویند، پشم و گلیم‌ها را با آن می‌شویند نام گیاه «آذربوی» است.^{۴۱} - «آذربوی» نام ریشه گیاهی است که به فارسی به آن «چوه صباغان» گویند.^{۴۲}

۱۵ - آذریون^{۴۳}، آذریون^{۴۴}، آذریون^{۴۵} (معنا: آتش گون)، آذریون^{۴۶}، آذریون^{۴۷}، آذریون^{۴۸}، آذریون^{۴۹}، آذریون^{۵۰}، آذریون^{۵۱}، آذریون^{۵۲}، آذریون^{۵۳}، آذریون^{۵۴}، آذریون^{۵۵}، آذریون^{۵۶}، آذریون^{۵۷}، آذریون^{۵۸}، آذریون^{۵۹}، آذریون^{۶۰}، آذریون^{۶۱}، آذریون^{۶۲}، آذریون^{۶۳}، آذریون^{۶۴}، آذریون^{۶۵}، آذریون^{۶۶}، آذریون^{۶۷}، آذریون^{۶۸}، آذریون^{۶۹}، آذریون^{۷۰}، آذریون^{۷۱}، آذریون^{۷۲}، آذریون^{۷۳}، آذریون^{۷۴}، آذریون^{۷۵}، آذریون^{۷۶}، آذریون^{۷۷}، آذریون^{۷۸}، آذریون^{۷۹}، آذریون^{۸۰}، آذریون^{۸۱}، آذریون^{۸۲}، آذریون^{۸۳}، آذریون^{۸۴}، آذریون^{۸۵}، آذریون^{۸۶}، آذریون^{۸۷}، آذریون^{۸۸}، آذریون^{۸۹}، آذریون^{۹۰}، آذریون^{۹۱}، آذریون^{۹۲}، آذریون^{۹۳}، آذریون^{۹۴}، آذریون^{۹۵}، آذریون^{۹۶}، آذریون^{۹۷}، آذریون^{۹۸}، آذریون^{۹۹}، آذریون^{۱۰۰}، آذریون^{۱۰۱}، آذریون^{۱۰۲}، آذریون^{۱۰۳}، آذریون^{۱۰۴}، آذریون^{۱۰۵}، آذریون^{۱۰۶}، آذریون^{۱۰۷}، آذریون^{۱۰۸}، آذریون^{۱۰۹}، آذریون^{۱۱۰}، آذریون^{۱۱۱}، آذریون^{۱۱۲}، آذریون^{۱۱۳}، آذریون^{۱۱۴}، آذریون^{۱۱۵}، آذریون^{۱۱۶}، آذریون^{۱۱۷}، آذریون^{۱۱۸}، آذریون^{۱۱۹}، آذریون^{۱۲۰}، آذریون^{۱۲۱}، آذریون^{۱۲۲}، آذریون^{۱۲۳}، آذریون^{۱۲۴}، آذریون^{۱۲۵}، آذریون^{۱۲۶}، آذریون^{۱۲۷}، آذریون^{۱۲۸}، آذریون^{۱۲۹}، آذریون^{۱۳۰}، آذریون^{۱۳۱}، آذریون^{۱۳۲}، آذریون^{۱۳۳}، آذریون^{۱۳۴}، آذریون^{۱۳۵}، آذریون^{۱۳۶}، آذریون^{۱۳۷}، آذریون^{۱۳۸}، آذریون^{۱۳۹}، آذریون^{۱۴۰}، آذریون^{۱۴۱}، آذریون^{۱۴۲}، آذریون^{۱۴۳}، آذریون^{۱۴۴}، آذریون^{۱۴۵}، آذریون^{۱۴۶}، آذریون^{۱۴۷}، آذریون^{۱۴۸}، آذریون^{۱۴۹}، آذریون^{۱۵۰}، آذریون^{۱۵۱}، آذریون^{۱۵۲}، آذریون^{۱۵۳}، آذریون^{۱۵۴}، آذریون^{۱۵۵}، آذریون^{۱۵۶}، آذریون^{۱۵۷}، آذریون^{۱۵۸}، آذریون^{۱۵۹}، آذریون^{۱۶۰}، آذریون^{۱۶۱}، آذریون^{۱۶۲}، آذریون^{۱۶۳}، آذریون^{۱۶۴}، آذریون^{۱۶۵}، آذریون^{۱۶۶}، آذریون^{۱۶۷}، آذریون^{۱۶۸}، آذریون^{۱۶۹}، آذریون^{۱۷۰}، آذریون^{۱۷۱}، آذریون^{۱۷۲}، آذریون^{۱۷۳}، آذریون^{۱۷۴}، آذریون^{۱۷۵}، آذریون^{۱۷۶}، آذریون^{۱۷۷}، آذریون^{۱۷۸}، آذریون^{۱۷۹}، آذریون^{۱۸۰}، آذریون^{۱۸۱}، آذریون^{۱۸۲}، آذریون^{۱۸۳}، آذریون^{۱۸۴}، آذریون^{۱۸۵}، آذریون^{۱۸۶}، آذریون^{۱۸۷}، آذریون^{۱۸۸}، آذریون^{۱۸۹}، آذریون^{۱۹۰}، آذریون^{۱۹۱}، آذریون^{۱۹۲}، آذریون^{۱۹۳}، آذریون^{۱۹۴}، آذریون^{۱۹۵}، آذریون^{۱۹۶}، آذریون^{۱۹۷}، آذریون^{۱۹۸}، آذریون^{۱۹۹}، آذریون^{۲۰۰}، آذریون^{۲۰۱}، آذریون^{۲۰۲}، آذریون^{۲۰۳}، آذریون^{۲۰۴}، آذریون^{۲۰۵}، آذریون^{۲۰۶}، آذریون^{۲۰۷}، آذریون^{۲۰۸}، آذریون^{۲۰۹}، آذریون^{۲۱۰}، آذریون^{۲۱۱}، آذریون^{۲۱۲}، آذریون^{۲۱۳}، آذریون^{۲۱۴}، آذریون^{۲۱۵}، آذریون^{۲۱۶}، آذریون^{۲۱۷}، آذریون^{۲۱۸}، آذریون^{۲۱۹}، آذریون^{۲۲۰}، آذریون^{۲۲۱}، آذریون^{۲۲۲}، آذریون^{۲۲۳}، آذریون^{۲۲۴}، آذریون^{۲۲۵}، آذریون^{۲۲۶}، آذریون^{۲۲۷}، آذریون^{۲۲۸}، آذریون^{۲۲۹}، آذریون^{۲۳۰}، آذریون^{۲۳۱}، آذریون^{۲۳۲}، آذریون^{۲۳۳}، آذریون^{۲۳۴}، آذریون^{۲۳۵}، آذریون^{۲۳۶}، آذریون^{۲۳۷}، آذریون^{۲۳۸}، آذریون^{۲۳۹}، آذریون^{۲۴۰}، آذریون^{۲۴۱}، آذریون^{۲۴۲}، آذریون^{۲۴۳}، آذریون^{۲۴۴}، آذریون^{۲۴۵}، آذریون^{۲۴۶}، آذریون^{۲۴۷}، آذریون^{۲۴۸}، آذریون^{۲۴۹}، آذریون^{۲۵۰}، آذریون^{۲۵۱}، آذریون^{۲۵۲}، آذریون^{۲۵۳}، آذریون^{۲۵۴}، آذریون^{۲۵۵}، آذریون^{۲۵۶}، آذریون^{۲۵۷}، آذریون^{۲۵۸}، آذریون^{۲۵۹}، آذریون^{۲۶۰}، آذریون^{۲۶۱}، آذریون^{۲۶۲}، آذریون^{۲۶۳}، آذریون^{۲۶۴}، آذریون^{۲۶۵}، آذریون^{۲۶۶}، آذریون^{۲۶۷}، آذریون^{۲۶۸}، آذریون^{۲۶۹}، آذریون^{۲۷۰}، آذریون^{۲۷۱}، آذریون^{۲۷۲}، آذریون^{۲۷۳}، آذریون^{۲۷۴}، آذریون^{۲۷۵}، آذریون^{۲۷۶}، آذریون^{۲۷۷}، آذریون^{۲۷۸}، آذریون^{۲۷۹}، آذریون^{۲۸۰}، آذریون^{۲۸۱}، آذریون^{۲۸۲}، آذریون^{۲۸۳}، آذریون^{۲۸۴}، آذریون^{۲۸۵}، آذریون^{۲۸۶}، آذریون^{۲۸۷}، آذریون^{۲۸۸}، آذریون^{۲۸۹}، آذریون^{۲۹۰}، آذریون^{۲۹۱}، آذریون^{۲۹۲}، آذریون^{۲۹۳}، آذریون^{۲۹۴}، آذریون^{۲۹۵}، آذریون^{۲۹۶}، آذریون^{۲۹۷}، آذریون^{۲۹۸}، آذریون^{۲۹۹}، آذریون^{۳۰۰}، آذریون^{۳۰۱}، آذریون^{۳۰۲}، آذریون^{۳۰۳}، آذریون^{۳۰۴}، آذریون^{۳۰۵}، آذریون^{۳۰۶}، آذریون^{۳۰۷}، آذریون^{۳۰۸}، آذریون^{۳۰۹}، آذریون^{۳۱۰}، آذریون^{۳۱۱}، آذریون^{۳۱۲}، آذریون^{۳۱۳}، آذریون^{۳۱۴}، آذریون^{۳۱۵}، آذریون^{۳۱۶}، آذریون^{۳۱۷}، آذریون^{۳۱۸}، آذریون^{۳۱۹}، آذریون^{۳۲۰}، آذریون^{۳۲۱}، آذریون^{۳۲۲}، آذریون^{۳۲۳}، آذریون^{۳۲۴}، آذریون^{۳۲۵}، آذریون^{۳۲۶}، آذریون^{۳۲۷}، آذریون^{۳۲۸}، آذریون^{۳۲۹}، آذریون^{۳۳۰}، آذریون^{۳۳۱}، آذریون^{۳۳۲}، آذریون^{۳۳۳}، آذریون^{۳۳۴}، آذریون^{۳۳۵}، آذریون^{۳۳۶}، آذریون^{۳۳۷}، آذریون^{۳۳۸}، آذریون^{۳۳۹}، آذریون^{۳۴۰}، آذریون^{۳۴۱}، آذریون^{۳۴۲}، آذریون^{۳۴۳}، آذریون^{۳۴۴}، آذریون^{۳۴۵}، آذریون^{۳۴۶}، آذریون^{۳۴۷}، آذریون^{۳۴۸}، آذریون^{۳۴۹}، آذریون^{۳۵۰}، آذریون^{۳۵۱}، آذریون^{۳۵۲}، آذریون^{۳۵۳}، آذریون^{۳۵۴}، آذریون^{۳۵۵}، آذریون^{۳۵۶}، آذریون^{۳۵۷}، آذریون^{۳۵۸}، آذریون^{۳۵۹}، آذریون^{۳۶۰}، آذریون^{۳۶۱}، آذریون^{۳۶۲}، آذریون^{۳۶۳}، آذریون^{۳۶۴}، آذریون^{۳۶۵}، آذریون^{۳۶۶}، آذریون^{۳۶۷}، آذریون^{۳۶۸}، آذریون^{۳۶۹}، آذریون^{۳۷۰}، آذریون^{۳۷۱}، آذریون^{۳۷۲}، آذریون^{۳۷۳}، آذریون^{۳۷۴}، آذریون^{۳۷۵}، آذریون^{۳۷۶}، آذریون^{۳۷۷}، آذریون^{۳۷۸}، آذریون^{۳۷۹}، آذریون^{۳۸۰}، آذریون^{۳۸۱}، آذریون^{۳۸۲}، آذریون^{۳۸۳}، آذریون^{۳۸۴}، آذریون^{۳۸۵}، آذریون^{۳۸۶}، آذریون^{۳۸۷}، آذریون^{۳۸۸}، آذریون^{۳۸۹}، آذریون^{۳۹۰}، آذریون^{۳۹۱}، آذریون^{۳۹۲}، آذریون^{۳۹۳}، آذریون^{۳۹۴}، آذریون^{۳۹۵}، آذریون^{۳۹۶}، آذریون^{۳۹۷}، آذریون^{۳۹۸}، آذریون^{۳۹۹}، آذریون^{۴۰۰}، آذریون^{۴۰۱}، آذریون^{۴۰۲}، آذریون^{۴۰۳}، آذریون^{۴۰۴}، آذریون^{۴۰۵}، آذریون^{۴۰۶}، آذریون^{۴۰۷}، آذریون^{۴۰۸}، آذریون^{۴۰۹}، آذریون^{۴۱۰}، آذریون^{۴۱۱}، آذریون^{۴۱۲}، آذریون^{۴۱۳}، آذریون^{۴۱۴}، آذریون^{۴۱۵}، آذریون^{۴۱۶}، آذریون^{۴۱۷}، آذریون^{۴۱۸}، آذریون^{۴۱۹}، آذریون^{۴۲۰}، آذریون^{۴۲۱}، آذریون^{۴۲۲}، آذریون^{۴۲۳}، آذریون^{۴۲۴}، آذریون^{۴۲۵}، آذریون^{۴۲۶}، آذریون^{۴۲۷}، آذریون^{۴۲۸}، آذریون^{۴۲۹}، آذریون^{۴۳۰}، آذریون^{۴۳۱}، آذریون^{۴۳۲}، آذریون^{۴۳۳}، آذریون^{۴۳۴}، آذریون^{۴۳۵}، آذریون^{۴۳۶}، آذریون^{۴۳۷}، آذریون^{۴۳۸}، آذریون^{۴۳۹}، آذریون^{۴۴۰}، آذریون^{۴۴۱}، آذریون^{۴۴۲}، آذریون^{۴۴۳}، آذریون^{۴۴۴}، آذریون^{۴۴۵}، آذریون^{۴۴۶}، آذریون^{۴۴۷}، آذریون^{۴۴۸}، آذریون^{۴۴۹}، آذریون^{۴۵۰}، آذریون^{۴۵۱}، آذریون^{۴۵۲}، آذریون^{۴۵۳}، آذریون^{۴۵۴}، آذریون^{۴۵۵}، آذریون^{۴۵۶}، آذریون^{۴۵۷}، آذریون^{۴۵۸}، آذریون^{۴۵۹}، آذریون^{۴۶۰}، آذریون^{۴۶۱}، آذریون^{۴۶۲}، آذریون^{۴۶۳}، آذریون^{۴۶۴}، آذریون^{۴۶۵}، آذریون^{۴۶۶}، آذریون^{۴۶۷}، آذریون^{۴۶۸}، آذریون^{۴۶۹}، آذریون^{۴۷۰}، آذریون^{۴۷۱}، آذریون^{۴۷۲}، آذریون^{۴۷۳}، آذریون^{۴۷۴}، آذریون^{۴۷۵}، آذریون^{۴۷۶}، آذریون^{۴۷۷}، آذریون^{۴۷۸}، آذریون^{۴۷۹}، آذریون^{۴۸۰}، آذریون^{۴۸۱}، آذریون^{۴۸۲}، آذریون^{۴۸۳}، آذریون^{۴۸۴}، آذریون^{۴۸۵}، آذریون^{۴۸۶}، آذریون^{۴۸۷}، آذریون^{۴۸۸}، آذریون^{۴۸۹}، آذریون^{۴۹۰}، آذریون^{۴۹۱}، آذریون^{۴۹۲}، آذریون^{۴۹۳}، آذریون^{۴۹۴}، آذریون^{۴۹۵}، آذریون^{۴۹۶}، آذریون^{۴۹۷}، آذریون^{۴۹۸}، آذریون^{۴۹۹}، آذریون^{۵۰۰}، آذریون^{۵۰۱}، آذریون^{۵۰۲}، آذریون^{۵۰۳}، آذریون^{۵۰۴}، آذریون^{۵۰۵}، آذریون^{۵۰۶}، آذریون^{۵۰۷}، آذریون^{۵۰۸}، آذریون^{۵۰۹}، آذریون^{۵۱۰}، آذریون^{۵۱۱}، آذریون^{۵۱۲}، آذریون^{۵۱۳}، آذریون^{۵۱۴}، آذریون^{۵۱۵}، آذریون^{۵۱۶}، آذریون^{۵۱۷}، آذریون^{۵۱۸}، آذریون^{۵۱۹}، آذریون^{۵۲۰}، آذریون^{۵۲۱}، آذریون^{۵۲۲}، آذریون^{۵۲۳}، آذریون^{۵۲۴}، آذریون^{۵۲۵}، آذریون^{۵۲۶}، آذریون^{۵۲۷}، آذریون^{۵۲۸}، آذریون^{۵۲۹}، آذریون^{۵۳۰}، آذریون^{۵۳۱}، آذریون^{۵۳۲}، آذریون^{۵۳۳}، آذریون^{۵۳۴}، آذریون^{۵۳۵}، آذریون^{۵۳۶}، آذریون^{۵۳۷}، آذریون^{۵۳۸}، آذریون^{۵۳۹}، آذریون^{۵۴۰}، آذریون^{۵۴۱}، آذریون^{۵۴۲}، آذریون^{۵۴۳}، آذریون^{۵۴۴}، آذریون^{۵۴۵}، آذریون^{۵۴۶}، آذریون^{۵۴۷}، آذریون^{۵۴۸}، آذریون^{۵۴۹}، آذریون^{۵۵۰}، آذریون^{۵۵۱}، آذریون^{۵۵۲}، آذریون^{۵۵۳}، آذریون^{۵۵۴}، آذریون^{۵۵۵}، آذریون^{۵۵۶}، آذریون^{۵۵۷}، آذریون^{۵۵۸}، آذریون^{۵۵۹}، آذریون^{۵۶۰}، آذریون^{۵۶۱}، آذریون^{۵۶۲}، آذریون^{۵۶۳}، آذریون^{۵۶۴}، آذریون^{۵۶۵}، آذریون^{۵۶۶}، آذریون^{۵۶۷}، آذریون^{۵۶۸}، آذریون^{۵۶۹}، آذریون^{۵۷۰}، آذریون^{۵۷۱}، آذریون^{۵۷۲}، آذریون^{۵۷۳}، آذریون^{۵۷۴}، آذریون^{۵۷۵}، آذریون^{۵۷۶}، آذریون^{۵۷۷}، آذریون^{۵۷۸}، آذریون^{۵۷۹}، آذریون^{۵۸۰}، آذریون^{۵۸۱}، آذریون^{۵۸۲}، آذریون^{۵۸۳}، آذریون^{۵۸۴}، آذریون^{۵۸۵}، آذریون^{۵۸۶}، آذریون^{۵۸۷}، آذریون^{۵۸۸}، آذریون^{۵۸۹}، آذریون^{۵۹۰}، آذریون^{۵۹۱}، آذریون^{۵۹۲}، آذریون^{۵۹۳}، آذریون^{۵۹۴}، آذریون^{۵۹۵}، آذریون^{۵۹۶}، آذریون^{۵۹۷}، آذریون^{۵۹۸}، آذریون^{۵۹۹}، آذریون^{۶۰۰}، آذریون^{۶۰۱}، آذریون^{۶۰۲}، آذریون^{۶۰۳}، آذریون^{۶۰۴}، آذریون^{۶۰۵}، آذریون^{۶۰۶}، آذریون^{۶۰۷}، آذریون^{۶۰۸}، آذریون^{۶۰۹}، آذریون^{۶۱۰}، آذریون^{۶۱۱}، آذریون^{۶۱۲}، آذریون^{۶۱۳}، آذریون^{۶۱۴}، آذریون^{۶۱۵}، آذریون^{۶۱۶}، آذریون^{۶۱۷}، آذریون^{۶۱۸}، آذریون^{۶۱۹}، آذریون^{۶۲۰}، آذریون^{۶۲۱}، آذریون^{۶۲۲}، آذریون^{۶۲۳}، آذریون^{۶۲۴}، آذریون^{۶۲۵}، آذریون^{۶۲۶}، آذریون^{۶۲۷}، آذریون^{۶۲۸}، آذریون^{۶۲۹}، آذریون^{۶۳۰}، آذریون^{۶۳۱}، آذریون^{۶۳۲}، آذریون^{۶۳۳}، آذریون^{۶۳۴}، آذریون^{۶۳۵}، آذریون^{۶۳۶}، آذریون^{۶۳۷}، آذریون^{۶۳۸}، آذریون^{۶۳۹}، آذریون^{۶۴۰}، آذریون^{۶۴۱}، آذریون^{۶۴۲}، آذریون^{۶۴۳}، آذریون^{۶۴۴}، آذریون^{۶۴۵}، آذریون^{۶۴۶}، آذریون^{۶۴۷}، آذریون^{۶۴۸}، آذریون^{۶۴۹}، آذریون^{۶۵۰}، آذریون^{۶۵۱}، آذریون^{۶۵۲}، آذریون^{۶۵۳}، آذریون^{۶۵۴}، آذریون^{۶۵۵}، آذریون^{۶۵۶}، آذریون^{۶۵۷}، آذریون^{۶۵۸}، آذریون^{۶۵۹}

گل «اقحوان» زرد و سفید است، و گل آن زرد و سرخ است، و او گوید نبات آن به مقدار یک گز باشد اما نبات «آذریون» از یک وجب زیادت نباشد و برگ آن مطلقاً به برگ «اقحوان» ماند، اما گل وی بغایت سرخ رنگ باشد مانند آتش و میان گل وی سیاه رنگ است و از گل «اقحوان» کوچکتر بود اما میان گل «اقحوان» زرد بود و برگ های (گلبرگ های) کنار آن سفید، اما در «آذرگون» (گلبرگ های) کنار آن سرخ با میان سیاه است، و این نوعی از «شقایق» است.^۵

| | | |
|-----------|---|---|
| الموسوعه | آذریون البری، آذریون الحقل، قَوْحَان، کحله | <i>Calendula arvensis L.</i> |
| الموسوعه | آذریون مخزنی، آذریون الحدائق، قره‌هان، زُیده، حَوان | <i>Calendula officinalis L.</i> |
| زریاب | آذریون | <i>Calendula arvensis L.</i> <i>Calendula officinalis L.</i> |
| پارسا | گل آفتاب پرست | <i>Heliotropium europaeum</i> |
| طبا، خطا. | آذریون | <i>Calendula officinalis L.</i> |

۱۶ - آذریونه،^۶ فلار،^۷ آذریون،^۸ نام های دیگر آن عبارتست از: فارسی: گلیم شوی، صابون لباس و امثال آن - سریانی: عرطینثا، عقاراعرطینثا - بلال،^۹ فلار - طالون - نام ریشه گیاه به رومی اطروکیا و لیطفورس است.^{۱۰} "اسحاق بن عمران" می گوید آن نوعی «أَقْحُوَان» است.^{۱۱}

| | | |
|----------|--|--|
| زریاب | فلار، آذریونه | <i>Cyclamen europaeum L.</i> <i>Leontica leontopetalum L.</i> |
| الموسوعه | عرطینثا، شُکَم، بخورمریم، زَهْرالمسیح، وَخَف، خُبْزالمشاخ، بَقْلَامْس، رُکْه | <i>Cyclamen sp.</i> |

۱۷ - آرغیس، آدغیس،^{۱۲} (نامی بربری) نام های دیگر آن: دمشق و مصر: عود الریح،^{۱۳} عود رنج - فارسی: پوست بیخ زرشک - اصل امیرباریس - به پوست درخت «برباریس» گفته می شود و در مصر به آن «عود الریح» گویند.^{۱۴}

۱۸ - آزاد درخت، آزاد درخت، آزاد رخت، آزاد رخت، آزاد درخت، طاحسک (نام میوه): نام های دیگر آن: فارسی: شیشبان، طاق - عربی: شجرة الحر، حریطه، فالسیبانه، علقم، لَبِخ، غُتَاب الابيض، شجرة الفارسیة - تنکابن: داروان، زویاترس - جرجان: زهر زمین، یونانی: فرسیا - مازندران: سیس بان - سند: نیم - مکرگان: زمین - شهرری: درخت هلیله - طبرستان: طاحک - شیرازی: طفک - «آزاد درخت» معنای فارسی «حر السحر» است.^{۱۵}

| | | |
|-----------|---|---|
| الموسوعه | إَزْدَرَحَت | <i>Melia azadarach L.</i> |
| زر - طبا. | آزاد درخت | <i>Melia azadarach L.</i> |
| Glo-in | هندی: نیم - سندی: نیمبا | <i>Melia azadarach L.</i> <i>Azadirachta india Juss.</i> |
| پارسا | درخت آزاد، تومه (شیراز)، نیل (آستارا)، آقچه داغ (کردنه چناران)، ازدار (علی آباد، حاجی آباد) | <i>Zelkova crenata Spac.</i> |

۱۹ - آس، آس، آس، آس (نامی فارسی)، هَدَس (نام دانه)، آس، آس، آس، اسفرم، اسمار، حب الاس، قیطس، آس، ریحان، نام های دیگر آن: ریحان،^{۱۶} آس - سریانی: آسای، آسای گدلنفسی (به معنای جاء بک نفسه) و کرلنفسا، به معنای خصومت کننده با جان خود - نام های نوع بستانی آن: یونانی: مرسا ایمارس، قیطس - سریانی: مرسنین، مرسنی - حبشی: ازورا - هندی: ادھیره، نام دانه آن: بکام، قطوس، قَطُسا، (بنک آس را) منظر - نام

گیاه در کتاب دیسکورید: مرسینس ایماروس^۴ - بنکه قیطس^۵، غمار^۶، اسماروزند^۷ - مورد^۸ - مزتیہ^۹ - مرثش^{۱۰} - میبریان^{۱۱} - رند^{۱۲} - مرسینوس^{۱۳} - آس دو جنس دارد: دشتی، و بستانی، نام دشتی آن «مورداسفرم» است.^{۱۴} آشیلی^{۱۵} می‌گوید: آس دارای دو نوع بستانی و سه نوع بری است که نام آن‌ها عبارت است از: ۱ - نوع بستانی هاشمی با نام ایماروس ۲ - نوع بستانی مشرقی ۳ - نوع بری مشرقی ۴ - نوع بری هاشمی ۵ - نوع بری جبلی^{۱۶}

مرسینس ایمارس (*Mursine he hemeros*): به معنای "آس البستانی" است، زیرا مرسینس یعنی آس و ایمارس به معنی بستان است. - میوه آن به سریانی «مژدایانج» و به لاتینی عمومی «مژتان» (*Myrtinus*) و «مژته» (*Murta*) است. نام گل آن به بربری «أقام» و در اندلس «ریحان» است. دیسکورید در همین ذیل به نام "مُتُیْدَانُون" (*Murtidanon*) اشاره دارد که نام "بنکه" یا مواد ترش‌حی از ساقه این گیاه است. [ابن بیطار (در تفسیر کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۱۵]

| | | |
|----------|--|----------------------------|
| الموسوعه | آس جوی، خَبلاس، حَبلاس، میزین، هُدس، خَلْموش | <i>Myrtus communis L.</i> |
| الموسوعه | آس - خَبلاس - حَبلاس - ریحان | <i>Myrtus spp.</i> |
| Glo-in | هندی و پاکستانی: ویلائی مِهَنَدی - اردو: هَبولاس | <i>Myrtus communis L.</i> |
| ز-حطب. | هدس - آس | <i>Myrtus communis L.</i> |
| دیسکورید | آس البستانی | <i>Myrtus communis L.</i> |
| پارسا | حب الّاس | <i>Baccae murti (C)</i> |
| پارسا | برگ مورد - مورد سبز | <i>Myrtus communis L.</i> |
| خطابی | آس | <i>Ruscus aculeatus L.</i> |

۲۵ - آس بری، آس بری^{۱۷}، مورداِسفرم^{۱۸}، مورداسفرم^{۱۹}: نام‌های دیگر آن: آس نبطی^{۲۰} (ایض و اسود)، فارسی: مورداسفرم^{۲۱}، اسمار^{۲۲}، مارمورد^{۲۳}، ماهومورد^{۲۴}، مورداسبرم^{۲۵}، اس کرمانی - عربی: رند^{۲۶}، ریحان القبور^{۲۷}، اسمادوسفرم^{۲۸} - یونانی: مرسیا اغریا^{۲۹}، مرسیسا اغریا^{۳۰} - تنکابن: جز، عمار^{۳۱} - دمشق و شهرهای شام: قف^{۳۲}، انظر^{۳۳} - عامه اندلس: خیزران البلدی^{۳۴} - نام گیاه در کتاب دیسکورید: مرسینا آغریا^{۳۵}

| | | |
|----------|------------------|----------------------------|
| الموسوعه | سَفَنَدَزْلَایِج | <i>Ruscus aculeatus L.</i> |
| زر - طب. | آس بری | <i>Ruscus aculeatus L.</i> |

۲۱ - اَطریلال^{۳۶}، اَطریلال^{۳۷}، اَطریلال^{۳۸}، اَطریلال^{۳۹} نامی بربری به معنای پای پرنده و پای کلاغ، برای مشابهت شاخه‌های آن با چنگ کلاغ، حرز الشیاطین^{۴۰}، حشیشة البرص^{۴۱}: نام‌های دیگر آن: عربی: حشیشة الارض^{۴۲}، جززالشیاطین^{۴۳}، رجل الطیر^{۴۴}، رجل الغراب^{۴۵} - ترکی: غازایاغی^{۴۶} - هندی: کال چنگی^{۴۷} (پای زاغ)، مسی^{۴۸}

| | | |
|----------|---|-------------------------------------|
| الموسوعه | اَطریلال - اَطریلال - سِرْفَل - حشیشة البرص - حشیشة البهاق - رجل الغراب - جززالشیاطین | <i>Carum ammioides Benth.</i> |
| دیسکورید | حشیشة البرص (نام مشترک) - اَطریلال - اَطریلال | <i>Ptychotis verticellata Duby.</i> |
| پارسا | رجل الغراب - اَطریلال - حشیشة البرص - قازایاغی | <i>Cochlearia coronopus L.</i> |
| EN. | اَطریلال | <i>Peucedanum oreoselinum M.</i> |

۲۲ - أفشرو^{۴۹}: (نامی بربری) بعضی از گیاهشناسان آن را بعنوان «قنطوریون الأصفر» می‌شناسند در حالیکه «ابو عباس» نام آن را «قنطوریون» نمی‌داند.^{۵۰}

- ۲۳ - أَكْثَارٌ^ع: (نامی بربری) نام دیگر آن تلغوطه است.^ع
 ۲۴ - أَكَلْ نَفْسَه^ع، اكل نفسه^ع: نام دیگر آن «فریون» است.^ع
 ۲۵ - آلاء^ع، آلاء^ع؛ طَبَاقَه^ع، ارطی^ع، غشاه^ع

| | | |
|----------------------------------|-------------|--------|
| <i>Dalbergia volubilis</i> Roxb. | Bobay: Alai | GLO.IN |
|----------------------------------|-------------|--------|

۲۶ - آلاء^ع: بنا به گفته‌ای نام دیگر «دفلی» است.^ع

۲۷ - أَلْسَنٌ، أَلْسَن^ع: نامی یونانی به معنا دور کننده سگ دیوانه^ع (زهر سگ) نام‌های دیگر آن: شام: حشیشة السِّلْحَفَا، حشیشة السِّلْحَفَا^ع، حشیشة النِّجَاة^ع، حشیشة اللِّجَاة^ع - «جالینوس» می‌گوید: این گیاه را «آلسن» می‌نامد زیرا برای درمان گزیدگی سگ بسیار مفید است.^ع

| | | |
|----------------------------|--|----------|
| <i>Ramnus alaternus</i> L. | زُفَرین الجُزْد، نَبَق مترادف، آملیس، آملیلیس، عودالقیسة | الموسوعه |
|----------------------------|--|----------|

۲۸ - آآملیس^ع: (نامی بربری)

۲۹ - أَنِيسَ النَّفْسِ^ع:

۳۰ - آباؤ^ع: نام دیگر «قصب» است و گویند نام «حلفاء» نیز هست و سنبل آن «مقیل» نامیده می‌شود و به «بردیه» نیز «آباءة» گویند.^ع

۳۱ - أَتَبَجَ: نام‌های دیگر آن: اسفودلوس^ع یا خنثی^ع - فارسی: اشراس^ع، اشریس^ع، اشراز^ع - بلوط الارض^ع - ایجه^ع - بروق^ع - بربری: لاقلیشت^ع، ایغرتی^ع

۳۲ - أَبرة الراعی^ع ابرة الراعی^ع: نام دیگر آن شکاعی است.^ع - گویند نوعی «عصاالراعی» است و گویند نام «انجیلة» است که این درست‌تر است و گویند نوعی «حَسَك» است.^ع «غافقی» می‌گوید نام‌های دیگر آن «أبرة الراهب» و «جحلُق» است.^ع - این گیاه نوعی از «حَسَك» است و بعضی آن را به یونانی «لوقبوسوس» گویند و نوعی از گیاهی با نام یونانی «غارانیون» است و برخی «أبرة الراعی» را همان «شکاعی» می‌دانند که اشتباه است.^ع

| | | |
|-------------------------------|---|----------|
| <i>Geranium columbinum</i> L. | عُزْرَنُوق العِزْهَل - جیرانیوم یمانی - أبرة الراعی | الموسوعه |
| <i>Geranium</i> sp. | أبرة الراعی | صاح |

۳۳ - أَبْرُون^ع یا ایزون^ع، ابرون^ع (نامی یونانی)، حی العالم^ع، حی العالم^ع، حی العالم^ع: نام‌های دیگر آن: حی العالم^ع یعنی همیشه زنده - رومی: ایزویون^ع - هندی: کزرج^ع - فارسی: همیشه بهار^ع - عربی: حی العالم^ع - نام گیاه در کتاب جالینوس: میشکجان^ع، طلافیون^ع، میشبهار^ع - سیستان: میشناء^ع - نام دیگر آن در کتاب دیسکورید: ایزون الکبیر است و دارای سه نوع بزرگ، کوچک و نوع سوم را بعضی از مردم «بقلة حمقاء بری» می‌نامند. دارای سه نوع بزرگ، متوسط و کوچک است و این اسم بر همه انواع «عصاالراعی» گفته می‌شود زیرا این گیاه همیشه وجود دارد.^ع

أیزون الکبیر (Aeizoon mega): به معنای همیشه زنده است و نام‌های دیگر آن عبارتست از: حی العالم الکبیر^ع - شیان^ع و مغرب در مصر رویش ندارد.

أیزون الصغیر (Aeizoon to mikron): نام‌های دیگر آن عبارتست از: حی العالم الصغیر^ع، عِنب السَّقْف^ع - مردم اندلس به زبان لاتینی: أَيْبِلَه دِطْلِبَاطَه^ع - اهالی آفریقا: بَرَاذِل القِطَه^ع

"دیسکورید" با همین اسامی نوع سوم حی العالم را یادآور شده است که خاصیت گرم و خشک و سوزنده ای دارد. [ابن بطار] در

| | | |
|---|--|----------|
| <i>Sempervivum arborerum L.</i> | ایزون الکبیر | دیسکورید |
| <i>Sedum acre L.</i> | ایزون الصغیر | دیسکورید |
| <i>Sedum telephilum L.</i> | نوع سوم حی العالم | دیسکورید |
| <i>Sempervivum spp.</i> <i>sedum spp.</i> | حی العالم | صحاح |
| <i>Sempervivum arborerum L.*</i> <i>Sempervivum tectorum L.*</i> | ایزون | زریاب |
| <i>Sedum sp.</i> | حی العالم - حَیَوْن - وَدْنَة | الموسوعه |
| <i>Sempervivum tectorum</i> <i>Sempervivum arborerum</i> | حی العالم | طباطبائی |
| <i>Sedum telephium</i> | حی العالم بری - طیلّاس | طباطبائی |
| <i>Sedum acre</i> | حی العالم صغیر - حی العالم رعونا - ارمون | طباطبائی |
| <i>Pistia stratiotes L.</i> | حی العالم الماء | طباطبائی |
| <i>Sempervivum arborerum L.</i> | حی العالم | خطابی |

۳۴ - أَبْزَارُ، ابْزَارٌ، انبویاریس: نام‌های دیگر آن: نزار (عوام) - فارسی: زرشک، زارج - انبیریاریس - اثرات - امبودیسیس - درنک

۳۵ - ایلیم: گیاهی در حجاز

۳۶ - ابلیم:

۳۷ - ابلّمة: شاید «انجیلة» باشد.

۳۸ - ابن، ابْنُ الارض، ابن الارض:

۳۹ - ابن اؤبر: نوعی کماة

۴۰ - ابوخلسا، ابوخلسات (نامی یونانی)، اروسا، انجسا، شجرة الدم: نام‌های دیگر آن: عربی: شجرة الدم، حمیرا، حناء الغول، خس الحمار، اروسه، رجل الحمامة، شنجار، شیفار، سنجار، شنغار، شنجار، شنکار - زابلستان: طلخشق، خرجکوک، کوک یعنی خس یا کاسنی - هوفیلوس - شنقار - کحلا - انقلیا - سریانی: حالوما - بالقس - کاهورنه - عاقرشمع

الف - أَنْحُصَا (*Ankhusa*): در بعضی از نسخ به آن «أَنْحُوسَا» گویند و در بعضی از ترجمه‌ها به نام‌های «أَبُوخَلْسَا»، «خَسُّ الحِمَار»، «شَنَكَار»، «شَنَقَار»، «شَنَكَال»، «شَنَقَال» معروف است و اهالی اندلس به آن «حُمَيْرَا» و «رَجُل الحَمَامَة» گویند و نزد اهالی مصر به «جَنَّا الغُؤْلَة» موسوم است. دیسکورید ذیل این نام به سه نوع از این گیاه اشاره می‌کند.

ب - لُوقَبْسُون: (*Lukapsos*) (لوقسیون): از جنس شنجار (سنجار) است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۲۳ و ۲۴]

| | | |
|---|------------|----------|
| <i>Alkanna tinctoria L.</i> <i>Lithospermum fruticosum L.</i> <i>Echium diffusam L.</i> | انخسا | دیسکورید |
| <i>Echium italicum L.</i> | لوقبسون | دیسکورید |
| <i>Onosma spp.</i> | شنجار | الموسوعه |
| <i>Alkanna tinctoria Tausch.</i> | شنجار البر | الموسوعه |
| <i>Alkanna tinctoria Tausch.</i> <i>Anchusa tinctoria L.</i> | اروسا | زریاب |

| | | |
|----------|-----------|----------------------------------|
| طباطبانی | شجرة الدم | <i>Alkanna tinctoria Tausch.</i> |
|----------|-----------|----------------------------------|

۴۱- ابوقانس (یونانی)، ابوفایس، ابوفاس، ابوفسطن، قللجة: نوعی خنض - نام های دیگر آن: ابوقاوس، اوقاس - عربی: غاسول رومی - نام گیاه در کتاب دیسکورید: ابوفایس زیرا محل رویش آن «ابوفایس» نام دارد.^۴
 ابوفسطن (*Hippophaiston*): نوعی از غاسول است. [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۴]

| | | |
|----------|-----------------------------|--|
| دیسکورید | ابوفسطن | <i>Cirsium stellatum L.</i> <i>Euphorbia spinosa L.</i> |
| دیسکورید | غاسول (<i>Hippophaes</i>) | <i>Hippophae rhamnoides L.</i> |

۴۲- ابوقسطنس: «ابوفسطن» نوعی «ابوفایس» است.^۵
 ۴۳- ابهل، ابهل، ابهل، ابهل، ابهل، ابهل، قطران، صفینه، صفینه: ثمر سرو کوهی - قسمی سرو کوهی قطران صمغ «ابهل» است. نام های دیگر آن: سرو کوهی - عرعرا - عربی: عرعرا، جوز العرعرا - فارسی: تخم وهل، اورس، ای رس، و برس غنچه، برس، ورس - ترکی: ارزوج - یونانی: براتی، ارقوس، یارقولس - رومی: برون، بروتون، بزوتون، یابزوسیون - هندی: اوهر، اوهر، هوهر - سریانی: بزوتا، بروثا، یا بزوسیاء، دانه آن: ورس غنده - «ابهل» بر خلاف نظر بعضی پزشکان «عرعرا» نیست.^۶ اسحاق بن عمران «ابهل» را نوعی «عرعرا» می داند.^۷
 براتی (*Brathu*): ابهل [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۷۶]

| | | |
|----------------|--|--|
| د.ط. -خ. - EN. | ابهل | <i>Juniperus sabina L.</i> |
| پارسا | سرو کوهی | <i>Cuperessus sempervirens L.</i> <i>Cupressus horizontalis Mill.</i> |
| پارسا | زرین (منجیل، کوه درفک) - سور (شمال) | <i>Cuperessus sempervirens L.</i> <i>var. fastigiata</i> |
| Glo.in | <i>Hendia: Araar - Dakan: Abhal</i> <i>Kashmir: Betar, Pethra - Sanskrit: Vapusha</i> | <i>Juniperus communis</i> |

۴۴- ابهل هندی، شجرة الله، شجرة الكله: نام های دیگر آن: هندی: دیودار - صنوبر هندی - ابهل هندی
 ۴۵- ایغل:

| | | |
|-------|------|--|
| زریاب | ایغل | <i>Melilotus officinalis Lam.</i> <i>Trygonella hamosa L.</i> <i>Trifolium fragiferum L.</i> |
|-------|------|--|

۴۶- انید: نام دیگر آن: بوراطاغونس
 ۴۷- اترج، اترج، اترج، اترج، اترج، اترج، تفاع ماهی، تفاع مائی، تفاع مائی، متک: نام های دیگر آن: عربی: «تفاع مائی» (منسوب به شهر «ماء»)، متکه، متک، ریحان الماء - مصر: ریحان النعنع، تمر الهندیه، تمر الذهبی - یونانی: مارسسیقا، یامارسیقا، میزقیاش - سریانی: اطروغا، عاقر شمعا، حالوما، کحلا، کحیلا، هرقلو، هیقلوس، اطروکا - شیراز: طوس - هند: بکاین - فارسی:

هوجویه، باذرنگ، ووادرننگ (به معنای لا زال هذا اللون موجودا) و باذرنگ (یعنی لا زال هذا اللون باقیا)، تُرنج (اهواز)، ترنج، قدرومیل^ش - افرنجی: برشیقا^ش - عجمی: جطریا^ش - بربری: ترنج^ش - هندی: رتن جوت - سریانی: - عوام: طرنج^ش - فاس: ترنج^ش - بربری: ترنج - نام‌های میوه: حب العرعر^۱ - فارسی: تخم وهل^۲ - هندی: بجوڑه^۳ - فارسی (نوع کوچک): ترنج^۴ - نام میوه نوع بزرگ: بالنگ^۵ - فرنگی: مبدکه ماله^۶ - نام میوه نوع کوچک به فرنگی: لیمونیه ماله^۷ - نام نوعی از آن: نارنج^۸، فاس: ترنج^۹ - نام نوع دیگر آن: زنبوع^{۱۰} - نام نوع دیگر آن: لیمون^{۱۱} - نام نوعی از آن: لیم^{۱۲} میدیقامیلا (Medika mela): نام دیگر آن عبارتست از: «أترج» و «تفاح الماهی»^(۱۳) - نام عربی آن «مُثْک» است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲۲]

| | | |
|--|-----------|-----------------------------------|
| <i>Citrus medica L.</i> | الموسوعه | اترج - تفاح ماهی - مُثْک - کَبَاد |
| <i>Citrus medica Risso. Var. Cedrata</i> | دیسکورید | اترج |
| <i>Citrus medica</i> | پارسا | بالنگ - بادرنگه |
| <i>Citrus medica L.</i> | زر. - خط. | اترج |
| <i>Citrus aurantium</i> | خطایی | نارنج |
| <i>Citrus limonum</i> | خطایی | لیمون |

۴۸ - أُنَاب: اُنُل^ش

۴۹ - أُنْبَة: اُنُل^ش

۵۰ - أُنَرار: بر اساس گفته‌های نوعی «ریباس» با نام «حماض الجیلی» است و بنا به گفته درست‌تر نام دیگر «انبریاریس» است.^ش

۵۱ - اُنُل، اُنُل، اُنُل، اُنُل (نامی عربی)، نُضار^۱، کُزمازک^۲، جُزمارج^۳ (دانه): نوع بزرگ "گز" به هندی "جهاؤ" است. نام دیگر آن: طرفاء البستانی^۴ - نام‌های میوه: هندی: ننهی مائین، اُچھوتی مائین^۵ - کُزمارک^۶، کُزمازق^۷، عَذبه^۸ آقاکاليس (Akakallis): شجر الأثل، نام میوه به فارسی: کُزمازک، کُزمازق، کُزمازج^۹، نام میوه به عربی: عَذْبَة^{۱۰} [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۹۱]

| | | |
|---|-----------------------|--------------|
| <i>Tamarix niloticaa Ehr & Bung.</i> | اثل | EN. |
| <i>Tamarix articulata Vahl.</i> | اثل | د. - ط. - خ. |
| <i>Tamarix spp.</i> | اثل - عَبل - طرفاء | الموسوعه |
| <i>Tamarix orientalis Forsk.</i> <i>Tamarix articulata Vahl.</i> | عبل - اثل مفصلی | الموسوعه |
| <i>Tamarix gallica L. var. mann</i> | حب الاثل - گز خوانسار | پارسا |
| <i>Tamarix orientalis Forsk.</i> <i>Tamarix articulata Vahl.</i> | اثل | زریاب |
| <i>Tamarix gallica</i> <i>Tamarix articulata Vahl.</i> | کُزمارک | طباطبائی |

۵۲ - اُنُل، اُنُل (نامی عربی)، اغنيس^۱، اُغْنِس^۲ (نامی یونانی به معنای طاهر)، بُنْج اُنْگُشت^۳، بُنْجَنگُشت^۴، فنجنگشت^۵،

۱- ماهی: به معنای منسوب به "ماه"، و آن منطقه‌ای است در دینور و نهاوند و همدان و نام واقعی آن "میدیا" است. - جهت اطلاعات بیشتر به کتاب "معجم البلدان" یا قوت الحموی مراجعه شود.

۲- "تفاح ماهی" در اصل "تفاح مای" بوده و صحیح آن "مادی" یا "میدی" است، این بیطار هر دو واژه را بکار برده و می‌گوید منسوب به "ماه" است نه به "ماه" - نقل از ابن مراد

۳- نامی مصری

بنجنگشت^{۵۲} (نامی فارسی)، بنجگشت^{۵۳}، بزر البنجنگشت^{۵۴}، حب الفقد^{۵۵}، فقد^{۵۶}، فلفل الصقالیه (بذر)^{۵۷}؛

نام های دیگر آن: رومی: اغنوس، لوغیوس، سقاو - سریانی: خمساطرفی، اراحورا، قیمولیا^{۵۸} - فارسی: بنجگشت^{۵۹}، فنجنگشت - بذر آن: بیدمر - عربی: ذوخمسة اوراق^{۶۰}، ذوخمسة اجنحه^{۶۱} - یونانی: اغنیس^{۶۲} این نام به معنای طاهر و پاک است زیرا زهاد گمان می کردند ضعیف کننده باه و شکننده شهوتست و به همین دلیل در اعیاد در هنگام بهار آنرا در معابد فرش می کردند - فارسی: پنجنگشت^{۶۳}، فلفل بری^{۶۴} - هندی: سنیهالو^{۶۵} - فرنگی: اسکی نان تو^{۶۶} - لاتینی: ویطس^{۶۷} - نام گیاه در کتاب دیسکورید: اغنوس^{۶۸} (اغنس)^{۶۹}، فنطافیلن، شجرة الطهر^{۷۰} نام میوه آن: عربی: حب الفقد^{۷۱} و حب النسل^{۷۲} یعنی قاطع نسل - فارسی: فلفل کوهی^{۷۳} - شیرازی: دل اشوب^{۷۴}، تخم دل آشوب^{۷۵} - هندی: رنیکا^{۷۶}

ابن بیطار: «بنجنگشت» به معنای «ذو خمسة أصابع» است و معادل دانستن آن با نام «بنطفلون» اشتباه است.^{۷۷} أغنس (Agnos): دیسکورید: این نام به معنای طاهر (پاک کننده) است زیرا زنان زاهد با فرش نمودن این گیاه در معابد، شهوات را از خود دور می کردند. برخی آنرا «لغس» یا «لوغس» به معنای سخت شکننده و «شجرة ابراهیم (علیه السلام) دانسته و می پنداشتند خوابیدن روی این گیاه شهوات جنسی از آنها رفع می شود و به همین علت آنرا «شجرة المطهره» می گفتند. نام سریانی آن «أیلاقديشا» و نام هندی آن «سرساد» و «شمیثا» و نام بربری آن «وَنقَارَف» (انقارف) و نام عربی آن «كَفَّ الْجَدْمَا» است و عموم اهالی مصر به آن «شجرة مریم» گویند و اهالی اندلس آن را با نام «شجرة الفلفل» و «فلفل الصَّقَالِيَّة» (نامی مشترک بین چند گیاه) می شناسند، نام دانه آن «شُرْبُلَه» و در مصر «حب الشجرة» است و نزد عرب و پزشکان به «فقد» معروف است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید)]

| | | |
|------------------------------|---|----------|
| <i>Vitex agnus castus</i> L. | بنجنگشت | د، ز، ط. |
| <i>Vitex agnus castus</i> L. | <i>Persia: Panjangusht - Arabia: Athlak</i> | GLO.IN. |
| <i>Vitex agnus castus</i> L. | پنج انگشت - فلفل نما - فلفل | پارسا |

۵۳- أجاجص، اجاص، إجاجص، أجاص، اجاص، اجاص، إجاجص، إجاجص: مراد از مطلق آن آلوی زرد بخارانی است. نام های دیگر آن: آلو - انجاص^{۷۸} - فارسی: آلو، آلو، کرک سیاه^{۷۹}، آلوی سیاه^{۸۰} - سریانی: جاسا اکاما^{۸۱}، حاحی اکامی، حوحانیثا، سنگ بادکوکا فیلون^{۸۲} - رومی: مسقینون، دمشقی^{۸۳} - فاس: برقوق^{۸۴} - اهل مغرب و اندلس ترش آن را عین البقر^{۸۵} می دانند. - اهل اندلس: عیون البقر^{۸۶} - نام میوه زرد: یونانی: ادرک^{۸۷} - فارسی: آلوچه، آلوچه سلطانی^{۸۸} - عراق: شاهلوج^{۸۹}، یعنی شاه آلو، شاهلوج^{۹۰} - نام میوه سرخ و ترش آن: کشبه^{۹۱} - نام آلوی سیاه: عربی: قلوب الدحج یعنی دل گیاهان^{۹۲} - نام نوع دمشقی آن: میشو^{۹۳} - به رومی: فقومیلاس^{۹۴}، فقومیلاس به معنای تفاح الذهب^{۹۵} - نام نوع طبری آن: نیشوق، نیشق^{۹۶}

دو نوع است سیاه و سفید، سیاه آن را «ممنون البقر» خوانند، و سفید آن را «شاهلوج»، و سیاه به فارسی آن را «آلوی سیاه» گویند. فوکامیلا (Kokkumelea): نام های دیگر آن عبارتست از: شجرة الأجاجص، شاهلوج، شاهلوک - عموم اهالی مغرب: عین البقر [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۳۰]

| | | |
|-------------------------------|-----------------------|-------------|
| <i>Prunus spinosa</i> L. | اجاص | خطابی |
| <i>Prunus communis</i> L. | اجاص - کمتری - انجاص | الموسوعه |
| <i>Prunus divaricata</i> Led. | آلوچه (جنگل های شمال) | پارسا |
| <i>Prunus domestica</i> L. | اجاص | ز، ط، د، ع. |

۱- صیدنه فقد را دانه عرْفَج می داند. - فقد به معنای فاقد ساختن و از بین بردن زیرا موجب فقدان نسل می شود.

۲- در عراق به میوه بزرگ سفید گفته می شود

| | | |
|---|------------------------------|---------|
| <i>Prunus domestica</i> L. Syn: <i>Prunus communis</i> | Hendia & Bengal: Alu-bokhara | GLO.IN. |
|---|------------------------------|---------|

۵۴- أُجْرِدٌ^ش: نام نوع دیگر آن «قصيص» است.^ش

۵۵- اَحْرِیضُ^ع، اَحْرِیضُ^ع، اَحْرِیضُ^ع: نام‌های دیگر آن: خَرِیصُ^ش - فارسی: گل کافشه^ع، گل خنق^ع، رنگ زعفران^ع - دیلمی: کاجیره^ع - هندی: کسم‌کاپهول^ع - "ابوحنیفه" می‌گوید نام دیگر آن «عُصْفَرُ» است.^ع

| | | |
|---------------------------------|------------------------------------|------------|
| <i>Charthamus lanatus</i> L. | أطرقطولس - عصفر البری - مرزجون | دیسکورید |
| <i>Charthamus tinctorius</i> L. | عصفر | زر. - طبأ. |
| <i>Charthamus tinctorius</i> L. | گل کافیشه - تخم کاجیره - قرطم | پارسا |
| <i>Charthamus tinctorius</i> L. | قُرْطُم الصبَاغین، تبراض، عُصْفَرُ | الموسوعه |

۵۶- اَحیرش^ش:

۵۷- اَحِیون^ع، اَحِیون^ع، اَحِیون^ع: نامی یونانی به معنای سرافعی است، زیرا میوه گیاه به شکل سرافعی است.^ع نام دیگر آن رأس الأفعی است.^ع

اَحِیون (Ekhion): این نام به معنای سرافعی است زیرا گیاه دارای میوه‌ای مشابه سرافعی است. [ابن بطار(در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۲۷]

| | | |
|-------------------------|---------|----------|
| <i>Echium rubrum</i> L. | اَحِیون | دیسکورید |
| <i>Echium</i> sp. | اَحِیون | EN. |

۵۸- اَخْرَساج^ع، اَخْرَساج^ع؟

۵۹- اَخِیروس^ع، اَخِیروس^ع: نام دیگر آن: قمع البری^ع

| | | |
|-------------------------------------|----------|-------|
| <i>Camoanula ramosissima</i> Sibth. | اَخِیروس | زریاب |
|-------------------------------------|----------|-------|

۶۰- اَخلیوس^ش: برخی آن را به اشتباه «شَیْتان» نامیده‌اند.^ش

۶۱- اَذْرَک^ع: (نامی عربی) نام دیگر آن به فارسی آلوچه سلطانی است.^ع

۶۲- اَذ یرزا (اذ یرزا): گیاهی منسوب به کوه «آیدآ»^ش

۶۳- اَذَارَقِی^ع (نامی سریانی)، قاتل الکلب^ع: نام‌های دیگر آن: فارسی: کچله^ع، کچوله^ع - به زبان هندی نیز نام آن همین است - عربی: قاتل الکلب^ع، حب الغراب^ع، خائق الکلب^ع

أَفُوْقُونُ (Apokunon)^(۱): یعنی عَنَب الکلاب، گیاهی کشنده، بذر آن در میوه‌ای همانند خرنوب قرار دارد و نام دیگر آن قاتل الذئب است. [ابن بطار(در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۷۲]

| | | |
|---|------------|-------|
| <i>Marsedenia erecta</i> L. <i>Strychnos nux-vomica</i> L. <i>Barjonia racemosa</i> Decne. <i>Aconitum erectum</i> L. <i>Cynanchum erectum</i> L. | قاتل الکلب | زریاب |
|---|------------|-------|

۱- در کتاب جامع ابن بطار نام آن معادل «أفوقونن»، «قاتل الکلب»، «خائق الکلب» آمده است.

| | | |
|----------|--------|-------------------------------|
| دیسکورید | افقونن | <i>Apocynum erectum Vell.</i> |
|----------|--------|-------------------------------|

۶۴ - اذخر، اذخر، اذخر، اذخر، اذخر، اذخر، طیب العرب، خلال مامونی، سجویس، طیب العرب: نام های دیگر آن: هندی: سوندهی، کتریل (فجاج)، عربی: نجم، اغرسطس، گورگیا، رعی العیر - جرجان: گوزن تل - سریانی: سحیل - یونانی: سجومیس، طوفسس، نحوفس، سخیونس - کامکه، تین مک - گربه دشتی - اذخر دو نوع است: نام های قسم مکی آن: عربی: تین مک، خلال مامونی، طیب الغریب - رومی یا یونانی: سخیس، سخس - رومی: ادماطیوش - عجمی: جرنه - هندی: کندهیس، کندهیل، کشول، سوندهی، روس، سوریا - فارسی: گورگیا، کاه مک، کزنه دشتی، طوسیطس - مک: غسول - فاس: اذخر، تین مک - بربری: تیطمست - هیروم، بیروم، جوز جنا، حشیشة البابی - "ابوحنیفة" می گوید: نوعی از آن معروف به «جرنه» یا همان «دیس» است که از آن دایره های جهت غربال تهیه می کنند.

سَخِينُوس (Skhoninos): اذخر - تین مک [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۷]

| | | |
|----------|-----------------------------|--|
| دیسکورید | سخینوس - اذخر - تین مک | <i>Andropogon schoenanthus L.</i> |
| زر - خ. | اذخر | <i>Andropogon schoenanthus L.</i> <i>Andropogon lanigera Desf.</i> |
| الموسوعه | اذخر - تین مک - طیب العرب | <i>Andropogon schoenanthus L.</i> |
| پارسا | کورگیا - کاه مک - گربه دشتی | <i>Andropogon schoenanthus L.</i> |
| طبا، EN. | اذخر | <i>Andropogon schoenanthus L.</i> <i>Cymbopogon schoenanthus Spreng.</i> |
| GLO.IN. | Bombay: Azkhir | <i>Cymbopogon jawarancusa Sch.</i> Syn: <i>Andropogon jawarancusa Jo.</i> |

۶۵ - اذُن الحِمَار: أونوما: یعنی ساقط کننده جنین. نوعی از گیاه "خس الحمار" است، عموم اهالی اندلس آن را «رَجُل الحَمَامَة» می نامند و داروئی بنام "اُونوما" در اندلس وجود دارد و گیاهشناسان و پزشکان اندلسی به آن «اُذُن الحِمَار» گویند و "جالینوس" آن را با نام «انوسما» می شناسد. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۲۶]

| | | |
|------------|----------------------|---|
| دی. - الم. | اُونوما - اذن الحمار | <i>Onosma echinoides L.</i> |
| زریاب | اذن الحمار | <i>Onosma echinoides L.</i> <i>Symphytum officinale L.</i> |

۶۶ - اذن الیوطوط:

۶۷ - اراق، اراقوا: نام های دیگر آن: فارسی: سیهک

۶۸ - اراک، اراک، اراک، اراک، بربر: نوعی رَتم نام های دیگر آن: فارسی: درخت مسواک - به زبان گرمسیری: جوج - هندی: پیلووجال - نام بذر: پیل - نام میوه رسیده به عربی: کباث، بربر - اشبیلی می گوید: برخی آن را به اشتباه «مخیطا» و عده ای «رند» و بعضی «ضرو» و «بطم» و گروهی «بنتومه» و عده ای «محلَب» می دانند در حالی که «اراک» نزد عرب گیاه مشهوری است.

| | | |
|--------------|------------|--------------------------------------|
| ال، ط، ز، E. | اراک | <i>Salvadora persica Gaertn.</i> |
| پارسا | درخت مسواک | <i>Salvadora persica - S. indica</i> |

۶۹- آر بیان^۴: (نام گیاه در شام) این گیاه نزد "البکری" نوعی از «بابونج» است که به یونانی به آن «فکتلمن» گویند و آن نام «بهار» است.^۵ و غیر از "بکری" «آریان» را نامی برای «جراد بحری» می‌دانند که به آن «رویان» هم گویند.^۶

۷۰- آر جان^۷: (نامی بربری)

۷۱- آر حنقه^۸: رنگ‌رزان به آن «آرجیقن» گویند.^۹

۷۲- آر جُوان^{۱۰}، ارجوان^{۱۱}، ارجوان^{۱۲}: نامی معرب از ارغوان^{۱۳} یا اُرْگوان^{۱۴} - نام‌های دیگر آن: فارسی: رغیدا، داذااروان^{۱۵}، دارارون^{۱۶}

| | | |
|-------------------------------|-----------|---|
| <i>Cercis spp.</i> | الموسوعه | آرجوان - ارجوان العرب ارغوان خزریق - سجریق - شجرة اليهود |
| <i>Cercis siliquastrum L.</i> | زر. - پا. | ارغوان - ارجوان |
| <i>Sophora mollis Gr.</i> | GLO.IN. | Arabia & Persia: Arghavan |

۷۳- اِرْدَقْ نافی^{۱۷}، ارزاردفناقی^{۱۸}: (نامی یونانی)؟

۷۴- اُرْزُ، اِرْزُ، اُرْزُ، ارز^{۱۹} معرب اورزأ واوریزأ، برنج^{۲۰}، ابرنج (نام فارسی): نام‌های دیگر آن: اُرْزُ - سریانی: روزی، اُرْزُ - عربی: مَن^{۲۱} - فارسی: برنج - تورانی: کرنج^{۲۲} - برنق^{۲۳} - برنک^{۲۴} - ابرنج^{۲۵} - هندی: چاول^{۲۶} - رومی: اریزون^{۲۷} - سری فرکودات: کُرْنِج^{۲۸} فاس: رُوژ^{۲۹} - بربری: رُوژ^{۳۰}

| | | |
|------------------------|-----------|------------|
| <i>Oryza sativa L.</i> | الموسوعه | ارز - رَزْ |
| <i>Oryza sativa L.</i> | زر. - خط. | ارز |

۷۵- اُرْزُ، اَوْرْزَه^{۳۱}: نام‌های دیگر آن: درخت صنوبر بی بار^{۳۲} - رومی: اغروسطوس^{۳۳}، مروسیا^{۳۴} - سریانی: ییلا^{۳۵}، شعیعادیما^{۳۶} - فارسی: فرزدجویبار^{۳۷} - عربی: حشیشه^{۳۸} - نزد صاحب نظران عرب «اُرْزُ» نام «صنوبر نر» و «فرزدجویبار» نام «ثیل» است.^{۳۹}

قوفی (Peuke): به معنای دُخنه و نوعی تنوب است، نام دیگر آن «شجره الأُرْز» است. [این بیتار (در ترجمه دیسکورید)]

| | | |
|--|----------|-------------------|
| <i>Cedrus libani Bar.</i> <i>Pinus halepensis Mill.</i> کاشته شده | زریاب | ارزه |
| <i>Picea exelsa Link.</i> * کاشته شده | دیسکورید | قوفی - شجرة الارز |

۷۶- ارطی^{۴۰}: بنا به قولی نام «طرفاء» و بنا به قول دیگر نام «رمت» است و نام هندی آن «مَهْت» است.^{۴۱}

| | | |
|------------------------------|----------|------|
| <i>Calligonum comosum L.</i> | زریاب | ارطی |
| <i>Calligonum spp.</i> | الموسوعه | ارطی |

۷۷- ارْغامونی^{۴۲}، ارْغامونی^{۴۳}، ماشیا^{۴۴}: نام دیگر آن به فارسی «مامیشای سرخ» است.^{۴۵}

| | | |
|----------------------------|----------|----------------|
| <i>Argemone sp.</i> | الموسوعه | ارغوان خشخاشیه |
| <i>Papaver argemone L.</i> | EN. | ارغامونی |

۷۸ - آرْقِطون،^۱ آرْقِطیون: معرب ارقیسون یونانی^۲ نام دیگر آن «قروسوقیون» است.^۳

| | | |
|----------|--------------------------|---|
| پارسا | ارْقِطون - ریشه بابا آدم | <i>Arctium lappa L. = Lappa major</i> |
| الموسوعه | ارْقِطون | <i>Arctium lappa L.</i> <i>Arctium tomentosum</i> <i>Arctium bardana Willd.</i> |
| EN. | ارْقِطون | <i>Lappa major</i> |

۷۹ - آرْقِطیون،^۱ آرْقِطیون آخر: نام دیگر آن: ارقطون^۲ - آرْقِطیون (*Arktion*): به زبان عربی آن را "حربان"^(۱) گویند. آرْقِطیون آخر: به زبان عربی آن را "حربان" گویند و دارای دو نوع بری و بستانی است. [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۹۴ و ۹۵]

| | | |
|----------|--------------|--------------------------------|
| دیسکورید | ارْقِطون | <i>Arctium tomentosum Shk.</i> |
| دیسکورید | ارْقِطون آخر | <i>Arctium lappa L.</i> |

۸۰ - ارماط: نام های دیگر آن: درخت کدز - کاوی^۳

۸۱ - آر مال^۱ و ار مالک^۲، آزمالک^۳، ارماک^۴، ارمال: پوست چربی است. - چوبی سمی است و خوش بو - نام های دیگر آن: سریانی: ار مالی - پوست درخت کاذی^۵

| | | |
|----------|------|---------------------|
| الموسوعه | کاذی | <i>Pandanus sp.</i> |
|----------|------|---------------------|

۸۲ - آر منین^۱، آرمیس^۲، ارمنین^۳: (نامی یونانی) "ابن جلجل" پنداشته این گیاه «قلقل» و «قلقلان» است ولی مشخصات این گیاه با «قلقلانی» که در عراق به این نام مشهور است، متفاوت است.^۴ اُرْمِینْ (*Horminon*): ابن حسان معتقد است نام گیاه "حَبُّ الْقَلْقَل" و "قَلْقَال" و "قَلَاَقَلَى" است ولی صرف نظر از نام معروف آن نزد عرب، به آنچه مورد نظر [کتاب شرح دیسکورید / است نرسیدم.^۵ - نام این گیاه در کتاب جالینوس "قُومُون" است. [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۲۴]

| | | |
|----------|--------|-------------------------------|
| دیسکورید | ارمنین | <i>Salvia horminum L.</i> |
| EN. | ارمنین | <i>Horminum pyrenaicum L.</i> |

۸۳ - ارمیس^۳:

۸۴ - ارید برید^۱، اُرتد برید^۲، ارید برید^۳: پیازی که از سجستان جمع آوری می شود^۴. - به نظر "غافقی" به احتمال زیاد این گیاه همان «وِلْبُوث» است.^۵

| | | |
|-------|-----------|---|
| زریاب | ارید برید | <i>Gladiolus communis L.</i> <i>Gladiolus segetum Ker.</i> |
|-------|-----------|---|

۸۵ - اُزرو د^۱، ازرو د^۲: (نامی بربری) نزد بربرهای آفریقا نام «حندقوقا»^۳ است.^۴

۸۶- آژوسه^۱: (نامی هندی)؟ نام‌های دیگر آن: وانسه^۲ و یانسه^۳

۸۷- آسارون^۴، آسارون^۵ (نامی رومی)، آسارون^۶، آسارون^۷، آسارون^۸، آسارون^۹، آسارون^{۱۰} (نامی سریانی)
نام‌های دیگر آن: یونانی: سرابیون^{۱۱} - عربی: نوغان^{۱۲} - عجمی: آشزه^{۱۳}، افرقه دلف^{۱۴} - بربری: قرنه^{۱۵} - اشبیله: لوبیانیه^{۱۶} - هندی: تکر^{۱۷}، بنتی تکر^{۱۸} - ناردین بری^{۱۹}، سنبل بری^{۲۰} - سریانی: ناردین دبرا^{۲۱}، قرنفل جبلی^{۲۲} - فاس: اسرون^{۲۳} گویند «اسارون» بیخ «سنبل رومی» است و این خلاف است، زیرا «ناردین» ریشه «سنبل رومی» است.

آسارون (Asaron): گیاه معروفی است. بعضی از مردم به آن «ناردین بری» گویند. (۲) [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۰]

| | | |
|----------|-------------------------------------|----------------------------------|
| زر- پا. | اسارون - اسارون شامی | <i>Asarum europaeum L.</i> |
| الموسوعه | ناردین بری - اسارون | <i>Asarum europaeum L.</i> |
| دی - طب. | اسارون | <i>Asarum europaeum L.</i> |
| GLO.IN. | Hend & Bengal: Taggar/Kumaon: Asrun | <i>Valeriana hardwickii Wal.</i> |

۸۸- اسپیزمرد^{۲۴}: نام دیگر آن: فلفل ایض^{۲۵}

باباری (Peperi): فلفل - به درخت آن "دار فلفل" و "فلفل الایض" گویند. [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۲]

| | | |
|----------|----------|--|
| دیسکورید | اسپیزمرد | <i>Piper aromaticum Lam.</i> <i>Piper nigrum L.</i> |
|----------|----------|--|

۸۹- استیب^{۲۶}: (نامی عربی) نام گروه انواع مختلفی از گیاهان است^{۲۷}: نام‌های نوع اول عبارتند از: یونانی: قستوس - رومی: شقواصه - فارسی: قسثارون - بربری: تیرحله، وتورلت - عجمی: برتلاقش، برتقش - نام میوه: جُلجل - نام نوع دیگر: ورد الحمار - یونانی: ایذون - نام نوع دیگر: فارسی: شقاص - یونانی: سطوبی - نام نوع دیگر: رشال الاحمر - یونانی: قلوامانی، برطوماش - عجمی: رشاله - سریانی: قلواماش - کواکب - نام نوع دیگر: خطبه، قرغار

۹۰- استبرق^{۲۸}:

۹۱- استن: طوبه^{۲۹}

۹۲- اسحاره^{۳۰}، اسحاره^{۳۱}، اسحاره^{۳۲}: نام‌های دیگر آن: یونانی: اوسیمون^{۳۳}، اوسیمون^{۳۴} - "حنین" آن را «تودری» ترجمه کرده است.

۹۳- اسخفان^{۳۵}، اسخفان:

۹۴- اسجل^{۳۶} (۳):

أریقی (Ereike): از انواع "أسجل" است و اهالی مغرب به آن "شجر الخَلَج" گویند، زنبور عسل اگر از شهد آن استفاده کند عسل آن تلخ خواهد بود. [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۹۰]

| | | |
|----------|---------------------|-------------------------|
| دیسکورید | أریقی - شجر الخَلَج | <i>Erica arborea L.</i> |
|----------|---------------------|-------------------------|

۹۵- اسد الارض^{۳۷}، اسد الارض^{۳۸}، أسد الارض^{۳۹}، اسد الارض^{۴۰}: نوعی از طرائث^{۴۱}، نام‌های دیگر آن: بززالزیتون البری^{۴۲}، مازریون^{۴۳} بعضی گویند «اسد الارض» نباتیست که به یونانی خامالون^{۴۴} مالس گویند و معنی آن مازریون سیاه است. برخی از مترجمان آن را «مازریون» می‌دانند ولی آن‌ها اشتباه کرده‌اند و در حقیقت نام آن «حرباء» و به یونانی «خامالون» است و

Asaro - ۱ در کتاب تنقیح ابن بیتار عین این عبارت ذکر شده است.

۳- ابوحنیفه این گیاه را درختی مشابه "فل" می‌داند که از چوب سخت آن در ساختن رحل استفاده می‌نمایند، به یکی از آن "أسحله" گویند.

«مازیون» به یونانی «خامالیون» است، و همین نزدیک بودن دو واژه منشاء ابهام و اشتباه آن بوده است. و بعضی از متأخرین نام یونانی «أسد الأرض» را «خامالان مالس» می دانند و «مالس» به معنای سیاه است زیرا در اطراف آن گیاه دیگری نمی روید به همین دلیل عموم مردم مغرب به آن «أداد الوحید» که به عربی همان «أشخیص» است می گویند.^۴

| | | |
|-----------------------|-----------|----------|
| Chamaeleo vulgaris | اسد الارض | زریاب |
| Cardopatum corymbosum | اسد الارض | الموسوعه |

۹۶ - اسد العدس^۴: وجه تسمیه آن بخاطر اینست که هر گاه در مزرعه «عدس» روید آنها را از بین می برد.^۴ نام های دیگر آن: جحفیل^۴ - یونانی: أوروبخی^۴

| | | |
|--------------|-----------|----------|
| Orobanch sp. | اسد العدس | طباطبائی |
|--------------|-----------|----------|

۹۷ - اسرار، اسرار: (نامی مغربی)؟

۹۸ - أسطراطیقوس^۴: «ابن وافد» به اشتباه نام آن را «قرصنه» پنداشته است.^۴ «دیسکورید» به نقل از «جالینوس» نام دیگر آن را «قرسیون» آورده که مشتق از نام «حالب» است.^۴

| | | |
|---------------------|--------------|-----|
| Aster atticus Pall. | اسطیرا طیقوس | EN. |
|---------------------|--------------|-----|

۹۹ - أسطراغلُس نام های دیگر آن: یونانی: برکینه^۴، برکیره^۴، أسطراغالیس^۴ گیاهشناسان اندلس به آن «مخلب العقارب الأبيض» گویند.^۴

| | | |
|------------------------|-----------|-----|
| Astragalus sesameus L. | اسطراغالس | EN. |
|------------------------|-----------|-----|

۱۰۰ - أسطوخودوس^۴، اسطوخودوس^۴، اسطوخودوس^۴، أسطوخودس^۴، اسطوخودوس^۴، اسطوخودوس^۴، (نامی یونانی)، مُسِیک الأرواح^۴، ضمیم^۴، مُسِک الأرواح^۴: اسطوخودوس به معنای حافظ الارواح - نگهدارنده ارواح - است.^۴ و ابن جرّار^۴ می گوید به معنای موقف الأرواح - محل توقف ارواح - است.^۴ نام های دیگر آن: عربی: انس الارواح^۴، ممسک الارواح^۴ - مکه: ضُرم^۴ فاس و مغرب: حَلحال^۴ - رومی: ستوخس^۴ (نام اصلی از این نام گرفته شده است.) - سند: دَهار^۴

سُتخادس (Stoikhas): «اصطفن بن بسیل» این را معادل نام «اسطوخودوس» دانسته در حالیکه اینچنین نیست زیرا صفات و خصوصیات «اسطوخودوس» با خصوصیات این گیاه مطابقت ندارد و در ماهیت و خواص نیز با آن متفاوت است. از طرفی «ستخادس» در شهرهای اندلس و مغرب یافت می شود و غیر از گیاه «اسطوخودوس» است و معروف به «یَزَه فَشوشکه» است. اما در مورد گیاه «اسطوخودوس»، این گیاه بسیار فراوان در شهرهای اندلس و غیر آن می روید، و عامه مردم ما به آن «حَلحال»، «سُمیرَه»، «سُمیلَه»، «حانن»، «لطیّی أَرشیمیسه» به معنای مَوْقف الارواح (محل توقف روح ها) گویند. (ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ -

[۲۷]

| | | |
|-----------------------|-----------------------------------|----------|
| Lavandula stoechas L. | اسطوخودوس | ز.ح.د.خ. |
| Lavandula stoechas L. | اسطوخودوس - خزای - شاه اسپرم رومی | الموسوعه |
| Lavandula stoechas L. | اسطوخودوس | پا، EN. |
| Lavandula dentata L. | | |

۱۰۱- اسطوماخوس^۱:

| | | |
|-------|-----------|-----------------------------------|
| زریاب | اسطوماخوس | <i>Lithospermum officinale L.</i> |
|-------|-----------|-----------------------------------|

۱۰۲- آشفاقیس^۲: نام‌های دیگر آن: عجمی: شامبه^۳ - یونانی: شالییه^۴ - عربی: ثغامة^۵ (زیرا بسیار سفید است.)، سالمة^۶، مُفَصِّحة (زیرا معتقدند هر کس از آن بخورد زبانش فصیح می‌شود).^۷

| | | |
|-------|---------|---------------------------|
| خطابی | اشفاقیس | <i>Salvia officinalis</i> |
|-------|---------|---------------------------|

۱۰۳- اسفاناخ^۸، اسفاناخ^۹، اسفاناخ^{۱۰}، بقله دستیه^{۱۱}: نام‌های دیگر آن: فارسی: اسفناج^{۱۲}، اسپناج^{۱۳}، اسپناج^{۱۴} - یونانی: سوناخیوس^{۱۵}، سوسان فوسوخیوس^{۱۶}، صنجیس^{۱۷} - رومی: ابرقیا^{۱۸} - فرنگی: اسپنس^{۱۹} - هندی: پالک^{۲۰} (همان اسفناج رومی یا قطف است)

| | | |
|--------|----------------------|-----------------------------|
| Glo-in | هندی، پاکستانی: پالک | <i>Spinacia oleracea L.</i> |
| پارسا | اسفناج | <i>Spinacia oleracea L.</i> |
| EN. | اسفناخ | <i>Spinacia oleracea L.</i> |

۱۰۴- اسفلیاطیقوس^{۲۱}: نام‌های دیگر آن: خُرم^{۲۲} - اسطراطیقوس، استراتیکو به معنای ستاره آتیکاست.

| | | |
|----------|-------------------|--|
| زریاب | | <i>Aster atticus Pall.</i> <i>Aster amellus</i> |
| الموسوعه | اسطراطیقوس - خُرم | <i>Aster tripolium L.</i> |
| EN. | اسطراطیقوس | <i>Aster atticus Pall.</i> |

۱۰۵- اسفَلیناس^{۲۳}، اسقلیاس^{۲۴}: "حنین" در مفردات "جالینوس" این نام را معادل «قنابری» گرفته که اشتباه است زیرا «قنابری» گیاهی است که همه اهالی شام آن را می‌شناسند و مشخصات آن با «اسقلیاس» همخوانی ندارد و همچنین نام «قنابری» را جالینوس و دیسکورید هم ذکر نکرده‌اند.^{۲۵}
 اسفَلیس (Asplenos): سقُولُوفَندَریون - عامه اندلس: حشیشه الدودیة، حشیشه الذهبیه، گیاهشناسان اندلسی: عَقْرَبان [این بیطار] در ترجمه دیسکورید (۳ - ۱۲۹)

| | | |
|----------|--------|----------------------------------|
| دیسکورید | اسفلیس | <i>Scolopendrium vulgare Sw.</i> |
|----------|--------|----------------------------------|

۱۰۶- اسفند^{۲۶}: (نامی فارسی) نوعی حرمل است. این نام برای «خَزل» و «خَرف ابیض» بصورت مشترکی بکاررفته است. برخی آن را به اشتباه «سذاب بری» معرفی کرده‌اند.^{۲۷} - نام دیگر آن: یونانی: مولی^{۲۸}
 ۱۰۷- اسقُوردیون^{۲۹}، اسقوردیون^{۳۰}، اسقوردیون^{۳۱}، اسقوردیون^{۳۲}: نامی یونانی به معنای ثوم الحیه^{۳۳} (۱)^{۳۴} است. - نام‌های دیگر آن: ثوم بری^{۳۵}، ثوم الکلب^{۳۶}، سیر صحرائی^{۳۷} - فارسی: موسیر^{۳۸}، سیر مو^{۳۹} این گیاه دارای دو نوع است: نوع بی دانه آن به نام اسقوردیون جبلی، اسقوردیون مصری، کراث بری است.^{۴۰}

۱- در کتاب دیسکورید و ابن بیطار «ثوم الحیه» و «ثوم بری» نام گیاه دیگری است که در این کتاب به آن اشاره شده است.

اُسْقُرْدِین (Skordion): این گیاه را "ثوم" (پیاز) می نامند چون دارای بوئی چون بوی پیاز است، جالینوس آن را "ثوم بری" نامیده است، ولی نام "ثوم الحیه" برای این گیاه صحیح نیست، نام های دیگر آن "حافظ الاجساد" و "حافظ الموتی" است و عامه اندلس به آن "مطر" و گیاهشناسان اندلسی "حشیشه الثومیه" گویند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۰۶]

| | | |
|----------------------|-----------|----------|
| Teucrium scordium L. | اشقردین | دیسکورید |
| Teucrium scordium L. | اسقوردیون | زر. طب. |

۱۰۸ - اُسْقُولُوقَنْدَرِیون، اسقولوفندریون^(۱)، اسقولوفندریون، سقولوفندریون، سقولوفندریون، اسقولوقندریون، اسقولوقندریون، سقوئتریون (نامی یونانی)، عقرمان: نام های دیگر آن: نباتی صخری - سقولوقتریون، به معنای مزقل الصفار، کاوی السهرز (زائل کننده و بر طرف کننده سپرز است.) و آن ریشه کبرالرومی است. - اندلس: ابرنان، عقران^۲ - مصر: کف النسرة^۳ - شیرازی: دنبی دارو، زنگی دارو - یونانی: اسفلیس، سفلیون، المیون، فطاریقا، سقولوفندریا

| | | |
|---|---------------|-----------|
| Scolopendrium vulgaris Sw. Ceterach officinarum L. | اسقولوفندریون | ز. ط - خ. |
|---|---------------|-----------|

۱۰۹ - اسقیل، اسقیل، اسقیل، اسقیل، اسقیل، اشقیل، اشقیل (نامی یونانی)، یربوع: نام های دیگر آن: اسقال - سریانی: اسقال، سقیلا، اسقال، اسقیلا، ایطیون^۴ - عربی: عُنْصَل، بصل البری، بصل الفار، بصل العنصل، بصل الفار، بصل البر، عنصل، عنصلان^۵ - رومی: افلیطون، اسقنوقراطیس، اسلوقوطیس - فارسی: پیاز موش (چون کشنده موش است)، موشان پیاز، پیاز موش، پیاز دشتی^۶ - هندی: کایدی، کددی - سند: قویابصل - فاس: بصل الخنزیر - نوع دیگر این گیاه در شهر فاس به «مُخبر» و «مدیکه» معروف است.^۷
سقیلا (Skilla): اشقیل، عُنْصَل، عُنْصَلان - اهالی مغرب: بصل الفار، بصل الخنزیر - بربری: اُکفیل (Agufal) [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۵۳]

| | | |
|---|---------------|------------|
| Scilla maritima L. Urgenia maritima Baker. | اسقیل | ز. خ - EN. |
| Scilla maritima L. | اشقیل - سقیلا | دیسکورید |
| Scilla maritima L. | پیاز عنصل | پارسا |

۱۱۰ - اسکتو، زلم: نام های دیگر آن: تنکابن: سعد^۸ - عربی: حب الزلم^۹

| | | |
|-----------------------|--|----------|
| Cyperus esculentus L. | زلم | زریاب |
| Cyperus esculentus L. | حب الزلم - حب العزیز - زلم - شغد ماکول | الموسوعه |

۱۱۱ - اسکننده: (نامی هندی)

۱۱۲ - اسل، اسل، اسل، اسل، کولان^{۱۰}: (نامی عربی) نام های دیگر آن: عربی: کولان، دیس^{۱۱} - هندی: کسرافی^{۱۲} ابو حنیفه^{۱۳} می گوید: «اسل» از همان «سمار» گرفته شده و از حصیر هاست و نباید با انواع «أذخر» اشتباه شود.^{۱۴}

۱- در کتاب دیسکورید این نام همراه با «اسفلیاس» آمده است.

«دیسکورید» «سخیونس الأجامی» (أسل) را دو نوع می‌داند، نوعی به نام «أوکسجونوس» که خود از دو نوع دارای میوه و بدون میوه است و نوع دیگر آنرا «أوکسجونوس» نام می‌برد.^۴

سَخُونُسٌ لِیَا (Skhoinu heleias): نام انواع «سمار» است و عامه اندلس به آن «دیس» و «أسل» هم می‌گویند. [این بیتار در ترجمه دیسکورید] ۳ - ۴۶

| | | |
|-----------------------------|------------------|----------|
| <i>Juncus sp.</i> | أسل - سمار | الموسوعه |
| <i>Juncus acutus</i> | أسل کولانی | الموسوعه |
| <i>Juncus arabicus Pos.</i> | سخونس لیا - سمار | دیسکورید |
| <i>Juncus acutus</i> | أسل | خطابی |
| <i>Juncus sp.</i> | أسل | EN. |

۱۱۳ - أسلیح^۵، أسلیح^۶: ابوحنیفه نام آن را «رثیث» یا «لیرون» می‌داند.^۷ «غافقی» می‌گوید: «لیرون» است که رنگ‌رزان از آن استفاده می‌کنند.^۸

۱۱۴ - إسلنج^۹: نام دیگر آن: ذنب الخیل^{۱۰}

أفورس (Hippuris): به معنای ذنب الخیل، جالینوس: أیفورس [این بیتار در ترجمه دیسکورید] ۴ - ۴۲

| | | |
|-------------------------------------|---------------------------|----------|
| <i>Equisetum arvense L.</i> | افورس - ذنب الخیل | دیسکورید |
| <i>Equisetum ramosissimum Desf.</i> | ریش بز - قنطریون - دم اسب | پارسا |

۱۱۵ - أسنام^{۱۱}: این نام به گیاهانی که دارای سنبله‌ای مشابه سنبله‌های ذرت و اذخر باشد گفته می‌شود و گویند نام گیاهی به نام «قارج» است.^{۱۲}

۱۱۶ - أسنان الذئب^{۱۳}: نام‌های دیگر آن: رومی: اورغیون، هوارغون^{۱۴} - فارسی: دندان گرگ^{۱۵} - سریانی: سَنت ذیبی^{۱۶} - عربی: بقلة اليهود^{۱۷}

| | | |
|---|----------------------------------|----------|
| <i>Eryngium creticum Lam.</i> <i>Eryngium campestre L.</i> | أسنان الذئب، بقلة اليهود | زریاب |
| <i>Sonchus oleraceus L.</i> <i>Sonchus ciliatus L.</i> | بقلة اليهود - تفاف معروف - سبزنک | الموسوعه |

۱۱۷ - اسنولوس^{۱۸}: نام‌های دیگر آن: اباسیا^{۱۹} - قفر اليهود^{۲۰}

۱۱۸ - أسیدار^{۲۱}: نوعی صفاف با نام غُرَب است.^{۲۲}

۱۱۹ - أشبرتاله^{۲۳}: نام‌های دیگر آن: سنبل الکلاب^{۲۴} - عرفج^{۲۵}

۱۲۰ - أشترغار^{۲۶}، أشترغاز^{۲۷}، أشترغاز^{۲۸}، أشترغار^{۲۹}، اصل الانجدان خراسانی^{۳۰}: معرب اشترخار است، و برگردان آن به عربی شوك الجمال^{۳۱} است.^{۳۲} نام‌های دیگر آن: عربی: حِزَاب^{۳۳}، محروث^{۳۴} زنجبیل العجم^{۳۵}، زنجبیل الفارس^{۳۶}، محروث^{۳۷} - یونانی: فرافیون^{۳۸}، اثاریون^{۳۹} - مصر: لحاح^{۴۰} - هندی: اونت کتاره^{۴۱}، «فرازی» محروث^{۴۲} را ریشه «انجدان» یا همان «گز انگدان خوش» که به سندی «هنکفار» (یا شاید اونت کتاره به معنای خار شتر) می‌داند. و «حِزَاب» را نیز قُتیبی^{۴۳} جزریبری^{۴۴} می‌داند.^{۴۵}

| | | |
|--|---------|-------|
| <i>Ferula assadulcis</i> <i>Ferula assafoetida</i> L. | اشترغار | زریاب |
|--|---------|-------|

۱۲۱- «اشخیص»؛ «اشخیص»؛ «اشخیص» (نامی عربی)، «بشکرانی» (نامی اندلسی)، «شوک العلك»؛ «أداد»؛ «أداد»؛ «أداد» (نامی بربری)، «خامالان لوقس» (اشخیص سفید)، «خامالان مالش» (اشخیص اسود)، «شوكة العلك»؛ نوعی مازریون نام‌های دیگر آن: عربی: «بشکرانی»؛ «فسله»؛ «شوک العلك»؛ «شوكة العلك»؛ «غلطان» (نام سرشاخه)؛ «دبق» (نام صمغ)؛ «شیرازی: روشی مینس»؛ «روشنی پیش»؛ «نیشوف»؛ «فارسی: آوجه»؛ «آوجبلی»؛ «آلوکشته بتر»؛ «درخت دبق»؛ «خالدیل لوقس»؛ «اقسیا»؛ «یونانی: خالون مالس»؛ «فسیالان»؛ «خامالان لوفش»؛ «خامالان لوقس به معنای مختلف الالوان است زیرا به حسب مکان‌های گوناگون برگ آن سفید و سرخ و آبی می‌شود و «لوفش» و «لوقس» به معنای سفید است. نام‌های دیگر خامالان مالش عبارتند از: مالیون، کمالیون، خائق النمر است. - نوع دیگر اشخیص با نام یونانی «خامالان اونمالس» و «خامالان مالس» است، که «مالس» به معنای سیاه است. برخی از مردم به آن «اقسیا» گفته‌اند زیرا در برخی مکان‌ها همراه با آن «اقسوس» که همان «دبق» است می‌روید و به همین دلیل به آن «دبقی» گویند.

خامالاون لُوقُس (*Khamaileon leukos*): به معنای سفید (لوقس) است و عموم اهالی مغرب به آن «داد الایض» گویند و اهالی اندلس به زبان لاتینی عامی آن را «بِشْکَرانیه»^(۱) و «شجرالملک» و «مُخْخیره» می‌نامند و ریشه های گیاه در بازار عطاری شهر های مصر خرید و فروش می شود و از آن در بخورات استفاده می کنند. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۸]

خامالاون مَالَس (*Kh.melas*): به معنای سیاه (مالس) و نوعی از گیاه قلبی است، در مغرب به نام «داد الأسود» است و عموم اهالی اندلس به آن «بِشْکَرابن الاسود» گویند و اهالی آفریقا آن را با نام «داد الوحید» و «وَعْد» می‌شناسند، علت این نامگذاری برای رویش آن گیاه در منطقه ای خالی از رویش گیاهان دیگر است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹]

| | | |
|--|--------------------------|----------|
| <i>Atractylis gummifera</i> L.Q | خامالان لوقس - شجر العلك | ديسکورید |
| <i>Cardopatium corymbosum</i> Pers. | خامالان مالس | ديسکورید |
| <i>Cardopatium corymbosum</i> Pers. <i>Cardopatium corymbosum</i> | خامالان | طباطبانی |

۱۲۲- اشراس، اشراس، اشراس^۴ (نامی مغربی)، غری: نام فارسی آن سریش^۵ است و آن غیر از خشتی است^۶.

| | | |
|-------------------------------------|-----------------------|----------|
| <i>Ornithagalum sp.</i> | اشراس - صاصل - صُوصلا | الموسوعه |
| <i>Asphodelus damascenus Boiss.</i> | سريش | پارسا |
| <i>Ornithagalum umbellatum L.</i> | اشراس | EN. |

[illegible]

| | | |
|--|--------------|--------------|
| <i>Dorema spp.</i> | الموسوعة | دُورَم - اشق |
| <i>Gummi-resina ammoniacum</i> <i>Dromea ammonicum Don.</i> | زرياب | اشق |
| <i>Dorema ammoniacum</i> | طبيا. - خطا. | اشق |
| <i>Ferula marmarica</i> | En. | اشق |
| <i>Gum ammoniacum</i> | En. | اشق |

١٢٤ - أُشِّقَ الْإِبِلَةُ: نوعي مُقل

۱۲۵ - اشموسا^ن: نوعی مرو

۱۲۶- اُشنان، اُشنان، اُشنان، اُشنان، اُشنان، حَمْضٌ، خُرْصٌ، حَرْصٌ (نامی عربی)، غاسول: نوعی حمض نام‌های دیگر آن: خُرْصٌ، غاسول (به معنای شوینده است، زیرا لباس را با آن می‌شویند)!

نام‌های اشنان تازه: قافل^۴، زائاس^۵ - رومی: اذوررقوس^۶، اذوقیس^۷ - سریانی: حلاذقاصری^۸ - فارسی: اشنان گازوان^۹
 اشنان چهار قسم است: سپید و زرد و سبز و و قسم دیگر آن هندی است. وی را «فندق هندی» و نیز «خرّض صینی» گویند و رُته^{۱۰}. اشنان دارای
 انواع متعددی است و همگی نوعی «حَمَض» هستند.^{۱۱}

| | | |
|--------------------------------|--------------------------------------|-------------|
| <i>Salicornia sp.</i> | اشنان | الموسوعة |
| <i>Salicornia fruticosa L.</i> | اشنان ابوساق - غاسول - غسول - ابوطسا | الموسوعة |
| <i>Salicornia heracea L.</i> | اشنان القلى - قلى | الموسوعة |
| <i>Salsola kali L.</i> | قلى، شوك أحمر، أشنان القصارين، حرص | الموسوعة |
| <i>Salsola kali L.</i> | اشنان | ز، ط، خ، ع. |
| <i>Salsola soda L.</i> | اشنان | پارسا |
| <i>Salsola tragus L.</i> | علف شوره | پارسا |

۱۲۷ - أشنان العربی^ش: نوعی حمض است. نام‌های دیگر آن: رجل الفروج^ش، أشنان القصارین^ش

۱۲۸ - آشنان فارسی ش: طروج ش

۱۲۹۔ اُشنان داودؑ: نام دیگر آن: زوفای یابسؑ

۱۳۰ - اشنه، اشنه، اشنه، اشنه، شیه العجوز، مساوک القروء، اشنه، اشنه، نام‌های دیگر آن: رومی: برواه، توفنه - یونانی: ابر دیون، ابریون، برون - عربی: شیه العجوز، مسک القروء، دواء المسک - فارسی: دواله، دوالک، دوالی - هندی: چهریله، چریره، اکسیر، سیخ، سلبوا - سجزیه: زالکه - فاس: جوز القروء - بربری: تاکیلت، تیفورا - اندلس: شیب العجوز - بربودا - بربوث - بنتومه - شیب الشجر، جوزة القروء، آفواه - نام نوعی از آن: یونانی: پروپارس

تَبْرُون (Bruon): اُشْه، شُب العَجْوْز، سَوَاك القُرود (هنگام مساوک زدن موجب رنگی شدن دهان می شود). [این عبارت در ترجمه

[دیسکورید) ۱ - ۲۰]

| | | |
|------------------------------------|--|----------|
| <i>usenea barbata</i> Ach. | بريون - أشنه - شيب العجوز - سواك القروود | ديسكورید |
| <i>Evernia prunastri</i> (L.) Ach. | دواله - اشنه - (نوعی گل‌سنگ) | پارسا |
| <i>usenea</i> sp. | اشنه | الموسوعه |

(۱- ابن بطار (در ترجمه دیسکورید ۳- ۲۳) "شَبَّ الْعَجُوز" را نامی مشترک برای "اوبشنی یا افسستین" و "آشنه" می داند، که بیشتر برای "آشنه" بکار برده می شود.

| | | |
|--------------------------|------|----------|
| <i>usenea articulata</i> | اشنه | طباطبانی |
| <i>Muscus arboreus</i> | اشنه | خطابی |
| <i>Lichen</i> | اشنه | EN. |
| <i>Muscus sp.</i> | | |

۱۳۱- اصابع الصفر^۱، اصابع الصفر^۲، اصابع الصفر^۳، اصابع الصفر^۴، اصابع الصفر^۵: نام های دیگر آن: فارسی: انگشت زرد (در شرح این گیاه اختلاف نظر وجود دارد). کف العایشه^۶، کف مریم^۷ - هندی: هنس بدی^۸

| | | |
|--|---|----------|
| <i>Vitex agnus castus L.</i> <i>Memecylon tinctorium L.</i> | اصابع الصفر | زریاب |
| <i>Curcuma longa Ra.</i> <i>Curcuma tinctoria Gui.</i> | اصابع الصفر - کُرُم صباغی - هُرد عقید هندی - مامیران | الموسوعه |
| <i>Curcuma longa Ra.</i> <i>Curcuma zedoaria Rox.</i> <i>Curcuma zerumbet Rox.</i> | زردچوبه | پارسا |
| <i>Curcuma domestica Valet.</i> | کرکم | پارسا |
| <i>Curcuma zedoaria Rox.</i> <i>Curcuma zerumbet Rox.</i> | زرمباد | پارسا |

۱۳۲- اصابع اللصوص^۹: نام های دیگر آن: هندی: جورانکلی^{۱۰}

۱۳۳- اصابع العذاری^{۱۱}، اصابع العذری^{۱۲}، اصابع العذری^{۱۳}: نوعی از «عنب الطوال»^{۱۴}

۱۳۴- اصابع القینات^{۱۵}، اصابع القینات^{۱۶}: نوعی «عنب» که در عراق می روید. "ابو حنیفه" می گوید: گیاه خوشبوئی که به فارسی به آن «فَرَنْجِمَشْک»^{۱۷} گویند.

۱۳۵- اصابع هُرمس^{۱۸}، اصابع هُرمس^{۱۹}، شنبلیله^{۲۰}، فقاخ السورنجان^{۲۱}: فقاخ السورنجان^{۲۲} "صاحب جامع" می گوید: «شنبلید» هم فقاخ (شکوفه) «سولنجان» است.^{۲۳} "صاحب منهاج" می گوید: «شنبلید» ورق (برگ) «سورنجان» است.^{۲۴}

۱۳۶- اصطرک^{۲۵}، اصطرک^{۲۶}، بُنی^{۲۷}، اصطرک^{۲۸}، اصطرک^{۲۹}، اصطرک^{۳۰}: جنسی از «میعه» است.^{۳۱} بنابه قولی نامی هندی است. نام های دیگر آن: میعه یابسه^{۳۲} - سریانی: اسطرکاییشا^{۳۳} - فارسی: قنار و خشک^{۳۴}، کنار هوشه^{۳۵} - سندی: شلها - جالینوس: غلیا و ن^{۳۶} - سطرکا^{۳۷}

شطی رکس (*Sturax*): اصطرک^{۳۸}، عسل اللبئی - سریانی: شطرکا^{۳۹} - عسل رومان، لبنی رومان (منسوب به رومانی که از شهر های روم است). - لبنی رهبان (منسوب به راهبان است که در معابد خود آن را فراوان به صورت بخور استفاده می کردند). [این بیطار در ترجمه دیسکورید ۱ - ۵۶]

| | | |
|--|---------------------|----------|
| <i>Styrax officinale L.</i> <i>Liquidambar orientalis Mill.</i> | اصطرک | EN. زر. |
| <i>Styrax officinale L.</i> | اصطرک - بُنی - میعه | الموسوعه |
| <i>Styrax officinale L.</i> | اصطرک | دی - طب. |

۱۳۷- اصاص: "اشبیلی" می گوید: در مورد نام این نام اختلاف نظر است برخی آن را نام بربری «مثنان» می دانند و تلفظی از نام «آزاز» است و به

گمان من نام دیگر «مازیون» است.^ش

۱۳۸ - اَصْفَلین^ع: (نام گیاه در شام) نام دیگر آن: جَزَر^ع

| | | |
|----------|-----|-------------------------|
| اصطفیلین | EN. | <i>Daucus carota L.</i> |
|----------|-----|-------------------------|

۱۳۹ - اَصْفُورَن^ع: "دیسکورید" می‌گوید: برخی مردم به آن «فاسیلون» گویند زیرا گیاه آن مشابه «فاسیلس» (لویای سفید) است.^ع

۱۴۰ - اصل السوسن الابيض^ع: نام دیگر آن: بیخ سوسن سفید^ع

۱۴۱ - اَضْحیان: بنا به گفته‌ای نوعی «مشکطرامشیر» است و گویند نوعی «بابونج» است که درست‌تر است و همچنین گویند نام «بُئلیه الاصفر» است.^ش

۱۴۲ - اَضراس الکلب^ع، اضراس الکلب^ع: نام دیگر آن: بسفایج^ع - گفته شده نام «بسفایج» است.^ع

۱۴۳ - اَطْرَاطِيقُوس^ع (نامی یونانی)، حالبی^ع، حالبی^ش: نام‌های دیگر آن: یونانی: استراطیقوس^ع به معنای شبیه الکواکب، خَرَم^ع - عربی: حالبی^ع (جهت ورم‌های حالب مفید است). - رومی: اسقلیطاس^ع، اسقلیاطیقوس^ع، بنولیون^ش - قسطلیه^ش - اشبیلی^ع می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است

| | | |
|-----------|----------------|---|
| زر. - طب. | خرم - اسقلیطاس | <i>Aster amellus L.</i> <i>Aster atticus Pall.</i> |
|-----------|----------------|---|

۱۴۴ - اطاء^ش: اشبیلی^ع می‌گوید: برخی آن را به اشتباه «خلاف» می‌دانند. و اسحاق بن عمران^ع آن را نوعی از «صُفیراء» گفته است.^ش

۱۴۵ - اَطْرَمَالَه^ع، اَطْرَمَالَه^ش؟ نام‌های دیگر آن: مَدْبَقَه^ش - مَطْبَقَه^ش - حَلِیْلَه^ش

۱۴۶ - اَطْمُوط^ع، اَطْمَط^ع، اَطْمَط^ش؟ نام‌های دیگر آن: بَندَق هندی^ش - فوغل^ش - قلوب النعام^ش - نَهْدُ القِینات^ش - ثمر شجر الکافور^ش - "رازی" نام آن را «اطماط» نوشته، به اعتقاد وی دَوای هندی است. و گویند نام باقلی هندی است.^ع - «اطمط» دانه‌ای چون «فندق هندی» و قوتش بقوت «بوزیدان» ماند و «تخم نیلوفر هندی» است.^ع - نام «بندق هندی» معروف به «رَنَه» است و برخی آن را «فوغل» نوشته‌اند که درست نیست و آن «جوز الرَنَه» است.^ع

| | | |
|-------|-------|--|
| زریاب | اطموط | <i>Caesalpinia bonducella Fleming</i> <i>Areca catechu L.</i> |
|-------|-------|--|

۱۴۷ - اَطْفَار الجن^ع: نام دیگر آن: به هندی: کرنبات است.^ع

۱۴۸ - اَغالوجن^ع، اغالوجن^ع: نام دیگر آن: عود البخور^ع

| | | |
|---------|-----|-----------------------|
| اغالوخن | EN. | <i>Agallochum sp.</i> |
|---------|-----|-----------------------|

۱۴۹ - اغافت^ع، اغافت^ع، ترمانان^ع، حشیش الغافت^ع: نام‌های دیگر آن: رومی: فطریون^ع (یا بوفاطریوس) - سریانی: عَقارادبشکرا^ع و تریامان^ع واغت^ع - "جالینوس" عصاره آن را «بوفاطریوس» و «صهاربخت» بوفاطاریقون می‌داند.^ع

| | | |
|-------|-----------|-------------------------------|
| اغافت | زر. - طب. | <i>Agrimonia eupatoria L.</i> |
|-------|-----------|-------------------------------|

| | | |
|-----------------------------|----------|----------|
| <i>Achillea ageratum</i> L. | اغیراطون | زهر، EN. |
| <i>Achillea ageratum</i> L. | أغیراطن | دیسکورید |

| | | |
|--|-----------------------|------------|
| <i>Cuscuta epithymum</i> Murr. | افثيمون | ز.ط.خ.ع.ب. |
| <i>Cuscuta epithymum</i> Murr. | افثيمون - كشوث السعتر | الموسوعة |
| <i>Cuscuta epithymum</i> Murr. <i>Cuscuta europea</i> | افثيمون | پارسا |

| | | |
|--------------------------|-----------|-----|
| <i>Galium aparine</i> L. | افادینی ؟ | EN. |
|--------------------------|-----------|-----|

| | | |
|-----------------------|----------|----------------|
| <i>Euphorbia spp.</i> | دیسکورید | آفریون - فریون |
|-----------------------|----------|----------------|

Takkawt -1

رومی: انسیتون^۱، افستینون^۲ - فارسی: مروه^۳ - مصر: (نوع زبون آن را) دسیسه^۴، (نوع جبلی آن را) ربل^۵ - هندی: مجتری^۶، شتاور^۷ - زابل: مستار^۸، شیخ رومی^۹، کثوث رومی^{۱۰} بنا به نظر "رسائل^{۱۱}" دارای انواع نبطی، فارسی، خراسانی و سوری است.^{۱۲} - «افستین» رومی و نبطی است.^{۱۳} اُوسِثِی (Apsinthion): اُفستین با نام لاتینی «شانشه»^(۱) در بعضی از ترجمه ها نام آن "کثوث الرومی" نام دارد و دارای انواع مختلفی است که بهترین آن ها از نظر پزشکی - نوع رومی آن است. عامه اندلس و نقاط دور مغرب به آن «افستین الساحلی» و «شِبب العُجُون» گویند و «شِبب العُجُون» نامی مشترک است و بیشتر برای گیاه "أشنه" بکار می رود. ساریفون (Seriphon): نام دو نوع "شیخ"، "شیخ الارمنی" و "شیخ المصری" است. شیخ المصری به اُفستین البحرى مشهور است. و "دیسکورید" این دو نوع افستین - ساحلی و بحر - را با عنوان کلی اُفستین شرح داده است. [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۳ و ۲۴]

| | | |
|------------|---------------------------------------|---|
| دیسکورید | اُوسِثِی - اُفستین الساحلی - اُفستین | <i>Artemisia absinthium L.</i> |
| دیسکورید | ساریفون - شیخ المصری - اُفستین البحرى | <i>Artemisia maritima L.</i> |
| الموسوعه | اُفستین، دسیسه، شیخ رومی، خُتْرِق | <i>Artemisia absinthium L.</i> |
| ز.ط.خ.، E. | افستین | <i>Artemisia absinthium L.</i> |
| GLO.IN. | عربی و فارسی: اُفستین | <i>Artemisia absinthium L.</i> |
| GLO.IN. | عربی و فارسی: شیخ | <i>Artemisia maritima L.</i> |
| GLO.IN. | عربی: اُفستین | <i>Artemisia siversiana Eh.&Wi.</i> |

۱۵۶ - اَفْلَنْجَه^۱، اَفْلَنْجَه^۲، فَلَنجَه^۳، فَلَنجَه^۴، فَلَنجَه^۵، فَلَنجَه^۶، فَلَنجَه^۷، ریشه نیلوفر هندی^۸ نام‌های دیگر آن: افلنجه^۹ - هندی: پل پر نک^{۱۰} - کثوث زنجی^{۱۱}

| | | |
|-----------|-------|---|
| زر. - طب. | فلنجه | <i>Cuscuta epithymum Mur.</i> <i>Piper cubeba L.</i> |
|-----------|-------|---|

۱۵۷ - اَفْنِیقُون^۱: (نامی یونانی)

۱۵۸ - اَفیقِرُون^۲، اَفیقوون^۳: (افیقوون)^۴ نام رومی آن یقرون به معنای تلخ است.^۵

اَفِیقُیُون (Hupekoon): به یونانی «اویقواون» نام دارد و بر این گمانند نوعی "جلبان البری" با خاصیت تخدیری و خواب آور است که احتمالاً درست است. [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۲]

| | | |
|----------|------------------------------------|----------------------------------|
| زریاب | افیقرون | <i>Hypecoum procumbens L.</i> |
| دیسکورید | اَفِیقُیُون | <i>Hypecoum procumbens L.</i> |
| الموسوعه | هَیِّقُیُون - اَفِیقوون - جُهِیرَه | <i>Hypecoum procumbens L.</i> |
| EN. | اسقیرن | <i>Hypericum quadrangulum L.</i> |

۱۵۹ - اَفِیقُطُس^۱، اَفِیقُطُس^۲: نامی یونانی به معنای محلل

۱۶۰ - اَفیلون^۳: نام دیگر آن: شیخ جبلی^۴

۱۶۱ - اَفیمارون^۵: نوعی از سورنجان

۱- اصل آن *Acienzo* - فَلَنجَه (با معادل نام اصلی *Filix*) همراه با واژه "بطارس" و "کیلدارو" آمده است.

۱۶۲ - اَپِمیدون^۱، اَپِمیدِیون^۲، اَپِمیدِیون^۳: (نامی یونانی) نام دیگر آن: فافبوس^۴

اَپِمیدِیون (*Epimedium*): جالینوس نیز این گیاه به این نام ذکر کرده است ولی من - ابن بیطار - آن را نمی شناسم. [ابن بیطار] در ترجمه دیسکورید^۴ (۱۹ - ۴)

| | | |
|----------|-------------|-----------------------------|
| دیسکورید | اَپِمیدِیون | <i>Epimedium alpinum L.</i> |
|----------|-------------|-----------------------------|

۱۶۳ - اَپِیوس^۱، اَپِیوس^۲: (نامی یونانی) نام های دیگر آن: فافبوس الحدقی^۳، چون شبیه حدقه است، خامالانس^۴، فجل بری^۵ - "دیسکورید" می گوید: برخی مردم آن را «رابانس اَزْغَرِیا» (به معنای فجل بری) نامیده اند.^۶
اَپِیوس (*Apios*): کُمُتری البُستانی [ابن بیطار] در ترجمه دیسکورید^۴

| | | |
|----------|-----------------------------------|---------------------------|
| دیسکورید | اَپِیوس - کُمُتری البستانی | <i>Pyrus communis L.</i> |
| الموسوعه | اَپِیوس - اشخاص - شلجم بری - زَخل | <i>Euphorbia apios L.</i> |

۱۶۴ - اَپیون^۱، اَپیون^۲، اَپیون^۳: فاس: عفیون^۴

۱۶۵ - اَاقاقلیس^۱: اَاقاقلیس (*Akakallis*): شجرالْأَثَل، نام میوه آن به فارسی "کَرْمَازَک" است و در کتب طبی "کَرْمَازَج" و "کَرْمَازَق" و به زبان عربی "عَدَبَة" نامبرده شده است. [ابن بیطار] در ترجمه دیسکورید^۴ (۱ - ۹۱)

| | | |
|-----------|-----------|---------------------------------|
| دی. - زر. | اَاقاقلیس | <i>Tamarix articulata Wahl.</i> |
|-----------|-----------|---------------------------------|

۱۶۶ - اَاقایا، اَاقایا، اَاقایا، قاتل ابنه^۱: نام های دیگر آن: مصر: سط^۲، ضط^۳ - فارسی: کره^۴، فلفل تر^۵ - عربی: سِیْت^۶ - رازی^۷ می گوید: صمغ شبدر است و "بولیس" این واژه را برای رب شبدر بکار برده ولی من آن را به معنی صمغ زیتون یافته ام.^۸ - نام عصاره قرظ و قرفا و آن گیاهی مصری است.^۹

| | | |
|-------|---------|-----------------------|
| خطابی | اَاقایا | <i>Acacia arabica</i> |
|-------|---------|-----------------------|

۱۶۷ - اَاقُحْوان^۱، اَاقحْوان^۲، اَاقحْوان^۳، اَاقحْوان^۴، اَاقحْوان^۵، اَاقحْوان^۶، اَاقحْوان^۷، اَاقحْوان^۸، اَاقحْوان^۹: (نامی عربی) نوعی بابونج - نام های دیگر آن: عربی: بابونج^{۱۰}، قُرْاص^{۱۱}، اَاقحْوان^{۱۲}، اَاقحْوان^{۱۳} - فاس: بابونج الحمیر، بابونه گاو^{۱۴}، بابونه گاو چشم^{۱۵} - یونانی: اوبیانس^{۱۶}، اوبانیس^{۱۷}، اوبیانیس^{۱۸} - سندی: فلانج^{۱۹} - عبرانی: فیفایفا^{۲۰} - سریانی: فشا^{۲۱}، فرابیون^{۲۲}، کرکیش^{۲۳}، کرکاش^{۲۴}، کافوریه^{۲۵} - دیسکورید: برناتیون^{۲۶} - نام های نوع صغیر (کوچک) آن: یونانی: فلیمن^{۲۷} - فارسی: بهار^{۲۸} - مصر: کاش^{۲۹} - عرار^{۳۰} - میشهار^{۳۱} - کاو چشم^{۳۲} - خریع^{۳۳} - عصفر^{۳۴} - مریق^{۳۵} - مقد^{۳۶} - کافوری-نر-مهرمان^{۳۷} «اَاقحْوان بستانی» با نام «کافوری» و «اَاقحْوان بری» با نام «بابونج» است و «بهار» جنسی از «اَاقحْوان» است.^{۳۸} «دیسکورید» آن را به سه نوع تقسیم کرده است.^{۳۹} او را به پارسی «کافوربوی» خوانند، و «بابونه» جنسی است از وی.^{۴۰} «اَاقحْوان» نزد عرب به «بابونج» معروف است و در مصر به «کرکاش» و دارای انواعی است به همین دلیل برخی از گیاهشناسان اندلس «اَاقحْوان» را نوع کوچکی از انواع «کرکاش» می دانند. برخی از گیاهشناسان پنداشته اند منظور از «اَاقحْوان» همین اسامی است در حالیکه «اَاقحْوان» در ترجمه واژه یونانی «برناتیون» آمده و آن از انواع «کرکاش» نیست و در حقیقت رستی معروفی است که در قدیم و امروزه در اندلس به آن «شجره مریم» می گویند و در آفریقا معروف به «کافوریه» است و در شهر موصل بسیار کاشته می شود و در آنجا نیز به «شجر الکافور» مشهور است و دارای دو نوع کوهی و زراعی است.^{۴۱} «اشبیلی» می گوید: در مورد ماهیت آن

اختلاف است برخی آن را نوعی «بابونج» می‌دانند و عده‌ای می‌گویند نام دیگر «بابونج» است و نزد بعضی همان «بُبْلِيَّة» می‌باشد نام‌های دیگر آن عبارتست از: یونانی: قربانیون، برثانیون، آمارقون، اماریقون، لوقیموس - مقرجالة و اقحوان و به نظر من «اقحوان» دارای انواعی است و «ببلیه» نوعی از آن است که خود به چهار گروه تقسیم می‌شود نام‌های نوع اول آن عبارتست از: بُبْلِيَّة - اماریقون، امارقن - سقندوقس، سندوقس - نام‌های نوع دوم عبارتست از: امارنطون - اماراقوا و نام نوع دیگر «ارجل الجراد» است و نوع آخر آن را «اریان» گویند. از انواع دیگر اقحوان «قَضْب»، و همچنین «شجرة مريم» با نام «برثانیون» است. نوع دیگر اقحوان «بابونج» است که خود دارای هفت گروه است: گروه اول «بابونج طلیطلی» است، گروه دوم دارای گلی بزرگتر از گل آن است، گروه سوم را «خیزالغراب»، «بابونج الاسود» و «بابونج الرومی» می‌نامند، گروه چهارم «بابونج الجبلی» است، گروه پنجم گلی آبی دارد و در اشبیل می‌روید و گروه ششم «بابونج الخریفی» است.^ش

فَرَثَانِيُون (Parthenion): أَقْحَوَان (این یطار) در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۳]

| | | |
|---|--|----------|
| <i>Anthemis arvensis</i> | أقحوان | خطابی |
| <i>Anthemis arvensis</i> | أقحوان اصفر - عَيْن القط - بهار حقلی | خطابی |
| <i>Anthemis spp.</i> | أقحوان | الموسوعة |
| <i>Anthemis tinctoria L.</i> | اقحوان الصباغین، بهار الصباغین، بابونج اصفر، عین القور | الموسوعة |
| <i>Anthemis nobilis</i> | بابونج | الموسوعة |
| <i>Matricaria chamomilla L.</i> <i>Matricaria parthenium L.</i> <i>Chrysanthemum parthenium Pers.</i> | اقحوان - بابونج - قراض | زریاب |
| <i>Matricaria chamomilla L.</i> <i>Matricaria aurea Sch.</i> <i>Chrysanthemum parthenium Pers.</i> | اقحوان - بابونه | پارسا |
| <i>Matricaria chamomilla L.</i> <i>Matricaria aurea Sch.</i> <i>Chrysanthemum parthenium Pers.</i> | اقحوان - بابونه | پارسا |
| <i>Chrysanthemum parthenium Per.</i> | أقحوان | دیسکورید |
| <i>Matricaria parthenium L.</i> | أقحوان | EN. |

۱۶۸ - افسوس^ش: نام‌های دیگر آن: شجرة الدب^ش، جنا الاحمر^ش، دبق^ش
۱۶۹ - افسون^ش، اَفْتُون^ش: نام‌های دیگر آن: افنیثون^ش - رأس الشیخ^ش

| | | |
|----------|--|----------------------------|
| الموسوعة | أفسون - رأس الشیخ - شکاعی - طوبه - فص الجمار | <i>Onopordon acanthium</i> |
|----------|--|----------------------------|

۱۷۰ - افسی^ش: نام‌های دیگر آن: زعرور الأدویه^ش - گیاهشناسان اندلس: حیربول^ش - این نام درخت «برباریس» که «ابن جلیجل» آن را پنداشته و همچنین «فیلزهرج» نیست.^ش
۱۷۱ - أَقْطِن^ش، اَقْط^ش: (نامی یمنی) نام‌های دیگر آن: ماش^ش - اصل... ماش^ش
۱۷۲ - أَقْتَالُوق^ش، اَقْتَالُوق^ش: شوكة البیضاء^ش: نامی یونانی به معنای شوكة البیضاء نام‌های دیگر آن: بازورد^ش - شوكة البیضاء^ش - باناورد^ش

| | | |
|----------|--------------|---|
| طباطبائی | شوكة البیضاء | <i>Cincus acarna</i> <i>Sylibum marianum</i> |
|----------|--------------|---|

| | | |
|-------------------------------|-----------|-----|
| <i>Crataegus oxycantha</i> L. | اقتتالوقى | EN. |
|-------------------------------|-----------|-----|

۱۷۳ - أَقِمْ: نام‌های دیگر آن: ابوقینوس، نارتیطس، اوقینه، هراس - عربی: عَنَقَر، مُرَار، سَمْعَر، شَوَك المَقْفَل، حَسَك الجمال، شَوَکة البیضاء، شَوَکة المُنْکَرَة، قَتَاد الصغیر

۱۷۴ - اَكْتِمَكْتْ، اَكْتِمَكْتْ، اَكْتِمَكْتْ: نام‌های دیگر آن: فارس: خایه ابلیس - هندی: کربخور، کرنج - سانس کرت: ساکرکهوله - بعضی گویند او میوه «ام غیلان» است. - «صاحب منہاج» می‌گوید: چوبی هندی و نام دیگر آن «بندق هندی» است.

| | | |
|----------------------|-------|-------|
| <i>Lapis aetites</i> | اکمکت | زریاب |
|----------------------|-------|-------|

۱۷۵- اکسیوس من؟

۱۷۶- أكرار: "ابو عباس نباتی" می‌گوید نام عربی آن نجد است.^۴ نوع بزرگ آن به نام «طرنشول» و بدون میوه است و نوع میوه‌دار آن آبی رنگ با نام «تنوم» است.^۵

۱۷۷- أکر البحر^۲: نام‌های دیگر آن: لیف البحر^۳

۱۷۸- اَكْلِيل الْمَلِكْ، اكلیل الملک^ص، اکلیل الملک^ع، أَكْلِيلُ الْمُلْكِ، اکلیل الملک^ث، اَکْلِیلُ المِلک^ض. اکلیل الملک دارای هفت جنس است.^ح نام‌های دیگر آن: عربی: عکیفیة^١، حُمَيْدِش (فاس)، مَکْدِش (فاس)^٢ اصابع الملک^٣، ملکا^٤ - یونانی: هالینوٹوس^٥، هللیسفاقوس^٦ (نامی که جالینوس مطرح کرده است). مالیلوطس^٧ (نامی که دیسکورید بر آن نهاده است.) - فارسی: قیصر^٨، شاه پسه^٩، شاه افسر^{١٠}، اسبرک^{١١}، کلل الملک^{١٢} - هندی: پرَنک^{١٣} - سندی: سوَتَن^{١٤} - سریانی: کلیل ملکا^{١٥} - «اشبیلی» می‌گوید: دارای چند نوع است نام نوع چهارم آن «عربی» است و خود سه نوع است نام نوعی از آن به رومی «شاهسیرم» و به عجمی «قرنوله دکانبه» و به بربری «أذنه» و به عربی «قمرة» یا «قمر» و «تَلِيْحَاء» و به آفریقائی «شجر الحب» و در مشرق «أذان الجداء» و به هندی «سورج الملک» و «رونق الملک» و به نبطی «فارنیاء» و «قارنیاء» است.^ح

مالبلوطوس (*Melilotos*): أَكْلِيلُ الْمَلِكِ چهار نوع است: نوع اول و دوم آن به زبان اندلسی "قُرْنَج" ^(۱) است که یک نوع آن را پزشکان مصر تجویز می کنند. نام نوع سوم "مُعْقَرَب" و نوع چهارم "مُدْرَهْمُ الْوَرَق" و نام فارسی آن "دارشاه" است که اهالی آفریقا به آن "شجرة الحب" گویند. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۳۸]

| | | |
|--------------------------------------|--|----------------|
| <i>Melilotus officinalis</i> L. | مالیلوٹس - اکیلل الملک | دی۔ - طباً. |
| <i>Fritillaria imperialis</i> L. | اکلیل الملک - عرار قیصری | الموسوعه |
| <i>Melilotus officinalis</i> L. | اکلیل الملک | زر، خطا. |
| <i>Astragalus hamosus</i> | اکلیل الملک | پارسا |
| <i>Trigonella grandiflora</i> Bunge. | ناخنک - اکلیل الملک | پارسا |
| <i>Astragalus hamosus</i> L. | اصابع الملک، ہندی: پورتوک، بمبئی: اخلیل الملیک | <i>Glo.-In</i> |

۱۷۹ - اَكْلِيلُ الْجَبَلِ، اَكْلِيلُ الْجَبَلِ^۱، اَكْلِيلُ الْجَبَلِ^۲؛ از انواع «صعتر» است. نام‌های دیگر آن: یونانی: اوقلا اوقا، بلایه قَبْرُونَه^(۲) - فاس: اَزْرَعُ - دارای سه نوع است و به یونانی آن را «لیباطیش» و به رومی «رومیرو رومینیو» یعنی «حشیشة الرومانیین» گویند و نام بدر آن به عربی «فَخْدَه» نام دارد نام بربری آن «أزیر» و نام سریانی آن «اَكْلِيلُ الْجَبِلِ» است. نوع اول را «عَبْبَثْرَة الْأَيْل» و «صعتر الرومی» گویند و نوع دوم را «فَخْدَا» و «راء» نامند و نام نوع سوم «قمصانا» است.^۳

۱- قرنج به زبان لاتینی اسپانیایی "*Cornejo*" و نام "قرنیا" "*Cornus mas L.*" است. و اهالی اندلس اکلیل الملک را با نام "قرنولی" یا "قرنعل" یا "قرنلیه" ذکر کرده‌اند که معادل نام لاتینی "*Cornilla real*" است.

| | | |
|----------|--------------------------------------|----------------------------------|
| الموسوعه | اکلیل الجبل - نَدَى البحر - قِزَمانا | <i>Rosmarinus officinalis L.</i> |
| خطابی | اکلیل الجبل | <i>Rosmarinus officinalis L.</i> |

۱۸۰ - اَکْمُويزَانْ^ع، اَکْمُويزَانْ^ت: "ماسرجویه" می‌گوید نام «رعی الحمام» است.^ع

۱۸۱ - الأَطى^ع:

۱۸۲ - الأَطینى^ع: نام دیگر آن لبلاب است و "مجوسی" آن را «لبلاب الأعرش» می‌داند^ع و عامه اندلس به آن «شحمیه»^ع و «سراویل الطلول» گویند.^ع

۱۸۳ - اَلْب، اَلْب، اَلْب^ت: (نامی عربی)

۱۸۴ - اَلْباین^ت: «اشبیلی» می‌گوید: نام نوعی از آن: مقاتل الراعی - نام نوع دیگر: یونانی: قلندیرله یعنی سراجیه - نام نوع دیگر: بُخترنه - یونانی: برطانیقی - نام نوع دیگر: کوكبیه - نام نوع دیگر: عربی: شقواص - نام نوع دیگر: اَبَالَه - غرغال - قارة - نام نوعی: کمدربوس - نام نوعی: فُصیة - نام نوع دیگر: فلومس مُقَزَن به معنای فلومس صغیر - عجمی: اَلْباینه - حلیق - مقاتل الرعاة^ت

۱۸۵ - السَّفاقنْ^س، اَلْسَفاقسْ^ع: (الالسفانقن) به معنای «لسان الأبل» است و به اشتباه گفته شده نام آن «نبقولا الراهب» و «رعی الأبل» است. گیاهشناسان اندلس آن را «شالییه» و «ناعمة» نامیده‌اند^ع. گمان کرده‌اند «رعی الأیل» با نام «قَلَام» است.^س اَلْأَسْفاقسْ (Elelisphakon): برگردان آن به عربی "لسان الأیل"^(۱) است. عامه اندلس به آن «ناعمة» گویند و نام لاتینی آن شالییه است. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۳۱]

| | | |
|----------|-----------|------------------------------|
| دیسکورید | الالسفاقس | <i>Salvia officinalis L.</i> |
| زریاب | السفانقن | <i>Salvia officinalis L.</i> |

۱۸۶ - اَلْف دینار^ت:

۱۸۷ - اللثی^ع: (نامی یونانی) "ادریسی" می‌گوید: این نام به معنای «أهلی» است. و نزد من - ابن یطار - از انواع «جزر البری» است و غیر از این نام دیگری برای آن نمی‌شناسم.^ع

۱۸۸ - اَلنَّج: نامی یونانی به معنای اهل

۱۸۹ - اَلْوَسْن، اَلْوَسون، اَلْوَسْن^ت، شجرة الکلب^ع، مُذْهَب الکلب^ع: آلوسن به معنای برطرف کننده آزار گزیدگی سگ دیوانه^س

اَلْوَسْن (Alusson): به معنای نافع در درمان گاز گرفتگی سگ دیوانه. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۸۶] «ابن یطار» در کتاب جامع خود آن را معادل نام های عربی "حشيشة اللَّجَاة" و "حشيشة السَّلْحَفَاة" آورده است.

| | | |
|----------|---------------------------|--------------------------------|
| زریاب | الوسن | <i>Alyssum saxatile L.</i> |
| طباطبائی | | <i>Farsetia chypeata R.Br.</i> |
| الموسوعه | الوسن - الیشم - اَلْوَسْن | <i>Alyssum spp.</i> |
| دیسکورید | اَلْوَسْن | <i>Alyssum saxatile L.</i> |

۱۹۰ - اَلْوین، اَلْوین^ع: (نامی یونانی) "غافقی" می‌گوید: در ترجمه بطرق - از کتاب جالینوس - محل رویش «اَلویناس» در مکان‌های رملی آمده است. و او آن را همان «ترید» می‌داند که این اشتباه است. «ابن وافد» نیز این نام را معادل نام «طریفیلون» می‌داند و گفته خود را با مطالب "دیسکورید" پیرامون «طریفیلون» همسو می‌آورد و نام دیگر آن را «أرطریفیون» یا همان «ترید» می‌داند.^ع

آلویی (Aloe): نام «شجرة الصبر» است و این گیاه مثالی برای حروف است؟ و در خانه ها بسیار روئیده می شود و عامه مردم به آن «صبارة» و «صابرة» نیز می گویند و مکانی نیست که از این گیاه برداشت نکنند. [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۲]

| | | |
|----------|---------------|-----------------------|
| دیسکورید | ألویی | <i>Aloe vera L.</i> |
| پارسا | صبر زرد | <i>Aloe aloexylon</i> |
| پارسا | صبر زرد سقوطی | <i>Aloe scotrina</i> |

۱۹۱ - امارة^(۱): شجرة القرمز^ش

۱۹۲ - اماریطن^۱، امارنطن^۲: (نامی یونانی) گروهی از مترجمان آنرا نوعی «أقحوان» می دانند که در حقیقت اینچنین نیست بلکه نزد من - این بیتار - از انواع «قیصوم» است و خود آن را دیده ام.^۳
 ألیخریسون (*Helikhruson*): برگردان آن به عربی «مذَهَب» (طلائی) و مشابه «قیصوم» است، و بعید نیست از انواع آن باشد. و جالینوس آن را با نام «أمارنطن»^(۲) آورده است. [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۵۲]

| | | |
|----------|---------------------------------------|----------------------------------|
| دیسکورید | ألیخریسون | <i>Tanacetum annum L.</i> |
| الموسوعة | امارنطون - بزاز العذراء - خالدة الجوز | <i>Helichrysum stoenchas DC.</i> |

۱۹۳ - امبرباریس^۱، امبرباریس^۲، امبرباریس^۳، امبرباریس^۴، حب الانبرباریس^۵، اثرار^(۳)، زرشک^۶، زرشک^۷، امبرباریس^۸: نوعی از عوسج نام های دیگر آن: انبرباریس^۹، برباریس^{۱۰} - بربری: ابراز^{۱۱}، آرزغنت^{۱۲} - فارسی: زرشک^{۱۳}، زرشک^{۱۴}، زرشک^{۱۵}، زیرکش^{۱۶}، زارج^{۱۷}، زرنک^{۱۸} - عربی: الاثرار^{۱۹} - برباریس^{۲۰}
 در الحاوی به نام «قالیورس» آمده است و نام دیگر آن «اوقاتوس» است. دیسکورید معنای آن را دارنده خارهای تیز گفته است.^{۲۱} - نام ریشه های فرعی آن «آرغیس» است.^{۲۲} «اشبیلی» می گوید: دارای دو نوع حبلی و بری است نام های نوع حبلی عبارتست از: امبرباریس - ریفی - اشقیطله - یونانی: اقتنا آفنیس یعنی شوکه حادة - سریانی: بوفسافسوس - فارسی: زرشک - بربری: آزرغن - نام ریشه: آرغیس - فرنجه: اسطنکه - نام های نوع بری: عوسج الاسود - اشقیطله - بربری: آشک بردین - عجمی: آشکوذ^{۲۳}

| | | |
|------------------|--|--|
| زریاب ، طباطبائی | امبرباریس - زرشک | <i>Berberis vulgaris L.</i> <i>Berberis asiatica Roxb</i> |
| الموسوعة | بزبریس، انبرباریس، اثراره، زرشک، عود الريح | <i>Berberis vulgaris L.</i> |
| پارسا | حضض هندی - راس هدی | <i>Berberis lycii extractum</i> |
| پارسا | زرشک | <i>Berberis vulgaris L.</i> |
| طباطبائی | حضض | <i>Lycium afrum</i> <i>Rhamnus infecteria</i> |
| خطابی | امبرباریس | <i>Berberis vulgaris L.</i> |

۱۹۴ - آمبروسیا^۱، آمروسیا^۲: برخی مردم به آن «بطرس» گویند و برخی «أرطاماسیا»^۳. دیسکورید^۴ می گوید برخی آن را عنقود (بطرس) (خوشه انگور) و دیگران ارطاماسیا (ارطیسیا) می دانند.^۵

| | | |
|-------|----------|-----------------------------|
| زریاب | امبروسیا | <i>Ambrosia maritima L.</i> |
|-------|----------|-----------------------------|

۱۹۵ - اَمْدُرْیَان، اَمْدِرْیَان^ش، اَمْدِرْیَان^ش: (نامی یونانی) محل رویش: بیت المقدس و دمشق^ع - برخی به اشتباه آن را «بذرة» می‌دانند.^ش

۱۹۶ - اَم دَفْراء^ش: «اشبیلی» می‌گوید: نوعی «قیصوم» است و شاید «فجن» باشد.^ش

۱۹۷ - اَمْرود^ش: نام‌های دیگر آن: کمثری^ش، مرشدآباد: حسینی^ش

| | | |
|---------------------------|-----------------------------------|---------|
| <i>Psidium guajava L.</i> | <i>Hendia & Panjub: Amrud</i> | GLO.IN. |
|---------------------------|-----------------------------------|---------|

۱۹۸ - اَمْرَه^ش: (نامی هندی)

۱۹۹ - اَمْصوخ^ش، اَمْصوخ^ش، اَمْصوخ^ش: (نامی بربری به معنای انابیت)، یحیئذ^ش: نام‌های دیگر آن: اَمَصِیخ^ش - اَمْصوخ^ش، محلوله^ش - «ابن بیطار» می‌گوید: به عجمی اندلسی به آن «شتله»^(۱) گویند و دارای دو نوع است بزرگ و کوچک... گروهی آن را از انواع «ذنب الخیل» می‌دانند.^ش

۲۰۰ - اَمْطی^ش، اَمْطی^ش: (امیطی)

۲۰۱ - اَم عمر^ش: قسمی تین به رنگ سیاه که در شام فراوان وجود دارد.^ش

۲۰۲ - اَمْغیلان^ش، اَمْغیلان^ش، اَمْغیلان^ش، اَمْغیلان^ش: نوعی سنط نام‌های دیگر آن: اهل بادیه: سمر^ش، سَمْر^ش، طَلح^ش، شوکه مصریه^ش، شوکه اعرابیه^ش و سدوری^ش - فارسی: مغیلان^ش - هندی: کیکروبیول^ش - سند: جاماها^ش - اهل بغشور: حاله غوره^ش

| | | |
|------------------------------|----------|-------|
| <i>Acacia arabica Willd.</i> | ام غیلان | زریاب |
| <i>Ilex aquifolium L.</i> | ام غیلان | EN. |

۲۰۳ - اَمْ کَلْب^ش، اَم کَلْب^ش، اَم کَلْب^ش: نام گیاه در کتاب دیسکورید: اناغیرس^ش - «اشبیلی» می‌گوید: برخی آن را «طَبَاقَة الجبلية» می‌دانند و به نظر من درست است.^ش

اَنَاغُرُون (*Anaguros*): نام عربی آن «شجرة اَم کَلْب» و نام میوه آن «خَرْنُوب الکَلْب» است و «خَرْنُوب الکَلْب» نام مشترکی است که بیشتر در غیر این مورد بکار می‌رود. در غلاف میوه آن دانه‌هایی با رنگ‌های مختلف قرار دارد که اهالی مصر به آن «حَب الکَلْی» گویند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۴۵]

| | | |
|----------------------------|--------------------|----------|
| <i>Anagyris foetida L.</i> | ام کَلْب - اناغیرس | زر - دی. |
|----------------------------|--------------------|----------|

۲۰۴ - اَم الف ورق^ع:

| | | |
|-----------------------------|------------|----------|
| <i>Achillea millefolium</i> | ام الف ورق | طباطبائی |
|-----------------------------|------------|----------|

۲۰۵ - اَمْل بید^ش: (نامی هندی)

۲۰۶ - اَمْل کِجائی^ش: (نامی هندی)

۲۰۷ - اَمْلِج^ش، اَمْلِج^ش، اَمْلِج^ش، اَمْلِج^ش، اَمْلِج^ش، اَمْلِج^ش: نام‌های دیگر آن: سریانی: اَمْلِک^ش - عربی: راح العرب^ش - فارسی: اَمْلَه^ش - مصر: سنایزه^ش - هند: انوله^ش - شیره پرورده آن به نام «شیر املج» و دارای انواعی است که بهترین آن را «شاه املج» گویند.^ش - اَمْلَه دو جنس - قسم - است با استه (هسته) و بی استه.^ش در مقایسه برخی از طبیبان جنسی از اَمْلَه «سیر املج» نوشته شده

و ایشان مصحح - تصحیح کرده اند به - «شیر آملج»، و پنداشتند که آن «شیر آملج»، آنست که اندر شیر آغشته است و این نادرست است، زیرا نام آن خود «سیر آملج» به سین است و این به زبان هندی گفته شده است و به معنای آملج بی استخوان است و من آنجا که آن می روید حاضر آمده و دیده ام.^۲

| | | |
|--------------------------------------|--|----------|
| Phyllanthus emblica L. | املج | زر - خ. |
| Embelica officinalis Ga. Syn: Ph.em. | بلوچستان: املک، امل - هند: املا، اونلا | Glo-in |
| Embelica officinalis Gae. | املج | الموسوعه |

۲۰۸ - آملیس^۳: نوعی از درخت صُفیراء مشهور به عُدوة^۴

۲۰۹ - اُم وَجَع الكبد^۵، ام وجع الکبد^۶: «ابوحنیفه» وجه تسمیه آنرا بخاطر درمان درد کبد و برطرف کننده صفرا دانسته است.^۷

| | | |
|-----------------------|--------------|-------|
| Herniaria tourneforti | ام وجع الکبد | زریاب |
|-----------------------|--------------|-------|

۲۱۰ - اَنَاغَالْسُ، اباغلس^۸، اَنَاغَالْسُ، اناغالیس^۹، اناغالیس^{۱۰} (نامی یونانی) اَنَاکیر^{۱۱}: نام های دیگر آن: فاس: حشیشه العلق^{۱۲} - نبطی: اناکیر^{۱۳} - فرنگی: انکالن^{۱۴} - دارای دو پایه نر و ماده است، پایه ماده با گل آبی و پایه نر با گل قرمز.^{۱۵} اشبیلی می گوید: دارای دو نوع است نام های نوع اول آن عبارتست از: یونانی: قیخوریون - عجمی: شِنتَلَه - قبطی: اناطیا - عربی: خِمنْجِم، حشیشه العلق - اهالی شام: اذان الفار و نام های نوع دوم: یونانی: قیخوریون قارذنون به معنای سیاه، اناطیریا ارمالی^{۱۶} اَنَاغَالْسُ (Anagallis): دو نوع است: نوعی با گل آبی که نام لاتینی آن «قَرْدَنَالَه» (Cardenella) است و به آن «حشیشه العلق» گویند. و نوع دیگر آن با گل قرمز خونی با نام لاتینی «سَنتَالَه» (Centella) (Scintilla) به معنای «شَراره» است. (این یطارد در ترجمه دیکرید) ۲ - ۱۱۶]

| | | |
|---------------------------|--------|----------|
| Anagallis coerulea Schreb | اباغلس | زریاب |
| Anagallis arvensis L. | | |
| Anagallis arvensis L. | اناغلس | د. س. خ. |

۲۱۱ - اَنَاغورِس (نامی رومی)، اباغورس^{۱۷}، اباغورس^{۱۸}، اَنَاغورون^{۱۹}، صلون^{۲۰}: نام های دیگر آن: مصر: خرنوب الخنزیر^{۲۱} - هری: دُبِج^{۲۲} - دُبَحَه^{۲۳} - نام میوه آن: حب الکلی^{۲۴}، حب الکنی^{۲۵}

| | | |
|---------------------|---------------|-------|
| Anagyris foetida L. | اباغورس - دبج | زریاب |
|---------------------|---------------|-------|

۲۱۲ - اَنَبِج، اَنَبِج^{۲۶}، اَنَبِج^{۲۷}، اَنَبِج^{۲۸}: اَنَبِج^{۲۹}: معرب انبه هندی - نام های دیگر آن: اَنَب^{۳۰} - تورانی: نغزک^{۳۱} اشبیلی می گوید: این نام به دو گیاه «مُصع» و «مشتهی» گفته می شود.^{۳۲}

| | | |
|---------------------|--|--------|
| Mangifera indica L. | انج | زریاب |
| Mangifera indica L. | هندی و بلغاری: امب - ام، بلوچستانی: ام | Glo-in |

۲۱۳ - اَنَبُطرون^{۳۳}: «جالنوس» می گوید: شبیه بالکرات است.^{۳۴}

۲۱۴ - انبوب الراعی^۱، انبوب الراعی^۲: گویند «مزممار الراعی» و همچنین «عصی الراعی» است، «مسیح» نیز آن را نوعی «حی» می‌داند و این نظر صحیح تر است.^۳ «اشبیلی» می‌گوید: نوع دوم «العالم» است.^۴

۲۱۵ - انبوب الملك: نوعی حی العالم^۵

| | | |
|-------|-------------|--------------------------------|
| زریاب | انبوب الملك | <i>Semperivium arboreum L.</i> |
|-------|-------------|--------------------------------|

۲۱۶ - اَنْتَلَهْ، اَنْتَلَهْ^۱: (نام عجمی اندلسی) نام‌های دیگر آن: جدوار اندلسی^۲، جدوار^۳ - هندی: نرنسبی^۴

| | | |
|----------|-------------------------------|----------------------|
| الموسوعه | انتله - بیش - اقونطن - اکونیت | <i>Aconitum spp.</i> |
|----------|-------------------------------|----------------------|

۲۱۷ - اَنْتَلَهْ بیضاء^۱: نام دیگر آن: عامه اندلس: فیهق^۲

۲۱۸ - اَنْتَلَهْ سوداء^۱: نام دیگر آن: جدوار اندلسی^۲

| | | |
|----------|--------------------------------------|----------------------------|
| الموسوعه | انتله سوداء، جدوار اندلسی، طَوَّارَه | <i>Aconitum anthora L.</i> |
|----------|--------------------------------------|----------------------------|

۲۱۹ - اَنْثامیس^۱: نوعی بابونج است.^۲ - نام دیگر آن: اقحوان البری^۳

اَنْثِمَه^(۲) س (*Anthraxis*): بابونج، بابونق، بابونک، بابونه - یونانی: خَمَائِلُن^(۱) برگردان عربی آن: ثَقَّاح الأرض - لائینی: مَسْأَلَه ، برگردان عربی آن: ثَقَّاح، زیرا بوئی مشابه بوی سیب دارد.^۴ [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۲]

| | | |
|----------|-----------------------------|----------------------------|
| زریاب | اَنْثامیس | <i>Anthemis nobilis L.</i> |
| دیسکورید | اَنْثِمِس - بابونج - بابونه | <i>Anthemis nobilis L.</i> |
| پارسا | بابونه شیرازی | <i>Anthemis nobilis L.</i> |

۲۲۰ - اَنْثَلِیس، اَنْثَلِیس^۱، اَنْثَلِیش^(۳): (نامی یونانی)

اَنْثَلِیس (*Anthullis*): برای من این بیطار - گیاه ناشناخته‌ای است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۱]

| | | |
|----------|------------|--|
| دیسکورید | اَنْثَلِیس | <i>Cressa cretica L.</i> <i>Ebenus cretica L.</i> |
|----------|------------|--|

۲۲۱ - اَنْجَبَار، اَنْجَبَار^۱: نام آن مشتق از واژه جبر است.^۲

اَذَارِیْذا (*Idaia rhiza*): به معنی روئیده در محل - اِیْذا (اَذایْذا یا ایدایارِیْذا) و آن مکانی است در شهرهای روم، زیرا بر این باورند این گیاه اولین بار از این مکان جمع آوری شده است. عامه اندلس به آن "اَنْجَبَار" می‌گویند و آنچه گفته شد نزد آنان مشهور است و بیشتر در کنار آب و نهرها می‌روید. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۴۰]

| | | |
|----------|----------------------|--|
| دیسکورید | انجبار - اَذَارِیْذا | <i>Uvalaria amplexifolia L.</i> |
| پارسا | انجبار - انجبار رومی | <i>Polygonum bistorta L.</i> <i>Bistorta officinalis Rafin.</i> |

| | | |
|--------------------------------|--------------|---------|
| <i>Euphorbia pilulifera</i> L. | انجبار | پارسا |
| <i>Polygonum viviparum</i> L. | اردو: انجبار | GLO.IN. |

۲۲۲- آنجبار رومی^۴: نام دیگر آن: ساسلیوس^۵

۲۲۳- آنجْدان^۶، انجْدان^۷، آنجْدان^۸، آنجْدان^۹، آنجْدان^{۱۰} (معرب انگدان فارسی)، عود الرقة (ریشه)^{۱۱}، محروت (نام ریشه)^{۱۲}، آنجْدان^{۱۳}، محروت^{۱۴}: نوعی کلخ - نام های دیگر آن: یونانی (دیسکورید): سلفیون^{۱۵}، سلیون^{۱۶} - سریانی: انکزانا اوکاما^{۱۷} - فارسی: انگدان^{۱۸} - سجزیه: هینگ^{۱۹} - فاس: دریاس - بربری: ادریاس^{۲۰}، اورپاس^{۲۱}، ادریس^{۲۲} - عربی: عشبة النساء^{۲۳} - نام ریشه: محروت^{۲۴} - نام نوع سیاه: سرخس^{۲۵} - سوریه: بادیقون^{۲۶} - یونانی: ناغیپارس طوماغاش - تازه قبرونه^{۲۷} - آله قَبْرُونَه^{۲۸} (۱) - عشبة التیسية^{۲۹} - به مازندرانی انجْدان خوشبو را "کوله پر" گویند. ریشه آن به عربی «محروت» نام دارد^{۳۰} و به ترکی به آن «بالدرغان» گویند و نام صمغ آن «حلتیت»^{۳۱} است. ^{۳۲} - نام آنجْدان رومی: سیسالوش^{۳۳} نام تخم آن: کاشم^{۳۴} - ریشه آنجْدان خراسانی: اشتراغار^{۳۵} - «انگیان» دو جنس سیاه و سپید و جنسی دیگر هم دارد که رومیان آن را «سسالون» گویند. ^{۳۶} - «اسحاق بن عمران» می گوید: «انجْدان» دو نوع است یکی سفید خوشبو که به نام «سرخسی» است و ریشه آن «محروت» نام دارد و نوع دوم سیاه بد بوست.^{۳۷}

سلفیون (Silphion) یا سلقیون: آنجْدان، شجرة الحلتیت [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۱]

| | | |
|------------------------------|--|-------------|
| <i>Ferula asafoetida</i> L. | انجْدان | ز، ط، د، خ. |
| <i>Ferula asafoetida</i> L. | انجْدان - شجرة الحلتیت - حلتیت - حلتیث | الموسوعه |
| <i>Ferula asafoetida</i> L. | آقوزه هراتی | پارسا |
| <i>Ferula asadulcis</i> | انجْدان | پارسا |
| <i>Ligusticum levisticum</i> | انجْدان رومی | پارسا |
| <i>Ferula narthex</i> Boiss. | Sanskrit: Hinguka - Hendia & Bombay & Bengal: Hing - Kashmir: Anjudan | GLO.IN. |

۲۲۴- آنجْره (فارسی)^۱، انجْره^۲، انجْره^۳، آنجْره^۴، آنجْره^۵، بنات النار^۶، قریص^۷، قُریص^۸، قریص (نام بذر)^۹، آنجْره^{۱۰}: نوعی از خَزَق نام های دیگر آن: هندی: آننکن^{۱۱} - عربی: قریص^{۱۲}، قریص^{۱۳}، حریق^{۱۴}، دار المرز^{۱۵}، آنجْره^{۱۶} - ترکی: کجیتیب^{۱۷} - لاتینی: ارتیک پریم^{۱۸} - گیلاَن: هریتکه^{۱۹} - فارسی: گزنه^{۲۰} - نام ذکر شده توسط اورباسیوس: اقالیفی^{۲۱} - سریانی: فاروویشو^{۲۲}، انباتنورا^{۲۳}، سوسرخون^{۲۴} - رومی: قرصیناتا^{۲۵}، افلابوس^{۲۶}، وافلایا^{۲۷} - یونانی: قروص^{۲۸} - قریص = یزر الانجْره^{۲۹}

اَقَالِیفِی (Akalephe): قُریص - آنجْره، اهل مغرب: خَزَق - این گیاه دو نوع است و نام دیگر آن "بنات النار" است. [این بیطار (در

ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۱]

| | | |
|--|--|----------|
| <i>Urtica pilulifera</i> L. <i>Urtica urens</i> L. | اقالیفی - قریص - آنجْره | دیسکورید |
| <i>Urtica</i> spp. | قُرَاص - قُریص - خَزَق - آنجْره | الموسوعه |
| <i>Urtica pilulifera</i> L. <i>Urtica dioica</i> L. | انجْره - قریص | زر. خطا. |
| <i>Urtica dioica</i> L. | انجْره، قریص، گزنه، بنات النار، هریتکه | پارسا |
| <i>Blepharis persica</i> | انجْره | طباطبائی |

نام های نوع بزرگ آن: رأس العجل الكبير^ش، عشبۃ القوباء^ش

أَنْطَرِينُ (*Antirrhinum*): أَنْفُ الْعَجَل - شَحْمُ الطَّعَامِ ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۰

قَمِص (*Kemos*): نوعی از أَنْفُ الْعَجَل [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۲]

| | | |
|------------------------------------|-----------------|----------|
| <i>Leontopodium de Dioscorides</i> | قَمِص | دیسکورید |
| <i>Antirrhinum majus L.</i> | أَنْطَرِين | دیسکورید |
| <i>Antirrhinum majus L.</i> | أَنْفُ الْعَجَل | EN. |

۲۳۷ - أَنْقَرْدِيَا: (نامی رومی) «أَنْقَرْدِيَا» به معنای مشابه قلب است.^ع - نام دیگر آن: هند: بلاذر^ع

۲۳۸ - أَنْكُولُ وَاكُولُ: (نامی هندی)

| | | |
|---|---|---------------|
| <i>Alanglum salviifolium (L.F.)Wan.</i> <i>Syn: Alanglum lamarckii Th.</i> | سند: آنکوتا - هند: آکولا - بلوچستان: آکارکانتا - بلغار: آنکولا | <i>Glo-in</i> |
|---|---|---------------|

۲۳۹ - أَنْكِيْزُ: به لغت صفالبه به آن «خاوانی» گویند.^ع

۲۴۰ - أَنْاسُ: (نام میوه هندی)

۲۴۱ - أَنْوَطِيلُونُ، أَوُوطِيلُونُ: (نامی یونانی) نام دیگر آن: خوز^ع

۲۴۲ - أَنْيسُونُ، أَنْيسُونُ، أَنْيسومُ، أَنْيسُونُ، أَنْيسُونُ، أَنْيسُونُ، (نامی رومی)، كَمُونُ الْحَلَوُ، حب الحلو، رازیانه شامی^ش،

انيسون: نام های دیگر آن: انسون^ش، انيسن^ش، رهلیش^ش، برانیا^ش، تلکنت^ش - سریانی: زوعشامرا^ش - عربی: بزر الرازیانج

الرومی^ش، رازیانج رومی^ش، رازیانج الشامی^ش، حب الحلو، كَمُونُ الْحَلَوُ، حَبۃ حلاوة^ع - فارسی: بادیان رومی^ش،

زیره رومی، رازیانه رومی^ش - هندی: رندلی^ش - سندی: سروق^ش

نام نوع بری بزرگ: أبجاله^ش - نام نوع دیگر بری: غرائیق^ش - امجلیه^ش، دقلیوس^ش، قرنساء^ش - جحلیق^ش، جحلق^ش، لدیقه^ش - بحریره^ش

نام نوع صخری: کحلوان^ش، تَمُک^ش، تاموک^ش - خُلوانه^ش - خُلای^ش، خُلوه^ش - روفس^ش - قومایس^ش - قریطیقوس^ش - جبروان^ش - اقلیولش^ش

انیراتاش - اهالی صقلیه: خرفله^ش - «انيسون» رومی و نبطی است. و جنسی از جنس های «رازیانه» است.^ب

أَنِيسُن (*Anesson*): نام های دیگر آن عبارتست از: أنيسون - رازیانج الرومی - كَمُونُ الْحَلَوُ - اهالی اندلس: حَبۃ الْحَلَوُ [ابن بطار (در

ترجمه دیسکورید) ۳ - ۵۳]

| | | |
|--|---|-----------|
| <i>Pimpinella anisum L.</i> <i>Anisum vulgare Gaertn.</i> | انيسون - يانسون - كَمُونُ حلو - حبه حلو | زریاب |
| <i>Pimpinella anisum L.</i> | انيسون | طبا، خطا. |
| <i>Pimpinella anisum L.</i> | انيسون | پارسا |

۲۴۳ - أَوافِيوسُ، أَوافْتُسُ: نامی یونانی به معنای حلقه بعضی از مترجمان برگردان عربی آن را «حدقی» می دانند.^ع

چون گل آن مشابه گل نرگس است.^ع

| | | |
|-----------------|------|----------|
| <i>Iris sp.</i> | حدقة | الموسوعة |
|-----------------|------|----------|

۲۴۴ - أَوْبَقْلَصُنُ، أَوْبَقْلَصُنُ: "ابن جليل" آن را به معنای «لسان الفرس» دانسته است.^ع

۲۴۵ - أَوْثَا: برخی مردم آن را عصاره «مامیثا»، و برخی آن را عصاره خشخاشی به نام «قاراطیطس» و برخی آن را عصاره

گیاهی به نام «أوثا» می‌دانند.^ع

۲۴۶ - اودومالی^ع: روغن گیاهی از سرزمین ترمذ^ع

۲۴۷ - اوروبنخی^ع، هالوک^ع: «اوربنخی» به معنای «أسد الأرض» است.^ع نوعی از «طرائث» به معنای «خائق الکرسنه» است.^ع - مصر: هالوک^ع، زیرا گیاهان اطراف محل رویش خود را ازین می‌برد.^ع - نام‌های دیگر آن: عراق: تراب الهالک^ع - سم الفار^ع - اهالی مغرب: رَهَج الفار^ع - شک^ع

| | | |
|-----|----------|---|
| EN. | اوروبنخی | <i>Oroboanche sp.</i> <i>Oroboanche aegyptiaca Pers.</i> |
|-----|----------|---|

۲۴۸ - اوسبید^ع، اوسبید^ع، اوسین^ع، اوسفید^ع (نامی فارسی)، نیلوفر هندی^ع: نوعی نیلوفر هندی است. ^ع نام‌های دیگر آن: نیلوفر هندی^ع - "رازی" گوید: نوعی از «نیلوفر هندی» است.^ع

| | | |
|----------|----------------------|---|
| زریاب | اوسبید - نیلوفر هندی | <i>Nelmbium speciosum L.</i> <i>Syn: N.nuciferum Gaertn.</i> |
| الموسوعه | اوسبید - نیلوفر هندی | <i>Nymphaea indica</i> |

۲۴۹ - اوشیرس^ع:

۲۵۰ - اوفیموبیداس^ع، اوفیموداس^ع: نامی یونانی به معنای مشابه بادروج^ع نام‌های دیگر آن: مغرب: لسیعه^ع، اخیون^ع، فیلاطاریون^ع - گیاهشناسان آفریقا و شهر تونس: لسعة^ع

۲۵۱ - اُنوما^ع، اُونوما^ع: (نامی یونانی) به معنای «مَسْقَطُ الْأَجْنَةِ» و از انواع «شنجار» است.^ع اُونوما (*Onosma*): برگردان عربی آن را «مَسْقَطُ الْأَجْنَةِ» و نوعی از «خَسَّ الحمار» می‌داند. عامه اندلس به آن «رِجْلُ الْحَمَامَةِ» می‌گویند و گیاهشناسان اندلس آن را «أُذُنُ الْحِمَارِ» می‌نامند و جالینوس آن را با نام «اُونوسما» آورده است. (این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۲۶)

| | | |
|----------|------------------------------------|-----------------------------|
| دیسکورید | اُونوما - مسقط الاجنه - أذن الحمار | <i>Onosma echinoides L.</i> |
| EN. | اُونوما | <i>Onosma echinoides L.</i> |

۲۵۲ - اُونِیَا^ع: (نامی یونانی عصاره گیاه)

۲۵۳ - أهلال قسطا^ع:

۲۵۴ - اهللیج^ع، هللیج^ع، اهللیج^ع، اهللیجات^ع، هللیله^ع، هللیج^ع، هللیج^ع: (معرب هللیله فارسی) نام‌های دیگر آن: رومی: هللقون^ع - سریانی: هللیقی^ع - هندی: هرورهره^ع، هوزبد^ع، هَرین^ع - هللیله سه جنس است یکی زرد... و دوم «هللیله کابلی»... سوم «هللیله سیاه» و او نیز دو گونه است یکی استه (هسته) دارد و دیگری فاقد آن است و به آن هندی می‌گویند. ^ع - دارای چهار نوع است ^ع

- اهللیج کابلی^ع، هللیله کابلی^ع

- اهللیج اصفر^ع، هللیله زرد^ع

- اهللیج اسود^ع، هللیله سیاه^ع - شیرازی: هللیله مویزک^ع

- اهللیج هندی^ع

- اهللیج چینی^ع

| | | |
|-----------|--------------|--------------------------------|
| زر. - خط. | اهللیج کابلی | <i>Terminalia chebula Ret.</i> |
|-----------|--------------|--------------------------------|

| | | |
|--------------------------------------|---------------------|----------|
| <i>Terminalia citrina Roxb.</i> | اهلیج اصفر | زریاب |
| <i>Terminalia horride Stend.</i> | اهلیج هندی | زریاب |
| <i>Terminalia bellerica</i> | بللیج - اهلیج بلیله | الموسوعه |
| <i>Myrobalanus bellerica Gaertn.</i> | هلیله | پارسا |
| <i>Myrobalanus chebulae Gaertn.</i> | هلیله کابلی | پارسا |
| <i>Myrobalanus citrinae Gaertn.</i> | هلیله زرد | پارسا |
| <i>Myrobalanus nigrae</i> | هلیله سیاه | پارسا |
| <i>Terminalia chebula Ret.</i> | اهلیج | طباطبائی |

۲۵۵ - اوپمی^۳:۲۵۶ - ایارانوطابی^۴: (نامی یونانی)

ایرانوطانی (*Hiera botane*): نوعی رعی الحمام با نام های: حشیشه المکرمة - حشیشه المقدسة - لاتینی: یربانه [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۵۵]

| | | |
|--------------------------|-------------------------------|----------|
| <i>Verbena sapina L.</i> | حشیشه المکرمة - حشیشه المقدسة | دیسکورید |
|--------------------------|-------------------------------|----------|

۲۵۷ - ایثولیس^۵، آیثویس^۶: (نامی یونانی)۲۵۸ - ایذامامیر^۷: (نامی یونانی)

۲۵۹ - ایدع^۸، ایدع^۹، ایدع^{۱۰}: نام های دیگر آن: شتبان القاطر - اشنان^{۱۱} - قنط^{۱۲} - دم الاخوین^{۱۳} - برخی آن را «دم الاخوین» دانسته، «ابو حنیفه» آن را نام صمغ قرمز رنگی که از سقطری می آوردند می داند که برای مداوای جراحات از آن استفاده می شود.^{۱۴} این نام برای «حی العالم» نیز استفاده می شود.^{۱۵}

| | | |
|---------------------------------|------|-------|
| <i>Dracaena cinnabari Balf.</i> | ایدع | زریاب |
|---------------------------------|------|-------|

۲۶۰ - آیدآاریدا^(۱)، آیدایاریز^(۲): (نامی یونانی)۲۶۱ - ایدوسارون یا ایدونیارون یا ایدوصارون^۳: رازی آن را اندرصارون خوانده است.^۴

| | | |
|--|-----------|-------|
| <i>Securigera coronilla D.C. Syn: S.securidaca (L.) Deg.&Dor.</i> <i>Bonaveria securidaca Desv.</i> | ایدوسارون | زریاب |
|--|-----------|-------|

۲۶۲ - ایرامامیز^۵: (نامی فارسی)

۲۶۳ - ایردوبساناس (ایردوسیاناس)^۶: نام های دیگر آن: اندرسافس^۷، اندرساخس^۸ - رازی: اندروساماس^۹ - دیسکورید: نوعی هوفاریقون^{۱۰}

آندروسام^(۱) (*Androsaimon*): بزرگترین نوع هیوفاریقون - جالینوس: آسقیرون [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۵۱]

| | | |
|------------------------------|-----------|----------|
| <i>Hypericum ciliatum L.</i> | آندروسامن | دیسکورید |
|------------------------------|-----------|----------|

أبرس (*Iris*): ابرسا، به معنی قوس و قزح - سوسن آسمانجونی [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱]

| | | |
|---------------------------|---|----------|
| <i>Iris florentina</i> L. | ایریس - سوسن آسمانجونی | دیسکورید |
| <i>Iris germanica</i> | ایریسا | خطابی |
| <i>Iris ensata</i> Thund. | Hendia: <i>Irisa</i> , Sosan - Kashmir: Marjal, arjal | GLO.IN. |
| <i>Iris ensata</i> Thund. | Hendia & Punjab: Chiluchi, Sosan | GLO.IN. |

۲۶۵- ایریفارون؛ یا ایزیفازن؛^۴ اُیرِغازن؛^۴ نامی یونانی به معنای پیر در بهار نام دیگر آن: اندلس؛^۵ ثریا^۶
۲۶۶- ایل؛^۷ نام‌های دیگر آن: قاقله الصغار^۸ - هیل،^۹ هال بوا،^{۱۰} هیل بوا،^{۱۱} شوشمشیر^{۱۲} - چون از غلاف بیرون آید آن را لاحی
گویند.^{۱۳}
۲۶۷- ایمارانو طولی؛^{۱۴} ایارابوطانی؛^{۱۵} نامی یونانی به معنای عشبۀ مکرّمه - نام‌های دیگر آن: مصر: زیتونیه؛^{۱۶} نام گیاه
در کتاب دیسکورید: بارسطاریون^{۱۷}
۲۶۸- ایمارو قالس؛^{۱۸} نام دیگر آن: سوسن زرد^{۱۹}
۲۶۹- ایمونیطس؛^{۲۰}
۲۷۰- ایهقان،^{۲۱} ایهقان،^{۲۲} ایهقان؛^{۲۳} نام‌های دیگر آن: نَهَق،^{۲۴} جرجیر البری،^{۲۵} جرجیر بیابانی^{۲۶} - گویند نام «جرجیر بری» است.^{۲۷}

حرف «پ»

۲۷۱ - باباری^۴، باباری^۵: (نامی یونانی) فلفل الأسود^۶ - فلفل سیاه^۷

۲۷۲ - بابلص^۸: از انواع خشخاش^۹

۲۷۳ - بابونج^(۱)، بابونج^۲، بابونج^۳، تفاح الأرض^۴، تفاح الأرض^۵، حبق البقر^۶، خامنیل^۷: گیاهی یکساله از جنس هدیات است. ^۸نام‌های دیگر آن: عربی: بابونج^۹، تفاح الأرض^{۱۰}، شجرة مریم^{۱۱} - فارسی: بابونه^{۱۲}، کلنجه^{۱۳}، بابونک^{۱۴}، حبق البقر^{۱۵}، حبق التمر^{۱۶}، بشاش^{۱۷} - مغرب: بابونق^{۱۸} - یونانی: انثیمس^{۱۹}، انثامیس^{۲۰}، خماملن^{۲۱}، میلانتیون^{۲۲} - رومی: امیرون^{۲۳}، امرقون^{۲۴}، انفالیوس^{۲۵} (بنا به نظر جالینوس) - سریانی: میثویا^{۲۶} - بربری: تیزمارت^{۲۷} - بنا به نظر اورباسیوس: اوانتموس^{۲۸} - «اقحوان زرد» را «خروسوقولی» گویند. «دیسکورید» آن را سه نوع با تفاوت رنگ گل‌های آن‌ها می‌داند.^{۲۹} «بابونجی» که «دیسکورید» با رنگ گل سفید شرح می‌دهد گیاه معروفی است که امروزه در مصر به آن «کرکاش» گویند و اهل اندلس آن را به نام لاتینی «مقارجه» می‌شناسند و اهالی آفریقا آن را «رجل الدجاجة» نامیده‌اند و آن نزد عرب مشهور به نام «اقحوان» است.^{۳۰}

| | | |
|----------------------------|---------------------|------------|
| <i>Solanum tuberosum</i> | تفاح الارض | طباطبائی |
| <i>Anthemis nobilis L.</i> | بابونج | ال۔ ط۔ سخ. |
| <i>Anthemis nobilis L.</i> | ہندی: بابونہ کی پول | Glo. |

۲۷۴ - ماجر و جی: ۵

۱- به انتمیس و اقحوان رجوع شود.

۲۷۵- بادیورد (فارسی)، باذآورد، شوكة البيضاء، بادآورد، باذورد، بادآورد: نامی است که بر سبک بودن و اجتماع شاخه ها برای بالا رفتن توسط باد از زمین دلالت دارد. - نام های دیگر آن: سیدخار، کنگر سفید - عربی: شوكة البيضاء، شکاع - رومی: لوفینیقی، لوفیقشی، دریقا - سریانی: ساناحور، سابا حورار، کبا عربا یا - عصفبر بری - هندی: جواسا - سیستان: جولاه کش - رومی: لوقاقانسی - سریانی: اقتولوقا قیثادشنا - دیسکورید: اقتالوقین (اقتالوقی)

اقتالوقی (*Akantha leuke*): برگردان آن به عربی «شوكة البيضاء» است، اکتا (اقتا) به یونانی به معنی خار و لوقا به معنی سفید این گیاه علی رغم نوشته های پزشکان مصر در آنجا وجود ندارد. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۲]

| | | |
|----------|-------------------------|--|
| زریاب | بادآورد - شوكة البيضاء | <i>Cnicus acarna L.</i> <i>Picnomon acarna (L.) Cass.</i> <i>Onopordon acanthium L.</i> <i>Silybum marianum Gaertn.</i> |
| دیسکورید | اقتالوقی - شوكة البيضاء | <i>Picnomon acarna (L.) Cass.</i> |
| پارسا | بادآورد | <i>Carduus benedictus Auct.</i> |
| طباطبانی | بادآورد | <i>Fagonia cretica L.</i> |

۲۷۶- بادرنجبویه، بادرنجبویه، بادرنجبویه، بادرنجبویه، ترنجان، ترنجان، مفرح قلب المحزون، بادرنجبویه، ترنجان، حیق ترنخانی، مالمسوفلن: نام های دیگر آن: بادرنبویه، بادرنبویه، بادرنجبویه، نامی فارسی به معنای بوی ترنج «أترجی الرائحة» - و معرب بادرنگبویه است. - عربی: مفرح القلب، بادرنبویه، باذرواکوهی، بقلة الأترجة - ترنجان: نام گیاه در کتاب دیسکورید: مالمسوفلن، مالپطان - فارسی: بالنکو - بادرنگ - بادرنجبویه دارای دو نوع است نوعی با برگ کوچک که در فاس به آن «حیق القرنفلی» گویند و نوع دیگر با برگ بزرگ معروف به «حیق البریری» است و برگردان عربی این نام فارسی «رائحة الأترج» است و به آن «مفرح قلب المحزون» گویند.

مالمسوفلن (*Melissophullon*): ریحان الترنجانی - بادرنجویه - بادرنبویه، این گیاه را جالینوس ذکر نکرده است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹۹]

| | | |
|----------|--------------------------------------|-----------------------------------|
| ز.ط.سخ. | بادرنجبویه | <i>Melissa officinalis L.</i> |
| دیسکورید | مالسوفلن - ریحان الترنجی - بادرنجویه | <i>Melissa officinalis L.</i> |
| پارسا | بادرنجبویه | <i>Asperugo procumbens</i> |
| پارسا | بادرنجبویه | <i>Dracocephalum moldavica L.</i> |

۲۷۷- بادروج، بادروج، بادروج، بادروج (نامی نبطی)، صومر، صومر، حوک، حوک، صریرا: نوعی از احباب نام های دیگر آن: بادروج - عربی: جوک، حوک - فارسی: ریحان کوهی، تره خراسانی - رومی: اوقیمون - سریانی: حوکا، اوکا (لوکا) - هندی: بابری، تلسی جنگلی، فیلاطاریون به معنای دوست دارنده صاحب خود - «ابوحنیفه» صومران را حوک می داند.

اوقیمون (*Okimon*): بادروج - حوک - بنابه قول ضعیفی: بستان افروز [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۲۵]

| | | |
|----------|------------------------------------|----------------------------|
| دیسکورید | اوقیم - بادروج - حوک | <i>Ocimum basilicum L.</i> |
| زریاب | بادروج - صومر - حوک | <i>Ocimum basilicum L.</i> |
| پارسا | باروج ایض - ریحان کوهی - تخم شربتی | <i>Ocimum album L.</i> |

| | | |
|----------|--|-------------------------|
| الموسوعه | حبّ معروف، حبّ هندی، حبّ نبطی، حوک، باذروج | <i>Ocimum basilicum</i> |
|----------|--|-------------------------|

۲۷۸ - بادِنجان، بادِنجان، بادِنجان، بادِنجان، بادِنجان، بادِنجان، کَهکَم، کَهلم، وِغْد، اَنب، بادِنجان: معرب بادنگان فارسی از جنس کفوف است نام‌های دیگر آن: عربی: مَغْد، مَغْد، غَدو، مَغْد، اَنب، وِغْد، نالیل الجنات - هندی: بیکن، بهانتانا، یروچی دشینا، باذاینگان، کَهکب، حَق، کَهیرک - حیصل

| | | |
|------------|------------------------|-----------------------------|
| زر - طبا. | بادنجان - معد - انب | <i>Solanum melongena L.</i> |
| الموسوعه | بادنجان - اَنب - مَغْد | <i>Solanum melongena L.</i> |
| پار. - خط. | بادنجان | <i>Solanum melongena L.</i> |

۲۷۹ - بادِنجان بَرّی: نام‌های دیگر آن: هندی: بهکتائی و (بزرگ) بهرتا - یونانی: کفیشون
۲۸۰ - بادیان خطائی: (نام میوه گیاه است)

| | | |
|---------|---|--|
| پارسا | بادیان خطائی | <i>Illicium anisatum Lo. = I. verum H. = Anisum stellatum L.</i> |
| GLO.IN. | <i>Hendia: Anasphal - Bommbay: Badian Madras: Anashal</i> | <i>Illicium anisatum Lo</i> |
| Glo.IN. | <i>Persian: Badian kohl</i> | <i>Prangos pabularia L.</i> |

۲۸۱ - باذامک: نوعی صفصاف است. - نام دیگر آن در اندلس: ینبر
۲۸۲ - بازَرْد، بازَرْد، بازَرْد: نامی صمغی به زبان فارسی نام‌های دیگر آن: عربی: قَنَه، یونانی: خلبانی - ترکی: قاسی - هندی: بریجا، کنده بهروزه - شیرازی: مروسرز - فارسی: پیژد - اشبیلی می‌گوید: نام صمغ «جزر بری» است و همچنین این نام برای «قنه» نیز بکار برده می‌شود.
خَلْبَانِی (Khalbane): - ابن بیطار - به رومی بنابر آنچه در انطالیا شنیده‌ام: خَلْوَانِی - قَنَه - فارسی: بازَرْد^(۱) [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۷۹]

| | | |
|----------|---------------------------------|--|
| دیسکورید | خلبانی - بازَرْد - قنه | <i>Ferula galbaniflua Boiss. & Bus.</i> |
| الموسوعه | قَنَه مبذوله - کَلَخ | <i>Ferula communis L.</i> |
| الموسوعه | قنه مَهْجُونَه - بازَرْد قناوشق | <i>Ferula galbaniflua Boiss. & Bus. Ferula ferulago L.</i> |
| طباطبانی | بازَرْد | <i>Ferula rubricaulis Boiss.</i> |

۲۸۳ - باذَوَرْد، باذورد: نام دیگر آن: عصفور البری اشبیلی می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «فُشال»، عده‌ای «قصب البردی»، گروهی «شکاعی»، بعضی «شوکه المصریه»، برخی «اقین»، گروهی «قرذیوله» و اکثر پزشکان آن «عصر بری» می‌دانند که همگی اشتباه است. نام دیگر آن «اقتنالوقی» یعنی «شوکه البیضاء» است و اعراب بادیه به آن «اشبینه آله» گویند.

| | | |
|-------|--------|-----------------------------------|
| خطابی | باذورد | <i>Picnomon acarna (L.) Cass.</i> |
|-------|--------|-----------------------------------|

۲۸۴ - بارسطاریون: (به معنای حمامی) نوعی رمی الحمام - نام های دیگر آن: فرسطاریون^ت

۲۸۵ - باریلو ماین: (نام اندلسی به معنی مشابه چشم)

۲۸۶ - باشان^س:

۲۸۷ - باشیون^س و باخیون^س: (پیخین) نام دیگر آن: سعله، زیرا موجب تسکین بیماری سعال می باشد.

| | | |
|--|-----------------|-------|
| <i>Tussilago farfara L.</i> <i>Ungula caballina</i> <i>Flores tussilaginis</i> | باشیون - باخیون | زریاب |
|--|-----------------|-------|

۲۸۸ - باقلّا، باقلی^س، باقلی^س، باقلّا، باقلّا، باقلّا، جاسه^ع، فابش یونانی^ع، فابش یونانی^س، جرجر^س، جناح البشر^س، فول^س: نام های دیگر آن: باقلی^ع - قبطی و مصری: فول^س - عراق: جرجر^س - معرب کرکر - سریانی: وکونی کرانیس، قواباوس، کومی^س - سنجرى و سجزی: کالوسک^س، بیستی کوسک^س - رومی: کیرانس، قوامس یا (کوامس)^س، قویارس^س، فافا (فابا)^س، فاطن^س - بستی: کوسک^س - فارسی: خوشک^س

فابش الیونانی (*Kuamos hellenikos*): فول - باقلّا - جرجر - لاتینی: فابّه [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۹۰]

| | | |
|-----------------------------|------------------------------|----------------|
| <i>Vicia faba L.</i> | باقلی | ز. - خ. پ. |
| <i>Vicia faba L.</i> | فابش الیونانی - فول - باقلّا | دیسکورید |
| <i>Vicia faba L.</i> | فول - باقلی - باقلّا - جمی | الموسوعه |
| <i>Faba vulgaris Monch.</i> | باقلی | طباطبائی |
| <i>Faba faba L.</i> | <i>Hendia: Bakla</i> | <i>GLO.IN.</i> |

۲۸۹ - باقلّای قبطی، باقلی قبطی، غلالوطا، قاباش قبطی، فاباش قبطی، جامسه، غلالوطا: نام دیگر آن: جامسیه^س فابش القبطی (*Kuamos Aiguptios*): از گیاهان شهرهای مغرب نیست و تنها خاص مناطق مصر بویژه در مکانی به نام "بشرمساح" است. و عامه اهالی مصر به آن "جامسه" گویند. جالینوس این گیاه را ذکر نکرده است. «جاسه» در مصر به «باقلی قبطی» گفته می شود. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۹۱]

| | | |
|----------------------------|-------------|-------|
| <i>Nymphaea nelumbo L.</i> | فابش القبطی | زریاب |
|----------------------------|-------------|-------|

۲۹۰ - باکر: (نامی هندی)

| | | |
|-------------------------------|-----------------------------------|----------------|
| <i>Premna latifolia Roxb.</i> | هند: باکر - بلوچستانی: گوهرامونای | <i>GIO.IN.</i> |
|-------------------------------|-----------------------------------|----------------|

۲۹۱ - بالسه: (نامی هندی)

۲۹۲ - بالک جوهری: (نامی هندی)

۲۹۳ - بالنکو:

| | | |
|---------------------------------------|---------------|-------|
| <i>Lallemantia iberica F.& M.</i> | بالنگو شهری | پارسا |
| <i>Lallemantia royleana Benth.</i> | بالنگو شیرازی | پارسا |

۲۹۴ - باله^ش:

| | | | |
|---------------------------------|-----------|------|-------|
| <i>Hibiscus mutabilis</i> L. | کاشته شده | باله | زریاب |
| <i>Hibiscus tortuosus</i> Roub. | | | |

۲۹۵ - بامیه^ش:

| | | | |
|---|--|-------|----------|
| <i>Hibiscus esculentus</i> L. | | بامیه | الموسوعه |
| <i>Abelmoschus esculentus</i> (L.) Moench | | بامیه | پارسا |

۲۹۶ - بیته^ش: تخم میوه‌ای است.

| | | |
|---------------------------------|------------------------------|--------|
| <i>Dalbergia lanceolaria</i> L. | هند: بیتوا (<i>Bithua</i>) | Glo-in |
|---------------------------------|------------------------------|--------|

۲۹۷ - بیته^ش: نام میوه‌ای به زبان هندی

| | | |
|----------------------------------|------------------------------|--------|
| <i>Dalbergia volubilis</i> Roxb. | هند: بهاتا (<i>Bhatia</i>) | Glo-in |
|----------------------------------|------------------------------|--------|

۲۹۸ - یخن^ش: یخنه^ش۲۹۹ - یخره^ش: یخن^ش

۳۰۰ - بخورالاکراد^ش: زیراگردان بسیار زیاد آن را در تهیه بخورات استفاده می‌کنند؛ نام‌های دیگر آن: اندلس: بربطوره^ش - سریانی: اندراسیون^ش
 فوقاذان^ش (فوقاذین): (*Peucedanon*): آندراسیون - لاتینی: یزبطوره - عامه مغرب: یزبطور - در بعضی از شرح‌ها: جاهبک -
 فوقاذانس [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۷۴]

| | | |
|---------------------------------|--------------------------------------|----------|
| <i>Selinum officinal</i> | بخورالاکراد - شمرالخنازیر - یزباطوره | الموسوعه |
| <i>Peucedanum officinale</i> L. | | |
| <i>Peucedanum officinale</i> L. | فوقاذان - یزبطوره | دیسکورید |
| <i>Peucedanum officinale</i> L. | بخورالاکراد | طباطبانی |

۳۰۱ - بخورالسودان^ش: بخورالسودان^ش

| | | |
|------------------------------|---|----------|
| <i>Telephium imperati</i> L. | بخورالسودان - بخورالبریر - سزغند - دیندهک | الموسوعه |
|------------------------------|---|----------|

۳۰۲ - بخورمریم^ش: بخورمریم^ش، بخورمزیم^ش، بخورمریم^ش، دُخنه‌مریم^ش، فقلامینوس^ش: نام‌های دیگر آن:
 خراسان: گلیم شوی^ش - عربینا^ش - رومی: فوفیلاطینوس^ش - افریقا: جر المشایخ، بُشام، شجرة المریم^(۱) -
 فقیلاموس^ش، فقلامینوس^ش، فقلامینوس^ش - قسیاس^ش

۱- به شجرة مریم رجوع شود.

| | | |
|--------------------------------|--|-----------|
| <i>Cyclamen europaeum</i> L. | بخور مریم، فقلامینوس، عرطینثا- خیزالقرود | دیسکورید |
| <i>Lonicera caprifolium</i> L. | صریمة الجدی، سلطان الجبل، فقلامینوس، بخور مریم | دیسکورید |
| <i>Cyclamen europaeum</i> L. | بخور مریم، دخنه مریم، عرطینثا، گلیم شوی | زر- طبّا. |
| <i>Cyclamen</i> spp. | عرطینثا، شکع، بخور مریم، زهرا المسیح، وَکف، حُنبز المشایخ، بقلامس، رُکفه | الموسوعه |

| | | |
|--------------------------------|---------------|----------|
| <i>Sparilum junceum</i> L. | بذاشغان | زرياب |
| <i>Parkinsonia</i> spp. | بدسكان | الموسوعة |
| <i>Parkinsonia aculeata</i> L. | بدسكان الشانك | الموسوعة |

| | | |
|--|--|------------|
| <i>Cyperus papyrus L.</i> | بردی - لڅ | زر. - طبا. |
| <i>Cyperus papyrus L.</i> <i>Paypyrus antiquorum Willd.</i> <i>Paypyrus domesticus Poir.</i> | بردی - بابیر - بڼیر - بابیروس - بابورس | الموسوعه |

۱- *Mater sylvae* ۲- *Rey Monte* رای - پادشاه - *Rey* منت - کوه - *Monte*
۳- "افلدان و ادار" یا هم نام گیاه است و "ادار" به بربری به معنی کوه است.
۴- *Berbenaca* ۵- *Abre-ulayo-abrojo* ۶- *Torva-lupa*

الحمراء: «بولوطریخون» به معنای پر مو نام «برسیاوشان» است.^۴ - نام‌های دیگر آن: عربی: شعر الجبال^۵، شعر الجبار^۶، شعر الارض^۷، شعر الجن^۸، شعر الخنازیر^۹، شعر الخزیر^{۱۰}، شعر الجان^{۱۱}، شعر الماء^{۱۲}، جعدة القنا^{۱۳}، شعر الکلاب^{۱۴}، کر بزة البئر^{۱۵}، ساق الاسود^{۱۶}، ساق الوصیف^{۱۷}، شعر العیار^{۱۸}، لحة الحمراء^{۱۹}، وصف الاسود - یونانی: بولوطوطریخون^{۲۰} یا بولوطونخون (به معنای پر مو)^{۲۱}، بولیطریخو^{۲۲} - لاتینی: قافلا^{۲۳} - فارسی: برسیاوشان^{۲۴} - عوام: سنبل^{۲۵} - هندی: کالی جهانپ^{۲۶}، کرجاور نکوت^{۲۷} - رومی: اذیارتون^{۲۸}، اٹیوس^{۲۹}، ابن سرایون^{۳۰} - کرمان: کور سور^{۳۱} - زمان شرار^{۳۲} - براکیس یری^{۳۳}

| | | |
|-----------|--|-------------------------------------|
| ز. ط. -خ. | برسیاوشان - شعر الجبار | <i>Adiantum capillus veneris L.</i> |
| الموسوعه | کر بزة البئر، شعر الغول، شعر الارض، وصیف، برشاوشان | <i>Adiantum capillus veneris L.</i> |

۳۱۰ - برسیون^{۳۴} (برسیا)، لَئِخ^{۳۵}، برسیان^{۳۶}: نام‌های دیگر آن: لَیخ^{۳۷}، فرسانا^{۳۸}، لبخه^{۳۹}، آثابه^{۴۰}، مرسیفا^{۴۱} - سریانی: حولانا^{۴۲} - مصر: هواسمه^{۴۳}
فُرسیا (Persaia): لَئِخ - شجرة الفارسية [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۸]

| | | |
|----------|-----------------------------------|--|
| زریاب | برسیون - لَیخ | <i>Mimusops schimperi Hochst.</i> <i>Albizzia lebbek Bth.</i> |
| الموسوعه | کَنج - البیزیه اللبخ - ذقن الباشا | <i>Albizzia lebbek Bth.</i> |
| دیسکورید | فُرسیا - لَئِخ - شجرة الفارسية | <i>Mimusops schimperi Hochst.</i> |

۳۱۱ - برسیاندارو^{۴۴}: نام‌های دیگر آن: عصی الراعی^{۴۵} - تهلول^{۴۶}، عمول^{۴۷}، فوهل^{۴۸}، قنابری^{۴۹}، شجرة البهق^{۵۰}
۳۱۲ - بَرطانیقی^{۵۱}، برطانیقی^{۵۲} (نامی یونانی)، طروقون^{۵۳}: نام‌های دیگر آن: هندی: سروالی^{۵۴}، بستان افروز^{۵۵}
بَرطانیقی (Brettanike): نوعی "حماض حَسَکَی" است که در رمل‌ها می‌روید و بنا به گفته ضعیفی نام آن "بستان افروز" است.
[ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۹]

| | | |
|----------|-------------|-------------------------------|
| زریاب | بستان افروز | <i>Amaranthus tricolor L.</i> |
| دیسکورید | برطانیقی | <i>Rumex brettanica L.</i> |

۳۱۳ - برقا مصر^{۵۶}:

۳۱۴ - برقوق^{۵۷}: نام‌های دیگر آن: مغرب و اندلس: شمش^{۵۸} - شام: نوعی أجاج کوچک^{۵۹}

| | | |
|-----|-------|----------------------------|
| EN. | برقوق | <i>Prunus domestica L.</i> |
|-----|-------|----------------------------|

۳۱۵ - بَزْکان^{۶۰}: نوعی حمص

۳۱۶ - بَزْکسوس^{۶۱}: نرجس الاصف^{۶۲}

۳۱۷ - بَزْکک شیرازی^{۶۳}: نام برگ گیاه است. ریشه آن عود بری^{۶۴} و عود البندق^{۶۵} است.

۳۱۸ - بَرْنَجاسف^{۶۶}، برنجاسف^{۶۷}، برنجاسف^{۶۸}، برنجاسف^{۶۹}، شویلا^{۷۰}، شویلا^{۷۱}، اَطماسیا^{۷۲}، اطمیسا^{۷۳}، حیق الراعی^{۷۴}:
«برنج اسف» به زبان عربی به «ارز الخلیل» تعبیر می‌شود. و به نام‌های «برنجاسب»، «قیصوم»، «قیسوم»، «جَنجات» معروف است.^{۷۵} نام‌های دیگر آن: قیصوم^{۷۶} - برنجاسف^{۷۷} - یونانی: ارطیه ماسیا^{۷۸}، ارطاماسیا^{۷۹}، ارطاماسیا^{۸۰} - عربی: سویلا^{۸۱}

شَوْبَلَاءَ - فارسی: بومادران؛ بوی ماذران^۳، مروارد شیر^۴ - شیرازی: برتراسک^۵ - رومی: ارطمیسا^۶ - سریانی: شواصر^۷، شواصر^۸ - شیرازی: برتراسک^۹ - اشبیلی^{۱۰} می‌گوید: برخی به اشتباه آن را «افستین» می‌دانند. ش^{۱۱} - «جالینوس» یونانی‌ها آن را با نام «برنجاسف» می‌شناسند.^{۱۲}

ارطاماسیا (Artemisia): بَرَنجَاسَف - بَرَنجَاسَف، دارای انواعی است که دو نوع آن را جالینوس ذکر کرده است.

أَمْبَرَسِیَا (Ambrosia): نوعی برنجاسف

بُطْرُس^(۱) (Botrus): نوعی از برنجاسف

أَبْرُوتُون (Abrotonon): نام نوع نر و ماده "قیصوم" است. و نامیدن "برنجاسف" آن اشتباه است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ -

۱۰۸، ۱۱۰ و ۲۵]

| | | |
|--|--|-----------|
| Artemisia vulgaris L. | برنجاسف - ارطاماسیا - قیصوم | زر. - طب. |
| Artemisia vulgaris L. | ارطاماسیا - بلنجاسف - برنجاسف | دیسکورید |
| Artemisia vulgaris L. | شَوْبَلَاءَ - شَوْبَلَاءَ - عَیْثُرَان مَبْذُول - برنجاسف - بلنجاسف - حَبَقِ الرَّاعِی | الموسوعه |
| Artemisia abrotonon L. | قیصوم | دیسکورید |
| Ambrosia maritima L. | أَمْبَرُوسِیَا | دیسکورید |
| Chenopodium botrys L. Chenopodium ambrosioides L. | بُطْرُس | دیسکورید |
| Artemisia abrotanum L. | قیصوم | پارسا |
| Artemisia vulgaris L. | برنجاسف - افستین | پارسا |
| Achillea pubescens L. | بومادران | پارسا |
| Artemisia maritima L. | برنجاسف کوهی | پارسا |
| Artemisia sp. | برنجاسف | EN. |

۳۱۹ - برنج کابلی: نام‌های دیگر آن: ابرنج^{۱۳} - بونق^{۱۴} - فارسی: برنگ^{۱۵}

۳۲۰ - برنيس^{۱۶}: نوعی بلوط^{۱۷}

۳۲۱ - بَرْم، بَرْم:؟ نوعی درخت سمنط، در بغداد

۳۲۲ - برمس^{۱۸}:

| | | |
|----------------------|------|-------|
| Verbascum thapsus L. | برمس | زریاب |
|----------------------|------|-------|

۳۲۳ - بَرْنُوف، بَرْنُوف: (گیاهی در مصر) نام‌های دیگر آن: بنا به نظر "تیمی": شابانک^{۱۹}، شالبج^{۲۰} - فارسی: شابانک^{۲۱}، معرب آن: شابانج^{۲۲}

قُونِزَا (Konuza): نام بربری آن وَهَلَا و به زبان لاتینی اندلسی: «لَبَازْدَه» و «طَبَّاق» نام دارد و «شجرة البراغیث» و «بَرْنُوف» نوعی از آنست. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۱۶]

| | | |
|----------------------|----------------|----------|
| Inula conyzoides DC. | قونیزا - برنوف | دیسکورید |
|----------------------|----------------|----------|

۱ - ابن بیطار در کتاب جامع خود نام "شواصر" و "مسک الجن" را معادل "بطرس" ذکر کرده است.

- ۳۲۴ - بَرَوانی، بروانی: (نامی عجمی) نام‌های دیگر آن: سریانی: عربروس، فاشر^۵ - یونانی: اسقوانس^۶ - کرمة الیضاء^۷
- ۳۲۵ - بَرَهتا: (نامی هندی) نام دیگر آن: کتائی بزرگ^۸

| | | |
|---|----------------------------|---------------|
| <i>Solanum indicum</i> L. Syn: <i>S. incanum</i> L. | هند: برهتا <i>Birhatta</i> | <i>Glo-in</i> |
|---|----------------------------|---------------|

- ۳۲۶ - بَرِیامصری: (نامی مصری)
- ۳۲۷ - بَرِیاله: (نامی هندی)
- ۳۲۸ - بَزَر بَرْدی: نام بذر «دیس» یا «سمار» است.^۹
- ۳۲۹ - بَزَرَقَطونا، قَطونا، بَزَرَقَطونا، بَزَرَقَطونا: (نامی عربی)، حشیش، برغوشی، برغوشی، بَزَرَقَطونا، بَزَرَقَطونا، اسفرزه، اسفیوش: نام‌های دیگر آن: بشلیون^{۱۰} - برغوشی (به معنای مشابه برغوث)^{۱۱} - عراق: بَزَرَقَطونا^{۱۲} - فاس: الزَرَقَطونا - بحرین: حب الزرقه^{۱۳} - یونانی: نسلیون^{۱۴}، یافسلیون^{۱۵}، بسلین^{۱۶} - فارسی: ورق بنگو، اسفیوس^{۱۷}، اسفیدش، اسفیوش^{۱۸}، اسفیون الشوده، اسپغول^{۱۹}، خرغول^{۲۰}، اسپغل - در هند نیز به این نام مشهور است.^{۲۱} - اصفهان: اسپرزه^{۲۲} - شیراز: بنگو^{۲۳}، شکم دریده^{۲۴} - ترکی: قارنی باروق^{۲۵} - شبطه و قروتن^{۲۶} فُسلُیون (*Psullion*): برگردان عربی آن «بَرغوشی» و نام‌های دیگر آن «بَزَرَقَطونا» و «اُسفیوس» است. [این عبارت در ترجمه دیسکورید] ۴ -

[۶۴]

| | | |
|-----------------------------|---|----------|
| <i>Plantago psyllium</i> L. | فسلیون - بَزَرَقَطونا - اسفیوس | دیسکورید |
| <i>Plantago psyllium</i> L. | قَطونا - بَزَرَقَطونا | ز. ط. خ. |
| <i>Plantago psyllium</i> L. | بَزَرَقَطونا - عشبة البراغیث - حشیشة البراغیث | الموسوعة |
| <i>Plantago psyllium</i> L. | اسفرزه - بَزَرَقَطونا | پارسا |

- ۳۳۰ - بَزَر الکرفس البستانی: بَزَر کرفس بستانی^{۲۷}
- ۳۳۱ - بَزَر الکرفس الجبلی: نام دیگر آن: قَطراسالیون^{۲۸}
- ۳۳۲ - بَسباس، بَسباس، بَسباس: نوعی از احرار البقول و از جنس هدبات - نام‌های دیگر آن: بَسباسة^{۲۹} - در مغرب و اندلس: رازیانج^{۳۰} «غسانی» می‌گوید: دارای دو نوع بری و بستانی است، نوع بستانی به «رازیانج» و نوع بری به «بَسباس» معروف است.^{۳۱} «اشبیلی» می‌گوید: دارای پنج نوع است: نوع بستانی آن «رازیانج» با نام‌های مارئون - فنلیه - نافع - شمار - شومر - رازیانق است. نوع دیگر آن «بَسباس رومی» یا «انیسون» است. نوع دیگر «بَسباس نبطی» با نام «کحلوان» است که اکثر گیاهشناسان از آن اظهار بی اطلاعی می‌کنند. نوع آخر «بَسباس حبشی» با نام «انجیله» که خود نوعی از «انیسون بری» است.^{۳۲}

| | | |
|---------------------------|--------|-------|
| <i>Foeniculum vulgare</i> | بَسباس | خطابی |
|---------------------------|--------|-------|

- ۳۳۳ - بَسباسة، بَسباسة: نام پوست میوه خوشبونی است.^{۳۳} نام‌های دیگر آن: فاس: بَسباسة - شیرازی: بَزبار^{۳۴}

| | | |
|----------------------------------|---------|-------|
| <i>Myristica fragrans</i> Houff. | بَسباسة | خطابی |
|----------------------------------|---------|-------|

- ۳۳۴ - بستان الجواری: بواب الحاجب^{۳۵}
- ۳۳۵ - بُستان افروز، بستان افروز^(۱)، بستان ابروز، بستان افروز^(۲) (نامی فارسی)، حور اسفیدان: نام‌های دیگر آن:

۱- به واژه «برطانی» یا «حماض» و «بادروج» رجوع شود.

بستان ابروز^۳ - عربی: حبق بستانی؛ زينة الرياحین^۴، راح (به معنای خوش منظر)^۵، مَضیء البساتین^۶ - فارسی: تاج خروس^۷، گل حلوا^۸، گل یوسف^۹ - نام نوع کوچک به هندی: کوکنی، نام نوع بزرگ به هندی: جَبّار هاری^{۱۰}

| | | |
|-------------------------------|-----------------------|-------|
| <i>Amaranthus tricolor L.</i> | بستان افروز | زریاب |
| <i>Amaranthus cruentus L.</i> | گل حلوا - گل تاج خروس | پارسا |
| <i>Celosia argentea L.</i> | گل حلوا - گل تاج خروس | پارسا |

۳۳۶ - بستیناج^{۱۱}: دارای انواع فراوان است. نام های دیگر آن: مصر: حَسَكَة^{۱۲} - أَخِلَّة^{۱۳}

۳۳۷ - بُسْد^{۱۴}، بَسْد^{۱۵}، بُسْد^{۱۶}، بُسْد^{۱۷}: نام های دیگر آن: رومی: قوالن^{۱۸}، قولویون^{۱۹} - به نوعی از آن خرو هک گفته می شود.^{۲۰}
- مرجان مروارید خرد^{۲۱} درختی است که در آب دریا رسته شود و چون غواصان آن را برکشند و هوا او را در یابد جرم او صلب شود و محکم گردد. - نام «عزول»^{۲۲} و «مرجان»^{۲۳} است. نام گیاه در کتاب دیسکورید «فراولیون»^{۲۴} و «بَسْد»^{۲۵} است که بعنوان گیاهی دریائی معرفی شده است.^{۲۶}

| | | |
|--|---------------------------------|-------|
| <i>Corallium rubraum L.</i> <i>Isis nobilis Pall.</i> | بسد | زریاب |
| <i>E: Coral</i> | بسد - مرجان - نوعی جانور دریائی | خطابی |

بسد دیگر: گل خیری الاحمر

| | | |
|-------------------------|----------------------|-------|
| <i>Matthiola incana</i> | بسد - گل خیری الاحمر | زریاب |
|-------------------------|----------------------|-------|

۳۳۹ - بَسْفَایِج^{۲۷}، بَسْبَایِج^{۲۸}، بَسْفَایِج^{۲۹}، بَسْفَایِج^{۳۰}، بَسْفَایِج^{۳۱}، بَسْبَایِج^{۳۲}، بَسْبَایِج^{۳۳}، بولوبودیون^{۳۴}، ثاقب الحجر^{۳۵}، کثیر الأرجل^{۳۶}، بولوبودیون^{۳۷}، سکی رَغْلًا^{۳۸}، سکی رَغْلًا^{۳۹} (نام سریانی به معنای کثیر الارجل): نام ریشه است. «بولوبودیون» به معنای دارای پای زیاد نام «بَسْفَایِج» است.^{۴۰} - نام های دیگر آن: عربی: اضراس الکلب^{۴۱}، ثاقب الحجر^{۴۲}، تَشْمِیز^{۴۳}، تَشْمِیر^{۴۴}، کثیر الارجل^{۴۵}، دود الصخر^{۴۶}، جناح الزر زور^{۴۷}، خسران^{۴۸} - یونانی: بولوزیون^{۴۹}، بولوبودیون^{۵۰} (به معنای دارای پای زیاد یا کثیر الأرجل) - مصر: اشتوان^{۵۱} - هندی: کهنکالی^{۵۲}، فولوفدین^{۵۳} - سریانی: سکی رَغْلًا^{۵۴}، به معنای کثیر الأرجل^{۵۵} اشبیلی می گوید: بَسْبَایِج دارای انواعی است نام نوعی از آن «قلال» یا «بطارس» است و نوع دیگر آن معروف به «سیسون» است.^{۵۶}

بولوبودیون: به معنای کثیر الأرجل - سریانی: سَقی رَغْلًا، سَخی رَغْلًا به معنای کثیر الأرجل (دارای پای فراوان) زیرا شبیه به "ام اربعة و اربعین" (هزار پا) است. - لاتینی: بُزْبُودِیَه - بربری: أَشْتِیوان (تستیوان)^(۱) [این بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۹]

| | | |
|------------------------------|------------------------------------|----------------|
| <i>Polypodium vulgare L.</i> | <i>India: Basfaij</i> | <i>GLO.IN.</i> |
| <i>Polypodium vulgare L.</i> | بَسْبَایِج - اضراس الکلب - قشتیوان | ال، ز، پ، د. |

۳۴۰ - بَسِیْلَة^{۵۷}: نوعی «جلبان» بزرگ دانه است.^{۵۸}

| | | |
|-------------------------|---------------------|-----|
| <i>Pisum sativum L.</i> | بسیله - عثر - بسیله | EN. |
|-------------------------|---------------------|-----|

۳۴۲ - شنه ج:

۳۴۳- «بشنین»، بشنین^۴، بیورود^۵، ججلان مصری^۶: نام‌های دیگر آن: مصر: عرایس النیل^۷، زیرا هنگام برگشتن آب نیل (پس روی) و ماندن آن ناگهان می‌روی. - «دیسکورید» می‌گوید: نام «لوطوس» موجود در مصر است و در هنگام برگشت آب نیل در مصر در آب می‌روی. - نام «نیلوفر» است و دارای دو نوع است، نوعی به نام «جزیری» و نوع دیگر به نام «أعرابی» است.^۸ - «بیورود» در مصر نام ریشه «بشنین» است.^۹

| | | |
|--------------------------|--|----------|
| <i>Nymphaea alba</i> L. | نيلوفر أبيض - بشنين أبيض - عرايس النيل - حشيشة السمك | الموسوعه |
| <i>Nymphaea lotus</i> L. | بشنين عربى - نيلوفر العروس - لوطنس | الموسوعه |

۳۴۴ - بشوش^ش: نام خُرمل یا حرف السطوح است.^ش

۳۴۵- بصل^۱، بصل^۲، بصل^۳، بصل^۴، بصل^۵، دوقص^۶، بزر البصل^۷: نام‌های دیگر آن: رومی: قرومیدیا^۸، قاراماون^۹ - سریانی: بصل^{۱۰} - سندی: بصل^{۱۱} - نام پدر آن: تخم پیاز - "وازی" گوید تلخ پیاز تیز تر است و پیاز آن را "شلار" خوانند و حدت او کم است. و ابوریحان گوید در بلاد ما آنچه ازو تیزتر باشد آن را "زُرَنک" گویند. نوعی از انواع آن "بصل الزیز" با نام های "قُعب" و "قُفقور" است.^{۱۲} - بصل پنج نوع است: شامی و نبطی و زیزی و فار و بلبوس^{۱۳} - "اشبیلی" می‌گوید: بصل دارای سه جنس بستانی، بری و احمر است. نوع بستانی دارای انواع فراوانی با نام‌های ۱ - بصل الأکل ۲ - بصل الأبيض یا بیضی ۳ - بصل الريدی، بصل المجوسی، بصل الخراسانی، بصل الفارسی است. نام‌های دیگر آن عبارتست از: یونانی: قرمیدیا - عجمی: جَبْلَه، بربری: تاصلیمت، ازالیم - نوع بستانی دارای سه صنف دیگر است: ۱- براسن ۲ - کَرَاث الشامی، کرات ملوکى، کرات اندلسی، قلفوط ۳ - کرات الریفی و کرات الجلیقی - نوع بری همان نوع شامی یا کرات الروم و کرات الجبلی است که به یونانی ذراقتوسفردیون نامیده می‌شود و نوع دیگری از آن کرات الثومی با نام یونانی سفردونواس است. نام‌های نوع دیگر آن عبارتست از: یربه اوناله یعنی عشبة الخروف - یونانی: براسن وقافالوطن - سریانی: قلفوط، علفوط - عربی: کاؤل - بربری: تراست - و نام‌های دیگر آن: قطلونه - بوژه - بُلْبُس طویل^(۱) - بلایس - کرات الروم - الراسن است.

نام‌های نوع احمر - قرمز - عبارتست از: ۱- شوطی (نوع کوچک آن) معروف به مقشلان ۲- شرغلی (نوع بزرگ آن) معروف به شلوبینی، بصل الرومی - نام نوع دیگر بصل جبّلین به معنای بصل الصغیر است و نوع دیگر بصل، کراث با شش نوع مختلف است.

بیلیوس نیز از انواع بصل است که در ماهیت آن اختلاف است نام یونانی یا رومی آن بُلیسا و نام‌های دیگر آن عبارتست از: ماغره - البطن - فصل الجواری - نوع دیگر بصل که خوردن آن موجب قی می‌شود بصل القیء یا بصل الزیز است.

گروه‌های دیگر بصل عبارتند از: ۱- بصل ال‌هام با نام‌های: یونانی: ارثیوس - عربی: دَکَر الّهْز - قسطنطنیولا یعنی قسطلّه صغیره

۲- بصل النرجس: دارای پنج گروه اصفر، ابیض، مجزّع، بُواقی، مَقْوَدَس است. نام‌های دیگر آن عبارت‌ست از: به یونانی: تَرکسوس، ترسیس - رومی: ونیریون - به سریانی: مرث - به عربی: نرجس - به لاتینی: نرجسینوس - به عجمی: نبقرس، قَلُور اورو گاهی به نرجس ابیض بهار نیز گفته می‌شود نام یونانی آن ترکسوس است. و نام یونانی نرجس مَقْوَدَس، ایمارو قالاس است. ۳- بصل الزعفران ۴- بصل الفأر با نام‌های: بصل البر، بصل الخنزیر، عنصل، اشقیل ۵- ثوم: دارای چهار نوع بستانی با نام‌های قشطنیونی، عَقابی، سنانی، صقلی و دو نوع بری با نام اسقوردیون یا حبشیة الثومیه یا ثوم الجبلی و سقردیون براسن است. ۶- بصل نسرین المروج: دارای گل‌های واژگون است و دو نوع زرد و سفید دارد. ۷- بصل اللّٰخْصی: انواع آن فراوان است نوعی خُصی الکلبا هشت صنفِ نحلی با گل سیاه، نحلی با گل بنفش، دیک، دبیرانی، ثومی، فرفیری، کرائی است. و نوع دیگر آن خصی الثعلب با گل سفید است و همچنین خنثی نیز از این گروه می‌باشد. ۸- بصل اللوف ۹- بصل السنجان ۱۰- بصل السوسن: دارای انواع فراوان پیازی و غیر پیازی است، از انواع پیازی آن سوسن بستانی، سوسن بحری، سوسن رملی، بصل الخَرَم است. ۱۱- سورنجان: دارای دو نوع سیاه و سفید است. ۱۲- بصل النیلوفر: دارای انواع بسیاری است برخی دارای ریشه پیازی و گروهی فاقد آن هستند از گروه اول می‌توان به نیلوفر مجوسی یا نیلوفر فارسی یا نیلوفر ترکی با نام فارسی سفتا اشاره کرد و از انواع دیگر آن نیلوفر ابیض المائی و نیلوفر ابیض البری است.

قَرومیان (*Kromuon*): بَصَل این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۳۵

| | | |
|-----------------------|---------------|---------------|
| <i>Allium cepa L.</i> | بصل | ال. - خ. - ز. |
| <i>Allium cepa L.</i> | قرومیان - بصل | دیسکورید |
| <i>Allium cepa L.</i> | پیاز | پارسا |

۳۴۶ - بصل الذئب^ع: به پیاز «بلبوس» خوراکی گفته اند.^ع

۳۴۷ - بصل القی^ع:

۳۴۸ - بطره^ع، بطره^ش: گویند «بطره» همان «بستناج» است.^ش

۳۴۹ - بطریون^ش: گویند «شجرة الفرس» یا «شجرة الخولان» و یا «شوكة العصبية» است.^ش

۳۵۰ - بَطْمٌ، بَطْمٌ، بَطْمٌ، بَطْمٌ، بَطْمٌ، حب الخضراء، ابرقان^ش: از انواع «ضرو» است^ش و «ضرو بستانی» است.^ع نام های دیگر آن: درخت حبة الخضراء^ع، حبة الخضراء فارسی و ترکی: سقز^ع - رومی: اقطرمتوس^ع، طرابثیوس^ع، طرامیثوس^ع، اقطاطاقیس^ع، اقوقوس^ع، طراسانوس^ع (طرابیثوس) - سریانی: بطمتا^ع - فارسی: کینهن^ع، اونیره^ع (ونیره)، اسفردانه^ع، ونوشک^ع (ون نام درخت و وشک نام دانه)، بن^ع - هندی: خروک^ع - نیشابور: بانقش^ع، نانکش^ع - خراسان: خنجک^ع - سجز: کنشک^ع - مکران و قزدار: کل انگور^ع دو نوع است یک نوع را «شاه بن» گویند و یک نوع «بن شاه» - نام صمغ آن: علك البطم^ع - فارسی: سقز، ونزد^ع، خسک^ع - اصفهانی: قندرون^ع - سریانی: دعتا^ع، بطماس^ع، دعتادشغاری^ع (سفاری) - نام صمغ خشک: قلفون^ع طرمثس^ع (۱) (*Terminthos*): شجرة البطم - صمغ: علك الأناط [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۶۷]

| | | |
|--------------------------------|--|--------------|
| <i>Pistacia terebinthus L.</i> | طرمثس - شجرة البطم | دیسکورید |
| <i>Pistacia terebinthus L.</i> | بطم | ز. - خ. - ط. |
| <i>Pistacia terebinthus L.</i> | سقز سفید | پارسا |
| <i>Pistacia khinjuk Stoc.</i> | حب الغار (اصفهان) - حب الخضرا (تهران) - حب البنه (عرب) - سبز قلنج (تهران) - بزقنز (همدان، اصفهان) - گل پسته (بمبی) | پارسا |

۳۵۱ - بَطِيخٌ، بَطِيخٌ، بَطِيخٌ، بَطِيخٌ، بَطِيخٌ (نامی رومی)، بزر البطیخ^ع، حب البطیخ^ع، خربزه^ع، عملج^ع: نام های دیگر آن: فارسی: خربزه^ع - یونانی: فافس^ع - ملفون^ع معرب ملیونا - «دلاع» از انواع آن است.^ع - عملج: نوعی از خربزه است که گوشت آن سرخ و سبز است و با تخم خورده می شود و آن را «خربزه زمستان» هم گویند.^ع آشیلی^ع می گوید: بطیخ دارای پنج نوع است: ۱ - نوع ریفی یا بطیخ حقیقی با نام های: سملایا، ملونیا ۲ - نوع فلسطینی یا بطیخ هندی و سندی و شامی و شتوی با نام های: دَلّاع، افلسطین ۳ - حنظل ۴ - نوع شیرین به اندازه حنظل از صحرای مراطین ۵ - بطیخ سگری و بطیخ عقابی با نام های: ملون - هوزنی^ش

| | | |
|-------------------------|---|----------|
| <i>Cucumis melo L.</i> | بطیخ | ز. - خط. |
| <i>Cucumis melo L.</i> | خربوزه | پارسا |
| <i>Cucumis melo L.</i> | <i>Sanskrit & Hendia: Kharbuja - Bengal: Kharmuj - Telugu: Kharbuja</i> | GLO.IN. |
| <i>Cucumis vulgaris</i> | دلاع | خطابی |

۳۵۲- بطیخ هندی، بطیخ الهندی، بطیخ هندی، بطیخ رقی: نام‌های دیگر آن: بطیخ سندی، بطیخ رقی، بطیخ اخضر، عربی: دلاع، رابوقه، فارسی: خریزه هندی، هندوانه، شیرازی: خیار کدو، تبریزی: هندوانه، هندی: تربوز، بغداد: رقی

| | | |
|----------|--|---|
| الموسوعه | بطیخ احمر - بطیخ هندی - جیس - رقی - دلاع - خریزه | <i>Cucumis vulgaris</i> |
| پارسا | هندوانه | <i>Cucurbita citrullus</i> = <i>Citrullus vulgaris</i> |
| زریاب | بطیخ هندی | <i>Cucumis vulgaris</i> |

۳۵۳- بَقْشُفَرْتُنْ: (نامی یونانی)

۳۵۴- بَقْس، بَقْس، بَقْس، بَقْس، شمشاد، شمسار: معرب نام یونانی بقسین و یاقسیون یونانی - نام‌های دیگر آن: یونانی: بقسیس، باکسیان، اهل شام: شمشاد، شمشاد، سمسار - فارسی: شمشاد - صحرائشینان: صفیراء یعنی بقس البلدی - بَقْس - بَقْس - بَقْس

| | | |
|----------|---|---|
| پارسا | قسم شمشاد - گوشوارک (شیرگاه) - سیاتوسکا | <i>Evonymus europaeus L.</i> <i>Evonymus verrucosa L.</i> <i>Evonymus velutina L.</i> <i>Evonymus latifolia L.</i> |
| الموسوعه | بَقْس - شمشاد | <i>Buxus spp.</i> |
| EN. | بَقْس - شمشاد | <i>Buxus sp.</i> <i>Buxus sempervirens L.</i> |

۳۵۵- بقلة الأترجة: به گیاهی با نام فارسی «کروان» و هم به گیاه «بازرنجویه» می‌گویند.

۳۵۶- بقلة الانصار: گویند نام «سلق» است و درست‌تر آنست که نام دیگر «کرنب الدوری» باشد.

۳۵۷- بقلة الاوجاع، افاقیا، بقلة الأوجاع: نام‌های دیگر آن: یونانی: افاقیا (نام رومی است) - مغرب: توجردره، توجدة - سریانی: دعنادقرطی - عربی: قفل، قفل - فارسی: ملبند شدردک - سندی: سلغارها - اندلس: اذن الجدی - دیسکورید: قاقالیه

| | | |
|----------|----------------------------|--|
| زریاب | افاقیا - قفل - ملبند شدردک | <i>Acacia arabica Willd. (Succus Acacia)</i> |
| الموسوعه | بقلة الاوجاع | <i>Collinsonia canadensis L.</i> |

۳۵۸- بقلة البراری: نام دیگر آن: بقلة الرمل

۳۵۹- بقلة الحمقاء، بقلة الحمقاء، بقلة الحمقاء، بقلة الحمقاء، یلمون (فرغ البری)، بقلة لینه (نامی عربی)، کف، بزر الخرفه، خرفه، زریرا (نام سریانی)، فرغین، فرغ، رجله: نام‌های دیگر آن: رومی: اندرخانا، اندرخنا - سریانی: یزبخینا - عربی: فرغ، فرغ، فرغین، رجله، حبیب، بقلة اللینه، بقلة

۱- وجه تسمیه آن به بقلة الحمقاء (گیاه خوراکی نادان) بخاطر اینست که بدون بذر - خودرو و بدون کشت - در مسیر و راه مردم قرار می‌گیرد. (به نقل از غسانی)

۱۱- وجه تسمیه آن به رجله به معنای پا بخاطر واقعه‌ای است که از رسول خدا صلوات الله علیه و اله حکایت شده و آن واقعه عبارتست از اینکه روزی در یکی از غزوات سربازان پیامبر (ص) از شدت گرما و سوزش پاهایشان به حضرت (ص) شکایت کردند حضرت (ص) برای آنان دعا فرمود پس از آن این گیاه رویش یافت - این گیاه بر سر راه آنان قرار گرفت - و موجب تسکین سوزش پاهایشان شد. (به نقل از غسانی)

مبارکه^{۳۳}، بقله فاطمه (سلام الله علیها)، بقله الزهرا (سلام الله علیها)^{۳۱} - فارسی: خرفه، تورک^{۳۲}، بفرخ^{۳۳}،
 فربهن^{۳۴}، فرینه^{۳۵} - عبرانی: ارغلم^{۳۶} - فرنگی: برغال سالی^{۳۷} - هندی: رجه^{۳۸}، لونه^{۳۹}، لونک^{۴۰} - نیشابور: بوخل^{۴۱} -
 سجزی: وشفنگ^{۴۲} - بستی: کلنک^{۴۳} - هری: سنجاب^{۴۴} - بلخ و زابلستان: خفرج^{۴۵} - لاتینی: برقفلی^{۴۶} - فرفه^{۴۷}، پربهن^{۴۸} -
 اصفهانی: برپهن^{۴۹} - کرمانی: تخم بلوک^{۵۰} - تبریزی: تخمکان^{۵۱} - شیرازی: تورکی^{۵۲} - دندان ساوکف^{۵۳} - قزقحیر^{۵۴} - فرقین^{۵۵} - حقوق^{۵۶}
 - نام قسم کوچک به هندی: لونیا^{۵۷}

اُوبیدجی (Andrakhne): در بعضی از نسخه ها: اُندرَخنی به معنای یک پا و نام های دیگر مانند رجه، بقله الحمقاء،
 بقله المبارکه، فُرفیر آمده است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۰۸]

| | | |
|---|---------------------------|----------|
| Portulaca oleracea L. | بقله الزهراء | زریاب |
| Portulaca oleracea L. | اوبیدجی - اُندرَخنی - رجه | دیسکورید |
| Portulaca oleracea L. Portulaca sativa Ha. | Bombay: Khurfah | GLO.IN. |
| Portulaca oleracea L. | بقله الحمقاء | خطابی |

۳۶۰ - بقله حمقاء بریه^{۳۶۰}: نام گیاه علفی نام یونانی آن «فابلص» است و نیز نام نوعی از بتوعات (گیاهان شیرابه دار) است.^{۳۶۱}
 ۳۶۱ - بقله حامضه^{۳۶۱}، بقله حامضه^{۳۶۲}، بقله خراسانی^{۳۶۳}، بقله خراسانی^{۳۶۴}: نام های دیگر آن: فارسی: تره خراسانی^{۳۶۵}، ساق
 ترشک^{۳۶۶}

| | | |
|----------------------|--------------------------------------|----------|
| Oxalis acetosella L. | حماض العید - بقله حامضه - اقلیس صغیر | الموسوعه |
| Oxalis acetosella L. | ترشک - حماض | پارسا |

۳۶۲ - بقله خراسانی: «اشبیلی» می گوید: نام های دیگر آن «حماض»، «وغد» و «رغل» است. و گروهی معتقدند نام «ترنجان» غیر معطر است و
 گروهی آن را از «فودنجات» می دانند و درست آنست که نام مشترکی برای «ترنجان» و «حماض» است.^{۳۶۳}

۳۶۳ - بقله دشتی^{۳۶۴}: گیاهان علفی دشتی یا گیاهان صحرایی یا بقول بری چون «شاهترج»، «طرخون»، «یعضید»، «تفاف» است
 در عین حال این نام بطور اختصاصی به گیاه «تفاف» اطلاق می شود. برخی این نام را به «بقل ریشی» و «بقل دمشقی» تصحیح
 کرده اند.^{۳۶۵}

۳۶۴ - بقله الرماه^{۳۶۶}، بقله الرماة^{۳۶۷}: شریف می گوید: عرب به آن بقله البراری گویند.^{۳۶۸}
 ۳۶۵ - بقله الحسینیه^{۳۶۹}:

۳۶۶ - بقله الضب^{۳۷۰}، بقله الضب^{۳۷۱}: گویند نام «ریحان بری» است.^{۳۷۲} - نام «بازرنیویه بری» است.^{۳۷۳}

۳۶۷ - بقله العروس^{۳۷۴}: نام دیگر آن: عروشیه^{۳۷۵} - جنجش (یعنی لطیف و شیرین)^{۳۷۶} - القسینی^{۳۷۷} - میوش اوطا^{۳۷۸}

۳۶۸ - بقله العدس^{۳۷۹}، بقله العدس^{۳۸۰}: نام دیگر آن: فودنج البری^{۳۸۱}

| | | |
|--------------------|------------------------|-------|
| Mentha pulegium L. | بقله العدس - فودنج بری | زریاب |
|--------------------|------------------------|-------|

۳۶۹ - بقله الفارسیه^{۳۸۲}: نام های دیگر آن: تره داهان^{۳۸۳}، تره گربه^{۳۸۴} - عربی: بقله السنانیر^{۳۸۵} زیرا گربه از بوی آن به ولع افتاده
 و آن را می خورد و در زیر سایه یا روی آن می خوابد. در نسخه فارسی نام این گیاه معادل پلنگ مشک یا فلنجمشک

۱- (و می منسوبه الی فاطمه ابنة رسول الله (صلی الله علیه و اله) و كانت تحبها و نکثر من اکلها فسمها بنو امیه بذلك و جعلوا بدل الزهراء (س) الحمقاء (این گیاه مسوب به حضرت فاطمه
 زهرا سلام الله علیهاست که بسیار از آن تناول می فرمود و آن را دوست داشت و بنی امیه لعنهم الله بجای آن به این گیاه «بقله الحمقاء» گفتند. (صیدنه)

Dracocephalum kotschyi Boiss.

پلنگ مشک (مازندران) - علف ماست (شمیران)

بارسا

۳۷۱ - بَقْلَه یمانیه، بَقْلَه یمانیه^ص، بقلة الیمانیہ^ب، بقلة یمانیة^ع، بقلة یمانیة^ث، جربوز^ج، ضدخ^ح، قُسْطَانِیقَی^ق (اهالی سوادا): از انواع «قطف» است.^ک نام‌های دیگر آن: فاس: یربوز^ر - بقلة عربیة^ه، بقلة مائیة^ز، یربوز^س، جربوز^ش - اندلس: بلیطس^ط - فارسی: سفید مرز^م - اهل بلخ: منج^ن؛ اهل بخارا و جرجان: بورمنی^ی - سندى: فانتھاری^ف - ہندی: چونلائی^ل، چاولائی^چ - سندى: فانتھاری^ف - جالینوس: بلطاون^پ - جرجان: بورمندى^د یا بورمنى^ب - بلخیان: مخنخ^خ - بخارا: دخنخ^د - آشبیلی^آ می‌گوید: یربوز دارای پنج نوع است ۱- نوع بستانى که همان نوع معروف است ۲- نوع احمر ۳- بادروج ۴- نوع بری با نام لسان الطیر ۵- نوع غیر افراشته با نام‌های: یربوز - قُرَحی - بلیطُش - بلیطن - چرموز - بشطانیکا - اهالى شام: یمور - اهالى حجاز: بقلة یمانیہ - زرنوبذی - ربوذی - ضدخ - کستج^ش

بَلِيطَى (Bliton): نام‌های دیگر آن عبارتست از: بَقْلَةُ الیمانیه - اهالی مغرب: یَزْبُور^(۱) - اهالی شام: جَزْبُور - اهالی سِوَاد: کَسْنُج، صَدَح، قُسْطَانِیقَی [این عبارت (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۰۲]

| | | |
|---|---|----------|
| <i>Albersia blitum</i> Kunth. <i>Chenopodium capitatum</i> L. <i>Amaranthos blitum</i> L. | بقلة یمانیہ - بلطاون | زرریاب |
| <i>Blitum virgatum</i> L. | بقلة یمانیہ | خطابی |
| <i>Amaranthus blitum</i> L. Syn: <i>A. graecizas</i> L. Var. <i>Sylvestris</i> (Vil.) Asch. | بلیطی - بقلة یمانیہ - یربوز - جربوز - کسج - فسمانیقی | دیسکورید |
| <i>Amaranthus blitum</i> L. | بقلة یمانیہ | EN. |

۳۷۲ - بقله اليهودیه^(۲)، بقله اليهودیه^ع، بقله یهودیه^غ، بقله یهودیه^ث: نام‌های دیگر آن: ملوخیا^ث - اخراطن^ث - اخروطن^ث - ابروخون^ث - سریانی: شاذیاس^ث، به معنای استان الذئب یا دندان گرگ. ^س - به گیاه «تفاف» که نوعی «هندباء بری» است و این نام برای «قرصنه» درست‌تر است.^ع

| | | |
|--|-----------------------------------|----------|
| <i>Sonchus oleraceus</i> L. <i>Sonchus ciliatus</i> L. | تفاف معروف - بقلة يهوديه - شبريرک | الموسوعه |
| <i>Sonchus oleraceus</i> L. | صنخيس - تفاف - هرقلوس - خس الحمار | ديسکورید |
| <i>Eryngium creticum</i> L. <i>Eryngium campestre</i> L. <i>Malva rotundifolia</i> Diss. | بقلة يهوديه - اسنان الذئب | زرياب |
| <i>Hibiscus esculentus</i> L. | بقله يهوديه | خطابی |

۳۷۳- بَقْم، بَقْم، بَقْم، بَقْم، داریونیا: معرب بکم یعنی «درخت برنیکان» است. نام‌های دیگر آن: فارسی: داروبرنیا - خوارزم: بتحنک - قجناش - اقراص الملك^۱ اشبیلی می‌گوید: بقم دارای سه نوع است: ۱- اقراص الملك ۲- شجر العناب ۳- نوعی از جناء الاحمر و گویند ضرو نوع چهارم بقم است. برخی نام صغ آن را «شیان القاطر» می‌دانند.

| | | |
|-------|-------------------------|------------------------------|
| زریاب | بم - برنیکان - داربرنیا | <i>Caesalpinia sappan L.</i> |
|-------|-------------------------|------------------------------|

۳۷۴ - بقنوقوم^ع:۳۷۵ - بگا، بگا^ع:

۳۷۶ - بُکچی، (بابچی): (نامی هندی)

۳۷۷ - بُگن، (بابگم): (نامی هندی)

۳۷۸ - بُگمون، (نامی فارسی)، عَرَفَج: (عربی) عرفج

| | | |
|----------|------|----------------------------------|
| زریاب | عرفج | <i>Astragalus gummifera Lab.</i> |
| الموسوعه | عرفج | <i>Cotoneaster spp.</i> |

۳۷۹ - بُکهرینده: (نام هندی)

۳۸۰ - بُل، قِثاء البری الهندی^ص:

| | | |
|-------|-------------------------|--|
| زریاب | بل - قِثاء البری الهندی | کاشته شده در بلوچستان. <i>Aegle marmelos Corr.</i> |
|-------|-------------------------|--|

۳۸۱ - بُل^ع، بُل^ث: نام دیگر آن بنا به نظر رازی نزد خواننده «قِثاء هندی» است.^ع «اشبیلی» می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف استبرخی شل و بل را «شبوق» و «یدقه» می دانند که درست تر از بقیه نظر هاست و «بل» همان «أقطی» یا «شبوق» است.^ث۳۸۲ - بِلادُر (یا بِلادُر، بِلادُر^ص، بِلادُر^ث، بِلادُر^ع، بِلادُر^ث: نام فارسی برگرفته از نام بهلاوه هندی به معنای مشابه قلب^عاست. - نام های دیگر آن: عربی: حب الفهم، حب القلب (به خاطر شباهت آن به قلب حیوان) - رومی: انقردیا^ص

| | | |
|-----------|-------|---------------------------------|
| زر - پار. | بلاذر | <i>Semecarpus anacardium L.</i> |
|-----------|-------|---------------------------------|

۳۸۳ - بِلَاس: (نامی هندی) نام های دیگر آن: دهاک، تیسو

۳۸۴ - بِلَاس باثره: (نامی هندی)

۳۸۵ - بِلَاسَنطُور: نامی فرنگی به معنای شجرة النبی (صلوات الله علیه و اله) نام های دیگر آن:

دسنطو، لینوسنطو، نام اول شجرة النبی و نام دوم یعنی شجرة مبارکه)

۳۸۶ - بِلان^ع: نام دیگر آن نزد اعراب «شیرق» است.^ع۳۸۷ - بَلْبُوس، بَلْبُوس^ص، بلبوس^ع، بلبوس^ث (نامی یونانی)، بصل الزیر: نام های دیگر آن: عربی: بصل الذئب، بصلالزئر^ع، فصل ماکول^ص - فارسی: زیر، تلخه پیاز - شیرازی: پیاز تلک^ص - تبریزی: رزی^ص - ترکی: داغ سوغائی^ص - لرستان:طرم^ص - سریانی: بلباس^صبَلْبُوس (Bolbos): بصل الزاز^(۱)

مولی اخر (Molu): نام مشترک گیاه "حرمل" یعنی نوعی از بلبوس است. من - ابن بیطار - آن را می شناسم و نام دیگری غیر از این

نام برای آن نمی دانم. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۳/۱۵۲ - ۴۴]

| | | |
|-------|-------|------------------------------|
| زریاب | بلبوس | <i>Muscari comosum Mill.</i> |
|-------|-------|------------------------------|

| | | |
|------------------------------|-------------------|----------|
| <i>Muscari comosum</i> Mill. | بلیوس - بصل الزاز | دیسکورید |
| <i>Muscari spp.</i> | بلیوس - جلجل | الموسوعه |
| <i>Allium moly</i> L. | نوعی بلیوس - مولی | دیسکورید |
| <i>Allium magicium</i> L. | | |

۳۸۸- بِلِخْتِهْ، بِلِخْتَهْ^۴: (نامی مغربی)

| | | |
|-----------------------|-------|----------|
| <i>Periploca spp.</i> | بلخية | الموسوعة |
|-----------------------|-------|----------|

٣٨٩ - بلخنة ج:

۳۹۰- بلس، بلس: نام دیگر آن: تین ابیض^۷ - "أشبلی" آن را نام همه انواع «تین» می‌داند.^۸

۳۹۱ - بَلَسَانْ، بَلَسَانْ، بَلَسَانْ، بَلَسَانْ، بَلَسَانْ، بَلَسَانْ، حب البلسان، سعند (نام چوب)، عود البلسان: نام های دیگر آن: بنا به نظر جالینوس: سمون - بنا به نظر اورباسیوس: سامون - اسامی چوب آن: رومی: اسفوخوس، بوبلسمون - سریانی: قیس دافورسما، قیسادافورسما - فارسی: دارافرسم - این گیاه بغیر از مصر در جای دیگر رویش ندارد و صاحب منهاج به سهر آن را «هیوفاریقون» گفته است.

| | | |
|-------------------------------------|------------------|----------|
| <i>Commiphora opobalsamum</i> Engl. | بلسان - حب بلسان | زر- پار. |
| <i>Amyris gileadensis</i> L. | | |
| <i>Semcarpus anacardium</i> | بلسان | خطابی |
| <i>Balsamodendron</i> DC. | بلسان | EN. |
| <i>Balsamodendron myrrha</i> Nees. | بلسم | EN. |

۳۹۲ - بُلْسُکُی، بلسکی: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: گیاهشناسان اندلس و مغرب: مصفی الرعاة^{۴۷}، ودود^{۴۸}، حب الصیان^{۴۹}، قوة البرانية - صیدلانیه: قوت البریه - دیسکورید: أفارینی^{۵۰}

۳۹۳ - بَلُوط، بلوط، بَلُوط، بلوط، بَلُوط، جفت البلوط (نام پوست)، لُزاق الرخام (نام صمغ)، نام میوه است. نام‌های دیگر آن: طبرستان: دارمازی - فارسی: بالوط - انطاکیه: دوام - عراق: عفضیج - مصر: ثمر الفؤاد - رومی: زُبان لباسا - نام میوه: دارمازو - «شاهبلوط» از انواع آنست که به آن «قسطل» گویند.^{۵۱}

نیز ذکر کرده است و آن را "قسطانیا" که همان "قُسطل" است نامیده است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱- ۱۰۸/۳ - ۹۳/۴ - ۱۱۰]

| | | |
|------------------------------------|------------|-----------|
| <i>Quercus coccifera</i> L. | درس - بلوط | دیسکورید |
| <i>Quercus ilex</i> L. | بلوط | زر. - خط. |
| <i>Quercus persica</i> Jaub. & Sp. | بلوط | پارسا |
| <i>Quercus robur</i> L. | | |

۳۹۴- بَلَوُت الارض؛ بَلَوُت الأرض^ع، بَلَوُت الارض^ث، خامادیوس^ت: نام مشترک بین کماذریوس و گیاه دیگر است.^۱ - نام دیگر آن به یونانی: کماذریوس است. ^{تش} - آشیل^۲ می‌گوید: گاهی این نام را برای ریشه‌های «خنثی» بخاطر شباهت

آن به بلوط بکار می‌برند.^ش

خامادرزیون (*Khamaidaruos*): برگردان عربی «کمادریوس» «بلوط الارض» است زیرا «خاما» به معنای «ارض» (زمین) و «درس» به معنای «بلوط» است. [این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹۳]

| | | |
|----------|-----------------------------------|-------------------------------|
| دیسکورید | خامادریوس - کمادریوس - بلوط الارض | <i>Teucrium chamaedrys L.</i> |
|----------|-----------------------------------|-------------------------------|

۳۹۵ - بلوط الملك، بلوط الملك، شاهبلوط، شاهبلوط، نام های دیگر آن: شاهبلوط - سریانی: بلوطا ملکا - رومی: قسطنه، قسطل، قشطل

| | | |
|----------|---------------|--|
| زریاب | شاه بلوط | <i>Castanea sativa Mill.</i> <i>Castanea vesca Gaertn.</i> <i>Castanea vulgaris Lam.</i> |
| طباطبانی | شاه بلوط | <i>Castanea sativa Mill.</i> <i>Castanea vulgaris Lam.</i> |
| طباطبانی | شاه بلوط هندی | <i>Aesculus hippocastanum L.</i> |

۳۹۶ - بلوطی، بلوطی، نام های دیگر آن: هندی: کجی، کهجور، عامه اندلس به لاتینی به آن «مرویه یلبوسه» گویند و نباید با گیاهان شیرابه دار اشتباه شود.^ع

بلوطی (*Ballote*): نوعی از فراسیون با رنگ سیاه و با نام لاتینی «مرویه بتوشه» است. در ترجمه کتاب جالینوس نام این گیاه با «لاعیه» اشتباه شده است زیرا «لاعیه» از گیاهان صمغ دار است و «بلوطی» فاقد آن است. [این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹۸]

| | | |
|----------|-------|-------------------------|
| دیسکورید | بلوطی | <i>Ballota nigra L.</i> |
|----------|-------|-------------------------|

۳۹۷ - بلوغوناطن: گروهی آن را به اشتباه «غودیوله» می‌دانند.^ش

۳۹۸ - بلول: (نامی هندی)

۳۹۹ - بلیان: (نام درخت مصری)

۴۰۰ - بلیحاء: نام های دیگر آن: مغرب: لیرون - اسلیح^ع

۴۰۱ - بلیج، بلیج، بلیج، بلیج: نام های دیگر آن: هندی: بهیره، هلیله^ت

| | | |
|-------|------|-----------------------------------|
| زریاب | بلیج | <i>Terminalia bellerica Roxb.</i> |
|-------|------|-----------------------------------|

۴۰۲ - بلیطن: برخی پنداشته‌اند «عشبه الطحال» است و نام های دیگر آن «فلیطش» و «بلیطش» است.^ش

۴۰۳ - بنترنقه^(۱): برخی آن را به اشتباه «باطرنیقی» می‌دانند. نام های دیگر آن: خامادریوس - بلطالة - بلوط الارض^ش

۴۰۴ - بنتقه: بنا به نظری نوع دوم کمادریوس با نام «طربه ائبه» است و بنا به نظر دیگر نوع سوم «کمادریوس» است. نام های دیگر آن عبارتست از: قسطن، قسطنیون، قسطنیون، باطرنیقی، رُسارینا، ذنب الهژ^ش

۴۰۵ - بنتومه، بنتومه، بنتومه: (نام گیاهی در اندلس) نام های دیگر آن: شام و اندلس: رقعة الفارسیه^ش، ذرق الطیر - اهالی شوبک شام: عنم - فاس: انجبار^ع

| | | |
|-------------------------------|-------|-------|
| <i>Loranthus europaeus</i> L. | بشومه | خطابی |
|-------------------------------|-------|-------|

[illegible]

| | | |
|----------------------------------|--------------------|--------------|
| <i>Hyoscyamus niger L.</i> | ایسقاموس - بنج | دیسکورید |
| <i>Hyoscyamus albus L.</i> | بنج ایض - سیکران | الموسوعه |
| <i>Hyoscyamus niger L.</i> | بنج اسود - سَکَران | الموسوعه |
| <i>Hyoscyamus albus L.</i> | بنج - حشیشة الشرک | زریاب |
| <i>Hyoscyamus niger L.</i> | | |
| <i>Hyoscyamus niger L.</i> | بذر البنج | پار. - طبّا. |
| <i>Hyoscyamus reticulatus L.</i> | | |
| <i>Datura fastuosa L.</i> | بنج | خطابی |

۴۰۷۔ بنجشکروان^۴: (نامی فارسی) نام دیگر آن: لسان العصفور^۵

۴۰۸ - بنجین: نام دیگر آن «فنجین» است و برخی آن را «کف السبع» و عده‌ای «مذلوک» می‌دانند.^ش

۴۰۹- بُندا: (نامی ہندی) نام دیگر آن: عربی: خرطان'

۴۱۰-بندال: (نامی ہندی) نام دیگر آن: سنکپہرہ

۴۱۱ بُنْدُقْ، بُنْدُقْ، بُنْدُقْ، بُنْدُقْ، بُنْدُقْ، بُنْدُقْ (معرب فندق فارسی): نام‌های دیگر آن: فارسی: فندق - عربی:

جلوز، جلوزہ - رومی: ایلر سیا - سریانی: فندقا

| | | |
|----------------------------|-------------|----------|
| <i>Corylus avellana</i> L. | بندق - فندق | ز. پ. خ. |
|----------------------------|-------------|----------|

۴۱۲- بندق هندی، بندق هندی^۵، بندق هندی^۶: نام‌های دیگر آن: هندی، ریتیه^۷ - نبطی، رته^۸ - بربری:

اطموط، اطماط' - جوز الرتبة

| | | |
|-----------------------------------|----------------------------|----------|
| <i>Caesalpinia bonducella</i> Fl. | بندق هندی - قارح - جوزلرته | الموسوعة |
|-----------------------------------|----------------------------|----------|

۴۱۳ -بِنطافْلُنْ (فَنطافِلون) ، بَنطافِلونْ، فَنطافِلونْ، بَنطافِلنْ: (نامی یونانی) به معنای ذو خمسة اوراق^۴ یعنی دارای پنج برگ، بَنطاطوس^۵، بَنطاطوس^۶ به معنای ذو خمسة اقسام (دارای پنج قسمت)، بَنطاناتی^۷، بَنطاباطس^۸ به معنای ذو خمسة اجنحه یعنی دارای پنج بال، بَنطادقطولنْ^۹ به معنای ذو خمسة أصابع یعنی دارای پنج انگشت - فاس: عشة خير من الف^{۱۰}

نُطَافُلُّنْ (Pentaphullon): به معنای «دو خمسه اوراق» یعنی دارای پنج برگ - بُنْطَاوُمُنْ (Pentatomon) به معنای «منقسم

| | | |
|------------------------------|--------------------------|-------------|
| <i>Potentilla reptans</i> L. | ذو خمسة اوراق - نطافيلون | زر. - طبيا. |
| <i>Potentilla reptans</i> L. | بنطانلن | ديسکورید |

| | | | |
|-----------------------------|--|-------------|-----------------|
| <i>Viola odorata</i> L. | | بنفسج | ز. ح. - ع. - E. |
| <i>Viola</i> spp. | | بنفسج | الموسوعه |
| <i>Viola odorata</i> L. | | بنفشه | پارسا |
| <i>Viola tricolor</i> L. | | بنفشه فرنگی | پارسا |
| <i>Viola cinerea</i> Boiss. | <i>Punjab & Bombay: Banafsha</i> | | GLO.IN. |
| <i>Viola odorata</i> L. | <i>Bengal: Banafsha</i> <i>Hend & Bombay: Banafshah</i> | | GLO.IN. |
| <i>Viola serpens</i> Wa. | <i>Punjab & Hendia: Banafsha</i> | | GLO.IN. |

بیطار۔ [ابن یطار (در ترجمہ دیسکورید) ۱ - ۲۱]

| | | |
|---|---------|-------|
| <i>Orchis morio L.</i> <i>Tanacetum umbeliferum Boiss.</i> <i>Caucalis orientalis (L.) RE.</i> <i>Syn: Torilis leptophylla</i> | بوزیدان | زریاب |
| <i>Withania somnifera Dunal</i> | بوزیدان | پارسا |

| | | |
|----------|--|------------------------|
| الموسوعه | بوزیدان، سَحْلَب، خصی الثعلب، قاتل اخیه، سطوربون | <i>Orchis spp.</i> |
| خطابی | بوزیدان، خصی الثعلب | <i>Opuntia hircina</i> |
| EN. | بوزیدان | <i>Orchis morio L.</i> |

۴۲۳- بوش دربندی، بوش، بوش دربندی: نام قرص هائی است که از برگ های گیاه آن می گیرند.

۴۲۴- بوشیاد: نزد "دُونَس بن تمیم" نام «سلجم» است.

۴۲۵- بوصیر، بوصیر، سیکران الحوت، فلوس: نام های دیگر آن: جوزناق - عامه اندلس: برشکه - بربری: أَقْتَن - دیسکورید: فلوس، یونانی: فلوس - پزشکان شام و عراق: ماهی زهرج - وجه تسمیه آن به «سیکران الحوت» برای کاربرد آن است زیرا نرم شده و کوبیده شده آن بر صخره اگر در آب راکدی ریخته شود و با حرکت دادن آن، با آب مخلوط گردد سبب می شود تا ماهی ها بی حس و در حال برگشته روی آب بیایند.

فَلُومُس (*Phlomos*): بوصیر - انواع فلوس بسیار و دارای گل زرداند. گیاه در مصر یافت می شود. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۹۳]

| | | |
|----------|--|-----------------------------|
| زر - طب. | بوصیر | <i>Verbascum thapsus L.</i> |
| دیسکورید | فلوس - بوصیر | <i>Verbascum spp.</i> |
| الموسوعه | بوصیر، بوصیر، اذان الدب، مُسْکِر الحوت | <i>Verbascum spp.</i> |
| الموسوعه | بوصیر ابیض | <i>Verbascum thapsus L.</i> |
| الموسوعه | بوصیر اسود، لیذه سوداء | <i>Verbascum nigrum L.</i> |

۴۲۶- بوطنیه: نام دیگر آن به عجمی اندلس «کرمة السوداء» است. ابن وافت آن را «کرمة البیضاء» می داند که اشتباه مسلم است زیرا این به سریانی داروئی با نام «فاشرشتین» است.

۴۲۷- بوطامخیطس:

۴۲۸- بولامونیون، بولامنیون، بولامنیون: (نامی یونانی)

| | | |
|----------|------------------|------------------------|
| الموسوعه | قَبَس - بولمونیم | <i>Polemonium Spp.</i> |
|----------|------------------|------------------------|

۴۲۹- بولسری: (نامی هندی) نام های دیگر آن: بهولسری - بنگاله: بول، مولسری

۴۳۰- بولوغن: نامی یونانی به معنای «مُکَثِّر اللَّبَن» یا زیاد کننده شیر

۴۳۱- بولوغانطن: نامی یونانی به معنای «کثیر العقد» یا پر گره

۴۳۲- بولوقیمن: نامی یونانی به معنای «کثیر الرؤوس» یا دارای سرشاخه بسیار

۴۳۳- بوینون، بونیون، بونیون: (نامی یونانی) نام دیگر آن در کتاب دیسکورید: أَقْطِیون

۴۳۴- بوئی: (نامی هندی)

۴۳۵- بهار، بهار، بهار، کاو چشم: نام های دیگر آن: بنا به نظر اورباسیوس: بوفثالمون، بولمون - سریانی:

عینی ثور - فارسی: گاوچشم - عربی: عَرَار، عین الثور، عین البقر - اقحوان زرد - اندلس: مقارجه - بربری:

أملال - عامه اندلس: خبز الغراب - بنا به نظر "ابن سینا": فارسی: کاو چشم - بنا به نظر "تمیمی": نام نوع کوچک آن در شام:

عین العجل - "اشبیلی" می گوید: برخی آن را نام نوعی «بصل» و عده ای آن را نوعی «اقاحی» و گروهی آن را نوعی «اغافت» می دانند. "احمد بن

داود" «بهار البر» را «عرار» معرفی کرده و "مسحیح" بهار را «عین العجل» و "بولش" و "بصری" آن را «عین الثور» می داند و آنچه در باغ های ما می روید

گیاهی است که با نوع بری بسیار متفاوت است و نام های آن عبارتست: بقتلن - فجلن - طیلاله - زنبوش - بهار ابیض - بهار الریاض - قلیمونه

همچنین «بهار» نام «عین الثور» و «عین البقر» و «عبر» نیز هست.

بُقْتَلْمُنْ (*Bupthalmion*): برگردان عربی آن «عین البقر» است و نام دیگر آن در ترجمه کتاب جالینوس «بهار» ذکر شده و از انواع «بابونج» و از آن بزرگتر است. نام بربری آن اَمَّال و به لاتینی ییلو (*Boliche*) است. - برخی از انواع آن زرد و برخی سفید رنگ است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۴]

| | | |
|--|---------------|------------|
| <i>Anthemis arvensis</i> L. | بقثلمن - بهار | دیسکورید |
| <i>Anthemis arvensis</i> L. <i>Chrysanthemum coronarium</i> L. <i>Chrysanthemum segetum</i> L. <i>Anacyclus radiatus</i> L. <i>Anacyclus valentina</i> | بهار | ز. - ط. E. |
| <i>Anthemis tinctoria</i> L. | عین الثور | طباطبانی |

۴۳۶ - بُهَش: نوعی بلوط - نام های دیگر آن: عجمی اندلس: حِرْکَة، شوبر^ع

۴۳۷ - بهفانج^ع: گویند نام «مرو» است و در کتاب مجوسی دو نوع از آن نامبرده شده، نوع خوشبوی آن «مرماحور» نام دارد.^ع

۴۳۸ - بهمن^ع، بهمن^س، بهمن^ب، بهمن^ج، بهمن^د، بهمن^ه (نامی فارسی) بهمن دارای دو نوع قرمز و سفید است.^ع نام های دیگر آن: فاس: جیز^ع - نوع قرمز: بهمن ایض^ع - نوع سفید: بهمن سفید^ع، کف الجذماء^ع، کرمة البیضاء^ع

| | | |
|----------------------------|-----------|------------|
| <i>Statice limonium</i> L. | بهمن سرخ | زریاب |
| <i>Centaurea behen</i> L. | بهمن سفید | زر. - الم. |
| <i>Centaurea behen</i> L. | بهمن | خطابی |

۴۳۹ - بُهْمی^ع، بهمی^س، بهمی^ج، بهمی^د:

فونُئس (فونئس) (*Phoenix*): نام عربی آن «بُهمی» است. ابوحنیفه گیاه تازه و خشک «بهمی» را از بهترین گیاهان یکساله خوراکی می داند. عرب به گیاه خشک آن «عُزْب» (غرب) و «صَفار» (صقار) گوید. "بُکری" نام واحد آن را «بُهماء» گوید و عامه مردم به آن «بُهماء» گویند. این گیاهی مشابه «خُرطال» ولی از آن باریکتر و دارای سنبله ای قرمز رنگ است. وقتی خشک آن در فضا پراکنده شود و به لباس می چسبد. در منابع دیگر گیاه دارای سفس؟ ذکر شده است اجزای خشک شده گیاه در هوا معلق مانده و با وزش باد در چشم و گوش رفته و در مواقعی ممکن است منجر به کوری شود. ذوالرمة نیز در مورد این گیاه و اسامی مختلف آن این شعر را سروده است:

رَعَتْ بِأَرْضِ الْبُهْمِي جَمِيماً وَبُسْرَةً وَصَمْعَاءَ حَتَّى آفَتْهَا نِصَالُهَا

واژه «بارض» مربوط به موقعی است که گیاه از زمین رویش می یابد. واژه «بُسْرَة» هنگامی که برگ های گیاه روئیده می شود. واژه «صَمْعاء» در موقع رشد سنبله گل گیاه است. واژه «جَمیم» مربوط به زمانی است که گل باز شده آن حالت چتر پیدا می کند. واژه «آفَتْهَا» دَخَلَتْ فِي أُنُوفِهَا؟ و این گیاه نزد عرب معروف است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۳۹]

| | | |
|---|--------------|----------|
| <i>Lolium perenne</i> L. | بهمی | زریاب |
| <i>Lolium perenne</i> L. <i>Avena fatua</i> L. | فونئس - بهمی | دیسکورید |
| <i>Avena fatua</i> L. | بهمی | خطابی |

۴۴۰ - بُهَنْكِرَة: (نامی هندی)

- ۴۴۱- بُهوئی انوله: نامی هندی به معنای امله زمینی
۴۴۲- بیارانکا: (نامی هندی)
۴۴۳- بیئل: (نامی هندی)
۴۴۴- بیخ زرین گیاه: نام‌های دیگر آن: فرنگی: جیسو
۴۴۵- پیزه: نام دیگر آن: آذربایجان: پیوه زاس

| | | |
|------------------------------|------|-------|
| <i>Eryngium campestre</i> L. | ییزه | زریاب |
|------------------------------|------|-------|

- ۴۴۶- بیسم: نام میوه‌ای است.
۴۴۷- بیس، بیس، بیس، بیس: (نامی هندی) "عیسی بن علی" می‌گوید: بیش دارای سه نوع است...^۴ نام نوع سوم آن «نیال» است.^۵ بیش زهری است و بدان که زهرها اگر چه بسیارند اصل آن‌ها سه است، یکی زهر جانوران است که با دندان چون دد و دام... بگزند. دیگری سمی است که چون بخورند صدمه بینند مانند زهر نبات یا آن زهر هائی که از سنگ‌های معدنی حاصل شوند... دیسفوریدوس که بیش پنج گونه است یکی را «حدی» گویند و آن سست است بر دو رنگ زرد و سپید و دوم «شذه» خوانند به «مارچویه» ماند و سستی است میانه، و سیم را «برهن» گویند، درونش سپید بود یا زرد و سستی است این نیز میانه و چهارم «کلاکون» است، رنگش به «هلهل» زند و وصفش همانند اوست و پنجم «هلهل» است...^۶

| | | |
|-------------------------------|-----------|------------------------------|
| <i>Aconitum ferox</i> Wall. | زیر-طباً. | بیش |
| <i>Aconitum</i> spp. | الموسوعه | اتله - بیش - اقونین - اکونیت |
| <i>Aconitum ferox</i> Wall. | | Hindia & Bengal: Bish |
| <i>Aconitum luridum</i> Hook. | | Hindia: Bish |

- ۴۴۸ - بیش موش بیش^۴:
 ۴۴۹ - بیض الاوز^۵: نوعی فطر، نام‌های دیگر آن: فواحش^۶، غوره الارض^۷، ذکر الارض^۸
 ۴۵۰ - بیقیه^۹، یقیه^{۱۰}:
 أفاقی (Aphake): نوعی از «رطبه» که در ابتدا رویش آن مشابه «حندقوقی» است. (ابن بطار در کتاب جامع این نام را معادل بیقیه دانسته است.) (ابن بطار (در ترجمه دیسکوردید) ۲ - ۱۴۲)

| | | |
|------------------------|-----|-------------|
| <i>Vicia cracca</i> L. | بیه | دی. - زریاب |
| <i>Vicia sativa</i> L. | | |

- ۴۵۱- بَیْنَبُ: نام دیگر آن: فینقس
۴۵۲- پیل: نام هندی میوه‌ای است.

حرف «ت»

- ۴۵۳- تاجر^۱: (نامی هندی)
۴۵۴- تاجر^۲: نام دیگر آن: آذریون - وجه تسمیه آن به تاجر بخاطر اینست که گل آن در روز باز و شب بسته است بنابراین به هر گیاه دیگر که دارای این خصوصیت باشد چون نیلوفر نیز گفته می شود.^۳
۴۵۵- تازوت^۴: برخ، آن را «کرمه البضاء» می دانند.^۵

۴۵۶ - تاكُوت^ع، تاكُوت^ث: (نامی بربری) این نام برای «فریون» و هم برای «حب الأثل» یا «کرمازک» است.^ج

۴۵۷ - تَالِب^ث: «شبیلی» می‌گوید: از جنس درختان بزرگ است و برخی آن را به اشتباه «کتم» معرفی کرده‌اند.^ث

۴۵۸ - تال مَکهارا^ا: (نامی هندی) تال مکهانانبول^ا

۴۵۹ - تامسورت^ع: (نامی بربری) نام‌های دیگر آن: مؤ^ع - گیاهشناسان اَشبیلیه: بُسْبَسَة^ع - بعضی از بربرها: کَمُون الجبل^ع

۴۶۰ - تانبول^ا، تامول^س، تامول^ث، تنبول^ا، تانبول^ع: (نامی هندی) ابوحنیفه می‌گوید: نوعی یقطین است.^ع نام‌های دیگر آن: تنبول^س - تنبل^ع

| | | |
|-----------|-------------------------|-----------------------|
| الموسوعه | تامول - تنبل - شاه صینی | <i>Piper betle L.</i> |
| EN. ، زر. | تامول | <i>Piper betle L.</i> |
| پارسا | برگ تاملوک - برگ تانبوک | <i>Piper betle L.</i> |

۴۶۱ - تانقیث^ع: (نامی بربری)

۴۶۲ - تربیه^ث:

۴۶۳ - تُرْبِد^ا، تربد^س، تربد^ث، تربد^ع، تربد^ج، تربد^د، تربد^ه: (نامی فارسی) نام‌های دیگر آن: هندی: تسوت^ا، تاک پترویداره^ا - بنگال: پتوهری^ا - رومی: یشون^س، طریون^س، سندریون^س - سریانی: طربد^س، طربد^ث - هندی: تربج^س، نایزه^س (نوع سفید)، نوع دیگر: جبلهنگ^س «شبیلی» می‌گوید: نظرهای متفاوتی در مورد ماهیت آن ذکر شده که همگی اشتباه است این نظرها عبارتند از: ۱ - نوعی انجدان ۲ - ریشه نوعی خار ۳ - ریشه‌های درخت توت و انجیر^ث - نام‌های دیگر آن عبارتست از: طریفولیون - حاراسوافی - الوبیاس - سوفی نام «تربد ابیض» «اسطاری» است.^ث

طریفولیون (Tripolion): بنا به نظر "ابن واقد" نام «تربد» است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۱]

| | | |
|----------|---------------------|--|
| ز، خ، ط. | تربد | <i>Ipomea turpethum R.Br.</i> <i>Convolvulus turpethum L.</i> |
| الموسوعه | تُرْبِد | <i>Ipomea turpethum R.Br.</i> |
| دیسکورید | طریفولیون - تُرْبِد | <i>Aster tripolium L.</i> |

۴۶۴ - ترسی^ث: نوعی نیلوفر نام دیگر آن: به یونانی: باطاسیطس^ث

۴۶۵ - تُرْمِس^ا، ترمس^س، ترمس^ث، ترمس^ع، ترمس^ج، ترمس^د، جرجر المصری^ث، قیطاقون^ث، باقلاء مصری^ث: نام‌های دیگر آن: فارسی: باقلا مصری^ث، خوشک امحری^س، کرکرامحری^س - سریانی: ترمسا^س، اوثرمسوا^س «شبیلی» می‌گوید: ترمس از انواع کفوف و از جنس بقل و دارای انواع زراعی و غیر زراعی است: نوع زراعی آن سه نوع است و نام‌های آن عبارتست از: ایمارس - ایفغسه - چزچر - بسيله - فیافه و نوع بری پنج نوع دارد ۱ - ترمس الخنزیر با نام‌های: مسد، فایه بورکه (نام میوه)، بسيله ۲ - ترمس الثعلب با نام‌های: کف الغدري، فسوة الضبع، خائق الکلاب ۳ و ۴ - ترمس الحجل با نام: کف الضبع ۵ - کف القظابه^ث

تَرْمِیْ ایماروس (Thermos hemeros): تُرْمِس - ابوحنیفه می‌گوید: بَسَلَة نام دارد زیرا تلخ و بدمزه است. [ابن بیطار (در ترجمه

دیسکورید) ۲ - ۹۴]

| | | |
|------------|----------------------------|---|
| الم. ، EN. | تُرْمِس | <i>Lupinus spp.</i> |
| دیسکورید | ترمی ایماروس - ترمس - بسله | <i>Lupinus termis forsk.</i> |
| زریاب | ترمس | <i>Lupinus angustifolius L.</i> <i>Lupinus termis forsk.</i> |
| پارسا | باقلاي مصری - ترمس | <i>Lupinus albus L.</i> |

گردد به آن بلج گویند.^۴ - قَسَب: میوه خرماي خشک شده و نیم رس - اهل مغرب: مقلقل - نجد: عرق، بزشوم - فارسی: خرماي سنگ اشکن - شیرازی: قسبک - طَلْع: شکوفه خرما - فارسی: بهار خرما، کُفَرَي: کُفَرَي نامی عربی و به معنی غلاف رزیم خرما قبل از شگفتن آن است. - یونانی: قیفر - فارسی: غنچه خرما، کاردوالی - شیرازی: نارونه خرما - جُمَار^۵: قلب النخل، لب النخل، شحم النخل - فارسی: پنیر نخل - بهترین خرما «هاهیرون» است. - بزشون^۶: نخل تازه - نام های دیگر آن: شَقْمَة^۷ - اهالی نجد: غُزف^۸ دَقْسِطُس یا فَنِیکُس: (Phoenix) نخل [این بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۸۸]

| | | |
|----------|-----|-------------------------------|
| ز، د، پ. | نخل | <i>Phoenix dactylifera L.</i> |
|----------|-----|-------------------------------|

۴۷۵ - تمر هیرونی، قَسَب: نام دیگر آن: خرما هیرون^۹
 ۴۷۶ - تمر هندی، تمر هندی، صبار^{۱۰}، حمر: نام های دیگر آن: عربی: صبار، حمار و حوش، خومر - هندی: انبلی^{۱۱} - فارسی: جنجه^{۱۲} - زنجیه: مکوجوا^{۱۳}

| | | |
|-----------|----------------------------|-----------------------------|
| زر. - طب. | تمر هندی | <i>Tamarindus indica L.</i> |
| پارسا | تخم تمر - دانه تمر هندی | <i>Tamarindus indica L.</i> |
| الموسوعه | تمر هندی - خَوْمَر - حَمَر | <i>Tamarindus indica L.</i> |

۴۷۷ - تَنْعِیمَة^{۱۴}: (گیاه آبی)
 ۴۷۸ - تَنُوم^{۱۵}، تَنُوم^{۱۶}، تَنُوم^{۱۷}، شجرة الیمام^{۱۸}: (تنم) (نامی معروف نزد اعراب بقیع و اهالی حجاز) نام دیگر آن: طورته شول^{۱۹} نوع کوچک آن گیاهی است به نام «طُرُوسول»، نام دیگر آن «تَنُوم» و به سریانی «صامریوما» است.^{۲۰}
 ایلِیُوطُرُویون طُومَقَرَن (Heliotropion to mikkron): گیاهی مشابه «فراسیون» با بذری سه گوش است که از آن مداد درست می کنند. نام های دیگر آن عبارتست از: مغرب: حشیشه السَّوَاقي - عربی: تَنُوم - لاتینی: یربه (شُد) یره (Hirba soldera) به معنای عَشْبَة اللحام [این بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۱۳]

| | | |
|----------|-------------------------------|-----------------------------|
| زرباب | تنوم | <i>Cannabis sativa L.</i> |
| دیسکورید | ایلِیُوطُرُویون طومقرن - تنوم | <i>Croton tinctorium L.</i> |

۴۷۹ - توت^{۲۱} (نامی عربی)، توت^{۲۲} (نامی فارسی)، توت^{۲۳}، توت^{۲۴}، توت^{۲۵}، توت^{۲۶}، توت^{۲۷}، توت^{۲۸}، توت^{۲۹}، توت^{۳۰}، توت^{۳۱}، توت^{۳۲}، توت^{۳۳}، توت^{۳۴}، توت^{۳۵}، توت^{۳۶}، توت^{۳۷}، توت^{۳۸}، توت^{۳۹}، توت^{۴۰}، توت^{۴۱}، توت^{۴۲}، توت^{۴۳}، توت^{۴۴}، توت^{۴۵}، توت^{۴۶}، توت^{۴۷}، توت^{۴۸}، توت^{۴۹}، توت^{۵۰}، توت^{۵۱}، توت^{۵۲}، توت^{۵۳}، توت^{۵۴}، توت^{۵۵}، توت^{۵۶}، توت^{۵۷}، توت^{۵۸}، توت^{۵۹}، توت^{۶۰}، توت^{۶۱}، توت^{۶۲}، توت^{۶۳}، توت^{۶۴}، توت^{۶۵}، توت^{۶۶}، توت^{۶۷}، توت^{۶۸}، توت^{۶۹}، توت^{۷۰}، توت^{۷۱}، توت^{۷۲}، توت^{۷۳}، توت^{۷۴}، توت^{۷۵}، توت^{۷۶}، توت^{۷۷}، توت^{۷۸}، توت^{۷۹}، توت^{۸۰}، توت^{۸۱}، توت^{۸۲}، توت^{۸۳}، توت^{۸۴}، توت^{۸۵}، توت^{۸۶}، توت^{۸۷}، توت^{۸۸}، توت^{۸۹}، توت^{۹۰}، توت^{۹۱}، توت^{۹۲}، توت^{۹۳}، توت^{۹۴}، توت^{۹۵}، توت^{۹۶}، توت^{۹۷}، توت^{۹۸}، توت^{۹۹}، توت^{۱۰۰}، توت^{۱۰۱}، توت^{۱۰۲}، توت^{۱۰۳}، توت^{۱۰۴}، توت^{۱۰۵}، توت^{۱۰۶}، توت^{۱۰۷}، توت^{۱۰۸}، توت^{۱۰۹}، توت^{۱۱۰}، توت^{۱۱۱}، توت^{۱۱۲}، توت^{۱۱۳}، توت^{۱۱۴}، توت^{۱۱۵}، توت^{۱۱۶}، توت^{۱۱۷}، توت^{۱۱۸}، توت^{۱۱۹}، توت^{۱۲۰}، توت^{۱۲۱}، توت^{۱۲۲}، توت^{۱۲۳}، توت^{۱۲۴}، توت^{۱۲۵}، توت^{۱۲۶}، توت^{۱۲۷}، توت^{۱۲۸}، توت^{۱۲۹}، توت^{۱۳۰}، توت^{۱۳۱}، توت^{۱۳۲}، توت^{۱۳۳}، توت^{۱۳۴}، توت^{۱۳۵}، توت^{۱۳۶}، توت^{۱۳۷}، توت^{۱۳۸}، توت^{۱۳۹}، توت^{۱۴۰}، توت^{۱۴۱}، توت^{۱۴۲}، توت^{۱۴۳}، توت^{۱۴۴}، توت^{۱۴۵}، توت^{۱۴۶}، توت^{۱۴۷}، توت^{۱۴۸}، توت^{۱۴۹}، توت^{۱۵۰}، توت^{۱۵۱}، توت^{۱۵۲}، توت^{۱۵۳}، توت^{۱۵۴}، توت^{۱۵۵}، توت^{۱۵۶}، توت^{۱۵۷}، توت^{۱۵۸}، توت^{۱۵۹}، توت^{۱۶۰}، توت^{۱۶۱}، توت^{۱۶۲}، توت^{۱۶۳}، توت^{۱۶۴}، توت^{۱۶۵}، توت^{۱۶۶}، توت^{۱۶۷}، توت^{۱۶۸}، توت^{۱۶۹}، توت^{۱۷۰}، توت^{۱۷۱}، توت^{۱۷۲}، توت^{۱۷۳}، توت^{۱۷۴}، توت^{۱۷۵}، توت^{۱۷۶}، توت^{۱۷۷}، توت^{۱۷۸}، توت^{۱۷۹}، توت^{۱۸۰}، توت^{۱۸۱}، توت^{۱۸۲}، توت^{۱۸۳}، توت^{۱۸۴}، توت^{۱۸۵}، توت^{۱۸۶}، توت^{۱۸۷}، توت^{۱۸۸}، توت^{۱۸۹}، توت^{۱۹۰}، توت^{۱۹۱}، توت^{۱۹۲}، توت^{۱۹۳}، توت^{۱۹۴}، توت^{۱۹۵}، توت^{۱۹۶}، توت^{۱۹۷}، توت^{۱۹۸}، توت^{۱۹۹}، توت^{۲۰۰}، توت^{۲۰۱}، توت^{۲۰۲}، توت^{۲۰۳}، توت^{۲۰۴}، توت^{۲۰۵}، توت^{۲۰۶}، توت^{۲۰۷}، توت^{۲۰۸}، توت^{۲۰۹}، توت^{۲۱۰}، توت^{۲۱۱}، توت^{۲۱۲}، توت^{۲۱۳}، توت^{۲۱۴}، توت^{۲۱۵}، توت^{۲۱۶}، توت^{۲۱۷}، توت^{۲۱۸}، توت^{۲۱۹}، توت^{۲۲۰}، توت^{۲۲۱}، توت^{۲۲۲}، توت^{۲۲۳}، توت^{۲۲۴}، توت^{۲۲۵}، توت^{۲۲۶}، توت^{۲۲۷}، توت^{۲۲۸}، توت^{۲۲۹}، توت^{۲۳۰}، توت^{۲۳۱}، توت^{۲۳۲}، توت^{۲۳۳}، توت^{۲۳۴}، توت^{۲۳۵}، توت^{۲۳۶}، توت^{۲۳۷}، توت^{۲۳۸}، توت^{۲۳۹}، توت^{۲۴۰}، توت^{۲۴۱}، توت^{۲۴۲}، توت^{۲۴۳}، توت^{۲۴۴}، توت^{۲۴۵}، توت^{۲۴۶}، توت^{۲۴۷}، توت^{۲۴۸}، توت^{۲۴۹}، توت^{۲۵۰}، توت^{۲۵۱}، توت^{۲۵۲}، توت^{۲۵۳}، توت^{۲۵۴}، توت^{۲۵۵}، توت^{۲۵۶}، توت^{۲۵۷}، توت^{۲۵۸}، توت^{۲۵۹}، توت^{۲۶۰}، توت^{۲۶۱}، توت^{۲۶۲}، توت^{۲۶۳}، توت^{۲۶۴}، توت^{۲۶۵}، توت^{۲۶۶}، توت^{۲۶۷}، توت^{۲۶۸}، توت^{۲۶۹}، توت^{۲۷۰}، توت^{۲۷۱}، توت^{۲۷۲}، توت^{۲۷۳}، توت^{۲۷۴}، توت^{۲۷۵}، توت^{۲۷۶}، توت^{۲۷۷}، توت^{۲۷۸}، توت^{۲۷۹}، توت^{۲۸۰}، توت^{۲۸۱}، توت^{۲۸۲}، توت^{۲۸۳}، توت^{۲۸۴}، توت^{۲۸۵}، توت^{۲۸۶}، توت^{۲۸۷}، توت^{۲۸۸}، توت^{۲۸۹}، توت^{۲۹۰}، توت^{۲۹۱}، توت^{۲۹۲}، توت^{۲۹۳}، توت^{۲۹۴}، توت^{۲۹۵}، توت^{۲۹۶}، توت^{۲۹۷}، توت^{۲۹۸}، توت^{۲۹۹}، توت^{۳۰۰}، توت^{۳۰۱}، توت^{۳۰۲}، توت^{۳۰۳}، توت^{۳۰۴}، توت^{۳۰۵}، توت^{۳۰۶}، توت^{۳۰۷}، توت^{۳۰۸}، توت^{۳۰۹}، توت^{۳۱۰}، توت^{۳۱۱}، توت^{۳۱۲}، توت^{۳۱۳}، توت^{۳۱۴}، توت^{۳۱۵}، توت^{۳۱۶}، توت^{۳۱۷}، توت^{۳۱۸}، توت^{۳۱۹}، توت^{۳۲۰}، توت^{۳۲۱}، توت^{۳۲۲}، توت^{۳۲۳}، توت^{۳۲۴}، توت^{۳۲۵}، توت^{۳۲۶}، توت^{۳۲۷}، توت^{۳۲۸}، توت^{۳۲۹}، توت^{۳۳۰}، توت^{۳۳۱}، توت^{۳۳۲}، توت^{۳۳۳}، توت^{۳۳۴}، توت^{۳۳۵}، توت^{۳۳۶}، توت^{۳۳۷}، توت^{۳۳۸}، توت^{۳۳۹}، توت^{۳۴۰}، توت^{۳۴۱}، توت^{۳۴۲}، توت^{۳۴۳}، توت^{۳۴۴}، توت^{۳۴۵}، توت^{۳۴۶}، توت^{۳۴۷}، توت^{۳۴۸}، توت^{۳۴۹}، توت^{۳۵۰}، توت^{۳۵۱}، توت^{۳۵۲}، توت^{۳۵۳}، توت^{۳۵۴}، توت^{۳۵۵}، توت^{۳۵۶}، توت^{۳۵۷}، توت^{۳۵۸}، توت^{۳۵۹}، توت^{۳۶۰}، توت^{۳۶۱}، توت^{۳۶۲}، توت^{۳۶۳}، توت^{۳۶۴}، توت^{۳۶۵}، توت^{۳۶۶}، توت^{۳۶۷}، توت^{۳۶۸}، توت^{۳۶۹}، توت^{۳۷۰}، توت^{۳۷۱}، توت^{۳۷۲}، توت^{۳۷۳}، توت^{۳۷۴}، توت^{۳۷۵}، توت^{۳۷۶}، توت^{۳۷۷}، توت^{۳۷۸}، توت^{۳۷۹}، توت^{۳۸۰}، توت^{۳۸۱}، توت^{۳۸۲}، توت^{۳۸۳}، توت^{۳۸۴}، توت^{۳۸۵}، توت^{۳۸۶}، توت^{۳۸۷}، توت^{۳۸۸}، توت^{۳۸۹}، توت^{۳۹۰}، توت^{۳۹۱}، توت^{۳۹۲}، توت^{۳۹۳}، توت^{۳۹۴}، توت^{۳۹۵}، توت^{۳۹۶}، توت^{۳۹۷}، توت^{۳۹۸}، توت^{۳۹۹}، توت^{۴۰۰}، توت^{۴۰۱}، توت^{۴۰۲}، توت^{۴۰۳}، توت^{۴۰۴}، توت^{۴۰۵}، توت^{۴۰۶}، توت^{۴۰۷}، توت^{۴۰۸}، توت^{۴۰۹}، توت^{۴۱۰}، توت^{۴۱۱}، توت^{۴۱۲}، توت^{۴۱۳}، توت^{۴۱۴}، توت^{۴۱۵}، توت^{۴۱۶}، توت^{۴۱۷}، توت^{۴۱۸}، توت^{۴۱۹}، توت^{۴۲۰}، توت^{۴۲۱}، توت^{۴۲۲}، توت^{۴۲۳}، توت^{۴۲۴}، توت^{۴۲۵}، توت^{۴۲۶}، توت^{۴۲۷}، توت^{۴۲۸}، توت^{۴۲۹}، توت^{۴۳۰}، توت^{۴۳۱}، توت^{۴۳۲}، توت^{۴۳۳}، توت^{۴۳۴}، توت^{۴۳۵}، توت^{۴۳۶}، توت^{۴۳۷}، توت^{۴۳۸}، توت^{۴۳۹}، توت^{۴۴۰}، توت^{۴۴۱}، توت^{۴۴۲}، توت^{۴۴۳}، توت^{۴۴۴}، توت^{۴۴۵}، توت^{۴۴۶}، توت^{۴۴۷}، توت^{۴۴۸}، توت^{۴۴۹}، توت^{۴۵۰}، توت^{۴۵۱}، توت^{۴۵۲}، توت^{۴۵۳}، توت^{۴۵۴}، توت^{۴۵۵}، توت^{۴۵۶}، توت^{۴۵۷}، توت^{۴۵۸}، توت^{۴۵۹}، توت^{۴۶۰}، توت^{۴۶۱}، توت^{۴۶۲}، توت^{۴۶۳}، توت^{۴۶۴}، توت^{۴۶۵}، توت^{۴۶۶}، توت^{۴۶۷}، توت^{۴۶۸}، توت^{۴۶۹}، توت^{۴۷۰}، توت^{۴۷۱}، توت^{۴۷۲}، توت^{۴۷۳}، توت^{۴۷۴}، توت^{۴۷۵}، توت^{۴۷۶}، توت^{۴۷۷}، توت^{۴۷۸}، توت^{۴۷۹}، توت^{۴۸۰}، توت^{۴۸۱}، توت^{۴۸۲}، توت^{۴۸۳}، توت^{۴۸۴}، توت^{۴۸۵}، توت^{۴۸۶}، توت^{۴۸۷}، توت^{۴۸۸}، توت^{۴۸۹}، توت^{۴۹۰}، توت^{۴۹۱}، توت^{۴۹۲}، توت^{۴۹۳}، توت^{۴۹۴}، توت^{۴۹۵}، توت^{۴۹۶}، توت^{۴۹۷}، توت^{۴۹۸}، توت^{۴۹۹}، توت^{۵۰۰}، توت^{۵۰۱}، توت^{۵۰۲}، توت^{۵۰۳}، توت^{۵۰۴}، توت^{۵۰۵}، توت^{۵۰۶}، توت^{۵۰۷}، توت^{۵۰۸}، توت^{۵۰۹}، توت^{۵۱۰}، توت^{۵۱۱}، توت^{۵۱۲}، توت^{۵۱۳}، توت^{۵۱۴}، توت^{۵۱۵}، توت^{۵۱۶}، توت^{۵۱۷}، توت^{۵۱۸}، توت^{۵۱۹}، توت^{۵۲۰}، توت^{۵۲۱}، توت^{۵۲۲}، توت^{۵۲۳}، توت^{۵۲۴}، توت^{۵۲۵}، توت^{۵۲۶}، توت^{۵۲۷}، توت^{۵۲۸}، توت^{۵۲۹}، توت^{۵۳۰}، توت^{۵۳۱}، توت^{۵۳۲}، توت^{۵۳۳}، توت^{۵۳۴}، توت^{۵۳۵}، توت^{۵۳۶}، توت^{۵۳۷}، توت^{۵۳۸}، توت^{۵۳۹}، توت^{۵۴۰}، توت^{۵۴۱}، توت^{۵۴۲}، توت^{۵۴۳}، توت^{۵۴۴}، توت^{۵۴۵}، توت^{۵۴۶}، توت^{۵۴۷}، توت^{۵۴۸}، توت^{۵۴۹}، توت^{۵۵۰}، توت^{۵۵۱}، توت^{۵۵۲}، توت^{۵۵۳}، توت^{۵۵۴}، توت^{۵۵۵}، توت^{۵۵۶}، توت^{۵۵۷}، توت^{۵۵۸}، توت^{۵۵۹}، توت^{۵۶۰}، توت^{۵۶۱}، توت^{۵۶۲}، توت^{۵۶۳}، توت^{۵۶۴}، توت^{۵۶۵}، توت^{۵۶۶}، توت^{۵۶۷}، توت^{۵۶۸}، توت^{۵۶۹}، توت^{۵۷۰}، توت^{۵۷۱}، توت^{۵۷۲}، توت^{۵۷۳}، توت^{۵۷۴}، توت^{۵۷۵}، توت^{۵۷۶}، توت^{۵۷۷}، توت^{۵۷۸}، توت^{۵۷۹}، توت^{۵۸۰}، توت^{۵۸۱}، توت^{۵۸۲}، توت^{۵۸۳}، توت^{۵۸۴}، توت^{۵۸۵}، توت^{۵۸۶}، توت^{۵۸۷}، توت^{۵۸۸}، توت^{۵۸۹}، توت^{۵۹۰}، توت^{۵۹۱}، توت^{۵۹۲}، توت^{۵۹۳}، توت^{۵۹۴}، توت^{۵۹۵}، توت^{۵۹۶}، توت^{۵۹۷}، توت^{۵۹۸}، توت^{۵۹۹}، توت^{۶۰۰}، توت^{۶۰۱}، توت^{۶۰۲}، توت^{۶۰۳}، توت^{۶۰۴}، توت^{۶۰۵}، توت^{۶۰۶}، توت^{۶۰۷}، توت^{۶۰۸}، توت^{۶۰۹}، توت^{۶۱۰}، توت^{۶۱۱}، توت^{۶۱۲}، توت^{۶۱۳}، توت^{۶۱۴}، توت^{۶۱۵}، توت^{۶۱۶}، توت^{۶۱۷}، توت^{۶۱۸}، توت^{۶۱۹}، توت^{۶۲۰}، توت^{۶۲۱}، توت^{۶۲۲}، توت^{۶۲۳}، توت^{۶۲۴}، توت^{۶۲۵}، توت^{۶۲۶}، توت^{۶۲۷}، توت^{۶۲۸}، توت^{۶۲۹}، توت^{۶۳۰}، توت^{۶۳۱}، توت^{۶۳۲}، توت^{۶۳۳}، توت^{۶۳۴}، توت^{۶۳۵}، توت^{۶۳۶}، توت^{۶۳۷}، توت^{۶۳۸}، توت^{۶۳۹}، توت^{۶۴۰}، توت^{۶۴۱}، توت^{۶۴۲}، توت^{۶۴۳}، توت^{۶۴۴}، توت^{۶۴۵}، توت^{۶۴۶}، توت^{۶۴۷}، توت^{۶۴۸}، توت^{۶۴۹}، توت^{۶۵۰}، توت^{۶۵۱}، توت^{۶۵۲}، توت^{۶۵۳}، توت^{۶۵۴}، توت^{۶۵۵}، توت^{۶۵۶}، توت^{۶۵۷}، توت^{۶۵۸}، توت^{۶۵۹}، توت^{۶۶۰}، توت^{۶۶۱}، توت^{۶۶۲}، توت^{۶۶۳}، توت^{۶۶۴}، توت^{۶۶۵}، توت^{۶۶۶}، توت^{۶۶۷}، توت^{۶۶۸}، توت^{۶۶۹}، توت^{۶۷۰}، توت^{۶۷۱}، توت^{۶۷۲}، توت^{۶۷۳}، توت^{۶۷۴}، توت^{۶۷۵}، توت^{۶۷۶}، توت^{۶۷۷}، توت^{۶۷۸}، توت^{۶۷۹}، توت^{۶۸۰}، توت^{۶۸۱}، توت^{۶۸۲}، توت^{۶۸۳}، توت^{۶۸۴}، توت^{۶۸۵}، توت^{۶۸۶}، توت^{۶۸۷}، توت^{۶۸۸}، توت^{۶۸۹}، توت^{۶۹۰}، توت^{۶۹۱}، توت^{۶۹۲}، توت^{۶۹۳}، توت^{۶۹۴}، توت^{۶۹۵}، توت^{۶۹۶}، توت^{۶۹۷}، توت^{۶۹۸}، توت^{۶۹۹}، توت^{۷۰۰}، توت^{۷۰۱}، توت^{۷۰۲}، توت^{۷۰۳}، توت^{۷۰۴}، توت^{۷۰۵}، توت^{۷۰۶}، توت^{۷۰۷}، توت^{۷۰۸}، توت^{۷۰۹}، توت^{۷۱۰}، توت^{۷۱۱}، توت^{۷۱۲}، توت^{۷۱۳}، توت^{۷۱۴}، توت^{۷۱۵}، توت^{۷۱۶}، توت^{۷۱۷}، توت^{۷۱۸}، توت^{۷۱۹}، توت^{۷۲۰}، توت^{۷۲۱}، توت^{۷۲۲}، توت^{۷۲۳}، توت^{۷۲۴}، توت^{۷۲۵}، توت^{۷۲۶}، توت^{۷۲۷}، توت^{۷۲۸}، توت^{۷۲۹}، توت^{۷۳۰}، توت^{۷۳۱}، توت^{۷۳۲}، توت^{۷۳۳}، توت^{۷۳۴}، توت^{۷۳۵}، توت^{۷۳۶}، توت^{۷۳۷}، توت^{۷۳۸}، توت^{۷۳۹}، توت^{۷۴۰}، توت^{۷۴۱}، توت^{۷۴۲}، توت^{۷۴۳}، توت^{۷۴۴}، توت^{۷۴۵}، توت^{۷۴۶}، توت^{۷۴۷}، توت^{۷۴۸}، توت^{۷۴۹}، توت^{۷۵۰}، توت^{۷۵۱}، توت^{۷۵۲}، توت^{۷۵۳}، توت^{۷۵۴}، توت^{۷۵۵}، توت^{۷۵۶}، توت^{۷۵۷}، توت^{۷۵۸}، توت^{۷۵۹}، توت^{۷۶۰}، توت^{۷۶۱}، توت^{۷۶۲}، توت^{۷۶۳}، توت^{۷۶۴}، توت^{۷۶۵}، توت^{۷۶۶}، توت^{۷۶۷}، توت^۷

| | | |
|---|--|---------|
| <i>Morus acedosa</i> Cr. Syn: <i>M. indica</i> L. <i>Morus alba</i> L. | Hendia & Panjub & Bombay & Bengal: Tut | GLO.IN. |
| <i>Morus nigra</i> L. | Baluchistan: Shahtut | GLO.IN. |

۴۸۵- تودری، تودری، تودری، تودری (نامی فارسی) تودریج، شنبله، بزر الهوه، قصیصه: نام‌های دیگر آن: تودریج، لسان، اسحاره، سحار، هندی و سریانی: طودریک - سریانی: اکثر (اسخرون) - یونانی: اروسیمون، هری سمن - عربی: بزر الخمخم، بزر الهوه، قصیصه - اصفهانی: قدومه - کرمانی: مار درخت، مازر درخت - تبریزی: درزیه، ورینه - شیرازی: تدری - شنبله - این گیاه سه قسم است: سرخ، زرد و سفید، نام‌های نوع سرخ در اصفهان: قدومه، گلگون

أروسیمن (Erusimon): تودری - تودریج - عربی: صوب - عجمیه اندلس: شندله - جالینوس: أروسیمون (ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲

[۱۴۱]

| | | |
|--|---|----------------|
| <i>Sisymbrium officinale</i> L. <i>Erysimum officinale</i> L. | اروسیم - توذری - صوب | دیسکورید |
| <i>Sisymbrium</i> spp. | توذریج - فِجَل الجِمال - قسطبری - سماره | الموسوعه |
| <i>Sisymbrium officinale</i> L. <i>Erysimum officinale</i> L. | توذری | زریاب |
| <i>Alyssum campestre</i> L. | تودرنج | طباطبائی |
| <i>Alyssum campestre</i> | <i>Panjub & Bengal: Todri safed</i> | <i>GLO.IN.</i> |

۴۸۱- تُورَئی: نام ہندی میوہ

۴۸۲ - توعمان : ش

۴۸۳- تھکار: (نامی، ہندی)

۴۸۴- «تین»؛ تین^۱، تین^۲، تین^۳، تین^۴، بلس^۵، ام عمر (نام نوعی در شام)، طَبَّار^۶: نام‌های دیگر آن: فارسی: انجیر^۷، بلبلس^۸، شوبا^۹، سوفاس^{۱۰} - رومی: صیکه^{۱۱} - یونانی: بشیوماش^{۱۲} - بربری: تاوَرْت^{۱۳} - سریانی: تین^{۱۴} - عربی: حشا^{۱۵} - عجمی: فیقه^{۱۶} - نام نوعی از آن: جُمَیز، انجبر دشتی^{۱۷} - نوعی دیگر: به نام زُناپیر، زُنباره، زُنپوره، زَنِیره، انجبر حلوانی^{۱۸} - «نیقولاولوس» نام انجبر زمین‌های رمله فلسطین است. و «شاه انجبر» انجیری است که علك (صمغ) و عسل و شیرینی آن بسیار است. و «طَبَّار» نوعی انجبر با نام «تین الرحانی» است.^{۱۹} - «اشبیلی» می‌گوید: دارای انواع(صنف) بسیاری است که برخی عبارتند از: قَلْأَطی - طَبَّار - بنجانى - صدی - مَلّاحی - وحشی - ازغب - شیولی، برجین - لطین - قرطی - فاخر - قصی - برنجان - سهلی - فشک - شعری - فراط - قرشى - نقرار - جعفری - ملجی الاسود - نفریل - بودال - قصری - زنقال - قبی - صباحی - عسیلی - ام عمر - قجلال - برجی - فارق - صنابی - ملجی الایض - دبى - جلیقی، مرتبنی - به شبهه آن «شبر» و به «تین بری»، «ذکار» و به «تین جبلی»، «جَمِیز» گویند.^{۲۰}

سیقا (Suka): تین - بکس [ابن بطار (در ترجمہ دیسکورید) ۱ - ۱۴۰]

| | | |
|-----------------------------|--------------------|-----------|
| <i>Ficus palmata</i> Forsk. | تین - انجیر - طبار | زریاب |
| <i>Ficus carica</i> L. | | |
| <i>Ficus carica</i> L. | تین | دی. - خط. |
| <i>Ficus</i> spp. | تین | الموسوعه |
| <i>Ficus carica</i> L. | تین معروف - بلس | الموسوعه |
| <i>Ficus carica</i> L. | قسمی انجیر وحشی | پارسا |

| | | |
|------------------------|---|----------|
| <i>Ficus carica L.</i> | تین | طباطبانی |
| <i>Ficus carica L.</i> | <i>Hendia & Bengal: Anjir - Punjab: Fagari</i> <i>Sanskrit & Bobay: Anjira</i> | GLO.IN. |

۴۸۵- تیواج:؟

حرف «ث»

۴۸۶- ثافسیا، ثافسیه، ثافسیا، تفسیا، تفسیا، تافسیا، تافسیا (نامی مغربی)، آدریس^ع (نامی بربری)، یفتون: نام صمغ گیاه است. ثافیس نام جزیره ای است که اولین بار گیاه از آن ذکر شده است.^ع در مورد ماهیت آن اختلاف است.^ش آن را صمغ نوعی «کلخ» یا صمغ «سذاب بری» یا صمغ «مثنان» یا صمغ «دمینا» می دانند و برخی آن «سذاب» گفته اند.^ع نام های دیگر آن: یونانی: مراس^ع - بربری: اورباس^ع، آدریاس^ع - مغرب: دریاس^ع - صمغ «سذاب» دانستن آن اشتباه است.^ع

| | | |
|--|---------------------------------------|-------|
| <i>Thapsia garganica</i> | دریاس - دروس - دزست - اذریاس - ثافسیا | زریاب |
| <i>Thapsia garganica</i> <i>Vicia sativa L.</i> | تافسیا | خطابی |
| <i>Gum of Anethum graveolens L.</i> | ثافسیا | EN. |

۴۸۷- ثالیطرون: نام های دیگر آن: کُزْبَرَةُ الحَبْشَةِ^ع - برخی نام ورقه اللطینیه^ع به آن داده اند.^ع

| | | |
|-------------------------------------|----------|-----|
| <i>Thalictrum aquilegifolium L.</i> | ثالیطرون | EN. |
|-------------------------------------|----------|-----|

۴۸۸- ثُداء^ش: در مورد ماهیت آن اختلاف است. ابونصر^ع آن را نوعی خُمَاض با نام «ثُزف» معرفی کرده و «ابو خَرَشَن» خشک آن را «مُصاص» گفته است.^ش

۴۸۹- ثَرمَان^ش: نوعی جنبه از جنس خُمَض است.^ش

۴۹۰- ثَریا^ش:

۴۹۱- ثُغَب^ش: درخت بزرگی است که در قله های کوه رویش دارد.^ش

۴۹۲- ثُغَام^ع، ثُغَام^ش: نام های دیگر آن: عربی: حَلی^ع، اززاری^ش - فارسی: سپید گیاه^ع (درمنه اسپید)

| | | |
|--------------------------------|--------------------|-------|
| <i>Atractylis gummifera L.</i> | ثُغَام - سپید گیاه | زریاب |
|--------------------------------|--------------------|-------|

۴۹۳- ثَلَب^ع: (نامی عربی)

۴۹۴- ثُمَام^ع، ثُمَام^ش: (نامی عربی) نام های دیگر آن: غَزَب^ش - تنکابن: زرواش^ع - مازندران: میل^ع

| | | |
|-----------------------|--------|-------|
| <i>Pennisetum sp.</i> | ثُمَام | زریاب |
|-----------------------|--------|-------|

۴۹۵- ثُوع^ش:

۴۹۶- ثُوم^ش: درخت بزرگی است که در شهرهای عربی رویش دارد.^ش

۴۹۷- «ثوم»، «ثوم»، «ثوم»، «ثوم»، «ثوم»: نام‌های دیگر آن: فارسی: «سیر» - هندی: «لهسن» - سریانی: «توما» - رومی: «اسکردا» - نام‌های نوع دشتی آن: رومی: «اسکردیون» - سریانی: «ثومادیرا» - فارسی: «سیردشتی» - مولیفنس (هوفیوسقردن) - نام‌های ثوم بری: یونانی: «اسقوردیون» - عربی: «ثوم الحیه»، «دراقوسقردیون»^۴
 نام‌های ثوم جبلی: فارسی: «موسیر» - نوع دیگر «ثوم ذی الأسنان» به نام «أغلیس» است.^۵ - «آشیل» می‌گوید: ثوم برگ‌یاهان مختلفی گفته می‌شود که عبارتند از: ۱- ثوم معروف (نوعی بصل) ۲- نوع بستانی با نام‌های: «سقردین»، «لوفو سقردین»، «الیش»، «تیشرت»، «تسکرت» ۳- نوع بری با نام‌های: «اسقردیون»، «ثوم الحیه» ۴- ثوم جبلی با نام «اسقندریون»^۶

شُقُرْدِین (Skordon): ثوم البستانی

أَوْفِیُوشُقُرْدِین (Ophiooskordon): ثوم الحیه

بُرَاسِیُوشُقُرْدِین (Skordoprason): ثوم کُرَائی

أَشُقُرْدِین (Skordion): این گیاه را بخاطر مشابهت در بو «ثوم» نامیده‌اند و جالینوس آن را بعنوان «ثوم بری» معرفی کرده و آن غیر از «ثوم الحیه» است. نام‌های دیگر آن «حافظ الأجساد» و «حافظ الموتی» است و اهالی اندلس به آن «مَطْرَقَال» (Matricalis) و گیاهشناسان اندلسی نیز به آن «حشیشة الثومیه» گویند. [این بیطار (در ترجمه دیکرید) ۳- ۱۳۶ و ۱۳۷]

| | | |
|---|----------------------------------|----------|
| <i>Allium sativum L.</i> | ثوم | ز، خ، ط. |
| <i>Allium sativum L.</i> | شقردین - ثوم بستانی | دیسکورید |
| <i>Allium scorodoprasum L.</i> | براسنوشقردین - ثوم کرائی | دیسکورید |
| <i>Teucrium scordium L.</i> | اشقردین - ثوم بری - حافظ الاجساد | دیسکورید |
| <i>Allium carinatum L.</i> | ثوم جبلی | الموسوعه |
| <i>Allium sativum</i> | ثوم زراعی | الموسوعه |
| <i>Teucrium scordium L.</i> | ثوم الحیه | الموسوعه |
| <i>Allium xiphopetalum Ait.</i> <i>Allium silvestrum</i> | ثوم بری - شقردیون | الموسوعه |
| <i>Allium sativum L.</i> | سیر | پارسا |
| <i>Allium scorodoprasum L.</i> | پیاز کوهی | پارسا |
| <i>Teucrium scordium L.</i> | ثوم کرائی | طباطبائی |

۴۹۸- ثوم بری^۷: چنانچه ذکر شد دیسکورید نام آن را «ثوم الحیه» نهاده ولی جالینوس آن را به گیاه دیگری به نام «أسقردین»^۸ که گیاهشناسان اندلسی به آن «حشیشة الثومیه» گویند اطلاق می‌کند. و به نام‌های «مطرقال»، «حافظ الأجساد» و «حافظ الموتی» نیز نامگذاری شده است. و بسیاری از مترجمان به اشتباه این گیاه را همان «ثوم الحیه» می‌دانند و آن را ذیل ترجمه «ثوم» ذکر می‌کنند.^۹

| | | |
|--|-------------------------|----------|
| <i>Alliaria officinalis L.</i> <i>Sysambrium alliaria Scop.</i> | حشیشة الثومیه - ألباریا | الموسوعه |
| <i>Allium xiphopetalum Ait.</i> <i>Allium silvestrum</i> | ثوم بری - شقردیون | الموسوعه |
| <i>Allium xiphopetalum Ait.</i> <i>Allium silvestrum</i> | ثوم بری | خطابی |

۴۹۹- ثومیه^{۱۰}: حشیشة الثومیه^{۱۱} نام‌های نوع دیگر آن عبارتست از: حشیشة الثومیه، ثوم الضفادع - مطرقال، مطرقان - ملجاله - بلزباله یعنی

۵۰۰-ثومون، ثومون، ثوموس، ثومش^۴: (نامی یونانی) ابوریحان نام آن را «حاشا» ذکر می‌کند.^۵ -نام‌های دیگر آن: فارسی: تخم زرداب^۶ - ترکی: صفراودوی^۷ - حاشا^۸

۵۰۱ - ثیل، تَیْل، تِیْل، تِل، اُغْرُسْطُسْ (نامی یونانی)، نجیل، نجیر: نام‌های دیگر آن: عربی: نَجْمٌ، تِیْلٌ فارسی: قُرْزُدْ (فریز)، مارنه، مکرنه، بید گیاه - در ماوراءالنهر و فرغانه: کوم - یونانی: اغرواطس - لَحْبَةُ التَّيْسِ - تخم - عربی: نجم، نجیل، وشیح، عکرش، نجمه، تخمه، خومه - ترکی: پیلان فردی - تنکابن: کرک جروش - دیسکورید: اُغْرُسْطُسْ - مغرب: نجیر^۴ اشبیلی می‌گوید: دارای سه نوع است: ۱ - نام‌های نوع اول عبارتست از: وشیح، اغرسطس، اغرسطیس، ماده، دقتوریه، غراه، آقار، نجم، نجیل، ورپزه، شناقه ۲ - نام‌های نوع دوم: عِکْرِش، قالامغرسطس ۳ - نام‌های نوع سوم: مرطنه، خِذراف، قَصَبه^۵

اُغْرُسْطُسْ (*Agrostis*): عربی: نَجْمٌ، تِیْل - لاتینی عمومی: نَجِيل، نَجِير (*Neguilla*) - عِکْرِش - بربری: أَفَار [ابن بیطار] (در ترجمه دیسکورید) ۴- ۶ [۲۷]

| | | |
|---|------------------------------------|----------|
| <i>Agropyrum repens</i> Beauv. <i>Triticum repens</i> L. | اگرسطس - نجم - ٹیل - عکرش - نجیر | الموسوعه |
| <i>Digitaria stolonifera</i> Schrad. <i>Cynodon dactylon</i> L. <i>Panicum dactylon</i> L. <i>Dactylon officinale</i> Villars. | ٹیل - ٹیل | الموسوعه |
| <i>Triticum repens</i> L. | چمن - مرغ - بید گیاه - شیئل - نخیل | پارسا |
| <i>Agropyrum repens</i> Beauv. <i>Triticum repens</i> L. | ٹیل - عکرش - فرزد | زریاب |
| <i>Agropyrum repens</i> Beauv. | نجم | طباً. |

۵۰۲ - چا:

۵۰۳ - جابور^ش: قيساطه^ش
 ۵۰۴ - جار النهر^ش، جار النهر^ش، جار النهر^ش، سلق الماء^ش، سلق الماء^ش: نام‌های دیگر آن: سلق الماء^ش - در کتاب
 دیسکورید: بوطاموغیطن^ش، یعنی همسایه نهر، زیرا همیشه در کنار آب های روان و مکان‌های جنگلی و حلقه چاه‌ها
 می‌روید.^ش

| | | |
|------------------------------|-------------------------------------|------------|
| <i>Potamogeton natans</i> L. | جارد النهر | زر. - طبا. |
| <i>Potamogeton natans</i> L. | جارد النهر - سلق الماء - لسان البحر | الموسوعه |

۵۰۵ - جاشوش^ص (جاسوس)، جاسوس^ع: نام‌های دیگر آن: خشخاش الزبدی^ع - کاشوش^ص - سریانی: کشوش^ص - دیسکورید نام آن را «میغن افرووس» می‌داند که این نام معادل «جاشوش» یا «جاسوس» و «خشخاش زبدی» ذکر شده است.^ص

| | | |
|-------|-------|---|
| زریاب | جاشوش | <i>Silene infelata</i> Sm. <i>Silene cucubalus</i> Willd <i>Gratiola officinalis</i> L. |
|-------|-------|---|

۵۰۶ - جام بهل^ف: (نام میوه هندی) نام دیگر آن به بنگالی «سفری» است.^ف

۵۰۷ - چامرکهایس^ف: (نامی هندی و بنگالی)

۵۰۸ - جامون^ف: (نام میوه هندی)

۵۰۹ - جاوژس^ف، جاووس^ص، جاورس^ع، جاورس^ث، جاورس^ث (معرب گاورس)، کنخوس^ع، کیموس^ص: نام‌های دیگر آن: کاورس^ف، گاورس^ص - رومی: کنخون^ص - عربی: دخن^ص - هندی: باجرا^ف - سه نوع است: نام‌های نوع اول: فارسی: ارزن^ث - شیرازی: آلم^ف - نام‌های نوع دوم: فارسی: ذرت^ف - هندی: جوار^ف - نام‌های نوع سوم: جاورس که همان معرب گاورس^ث است. - شیرازی: کال^ث - هندی: کنکنی^ف - یک نوع دیگر: جاورس هندی^ث - فارسی: ذره^ث - گاورس بر سه گونه است یکی (از) گونه (های آن) «دخن» است.^ص «اشبیلی» می‌گوید: دارای سه نوع ۱- ذره ۲- شینه ۳- دخن بری^ث است که دانه‌های آن‌ها به ترتیب کوچک می‌شود. نام‌های دیگر دخن بری عبارتست از: کنجروس، قمح السودان، بنجاین «غسانی» می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف کرده‌اند گروهی آن را نام «دخن» دانسته و گروهی آن را نامی برای «ذره» می‌دانند و مشهور آنست که همان «دخن» است.^ث «ابن وافد» می‌گوید: این گیاه نزد همه پزشکان نوع کوچک «دخن» است و دانه‌ای محکم و خاکستری رنگ دارد، ولی نزد غالب مترجمان نام خود «دخن» است، به خلاف دیگران «ابوحنیفه» برای «دخن» دو قسم ذکر می‌کند و معتقد است «جاووس» نام فارسی و «دخن» نامی عربی است.^ع

کیخروس^ف (Kengkros): نوعی از «ذره» که اطباء آن را «جاووس» می‌نامند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۸۲]

| | | |
|----------|--|---|
| دیسکورید | کیخروس - جاووس | <i>Panicum miliaceum</i> L. <i>Opopanax chironium</i> Koch |
| زر - خط. | جاورس - دخن | <i>Panicum miliaceum</i> L. <i>Opopanax chironium</i> Koch |
| پارسا | قسم ارزن - ذرت دانه ریزه - دیميله (بانه) | <i>Holcus sorgum</i> |
| پارسا | ارزن | <i>Panicum miliaceum</i> L. |
| پارسا | ذرت | <i>Zea mais</i> |
| EN. | جاورس | <i>Milium indicum</i> |

۵۱۰ - جاوشیر^ف (نام صمغ)، جاوشیر^ص، جاوشیر^ث، جاوشیر^ث، جاوشیر^ث، فاناqs ایراقلیوس^ع، جاوشیر^ع، جاوشیر^ث، فاناqs ابراقلیون^ث: از جنس کفوف و نوعی جنبه است.^ث نام‌های دیگر آن: جاوشیر^ث، جاوشیر^ع، فارسی: گاوشیر^ص، لاوشیر^ص، جاوشیر^ث، کوشیر^ث، کاهل^ص، این گیاه از اصفهان جمع آوری می‌شود.^ص - شیرازی: جاحوشی^ث - سریانی: ذفارا^ص، حلباتورا^ص - یونانی: ابوبیناقس^ص (ابوپاناقس نام صمغ و پاناقس نام گیاه است). - رومی: باناقس^ص - عسالیج - ابرای^ث - ابرقلیون^ث - ابرقینون^ث - برورا^ث - جلوکا^ث

فاناqs ایزقلیون^ث (Panakes herakleion): برگردان آن به عربی «فاناqs کبیر» و نام درخت - گیاه - «جاوشیر» و نام ریشه آن به

سریانی «برورا» است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۵]

| | | |
|--|-----------------------------|-----------|
| <i>Opopanax sp.</i> | کاشیر - جاشیر - بیسارون بری | الموسوعه |
| <i>Opopanax chironium Koch.</i> | فاناقس ابرقلیون - جاشیر | دیسکورید |
| <i>Opopanax chironium Koch.</i> | جاشیر | طبا.، EN. |
| <i>Ferula galbaniflua Boiss. & Buhse</i> | India: Jawashir | GLO.IN. |

۵۱۱ - چاؤل مُنْکری: (نام درخت هندی)

۵۱۲ - جامع اللحم: به دو گیاه مختلف گفته می شود یکی «فول الحمام» و دیگری نوعی از «یتوع» است.^ش۵۱۳ - جَبْرَة، جیره: (نام مغربی مشتق از جبر)، اولسطیون: نام های دیگر آن: گیاهشناسان اندلس: جبره^ع - یونانی: اولسطیون^ع (به معنای جمع کننده پوست)اولسطیون (*Holosteon*): برگردان عربی آن «جامع البضع»^(۱) یعنی جمع کننده گوشت است و آن را نمی شناسم. این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۱]

| | | |
|--------------------------------|-----------------------|----------|
| <i>Holosteum umbellatum L.</i> | اولسطیون - جامع البضع | دیسکورید |
|--------------------------------|-----------------------|----------|

۵۱۴ - جَبْلَاهَنک، جِبلَاهَنک، جَبْلَهَنک، جَلْهَنک، جِلْهَنک، جِلْهَنک، جَلْهَنک: معرب جبل هنج که نام فارسی دانه ای است. - نام های دیگر آن: جلهنک^ع، جِلْهَنک^ع، جِلْهَنک^ع، جِلْهَنک^ع، جِلْهَنک^ع - نام گیاه در کتاب دیسکورید: سیسامویداس الکبیر، به معنای مشابه «سمسم»^ع

| | | |
|-----------------------|--|------------|
| <i>Reseda alba L.</i> | خزام ایض - ذیل ایض - ذیل الخروف - جَلْهَنک | الموسوعه |
| <i>Reseda alba L.</i> | جبلاهنک | زر. - طبا. |

۵۱۵ - جَبَه:

| | | |
|----------------------------------|-----|----------|
| <i>Hibiscus rosa-sinensis L.</i> | جبه | الموسوعه |
|----------------------------------|-----|----------|

۵۱۶ - جَنْجَاث، جَنْجَاث، جَنْجَاث: (نامی عربی) نام های دیگر آن: یونانی: بردیسیون^ع - ریحان بری^ع - مصر: شاهور^ع

| | | |
|-------------------------------|-------------------|-------|
| <i>Pulicaria crispa Cass.</i> | جشجاث - ریحان بری | زریاب |
|-------------------------------|-------------------|-------|

۵۱۷ - جَدَوَار، جَدَوَار، جَدَوَار، جَدَوَار، جَدَوَار، جَدَوَار: (نام ریشه) معرب زوار نام های دیگر آن: عربی: انتله^ع - یونانی: ساطریوس^ع - مغربی: ماه فرین، ماه فروین^ع - هندی: نیرِسی^ع ('نیر' به معنای دافع و خالص کننده و بسی به معنای زهر است).

| | | |
|-------------------------------|--|-----------|
| <i>Curcuma zedoaria Rosc.</i> | جدوار | زر. - خط. |
| <i>Curcuma zedoaria Rosc.</i> | جدوار عقید، کرکم زَزوار، زدوار، سَطْوَال | الموسوعه |
| <i>Curcuma caesia Roxb.</i> | جدوار اسود، کرکم اسود | الموسوعه |

۱- ابن جلیجل بجای این واژه در برگردان نام جامع اللحم را آورده است.

۵۱۹ - جرجار^ش: نوعی ترمس

نام‌های تخم آن: هالوم، هالم، چند سور، چند سر^۱ - سیستان: تره میره^۲ - یونانی: اغریمون^۳، ایبهقان^۴، کشا^۵ - ماوراءالنهر: اندوا^۶ - نام‌های نوع دشتی: عربی: نَهَق^۷، جرجیر الماء^۸، جرجیر الهر^۹ - دارای دو نوع: یکی به نام خردل بری^۱ - نام نوع بری: بهقان^۲ - نام‌های نوع بستانی: کف عایشه^۳ - فارسی: کیکر^۴ - شیرازی: کهزک^۵، کفرک^۶ - بستانی خود دارای سه نوع است: یک نوع: مازندران: شاه‌تره، کورتره^۷ - تنکابن: خاص تره^۸ و تخم آن: حرف بابلی^۹ - نوعی دیگر: رشاد^{۱۰} - فارسی: تره‌تیزک^{۱۱} - نوع سوم: دارای بذری به نام حب الرشاد^{۱۲} "غافقی" می‌گوید: نام «جرجیر بری» «أبهقان» است و دارای دو نوع است یکی «خسا» یا «خردل بری» می‌شناسند و دیگری دارای گل قرمز رنگ است.^{۱۳} «اشبیلی» می‌گوید: جرجیر دارای چهار نوع است: ۱ - نوعی کرفس با نام جرجیر الماء ۲ - نوعی فجل بری با نام جرجیر ۳ - نوع کشنده با نام مَرناغر ۴ - نوع خوراکی با نام خرسیطس^{۱۴} - "غسانی" می‌گوید: این گیاه دارای اصنافی است یکی با نام «جرجیر الماء» و آن از انواع «کرفس» است. و دیگری نوعی از «فجل بری» است که خود دارای دو نوع است نوع اول زیر نیست و دیگری زیر و به ارتفاع یک یا دو ذراع است... و این گیاه در فاس با دو نام «وحمو» و «شطبة» معروف است.^{۱۵}

اُوزِیْمَن (Euzomzn): جَزْجِر - کُتَّاء - ابو حنیفہ نام نوع بڑی را «أیهقان» می دانند. [ابن بطار (در ترجمہ دیسکورید) ۱۲۴ - ۱۲۵]

| | | |
|---|---|------------------------|
| <i>Eruca sativa</i> Lam. <i>Brassica erucastrum</i> L. <i>Lepidium campestre</i> L. <i>Thlaspi campestre</i> L. | اوزيمن - جرجير كُناه نَهَق حرف بابلی | دیسکورید |
| <i>Brassica erucastrum</i> L. <i>Brassica erucastrum</i> L. <i>Lepidium campestre</i> L. <i>Thlaspi campestre</i> L. | ایهقان - اوزيمن بری - جرجیر بری نَهَق حرف بابلی | دیسکورید |
| <i>Eruca sativa</i> Lam. <i>Brassica erucastrum</i> L. <i>Lepidium campestre</i> L. <i>Thlaspi campestre</i> L. | جرجیر | زریاب طباطبائی |
| <i>Eruca sativa</i> Lam. <i>Brassica erucastrum</i> L. <i>Lepidium campestre</i> L. <i>Thlaspi campestre</i> L. | جرجیر - رُکَه - کُناه - ایهان | الموسوعه |
| <i>Barbarea vulgaris</i> R.Br. <i>Brassica erucastrum</i> L. | جرجیر البر - جرجیر ارض - بریاره جرجیر بری - ایهقان | الموسوعه الم. - خط. |
| <i>Senecio coronopifolius</i> Defs. | جرجیر الجبل | خطابی |
| <i>Sium latifolium</i> L. | جرجیر الماء | خطابی |
| <i>Eruca sativa</i> Lam. | جرجیر | EN. |

۵۲۱ - جرجير الكلاب^ش: نوعی لفت پری معروف به اخشنه^ش

۵۲۲ - جرمامة: نوعی بقل نام های دیگر آن: دُنج - باربه دلابر یعنی لحيۃ الارنب - باربه قُتلیۃ یعنی لحيۃ القنلیۃ^ش

۵۲۳ - جَرَمیلک: نام های دیگر آن: کوهستان و لرستان: وجائق^۱ - ترکان: نبات ازاد^۲

۵۲۴ - جرنوب^۳: نام های دیگر آن: حُرِیق الأملس^۴ - جلبوب^۵

۵۲۵ - جَرَوْنَجی: (نامی هندی)

۵۲۶ - جریال^۶: معرب گرد هیار و گریال^۷ - نام های دیگر آن: در اصطلاح رنگرزان: عروس آب^۸، جریال بقم^۹ - عربی:

جریال^{۱۰}، جریله خمر^{۱۱} (به رنگ خمر جریال گویند).

۵۲۷ - جَزَر، جَزَر، جَزَر، جَزَر، جَزَر، نهشل^{۱۲}، نهشل^{۱۳} (نام نوع بری) بزر الجزر البستانی^{۱۴}، بزر الجزر البری^{۱۵}:

معرب کرد فارسی از جنس هدبات است. - نام های دیگر آن: فارسی: زردک^{۱۶}، گزر^{۱۷} - هندی: کاجر^{۱۸} - سریانی:

اصطفیلین^{۱۹} - یونانی: دقفوس^{۲۰}، دقیقه^{۲۱}، دقفینی^{۲۲} - رومی: دقفین^{۲۳}، کشور^{۲۴}، کرز^{۲۵} - فاس: سفناریه^{۲۶} - مراکش: خیزو^{۲۷}،

اقلیشا^{۲۸} - بزر الجزر البستانی - تخم گرز^{۲۹} - بزر الجزر البری - دوقو^{۳۰} - نام نوعی از آن: زوفس^{۳۱} (شاید همان دوقس باشد)

- نام های نوع دشتی: در کتاب دیسکورید: اصطفالینوس^{۳۲} - رومی: نافوس^{۳۳} - بنا به نقل اهوازی: شقاق^{۳۴}، شقاق^{۳۵}

نام های نوع بری: اسطافالیوس^{۳۶}، اسطافالیقوس^{۳۷} اغریوس^{۳۸}، نام نوعی: دوقو^{۳۹} - نام نوعی: دوقو القراذی^{۴۰} - دشتی آن «شقاق^{۴۱}»

باشد. ^{۴۲} «اشبیلی» می گوید: دارای انواع بسیار است که برخی عبارتند از: ۱ - نوع بری با نام های: اسطافالینوس اغریوس، دوقو الاحرش، اصطفلین،

مازش، جهنک، بشتناق^{۴۳} ۲ - نوعی با نام دوقو القراذی ۳ - نوعی با نام لباله و صناعیه ۴ - نوعی با نام دوقو الرومی ۵ - نوعی با نام بهنک و جهنک

۶ - نوعی با نام قمح جبلی و بسطیقون^{۴۴}

أسطفالینوس أغریوس (Staphulinos agrios): جَزَر بری - دوقو - جزر بستانی

جَنجیدِیون (Gingidion): اصطفن ابن بسیل آن را «شاهترج» می داند در صورتیکه نه تنها با مشخصات «شاهترج» همخوانی

ندارد بلکه با آن مغایر است و صحیح آن است که این گیاه را نوعی «جزر بری» بدانیم. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۴۹ - ۲ - ۱۲۱]

| | | |
|------------|---|--------------------------------|
| ز - خ - ط. | جزر | <i>Daucus carota L.</i> |
| دیسکورید | اسطافالینوس اغریوس، جزر بری، جزر بستانی | <i>Daucus carota L.</i> |
| دیسکورید | جنجیدیون - نوعی جزر بری | <i>Daucus gingidium L.</i> |
| الموسوعه | جزر - اصطفلین | <i>Daucus carota L.</i> |
| الموسوعه | جزر بری | <i>Daucus carota L.</i> |
| الموسوعه | جزر الرعاة - دوقس | <i>Athamanta cretensis</i> |
| پارسا | گزر دشتی | <i>Pastinaca sativa L.</i> |
| پارسا | گزر صحرائی - شقاق مصری | <i>Pastinaca secacul Russ.</i> |

۵۲۸ - جُعْدَه، جَعْدَه، جَعْدَه، جَعْدَه، جَعْدَه، جَعْدَه: از جنس شیحات است نام های دیگر آن: یونانی: فولیون^{۴۵} -

کیسرگونه^{۴۶} - کیسومر^{۴۷} نوع صغیر جبلی به شیرازی: گل اربه^{۴۸} - نوع کبیر، نوع بستانی: جَعْدَه کبیر^{۴۹} - فارسی: عنبر

بید^{۵۰} «اشبیلی» می گوید: نام جَعْدَه در کنار نام های مشابهی چون «جَعْدَه، جَعْدَه، جَعْدَه، جَعْدَه، جَعْدَه حزان» قرار می گیرد ولی هیچ یک باهم شباهتی

ندارند و در ماهیت آن اختلاف است و از آن چهار نوع ذکر شده است: ۱ - کوهی سفید معروف به بذلیره ۲ - نوعی معروف به مِسک الجن ۳ - نوع

حرانیه با نام های: الیون، الیاله - بولیون، فولیون، قشبیون، یربه قرشته، شنشطوره، کموتان، قلوبن ۴ - نوع بحری معروف به جَعْدَه

بحری - اما سایر گیاهانی که فقط شباهت اسمی به جَعْدَه دارند عبارتند از: الف - جَعْدَه الجدران که همان هندباء الاجعد است. ب - جَعْدَه

نام یَزْبه بذلیره یعنی از بین برنده قمل که خود دارای دو نوع است و نام های آن عبارتست از: ۱ - مسک الجن، مسک الارض ۲ - تافیزان، فنقین،

میوس، فرلیون ج - جَعْدَه که همان قَرَة العین است. د - جَعْدَه ه - جَعْدَه یَلَه که نوعی اسطوخودوس است. ^{۵۱} - «دیسکورید» نوع جبلی را

«فولیون» می نامند.

پُلُون (Polion): نوع سیاه و سفید «جَعْدَه» را گویند که نام رومی آن «فُولیون» است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۰۵]

| | | |
|---------------------------|--------------|------------|
| <i>Teucrium polium L.</i> | بلوین - جعده | دیسکورید |
| <i>Teucrium polium L.</i> | جعده | زر، EN. |
| <i>Ajuga iva</i> | جعده | طبا. - خط. |

۵۲۹ - جعدة الفناء: نام‌های دیگر آن: دمشق: کُزبرة البیر^ع

۵۳۰ - جُفَت آفرید، جفت آفرید^ع، جفت آفرید^ع: نامی فارسی به معنای زوج آفریده شده^ع

| | | |
|-------------------------|-----------|-------|
| <i>Androsace Tourn.</i> | جفت افرید | زریاب |
|-------------------------|-----------|-------|

۵۳۱ - جُفَن^ث:

۵۳۲ - چَکَی^ف: (نامی هندی) نام دیگر آن به بنگالی «کتهل» است.^ف

۵۳۳ - چَکَوْتَرَه^ف: (نامی هندی) نوعی لیمو^ف - نام دیگر آن به هندی «تاوه» است.^ف

۵۳۴ - چَکَوْنَد^ف: (نامی هندی) نام دیگر آن به هندی «پنواز» است.^ف

۵۳۵ - چَلاپا^ف: (در شهر چلاپا وجود دارد) نام دیگر آن به انگلیسی «جلب» است.^ف

۵۳۶ - جُلْبَان^ع، جَلْبَان^ع، جُلْبَان^ث: از انواع «قُطْنیة» است^ع و دارای سه جنس است، یکی - از آن سه - «کرسنه»... و «جلبان» را در قزوین «خُتر» و در آذربایجان «کلول» و در خراسان گروهی - آن را - «مُلک» گویند.^ع «اشبیلی» می‌گوید: دارای انواع زراعی و غیر زراعی است، گروه زراعی در چهار نوع با نام‌های ۱ - بسیل ۲ - براج، خَلَر، خَزَفی ۳ - شسترن ۴ - جلبان است نام‌های نوع غیر زراعی در پنج نوع عبارتست از: ۱ - بقیه، اباقی ۲ - ... ۳ - اقینی یعنی مکثر اللین، بولوغالی، غلوکش ۴ - جلبان، خَلَر، اربلیش، تنیفن، الخرفا، جلدان، جاجر ۵ - حبشه، اقروم^ث «غافقی» می‌گوید: نوع بزرگ «جلبان» که تنها پخته آن خوراکی است به نام «بسيلة» معروف است و نوع دیگر آن بری است.^ع

| | | |
|-------------------------|-------|----------|
| <i>Pisum sativum L.</i> | جلبان | خطابی |
| <i>Lathyrus sativus</i> | جلبان | طباطبائی |
| <i>Lathyrus sp.</i> | جلبان | EN. |

۵۳۷ - جلبلان الحبشة^ع: ابن جلیجل آن را «بزر خشخاش الأسود» می‌شناسد.^ع

۵۳۸ - جُلْنَار^ف، جَلْنَار^ع، جَلْنَار^ث، جَلْنَار^ع، جَلْنَار^ث، جَلْنَار^ع، بلوسیطون^ع، سَطِیوس^ع، مَظ^ع: معرب گلنار فارسی^ف نام‌های دیگر آن: شیرازی: گل انار صد برگ^ع - هزاره^ف (زیرا گل آن بسیار بزرگ و پر برگ می باشد). - رومی: لاتوریدس^ع، اوثناس^ع (به معنای بهترین گل هاست) - سریانی: وردادرماناس^ع، رمانامصریناس^ع - مصری: خنداقل^ع - نام‌های نوع دشتی: رومی: فلوسیطون^ع - یونانی: کنطینوس^ع - سریانی: رمانادبراس^ع - فارسی: گلنار دشتی^ع - مصری: خنداقل^ع - عربی: مَظ^ع - نام‌های نوع مصری: اورابالاوسطون^ع - میوه درخت «نار» است و به بار «رمان» می‌گویند.^ع - دیسکورید می‌گوید: نام «جَلْنَار بری» «بالسطیون» است^ع «جالینوس» می‌گوید: «جَلْنَار» گل «رمان بری» است و «جَبْنَد» گل «رمان بستانی»^ع بالسطیون (Balaustion): «جُلْنَار» نام گل «رمان بری» و «جَبْنَدَه» گل «انار بستانی» است که به آن «جَلْنَار» نیز گویند. نام دیگر جَلْنَار «رَعَث» است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۱۴]

| | | |
|---------------------------|---------------------|--------------|
| <i>Punica granatum L.</i> | بالسطیون - جَلْنَار | دیسکورید |
| <i>Punica granatum L.</i> | جَلْنَار | ز. - ط. - خ. |
| <i>Punica granatum L.</i> | درخت انار | پارسا |

۵۳۹ - جلنجمون^ش، جلنجویه^ع: نام های دیگر آن: صعتر الفرس^ع - فوتنج البری^ع - یونانی: غلجن^ع - فلائیه^ع - نام دیگر آن صعتر العدس^ش است و شاید همان «صعتر الفرس» باشد که همان «پودنه صحرائی» و صعتر فارسی است.

| | | |
|-------|---------------------|---------------------------|
| زریاب | جلنجمون - صعترالعدس | <i>Mentha pulegium L.</i> |
|-------|---------------------|---------------------------|

۵۴۰ - جُلَسَرین^ع: نوعی از «نسرین» پر خار که در شهرهای ما به «ورد الذکر» معروف است.
 ۵۴۱ - جُلُوز^ش یا جِلُوز^ش، جِلُوز^ش، جِلُوز^ش، جِلُوز^ش، جِلُوز^ش (نامی عربی) نام های دیگر آن: بندق^ش - جیلغوز یعنی جوزالجلیل^ش، جلفوزه مصری^ش - آوزه^ش - فارسی: فندق^ش - اهل مغرب: ارجان^ش، ارقان^ش، بادام کوهی^ش - شیرازی: بخرک^ش - لوز البربر^ش - ابیلانس^ش - بسطیقا^ش
 قاربانیطقا (*Karua pontika*): شجره البُندق - اهالی مغرب: جِلُوز^ش [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۱۴]

| | | |
|----------|---------------------------------|---------------------------|
| زریاب | جلوز - بندق - ارزه | <i>Corylus avelana L.</i> |
| دیسکورید | قاربانیطقا - شجره البندق - جلوز | <i>Corylus avelana L.</i> |

۵۴۲ - جُلهم^ع: گویند نام «عوسج أسود» است.
 ۵۴۳ - جلیف^ع: «غافقی» می گوید: بذر معروف به عجمی اندلس به «بشت» و نام دیگر آن «زوان» است.
 ۵۴۴ - جلیط^ش: نوعی ابله
 ۵۴۵ - جِمَمِجَم^ش، جِمِجَم^ش، جم جم^ش: برخی آن را «بهمن أبيض» می دانند.
 ۵۴۶ - جمسفرم^ع، جمسفرم^ش: گویند به معنای «ریحان سلیمان» است.^ع - نام دیگر آن: جماهو سلیمان^ش

| | | |
|----------|-----------------------------|-----------------------------------|
| الموسوعه | حبق الرهبان - ریحان سلیمانی | <i>Ocimum filamentosum Forsk.</i> |
| طباطبائی | جمسفرم | <i>Ocimum gratissimum L.</i> |

۵۴۷ - جمره الارض^ش: نام مشترک برای گیاه «قُرْئِی» و «شمالال» است. علت نامگذاری به جمره الارض بخاطر رنگ قرمز آتشین آن در مراحل اولیه رویشش می باشد.^ش
 ۵۴۸ - جَمِیز^ش، جَمِیز^ش، جَمِیز^ش، جَمِیز^ش: نوعی انجیر^ش نام های دیگر آن: عربی و یمن: زَقَع^ش - یونانی: شیقوموری^ش، اسفومغری^ش، ایعاسوفسین^ش یعنی تین الاحمق^ش، سیقوموروس^ش - هندی: کولر^ش، ثمر پشه^ش به دلیل آنکه درون میوه آن پشه جمع می شود.^ش - دیسکورید: سیقوموری^ع - سواسینس^ع، به معنای «تین أحمق» - سوفامینوس^ش - فیقوس^ش - فیقومور^ش - فیه منتیره یعنی تین جبلی^ش
 سیقاموری (*Sukomoron*): تین أحمق - جَمِیز - این گیاه در مغرب نمی روید. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید)]

| | | |
|--------------|------|---------------------------|
| د. - خ. - EN | جمیز | <i>Ficus sycomorus L.</i> |
|--------------|------|---------------------------|

۵۴۹ - جَنَت قَابَطَه^(۱): از جنس گیاهان خاردار و از نوع جنبه است و «ابن جزار» آن را به اشتباه «فو» معرفی کرده است. دارای چهار نوع با نام های زیر است: ۱ - کامیونین، ابارس، اسطراطیقوس به معنا شوک المفلل، ایرنجی یعنی مفید برای ورم حالب، جنت قابطه یعنی دارای صد سر، قرصنه - شام: مجنون، ام یحیی، شوکه العقرب شوکه الزرقاء، کوبیه ۲ - اسطراطیقوس الصغری، ارنتاله، زریقاء ۳ - زریقاء، ارنتاله ۴ - اروناردش، بولابیطس، اورمش^ش

۵۵۰ - جناح التیس^۴، جناح التیس^۵: نام «حشف» است و «جناح» نزد عامه اندلس «راسن» نام دارد.^۴
 ۵۵۱ - چَنیا: (نامی هندی)

۵۵۲ - جَنْجَانَسَه: اشبیلی^۴ می‌گوید: نام دو گیاه است: ۱ - عَفْزبان ۲ - هَذیلیه، که برخی آن را نوعی «خولنجان» با نام اندمولیا و الطردونه می‌دانند.^۵

۵۵۳ - جنجل^۴، جنجل^۵، جَنْجَل^۶: در دمشق بسیار است.

۵۵۴ - جنجیدون^۴: هر چند «اصطفی بن یسیل» آن را گیاه «شاهترج» معرفی کرده ولی این درست نیست زیرا من - ابن یطار -

این گیاه را در شهرهای ایتالیا مشاهده کرده‌ام و مشخصات آن را با گیاه «شاهترج» متفاوت دیده‌ام و آن نوعی «جزر» است.^۴

۵۵۵ - جَنْطِیانا، جَنْطِیانا، جَنْطِیانا، جَنْطِیانا، جَنْطِیانا، جَنْطِیانا^۴ (نامی یونانی یا رومی)، بشل^۴، شکه^۴ (نامی

اندلسی)، دواء الحیه^۴، دواء الحیه^۵، کوشاد^۴: نوعی جنبه ریشه «حنظل رومی» است.^۴ اسم آن از نام پادشاهی به نام جنطین که

از آن خواص اطلاع یافت و یا به وسیله آن شفا یافت گرفته شده است. نام‌های دیگر آن: داء الحیه^۴، جنطیان^۴

رومی: اسلیسقان^۴، قنطیانی^۴، غنطیانی^۴ - فارسی: کوشاد^۴ - اندلس: یش کشکه^۴ - هندی: یکهان بید^۴، فاهاس^۴

«ابن یطار» می‌گوید: دارای سه نوع است: نوعی در کوه‌ها و مکان‌های سردسیر و یکی می‌روید که نوع رومی است و نوع دیگر

«جرمقانی» و در مکان‌های مرطوب می‌روید.^۴ - اشبیلی^۴ می‌گوید: دارای دو نوع است: ۱ - نوعی جنطیان الرومی با نام‌های:

شلفین، جنطیانا، بشلش^۴، ثوم الحیه، دواء الحیه^۴، شجر الحیه^۴، لوف الکبیر، نام ریشه: کرشاد، کرنیا ۲ - نوع دوم جنطیانا الجرمقانی^۴

جَنْطِیانا (Gentiana): این گیاه منسوب به پادشاهی به نام «جنطس» است که اولین مرتبه خواص آن را کشف کرده است. نام

های دیگر آن «دواء الحیه^۴»، «کُوشاد» و به لائینی «بَشَلْشَکَه» است و دارای رومی و جَرْمَقانی است. نوع رومی که زرد بسیار تلخ

است بهتر از نوع دیگر بوده و نوع جرمقانی سیاه رنگ و نامرغوبتر است. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۳]

| | | |
|----------|------------------------------|--------------------------|
| ز-خ-ط-E | جنطیانا | <i>Gentiana lutea L.</i> |
| دیسکورید | جنطیانا - دواء الحیه - کوشاد | <i>Gentiana lutea L.</i> |

۵۵۶ - جَنی^۴، جَنی^۵، جَناء^۴، اَج^۴: نوعی از نَشَم است. نام‌های دیگر آن: در قیروان: شُماری^۴ - نزد عرب: برقه^۴ - اهل قدس:

قیقان^۴، یَقَب^۴ - فاس: ساسنوا^۴ - بربری: بوخَنو^۴ - اشبیلی^۴ می‌گوید: جنا الاحمر از جنس درخت خشبی و از نوع ورق الاسی است و

دارای دو نوع است نام‌های نوع اول آن عبارتست از: اباریقون، اماریقون، قامارون، ازیریا، مطرونیه، بذلوزن، ثومارس، ماماقولا، قومارقوس،

اساسنوا، جَنی، جَمَجَو، قاتل ابیه، یَزِطه - و نوع دوم نوع نر و دارای نوع کوچک و بزرگ است.^۴

| | | |
|-------|-----|----------------------|
| خطابی | جنا | <i>Arbutus unedo</i> |
|-------|-----|----------------------|

۵۵۷ - جَوْدَر^۴:

۵۵۸ - جَوَان سَهَرَم^۴: جنسی است از «یاسمین»^۴

۵۵۹ - چوب چینی^۴: خشب الصینی^۴ و بیخ چینی^۴

| | | |
|-------|----------|---|
| پارسا | چوب چینی | <i>Smilax L.</i> <i>Smilax glabra Roxb</i> |
|-------|----------|---|

۵۶۰ - چوب چینی خطائی^۴:

۵۶۱ - جوز^۴، جوز^۵، جَوَز^۴، جوز^۵، جوز^۶، جوز^۷: خسف^۴: نام‌های دیگر آن: گردکان^۴، چهار مغز^۴ - هندی: اخروی^۴ -

جالینوس: قاریاس^۴ - رازی: جوزالمد^۴ - رومی: قریدی^۴ - اوریاسیس: قاریاسلقا^۴ (قاروا باسلیقا) - باسلیقا، قرشیقا^۴ -

قارو ذیائ - نوجی ش - اتسویک ش - برشیقا ش - الموش

قارَباسیلِقا (Karua basilika): جَوْز این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۳۵ / ۱۴۶:

| | | |
|------------------|------------------|----------|
| Juglans regia L. | جوز | زر- طب. |
| Juglans regia L. | قاربابسیقا - جوز | دیسکورید |

۵۶۲ - جَوْز اَرْقَم، جوز اَرْقَم: نام های دیگر آن: بربری: اکتار^ع

| | | |
|-------------------------|----------------------------------|----------|
| Bunium bulbocastanum L. | آا اکتار اجرد - تلفوطه - جوزارقم | الموسوعه |
|-------------------------|----------------------------------|----------|

۵۶۳ - جوز اُرمانیوس^ع: بنا به نظر این بیطار نامی برای «مُخْلَصَه» است.^ع۵۶۴ - جوز الأَنْهَار، جوز الارض^ش: نام های دیگر آن: کاتنج المرجی^ش - در کتاب دیسکورید: قفأ^ع - نام گیاه از نظر ابن جلد و ابن بیطار: جوز القَطَا^ع۵۶۵ - جوز الاكل^ع: از جنس درختان بزرگ است و گویند «جوز السواک» است و در مغرب بطور فراوان یافت شده و مشهور و معروف می باشد.^ع

| | | |
|---------------|-----------|-------|
| Jualans regia | جوز الاكل | خطابی |
|---------------|-----------|-------|

۵۶۶ - جَوْز بَوَا، جوز بَوَا، جوز بَوَا، جوز بَوَا، سبباس^س، دارکیسه^س، جَوْز بَوَا، سبباسه^ع، جارکون^ع، جوز بَوَا، سبباسه^ع (پوست جوزبوا)، جوز بَوَا: نام های دیگر آن: جوز الطیب^ع - جوز بوا مغرب جوزبویای فارسی - یونانی: طریفولین^س، طریفولیا^س - هندی: جای پهل، جای بل^س، جادیفیل^س، ابرسناروا^س، جادوبوی^س، جای بل^س، جانوری^س - سریانی: کوزی دبسم^س، کوزی بویا^س - شام: دارکیسه^ع - عربی: بَسْبَاسَه^ع - فارسی: بزباز، سبزبار^س، کوزبویا^س - جالینوس: بالانوس^س - جوز الطیب^س، جوز الملک^س - نام ریشه آن «قَرْقَه» و نام میوه آن «جوز الطیب» و نام پوست خارجی میوه اش «بَسْبَاسَه» است.^ع اسحاق بن عمران^س می گوید: پوست بخش زیرین چوبی شده «جوزبوا» است که بر بالای پوست صدفی آن پیچیده شده است.^ع - "رازی" می گوید: «جارکون» نام سبباسه^ع است.

| | | |
|---------------------------|---|----------|
| Myristica fragrans Houtt. | جوزبوا - جوزالطیب - بسبلة الطیب - صَبْر | الموسوعه |
| Myristica fragrans Houtt. | جوزبوا - سبباس - دارکیسه | زریاب |
| Myristica fragrans Houtt. | جوزبویا | پارسا |
| Myristica aromatica Lam. | جوزبوا | خطابی |

۵۶۷ - جَوْز جَنْدَم، جَوْز جَنْدَم، جوز جندم^س (مغرب گوز گندم فارسی)، کوز کندم^س، گَوْز گندم^س، کور کندم^ع: نام های دیگر آن: کور گندک^س - گل گندم^س - عربی: نعیج الحبشه، شحم الارض^س - اهل رقه: خرو الحمام^س - اهل اندلس: تربة العسل^س - فرو الحمام^س - شیرازی: گل کندم^س - رومی: کرکسن^س - سریانی: حزازینا دخیقا^س - جوز جندم^ع - جوز جندم جنسی است از کل و طعمش از طعم کل با طعم کندم دهد.^ع

| | | |
|------------------------|----------|-------|
| Lecanora esculenta Ev. | گوز کندم | زریاب |
| Lecanora affini Ev. | | |
| Garicina mangostana L. | | |

| | | |
|-------------------------------|---|----------|
| <i>Garicina mangostana L.</i> | کوز گندم | طباطبائی |
| <i>Garcinia mangostana</i> | جندم مُنْغَسْتان - جوز جندم کُوز گندم - زهره الحجر | الموسوعه |
| <i>Centaurea cyanus L.</i> | گل فیروزه - گل گندم | پارسا |

۵۶۸ - جوز الخَمَسْ، جوز الخمس^۴: (میوه‌ای هندی)

۵۶۹ - جوز الرُّقْع: نام دیگر آن: اهل السراة: رفعة^۵

"ابن هيثم" آن را «جوز القی» می‌داند و در آن تردید است زیرا رازی «رقع الیمانی» و «جوز القی» را یک جا در کتاب «تقاسیم العلل» شرح داده و کیفیت قی را به هر دو نسبت داده است و از طرف دیگر ابو حنیفه طعم «رقع» را شیرین ذکر می‌کند و حال آنکه «جوز القی» شیرین نیست.^۶

۵۷۰ - جوز داود^۷: دانه‌ای که از هند و چین آورده می‌شود.

۵۷۱ - جوز رومی^۸، جوز رومی^۹: نام‌های دیگر آن: اکبروس، اکروفس^{۱۰} - نام صمغ آن: اَشْحَنُ^{۱۱}

| | | |
|-------------------------|----------|-------|
| <i>Populus nigra L.</i> | جوز رومی | زریاب |
|-------------------------|----------|-------|

۵۷۲ - جوز الریح^{۱۲}، جوز الریح^{۱۳}: نام‌های دیگر آن: لقم القاضی^{۱۴}، بنادق البربر^{۱۵} - اَشْبِیلی^{۱۶} می‌گوید: نام میوه نوع دیگر آن «ثمر الغالبه» است و در ناحیه غرطانه به آن «بلیار» گویند.^{۱۷}

۵۷۳ - جوز الزنج^{۱۸}، جوز الزنج^{۱۹}، جوز الزنج^{۲۰}:

| | | |
|----------------------------------|-------------------------|----------|
| <i>Sterculia acuminata</i> | جوز الزنج - کولا - کوله | الموسوعه |
| <i>Amomum granum-paradisi L.</i> | جوز الزنج | خطابی |

۵۷۴ - جوز الشِرْک^{۲۱}، جوز الشرک^{۲۲}، جوز الشرک^{۲۳}: نام‌های دیگر آن: تین الفیل^{۲۴}، جوز الحبشه^{۲۵}

۵۷۵ - جوز العَبْهَر^{۲۶}، جوز العبهَر^{۲۷}:

۵۷۶ - جوز القِطَاة^{۲۸}، جوز القِطَاة^{۲۹}: «قِطَاة» به فارسی یعنی پرنده سنگ خوار، و چون این پرنده بسیار از آن می‌خورد به همین نام مشهور است.^{۳۰}

قیماً^{۳۱} (*Kepaia*): گیاه‌شناسان اندلس به آن «جَوْز القِطَا» گویند زیرا پرنده «قِطَا» بر خوردن این گیاه بسیار حریص است و در طعم آن حالت گسی چون گردوست. "ابن حَسَّان" آن را «شَجَر حب الأسیر» معرفی کرده است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۴۶]

| | | |
|------------------------|-----------------------------|----------|
| <i>Sedum cepaea L.</i> | جوز القِطَا - شجر حب الاسیر | دیسکورید |
|------------------------|-----------------------------|----------|

۵۷۷ - جوز القی^{۳۲}، جوز القی^{۳۳}، جوز القی^{۳۴}، جوز القی^{۳۵}، جوز القی^{۳۶}، جوز القی^{۳۷}: نام‌های دیگر آن: جوز الدفَع^{۳۸} زیرا بوسیله آن قی و اسهال دفع می‌شود. - هندی: ممین پهل^{۳۹}، مین بل^{۴۰} - سندی: منبهل^{۴۱} - فرنگی: نور مطلیه^{۴۲} - رومی:

بلائیوس^{۴۳} - سریانی: کوزی دهفاختا^{۴۴} اَشْبِیلی^{۴۵} می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است و درست آنست که دو نوع دارد: ۱ - سورنجان قتال با نام‌های: قلیغین، جردیونه، افیمارون ۲ - نوعی از نقاخ با نام‌های: رجلة الشتاء و الصیف^{۴۶}

| | | |
|---|----------|-------|
| <i>Euphorbia curcas = Jatropha curcas</i> | جوز القی | پارسا |
| <i>Trichilia enetica Vahl.</i> <i>Elcaya jemenensis Forsk.</i> | جوز القی | زریاب |

| | | |
|--------------------------------|----------------------------|----------|
| <i>Strychnos nux-vomica</i> L. | | |
| <i>Trichilia enetica</i> Vahl. | جوزالقيء | طباطبائي |
| <i>Strychnos nux-vomica</i> L. | | |
| <i>Strychnos nux-vomica</i> L. | جوزالقيء - سترينكنوس القيء | الموسوعة |
| <i>Strychnos nux-vomica</i> L. | جوزالقيء، جوزالمقيء | خطا، EN. |

۵۷۸- جوز الکوثل، جوز الکوثل، جوز الکوثل: (میوه‌ای هندی) جوز القی

| | | |
|-----------------------------|----------|-------|
| <i>Randia dumetorrnm L.</i> | جوز کوئل | پارسا |
|-----------------------------|----------|-------|

[illegible]

| | | |
|---|--|----------|
| <i>Datura metel L.</i> | جوز مائل - بَقَم | الموسوعه |
| <i>Datura metel L.</i> <i>Datura stramonium L.</i> | جوز مائل | زرياب |
| <i>Datura stramonium L.</i> | تاتورہ - جوز مائل | پارسا |
| <i>Datura metel L.</i> | Bengal: Dhatura - Bombay: Dhutura - Hendia: Sadah dhatura Sanskrit: Dhustura - Tamil: Vellum mattai | GLO.IN. |

۵۸۰ - جوز المَرَج^۵، جوز المَرَج^۶: نام‌های دیگر آن: حب الكانج الجبلی^۷ - حب کاکنج کوهی^۸

٥٨١ - جوز النعاس^ش : فارس العود^ش

۵۸۲- جوز الهند^{۳۸}: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را میوه «حور الرومی» و عده‌ای «نخل المقل» و گروهی «شجر الفوفل» می‌دانند و در
 سست آنست که نام دیگر «فارجیل» است. نام‌های دیگر آن عبارتست از: اغرس، یارنج، رانج، تافندوت^{۳۹}

۵۸۲- جوز اليسرو يا جوز الفسرو: نام ديگر آن: كوز كلاغ

۵۸۴ - جولق^۷، جولق^۸: نامی نزد عجم اندلس، که نام لاتینی آن «بلافه»^۹ است و «دارشیشعان» دانستن آن اشتباه است.^{۱۰} «شیللی» می‌گوید: از جنس تمنش و نوعی شوک است. دارای پنج نوع است، نام‌های نوع پنجم آن عبارتست از: اسبالاقوس، دارشیشعان، بلافه، وارونه، شوکه^{۱۱}، رهاویة، قندول^{۱۲}.

۵۸۵ - جوشیصا^۴: (نامی فارسی) نام دیگر آن نزد اهالی جزیره «حوسالی» است.^۵

۵۸۶- چَولاٹی: (نامی، ہندی)

۵۸۷-جینت: (نامی ہندی)

۵۸۸- جیدار، جیدار: (نام، فارسی)

۵۸۹- جیرش^۷: نام دیگر آن از نظر "قسطانین لوقا" «فستق المصری» است.^۷

۵۹۰- جیش: نام دیگر آن: فارسی: شلمیز

۵۹۱-جیگلک؟ (نامی، ترکی)

۵۹۲- جینه: نام دیگر آن: ینبوتة، جمع آن: ینبوت - "اشبیلی" می‌گوید: دارای دو نوع است نوعی کوچک و نوع بزرگ که معروف به «شوکة الشهباء» است و برخی آن را به اشتباه «خزوب النبط» می‌دانند.^{۱۸}

۵۹۳- حاقطی؛ (نامی یونانی) نام‌های دیگر آن: یوسا قطی، شبقه؛

۵۹۴- «حاج»، «حاج»، «حاج»، «ترنجبین»، «ترنجبین»، «ترنجبین»، «نام‌های دیگر آن»: فارسی: «خارشتر» خراسان: ترس - فارس: ارود - اصفهان: اشتر - ترکی: دویتکانی - هندی: جواسا - عاقول
در خراسان ترنجبین روی آن تشکیل می‌شود.^۱ - نام‌های دیگر ترنجبین: جواساسکر یعنی سُکُوالحاج - اصفهان:
اشترانگین - در کتاب الحاوی این نام معادل نامی که دیسکورید از آن بعنوان «أرتقی» یاد می‌کند، آمده و «أرتقی» به زبان
اندلس همان «خلنج» است و درخت «حاج» نمی‌تواند حتی نوعی از آن بشمار آید و / درست همین است / زیرا «حاج» درخت
خارداری است که در شهرهای مصر و شام و عراق به «عاقول» معروف است.^۲ ترنجبین، شبنمی است غسل مانند که از آسمان بر
روی برخی گیاهان چون «حاج» می‌نشیند و برگردان عربی آن «غسل اللّٰدی» است. (بر اثر نیش حشره از گیاه ترشح می‌شود).^(۱)

| | | |
|---|--|----------|
| <i>Alhagi maurorum</i> Tourn. <i>Alhagi mannifera</i> Desv. | عاقول، حاج، زَنْجَبِيل الْعَجَم، اشترغار | الموسوعه |
| <i>Centaurea benedicta</i> L. | خارشتر | پارسا |
| <i>Alhagi camelorum</i> Fisch. <i>Alhagi maurorum</i> Tourn. | ترنجبین | پارسا |
| <i>Alhagi camelorum</i> Fisch. <i>Alhagi maurorum</i> Tourn. | حاج - ترنجبین | زریاب |
| <i>Alhagi mauronum</i> <i>Alhagi maurorum</i> Tourn. | حاج | طباطبانی |

۵۹۵ - حاذ^ش: نوعی از حَمَض^ش

۵۹۶ - حارز الانهار^ش: وجه تسمیه: بر روی آبهای راكد رویش دارد. ^ش نام دیگر آن: سلق الماء^ش، طاموغيطن^ش

۵۹۷ - حارز الماء^{۳۱}: دارای دو نوع است: نوع اول آن را «مربافلن» و نوع دیگر آن را «حارس» می‌نامند. نام‌های دیگر آن عبارتست از: بوطاموغیطس، سطرابطیوس ماریوس یعنی بحری زیرا گیاه بر روی آب می‌روید.^{۳۲} برخی آن را به اشتباه «امیره» و عده‌ای نوعی «عصاالرعی» با نام «ألف ورق» می‌دانند و نام صحیح آن «صنوبر الماء» و معروف به «قُزْبَص» است.^{۳۳}

۵۹۸- حاشا، حاشا، حاشا، حاشا، حاشا، مامور؛ نوعی فوتج، نوعی پودنه کوهی - نام‌های دیگر آن: مامون - یونانی: تومس، ثومس - گیاهشناسان اندلس و اهالی مغرب: صعتر الحمیر، صعتر الحمیر - روفس - نام گناه در کتاب دیسکورید: ٹومش - ٹوس - دارای دونوع حجازی و اندلسی است.

توموس (Thumos): "اصطفن" آن را معادل نام «حاشا» میدانند ولی مشخصات این دو با هم یکی نیست. [این بطلار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۴۴]

| | | |
|--------------------------------------|--|-----------|
| <i>Thymus capitatus</i> Lk. & Hoffm. | ثومس | ديسکورید |
| <i>Thymus capitatus</i> Lk. & Hoffm. | سَعْتَر العَبَس - حاشا - سَعْتَر فارسی | الموسوعه |
| <i>Thymus capitatus</i> Lk. & Hoffm. | حاشا | زر. - خط. |
| <i>Thymus vulgaris</i> L. | حاشا | EN. |

۱- بر اثر نیش حشره‌ای یا کرم آن بر برگ از گیاه ترشح می‌شود.

۶۰۰۔ حاماقسیس ث: حمااقسیس ث

۶۰۲- حَبْحَوُ: (نامی عمانی و شحری)

[illegible]

قَنَابَش (Kannabis): قَنْب - شَهْدَانَج، شَاهْدَانَق

قَنَابَش أَغْرِیون (Kagria): قَنْب بری - اهالی شهرهای ما به آن «قَنْبیه» - اسم تصغیر «قنب» - گویند که همان «شَهْدَانَج بری» است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۴۳ و ۱۴۴]

| | | |
|-----------------------------|---|-------------|
| Cannabis sativa var. indica | قَنَابَش - قَنْب - شَهْدَانَج - شَاهْدَانَق | دیسکورید |
| Althaea cannabina L. | قَنَابَش أَغْرِیون - قَنْب بری - شَهْدَانَج بری | دیسکورید |
| Cannabis sativa L. | حَب السَّمْنَه | زر. - طبای. |
| Cannabis indica L. | شَاهْدَانَه هندی | پارسا |

۶۱۰ - حَب الصَّنَوِیر الصَّغَار: نام دیگر آن به فارسی «تخم کاج» است.^۱

۶۱۱ - حَب الصَّنَوِیر الکِبَار: محل رویش: سیستان - نام دیگر آن: جلفوزه - نام درخت: سوسن^۲

۶۱۲ - حَب العَزِیز، حَب الزَلَم:

| | | |
|-----------------------|---|----------|
| Cyperus esculentus L. | حَب العَزِیز، زَلَم، شُعْدَمَا کول، حَب الزَلَم | الموسوعه |
| Cyperus esculentus L. | حَب العَزِیز | EN. |

۶۱۳ - حَب الفَار:

۶۱۴ - حَب الْقَلْت، حَب الْقَلْت، حَب الْقَلْت، قَلْت، قَلْت، کَاسِر الحَجَر، مَاش هندی قَلْت: قَلْت، مَعَرَب از کَلْتَهه هندی است. نام‌های دیگر آن: سریانی: قَلتا - یونانی: اقونیا - رومی: توانیقی - نزد اهالی عراق: مَاش هندی^۳ - هندی: کَلْتَهی، کَلْتَه - نام‌های نوعی از آن: رابج - عربی: کَاسِر الحَجَر

| | | |
|-----------------------|-------|-------|
| Dolichos biflorus L. | قَلْت | زریاب |
| Dolichos uniflorus L. | | |

۶۱۵ - حَب الْقَلْقَل: برخی آن را به اشتباه «فلفل الابيض» می‌دانند و برخی آن را نوعی «رمان بری» به نام «ارمنین» معرفی کرده‌اند و عده‌ای نیز آن را میوه لوبیائی شکل به نام «قَلْقَل»، «قَلْقَلان» و «قَلْقَل» می‌دانند.^۴

| | | |
|--------------|----------------|-----|
| Dolichos sp. | حَب الْقَلْقَل | EN. |
|--------------|----------------|-----|

۶۱۶ - حَب الْمَحْلَب، مَحْلَب، مَحْلَب، حَب الْمَحْلَب: نام‌های دیگر آن: فارسی: پیوند مریم^۵ - هندی: کھیونی^۶ فیلورا (Philura): "ابن وافد" آن را «شجرة مَحْلَب» می‌داند و ابن حَسَّان آن را به نام «شجرة العُثم» دانسته و دانه آن را به نام «رَعْبَج»^(۱) می‌شناسد ولی به هر دو نظر اشکال وارد است و من - ابن بیطار - این گیاه رانمی شناسم. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۹۸]

| | | |
|------------------------|--|----------|
| Phillyrea latifolia L. | فیلورا - شجرة المَحْلَب؟ - شجرة العثم؟ | دیسکورید |
| Prunus mahaleb L. | مَحْلَب | زریاب |
| Cerasus mahaleb Mill. | | |

۱- رَعْبَج یا زَعْبَج یا زَبُوج و زَبُوج واژهای بربری گرفته شده از «تَزَبُوجَت» (Tazabbugt) و به معنای «زیتون بری و زیتون جبلی است. ابن مراد

| | | |
|----------|-----|------------------------------|
| طباطبائی | محب | <i>Cerasus mahaleb Mill.</i> |
|----------|-----|------------------------------|

۶۱۷ - حب المِئْسَم، حب المِئْسَم^۴: (نامی عربی)

| | | |
|----------|------|---------------------------|
| الموسوعه | مئسم | <i>Aspidium lonchitis</i> |
|----------|------|---------------------------|

۶۱۸ - حب الملوک^۵، حب الملوک^۶، حب الملوک^۷، طارطقه^۸: (۱) نام های دیگر آن: ماهودانه^۹، اهالی مغرب و اندلس «ماهودانه» را نام «قراصیا» می دانند و برخی از مردم نیز آن را نام دانه «صنوبر الکبیر» می دانند. ^{۱۰} - «اشبیلی» می گوید این نام به سه گیاه گفته می شود: ۱ - میوه فستق ۲ - میوه صنوبر ۳ - قراسیا

| | | |
|-------|--|--------------------------|
| پارسا | حب السلاطین، حب الملوک، کرچک هندی، دند، بیدانجیر خطائی | <i>Croton tiglium L.</i> |
|-------|--|--------------------------|

۶۱۹ - حب النيل^{۱۱}، حب النيل^{۱۲}، حب النيل^{۱۳}، حب النيل^{۱۴}، حب النيل^{۱۵}، حب النيل^{۱۶}، حب النيل^{۱۷}: نام های دیگر آن: قرطم^{۱۸} - سریانی: نیلن^{۱۹}، نیل فلفل^{۲۰}، قرطم هندی^{۲۱} - فارسی: تخم نیلوفر^{۲۲} - هندی: مرچائی^{۲۳}، زیرکی^{۲۴} - بنگالی: جهاز قرچه^{۲۵}، اپراچنا^{۲۶}
 أساطیس (Isatis): نیل، نیلج - طین الأخضر - عین الخضراء
 أساطیس آغریا (L. agria): نیل بری [ابن یطال (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۶۵]

| | | |
|--------------|--|--------------------------------|
| دیسکورید | أساطیس، نیل، نیلج، طین الأخضر، عین الخضراء | <i>Isatis tinctoria L.</i> |
| دیسکورید | نیل بری | <i>Isatis tinctoria L.</i> |
| ز. - خ. - ط. | حب النيل | <i>Ipomoea hederacea Jack.</i> |
| پارسا | تخم نیلوفر | <i>Ipomoea hederacea Jack.</i> |

۶۲۰ - حبریان^{۲۷}: نام دیگر آن: ورق الحنا^{۲۸} (گاهی بجای حنا از آن استفاده می شود). نوع کوچک: ارقطس^{۲۹}

۶۲۱ - حَبَق^{۳۰}: نام جنسی است که گیاهان بسیاری را در بر می گیرد و گاهی منظور «فودنج النهری» است و به گیاهان معطر و خوش منظر با ساقه های چهارگوش گفته می شود که برخی از انواع آن عبارتست از: الف - بستانی با ده نوع با نام های: ۱ - نمام، حب مصری، باسلیقی، منّی، ایدراسیمون، مانته ۲ - مقلوب ۳ - حب الصلّی، حب الخَز، برثماز، هیتمازه ۴ - حب الصعتری، حب الکرمائی، حب الحاحی، ریحانة الملك، شاهشُبَر، مارن، ایصورین ۵ - حب القَرْنَفلی، اصابع القینات، ریحانة الرومیه، کمادریون، افرنجمشک، ارفلن، ابنیس ۶ - حب الترَنجانی ۷ - حوک، بادروج، حب العریض الورق، طرطور الحاجب ۸ - ترَنجان، بادرَنجویه، برجارش، تقزین، ترَنجاش، سیسنه، مفرح قلب المحزون، دافع الغم ۸ - ننعن، ایدیا سمن، یوسیمون، ابریا منّی، میوره، بوریخا، هشرار، هازان، هازوما، هرتما ۹ - سیسنبر، شیشنبر، شنبَر، ایدیا سمن، مَنده ۱۰ - مرزنجوش، صمسخن، شرخره، عنقر، مرددوش، حب المُرْد، حب الفتی، ریحانة المروء، مردادوش، سمسقون، سمسخون - ب - بری که نوعی مشکطرامشیع است. - ج - جبلی: با نام حوک و همچنین فودنج جبلی - د - نهري با نام فودنج نهري^{۳۱}
 ۶۲۲ - حب المنتن^{۳۲}:

۶۲۳ - حب المساکین^{۳۳}: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را نوعی «قسوس» و عده ای «لبلاب المجوس» و گروهی «عصا الراعی» و بعضی «بذره» - که درست تر نیز هست - می نامند و در قرطبه به آن «حب المساکین» و «غالبه» می گویند.^{۳۴}

| | | |
|-----|-------------|-------------------|
| EN. | حب المساکین | <i>Hedera sp.</i> |
|-----|-------------|-------------------|

۶۲۵- حَذَقْ^(۱)، حَذَقْ: نام‌های دیگر آن: بادنجان^۲، بادنجان دشتی^۳ - اهل حجاز: شوكة العقرب^۴ - اهل قدس: بادنجان بری^۵ - هندی: بهتکتیه^۶، کتیکن^۷

۶۲۷- حربث، حُرْبُثْ، حُرْبُثْ، حُرْبُثْ: نام‌های دیگر آن: بَبْرَه، تمک، انیسون البری

۶۲۸ - حربہ ص: (نامی عربی)

۶۲۹- حرشاء: "اشبیلی" می‌گوید: به چهار نوع گیاه گفته می‌شود: ۱- نوع مشهورتر آن خردل بری است. ۲- گیاهی به نام رضایف و ردايف ۳- گیاهی به نام مَصاصه و حُرْشه ۴- گیاهی، یا نام قرادیه و قرذالوم^ش

۶۳۰ - حَرْشَفْ، حَرْشَفْ، حَرْشَفْ، حَرْشَفْ، حَرْشَفْ (نامی نبطی)، کَنکَرَسْ، کَنکَرَسْ، کَنکَرَسْ، کَنکَرَزْد (نام صمغ)، تَراب القی، تَراب القی، عَکُوبْ، عَکُوبْ، عَکُوبْ، شُوک الدَّهْن، شُوک الدَّهْن: نام‌های دیگر آن: عربی: عَکُوب، سَلِین، خَرِیع - فارسی: کَنگَرَسْ، دُرُوکی کَنکَرَسْ - سریانی: دَعثالْفَناس - رومی: کَنکَرِیس - یونانی: سَقُولُومَوا - کَبَر - نام نوع بستانی: کَناروس - صمغ آن: کَنکَرَزْد - نام نوع بری: فارسی: کَنگَرَزْد - نام صمغ آن: فارسی: کَنکَرَزْد - کَنگَری - تَراب القی - حَرْشَف «کَنگَر» باشد و او دو جنس است دشتی و بستانی - تَراب القی به فارسی: کَنکَرَزْد نام دارد و آن صمغ «حَرْشَف» است. - «حَرْشَف» دارای انواع بسیاری است ولی مشهور آن تَرَد پَزْشکان نوع بستانی و بری آنست، نوع بستانی آن «کَنکَر» و به عجمی اندلس «قناریه» نام دارد و نام نوع بری به یونانی «سَقُولُومس» است و عامه اندلس به آن «لُصِف» گویند. - «ابن بیطار» می‌گوید: کَنکَر = حَرْشَف بستانی و کَنکَر زْد = صمغ الحَرْشَف، تَراب القی «حامد بن سَمُجُون» می‌گوید: «کَنکَر بری» نوعی از خار با نام یونانی «أَفْنَس» و با نام عربی «هیشِر» است. - «غسانی» می‌گوید: دارای انواع بستانی و بری با انواع فراوان است، نام بستانی آن «قناریه» است. بری آن با انواع فراوان بوده نام نوعی از آن «حَرْشَف» است که گیاه معروفی است و پس از پختن سر شاخه‌های آن مورد استفاده غذائی می‌شود و نام نوع دیگر آن «بَاذُورِد» و نوع دیگر «افزان» و نوعی «تافغیت» و در شهر فاس معروف به «تافنا» است. «اشبیلی» می‌گوید: دارای انواع بری و بستانی با نام‌های زیر است:

۱ - نوع بستانی معروف: کنکر، قناریه، سقولومس، قشلومن، کنجر، خنجر، قنار، عَکَر - اهل شام: عَکُوب ۲ - قناریه بری با نام طوب و قوبع ۳ - تمیط ۴ - الداد، شوک الفلک، بشکرانیة ۵ - شوک الدراجین، عطشان ۶ - باورد ۷ - لصف، ایقد، کنکر الکبیر، سیلونس، عَکُوب الفارسی، شوک الحمل ۵ - لصف، شیشه^ش

سَقُولُمُس (Skolumos): نام‌های دیگر آن عبارتست از: حَرْشَفُ الْبَرِّی - عامه اندلس: أَصَف
 أَاقَشَس (Acanthos): نام‌های دیگر آن عبارتست از: حَرْشَفُ الْبُسْتَانِی - کَنْکَر - عامه اهالی مغرب: قَنَارَهْ (Cynara) [ابن یطّار (در ترجمه

(دیسکورید) ۳ - ۱۴ و ۱۷]

| | | | |
|-------------------------------|-----------|-------------------------------------|------------|
| <i>Cynara scolymus</i> L. | کاشته شده | سفولومس - حشرف بری - لصف | دیسکورید |
| <i>Scolymus hispanicus</i> L. | | أفتشس - حشرف بستانی - کنکر - قناریه | دیسکورید |
| <i>Cynara scolymus</i> L. | کاشته شده | کنکر | زر. - طبا. |
| <i>Cynara scolymus</i> L. | کاشته شده | کنکر دهری - کنکر فرنگی | پارسا |

| | | |
|---|--|------------|
| <i>Gundelia tournefortii</i> L. | تریاک برگردان - تراب القی - کنگر زرد - کنگر | پارسا |
| <i>Cynara</i> sp. | حرشف - هیشر - قَرْدون | الموسوعه |
| <i>Silybum marianum</i> Gaer. | حرشف بری | طبباطبائی |
| <i>Cynara scolymus</i> L. <i>Silybum marianum</i> Gae. | عکوب | زر. - طبأ. |
| <i>Gundelia tournefortii</i> <i>Silybum marianum</i> Gae. | عَكُوب | الموسوعه |
| <i>Cynara scolymus</i> L. <i>Cynara cardunculus</i> L. <i>Silybum marianum</i> Gae. | حرشف بستانی حرشف بری حرشف بری با نام عکوب یا شوک الدمن | خطابی |

۶۳۱- حُرْفْ، حَرْفٌ، حَرْفٌ، حَرْفٌ، حَرْفٌ، حَرْفٌ (نامی نبطی)، ثَفَاءٌ، رِشَاءٌ، قِرْدَامَنْ (یونانی)، حَب الرِشَاءِ: نام‌های دیگر آن: عربی: ثَفَاءٌ، حَب الرِشَاءِ، ثَفَاً - سریانی: مَقْلِیَانَا، مَقْلِیَانَا، مَقْلِیَا، تَحْلِی - بربری: بِلَاسْفِینْ - فارسی: تَخْم سِپندان، اسفند سفید، تَخْم تره تیزک، شَب خیزک - یونانی: قِرَادَامُومَنْ، قِرْدَمُومَنْ - حَرْف المَحْمُص - حَرْف ابیض - هندی: هَالْم، اِهالوا - تُون تَرَه - سِپندان - نام حَرْف ابیض: اسفند سفید، خِرْدَل سفید - نام حَرْف بابلی: بَرْدِیلاسْفِیسْ «شِیْبِلِی» می‌گوید: از جنس هِدْبَات و بصورت زراعی و خودرو است انواع آن عبارتست از: ۱- بستانی احمر زراعی با نام‌های: قِرَادَمَنْ، قِرَادَامُومَنْ، تَاسْلَفِی، تَاسْلَفِینْ، تَنالِیشْ، اِسْطُورَا، ثَفَاءٌ، ثَفَاءٌ، حَرْف البَابِی، مَقْلِیَانَا - ۲- نوع ابیض بستانی: با نام‌های: ثَلَسْفِی، خِرْدَل الفارسی، اسفند، حَرْف الشَّامِی، حَرْف السُّطُوح، حَرْف البَرِی، جَرَجِیر الکَلَاب، حَرْف المَائی، سِیسْرِین - ۳- نوع بستانی مشرقی با نام‌های: لِبِیْذِیون، دِرابِی، حَرْف المَشْرِقی، حَوْ المَاء - «ثَفَاء» نام «حَرْف» معروف به «حَب الرِشَاء» است.^۵

| | | |
|------------------------------------|-----------|---------|
| <i>Lepidium sativum</i> L. | حرف - ثقا | زرياب |
| <i>Nasturtium officinale</i> R.Br. | | |
| <i>Nasturtium officinale</i> R.Br. | حرف | خطا..EN |

۶۳۲- حرف ابیض^۱، اسفند^۲، اسفند اسفید^۳: نام‌های دیگر آن: فارسی: اسفندان سفید^۴ - هندی: سرسون^۵،
 ثلاثیسفیس^۶ - اسفندسناه^۷ (اسفندسناه) اسفندشغان = خردل سفید^۸ - عربی: خردل الایض^۹ - حرف سفید^{۱۰}

| | | |
|---|-------------------|----------|
| <i>Sinapis alba</i> L. <i>Brassica alba</i> L. | اسفند - خردل سفید | زریاب |
| <i>Lamium album</i> L. <i>Brassica alba</i> L. | حرف ابيض | طباطبائی |

۶۳۳- حرف البابلی؛ بزرگلاستیس: نام‌های دیگر آن: سریانی: زوفرا، تحلی، بابلیانا، تلاسفی (Thlaspi): از جنس «حرف» است و آن گیاهی معروفی است که اهالی اندلس آن را با نام «اشیرون» می‌شناسند و برخی از دانشمندان متأخر آن را همان «حرف بابلی» و «حرف أبيض» و «حرف السطوح» می‌شناسند ولی صحیح آنست که «حرف بابلی» همان «حرف احمر» است. [این پطار (در ترجمه دیسکورد) ۲- ۱۳۹]

| | | |
|---------------------------------|-------------------|----------|
| <i>Lepidium campestre</i> R.Br. | تلسفی - حرف بابلی | دیسکورید |
|---------------------------------|-------------------|----------|

۶۳۴- حرف السطوح، حرف السطوح^ث، حرف السطوح^ث، ظفرة الفروج^ث: نام‌های دیگر آن: یونانی: تلسفی^ث، تلسفین^ث - عوام اندلس: اشیرون^ث، آسیرون^ث، اشترینه میاطش^ث - پزشکان: حرف بابلی^ث - نام نوع دیگر: بَجْلین^ث، باذبلین یعنی رجل الفروج^ث - ظفرة الفروج^ث

| | | |
|----------|----------------------------------|----------------------------------|
| الموسوعة | حرف السطوح، خردل فارسی، صواب بری | <i>Lepidium campestris R.BR.</i> |
| طباطبائی | حرف السطوح | <i>Lepidium campestris R.BR.</i> |

۶۳۵- حرف الماء، حرف الماء^ث، حرف الماء^ث، حرف الماء^ث: ؟ نام‌های دیگر آن: جرجیر الماء^ث نام گیاه در کتاب دیسکورید: سنبریون^ث - قرادامون^ث - سیسنبرون^ث - قرادسینی^ث، سیسنبرینی اقوانته، قردامینن

| | | |
|----------|----------------------|--|
| الموسوعة | حرف الماء - رشاد بری | <i>Seneblera coronopus Poir.</i> <i>Cochlearia coronopus L.</i> |
| طباطبائی | حرف الماء | <i>Nasturtium officinale R.Br.</i> |

۶۳۶- حرف المشرقی، حرف مشرقی^ث:

درابی (Drabe): بنا به نظری نام «حرف المشرقی» است و صقاله آن را به نام «أحران» می‌شناسند. ولی من - ابن بیطار - نسبت به آن شناختی ندارم. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۰]

| | | |
|----------|-------------------|--------------------------|
| دیسکورید | درابی - حرف مشرقی | <i>Lepidium draba L.</i> |
|----------|-------------------|--------------------------|

۶۳۷- حُرْمَل، حُرْمَل^ث، حُرْمَل^ث، حُرْمَل^ث، حُرْمَل^ث، حُرْمَل^ث (نامی سریانی)، مولی^ث: نام‌های دیگر آن: فارسی: اسفند، سپند^ث - سریانی: زرع بشاشا^ث - سندی: هملو^ث - سجری: سبری تهلك^ث - سداب البر^ث - نوع دیگر آن: اسفند^ث - دیسکورید: مولی^ث - دو نوع است سفید و قرمز^ث نوع سفید آن نوع عربی است در مورد ماهیت آن اختلاف نظر است. برخی گویند نام «سداب البری» است و گویند نام «خردل» است.^ث - نام‌های نوع سفید: حُرْمَل عربی^ث - یونانی: مولی^ث - فارسی: ضدل دانج^ث - سریانی: بسباسا^ث - نام‌های نوع قرمز: حُرْمَل عامی^ث - فارسی: اسفید^ث - شیرازی: ننوند^ث، هزار سفید^ث - «اشبیلی» می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «سداب بری» و «مولی» می‌گویند و عده‌ای نام فارسی آن را «اسفند» و نام یونانی آن را «مولی» می‌دانند. نام‌های دیگر آن عبارتست از: حُرْمَل، حُرْمَلَة - دارای سه نوع ۱ - حُرْمَل الاحمر ۲ - نوع دیگر آن نوعی از «خردل بری» با نام «ابقارن» است. ۳ - نوعی که «ابوحنیفه» آن را با عنوان «حرملة» معرفی کرده است و سایر نام‌های آن عبارتست از: اسفند، اسفندار، اولایی بوشاشا، حُرْمَل^ث فیغانن (Peganon): واژه صحیح آن با توجه به تلفظ یونانی آن «بیغانن» است و آن نام «سداب بری» و «سداب بستانی» است، دیسکورید تحت همین نام گیاه «حُرْمَل» را که نام فارسی آن «اسفند» است، یادآور می‌شود. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۴۳]

| | | |
|--------------|--|---------------------------|
| ز. - ط. - خ. | حُرْمَل | <i>Peganum harmala L.</i> |
| دیسکورید | فیغانن - بیغانن - اسفند - مولی | <i>Peganum harmala L.</i> |
| پارسا | اسپند - اوزاریخ (ترکی) - سداب کوهی - حُرْمَل | <i>Peganum harmala L.</i> |
| الموسوعة | حُرْمَل - غَلَقَة الذنب | <i>Peganum harmala L.</i> |

۶۳۸- حُرْمَلَة، حُرْمَلَة^ث: نام عربی آن قصبانا است.^ث

| | | |
|----------|-------|------------------------------|
| الموسوعة | حرمله | <i>Sarcostemma viminalis</i> |
|----------|-------|------------------------------|

۶۳۹ - حرمله^ص، خرمله^ث: نام نوع دیگر: ترنجان الثعلب^ث

۶۴۰ - حَزاء^ع، حَزاء^ص، حَزاء^ث، حَزاء^ث، حَزاء^ث: نام های دیگر آن: حَزاء^ث - فارسی: دینارویه^ع، دینارویه^ص، دَوَرَو^ص، دینارو^ص - اموغلیا^ص - سریانی: نالفسس^ص، سداب البر^ع - نام های تخم: زوفرا^ص - شیرازی: میرک کازرونی^ع، مترک کازرونی^ص، دراز^ث - مازندران: اناریچه^ع، اهل هرات: جافر^ص، جفش^ص - جرجان: جعفریه^ص، کرفس رومی^ص - "ماسرجو" گوید که «حزاء»، «دوقو» است.^ث

| | | |
|-------|--------------|---|
| زریاب | حزاء - زوفرا | <i>Anethum graveolens L.</i> <i>Echinophora tenuifolia</i> <i>Laserpitium siler</i> <i>Levisticum officinale Koch.</i> |
| EN. | حزاء | <i>Echinophora tenuifolia</i> |

۶۴۱ - حَزاءة^ع، حَزاء^ث:

۶۴۲ - حَزاءة أخرى^ع، حَزاء أخرى^ث: دوراو^ث

۶۴۳ - حَزاء بری^ع: نام های دیگر آن: خِراة^ع - شیرازی: کوخر^ع

۶۴۴ - حَزاز الصخر^ع، حَزاز الصخر^ص، حَزاز الصخر^ث، حَزاز الصخر^ث، حناء قریش^ص، حناء قریش^ع: (حزاز نام نوعی بیماری است که این گیاه آن را درمان می کند) نام های دیگر آن: حزاز الجبل^ص - مصر: حناء القریش^ع - فارسی: گل سنگ^ث - دیلمی: سنگ حنا^ث - ارجالة^ث

| | | |
|----------|--------------------------|--|
| زریاب | حزاز الصخور - حزاز الجبل | <i>Rocella tinctoria DC.</i> <i>Lecanara circummunita nyl.</i> |
| الموسوعة | حزاز الصخر - شبة العجوز | <i>Usnea barbata</i> |
| طباطبانی | حزاز الصخر | <i>Rocella tinctoria DC.</i> <i>Lecanara circummunita</i> <i>Cetraria islandica (L.) Ach. (moss)</i> |

۶۴۵ - حَزْزَبِل^ع، یا حَزْزَبِل^ع، حَزْزَبِل^ص، حَزْزَبِل^ث، حَزْزَبِل^ث، حَزْزَبِل^ث: (نامی عربی) جنسی است از «بهن سید»^ص نام های دیگر آن: کف الدابه^ع، کف النسر^ع - یونانی: مُزْیافْلَن^ع - بیخی است که از طرف شام و بیت المقدس می آورند و سفید تیره رنگ است که به سیاهی مایل بود.^ث

| | | |
|----------|----------------------------------|--|
| الموسوعة | حَزْزَبِل - عیون النمر | <i>Ochna</i> |
| الموسوعة | حَزْزَبِل الماء - حَزْزَبِل الغی | <i>Myriophyllum spicatum</i> |
| زریاب | حَزْزَبِل | <i>Achillea millefolium</i> <i>Myriophyllum sp.</i> |
| EN. | حَزْزَبِل | <i>Andropogon nardus L.</i> |

۶۴۶ - حَسار^ث: اشبیلی^ع می گوید: برخی آن را نوعی «خرف بری» می دانند و من آن را با نام «ظَفْیَرَة الفروج» و «جُبَلین» می شناسم و نام دیگر آن

طرویلش (Tribolos): حَسَك - شَكوهَج - رومی: اَبْرُو بُؤْذِیا - لاتینی: غَالَه جَاهَه (Gallo ciego) به معنای «دیکِ اَعْوَر» (خروسِ لُوح) - عامه مغرب: جِمَصُصُ الامیر [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۵]

| | | |
|-------------------------------|----------------------------------|------------|
| <i>Tribulus terrestris</i> L. | حسک - ضُرُس العجوز | الموسوعه |
| <i>Tribulus terrestris</i> L. | طرويش - حسک - شکوہج - حمص الامير | ديسکورید |
| <i>Tribulus terrestris</i> L. | حسک | ز. ط. - خ. |
| <i>Trapa natans</i> L. | | |
| <i>Tribulus terrestris</i> L. | خار خسک | پارسا |

است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۶۹]

| | | |
|-------------------------------|------|----------|
| <i>Athamanta cretensis</i> L. | دوقس | دیسکورید |
| <i>Peucedanum cervaria</i> L. | | |
| <i>Seseli ammoides</i> L. | | |

| | | |
|----------------------|-----------------------|----------|
| <i>Paronchia</i> sp. | حشيشة الداحس، خُرْبُط | الموسوعة |
|----------------------|-----------------------|----------|

| | | |
|-----|--------------|----------------------|
| EN. | حشیشة الداحس | <i>Paronchia sp.</i> |
|-----|--------------|----------------------|

۶۵۴ - حشیشة دودیه^ع، حشیشة دودیه^ث: نام های دیگر آن: سقوفندریون^ع، وجه تسمیه: «سقوفندرو» برای شباهت آن کرم هزار پاست و به همین دلیل به آن «حشیشة دودیه» (کرم مانند) می گویند.^ع اشبیلی^ع می گوید: این نام به گیاهانی از قبیل: «ننغ، دخن البری، ورد، اسارون» گفته می شود زیرا ریشه آن ها مانند کرم در زمین پیچ می خورند.^ث

| | | |
|----------|---|-----------------------------|
| الموسوعة | حشیشة الدود، حشیشة الشفاء، حشیشة الملوك | <i>Tanacetum vulgare L.</i> |
|----------|---|-----------------------------|

۶۵۵ - حشیشة الدم: منظور گیاهانی است که موجب بند آمدن خون می شوند از قبیل: فضیة، لسان الحمل، اذن الارنب، رجل الحمامه، انواع عصا الراعی و بویژه گیاهی به نام قاب طیره^ث

۶۵۶ - حشیشة الرثة^ث: به معنی مفید برای ذات الریه نام دیگر آن: آئنة دغاته^{ث(۱)}

۶۵۷ - حشیشة الزجاج^ث، حشیشة الزجاج^س، حشیشة الزجاج^ع، حشیشة الزجاج^ث، حشیشة الزجاج^ع، حشیشة الزجاج^ث، عوقیة: نام های دیگر آن: رومی: کسنین^ث - اهل اندلس: حبیقه^ع، حَبَقَالَة^ع، حبقا^ث - فارسی: گیاه آبگینه^ث، گیاهی آبگینه^ث - نام گیاه در کتاب اوریباسیوس: الکسینی^س - نام گیاه در کتاب بولس: بردیقاس^س - «غسانی» می گوید: این گیاه بر دونه است از نوعی «قلی» ساخته می شود که در ساختن آینه از آن استفاده می شود و معروف به «شب ارماس» و نوعی از «قطف» است و نوع دوم که در شستشوی آینه و جلا دادن آن استفاده می شود معروف به «عشبة البرطال» است و مردم به آن «حبیقه» گویند.^ع اشبیلی^ع می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است و بر سه قسم گیاه گفته شده است: ۱ - گیاهی مشابه القسینی با نام های: القسینی، انفسینی، انکسینی، بطریره، بطرقیره، ابی رستم، مؤش اوطیش، ارقلیا ۲ - اذان الفار ۳ - رفاید^ث

أَلْقَسِیْنِ (*Helxine*): حشیشة الزَّجَّاج - به این نام مشهور است زیرا تمیز کننده شیشه و آینه است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۷۸]

| | | |
|------------|------------------------|----------------------------------|
| زر، EN. | حشیشة الزجاج | <i>Parietaria officinalis L.</i> |
| دیسکورید | القسینی - حشیشة الزجاج | <i>Parietaria diffusa L.</i> |
| الم. - خط. | حشیشة الزجاج | <i>Parietaria cretica</i> |

۶۵۸ - حشیشة السعال^ث، حشیشة السعال^ث: نام دیگر آن: یونانی: فیخون^ث اشبیلی^ع می گوید: این نام به گیاهان مختلفی از قبیل: کُزْبَرَة البیر، اسطوخودوس گفته می شود ولی درست تر آنست که نام «جعدة الجدران» یا «هندباء الاجعد» است.^ث

| | | |
|----------|-----------------------|--------------------------|
| الموسوعة | حشیشة السعال - فزفارة | <i>Tussilago farfara</i> |
| EN. | حشیشة السعال | <i>Tussilago farfara</i> |

۶۵۹ - حشیشة الطحال^ث، حشیشة الطحال^ث، حشیشة الطحال^ث: نام دیگر آن: یونانی: سقوفندریون^ث به گیاه دیگری با نام یونانی «طوقوریوس» و به گیاهی به نام «أمیونیطس» هم می گویند.^ع اشبیلی^ع می گوید: این نام به گیاهانی که برای درد طحال مفیدند گفته می شود یکی از این گیاهان به نام «رئیس الجبل» و دیگری به نام «بیلطس» معروف به «عشبة الطحال» و «تیلت اینرפט» است.^ث

| | | |
|-------|------------------------------------|----------------------------|
| زریاب | جترک - حشیه الادویه - حشیشة الطحال | <i>Cetrach officinarum</i> |
|-------|------------------------------------|----------------------------|

۶۶۰ - حشیشة الطلق^۱: نام دیگر آن: ابومارس^۲ - نام نوع دیگر: اوبلس وفلوطین^۳

۶۶۱ - حشیشة العلق^۴(۱): نام‌های دیگر آن: گیلان: خنيس^۵ - مازندران: اوحی^۶

۶۶۲ - حشیشة الفرج^۷:

۶۶۳ - حشیشة القمل^۸: نوعی جَفده نام دیگر آن: پرنه بُذلیره^۹

۶۶۴ - حشیشة الکبد^{۱۰}: این نام مربوط به گیاهانی است که برای کبد مفیدند از قبیل: افستین، هندباء، غاف، رئیس الجبل و... نام دیگر آن: امّ وجع الکبد^{۱۱}

۶۶۵ - حشیشة المَعْدِن^{۱۲}: نام دیگر آن: ریش سمندر^{۱۳}

۶۶۶ - حُضْض^{۱۴}، حُضْض^{۱۵}، حُضْض^{۱۶}، حُضْض^{۱۷}، حُضْض^{۱۸}، حُضْض^{۱۹}، حُضْض^{۲۰}، حُضْض^{۲۱}، حُضْض^{۲۲}، حُضْض^{۲۳}، حُضْض^{۲۴}، حُضْض^{۲۵}، حُضْض^{۲۶}، حُضْض^{۲۷}، حُضْض^{۲۸}، حُضْض^{۲۹}، حُضْض^{۳۰}، حُضْض^{۳۱}، حُضْض^{۳۲}، حُضْض^{۳۳}، حُضْض^{۳۴}، حُضْض^{۳۵}، حُضْض^{۳۶}، حُضْض^{۳۷}، حُضْض^{۳۸}، حُضْض^{۳۹}، حُضْض^{۴۰}، حُضْض^{۴۱}، حُضْض^{۴۲}، حُضْض^{۴۳}، حُضْض^{۴۴}، حُضْض^{۴۵}، حُضْض^{۴۶}، حُضْض^{۴۷}، حُضْض^{۴۸}، حُضْض^{۴۹}، حُضْض^{۵۰}، حُضْض^{۵۱}، حُضْض^{۵۲}، حُضْض^{۵۳}، حُضْض^{۵۴}، حُضْض^{۵۵}، حُضْض^{۵۶}، حُضْض^{۵۷}، حُضْض^{۵۸}، حُضْض^{۵۹}، حُضْض^{۶۰}، حُضْض^{۶۱}، حُضْض^{۶۲}، حُضْض^{۶۳}، حُضْض^{۶۴}، حُضْض^{۶۵}، حُضْض^{۶۶}، حُضْض^{۶۷}، حُضْض^{۶۸}، حُضْض^{۶۹}، حُضْض^{۷۰}، حُضْض^{۷۱}، حُضْض^{۷۲}، حُضْض^{۷۳}، حُضْض^{۷۴}، حُضْض^{۷۵}، حُضْض^{۷۶}، حُضْض^{۷۷}، حُضْض^{۷۸}، حُضْض^{۷۹}، حُضْض^{۸۰}، حُضْض^{۸۱}، حُضْض^{۸۲}، حُضْض^{۸۳}، حُضْض^{۸۴}، حُضْض^{۸۵}، حُضْض^{۸۶}، حُضْض^{۸۷}، حُضْض^{۸۸}، حُضْض^{۸۹}، حُضْض^{۹۰}، حُضْض^{۹۱}، حُضْض^{۹۲}، حُضْض^{۹۳}، حُضْض^{۹۴}، حُضْض^{۹۵}، حُضْض^{۹۶}، حُضْض^{۹۷}، حُضْض^{۹۸}، حُضْض^{۹۹}، حُضْض^{۱۰۰}

نام‌های دیگر آن: رومی: لوقیون^{۱۴} - سریانی: مرارت فیلا^{۱۵} - فارسی: پیل زهره^{۱۶}، هدل^{۱۷} - هندی: قولوط^{۱۸} - سندی: وَطه^{۱۹} - جالینوس: فیلزهرج^{۲۰} - شیرازی: هلال^{۲۱} - کحل خولان^{۲۲} = حُضْض یمانی^{۲۳} دو نوع است: نام نوع مکی: یونانی: لوقیون^{۲۴} - نام نوع هندی: رسوت^{۲۵} - "غسانی" می‌گوید: «حُضْض» نامی برای «کُحل خولان» است و آن عصاره «کُرم» است و گویند عصاره «صبر» در مرتبه دوم عصاره گیری آن است کما اینکه به عصاره اول «صبر» و به عصاره سوم آن «مُقر» گفته می‌شود. این گیاه نزد اهالی و عطاران فاس به «خولان المکی» معروف است.^{۲۶} دارای انواعی است مکی، هندی و مشهدی و بهترین نوع آن برای مداوای ورم‌ها نوع مکی و جهت بوی (بر طرف کردن بوی نامطلوب بدن) نوع هندی است. و نوعی هست که شیراز از ورق‌های - برگ‌ها - آن می‌سازند و روستائیان شیراز آن را «هَلل مشکک» خوانند.^{۲۷} در کتاب فردوس الحکمة آمده: عصاره درختی است، دو نوع عربی و هندی دارد. نوع عربی را عصاره «خولان» و نوع هندی را عصاره «فیلزهرج» گویند.^{۲۸} "ماسرجویه" می‌گوید: «فیلزهرج» سه نوع است، یک نوع هندی، دیگری عربی بنام «حُضْض» و از نوع سوم «زرشک» حاصل می‌شود.^{۲۹}

لُوقیون (Lukion): شَجَرَةُ الحُضْض - کُحل خولان - نام عصاره است به زبان هندی به آن «فیلزهرج» به معنای زهره فیل می‌گویند. گیاه معروف اندلس است. "دیسکورید" دو نوع از آن را ذکر کرده است: نوعی در اصطلاح گیاهشناسی به نام «عوسج الأُسود» است. نوع دوم آن به نام «لُنخیطس» (Lonkhitis) است که تردید نیست همان نام «شجرة الأَمیرباریس» یا «زرشک» باشد زیرا منظور از «أَمیرباریس» - در منابع - همان «حُضْض» است و «حُضْض» از ریشه های این گیاه تهیه می‌شود که نزد مردم نام «عودالریح المغربی» و نزد مردم اندلس به «أَزغیس» (اصطلاح بربری) مشهور است و به لاتینی به آن مصربه «أَشکیطَلَه» (Oxyacantha) گویند. این مطالب برای کسی که در شرح گیاه به توسط دیسکورید دقت کرده و خود، گیاه و محل رویش و «حُضْض» را که از پخته شدن ریشه گیاه حاصل می‌شود، دیده باشد مورد قبول است. [این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱- ۱۰۲]

| | | |
|---|---|----------|
| <i>Rhamnus infectoria</i> L. <i>Areca catechu</i> Willd. <i>Rhamnus infectoria</i> L. | نوع اول لوقیون - فیلزهرج | دیسکورید |
| <i>Berberis lycium</i> Roy. | لوقیون نوع دوم، لنخیطس، زرشک، آمیرباریس | دیسکورید |
| <i>Lycium afrum</i> L. <i>Rhamnus infectoria</i> L. | لوقیون - پیل زهره - حُضْض | زرزیاب |
| <i>Lycium</i> sp. <i>Rhamnus infectoria</i> L. | حُضْض | الموسوعه |
| <i>Lycium afrum</i> L. | حُضْض | خطا، EN. |

۶۶۷ - حُلاب^{۳۰}، حُلاب^{۳۱}:

۶۶۸ - حُلبَه^{۳۲}، حُلبَه^{۳۳}، حُلبَه^{۳۴}، حُلبَه^{۳۵}: نام‌های دیگر آن: سریانی: حمصیلثا^{۳۶} - فارسی: شملت^{۳۷} - شام: فریقه^{۳۸} -

گیلان: خلبه^۱ - اصفهان: شنبلیله^۲ - شیراز: شملیز^۳ - هندی: میتھی^۴ - از انواع آن می توان به «نفل»، «خندقوا»، «بصبصه» و «رجل الغراب» اشاره کرد که همگی مشهورند.^۵

| | | |
|--------------------------------------|-------------------------------|--------------|
| <i>Trigonella foenum-graecum L.</i> | خلبه - شملت | ز. - خ. - ط. |
| <i>Trigonella grandiflora Bunge.</i> | شنبلیله - اکلبل الملک - ناخنک | پارسا |
| <i>Trigonella sp.</i> | خلبه | الموسوعه |

۶۶۹ - حَلَبَلَب^۶، حَلَبَلَب^۷، حَلَبَلَب^۸: نام های دیگر آن: لبلاب^۹ - سجزیه: اشبرک^{۱۰} - حَلَبُوب^{۱۱} غیر منقط^{۱۲} - قرداسات الذوائب^{۱۳} گویند نام «لبلاب» پهن برگ بنام «قُتُوس» است و بعضی نیز آن را «لایعه» می نامند.^{۱۴}

| | | |
|--|-------------------------------------|----------|
| <i>Bupleurum sp.</i> | حَلَبَلَب - ضِلَع البقره | الموسوعه |
| <i>Bupleurum fruticosum L.</i> | حَلَبَلَب مُشَوَّش - أَذُن الْأَرْب | الموسوعه |
| <i>Bupleurum rotundifolium Schous.</i> | حَلَبَلَب مستدیر الورق - ثاقب الورق | الموسوعه |

۶۷۰ - حَلَبِيب^{۱۵}، حَلِيب^{۱۶}: نام های دیگر آن: سورنجان هندی^{۱۷}

۶۷۱ - حَلِيبَة^{۱۸}: برخی نام آن را «بَقْلَة الحمقاء البرية» می دانند ولی بقراط به آن «ییلیون» گفته است.^{۱۹}

۶۷۲ - حَلَبُوب^{۲۰} (نامی نبطی)، حَلُوب^{۲۱}، حَلِيب^{۲۲}: نام های دیگر آن: لبلاب^{۲۳} - جبل المساکین^{۲۴} - عشقه^{۲۵} اندلس: حریف الاملس^{۲۶}، حُرَيق الْأَمْلَس^{۲۷}، عصا هرمس^{۲۸}، خصی هرمس^{۲۹} - یونانی: لیثورسطس^{۳۰}، برسانئون^{۳۱}، اربوطانون^{۳۲} لینوزسطیس (*Linostotis*): نام «عصا هرمس» است، مؤلفی نام آن را برگرفته از «خصی هرمس» دانسته است. نام های دیگر به لاتینی «یَزَبَه نَقِيشه» است و گیاهشناسان اندلسی به آن «حَلُوب» و «حُرَيق الْأَمْلَس» گویند. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۱۱]

| | | |
|--------------------------------|--|----------|
| <i>Euphorbia dendroides L.</i> | حَلَبَلَب - حَلِيبُوب غیر منقط | زریاب |
| <i>Mercurialis annua L.</i> | لینوزسطس، عصا هرمس، حَلِيبُوب، حریق املس | دیسکورید |
| <i>Mercurialis sp.</i> | حریق، عصا هرمس، حَلِيبُوب، حشیشة الرثیق | دیسکورید |

۶۷۳ - حَلْتِيت^{۳۳}، حَلْتِيت^{۳۴}، حَلْتِيت^{۳۵}، حَلْتِيت^{۳۶}: محروث^{۳۷}، ب انجدان رجوع شود، صمغ محروث^{۳۸} یا صمغ انجدان^{۳۹} - نام های دیگر آن: سریانی: حَلْتِيتا^{۴۰}، دعناقوریتا^{۴۱} - سندی: هین^{۴۲} (هینگ) - فارسی: انکزرا^{۴۳}، انگزد^{۴۴} انجدان زد^{۴۵}، انگزد^{۴۶}، انگزه^{۴۷} انغوزه^{۴۸} - اصفهانی: انگشت کنده^{۴۹} - هندی: هینک^{۵۰}، هیک^{۵۱} - دو نوع است: خوشبو و بدبو^{۵۲}: نام های نوع خوشبو: کولرپر^{۵۳}، نوکانی^{۵۴} - نام نوع بدبو: فارسی: کمات^{۵۵} - «محروث»، «ساق انجدان» یا ریشه انجدان خوشبو^{۵۶} است و به فارسی به آن «گز انجدان خوش»^{۵۷} گویند و نام سندی آن «متن هنگ فار» است.^{۵۸}

| | | |
|---|----------------------------------|-------------------|
| <i>Ferula scordosma Benth & Hook.</i> | حَلْتِيت - محروث - گز انجدان | زریاب |
| <i>Ferula assafoetida L.</i> | | |
| <i>Ferula assafoetida L.</i> | حَلْتِيت | ز. - خ. - ط. - ع. |
| <i>Ferula assafoetida L.</i> | صمغ انجدان - حَلِيبَة - حَلْتِيت | الموسوعه |

۶۷۴ - حَلَفَا^{۵۹}، حَلَفَاء^{۶۰}: نوعی بردی و از اغلات است. - نام های دیگر آن: قرز^{۶۱} - فارسی: پیژرا^{۶۲}، (غیشه) - سجزیه: کرته^{۶۳} - اغوری^{۶۴}

| | | |
|--|----------------------------|----------|
| <i>Poa cynosuroides</i> Retz. <i>Poa multiflora</i> Forsk. <i>Leptochloa bipinnata</i> | حلفاء | زرياب |
| <i>Stypa</i> sp. <i>Poa multiflora</i> Forsk. <i>Leptochloa bipinnata</i> | حلفاء - حَلْفَة - حَلِيفَة | الموسوعه |

۶۷۵- خَلَقْ، خَلَقْ: عصاره برگ یمنی

۶۷۶- حُلْبُ: دارای دو نوع است: نام‌های نوع اول آن عبارتست از: اوسیرس، زنبوقه - نام‌های نوع دوم: حُلْبُ التیسی، حِلْبَاب، حِلْبَاب ش

۶۷۷ - جَلَّة: از جنس شوک و از نوع جنبه است. نام‌های دیگر آن: بریتاقه، ججنبه، ابزولیه، قجوله - نام نوع دیگر: حشیشه الثومیه

۶۷۸ - حَلَمَ: نوعی، شلیم یا نام «حَاطَه» است و گویند خشک شده «قَتَّ» است.

۶۷۹ - حَلْمَه ش :

۶۸۰- حَمَاحِمٌ، حمّاحمٌ^٤، حماحُمُ، حبِقْ نبطی^٥: نوعی فوتنج بستانی^٦- نام‌های دیگر آن: حبَقِ الکرمائی^٧- حبِقِ بستانی^٨- شام: حبِقْ نبطی^٩^{١٠}- عربی: ریسْم - فارسی: احتمالاًبستان افروز^{١١}- هندی: کلغه^{١٢}

| | | |
|-------------------------|---|----------|
| <i>Ocimum basilicum</i> | حبق صغير - حبق کرمانی - شاهسفرم | الموسوعة |
| <i>Ocimum pilosum</i> | حبق وُبر، حبق قرنفلی، فرنجمشک، حَمَاجِم | الموسوعة |

۶۸۱ - حَمَاضٌ، حَمَاضٌ، حُمَاضٌ، حُمَاضٌ، حَمَاضٌ، حَمَاضٌ، حُمَاضٌ، حُمَاضٌ، حَمَاضٌ، حَمَاضٌ (گل حماض)، تاسمُتْ (نامی بربری)، تاشمصت (نام بربری)، حب الرشاد: از جنس السن، و از نوع جنبه است. نام‌های دیگر آن: حماض^۳ - طوطاق اغریون^۴ - شیرازی: ترشه^۵ - هندی: چرکانا^۶ - فرنگی: (بستانی) اشلیه^۷ (بری) اشلیه پاتم^۸ - فاس: حُمَيْطٌ قسم دیگر که کوچکت‌تر و برگ آن سه برگچه است به نام: اطریفیلین، به معنی «حماض سه برگ» است.^۹ - عربی: خمضیض^{۱۰} - هندی: انزوله^{۱۱} - نام نوع بستانی: سریانی: حموعیانثا^{۱۲} - فارسی: ترشح^{۱۳} (ترشه و ترشک و ترشینک)، صرخ بای^{۱۴} (صرخ پای) - نام نوع بری: سلق البری^{۱۵} - نام نوع جبلی: هلموت^{۱۶} - حلیمو^{۱۷} - سلق جبلی^{۱۸} - نام‌های بذّر آن: حب الرشاد^{۱۹} - فارسی: تخم ترشه^{۲۰} - شیرازی: تخم ترشیشتک^{۲۱} - هندی: دیله^{۲۲}، حماض املی^{۲۳} آشبیلی می‌گوید: دارای انواعی است: ۱ - بستانی: اقولاقتان، یعنی حماض الماء ۲ - بری: حماض الاجامی، حمّاض، حماض السواقی، نام ریشه: انکولس ۳ - مائی: انطنیس، الفلیس، لیمونیون یعنی السبخی، الرمث، سیسبرونه ۴ - سبخی: حماض السبخی، حماض الشامی، لیمونیون، یورداس ۵ - جبلی: ربیاس الجبلی ۶ - حسکی: حماض الحسکی، قُطب، ربیاس الفارسی، یوریداس ۶- شامی: ربیاس الشامی ۷ - خراسانی: ربیاس الخراسانی، راوند الفارسی و نوع‌های دیگری از قبیل: جَطْرَه - اجطالّه، جطره، حَمَصِص الترف، قرنبا، عشبَة الحومل، أَكرنَب البحرى، قولیلیه - شیطنج الهندی و نوعی از تین که طعم ترشی دارد و در یمن است.

لاباثون (Lapathon): نام «حماض» است و «دیسکورید» چهار نوع حماض را با این نام ذکر کرده است.

اُتولا بائن (Hippolapathon): نوع پنجم از «حماض کبیر» است. بربری: تاسمُت - اهل اندلس: کَبَاصَة [ابن بطار (در ترجمه دیکورید) ۲

[100,999 -

| | | |
|--|--------------------------------|----------|
| <i>Rumex acutus L.</i> <i>Rumex patientia L.</i> <i>Rumex scutatus L.</i> <i>Rumex acetosa L.</i> | لاباثون - حماض | دیسکورید |
| <i>Rumex hydrolapathon L.</i> | افولاباثن - نوع پنجم حماض کبیر | دیسکورید |

| | | |
|---|-----------------|----------|
| <i>Rumex actosa</i> L. | حماض - ثامر | ز. ط. ع. |
| <i>Rumex conglomeratus</i> L. <i>Rumex obtusifolius</i> L. <i>Rumex elbursensis</i> Boiss. <i>Rumex patientia</i> L. | تخم حماز - استا | پارسا |
| <i>Oxalis</i> sp. <i>Rumex obtusifolius</i> L. <i>Rumex elburesensis</i> <i>Rumex patientia</i> L. | حُمَاض | الموسوعه |

۶۸۲ - حماض الارض^٢: نام دیگر آن: خراطین^٣

۶۸۳ - حماض الاترج^٢: دارای نوع بری و بستانی است: نام بری، «سلق بری» است و آن بیشتر از جبلی است و در خاک نرم و زمین سبب می‌روید و آن را به یونانی «طوطاق غریون» گویند و به شیرازی بیخ - ریشه - آن را «خلیمو» خوانند... و بستانی را به شیرازی «ترسسک» خوانند.^٣

۶۸۴ - حماض الأرنب^٢، حماض الارنب^٣: کشوث^٤

| | | |
|--|--------|----------|
| <i>Cuscuta epithymum</i> <i>Rumex obtusifolius</i> L. <i>Rumex elburesensis</i> <i>Rumex patientia</i> L. | حُمَاض | طباطبائی |
|--|--------|----------|

۶۸۵ - حماض البقر^٢، حماض البقر^٣: نام دیگر آن: حماض البری^٤

| | | |
|--|--------------|----------|
| <i>Rumex patientia</i> <i>Rumex obtusifolius</i> L. <i>Rumex elburesensis</i> <i>Rumex patientia</i> L. | حُمَاض البقر | طباطبائی |
|--|--------------|----------|

۶۸۶ - حماض السواقی^٢، حماض السواقی^٣: نام دیگر آن: حماض الاجامی^٤ اشبیلی می‌گوید: همه انواع حماض خود نوعی «حمض» هستند و برخی از انواع «حمض» عبارتند از: ۱ - خُرُض: اشنان القصارین، شبناله، طردجه ۲ - تَیَل ۳ - باذی بلاله یعنی رجل الفروج ۴ - اشنان الفارسی: طردجه، قَلنی ۵ - غاسول: شوبلاء ۶ - مَلّاح: کشملخ، کشمخه، غِسلین، ابروطان، حمض الابل ۷ - افانی: شورش لاطه ۸ - تَزْمَد ۹ - الحاذ ۱۰ - اخريط ۱۱ - قَضام و جذرفات ۱۲ - الحاج: عاقول ۱۳ - زَغَل: قَمیلین ۱۴ - شعران ۱۵ - تَزْمان ۱۶ - قَلّام: (نوعی کرفس) اقرنوش ۱۷ - قُطْلَب: طردج ۱۸ - خُوشان: ذیره ۱۹ - قَزْمَل ۲۰ - خَزْنَبَل ۲۱ - حَيَّهَل ۲۲ - غُولان: عقاد ۲۳ - ابوقانس ۲۴ - ابرقطس^٥

۶۸۷ - حماض الماء^٢، حماض الماء^٣:

| | | |
|---------------------------------|-------------------|----------|
| <i>Lapathum aquaticum</i> Scop. | لَبْث، حماض الماء | الموسوعه |
|---------------------------------|-------------------|----------|

۶۸۸ - حماض نیری^٢: نام دیگر آن: حماض بستانی^٣

۶۸۹ - حَمَاط^٢، حَمَاط^٣: نوعی «جُمَبَر^٤» - نوعی از آن درختی و قسمی از «تین» است و نوعی علفی که به گیاه خشک «افانی» یا «خَمَلَه» گویند.^٥

۶۹۰ - حَمَامَا، حَمَامَا، حَمَامَا، حَمَامَا، حَمَامَا، حَمَامَا (نامی نبطی)، امامون^۱: نام‌های دیگر آن: رومی: اووموئون^۲، امامون^۳، امؤمن^۴ - سریانی: حَمَامَا - نوعی: فَنطسی^۵ - شیرازی: ماهلو^۶ - بارشطان^۷، باد دقلنبه^۸ - ارمارینون^۹ - "ابن ماسویه" می گوید: بهترین نوع آن، نوع ارمنی است که رنگ آن زرین است.^{۱۰} گونه‌ای در آب می‌روید و بوئی مشابه بوی «سداب» دارد و گونه‌ای نبطی به رنگ یاقوت است^{۱۱}

أمؤمن (Amomon): حَمَامَا [بن پطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۵]

٦٩١- حمراء، حومر، خمر: نام «تمر هندی» و همچنین نام «قفر اليهود» «کفر اليهود» است. جش

۶۹۲ - حِمَصُ: حمص^۱، جنص^۲، حصّ^۳، حصص^۴، جَمِصْ: نوعی قطنیه نام‌های دیگر آن: رومی: ارفنطوس^۵، ارینتوس^۶ - سریانی: **حمصی** - فارسی: نخود^۷ - هندی: خپه؛ بوست - هندی و ترکی: بولچاق^۸ - نام‌های نوع بری: رومی: ارفامیسس اریتوس^۹، اغریوس^{۱۰} - سریانی: **حمصی دبرا** - فارسی: **نخود دشتی** - جَمِصٌ آشیلی^{۱۱} می‌گوید: دارای چهار قسم است: ۱ - قرمز با نام: اربیانس ۲ - سیاه با نام‌های: قرنوس، کبلاس ۳ - سفید ۴ - زرد با نام‌های: ارابتئوس، افادملس، معروف به مشرقی و طرابلسی - نام‌های نوع بری و غیر زراعی آن عبارتند از: کباس، ارابنشس ایمارس - نوع سیاه و قرمز را بخاطر شباهت آن با کرسنه «کرسانی» گویند.^{۱۲} و به نوع بزرگ آن «ارابنشس» و «ارباننش» گویند.^{۱۳}

أَرَبِنْثُسُ إیمارس (Erebinthos hemeros): نام «حِمَصُ بری» و «حصص بستانی» است. [این مقدار در ترجمه دیسکورید] ۳- ۹۲]

۶۹۳ - حمص الأمير^ع، حمص الامير^ب: نام‌های دیگر آن: شکو^جج - حَسَك^د اشبیلی^ه می‌گوید: برخی آن را به اشتباه «حَسَك» گویند.^و

۶۹۴ - حَمَصِص^ز، حمصيص^ح، حمصيص^ط: نوعی حماض نام دیگر آن در خراسان: ترف^ث

| | | |
|----------------------------|-------|-------|
| <i>Rumex lacerus</i> Balb. | حمصيص | زرياب |
| <i>Rumex vesicarius</i> L. | | |

| | | |
|--|----------------------------------|----------|
| <i>Oxalis corniculata</i> L. | | |
| <i>Oxalis corniculata</i> L. <i>Rumex vesicarius</i> L. | حماض أصفر، حماض قَرْوِي، جَمْيِض | الموسوعه |

۶۹۵ ـ حُمَيْرَاءَ، حُمَيْرَا، حُمَيْرَاءُ، بَسَاطُ الْأَمِيرِ: نوعی بقل نام‌های دیگر آن اهل اندلس: رَجُلُ الْحَمَامِ: شَنْجَارِ: شَنْجِيلِي: می‌گوید: این نام را برای گیاهان «رَجُلُ الْحَمَامَةِ»، «مَشْكِيَّة»، «أَرْجَالَة» و ریشه «بَنْطَافِلُون» بکار می‌برند.

| | | |
|------------------------------|---------------------------------------|----------|
| <i>Adonsonia</i> sp. | بُوْباب، باؤْباب، حَبْجَب، عَمارة | الموسوعة |
| <i>Rumex vesicarius</i> L. | تَبْلَدِي، حُمَيْراء، شجرة خبز القروء | |
| <i>Oxalis corniculata</i> L. | | |

۶۹۶- حِنَّا، حِنَّاءٌ، حِنَّةٌ، حِنْئًا، حَنْئًا (نامی عربی)، فَعْوَسٌ، فاغیه^۴، یُرْتَاءُ: نام‌های دیگر آن: فاغیه^۵ - یونانی ارقان، فقولیون^۶ - هندی: مهندی^۷، اشبیلی^۸ می‌گوید: دارای انواع بستانی، بری، و جبلی با نام‌های زیر است: ۱- بستانی علفی ۲- بستانی درختی با نام‌های: قیفرس، فیغروا، وفوهارون، اساسنه، بُرتَا، رَقُون، غَلَام ۳- نوع بری با نام حناء المجنونه یا مجنون، حناء المروج، حناء الرُّعَاة نوعی جنبه است ۴- نوع بری با نام: ابی یَموت ۵- نوع جبلی با نام: حناء الجبلیه، خَظَر^۹

قیفروس (Kupros): شجرة الحنّا - اهل شام: يَرْنَا - عربی: رِقَان، رَقُون [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ . ۹۷]

| | | |
|---|---|----------------|
| <i>Lawsonia alba Lam.</i> | قفروس - شجرة الحنا - رقان | ديسكورید |
| <i>Lawsonia alba Lam.</i> | فغر - فاغیه | زر. - خط. |
| <i>Lawsonia sp.</i> <i>Lawsonia alba Lam.</i> | حناء - قُطْب - فاغیه | الموسوعه |
| <i>Lawsonia inermis L.</i> <i>Lawsonia alba Lam.</i> | حنا | پا. - طب. |
| <i>Lawsonia inermis</i> <i>Lawsonia alba Lam.</i> | <i>Sanskrit: Mendika - Hendia: Hena, Mehndi</i> <i>Bombay: Mendi</i> | <i>GLO.IN.</i> |

۶۹۷ - حنّاء الغولۃ^۴، حناء الغولۃ: عامه مصر این نام را برای «شنجار» استفاده می‌کنند.^۵

| | | |
|-----------------------------|------------|----------|
| <i>Onosma</i> sp. | شبنجار | الموسوعه |
| <i>Anchusa tinctoria</i> L. | حناء الغول | EN. |

۶۹۸- حَنْدَقَوِیْ، حَنْدَقَوِیْ، حَنْدَقَوِیْ^۴ (نامی نبطی)، کرکمان^۵، حَنْدَقَوِیْ، بزر حَنْدَقَوِیْ، حَباقا، دیواسپست: نام‌های دیگر آن: حَنْدَقَوِیْ - رومی: طریفولون^۶ - سریانی: کرکینا^۷ - فارسی: دیواسپست^۸ - سجزی: سوک^۹، عرقصاء^{۱۰}، عریقصاء^{۱۱} - شیرازی: انده قوقو^{۱۲} - درق^{۱۳} - خیاط^{۱۴} - دیواسپست^{۱۵} - نام‌های نوع بری: عربی: حَباقا^{۱۶}، حَباقِی^{۱۷}، ذرق^{۱۸}، ذرق^{۱۹} - یونانی: لوطوس اغریوس^{۲۰}، به معنای حَنْدَقَوِیْ بری - فارسی: دیواسپست صحرائی^{۲۱} - شیرازی: اندقوقو^{۲۲} - لاتینی: لوطوس سکرار^{۲۳} - هندی: بسکپهره^{۲۴}، کده پرته^{۲۵} - نام‌های نوع بستانی: عربی: ذرق^{۲۶} - یونانی: لوطوس^{۲۷} - به لغتی: طریفلن^{۲۸} - لاتینی: طریفلم اورانم^{۲۹}، بوکسطیلان طربول رماکه^{۳۰} - هندی: همان نام بری است - اصفهان: شبدر^{۳۱} - مازندران: شرویه^{۳۲} - برخی از پزشکان بی جهت «حَنْدَقَوِیْ» و «طریفلن» را یکی دانسته‌اند.^{۳۳}

| | | |
|--|----------------------------|------------|
| <i>Trigonella coerulea</i> Ser. <i>Trigonella hamosa</i> L. | خندقوی - دیوسبست | زر. - طبأ. |
| <i>Trigonella coerulea</i> Ser. <i>Trigonella hamosa</i> L. | لوطوس أغریوس - حباقا - ذرق | دیسکورید |
| <i>Melilotus</i> sp. <i>Trigonella hamosa</i> L. | خندقوق | الموسوعه |
| <i>Arum colcocasia</i> L. | خندقوقا | EN. |

فورا (Puroi): حِنْطَة - بُرّ - فُوم - قَمَح [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۶۹]

| | | |
|-------------------------------|-----------------------|------------|
| <i>Triticum vulgare</i> Vill. | حنطه | ز. - خ. ط. |
| <i>Triticum vulgare</i> Vill. | حنطه - بر - فوم - قمح | دیسکورید |

| | | |
|---|-----------------------------------|----------|
| <i>Citrullus colocynthis</i> <i>Trigonella hamosa</i> L. | حنظل - حَدْج - مَرَاة الصَّحَارَى | الموسوعة |
|---|-----------------------------------|----------|

| | | |
|--------------------------------------|------|------------|
| <i>Citrullus colocynthis</i> Schrad. | حظفل | ز،خ،ط،...E |
|--------------------------------------|------|------------|

۷۰۲ - جَفُول: نام درختی همانند درخت انار

۷۰۳ - حَوَذَان:

| | | |
|-----------------------|-------|----------|
| <i>Ranunculus</i> sp. | حودان | الموسوعه |
|-----------------------|-------|----------|

۷۰۴ - حُور؛ حور^ش، حور رومی^ع: نام های دیگر آن: حوز؛ کروفس^ف - فارسی: توز^ت - دیسکورید: کَهْرَباء^ع - لوقا: حَوْر و مَیس^۲ - *(Leuke)* آن دارای انواعی است. اَشبیلی^ی می گوید: از جنس درختان بزرگ و دارای انواع بسیار است برخی از آن عبارتند از: ۱ - نَشَم الاسود^۳ - شجر الصفاف^۴ - حور الرومی: اغیرس^ش اغیرس^س (*Aigeiros*): شجر الحور الرومی - نام پوست آن «توز» است که با آن تیر و کمان را می بندند. دیسکورید نام صمغ آن را «کَهْرَباء» می داند. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۶۹ / ۱ - ۸۴]

| | | |
|-------------------------|------------------------|----------|
| <i>Populus alba</i> L. | لوقا - حور | دیسکورید |
| <i>Populus nigra</i> L. | اغیرس - حور رومی - توز | دیسکورید |
| <i>Populus</i> sp. | حَوْر - حَوْر | الموسوعه |

حرف «خ»

۷۰۵ - خافور^ع، خافور^ش: گروهی پنداشته اند نام «مرو» است و همچنین آن را اهالی مصر «خرطال» موجود در «شعیر» گویند.^ع اَشبیلی^ی می گوید: برخی آن را «مرو» و عده ای آن را نوعی «حَبَق» معروف به «طرطور الحاجب» و «قبسطاله» می دانند و هر دو را «خافور» می نامند.^ش

| | | |
|----------------------|-------|----------|
| <i>Danthonia</i> sp. | خافور | الموسوعه |
|----------------------|-------|----------|

۷۰۶ - خالیدونیون^ع، خالیدونیون^ش: نام دیگر آن: فشرأ^ش - به یونانی به معنای «خَطَّافی» یعنی منسوب به «خَطَّاف» است و پزشکان به آن «عروق الصفر» گویند.^ع دو نوع است: بزرگ آن «عروق الصفر» و کوچک آن «مامیران» نام دارد و معنی «خالیدونیون نو الخطافی» بوده بدان سبب که پرستوک چون بچه وی در آشیان نابینا گردد بفرمان حضرت عزت شانه برود و شاخ «مامیران» در آشیانه بیاورد و در آنجا نهد، بچه نابینا بینا گردد و این از خواص آن است فتبارک الله احسن الخالقین^ن

| | | |
|------------------------------|-----------------|-----|
| <i>Scrophularia aquatica</i> | خالیدونیوم صغیر | EN. |
| <i>Chelidonium majus</i> | خالیدونیوم کبیر | EN. |

۷۰۷ - خاماسوقی^ف، خاماسوقی^ع: نامی یونانی به معنای «انجیر زمینی» است.^ف - «خاما» به معنای زمین و «سوقی» به معنای انجیر است.^ف - «حنین» در ترجمه مفردات جالینوس این گیاه را «تین جبلی» معرفی کرده که نظر درستی به نظر نمی رسد زیرا دیسکورید «تین جبلی» را در مقاله اول کتاب خود همراه درختان بزرگ یاد کرده است.^ع

| | | |
|--------------------------------|----------------------|----------|
| <i>Euphorbia chamaesyce</i> L. | خاماسوقی - تین الأرض | الموسوعه |
|--------------------------------|----------------------|----------|

۷۰۸ - خامالوقی^ع:

| | | |
|----------|----------|--|
| الموسوعه | خامابوقی | <i>Chamaepeuce diacantha</i> DC. <i>Cirsium diacantha</i> DC. |
|----------|----------|--|

۷۰۹ - خاماقسیس^ع:

| | | |
|----------|-----------------------------------|-------------------------------|
| الموسوعه | سَیْسَمْ أَصْرِیْهَ - خاماقِیسُسْ | <i>Antirrhinum asarina</i> L. |
|----------|-----------------------------------|-------------------------------|

۷۱۰ - خامالاء^ع، خامالاون^ع: «صاحب جامع» می‌گوید: «حربا» نوعی «مازریون سیاه» است و نام‌های دیگر آن «خامالیون» و «کمالیون» است. و «اسد الارض» را «مازریون» نامیدن سهو است زیرا «اسد الارض»، «جربا» است و گویند «خامالا» اسم «مازریون» است و این سهو بخاطر اشتراک اسم آن هاست، و هم صاحب جامع از قول برخی متأخرین «اسد الارض» را «خامالاون مالس» می‌داند که آن «مازریون سیاه» است بنابر این قول صاحب منهج معتبرتر است. - برگردان آن به عربی «زیتون الأرض» است و آن گیاه «مازریون» است. بسیاری از مترجمان «مازریون» را به اشتباه همان «أسد الأرض» می‌دانند در حالیکه «أسد الأرض» برگردان «خامالاون الأسود» است و «مازریون» برگردان «خامالاء»، و این اشتباه مترجمان برای نزدیک بودن این دو لفظ با هم است. و من - ابن یطار - برخی از این اشتباهات را در کتاب «الأبانة والأعلام بما فی المنهاج من الخلل والأوهام» ذکر کرده‌ام.^ع

۷۱۱ - خامامیلن^ع: برگردان عربی آن «تفاح الأرض» و همان «بابونج» است.^ع۷۱۲ - خامشة^ع، خامشه^ع: نام دیگر آن نزد اهالی بیت المقدس و شام «شیطرنج شامی» است.^ع

۷۱۳ - خائق الذئب^ع، خائق الذئب^ع، قاتل الذئب^ع، خائق الذئب^ع: نام دیگر آن «قاتل الذئب» است.^ع
أفوقونُنْ (*Apocynon*): برگردان آن به عربی «عنب الکلاب» یا «انگور سگان» است و گیاه سمی کشنده‌ای با دانه هائی درون نیامی طویل است و نام دیگر آن «قاتل الذئب» یا «کشنده روباه» است. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۷۳]

| | | |
|----------|-----------------------------------|--|
| دیسکورید | افوقونن - قاتل الذئب - عنب الکلاب | <i>Aconitum erectum</i> L. |
| زر، EN. | خائق الذئب - قاتل الذئب | <i>Aconitum napellus</i> L. |
| پارسا | قاتل الذئب | <i>Aconitum lycoctonum</i> L. |
| طباطبائی | قاتل الذئب | <i>Aconitum napellus</i> L. <i>Aconitum lycoctonum</i> L. |

۷۱۴ - خائق الکلب^ع، خائق الکلب^ع، خائق الکلب^ع: خائق الکلب^ع، ترمس البری^ع، فسوة الضبع، قاتل الکلب^ع - هندی: کلهاڑی^ع «ابن یطار» در کتاب جامع این گیاه را معادل «قاتل الکلب» می‌داند. - جالینوس وجه تسمیه آن را «کشنده سگ» می‌داند.^ع برخی آن را «فول الخنزیر» با نام «افوقونس» معرفی می‌کنند.^ع

| | | |
|----------|--------------------|--------------------------------|
| الموسوعه | خوشان - خائق الکلب | <i>Apocynum</i> sp. |
| طباطبائی | قاتل الکلب | <i>Strychnos nux-vomica</i> L. |

۷۱۵ - خائق النمر^ع، خائق النمر^ع، خائق النمر^ع، خائق النمر^ع: نوعی از مازریون نام‌های دیگر آن: قاتل النمر^ع - یونانی: افونیطن^ع - قاتل الذئب^ع - «خائق النمر» یا «قاتل الذئب» را بتازی و پیارسی «گرگ مرگ» گویند.^ع
أفونیطن: نام‌های دیگر آن عبارتست از: قاتل النمر - عامه اندلس: نبال (نقال) [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۷۰]

| | | |
|--|--------------------------------|------------|
| <i>Aconitum lycoctonum</i> L. | خائق النمر | زر. - طبأ. |
| <i>Aconitum napellus</i> L. | اقونيطن - قاتل النمر - نبال | ديسكورید |
| <i>Aconitum napellus</i> L. | اقونيطون - تاج الملوك | پارسا |
| <i>Doronicum pardalianches</i> <i>Doronicum cordatum</i> C.Koch | خائق النمر - دُونوق خائق النمر | الموسوعه |

۷۱۶- «خُبْزازی»، خُبْزای^۱، خُبْزای^۲، خُبْزای^۳، خُبْزای^۴، بَزَر الخُبْزائی^۵، خِرَو^۶، خیرِوج^۷: نوعی خطمی^۸ و از جنس میترسات (گیاهان دارای برگ گرد) است. نام‌های دیگر آن: ملوکیه البریه^۹ - فارسی: نان کلاغ^{۱۰}، پنیرک^{۱۱}، خیری^{۱۲}؛ خرو - ترکی: اَبَم‌کماجی^{۱۳} - مازندران: نَحیلَک^{۱۴} - شیرازی: خطمی کوچک^{۱۵}؛ نان کلاغ - نام‌های بذر: فارسی: تخم خرد^{۱۶} - کرمانی: پَنیرک خطمی^{۱۷} - نام‌های نوع بستانی: ملوخیه^{۱۸}، ملوکیه^{۱۹} - خیرِوج^{۲۰} - نام‌های نوع بری بزرگ: خطمی^{۲۱} - سریانی: حمری مرکی^{۲۲} - نام‌های نوع بری کوچک: «خُبْزازی»^{۲۳} و به فارسی «خیرو» است و مراد از مطلق آن همین نوع کوچک است.^{۲۴} «خُبْزازی» نوعی از «ملوکیه» است و گویند «ملوخیان بستانی» است و «ملوکیه بری» و نوعی از «ملوخیا» را، «بَقْلَة الیهود» خوانند و «ملوکیه» گویند و آن «خطمی» است.^{۲۵} اشبیلی می‌گوید: دارای انواع بسیاری است که برخی از آن‌ها عبارتند از: ۱ - خُبْزازی الماکول (خوراکی)، مَالْبَه ۲ - نوع بزرگ خودرو در محل‌های متروکه به نام ملوکیه، مَالْبَه ملوخه، ملوغه، الثَّاءُ، غَلْکَلْک، سفوس ۳ - نوعی از «ورد الزینه البری» با نام: خُبْزازی المجوسی ۴ - نوع معروف به مصری با نام خُبْزازی الصقلی ۵ - نوع معروف به شقایق که رنگ گل آن چون شقایق قرمز است با نام الحاحی و الصینی ۶ - نوع معروف به قُرطی با نام مَالْبَه اوراطه یعنی خُبْزازی حَمْقَاء ۷ - نوع معروف به خطمی با نام‌های: آلثاء، انشعی، الغسل، غسول، مَالْبَه بَسْنَه، تیبی ان و امان، ملوکیه البحر، شَخْمَة المَرْج، خُبْزازی السبخی، أَلْتِه ۸ - نوعی با نام‌های: خطمی التهری، خطمی الرومی، خطمی الازغب، غَضْرَس ۹ - نوعی با نام «ورد الزینه» با شش نوع، سه نوع از آن بستانی با گل‌های سفید، قرمز، آبی و سه نوع آن بری، که نوعی دارای گل قرمز و نام‌های دو نوع بری دیگر آن عبارتست از: خطمیه البیضاء، خطمی المروج، خُبْزازی الفارسی ۱۰ - نوع جبلی: خُبْزازی الجَبَلی و نوع خُبْزازی الاسود ۱۱ - نوعی معروف به فم الطائر، خُبْزازی الهندی، بلارجہ، اقْلُولَش، اخْلَة الارض، قُرْنه، غرنوقی، ادقام الغرائیق، ابی الولید، مُنْفَلَتَه ۱۲ - بنفسج ۱۳ - خربق الاسود ۱۴ - نوع بزرگ حمامح^{۲۶}

ملوخی (*Molokhe*): نام‌های دیگر آن عبارتست از: خُبْزازی - ملوکیه [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۰۳]

| | | |
|------------------------------|--|----------------|
| <i>Malva sp.</i> | خُبّازی - خبازه | الموسوعه |
| <i>Malva rotundifolia L.</i> | خبازی | طباطبائی |
| <i>Malva parviflora L.</i> | <i>Hendia & Panjub: Panirak, Supra</i> | <i>GLO.IN.</i> |
| <i>Malva silvestris L.</i> | گل پنیرک | پارسا |
| <i>Althaea sp.</i> | خیازی | EN. |

۷۱۷ - حُجَبَه، بَزْر الحُجْبَةِ، حُجَبَه، خُبَه، حَجَبَه: نام‌های دیگر آن: عربی: فَتْ، نجمٌ - شیرازی: شفتِکَر^۱ - اصفهانی: خاکشی^۲ - تبریزی: سوردن^۳ - ترکی: شیودان^۴، واشوه^۵ - مازندرانی: شلم‌بی^۶ - هندی: خوب کلان^۷ - فارسی: السَنَة^۸ (نامی عربی)، الداس واش^۹ - بربری: سوارون^{۱۰}

| | | |
|---|--|-------|
| <i>Sisymbrium officinale</i> Scop. <i>Sisymbrium polyceraton</i> | بزرالخبه - فث - نجم | زریاب |
| <i>Sisymbrium officinale</i> Scop. <i>Erysimum repandum</i> L. <i>Sisymbrium irio</i> <i>Sisymbrium sophia</i> | جنفج، تودری، قدومه شیرازی، خاکشیر، خاکشی | پارسا |

| | | |
|--|-------------------------------------|----------|
| <i>Sisymbrium sophia</i> | خاکشیر | پارسا |
| <i>Erysimum barbarea L.</i> <i>Erysimum cheiranthoides L.</i> | حشیشة الحُفَر، اُریسیموم طَبی، خَبه | الموسوعه |

- ۷۱۸ - خبز رومی^ع: نام‌های دیگر آن: قسماط^ع - عامه مغرب: بَسَماط^ع
 ۷۱۹ - خبز القُرود^ع، خبز القُرود^ث، خبز القُرود^ث: نام‌های دیگر آن: لوف^ث - بعضی از گیاهشناسان اندلس: نوع بزرگ لوف^ع
 ۷۲۰ - خبز المشایخ^ع، خبزالمشایخ^ث: نام دیگر آن: عامه آفریقا: بخور مریم^ع

| | | |
|---------------------|---------------------|----------|
| <i>Cyclamen sp.</i> | خبز المشایخ - سَکَع | الموسوعه |
|---------------------|---------------------|----------|

- ۷۲۱ - خُتْرِف^ع، ختَرْف^ث: نام دیگر آن در بعضی از ترجمه‌ها: اُفستین^ع

| | | |
|-----------------------------|--|------|
| <i>Artemisia absinthium</i> | خُتْرِف، اُبَسَنَت، اُفستین، شیح رومی، دمسیة | الم. |
|-----------------------------|--|------|

- ۷۲۲ - خُرء الحَمَام^ع، خرو الحمام^ث: نام‌های دیگر آن: ابن جلیجل: اهالی رَقَه: جوز جندم^ع
 ۷۲۳ - خَرَامَقان^ث، خرامقان^ث:
 ۷۲۴ - خَرَبَق^ث، خربق^ث، خربق^ث، خربق^ث، خربق^ث، خربق^ث، خربق^ث: «خربق» دو جنس است سیاه و سپید. نام‌های دیگر آن: رومی: برون^ث - سریانی: حوربخانا^ث، فقوشا^ث، اقونطیاون^ث - اوریاسیس: البروس^ث - فارسی: داری^ث - جالینوس: به سریانی: هلابوروس^ث - اهالی دمشق: خردل فارسی^ث «اشبیلی» می‌گوید در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را به اشتباه «سَمِیْراء» و عده‌ای «حرشاء» گویند نام‌های آن عبارتست از: البوزل لوقس، هیلورس، سالة^ث

| | | |
|---|-----------|------------|
| <i>Helleborus alba L.</i> <i>Veratrum album L.</i> | خربق | زریاب |
| <i>Veratrum album L.</i> | خربق ابیض | طبا. - خط. |
| <i>Helleborus sp.</i> | خربق | الموسوعه |
| <i>Helleborus sp.</i> | خربق ابیض | EN. |

- ۷۲۵ - خَرَبَق اُسود^ث، خربق اُسود^ث، خربق اُسود^ث، خربق اُسود^ث: نوعی کفوف و از جنس جنبه است نام‌های دیگر آن: هندی: کتکی^ث - مالیبیون - الایورس مالش - الباشه - سافاریعون - مَلْبَآله (اهالی ثغر) یعنی خَبِیْزَة صغیره - سیصامویداس - هیطومون - نام نوع دیگر آن: خروسوقومی - اهالی ثغر: طَرْنَه ماطر - ضابطه الجبلیة - رافعه زیرا رحم را به محل خود بر می‌گرداند - راس الذهب^ث - نام گیاه در کتاب دیسکورید: مالیئودیون^ع

| | | |
|----------------------------|-----------|-----------|
| <i>Helleborus niger L.</i> | خربق اسود | ز.ال.خ.ط. |
| <i>Helleborus niger L.</i> | خربق سیاه | پارسا |
| <i>Veratrum nigrum L.</i> | خربق اسود | EN. |

- ۷۲۶ - خَرْدَل^ث، خردل^ث، خردل^ث، خردل^ث، خردل^ث، خردل^ث، خردل^ث: نوعی بقل یکساله نام‌های دیگر آن: سینبی - صناب - اسفیندار - سریانی: خردلا^ث - فارسی: اسبندان خوش^ث - هندی: وائی^ث، وائی^ث (رای)، بمولتان اهری^ث، تَرِیزَه^ث - خردل البر^ث - نام‌های نوع بری: عربی: حرشا^ث - ترکی: فجی^ث - نام‌های نوع سفید: حرف ابیض^ث -

فارسی: سپندان^۱، اسپند^۲ - «خردل» «سپندان» است ... و جنسی از آن «سپید اسفند» و آن را «خردل بابلی» گویند.^۳

| | | |
|--|-----------------------------------|----------|
| <i>Brassica nigra</i> Koch. <i>Sinapis nigra</i> L. | خردل - مشمع خردل | پارسا |
| <i>Sinapis</i> sp. | خردل | الموسوعه |
| <i>Sinapis arvensis</i> L. <i>Sinapis nigra</i> L. <i>Brassica nigra</i> Koch. | حرشاء - خردل | زریاب |
| <i>Sinapis alba</i> L. <i>Sinapis nigra</i> L. <i>Sinapis arvensis</i> L. | خردل ایض خردل اسود خردل بری | خطابی |
| <i>Sinapis arvensis</i> L. | خردل بری | طباطبائی |
| <i>Sinapis arvensis</i> L. | خردل | EN. |

۷۲۷ - خردل بری^۴، خردل البر^۵، حراشا^۶، خنج^۷: نوعی احرار است. گروهی پنداشته اند نام «لَبسان» است.^۸ و برخی آن را نوعی «لفت» می دانند.^۹

| | | |
|--|---------------------------------------|----------|
| <i>Sinapis arvensis</i> L. <i>Brassica sinapistrum</i> Boiss. | خردل بری، خردل حَفَلی، حَرشاء، لَبسان | الموسوعه |
|--|---------------------------------------|----------|

۷۲۸ - خَزَزَة^{۱۰}:

۷۲۹ - خَزَزَل: نام های دیگر آن: یونانی: البانونس

۷۳۰ - خردل فارسی^{۱۱}، خردل فارسی^{۱۲}، خرقق^{۱۳}: نوعی «حرف» که آن را «اسفند اسفید» خوانند و «خردل سفید» گویند.^{۱۴} نام های دیگر آن: تلسفی^{۱۵} - گیاهشناسان و اهالی غرب اندلس: ضباب البری^{۱۶} - مصر: حشيشة السلطان^{۱۷}

| | | |
|--|------------------------------------|----------|
| <i>Lepidium campestre</i> R.Br. <i>Thalaspia campestre</i> L. | خردل فارسی، خَزَف السطوح، صباب بری | الموسوعه |
|--|------------------------------------|----------|

۷۳۱ - خرطال^{۱۸}، خرطال^{۱۹}: به گیاهی از جنس «راء» و همچنین به گیاهی از نوع «شعیر» گفته می شود.^{۲۰} نام دیگر آن: فارسی: قرطمان^{۲۱}

| | | |
|------------------|--------------|----------|
| <i>Avena</i> sp. | خزطال، شوقان | الموسوعه |
|------------------|--------------|----------|

۷۳۲ - خُرَفَع^{۲۲}، خُرَفَع^{۲۳}: نام های دیگر آن: جنی العُشَر^{۲۴}، عَشَر^{۲۵} - برخی مواقع به «قُطُن» نیز «خُرَفَع» گویند.^{۲۶}

۷۳۳ - خرکوش^{۲۷}: در بعضی از تفاسیر آن را «لسان الحمل» می دانند.^{۲۸}

۷۳۴ - خَزَرَقُطان: نام هندی آن «بندا» است.^{۲۹}

| | | |
|-------------------------------------|--------|----------|
| <i>Loranthus globiferus</i> A.Rich. | خرقطان | الموسوعه |
|-------------------------------------|--------|----------|

۷۳۵ - خُرَم^{۳۰}: "رازی" این نام را گیاهی با نام یونانی «اسطراطیقوس» به معنای «حالبی» پنداشته و برخی نیز آن را با نام یونانی

«لخنس» و عده‌ای هم آن را با نام یونانی «لنخیطس» ذکر کرده‌اند و این همان گیاهی است که ابن جلیجل از آن به «سراج القطرب» یاد کرده است.^۷

| | | |
|----------|-------------------|-----------------------|
| الموسوعه | خرم - سراج القطرب | <i>Agrostemma sp.</i> |
|----------|-------------------|-----------------------|

۷۳۶ - خرنوب، خرنوب، خرنوب، خرنوب، خرنوب^۸؛ خرنوب (در دو نوع) نبطی و شامی است.^۹ - نام‌های دیگر آن: خرنوب، خرنوب - شجرة سليمان^{۱۰} - میوه ینبوت^{۱۱} - سریانی: خروبی، حُجْثا، فیزیدجاغی^{۱۲} - فارسی: زنک فلیج^{۱۳} - بلخ: جنکک^{۱۴} - سجزیه: شمرك^{۱۵} - نام گیاه در کتاب جالینوس: قاراطیا^{۱۶} - فاس: تاسلقوا - نام‌های ریشه آن: سریانی: زریات^{۱۷} - سجزی: سم^{۱۸} - نام خرنوب نبطی: ینبوت زنکورج^{۱۹} "تیمی" می‌گوید: «خرنوب شامی» دارای سه نوع است و بهترین آن نوعی به نام «صیدلانی» است.^{۲۰}

| | | |
|----------|----------------|-----------------------------|
| ز،خ،ط،ع | خرنوب | <i>Ceratonia siliqua L.</i> |
| الموسوعه | خرنوب - خرنوب | <i>Ceratonia siliqua</i> |
| GLO.IN. | Punjab: Khamub | <i>Ceratonia siliqua</i> |

۷۳۷ - خروب السودان: نام میوه‌ای در مغرب که عوام به آن «کورو» گویند و در مناطق سودان رویش دارد.^{۲۱}

| | | |
|-------|--------------|-----------------------------|
| خطابی | خروب السودان | <i>Cola acuminata Scho.</i> |
|-------|--------------|-----------------------------|

۷۳۸ - خرنوب نبطی^{۲۲}، خرنوب نبطی^{۲۳}، خروب النبطی^{۲۴}: نام‌های دیگر آن: خروب^{۲۵} - اهالی شام: خرنوب الشوک^{۲۶}، خرنوب المعزی^{۲۷}، مغربی^{۲۸} - عربی: ینبوت^{۲۹} - قضم قریش^{۳۰} - فارسی: کووارا^{۳۱} - شیرازی: کیرکازرونی^{۳۲}

۷۳۹ - خرنوب الخنزیر^{۳۳}، خروب الخنزیر^{۳۴}: نام‌های دیگر آن: عود الیسر^{۳۵} - یونانی: أناغورس^{۳۶} - در بازار مصر: حب الکلی^{۳۷}

۷۴۰ - خروب الشامی: نام‌های دیگر آن: قراطیا - تیکظا - سلقوا - خرنوب - دارای انواعی است: ۱ - نوعی با نیامی بلند با نام نارجین ۲ - نوع دیگر با نیامی بلند و یهن معروف به صندلی ۳ - نوعی با نیامی کوتاه و یهن معروف به صینی^{۳۸}

۷۴۱ - خروب الشوک^{۳۹}: گویند «قرظ» است و گویند «ینبوت» است که درست‌تر است.^{۴۰}

۷۴۲ - خرنوب مصری^{۴۱}، خرنوب مصری^{۴۲}: نام‌های دیگر آن: خرنوب نبطی^{۴۳} - قرط^{۴۴}

خرنوب (غلاف) درخت «سنط» است.^{۴۵} از این خرنوب در شهرهای مصر عصاره «أقاقیا» استخراج می‌شود که به آن «رب القرظ» می‌گویند.^{۴۶}

| | | |
|----------|------------|-----------------------|
| طبایبائی | خرنوب مصری | <i>Acacia arabica</i> |
|----------|------------|-----------------------|

۷۴۳ - خروسوقومی^{۴۷}: برگردان عربی آن «رأس الذهب» است.^{۴۸}

| | | |
|-----|----------|-------------------------|
| EN. | خرسوقومی | <i>Aster alpinus L.</i> |
|-----|----------|-------------------------|

۱- در مورد وجه تسمیه این گیاه به «خروب» و «شجرة سليمان» غسانی^{۴۹} در کتاب خود می‌گوید: بر اساس آنچه آورده شده حضرت سلیمان علیه السلام در محراب خود گیاه بزرگ خودروئی را مشاهده کرد از گیاه پرسید اسم تو چیست و چه فواید و ضررهائی داری؟ گیاه به قدرت خداوند به سخن آمد و در حالی که حضرت سلیمان (ع) آماده نوشتن بود گفت: نام من «خروب» است. حضرت سلیمان (ع) فرمود: «خروب» همان «خرب» است پس با این نشان فهمید که حکومت او بزودی از بین می‌رود و دیر زمانی نگذشت که چنین شد و به همین دلیل به این گیاه «شجرة سليمان» گویند.

۷۴۴ - خروسوموغالی^ع: نام گیاه در کتاب دیسکورید: دسقس^ع

۷۴۵ - خُروع^ع، خُروع^س، خُروع^ث، خُروع^ط، طمرة^ع، خُروع^ث، حب الخروع^ث: از جنس کفوف و از درختان خَوار است. نام های دیگر آن: فارسی: بیدانجیر^ث، یزدانجیر^س، انجیر^ث - شیرازی: کنتو^ث - ترکی: کرچک^ث - هندی: ازنید^ث - رومی: قفروس^س (قیفوس) - سریانی: طمری^س، قردی^س - جالینوس: قیفاوس^س - نام دانه به شیرازی «کتور» است. آشبیلی^ث می گوید: دارای چهار نوع بزرگ، کوچک، متوسط و نوعی روئیده در کنار نهرها است: ۱ - نام های نوع بزرگ: قیقی - شیشاسینی - شینیم - قبرس: قروطن - رجنه - اربقنه - نام دانه. اسفغار ۲ - نام های نوع متوسط: کسینثیون - قصفا - خولادولیون - اماری - صیصاموغربون ۳ - نام نوع کوچک: اسپیدار ۴ - نام نوع چهارم: حبربان^ث

| | | |
|----------------------------|------|-------------|
| <i>Ricinus communis L.</i> | خروع | ز.خ، ط.، ع. |
| <i>Ricinus communis L.</i> | کرچک | پارسا |
| <i>Ricinus communis L.</i> | خروع | الموسوعه |

۷۴۶ - خُزَیع^ع، خُزَیع^ث: نام دیگر آن: غُضُر^ث - آفریقا و تونس به زبان بربری به آن «تاغفیت» گویند و نوعی «حشفت» غیر خاری است.^ع

۷۴۷ - خُزَامی^ث، خُزَامی^س، خُزَامی^ع، خُزَامی^ث: نام های دیگر آن: خیری البر^س - سجزیه: گل نرمه^س - فارسی: شب انبوی^ث، ارونه^س، شب بو^ث? - آشبیلی^ث می گوید: این نام برای دو گیاه بکار برده شده است و هر دو نوعی «شیخ» هستند: ۱ - اسطوخودوس ۲ - خُزَامی^ث

لوقاس الجبلیه (*Leukas*): نام «خیری جبلی» است زیرا «لوقاس» به معنای «خیری» بوده و آن نوعی از «خُزَامی» است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹۴]

| | | |
|--|---|----------|
| <i>Lamium maculatum L.</i> <i>Lavandula vera DC.</i> | نوعی از خُزَامی - لوقاس الجبلیه - خیری جبلی | دیسکورید |
| <i>Lavandula spica Cav.</i> <i>Lavandula vera DC.</i> | خُزَامی | زر.، EN. |
| <i>Lavandula sp.</i> <i>Lavandula vera DC.</i> | خُزَامی - لاؤنْده | الموسوعه |
| <i>Lavandula vera DC.</i> | خُزَامی | طباطبائی |

۷۴۸ - خَزَم^ث:

۷۴۹ - خُحْس^ث: (نام ریشه ای هندی)

۷۵۰ - خُحْس^ث، خُحْس^س، خُحْس^ع، خُحْس^ث، خُحْس^ث، بزر الخس^ث، خس بری: نام های دیگر آن: فارسی: کاهو^ث - ترکی: خاس^ث - نام «خس بری» در شهر فاس «خس الحمار» است.^ث آشبیلی^ث می گوید: نوعی السُن و از جنس نقل با نام های بلودقش، لیتوقش و مرولیه است و دارای انواع فراوانی است که بستانی آن عبارت است از: ۱ - مأمونی و صقلی ۲ - خس الاسود ۳ - الحاحی ۴ - قسطنطنینی یا مصری ۵ - بجانی و عراقی ۶ - ربیعی - بری آن عبارتست از: ۱ - یعضید بری با نام های: ثرودوقس ایمارس، لیتوقه کنبیانه، خس الفدان ۲ - خس الارنب ۳ - شوال الحمار، خُزْشاء، خُحْس الحمار ۴ - بیروح ۵ - غطشان، دیساقوس - می توان از «سِلَق» و انواع آن را از انواع خس دانست.^ث ثُرُوقس ایماروس (*Thridax hemeros*): نام «خُحْس بستانی» و «خس بری» است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۲۰]

| | | |
|--------------------------|-------------------------------------|----------|
| <i>Lactuca sativa L.</i> | ثرثوقس ایماروس - خس بستانی - خس بری | دیسکورید |
| <i>Lactuca sp.</i> | خُحْس | الموسوعه |

| | | |
|-----------------------------|-----------|----------|
| <i>Lactuca sativa L.</i> | تخم کاهو | پارسا |
| <i>Lactuca sativa L.</i> | خس | طبا، EN. |
| <i>Lactuca sativa L.</i> | خس بستانی | خطابی |
| <i>Taraxacum officinale</i> | خس بری | |

۷۵۱ - خس الحمار^۵، خس الحمار^۶، خس الحمار^۷، هوفیلوس^۸: نام‌های دیگر آن: قابضه، ضابطه، ماصه، عشبۃ الفتوق، شنجار^۹ - هوفیلوس^{۱۰} - ابوخلسا^{۱۱} گویند نام نوع بزرگ «شنجار» است.^{۱۲}

| | | |
|--------------------|----------|--|
| <i>Alkanna sp.</i> | الموسوعه | کتهان صباغی، شنجار البر، خس الحمار، رَجُل الحمار |
|--------------------|----------|--|

۷۵۲ - خشخاش^۱، خشخاش^۲، خشخاش^۳، شیرابه^۴: نام دیگر آن: هندی: پوست^۵ نوعی از آن بستانی است که از بذر آن نانی که در وقت المَحَل آن را می‌خورند و گاهی نیز آن را بجای «سمسم» با عسل استفاده می‌نمایند و این نوع را «بولاقیطس» گویند. و نوعی بری با سر شاخه‌های مشابه آن و بذرهای سیاه است که به آن «سفرطس» گویند و برخی مردم آن را «رواس» می‌گویند زیرا این کلمه به معنای سائل (روان) بوده و از آن مایع یا شیرهای خارج می‌شود. و نوع سوم خشخاش بری کوچکتر است.^۶

میقن (*Mekon*): نام «خشخاش ابيض» است و همچنین «خشخاش أسود» و «أفیون» با همین نام ذکر شده است. میقن رُواس (*Mekon rhoias*): برگردان عربی آن «خَشْخَاش سائل» است وجه تسمیه آن بخاطر گل زودافت آن است و مشابه «شقائق» است و در کشتزارها می‌روید. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۵۸ و ۵۹]

| | | |
|------------------------------|-------------------------------------|----------|
| <i>Papaver roeas L.</i> | میقن رواس - خشخاش سائل | دیسکورید |
| <i>Papaver somniferum L.</i> | میقن، خشخاش ابيض، خشخاش أسود، أفیون | دیسکورید |
| <i>Papaver sp.</i> | خشخاش | الموسوعه |
| <i>Papaver somniferum L.</i> | کونکار - خشخاش | پارسا |
| <i>Papaver somniferum L.</i> | خشخاش | طبا، EN. |

۷۵۳ - خشخاش سفید^۱، خشخاش ابيض^۲: از انواع آن «خشخاش احمر» است که به آن «شقایق النعمان» گویند.^۳ نام دیگر آن: خشخاش بستانی^۴

| | | |
|------------------------------|------------|-------|
| <i>Papaver somniferum L.</i> | خشخاش ابيض | خطابی |
| <i>Papaver roeas L.</i> | خشخاش احمر | خطابی |
| <i>Anemone sp.</i> | | |

۷۵۴ - خشخاش بری^۱، خشخاش سیاه^۲: نام‌های دیگر آن: خشخاش أسود^۳، خشخاش الیهودی^۴ قاراطیطس^۵ که (*Mekon keratitis*): برگردان آن به عربی «خشخاش المُقَرَّن» (خشخاش شاخ دار) است. بعضی به آن «فارالیون» (*Paralion*) برگردان آن به عربی «خشخاش الساحلی» است، می‌گویند زیرا این گیاه بیشتر در سواحل می‌روید. نام دیگر آن «خشخاش البری» است. و برای نیام بلند چون نیام «لوییا» به آن «مُقَرَّن» گویند. ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۰

| | | |
|------------------------------|---|----------|
| <i>Papaver somniferum</i> | خشخاش أسود، خشخاش احمر، خشخاش مُنوم، أبوالنوم | الموسوعه |
| <i>Papaver somniferum L.</i> | خشخاش اسود | خطابی |

| | | |
|------------------------------------|--|----------|
| <i>Glaucium corniculatum</i> Curt. | قاراطیطس، خشخاش المقرن، خشخاش ساحلی، خشخاش بری | دیسکورید |
| <i>Glaucium corniculatum</i> Curt. | خشخاش بری | EN. |

۷۵۵- خشخاش منشور، خشخاش منشور^۴: "جالینوس" می گوید: از آن جهت منشور گویند که گلبرگهای آن زود می ریزد.^۵

| | | |
|-----------------------|--|----------|
| <i>Papaver rhoeas</i> | خشخاش منشور، خشخاش اُعمی، عَمَى الدجاج، شقائق خمر، شقائق النعمان | الموسوعه |
|-----------------------|--|----------|

۷۵۶- خشخاش زَبَدی، خشخاش زَبَدی^۶، خشخاش زَبَدی^۷: نام های دیگر آن: میقن افروُدس^۸ - قلیا^۹ میقن افروُدس (*Mekon aphrodes*): برگردان آن به عربی «خشخاش زَبَدی» است (زَبَد به معنای شیر یا کف روی آب) زیرا گل آن مانند کف روی آب بسیار سفید رنگ است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۱]

| | | |
|---------------------------|--------------|----------|
| <i>Silene inflatal</i> L. | خشخاش زَبَدی | دی.، EN. |
|---------------------------|--------------|----------|

۷۵۷- خشخاش مُقَرَن، خشخاش مقَرَن^(۱)، خشخاش مقَرَن^۲، خشخاش مقَرَن^۳: نام دیگر آن: مامیثا^۴ خشخاش بحری^۵، زیرا اکثراً کنار دریا و مکان های ناهموار می روید.

| | | |
|--------------------------------|-----------------------------|----------|
| <i>Glaucium flavum</i> Crantz. | خشخاش مُقَرَن، مامیثا صفراء | الموسوعه |
|--------------------------------|-----------------------------|----------|

۷۵۸- خُصَصِ الثعلب^۱، خصی الثعلب^۲، خصی الثعلب^۳، خصی الثعلب^۴، خصی الثعلب^۵، سوطیون^۶، طریفلن^۷: نام های دیگر آن: یونانی: ساطریه^۸، ساطریون^۹، ساطیورین^{۱۰}، شاطوریون^{۱۱}، طریفلن^{۱۲} (به معنای سه برگ) (در دونوع) خرد و بزرگ است.^{۱۳} - برای برگ های سه تایی و مایل به سمت زمین آن برخی آن را «طریفلن» می دانند... و نوع دیگر آن را گاهی «أریقون شاطوریون» گفته اند.^{۱۴} "غافقی" می گوید: «خصی الثعلب» معروف نزد ما در اندلس با آنچه دیسکورید معرفی کرده متفاوت است.^{۱۵} "اشبیلی" می گوید: دارای دو نوع است، نوع اول را شاطوریون، اشتنکه و طریفلن و نوع دوم بذر هائی بزرگتر از بذرهای: کتان دارد.^{۱۶} - ساطوریون (*Saturion*) نام «خُصَصِ الثعلب» بوده و دو نوع دارد. این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۲۲

| | | |
|---------------------------------|---|----------|
| <i>Orchis anthropophora</i> L. | ساطوریون - خصی الثعلب | دیسکورید |
| <i>Orchis</i> sp. | سُخْلَب، خصی الثعلب، خصی الکلب، قاتل اخیه، سَطوریون | الموسوعه |
| <i>Aceras anthropophora</i> St. | خصی الثعلب | طباطبائی |
| <i>Tulipa gesneriana</i> L. | | |
| <i>Orchis hircina</i> Griseb. | خصی الثعلب | خطابی |

۷۵۹- خصی الדיک^۱، خصی الدیك^۲؟

۷۶۰- خصی القط^۳: نوعی بقل معروف به ذکر رئیس - اهالی ثغر: قلیون دیغاته^۴

۷۶۱- خصی الکلب^۱، خصی الکلب^۲، خصی الکلب^۳، قاتل اخیه^۴: نام های دیگر آن: رومی: اُسَمَاقوس^۵ - نام گیاه در کتاب دیسکورید: أَرخس^۶ - این اسم - قاتل اخیه (برادر کش) - به این سبب بر آن نهاده اند که دارای دو بیخ مانند دو زیتون است که در سالی یکی از آن ها فربه شود و در سال دیگر آن فربه لاغر گردد و لاغر آن فربه گردد.^۷ "اشبیلی" می گوید: نوعی بصل با نام های:

۱- به خشخاش بری رجوع شود.

«ارخس، قاتل اخیه، قلیون، دقان» و دارای ده نوع با نام‌های زیر است: ۱- نوع ثومی با نام‌های ارخس و ارخیس ۲- نوع دیکه با نام‌های ارخس طوماغن یعنی بزرگ، ساراقیاس و خصی السمور ۳- نوع نحلی ۴- نوع دیبرانی یا زنبوری که در دو نوع است. ۶- نوع کرائی ۷- نوع بصلی ۸- نوع خطافی ۹- نوع زیدی ۱۰- نوع ثعلبی^ش

| | | |
|----------|-----------|-------------------------------|
| طحاطبانی | خصی الکلب | <i>Orchis hircina</i> Griseb. |
|----------|-----------|-------------------------------|

۷۶۲- خصی هرمس^ع، خصی هرمس^ن: نام‌های دیگر آن: حلیوب^ن- یونانی: لسورسسطس^ن - گویند نام «عصا هرمس» است و به نظر صحیح تر از بقیه نظرها است و نام یونانی آن «لینوزسطس» و نام دیگر آن «حلیوب» است.^ع
۷۶۳- خطر^ن، خطر^ع: برگ «نیل رومی» است.^ن - گویند نام «وسمه» است.^ع

| | | |
|----------|-----|--|
| الموسوعه | خطر | <i>Cladrastis</i> sp. <i>Virgilia</i> sp. |
|----------|-----|--|

۷۶۴- خطرة^ش:

۷۶۵- خطمی^ن (نامی یونانی)، خطمی^ن، خطمی^ع، خطمی^ن، خطمی^ع، خطمی^ن، خطمی^ع، شحم المَرَج^ع، غسل^ع، بزر الخطمی^ن، صمغ الخطمی^ن: مشتق از کثیرالمنافع^ن - نام‌های دیگر آن: رومی: لاثوس^ن، انونکسا^ن - سریانی: حلمنا^ن، نطفنا^ن - فارسی: خیروج^ن - نام گیاه در کتاب جالینوس: ایسقوس^ن - نام گیاه در کتاب دیسکورید: الٹا^ن - فارسی: هشت دهان^ن، الٹا^ن فاس: ورد الزوان^ن نام‌های نوع بری: شحم المَرَج^ع - یونانی: الیا^ن - نام گل: کثیرالمنفعة^ن - بهترین آن کوهی است که گل آن به رنگ سفید است و بستانی آن به نام «الزوانی» است.^ن نوعی از آن بستانی و در اندلس معروف به «ورد الزوانی» است و نوع دیگر آن را عامه مردم به نام «شحم المَرَج^ع» می‌شناسند و «دیسکورید» نام آن را به یونانی «الٹا^ن» گفته است. و دیسکورید همچنین آن را نوعی از «ملوخیه بری» معرفی می‌کند.^ع

الٹا^ن (Althaea): خطمی^ن - ملوخیا الشجر - عامه اهل اندلس: ورد الزوانی

الٹا^ن آخر (Alkea): نوعی از «خطمی بری» معروف به «شحم المَرَج^ع» است. قسمت مورد استفاده ریشه‌های گیاه است و برای نرم کردن صلابات بسیار موثر است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۴۱ و ۱۴۲]

| | | |
|--------------|----------|---|
| خطابی | خطمی بری | <i>Althaea rosea</i> |
| ز. - خ. - ط. | خطمی | <i>Althaea officinalis</i> L. |
| EN. | خطمی | <i>Althaea officinalis</i> L. <i>Althaea ficifolia</i> R.Br. |

۷۶۶- خِلاف^ن، خلاف^ع، خلاف^ن، خلاف^ع، خلاف^ن، خلاف^ع، صَفَصاف^ن: نام‌های دیگر آن: صفاف^ع - فارسی: بید^ن - جالینوس: بطاس^ن، غرب^ن، شاه بید^ن - شام: خلاف^ن «خلاف» دارای انواع متعددی است نوعی از آن را «صفاف» گویند که خود دارای نوع سفید و قرمز است و نوع دیگر آن «بادامک» نام دارد که نزد اهالی اندلس به «نصی» مشهور است.^ع
«خلاف» شامل «بید مشک»، «بید بری»، «بید موله» است و از هر گاه بدون قیدی نامبرده شود منظور «بید بری» یا «صفاف» که به فارسی «بید ساده» است، می‌باشد.^ف - «خلاف»، «بید» است و از او «خلاف» است و «صفاف» و «شاه بید» - «خلاف» نوعی «صفاف» است و صمغ آن از برگ بیرون می‌آید.^ن

أطا^ن (Itea): شجر الصَّفَصاف - خلاف ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۰۶

| | | |
|-----|-----|--------------------------------|
| EN. | بید | <i>Salix aegyptiaca</i> Forsk. |
|-----|-----|--------------------------------|

| | | |
|---|-----------------------------------|-----------|
| <i>Salix babylonica</i> L. <i>Salix babilonia</i> L. | أطا - شجر الصفصاف - خلاف | دیسکورید |
| <i>Salix safsaf</i> Forsk. <i>Salix babilonia</i> L. | صفصاف | زر. - طب. |
| <i>Salix alba</i> L. | بید | پارسا |
| <i>Salix australior</i> Forbes | بید سیاه | پارسا |
| <i>Salix babylonica</i> L. | بید مجنون | پارسا |
| <i>Salix fragilis</i> L. | بید خشت | پارسا |
| <i>Salix babilonia</i> L. <i>Salix aegyptiaca</i> | خلاف | خطابی |
| <i>Salix acmophylla</i> Boiss. | <i>Hendia: Bada - Punjab: Bed</i> | GLO.IN. |
| <i>Salix acmophylla</i> Boiss. | <i>Punjab: Bedi</i> | GLO.IN. |

۷۶۷ - خلاف بلخی، بهرامج، بهرامج: نام های دیگر آن: فارسی: بید مشک - شام: شاهبید - روم: بهرامج، رنف، بورکر - سندی: سریس (سرس) - بهرامه - خلاف بلخی

| | | |
|--|---------|-------|
| <i>Salix caprea</i> L. <i>Salix balchia</i> <i>Salix rosmarinifolia</i> L. | بهرامج | زریاب |
| <i>Salix aegyptiaca</i> Forsk. | بید مشک | پارسا |

۷۶۸ - خلجی، خلجان: گویند «گرنب بری» یا «شهدانج بری» است.

۷۶۹ - خلص: شاید «کاکنج النهري» باشد.

۷۷۰ - خلر، جلبان، خلر: نام های دیگر آن: عربی: خلر، ملک، جلبان، به واحد آن «جلبانه» گویند. - هندی: متر کابلی - «قصاص» نوعی خلر با غلاف نازک است. - عرب «ماش» را «میج» و «خلر» را «زن» گوید.

| | | |
|----------------------------|---------------------|----------|
| <i>Lathyrus sativus</i> L. | جلبان - ملک - خلر | زریاب |
| <i>Pisum sativum</i> L. | کرکرو (خرقان) - خلر | پارسا |
| <i>Lathyrus</i> sp. | جلبان - خلر | الموسوعه |

۷۷۱ - خلة: نام بوته خاردار با نام «شبرق»

۷۷۲ - خلنج، خلنج، خلنج: (نام فارسی مغرب) نام های دیگر آن: یونانی: اریقی - جرجه - عود الشرح - نام نوع دیگر: غنب الذیب

اریقی (*Ereike*): اهالی مغرب به آن «شجرالخلنج» گویند و از انواع «أشجل» است و هنگامی که زنبور عسل از شهد آن استفاده کند عسلی تلخ بوجود می آید. (ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۹۰)

| | | |
|-------------------------|-------------------------------|----------|
| <i>Erica arborea</i> L. | اریقی - شجرالخلنج - نوعی أشجل | دیسکورید |
| <i>Erica</i> sp. | خلنج - شنتطف | الموسوعه |
| <i>Erica cinerea</i> L. | خلنج | EN. |

۷۷۳- خَمَانُ، خَمَانٌ (نامی نبطی)، خَمَانٌ، شَبُوقَةٌ (خَمَانُ الْكَبِيرُ)، يَذْقَةُ، يَذْقَةُ (خَامَا أَقْطَى)، أَقْطَى، أَقْطَى، خَامَا أَقْطَى، خَامَا أَقْطَى: نام‌های دیگر آن: عربی: رَقْعَا - یونانی: أَقْطَى - خَمَانٌ - درخت معروفی است، بزرگ آن به عجمیت اندلس «شَبُوقَةُ» و کوچک آن «يَذْقَةُ» نام دارد. «خَامَا أَقْطَى» به یونانی به معنای «خَمَانُ الْأَرْضِ» و هَمَان «خَمَانُ الصَّغِيرِ» است. - دارای دو نوع بزرگ و کوچک است: خَمَانُ بَزرگ را «شَبُوقَةُ» گویند و کوچک آن را «خَامَى أَقْطَى» و به ثمر آن «بَل» گویند. - دارای دو نوع است یکی بزرگ که گروهی به آن «خَابُور» گویند و به لاتینی «يَذْقَةُ» و به یونانی «أَقْطَى» نام دارد و نوعی کوچک که گروهی به آن «رَقْعَا» گویند و به لاتینی «شَبُوقَةُ» نامیده می‌شود و دادن نام لاتینی به نوع کوچک «شَبُوقَةُ» اشتباه است و همچنین دانستن «خَامَا أَقْطَى» که درختی هندی با میوه هائی با نام‌های «بَل» و «فَل» است اشتباه آشکاری می‌باشد.^۴

أَقْطَى (Akte): دو نوع دارد و نام هر دو آن‌ها «عُود الْكَلْبِ» و «شَجَرُ الْخَابُور» است.

نوع دوم به نام «خَامَا أَقْطَى» است. ابن بیطار در کتاب جامع خود نوع اول را «خَمَانُ کَبِير» و نوع دوم را «خَمَانُ صَغِير» نامیده است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۶]

| | | |
|----------|---------------------------------------|---------------------------|
| دیسکورید | أَقْطَى - عود الکلب - شجر الخابور | <i>Sambucus nigra L.</i> |
| پارسا | غلیون، پلم، پلیم، پلاخون، پل خون، شون | <i>Sambucus ebulus L.</i> |
| الموسوعه | خمان - أقتی - أَقْطَى | <i>Actaea sp.</i> |
| طباطبانی | خمان صغیر | <i>Sambucus ebelus</i> |
| طباطبانی | خمان کبیر | <i>Sambucus nigra L.</i> |
| EN. | خمان - بیلسان | <i>Sambucus nigra L.</i> |

۷۷۴- خَمَخَمٌ، خَمَخَمٌ: "غافقی" نام این گیاه را «أَرْغَامُونِي» ذکر کرده است ولی من آن را صحیح نمی‌دانم - ابن بیطار - زیرا «خَمَخَم» نامی عربی است و مشخصات آن با «أَرْغَامُونِي» متفاوت است.^۴ برخی از مترجمان «خَمَخَم» را «لسان الثور» ذکر کرده‌اند که صحیح نیست و این توهّم بخاطر شباهت لفظی «خَمَخَم» با «حَمَحَم» است زیرا «حَمَحَم» در شهرهای بکر و شرق نام «لسان الثور» است.^۴

| | | |
|----------|--------------------------------|-----------------------------|
| الموسوعه | خَمَخَم، مَثُور بَرِي، شَمِثِم | <i>Matthiola livida DC.</i> |
|----------|--------------------------------|-----------------------------|

۷۷۵- خُخْنِي، خُخْنِي، خُخْنِي، خُخْنِي، خُخْنِي، خُخْنِي (نامی سریانی)، بَرُوقٌ، اصل الخنثى: از جنس بصل و از نوع جنبه و دارای دو نوع نر و ماده است. نام‌های دیگر آن: اسقودولوس^۵ (اسفودالوس): اهل مغرب: بزواق، بروق، خُخْنِي، غَرِي الاساكفه - عجمیت اندلس: أْبْجَه - اسراش - بَرُوق - نام ریشه آن: سراش - خُخْنِي «سَرِش» است. - نام نوع کوچک: خُخْنِي الصخریه - نام برگ: اینارهر^۶

اسقودولوس (Asphodelos): سفودولوس - عربی: خُخْنِي در حاشیه کتاب دیسکورید تصحیح ابن مراد ۲ - ۱۵۲

| | | |
|------------|--|---|
| خطابی | خُخْنِي | <i>Asphodelus microcarpus (L.) Swartz</i> |
| خطابی | صاصل، صوصلا، اشراس، لبن الطیر، خُخْنِي | <i>Ornithogalum stachyoides</i> |
| زر - طبای. | خُخْنِي | <i>Asphodelus ramosus L.</i> |
| EN. | خُخْنِي | <i>Asphodelus sp.</i> |

۷۷۶- خَنْدَرُوس^۱، خَنْدَرُوس^۲، خندروس^۳، خندوس^۴، خندوس^۵، خندروس^۶، حنطه رومی^۷، حنطه رومی^۸، خالون^۹، شعیر رومی^{۱۰}: نوعی از «راء» است^{۱۱} و دارای دو دانه است^{۱۲}. نوعی اشقالیه است. نام‌های دیگر آن: خندروس^{۱۳}، خندروش^{۱۴} - خالون^{۱۵} - فارسی: ذره مکّه^{۱۶}، کاکل^{۱۷} - عربی: حنطه رومی^{۱۸}، شعیر رومی^{۱۹} - تنکابن: گندم مکّه^{۲۰} - هندی: جوار^{۲۱} - گندم رومی^{۲۲} - لوفقطوش^{۲۳}، شوخط^{۲۴}، طخش^{۲۵}

خندروس (Khondros): نام «حَنْطَة الرّمیه» و نوعی «شعیر العربی» است و عامه اندلس به آن «شعیر النبی (صلی الله علیه و اله)» گویند. [این پیتار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۸۱]

| | | |
|-----------|------------------------------------|----------------------------|
| دیسکورید | خندروس - حنطه‌الرومیة - شعیر النبی | <i>Triticum romanum L.</i> |
| طبا.، EN. | خندروس | <i>Triticum spelte L.</i> |

۷۷۷- خندریلی^۱، خندریل^۲: نوعی «هندباء بری» تلخ است و گویند نام «یعضید» است^۳. نوعی «کاسنی بری» اما به غایت تلخ است و آن را «یعضید» خوانند.

| | | |
|----------|---------------------|-----------------------------|
| الموسوعه | خندویل - مُزْرِیَّة | <i>Chondrilla sp.</i> |
| EN. | خنزیلی | <i>Chondrilla juncea L.</i> |

۷۷۸- خَوْخ^۱، خَوْخ^۲، خَوْخ^۳، خَوْخ^۴، خَوْخ^۵، خَوْخ^۶، خَوْخ^۷، خَوْخ^۸، خَوْخ^۹، خَوْخ^{۱۰}، خَوْخ^{۱۱}، خَوْخ^{۱۲}، خَوْخ^{۱۳}، خَوْخ^{۱۴}، خَوْخ^{۱۵}، خَوْخ^{۱۶}، خَوْخ^{۱۷}، خَوْخ^{۱۸}، خَوْخ^{۱۹}، خَوْخ^{۲۰}، خَوْخ^{۲۱}، خَوْخ^{۲۲}، خَوْخ^{۲۳}، خَوْخ^{۲۴}، خَوْخ^{۲۵}، خَوْخ^{۲۶}، خَوْخ^{۲۷}، خَوْخ^{۲۸}، خَوْخ^{۲۹}، خَوْخ^{۳۰}، خَوْخ^{۳۱}، خَوْخ^{۳۲}، خَوْخ^{۳۳}، خَوْخ^{۳۴}، خَوْخ^{۳۵}، خَوْخ^{۳۶}، خَوْخ^{۳۷}، خَوْخ^{۳۸}، خَوْخ^{۳۹}، خَوْخ^{۴۰}، خَوْخ^{۴۱}، خَوْخ^{۴۲}، خَوْخ^{۴۳}، خَوْخ^{۴۴}، خَوْخ^{۴۵}، خَوْخ^{۴۶}، خَوْخ^{۴۷}، خَوْخ^{۴۸}، خَوْخ^{۴۹}، خَوْخ^{۵۰}، خَوْخ^{۵۱}، خَوْخ^{۵۲}، خَوْخ^{۵۳}، خَوْخ^{۵۴}، خَوْخ^{۵۵}، خَوْخ^{۵۶}، خَوْخ^{۵۷}، خَوْخ^{۵۸}، خَوْخ^{۵۹}، خَوْخ^{۶۰}، خَوْخ^{۶۱}، خَوْخ^{۶۲}، خَوْخ^{۶۳}، خَوْخ^{۶۴}، خَوْخ^{۶۵}، خَوْخ^{۶۶}، خَوْخ^{۶۷}، خَوْخ^{۶۸}، خَوْخ^{۶۹}، خَوْخ^{۷۰}، خَوْخ^{۷۱}، خَوْخ^{۷۲}، خَوْخ^{۷۳}، خَوْخ^{۷۴}، خَوْخ^{۷۵}، خَوْخ^{۷۶}، خَوْخ^{۷۷}، خَوْخ^{۷۸}، خَوْخ^{۷۹}، خَوْخ^{۸۰}، خَوْخ^{۸۱}، خَوْخ^{۸۲}، خَوْخ^{۸۳}، خَوْخ^{۸۴}، خَوْخ^{۸۵}، خَوْخ^{۸۶}، خَوْخ^{۸۷}، خَوْخ^{۸۸}، خَوْخ^{۸۹}، خَوْخ^{۹۰}، خَوْخ^{۹۱}، خَوْخ^{۹۲}، خَوْخ^{۹۳}، خَوْخ^{۹۴}، خَوْخ^{۹۵}، خَوْخ^{۹۶}، خَوْخ^{۹۷}، خَوْخ^{۹۸}، خَوْخ^{۹۹}، خَوْخ^{۱۰۰}

دیسکورید: از جنس درختان چوبی است دارای انواع بسیاری است: ۱ - بنوش، مَفَلَق، ازغب ۲ - اقرع، اجرء، املس ۳ - برقوق، ذرقون، تفاح الفارسی، دُراقن، فُزِسک، کورش، برشیقا میلا، دراجن، قربان ۴ - خَوْخ الماء، درجکان، سَقَنْزَه

بَرْبِسِیقا (Persika mela): نام «خَوْخ» است و دارای انواع فراوانی است. این پیتار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲۰

| | | |
|------------|---------------|-------------------------------|
| زر. - طبا. | خَوْخ - دراقن | <i>Persica vulgaris Mill.</i> |
| دی. - خ. | خَوْخ | <i>Prunus persica Sieb.</i> |
| الموسوعه | خَوْخ | <i>Prunus domestica</i> |
| EN. | خَوْخ | <i>Amygdalus persica L.</i> |

۷۷۹- خَوْشان: قسمس قطف بری و از انواع جِمض - نام دیگر آن: زُغَل^۱

۷۸۰- خَوْلَنْجان^۱، خاولنجان^۲، خولنجان^۳، خولنجان^۴، خاولنجان^۵، خولنجان^۶، خولنجان^۷، خولنجان^۸، خولنجان^۹، خولنجان^{۱۰}، خولنجان^{۱۱}، خولنجان^{۱۲}، خولنجان^{۱۳}، خولنجان^{۱۴}، خولنجان^{۱۵}، خولنجان^{۱۶}، خولنجان^{۱۷}، خولنجان^{۱۸}، خولنجان^{۱۹}، خولنجان^{۲۰}، خولنجان^{۲۱}، خولنجان^{۲۲}، خولنجان^{۲۳}، خولنجان^{۲۴}، خولنجان^{۲۵}، خولنجان^{۲۶}، خولنجان^{۲۷}، خولنجان^{۲۸}، خولنجان^{۲۹}، خولنجان^{۳۰}، خولنجان^{۳۱}، خولنجان^{۳۲}، خولنجان^{۳۳}، خولنجان^{۳۴}، خولنجان^{۳۵}، خولنجان^{۳۶}، خولنجان^{۳۷}، خولنجان^{۳۸}، خولنجان^{۳۹}، خولنجان^{۴۰}، خولنجان^{۴۱}، خولنجان^{۴۲}، خولنجان^{۴۳}، خولنجان^{۴۴}، خولنجان^{۴۵}، خولنجان^{۴۶}، خولنجان^{۴۷}، خولنجان^{۴۸}، خولنجان^{۴۹}، خولنجان^{۵۰}، خولنجان^{۵۱}، خولنجان^{۵۲}، خولنجان^{۵۳}، خولنجان^{۵۴}، خولنجان^{۵۵}، خولنجان^{۵۶}، خولنجان^{۵۷}، خولنجان^{۵۸}، خولنجان^{۵۹}، خولنجان^{۶۰}، خولنجان^{۶۱}، خولنجان^{۶۲}، خولنجان^{۶۳}، خولنجان^{۶۴}، خولنجان^{۶۵}، خولنجان^{۶۶}، خولنجان^{۶۷}، خولنجان^{۶۸}، خولنجان^{۶۹}، خولنجان^{۷۰}، خولنجان^{۷۱}، خولنجان^{۷۲}، خولنجان^{۷۳}، خولنجان^{۷۴}، خولنجان^{۷۵}، خولنجان^{۷۶}، خولنجان^{۷۷}، خولنجان^{۷۸}، خولنجان^{۷۹}، خولنجان^{۸۰}، خولنجان^{۸۱}، خولنجان^{۸۲}، خولنجان^{۸۳}، خولنجان^{۸۴}، خولنجان^{۸۵}، خولنجان^{۸۶}، خولنجان^{۸۷}، خولنجان^{۸۸}، خولنجان^{۸۹}، خولنجان^{۹۰}، خولنجان^{۹۱}، خولنجان^{۹۲}، خولنجان^{۹۳}، خولنجان^{۹۴}، خولنجان^{۹۵}، خولنجان^{۹۶}، خولنجان^{۹۷}، خولنجان^{۹۸}، خولنجان^{۹۹}، خولنجان^{۱۰۰}

سودار^۱، جَشْرِق^۲ - خسرو دارو^۳ - ترکی: غرغات^۴ - هندی: کلیجن^۵، کلاجن^۶ - نام نوع دیگر: جنجبانسه^۷

| | | |
|-----------|-------------------------------------|---------------------------------------|
| پارسا | خولنجان مصری - ریشه جوز | <i>Alpinia galanga (L.) Will.</i> |
| خطابی | خولنجان | <i>Alpinia galanga (L.) Will.</i> |
| الموسوعه | خولنجان | <i>Alpinia sp.</i> |
| طبا.، EN. | خولنجان | <i>Alpinia officinarum Hance</i> |
| GLO.IN. | Vernacular: Khulanjan | <i>Alpinia khulanjan = A. galanga</i> |
| GLO.IN. | Hendia: Kulanjan - Bengal: Sugandha | <i>Alpinia officinarum Hance</i> |

حرف «د»

۷۸۷- داذی^۱، داذی^۲، داذی^۳، داذی^۴، داذی^۵، داذی^۶: نام درختی بزرگ نام های دیگر آن: فارسی: جوجادو^۷ - قلنبیل^۸، انوثیرا^۹، مونس الوحش^{۱۰}

| | | |
|----------|-------------------------------|-------------------------------|
| خطابی | دادی | <i>Cercis siliquastrum L.</i> |
| الموسوعه | داذی - هیوفاریقون - اوفاریقون | <i>Hypericum sp.</i> |
| EN. | دادی | <i>Hypericum perfrotum L.</i> |

۷۸۸- داذی رومی^۱، داذی رومی^۲، داذی رومی^۳: نام دیگر آن: حنین: هوفاریقون^۴

| | | |
|------|--|--------------------------------|
| الم. | داذی، هیوفاریقون معروف، حشیشه القلب، غصبة القلب، ثنبیه | <i>Hypericum perforatum L.</i> |
|------|--|--------------------------------|

۷۸۹- دارشیشعان^۱، دارشیشغان^۲، دارشیشعان^۳، دارشیشعان^۴، دارشیشعان^۵، دارشیشعان^۶ (فارسی)، قلنس ناردین: نام های دیگر آن: قندول^۷ - عود البرق^۸ - جهت آنکه چون قوس و قزح به برسد خوشبو تر از عود هندی شود.^۹ - هندی: کای پهل^{۱۰}، کاپنهل^{۱۱} - بنا به نظر جالینوس: اسپالاتوس^{۱۲} - حشیشه السنبل الرومی^{۱۳} - بربری: آزوری^{۱۴}، ازدری^{۱۵} - اشلابوس^{۱۶} - اصبالاتوس^{۱۷} - دیاکلمن^{۱۸} - قشقابن فلسدیار^{۱۹} - جوق^{۲۰} غسانی^{۲۱} می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف نظر است بعضی از پزشکان آن را شاخه های «سنبل» می دانند و گویند «سنبل هندی» است و بنا به نظری «رمان هندی» است که داخل میوه آن را «البل» گویند.^{۲۲}

| | | |
|-----------|-----------------------------|--|
| زر. - خط. | دارشیشغان | <i>Calycotome spinosa L.</i> |
| پارسا | دارشیشعان - عود البرق | <i>Myrica sapida</i> |
| الموسوعه | قندول، دارشیشعان، عود البرق | <i>Spartium spinosum L.</i> <i>Cytisus spinosus Lam.</i> <i>Calycotome spinosa Lk.</i> |

۷۹۰- دارصینی^۱، دارصینی^۲، دارصینی^۳، دارصینی^۴، دارصینی^۵، دارچینی^۶، دارچینی^۷: نام آن به فارسی دار به معنای درخت و چوب است. نام های دیگر آن: سریانی: مرسلون^۸ - یونانی: افتمون^۹، موسولیون^{۱۰}، قنامومن^{۱۱} یعنی قصب الصین^{۱۲} - «اسحاق بن سلیمان» می گوید: «دار صینی» دارای انواعی است نوعی از آن در سرزمین چین به «دار صینی حقیقی» معروف است، و نوع دیگری در شهر صوص معروف به «دار صینی الدون» است.^{۱۳} - «اشبیلی» می گوید: دارای چهار قسم است: ۱- قرفه، قرفة القرنفل، موسولیون، سلیخه - زیرا بین آن و سلیخه مشابهت زیادی هست. ۲- دارصینی زور یعنی ضعیف ۳- دارصینی حبشی ۴- دارصینی تازه قرمز رنگ خوشبو^{۱۴}

قنامومن (Kinnamomon): به انواع «دارصینی» گویند. ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۴

| | | |
|-----------|----------------------------------|---|
| زریاب | دارصینی | <i>Cinnamomum cassia Boiss.</i> <i>Cinnamomum spp.</i> |
| دی. - طب. | دارصینی | <i>Cinnamomum zeilanicum Nees.</i> |
| الموسوعه | قرفة سرنديب، قرفة سيلان، دارصینی | <i>Cinnamomum zeilanicum Nees.</i> |

۷۹۱- دارفلفل^۱، دارفلفل^۲، دارفلفل^۳، دارفلفل^۴، دارفلفل^۵، دارفلفل^۶، دارفلفل: نام‌های دیگر آن: فارسی: فلفل دراز^۷ - هندی: پیپل^۸، پیپلی^۹ - "جالینوس" گوید «بهار»، «فلفل سفید» است و گویند درخت آن غیر از «درخت فلفل» است.^{۱۰}
باباری (Peperi): فلفل - به درخت آن «دار فلفل» گویند. - فلفل الأبيض این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۲

| | | |
|---|------------------------------|----------|
| <i>Capsicum frutescens L.</i> <i>Piper nigrum L.</i> | دارفلفل | الموسوعه |
| <i>Cucurbita sp.</i> <i>Piper nigrum L.</i> | قنق، یقطین | الموسوعه |
| <i>Piper aromaticum Lamk.</i> <i>Piper nigrum L.</i> | باباری - دارفلفل - فلفل أبيض | دیسکورید |
| <i>Piper longum L.</i> | دارفلفل | طبا، EN. |

۷۹۲- دارقفوطون^۱:

| | | |
|--|-----------|-------|
| <i>Arum italicum L.</i> <i>Dracunculus vulgaris Schott.</i> | دارقفوطون | زریاب |
|--|-----------|-------|

۷۹۳- دارکیسه^۲، دارکیسه^۳: نام دیگر آن: بسباسه^۴ - نام درخت: مافر^۵ - گویند نام «طالیسفر» است و همچنین نام آن را «بسباسه» گفته‌اند.^۶

| | | |
|----------------------------------|----------------|----------|
| <i>Myristica fragrans Houff.</i> | دارکیسه - ردرس | طباطبائی |
|----------------------------------|----------------|----------|

۷۹۴- دارم^۱، دارم^۲:

۷۹۵- دارمک^۳: نوعی از مرو^۴

۷۹۶- دارمیران^۵: نام‌های دیگر آن: مامیران - شاید نوع کوچک «سارون» باشد و گویند چوب هائی هندی است که در سرمه از آن استفاده می‌شود.^۶

۷۹۷- دارهلد^۱: (نام درختی هندی) نام‌های دیگر آن: دارچوبه^۲ - هندی: ابینی هلدی^۳

۷۹۸- دانج أبروج^۴، دانج أبرونج^۵، دانج أبروج^۶: از کوه کیلویه که از ولایت پارس است برخیزد و در هیچ موضع دیگر نباشد.^۷
نام‌های دیگر آن: دانک افرونک^۸ - شیرازی: انچلک^۹، تخم امروود جنگلی است.^{۱۰} صیاده عراق آن را بعنوان «فلفل أبيض» و بعضی از ایشان آن را «قزطم» می‌دانند.^{۱۱}

۷۹۹- دانک^۱؟:

۸۰۰- دُبا^۲، دبا^۳، دبا^۴، دُبا^۵: نام‌های دیگر آن: قرع^۶ - فارسی: کدوی رومی^۷، قرع الیابس^۸ - «ابوحنیفه» آن را «قرع» می‌داند نه «قرع یابس»^۹

| | | |
|--------------------------------|-------------|-------|
| <i>Lagenaria vulgaris Ser.</i> | دبا | زریاب |
| <i>Lagenaria vulgaris Ser.</i> | کدوی قلیانی | پارسا |
| <i>Cucurbita pepo L.</i> | دبا | خطابی |

۸۰۱- دِبق^۱، دبق^۲، دبق^۳، شجرة الدبق^۴، شجرة الدبق^۵، دبقت^۶: نام‌های دیگر آن: درخت سیستان^۷ - غلتان^۸ - مخاطه^۹ -

رومی: اکثیفوس^۳، هذوغورون^۴ - سریانی: دبوقا^۵، قسوس^۶ - فارسی: مویزک عسلی^۷، کشمش کاولیا^۸ - نام گیاه در کتاب دیسکورید: اقسوس^۹ - عطاران شیراز: مویزج عسلی^{۱۰}
اُقسوس: دق - صمغی که از درخت «کُمُتری» و غیر آن است. ابن بطار (در ترجمه دیسکورید)

| | | |
|---|------------------|----------|
| <i>Loranthus europaeus L.</i> | دبق | دیسکورید |
| <i>Viscum album L.</i> <i>Loranthus europaeus L.</i> | دبق - اکثیفوس | زریاب |
| <i>Cordia myxa L.</i> <i>Viscum album L.</i> | دبق - فور - عداس | طباطبائی |

۸۰۲ - دیداریا^{۱۱}، دیداریا^{۱۲}: (لغت نبطی مشتق از فارسی)

۸۰۳ - دبیراز^{۱۳}: نوعی ابله^{۱۴}

۸۰۴ - دحداح^{۱۵}، داح^{۱۶}: سرخ مرد^{۱۷}، (لاک ساک)

| | | |
|---|------------------|----------|
| <i>Crinum sp.</i> | دحداح - زُنبُقیة | الموسوعه |
| <i>Amaranthus paniculatus L.</i> <i>Amaranthus gangeticus L.</i> | دحداح | زریاب |
| <i>Amaranthus tricolor</i> | داح | طباطبائی |

۸۰۵ - دخسیسا^{۱۸}: نامی مشترک برای «بُنک» و روغن «بلسان» است.^{۱۹}

۸۰۶ - دُخن^{۲۰}، دخن^{۲۱}، دخن^{۲۲}، دخن^{۲۳}: نوعی جاورس^{۲۴} نام های دیگر آن: فارسی: ارزن^{۲۵} - شیرازی: الم^{۲۶} -

هندی: کنکنی^{۲۷} - جالینوس: قنخروس^{۲۸}، جاوروس^{۲۹} - برخی آن را به اشتباه «جاورس» می دانند. دارای هفت قسم زراعی و غیر زراعی است، غیر زراعی آن عبارتست از: ۱ - بنجاین: قلفورا، قفورا ۲ - حشیشة الحوت: قمرون، دخن النملی، ملأجه اقوانته، ملأجه بطره ۳ - اُنید

۴ - بَشَط: شَنَلَم ۵ - خافور: قبساطه، دخن العصافیر، بَزَمَس

اُلُمُس (*Elumos*): دخن ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۸۴

| | | |
|--|---------------|----------|
| <i>Andropogon sorghum Brot.</i> | اُلُمُس - دخن | دیسکورید |
| <i>Panicum italicum L.</i> <i>Panicum miliaceum L.</i> <i>Sqtaria italica Beauv.</i> <i>Holcus dochyna Forscal</i> <i>Sorghum vulgare L.</i> | دخن | زریاب |
| <i>Panicum sp.</i> <i>Panicum miliaceum L.</i> <i>Sqtaria italica Beauv.</i> <i>Holcus dochyna Forscal</i> <i>Sorghum vulgare L.</i> | دخن | الموسوعه |

۸۰۷ - دراقیل^{۳۰}: نوعی «قرصعنه» که اهالی کوهستانی بیروت و لبنان به آن «شنداب» گویند.^{۳۱}

۸۰۸ - درامج^{۳۲}، درانیج^{۳۳}: گفته شده نام «بعضید» است و همچنین گفته شده نوعی «بلاب» کوچک است.^{۳۴}

۸۰۹ - دُرْحوْلَه: نوعی از «سوسن بری» با نام یونانی «کسفیون» یا به نام «دَلْبُوْث» است.^۴
 ۸۱۰ - دُرْذَاب، دستنبویه، شمام: نام نوعی بطیخ کوچک - نام‌های دیگر آن: فارسی: دستنبویه، دستنبو - هندی: کچری - بنگالی: کژمین، سیندنی - شام: شمام
 ۸۱۱ - دُرْدار، دودار، درداز، دردار، درداز، دردار (نامی فارسی)، شجرة البق، بوقصا: نام‌های دیگر آن: شجرة دردار - شام و عراق: شجرة البق - خوش سایه - دارون، سسفیدار، درخت پشه، گویند در میوه آن پشه جمع می‌شود. - «بولس» می‌گوید: نام «شجرة البق» است. بیشتر پزشکان آن را «لسان العصور» می‌دانند. اشبیلی می‌گوید: درختی بزرگ با نام‌های: «باطالا، بنجکسروان، قیلورا، فراشنه، براخشنه، مالیا، وزق، شجرة البق» با انواع افرنجی، جلیقی و بلدی است.^۵
 بطالایا (Ptelea): شجر الدردار - اهل عراق: شجرة البق - اهل اندلس: شَمَّ الأسود - جالینوس: بنطادانقا به «ایدیصارون» هم مراجعه شود. این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۸۵ و ۳ - ۱۲۵

| | | |
|----------|---|--|
| دیسکورید | دردار | <i>Ulmus spp.</i> |
| خطابی | بطالایا - شجر الدردار - شجر البق | <i>Ulmus spp.</i> |
| ز، ط، E. | دردار | <i>Ulmus campestris L.</i> |
| پارسا | درخت نارون - شجر البق - درداز - دارون - قرانحاج - درخت صمت (آستارا) - لی (لاهیجان) - قلع (شمال) - شل درا (حاجیلر) - اوجا (شمال) | <i>Ulmus campestris L.</i> <i>Ulmus montana With.</i> <i>Ulmus effusa Sibth.</i> |
| الموسوعه | بوقصیا - درداز - شجرة البق - آلم | <i>Ulmus sp.</i> <i>Ulmus montana With.</i> <i>Ulmus effusa Sibth.</i> |

۸۱۲ - درماء: نوعی حمض یا نوعی از ذکور البقل

۸۱۳ - درمامة:

۸۱۴ - دُرُوبَطَارِس، دروبطارس، دروبطارس: به یونانی به معنای فرزند بلوط، «بلوطی» و «سرخس البلوط» است، زیرا گیاه آن بریدن کهنه بلوط می‌روید. - نام دیگر آن «دودسپاروس» است. - در جزیره الخضراء اندلس به «دیک» و نزد برخی از گیاهشناسان اندلسی «غلالة» معروف است و آن نوعی «سقایج» است.^۴
 دُرُوبَطَارِس (Druopteris): یعنی «بلوطی» و نام دیگر آن «سرخس البلوط» است زیرا بر روی درخت بلوط رویش می‌یابد و سمی و کشنده است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۱۰]

| | | |
|----------|-------------------------|-------------------------------------|
| دیسکورید | دروبطاروس - سرخس البلوط | <i>Asplenium adiantum nigrum L.</i> |
|----------|-------------------------|-------------------------------------|

۸۱۵ - دُرُوفینوس، دروقینون، دروقینون: (نامی یونانی) نام‌های دیگر آن: عربی: زیتونیه، زیرا برگ‌های آن مشابه برگ زیتون است.

دُرُوقینون (Doruknion): گیاهی است که در ابتدای رویش برگ‌های مشابه برگ «زیتون» دارد و مخدر و خواب‌آور است و من - این بیطار آن را می‌شناسم. این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۸

| | | |
|----------|---------|-----------------------|
| دیسکورید | دروقیون | <i>Dorycnium spp.</i> |
|----------|---------|-----------------------|

۸۱۶ - دُرُونَج، درونج، درونج، درونج: (نامی فارسی) نام‌های دیگر آن: درونک - هندی: سنکهاوت، سنکهاورت - لبنان: عَقْرَبَة - حارکوش - جذوار - سیدار - یزنه غَلِشکه

| | | |
|--|---------------------------|----------|
| <i>Doronicum pardalianches</i> L. <i>Doronicum scorpioides</i> Lam. | درونک | زریاب |
| <i>Doronicum scorpioides</i> Lam. | درونج | EN. خطا. |
| <i>Doronicum pardalianches</i> L. | درونج عقربی | پارسا |
| <i>Doronicum</i> sp. | دُرُونق - دَرُونک - درونج | الموسوعه |
| <i>Doronicum hookeri</i> Hook. <i>Doronicum roylei</i> DC. | Punjab: Darunj-akrabi | GLO.IN. |
| <i>Doronicum pardalianches</i> L. | India: Darunj-akrabi | GLO.IN. |

۸۱۷- دَزیاس؟: معرب دورس فارسی'

| | | |
|------|-----------------------------------|--------------------------|
| الم. | درياس، دروس، دزست، اديارس، ثافسيا | <i>Thapsia garganica</i> |
|------|-----------------------------------|--------------------------|

۸۱۸- دُزبان؟ میوه‌ای مخصوص زیرباد'

۸۱۹ - دستبویه^۷: نوعی «بطیخ» کوچک که در شام به آن «شمات» و «لقاح» گویند.^۸

۸۲۰ - دُعَاعٌ ش: نام دیگر آن: شونیز القمح ش

۸۲۱ - دُغْبُوْبُ :

۸۲۲- دُغُولٌ: نام دیگر آن: فستق الارض - قَشْطَنُوبُهُ

۸۲۳ - دَفْلی، دَفْلی، دَفْلی، دَفْلی، دَفْلی، دَفْلی، دَفْلی، خورزهرج، خرزهرج (نوعی دَفْلی)، سَم الحمار، سم الحمار، حسین یا حنین (دانه): نام‌های دیگر آن: یونانی: شیر یون، نیریون - سریانی: رودیون - عربی: جبین جبن، سم الحمار، جبن، قاتل الحمیر، سم البهائم، عقر، حَمَط، شجر الخبیثه - فارسی: خرزهره - هندی: کین، کنیر - جالینوس: دافنی - سندی: قنوبر - سم الحمار - ارنوله - رود دَفْنی - آلیلی - زوفوذا - جوجهرج - خرزون - دَوْدَر - غسانی می‌گوید: دارای سه نوع است نوعی نهری و دو نوع دیگر آن جبلی است که نوع بزرگ آن به نام «دَفْلی البیضاء» و نوع کوچک آن به نام «دَفْلی الخضراء» است.

نیرون (Nerion): ذیلی - خَوْزَهْرَج برگردان عربی آن از زبان فارسی «سَمِّ الحِمار» و نام عربی «حَبْن»^(۱) است. [این بیطار (در ترجمه
دیگورید) ۴ - ۷۴]

| | | |
|---------------------------|--------------------|-------------|
| <i>Nerium oleander L.</i> | نیرون - ذفلی - حبن | دیسکورید |
| <i>Nerium oleander L.</i> | خرزهره | پارسا |
| <i>Nerium oleander L.</i> | ذفلی | ز، ط، خ، ع. |
| <i>Nerium sp.</i> | ذفلی - سم الحمار | الموسوعه |

۸۲۴ - دَقْتَرَانَشْ^ش (۲): نام‌های دیگر آن: انطالین - بابُلُن - خامادفنی - رند - پِرْزَه اواناله^ش

۸۲۵- دُلب، دلب، دلب، دلب، دلب، دلب، جُتار، صنار؛ درختی از نوع صَفِیراء نام‌های دیگر آن: شجر الدلب - فارسی: چنار، صنار^۱ - فرنگی: بلطانس^۲ - ابلاتنوس^۳ - عیشام^۴، صنار^۵، شجره العیشام^۶، جوزالدُلب^۷، عُصوة^۸ - شیرازی: چنار^۹ - فاس: دُلُم^{۱۰} - «ابوحنیفه» «چنار» را به معنای درخت بی بار معنی کرده و شاید به تعبیر مخفف «چیز نیار» بوده است.^{۱۱}

أفلاطینس (Platanos): نام‌های دیگر آن عبارتست از: شجرالدُّلب - صَنار - جَنار ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۸۰

| | | |
|------------------------|-----------|-------------|
| Platanus orientalis L. | دلب | ز، ط، خ، د. |
| Platanus orientalis L. | درخت چنار | پارسا |
| Platanus sp. | دلب | الموسوعه |

۸۲۶- ذَلْبُوثُ، دَلْبُوثُ، دَلْبُوثُ، دَلْبُوسُ، سیف الغراب، سیف الغراب، نافوخ: نام‌های دیگر آن: سوسن الاحمر، سنجار - ریشه سوسن سرخ صحرائی معروف به «سیف الغراب» است، زیرا برگ آن مشابه شمشیر است. - نوعی «سوسن بری» است و آن معروف به «سیف الغراب» است و به آن سبب این اسم بوی نهاده‌اند که ورق آن مانند سیف (شمشیر) است و به شکل ورق «ایرسا» بود اما ورق «ایرسا» باریکتر و کوچکتر بود و ساق وی بمقدار یک کز بود و گل آن سرخ بود و وی را «سقراغانیون» و بعضی «باخاریون» خوانند و «کسیفون» نیز گویند. "ابن یطار" می‌گوید: نام نوع قرمز «سوسن البری» است و بنا به نقل غافقی معروف به «سیف الغراب» است و نام ریشه آن به گفته "ابوعباس" در بغداد به نام «نافوخ» است. کُسیفون (Xiphion): با نام‌های «سوسن بری»، «سیف الغراب»، «سیف القُراب»، «دورخولی» و «فَسْغانیون» (Phasganion) بیشتر در مزارع گندم می‌روید. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۲۰]

| | | |
|-----------------------|---|----------|
| Gladiolus communis L. | کُسیفون، سوسن بری، سیف الغراب، سیف القُراب، دورخولی، فَسْغانیون | دیسکورید |
| Gladiolus sp. | دلبُوث - سیف الغراب - غلادیون | الموسوعه |

۸۲۷- دلدغ: "ابو عباس" نباتی می‌گوید: «دلدغ» نام گیاهی در شهر بیت المقدس از نوع «کلخی» معروف به «غرناطه» است که در شهرهای اندلس آن را «کلخ دلی» و در سرزمین بربر به آن «ثافقرا» گویند. ۸۲۸- ذَلِیکُ، دَلِیکُ، دَلِیکُ، دَلِیکُ: نام‌های دیگر آن: میوه گل سرخ صحرائی - تنکابن: کلِیک - ترکی: اینبروئی - شام: سرسر الدیک، صرم الدیک

| | | |
|----------------------------|-------------------|-------|
| Rosa gallica L. | دلیک | زریاب |
| Rosa centifolia L. | | |
| Rosa centifolia L. | گل سرخ | پارسا |
| Rosa damascena Mill. | | |
| Rosa anserinaefolia Boiss. | ایت یورنی - کلِیک | پارسا |

۸۲۹- دَمُ الاخوین، دَمُ الاخوین، دَمُ الاخوین، دَمُ الاخوین، خون سیاوشان، خون سیاوشان: نام‌های دیگر آن: فارسی: خون سیاوشان - عربی: عَنْدَم، شِیان، ایدع - سندی: پاندروت - صیادله: قاطر - سریانی: ورداد صیادی - جالینوس: آرون، درقنطیون - شجرة دم الاخوین - هندی: پاندورت یعنی دم پاندو - «دم الاخوین»، «خون سیاوشان» باشد و او را «قاطر» گویند. - در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی گویند صمغ درخت «شیان» است و گویند عصاره آن است. أَخْلِیوس سَندْرِیطس: برگردان عربی آن «النافع من أخلیوس» است و «أخلیوس» نام بیماری «عُزْب» است. و این گیاه را نه دیده‌ام و نه هیچ شناختی نسبت به آن دارم. ابن وافت نام گیاه را «دَمُ الأَخوین» ذکر می‌کند. و من در این مورد بی اطلاعم. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۳۲]

| | | |
|-----------------------|-----------------------------------|----------|
| Achillea tomentosa L. | أخلیوس سَندْرِیطس - دَمُ الأَخوین | دیسکورید |
|-----------------------|-----------------------------------|----------|

| | | |
|--|------------------------------|----------|
| <i>Calamus draco Willd.</i> <i>Dracaena cinnabari Balf.</i> <i>Dracaena draco L.</i> | دم الاخوين - عندم - درقنطیون | زریاب |
| <i>Daemonorops draco Blume</i> | دم الاخوين | طباطبائی |
| <i>Dracaena cinnabari Balf.</i> | خون سیاوش | پارسا |
| <i>Dracaena cinnabari Balf.</i> | دم الاخوين | خطابی |

۸۳۰ - دم الأمير: نامی است که در شهرهای بکر و اطراف آن به گیاهی با نام فارسی «بستان افروز» گفته می شود.^۴

۸۳۱ - دم الغزال: دم الغزال: در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی آن را قسمی حمض معروف به «ثرف» و عده ای آن را نوعی «بقل» مشابه «طرخشقون» و بعضی هم آن را «طرخون» می دانند.^۵

| | | |
|--|--|----------|
| <i>Gnaphalium sanguineum Spr.</i> <i>Helichrysum sanguineum Cost.</i> | دم الغزال | زریاب |
| <i>Gnaphalium leontopodium</i> | كُرْسَفِيَّة حمراء، غُثْثَال أحمر، دم الغزال | الموسوعة |

۸۳۲ - دَمَادَم: دَمَادَم: نوعی لوبیای هندی

۸۳۳ - دَمَادَم:

۸۳۴ - دند: دند، دند، دند، دند، دند: نوعی یتوع دارای سه نوع است. حبشی، سجزی، هندی نام های دیگر آن: تارتقه^۶ - هندی: چپال - شیرازی: باتو - حب قطامی - حب سلاطین - نام «خروج صینی» که نام «ماهودانه» است، برای آن اشتباه است.^۷ - بعضی گویند «حب الملوك» «دند» است و این خطاست و «حب الملوك»، «ماهودانه» است.^۸ - «ابوجریح» می گوید: سه گونه است: گونه چینی که دارای دانه هائی بزرگ همانند پسته دارد، گونه دیگرش همچون دانه کرچک است ولی کوچکتر و دارای خال های سیاه است و از سگستان می آورند و گونه سوم که اندازه اش بین گونه چینی و گونه شحری است رنگ آن تیره متمایل به زرد و از هندوستان بدست می آید.^۹

| | | |
|--------------------------|-----|-------|
| <i>Croton tiglium L.</i> | دند | زریاب |
|--------------------------|-----|-------|

۸۳۵ - دوادم: دوادم، دوادم: چیزی همانند صمغ است که از درون تنه چوب درخت «عرعر» بیرون می آید.^{۱۰} - لثی الشمر^{۱۱}

۸۳۶ - دَوَايَاغَرِيَا، دواغریه: (نامی یونانی) به معنای قصب جبلی یا قصب بری^{۱۲}

۸۳۷ - دورقنی: نوعی کاکنج نام های دیگر آن: قراطاوس - دروقینون یعنی جن القتال^{۱۳}

۸۳۸ - دُوسَر، دُوسَر، دُوسَر، دُوسَر، دُوسَر: نام های دیگر آن: دوشر - اغیلس - زن - نام گیاه در کتاب دیسکورید: أجلیس^{۱۴} - نام تخم آن به شیرازی: کرکاس - اشبیلی می گوید: دارای سه نوع است: ۱ - نوع اول معروف به بجه بانام های: اغلبس، اغلبس - اولیذا - دنقه - ازقون - واوذاق - وازنیر - زوان - زن - عبری: سالم - سعيع - سَعَسَع - قَبَاة ۲ - نوع جبلی با نام: طردقیه منتریه یعنی حنطة جبلیه ۳ - نوع معروف به شتین^{۱۵}

| | | |
|---|---------------------------|------------|
| <i>Triticum ovatum L.</i> <i>Aegilops ovata L.</i> | دوسر - زن | زر - طبّا. |
| <i>Secale corutum</i> | سککاله - دوسر گندم زنگزده | پارسا |
| <i>Avena elatior L.</i> | خَرْطَال رفیع - دُوسر | الموسوعة |

۸۳۹- دُوقُسْ، دوقس^۷، دوقس ایمارس^۸: (نامی یونانی) اشبیلی^۹ می‌گوید: دارای سه قسم است: ۱- رجل الغراب ۲- رازیانج القرد ۳- بخور عایشه^{۱۰} - قریطقوس ارمالی^{۱۱}، برخی آن را به اشتباه شحمیله^{۱۲} گویند.

"دیسکورید" می‌گوید: نوعی از آن به نام «قریطقوس» است و دارای سه نوع است.^{۱۳} - "سفیان اندلسی" می‌گوید: نوعی از آن در شام به نام «قُمیله» و در بیت المقدس به نام «حشیشه البراغیث» است.^{۱۴}

دوقس (Daukos): گیاهی است که خود آن را می‌شناسم و سه نوع دارد. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۶۹]

| | | |
|----------|---------------------|---|
| الموسوعه | جَزَر الرعاة - دوقس | <i>Athamanta cretensis</i> |
| دیسکورید | دوقس | <i>Athamanta cretensis L.</i> <i>Peucedanum cervaria L.</i> <i>Seseli ammoides L.</i> |

۸۴۰- دُوقو، دوقو^{۱۵}، دوقو^{۱۶}، دوقو^{۱۷} (نامی یونانی)، قوقابس^{۱۸}: نام‌های دیگر آن: تخم گزر دشتی^{۱۹} - ری: نهنمک^{۲۰}، دوقو اغریا^{۲۱}، دوقو بری^{۲۲}، تخم جزر بری^{۲۳} - نام ریشه آن: مستسقاقل^{۲۴} - نام گیاه: خرس گیاه^{۲۵}، - نام نوع زیرا خرس آن را بسیار دوست دارد. - شیرازی: بداوان^{۲۶}، ترخر^{۲۷} دو گیاه جبلی: دوا یا اغریا^{۲۸} اشبیلی^{۲۹} می‌گوید: دوقو به «کاشم کبیر» و «اذخر» گفته می‌شود و منظور از «دوقو الاحرش» انواع «جَزَر البری» با نام «سنفاله» است و منظور از «دوقو املس»، «بَسَناج» است که خود در دو نوع بدو و غیر آن می‌باشد، نام‌های نوع اول «طقاره»، «مقارجه» و «قیعرن» و نام‌های نوع دیگر «غراء» و «غَزَنراء» است.^{۳۰}

اسطافالینوس اُغْرِیوس (*Staphulinos agrios*): جَزَر البری - جزر البستانی - دوقو ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۴۹:

| | | |
|-----------|--|--|
| زر. - طب. | دوقو - تخم گزر دشتی | <i>Daucus carota L.</i> <i>Athamanta cretensis L.</i> |
| دیسکورید | اسطافالینوس اُغْرِیوس - جزربری - جزرستانی - دوقو | <i>Daucus carota L.</i> <i>Athamanta cretensis L.</i> |

۸۴۱- دهاهایج^{۳۱}:

۸۴۲- دهماسا^{۳۲} (نامی هندی)، دَهَمَسْت^{۳۳}، دهمست^{۳۴}، دهمست^{۳۵} (نامی فارسی)، شجرة الغار^{۳۶}، غار^{۳۷}: نام‌های دیگر آن: عربی: غار^{۳۸} - رومی: اذفونیدیس^{۳۹}، اذفیوس^{۴۰} - دهمست^{۴۱}

| | | |
|-----------|-------------|--------------------------|
| زر. - طب. | دهمست - غار | <i>Laurus nobilis L.</i> |
| پارسا | درخت غار | <i>Laurus nobilis L.</i> |
| الموسوعه | رند، غار | <i>Laurus nobilis L.</i> |

۸۴۳- دیس^{۴۲}: اشبیلی^{۴۳} می‌گوید: دارای انواع بسیاری برخی از آن عبارتست از: ۱- سَمَار: دارای دو نوع نر و ماده است: نر آن را «اسل» گویند و هر دو نوعی «اغلات» با نام‌های غانافلیان، سخیونس الیا، ازلاف، ترهیلیه، ترهلیان، سومر، سمار است. ۲- سامان ۳- خَلْفاء ۴- مَلْجی: طرح ۵- طرباج: نوعی سَعْدی ۶- بوظة: نوعی سَعْدی، رَغی البَط ۷- مَزْطنه ۸- فَنال ۹- اذخر ۱۰- قارِج: قَزَج، قمسِل، اسنام ۱۱- قَصْبَة: قَلامُفَرَسطس ۱۲- جَزْینه: نوعی اذخر^{۴۴}

۸۴۴- دینارویه^{۴۵}، دینارویه^{۴۶}: نام‌های دیگر آن: عراق: حزاء^{۴۷}، زوفراء^{۴۸}

پزشکان مغرب بر خلاف پزشکان بغداد «زوفرا» را غیر از «حزاء» می‌دانند.^{۴۹}

۸۴۵- دِینِساَقوس^{۵۰}، دیساقوس^{۵۱}، دِینِساَقوس^{۵۲} (نامی یونانی)، دِینِساَقوس^{۵۳}، شوک الدراجین^{۵۴}، شوک الدراجین^{۵۵}، عطشان^{۵۶}، عطشان^{۵۷}، مشط الراعی^{۵۸}، ملطاه^{۵۹}: نام‌های دیگر آن: یونانی: دبساَقوس^{۶۰} یعنی دائم العطش یا همیشه تشنه^{۶۱} جِرامِغه^{۶۲}،

جرامقه^۱، خالینوس^۲ - مشط الراعی^۳، عطشان^۴ - شیرازی: طوسک^۵ - شوک الدراجین^۶ - مغرب: مشط الراعی - خس الکلب^۷ - تیمشطان و انتلی^۸
 دبساقوس (Dipsakos): برگردان عربی واژه یونانی «عطشان» است. نام های دیگر آن «شوک الدراجین» و «مسط الراعی» است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۱]

| | | |
|----------|-------------------------------------|-----------------------------|
| دیسکورید | دبساقوس - شوک الدراجین - مشط الراعی | <i>Dipsacus fullonum L.</i> |
|----------|-------------------------------------|-----------------------------|

۸۴۶- دیودار^۱، دیودار^۲ (نامی فارسی)، تفاح الجن^۳، دیودار^۴، دبندار^۵، دیودار^۶: به معنای شجر الجن^۷ شاید اسمی مرکب از فارسی و هندی است. «دیو» به هندی یعنی «بزرگ» و «دار» به فارسی یعنی درخت - چوب - است و آن را به هندی «چیر» نامند. نام های دیگر آن: بیدار^۸ - عربی: شجرة البق^۹، شجرة الجن^{۱۰} - فارسی: دیودر^{۱۱}، اسپیدار^{۱۲} «ابن سینا» می گوید: «دیودار» از جنس «أبهل» است و به آن «صنوبر الهندی» گویند. «ابوماسویه» می گوید: گونه ای است از «أبهل» و همانند «سرو» است.^{۱۳}

| | | |
|----------|-----------|---|
| زریاب | تفاح الجن | <i>Mandrgora officinarum L.</i> |
| طباطبائی | دیودار | <i>Cedrus deodara Loud.</i> <i>Cedrus libani Loud.</i> |

حرف «ذ»

۸۴۷- ذات الریش^۱: «اشبیلی» می گوید: این نام به سه گیاه گفته می شود: ۱- قسمی عصا الراعی^۲ - نوعی قیاصم و قسمی ریحان الثعلب با نام فورینه یا فلورینه^۳ - عشبة الطیور^۴
 ۸۴۸- ذاقینی الاسکندری^۵، ذافنی الاسکندری^۶، ذاقنی^۷ (نامی یونانی)، خاماذفی^۸: به معنای غار الاسکندری^۹ و برگردان عربی آن «ذافنی الاسکندری» است.^{۱۰} «ابوعباس نباتی» می گوید: نوعی از «شفاقل» است.^{۱۱}
 ذافنی (Daphne): شجر الغار - شجر الرند - دارای دو نوع نر و ماده است. ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۷۸:

| | | |
|----------|-------------------------------|---------------------------|
| دیسکورید | ذافنی - شجر الغار - شجر الرند | <i>Laurus nobbilis L.</i> |
|----------|-------------------------------|---------------------------|

۸۴۹- ذاقنیویداس^۱، ذافنیدس^۲، ذاقنیویداس^۳: (نامی یونانی) نوعی مازریون^۴ - نام های دیگر آن: ذاقنیویداس^۵ به معنای «مشابه غار» است.^۶ - مغربی: مازرو^۷ - شام: بقله^۸ - «دیسکورید» می گوید: برخی مردم آن را «خاماذفی» می دانند.^۹ نام دانه گیاه غار است که اسامی آن در «ذاقنی الاسکندری» ذکر آن آمده است.^{۱۰}
 ذافنیدس (Daphnides): نام های دیگر آن عبارتست از: حب الغار - حب الرند - حب الدهمشت (Dahmast) - لاتینی: آرْباقه (Orbaco) - لوره (Laurus) - بربری: بسلیت [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۷۹]

| | | |
|----------|--|------------------------|
| الموسوعه | ذافنیداس، ذَفَنَة سَامَة، أَثْم، مازریون | <i>Daphne mezereum</i> |
|----------|--|------------------------|

۸۵۰- ذَرَه^۱، ذَرَه^۲، ذَرَه^۳، ذَرَه^۴: نام های دیگر آن: جاورس الهندی فارسی: ارزن^۵ - هندی: جنبه^۶، جوار^۷ - جاوروس هندی^۸ - شیرازی: زَرَه^۹ - دو نوع است سیاه و سفید، نوعی از آن «جواری» که به نام «ارزن هندی» است.^{۱۰}

نام پوست ارزن به عربی «طَهْف» است. ^س نیبذ «ارزن» را به عربی «مرز» گویند و چون شیرین است آن را «جعه» گویند. ^س اشبیلی می‌گوید: دارای دو نوع کوچک و بزرگ است نام‌های نوع بزرگ آن عبارتست از: کنخروس - بنیشه - اتلی - نام سنبله آن: مَطَر - نام کاه آن: حَمَاط - نام‌های نوع کوچک آن: بنجّة - آمزقور - جاورس ^ش

| | | |
|--|------------|----------|
| <i>Andropogon sorghum</i> <i>Sorghum vulare Pers.</i> | ذره | الموسوعه |
| <i>Holcus sorghum L.</i> <i>Sorghum vulare Pers.</i> | ذره - ارزن | زریاب |
| <i>Holcus sorghum L.</i> <i>Zea mays</i> | ذره | طباطبائی |
| <i>Sorghum vulgare Pers.</i> | ذرة رفيعه | EN. |
| <i>Zea mays</i> | ذرة شامی | EN. |

۸۵۱ - ذرقی: نوعی سداب ^س
 ۸۵۲ - ذرق، ذرق، ذرق، ذرق، ذرق ^س: (نامی فارسی) نوعی بصل بری نام دیگر آن در بغداد: حَنْدَقُوقِی ^س - نام نوعی از آن «عَرْقُصَان» است. ^ع - نوع دیگر آن: حَنْدَقُوقَا - اهالی حیره: حباقا
 لوطوس آغریوس (*Lotos agrios*): حباقا - ذرق ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۹۶

| | | |
|--|----------------------------|------------|
| <i>Trigonella laciniata L.</i> <i>Trigonella corniculata L.</i> | ذرق | زر. - طبأ. |
| <i>Trigonella corniculata L.</i> | لوطوس آغریوس - حباقا - ذرق | دیسکورید |
| <i>Trigonella corniculata L.</i> | حلبه قرینه، ذرق | الموسوعه |

۸۵۳ - ذرق الحَمَام: نوعی شاهترج معروف به قَلَنْبِیَنَه ^ش
 ۸۵۴ - ذرق الطَّيْرِ: نام آن به یونانی: بتومه ^ع
 ۸۵۵ - ذروفینون ^ش
 ۸۵۶ - ذریزه ^س:

| | | |
|----------------------------|-----------------------------------|----------|
| <i>Arum italicum Mill.</i> | أروم أيطالی - لوف جعد - ذُرَیْرَة | الموسوعه |
| <i>Acorus calamus L.</i> | ذُرَیْرَة | EN. |

۸۵۷ - دُغْلُوق ^ش:
 ۸۵۸ - ذَفْراء، ذَفْراء ^ش: "رازی" می‌گوید: گویند نام «سداب البر» است. ^ع برخی آن را «فجن» و عده‌ای آن را «مجموعه» می‌دانند.

| | | |
|---------------------|-------------------------------------|----------|
| <i>Ruta montana</i> | ذَفْراء - سداب البر - حَزْمَل الجبل | الموسوعه |
|---------------------|-------------------------------------|----------|

۸۵۹ - ذَکَر الدیک: نوعی بصل بری معروف به ماغره الاسود ^ش
 ۸۶۰ - ذَکَر الرئیس: نام‌های دیگر آن: قلیونش دِغاته یعنی خصی الهَرّ - عجمی اندلس: شوله دی رای
 ۸۶۱ - ذَکَر الکلب: نوعی بصل بری نام دیگر آن: زَب زباح ^ش

- ۸۷۲ - ذهبیه: نوعی شاهترج با نام جنشاله و همچنین معروف به ذَنْب العُقرب است.^ش
- ۸۷۳ - ذو ثلاثة ألوان^ع، ذو ثلاث ألوان: نام دیگر آن: ذو ثلاث اوراق^ت - گیاهی به نام «طریفولیون»^ت و همچنین ابن واند آن را با گیاه دیگری به نام «تُرید» اشتباه کرده است.^ع
- ۸۷۴ - ذو ثلاث شوکات^ع، ذو ثلاث شوکات^ت: گویند نام «شکاعی» است.^ع
- ۸۷۵ - ذو ثلاث ورقات^ع، ذو ثلاث ورقات^ت: این اسم بر چند چیز واقع شده و گویند نام نوعی «حندقوقی» و نام «حَوْمَانَة» و «فصفصة» و همچنین نام نوعی «خصی الثعلب» است.^ت
- ۸۷۶ - ذو خمسة اوراق: نام‌های دیگر آن: ذو خمسة اصابع^ت - فنجنگشت^ت - ذو خمسة اقسام^ت - ذو خمسة اجنحه^ت - صاحب جامع^ت سهواً «فقطافلون» را «فنجنگشت» گفته است و در این باب قول صاحب منهاج معتبر است.^ت
- ۸۷۷ - ذو خمسة أجنحة و ذو خمسة أقسام^ع: بنطافلون^ع
- ۸۷۸ - ذو خمسة أصابع^ع: فارسی: بنجکشت^ع
- ۸۷۹ - ذو شُوَيْكَة و ذو مائة رأس^ع: قَرْصَعَة^ع
- ۸۸۰ - دُونُون^ش:

حرف «ر»

- ۸۸۱ - راء^ش: نام درختی در کوه‌های نجد
- ۸۸۲ - راء^ش: به گیاهان مشابه گندم با دو سنبله گویند.^ش
- ۸۸۳ - راتینج^ع، راتینج^ت، راتینج^ع: نام‌های دیگر آن: زفت^ع - راتیناج^ت، تیناج^ت، رخینه^ت، رشینه^ت، راتیناج^ع - اندلس: رجینه^ع، رشینه^ع - نام صمغ «صنوبر» است و برخی از مردم این نام را برای همه انواع «علک» بکار می‌برند غیر از «حنین» که این نام را تنها برای «قلفونیا» بکار برده و بقیه را با همان نام «علک» معرفی می‌کند.^ع و آن سه نوع است یک نوع سایل است که منعقد نشود، و یک نوع صلب ساده و نوع سوم صلب پخته با آتش است و آن را «قلقونیا» می‌گویند و به شیرازی «رنکبار» خوانند و از بهترین آن است.^ت

| | | |
|----------|--------|-------|
| خطا، EN. | راتینج | Resin |
|----------|--------|-------|

- ۸۸۴ - راحة الکلب^ش: نوعی کَف السبع
- ۸۸۵ - رازقی^ع، رازقی^ت، رازقی^ع، رازقی^ش: نام‌های دیگر آن: گل رای بیل^ف - عنب العذری^ش - صاحب جامع^ش گوید «رازقی» «سوسن سفید» است و بر خلاف آن «رازقی» را «قطن» می‌دانند و دیگری «رازقی» را «کتان» دانسته و روغن «سوسن سفید» را روغن «رازقی» می‌داند و صاحب جامع گوید «زنیق» «یاسمین سفید» است و این هر دو خلافت، زیرا «زنیق» نوعی از «سوسن سفید» است.^ت «امین الدولة ابن تلمیذ» آن را «سوسن أبيض» می‌داند در حالیکه «ابو سهل مسیحی» صاحب کتاب مائة و «عبدالله بن یحیی» صاحب کتاب «اختصارات الأربعین» و همچنین صاحب کتاب «بلغة» این نظر را تأیید کرده‌اند ولی برخی «قطن» را «رازقی» می‌دانند و «سگری» آن را «کتان» می‌دانند.^ع
- ۸۸۶ - رازیانج^ع، رازیانج^ت، رازیانج^ع، رازیانج^ش، رازیانج^ف، رازیانج^ش، شمار^ت، شمار^ع (نامی نزد اهالی مصر و شام)، برهلیا^ف (بزر): معرب رازیانه فارسی است.^ف از جنس هدیات و نوعی جنبه نام‌های دیگر آن: فارسی: بادیان^ش - رومی: شمار^ف، ماثرون^ش (ماثرون)، اناوس^ش - هندی: سونف^ف، دالان بزرگ^ف، سوب^ف، سوی^ف - یونانی: فیاقیدنوس^ش، سیستان^ف - باد تخم^ف - نام گیاه در کتاب دیسکورید: ابومارئون^ع - نام گیاه در کتاب جالینوس: رازیانج بری: افومارئون^ع - نام نوع بری: بسباس^ع - دارای دو نوع بری و بستانی است بری را «قوتارشوق» و به شیرازی «خوللو» گویند و بستانی را «مارشون» و گویند بهترین آن بستانی است.^ت - اشبیلی^ف می‌گوید: نام نوع بستانی آن «عریض» و معروف به «رازیانج فارسی» است و بری آن با سه نوع است، نوعی قبطی آن معروف به «نافع» است. «انیسون» نوعی از «رازیانج» است و دارای سه نوع بری، بستانی و صخری است.^ش

| | | |
|---------------------------------------|--|----------|
| <i>Foeniculum vulgare</i> Mill. | رازیانج | ز،خ،ط،پ. |
| <i>Foeniculum vulgare</i> Mill. | ماژنون، رازیانج البستانی، شمار، شمور، بزهلیا | دیسکورید |
| <i>Hippomarathrum libanotis</i> Koch. | أفومارثن - شمار العریض | دیسکورید |
| <i>Feniculum</i> sp. | شمار، شُمرة، ش ومار، رازیانج | الموسوعه |

| | | |
|---|-------------------------------------|-------------|
| <i>Inula helenium</i> L. <i>Calamintha incana</i> Boiss. & Held. | الاتيون - جناح - راسن - زنجبيل شامى | ديسكوريد |
| <i>Inula helenium</i> L. | رأس هندی - زنجبيل شامى | پارسا |
| <i>Inula helenium</i> L. | <i>Pers & Arab: Rasan</i> | GLO.IN. |
| <i>Inula helenium</i> L. | <i>Arab: Rasan - Kash: Poshkar</i> | GLO.IN. |
| <i>Inula helenium</i> L. <i>Calamintha incana</i> Bois & Held. | راسن | زر. - طبيا. |
| <i>Inula helenium</i> L. | راسن | خطا. EN. |

۸۹۷- رامک^۲: عطری است که از «مازو» گیرند.^۳

۹۰۳ - رَتم، رَتم، رَتم: (نامی عربی) از جنس هدایات نام‌های دیگر آن: شبرطیون - تالقبت - یناشه - "اشبیلی" می‌گوید: سیاه آن سه نوع است نام‌های دو نوع آن عبارتست از: ۱ - رَتم الطباء ۲ - رَتم الخنزیر - برکینه - یناشته دپورکه - نام نوع دیگر آن: ینشتاله: کوچک آن: اذنا بقر، بزرگ آن: اذنا ب الخیل^ج - غافقی می‌گوید: دارای دونوع سیاه و سفید است.^ج

| | | |
|----------|------|------------------------------|
| الموسوعه | رَثم | <i>Retama sp.</i> |
| EN. | رَثم | <i>Cytisus scoparius Br.</i> |

۹۰۴ - رَثم، رَثم، رَثم، رَثم، رَثم: نام دیگر بندق هندی ^{سبج}

| | | |
|-----------|-----|--|
| زر. - طب. | رته | <i>Caesalpinia bonducella Flem.</i> <i>Guilandina boneculla Flem.</i> |
|-----------|-----|--|

۹۰۵ - رجه ^س:

۹۰۶ - رجل البازي: نام های دیگر آن: کاشم الکبیر - طریفلون - سسالیوس ایتونیکون ^ش

۹۰۷ - رجل الجراد، رجل الجراد، رجل الجراد: نام های دیگر آن: زرنب ^ش - روبیان ^ش - شیخ الرئیس - گوید بقله است که قائم مقام «بقله یمانی» است... و مسیح گوید «زرنب» است و مولف دیگری گوید همچنین نام «زرنب» است و آن را «سرو ترکستانی» خوانند. ^ش
این نام به گیاه دیگری از انواع «اقاحی» معروف به «اربیان» نیز گفته می شود.

| | | |
|----------|------------|----------------------|
| طباطبانی | رجل الجراد | <i>Taxus baccata</i> |
|----------|------------|----------------------|

۹۰۸ - رجل الحداء: نام های دیگر آن: باطانیقی - فوروفش - لختیره ^ش

۹۰۹ - رجل الحمامه: اسم جنس و نوعی انجسا و دارای سه نوع: ۱ - انجسا الساحلی: لوقیدس - ارجیولیه - تاینس - حَمیر ۲ - نخلیه: عیبادیوس - انوخیلوس - ارطی صغیر ۳ - انجسا الرملی: لوقیمو بداس - سن نوذه - فیلاطاریون ^ش

۹۱۰ - رجل الزرور: نام دیگر آن: عنب السقف ^ش

۹۱۱ - رجل العقاب، رجل العقاب، رجل العقاب: نام های دیگر آن: حَمیراء ^ش - مسکیه ^ش - رجل العقق ^ش، رجل الزرور ^ش - رجل الغراب ^ش اهالی مصر گیاه دیگری با نام بربری «آطریلال» را به این نام که /معروف به «رجل الغراب» است / می شناسند. ^ع
۹۱۲ - رجل الغراب، رجل الغراب، رجل الغراب، زرقوری، زرقوری: نام های دیگر آن: شام: رجل الزاغ ^ع - پهلوی: پای کلاغ، کلاغ پا - ترکی: غاز یاغی - فرنگی: کرتویس - فاس: آطریلان ^ش - قنلیه ^ش همچنین می گویند «آطریلال» است، ولی بیشتر آن را غیر آن می دانند. ^ش غسانی گوید برخی به اشتباه آن را «زرنب» می دانند. ^ش
- آشیللی می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است

قورونفس (*Krethmon*): نام های دیگر آن عبارتست از: رجل الغراب - رجل الزاغ [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۱۴]

| | | |
|----------|--------------------------------|-------------------------------|
| دیسکورید | قورونفس، رجل الغراب، رجل الزاغ | <i>Crithmum maritimum L.</i> |
| خطابی | رجل الغراب | <i>Carum ammioides Benth.</i> |

۹۱۳ - رجل الفروج، رجل الفروج: نوعی حَمض نام های دیگر آن: رجل الدجاجة ^ش - رجل القلوس ^ش - قاقلی ^ش

نام «رجل القلوس» و هم نام اندلسی گیاه دیگری در بغداد با نام «قاقلی» می باشد و آن نوعی «حَمض» است. ^ع

۹۱۴ - رجل الحشاء: نام های دیگر آن: شج مال - اذن الحمار - شهیدیه ^ش

۹۱۵ - رخامی ^ش:

۹۱۶ - رُذُونْتی: (نامی هندی)

۹۱۷ - رَطمه، رَطمه، رَطمه، رَطمه، رَطمه، رَطمه، بزر الرطبه، علف، قَداح، قصب (فصفصه): نام های دیگر آن: فارسی: اسپست باغ تازه، اسپست ^ش، اسپست ^ش، سبست تر ^ش - ترکی: یونجه، نام های نوع خشک آن:

عربی: قَتّ - هندی: هفت - رومی: میدیکی - فُصْفَصَة = رطب القَتّ، فارسی: اُسبست - نام‌های بذر: بزر القداح، بزر الفصفصه، بزر القَتّ، بزر القَتْد، بزر القصب، بزر العلق - تخم اسبست
 میدی: رَطْبَة - فُصْفَصَة - خشک آن: قَتّ - فارسی: اُسْفَسْت - عربی: قُصْب - عجمیت اندلس: يُرْبَة موله به معنای «عشبه البغلة» ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۳۱ و ۱۳۲

| | | |
|---|---|-----------|
| <i>Medicago sativa L.</i> | فصفصه - رطبه - اسفست - قصب | دیسکورید |
| <i>Medicago sativa L.</i> | یونجه - قَت - اسبوست - اسپسته (افغانها) | پارسا |
| <i>Trifolium pratense L.</i> | رطبه، نفل المروج، نفل بنفجی، بزسیم أحمر | الموسوعه |
| <i>Medicago sativa L.</i> | رطبه | ز. ط.، E. |
| <i>Medicago sativa L.</i> <i>Trifolium alexandrinum L.</i> | فصفصه | خطابی |

۹۱۸ - رَعَى الْإِبِلَ، رعى الابل، رَعَى الْإِبِلَ، رَعَى الْأَيْلَ: نام‌های دیگر آن: سنائی، سفائی - مصر: شوک الجمل - سریانی: رعایلا - نام گیاه در کتاب جالینوس: هیلابسقون - نام گیاه در کتاب دیسکورید: آلفوسقن - سریانی: رعایلا

آلفوسقن: نام آن «رَعَى الْأَيْلَ» و به سریانی «رَعَاذِیلا» است و آن گیاه معروفی است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۶۵]

| | | |
|---|-----------------------|-------------|
| <i>Salvia officinalis L.</i> <i>Pastinaca sativa L.</i> | رعى الابل - رعى الابل | دی. - زر. |
| <i>Echinops sphaerocephalus</i> <i>Pastinaca sativa L.</i> | رعى الابل | الم. - طبا. |

۹۱۹ - رعى الحمار، رعى الحمار: گویند رعى الابل است.

۹۲۰ - رعى الحَمَام، رعى الحمام، رعى الحمام، رعى الحمام، فسطاریون، فرسطالیون، قارسطاریون، فارس ناریون: نوعی کرسنه نام‌های دیگر آن: در کتاب دیسکورید با نام یونانی: فارسطاریون، یعنی «حمامی» و یا به معنای «مظلل الحمام»، قوسطاریون، فارسطازیون - فارسی: گاو مشنگ، دیو مشنگ، چینه کبوتران - نام گیاه در کتاب جالینوس: فارستاریون، باریسطاریون -

فارسطازیون به (Peristerion): برگردان آن «حمامی» است و نام‌های دیگر آن «رعى الحمام» و «حشیش الأعظم» است. و «جالینوس» آن را نوعی از «میامیر» می‌داند و به لاتینی «قُلُنْبَارِش» (Columbaris) معنای «حمامی» است. نام یونانی و لاتینی این گیاه یکی است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۵۴ و ۵۵]

| | | |
|--|-------------------------------------|----------|
| <i>Verbena officinalis L.</i> | فارسطاریون، رعى الحمام، حشیش الأعظم | دیسکورید |
| <i>Verbena sp.</i> <i>Pastinaca sativa L.</i> | رعى الحمام | الموسوعه |
| <i>Verbena officinalis L.</i> | رعى الحمام | زریاب |
| <i>Verbena officinalis L.</i> | فارسطاریون | خطابی |

۹۲۱ - رَعَى، رَعَى: در بعضی از ترجمه‌ها: جَلَنَارَ

۹۲۲ - رعى الابل: نام دو گیاه است ۱ - لصف و کنکر بری ۲ - سواک العباس

شامل انواع شیرین، تلخ و ترش می‌باشد که هر یک خود اقسام مختلفی دارند، اقسام نوع ترش عبارتست از: ۱ - فطیسی: داوری ۲ - برجین ۳ - بلدی - اقسام نوع تلخ عبارتست از: ۱ - کبیر (بزرگ): رومی ۲ - صغیر (کوچک): اقسام نوع شیرین عبارتست از: ۱ - فسطیسی ۲ - مقدسی ۳ - قمحی - رمان بری نرو معروف به جلنار است نام‌های دیگر آن عبارتست از: رَغْتُ - نارِ مِشک - تاغیش - لوسطیون^۳ انار بسیار آبدار را که تخم کم داشته باشد به لغت عرب «مرمار» گویند.^۴ «جالینوس» می‌گوید: «نالاسطون» نام شکوفه انار دشتی است.^۵ - نام دانه آن: انار دانه^۶ «غسانی» می‌گوید: رمان دارای دو نوع نرو ماده است نام نوع نر «جُلنار» است و ماده آن دارای انواع فراوانی از قبیل شیرین، ترش، تلخ، آبی، و... می‌باشد که هر یک از این انواع در شهر فاس دارای اسامی خاصی است بعنوان مثال: منظور از درخت «سلطان» بلندترین و نیکوترین درخت انار است و به ترتیب نوع «سفری» و «کلخی» قرار دارد و هر گاه درختی دارای انارهای بزرگ باشد به آن «میمونه» و اگر دارای انارهای ریز باشد به آن درخت «عَظْمی» گویند.^۷

رُوداْأَیْذا (Rhoa): رمان (این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۱۳]

| | | |
|-----------------|--------------------|---------------------------|
| ز، خ، پ، ال، ط. | رمان | <i>Punica granatum L.</i> |
| دیسکورید | روداْأَیْذا - رمان | <i>Punica granatum L.</i> |

۹۴۲ - رَمانُ الأَنهار^۸، رمان الانهار^۹: در دمشق نام نوع بزرگ «هوفاریقون» با نام «أندروسا» یا «اندرسامس» است.^{۱۰}

۹۴۳ - رمان السَّعال^{۱۱}، رمان السعال^{۱۲}، رمان السعال^{۱۳}: نام دیگر آن: خشخاش^{۱۴}، خشخاش الابيض^{۱۵} برای بسیاری از پزشکان این نام نوعی «خشخاش سفید» است و درست تر آنست که نوعی «خشخاش» معروف به «منثور» است که مشابه «شقایق النعمان» است ولی شقایق مزبور نیست.^{۱۶}

| | | |
|----------|--------------------------|---|
| الموسوعه | رمان السعال - خشخاش أبيض | <i>Papaver somniferum album</i> <i>Pastinaca sativa L.</i> |
|----------|--------------------------|---|

۹۴۴ - رمان بری^{۱۷}، رمان البری^{۱۸}، حب القلقل^{۱۹}، حب القلقل^{۲۰}، بزرالمط^{۲۱}، مض^{۲۲} - رمان بری^{۲۳} - نام‌های میوه: حب القلقل^{۲۴}، رمان البری^{۲۵}، شاهدانج^{۲۶}، نار دانه دشتی^{۲۷} - نام ریشه: مغاث^{۲۸}

| | | |
|----------|------------------|--|
| زریاب | رمان البری | <i>Crotalaria retusa L.</i> <i>Cassia tora L.</i> |
| پارسا | حب القلقل | <i>Cassia tora L.</i> |
| الموسوعه | رمان بری - مَطَّ | <i>Balaustion sp.</i> <i>Pastinaca sativa L.</i> |

۹۴۵ - رَمَث^{۲۹}، رَمَث^{۳۰}، رَمَث^{۳۱}: نوعی «حَمَض»^{۳۲} نام دیگر آن: طردج - نام شیره سفید رنگ بر روی گیاه: مغفور الرمث^{۳۳} - نام نوع دیگر آن: شعران^{۳۴}

| | | |
|----------|-------|---|
| الموسوعه | رَمَث | <i>Caroxylon articulatum Moq.</i> <i>Pastinaca sativa L.</i> |
|----------|-------|---|

۹۴۶ - رَمَرام^{۳۵}، رَمَرام^{۳۶}، رَمَرام^{۳۷}: نام دیگر آن: قرصنه^{۳۸} - ابريجون^{۳۹} نام «قرطم بری» است و گویند نام «قرصنه» است.^{۴۰}

۱- Yerba de fuego ۲- به «آس» رجوع شود.

- ریحانة الملك ش: نوعی حقیق ش - افرنجیمشک ش

- ریحانة الفتی ش: مرزنجوش ش

| | | |
|----------------------------|---------------------|-----------|
| <i>Ocimum basilicum L.</i> | ریحان | ز. ط.، E. |
| <i>Ocimum basilicum L.</i> | ریحان سبز - شاهسفرم | پارسا |

۹۵۵- ریحان السلیمان^۱، ریحان السلیمان^۲، ریحان سلیمان^۳، جم اسپرم^۴: نام‌های دیگر آن: عربی: فُشاع^۵ - فارسی: ریحان سلیمان^۶، جمسفرم^۷، جماهو سلیمان^۸ نبات آن در کوهستان فارس و اصفهان بود^۹.

| | | |
|---|-----------------------------|----------|
| <i>Ocimum filamentosum Forsk.</i> | ریحان سلیمان - حقیق الرهبان | الموسوعه |
| <i>Ocimum filamentosum Forsk.</i> <i>Ocimum gratissimum L.</i> | فُشاع - ریحان سلیمان | زریاب |
| <i>Ocimum gratissimum L.</i> | ریحان سلیمان | طباطبائی |

۹۵۶- ریحان الکافور^۱، ریحان الکافور^۲: نام‌های دیگر آن: کافور یهودی^۳، شجر الکافور^۴، ریحان الیهود^۵، شجر الکافور^۶ - فارسی: سوسن^۷ گویند: گیاه «سوس» است^۸ - نوعی درخت است و نبات وی بیشتر در خراسان باشد^۹.

| | | |
|------------------------|---------------|----------|
| <i>Camphorosma sp.</i> | ریحان الکافور | الموسوعه |
|------------------------|---------------|----------|

۹۵۷- رئیس الجبل^۱، طرفیوس^۲: نام‌های دیگر آن: رائی مَنت - - فارقلومانن - اطرس - ماطرشَلْبَة - الف دینار - حشیشة الطحال - صریمة الجدی^۳

حرف «ز»

۹۵۸- زان^۱، زان^۲: نام‌های دیگر آن: مران^۳ - قرانیا^۴ - مالیا^۵ - برخی آن را به اشتباه «شَوْحط» می‌دانند^۶.
مالیا (*Melia*): نام عربی آن «مُرَّان» و نام بربری آن «زان» است. اما «مران» ذکر شده در کتاب جالینوس با آن متفاوت بلکه منظور گیاه «قرانیا» است.

۹۵۹- زَبَدای^۱: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «بِزرقطونا» و عده‌ای «صَعْتیره» و گروهی آن را نوعی «هوفاریقون» می‌دانند^۲.
۹۶۰- زراوند خراسانی^۱: نوعی کمداریوس نام‌های دیگر آن: ریشه بنثرقة^۲

۹۶۱- زَراوند^۱، زَراوند^۲، زَراوند^۳، زَراوند^۴، زَراوند^۵، زَراوند^۶ (نامی فارسی)، مسمقوره^۷، مسمقوره^۸ (نام بربری)، ارسطولوخیا^۹، ارسطولوخیا^{۱۰} (نامی یونانی زراوند طویل)^{۱۱}: زراوند دو جنس است طویل و مدور. نام‌های دیگر آن: عجمی اندلس: مسمقوره و معرب آن مسمقاره، مسمقران^{۱۲} - اهل مغرب: شجر رستم^{۱۳} - یونانی: ارسطولوخیا «ارسطو» به معنای «فاضل» و «لوخیا» به معنای «نفسا» است زیرا موجب تسهیل زایمان می‌گردد^{۱۴}. - ارسطالوخیا^{۱۵}، ارسطالوخیا^{۱۶} - سریانی: سفولاس^{۱۷} «ابن ماسویه» می‌گوید: دارای سه گونه است: دراز و گرد و گونه‌هائی چون «بقش الکرم» است^{۱۸}. ارسطولوخیا از دو نام «ارسطو» و «لوخیا» گرفته شده است منظور از «ارسطو» دانشمند فاضل معروف است و منظور از «لوخیا» زن نفساء است بنابراین معنای کلی واژه «الفاضل بالمنفعة للنساء» یا داروی برتر برای سود بخشیدن زن نفساء است^{۱۹}. «عسانی» می‌گوید: دارای دو نوع نر و ماده است نوع نر طویل (کشیده) و نوع ماده آن مدحرج (پیچ خورده) می‌باشد و در فاس به آن «بُرْشْتُم» گویند^{۲۰}.

| | | |
|------------------------------|-------------|------------------------------------|
| <i>Aristolochia longa</i> L. | زر. - طبيا. | زراوند - ارسطالوخيا |
| <i>Aristolochia longa</i> L. | ديسکورید | أرسطلوخيا - زراوند - برستم |
| <i>Aristolochia longa</i> L. | پار. - خطا. | زراوند طويل |
| <i>Aristolochia</i> sp. | الموسوعة | زراوند - أرسطولوجية - مهتون - غاغة |
| <i>Aristolochia</i> sp. | EN. | زراوند |

| | | |
|--------------------------------|--------------|------------|
| <i>Aristolochia rotunda</i> L. | زراوند مدحرج | ز. ط. - خ. |
|--------------------------------|--------------|------------|

| | | |
|--|---------------------|----------|
| <i>Chelidonium dodecandrum</i> Forsk. <i>Romeria dodecandrum</i> Stapl. <i>Atriplex hortensis</i> L. | رجل الجراد | زرياب |
| <i>Taxus baccata</i> L. | رجل الجراد - زرنب | زرياب |
| <i>Flacourtian cataphracta</i> | زرنب | زرياب |
| <i>Taxus baccata</i> | طَّقْسوس عادى، زرنب | الموسوعه |
| <i>Curcuma zedoaria</i> | زرنب | خطابى |

| | | |
|---|------------------|----------|
| <i>Zingiber zerumbet</i> Rosc. | زرنیاد | زریاب |
| <i>Zingiber zerumbet</i> Rosc. <i>Amomum zerumbet</i> L. | زُرْبَة - زرنیاد | الموسوعه |

۹۷۱- زعفران بستانی: نام های دیگر آن: شیرازی: کیل سرخ^۱ - مثلث حجم^۲
 ۹۷۲- زعفران^۳، زعفران^۴، زعفران^۵، زعفران^۶، زعفران^۷، زعفران^۸، زعفران^۹، جساد^{۱۰}، هرد^{۱۱}، جادی^{۱۲}، جادی^{۱۳}: نام های دیگر آن:
 رومی: اینخوس^{۱۴}، قروقوا^{۱۵} - سریانی: کرکم^{۱۶}، کرکما^{۱۷} - فارسی: لرکیماس^{۱۸} - هندی: کیسر^{۱۹}، کنکون^{۲۰} -
 جادی^{۲۱} - جساد^{۲۲} - ریپهان^{۲۳} - قوقو^{۲۴} - خلوق^{۲۵} - سعفورالصفالیه^{۲۶} - جالینوس: قوروقوس^{۲۷} - نام گیاه در کتاب
 دیسکورید: قُرُقُس^{۲۸} - ابلر^{۲۹} - خلوق^{۳۰} تازه آن بهترین و بغایت سرخ رنگ و تیز بوی است و از ولایت فارس از کوه کیلویه خیزد، آن
 نوع بهترین انواع زعفران است، بعد خراسانی که معروف است به «میلکندی» و بعد از آن رود آوردی. انواع آن عبارتست از: زعفران
 بری، زعفران حبشی: قرطم - زعفران شرکی: ریشه های برابر یس - زعفران هندی: کرکم، عروق الصفر، اصابع الملک، جادی، جساد، جسد^{۳۱}
 قُرُقُس (Krokos): منسوبه به مکانی از روم به همین نام است و نام آن «زعفران» با نام های «جادی»، «جساد»، «ریپهان» و
 «کُرُکُم» است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۲۵]

| | | |
|--------------------------|--|-------------|
| <i>Crocus sativus L.</i> | زعفران | ز، پ، ط، خ. |
| <i>Crocus sativus L.</i> | قروقس - زعفران | دیسکورید |
| <i>Crocus sp.</i> | جادی، جساد، جیهان، دلهقان، رادن، ریپهان، صفران، کرکیماس، رعبل | الموسوعه |
| <i>Crocus sativus</i> | زعفران مخزنی - زعفران معروف - ریپهان | الموسوعه |
| <i>Crocus sativus</i> | Sanskrit: Keshara; Kunkuma - Hindia: Kesar; Zafaran Bombay: Kessar - Bengal: Jafran | GLO.IN. |

۹۷۳- زعفران^{۳۲}: نام های دیگر آن: صنوبر الارض^{۳۳} - خَلَمَة^{۳۴}
 ۹۷۴- زغیر^{۳۵}، زغیر^{۳۶}: نام «مرو» است و گویند «مرو دقیق» است. - نام های دیگر آن: مرو سفید^{۳۷}
 ۹۷۵- زُقَال^{۳۸}، زوقال^{۳۹}، زوقال^{۴۰}: (نامی فارسی) جنسی است از آلوی سرخ رنگ - نام دیگر آن: قرانیا^{۴۱}
 مالیا: (Melia): نام عربی آن «مُزان» و نام بربری آن «زان» است. اما «مران» ذکر شده در کتاب جالینوس با آن متفاوت است و
 در آنجا منظور گیاه «قرانیا» است. قرانیا (Krania) درخت معروف کوهی است که در کوه های لبنان و غیره... می روید. دارای
 میوه ای مشابه «سیب» کوچک دارد و هنگام رسیدن قرمز و زرد می شود و طعم آن ترش است و درون آن هسته ای به سختی و
 جنس «زعور» است و من - ابن بطار - نام دیگری برای آن نمی شناسم. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۸۱ و ۱۲۸]

| | | |
|----------------------|--------|----------|
| <i>Cornus mas L.</i> | زوقال | زریاب |
| <i>Cornus mas L.</i> | قرانیا | دیسکورید |

۹۷۶- زُقُشْتَه^{۴۲}:
 ۹۷۷- زَقُوم^{۴۳}، زَقُوم^{۴۴}، زَقُوم^{۴۵}: نام های دیگر آن: افریون^{۴۶} هندی: تهور^{۴۷}، سیهنده^{۴۸}، سیج^{۴۹} - نام مایع لزج آن: ضرع^{۵۰}
 الکلب، غلبی^{۵۱}

| | | |
|-----------------------------------|-------------|----------|
| <i>Balanites aegyptiaca L.</i> | زقوم | زریاب |
| <i>Elaeagnus angustifolius L.</i> | | |
| <i>Elaeagnus sp.</i> | خلاف - زقوم | الموسوعه |

۹۷۸- زقوم آخر^{۵۲}، زقوم آخر^{۵۳}: نام های دیگر آن: افریون^{۵۴}، تاگوت^{۵۵} - برخی آن را به اشتباه نام گیاه «خززع» می دانند.^{۵۶}

۹۷۹- زلایه^{۵۷}:

۹۸۰- زلم^{۵۸}: نام های دیگر آن: حب الزلم^{۵۹} - اندلس و مغرب: فلفل السودان^{۶۰}

| | | |
|----------|--|---------------------------|
| الموسوعه | حب الزُّلْم، حب العزیز، زُلْم، سُغْد مأكول | <i>Cyperus esculentus</i> |
|----------|--|---------------------------|

۹۸۱- زَنْبَا، زَنْبَا: (نامی فارسی)

۹۸۲- زَنْبَق، زَنْبَق، زَنْبَق: نام‌های دیگر آن: باسمین^۳ - فارسی: سوسن آزاد به روغن «حَلّ» پرورش یافته در «یاسمین» گویند.^۴

أیماروقالِس (Hemerokallis): ابن حَتَّان می‌گوید: سَوْسَن أَصْفَر - دمشق: زَنْبَق [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۱۷]

| | | |
|----------|--------------------------------------|------------------------------|
| دیسکورید | أیماروقالِس - سوسن أَصْفَر - زَنْبَق | <i>Hemerocallis flava L.</i> |
| پارسا | زَنْبَق | <i>Iris germanica L.</i> |
| الموسوعه | زَنْبَق | <i>Lilium sp.</i> |

۹۸۳- زَنْجَبِيل، زَنْجَبِيل، زَنْجَبِيل، زَنْجَبِيل، زَنْجَبِيل: نام‌های دیگر آن: زَنْبَاری - هندی: (تازه آن) اذْرک^۴، (خشک آن) سونته^۵، سندهی^۶، سنده^۷ - فارسی: شنگویر^۸، زَنْگَبیر^۹، شَنْگَلیل^{۱۰} - سریانی: زَنْجَبیل^{۱۱} - طَخاری: شَنْگَرَفیر^{۱۲}

زَنْغَبَاری (Zingiberi): زَنْجَبیل [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۳]

| | | |
|------------|---|----------------------------------|
| ز، پ، ط، خ | زَنْجَبیل | <i>Zingiber officinale Rosc.</i> |
| دیسکورید | زَنْجَبیل | <i>Zingiber officinale Rosc.</i> |
| الموسوعه | زَنْجَبیل | <i>Zingiber sp.</i> |
| GLO.IN. | Sanskrit & Kanares: Ardraka - Hendia & Punjab: Adrak - Telugu: Ardrakamu | <i>Zingiber officinale Ros.</i> |

۹۸۴- زَنْجَبیل الافرنجی^{۱۳}: نام‌های دیگر آن: زَنْبَاری، مابرونه^{۱۴}

۹۸۵- زَنْجَبیل العجم^{۱۵}، زَنْجَبیل العجم^{۱۶}: نام دیگر آن: اَشْتَرَاغ^{۱۷}

۹۸۶- زَنْجَبیل الکلاب^{۱۸}، زَنْجَبیل الکلاب^{۱۹}، زَنْجَبیل الکلاب^{۲۰}: (کشنده سگ) نام‌های دیگر آن: رِی، تَزْم^{۲۱} - طبرستان: فَلَک^{۲۲} - بهران^{۲۳}

| | | |
|-------|------------------|--------------------------------|
| زریاب | زَنْجَبیل الکلاب | <i>Polygonum hydropiper L.</i> |
|-------|------------------|--------------------------------|

۹۸۷- زَوَان، جَوَز زَوَان، زَوَان، زَوَان، زَوَان، زَوَان، دَنْقَه، دَنْقَه: نام‌های دیگر آن: زَوَان^{۲۴} - فارسی: تَوِیوش^{۲۵} - شیلیم^{۲۶} - حر^{۲۷}

أرآ (Aira): «شیلیم» موجود بین «قَمَح» و زَوَان - نام‌های دیگر آن عبارتست از: دَنْقَه - زَعْبَداء - زَعْبَداء - مُرْزَاء

گویند به زبان عرب «خَضِر» نام دارد. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۸۵]

| | | |
|----------|--|-----------------------------|
| زریاب | زَوَان | <i>Lolium temulentum L.</i> |
| دیسکورید | أرآ - زَوَان - شیلیم - دَنْقَه - رَعْبَداء | <i>Lolium temulentum L.</i> |
| الموسوعه | زَوَان | <i>Lolium sp.</i> |

۹۸۸- زوفای یابس^۱، زوفا یابس^۲، زوفاس^۳، زوفا^۴، زوفای یابس^۵، زوفا یابس^۶: «زوفا» دو جنس خشک و تر دارد، خشک آن جنسی از «سغتر» است.^۷ جبلی و بستانی بود و بهترین آن بود که از بیت المقدس خیزد و آن مشهور بود به زوفای مصری.^۸ - نام های زوفای یابس: صعتر رومی^۹ - رومی: اوسفول^{۱۰}، هوسفون^{۱۱} - سریانی: زوفایشاس^{۱۲} - اسوفس^{۱۳} - سیوس^{۱۴} نام های زوفای رطب: رومی: اوسفون، وسبطون - سریانی: زوفارطیا^{۱۵} - «زوفای رطب» بیخی است که به دنیهای میش ارمن جمع می شود زیرا گیاهی شیرابه دار است و از «یتوعات» می باشد و چون میش آن را بخورد سبب حدت و قوت شیر و جمع شدن آن بر دنبه آنان شود.^{۱۶}

اُسُفُون (Hussopon): زوفا الیابس [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۲۶]

اُیْسِفُس (Oisupos): «زوفا الرطب» را از «دسم الصوف الودج» است (ودج قسمت های زائد پشم گوسفند است). [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۶۲]

| | | |
|-------------------------|-----------------------------------|--|
| دیسکورید | زوفا یابس | <i>Hyssopus officinalis</i> L. <i>Origanum aegyptiacum</i> L. |
| ز. - پ. - ال. - ط. - خ. | زوفا | <i>Hyssopus officinalis</i> L. <i>Origanum aegyptiacum</i> L. |
| پارسا | زوفا | <i>Nepeta micrantha</i> Bu. <i>Nepeta mispahanica</i> Bo. |
| GLO.IN. | Hendia: Zufah-yabeis - Urdu: Zufh | <i>Hyssopus officinalis</i> L. <i>Origanum aegyptiacum</i> L. |

۹۸۹- زوفر^{۱۷}، زوفر^{۱۸}، سسطیعون^{۱۹}: نام دیگر آن در کتاب دیسکورید: فاناقس اسقلیوس^{۲۰}

| | | |
|----------|------|--|
| طباطبائی | زوفر | <i>Echinophora tenuifolia</i> L. <i>Laserpitium silver</i> L. |
|----------|------|--|

۹۹۰- زهره^{۲۱}، زهره^{۲۲}، زهره^{۲۳}: نام های گیاه از نظر ابن بیطار: انلیس، نقخارس^{۲۴} - به گیاه «وج» گویند و همچنین به گیاهی که در اندلس مشهور به «قرنقلیه» است.^{۲۵} نام «الوج» است و برخی گویند نام به «سوسن اصفر» است.^{۲۶} آفورون (Akoron): به «وج» و در بعضی از ترجمه ها به «زهره» گویند. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۲]

| | | |
|-----------|--------------------|---|
| زر. - طب. | زهره | <i>Cyclamen hederacifolium</i> Ait. <i>Cressa cretica</i> Willd. |
| دیسکورید | آفورون - وج - زهره | <i>Acorus calamus</i> L. |

۹۹۱- زهره الحجر^{۲۷}، زهر الحجر^{۲۸}: نام های دیگر آن: حزاز الصخر^{۲۹} - گویند نام «جوز جندم» و همچنین نام «حزاز الصخر» است.^{۳۰}

۹۹۲- زهر الملح^{۳۱}: نباتیست که در نیل مصر، در آبهای ایستاده، نهرها و در زمینهای شور می روید.^{۳۲}
۹۹۳- زیتون^{۳۳}، زیتون^{۳۴}، زیتون^{۳۵}، زیتون^{۳۶}، زیتون^{۳۷}، زیتون^{۳۸}، زیتون^{۳۹}، زیتون^{۴۰}، زیتون^{۴۱}، زیتون^{۴۲}، زیتون^{۴۳}، زیتون^{۴۴}، زیتون^{۴۵}، زیتون^{۴۶}، زیتون^{۴۷}، زیتون^{۴۸}، زیتون^{۴۹}، زیتون^{۵۰}، زیتون^{۵۱}، زیتون^{۵۲}، زیتون^{۵۳}، زیتون^{۵۴}، زیتون^{۵۵}، زیتون^{۵۶}، زیتون^{۵۷}، زیتون^{۵۸}، زیتون^{۵۹}، زیتون^{۶۰}، زیتون^{۶۱}، زیتون^{۶۲}، زیتون^{۶۳}، زیتون^{۶۴}، زیتون^{۶۵}، زیتون^{۶۶}، زیتون^{۶۷}، زیتون^{۶۸}، زیتون^{۶۹}، زیتون^{۷۰}، زیتون^{۷۱}، زیتون^{۷۲}، زیتون^{۷۳}، زیتون^{۷۴}، زیتون^{۷۵}، زیتون^{۷۶}، زیتون^{۷۷}، زیتون^{۷۸}، زیتون^{۷۹}، زیتون^{۸۰}، زیتون^{۸۱}، زیتون^{۸۲}، زیتون^{۸۳}، زیتون^{۸۴}، زیتون^{۸۵}، زیتون^{۸۶}، زیتون^{۸۷}، زیتون^{۸۸}، زیتون^{۸۹}، زیتون^{۹۰}، زیتون^{۹۱}، زیتون^{۹۲}، زیتون^{۹۳}، زیتون^{۹۴}، زیتون^{۹۵}، زیتون^{۹۶}، زیتون^{۹۷}، زیتون^{۹۸}، زیتون^{۹۹}، زیتون^{۱۰۰}، زیتون^{۱۰۱}، زیتون^{۱۰۲}، زیتون^{۱۰۳}، زیتون^{۱۰۴}، زیتون^{۱۰۵}، زیتون^{۱۰۶}، زیتون^{۱۰۷}، زیتون^{۱۰۸}، زیتون^{۱۰۹}، زیتون^{۱۱۰}، زیتون^{۱۱۱}، زیتون^{۱۱۲}، زیتون^{۱۱۳}، زیتون^{۱۱۴}، زیتون^{۱۱۵}، زیتون^{۱۱۶}، زیتون^{۱۱۷}، زیتون^{۱۱۸}، زیتون^{۱۱۹}، زیتون^{۱۲۰}، زیتون^{۱۲۱}، زیتون^{۱۲۲}، زیتون^{۱۲۳}، زیتون^{۱۲۴}، زیتون^{۱۲۵}، زیتون^{۱۲۶}، زیتون^{۱۲۷}، زیتون^{۱۲۸}، زیتون^{۱۲۹}، زیتون^{۱۳۰}، زیتون^{۱۳۱}، زیتون^{۱۳۲}، زیتون^{۱۳۳}، زیتون^{۱۳۴}، زیتون^{۱۳۵}، زیتون^{۱۳۶}، زیتون^{۱۳۷}، زیتون^{۱۳۸}، زیتون^{۱۳۹}، زیتون^{۱۴۰}، زیتون^{۱۴۱}، زیتون^{۱۴۲}، زیتون^{۱۴۳}، زیتون^{۱۴۴}، زیتون^{۱۴۵}، زیتون^{۱۴۶}، زیتون^{۱۴۷}، زیتون^{۱۴۸}، زیتون^{۱۴۹}، زیتون^{۱۵۰}، زیتون^{۱۵۱}، زیتون^{۱۵۲}، زیتون^{۱۵۳}، زیتون^{۱۵۴}، زیتون^{۱۵۵}، زیتون^{۱۵۶}، زیتون^{۱۵۷}، زیتون^{۱۵۸}، زیتون^{۱۵۹}، زیتون^{۱۶۰}، زیتون^{۱۶۱}، زیتون^{۱۶۲}، زیتون^{۱۶۳}، زیتون^{۱۶۴}، زیتون^{۱۶۵}، زیتون^{۱۶۶}، زیتون^{۱۶۷}، زیتون^{۱۶۸}، زیتون^{۱۶۹}، زیتون^{۱۷۰}، زیتون^{۱۷۱}، زیتون^{۱۷۲}، زیتون^{۱۷۳}، زیتون^{۱۷۴}، زیتون^{۱۷۵}، زیتون^{۱۷۶}، زیتون^{۱۷۷}، زیتون^{۱۷۸}، زیتون^{۱۷۹}، زیتون^{۱۸۰}، زیتون^{۱۸۱}، زیتون^{۱۸۲}، زیتون^{۱۸۳}، زیتون^{۱۸۴}، زیتون^{۱۸۵}، زیتون^{۱۸۶}، زیتون^{۱۸۷}، زیتون^{۱۸۸}، زیتون^{۱۸۹}، زیتون^{۱۹۰}، زیتون^{۱۹۱}، زیتون^{۱۹۲}، زیتون^{۱۹۳}، زیتون^{۱۹۴}، زیتون^{۱۹۵}، زیتون^{۱۹۶}، زیتون^{۱۹۷}، زیتون^{۱۹۸}، زیتون^{۱۹۹}، زیتون^{۲۰۰}، زیتون^{۲۰۱}، زیتون^{۲۰۲}، زیتون^{۲۰۳}، زیتون^{۲۰۴}، زیتون^{۲۰۵}، زیتون^{۲۰۶}، زیتون^{۲۰۷}، زیتون^{۲۰۸}، زیتون^{۲۰۹}، زیتون^{۲۱۰}، زیتون^{۲۱۱}، زیتون^{۲۱۲}، زیتون^{۲۱۳}، زیتون^{۲۱۴}، زیتون^{۲۱۵}، زیتون^{۲۱۶}، زیتون^{۲۱۷}، زیتون^{۲۱۸}، زیتون^{۲۱۹}، زیتون^{۲۲۰}، زیتون^{۲۲۱}، زیتون^{۲۲۲}، زیتون^{۲۲۳}، زیتون^{۲۲۴}، زیتون^{۲۲۵}، زیتون^{۲۲۶}، زیتون^{۲۲۷}، زیتون^{۲۲۸}، زیتون^{۲۲۹}، زیتون^{۲۳۰}، زیتون^{۲۳۱}، زیتون^{۲۳۲}، زیتون^{۲۳۳}، زیتون^{۲۳۴}، زیتون^{۲۳۵}، زیتون^{۲۳۶}، زیتون^{۲۳۷}، زیتون^{۲۳۸}، زیتون^{۲۳۹}، زیتون^{۲۴۰}، زیتون^{۲۴۱}، زیتون^{۲۴۲}، زیتون^{۲۴۳}، زیتون^{۲۴۴}، زیتون^{۲۴۵}، زیتون^{۲۴۶}، زیتون^{۲۴۷}، زیتون^{۲۴۸}، زیتون^{۲۴۹}، زیتون^{۲۵۰}، زیتون^{۲۵۱}، زیتون^{۲۵۲}، زیتون^{۲۵۳}، زیتون^{۲۵۴}، زیتون^{۲۵۵}، زیتون^{۲۵۶}، زیتون^{۲۵۷}، زیتون^{۲۵۸}، زیتون^{۲۵۹}، زیتون^{۲۶۰}، زیتون^{۲۶۱}، زیتون^{۲۶۲}، زیتون^{۲۶۳}، زیتون^{۲۶۴}، زیتون^{۲۶۵}، زیتون^{۲۶۶}، زیتون^{۲۶۷}، زیتون^{۲۶۸}، زیتون^{۲۶۹}، زیتون^{۲۷۰}، زیتون^{۲۷۱}، زیتون^{۲۷۲}، زیتون^{۲۷۳}، زیتون^{۲۷۴}، زیتون^{۲۷۵}، زیتون^{۲۷۶}، زیتون^{۲۷۷}، زیتون^{۲۷۸}، زیتون^{۲۷۹}، زیتون^{۲۸۰}، زیتون^{۲۸۱}، زیتون^{۲۸۲}، زیتون^{۲۸۳}، زیتون^{۲۸۴}، زیتون^{۲۸۵}، زیتون^{۲۸۶}، زیتون^{۲۸۷}، زیتون^{۲۸۸}، زیتون^{۲۸۹}، زیتون^{۲۹۰}، زیتون^{۲۹۱}، زیتون^{۲۹۲}، زیتون^{۲۹۳}، زیتون^{۲۹۴}، زیتون^{۲۹۵}، زیتون^{۲۹۶}، زیتون^{۲۹۷}، زیتون^{۲۹۸}، زیتون^{۲۹۹}، زیتون^{۳۰۰}، زیتون^{۳۰۱}، زیتون^{۳۰۲}، زیتون^{۳۰۳}، زیتون^{۳۰۴}، زیتون^{۳۰۵}، زیتون^{۳۰۶}، زیتون^{۳۰۷}، زیتون^{۳۰۸}، زیتون^{۳۰۹}، زیتون^{۳۱۰}، زیتون^{۳۱۱}، زیتون^{۳۱۲}، زیتون^{۳۱۳}، زیتون^{۳۱۴}، زیتون^{۳۱۵}، زیتون^{۳۱۶}، زیتون^{۳۱۷}، زیتون^{۳۱۸}، زیتون^{۳۱۹}، زیتون^{۳۲۰}، زیتون^{۳۲۱}، زیتون^{۳۲۲}، زیتون^{۳۲۳}، زیتون^{۳۲۴}، زیتون^{۳۲۵}، زیتون^{۳۲۶}، زیتون^{۳۲۷}، زیتون^{۳۲۸}، زیتون^{۳۲۹}، زیتون^{۳۳۰}، زیتون^{۳۳۱}، زیتون^{۳۳۲}، زیتون^{۳۳۳}، زیتون^{۳۳۴}، زیتون^{۳۳۵}، زیتون^{۳۳۶}، زیتون^{۳۳۷}، زیتون^{۳۳۸}، زیتون^{۳۳۹}، زیتون^{۳۴۰}، زیتون^{۳۴۱}، زیتون^{۳۴۲}، زیتون^{۳۴۳}، زیتون^{۳۴۴}، زیتون^{۳۴۵}، زیتون^{۳۴۶}، زیتون^{۳۴۷}، زیتون^{۳۴۸}، زیتون^{۳۴۹}، زیتون^{۳۵۰}، زیتون^{۳۵۱}، زیتون^{۳۵۲}، زیتون^{۳۵۳}، زیتون^{۳۵۴}، زیتون^{۳۵۵}، زیتون^{۳۵۶}، زیتون^{۳۵۷}، زیتون^{۳۵۸}، زیتون^{۳۵۹}، زیتون^{۳۶۰}، زیتون^{۳۶۱}، زیتون^{۳۶۲}، زیتون^{۳۶۳}، زیتون^{۳۶۴}، زیتون^{۳۶۵}، زیتون^{۳۶۶}، زیتون^{۳۶۷}، زیتون^{۳۶۸}، زیتون^{۳۶۹}، زیتون^{۳۷۰}، زیتون^{۳۷۱}، زیتون^{۳۷۲}، زیتون^{۳۷۳}، زیتون^{۳۷۴}، زیتون^{۳۷۵}، زیتون^{۳۷۶}، زیتون^{۳۷۷}، زیتون^{۳۷۸}، زیتون^{۳۷۹}، زیتون^{۳۸۰}، زیتون^{۳۸۱}، زیتون^{۳۸۲}، زیتون^{۳۸۳}، زیتون^{۳۸۴}، زیتون^{۳۸۵}، زیتون^{۳۸۶}، زیتون^{۳۸۷}، زیتون^{۳۸۸}، زیتون^{۳۸۹}، زیتون^{۳۹۰}، زیتون^{۳۹۱}، زیتون^{۳۹۲}، زیتون^{۳۹۳}، زیتون^{۳۹۴}، زیتون^{۳۹۵}، زیتون^{۳۹۶}، زیتون^{۳۹۷}، زیتون^{۳۹۸}، زیتون^{۳۹۹}، زیتون^{۴۰۰}، زیتون^{۴۰۱}، زیتون^{۴۰۲}، زیتون^{۴۰۳}، زیتون^{۴۰۴}، زیتون^{۴۰۵}، زیتون^{۴۰۶}، زیتون^{۴۰۷}، زیتون^{۴۰۸}، زیتون^{۴۰۹}، زیتون^{۴۱۰}، زیتون^{۴۱۱}، زیتون^{۴۱۲}، زیتون^{۴۱۳}، زیتون^{۴۱۴}، زیتون^{۴۱۵}، زیتون^{۴۱۶}، زیتون^{۴۱۷}، زیتون^{۴۱۸}، زیتون^{۴۱۹}، زیتون^{۴۲۰}، زیتون^{۴۲۱}، زیتون^{۴۲۲}، زیتون^{۴۲۳}، زیتون^{۴۲۴}، زیتون^{۴۲۵}، زیتون^{۴۲۶}، زیتون^{۴۲۷}، زیتون^{۴۲۸}، زیتون^{۴۲۹}، زیتون^{۴۳۰}، زیتون^{۴۳۱}، زیتون^{۴۳۲}، زیتون^{۴۳۳}، زیتون^{۴۳۴}، زیتون^{۴۳۵}، زیتون^{۴۳۶}، زیتون^{۴۳۷}، زیتون^{۴۳۸}، زیتون^{۴۳۹}، زیتون^{۴۴۰}، زیتون^{۴۴۱}، زیتون^{۴۴۲}، زیتون^{۴۴۳}، زیتون^{۴۴۴}، زیتون^{۴۴۵}، زیتون^{۴۴۶}، زیتون^{۴۴۷}، زیتون^{۴۴۸}، زیتون^{۴۴۹}، زیتون^{۴۵۰}، زیتون^{۴۵۱}، زیتون^{۴۵۲}، زیتون^{۴۵۳}، زیتون^{۴۵۴}، زیتون^{۴۵۵}، زیتون^{۴۵۶}، زیتون^{۴۵۷}، زیتون^{۴۵۸}، زیتون^{۴۵۹}، زیتون^{۴۶۰}، زیتون^{۴۶۱}، زیتون^{۴۶۲}، زیتون^{۴۶۳}، زیتون^{۴۶۴}، زیتون^{۴۶۵}، زیتون^{۴۶۶}، زیتون^{۴۶۷}، زیتون^{۴۶۸}، زیتون^{۴۶۹}، زیتون^{۴۷۰}، زیتون^{۴۷۱}، زیتون^{۴۷۲}، زیتون^{۴۷۳}، زیتون^{۴۷۴}، زیتون^{۴۷۵}، زیتون^{۴۷۶}، زیتون^{۴۷۷}، زیتون^{۴۷۸}، زیتون^{۴۷۹}، زیتون^{۴۸۰}، زیتون^{۴۸۱}، زیتون^{۴۸۲}، زیتون^{۴۸۳}، زیتون^{۴۸۴}، زیتون^{۴۸۵}، زیتون^{۴۸۶}، زیتون^{۴۸۷}، زیتون^{۴۸۸}، زیتون^{۴۸۹}، زیتون^{۴۹۰}، زیتون^{۴۹۱}، زیتون^{۴۹۲}، زیتون^{۴۹۳}، زیتون^{۴۹۴}، زیتون^{۴۹۵}، زیتون^{۴۹۶}، زیتون^{۴۹۷}، زیتون^{۴۹۸}، زیتون^{۴۹۹}، زیتون^{۵۰۰}، زیتون^{۵۰۱}، زیتون^{۵۰۲}، زیتون^{۵۰۳}، زیتون^{۵۰۴}، زیتون^{۵۰۵}، زیتون^{۵۰۶}، زیتون^{۵۰۷}، زیتون^{۵۰۸}، زیتون^{۵۰۹}، زیتون^{۵۱۰}، زیتون^{۵۱۱}، زیتون^{۵۱۲}، زیتون^{۵۱۳}، زیتون^{۵۱۴}، زیتون^{۵۱۵}، زیتون^{۵۱۶}، زیتون^{۵۱۷}، زیتون^{۵۱۸}، زیتون^{۵۱۹}، زیتون^{۵۲۰}، زیتون^{۵۲۱}، زیتون^{۵۲۲}، زیتون^{۵۲۳}، زیتون^{۵۲۴}، زیتون^{۵۲۵}، زیتون^{۵۲۶}، زیتون^{۵۲۷}، زیتون^{۵۲۸}، زیتون^{۵۲۹}، زیتون^{۵۳۰}، زیتون^{۵۳۱}، زیتون^{۵۳۲}، زیتون^{۵۳۳}، زیتون^{۵۳۴}، زیتون^{۵۳۵}، زیتون^{۵۳۶}، زیتون^{۵۳۷}، زیتون^{۵۳۸}، زیتون^{۵۳۹}، زیتون^{۵۴۰}، زیتون^{۵۴۱}، زیتون^{۵۴۲}، زیتون^{۵۴۳}، زیتون^{۵۴۴}، زیتون^{۵۴۵}، زیتون^{۵۴۶}، زیتون^{۵۴۷}، زیتون^{۵۴۸}، زیتون^{۵۴۹}، زیتون^{۵۵۰}، زیتون^{۵۵۱}، زیتون^{۵۵۲}، زیتون^{۵۵۳}، زیتون^{۵۵۴}، زیتون^{۵۵۵}، زیتون^{۵۵۶}، زیتون^{۵۵۷}، زیتون^{۵۵۸}، زیتون^{۵۵۹}، زیتون^{۵۶۰}، زیتون^{۵۶۱}، زیتون^{۵۶۲}، زیتون^{۵۶۳}، زیتون^{۵۶۴}، زیتون^{۵۶۵}، زیتون^{۵۶۶}، زیتون^{۵۶۷}، زیتون^{۵۶۸}، زیتون^{۵۶۹}، زیتون^{۵۷۰}، زیتون^{۵۷۱}، زیتون^{۵۷۲}، زیتون^{۵۷۳}، زیتون^{۵۷۴}، زیتون^{۵۷۵}، زیتون^{۵۷۶}، زیتون^{۵۷۷}، زیتون^{۵۷۸}، زیتون^{۵۷۹}، زیتون^{۵۸۰}، زیتون^{۵۸۱}، زیتون^{۵۸۲}، زیتون^{۵۸۳}، زیتون^{۵۸۴}، زیتون^{۵۸۵}، زیتون^{۵۸۶}، زیتون^{۵۸۷}، زیتون^{۵۸۸}، زیتون^{۵۸۹}، زیتون^{۵۹۰}، زیتون^{۵۹۱}، زیتون^{۵۹۲}، زیتون^{۵۹۳}، زیتون^{۵۹۴}، زیتون^{۵۹۵}، زیتون^{۵۹۶}، زیتون^{۵۹۷}، زیتون^{۵۹۸}، زیتون^{۵۹۹}، زیتون^{۶۰۰}، زیتون^{۶۰۱}، زیتون^{۶۰۲}، زیتون^{۶۰۳}، زیتون^{۶۰۴}، زیتون^{۶۰۵}، زیتون^{۶۰۶}، زیتون^{۶۰۷}، زیتون^{۶۰۸}، زیتون^{۶۰۹}، زیتون^{۶۱۰}، زیتون^{۶۱۱}، زیتون^{۶۱۲}، زیتون^{۶۱۳}، زیتون^{۶۱۴}، زیتون^{۶۱۵}، زیتون^{۶۱۶}، زیتون^{۶۱۷}، زیتون^{۶۱۸}، زیتون^{۶۱۹}، زیتون^{۶۲۰}، زیتون^{۶۲۱}، زیتون^{۶۲۲}، زیتون^{۶۲۳}، زیتون^{۶۲۴}، زیتون^{۶۲۵}، زیتون^{۶۲۶}، زیتون^{۶۲۷}، زیتون^{۶۲۸}، زیتون^{۶۲۹}، زیتون^{۶۳۰}، زیتون^{۶۳۱}، زیتون^{۶۳۲}، زیتون^{۶۳۳}، زیتون^{۶۳۴}، زیتون^{۶۳۵}، زیتون^{۶۳۶}، زیتون^{۶۳۷}، زیتون^{۶۳۸}، زیتون^{۶۳۹}، زیتون^{۶۴۰}، زیتون^{۶۴۱}، زیتون^{۶۴۲}، زیتون^{۶۴۳}، زیتون^{۶۴۴}، زیتون^{۶۴۵}، زیتون^{۶۴۶}، زیتون^{۶۴۷}، زیتون^{۶۴۸}، زیتون^{۶۴۹}، زیتون^{۶۵۰}، زیتون^{۶۵۱}، زیتون^{۶۵۲}، زیتون^{۶۵۳}، زیتون^{۶۵۴}، زیتون^{۶۵۵}، زیتون^{۶۵۶}، زیتون^{۶۵۷}، زیتون^{۶۵۸}، زیتون^{۶۵۹}، زیتون^{۶۶۰}، زیتون^{۶۶۱}، زیتون^{۶۶۲}، زیتون^{۶۶۳}، زیتون^{۶۶۴}، زیتون^{۶۶۵}، زیتون^{۶۶۶}، زیتون^{۶۶۷}، زیتون^{۶۶۸}، زیتون^{۶۶۹}، زیتون^{۶۷۰}، زیتون^{۶۷۱}، زیتون^{۶۷۲}، زیتون^{۶۷۳}، زیتون^{۶۷۴}، زیتون^{۶۷۵}، زیتون^{۶۷۶}، زیتون^{۶۷۷}، زیتون^{۶۷۸}، زیتون^{۶۷۹}، زیتون^{۶۸۰}، زیتون^{۶۸۱}، زیتون^{۶۸۲}، زیتون^{۶۸۳}، زیتون^{۶۸۴}، زیتون^{۶۸۵}، زیتون^{۶۸۶}، زیتون^{۶۸۷}، زیتون^{۶۸۸}، زیتون^{۶۸۹}، زیتون^{۶۹۰}، زیتون^{۶۹۱}، زیتون^{۶۹۲}، زیتون^{۶۹۳}، زیتون^{۶۹۴}، زیتون^{۶۹۵}، زیتون^{۶۹۶}، زیتون^{۶۹۷}، زیتون^{۶۹۸}، زیتون^{۶۹۹}، زیتون^{۷۰۰}، زیتون^{۷۰۱}، زیتون^{۷۰۲}، زیتون^{۷۰۳}، زیتون^{۷۰۴}، زیتون^{۷۰۵}، زیتون^{۷۰۶}، زیتون^{۷۰۷}، زیتون

أَلَاغْرِیَا (Agrielaia): برگردان آن به عربی «زَیتون بری» است و نام‌های دیگر آن «عُثم» و «زَعْنَج» و به بربری «أَزْمُون» و نزد عامه اندلس «زَبُوج» است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۰۷]

| | | |
|-------------------------|--|-----------------|
| <i>Olea europaea</i> L. | زیتون | ز. پ. ال. ط. خ. |
| <i>Olea oleaster</i> L. | أَلَاغْرِیَا، زیتون بری، زبوج، عثم، زعنج | دیسکورید |

۹۹۴ - زیتون البحر^ش:

۹۹۵ - زیتون صخری: نام‌های دیگر آن: قطلم - عقاب الجبل - زیتون الطحال - زیتون المعز - جرجس - ارجان^ش

۹۹۶ - زیتون الحَبَش^ع، زیتون الحبش^ت: نام‌های دیگر آن: زیتون الکَلْبَة^ع، زیتون البری^ع

| | | |
|---|--------------------------------|----------|
| <i>Daphne oleoides</i> | دَفْنَة الزیتونیه - زیتون البر | الموسوعه |
| <i>Olea oleaster</i> L. <i>Phillyrea latifolia</i> | زیتون بری | طباطبائی |

۹۹۷ - زیت السودان^ع، زیت السودان^ت، زیت المهرجان^ت: نام‌های دیگر آن: زیت الهرجان^ف - اهل مغرب: ارجان^ت، ارقان^ت

۹۹۸ - زیزفون^ع، زیزفون^ت: نام دمشقی نوع بدون میوه درخت «غیراء» است.^ع

| | | |
|--|--|----------|
| <i>Tilia rubra</i> De. & T. <i>Tilia sylvestris</i> Desf. | کیو - پالادیا - پالاس - برگ تیول - زیزفون - کف - نمدار (شمال) | پارسا |
| <i>Tilia</i> sp. | زیزفون | الموسوعه |
| <i>Tilia silvestris</i> Desf. | زیزفون | EN. |

حرف «س»

۹۹۹ - ساج^س، ساج^ع، ساج^ت: (نام درختی در هندوستان)

| | | |
|----------------------------|-----|----------|
| <i>Tectonia grandis</i> L. | ساج | زریاب |
| <i>Tectonia</i> sp. | ساج | الموسوعه |

۱۰۰۰ - ساداوران^ف: (نام گیاهی در هند) معرب سیاه‌داران (فارسی) به معنای سیاهی درختان^ف نام‌های دیگر آن: عربی: سواد الحکام^ف، سواد القضات^ف

| | | |
|---------------------------|-------------------------|----------|
| <i>Orseille tinctoria</i> | أشنة الصباغین - سادروان | الموسوعه |
|---------------------------|-------------------------|----------|

۱۰۰۱ - سادج^ف، سادج^س، سادج^ع، سادج^ت، سادج^ش: (نام گیاهی در هند)، خوخ اقرع^ت، مامهستا^ت: نام‌های دیگر آن: هندی: پترو تیزپاپ^ف، کندبتر^ت، مامهستان^ت - مالايترون^ت، مالايترون^ت می‌گوید: «مالايترون» یا همان «سادج» را برخی می‌پندارند برگ «نردین» است در حالیکه چنین نیست و علت اشتباه آنها برای تشابه بوی هر دو آنهاست.^ع

مالابثرون (Malabathron): سازج هندی [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲]

| | | |
|-------------------------------------|-----------------------|----------|
| <i>Cinnamomum citriadorum</i> Th. | مالابثرون - سازج هندی | دیسکورید |
| <i>Melastoma</i> sp. | ملستومه، سازج هندی | الموسوعه |
| <i>Cinnamomum tamala</i> Nees. | سازج | طباطبائی |
| <i>Cinnamomum malabathrum</i> Burm. | سازج هندی | EN. |

۱۰۰۲ - ساذرون^۴، سادوران^۵: نامی فارسی و برگردان عربی آن «سواد العصاره» است.^۶ نام های دیگر آن: ساداوران قنطار^۷ - عربی: ختم الملك^۸ - شیرازی: سهک داوران^۹

۱۰۰۳ - ساطریون^{۱۰}: نام دیگر آن: سوفطیون^{۱۱}

۱۰۰۴ - سالی^{۱۲}، ساسالیوس^{۱۳}، سیسالیوس^{۱۴}: نام های دیگر آن: ساسلیوس^{۱۵} - طرنیلون^{۱۶} - انجدان رومی^{۱۷} - کاشم رومی^{۱۸}

| | | |
|----------------------------|--------|-----|
| <i>Seseli tortuosum</i> L. | ساسالی | EN. |
|----------------------------|--------|-----|

۱۰۰۵ - سامان^{۱۹}: نوعی بردی نام دیگر آن به فارسی: پیرز^{۲۰}

۱۰۰۶ - سَعِ الْكَتَان^{۲۱}: یعنی با مجاورت این گیاه با «کتان» موجب از بین رفتن آن می شود /وجه تسمیه آن/ و نزد پزشکان اندلس و مصر و مغرب و آفریقا به «کشوث» معروف است و در اندلس به آن «قُرْنَةُ الْكَتَان» گویند و اهالی اندلس آن را «جامول الكتان» می نامند و این با «کشوثی» که در عراق است متفاوت است و آن به نام «کشوث» بیشتر معروف است.^{۲۲}

۱۰۰۷ - سَعِ الشَّعْرَاء^{۲۳}، سبع الشعرا^{۲۴}: گویند نام «أفثیون» است.^{۲۵}

۱۰۰۸ - سَبَسْتَان^{۲۶} (نامی فارسی)، سَبَسْتَان^{۲۷}، أطباء الکلبه^{۲۸}، مخاطه^{۲۹}، مخاطه^{۳۰}، مخیطا^{۳۱}: نام های دیگر آن: بیستان^{۳۲} - سبستان^(۱) - عربی: دبق^{۳۳} - هندی: لسوده^{۳۴}، به معنای اطباء الکلبه^{۳۵}، مخیطا^{۳۶} - [به «دبق» یا «اقسوس» رجوع شود. (۳ - ۸۴)]

| | | |
|------------------------------|-------------|----------|
| <i>Loranthus europeus</i> L. | اقسوس - دبق | دیسکورید |
| <i>Cordia myxa</i> L. | سبستان | پارسا |
| <i>Cordia sebestena</i> L. | سبستان | EN. |

۱۰۰۹ - سجا^{۳۷}:

۱۰۱۰ - سحسونه^{۳۸}: نام دیگر آن به نظر تذره عبدوس^{۳۹}: دانه سبستان^{۴۰}

۱۰۱۱ - سَخَار^{۴۱}:

۱۰۱۲ - سُخَّر^{۴۲}:

۱۰۱۳ - سَدَاب^{۴۳}، سَدَاب^{۴۴}، سَدَاب^{۴۵}، سَدَاب^{۴۶}، سَدَاب^{۴۷} (نامی عربی)، تافسیا^{۴۸}، تفسیا^{۴۹}، تافسیا (نام صمغ)، فیجن^{۵۰}، تفسیا (نام صمغ سذاب دشتی)، تافسیا، بذر السداب^{۵۱}: برای انوشیروان خضائع فیجن را بردند او امر می کرد که آن ها را آبیاری کنند تا سبز شوند پس آن ها را در صد محل قرار دادند تا سبز شد و بدین ترتیب به نام سذاب موسوم گردید.^{۵۲} - نام های دیگر آن: فیجن^{۵۳} - دیلم و تنکابن: بیم^{۵۴} - هندی: سانول^{۵۵}، ساتری^{۵۶} - در لغتی: زنجی^{۵۷} - بنگالی: تتلی^{۵۸} - رومی: ففوس^{۵۹}، طریفوس^{۶۰} - سریانی: فیفتنا^{۶۱}، خُفَت^{۶۲}، قَبَجَل^{۶۳} - فارسی: سذاب^{۶۴} - نام گیاه در کتاب دیسکورید: «فیغان»^{۶۵} و نام بری آن «فیغانن اغریون»^{۶۶} - نام های صمغ سذاب بری و جبلی: تافسیا^{۶۷}، تفسیا^{۶۸} (تایسوس)، یتون^{۶۹} - فاس: روطه^{۷۰}

۱- در اصل سگ پستان بوده است و دارای میوه ای شبیه عتاب است - بهمنیار

| | | |
|--------------------------------|--|----------------|
| <i>Ruta graveolens</i> L. | سذاب | ز. ط.، E. |
| <i>Thapsia garganica</i> L. | صمغ سذاب بری و جبلّی | زر. - طبا. |
| <i>Ruta montana</i> L. | فیغانن - بیغانس - سداب بری | دیسکورید |
| <i>Ruta</i> sp. | سذاب - فیتجن | الموسوعه |
| <i>Ruta graveolens</i> L. | <i>Hendia: Sadab - Panjub: Sdab - Kan sadabu</i> | <i>GLO.IN.</i> |
| <i>Ruta tuberculata</i> Fisch. | <i>Arab: fidjel</i> | <i>GLO.IN.</i> |
| <i>Ruta graveolens</i> L. | سذاب بستانی | دیسکورید |
| <i>Ruta montana</i> L. | سذاب بری | خطابی |
| <i>Ruta hortensis</i> Mill. | سذاب بستانی | خطابی |

| | | |
|---------------------------------------|----------------------------------|-----------|
| <i>Paliurus aculeatus</i> Lam. | فاليورس - سدر عبري و سدر ضال | ديسكوريد |
| <i>Zizyphus lotus</i> Lam. | درخت سدر | پار. خطا. |
| <i>Willd. Zizyphus-christii spina</i> | نَبَق المَسيح - شجرة النبق - سدر | الموسوعه |
| <i>Zizyphus spina-christii</i> Willd. | سدر | ز. ط. EN. |

| | | |
|-------|--------------------|-----------------------|
| خطابی | خزّم - سراج القطرب | <i>Agrostemna sp.</i> |
|-------|--------------------|-----------------------|

۱- ابو حنیفه در کتاب النبات می گوید: «سدر عربی» دارای خار و «سدر ضال» بدون خار است.

| | | |
|--|-------------------------|-------|
| <i>Cheiranthus incanus L.</i> <i>Mathiola incana R.Br.</i> | خیری ازرق - سراج القطرب | خطابی |
| <i>Cheiranthus cheiri L.</i> | خیری اصفر - سراج القطرب | خطابی |
| <i>Lychnis githago L.</i> <i>Coronaria L.</i> <i>Agrostemna githago L.</i> | سراج القطرب | زریاب |

۱۰۱۷ - سراج القطرب: 'صاحب منهاج' نام آن را «خرم» می داند.
 ۱۰۱۸ - سُرّة الأرض: نام دیگر آن به یونانی «قوتولیدون» است.^۴

| | | |
|-------------------------------|---|----------|
| <i>Cotyledon umbelicus L.</i> | سُرّة الأرض - اشتران الأرض - خُبز القاف | الموسوعة |
|-------------------------------|---|----------|

۱۰۱۹ - سَرَح:

| | | |
|-------------------------------|------------------------|----------|
| <i>Cadaba farinosa Forsk.</i> | سرح | زریاب |
| <i>Cadaba sp.</i> | قَصْبَة، سَرَح، طَرِيع | الموسوعة |

۱۰۲۰ - سَرَحْس: (نامی فارسی)، سَرَحْس، سَرَحْس، سَرَحْس، سَرَحْس، بشعیرا، بطارس، بطارس، رقعاء، رقعاء، کیلدارو، کیل دارو، کیلدارو، جمان: 'سَرَحْس نر' گیاهی است با برگ هائی شبیه «بطارس». امروزه در کوههای لبنان و بیروت به نام «شرد» است.^۴ نام های دیگر آن: جیلدارو - سعبد - کیلدار - فلحون - یونانی: بطارس - تنکابن و دیلم: جماز، هندی: کیل دارو، بسوره - بنگال: پنکهرج - سریانی: نشرا - فارسی: گیل دارو - اصل التهل

| | | |
|--|---|------------|
| <i>Dryopteris filix max L.</i> <i>Athyrium filix-mas L.</i> | کرف - بیخ جماز - سَرَحْس مذکر | پارسا |
| <i>Asplenium adiantum-nigrum L.</i> | سَرَحْس البلوط | الموسوعة |
| <i>Dryopteris robertiana (Hof.) Chr.</i> | سَرَحْس جَفَتَاَص | الموسوعة |
| <i>Dryopteris filix mas</i> | سَرَحْس ذَکَر | الموسوعة |
| <i>Asplenium ruta muraria L.</i> | سَرَحْس سَبَع الأجررض | الموسوعة |
| <i>Osmunda cinnamomea L.</i> | سَرَحْس قاتن | الموسوعة |
| <i>Asplenium trichomanes L.</i> | سَرَحْس لِحَاء الغول | الموسوعة |
| <i>Phyllitis scolopendrium L.</i> | سَرَحْس مخزنی - سَرَحْس عَشْ التَر - کف النسر | الموسوعة |
| <i>Dryopteris aculeata (L.) Kuntze</i> | سَرَحْس مُسْتَن - سَرَحْس شوکی | الموسوعة |
| <i>Osmunda regalis L.</i> | سَرَحْس مُلْکی | الموسوعة |
| <i>Dryopteris filix-max L.</i> <i>Aspidium filix-mas L.</i> | سَرَحْس | زر. - طبأ. |
| <i>Athyrium filix-mas L.</i> <i>Dryopteris filix max L.</i> | سَرَحْس ماده سَرَحْس نر | خطابی |

۱۰۲۱ - سیرس: (نامی هندی) نام های دیگر آن: سلطان الاشجار - فارسی: درخت زکریا

۱۰۲۲ - سرشاد^۴: در بعضی از ترجمه‌ها با نام «بنجنکشت» آمده است.^۵

| | | |
|----------|---|---------------------------|
| الموسوعه | سرشاد - آرند - بنجنکشت - فنجنکشت - شجرة ابراهيم - كف مریم | <i>Vitex agnus castus</i> |
|----------|---|---------------------------|

۱۰۲۳ - سرغت^۶، سرغت^۷: نام بربری گیاهی به نام «بخور البربر»^۸ - نام دیگر آن: أسرغت^۹ - «غسانی» می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «بخور مریم» و عده‌ای «بخور السودان» و گروهی «بخور البربر» می‌دانند و این نظر صحیح است.^{۱۰}

| | | |
|-------|---------------|------------------------------|
| خطابی | سرغینه - سرغت | <i>Telephium imperati L.</i> |
|-------|---------------|------------------------------|

۱۰۲۴ - سرقسانه^{۱۱}:

۱۰۲۵ - سرمه^{۱۲}: گیاهی با نام یونانی «مُریق» که ابن البطریق آن را «طرفاء» می‌داند.^{۱۳}

۱۰۲۶ - سَرْمَقْ، سَرْمَقْ، سَرْمَقْ، سَرْمَقْ، سَرْمَقْ، بقله ذهبیه^{۱۴}، بقله ذهبیه^{۱۵}، قطف^{۱۶}، بزر السرمق^{۱۷}: نام‌های دیگر آن: سرمج^{۱۸} - مغرب: قَطْف^{۱۹} - صحرانشینان: كَطْف^{۲۰} - رومی: اَطْرَقَسوس^{۲۱} - سریانی: قَطْفَا^{۲۲} - فارسی: سَرْمَه^{۲۳}، بستولاک^{۲۴} - هندی: باتو^{۲۵} - بربری: تاسلفا^{۲۶} - ارموش^{۲۷} - کرساخسن^{۲۸} - سرمس^{۲۹} - رُغْل^{۳۰} - سرمج اطرافاکسیس^{۳۱} - اشبیلی^{۳۲} می‌گوید: قطف دارای پنج نوع است نوعی از آن را «عشبة الکلب» و نوع دیگر آن را «جملج» و «غالیبوس» می‌نامند.^{۳۳}

اَنْدَرَوَاقْسُس (*Andrapphaxus*) نام‌های آن عبارتند از: السَّرْمَقْ - السَّرْمَج - قَطْف - بَقْل الرُّوم - بَقْل الذَّهَبی (این ببطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۰۴)

| | | |
|----------------|--------------|--|
| ز، د، خ، ع، E. | سرمق | <i>Atriplex hortensis L.</i> <i>Atriplex rosea L.</i> |
| الموسوعه | قَطْف - سرمق | <i>Atriplex sp.</i> <i>Atriplex rosea L.</i> |

۱۰۲۷ - سَرْمَنجی^{۳۴}: (نامی هندی)

| | | |
|----------|-----------------------|---|
| الموسوعه | فیلادلفس - سَرْمَنجَة | <i>Philadelphus sp.</i> <i>Atriplex rosea L.</i> |
|----------|-----------------------|---|

۱۰۲۸ - سَرَو، سَرَو، سَرَو، سَرَو (نامی فارسی)، شجرة الحیات^{۳۵}، شجرة الحیات^{۳۶}: جبلی یا بری آن را «درخت عرعر»^{۳۷} می‌نامند. «جوز السرو» نام میوه درخت سرو است.^{۳۸} «غسانی» می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را درخت «اثل» و بعضی «عرعر» و عده‌ای «ارز» می‌دانند.^{۳۹}

از آن جهت شجرة الحیات را درخت مارها گویند که جایگاه مار است.^{۴۰} (این ببطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۷۴)

| | | |
|----------|-----------|--|
| ز، خ، ط. | درخت عرعر | <i>Cupressus sempervirens L.</i> |
| EN. | سرو | <i>Cupressus sp.</i> <i>Cupressus sempervirens L.</i> |

۱۰۲۹ - سَرْمَنجی^{۴۱}: (نامی هندی)

۱۰۳۰ - سَرِ پُھونگَه: (نامی هندی)

۱۰۳۱ - سَطَاخِیْنُس، سَطَاخِیس: (نامی یونانی) نام های دیگر آن: اندلس: قارة - عجمی اندلس: بتوشه^ع
سطاخیس (Stakhus) در اندلس به آن «قارة» گویند زیرا نوشیدن آن در هنگام تنگی نفس و خفقان قلب را «قرار» می دهد و در
لاتینی به «اَنوشَه» (Hianusa) معروف است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۰۱]

| | | |
|----------|----------------|-----------------------------|
| الموسوعه | سطاقس - سطاخیس | <i>Stachys sp.</i> |
| دیسکورید | سطاخیس | <i>Stachys germanica L.</i> |
| EN. | سطاخیس | <i>Stachys hirta L.</i> |

۱۰۳۲ - سَطَارِیون، سَطَارِیوس، قرسطارِیون: (نامی یونانی) گیاهی است که روی آب می روید. ^ع «سَطَارِیوس»
معروف به «ذو ألف ورقة» و دارای هزار برگ است و آن درختچه ای کوچک است. ^ع نام های دیگر آن: سَطَارِیون -
شیرازی: کماه کوهی^ع
۱۰۳۳ - سَطَرَاطِیوْطُس، سَطَرَاطِیوس، سَطَرَاطِیوْطس: نام یونانی گیاهی آبزی - نام های دیگر آن: خِیوخی^ع
(خیرخیر) - فارس الماء^ع

| | | |
|-----------|-----------------------|---|
| زر. - طب. | فارس الماء - سطرانیون | <i>Achillea millefolium L.</i> <i>Pistia stratiotes L.</i> |
| EN. | سطراطیوس | <i>Stratiotes aloides L.</i> |

۱۰۳۴ - سطرکا: نام های دیگر آن: قرسطارِیون - فارسی: مران^ع
۱۰۳۵ - سَطَرُونِیون، سَطَرومیون، سَطَروثیون، سَطَرونیون: (نامی یونانی) گویند «کنده» است و مولف گوید نوعی
«کنده» است و آن را «آذربو» گویند. ^ع "حنین" در ترجمه کتاب جالینوس این نام را معادل «کنده» می داند و درست بودن آن
بعید است زیرا «کنده» مشهور است و "ابو عباس" نام اندلسی آن را «قولیة» و نام بربری آن را «تاغیغشت» می داند. ^ع

| | | |
|-------|----------|---|
| زریاب | سطرومیون | <i>Saponaria officinalis L.</i> <i>Gypsophila struthium L.</i> |
| EN. | سطروثیون | <i>Lysimachia vulgaris</i> |

۱۰۳۶ - سطوبی: ^ع "ابن بیطار" می گوید: اگر کسی این نام را برای گیاه «خلاف» بداند اشتباه می کند. ^ع

| | | |
|-----|-------|----------------------------------|
| EN. | سطوی؟ | <i>Trichera arvensis Schrad.</i> |
|-----|-------|----------------------------------|

۱۰۳۷ - سعالی: ^ع نام های دیگر آن: فنجون، حشیشه السعال^ع
۱۰۳۸ - سَعْد، سَعْد، سَعْد، سَعْد، سَعْد، سَعْد: ^ع برخی این نام را مربوط به «دارشیشان» می دانند. ^ع نام های دیگر
آن: فارسی: مشک زمین - تنکابن: استکو - ترکی: یتلاق قرقرون، توبالغ - هندی: موفه، مشک، مت -
رومی: قیوفاروس - سریانی: سعدی - زابلی: مُست - سجزی: خویو - ترکیه: طبرقاق، سعدی - دیسکورید:
قیارس، اروسیتیقون - غسانی می گوید: دارای انواع فراوانی است نوعی به نام «سعدی المُنْفَرَة» است.
کیارس (Kuperos): در بعضی از نسخه ها «قیارس» آمده و نام «سعد» است و دارای انواعی است بهترین آن نوع کوفی آن
است و دیسکورید نوع دیگری از «سعد» را یادآور شده که در هند وجود دارد و رنگ آن مشابه «زنجیل» است و هر گاه

| | | |
|--|--------------|----------|
| <i>Cyperus sp.</i> <i>Cyperus rotundus L.</i> | سعد | الموسوعه |
| <i>Cyperus longus L.</i> <i>Cyperus rotundus L.</i> | سعد | ز، خ، ط. |
| <i>Cyperus longus L.</i> <i>Cyperus rotundus L.</i> | كيبارس - سعد | ديسكوريد |

| | | |
|------------------------------|-------|-------|
| <i>Neurada procumbens</i> L. | سعدان | زرياب |
|------------------------------|-------|-------|

| | | |
|-----------------------------|------|------------|
| <i>Tussilago farfara</i> L. | سعله | زر - طبّا. |
|-----------------------------|------|------------|

۱۰۴۳ - سَفَرَجَل؛ سفرجل، سفرجل، حبة السفرجل: نام‌های دیگر آن: فارسی: به، ابی، بهی - ترکی: حیوا - یونانی: قودونیامیلانا - رومی: اقدی، کذونی - سریانی: سفرکلا نام دانه آن به فارسی: به دانه

| | | |
|--|--|------------------|
| <i>Pyrus cydonia</i> L. <i>Cydonia vulgaris</i> Pers. | سفرجل | الموسوعه - زر |
| <i>Cydonia semina</i> | به دانه | پارسا |
| <i>Cydonia oblonga</i> Mill. | شغال به (رامیال، كتول) - فوج (لامیجان) | پارسا |
| <i>Cydonia vulgaris</i> Pers. | درخت به | پارسا |
| <i>Cydonia oblonga</i> Mill. | سفرجل | طباطبائی |
| <i>Cidonia vulgaris</i> Delarbree | سفرجل | خطابی |
| <i>Cydonia vulgaris</i> Pers. | سفرجل | EN. |

| | | |
|-----------------------------|--|----------|
| <i>Heracleum spondylium</i> | هَرَاقِيَّة نَافَعَة، سَفَنْدِيلِيُون، عَيْطَل | الموسوعة |
|-----------------------------|--|----------|

[illegible]

۱- منسوب به جرمگان که معربش جرمغان است و ظاهراً نام محلی در حوالی موصل است که طایفه‌ای از عجم موسوم به جرمغانه در آنجا ساکن بوده‌اند. - بهمنیار

طراغیس (Tragos): سُلْتُ - گیاه معروفی است. [این یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۷۸]

| | | |
|------------------------|----------------|-----------|
| Gymnorrithon tragus L. | طراغیس - سلت | دیسکورید |
| Triticum spelta L. | سلت | زر. - خط. |
| Avena sativa | سلت - جو برهنه | پارسا |

۱۰۵۴ - سَلْدَانِیون: (نامی نبطی) نام دیگر آن در مصر: سدایان^۴
 ۱۰۵۵ - سَلْع: نام‌های دیگر آن: شجر تها^۵ - مَظْ - صاب^۶ - سَلْع^۷ - مَرخ^۸ - عَفار^۹ - سَلَب^{۱۰} - حُضَض^{۱۱} - هَلْتی^{۱۲} - جَدَف^{۱۳}

| | | |
|-------------------------------|--------------|----------|
| Saelanthus quadragonum Forsk. | سلع - صاب | زریاب |
| Cissus sp. | سَلْع - خلوق | الموسوعه |

۱۰۵۶ - سِلْق: سلق^{۱۴}، سلق^{۱۵}، سلق^{۱۶}، سلق^{۱۷}، بزر السلق: دارای سه نوع است.^{۱۸} نام‌های دیگر آن: فارسی: چغندر^{۱۹}، چگندر^{۲۰}، صربه^{۲۱} - رومی: ایروقولیون^{۲۲}، طوطلون^{۲۳} - سریانی: سلقا^{۲۴}، شیلوما^{۲۵}، شیلوم^{۲۶}
 طُوطُن (Teutlon) (Seutlon): نام «سِلْق بستانی» است و به نوع بری نیز گویند. [این یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۰۷]

| | | |
|------------------|--------------------|--------------|
| Beta vulgaris L. | سلق | ال، ز، خ، E. |
| Beta vulgaris L. | طوطان - سلق بستانی | دیسکورید |
| Beta vulgaris L. | چغندر | پار. - طب. |

۱۰۵۷ - سلق بری^{۲۷}، سلق بری^{۲۸}: نوعی حماض^{۲۹}

| | | |
|---------------------|---------------------------|----------|
| Rumex hydrolapathum | سِلْق بری - حَمِیض المناق | الموسوعه |
|---------------------|---------------------------|----------|

۱۰۵۸ - سَلَم: ^{۳۰}

| | | |
|---|------------|----------|
| Acacia ehrenbergiana Hayne. Acacia arabica W. Acacia flava Forsk. | سلم | زریاب |
| Acacia flava Acacia arabica W. Acacia flava Forsk. | سلم - سلام | الموسوعه |

۱۰۵۹ - سلمه: نام‌های دیگر آن: شوکه قبطیه^{۳۱}
 ۱۰۶۰ - سَلِیخَه: سلیخه^{۳۲}، سلیخه^{۳۳}، سلیخه^{۳۴}، نَجَب^{۳۵} (نام پوست)، سلیخه^{۳۶}، قشا^{۳۷}: نام‌های دیگر آن: یونانی: اسلیوس^{۳۸} - هندی: تج^{۳۹} - تجار اسکندریه: دافنطس^{۴۰}
 قَسِیَا (Kassias): نام «سلیخه» است و دارای انواع فراوانی است. [این یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۳]

۱۰۶۵ - سَمْر:

| | | |
|-------------------------|------------|-------|
| Acacia mellifera Bth. | سمر | زریاب |
| Acacia spirocarpa Hook. | | |
| Acacia spirocarpa Hook. | سمره - سمر | EN. |

۱۰۶۶ - سمرنیون^۱، سمورنیون^۲: نام‌های دیگر آن: کرفس بری^۳ - سمونیون^۴

| | | |
|---------------|---------|-----|
| Smyrniium sp. | سمرنیون | EN. |
|---------------|---------|-----|

۱۰۶۷ - سَمَسِم^۱، سَمَسَم^۲، سَمَسَم^۳، سَمَسَم^۴، جَلْجَلان^۵، جَلْجَلان^۶، جَلْجَلان^۷: نام‌های دیگر آن: حبشه: جَلْجَلان^۸ - فارسی: کنجد^۹ - هندی: تِل^{۱۰} - رومی: سیسامون^{۱۱}، اوروسیمون^{۱۲} - "ابوریحان" از قول "خلیل بن احمد" نقل می‌کند «جَلْجَلان» از انواع تره‌ها است که پارسیان او را «گشنیز» می‌نامند. و عرب تخم آن را «جَلْجَلان» گوید. - روغن آن به عربی: سلیط^{۱۳}

سِیسَامُن (Sesamon): نام‌های آن عبارتست از: سَمَسِم - جَلْجَلان - روغن آن: حَلّ - شِیْرَج [ابن یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۸۴]

| | | |
|--------------------------|--|-----------|
| Sesamum orientale L. | جَلْجَلان | زر. - خط. |
| Sesamum indicum L. | سیسامن - سَمَسِم - جَلْجَلان | دیسکورید |
| Sesamum oleiferum Moench | جَلْجَلان، جَلْجَلان، سَمَسَم، سَمَسَم | الموسوعه |
| Sesamum indicum L. | کنجد - سَمَسِم | پارسا |
| Sesamum indicum L. | سَمَسِم | طبا، EN. |

۱۰۶۸ - سَمَسِم بری^۱، سَمَسِم بری^۲: نام دیگر آن: جلبهنگ^۳

۱۰۶۹ - سَمَقُوطُن^۱، سَمَقُوطُن^۲: (نامی یونانی؟)

سَمَقُوطُن بَطْرَاوُن (Sumphuton petraion): برگردان عربی «بطراون» «صخری» است. و عامه گیاهشناسان اندلس به «شَاغَة صخریه» گویند.

سَمَقُوطُن آخَر (Sumphuton allo): گیاهشناسان اندلسی به آن «شَاغَة البستانیه» و عامه شهرهای ما به زبان لاتینی به آن «شَیْبَطَه»^(۱) (Sinfito) گویند و جالینوس هر دو نوع را در فصل هشتم کتاب خود ذکر کرده است. [ابن یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۱۰]

| | | |
|--------------------------|---|----------|
| Symphytum petraeum | سَمَقُوطُن بطراون - شَاغَة الصخریه | دیسکورید |
| Symphytum bulbosum Schi. | سَمَقُوطُن - شَاغَة البستانیه - شَیْبَطَه | دیسکورید |
| Symphytum sp. | سَمَقُوطُن، سَمَقُوطُن، کُتْسُودَه | الموسوعه |
| Symphytum officinale L. | سَمَقُوطُن مخزنی، کُتْسُودَه مخزنی | الموسوعه |

۱۰۷۰ - سَمَقُوطُن آخَر^۱: نام دیگر آن نزد عجم اندلس: شَیْبَطَه^۲

۱۰۷۱ - سَمِیْقُلَس^۱:

۱۰۷۲ - سَنَامِکِ^۱، سَنَامِکِ^۲، سَنَامِکِ^۳، سَنَامِکِ^۴، سَنَامِکِ^۵: نام‌های دیگر آن: هندی: مهار^۶، کوالهریها^۷ - حَرَمِ^۸، سَنَامِکِ^۹

۱- ابن حجل: شَیْبَطَه

حرمی و سنا

| | | |
|---|--|----------|
| <i>Cassia angustifolia Vahl.</i> <i>Cassia acutifolia Del.</i> | سنا مکی | زر - طب. |
| <i>Cassia lanceolata Forsk.</i> | سنا مکی | پارسا |
| <i>Cassia angustifolia Vahl</i> | <i>Hendia: Hindisana ; Bengal: Sanna makki</i> | GLO.IN. |
| <i>Crotalaria juncea L.</i> | <i>Sanskrit: Sana - Hendia: Sunn</i> | GLO.IN. |
| <i>Cassia acutifolia Deli.</i> | سنا مکی، سنا حجازی، سنا حرمی | الموسوعه |
| <i>Cassia angustifolia Vahl</i> | سنا مکی | خطابی |
| <i>Cassia acutifolia Deli.</i> | سنا هندی | خطابی |

۱۰۷۳ - سنپراس^(۱): دانه‌ای چون «بزرقنونا» سپید لیکن مدور^۲

۱۰۷۴ - سنجسفویه^(۲): دانه‌ای است کناره‌اش مختلف^۳

۱۰۷۵ - سنبل، سنبل، سنبل، سنبل، سنبل، سنبل، عصارفیرالسنبل^۴: منظور «سنبل الطیب»، «سنبل العصارفیر»، «سنبل رومی»، «سنبل جبلی» است و از مطلق آن «سنبل هندی» است.^۵ - نام‌های دیگر آن: ناردین اقلیطی^۶ - هندی: بال چهر، غنغیطس اشقاقا^۷، غنغس الجاری^۸، جناماسی^۹ - یونانی: ناردین^{۱۰} - لاتینی: نارود^{۱۱} - سوری^{۱۲} - نوع دوم آن را «ناردوایتالیون» گویند.^{۱۳} - «شرف ادرسی» می‌گوید: دارای سه نوع هندی، رومی و جبلی است که به نوع هندی آن «سنبل الطیب» و همچنین «سنبل العصارفیر» گویند^{۱۴} و نوع رومی آن «ناردین اقلیطی» نام دارد.^{۱۵} - «دیسکورید» می‌گوید: نام «سنبل هندی» «ناردین» است و دارای دو جنس است، جنسی هندی و جنس سوری.^{۱۶}

ناردس (*Nardos*): در بعضی نسخه‌ها با نام «ناردین» آمده و آن نام هر دو نوع «سنبل هندی» است.

ناردس ستفاریطیقی (*N. sampharitique*): جالینوس «سنبل هندی» و انواع آن را در ابتدای فصل هشتم کتاب خود ذکر کرده است. [این بطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۶ و ۷]

| | | |
|---|------------------|----------|
| <i>Nardostachys jatamansi D.C.</i> | ناردس ستفاریطیقی | دیسکورید |
| <i>Valeriana celtica L.</i> <i>Valeriana jatamansi Jones</i> <i>Nardostachys jatamansi D.C.</i> | عصارفیرالسنبل | زریاب |
| <i>Valeriana sp.</i> | سنبل، ناردین | الموسوعه |
| <i>Valeriana officinalis L.</i> | سنبل الطیب | پا - طب. |
| <i>Adropogon nardus</i> | سنبل | EN. |

۱۰۷۶ - سنبل جبلی: ریشه والا؟^{۱۷}

ناردین اوری (*N. oreine*): نام دیگر آن «سنبل جبلی» است و هم اکنون در شهرهای مصر بجای سنبل رومی مصرف می‌شود و دارای خاصیتی نزدیک با آن است. [این بطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۹]

| | | |
|-----------------------------------|-------------------------|----------|
| <i>Valeriana tubereuse Sprun.</i> | ناردین اوری - سنبل جبلی | دیسکورید |
|-----------------------------------|-------------------------|----------|

۱- در بحر جواهر آمده دوائی است هندیسکورید

۲- مغرب سنگ سیوه و دانه‌ای سخت و املس شبیه به سنگهای مربعی شکل و به رنگ ماش است و نیامی دراز چون نیام لوبیا دارد. - بهمنیار

| | | |
|-------|----------------------------|------------------------------------|
| پارسا | سنبل کوهی - نو - سنبل جبلی | <i>Valeriana dioscorides Sibt.</i> |
|-------|----------------------------|------------------------------------|

۱۰۷۷ - سنبل رومی؛ عطارد^د، عطارد^د، متجوشه^ع، متجوشه^د: نام‌های دیگر آن: سنبل رومی^ع - سنبل اقلیطی^ع، ناردین اقلیطی^ع - فرنگی: ناردین ناروس^ع، گیاکو^ع
 ناردس اقلیطی^ع (*N. keltike*): نام‌های دیگر آن عبارتست از: سنبل الرومی، اقلیطی، متجوشه^(۱)، شرائط [ابن بطار] در شرح کتاب دیسکورید^(۸)

| | | |
|----------|-----------------------------------|-----------------------------|
| دیسکورید | ناردس اقلیطی - سنبل رومی - میخوشه | <i>Valeriana celtica L.</i> |
|----------|-----------------------------------|-----------------------------|

۱۰۷۸ - سنبل فارسی^ع: «پرسیاوشان» را نیز شامل می‌شود.^ع
 ۱۰۷۹ - سنبل الکلب^ع، سنبل الکلب^د: میوه «درخت درداری» معروف به «الأسنة العصافیر» است.^ع صاحب جامع^ع گوید ثمر «شجر درداری» معروف به «الأسنة العصافیر» است و سهو کرده است، زیرا «درداری» نام پارسی «اسفیدار» است و بعربی «شجرة البق» و «الأسنة العصافیر» ثمر درختی است که به پارسی به آن «اهر» گویند.^د
 ۱۰۸۰ - سنبل هندی^ع، سنبل هندی^د: «سنبل الطیب» است.^ع و گفته شده «دارشیشعان» نیز هست و این خلافت. نام‌های دیگر آن: ناردین^ع - سنبل العصافیر^ع

| | | |
|-----------|----------------------------|-----------------------------------|
| پا. - طب. | سنبل الطیب | <i>Valeriana officinalis L.</i> |
| پارسا | سنبل هندی | <i>Nardus indica L.</i> |
| دیسکورید | ناردس - ناردین - سنبل هندی | <i>Nardostachys jatamansi DC.</i> |
| خطابی | سنبل هندی | <i>Nardostachys jatamansi</i> |

۱۰۸۱ - سندروس^ع، سندروس^د، سندروس^د، سندروس^د: صمغ درخت «جوز الهند» است.^ع نام‌های دیگر آن: هندی: وال^ع، مَرْمَدَهون^ع، میمو^ع
 قِئَمَن (Kankamon)^(۲): در بعضی از نسخ «قِئَمَن» آمده و ابن وافد نام آن را «لُکَن» می‌داند و دانشمندان قبل از او این نام را برای «سندروس»^(۳) که صحیح‌تر نیز هست، ذکر کرده‌اند. [ابن بطار] در شرح کتاب دیسکورید (۱ - ۲۳)

| | | |
|------------|------------------|---|
| دیسکورید | قِئَمَن - سندروس | <i>Amryris kataf Forsk.</i> |
| الموسوعه | سندروس | <i>Callitris sp.</i> |
| طب. - خطا. | سندروس | <i>Callitris quadrivalvis Vent.</i> <i>Thuya articulatta Vahl.</i> |
| EN. | سندروس | <i>Rhus vermicifera DC.</i> |

۱۰۸۲ - سَنَدَرِیْطُس^ع، سیدریطس^ع: نامی یونانی به معنای شبیه به آهن یا حیددی - سریانی: سمیق^ع
 سَنَدَرِیْطُس (*Sideritis*): گیاهی است که عامه اهالی اندلس و مغرب به زبان لاتینی به آن «غالَه قُرَشْتَه» (*Gallocresta*) گویند. [ابن

۱- در کتاب مستدرک دوزی بنا به نقل ابن مراد صحیح این کلمه «میخوشه» برگرفته از «می» (شراب) و «یخوشه» (سنبل) به معنی «شراب السنبل» ذکر شده است.

۲- در اصل «قِئَمَن» است که صحیح آن «قِئَمَن» می‌باشد و در رسم الخط این کلمه اختلاف زیادی است و بصورت‌های مختلفی تلفظ شده چون «قِئَمَن»، «قِئَمَن»

۳- ابن بطار در کتاب جامع خود از این نظر برگشته و چنین گوید: برخی «قِئَمَن» را نامی برای «سندروس» دانند و عده‌ای نیز نامی برای «لک» در حالیکه هیچکدام نمی‌توانند صحیح باشد چراکه این صمغ بخلاف دو گیاه دیگر بلبوست.

بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۲۹]

سندریطس آخر (*Alle sideritis*): این گیاه را گیاهشناسان اندلسی به «توت الثعلب» و «توتته» می شناسند و عوام به آن «خیر من ألف» گویند و اهالی آفریقا آن را «عشبه کل بلا» نامند. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۳۰]

سندریطس آخر: عوام ما به آن «کُزْبُرَة الثعلب» گویند و در سقف خانه ها و لبه های دیوار می روید و بواسطه شیرابه ای که دارد معروف است. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۳۱]

أخلیوس سندریطس (*Akhilleios*): یعنی سندریطسی که برای بیماری «أخلیوس» نافع است و این همان بیماری «عَرَب» (یک نوع بیماری مربوط به چشم) است. این گیاه را ندیده و نمی شناسم. "ابن وافد" این گیاه را همان گیاه «دم الأخوی» می داند و من - این بیطار - از صحت آن اطلاعی ندارم. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۳۲]

| | | |
|-----------------------------------|---|----------|
| Stachys recta L. | سندریطس - غاله قرشته | دیسکورید |
| Poterium sanguisorba L. | سندریطس - توت الثعلب - توتته - خیر من ألف - عشبه کل بلا | دیسکورید |
| Scrophularia chrysanthemifolia L. | سندریطس - کزبرة الثعلب | دیسکورید |
| Achillea tomentosa L. | أخلیوس سندریطس | دیسکورید |

۱۰۸۳ - سیدریطس آخر^۷: نام های دیگر آن: عامه اندلس: خیر من ألف درهم^۸، توت الثعلب^۹ - اهالی مغرب: عشبه کل بلاء^{۱۰}

۱۰۸۴ - سندیان^{۱۱}، سندیان^{۱۲}: نام دیگر آن در شام: درخت بلوط^{۱۳}

| | | |
|------------------------|---------------|----------|
| Quercus sp. | بلوط - سندیان | الموسوعه |
| Thuya articulata Vahl. | | |

۱۰۸۵ - سندیان الأرض^{۱۴}، سندیان الارض^{۱۵}: نام دیگر فراسیون^{۱۶} برخی آن را «فراسیون» می دانند اما دیسکورید از آن با نام «بلوطی» یاد کرده است که صحیح به نظر می رسد.^{۱۷}

بلوطی (*Ballote*): نوعی از فراسیون با رنگ سیاه با نام لاتینی «مَرُؤِیَة بُتُوشَة» است. در ترجمه کتاب جالینوس این گیاه بر اثر مترجمان «لاعیه» دانسته شد اما «لاعیه» از گیاهان صمغ دار است و «بلوطی» اینگونه نیست. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹۸]

| | | |
|------------------|-------|----------|
| Ballota nigra L. | بلوطی | دیسکورید |
|------------------|-------|----------|

۱۰۸۶ - سندهان^{۱۸}، یلنجوح^{۱۹}: نام دیگر آن: عود هندی^{۲۰}

۱۰۸۷ - سنک سبویه^{۲۱}، سنکسویه^{۲۲}: (نامی فارسی) معرب آن «سنج سبویه» است. نام های دیگر آن: سریانی: مشحونا^{۲۳} - هندی: تخم چکوند^{۲۴}، تخم پنوار^{۲۵}

۱۰۸۸ - سنکهارا^{۲۶}: (نامی هندی) نام های دیگر آن: گیلانی: جیلان^{۲۷}، جیلام^{۲۸}

۱۰۸۹ - سنکها^{۲۹}: (نامی هندی)

۱۰۹۰ - سواد القضا^{۳۰}: نام دیگر آن: عقص^{۳۱}

۱۰۹۱ - سواد الهند^{۳۲}: نوعی از سلیخه^{۳۳} - نام دیگر آن: سلیخ اسود^{۳۴}

۱۰۹۲ - سورنجان^{۳۵}، سورنجان^{۳۶}، سورنجان^{۳۷}، سورنجان^{۳۸} (گل)، سورنجان^{۳۹}، سورنجان^{۴۰}، سورنجان^{۴۱} (نامی هندی و بربری)، اصابع هرمس^{۴۲}، حافر المهر^{۴۳}، حافر المهر^{۴۴}، خمل^{۴۵}، سنبلید^{۴۶}، عکنه^{۴۷}: نام های دیگر آن: فارسی: لعبت بربری^{۴۸}، سورنگان^{۴۹} - سندی: لایحل مول^{۵۰} - رومی: ارمزدقطولوس^{۵۱} - سریانی: حمصی لیتا^{۵۲}، دتبلیغ^{۵۳}، شنبلیذ^{۵۴} - مصر: عکبة^{۵۵}، عکنه^{۵۶} - عراق: لعبة البربرية^{۵۷} - یونانی: ملحتفن^{۵۸}، بلبوسا^{۵۹}، افیمارون^{۶۰} - نام ریشه: جغزبه^{۶۱} - قسمی را «یستهارمک»

نامند. - گویند «اصابع هرمس» نام گل «سورنجان» است. نام‌های دیگر آن «چغزب» و «چغرب» است. و آن گلی است که در اول بهار پس از آب شدن یخ ظاهر می‌شود و به رنگ‌های زرد، سفید و اکهب بوده و دونوع بری و بستانی دارد. قَلْخِيقُنْ به (Kolkhikon): نام «سورنجان» است و آن گیاه معروفی است و نام‌های دیگر آن عبارتست از: «فَرْج الأَرْض» و «قَلْب الأَرْض». گل آن «اصابع هرمس» نام دارد که به لاتینی به آن «قَشْتِیُولَه» (Castanuela) معنای «قَسْطَلَه صغیر» گویند. کتاب منهاج نام گل این گیاه را «شَبْنِیلِد» می‌داند و در شهرهای مصر به آن «عُکْنَه» گویند. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۷۶]

| | | |
|---|---|-----------|
| Colchicum autmnale L. | قلخیقن - سورنجان - اصابع هرمس | دیسکورید |
| Colchicum autmnale L. | سوزنجان مصری - گل حسرت | پارسا |
| Colchicum luteum Bak. Colchicum speciosum Ste. | سوزنجان کرمانی | پارسا |
| Colchicum persicum Bak. Colchicum violaceum Par. | گل حضرتی - پیاز حضرتی - گل حسرت (نفرش) - پیاز سگ (طالش) | پارسا |
| Merendera persica Boiss | سورنجان شیرین | پارسا |
| Colchicum sp. | سراج الغولة - سورنجان | الموسوعه |
| Colchicum autmnale L. Colchicum variegatum L. | سورنجان | زر. - طب. |
| Colchicum autmnale L. | سورنجان | خطابی |
| Colchicum variegatum L. | سورنجان | EN. |

۱۰۹۳ - سوس، سوس، سوس، سوس، سوس، عروق دار هرم، عروق داروم، غلوقریزا، غلوقریزا، اصل السوس: نام‌های دیگر آن: شیرازی: مهک - اصفهانی: مژو، اند - ترکی: شیرین‌بان - مری: - فرنگی: گلیسریزه - هندی: مهلت، ملهتی حیتهی مد - سجزی: موژ - سجستان: بوی هیردان - زابل: مَلْخَج - نام ریشه: کلوقورون - سریانی: عقارشوشا - هندی: بشروسون - سندی: مهلتی، میلی - فارسی: منزه و شک، دارورهرام، دار شیرین، بیخ مهک - حشیشه الحلو - خوردپیلان یعنی طعام فیل - عربی: مدهوق - جالینوس: جلوقریزون، غلوقریزا، به معنای شیرین - اصل المتک

| | | |
|-----------------------|------------------------------------|-----------|
| Glycyrrhiza glabra L. | سوس | زر. - خط. |
| Glycyrrhiza glabra L. | شیرین بیان - ریشه اصل سوس - رب سوس | پارسا |
| Glycyrrhiza sp. | سوس، عِرْقَسوس، شجرة السوس، ریکلیس | الموسوعه |
| Glycyrrhiza sp. | سوس | EN. |

۱۰۹۷ - سوسن، یاسوسن، سوسن، سوسن، سوسن، سوسن، سوسن، مشک: معرب از «سوسانی» سریانی است. نام‌های دیگر آن: رومی: قرینوس، سوسنین - سریانی: شوشینا - فارسی: سوسن - نام روغن آن: رومی: ایریمورون - سریانی: مشحادیرسا
نام سوسن سفید: عبقر - آزاد سوسن - سوسن ادرا - نام سوسن آسمانجونی: افامیرون - نام سوسن الارجوانی: دلال - نام ریشه سیاه آن: رومی: اخینوس، ایرنیوقرینوس - سریانی: ادم، حزا اوکامی - دارای سه نوع سفید و بستانی و بری است، نوع سفید را «سوسن الأزاد» گویند. چهار نوع است یکی سفید و آن را «سوسن آزاد» خوانند و یکی ازرق که آن را «سوسن کبود» خوانند. یکی صحرائی و آن الوان رنگ است که به ازرق و زرد و «سوسن آسمان‌گون» موسوم است و بیخ وی را «ایرسا» گویند که زرد است و آنرا «سوسن خطاهی» گویند. «غسانی» می‌گوید: سوسن نامی غیر عربی و معروف است که دارای

انواع فراوانی می باشد به نوع آبی (گل) آن «ایرسا» یا «سوسن الاسمانجونی» گویند و نوع سفید آن دارای دو نوع بری و بستانی است و نوع قرمز آن نیز دو نوع دارد که به نوعی «مسیخا» و به نوع دیگر «ذنب الثعلب» گویند. و نوع زرد آن نوعی از «نرجس» است. ایریس (*Iris*): ایرسا - نام «سوسن الاسمانجونی» است. و «ایرسا» به معنای قوس و قزح است.

لیرینون (*Leirion*): روغن ایرسا (این بيطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۱ و ۴۴]

کراینوسواسین (*Krion-susino*): گل «سوسن الأبيض» است و به آن «رازقی» گویند. (این بيطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۹۷]
ایماروقالس (*Hemerokallis*): این حسان آن را «سوسن أصفر» می داند و در دمشق به نام «زنبق» معروف است. (این بيطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۱۷]

کسیفیون (*Xiphion*): نام سوسن بری است و سایر نام های آن عبارتست از: «سیف الغراب»، «سیف القراب»، «دورحولی»، «سُغْغَانیون»

سُغْغَانیون (*Sparganion*): نوعی سوسن است - سوسن بری - و جالینوس آن را «سُغْغَانیون» نامیده است.

اُکُورس (*Xuris*): نوعی سوسن (این بيطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۲۰ و ۲۱ و ۲۲]

اُفیمارون (*Ephemeron*): نوعی «سوسن بری» با نام لاتینی «اُشْبَطَانَه» (*Espadana*) (این بيطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۷۷]

| | | |
|------------------------------------|--|------------|
| <i>Iris florentina L.</i> | ایرس - سوسن آسمانجونی | دیسکورید |
| <i>Lilium candidum L.</i> | کراینوسواسین - سوسن أبيض - رازقی | دیسکورید |
| <i>Hemerocallis flava L.</i> | ایماروقالس - سوسن أصفر - زنبق | دیسکورید |
| <i>Glaodialis communis L.</i> | کسیفیون - سوسن بری - سیف الغراب | دیسکورید |
| <i>Sparganium ramosum Huds.</i> | سُغْغَانیون - سوسن بری | دیسکورید |
| <i>Iris florentina L.</i> | اُکُورس - سوسن بری | دیسکورید |
| <i>Convallaria rusticellata L.</i> | اُفیمارون - نوعی سوسن بری - اُشْبَطَانَه | دیسکورید |
| <i>Lilium candidum L.</i> | سوسن | پارسا |
| <i>Iris sp.</i> | سوسن | الموسوعه |
| <i>Lilium candidum L.</i> | سوسن | زر - طبّا. |
| <i>Iris florentina L.</i> | | |
| <i>Lilium sp.</i> | سوسن | خطابی |
| <i>Iris florentina L.</i> | سوسن | EN. |

۱۰۹۵ - سوفال؟

۱۰۹۶ - سُولان؛ سُولان یا سُولان، سُولان، سُولان، دواء رومی: (نامی یونانی) شیخ الرئیس گوید دوائی رومی است.

۱۰۹۷ - سَهْجَه: (نامی هندی) نام های دیگر آن: سرکوه، سی کوه

۱۰۹۸ - سیساریون، سیسارون، سیساریون: (نامی یونانی) نام دیگر آن: خشب سومر - برخی آن را «قلقاس» می دانند که اینچنین نیست.^۴ «رازی» می گوید: «حنین بن اسحاق» آن را چوب «شونیز» می داند و این درست نیست.^۵

| | | |
|----------------------------------|--------------|----------|
| <i>Sium sisarum</i> | سیسارون | الموسوعه |
| <i>Peucedanum sativum Benth.</i> | سیسارون کبیر | الموسوعه |
| <i>Pastinaca sativa L.</i> | | |
| <i>Pastinaca sativa L.</i> | سیسارون | EN. |

۱۰۹۹ - سیسالیون، ساسلیون: (نامی یونانی) نام دیگر آن به فارسی: کاشم رومی؟ - دیسکورید: ساسالی^۶

ساسالیوس (*Seseli*): این گیاه دارای سه نوع است که همه آن‌ها را دیده‌ام - ابن بیطار - و می‌شناسم.
 طُرْدِیلُن (*Tordilon*): نوع چهارم گیاه «ساسالیون» است و نام دیگر آن افریطی است و در اندلس به آن «بَقُولُ الشَّعَالِ» گویند زیرا در سوخت آتش استفاده می‌شود. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۵۰ و ۵۱]

| | | |
|--|--|-----------|
| <i>Seseli tortuosum</i> L. <i>Tordylion officinale</i> L. | ساسالی | زر. - طب. |
| <i>Seseli tortuosum</i> L. <i>Bupleurum fruticosum</i> L. <i>Lophotenia aurea</i> L. | ساسالیون | دیسکورید |
| <i>Tordilium officinale</i> L. | طرذیلن، نوعی ساسالیون، افریطی، بقول الشعاع | دیسکورید |

۱۱۰۰ - سَیْسَبَان (نامی عربی)، سیسبان^۴: (نام گیاهی در مصر) نام دیگر آن: هندی: گل انول؟ دارای دو نوع بری و بستانی است و بسیار در فلسطین می‌روید.^۴ "ابن بیطار" می‌گوید: «سیسانی» که رازی در حاوی ذکر کرده ممکن است «درخت اُثل» باشد، نه غیر آن.^۴

| | | |
|---|--------|----------|
| <i>Sesbania</i> sp. <i>Pastinaca sativa</i> L. | سیسبان | الموسوعه |
| <i>Sesbania aegyptiaca</i> Poir. | سیسبان | EN. |

۱۱۰۱ - سیسبر^۴:

۱۱۰۲ - سیسنبرون^۴، سیسنبریون^۴: نام دیگر آن: حرف الماء^۴

۱۱۰۳ - سِیْسَبِل^۴: (نامی هندی)

۱۱۰۴ - سیو^۴: (نامی فرنگی)

۱۱۰۵ - سِیْسَبِر^۴، سیسنبر^۴ (نامی فارسی)، نَمَام^۴، نَمَام^۴، اَقْط^۴، بَزَر النَمَام^۴، دَبَاب^۴، هِرْقُولِیون^۴: نام‌های دیگر آن: سوسنبر^۴ - سندی: سیسنبر^۴ - فارسی: سه‌سنبل^۴، سی سنبل^۴، سُسُرْم^۴ - لاتینی: و سربیلیم^۴ - عربی: نَمَام^۴، نَمَام المَلِک^۴، قَلَس^۴ (وجه تسمیه آن به نَمَام به خاطر بوی تند آن است). - نِیْقُولَاوس^۴ - اَطَه^۴ - قِرَادامنی^۴ - عَیْس^۴ - دیسکورید: ارفلس^۴ - هِرْقُولِیون^۴ - نام‌های نوع بری: اَلالط^۴ - زِیْفَس^۴

سیسنبرون (*Sisumbrion*): نوعی از «نَمَام بری» به نام «سِیْسَبِر^۴» است که به زبان لاتینی به آن «مَنَته» (*Mentha*) گویند. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۳۹]

| | | |
|--|---------------------------------------|----------|
| <i>Thymus glaber</i> Mill. <i>Thymus serpyllum</i> Fries. | نَمَام - سیسنبر | زریاب |
| <i>Thymus glaber</i> Mill. | سیسنبرون - نَمَام بری - سیسنبر | دیسکورید |
| <i>Thymus nummularius</i> Benth. | سیسنبر - کللیک اودی - اس‌بویه (گیلان) | پارسا |

۱۱۰۶ - سین^۴، سین^۴، قَرَة العین^۴، جرجیر الماء^۴، جرجیر الماء^۴: نام‌های دیگر آن: قَرَة العین^۴ - بَقَرَة العین^۴ (قَرَة العین)، کَرَفَس الماء^۴، جرجیر الماء^۴

سین (*Sion*): نام دیگر آن «قَرَة العین» و «کَرَفَس الماء» است و «قَلَام» دانستن آن اشتباه است. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۱۱]

| | | |
|---------------------------|------------------------------|----------|
| <i>Sium latifolium L.</i> | سین - قره العین | زریاب |
| <i>Sium latifolium L.</i> | سین - قره العین - کرفس الماء | دیسکورید |

حرف «ش»

۱۱۰۷ - شارَف: (نامی هندی)

۱۱۰۸ - شاض: نام دیگر آن به هندی: اره رتور

۱۱۰۹ - شاهبانک، شاهبانک، شاهبانک و شایانج، جوانسفرم، شه بانو: نام های دیگر آن: جوانسپر، شاهبانک، شاهبانک، شاماک، عربی: عَبَس، قسوة الکلابغلتک، شابانک، شاهبانج، بنفسج الکلاب، صاحب جامع می گوید: «برنوف» است هم گوید «شجره ابراهیم» کوچک است و هم او از قول غافقی گوید نوعی از «قیصوم» است و از قول صاحب حاوی گویند «حب سرم بری» است مولف گوید این اقوال خلاف است آنچه محقق است «بنفسج الکلاب» را به شیرازی «افس سک» خوانند. "غافقی" می گوید: گویند نام نوعی «قیصوم» است و گویند «شاهبانج» است و در حاوی آن را «حب الشبرم البری» ذکر کرده است و در بعضی از کتب آن را «شاهبانک» و «شجره ابراهیم» کوچک دیده ام که در نقاط دور دست می روید و بعضی مردم آن را «شجيرة مریم» می نامند و درست تر آنست که آن نوعی «قیصوم» به نام «برنوف» است. - برهان قاطع نام های دیگر آن را «ریحان الشیاطین»، «بنفسج الکلاب»، «شابانج» می داند.

| | | |
|--|--|----------|
| <i>Inula conyzoides L.</i> | جوانسفرم - عبس | زریاب |
| <i>Inula conyzoides L.</i> <i>Pulicaria odora Reichb.</i> | بزنوف، شاهبانج، طباق البراغیث، راسن البراغیث | الموسوعة |

۱۱۱۰ - شاهتره، شاهترج، شاهترج، شاهترج، شاهترج (نامی فارسی)، بقلة الملك، فرنث، هلیانسه: معرب آن: شاه ترج به معنای سلطان البقول - نام های دیگر آن: عربی: بقلة الملك، کر بزة الحمام - یونانی: وقفتص - هندی: پت پایره (به معنای گیاه مفید برای صفرا) و کت پایره، پاپله، پاپره - نام آن در کتب طب قدیم: فلاخان - شام: شجرة الدم (چون صاف کننده خون است). - رومی: طابلیدیون - نام گیاه در کتاب دیسکورید: غینغیدیون، فقیص - زابلی: تشیک (تَشْک) - نام گیاه در کتاب جالینوس: فالینوس - یونانی: قانیوس به معنای دخیانی - شیرازی: شاه تره - فاس: بقول الصبیه - حنین در کتاب خود آن را «بسقما» خوانده است و وی «کمون بری» بوده به آن «کر بزه الحمام» و «بقلة الملك» گویند. - دارای دو نوع است گروهی نام نوع اول را «شاهترج» و نام نوع دوم را «فقیص» پنداشته اند که درست نیست.^۶

| | | |
|---|---------|----------|
| <i>Fumaria parviflora Lam.</i> | شاه تره | پارسا |
| <i>Fumaria sp.</i> | شاهتره | الموسوعة |
| <i>Fumaria officinalis L.</i> | شاهتره | زر، EN. |
| <i>Fumaria parviflora</i> | شاهترج | طباطبائی |
| <i>Fumaria parviflora</i> <i>Fumaria officinalis</i> | شاهترج | خطابی |

۱۱۱۱ - شاهسفرم، شاهسپر، شاهسفرم، شاهسپر، شاهسپر، حبق کرمانی: معرب شاهسپر فارسی به معنای «سلطان الریاحین» است. نام های دیگر آن: حبق کرمانی، حبق الصعتری، شاهسفرم - فارسی: نازبو

| | | |
|--------|------|------------------------------|
| ز.خ.ط. | شبرم | <i>Euphorbia pithyusa L.</i> |
|--------|------|------------------------------|

۱۱۱۸ - شَبْطاط^ع، شَبْطاط^ت: نام «عصا الراعی» است و تفسیر آن به سریانی «عَصِیة» است.^ع

| | | |
|----------|---|-----------------------------------|
| الموسوعه | بَطْبَاط نیلی، شَبْطاط، نِلَّة صِیْنِیَّة | <i>Polygonum tinctorium Hort.</i> |
|----------|---|-----------------------------------|

۱۱۱۹ - شَبِیْه^ع، شَبْهَان^ع: نام های دیگر آن: شَبِیْهَان^ع - سریانی: شَابَاهِی^ع - یونانی: فالیورس^ع

| | | |
|----------|-----------------|---------------------|
| الموسوعه | شَبْهَان، صامور | <i>Paliurus sp.</i> |
|----------|-----------------|---------------------|

۱۱۲۰ - شَثْ؟:

۱۱۲۱ - شَجَرَة اِبْنِ مَالِك^ع، شَجَرَة اَبی مَالِك^ع، شَجَرَة اِبْنِ مَالِك^ع، صابون القلّی^ع (نامی در دمشق)، صابون القاق^ع، قَلُومَان^ع: نام های دیگر آن: یونانی: قَلُومَایْن^ع - شام: صابون القاق^ع - در اندلس به لاتینی: سَبِیْرَة^ع - مغرب: اَبی مَالِك^ع دارای نوع بری و نهري است، نام بری «أَبَاغَسَالَة» و نام نهري آن «أَبَا مَالِك» است.^ع نباتی است که در مکان های نمناک روید و در میان نهرا، بیخ آن مانند صابون برای پاک کردن جامه بکار می رود.

قَلُومَان^ع (*KLumenon*): ابن حسان نام لاتینی آن را اَوْنِیَاغَاثَة (*una de gato*) دانسته که برگردان عربی آن «أَطْفَار الْقِطْ» است. این گیاه را خود می شناسم و نامی غیر از این نام ها برای آن نمی دانم. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۱۳]

| | | |
|----------|-----------------------------|-----------------------------------|
| دیسکورید | قَلُومَان - اَوْنِیَاغَاثَة | <i>Leonicera perichlymenon L.</i> |
|----------|-----------------------------|-----------------------------------|

۱۱۲۲ - شَجَرَة الرَّاهِب^ع:

۱۱۲۳ - شَجَرَة اِبْرَاهِیْم^ع، شَجَرَة اِبْرَاهِیْم^ع، شَجَرَة اِبْرَاهِیْم^ع، شَجَرَة اِبْرَاهِیْم^ع: ؟ «صاحب فلاحه» گوید نام «درخت یرم» است.^ع «غافقی» می گوید: به گیاه «بنجنگشت» و همچنین به زعم گروهی به گیاه «شاهدانج» گویند.^ع آغْنُس (*Agnos*): دیسکورید این واژه را به معنای ظاهر دانسته نام دیگر گیاه «شَجَرَة اِبْرَاهِیْم» است... [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۰۵ (به آغنس رجوع خود)]

| | | |
|----------|--|------------------------------|
| زریاب | شَجَرَة اِبْرَاهِیْم | <i>Vitex agnus castus L.</i> |
| دیسکورید | اَغْنِیس - لیفس - عسرة الارض - شَجَرَة اِبْرَاهِیْم | <i>Vitex agnus castus L.</i> |
| الموسوعه | سرساد - اَرْتَد - بنجنگشت - فنجنکشت - شَجَرَة اِبْرَاهِیْم - کف مریم | <i>Vitex agnus castus</i> |

۱۱۲۴ - شَجَرَة بَارْدَة^ع، بَقْلَة الْبَارْدَة^ع، شَجَرَة بَارْدَة^ع: نام دیگری برای «لباب الصغیر^ع» و «لباب» است.^ع

۱۱۲۵ - شَجَرَة الْبَق^ع، نَشْم^ع، شَجَرَة الْبَق^ع، شَجَرَة الْبَق^ع: (نامی نزد اهالی شام) نام های دیگر آن: سَجْزِی و سمرقندی: کُزْم^ع - زَابَلِی: عَزْبَة^ع - شَجَرَة الدردار^ع [به «دردار» و «ایذیسارون» رجوع شود. ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۸۵ و ۳ - ۱۲۵]

| | | |
|----------|---|--|
| الموسوعه | بوقصیا، دردار، شَجَرَة الْبَق، اَلْم | <i>Ulmus sp.</i> <i>Ulmus montana With.</i> <i>Ulmus effusa Sibth.</i> |
| دیسکورید | بطلایا، شجر الدردار، شَجَرَة الْبَق، نَشْم الْأَسْوَد | <i>Ulmus spp.</i> |

| | | |
|-------------|-----------|--|
| زهر - طباء. | شجره البق | <i>Ulmus campestris</i> L. <i>Ulmus glabra</i> L. |
|-------------|-----------|--|

۱۱۲۶ - شجره النین^ع: نام «لوف الكبير» معروف به «لوف الحیة» است.^ع

| | | |
|----------|-------------|------------------------|
| الموسوعة | حشيشة النین | <i>Draconitium</i> sp. |
|----------|-------------|------------------------|

۱۱۲۷ - شجر التیس^ع، شجره التیس^ع: نام دیگر آن: یونانی: طراغیون^ع

| | | |
|-----|--|---------------------------|
| ال. | داذی المتن، هیوفاریقون المتن، شجره التیس، دُمع التستین | <i>Hypericum hircinum</i> |
|-----|--|---------------------------|

۱۱۲۸ - شجره الدب^ع: گویند نام «زعرور» است و گویند نام «علیق الکلب» است و همچنین ممکن است «قُطَلَب» باشد.^ع
"ابن جزار" در کتاب سمائم «أفسوس» را «شجره الدب» ذکر کرده است.^ع

۱۱۲۹ - شجره رستم^ع، شجره رستم^ع: نام دیگر آن: آفریقا: زراوند الطویل^ع
۱۱۳۰ - شجره الشین^ع: نام دیگر آن: لوف الكبير^ع

۱۱۳۱ - شجره الضفادع^ع، شجره الضفادع^ع: نام دیگر آن: کیکج^ع

۱۱۳۲ - شجره الطلق^ع، شجره الطلق^ع: وجه تسمیه آن به طلق بخاطر اینست که هرگاه زن حامله در حال زایمان از حل شده آن بخورد بلافاصله فرزند از او جدا (طلق) می شود.

| | | |
|-------|------------|---------------------------------|
| خطابی | شجره الطلق | <i>Anastatica hierochuntica</i> |
|-------|------------|---------------------------------|

۱۱۳۳ - شجره الکف^ع، شجره الکف^ع: نام دیگر آن: الصانع الصفر^ع - "سلیمان بن حسان" می گوید: درختی است باریشه‌ای مشابه پنجه دست انسان و به «کف مریم» نیز مشهور است.^ع - "ابن یطار" می گوید: نام «أصابع الصفر» است و برخی از مترجمین آن را «کف عائشة» خوانده‌اند.^ع

۱۱۳۴ - شجره مریم^ع، شجره مریم^ع، شجره مریم^ع، شجره مریم^ع: نام‌های دیگر آن: تازی: عبوتران^ع، عبیثران^ع صاحب جامع اقوال مخالف یکدیگر بسیار آورده و محقق نکرده است و صاحب منهاج به تحقیق می گوید آن «بخور مریم» است و آن سه نوع است یک نوع بر /میوه/ نمی دهد و دو نوع بر می دهد و بیخ آن «عرطینتا» است.^ع - "ابن یطار" می گوید: نامی مشترک که در شهرهای مائندلس به نوعی رستنی بنام «أقحوان» با نام مغربی «کافوریه» گویند و همچنین نام گیاه دیگری با نام یونانی «لیننوس» است و همچنین به گیاه «بخور مریم» و درخت «بنجنگشت» و درخت دیگری در شام و شهرهای روم که مشابه درخت «سفرجل» است گفته می شود و در سرزمین مصر به «حب الفول» معروف است و در شهر شام آن را به «عَهر» و «شجره اللیثی» و «اصطرک» می شناسند و پزشکان ما این اسامی را به «میعة»^(۱) اطلاق می کنند.^ع [ابن یطار (در شرح کتاب دیسکورید) به «شجره ابراهیم، و داغس، رجوع شود.]

| | | |
|----------|--------------------------------------|--|
| زریاب | شجره مریم - عبوتران | <i>Cyclamen europaeum</i> L. <i>Anastatica hierochuntica</i> L. <i>Pyrethrum partheinm</i> Sm. |
| الموسوعة | قَوْحَان مَئِیَات، کَرکاش، شجره مریم | <i>Chrysanthemum parthenium</i> |

| | | |
|-------|-----------|--|
| خطابی | شجره مریم | <i>Chrysanthemum parthenium</i> <i>Matricaria chmomilla</i> |
|-------|-----------|--|

- ۱۱۳۵ - شحم الحنظل: نام های دیگر آن: خطمی بری^۱ - گویند «شنجار» و «شجره قلی» است.^۲
 ۱۱۳۶ - شربین، شربین، قَطِران: دیسکورید می گوید: درخت بزرگی است که «قَطِران» نوعی از آن است.^۳

| | | |
|----------|--------------------------|-------------------------|
| الموسوعه | شربین، سرو رشیق، سرو فضی | <i>Chamacyparis sp.</i> |
|----------|--------------------------|-------------------------|

- ۱۱۳۷ - شرس^۴: نام «شوکه مغیلة» است و «مغیلة» شهری از شهرهای مغرب است. برخی آن را به نام «زریعة ابلیس» می شناسند زیرا در مسیرها و راهها بطور پراکنده می روید.^۵
 ۱۱۳۸ - شرم: گیاهی است که در کنار بستانها و کنار جوی ها و در صحراها می روید، به شیرازی «گاومطوسک» نام دارد زیرا اگر گاو از آن بخورد می میرد و گوسفند هر چند بخورد هیچ مضرت بوی نرسد.^۶
 ۱۱۳۹ - شری^۷: «حنظل» است و گویند نام «عَلَقَم» است.^۸
 ۱۱۴۰ - شریفه: (نامی هندی) نام دیگر آن: سیناپهل^۹
 ۱۱۴۱ - ششتره^{۱۰}، ششتره: نوعی سعت^{۱۱} نام های دیگر آن: شطریه^{۱۲} - فارسی: مرزه^{۱۳} - نام «مرفیة» و «مرفیة» به معنای «محسنة» نیکو شده است.^{۱۴}
 ۱۱۴۲ - ششریث^{۱۵} (نام گیاه مصری)، ششرب^{۱۶}: (نام گیاهی در مصر و قاهره)
 ۱۱۴۳ - شطریه^{۱۷} (نام گیاهی در اندلس) نام «صعتر البستانی» بابرگ های بلند است و در مصر و اندلس کشت می شود.^{۱۸}
 ۱۱۴۴ - شطیبه^{۱۹}، شطیبة: (نام مغربی) نام دیگر آن: اندلس: سسترنه^{۲۰}
 ۱۱۴۵ - شعر الجیاد، شعر الجبار: نام های دیگر آن: برشاوشان^{۲۱} - کزبرة البیر^{۲۲}

| | | |
|----------|------------|-------------------------------------|
| طباطبائی | شعر الجبار | <i>Adiantum capillus-veneris L.</i> |
|----------|------------|-------------------------------------|

- ۱۱۴۶ - شعر الغول، شعر الغول، شعر الغول، شعر الغول: نام دیگر آن «لحاء الغول» است^{۲۳} و بنابر قولی پرسیاوشان است. گویند نام «پرسیاوشان» است ولی صحیح نیست، این گیاه را دیسکورید در کتاب خود بعد از «پرسیاوشان» با نام یونانی «طریخومانس» یادآور شده است.^{۲۴}

| | | |
|----------|---|--|
| ز، خ، ط. | شعر الغول | <i>Asplenium trichomanes L.</i> <i>Adiantum capillus-veneris L.</i> |
| الموسوعه | کزبرة البئر، شعر الجن، شعر الأرض، وصیف، برشاوشان، شعر الغول | <i>Adiantum capillus-veneris L.</i> |

- ۱۱۴۷ - شعیر^{۲۵}، شعیر^{۲۶}، شعیر^{۲۷}، شعیر^{۲۸}، شعیر^{۲۹}: نام های دیگر آن: فارسی: جو^{۳۰} - هندی: سج^{۳۱} - رومی: قرثان^{۳۲} - سریانی: صعاری^{۳۳}

قرثی (Krithe): شعیر [ابن بطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۷۲ و ۷۹]

| | | |
|-------------|----------------------|---------------------------|
| ز، خ، ط، ع. | شعیر | <i>Hordeum vulgare L.</i> |
| دیسکورید | قرثی - شعیر | <i>Hordeum spp.</i> |
| الموسوعه | شعیر، شیتغور، شیتغور | <i>Hordeum spp.</i> |

| | | |
|---------------------------|------------|----------|
| <i>Hordeum vulgare</i> L. | شعير معروف | الموسوعة |
|---------------------------|------------|----------|

[illegible]

| | | |
|---|---|----------|
| <i>Pastinaca schekakul</i> Russ. <i>Malabaila sekakul</i> Russ. <i>Malabaila pumila</i> Rois. <i>Eryngium campestre</i> L. | بيسارون، حشقال، جزر أقليطي، خُزْص النيل | الموسوعه |
| <i>Pastinaca schekakul</i> Russ. <i>Malabaila sekakul</i> Russ. <i>Malabaila pumila</i> Rois. <i>Eryngium campestre</i> L. | شقاقل | زرياب |
| <i>Pastinaca schekakul</i> Russ. | شقاقل | خطابی |
| <i>Trodylium ackakul</i> | شقاقل | EN. |

۱۱۴۹- شقایق، شقایق، شقائق النعمان، شقر، انومیا، شقایق المنعم، شقو، ورد و فرا: «شقایق» دو جنس است، کوهی و بستانی نام‌های دیگر آن: سقر- شقایق النعمان^{۳۳} - لاتینی: بیای درازاتیم (یعنی گلی که رنگ آن زود متغیر می شود)، کستیلان امایلس - فارسی: لاله - یونانی: ارامونی - علت نام «نعمان» بخاطر مشابهت با رنگ برق - در رعد و برق - یا شباهت به رنگ خون، ذکر شده است زیرا در لغت به خون «نعمان» گویند و همچنین گفته شده چون «نعمان بن منذو» این گیاه را بسیار دوست داشته و اول کسی بود که در باغچه‌های اطراف قصر خود آن را کاشته بود و یا در خضابات بسیار آن را استعمال می نمود، به آن «نعمان» گویند. دارای نوع بری و بستانی است، گل آن بزرگ است و به پارسی به آن «لاله» گویند و نوع دیگر از «شقایق» هست که آن را «ذربون» خوانند.^{۳۴} برخی از مردم تفاوت بین «شقائق النعمانی البری» و «أرغامونی» و گل نوعی «خشخاش» به نام «رواس» بخاطر تشابه رنگ گل آنها قائل نیستند و در عین حال یکی دانستن «أرغامونی» و «أغاف» نیز اشتباه است.^{۳۵}

آنآمون (Anemone): نام «شقائق النُعمان» است و به عربی آن را «شقر» گویند.

أزغامونی أعربا (Argemone): نوع دوم «شقائق النعمان» و نوع بری آنست. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲- ۱۵۸ و ۱۵۹]

| | | |
|------------------------------|--|----------|
| <i>Anemone coronaria L.</i> | أَنَامُونِي - شقائق النعمان - شقر | ديسكوريد |
| <i>Anemone hortensis L.</i> | أَرغَامُونِي أَغْرِيَا - نوع برى شقائق النعمان | ديسكوريد |
| <i>Papaver rhoeas</i> | شقائق | پارسا |
| <i>Ranunculus asiaticus</i> | خَوَذَان اَسِيوِي، شقائق النعمان، كَبِيكْج، كَفَّ السَّنْبَع، كَف الضَّيْبَع، لاله | الموسوعه |
| <i>Anemone coronaria L.</i> | شقائق النعمان | طباطبائی |
| <i>Anemone pulsatilla L.</i> | | |
| <i>Anemone sp.</i> | شقائق النعمان | EN. |

۱۱۵۰ - شُقْراض^۷: نوعی «حَطَب» است که عوام نوعی از آن را «وسیل» می‌نامند و نام آن به یونانی «قستوس» است و «حُتْن» این نام را در ترجمه کتاب دیسکورید مربوط به «لحیة التیس» دانسته و تعجب است که او چگونه با توجه به تفاوت‌های زیاد این

دو گیاه اینگونه نامگذاری کرده است.^۷

۱۱۵۱ - شقر دیون^۷، شقر دیون^۷: این نام مربوط به «ثوم الحية» نیست.^۷ نام های دیگر آن: اسفی دیون^۷ - اسقوردیون^۷ - حشیشه الثومیه^۷ - حافظ الأجساد^۷، حافظ الموتی^۷ - اندلس: مطرقال^۷

| | | |
|----------|--------------------|---|
| الموسوعه | ثوم بری - شقر دیون | <i>Allium xiphopetalum</i> Ait. <i>Allium silvestrum</i> |
|----------|--------------------|---|

۱۱۵۲ - سُکاعی^۷، سُکاعی^۷، سُکاعی^۷، سُکاع^۷، سُکاعی^۷، أَقْتَا أَرَايِقَا^۷ (نامی یونانی به معنای شوکه العربیه)، شوکه عربیه^۷، شوکه غربیه^۷: (نامی عربی) از اصناف «بادآورد» است.^۷ نام های دیگر آن: سُکاعی^۷ - یونانی: افرانیقی^۷ به معنای شوکه البیضاء، شوکه البیضاء، شوکه العربیه^۷، کثیرالرب^۷ - لاتینی: کطباس^۷ - فارسی: چرجه^۷ - در بعضی بلاد: کنگرخر^۷ - هندی: اونت کتاره^۷ - برخی پزشکان «قناد» را «سُکاعا» دانسته و به آن «کُثیرا» گفته اند.^۷ أَقْتَا أَرَايِقَا (*Akantha leuke*): برگردان عربی آن «شوکه العربیه» و نام دیگر آن «سُکاعی» است. [ابن بیطار (در شرح کتاب

دیسکوریذ) ۳ - ۱۱۳ و ۱۸]

| | | |
|-----------|---|---|
| دیسکوریذ | أَقْتَا أَرَايِقَا - سُکاعی - شوکه العربیه | <i>Onopordon acanthium</i> L. |
| الموسوعه | أَقْسُون - رأس الشیخ - سُکاعی - طربه - فَص الجمار | <i>Onopordon acanthium</i> L. |
| زر. - طب. | سُکاعی | <i>Onopordon acanthium</i> L. <i>Onopordon arabicum</i> L. |
| EN. | سُکاعی | <i>Onopordon arabicum</i> L. |

۱۱۵۳ - شَکَرَقَنْد^۷: نام های دیگر آن: فارسی: زمین قند^۷

۱۱۵۴ - شُل^۷، شُل^۷، شُل^۷: شُل^۷: (نامی هندی)؟ "اسحاق بن عمران" می گوید: «شُل» نام هندی «سفرجل هندی» است.^۷ غسانی^۷ می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی آن را «سفرجل هندی» و برخی آن را «صنصاف البُلخی» می دانند و «اصمعی» گوید برخی از اعراب به اشتباه آن را «غرب» نامیده اند و گویند «رمان الهندی» است و نظر ابو فتوح جرجانی صحیح است که در مورد «شُل» و «بل» گفته یکی «رمان الهند» و دیگری «سفرجل الهند» است و هر دو گیاه در مغرب بسیار کم می روید و رویش اصلی آن در سرزمین چین و هند است.^۷

| | | |
|-----------|-------------------------------|------------------------------|
| زر. - خط. | شُل | <i>Cydonia indica</i> Spach. |
| خطابی | بل | <i>Aegle marmelos</i> |
| الموسوعه | دوسینیه - شُل، سَفَرَجَل هندی | <i>Docynia</i> sp. |

۱۱۵۵ - شَلْجَم^۷ (معرب شلغم فارسی)، شَلْجَم^۷، شَلْجَم^۷، شَلْجَم^۷، شَلْجَم^۷، شَلْجَم^۷، شَلْجَم^۷، غَنْقِلی^۷، لَفْت^۷، لَفْت^۷: نام های دیگر آن: لَفْت^۷، لَفْت^۷ مدور^۷ فاس: لَفْت^۷ البلدی^۷ - یونانی: غنقلی^۷، غنقلی^۷ - فارسی: برشاد^۷ - شِلْم^۷ - فرنگی: پُئِم^۷ - نام نوعی: لَفْت^۷ المحفور^۷ - نام نوع غیر خوراکی: یونانی: نونیناس^۷، نونیناس^۷ - رومی: غنکیلی^۷ نام نوع بری: بونیاون^۷ (بونیاون) - نام نوع بستانی: جنخلیدس^۷ - "صاحب فلاحه" می گوید: نوعی از «شَلْجَم» را «أبوشاد» گویند که در باغ ها کاشته می شود.^۷ - "دیسکوریذ" می گوید: «بونیناس» نوعی «شَلْجَم» کوچک است.^۷ «اشبیلی» می گوید: دارای انواعی است، بستانی آن عبارتست: ۱ - لَفْت^۷ مدور ۲ - طَلِیْطَلی: غنقل، سلجم، برشاد، بورشاد ۳ - صَفْلی بری آن عبارتست: ۱ - لسان ۲ - اشبرون: نابیارش ۳ - قلشتر

۴ - لاختنه: رویاس، اروسیمون، اسحارة، سحارة ۵ - صَتاب: خردل نام های نوع جلی آن عبارتست از: اسطراطیقوس، نیال

غَنْقِلی (*Gongule*): شَلْجَم معروف به «لَفْت^۷ الأَحْمَر المدور» - شَلْجَم [ابن بیطار (در شرح کتب دیسکوریذ) ۲ - ۹۵]

| | | |
|--|-----------------------------------|----------|
| <i>Brassica rapa</i> L. <i>Brassica napus</i> L. | غنقلی - سلجم - لفت الأحمر المردور | دیسکورید |
| <i>Brassica rapa</i> L. <i>Brassica napus</i> L. | شلجم | ز. ط. خ. |
| <i>Brassica campestris</i> L. var. <i>napus</i> Bal. | شلجم | پارسا |
| <i>Brassica campestris</i> L. | سلجم، شلجم | الموسوعه |

۱۱۵۶ - شلیل: نام‌های دیگر آن: خراسانی: شقرنگ، شیرهو - گویند درختی حاصل از پیوند درخت «زردآلو» و «شفتالو» است.^۴

۱۱۵۷ - شمام: نام نوعی «بطیخ» کوچک - شام: لَفَّاح^۵ برخی عقیده دارند «لَفَّاح» غیر از آن است.^۶

| | | |
|------------------------|------|----------|
| <i>Cucumis melo</i> L. | شمام | EN.، ال. |
|------------------------|------|----------|

۱۱۵۸ - شنجار، شنجار، شنفار، رجل الحمامة (نامی در اندلس)، رجل الحمامة، عاقر شمع، عود الفالوج: دارای چهار نوع است.^۷ نام‌های دیگر آن: شنجار، کَحِيلَاء، حُمِيرَاء، رجل الحمامة - سریانی: حالوما^۸

| | | |
|-----------------------------------|--------------------------------|----------|
| <i>Onosma</i> sp. | شِنْجار | الموسوعه |
| <i>Lithospermum tinctorium</i> L. | شِنْجار - ابو حلسا - خس الحمار | EN. |

۱۱۵۹ - شَنْدَلَة: نام‌های دیگر آن: بنا به نظر بکری: (أَسْحَارَة - یونانی: أروسمین - تودری^۹

۱۱۶۰ - شَوَاصِرَاء، شَوَاصِرَه، شَوَاصِرَاء، شَوَاصِرَاء: (نامی یونانی) نوعی برنجاسف^{۱۰} "رازی" آن را از انواع «بلنجاسف» به نام «برنجاسف» می‌داند. نام‌های دیگر آن: مشک الجن، مسک الجن^{۱۱} - بلاد شبانکاره فارس: مشک چوپان - تنکابن: مشک داش یونانی: بطوس^{۱۲} - «ابن بیطار» می‌گوید: «شواصر» و «مسک الجن» معادل نام «بطرس» است.

بُطْرُس (*Botrus*): از انواع «بَرَنْجَاسَف» است [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۱۰]

| | | |
|---|---|----------|
| <i>Artemisia vulgaris</i> L. <i>Artemisia abrotanum</i> L. <i>Chenopodium ambrosioides</i> L. | شواصره | زریاب |
| <i>Chenopodium botrys</i> L. <i>Chenopodium ambrosioides</i> L. | بطرس، از انواع برنجاسف، شواصر، مسک الجن | دیسکورید |

۱۱۶۱ - شَوْحَط، شوخط: (نام عربی)؟ نام دیگر آن: خوشه ارزن^{۱۳}

سمیلَقَس (*Smilax*): درخت بزرگی در سرزمین روم و مغرب با نام لاتینی «طَخَش» (*Taxus*) است که از آن «قِس» می‌سازند. «غافقی» با توجه به اختلاف نظرهایی که وجود دارد این نام را معادل نام «شَوْحَط» می‌داند. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴/۷۲]

| | | |
|-------------------------|---------------------------|----------|
| <i>Taxus baccata</i> L. | سمیلَقَس - طَخَش - (شوخط) | دیسکورید |
|-------------------------|---------------------------|----------|

۱۱۶۲ - شَوْزَه: (نامی حجازی)

۱۱۶۳ - شَوَكْرَان، شَوَكْرَان، شَوَكْرَان، شَوَكْرَان، شَوَكْرَان، صُرَو، طَحْمَا: ؟ (نام عربی) نام های دیگر آن: نزد عجم اندلس: حفوظه - یونانی: قونیون، سقونیون، بارقیون، طفنیقوس، منقوسیون، طفسقویون، ماریقون، قثیون - فرنگی: شبکته - فارسی: بیخ تفت - حفوظ - تخم بیخ رومی

شَبَبِی: ریشه «شوکران» و «بیخ تفت» (چون در کوه تفت بسیار می روید).

قونیون (Koneion): نام های دیگر آن عبارتست از: شوکران - لاتینی: جَقُوطَه (Cicuta) - اهالی آفریقا: حَزَمَل البَلَدی [ابن بطار (در شرح

کتاب دیسکورید) ۴ - ۶۳ و ۷۱]

| | | |
|---|---|-----------|
| Conium masculatum L. Hyoscyamus niger L. | قونیون - شوکران - جقوطه | دیسکورید |
| Conium maculatum L. Hyoscyamus niger L. | شوکران | زر. - طب. |
| Conium maculatum L. Hyoscyamus niger L. | بیخ تفت - شوکران | پارسا |
| Cicuta virosa L. | شوکران سام، شوکران متن، قاتل البقر | الموسوعه |
| Aethusa cynapium L. | شوکران صغیر، شوکران البساتین، بقدونس کاذب | الموسوعه |
| Conium maculatum L. | شوکران، طَحْمَاءِ بَنَسِيس | الموسوعه |
| Conium maculatum L. | شوکران | EN. |

۱۱۶۴ - شوكة المصریه، شوكة المصریه، شوكة مصریه، ام غیلان، انفیطینا (نام میوه شوک مصری): نام های دیگر آن: ام غیلان - شوکه اعرابی - قبیطه - نام میوه: بلوسیپتون، سیطوس، عنم، حد
 آقاقیا (Akakia): به عصاره «قَرظ» گویند و نام گیاه آن «خَرُوب السَّنَط» و «شوكة المصریه» است و به نوع بری آن «أُمُّ غِلَّان» گویند و صمغ آن به «صمغ العربی» معروف است. [ابن بطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۰۳]

| | | |
|--|---------------------------------------|----------|
| Acacia arabica W. Acacia nilotica D. Acacia vera Willd. Mimosa niltica L. | شوكة المصریه - ام غیلان - شوكة اعرابی | زریاب |
| Acacia arabica W. | أقاقیا - قَرظ - خروب السنط | دیسکورید |
| Acacia vera Willd. | ام غیلان - صمغ عربی | دیسکورید |
| Acacia arabica Willd. | ام غیلان | زریاب |
| Acacia arabica Willd. Acacia nilotica | شوكة المصریه | طباطبانی |

۱۱۶۵ - شوكة اليهودیه، شوكة يهودیه: نام های دیگر آن: قرصنة الزرقاء - عربی: سوداء الورق (سیاه برگ)، عَضْر الصبیان

اَیْرُنْجِ (Erunge): گیاه «شوكة» (خار دار) است و نام سریانی آن «قَرَصَعْنَه» (Qersa anna) است. در بعضی از ترجمه ها نام آن را «شوكة السوداء»، «شوكة اليهودیه» و «شوكة الزرقاء» ذکر کرده اند و دارای دو نوع سفید و آبی رنگ است. در کتب پزشکان با

نام «جَنْت قَابِظَة»^(۱) (*Centumcantha*) آمده است و دو نوع آن ذکر گردید. نام لاتینی آن «بِرَّاطَه» (*Piperito*) به معنای «شوکت المُفْلَل» است و گویند این گیاه در زمین اسکندریه می‌روید، جالینوس آن را «أیرنجان» نامیده است. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۲۱]

| | | |
|----------|---|--|
| دیسکورید | اَیرنجی، قرصنه، شوکة یهودیه، شوکة الزرقاء | <i>Eryngium campestre</i> L. |
| طباطبائی | شوکة یهودیه | <i>Eryngium campestre</i> L. <i>Eryngium creticum</i> |

۱۱۶۶ - شومر، شینر، شومر

۱۱۶۷ - شُونْدَر؟

| | | |
|----------|---|-------------------------|
| الموسوعه | شُونْدَر، شَمَنْدَر، بَنْجَر، صَوْطَلَة | <i>Beta vulgaris</i> L. |
|----------|---|-------------------------|

۱۱۶۸ - شُونِیز، شُونِیز (نامی فارسی)، شُونِیز، شُونِیز، شُونِیز، شُونِیز (نامی حجازی)، حبة السوداء، حبة السوداء، نام‌های دیگر آن: فارسی: شُونُوز، سیاه دانه - عربی: حبة السوداء - یونانی: سنو، شنون - هندی: کلونجی، سَوِیداء - یونانی: میلانثیون - لاتینی: نیلی - رومی: میروقوین - سریانی: شوبوانا - هندی: قالنجی، کالنجی، فالیر - اهل هری: غنج - غسانی می‌گوید: «شُونِیز» دارای دو نوع بری و بستانی است نوع بری را «حبة السوداء» گویند و منظور روایت نقل شده از پیامبر اکرم صلوات الله علیه و اله «حبة السوداء شفاء من کلّ داء» همین گیاه است و در شهر فاس به «سانوج» معروف است.

مالِیْثِیُون (*Melanthion*): دارای نام‌های «شُونِیز»، «کَمُونُ الْأَسود» و به عربی «حبة السَّوداء» است که نامی مشترکی می‌باشد و به لاتینی به آن «شَمِیْتُ مَوِرس» به معنای «زریعة السَّوداء» گویند. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۷۵]

| | | |
|----------|--|---|
| دیسکورید | مالِیْثِیُون، شُونِیز، کَمُونُ الْأَسود، حبة السوداء | <i>Nigella sativa</i> L. |
| ز، خ، ط. | شُونِیز | <i>Nigella sativa</i> L. <i>Agrostemma githago</i> |
| پارسا | سیاه تخمه - شُونِیز - سیاه دانه | <i>Nigella sativa</i> L. |
| الموسوعه | شُونِیز، شِیْنِیز | <i>Nigella</i> sp. |
| الموسوعه | شُونِیز زراعی | <i>Nigella sativa</i> |

۱۱۶۹ - شیان، شیان: نام دیگر آن: دم الاخوین صمغی است که از جزیره سَقَطری می‌آورند و معروف به «دم الاخوین» است و همچنین عوام اندلس این نام را برای نوع بزرگ «حی العالم» می‌دانند.

۱۱۷۰ - شَیْبَه، شَیْبَه، شَیْبَة العَجُوز: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: اشنه - بعضی افراد: اشنه بستانی
بَرُیُون (*Bruon*): نام «أَشْنَة» است و آن نام «شَیْب العَجُوز» است و به آن «سواک القُروِد» نیز گویند زیرا هنگام مسواک دهان را رنگی می‌کند. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۲۰ و ۳ - ۲۳]

| | | |
|----------|--|---------------------------------|
| دیسکورید | بریون، اشنه، شَیْب العَجُوز، سواک القُروِد | <i>Usnea barbata</i> Ach. |
| الموسوعه | شَیْبَه، دَقْن الشَّیْخ، ریحان أبيض | <i>Artemisia arborescens</i> L. |

۱۱۷۱ - شیخ^۱، شیخ^۲، شیخ^۳، شیخ^۴، شیخ^۵: نام های دیگر آن: اُفسستین بحری^۶ - فارسی: درمنه^۷ - یونانی: ساریقون^۸، اقدینا^۹، شجر اوسیتا^{۱۰} - زابل: ابرو طنیون^{۱۱} - سریانی: ابروتا^{۱۲} - تخم «درمنه ترکی» را «بستیاج» گویند.^{۱۳} - دارای انواع شیخ خراسانی^{۱۴}، شیخ ترکی^{۱۵} است و گلی قرمز رنگ دارد. نام نوعی از آن «سریقون ارمنی» و «افسنتین البحر» است.^{۱۶} بهترین آن ارمنی آن است و آن را «درمنه ترکی» خوانند و «شیخ جبلی» را «افیلون» خوانند.^{۱۷} - دارای انواع فراوانی از قبیل «اسطوخودوس»، «اکلیل الجبل»، «خُزامی» و «شیخ ارمنی» است و در اینجا منظور «شیخ ارمنی» است.^{۱۸} ساریفون (Seriphon): نام هر دو نوع «شیخ» است، نوع اول آن «شیخ المصری» یا معروف به «اُفسنتین» است و نوع دوم «شیخ الأُرمنی» نام دارد. [این پطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۲۴]

| | | |
|--------------------------|-------------------------------|-----------|
| Artemisia maritima L. | ساریفون - شیخ مصری - اُفسنتین | دیسکورید |
| Artemisia sp. | شیخ، اُرطماسیا | الموسوعه |
| Artemisia judaica L. | شیخ | زر. - طب. |
| Artemisia pontica L. | شیخ ارمنی | دی. - خط. |
| Artemisia pontica L. | شیخ | EN. |
| Artemisia santonica Lam. | شیخ خراسانی | EN. |

۱۱۷۲ - شیخ الربیع^{۱۹}: نام دیگر آن: اُریقارون^{۲۰}

| | | |
|--------------|------------|----------|
| Erigeron sp. | شیخ الربیع | الموسوعه |
|--------------|------------|----------|

۱۱۷۳ - شیر انجیر^{۲۱}:

۱۱۷۴ - شیرخشت^{۲۲}، شیر خشک^{۲۳}: نام دیگر آن: فارسی: شیرخشک^{۲۴}

بعضی از دانشمندان ما معتقدند شبنمی است که از آسمان روی درخت «خلاف» به نام «بَهْرَة» در سرزمین عجم قرار می گیرد و شیرین است و از «ترنجبین» قویتر می باشد.^{۲۵} - «خشت» در لغت اهل نواحی خراسان به معنای صمغ است.^{۲۶}

| | | |
|-----------------------------------|---------|-------|
| Cotoneaster nummularia Fich & Mey | شیر خشت | پارسا |
| Cotoneaster nigra Wahl. | | |
| Cotoneaster vulgaris L. | | |

۱۱۷۵ - شیطرج^{۲۷}، شیطرنج^{۲۸}، شیطرج^{۲۹}، شیطرج^{۳۰}، شیطرج^{۳۱}، شیطرج^{۳۲}، شیطرج^{۳۳}، شیطرج^{۳۴}، شیطرج^{۳۵} (نام بربری): این نام معرب «چیپژک هندی» یا معرب «شیتره» فارسی است. - نام های دیگر آن: جوز الراعی^{۳۶} - اَعْصَاب^{۳۷} - هندی: چتره^{۳۸} - سریانی: جطرغ^{۳۹} - رومی: لوبادون^{۴۰}، لیبیدیون^{۴۱} - دیسکورید: شاطرج^{۴۲} - شام: قالیقیا^{۴۳}، سرقوقینا^{۴۴} - عربی: مسواک الراعی^{۴۵}، خینوس^{۴۶} فاغوس^{۴۷} یا فاغوش^{۴۸}، حنامشه^{۴۹} - یونانی: لیبیدیون^{۵۰}، لفیدیون^{۵۱} - بربری: عضات^{۵۲} - فارسی: بیخ برنده^{۵۳} - فاس: عصاب^{۵۴} - دارای انواعی است صاحب منهای^{۵۵} گوید بهترین آن هندی است تا بحری، مولف گوید چندانکه امتحان کرده شد بهتر از پارسای نیست.^{۵۶} [این پطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۵۶: به «حرف» و «لیبیدیون» رجوع شود.]

| | | |
|-------------------|--|----------|
| Plumbago rosea L. | ریشه طمش (تهران)، شیطراج، شیتراک (هندی)، شیطرا (بمبئی) | پارسا |
| Lepidium sp. | عصاب، مسواک الراعی، شیطرنج | الموسوعه |

| | | |
|--|--------------------------------------|-----------|
| <i>Lepidium latifolium</i> L. <i>Plumbago zeylanica</i> L. | شیطرنج | ز، ط، EN. |
| <i>Lepidium iberis</i> L. <i>Lepidium latifolium</i> L. <i>Lepidium sativum</i> L. | شیطرنج اندلسی شیطرنج هندی عصاب | خطابی |

۱۱۷۶ - شَیْلَم، شَیْلَم، شَیْلَم، شَیْلَم: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: شالم^۵ - سیاه دانوس^۶، زوان^۷، زیاس^۸ - عربی: حنطه السوداء^۹، زوان^{۱۰} (مغرب) - فارسی: گندم دیوانه^{۱۱}، زغیر^{۱۲} - اصفهان: کاکلک^{۱۳} - شیرازی: مشکک^{۱۴} - رومی: لیخون^{۱۵} - زوان گندم^{۱۶} - دوسر^{۱۷}

(Aria): نام «زوان» است و آن «شَیْلَم» موجود بین «قَنَح» است. نام های دیگر آن «دَنَقَة»، «رُغَیْدَاء»، «رُغَیْدَاء» و «مُرَیْرَاء» است و گویند نام عربی آن «خَضِر» است. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۸۵] اَرَأَ

| | | |
|-----------------------------|---|----------|
| <i>Lolium temulentum</i> L. | شیلیم - زوان - | ز، خ، ط. |
| <i>Lolium temulentum</i> L. | اَرَأَ - زوان - شیلیم - مریراء - رغیداژ | دیسکورید |
| <i>Secale cereale</i> L. | شیلیم، سَلْت، سَوْلَم | الموسوعه |

حرف «ص»

۱۱۷۷ - صاب^{۱۸}، صاب^{۱۹}، صاب^{۲۰}: گویند «قسا الحمار» است و گویند نوعی از یتوعات است.^{۲۱} گویند نام «قَتَاء الحمار» است که درست نیست و بعضی از دانشمندان ما بر این گمانند که از «یتوع» است.^{۲۲}

| | | |
|----------------------------------|------------------|----------|
| <i>Ecballium elaterium</i> Rich. | صاب | زریاب |
| <i>Hippomane manchinella</i> L. | صابه، مَسْنِیْلا | الموسوعه |

۱۱۷۸ - صاصلی^{۲۳}، صاصل^{۲۴}: نام‌های دیگر آن: صوصلا^{۲۵}، صاصلی^{۲۶} - یونانی: ارتینوس^{۲۷}، آرتینوس^{۲۸}، آرتینوس^{۲۹}، آرتینوس^{۳۰}

| | | |
|-------------------------|-------------------------|----------|
| <i>Ornithogalum</i> sp. | صاصل، اُشراس، صَوْصَلَا | الموسوعه |
|-------------------------|-------------------------|----------|

۱۱۷۹ - صالیه^{۳۱}: (نامی عجمی) نام دیگر آن نزد اهالی صقلیه: نوع نازک شالیه^{۳۲}

۱۱۸۰ - صامریوما^{۳۳}، صامریوما^{۳۴}: (نامی سریانی) نام‌های دیگر آن: عربی: غبرا^{۳۵}، چون رنگ آن اغبر یا خاکستری است. - لاجوردیه^{۳۶}، زیرا رنگ عصاره گل آن لاجوردی است. - عجمی اندلس: طُرْشُول^{۳۷} - مصر: گیاه عقرب^{۳۸}، حشیشه العقرب^{۳۹}، غُیْرَاء^{۴۰} - اهل اندلس: ترانشول^{۴۱} - دیسکورید: علت نامگذاری این گیاه به «أیلوپتروییون» بخاطر اینست که برگ خود را به سمت آفتاب می‌گرداند.^{۴۲}

| | | |
|----------------------------------|----------|----------|
| <i>Heliotropium europaeum</i> L. | صامریوما | طباطبائی |
|----------------------------------|----------|----------|

۱۱۸۱ - صبار^{۴۳}: نام‌های دیگر آن: تمر هندی ترش^{۴۴} - صباری^{۴۵}

می گوید: از انواع صنوبر «بَقَم قَریش» است که در شام به آن «قَطواندس» گویند و از انواع دیگر آن «رجینة» و «سرو» است.^۱ نام های صمغ صنوبر: راتیناج، راتینج، رتیانج، رجینه، دشینه^۲ آنچه در شیراز به نام «چلغوزه» معروف است از اقسام «بادام» است.^۳ - «تَوَب» نام «صنوبر کوچکی» است که میوه آن «قَضَم قَریش» است.^۴ - ابن یطار: دیسکورید: «بیطویداس» یا «قَضَم قَریش» میوه «تَوَب» و «أَرْز» است.^۵ بیطویداس (Pituides): نام «صنوبر الصغار» است و میوه آن را «قَضَم قَریش»، «فم قَریش» و «فمل قَریش» گویند. سَطْرَویلو (Stroobiloi) نام «شجر الصنوبر الکبار» است. اسامی صمغ هر دو نوع «راتینج»، «راتیناج»، «راتینا»، «راطینا» نام دارد. [ابن یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ و ۶۴ و ۶۵]

| | | |
|---|--|-------------|
| <i>Pinus orientalis</i> Link. | صنوبر | زریاب |
| <i>Pinus pinea</i> L. <i>Picea excelsa</i> Link. | قضم قریش | زریاب |
| <i>Pinus pinea</i> L. <i>Pinus cembra</i> L. | حب الصنوبر: جلوز | زر. - طباء. |
| <i>Pinus pinea</i> L. | بیطویداس (نوع کوچک) سَطْرَویلو (نوع بزرگ) | دیسکورید |
| <i>Pinus eldarica</i> Medew. | کاج | پارسا |
| <i>Pinus</i> sp. | صنوبر | الموسوعه |
| <i>Pinus pinea</i> L. <i>Pinus excelsa</i> L. | قضم قریش | طباطبائی |
| <i>Pinus pinea</i> L. | صنوبر | خطابی |
| <i>Pinus halepensis</i> Mill. | صنوبر الحلبی | خطابی |
| <i>Pinus nigra</i> L. | صنوبر الاسود | خطابی |
| <i>Pinus maritima</i> Lam. | صنوبر البحری | خطابی |
| <i>Pinus sylvestris</i> L. | صنوبر الفضی | خطابی |
| <i>Pinus pinea</i> L. | صنوبر | EN. |

۱۱۹۵ - صنین^۶:۱۱۹۶ - صوصلة^۷، صوطله^۸: نوعی «سَلَق»^۹

| | | |
|-------------------------|--|----------|
| <i>Beta vulgaris</i> L. | سَوْنَدَر، شَمَنْدَر، بَنْجَر، صَوَطَلَة | الموسوعه |
|-------------------------|--|----------|

حرف «ض»

۱۱۹۷ - ضَجَاج، ضِجَاج^{۱۰}: (نام صمغ گیاهی در کوه های عمان)۱۱۹۸ - ضرم^{۱۱}: گویند نام «أسطوخودوس» است.^{۱۲}

| | | |
|-----------------------|-----|----------|
| <i>Quereillet</i> (F) | ضرم | الموسوعه |
|-----------------------|-----|----------|

| | | |
|---------------------------|--------|-------|
| <i>Mentha aquatica</i> L. | ضمیران | زریاب |
| <i>Ocimum minimum</i> L. | | |
| <i>Mentha aquatica</i> L. | ضومران | خطابی |

حرف «ط»

۱۲۰۵ - طالیسفر^۱، طالیسفر^۲، طالیسفر^۳، طالیسفر^۴، طالیسفر^۵، طالیسفر^۶، طالیسفر^۷؛ نام های دیگر آن: بسباسه - کندیت^۸ - یونانی: دارکیسه^۹ با آنکه اکثر مردم آن را «بسباسه» می دانند ولی آن نیست. و «ابن جلجل» به اشتباه آن را «لسان العصافیر» می داند. - و گویند ریشه درختی هندی است که نام یونانی آن «دارکیسه» است، دیسکورید نیز آن را به نام «ماقر» معرفی کرده و آن را پوست درختی می داند که از یونان آورده می شود.^{۱۰} «صاحب منهای» گوید ورق «رسون هندی» است و آن قشوری هندی بود، صاحب جامع اقوال بسیار آورده است اول گفته «بسباسه» است و دیگر قول «ابن جلجل» را آورده است که «لسان العصافیر» است و دیگری گفته که «عرق»^(۱) «شجره هندی» است و یا گویند «عرق درخت توت» که کرم ابریشم برگ آن را می خورد، و همه خلافت و قول مجوسی را آورده است که «ورق زیتون هندی» است و این موافق با منهای است و صاحب منهای «صاحب جامع» بیان نکرده اند که آن چیست. مولف گوید: «پوست بیخ زیتون هندی» است و همه این قول ها خلافت.^{۱۱}

ماقر (*Makir*): نام «بسباسه» است و اهل شام به آن «دارکیسه» گویند.^{۱۲} ابن بیطار در کتاب جامع خود بیان می کند این نامگذاری ها سبب اختلاف زیادی بین دانشمندان قدیم شده است، برخی آن را معادل «بسباسه» و عده ای نیز آن را همان گیاه «طالیسفر» می دانند.^{۱۳} [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۸۳]

| | | |
|--------------------------------------|---------|-----------|
| <i>Taxus Baccata</i> L. | طالیسفر | دیسکورید |
| <i>Flacourita cataphracta</i> Willd. | طالیسفر | زر - طبا. |
| <i>Taxus Baccata</i> L. | | |
| <i>Myristica fragrans</i> Houff. | طالیسفر | خطابی |

۱۲۰۶ - طباشیر^۱، طباشیر^۲، طباشیر^۳، طباشیر^۴، طباشیر^۵، طباشیر^۶؛ طباشیر^۷: موادی مشابه گره که از نوعی «نی» به نام هندی «توله بانس» خارج می شود.^۸ نام های دیگر آن: هندی: بنس لوجن^۹، بنس روجن^{۱۰}، توشیر^{۱۱}، تباکیر^{۱۲} نام های طباشیر هندی به سریانی «قمحادرزی»^{۱۳}، «طبشیر»^{۱۴} و «طواخشیر» است.^{۱۵}

| | | |
|-----------------------------------|--------|-----------|
| <i>Bambusa arundinacea</i> willd. | طباشیر | زر - طبا. |
| <i>Arundo bambos</i> L. | طباشیر | پارسا |

۱۲۰۷ - طباق^۱، طباق^۲، طباق^۳، شوکه مئینه^۴، شوکه منفته^۵، شجرة البراغیث^۶، شجرة البراغیث^۷، ترهلان^۸ (نامی بربری): نام های دیگر آن: یونانی: قونیزا^۹، قوئیرا^{۱۰} - عربی: طباق^{۱۱} - عامه مردم اندلس: طباقه^{۱۲} - بربری: ترهلان^{۱۳}، ترهلا^{۱۴} - فارسی: اسپرغم بیابانی^{۱۵} - چند نوع است: نوع بزرگ آن «طباشیر متن»^{۱۶}، یا «شجر البراغیث»^{۱۷} است زیرا گستراندن برگ های آن حشرات موزی و براغیث را دور می کند. اکثر پزشکان ما آن را بعنوان «غاف» مورد استفاده قرار می دهند بدلیل اینکه «غاف» واقعی را نمی شناسند.^{۱۸} بعضی گویند غیر «غاف» است اما قول بیشتر آنست که «غاف» است.^{۱۹} «دیسکورید» می گوید: نوعی از این گیاه را «قونیزا الأصغر» می نامند.^{۲۰} [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۱۶: به «شجر البراغیث» و «قونیزا» رجوع شود.]

| | | |
|-----------------------------|---|----------|
| <i>Inula conyzoides</i> DC. | قونیزا، ترهلا - مشکینہ - لبارذہ طباق - شجرة البراغیث - برنوف | دیسکورید |
| <i>Inula viscosa</i> Ait. | طُبَّاق، طَیُون، راسن دَبَق طباق - شجرة البراغیث - برنوف | الموسوعه |

۱۲۰۸ - طبرزد^۲: (نامی فارسی) نام دیگر آن: تبرزد^۳

۱۲۰۹ - طبق: نوعی گندم

۱۲۱۰ - طُحْلَبٌ؛ طَحَلْبٌ، طُخْلُبٌ، طُحْلِبٌ، طُحْلبٌ، طُخْلَبٌ، خرو الضفادع^ب، كَتَان البحر^ج، كَتَان الماء^د: نام گیاهی آبی - نام‌های دیگر آن: عدس الماء^{هـ} - نام گیاه در کتاب جالینوس: برواونثلاسیون^و - فارسی: جامه خواب دارای چند نوع است: نام نوعی: خراز الماء^ز، طحلبل لیفی^ح - نوع گرد و جدا از هم - نام نوعی: غزل الماء^ط، نوع چسبیده به هم و ریشه مانند - نام نوعی: خروع الضفادع^ث، نوع متراکم "دیسکورید"^ث «طحل» را در دو نوع «طحلب نهری» و «طحلب بحری» نامبرده است.^ک - دارای سه نوع نهري و بحري و صخرى است، به نوع صخرى آن «حرّاز»^(۱)
(گل سنگ) گویند.^گ اشبیلی می گوید: دارای انواع بسیاری است : ۱- صوف البحر: اشبتیه، عکرشه ۲- بحرئ: برون ۳- ضریع ۴- عدس الماء معروف به ثور ۵- ارجاله^ش

بُرونِ تالاسیون (*Bruon thalassion*): نام «طَحْلَبُ البحری» است و دارای انواع فراوانی است.

فُوْكُسُ الْبَحْرِي (Phukos thalassion): نوعی «طحلب» است. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۹۰]

| | | |
|------------------------------------|---------------------------|------------------|
| <i>Lemna minor</i> L. | طحلب - عدس الماء | ز، خ، ط... EN |
| <i>Corallina officinalis</i> L. | برون ثلاثيون - طحلب بحري | ديسكوريد |
| <i>Gnaphallium leontopodium</i> L. | فوقس البحري - نوعي طحلب | ديسكوريد |
| <i>Moss</i> (E) | طُحْلَب، طُحْلَب، طُحْلَب | الموسوعه |

۱۲۱۱ - طثیه ش:

۱۲۱۲ - طَخْمَاءٌ، طَخْمَاءٌ: نام دیگر آن به سجزی: روی^ص - در بعضی تفسیرها: نجیل^ش - ابو عمرو: هُرم

| | | |
|-------------------------------|----------------------|----------|
| <i>Cynodon dactylon Pers.</i> | طحماء | زرياب |
| <i>Conium maculatum L.</i> | شوكران، طخماء، پنبیس | الموسوعه |

۱۲۱۳ - طخس^ع: چوبی است که در اندلس از «قسی» گرفته می‌شود. و گروهی نام آن را «سمیلقس» پنداشته اند که درست نیست و گروهی آن را «مزان» می‌دانند و گویند نام «شَوْحَط» است.^ع

۱۲۱۴ - طَخْشِیقون، طَخْشِیقون^۴، طَحْسِفِیون^۵: نام‌های دیگر آن: طَفْشِیقون^۶ - طَفْشِیقون، به معنای قوسی^۷ زیرا اهل ارمن پیکان را به وی زهر آلود می‌کنند و در جنگ‌ها به کار می‌برند.

| | | |
|--|-----------------------|----------|
| <i>Taraxacum dens-leonis</i> DC. <i>Taraxacum officinalis</i> Will. <i>Taraxacum vulgare</i> Shramk <i>Leontodon taraxacum</i> L. | هِنْدَب، طَرَخْشَقُوق | الموسوعة |
|--|-----------------------|----------|

۱- واژه صحیح آن «خزاز» است و به معنای خزر الصحور از گیاهانی است که امروزه به آن «گل‌سنگ» گویند.

| | | |
|----------|--------------|------------------------------------|
| طباطبائی | طَرَحْمَقُوق | <i>Taraxacum officinalis Will.</i> |
|----------|--------------|------------------------------------|

۱۲۱۵ - طرائیث^ص، طرائیث^ج، طرائیث^ع، طرائیث^ث، طرائیث^ش: از جنس کَمَاة و فُطَر - بنا به نظر عده ای عصاره گیاهان دیگر است. ^ص -- «طرائیث» اسم جمع و «طرثوث» مفرد آن است و جنسی از «کَمَاة» و «فُطَر» است که بدون ریشه و بذر می روید. ^ع - نام های دیگر آن: سَجِسْتَان: رُطُط^ص - اصحاب السوائِم: هیوز^ص، خیوز^ص - شیران: یل شیرین^ص - طرثوث^ص - قیسارون^ص «اشبیلی» می گوید: دارای انواع مختلف است: ۱ - طرثوث: رُب رباح، فُشال، لَحیة التیس ۲ - طرثوث ابیض: دُونُون ۳ - قسطیدس: قسطیدس، جَمَرَة الارض، جَلَنار بری ۴ - فُشال: تومرنا، قسطیدس، رُب رباح^ش
 أُورُبَنجی (*Orobanch*): نوعی «طرائیث» با برگردان عربی «خائق الکرسنة» است و در بعضی از ترجمه به آن «جَعْفیل» گویند و اهالی مصر آن را بعنوان «هالوک» می شناسند چراکه هر گاه بین گیاهان مزرعه روئیده شود موجب از بین رفتن آنها می شود. [ابن یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۲۶]

| | | |
|--------------|---|-------------------------------------|
| ز. - خ. - ط. | طرائیث | <i>Cynomorium coccineum L.</i> |
| دیسکورید | نوعی طرائیث، خائق الکرسنه، جَعْفیل، هالوک | <i>Orobanche caryophyllacea SM.</i> |
| الموسوعة | طرثوث، مَصْرور، رُب الأرض، أبر الخَبَش، أبر الذنب | <i>Cynomorium coccineum L.</i> |
| الموسوعة | طرثوث أحمر، هالوک شرقی | <i>Phelypaea coccinea Poir.</i> |
| الموسوعة | طرثوث مصری، هالوک ریخی | <i>Phelypaea egyptiaca Walp.</i> |

۱۲۱۶ - طَرَّاشَنَه^ث، طَرَّاشَنَه^ع، طَرَّاشَنَه^ش: نام های دیگر آن: جَعْفَرِیَه^ص، عَشْبَة العَجُول^ث، یعنی بهبود دهنده سفیدی چشم

| | | |
|-------|----------|--------------------------|
| پارسا | گل جعفری | <i>Tagetes erecta L.</i> |
|-------|----------|--------------------------|

۱۲۱۷ - طَرَّاعُثُون^ث: به معنای قوسی و نام دیگر آن «قوسی» است.
 ۱۲۱۸ - طَرَّاعُیُوغَن^ث، طَرَّاعُثُون^ث: نام های دیگر آن: «رازی» می گوید: نام های دیگر آن «قوسی» و «مُثَلَّث» است. ^ع «اشبیلی» می گوید: برخی آن را به اشتباه «لَحیة التیس» و برخی آن را «ذَکَر الهَر» می دانند.
 ۱۲۱۹ - طَرَّاعُوس^ث: نوعی از حبوب - برخی آن را «طرامیش» و عده ای «سلت» و گروهی «خندروس» و بعضی «دوسر» می دانند که صحیح است.
 ۱۲۲۰ - طَرَّاعُون سَقْرِیُون^ث:
 ۱۲۲۱ - طَرَّاعِین^ث: نام های دیگر آن: طَرَّاعِین^ث، سَقُونِیوس^ث
 طَرَّاعِین (*Tragion*): برگردان عربی آن «تِسی» است و بنا به نقل «ابن جلیجل» نوعی درخت «مصطکی» است ولی من - ابن یطار - از آن اطلاعی ندارم.
 طَرَّاعِین آخر: نوعی از گیاه قبلای است که در جزیره اَفْرِیطَش می روید.
 طَرَّاعِین آخر: گویند «حُمَاص بحری» است ولی من - ابن یطار - از آن اطلاعی ندارم. [ابن یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۴۴ و ۴۵ و ۴۶]

| | | |
|----------|-------------------|---------------------------------|
| دیسکورید | طَرَّاعِین - تِسی | <i>Hypericum hircinum L.</i> |
| دیسکورید | طَرَّاعِین | <i>Tragium columnae Spreng.</i> |
| دیسکورید | طَرَّاعِین | <i>Ephedra distachya L.</i> |

۱۲۲۲ - طَرَّاعِیُون^ث، طَرَّاعِیُون^ص، طَرَّاعِیُون^ع، طَرَّاعِیُون^ش: نامی یونانی به معنای مشابه «بیش»^ث و دارای دو نوع است. ^ص

| | | |
|---|---------|-------|
| <i>Hypericum hircinum</i> L. <i>Pimpinella trgium</i> Vill. <i>Androsacinum hircinum</i> Spach. | طراغيون | زرياب |
|---|---------|-------|

۱۲۲۳ - طراغیون آخر^۷: نام‌های دیگر آن در کتاب دیسکورید: سقریون^۸، طراغین^۹

۱۲۲۴ - طرأمة ش:

۱۲۲۵ - طَرَحِ النَوَاتِيَةِ^ش: نام دیگر آن: کاشمِ الصغیر^ش

۱۲۲۶ - طَرخُون؛ طرخون^ص، طرخون^ج، طرخون^ث، طرخون^ط، طرخون^ظ: معرب ترخانای فارسی نام‌های دیگر آن: طَرخُون^ه، طرخنی^ث - یونانی: طرخخونی؛ میورسینه^ث - نام گیاه در کتاب جالینوس: بلوس^ص - بلخی: غروبوس^ص - شیرازی: ترخونی^ث - «غسانی» می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را نوعی «کرفس» می‌دانند و برخی گفته‌اند «عاقِرْقَرا» است ولی صحیح و مشهور آنست که گیاهی مشابه «کرفس» با نام «مَقْدونس» است و در محل‌های مرطوب و باغ‌ها می‌روید و در فاس و جزایر به «معدنوس» معروف است. وجه تسمیه آن به «مقدونس» بخاطر اینست که در شهری به نام «مقدونیا» بسیار رویش دارد.^ع اَشْبیلی^ی می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «شطریه» و عده‌ای «عاقِرْقَرا» و برخی آن را گیاه خوراکی مشابه «بقا بمان» می‌دانند و درست آنست که گیاه، با برگ‌های مشابه «حبق الحمام» یا ساق‌های قرمز است.^ث

| | | |
|---------------------------------|-------|--------------|
| <i>Artemisia dracunculus</i> L. | طرخون | زغال، پط، ط. |
|---------------------------------|-------|--------------|

۱۲۲۷ - طَرْفَا، طَرْفَاءٌ، طَرْفَاءٌ، طَرْفٌ، طَرْفَةٌ، كَزْمَاجٌ (نام میوه)، جِزْمَاجٌ، طَرْفَةٌ: نام‌های دیگر آن: فارسی: گز^۱ - هندی: چهارا، برواه^۲ - رومی: موریقا^۳ - سریانی: عرا^۴ - یونانی: اریقابوشا، مورشقی^۵ - فارسی: طنجبین (ترنجبین)^۶ - غسانی^۷ می‌گوید: دارای دو نوع بری و بستانی است به نوع بستانی «اَثَل» و به بری «طَرْفَة» گویند و گیاه معروفی است.^۸ - «فلاحه» می‌گوید: «طَرْفَاء» سه نوع است نوعی از آن «کَزْمَازِک» است.^۹ «عقیلی» می‌گوید: دارای چهار نوع است: نام‌های نوع اول: بزرگ: اَثَل^{۱۰} - میوه: عذبه^{۱۱} - به هندی: نتهی مائی، درخت سال^{۱۲} - نام نوع دوم: نام نوع سوم: هندی: بری مائی^{۱۳} - نام نوع چهارم: ... زین الدین^{۱۴} می‌گوید: دارای انواعی است یک نوع «کَزْمَاج» خوانند و آن «اَثَل» است و «حب الاثل» گویند و «ثمرة الطوفان» خوانند.^{۱۵} «اشبیلی» می‌گوید: «طَرْفَاء» از جنس هدیات و نوعی درخت بزرگ و خاردار است دارای پنج نوع بستانی و بری است، انواع بستانی را «اَثَل» و بری را «طَرْفَاء» گویند، نام‌های دیگر «طَرْفَاء» عبارتست از: موریقا - طمرشکه - تاممشت - اثاب^{۱۶} اَثَل - خَمَر - مَزْخَة - نَضَار - به تعبیری دیگر نوعی طَرْفَاء «اَثَل» است و سایر نام‌های آن عبارتست از: اقاقلیس - خرمازق - طمرشکه - خوفان - خومان - جرمان- اثاب

موریقی (*Murike*): شجرة الطرفاء [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۸۹]

| | | |
|--|-----------------------|--------------|
| <i>Tamarix tetrandra</i> Guebh. | سیاه گز | پارسا |
| <i>Tamarix gallica</i> L. | طرفاء | طبّا - خطّا. |
| <i>Tamarix gallica</i> L. | موریتی - شجرة الطرفاء | دیسکورید |
| <i>Tamarix pentandra</i> Pall. <i>Tamarix tetrandra</i> Guebh. <i>Tamarix articulata</i> Vahi. | گزمازج | پارسا |
| <i>Tamarix</i> sp. | اثل، طرفاء | الموسوعه |
| <i>Tamarix</i> sp. | طرفاء | EN. |

۱۲۲۸ - طَرْفَرِیدُس: (نامی یونانی) نام دیگر آن: عشبہ کثیر الاغصان

۱۲۲۹ - طَرْفُولُسْ: (نامی یونانی)

۱۲۳۰ - طَرْنَة: نام دیگر آن به عربی: بساط الغول^ع

| | | |
|----------|---|--------------------------------|
| الموسوعة | بَطْبَاط، جُنْجُر، طَرْنَة، شَبَط الغول | <i>Polygonum avicularee L.</i> |
|----------|---|--------------------------------|

۱۲۳۱ - طریخومانس^ث: همراه کریمه البئر می‌روید و دارای همان خواص است.

۱۲۳۲ - طَرِيفُلْن، طَرِيفْلَن، طَرِيفْلَن، طَرِيفْلَن (نامی یونانی)، حرمانه^ث: به معنای ذو ثلاثة اوراق^ث نام های دیگر آن: سریانی: طَرِيفْلَن - اسواس^ث - اسفلیطس^ث - اکسوفیلن^ث - جعدة حَزَان^ث - "ابن یطار" می‌گوید: نام مشترکی بین چند گیاه است که به «حندقوقا» و یکی از انواع «خُصَى الثعلب» و «حومانة» گفته می‌شود.^ع "اشبیلی" می‌گوید این نام به انواع گیاهان یکساله و بیشتر انواع «خُصَى الثعلب» و نوعی «الطورنه شول»^(۱) گفته می‌شود. و همچنین گیاهانی را که دارای سه برگ از یک رگبرگ اصلی هستند نیز شامل می‌شود.^ث

طَرِيفُلْن (*Tiphullon*): عامه گیاهشناسان اندلس به آن «طریفل» گویند و اهالی آفریقا آن را «حشیشه الحُمَى» و «حومانة» می‌نامند. [ابن یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۰۴]

| | | |
|-----------|------------------------------|-------------------------------|
| زر. - طب. | طریفلن | <i>Psoralea bituminosa L.</i> |
| دیسکورید | طریفلن - طریفل - حشیشه الحمی | <i>Psoralea bituminosa L.</i> |
| EN. | طریفلن | <i>Trifolium sp.</i> |

۱۲۳۳ - طَرِيقُولِيُون، طَرِيقُولِيُون: نامی یونانی به معنای «ذو ثلاثة عناقید» (سه خوشه ای)؛ برخی آن را «تربد» دانسته‌اند که چنین نیست.^ع

طَرِيقُولِيُون (*Tripolion*): ابن وافد آن را نامی برای «تَرَبْد» می‌داند. [ابن یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۱۰۱]

| | | |
|-------|-----------|-----------------------------|
| زریاب | طریفولیون | <i>Aster tripolium L.</i> |
| EN. | طریفولیون | <i>Plumbago europaea L.</i> |

۱۲۳۴ - طَلَاء: گویند نوعی «قطران» است.^ع

۱۲۳۵ - طَلَح، طَلَح، طَلَح، طَلَح: ؟ برخی آن را «موز» و برخی «ام غیلان» دانسته‌اند.^ث - "خلیل بن احمد" می‌گوید: منظور از «طلح» در قرآن «موز» است.^ع

| | | |
|----------|-----|---|
| طباطبائی | موز | <i>Musa sepintum</i> <i>Musa paradisiaca</i> |
|----------|-----|---|

۱۲۳۶ - طمره^ع: نام دیگر آن در کتاب رازی: خروع^ع

| | | |
|----------|------|----------------------------|
| الموسوعة | خروع | <i>Ricinus communis L.</i> |
|----------|------|----------------------------|

۱۲۳۷ - طَهْطَف^ع: می‌گویند نام «دُرّه» است و گویند نام غذائی است که از آن تهیه می‌شود.^ع

| | | |
|----------|-------|-------------------------------|
| الموسوعه | طَهْف | <i>Milium nigricans</i> Ruis. |
|----------|-------|-------------------------------|

۱۲۳۸ - طواره^ع: گویند نوعی «یش» است.^ع

| | | |
|----------|---------------------------------|----------------------------|
| الموسوعه | اتله سوداء، جدوار اندلسی، طواره | <i>Aconitum anthora</i> L. |
|----------|---------------------------------|----------------------------|

۱۲۳۹ - طوبه^ع: (نامی عجمی) نام دیگر آن: نزد عرب: آشتر^ع

| | | |
|----------|--|----------------------------|
| الموسوعه | أقسون، رأس الشيخ، شکاعی، طوبه، فص الحمار | <i>Onopordon acanthium</i> |
|----------|--|----------------------------|

۱۲۴۰ - طورنه شول^(۱): به گیاهانی گفته می‌شود که حرکت خورشید موجب چرخش آن‌ها می‌شود که سه نوع از این گیاهان عبارتند از: ۱ - ایلوپتروبیون با نام‌های: ایلوپتروبیون طومقرون، شحیره، تنوم، بروقیا (یعنی مفید برای دانه‌ها یا ثالیدی به نام بروقه)، عشبۃ الثالیل، عابده الشمس، مائله، ترتلی، رعی الشواھین، کوکب الارض ۲ - نوع نر آن با نام‌های: ایلوپتروبیون طوماغا، سقریون یعنی ذنب العقرب ۲ - نوع دیگر از نر آن با نام‌های: سقرابیدیداس، سقریون یعنی مشابه دم عقرب ۴ - گیاهی معروف به ابی ان یموت ۵ - گیاهی آبری با نام: طرافلون ۶ - گیاهی به نام قلنبارس یا قلنبره که گاهی به آن رعی الحمام نیز می‌گویند. (هرچند این نام گیاه دیگری از انواع طراشته است).^ش

۱۲۴۱ - طورنه لیته^(۲): دامداران بخور این گیاه را برای زیاد شدن شیر گوسفندان خود استفاده می‌کنند از اینرو به آن «ابیره» یعنی شیر گویند.^ش

۱۲۴۲ - طورنه مریطه^(۳)، طَفَّیرَه^ش: گیاهی است که به نظر عوام در سحر از آن استفاده می‌شود و به آن «نبات سحری» گفته می‌شود و زنان می‌پندارند با استفاده این گیاه هنگام ترک شوهرنشان موجب مراجعت آنان می‌شود. (شاید موجب مهر شوهرنشان شود). و دارای دو نوع است: ۱ - نوعی «لفت بری» معروف به «اشبرون» - که از گیاهان مربوط به سحر و جادو است. ۲ - نوعی خزاز الصخر (گل‌سنگ یا خزه) که بر روی سنگ‌ها بوجود می‌آید.^ش

۱۲۴۳ - طوره: نام دیگر آن: طیثومالس^ش، الطانه - نام نوع دیگر آن: درغل - بوذافان^ش

۱۲۴۴ - طوقریوس^ع، طوقریوس^ش، طوقریوس^ث: نوعی حی العالم^ث نام دیگر آن یزبه اشبیلی است.^ث - نام نوعی «کمداریوس النعنعی» است که اهالی اندلس به آن «شویه» گویند و به لاتینی «یزبه آسلی» به معنای «عشبۃ الطحال» است.^ع

| | | |
|----------|-------------------|---------------------|
| الموسوعه | طوقزیون، طیوقزیون | <i>Teucrium</i> sp. |
|----------|-------------------|---------------------|

۱۲۴۵ - طوله^ث، طوله^ث: نوعی کلخ و از ذوات الجُجم است. نام‌های دیگر آن: سفندولیون - قریطیقوس - انثار - بغصران - ترتیق - کاشم - یَغْفَر - قیطل - ارتکا - الطفرا - طفیر - بعضی از مترجمان: کَتمون الابيض^ث گویند نام «فیطل» است و بنا به گفته برخی مترجمان نام «طی» با نام یونانی «سفندولیون» است.^ع

۱۲۴۶ - طَیْرَانَه^ث، طَیْرَنَه^(۴): نام‌های دیگر آن: طشیر^ث، طشور^ث - اللقامن^ث

۱۲۴۷ - طیطان^ث: نام دیگر آن: کراث بری^ث

۱۲۴۸ - طیفی^ع: دادی^ع

طیفی (*Tuphe*): نوعی «حَلَفَاء» معروف [این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۱۲]

| | | |
|----------|------|---------------------------|
| دیسکورید | طیفی | <i>Typha latifolia</i> L. |
|----------|------|---------------------------|

۱۲۴۹ - طیلانیون^ع:

| | | |
|--|---|-------------|
| <i>Anacyclus pyrethrum DC.</i> <i>Anthemis pyrethrum L.</i> | عاقرقرا | ز، پ، خ، ط. |
| <i>Anacyclus pyrethrum DC.</i> | عاقِر قَرَحَا، عود القرح | الموسوعة |
| <i>Anacyclus pyrethrum DC.</i> | Sanskrit: Akara-karava - Hendia & Bengal & Bombay: Akarakara - Madras: Akkirakaram | GLO.IN. |

۱۲۶۰ - عاقول: نام دیگر آن: شوكة الجمال^۱

| | | |
|---|---|----------|
| <i>Alhagi mannifera Desv.</i> <i>Alhagi maurorum</i> | عاقول، حاج، زَنْجَبِيل الْعَجَم، أَشْتَرخار | الموسوعة |
|---|---|----------|

۱۲۶۱ - عِبَّ، عِبَب: نام‌های دیگر آن: قاهره: كَاكُنْج^۲ - حب اللهو^(۱) - میوه کاکنج^۳
 ۱۲۶۲ - عَبْهَر، عِبْهَر، نرجس: نام‌های دیگر آن: نرجس^۴ - عَبْهَر^۵ - اهالی شام: شجر اللُّبْنی^۶ - شجر الأَصْطَرَك^۷ -
 شجرة النبی (ص)، اَصْطَرَك^۸ ؟

| | | |
|---|-------------|----------|
| <i>Narcissus tazetta L.</i> <i>Narcissus poeticus L.</i> | نرجس - عبهر | زریاب |
| <i>Leucoium sp.</i> | عبهر | الموسوعة |

۱۲۶۳ - عَبْثَرَان، عبوثران^۹، عِبْثَرَان: نام‌های دیگر آن: عبوثران^{۱۰} - هندی: دانه، داونه مروا، شجره مریم، بخور مریم^{۱۱}

| | | |
|--|---|----------|
| <i>Artemisia judaica</i> <i>Alhagi maurorum</i> | شیخ اليهودية، شَيْحَان، عَبْثَرَان، عبوثران، بَخْثَرَان | الموسوعة |
|--|---|----------|

۱۲۶۴ - عُمَم، عُمَم^(۲)، عَمَم، زَغْبِج^{۱۲}: نام‌های دیگر آن: زیتون الجبلی^{۱۳}، زیتون کوهی^{۱۴} - میوه: زَبُوج^{۱۵} - یونانی: فیلورا^{۱۶}
 فیلورا (*Philura*): ابن وافد - رحمه الله - بر این گمان است که آن نام «شجر المَحْلَب» است و ابن حَسَّان آن را «شجرة العُثم»
 که دانه ای به نام «زَغْبِج» دارد می داند ولی هر دو نظر خالی از اشکال نیست. [ابن بطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۹۸ و ۱۰۷]

| | | |
|--|----------------------------------|----------|
| <i>Olea oleaster L.</i> <i>Phillyrea latifolia L.</i> | عتم | زریاب |
| <i>Phillyrea latifolia L.</i> | فیلورا | دیسکورید |
| <i>Olea oleaster L.</i> | الآغریا - زیتون بری - عتم - زغبج | دیسکورید |

۱۲۶۵ - عَثَرَب^(۳): گروهی به آنرا نام «سَمَّاق» دانسته‌اند.^{۱۷}
 ۱۲۶۶ - عَثَق، عَثَق^{۱۸}، عَثَق: نام‌های دیگر آن: عَثَر^{۱۹}

۱- الموسوعة: «عب» در کتاب لسان به دانه «کاکنج» و «عنب الثعلب» و «شجرة الرء» گفته شده و از نظر ابوحنیفه نام درختی از انواع «افلات» است.

۲- به زیتون رجوع شود.

۳- الموسوعة: ابوحنیفه: درختی در اندازه مشابه درخت «انار» و با برگی قرمز مشابه «ترشک» ابتدا بر روی آن ترق علیه بطون الماشیة؟ و سپس گوستی بر آن بسته می‌شود و دارای خوشه‌های قرمز رنگ است و دانه‌ای چون دانه «ترشک» دارد.

| | | |
|------------------------------|---|----------|
| <i>Buxus sempervirens L.</i> | عُثْق، عَثر | زریاب |
| <i>Buxus sempervirens L.</i> | عُثْق، بَقَس دائم الخضره، شَمشاد أخضر، شَمشیر | الموسوعه |

۱۲۶۷ - عجمه^۴: «ابن بیطار» می گوید: بنا به نظر «غافقی» گیاهی است با نام بربری «تاغیغشت» و با نام «قولیّه»، ولی هنگام بررسی آن، مشخصات گیاه «مُسْتَعَجَله» را ذکر می کند و از منافع «قولیّه» غافل می شود البته او در اینجا اشتباه کرده زیرا «قولیّه» گیاهی با نام یونانی «سپروثیون» است و آن غیر از «مستعجله» است.^۵

۱۲۶۸ - عدس^۴، بلسن^۴، عدس^۴، بلسن^۴، عدس^۴، بلسن^۴، عدس^۴، بلسن^۴: نام های دیگر آن: عدس^۴ - یمن: ملس^۴ - فارسی: نشک^۴، مرجومک^۴، نرسک^۴ - هندی: مَسور^۴ - نام های نوع بستانی آن: شوخدانه^۴ - بنگالی: اکری^۴ - رومی: فکی^۴ - مکه: بُلْسُن^۴ - سجزی: شِر^۴، عَلس^۴، بُلْسُن^۴

فاقوس (*Phakos*): عدس المأكول (عدس خوراکی) - عربی: بُلْسُن [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورد) ۲ - ۹۹]

| | | |
|------------------------------|-----------|-----------|
| <i>Lens esculenta Mo.</i> | عدس | ز،خ،ال،پ. |
| <i>Lens culinaris Medic.</i> | بلسن، عدس | طباطبائی |

۱۲۶۹ - عدس الماء^۴، عدس الماء^۴: نام دیگر آن: طحلب^۴ - «صاحب منهاج» گوید «برسیاوشان» است و صاحب جامع گوید «طحلب» است.^۵

| | | |
|------------------|-----------|----------|
| <i>Lemna sp.</i> | عدس الماء | الموسوعه |
|------------------|-----------|----------|

۱۲۷۰ - عدس المَر^۴: نام های دیگر آن: یونانی: سفارغانیون^۴ - سوسن بری^۴

| | | |
|----------------------|------------------------|----------|
| <i>Hedysarum sp.</i> | أیدصارون، فأس، عدس مَر | الموسوعه |
|----------------------|------------------------|----------|

۱۲۷۱ - عدس نبطی^۴:

۱۲۷۲ - عُدَيْسَة^{(۱)۴}: نام های دیگر آن: اندلس: مروشه^۴ - مزوده^۴

۱۲۷۳ - عُدْبَة^۴: (نامی مصری) نام میوه «أثل» است.^۴

۱۲۷۴ - عرصف^۴: گویند نام «کمافیطوس» است.^۴

| | | |
|-----------------------------|------------------------------|----------|
| <i>Ajuga sp.</i> | عَرَصَف | الموسوعه |
| <i>Ajuga chamaepitys L.</i> | کمافیطوس، عَرَصَف صَنْبُورِي | الموسوعه |

۱۲۷۵ - عَرَصَم^۴، عَرَصَم^۴: نامی یمنی است. نام های دیگر آن: باذنجان بری^۴ - حَذَق^۴

| | | |
|-------------------------|---------|----------|
| <i>Streptosolen sp.</i> | عَرَصَم | الموسوعه |
|-------------------------|---------|----------|

۱۲۷۶ - عَرَطِيْنَة، عَرَطِيْنَة^۴: به «بخور مریم» و همچنین به گیاهی در شام با نام «مهد» که در ساحل غزه می روید، گویند و برخی آن را «علج» می نامند و نزد اهالی مشرق به «قبلی» معروف است و با آن لباس های پشمی خود را می شویند.^۴

| | | |
|----------|---|----------------------|
| الموسوعه | عَرَطَيْثَا، سَكَّع، بخورمریم، زَهْر المَسِيح، وَكْف، خُبْز المَشَايخ، بَقْلَامْس، رَقْفَه | <i>Cyclamen spp.</i> |
| طباطبائی | عَرَطَيْثَا | <i>Cyclamen spp.</i> |

۱۲۷۷ - عَرَعَر، عَرَعَر، عَرَعَر، عَرَعَر، حب العرعر، طرفاء الهندی^{۱۰}: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: فارسی: سرو کوهی^{۱۱}، اُبرس^{۱۲} - شیرازی: وهل^{۱۳} - سریانی: سروبیاجبلا^{۱۴} - رومی: قرونوس^{۱۵} - یونانی: ثمارون^{۱۶}، اروس^{۱۷}، سرونمارون^{۱۸} - بربری: طاگگ^{۱۹}
 أرقوش (Arkeuthos: عَرَعَر [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۷۵]

| | | |
|-----------|------------|------------------------------|
| دی. - خط. | عرعر | <i>Juniperus communis L.</i> |
| الموسوعه | شیزی، عرعر | <i>Juniperus sp.</i> |
| طباطبائی | عرعر | <i>Juniperus oxycedrus</i> |
| EN. | عرعر | <i>Juniperus vulgaris</i> |

۱۲۷۸ - عرف^{۲۰}: نام‌های دیگر آن: نزدیک اهل مغرب: خوص و دوم^{۲۱}
 ۱۲۷۹ - عرفج بری^{۲۲}: نام دیگر آن: عمون^{۲۳}
 ۱۲۸۰ - عَرَفُط^{۲۴}:

| | | |
|----------|---------|---|
| زریاب | عرفط | <i>Mimosa oerfota Fork.</i> <i>Acacia oerfota (Forsk.)Sch.</i> |
| الموسوعه | عَرَفُط | <i>Acacia oerfota (Forsk.)Sch.</i> |

۱۲۸۱ - عَرَفُصَاء^{۲۵}: گروهی آن را گیاهی که در اندلس به نام «یربطوره» است می‌دانند ولی ابو حنیفه آن را «حَنْدَقُوقی» می‌داند.^{۲۶}
 ۱۲۸۲ - عروق الصبغین^{۲۷}، عروق الصبغین^{۲۸}: نام‌های دیگر آن: بقلة الخطاطیف^{۲۹}، فوه الصباغین^{۳۰} یا عروق الصفرة^{۳۱} - نام گیاه در کتاب دیسکورید: خالیدونیون طوماغا^{۳۲} دارای دو نوع است، نوع بزرگ آن به فارسی «زردجوبه» و به عربی «هَرْد» نام دارد برخی پنداشته‌اند «كَرْكُم الصغیر» است و یا گمان کرده‌اند نام «مامیران» است.^{۳۳}

| | | |
|----------|--|--------------------------|
| الموسوعه | عروق الصبغین، عروق الصفرة، بقلة الخطاطیف، میمران | <i>Chelidonium majus</i> |
|----------|--|--------------------------|

۱۲۸۳ - عروق الصفرة^{۳۴}، عروق الصفرة^{۳۵}، عروق الصفرة^{۳۶}، عروق الصفرة^{۳۷}، خالیدونیون^{۳۸}، بقلة الخطاطیف^{۳۹}، شجرة الخطاطیف^{۴۰}، بقلة الخطاطیف^{۴۱}: نام‌های دیگر آن: زرجوبک^{۴۲} - عروق الزعفران^{۴۳}، حشیشه الصفرا^{۴۴}، عروق الصباغین^{۴۵} - عربی: بردرده^{۴۶}، بقلة الخطاطیف^{۴۷} - یونانی: خالیدونیون^{۴۸}، خلدانیون^{۴۹}، طوماغا^{۵۰} - رومی: کالیدونیون^{۵۱} - فارسی: زرجوبه^{۵۲}، زرد جوبه^{۵۳} - هندی: هلدی^{۵۴} - روالحطافی^{۵۵} - دو نوع دارد نام نوع کوچک آن «مامیران» است.^{۵۶}
 خالیدونیون طوماغا (*Khelidonium to mega*): گویند نام «كَرْكُم» است ولی این صحیح به نظر نمی‌رسد و «طوماغا» به معنای بزرگ است و برگردان این نام به عربی «دواء الخطاطیف» است.
 خالیدونیون طومقرن (*K. to mikron*): گویند نام «مامیران» است ولی این صحیح به نظر نمی‌رسد. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۶۲ و ۱۶۳]

| | | |
|----------|------------|-----------------------------|
| دیسکورید | خالیدونیون | <i>Chelidonium majus L.</i> |
|----------|------------|-----------------------------|

| | | |
|-----------------------------|--------------------|----------|
| <i>Chelidonium majus L.</i> | خالدونیون - زرجوبک | زریاب |
| <i>Curcuma longa</i> | عروق الصفر | طباطبائی |

- ۱۲۸۴ - عزیز الکبیر یا عزیز الکبیر: نام های دیگر آن: قنطوریون غلیظ^۲
 ۱۲۸۵ - عزیز الصغیر یا عزیز الصغیر: نام های دیگر آن: قنطوریون دقیق^۲
 ۱۲۸۶ - عَشْبَةُ السَّبَاعِ^۳:

| | | |
|---|---|----------|
| <i>Daphne tartonrarira L.</i> <i>Thymelaea tartonraira Endl.</i> | کَرْد، عَشْبَةُ السَّبْع، دَفْنَةُ قَاتِلَة | الموسوعة |
|---|---|----------|

- ۱۲۸۷ - عَشْبَةُ مغریه: نامی برگرفته از وجه تسمیه آن زیرا ابتدا اهل مغرب از آن اطلاع یافتند و سپس در سایر شهر ها شناخته شد. - نام های دیگر آن: مغرب: عَشْبَةُ النار (زیرا تند است) - هندی: رس - رومی: سرینه - فرنگی: اسفرینه^۴

| | | |
|-------------------------------|------|-------|
| <i>Smilax sarsaparilla L.</i> | عشبه | پارسا |
|-------------------------------|------|-------|

- ۱۲۸۸ - عَشْرٌ، عَشْرٌ، عَشْرٌ، عَشْرٌ، عَشْرٌ: درختی اعرابی - یمانی - و از یتوعاتست. و ثمر وی را «خریع» خوانند. نام های دیگر آن: عربی: عشار - یونانی: حجاجیوس - فارسی: خرل، درخت زهرناک - هندی: آک، اکون، مدارا - جالینوس: تی سمیل - دیودار - "احمد بن داود" می گوید: «عشر» از انواع «عِضاه» است.^۵

| | | |
|--|-------|----------|
| <i>Calotropis sp.</i> <i>Calotropis procera R.Br.</i> | عُشْر | الموسوعة |
| <i>Asclepias gigantea R.Br.</i> <i>Calotropis procera R.Br.</i> | عُشْر | زریاب |
| <i>Asclepias cynanchoides Humb.</i> | عُشْر | EN. |

- ۱۲۸۹ - عَشْرَق، عَشْرَق، عَشْرَق، عَشْرَق: نام های دیگر آن: یونانی: قرحا، مرفوران - اهل حجاز: سنای عریض الورق، سنامکی - سندی: قشوقی، قوال سریسی - بزرالمرو^۶
 قَرَقَا (*Kirkaia*): ابن حسان آن را با نام لاتینی «یُنْکَه» معرفی می کند و من - ابن بیطار - خود آن را دیده ام ولی به غیر از این نام، نام دیگری برای آن نمی شناسم. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۱۴]

| | | |
|---|------------------|----------|
| <i>Circaea spp.</i> | قرقا - ینکه | دیسکورید |
| <i>Circaea lutetiana</i> | أبوسلام، عَشْرَق | الموسوعة |
| <i>Cassia obeovata Coll.</i> <i>Cassia sophera L.</i> <i>Circaea lutetiana L.</i> | عشرق - سنای مکی | زریاب |
| <i>Cassia tora L.</i> <i>Cassia sophera L.</i> <i>Circaea lutetiana L.</i> | عشرق | طباطبائی |

۱۲۹۰ - عشق الصبیان^۴، عشر الصبیان^۵:

| | | |
|----------|-------------|--|
| طباطبائی | عشر الصبیان | <i>Eryngium coeruleum</i> <i>Eryngium creticum</i> L. |
|----------|-------------|--|

۱۲۹۱ - عَشَقَه: نام‌های دیگر آن: فارسی: اخفاک؛ تال شال^۶ - هندی: چاندریل^۷

| | | |
|----------|---------|-------------------|
| الموسوعه | عَشَقَه | <i>Hedera</i> sp. |
|----------|---------|-------------------|

۱۲۹۲ - عَصْفَر^۸، عَصْفَر^۹، عَصْفَر^{۱۰}، بَهْرَم^{۱۱}، مُرِيق^{۱۲}، بهرمان^{۱۳}، حب العصفَر^{۱۴}، خریع^{۱۵}، مریق^{۱۶}، نقد^{۱۷}: نام‌های دیگر آن: فارسی: خسق^{۱۸} - اصفهانی: گل کاوشه^{۱۹}، رنگ زعفران^{۲۰} - ابوحنیفه: عصفَر^{۲۱} - هندی: کُسْتَب^{۲۲}، بهرمان^{۲۳}، ثوب مَبْهَرَم^{۲۴} - خریع^{۲۵}، بهرامج^{۲۶} - همدان: کاجیره^{۲۷} - سجزی: یَلَم^{۲۸}، شَورَان^{۲۹}، سُیُونک^{۳۰} - اخریض^{۳۱} - نام گیاه در کتاب جالینوس: اطراقتولیس^{۳۲} - بنا به قول حمزه: «بهرامه» نام گل آن و «هَسک» نام گیاه آن است و «قرطم هسک» و «هسک توم» نام دانه و نام دیگر آن «کافیشه» است.^{۳۳} - نام دانه: قرطم^{۳۴} - دارای دو نوع بری و بستانی است.^{۳۵}

«عصفَر» معرب «هُسْكَفَر» است و آب آن «هسک آقه» که همان «عندم» است.^{۳۶} صاحب مفرده گوید نوعی «حشرف» است که به زبان بربری به آن «بانقیب» گویند.^{۳۷}

أَطْرَقُطُولُس (Atraktulis): نام «عُصْفَرُالْبَری» است و به لاتینی به آن «مَرْزُجُون» گویند. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۸۸]

| | | |
|----------|---|---------------------------------|
| دیسکورید | أَطْرَقُطُولُس - عَصْفَرُالْبَری - مرزجون | <i>Charthamus lanatus</i> L. |
| زر - طب. | عصفَر | <i>Charthamus tinctorius</i> L. |
| پارسا | گل کافیشه - تخم کاجیره - قرطم | <i>Charthamus tinctorius</i> L. |
| الموسوعه | قُرْطُم الصَّبَاغین، تریاض، عُصْفَر | <i>Charthamus tinctorius</i> L. |

۱۲۹۳ - عَصَصِ الرَّاعِی^{۳۸}، عَصَا الرَّاعِی^{۳۹}، عَصَا الرَّاعِی^{۴۰} (نامی عربی)، بَطْبَاط^{۴۱}، برشیان دار^{۴۲}؟ دارای دو نوع نر و ماده است.^{۴۳} - نام‌های دیگر آن: لاتینی: بسباث بلی کوئیم^{۴۴} - بربری: رستنی نودیه^{۴۵}، کوری زوله^{۴۶} - عربی: عَصَا الرَّاعِی^{۴۷} - یونانی: طباط^{۴۸}، بلغوثیون برمندار^{۴۹} - سریانی: شطبانی فلوعرین^{۵۰}، باقریقی خنجر^{۵۱}، حطری راعیا^{۵۲} - فارسی: برشیان دارو^{۵۳}، برسیاج دارو^{۵۴}، برسیان دارو^{۵۵}، هزار بندک^{۵۶}، صذیوند^{۵۷}، وئی ایزه^{۵۸} - شیرازی: کسته^{۵۹}، سرخ فرد^{۶۰} - یزدی: سلم سرخ^{۶۱} - هندی: لال ساک^{۶۲}، راج کیری^{۶۳}، عصای موسی^{۶۴} - بستی: دیوزوان^{۶۵} - بَطْبَاط^{۶۶} - «غسانی» می‌گوید: دارای چهار نوع با شکل‌های مختلف و خواص مشابه است نام نوعی از آن در فاس «بوعقَاد» است. نام نوع دوم آن - که نوع ماده آنست - «مزمار الراعی» و نوع سوم آن «اذناب الخیل» و نوع چهارم آن «اذن الوطاط» است.^{۶۷}

بُلُوغُونُ (Polugonon arren) hyu: برگردان «اَزَن» به عربی «ذَکَر» (نر) است. نام گیاه «عَصَا الرَّاعِی» است و گویند به سریانی به آن «شَبْطَاط»، «خطری دَعِیا» و «بَطْبَاط» گویند.

بُلُوغُونُ (Polugonon thelu): نوع دوم «عَصَا الرَّاعِی» با گره‌های بسیار «کثیر العُقَد» است.

فلوغوناتُن (Polugonaton): نامی است که جالینوس در مقاله هشتم به آن اشاره کرده است و ابن حسان نام لاتینی آن را «عُوْدَیَالَه» (Corrigiola) می‌داند ولی من - ابن بیطار - آن را نمی‌شناسم. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۵ و ۶]

| | | |
|----------|------------------------------|---|
| دیسکورید | بلوغانن - عصا الراعی - بطباط | <i>Polygonum aviculare</i> L. <i>Cephalaria pilosa</i> Schr. |
| دیسکورید | بلوغانن - عصا الراعی | <i>Equisetum pallidum</i> L. |

| | | |
|--|---|----------|
| <i>Polygonatum officinale L.</i> | فلوگاناطن - غوذیاله | دیسکورید |
| <i>Polygoum sp.</i> | قَرْدَب، عَصَا الرَّاعِي | الموسوعة |
| <i>Polygonum aviculare L.</i> | عَصَا الرَّاعِي - بَطَاط - صَذِیْبُونَد | زریاب |
| <i>Polygonum aviculare L.</i> <i>Polygonum amphibium L.</i> | عَصَا الرَّاعِي | طباطبانی |
| <i>Polygonum aviculare L.</i> | عَصَا الرَّاعِي | خطابی |
| <i>Equisetum arvensi</i> <i>Polygonum amphibium</i> | عَصَا الرَّاعِي - ذَنْب الْخَيْل | خطابی |
| <i>Polygonum equiestiforme Sibth.</i> | عَصَا الرَّاعِي | EN. |

۱۲۹۴ - عَصِيفَرَة^۱، عَصِيفَرَه^۲: نام دیگر آن: در بغداد و موصل: خیری با گل زرد^۳

| | | |
|--|--------------------------------|----------|
| <i>Impatiens balsamina L.</i> <i>Balsamina hortensis L.</i> | بَها، عَصِیْفِیرَة، مِیْخَرَاة | الموسوعة |
|--|--------------------------------|----------|

۱۲۹۵ - عَضْرَس^(۱): می گویند نام «ختمی بری» معروف به «شَحْم المَرْج» است.^۲
 ۱۲۹۶ - عِظْلَم^۳، عِظْلَم^۴، عِظْلَم^۵: نام های دیگر آن: نیل^۶، وَشْمَة الذَّكْر^۷ - نام عصاره خشک شده آن «نیلج» و «سُدوس» است.^۸ گیاهی است که از آن «نیلج» گرفته می شود و بعضی دانشمندان ما آن را «وَسْمَة» نامیده اند.^۹
 أساطیس اُغْرِیا (*Isatis agria*): نام «نیل البری» است و نزد گیاهشناسان معروف و شناخته شده است.
 أساطیس (*Isatis*): نام های دیگر آن عبارتست از: نیل - نیلج - طین الأخضر - عین الأخضر [ابن بطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۶۵]

| | | |
|--|---|----------|
| <i>Isatis tinctoria L.</i> <i>Indigofera tinctoria L.</i> | عظلم | زر-طبا. |
| <i>Isatis tinctoria L.</i> | أساطیس، نیل، نیلج، طین الأخضر، عین الأخضر | دیسکورید |
| <i>Isatis sp.</i> | وَسْمَة، وَشْمَة، عِظْلَم | الموسوعة |

۱۲۹۷ - عَفَار^۱، عَفَار^(۲): گروهی آن را میوه «قاتل ایبه» دانسته اند ولی مشخصات «عفار» با «قاتل ایبه» متفاوت است. نام دیگر آن بنا به گفته ابو حنیفه «جَاء الْأَحْمَر» است و گویند نام «مرخ» است.^۳

| | | |
|-------------------------|------|-------|
| <i>Arbutus unedo L.</i> | عفار | زریاب |
|-------------------------|------|-------|

۱۲۹۸ - عَفْص^۱، عَفْص^۲، عَفْص^۳، عَفْص^۴، عَفْص^۵: نام های دیگر آن: قیقیدیس^۶ - رومی: قیسوس^۷ - یونانی: ققیس^۸ - سریانی: افصی^۹، میشی^{۱۰} - جالینوس: ققیس^{۱۱} - فارسی: مازو^{۱۲} - ترمذی: سکفس^{۱۳} - بخاریه: سکوک^{۱۴}، مازن شیر^{۱۵} - شیره آن «بسباس» نام دارد.^{۱۶} سبز آن بهترین است و بی سوراخ است و آن را «نعاقلیس» خوانند و آن غوره بود.^{۱۷}
 قَقِیس (*Kekis*): نام «عَفْص» و بنا به بعضی از تفاسیر نام «قُشْف» است که به لاتینی به آن «جُولَه» (*Galla*) گویند. [ابن بطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۰۹]

۱- الموسوعة: نام «خطمی مخزنی» (ختمی داروئی) است که گل آن قرمز رنگ است و پوره حیواناتی را که از آن می خورد به رنگ سیاه می شود.

۲- الموسوعة: ابو حنیفه: بعضی از اعراب مرا مطلع ساخته اند که گیاهی است مشابه «غیراء» با گلی مشابه با گل آن و آن درختی است خار دار و لذلك جاد للزناد؟

| | | |
|--|----------------------------|-------------|
| <i>Quercus lustanica</i> Lam. | قیس - عقص - قشف - جوله | دیسکورید |
| <i>Quercus infectpria</i> Olivier | مازو - انار - مایفلا (هند) | پارسا |
| <i>Quercus lustanica</i> var. <i>tauricola</i> | مازوی بصره | پارسا |
| <i>Quercus</i> sp. | مازوی تیغ دار - زیاش ماشی | پارسا |
| <i>Quercus lustanica</i> Lam. <i>Cynips gallaeturciae</i> Hart. | عقص - قیس - مازو - قیسوس | زریاب |
| <i>Quercus lustanica</i> Lam. <i>Thuya orientalis</i> | عقص | زر. - طبّا. |
| <i>Quercus ilex</i> L. | عقص | خطابی |

۱۲۹۹ - عَقَار^(۱):

| | | |
|-----------------------------|------|-------|
| <i>Urtica pilulifera</i> L. | عقار | زریاب |
|-----------------------------|------|-------|

۱۳۰۰ - عَقِیْفَاء^۱:۱۳۰۱ - عَکْرَب^۱: نوعی حَرَشَف بری^۱

۱۳۰۲ - عَکْرَش^۱، عَکْرَش^۲: نام‌های دیگر آن: شَجَرِ الْکَلْب^۱، حَسْک الْفِرَاح^۱ - سَجْزِی: بُثُو^۱ - ثیل^۱، نَجْمه^۱ - حِجَاز: بَکْرَش^۲ گروهِی آن را همان «ثیل» دانسته‌اند و برخی گفته‌اند «قصبی» نوعی از آنست و برخی دیگر آن را نوعی «عَکْرَش» دانسته‌اند.^۲ [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۲۷: به ثیل رجوع شود]

| | | |
|---|---------------------------------------|----------|
| <i>Agropyrum repens</i> Be. | أغرسطس، نجم، نجیل، نجیر، عَکْرَش، ثیل | دیسکورید |
| <i>Festuca</i> sp. | عَکْرَش | الموسوعه |
| <i>Agropyrum repens</i> Be. <i>Aeluropus littoralis</i> Ga. <i>Aeluropus repens</i> De. | عَکْرَش - ثیل - نجمه | زریاب |
| <i>Agropyrum repens</i> Be. <i>Festuca altissima</i> Boiss. | عَکْرَش | طباطبائی |

۱۳۰۳ - عَکْنَه^۱، عَکْنَه^۲: (نامی بربری) نوع دقیق - نازک - «سورنجان» است.^۱ نام‌های دیگر آن: لَبَة البربرية^۱ - سورنجان^۲ - مصر: عَکْنَه^۲ - اندلس: سورنجان الدقیق^۲

| | | |
|---------------------------|------------------------------------|----------|
| <i>Colchicum montanum</i> | سورنجان الجبل، فُوج الأرض، عَکْنَه | الموسوعه |
|---------------------------|------------------------------------|----------|

۱۳۰۴ - عَلْت^(۲): نام‌های دیگر آن: یونانی: خندریلی^۲۱۳۰۵ - عَلْجَان^۲: (نام عربی در آفریقا) نام‌های دیگر آن: قَزَاح^۲

۱- الموسوعة: اللسان: گیاهی علفی است که به اندازه نصف قامت رشد پیدا می‌کند و میوه آن چون فندق است و مزه‌ای بسیار تلخ (معضّ) دارد و آن را هیچ موجودی نمی‌خورد حتی سگ و هرگاه به آن لب رند عو عو می‌کند و عقار را «ناعمة» نیز نامیده‌اند و ناعمة زنی است که آن را پخته و با خوردن آن گشته شده است.

۲- الموسوعة: اللسان: «طرفاء» و «حاج» و «ینوت» و «عَکْرَش» همگی نوعی «عَلْت» هستند. ج: أعلات

| | | |
|--|-----------------|----------|
| <i>Arundinaria sp.</i> <i>Silybum marianum</i> Gae. | عَلْجَان، عَلْج | الموسوعة |
|--|-----------------|----------|

۱۳۰۶ - عَلسٌ، زَأَاءٌ، عَلسٌ: نام‌های دیگر آن: فارسی: گندم مکّه - عجمی اندلس: أشقالیه - علس - زَأَا (Zea): نام‌های آن عبارتست از: عربی: کَئیب، اندلسی: عَلس - لاتینی: اُشکالیه (Secale) - «جلبان» دانستن آن اشتباه است. أولیرا (Olura): دانه ای از جنس «زَأَا» ست و نوع دوم آن با نام‌های «عَلس» و «کَئیب» است. [این بیطار] در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ ۷۵

| | | |
|--------------------------------|----------------------------|----------|
| <i>Triticum monococcum</i> L. | زآا - علس - كنيب - أشكاليه | ديسكوريد |
| <i>Triticum dicoccum</i> Schr. | | |

۱۳۰۷ - علقم،^۷ علقم: نام دیگر آن: قثاء الحمار^۸ - ابوحنیفه گوید: نام «حنظل» و نام هر گیاه تلخی است.^۹ گویند «قثاء الحمار» است و گویند «حنظل» است و هر چه تلخ باشد آن را «علقم» خوانند.^{۱۰}

۱۲۰۸ - علیجان، قراح: نباتی مانند «رازیانه» است که گوسفند و خر آن را می‌خورند و مؤلف گوید آن را به شیرازی «که» گویند.
 ۱۳۰۹ - عَلَیقْ، عَلِیقْ، عَلِیقْ، عَلِیقْ، توت وحشی، توت وحشی: نوعی از آن «علیق الکلب» است و «عوسج» هم
 نوعی از «علیق» است. نام‌های دیگر آن: توت العلیق - جرجان: تمش - یونانی: باطس، ناطس - رومی: روس،
 سایر - فارسی: وزد، در، کیهه - باطوس - شیرازی: توت سه گل - دیلم: تموش - ترکی: بکوزتیکان -
 عَلِیقْ - نام میوه آن به فارسی: اَلْدِر دارای دو نوع جبلی و غیر جبلی است نام یونانی نوع غیرجبلی آن
 «ساز ساهوره» است.

باطس الوحشی (Batos): گیاه خاردار مشهوری است که اهالی اندلس و اهالی مغرب به آن «علیق» گویند و میوه آن به نام «توت» است و به بربری به آن «ثائقا» و به لاتینی «أرجه» گویند.

باطس ایدنا (Batos idaira): به معنای روئیدن آن در محل «آیدی» و آن کوهی است در شهرهای روم و نوعی از «عَلِیق» باشد که خار ندارد. [این پستار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۳۳ - ۳۴]

| | | |
|------------------------------|---|--------------|
| <i>Rubus fruticosus L.</i> | باطس، علیق، توت وحشی، ثابقا، أُرجه | دیسکورید |
| <i>Rubus Idaeus L.</i> | باطس آیدا - نوعی از علیق | دیسکورید |
| <i>Rubus sanctus Schreb.</i> | توت سه گل - تموش - بخورتیگان - لام - تندل - کرتیف - تمشک | پارسا |
| <i>Rubus sp.</i> | عُوشج، عُلیق، بَاطس، شُوکَل | الموسوعه |
| <i>Rubus fruticosus L.</i> | علیق | ز. - خ. - ط. |
| <i>Rubus fruticosus L.</i> | علیق اسود | EN. |
| <i>Rubus idaeus L.</i> | علیق احمر | EN. |

۱۳۱۰ «عَنْاب»؛ عَنْابٌ، عَنْابٌ، عَنْابٌ، زَفِيفٌ^۴ (نامی اندلسی): نام دیگر آن به سریانی «زیزوفی» است. «غسانی» می‌گوید: دارای انواع فراوانی از قبیل بری، بستانی، قرمز و سفید است و منظور در اینجا نوع احمر آن می‌باشد و در شهر فاس رویش بسیاری دارد و عوام به آن «زفروف» گویند. نوع سفید آن که از گیاهان نواحی مغرب نبوده و در خراسان و شام و مصر می‌روید و به نام «عَنْاب الایض» و «ازادرخت» معروف است، محل اصلی رویش آن در شهرهای فارس بوده و در آنجا دارای سموم کشنده‌ای بوده که با انتقال آن به مکان‌های دیگر حالت سمی خود را از دست داده است و عرب آن را «لَبَنَ» می‌نامد.^۵ «ابن بیطار» در کتاب عمدة الطیب فی معرفة النبات می‌گوید: «عَنْاب» درختی با انواع فراوان از جمله بری، بستانی، سفید، و قرمز است، نام نوع سفید آن «ازادرخت» است و قرمز آن پنج نوع دارد، یکی از آن با نام «أملیسی» و دیگری «جبلی» و نوع دیگر آن «شوکی» با نام عربی «أشکل» و نوع

چهارم «برجین» و نوع آخر آن «سدر» با نام یونانی «فلورس» و نام عجمی «شفلیش» و نام عربی «عُتاب» است. نام دیگر آن مربوط به نوع بری یعنی «زفیزف» و «نبق» است که معروف به «خرز الملوک» می‌باشد. در کتاب صیدنه «عُتاب» با نام یونانی «زیزوفی» آمده است.^۴ [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۹۴: به «سدر» رجوع شود.]

| | | |
|---|---------------|----------|
| <i>Zizyphus vulgaris L.</i> | عُتاب | پارسا |
| <i>Zizyphus jujuba Lam.</i> | عُتاب | طباطبائی |
| <i>Zizyphus sativa G. Syn: Z. vulgaris L.</i> | Bombay: Unnab | GLO.IN. |
| <i>Zizyphus sativus Gae.</i> <i>Rhamnus zizyphus L.</i> | عُتاب | زریاب |
| <i>Zizyphus sativus Gae.</i> | عُتاب | خطابی |
| <i>Zizyphus sativa Gae.</i> <i>Zizyphus vulgaris L.</i> <i>Rhamnus zizyphus</i> | عُتاب | الموسوعه |
| <i>Zizyphus vulgaris L.</i> | عُتاب | EN. |

۱۳۱۱ - عُتاب: (گیاهی هندی)

| | | |
|----------------------------|--|----------|
| <i>Mangifera indica L.</i> | أنج، مَنغا، مَنجا، مَنجو، مَنجو، عُتاب | الموسوعه |
| <i>Mangifera indica L.</i> | Hendia & Bombay: Am, Amb | GLO.IN. |

۱۳۱۲ - عُتاب: عُنب خمری، عُنب، عُنب، عُنب، عُنب: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: فارسی: انگور^۵ - ترکی: اوزم - هندی: داک - رومی: اصطفیذه^۶
زرجون^۷: نام «کرم» است و گویند نام چوب آنست و همچنین گفته شده نام باران ریخته بر (مستنقع) بر روی صخره هاست.^۸

| | | |
|--------------------------|---------------------------------|--------------|
| <i>Vitis vinifera L.</i> | عُنب خمری | ز. - خ. - ط. |
| <i>Vitis vinifera L.</i> | کُرمَةُ العُنب، کُرمَةُ عنبیة | الموسوعه |
| <i>Vitis vinifera L.</i> | Hendia & Punjab & Bengal: Angur | GLO.IN. |

۱۳۱۳ - عُنب الثعلب: عُنب الثعلب، عُنب الثعلب، عُنب الثعلب، عُنب الثعلب، عُنب الثعلب، رُوباه، رُوباه، رُوباه، ثلثان، حب الفنا، لما: نام‌های دیگر آن: فارسی: رُوباه تربک، رُوباه تورک (به معنای انگور رُوباه)، شکر انگور رُوباه، رُوباه رُوباه، سگ انگور - ترکی: قوش اوزی - دیسکورید: اطزوخیوس - سندی: قواد - عُنب الثعلب - زابلی: سگ انگور - سجزی: کنکروزی - عربی: فنا - اصفهانی: تاج ریزی - هندی: مکوی و مکوی، کاک ماجهی - بنگالی: کال ماجهی، کُستی - لاتینی: سلاطم - بربری: مزابله، بکسیتلان از مور - طولیدون - دربرق - ثلثان - فاس: عُنب الذیْب، ابی مقینة - دارای پایه های نر و ماده و دارای انواع بستانی، جبلی و بری است: نام‌های نوع نر بستانی آن: کاکنج - اهل مغرب: حب اللهو - نام‌های نوع ماده آن: عُنب الثعلب - اهل مغرب: قناد - نام‌های نوع جبلی نر آن نزد اهل مغرب: کاکنج غالیه، کاکنج منوم - نام نوع ماده بری: عُنب الثعلب مخین - نوع بستانی به عربی به نام «فنا» و «برنوف» و «بلبان» است و عامه اندلس به آن «عُنب الذیْب» گویند. و نوع نر به نام «کاکنج» با دو نوع بستانی و بری جبلی است، که بستانی آن در اندلس به «حب اللهو» معروف و دیگری به «عُنب» مشهور است و مردم اندلس آن را به نام «غالبه» می‌شناسند.^۹

سُطْرُوخْنُ البِستانی (*Strukhnon kepaion*): گیاه معروف به «عَنْبُ الثَّعْلَبِ» است که به عربی به آن «فَنَا» گویند و همان «ثُلْثَان» است و از اعراب خود شنیدم به این گیاه «ثُلْثَان» هم می گویند و به فارسی به آن «زَرَوَان زَنْج» و «زَوُزبَارِج» گفته است. می شود و در زبان رومی «اسْطَرخْلُو» دیسکورید (*Strumum*) (*Strychnus*) نام دارد و نام لاتینی آن «أَوْبَه قَنِینَه» (*Uva canina*) و همراه با این ترجمه «کاکنج» را یادآور می شود که نام لاتینی آن «غَالِیَّة» است و اهالی اندلس و مغرب به آن «حَب اللُّهُو» گویند و به رومی «أَلَلِیقَاقَبْن» (*Halikakkabon*) نام دارد و عامه مصر به آن «عُجَب» گویند و جالینوس انواع «عنب الثعلب» را در فصل هشتم از کتاب خود ذکر کرده است. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۶۵]

| | | |
|-------------|--|-------------------------------|
| زر. - طبیا. | عنب الثعلب | <i>Solanum nigrum L.</i> |
| دیسکورید | سُطْرُوخْنُ البِستانی، فَنَا، ثُلْثَان، عنب الثعلب | <i>Solanum nigrum L.</i> |
| دیسکورید | نوع دوم عنب الثعلب، کاکنج، حب اللهو | <i>Physalis alkekengi L.</i> |
| پارسا | کاکنج - عروسک پس پرده | <i>Physalis glkekengi L.</i> |
| الموسوعه | حبوة کاکنجیة، کاکنج، کَرَز القدس، شاش القاضی | <i>Physalis alkekengi L.</i> |
| الموسوعه | فَنَا، عَنْبُ الثَّعْلَبِ | <i>Paris incompleta Bieb.</i> |
| خطابی | عنب الثعلب بری | <i>Solanum nigrum L.</i> |
| خطابی | عنب الثعلب بستانی | <i>Physalis alkekengi L.</i> |

۱۳۱۴ - عنب الحیة^۱، عنب الحیة^۲: به میوه آن «هزار جَسَن» گویند و آن «کرمة البیضاء» است و گاهی منظور یونانیان از این نام میوه «کَبَر» است.^۳

| | | |
|----------|------------------------------------|-----------------------------|
| الموسوعه | فاشرا سَوْدَاء، عنب الحیة، خَیْطَة | <i>Bryonia dioica Jacq.</i> |
|----------|------------------------------------|-----------------------------|

۱۳۱۵ - عنب الدُّب^۱، عنب الدب^۲، عنب الدب^۳: نام های دیگر آن: ترکی: مردار اِغاجی^۴ - درخت غایش^۵

| | | |
|----------|-----------------------------|--|
| الموسوعه | عَیْسران عنب الدب، عنب الدب | <i>Arctostaphylos uva-ursi Spreng.</i> |
|----------|-----------------------------|--|

۱۳۱۶ - عَنْدَم^۱، عَنْدَم^۲، عَنْدَم^۳: نام های دیگر آن: به گفته ابو حنیفه: بَقْم^۴ - دیگر مترجمان: دم الأخوين^۵ - نام صمغ: شِیَان^۶

| | | |
|----------|---------|--------------------------------|
| الموسوعه | عَنْدَم | <i>Caesalpinia sp.</i> |
| خطابی | عَنْدَم | <i>Caesalpinia echinata L.</i> |

۱۳۱۷ - عُنْصَل^۱، عنصل^۲، عنصل^۳: نام های دیگر آن: اسقیل^۴ - به گفته ابو حنیفه: بَصَل البر^۵ - عموم مردم: بصل الفأر^۶ - عُنْصَلان^۷ - پزشکان: أشقیل^۸

| | | |
|----------|----------------|-------------------|
| الموسوعه | أشقیل، عُنْصَل | <i>Scilla sp.</i> |
| EN. | عُنْصَل | <i>Scilla sp.</i> |

۱۳۱۸ - عُنْقُود^۱:

۱۳۱۹ - عَنَم^۱، عَنَم^۲، عَنَم^۳: نام های دیگر آن: دیلم و تنکابن: دارواش^۴ - هندی: شکر داری^۵

بر درختان «أم غیلان» و بلندپها و... می‌روید... و صحرائشینان به آن «أكباب» گویند.^۷

| | | |
|--|--------------|----------|
| <i>Loranthus cuuropeus</i> Jack. <i>Viscum album</i> L. | عنم | زریاب |
| <i>Loranthus</i> sp. <i>Viscum album</i> L. | حَصَّال، عنم | الموسوعه |

۱۳۲۰ - عود^۸، عود^۹، عود^{۱۰}، عود^{۱۱}، عود رطب^{۱۲}: نام‌های دیگر آن: هندی: اکر^{۱۳}، اگر^{۱۴} - رومی: الواس^{۱۵} - «کیاء» نام نوعی «عود» است. ^{۱۶} - «غسانی» می‌گوید: از جنس درختان بزرگ و دارای انواع بسیاری است، نوعی «قماری» منسوب به قماری، جزیره‌ای از سرزمین هند است و نوع دیگر «مندلی» منسوب به مندلی جزیره‌ای دیگر از سرزمین هند که بین آن و جزیره قماری پنج روز فاصله است و نوع دیگر «قیومی» منسوب به جزیره قیومه که فاصله آن و جزیره قماری پنج روز فاصله می‌باشد.^{۱۷} «ابن سینا» می‌گوید: بهترین نوع عود نوع «مندلی» است که از سرزمین هند آورده می‌شود سپس نوع «هندی» که همان نوع «جبلی» است، و از برترین نوع عود نوع «سمندوری» سپس «قماری» و بعد از آن به ترتیب «قافلی»، «بری»، «قطفی»، «صینی» با نام «قشمیری» است.^{۱۸}

| | | |
|---|---------|-------|
| <i>Aquilaria malaccensis</i> Lam. <i>Aloexylon agallocha</i> Roxb. | عود | زریاب |
| <i>Aloexylon agallocha</i> Roxb. | عود رطب | خطابی |

۱۳۲۱ - عود انجوح^{۱۹}: نام دیگر آن: عود ینجوح^{۲۰} - نیکوترین «عود هندی» است که از وسط بلاد هند می‌آورند، بعد از آن نوع جبلی است که بهتر از هندی آن است.^{۲۱}

۱۳۲۲ - عود الحیه^{۲۲}، عود الحیه^{۲۳}، عود الحیه^{۲۴}: شریف می‌گوید: نبات آن در شهر سودان باشد و در آنجا مشهور است.^{۲۵}

| | | |
|---|-----------|----------|
| <i>Ophioxylon serpentium</i> L. <i>Viscum album</i> L. | عود الحیه | الموسوعه |
|---|-----------|----------|

۱۳۲۳ - عود الربیع^{۲۶}، عود الربیع^{۲۷}: نام مشترکی است که در شام به گیاه «فاوانیا» داده‌اند. در مصر به نوع کوچک آن «عروق الصفر» یا «مامیران» می‌گویند، همچنین «عود الوج» نیز با همین نام آمده است.^{۲۸}

۱۳۲۴ - عود العُطاس^{۲۹}، عود العُطاس^{۳۰}، عود العُطاس^{۳۱}: نام‌های دیگر آن: کندر^{۳۲} - کندش^{۳۳} *بطرمیق* (*Ptarmike*): به معنای «مُعَطَّس» و مشتق از «بطرموس» (*Ptarmos*) و نام دیگر آن «عُطاس» است و با استفاده از ریشه‌های این گیاه دامپزشکان حیوانات را به عطسه در می‌آورند. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۴۵]

| | | |
|-----------------------------|----------------|----------|
| <i>Achillea ptarmica</i> L. | بطرمیقی - عطاس | دیسکورید |
|-----------------------------|----------------|----------|

۱۳۲۵ - عود القروح^{۳۴}:

| | | |
|------------------------------|-----------|-----|
| <i>Anthemis pyrethrum</i> L. | عود القرح | EN. |
|------------------------------|-----------|-----|

۱۳۲۶ - عود الیسر^{۳۵}، عود النسر^{۳۶}: شریف آن را نام گیاهی با نام یونانی «آناغورس» می‌داند و دیگران آن را نامی برای چوب «خطمی» یا چوب «مُحَلَب» یا «آراک» می‌دانند.^{۳۷}

| | | |
|----------|-------------------------------|------------------------|
| الموسوعه | عين الديك، ششم، غُصْبَة السوس | <i>Abrus pectorius</i> |
|----------|-------------------------------|------------------------|

۱۳۳۲ - عین الهدهد^ع، عین الهدهد^ن: (نامی در آفریقا) نام دیگر آن: آذان الفار الرومی^ع

| | | |
|----------|---|---------------------------|
| الموسوعه | اذان الفار المنقعی - عین الهدهد - لاتنسنی | <i>Myosotis palustris</i> |
|----------|---|---------------------------|

۱۳۳۳ - عینون^ع، عینون^ن، غسله^ع، سنا أندلسی^ع: دارای پایه نر و ماده است که یکی را «کحلا» و «کحدان» و «سایس» می نامند. «غافقی» می گوید: نزد ما این نام مربوط به دو نوع گیاه است یکی با نام «کُخْلَاء» و «کُحلوان» و «سلیس» و نزد پزشکان ما در اندلس به «سنا البلدی» معروف است.^ع

خامالوقی (*Khamaipeuke*): نام بربری آن «تاسلغا» (*Taselga*) است و همان گیاه «عینون» است و نام‌های دیگر آن به لاتینی «شلباش» (*Sivaticus*) و «شرباش» است. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۹۹]

| | | |
|----------|-----------------------------------|--|
| دیسکورید | خامالوقی - تاسلغا - عینون - شلباش | <i>Stachelina chamepeuce L.</i> <i>Serrattula chamepeuce L.</i> |
| الموسوعه | عینون شرباش | <i>Globularia sp.</i> <i>Serrattula chamepeuce L.</i> |

حرف «غ»

۱۳۳۴ - غار^ع، غار^ن، غار^س: نام‌های دیگر آن: رومی: ارقونیذوس^س - یونانی: انیموروس قلمیوس^ع - اهل شام: زند^ع، رند^ع - فارسی: باهشتان^ع - فرنگی: لاورس^ع - نام گیاه در کتاب دیسکورید: ذافنی^ع - نام میوه: فارسی: دهمشت^ع، دهمست^س - یونانی: ذافنی^ع - سندی: شنکر^س، رند^س [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۷۸: به «ذافنی» رجوع شود.]

| | | |
|----------|-----------------------------|--------------------------|
| زریاب | حب الغار | <i>Laurus nobilis L.</i> |
| دیسکورید | ذافنی - شجر الغار شجر الرند | <i>Laurus nobilis L.</i> |
| الموسوعه | غار، رند | <i>Laurus nobilis L.</i> |

۱۳۳۵ - غارنیون^ع: نوع اول از این گیاه در ثغر اسکندریه با نام «یمان» و «یُمین» معروف است و نام آن را از اعراب «رقه» شنیده‌ام.^ع

| | | |
|-----|---------|---------------------|
| EN. | غارنیون | <i>Geranium sp.</i> |
|-----|---------|---------------------|

۱۳۳۶ - غاریقون^ع، غاریقون^س، غاریقون^ن، غاریقون^ع، غاریقون^س، غاریقون^ن، غاریقون^ع: احتمالاً نوعی «فارچ» است.^ع دو نوع دارد نر و ماده.^س - نوعی از «فطر» است و دو نوع سفید و سیاه دارد که نوع سفید آن دارای دو نوع نر و ماده است.^ع

اغاریقون (*Agarikon*): گیاه معروفی است که وجه تسمیه آن از شهر «أغارِقه» روم که در آنجا یافت شده گرفته شده است. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۱]

| | | |
|----------|----------|----------------------------------|
| ز.ط.سخ. | غاریقون | <i>Polyporus officinalis Fr.</i> |
| دیسکورید | اغاریقون | <i>Polyporus officinalis Fr.</i> |

| | | |
|---------------------|---------|----------|
| <i>Agaricus sp.</i> | غاريقون | الموسوعة |
|---------------------|---------|----------|

۱۳۳۷ - غاغالس: نام‌های دیگر آن: غَالَسِير - این نام لغتی یونانی و به معنای «مستن الراتحه» یا بدبوست.^۴ غالونیس - اهل مصر: قس الکلاب - طبرستان: پلیهم

۱۳۳۸ - غَاثْ، غاث، غاث، غاث، غاث، غاث: نام‌های دیگر آن: لاتینی: اوبطوری - بربری: اکر میوسنه، ترهلا - عربی: حشيشة الغاث، شجرة البراغيث، شوكة متنه - فاس: غاث - بهترین آن فارسی بود که از کوهستان حوالی شیراز آوردند.^۵ «ابن بیطار» می‌گوید: در مورد این گیاه اختلاف نظر بین پزشکان مغرب و مشرق بسیار است تا جایی که نزد هیچ یک حقیقت این گیاه مشخص نشده، پزشکان مغرب و آفریقا بجای آن از گیاه «ترهلان» یا «طَبَّاق» استفاده می‌کنند و آن را به «اسحاق بن عمران» و «احمد بن خالد» استاد می‌کنند و حال آنکه این اشتباه آشکاری است زیرا «ترهلان» را دیسکورید در فصل سوم کتاب خود معادل «قوینزا» با نام عربی «طَبَّاق» آورده است. اما بعضی از پزشکان اندلس گیاهی را که دیسکورید شرح داده را تجویز می‌کنند و پزشکان شرق اندلس آن را معادل با نام عجمی اندلسی «ریمُنْدَه» می‌دانند. و اما پزشکان عراق و شام و مصر بطور کلی این گیاه را نمی‌شناسند و بجای آن گیاه دیگری را مصرف می‌کنند.^۶

ابوطوریوس (eupatorios): «غاث» و «غاث الشاهدانجی» را گویند و غاثی که امروزه در مصر تجویز می‌شود حقیقی نیست و غاث حقیق در اندلس به «الرْمَنْدَه» مشهور است. (ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۳۷)

| | | |
|-------------------------------|---|-----------|
| <i>Agrimonia sp.</i> | غافث | الموسوعه |
| <i>Agrimonia eupatoria L.</i> | اوياطوريوس، غافث، غافث الشاهد النجى، رمند | ديسكوريد |
| <i>Agrimonia eupatoria L.</i> | غافث | طب. - خط. |

۱۳۳۹ - گالیس^۴: نام‌های دیگر آن: عامه اندلس؛ جملج^۵ - اهالی مصر: مُسْتَه^۶
 ۱۳۴۰ - خالیون، غالیون^۷ و غلارتون^۸: «غالیون» نامی یونانی به معنای «عاقد اللبن» یا منجمد کننده شیر است.^۹
 غالون (Gallon): به آن «لُخْتِرِواله (Lactariola)» گویند و موجب بستن شیر می‌شود. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۸۶]

| | | |
|------------------------|---|----------|
| <i>Galium verum L.</i> | غاليون - لختيرواله | ديسكوريد |
| <i>Galium verum L.</i> | غاليون حقيقى، غاليون أصفر، بَقْلَةُ اللَّبْنِ | ديسكوريد |
| <i>Galium sp.</i> | غاليون | الموسوعه |
| <i>Lamium album L.</i> | غاليون | EN. |

۱۳۴۱ - غباریه^۴، غباریه^۵: نام‌های دیگر آن: اهالی کوهستان: تقوریه^۶ - دیسکورید: سطانئون^۷ - غنب‌الدب^۸

| | | |
|-----------------------------------|---------|----------|
| <i>Mespilus pycnoloba</i> C.Koch. | غباريّة | الموسوعة |
|-----------------------------------|---------|----------|

۱۳۴۲ - غُبَيْرَا، غَبِيرَا، غَبِیرَا، غَبِیرَا، غُبَیْرَة، غُبَیْرَة (نام ریشه) ش: نام‌های دیگر آن: فارسی: سنجید^۷ - ترکی:
ایکده - فارس: سلیسک، سیس بوان، سلس - فاس: تیزغال - نام درخت میوه دار: زیتون^۸
أَوَّاءُ(Oua): نام «شجر الغبیرا» است و در عراق درخت معروفی است. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۲۹]

| | | |
|-----------------------------------|---------------------------|----------|
| <i>Pyrus sorbus Ga.</i> | أوالا - غیرا | دیسکورید |
| <i>Elaeagnus angustifolius L.</i> | سنجد - غیرا - غبیدا بادام | پارسا |

| | | |
|---|---|----------|
| <i>Sorbus domestica</i> L. <i>Pyrus sorbus</i> Crantz | غبيراء | خطابی |
| <i>Elaeagnus angustifolius</i> L. Syn: <i>E.hortensis</i> Boiss. | Pers: Zinzeid - Tibet: Sirshing - Hendia: Shiulik | GLO.IN. |
| <i>Sorbus</i> sp. | غبيراء، صَرْبَة | الموسوعه |
| <i>Sorbus aucuparia</i> L. | غبيراء | EN. |
| <i>Sorbus boissieri</i> Schn. <i>Elaeagnus angustifoliaus</i> L. | غبيرا | طباطبانی |

۱۳۴۳ - غَرَاء و غُرَّاء: سینون (*Sinon*): این گیاه را نمی‌شناسم - ابن بیطار - (ابن بیطار در کتاب جامع نام آن را «غُرِّاء» می‌داند).^۲

| | | |
|---|-----------------------|---------------|
| <i>Sison amomum</i> L. <i>Sium amomum</i> L. | غُرَاء - غُرِيرَاء | زُورِيَاب |
| <i>Sison amomum</i> L. | سِينُون - (غُرِيرَاء) | دِيَسْكُورِيد |
| <i>Peperomia</i> sp. | غُرَاء | المُوسُوعَة |

۱۳۴۴ - غَرْبٌ، غربٌ، غُرْبٌ، غُربٌ، غُربٌ، آطَاءٌ (نامی یونانی): نام‌های دیگر آن: شجر الغرب^۲ - یونانی: اطا؛ اطا^۳ - شیرازی: وزک^۴ - اصفهانی: وشک^۵ - تنکابن و دیلم: اوجا^۶ - رومی: الیکاس^۷ - سریانی: عربثاس^۸ - فارسی: بذه^۹، پده^{۱۰} - اطباس^{۱۱} - دیسکورید: أطاء^{۱۲} غسانی می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی آن را نوعی «طرفاء» و عده‌ای آن را «شجر ابراهیم (ع)» می‌دانند و گویند درخت «صفاصفا» است و این نظر صحیح است.^{۱۳} در کتاب «عمدة الطیب» به نقل از ابوحنیفه آن را «صفاصفا» دانسته است.^{۱۴} ابن بطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۳۲: به دم الاخیرین، و اخلیس، رجوع شود. (این بیطار از گیاه غرب اظهار بی اطلاعی می‌کند).

| | | |
|------------------------------|---------------------------|----------|
| <i>Achillea tomentosa</i> L. | أخيلئوس سندريطس - غرب | ديسکورید |
| <i>Populus euphratica</i> | حور فرائی، غُرب، مَرَسِیس | الموسوعه |
| <i>Salix babilonica</i> L. | غرب | زریاب |
| <i>Salix</i> sp. | غرب | EN. |

۱۳۴۵ - غَرَز، غَرَز: نام‌های دیگر آن: فنتوریون، غریب - نام نوع کوچک «عصی الراعی» که معروف به ماده است.^۶

| | | |
|-------------------------------|-----|-------|
| <i>Polygonum aviculare</i> L. | غرر | زرياب |
| <i>Juncus arabicus</i> Post. | | |

۱۳۴۶ - غرقد^۴، غرقد^۵: (نامی عربی) نوع سفید و بزرگ «عوسج»^۴ است. "ابن بیطار" می‌گوید: بنا به گفته ابوحنیفه هرگاه درخت «عوسجة» بزرگ شود به آن «غرقدة» گویند و برخی مترجمان «غرقد» را از گیاه «قُف» می‌دانند.^۵

۱۳۴۷ - غبراء^۴: غافقی می‌گوید: نام «بسباس» نازک بذر و خوشبو است.^۵

۳- الموسوعة: گیاهی است خوشبو. ابوحنیفه آن را «مرو بهی» می‌داند. و گویند در وسط آن گل آدبی مشابه دم روباه با گل قرمز خوشبو دارد.

۱۳۵۵ - فاسی: نام دیگر آن: یونانی: اندرو صارون
 ۱۳۵۶ - فاشرا، فاشرا، فاشرا، فاشرا، حلق الشعر، کرمه بیضاء، کرمه البیضاء، ورحالور (نامی بربری)، براوانیا: فاشرا معرب از «فاشار» سریانی است.^۲ - نام‌های دیگر آن: عربی: کرمه البیضاء، کرم البری الایض - فارسی: ماردارو، کرم دشتی، خسرو دارو، هزار فشان، هزار چشان، هزارکشان و معرب آن: هزارچشان، هزار جشان و برگردان عربی آن: الف عسالیج (هزارشاخه) - شیرازی: نخوشی (زیرا در زمستان خشک نمی شود). سریانی: کتبنا - رومی: حلیلوطن - یونانی: اغلیطوس، أنبالس لوقی، به معنای کرم البیضاء - بربری: ارجالون - تنکابن و طبرستان: الاملک - جالینوس: براونیا - حلق الشعر - ابزراله یعنی قزقه - طنبیه - نازرت - نام ریشه آن: عود الحیه، بیخ سیاه تاک

| | | |
|----------|-------------------------|---|
| الموسوعه | فاشرا، فاشرا، فاسری، فش | <i>Bryonia sp.</i> |
| زریاب | فاشرا | <i>Bryonia alba L.</i> |
| طباطبانی | فاشرا | <i>Bryonia alba L.</i> <i>Tamus dioica</i> |

۱۳۵۷ - فاشرشتین، فاشرشتین، فاشرشتین، ششبدان، ششبداز، ششبدان، کرمه سوداء، کرمه السوداء، کرمه الحمراء: فاشرشتین (به معنای بر طرف کننده شصت بیماری) یا فاشرشتین (سریانی) نام‌های دیگر آن: عربی: کرمه السوداء - فارسی: شش بندان سیاه، ششبدار، ششبدان، سیاه وارو - شیرازی: شش بندان - یونانی: انبالس مالیا (به معنای کرمه السوداء) - بربری: همون، سمون - اندلس: بوطنیه - هندی: بیر - رومی: لثوهر مرطیس - ششپاز - فانیرستینست - عجمی اندلس: بوطنیه - بربری: میمون - نام ریشه: بیخ سپید تاک
 انبالس مالیا (*Ampelios melaina*): به معنای «کرم الاسود» است و بعضی آن را «انبالس مالیس» گفته‌اند. با توجه به اختلاف این دو واژه - مالیس و مالیا - آیا هر دو به یک معنی است یا «مالیس» را به معنای سیاه و «مالیا» را به معنای بدون دانه باید گرفت؟ به نظر می‌رسد هر دو به یک معنا بوده و سین آخر «مالیس» حرف اصلی نیست زیرا سین در زبان یونانی در حکم تونین عربی است و همچنین یاء در آخر کلمه در حکم تونین می‌باشد بهمین دلیل گفته می‌شود سوریا، انطالیا و ماقدونیا... و بنابر این معنای «مالیا» را بعضی از مترجمان «اسود» (سیاه) معنی کرده‌اند. نام‌های دیگری این گیاه به زبان اندلسی «فاشرشتین» و «بوطنیه» است و اهالی مغرب به آن «میمون» گویند. [این بيطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۱۰۷]

| | | |
|----------|---------------------------------------|--|
| زریاب | فاشرشتین | <i>Bryonia dioica Jacq.</i> <i>Bryonica alba L.</i> <i>Tamus communis L.</i> |
| دیسکورید | انبالس مالیا، فاشرشتین، بوطنیه، میمون | <i>Tamus communis L.</i> |
| الموسوعه | فاشرشتین، ششبدار، هزارچشان | <i>Tamus sp.</i> |
| طباطبانی | فاشرا ستین | <i>Bryonia diocica Jacq</i> <i>Tamus communis L.</i> |

۱۳۵۸ - فاطه:

۱۳۵۹ - فاغره، فاغره، فاغره، فاغره، فاغره (نام ریشه): نام‌های دیگر آن: فارغه - فارسی: کبابه دهن گشاد، کبابه دهن شکافته در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی آن را ریشه «نیلوفر هندی» می‌دانند و عده‌ای می‌گویند دانه‌ای است به اندازه نخود و شبیه به پسته کوچک و در شهرهای مغرب بسیار یافت می‌شود.

| | | |
|--|-------|----------|
| <i>Fagara sp.</i> <i>Fragra avicennae Lam.</i> | فاغره | الموسوعه |
| <i>Xanthoxylon avicenne D.C.</i> <i>Fragra avicennae Lam.</i> | فاغره | زریاب |
| <i>Xanthoxylon avicenne D.C.</i> | فاغره | خطابی |

۱۳۶۰ - فَاَلِنْجِيْقَنْ، فالنجیقن: نامی یونانی به معنای رتیل است. نام های دیگر آن: فالنجیطس^۴، نوقاقیس^۵ فالنجین (*Phalangion*): به معنای «النافع من الرتلاء» نافع برای نیش رتیل است. و من این گیاه را نمی شناسم. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۰۴]

| | | |
|--|----------|----------|
| <i>Phalangium ramosum Lam.</i> <i>Anthericum ramosum L.</i> | فالنجنین | دیسکورید |
|--|----------|----------|

۱۳۶۱ - فَاَلْبَرْئُسُ، فالبریس: نام های دیگر آن: فالبرس، فالی بورس، فالبریس (*Phaleris*): این گیاه را نمی شناسم. جالینوس آن را «فالپورس» می نامد. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۳۷]

| | | |
|-----------------------------|---------|----------|
| <i>Phalaris tuberosa L.</i> | فالبریس | دیسکورید |
|-----------------------------|---------|----------|

۱۳۶۲ - فَاَنَاقِسُ اَسْقَلِيُوس^۶، فاناقس اسقلیوس: نوع بزرگ «زوفرا»^۷
 ۱۳۶۳ - فَاَنَاقِسُ خَيْرُونِيُون^۸، فاناقس خیرونیون: نوع کوچک «زوفرا»^۹
 ۱۳۶۴ - فَاَوَانِيَا، فاونیا، فاونیا، فاونیا، عود الصلیب^{۱۰}، کهنابا^{۱۱} (نام چوب)، عود الصلیب^{۱۲}، عود الصلیب^{۱۳}، عود الصلب^{۱۴}: ؟ نام های دیگر آن: عود الصلیب^{۱۵} - جالینوس: جالقیسیدس^{۱۶} - عود الريح^{۱۷} - سریانی: کهنابا، کهنابا - مغرب: عود الحمیر^{۱۸}؟ دارای دو نوع نر و ماده است نام نوع ماده آن نزد عوام «ورد الحمیر» است.^{۱۹}
 غَلِقِيسِيْدِي (*Glukuside*): همان «فاونیا»، «کهنابا» و «عود الصلیب» است و دارای پایه های نر و ماده است.
 نام پایه نر را گیاهشناسان اندلسی «وَرْدُ الْحَمِير» گویند و این نامی مشترک است و این نوع در بازار عطاری مصر هم اکنون وجود دارد. پایه ماده آن برای یملوی «صرع» مفید است. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۳۵]

| | | |
|--|--|--------------|
| <i>Paeonia officinalis Retz.</i> | فاونیا | ز. - خ. - ط. |
| <i>Sedum telphium</i> | فاونیا - عود الصلیب - ناز | پارسا |
| <i>Sedum telphium</i> | فاونیا - عود الصلیب - ناز | پارسا |
| <i>Paeonia corallina L.</i> <i>Paeonia officinalis L.</i> | غلقیسیدی، فاونیا، عود الصلیب، کهنابا، ورد الحمیر | دیسکورید |
| <i>Paeonia corallina L.</i> | فاونیا | EN. |

۱۳۶۵ - فَتَاتِلُ الرُّهْبَانِ، فتاتل الرهبان: نام دیگر آن در اسکندریه: زنجبیل^{۲۰}
 ۱۳۶۶ - فُجَلْ، فُجَلْ، فُجَلْ، فُجَلْ، فُجَلْ بری^{۲۱}، هیضمان^{۲۲}، هیضمان (فجل بری): نام های دیگر آن: فارسی: ترب^{۲۳}، تربیزه^{۲۴} - شیرازی: تربزه^{۲۵}، تربیزک^{۲۶} - سریانی: فعالا^{۲۷}، فوغلی^{۲۸} - رومی: دفیون^{۲۹}، رفینون^{۳۰}، رفانی^{۳۱} - یونانی: افاتیس^{۳۲}، ابابوس^{۳۳} - هندی: مولی^{۳۴} - فرنگی: رفالس^{۳۵} «غسانی» می گوید: دارای نوع بستانی و بری است و بستانی به دو نوع کوچک و بزرگ تقسیم می شود، نام نوع بزرگ «فجل رخامی» و نام نوع بری «اقرنون» است و عوام شهر فاس به آن «کرونونش» گویند و

معروف به «فجل بری» است.

رافانوس (*Rhaphanis*): فُجَل [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۹۷]

| | | |
|------------------------------------|------------|-------------|
| <i>Raphanus sp.</i> | فجل | الموسوعه |
| <i>Cochlearia armoracia L.</i> | فجل بری | طباطبائی |
| <i>Raphanus sativus L.</i> | فجل | ز،خ،ط،د. |
| <i>Nasturtium officinale R.Br.</i> | اقرنون | خطابی |
| <i>Raphanus niger Mill.</i> | فجل الاسود | خطابی - EN. |
| <i>Raphanus raphanistrum L.</i> | فجل بری | خطابی |

۱۳۶۷ - فجل باعشقی؛ نام دیگر آن: فجل شامی

۱۳۶۸ - فراسیون؛ فراسیون؛ فراسیون؛ فراسیون؛ فراسیون؛ شرب، شربت، شارب، انجیده، صنوبر الارض، کراث جبلی؛ نام «فراسیون» از یکی از شهرهای روم به نام «فرانسه» گرفته شده است. نام‌های دیگر آن: اذن الحمار، اذن الثور - فاس: مریوت، مرور - اورمینون - طوریدخ - یونانی: فراسین، برسون - لاتینی: مادر و پتیم - عربی: علقما (زیرا تلخ است و عرب هر چه تلخ باشد را «علقم» گوید)، حشیشه الکلب، صوف الارض - فارسی: گندنا کوهی، افنان سر، کورار، به معنای کراث جبلی که گندنا کوهی است و لفظ کرویا شاید از کورار گرفته باشد. پراسین (*Prasion*): نام «فراسیون الأبيض» و «مرویه الأبيض» است و «سنار» یا «شجرة الکلاب» نام دارد زیرا سگ‌ها بیشتر روی آن بول می‌کنند، نام دیگر آن «شجرة سندیان الارض» است.

بلوطی (*Ballota*): به لاتینی «مرویه بئوشه» نام دارد و نوعی فراسیون سیاه رنگ است. جالینوس آن را «لاعیه» معرفی کرده در حالیکه لایعه از «یتوعات» (گیاهان شیرابه دار) است و «بلوطی» شیرابه ندارد. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۹۸ و ۱۰۰ - ۴ - ۱۱۳]

| | | |
|-----------------------------|---|--------------|
| <i>Marrubium vulgare L.</i> | براسین، فراسیون الأبيض، مرویه الأبيض سنار، شجرة الکلاب | دیسکورید |
| <i>Ballota nigra L.</i> | بلوطی - نوعی فراسیون سیاه | دیسکورید |
| <i>Marrubium sp.</i> | فراسیون، باذاورد | الموسوعه |
| <i>Marrubium vulgare L.</i> | فراسیون | ز،خ،ط،د. EN. |

۱۳۶۹ - فریون؛ فریون؛ فریون؛ فریبون؛ فریبون؛ تاکوب، حافظ الطفل، حافظ الاطفال؛؟ مغرب او برنیون فارسی است. نام‌های دیگر آن: رومی: فریبون، هیوما فطون، افریبون، ابریبون - اکل نفسه، حافظ اطفال، قاتل ایبه - بربری: تاکسوت - رومی: فوطینوس - یونانی: کمالیون - اهل مصر و شام: لبانه مغریه - مغرب: تگوت

أفریبون (*Euphorbion*): نام دیگر آن «فریبون» است و به بربری «تاکوت» نام دارد و در مصر به آن «لوبانة المغریه» گویند. [این

بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۷۸]

| | | |
|---|--|----------|
| <i>Euphorbia L.</i> | أفریبون، فریبون، تاکوت، لوبانة المغریه | دیسکورید |
| <i>Euphorbia L.</i> <i>Euphorbia lathyris L.</i> | فریبون | پارسا |
| <i>Euphorbia L.</i> <i>Euphorbia lathyris L.</i> | فریبون، یتوع، تاکوت، عئجد | الموسوعه |

| | | |
|--|--------|-----------|
| <i>Euphorbia resinifera</i> Berg. | فریبون | زریاب |
| <i>Euphorbia resinifera</i> Berg. <i>Euphorbia helioscopia</i> L. | فریبون | زر. - طب. |
| <i>Euphorbia officinarum</i> L. | فریبون | خطا، EN. |
| <i>Euphorbia pithyusa</i> L. | تاكوت | خطابی |

۱۳۷۰ - فرمبوس؛ نام دیگر آن: برنفس^۱

۱۳۷۱ - فرنجمشک^۲، فلنجمشک^۳، فرنجمشک^۴، فرنجمشک^۵، برنجمشک^۶، فرنجمشک^۷، افرنجمشک^۸، برشک^۹، بلنجمشک^{۱۰}، حبّ قرنفل^{۱۱} (فرنجمشک بستانی)، فلنجمشک^{۱۲}، قرنفل بستانی، قرنفل بستانی؛ فرنجمشک^{۱۳} - مغرب پلنجمشک فارسی است. نام های دیگر آن: فلنجمشک^{۱۴}، ابرنجمشک^{۱۵}، برگ فرنجمشک^{۱۶} - هندی: انبل^{۱۷}، رام تلسی^{۱۸} - ابن ماسویه: حبّ قرنفل^{۱۹} - سریانی: فلنمنکا^{۲۰} - رومی: امیولوفراس^{۲۱} - سریانی: اتبلیس^{۲۲} - ریحان قرنفل^{۲۳} - فرنجمشک^{۲۴}، پلنک مشک^{۲۵} - نام گیاه در کتاب دیسکورید: آفینس^{۲۶} - شیرازی: پوبهکل^{۲۷} - ابن بیطار^{۲۸} می گوید: بعضی از دانشمندان ما «فرنجمشک» را دو نوع می دانند یکی بستانی معروف به هندی و دیگری بری معروف به صینی، و نوع اول به یونانی به «آفینس» معروف است.^{۲۹} - «ابوحیفة» نام دیگر «فرنجمشک» را «أصابع الفتیات» می داند.^{۳۰}

آفینس (Akinos): نام های دیگر آن عبارتست از: فرنجمشک - برنجمشک - حبّ قرنفل - اصابع الفتیات - قلّثمان [ابن بیطار در ترجمه کتاب دیسکورید ۳ - ۴۱]

| | | |
|---|----------|---|
| <i>Ocimum pilosum</i> W. | دیسکورید | آفینس - فرنجمشک - برنجمشک - حبّ قرنفل - اصابع الفتیات - قلّثمان |
| <i>Calamintha acinos</i> Man. <i>Ocimum pilosum</i> W. <i>Ocimum basilicum</i> L. | زریاب | فلنجمشک |
| <i>Calamintha graveolens</i> Benh. | پارسا | ترنج مسک - فرنجمشک |
| <i>Melissa calamintha</i> Benth. <i>Melissa officinalis</i> L. | پارسا | فرنجمشک |
| <i>Ocimum pilosum</i> Willd. | الموسوعه | فرنجمشک، حبّ قرنفل، حبّ ویر، حمام |

۱۳۷۲ - فرّخار^{۳۱}

۱۳۷۳ - فرودوهامان^{۳۲}

۱۳۷۴ - فرفار: نام درختی بزرگ^{۳۳}

۱۳۷۵ - فرودیدلاون^{۳۴}، تیمط^{۳۵}: نام های دیگر آن: اندلس و مغرب: تیمق^{۳۶}، تیمط^{۳۷} - برخی از شهرهای اندلس: رعی الحمیر^{۳۸} - خاملان مالس^{۳۹} - تاسکرا^{۴۰} - وایله^{۴۱} - شوک الحمیر^{۴۲}، شوک الغراء^{۴۳}

۱۳۷۶ - فُسْتُق^{۴۴}، فُسْتُق^{۴۵}، فسق^{۴۶}، فسق^{۴۷}، فسق^{۴۸}: مغرب پسته فارسی - نام «پسته» مشهور است و یک سال نمی بندد که به این نام موسوم می باشد.^{۴۹} - نام های دیگر آن: سریانی: بستقی^{۵۰} - یونانی: بسطاقیا^{۵۱} - فرنگی: بسباکه^{۵۲} - «بَزْغُنْج» و «بَزْغَنْد» به فارسی نام میوه «درخت پسته» است و گویند نام میوه پسته ای است که یک سال مغز می بندد.^{۵۳}

بسطاقیا (Pistakia): نام «فُسْتُق» است و ابن جزار صمغ آن را «عَلْکُ الْأَنْبَاط» نامد. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۳۴]

| | | |
|-------------------------|-----------------------------------|----------|
| <i>Pistacia vera</i> L. | بسطاقیا - فسق - علک الانباط (صمغ) | دیسکورید |
|-------------------------|-----------------------------------|----------|

| | | |
|-------------------------|-------------------------|--------------------|
| <i>Pistacia vera L.</i> | فستق | ز. - خ. - ط. - ال. |
| <i>Pistacia vera L.</i> | پسته - شهنّا (بلوچستان) | پارسا |

۱۳۷۷ - فَسَوَةُ الضَّيْعِ، فوه الصنغ، نوعی کماة - نام دیگر آن: قَعْبَلٌ

| | | |
|--|------------------------------|-------|
| <i>Tuber brumale Vittad.</i> <i>Bovista plumbea Pers.</i> | فوه الصنغ - قعبل - نوعی کماة | زریاب |
| <i>Pancaratium maritimum</i> | فسوه الضیغ | خطابی |

۱۳۷۸ - فُشَاغٌ، فُشَاغ، فُشَغٌ، کَرَمَة شائِکَة، کَرَمَة شائِکَه: نام‌های دیگر آن: فُشَغٌ - فارسی: سرم - بخاریه: افزغنج - سفغیه: فزغند - تر مذبه: قوج - بلخیه و طخاریه: جُذری، عَکاش - عجمی اندلس: ریوله - دیسکورید: میلقص طراخیا - نام میوه آن نزد عامه اندلس و مغرب «حَب النعام» است.

| | | |
|-------------------------|----------------|----------|
| <i>Smilax aspera L.</i> | فُشَاغ | زریاب |
| <i>Smilax sp.</i> | فُشَاغ، فُشَاغ | الموسوعه |

۱۳۷۹ - فُضِيَّةٌ، غُنافَلیون، غُنافَلیون: نام‌های دیگر آن: در کتاب دیسکورید: غُنابلیان - در کتاب جالینوس: نام این گیاه «غالون» مشتق از «قطن» است زیرا مردم بخاطر برگ‌های نرم و فربه آن جهت زیر انداز آن استفاده می‌کنند. غُنافَلیان (*Gnaphallion*) نام گیاه «فضیه» و به معنای «حشوی» است. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۱۲]

| | | |
|--|------------|----------|
| <i>Gnaphalium dioicum L.</i> <i>Santolina maritima Smith.</i> | غُنافَلیون | زریاب |
| <i>Gnaphalium L.</i> <i>Santolina maritima Smith.</i> | غُنافَلیان | دیسکورید |
| <i>Protea sp.</i> | فُضِيَّة | الموسوعه |

۱۳۸۰ - فُطْرٌ، کَوکَب الارض، فُطْرٌ، فُطْرٌ، فُطْر: نام‌های دیگر آن: فُطْر - فارسی: سماروغ، شما - سریانی: فطریاثا - رومی: موکوپیس - هندی: پهین چهر - یونانی: اونطریثا، قنطس، موقوطس - دارای انواعی است: نام‌های نوعی از آن: فقع - فارسی: هیکل - نام نوعی دیگر: فوشنه - نام نوعی دیگر: فقیل - نام فطر خوراکی به هندی: کینهی بخفای - نام فطر غیر خوراکی به هندی «پدیهر» و نام نوعی دیگر آن «چهر بخفای‌ها» و نوع دیگر آن «ککن دهول» است. موقیطس (*Muketos*): نام‌های دیگر آن عبارتست از: فُطْر - فُقع [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۷۵]

| | | |
|-----------------------------|------------|-----------|
| <i>Tuber album Sow.</i> | کوکب الارض | زر. - خط. |
| <i>Funji spp.</i> | فطر | دی. - خط. |
| <i>Funus - Mushroom (E)</i> | فُطْر | الموسوعه |
| <i>Mushroom (E)</i> | فُطْر | EN. |

۱۳۸۱ - فُطْر اسالیون، فُطْر اسالیون، بطراسالیون، بطراسالیون (نامی یونانی)، نفکر: نام‌های دیگر آن: فُطْر اسالیون -

| | | |
|--|----------------------------|----------|
| <i>Carum petroselinum</i> Benth. & Hook. | فطراسالیون - بزر کرفس کوهی | زریاب |
| <i>Carum petroselinum</i> Benth. & Hook. | بطراسالینون - کرفس صخری | دیسکورید |
| <i>Apium petroselinum</i> L. | فطراسالینون | EN. |

| | | |
|-----------------------|-----|----------|
| <i>Lycoperdon sp.</i> | فقع | الموسوعه |
|-----------------------|-----|----------|

| | | |
|---------------------------|---|----------|
| <i>Cucumis sativus</i> L. | فَقُوس، فُنَاء، مَفْتَى، فُنْتَى، فُنْشُر | الموسوعة |
|---------------------------|---|----------|

| | | |
|---|-----------------------|----------|
| <i>Jasminum sambac</i> (L.) Ait. | فل - ريشه نيلوفر هندی | زریاب |
| <i>Jatropha gossipifolia</i> L. | فل | خطابی |
| <i>Jasminum sambac</i> (L.) Ait. <i>Mogorium sambac</i> Lam. | فل - یاسمین زنبقی | الموسوعه |
| <i>Jasminum sambac</i> (L.) Ait. <i>Mogorium sambac</i> Lam. | فل | EN. |

باباری (Peperi): به آن «فلل» گویند و درخت آن «دارفلل» نام دارد و نام دیگر آن «فلل الأبيض» است. [این بیطار] در ترجمه کتاب دیسکورید ۲-۱۴۲]

| | | |
|---|--------------------------------------|-----------|
| <i>Piper nigrum L.</i> | فلفل آسود - فلفل ابيض | زر. - خط. |
| <i>Piper nigrum L.</i> <i>Piper aromaticum Lamk.</i> | باباری - فلفل - دار فلفل - فلفل ابيض | دیسکورید |
| <i>Piper nigrum L.</i> | فلفل سیاه | پا. - طب. |
| <i>Piper sp.</i> | فلفل | الموسوعه |

۱۳۸۸ - فلفل السودان^۱، فلفل السودان^۲، فلفل السودان^۳: نام دیگر آن: بربری: حرفی^۴

۱۳۸۹ - فلفل الصقالبة^(۱)، فلفل الصقالبة^۲: نام دیگر آن: بزر فنجنگشت^۳

گاهی منظور از این نام میوه «بنجنگشت» است و گاهی نیز «بزر حُرَف مشرقی» است.^۴

۱۳۹۰ - فلفل الماء^۱، فلفل الماء^۲، فلفل الماء^۳: نام دیگر آن در کتاب جالینوس: اوردپاپاری^۴ - نباتیست که در آبهای راکد و آب‌های روان و آرام می‌روید.^۵

اُودَرَباباری (*Hudropeperi*): به معنای «فلفل الماء» است. [ابن بطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۴۴]

| | | |
|--------------------------------|----------------------------|-----------|
| <i>Polygonum hydropiper L.</i> | فلفل الماء - اوردپاپاری | زر. - طب. |
| <i>Polygonum hydropiper L.</i> | اُودَرَباباری - فلفل الماء | دیسکورید |
| <i>Polygonum hydropiper L.</i> | زنجبیل الکلاب - فلفل الماء | الموسوعه |

۱۳۹۱ - فلفلُمون^۱: نوعی پودنه^۲ - نام‌های دیگر آن: حبق جبلی^۳ - فارسی: نه کوهی^۴

۱۳۹۲ - فلفل مُویه^۱، فلفل مویه^۲، فلفل مُوی^۳، فلفل مُوی^۴، فلفل مُوی^۵، فلفل مُوی^۶، فلفل مُوی^۷، فلفل مُوی^۸: یعنی شبیه به فلفل^۹ نام‌های دیگر آن: فلفلُموی^{۱۰}، فلفلُمون^{۱۱}، فلفل مویه - هندی: پی پل مول^{۱۲}، پیپلا مول بلام^{۱۳}، پیپلا مور^{۱۴}، «مور» و «مول» به معنای ریشه و «پیپل» نام درخت «فلفل» است. بنا بر گفته‌ای معنای «فلفل مویه»، «ریشه دار فلفل» است.^{۱۵} «ابن ماسه» و دیگران آن را ریشه درخت «فلفل» می‌دانند.^{۱۶} - «رازی» «فلفل مویه» را شاخه «فلفل» می‌داند.^{۱۷} «اسحاق بن عمران» می‌گوید: ریشه‌های نازکی است...^{۱۸} - «صهاربخت» آن را ریشه «فلفل» می‌داند.^{۱۹}

| | | |
|---|----------------------------------|-------|
| <i>Piper longum L.</i> <i>Piper betle L.</i> | فلفلُمول | زریاب |
| <i>Capsicum frutescens L.</i> | فلفل مویه - فلفل سرخ - فلفل احمر | پارسا |

۱۳۹۳ - فلفلَة^۱، فلفلَة^۲: نام «هرنوة» است و عامه اندلس آن را نام «نانخواه» می‌دانند و بعضی آن را بعنوان میوه «بنجنگشت» می‌شناسند.^۳

| | | |
|---------------------|--------|----------|
| <i>Capsicum sp.</i> | فلفلَة | الموسوعه |
|---------------------|--------|----------|

۱۳۹۴ - فَنجیون^۱: نام دیگر آن: فنجریون^۲

۱۳۹۵ - فُو^۱، فُو^۲، فُو^۳، فُو^۴، فُو^۵ (نامی یونانی)، عروق حُمَر^۶: نام‌های دیگر آن: فُو^۷ - فارسی: شیشتره^۸، بیخ سنبل^۹ - یونانی: ثبوریدوس^{۱۰}، فوله^{۱۱} - اهل خوارزم: زوله^{۱۲} - هندی: چهل کری^{۱۳}، جالکری^{۱۴}، قرین مو^{۱۵} - دوقو^{۱۶} - نارین بری^{۱۷}، ناردوس بری^{۱۸} - سریانی: رعناد ملا^{۱۹} - حنین: کرفس عظیم^{۲۰}

۱- الموسوعة: نام «أرنده» و «عرساده» و «کف مریم» و... است.

دارای دو نوع است: نام های نوع بزرگ آن: فرنگی: فوباکینوم^۱ - نام کوچک آن: فرنگی: فوباروم^۲ «غسانی» می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است عده ای آن را «سنبل بری» و گروهی «قَرْصَنَّة» و برخی «شَقَاقِل» می دانند و بعضی آن را نامی برای ریشه های «جَزَر بری» و گروهی هم نام ریشه «غَيْطَل» می گویند. برخی هم می گویند نوعی «قرصنه» است و این نظر را برخی از دانشمند جدید بر سایر نظرات ترجیح داده اند.^۳

فو (Phu): غیر از این نام دیگری برای آن نمی شناسم. [ابن بطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۱]

| | | |
|---|-----------------------------------|-----------|
| Valeriana dioscorides Sibt. | فو | دی. - خط. |
| Valeriana dioscorides Sibt. Valeriana phu L. | ناردین الحدائق، سنبل الحدائق، فُو | الموسوعة |
| Valeriana Phu L. Valeriana dioscorides Sibt. Valeriana officinalis L. | فو - ناردوس بری | زریاب |
| Valeriana officinalis L. | فو | طباطبائی |
| Valeriana sp. | فو | EN. |

۱۳۹۶ - فودَنْج، فوتَنْج، فوتَنْج، فودَنْج، فودَنْج، غلیجن^۴ (نوع بری)، حبَق، حبَق الماء (فوتنج نهری)، فودَنْج، فوتَنْج معرب از «پودنه»^۵ یا «پودنک» فارسی است.^۶ - نام های دیگر آن: سریانی: هیزارنا، فونیثا، فیلا^۷ - رومی: اربقانون^۸ - عربی: حبَق^۹ - فاس: مشیشتر^{۱۰} - مراکش: تیمج^{۱۱} - بربری: تیمرساط^{۱۲} - اندلس: ضومران^{۱۳} - بلایه^{۱۴} - دارای سه نوع است: نام های نوع بری: یونانی: علیجن^{۱۵} - اهل اندلس: بلاث^{۱۶} - مصر: قلیه^{۱۷} - شام: صعتر^{۱۸} - غُبیره^{۱۹} - نام های نوع جبلی: رومی: اریقانون^{۲۰} - اوریاسیوس: غلیشن^{۲۱} - سریانی: قورنیشادطوری^{۲۲} - سندی: فودنوس^{۲۳} - فارسی: پودنه کوهی^{۲۴} - نام های نوع بستانی: حبَق بستانی - فریثا^{۲۵}، قرینثا^{۲۶} - نام های نوع دیگر: رومی: طراغوریفاس^{۲۷} - فودنج التیس^{۲۸} - نام های نوع نهری: حبَق الماء - حبَق التمساح^{۲۹} - فوتنج نهری^{۳۰} - ضومران^{۳۱} - «فوتنج»، «پودنه» است... سه جنس است کوهی و جویباری و بستانی، کوهی را «فوتنج جبلی» گویند، و جویباری را «هیرازمای» خوانند، و بستانی را «ننغ» گویند.^{۳۲} «فودنج» سه نوع باشد جبلی و بری و نهری. مولف گوید جبلی دو نوع است یک نوع را «حاشا» خوانند، به یک نوع «فلقمون» و «فم» گفته اند. بری آن دو نوع دارد یکی را «مسک طرامسیع» گویند و نوع دیگری مانند «پودنه» است. و نهری آن یک نوع بیش ندارد، بهترین آن جبلی است تازه سبز آن خوشبو است و برگ های کوچک دارد.^{۳۳} «ابن بطار» می گوید: دارای سه جنس است: بری، جبلی و نهری. نوع بری گیاهی معروف است. عجم اندلس به آن «بلایه» و عامه مصر «قلیه» و به یونانی «غلیخن» گویند، اصطغان این گیاه را در روم با همین نام مشاهده کرده و می گوید اهالی شام به آن «صعتر» گویند.^{۳۴} اما گیاه «غلیخن آغریا» یا «مشکطرامشیع» در جزیره آفریقای می روید، و «قلامتی» نام «فودنج نهری» است.^{۳۵}

قلامتی (Kalaminthe): نام «فودنج» است [ابن بطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۳۳: به وضومران، و وضومران، رجوع شود.]

| | | |
|---|-------------------|----------|
| Thymus barrelieri Spreng. Thymus nepeta Sm. Thymus calamintha Scop. | فالامتی - فودنج | دیسکورید |
| Mentha aquatica L. | فودنج نهری | دیسکورید |
| Origanum vulgare L. Mentha sylvestris L. Mentha officinalis Hull. = M.piperita L. | فودنج شائع، فودنج | الموسوعة |

دِرَاقُطِیون (Drakontion): به معنای «لوف الحَیَّه» و نام آن «فیلجوش» و «لوف الجَعْد» است و در مغرب به آن «صاره» و در اندلس «صَرَاخَة» و به زبان لاتینی عمومی «عَرَّغَنَیْته» گویند. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۴۹]

| | | |
|-------------|-----------------------------|--|
| زر. - طبای. | فیلجوش | <i>Colocasia antiquorum Shott.</i> <i>Arum colocasia L.</i> |
| دیسکورید | دراقتیون، فیلجوش، لوف الجعد | <i>Arum dracunculus L.</i> |
| الموسوعه | فیلجوش، تریاق اَبیض | <i>Arum sp.</i> |

۱۴۰۲ - فیلزهرج، فیلزهرج، فیلزهرج، فیلزهرج (نامی فارسی)، لوقیون: نام های دیگر آن: حُضْض هندی، درخت حضض - لوقیون - مرارة الفیل - نام عصاره: حضض - «رازی» می گوید: دارای سه نوع، هندی است و از زرشک گرفته می شود و نام عربی آن «حضض» و «لوقیون» است.

| | | |
|-------------|------------------|--|
| زر. - طبای. | فیلزهرج - لوقیون | <i>Lycium afrum L.</i> <i>Rhamnus infectoria L.</i> |
|-------------|------------------|--|

۱۴۰۳ - فیلون:

۱۴۰۴ - فیلطس: نام دیگر آن: نزد گیاهشناسان اندلس: ذنب الحِدَاة

حرف «ق»

۱۴۰۵ - قاتل ایبه، قاتل ایبه، قاتل ایبه: نام های دیگر آن: قوماروس - اَطیوس - قَطْلَب - وجه تسمیه آن: برای ماندن آن روی درخت تا پیدایش جوانه های تازه است.

قوماروس: به معنای «طُعْمَة الحَمراء» است و نام میوه آن «جَنَى الاحمر» و «قاتل ایبه» است و به درخت آن «شجر القَطْلَب» گویند، نام رومی آن «قاماریون» است و اهالی اندلس آن را «عصیر الدب» و عامه مغرب «آسانوا» نامند و به زبان لاتینی عمومی «مَطْرُونِه» (*Matronus*) نام دارد. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱۲۱ - ۱]

| | | |
|-------------|----------------------------------|-------------------------|
| الموسوعه | قاتل ایبه، قَطْلَب، قَطْلَب، بَج | <i>Arbutus sp.</i> |
| زر. - طبای. | قاتل ایبه | <i>Arbutus unedo L.</i> |
| دیسکورید | قومارس - قاتل ایبه | <i>Arbutus unedo L.</i> |

۱۴۰۶ - قاتل الدب: نام های دیگر آن: بارویشا - بارونوخیا، از اسم داحس گرفته شده چون موجب بهبودی آن است.

| | | |
|-------|---------------------|--------------------------------------|
| زریاب | قاتل الدب - باروخیا | <i>Paronychia serpyllifolia D.C.</i> |
|-------|---------------------|--------------------------------------|

۱۴۰۷ - قاتل العلق: نوع ماده «أناغلس» با گل آبی است.

۱۴۰۸ - قاتل الکلب، قاتل الکلب: نام های دیگر آن: خائق الکلب، کرنب الکلب - سطاخیس [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۷۳: به «خائق الذب» و «خائق الکلب» رجوع شود.]

| | |
|----------|---------------|
| الموسوعه | فاقل، قاقاليي |
|----------|---------------|

۱۴۱۷ - قاوند: (تخمی که از هندوستان می‌آورند) نام‌های دیگر آن: قیوند - فارسی: تخم قاوند - روستائیان شیراز: سربیل
۱۴۱۸ - قَتَاد، قَتَاد، قَتَاد، قَتَاد، قَتَاد: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: عربی: شجر القدس، مسواک القياد، مسواک المسيح - فارسی: گون، نوارس (قیچ نوعی از آن است)، گُم - شیرازی: بالش عاشقان - شجرة کثیراء^۱ عسانی^۲ گوید: پزشکان در مورد ماهیت آن اختلاف کرده‌اند گروهی آن را «شکاعی» و عده‌ای آن را «کثیراء» می‌دانند و...
بطريرون (Potirion) "سلیمان بن حسان" آن را نامی برای «عود الاراک» بادانه‌ای به نام «بَیر» دانسته در حالیکه گیاه «اراک» خاردار نیست. در عین حال من - ابن بیطار - آن را نمی‌شناسم. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۵]

ابن بیطار در کتاب جامع می‌گوید: این گیاه را من در کوه‌های لبنان شناختم که به آن «قَتَاد الأعظم» گفته می‌شود و ریشه‌های آن مشابه شبکه اعصاب است و هنگامیکه شکسته می‌شود شیرابه از آن خارج می‌گردد.

| | | |
|---|-----------------------------|------------|
| <i>Acacia senegalensis</i> | سَنَط السَنغال، قتاد، هَشاب | الموسوعه |
| <i>Acacia senegal Willd</i> <i>Astragalus tragacantha L.</i> | قتاد | زر. - طبأ. |
| <i>Astragalus poteriumL.</i> <i>Astragalus arnacantha M.</i> | بطريون، (قتاد الاعظم) | ديسكوريد |
| <i>Astragalus gummifera</i> | قتاد | خطابی |

سیکس ایماروس (*Sikus hemeros*): نام «قثاء البستانی» است و اهالی مغرب به آن «فقوس» گویند. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیکورید) ۲ - ۱۱۹ و ۳ - ۱۵]

| | | |
|-----------------------------|---|------------|
| <i>Cucumis sativus</i> L. | قثاء | زر. - طبا. |
| <i>Cucumis flexuosus</i> L. | | |
| <i>Cucumis sativus</i> L. | سیفس ایمارس، قثاء بستانی، فقوس | دیسکورید |
| <i>Cucumis sativus</i> L. | خیار، قنڈسیفس ایمارس، قثاء بستانی، فقوس | الموسوعه |
| <i>Cucumis sativus</i> L. | فَقُوس، قَثَاء، مِقْتی، قَتی، قُشُر | الموسوعه |
| <i>Cucumis flexuosus</i> L. | قثاء | خطابی |
| <i>Cucumis sativus</i> L. | خیار | خطابی |

۱۴۲۰ - قِثَاءُ الْحَمَارِ، قِثَاءُ الْحَمَارِ، قِثَاءُ الْحَمَارِ، قِثَاءُ الْحَمَارِ، قِثَاءُ الْحَمَارِ، قِثَاءُ الْحَمَارِ، قِثَاءُ الْحَمَارِ (نامی عربی)، اومادا (نام عصاره): نام‌های دیگر آن: عربی: مشط الذنب؛ - فارسی: خیارزه اسپند، خیارخر، سماهنگ، کربز، خیارزره سفید - یونانی: شقوشینا، اسفیراداغویوس - هندی: کرمی، کچری تلخ - رومی: اغرو سو قومیس - سریانی: قطبی حمارا - قِثَاءُ الْبَرِّ - اندلس: عِلْقَم - قُوسُ الْحَمِير - نام میوه به یونانی: اطرئون - نام عصاره آن به رومی: الطیرون و اطرئون - اونودیا

| | | |
|--|---|----------|
| <i>Momordica elaterium</i> L. = <i>Cucumis asininus</i> Willd. | قثاء الحمار - اصفهان: کوژسگی، کموژکمل، خرخیار | پارسا |
| <i>Momordica elaterium</i> L. <i>Ecballium elaterium</i> <i>Elaterium officinale</i> <i>Elaterium agreste</i> | قثاء بری، ققوس الحمیر، عوزور، اطرینون | الموسوعه |
| <i>Ecballium elaterium</i> Rich. <i>Momordica elaterium</i> L. | قثاء الحمار | زریاب |
| <i>Ecballium elaterium</i> Rich. | قثاء الحمار | خرزایی |

۱۴۲۱ - قثاء الحیة، قثاء الحیه: نام دیگر آن: زراوند الطویل^ع
 ۱۴۲۲ - قثد (نامی عربی) قثل، خیارس، جلجمانا، قثد، بزر القثد، جلمات، قثد، خیارس:
 نام‌های دیگر آن: عربی: قثد - فارسی: خیارس خوراک، خیارس باذرنگ - شیرازی: خیارس دراز، خیارس بالنک -
 خراسانی: خیارس بادرنگ - هندی: کهپرا - فرنگی: کوکوابرس - رومی: تیطراانگورن (*Tetraggouron*)،
 کیطروناکوس - عراق: خیارس - حجاز: قثد - خراسان: خیارس باذرنگ - نام‌های بذر آن: تخم خیارس - شیرازی: خیارس
 بالنک - "رازی" می‌گوید: «جلجمانا» نام «خیارس» است.^ع - در الانبیه آمده: «قثد» را «خیارس» گویند.^ع

| | | |
|---------------------------|-------------|--------------------|
| <i>Cucumis sativus</i> L. | قثد - خیارس | زر. - الم. - طبای. |
|---------------------------|-------------|--------------------|

۱۴۲۳ - قذروس: نام دیگر آن: شجرالقطران^ع

| | | |
|--|--------------------|-------|
| <i>Cedrus libani</i> Bar. <i>Juniperus oxycedrus</i> L. | قذروس - شجرالقطران | زریاب |
|--|--------------------|-------|

۱۴۲۴ - قثی: (نام دانه)

۱۴۲۵ - قدح مریم، قدح مریم: نام دیگر آن: یونانی: قوطولیون^ع

۱۴۲۶ - قراض، قراض، قراض: "ابوقتیة" آن را «بابونج» می‌داند و غیر او آن را نامی برای «أقحوان»^ع.

| | | |
|---|-------------------------|----------|
| <i>Utrica pillulifera</i> L. <i>Anthemis nobilie</i> L. <i>Matricaria chamomilla</i> L. | قراض | زریاب |
| <i>Utrica</i> sp. | قراض، قریص، حریق، أنجرة | الموسوعه |

۱۴۲۷ - قراضیا، قراضیا، قراضیا، قراضیا، قراضیا: نام‌های دیگر آن: اهالی صقلیه: قراضیاالبعلبکیه^ع - جاشیا^ع - رومی:
 کراضیا، قراضیا، قراضیا: اهل صقلیه: چراضیا - اهل مغرب و اندلس و فاس: حب الملوک^ع - اهل دمشق:
 قراضیا، قراضیا بعلبکی^ع - فارسی: گنار (گیله نار)^ع - شیرازی: آلی باقلی^ع - به فارسی شیرین آن را «گیلاس» و ترش
 آن را «آلبوعلی» و عوام آن را «آلبالو»، «آلبولی» و «آلی بالی» گویند.^ع - سه نوع بود شیرین، ترش و عقص^ع

| | | |
|-------------------------|-------------------------------|-------|
| <i>Cerasus avium</i> L. | آلبالو | پارسا |
| <i>Prunus avium</i> L. | گیلاس - خلار - علی کک - آلوکک | پارسا |

| | | |
|--|---------------------------------|----------|
| <i>Prunus cerasifera</i> Erth. | قَرَاصِیا | الموسوعه |
| <i>Prunus cerasia</i> B.R. <i>Prunus avium</i> L. | قَراسِیا | طباطبائی |
| <i>Prunus cerasia</i> B.R. <i>Prunus avium</i> L. | قَراسِیا | زریاب |
| <i>Prunus cerasia</i> B.R. | قَراسِیا | خطابی |
| <i>Prunus avium</i> L. | Kashmir: Gilas | GLO.IN. |
| <i>Prunus cerasia</i> B.R. | Hendia: Alubalu - Panjab: Gilas | GLO.IN. |

۱۴۲۸ - قَرَطَارِغُون، قَرَطَاغُون^۷، قَرَطِیَارِغِیون^۸: نام دیگر آن: گندم صحرایی^۹

۱۴۲۹ - قَرَطَاط: (نامی ترکی)

۱۴۳۰ - قَرالنا^{۱۰}: درختی است بزرگ که در کوهستان های سردسیر روید.

۱۴۳۱ - قَرانیا^{۱۱}:

| | | |
|--|------------------|----------|
| <i>Cornus</i> sp. <i>Matricaria chamomilla</i> L. | قُرَنوس، قَرانیا | الموسوعه |
| <i>Cornus mas</i> <i>Cornus sanguinea</i> | قَرانیا | EN. |

۱۴۳۲ - قَرثمن^{۱۲}: نام دیگر آن در شهر مالت اندلس: قرن الأیل^{۱۳}

۱۴۳۳ - قَرَّةُ العین، قَرَّةُ العین^{۱۴}، قَرَّةُ العین^{۱۵}: بیشتر در آبهای راکد می روید. نام های دیگر آن: جرجیر الماء^{۱۶}، کرفس الماء^{۱۷} - یونانی: دیقورس^{۱۸}، سلینون^{۱۹}، افوسالیون به معنای کرفس الماء - سریانی: کرشاش^{۲۰} - رومی: سیون^{۲۱} - فارسی: کنگر آبی^{۲۲} - مصر و صقلیه و اسکندریه: بقول المائده^{۲۳} - اقرون^{۲۴}

سیسُمَبْرِیون: (*Sisumbrion*) نزد اهالی مغرب به «حُرُف الماء»، «فُجُل الماء» و «جرجیر الماء» معروف است و عامه مردم به آن «قَرُونُش» (*Acoriones*) گویند. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۱۲]

| | | |
|---|-----------------------|----------|
| <i>Nasturtium officinale</i> R.Br. <i>Anthemis nobilie</i> L. <i>Matricaria chamomilla</i> L. | قَرَّةُ العین، قَرَّة | الموسوعه |
| <i>Sium latifolium</i> <i>Matricaria officinale</i> | قَرَّةُ العین | خطا. EN. |

۱۴۳۴ - قَرَدِمَنا، قَرَدِمَنا^{۲۵}، قَرَدِمَنا^{۲۶}، قَرَدِمَنا^{۲۷}، قَرَدِمَنا^{۲۸}، قَرَدِمَنا^{۲۹}، قَرَدِمَنا^{۳۰}، قَرَدِمَنا^{۳۱}، قَرَدِمَنا^{۳۲}: نام های دیگر آن: قَرَطَمَنا^{۳۳}، قَرَدِمَنا^{۳۴}، قَرَدِمَنا^{۳۵}، قَرَدِمَنا^{۳۶} - یونانی: قَرَدامون^{۳۷} - کروییای دشتی^{۳۸} - فارسی: کَرَوِیا رومی^{۳۹} - قَرَدامومون^{۴۰} - فریقان^{۴۱} - گیاهشناسان اندلس: کَرَوِیا الجبلیه^{۴۲} - نام های تخم آن: فارسی: تخم توخره^{۴۳} - شیرازی: تخم ترخر^{۴۴}، تخم پدران^{۴۵}

قَرَدامومون (*Kardamomon*): نام های دیگر آن عبارتند از: قَرَدِمَنا - کرویا جبلیه - قَرَناد - قَرَنفاد (عرب به این گیاه قافله

گوید.) [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۵]

| | | | |
|-------------------------------------|----------|---|----------|
| <i>Lagoecia cuminoides</i> L. | نوع کوچک | قردما - قردمانا - قردامومون | زریاب |
| <i>Elletaria cardamomum</i> Wh.&ma. | نوع بزرگ | قردامون - قردمانا - کرویا جبلیه | دیسکورید |
| <i>Amomum melegueta</i> Ros. | | قرنبا - قرفناد - (قاقله) | |
| <i>Cardamina amara</i> L. | | خَسَاة، قُرْدُمَا، قرنبا، قرفناد، (قاقله) | الموسوعه |
| <i>Cardamina</i> sp. | | قُرْدُمَا | EN. |

۱۴۳۵ - قَرَصَعَنَه (نامی عربی)، شوکه زرقاء، شوکه یهودیه، قرصعنه، قرصونه: نام‌های دیگر آن: حافظ النحل - اهل شام: شوکه ابراهیم، شجرة ابراهیم - فرنگی: اریزجیم - عامه اندلس: شوکه ابراهیم - بقله یهودیه - نوعی از آن: تفاح الجمل - دیسکورید: ایرنجی - چند قسم است: نام نوعی از آن: فارسی: بیوه‌زا - نام نوعی: قرصعنه جبلی - نام‌های نوعی دیگر: قرصعنه مسدس - مازندرانی و لنگ و تنکابن: ششکاک (مخفف شش شاخ) نوعی از خار و دارای انواع بسیار است و در سنگستانها و زمینهای خشن و در ریگ بومها روید... بیخ آن به درازی سه گزیل یا زیاده است و مؤلف گوید به زبان قومی که زنبور عسل می‌دارند آن را «خارخسک» گویند و به شیرازی «سزه» و در صحراهای شیراز بسیار بود و زنبور عسل گل وی را دوست دارد.

ایرنجی (*Erunge*) گیاه خاردار با نام سریانی «قَرَصَعَنَه» (*Qersa anna*) و نام‌های «شوکه السوداء» و «شوکه اليهودیه» و «شوکه الزرقاء» است و دارای دو نوع سفید و آبی است و در برخی از کتاب‌های پزشکان با نام «جَنْبِ قَابِظَه» (*Centumcapita*) آمده که آنها نیز دو نوع سفید و آبی آن را تأیید کرده‌اند و به لاتینی به آن «پِیْرَاطَه» (*Piperito*) یعنی «شوکه المغنفل» گویند و آن گیاهی از شهرهای اسکندریه است و جالینوس آن را «ایرنجان» نامیده است. [این بيطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۲۱]

| | | |
|----------|--|--------------------------|
| الموسوعه | قَرَصَعَنَه، قَرَصَعَنی، شوک عَقْرَبانی، شِنداب اُکْریتی | <i>Eryngium creticum</i> |
|----------|--|--------------------------|

۱۴۳۶ - قُرْط، قُرْط، قُرْط، قُرْط: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: فارسی: شیدر، شیدار - اصفهانی: شودر - نام میوه آن: رسین - نوعی در مصر به نام «ذراع» و میوه آن به نام «رسیم» است.

| | | |
|----------|-------------------------------------|---------------------------------|
| زریاب | قرط | <i>Trifolium alexandrium</i> L. |
| الموسوعه | خندقوق صغیر الزهر، قُرْط، مَحْبِلَه | <i>Melilotus parviflora</i> |

۱۴۳۷ - قُرْطُم، قُرْطُم، قُرْطُم، قُرْطُم، قُرْطُم، قُرْطُم: نام‌های دیگر آن: سریانی: خریع، کشنی - فارسی: کاکیان، کاهیان، کاجیل - جالینوس: قنیقوس - عربی: احریضه، قِرْطُم، حب العصفرة، بردالحریض - فارسی: خشک دانه، تخم کافشه - گیلانی: تخم کاجره، تخم کازیره - هندی: کروکسینه، کابیچ - رومی: قنطادوس - یونانی: اطرقطوس، فنیفس - نام نوع بری: فنیفس اغریون (یعنی اصفر بری) - فاس: عَصْفَرَه

| | | |
|--------------|--|--------------------------------|
| ز. - خ. - ط. | قرطم | <i>Carthamus tinctorius</i> L. |
| الموسوعه | قُرْطُم، قِرْطُم، اخریض، بهزم، بهزمان، مُزْتَق | <i>Carthamus</i> sp. |
| EN. | قُرْطُم | <i>Carthamus</i> sp. |

۱۴۳۹ - قُرْطُم بری، قُرْطُم بری، قرطم بری، طریفا: نام‌های دیگر آن: سجزی: سونک - در کتاب دیسکورید: اطرقطولس - یونانی: انطرقطولس، فیغن اغریون - شیرازی: انکر، نکریز

| | | |
|---|--|------------|
| <i>Carthamus lanatus</i> L. | قرطم بری | زر - طباً. |
| <i>Carthamus lanatus</i> L. <i>Kentrophyllum lanatum</i> | قرطم صوفی، شَوَارِب، عَنَثَر، قرطم بری | الموسوعه |

۱۴۴۰- قرطم هندی^۴، قرطم هندی^۵: گویند نام «حب النیل» است^۶ و می گویند دانه‌ای است که از هند می‌آورند.
۱۴۴۱- قُرطمان^۷، قُرطمان^۸، قُرطمان^۹، قرطمانا^{۱۰}، هرطمان^{۱۱}، هرطمان^{۱۲}: ؟ «معرب «هرطمان» فارسی است.^{۱۳} نام دیگر آن: فاس: خرطال^{۱۴} - گویند همان «جلبان» است.^{۱۵}

| | | |
|------------------------|--|----------|
| <i>Avena sativa</i> L. | خَرْطَال زراعی، شوفان زراعی، قُرْطُمان | الموسوعه |
| <i>Avena sativa</i> L. | قُرْطُمان مزروعی | خطابی |
| <i>Avena fatua</i> L. | قرطمان بری | |

۱۴۴۲ - قَرْظُ، قَرْظٌ، قَرْظًا، قَرْظٌ، قَرْظٌ، سَبْتٌ^۵: قرظ معرب «کرت» فارسی است.^۶ - نام‌های دیگر آن: فارسی: بزغند^۷ - عربی: سَبْتٌ^۸ - سریانی: خفجرو میثا^۹ - یونانی: عرصمودون^{۱۰} - هندی: کیکر^{۱۱} - مصری: سنط^{۱۲}، صنط^{۱۳} نام‌های میوه: سنط^{۱۴} - قرظ - هندی: کیکر کارس^{۱۵} - میوه «شوکه مصریه» معروف به «سنط»^{۱۶} است. نام عصاره میوه: اقاقیا^{۱۷} - هندی: کیکر^{۱۸} - فرنگی: اکاکیا^{۱۹} - «صمغ عربی» از این گیاه است.^{۲۰} خار مصریست که آن را «سنط» گویند و از ثمره آن عصاره می‌گیرند و آن را «اقاقیا» گویند.^{۲۱}

| | | |
|---|-----------------------------------|----------|
| <i>Acacia arabica</i> W. <i>Mimosa arabica</i> Lam. <i>Mimosa nilotica</i> L. | سَنَط عربي، قُرْظ، شُوكة قِيطِيَه | الموسوعه |
| <i>Acacia arabica</i> W. <i>Mimosa arabica</i> Lam. <i>Mimosa nilotica</i> L. | قرظ | زرياب |
| <i>Acacia arabica</i> W. <i>Mimosa arabica</i> Lam. <i>Mimosa nilotica</i> L. | قرظ | خطابی |
| <i>Mimosa nilotica</i> L. | قرظ | EN. |

۱۳۴۳ - قرط^۷: نوعی «رطبه» است که در مصر می‌کارند و برگ آن بزرگتر از «رطبه» است و چهارپایان آن را می‌خورند و فرجه می‌شوند.^۸

۱۴۴۴ - قَرَع؛ قَرَع، قَرَع، قَرَع، قَرَع، یَقْطِین، حب القَرَع؛ نام‌های دیگر آن: عربی: قَرَع؛ فارسی: کدو، هندو: کدو، قیرع - ترکی: قباق؛ سریانی: قرأ، قرا - رومی: فلوقرنیا، قولوقونثا - یونانی: قروفا، قلوفا، قولوقونثس - گیاه به عربی «یقطین» و میوه آن «دبا» نام دارد. دارای انواعی است: نام‌های نوعی: فارسی: کدوی تلخ - هندی: تونبری - عربی: قَرَع المُرّ - نام‌های نوعی به هندی: دیسندس - نام‌های نوع دیگر به هندی: پیتته - بنگالی: کونده - نام‌های نوعی: مزوبه - فارسی: کدو مکّه - هندی: کدیمه

| | | |
|---|-----------------|----------|
| <i>Cucumis colocynthis</i> L. = <i>Citrullus colocynthis</i> Schrad. | كدو بيبابانی | پارسا |
| <i>Cucurbita pepo</i> L. <i>Cucurbita langenaria</i> كدو سراجی | كدو | پارسا |
| <i>Cucurbita</i> sp. | قَزَع، يَفْطِين | الموسوعه |

| | | |
|---|-----|------------|
| <i>Cucurbita maxima Duch.</i> | قرع | زریاب |
| <i>Cucurbita maxima Duch.</i> <i>Cucurbita pepo L.</i> | قرع | زر. - طبا. |

۱۴۴۵ - قِرْفَه، قِرْفَه، قِرْفَه: نوعی دارصینی - نام‌های دیگر آن: هندی: طج، تج - سندی: حادطج

| | | |
|---------------------------------|------|------------|
| <i>Cinnamomum zeylanicum N.</i> | قرفه | زر. - طبا. |
|---------------------------------|------|------------|

۱۴۴۶ - قِرْقِیون^۴: (نامی یونانی) نام دیگر آن: کُبَابَه^۵ - گروهی تصور می‌کنند نام «سباسة» است ولی اینچنین نیست.^۶

۱۴۴۷ - قِرْقِیْمَان، قِرْقِیْمَان: ؟ در درون تنه درختِ مقلِ حجازی و صعیدی و خرما بوجود می‌آید.^۷

۱۴۴۸ - قِرْم، قِرْم^(۱): قرم

| | | |
|--|-----|-------|
| <i>Avicennia officinalis L.</i> <i>Seura marina Fo.</i> | قرم | زریاب |
|--|-----|-------|

۱۴۴۹ - قِرْنُفْل، قِرْنُفْل، قِرْنُفْل، قِرْنُفْل، قِرْنُفْل: ؟ دو جنس است نر و ماده - نام‌های دیگر آن: هندی: لُونْگ، لُونْکھل،

لُونْک، بانکریزی کلوف - قِرْنُفُول^۸ - یونانی: غرنیواس^۹ - رومی: قِرْفِلون^{۱۰} - فارسی: میخک^{۱۱}

| | | |
|--|------------|----------|
| <i>Clinopodium montanum (L.) Kuntz.</i> | حب القرنفل | پارسا |
| <i>Eugenia aromatica Baill.</i> <i>Eupatoria cannabinum L.</i> | قرنفل | پارسا |
| <i>Caryophyllus aromaticus L.</i> <i>Eugenia caryophyllata Thunb.</i> | قرنفل | زر.، EN. |
| <i>Syzygium aromaticus (L.) Merr.</i> | قرنفل | طباطبانی |
| <i>Dianthus sp.</i> <i>Eupatoria cannabinum L.</i> | قرنفل | الموسوعه |
| <i>Dianthus caryophyllus L.</i> <i>Eugenia caryophyllata</i> | قرنفل | خطابی |

۱۴۵۰ - قِرْنُفْل شامی^{۱۲}: نام دیگر آن: قِرْنُفْلِیَه^{۱۳} (نامی مغربی)

۱۴۵۱ - قِرْنُفْل: گروهی گفته‌اند نام «قِرْنُفْل» است.^{۱۴}

۱۴۵۲ - قِرُون السنبل، قِرُون السنبل: ؟ برخی گویند نوعی «سنبل سفید» است کشته شده است و در میان «سنبل» یابند و گویند

بیخ «خانق النمر» است و صاحب منهاج گوید دواء کشته شده است.^{۱۵} [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید): به «سنبل» رجوع شود.]

| | | |
|---------------------------------|---------------------------------------|----------|
| <i>Nardostachys sampharitke</i> | ناردس سنفاریطیقی - سنبل - قرون السنبل | دیسکورید |
|---------------------------------|---------------------------------------|----------|

۱۴۵۳ - قِرَاح، قِرَاح: (نامی مغربی) نوعی «رازیانج» که مورد چرای شتر قرار می‌گیرد.^{۱۶} نام دیگر آن: اعراب افریقا:

علجان^{۱۷} - شیراز: کَهه، کَماه^{۱۸} - قِرُون^{۱۹}

۱۴۵۵ - قسا: نام دیگر سلیخه

| | | |
|-----------------------------------|----------------|----------|
| <i>Cinnamomum zeylanicum</i> Var. | قسا - سلیخه | زریاب |
| <i>Cinnamomum cassia</i> Boiss. | | |
| <i>Cinnamomum cassia</i> Boiss. | قَسِیا - سلیخه | دیسکورید |

| | | |
|-------------------------------|------------------------|----------|
| <i>Aucklandia costus</i> Fal. | قسط - قسط - کست | زریاب |
| <i>Saussurea lappa</i> Clarke | | |
| <i>Costus albus</i> A.Chev. | قسط شیرین | پارسا |
| <i>Costus amarus</i> Rad. | قسط کشمیری - قسط تلخ | پارسا |
| <i>Cistus ladaniferus</i> | قسط | طباطبائی |
| <i>Costus speciosus</i> Sm. | قسطس - قسط - قسط - کست | دیسکورید |
| <i>Costus arabicus</i> L. | قسط | خطابی |

| | | |
|--------------------------------|--------|----------|
| <i>Stachys betonica</i> Benth. | قسطرون | ديسکورید |
| <i>Betonica officinalis</i> L. | قسطرون | EN. |

| | | |
|---------------------|------|-----------|
| <i>Hedera helix</i> | قسط | طبباطبائی |
| <i>Hedera helix</i> | یذرہ | خطابی |

| | |
|--|------------------------------------|
| <i>Ashbia gossypii</i> <i>Nematospora corylii</i> <i>Spermophthora gossypii</i> <i>Eramothecium ashybii</i> | قَشْبِيَّة، قَشْبِيَّة الموسوعة |
|--|------------------------------------|

| | | |
|----------|-----------------------------|-------------------------------|
| الموسوعه | فَصَّةٌ مُسْجَرَةٌ، فَصَّاص | <i>Medicago arborea</i> Mill. |
|----------|-----------------------------|-------------------------------|

| | | |
|--|------------|----------|
| <i>Arundo phragmites</i> L. <i>Arundo donax</i> L. <i>Phragmites communis</i> Trin | بوص، قصب | الموسوعه |
| <i>Arundo phragmites</i> L. <i>Arundo donax</i> L. <i>Phragmites communis</i> Trin | قصب | زرياب |
| <i>Arundo donax</i> | قصب الهند | خطابی |
| <i>Phragmites communis</i> | قصب السياج | خطابی |
| <i>Acorus calamus</i> | قصب | EN. |

۱۴۶۴ - قصب الذریره، قصب الذریره، قصب الزریره، قصب الذیره، ذریره، قُمَحَة: (نامی عربی) نام های دیگر آن: فارسی: ننی نهاوندی، برکینبه - عربی: قصب بوا - سریانی: قساریسم - یونانی: ارمنیقون، فالاس - رومی: اقیاقیلونی - هندی: چرایتا، چرایته - فرنگی: کالد امانک - نام گیاه در کتاب جالینوس: فالاموس اروماتیکوس - قصب الذریره - قُمَحَة - نام نوع دیگر آن به هندی نیپال است.

قلاُمُسْ أَرُومَاتِيكُس (*Kalamos aromaticos*): قصب الزريرة - قلاَمَس - قَمَحَة [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۸]

| | | |
|-----------|---|--|
| طب. - خط. | قصب الذريره | <i>Acorus calams L.</i> <i>Andropogona martini</i> |
| زریاب | قصب الزريره | <i>Swertia chirata Ham.</i> <i>Acorus calams L.</i> <i>Andropogona martini Roxb.</i> |
| دیسکورید | قلاُمُسْ أَرُومَاتِيكُس، قصب الزريرة | <i>Acorus calams L.</i> |
| الموسوعه | عود الوَجْ، عَزَقْ أَكُورْ، وَجْ، أَيْكِرْ، قصب الزريرة | <i>Acorus calams L.</i> <i>Acorus aromaticus Gilib.</i> |
| EN. | قصب الزريرة | <i>Calamus aromaticus</i> |

۱۴۶۵ - قَصَبُ السُّكَّرِ، قَصَبُ السُّكَّرِ، قَصَبُ السُّكَّرِ، قَصَبُ السُّكَّرِ: نام های دیگر آن: فارسی: نیشکر^۱ - هندی: اوکھے، کاندھ، کنه، پوندا^۲ - نام عصاره: عسل القصب^۳

| | | |
|--------------|--------------------------------|---------------------------------|
| ز. - خ. - ط. | قصب السكر | <i>Saccharum officinarum L.</i> |
| الموسوعه | قصب السُّكَّرِ، مُصَان، بَزُوم | <i>Saccharum officinarum L.</i> |

۱۴۶۶ - قَضَابُ مِصْرِي^۴، قَضَابُ مِصْرِي^۵: در مصر نام عربی نوع بزرگ آن «عصی الراعی» است.^۶ «ابن یطار» می گوید: «قَضَاب» تنها در شهرهای مصر وجود دارد و آنگونه که عده می پندارند «عصا الراعی» نیست، بلکه گیاهی است که دیسکورید در مقاله چهارم خود آن را به یونانی «قَلِیْمَاصِیس» نامیده است.^۷

| | | |
|----------|---------------------------------|--------------------|
| الموسوعه | قَضَابُ صَغِير، قَضَابُ مِصْرِي | <i>Vinca minor</i> |
|----------|---------------------------------|--------------------|

۱۴۶۷ - قَضَب^۸: نام های دیگر آن: رطبه و فصفصة^۹

| | | |
|----------|-----------------------------------|---------------------|
| الموسوعه | قَضَب، فِصَّة، رَطْبَة، فِصْفَصَة | <i>Medicago sp.</i> |
|----------|-----------------------------------|---------------------|

۱۴۶۸ - قَضَمُ قَرِيش^{۱۰}: نام های دیگر آن قم قریش^{۱۱} است که به «بزر تنوب» می گویند و به «خرنوب» نیز می گویند و «صاحب جامع» گوید آن «حب صنوبر صغار» است و در این مورد جای بحث است و گویند «حب صنوبر کبار» است.^{۱۲}

۱۴۶۹ - قَطَرَاتُ كُوْتِي^{۱۳}: (نامی فارسی)

۱۴۷۰ - قَطْف^{۱۴}، قَطْف^{۱۵}، قَطْف^{۱۶}: (نامی عربی) نام های دیگر آن: در کتاب جالینوس: اطفکسوس^{۱۷} - سریانی: قَطْبَا^{۱۸}، قَرطَف^{۱۹} - عربی: سَرْمَق^{۲۰}، سَرْمَق^{۲۱}، سَرْمَق^{۲۲}، سَرْمَق^{۲۳}، سَرْمَق^{۲۴}، سَرْمَق^{۲۵}، سَرْمَق^{۲۶}، سَرْمَق^{۲۷}، سَرْمَق^{۲۸}، سَرْمَق^{۲۹}، سَرْمَق^{۳۰}، سَرْمَق^{۳۱}، سَرْمَق^{۳۲}، سَرْمَق^{۳۳}، سَرْمَق^{۳۴}، سَرْمَق^{۳۵}، سَرْمَق^{۳۶}، سَرْمَق^{۳۷}، سَرْمَق^{۳۸}، سَرْمَق^{۳۹}، سَرْمَق^{۴۰}، سَرْمَق^{۴۱}، سَرْمَق^{۴۲}، سَرْمَق^{۴۳}، سَرْمَق^{۴۴}، سَرْمَق^{۴۵}، سَرْمَق^{۴۶}، سَرْمَق^{۴۷}، سَرْمَق^{۴۸}، سَرْمَق^{۴۹}، سَرْمَق^{۵۰}، سَرْمَق^{۵۱}، سَرْمَق^{۵۲}، سَرْمَق^{۵۳}، سَرْمَق^{۵۴}، سَرْمَق^{۵۵}، سَرْمَق^{۵۶}، سَرْمَق^{۵۷}، سَرْمَق^{۵۸}، سَرْمَق^{۵۹}، سَرْمَق^{۶۰}، سَرْمَق^{۶۱}، سَرْمَق^{۶۲}، سَرْمَق^{۶۳}، سَرْمَق^{۶۴}، سَرْمَق^{۶۵}، سَرْمَق^{۶۶}، سَرْمَق^{۶۷}، سَرْمَق^{۶۸}، سَرْمَق^{۶۹}، سَرْمَق^{۷۰}، سَرْمَق^{۷۱}، سَرْمَق^{۷۲}، سَرْمَق^{۷۳}، سَرْمَق^{۷۴}، سَرْمَق^{۷۵}، سَرْمَق^{۷۶}، سَرْمَق^{۷۷}، سَرْمَق^{۷۸}، سَرْمَق^{۷۹}، سَرْمَق^{۸۰}، سَرْمَق^{۸۱}، سَرْمَق^{۸۲}، سَرْمَق^{۸۳}، سَرْمَق^{۸۴}، سَرْمَق^{۸۵}، سَرْمَق^{۸۶}، سَرْمَق^{۸۷}، سَرْمَق^{۸۸}، سَرْمَق^{۸۹}، سَرْمَق^{۹۰}، سَرْمَق^{۹۱}، سَرْمَق^{۹۲}، سَرْمَق^{۹۳}، سَرْمَق^{۹۴}، سَرْمَق^{۹۵}، سَرْمَق^{۹۶}، سَرْمَق^{۹۷}، سَرْمَق^{۹۸}، سَرْمَق^{۹۹}، سَرْمَق^{۱۰۰}

أَنْدَرُوَأَفَقْسُس: سَرْمَق^{۱۰۱} - سَرْمَق^{۱۰۲} - بَقْلُ الرُّوم - بَقْلُ الذَّهَبِي ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۰۴:

| | | |
|----------|---|------------------------------|
| دیسکورید | أندروافقسس، سَرْمَق، قَطْف، بَقْلُ الرُّوم، بَقْلُ الذَّهَبِي | <i>Atriplex hortensis L.</i> |
| الموسوعه | سَرْمَق، قَطْف | <i>Atriplex sp.</i> |

| | | |
|--|----------------------|----------|
| <i>Atriplex hortensis</i> L. | قطف آبیش، سرمق آبیش | الموسوعه |
| <i>Commiphora kataf</i> En. <i>Balsamodendron kataf</i> | قَطَف | الموسوعه |
| <i>Atriplex hortensis</i> L. <i>Atriplex rosea</i> L. | قطف - اطفکسوس - قرطف | زریاب |
| <i>Atriplex hortensis</i> L. <i>Atriplex hastata</i> L. | قطف | طبا، EN. |

۱۴۷۱ - قطف بحری، قطف بحری^۵، قطف بحری^۶، تلش^۷: نام‌های دیگر آن: ملوخ^۸ - شام: ملوح^۹ - یونانی: ملح^{۱۰}، لیمون^{۱۱} - ارماس - ملّاح
 أَلیمون (Halimon): نام‌های دیگر آن عبارتست از: ملوخ - قطف بحری - نام گیاه در کتاب جالینوس: ملّیح [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱-۲]

| | | |
|----------------------------|-----------------------------------|----------|
| <i>Atriplex halimus</i> L. | أَلیمون - ملوخ - قطف بحری - ملّیح | دیسکورید |
| <i>Atriplex halimus</i> L. | سرمق بحری، قطف بحری، حلیم | الموسوعه |

۱۴۷۲ - قُطْلَب^{۱۲} (نامی شامی)، عصیر الدب^{۱۳} (میوه)، قُطَلَب^{۱۴}: نام‌های دیگر آن: عربی: قاتل ابیه^{۱۵} - به لغت عجمیت اندلس: مطردیه^{۱۶}، مطرونیة^{۱۷} - اندلس: عصى الدب^{۱۸}، عصیر الدب^{۱۹} - یونانی: قوماریس^{۲۰}، قوماورس^{۲۱} - نام‌های میوه آن: جنی الاحمر^{۲۲}، جناء الاحمر^{۲۳} - قدس: نقیب^{۲۴} - یونانی: باقولا^{۲۵}
 قوماروس (Komaros): تفسیر آن «طُعْمَة حَمْرَاء» است و نام دیگر آن «جَنَى الْأَحْمَر» و نوعی از گیاه «قاتل ابیه» است و به آن «شجر القُطْلَب» و به رومی «قاماریون» و به زبان اندلسی به آن «عصیر الدب» و اهالی مغرب به آن «أساسنوا» و به لاتینی عمومی «مَطْرُونِيَة» گویند. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱-۱۳۱]

| | | |
|-------------------------|--|----------|
| <i>Arbutus unedo</i> L. | قوماروس، طعّمة حمراء، شجر القُطْلَب، قاماریون عصیر الدب، اساسنوا، مطرونیة، قاماریون | دیسکورید |
| <i>Arbutus</i> sp. | قُطْلَب، قُطْلَبْ بَیْج، قاتل ابیه عصیر الدب، اساسنوا، مطرونیة، قاماریون | الموسوعه |

۱۴۷۳ - قُطْن^{۲۶}، قُطْن^{۲۷}، قُطْن^{۲۸}، قُطْن^{۲۹}، قُطْن^{۳۰}، خیشفوج^{۳۱} (دانه)، طوط^{۳۲}، عُطَب^{۳۳}، قُضْم^{۳۴}، قُطْن^{۳۵} (نامی عربی)، کُرسف^{۳۶}، برس^{۳۷}، بَزَس (نوع بری)^{۳۸}، حب القطن^{۳۹}، عطب^{۴۰}، قُصْم (نوع کهنه)^{۴۱}: نام‌های دیگر آن: عربی: کرسف^{۴۲}، برشف^{۴۳}، طوط^{۴۴}، عصب الحرف^{۴۵}، شحم الارض^{۴۶} - نام نوع تازه آن: قوز^{۴۷} - نام‌های نوع کهنه آن: قُصیم^{۴۸} - فارسی: پنبه^{۴۹} - ترکی: ماقوق^{۵۰}، بینوق^{۵۱} - هندی: دوئی^{۵۲} - نام گیاه آن: کپاس^{۵۳} - نام شکوفه آن: کپاس کاپهول^{۵۴} - نام دانه آن: بنوله^{۵۵} - خِیسفُوج^{۵۶}، جنسِ سفُوج^{۵۷} - فارسی: پنبه دانه^{۵۸}

| | | |
|----------------------------|-----------------------------------|------------|
| <i>Gossypium herbaceum</i> | قطن | زر. - طبا. |
| <i>Gossypium</i> spp. | پنبه | پارسا |
| <i>Gossypium</i> sp. | قُطْن، بَزَس، طُوط، عُطُطْ، کُرسف | الموسوعه |

۱۴۷۴ - قُطیفه^{۵۹}: نام دیگر آن: غساقالس^{۶۰}

| | | |
|----------|--|-----------------------|
| طباطبانی | قَطِیفَه، عَصِیرالدب، اساسنوا، مطرونیه، قاماریون | <i>Tagetes erecta</i> |
|----------|--|-----------------------|

۱۴۷۵ - قَعْبَلٌ، قَعْبَلٌ، قَعْبَلٌ؟ نام های دیگر آن: یونانی: سقراطیون، سفلاریقون - در کتاب دیسکورید: فنقراطیون^۴
بنقراطیون (*Pankration*): نوعی پیاز «عنصل» است با این تفاوت که کوچکتر از آن است و این گیاه بجای «عنصل» مورد استفاده قرار می گیرد و آن را «فانقراطیون» می نامند. - ابن بیطار در کتاب جامع خود آن را معادل «قعبل» می داند. - [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۵۴]

| | | |
|----------|-------------------------------|--------------------------------|
| دیسکورید | بنقراطیون - فانقراطیون (قعبل) | <i>Pancratium maritimum L.</i> |
|----------|-------------------------------|--------------------------------|

۱۴۷۶ - قَعْنَبٌ، قَعْنَبٌ: نام های دیگر آن: عجم اندلس: طرنیه - اهالی بادیه: لعاس - نام مشترک با «شیر» و «روباه نر»^۴
و «ناخن بازو» و گیاهی است که به عجمیت اندلس «طرسه» یا «طرنه» نام دارد.^۴
۱۴۷۷ - قفلوط، قفلوط: نوعی کزاث شامی^۴

| | | |
|----------|--|---------------------------|
| الموسوعه | کُزَاث عَمَقْلُون، کُزَاث اندلسی، کزاث أبوشوشه، قُفلوط | <i>Allium ascalonicum</i> |
|----------|--|---------------------------|

۱۴۷۸ - قَقُورٌ، قَقُورٌ: نباتی است که «قطا» بر آن چرا کند.^۴
۱۴۷۹ - قَلَانُشٌ، قَلَانُشٌ: نام دیگر آن: بخوخ المروج^۴
۱۴۸۰ - قَلَامٌ، قَلَامٌ، مَلَاخٌ: نام های دیگر آن: عربی: شجرة الغسلین، مَلَاخٌ - کُشْمَلْنَجٌ - قاقلا^۴

| | | |
|----------|-----------------|--|
| الموسوعه | قَلَامٌ | <i>Conandron sp.</i> |
| زریاب | قَلَامٌ - قاقلا | <i>Cakile maritima Scop.</i> |
| خطابی | قَلَامٌ - ملاح | <i>Androsaces sp.</i> <i>Androsaces lactea L.</i> |

۱۴۸۱ - قَلْبٌ، قَلْبٌ، قَلْبٌ، قَلْبٌ: نام های دیگر آن: یونانی: لبلیس فرسن^۴ یعنی بذر حجری - عجمیت اندلس: سجس افراغیه^۴ (به معنای «کاسر الحجر») - فارسی: سنگ سبویه^۴ - کلب^۴ - لسوالسومر^۴ «ابن ماسویه» می گوید: دانه ای است هندی همانند دانه «کتان» ولی اندکی بزرگتر و تیره رنگ.^۴
لیثسفرمن (*Lithospermon*): برگردان عربی این نام یونانی «بزر الحجر» است و به عربی به آن «قَلْب» گویند. زیرا بسیار سخت و سفید است به لاتینی آن را «شخفراغنه» به معنای «کاسر الحجر» شکنده سنگ یا «مُشْطِیه» گویند و این گیاه نهایت اثر را در شکستن سنگ دارد و بذر آن مدور، سخت و براق است و در شهرهای اندلس بسیار یافت می شود و در بازار داروئی خرید و فروش می شود. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۶]

| | | |
|----------|-------------------------------------|-----------------------------------|
| دیسکورید | لیثسفرمن، بزرالحجری، کاسرالحجر، قلب | <i>Lithospermum officinale L.</i> |
|----------|-------------------------------------|-----------------------------------|

۱۴۸۲ - قَلْجُونَه: نام های دیگر آن نزد اهالی آفریقا و بعضی از عرب ها: قیروان^۴ - کرنجونه^۴
۱۴۸۳ - قَلْسُوفُودِیُونٌ، قَلْسُوفُودِیُونٌ: (نامی یونانی)
۱۴۸۴ - قَلْقَاسٌ، قَلْقَاسٌ، قَلْقَاسٌ، قَلْقَاسٌ: (نامی عربی) نام های دیگر آن: رومی: قَلْقَاسٌ، اوذی تغس^۴ - سریانی: قَلْقَاسی^۴ - هندی: اروی^۴ - دکهنی: چمکدلا^۴ - بنگالی: کچو^۴ - فاس: قرقاز^۴

| | | |
|---|-------|------------|
| <i>Colacasia antiquorum</i> Sch. <i>Colacasia esculenta</i> L. <i>Arum esculenta</i> L. | فلقاس | الموسوعه |
| <i>Colacasia antiquorum</i> Sch. <i>Arum colocasia</i> L. | فلقاس | زر. - طبأ. |
| <i>Arum colocasia</i> L. | فلقاس | خطابی |

۱۴۸۵ - قَلِيلٌ، قَلِيلٌ، قَلِيلٌ، قَلَقٌ، حَبُّ الْقُلُقُوتِ، حَبُّ الْقُلُقُوتِ؟، قَلِقْلٌ، قَلِقْلَانٌ

| | | |
|-----------------------------|---------------------------|----------|
| <i>Crotalaria retusa</i> L. | فلقل | زرياب |
| <i>Cassia tora</i> L. | | |
| <i>Cassia tora</i> L. | سناڤرى، قَلْقَل، قُلَاقِل | الموسوعه |
| <i>Dolchos</i> sp. | قَلْقَل | BN. |

۱۴۸۶ - قَلْقُونِيَا، قَلْقُونِيَا: "خافقی" می‌گوید: صمغ صنوبر معروف به «قوفا» است.^۱ - نام‌های دیگر آن: در کتاب نام گیاه در کتاب "جالینوس"؛ عِلْكَ - در کتاب "حنین": راتینج^۲ - به شیرازی: زنگباری^۳

۱۴۸۷ - قَلْوُمُس: نامی یونانی به معنای اذان‌الدب^۴ - "رازی" آن را «بوسیر» دانسته است.^۵

۱۴۸۸ - قَلْوَمَائِن: (نامی یونانی) نام‌های دیگر آن: شجرة ابي مالک^۶ - شام: صابون القاف^۷، صابون الشياب^۸، ظفر القط^۹

فلومائن (Klumenon): ابن حسان نام لاتینی این گیاه را «اونیاغانه» می‌داند که به معنای «اظفار القط» است. این گیاه را خود می‌شناسم و غیر از این نامی برای آن نمی‌دانم. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۳]

| | | |
|----------|--------------------|---------------------------------|
| دیسکورید | فلومان - اونباغاتہ | <i>Leonicea periclymenon</i> L. |
|----------|--------------------|---------------------------------|

۱۴۸۹ - قلی: خاکستر درخت «طاق» است. نام‌های دیگر آن: فارسی: شخار - رومی: اسطوریقون - سریانی: قلیا - هندی: ساجی، سچی و نام یک نوع دیگر آن: «کالو»

| | | |
|---|--|---------------------|
| <p><i>Salicornia herbacea</i> L.</p> <p><i>Cassia tora</i> L.</p> | <p>اشنان القلى - قلى، أبوقابس، خُرَيْس</p> | <p>الم. - طبيا.</p> |
|---|--|---------------------|

۱۴۹۰ - قُمَيْحَه : نام دیگر آن: قصب الذريره

۱۴۹۱ - قنیل، قنیل:

| | | |
|--------------------------------------|------------------|----------|
| <i>Rottlera tinctoria</i> Roxb. | قنبيل | زرياب |
| <i>Mallotus philippinensis</i> Mull. | | |
| <i>Mallotus</i> sp. | قنبيل، ورس ملوتا | الموسوعه |
| <i>Mallotus philippinensis</i> | قنبيل | طباطباني |

۱۴۹۲ - قنی، قنا، شعاریر (قنا صغیر) : عامه مغرب : کلخ - یونانی : نرئقش

نَرْتَقَس (Narthekeos): گیاهی است که در اندلس به نام «کَلَخ الکبیر» معروف است و به آن «شجر القنا» گویند و جالینوس به آن «نارتکس» گوید. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۷۳]

| | | |
|----------|------------------------|---------------------------|
| الموسوعه | قنا | <i>Canna sp.</i> |
| دیسکورید | نرتقس - کلخ کبیر - قنا | <i>Ferula communis L.</i> |
| EN. | قنا | <i>Ferula communis L.</i> |

۱۴۹۳ - قُنَابَری، قُنَابَری، قُنَابَری، قُنَابَری، قُنَابَری (نامی عربی یا نبطی)، برغشت، تملول، شجرة البهق، شجرة البهق، غُمْلُول، تمیم، غُمْلُول: نام های دیگر آن: بَطی: قُنَابَری - عربی: عملول، قملول، نملول، تملول، غُمْلُول، تملول، تمول - فوهق، فوهل، شجرة البهق - یونانی: قیفهیمالون - سیستان: بچند - ری: هنجمک، کنکران - رومی: قبارومبدوس - خراسانی: برغشت - فارسی: بزندیو بخند، برغشت، برغشت - شیرازی: شُبزه، سوده، سوره - اصفهانی: موجه - تُرید - گوزغت^(۱)
سَقْلِیَّاس (Asklepias): جالینوس به آن «قُنَابَری» گوید و در شام نیز به همین نام مشهور است ولی مشخصات آن با «سقلیاس» متفاوت است و من - ابن بیطار - این گیاه را نمی شناسم. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۸۷]

| | | |
|----------|-----------------|----------------------------------|
| زر - طب. | قنابری | <i>Lepidium draba L.</i> |
| | | <i>Plumbago europaea L.</i> |
| دیسکورید | سقلیاس - قنابری | <i>Asclepias vincetoxicum L.</i> |

۱۴۹۴ - قُنْب، قُنْب، قُنْب، شاهدانق (بز القنّب)، شهدانج، شهدانج (بزر)، شهدانج قُنْب (نامی عربی یا معرب کنب فارسی) نام های دیگر آن: ابق - یونانی: ودیفرونس، قنابس، قنابوس - سریانی: قنبیرا - رومی: کتانی - فارسی: کنب، بَنک - هندی: بهنک - ورق الخیار، جزو اعظم، حشیش، حشیشه الفقرا - نشاط افزا، فلک تاز، عرش نما - حبة المساکین - شهوت انگیز - مونس الهموم - چتر اخضر - زمرد رنگ - برگک - مغرب: قنب - "ابن بیطار" می گوید: نوع سوم «قنب» را «قنب هندی» گویند و من غیر از مصر در جای دیگری آن را ندیده ام. - سه نوع بری، بستانی و هندی است. «قنب هندی» را به شیرازی «بنک» و «سر» و به پارسی «حشیش» و بعضی وی را «حزو اعظم» گویند.

قُنَابَش (Kannabis): نام های دیگر آن عبارتست: قُنْب - شهدانج - شاذانق [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۸۷]

| | | |
|----------|------------------------------------|----------------------------|
| دیسکورید | قُنَابَش - قُنْب - شهدانج - شاذانق | <i>Cannabis sativa L.</i> |
| EN. .. | قُنْب | <i>Cannabis sativa L.</i> |
| EN. | قُنْب البری | <i>Cannabis sylvestris</i> |

۱۴۹۵ - قُنْبِیْط، قُنْبِیْط: نام های دیگر آن: فارسی: کلم رومی، کلم کرد - شام و بغداد: بیض العیار

| | | |
|----------|----------------------|--|
| الموسوعه | قُنْبِیْط، قُنْبِیْط | <i>Brassica oleracea var. botrytis</i> |
|----------|----------------------|--|

۱۴۹۶ - قُنْطُورِیُون، قُنْطُورِیُون، قُنْطُورِیُون، قُنْطُورِیُون، جتوریة، قُنْطُورِیُون کبیر، قُنْطُورِیُون کبیر، قُنْطُورِیُون صغیر،

۱۴۹۸ - قوطامه:

۱۴۹۹ - قُوطِلْدُون، قوطلیدون، قوطولیدون: (نامی یونانی) نام های دیگر آن: یونانی: قومالیون^۱ - مغرب: زلایف الملوك^۲، بشانق^۳، اذان القسيس^۴ (زیرا برگ آن شبیه به ترازوئی است که به زبان یونانی «قطولی» نام دارد)، سفائق^۵ - عربی: کاسات^۶ (زیرا برگ آن شبیه به کاسه است).

قوطلیدون (*Kotuledon*): نام دیگر آن «کأس» است زیرا مشابه ظروف کوچکی به نام «سکارچ» می باشد و عوام شهرهای ما به آن «المصاق» گویند زیرا برگی پهن دارد و به «اذان القسيس» و «زلائف الملوك» نیز مشهور است.

این گیاه در بام ها و دیوار خانه ها و صخره کوه ها می روید و دو نوع دارد و نوع دوم آن را اهالی مصر «اذنة» (یا ادنه) نامند. [این بیطار

(در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۸۳]

| | | |
|----------|---|-----------------------------------|
| دیسکورید | قوطلیدون، كأس، اذان القسس، زلائف الملوك | <i>Cotyledon lusitanicus Lam.</i> |
|----------|---|-----------------------------------|

۱۵۰۰ - قوفی^۷: (نامی یونانی) نام دیگر آن: بخور^۸ - همچنین به درخت «أرز» نیز گفته می شود.

۱۵۰۱ - قوقالس^۹: نام های دیگر آن: عجمی اندلس: إقجاله^{۱۰}

۱۵۰۲ - قونیزا^{۱۱}، قونیزا^{۱۲}: نام «طَباق» است ولی بطریق نام آن را «تَبْنوت» می داند که اشتباه است.

۱۵۰۳ - قولانی^{۱۳}: «جوی» است که از هندوستان آرند.

۱۵۰۴ - قومن^{۱۴}: نام های دیگر آن: مرز^{۱۵} - رازی: مئث^{۱۶}

۱۵۰۵ - قيصوم، قيصوم، قيصوم، قيصوم، قيصوم (نامی عربی)، أَرْطَمِيسَا، أَرْطَمَاسَا: نوعی برنجاسف^{۱۷} - نام های دیگر آن: عربی: قيصوم، قيصوم، جنجاث^{۱۸}، رطاس^{۱۹} قيسوم^{۲۰} - یونانی: شوصر^{۲۱} - رومی: ارطاماسیا، اطمینا^{۲۲} - فارسی: برنجاسف^{۲۳}، بلنجاسف^{۲۴}، برنجاسب^{۲۵}، فلسب^{۲۶}، فریرسب^{۲۷}، بوی ماذران^{۲۸} بوی مادران^{۲۹}، برتراسک^{۳۰} - شیراز: سرزردک^{۳۱} - سجستان: بَرَبَر^{۳۲} - هندی: کندنا^{۳۳}، کندمار^{۳۴} - غسانی^{۳۵} می گوید قيصوم دارای انواع فراوانی است در عین حال در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «شیخ ارمنی» می دانند و عده ای بر این اعتقادند که «افستین» است.

أَبْرُوطُون (*Abrotonon*): نام «قيصوم» است و دارای دو پایه نر و ماده است و کسی که آن را «برنجاسف» نامیده دچار اشتباه

شده است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۵]

| | | |
|----------|--|--|
| زریاب | ارطمیسا - قيصوم - جنجاث | <i>Artemisia vulgaris L.</i> |
| دیسکورید | ابروطنون - قيصوم (نوع اول) (نوع دوم) | <i>Achillea fragrantissima Sch.</i> <i>Artemisia abrotonon L.</i> |
| الموسوعه | قيصوم، أبْرُوطُون، ریحان الأرض، مِسْك الْجَن | <i>Artemisia abrotonon L.</i> |
| طباطبانی | قيصوم | <i>Artemisia abrotonon L.</i> |
| خطابی | قيصوم (ذکر) قيصوم (انثی) | <i>Artemisia abrotonon L.</i> <i>Achillea fragrantissima Sch.</i> |

۱۵۰۶ - قَيَقَهْر، قَيَقَهْر، قَيَقَهْر: نام های دیگر آن: یونانی: قیقهن^{۳۶}، قنقهر^{۳۷}، قینهر^{۳۸} - عربی: شجر^{۳۹} - فارسی: لعل معبری^{۴۰} هندی: رال^{۴۱}، دهونه^{۴۲}؟

۱۵۰۷ - قيمص^{۴۳}:

۱۵۰۸ - قینا^{۴۴}: نوعی بقله الحمقاء^{۴۵}

حرف «ک»

۱۵۰۹ - کات: نام مشترک «برنجی» در شوشتر و صمغ درخت هندی به نام «کیهر»^۱
 ۱۵۱۰ - کاذی؛ کاذی^۲، کاذی^۳، کاذی^۴ (لغت عربی اهل یمن یا لغت هندی است.)، کاوی^۵، کدر^(۱): گویند طلعی است و «ابن سمجون» گوید بیشتر در زمین هند باشد و درخت آن مانند درخت خرما است... و مؤلف گوید بدانچه محق و مشهور است گلی است که در بحرین و نواحی عمان و در مناطق گرمسیر شیراز روید و آن را «گل کیدی» گویند. و بوی بسیار خوش دارد حتی جامه که بوی آن بگیرد تا مدت‌ها آن بوی زایل نگردد.^۲ نوع کوچک آن «کیتکی» نام دارد.^۱ - نام‌های دیگر آن: عربی: کدر^۱ - هندی: کیوار^۲، گل کیوره^۳ - اصفهان: کیده^۴

| | | |
|----------------------------------|-----------------|-----------|
| <i>Pandanus odoratissimus L.</i> | کاذی - گل کیوره | زر. - طب. |
| <i>Pandanus sp.</i> | کاذی | الموسوعه |

۱۵۱۱ - کاشم^۱، کاشم^۲، کاشم^۳، کاشم^۴، کاشم^۵، کاشم رومی^۶: از هدبات و نوعی جنبه (نامی عربی یا فارسی) نام‌های دیگر آن: رومی: لویسطیقون^۷ - یونانی: قنالیون^۸، لیفستیقون^۹ ساسالی^{۱۰}، لیفطیغون^{۱۱}، لیفسطیقون^{۱۲}، سیالیوس - سریانی: نیلی یشا^{۱۳} - رومی: کملاون^{۱۴} - گویند نام «انجدان رومی» است.^{۱۵} - تخم آن به فارسی «گل‌پر» نام دارد.^{۱۶} رازی آن را «زوفر» می‌داند.^{۱۷} بعضی گفته‌اند نوع چهارم «سیسالیون» که با نام یونانی «طرویین» است.^{۱۸} «آشبیلی» می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را بذر «کلخ» و گروهی نوعی «انجدان» و بعضی «سالیون» یا «بسطیقون» که همان «انجدان رومی» و «کمون رومی» است، می‌دانند. - نام نوعی از آن: سسالیون - کاشم صینی - منفوخه - بَلَه بانته - بَلَراله - نوعی «ابی دالس» نام‌های نوع دیگر آن: فول الشعال - کاشم الریفی - طریدلیون - اقریطون - فاناقس خیرونیون - انطبذه - نام‌های نوع دیگر آن: سسالیوس و سناتیا یعنی سنوت الجبلی - سنوت یعنی کمون - کمون الملوکی - طغارنه - طغاره - فلیفله - کاشم صغیر: طَرَح النواتیه - خُراء النواتیه - رَجَل البازی^{۱۹}
 لیفسطیقون (*ligustikon*): نام «کاشم» است و اهالی انطالیا به آن «رُزُغْد» گویند و آن را با گوشت بجای گیاه «التویل» می‌پزند.
 [این یطارد (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۴۸]

| | | |
|---|--------------------------------|-----------|
| <i>Levisticum officinale Koch.</i> | کاشم - لیفسطیقون - ززغد | دیسکورید |
| <i>Levisticum officinale Koch.</i> | اَنجَدان رومی، کاشم، کاشم رومی | الموسوعه |
| <i>Levisticum officinale Koch.</i> <i>Ligusticum levisticum L.</i> | کاشم | زر. - طب. |
| <i>Levisticum officinale Koch.</i> | کاشم رومی | خطابی |
| <i>Seseli tortuosum L.</i> | کاشم | خطابی |

۱۵۱۲ - کافور^۱، کافور^۲، کافور^۳، کافور^۴، کافور^۵، کافور^۶، کافور^۷، کافور^۸، کافور^۹، کافور^{۱۰}، کافور^{۱۱}، کافور^{۱۲}، کافور^{۱۳}، کافور^{۱۴}، کافور^{۱۵}، کافور^{۱۶}، کافور^{۱۷}، کافور^{۱۸}، کافور^{۱۹}، کافور^{۲۰}، کافور^{۲۱}، کافور^{۲۲}، کافور^{۲۳}، کافور^{۲۴}، کافور^{۲۵}، کافور^{۲۶}، کافور^{۲۷}، کافور^{۲۸}، کافور^{۲۹}، کافور^{۳۰}، کافور^{۳۱}، کافور^{۳۲}، کافور^{۳۳}، کافور^{۳۴}، کافور^{۳۵}، کافور^{۳۶}، کافور^{۳۷}، کافور^{۳۸}، کافور^{۳۹}، کافور^{۴۰}، کافور^{۴۱}، کافور^{۴۲}، کافور^{۴۳}، کافور^{۴۴}، کافور^{۴۵}، کافور^{۴۶}، کافور^{۴۷}، کافور^{۴۸}، کافور^{۴۹}، کافور^{۵۰}، کافور^{۵۱}، کافور^{۵۲}، کافور^{۵۳}، کافور^{۵۴}، کافور^{۵۵}، کافور^{۵۶}، کافور^{۵۷}، کافور^{۵۸}، کافور^{۵۹}، کافور^{۶۰}، کافور^{۶۱}، کافور^{۶۲}، کافور^{۶۳}، کافور^{۶۴}، کافور^{۶۵}، کافور^{۶۶}، کافور^{۶۷}، کافور^{۶۸}، کافور^{۶۹}، کافور^{۷۰}، کافور^{۷۱}، کافور^{۷۲}، کافور^{۷۳}، کافور^{۷۴}، کافور^{۷۵}، کافور^{۷۶}، کافور^{۷۷}، کافور^{۷۸}، کافور^{۷۹}، کافور^{۸۰}، کافور^{۸۱}، کافور^{۸۲}، کافور^{۸۳}، کافور^{۸۴}، کافور^{۸۵}، کافور^{۸۶}، کافور^{۸۷}، کافور^{۸۸}، کافور^{۸۹}، کافور^{۹۰}، کافور^{۹۱}، کافور^{۹۲}، کافور^{۹۳}، کافور^{۹۴}، کافور^{۹۵}، کافور^{۹۶}، کافور^{۹۷}، کافور^{۹۸}، کافور^{۹۹}، کافور^{۱۰۰}، کافور^{۱۰۱}، کافور^{۱۰۲}، کافور^{۱۰۳}، کافور^{۱۰۴}، کافور^{۱۰۵}، کافور^{۱۰۶}، کافور^{۱۰۷}، کافور^{۱۰۸}، کافور^{۱۰۹}، کافور^{۱۱۰}، کافور^{۱۱۱}، کافور^{۱۱۲}، کافور^{۱۱۳}، کافور^{۱۱۴}، کافور^{۱۱۵}، کافور^{۱۱۶}، کافور^{۱۱۷}، کافور^{۱۱۸}، کافور^{۱۱۹}، کافور^{۱۲۰}، کافور^{۱۲۱}، کافور^{۱۲۲}، کافور^{۱۲۳}، کافور^{۱۲۴}، کافور^{۱۲۵}، کافور^{۱۲۶}، کافور^{۱۲۷}، کافور^{۱۲۸}، کافور^{۱۲۹}، کافور^{۱۳۰}، کافور^{۱۳۱}، کافور^{۱۳۲}، کافور^{۱۳۳}، کافور^{۱۳۴}، کافور^{۱۳۵}، کافور^{۱۳۶}، کافور^{۱۳۷}، کافور^{۱۳۸}، کافور^{۱۳۹}، کافور^{۱۴۰}، کافور^{۱۴۱}، کافور^{۱۴۲}، کافور^{۱۴۳}، کافور^{۱۴۴}، کافور^{۱۴۵}، کافور^{۱۴۶}، کافور^{۱۴۷}، کافور^{۱۴۸}، کافور^{۱۴۹}، کافور^{۱۵۰}، کافور^{۱۵۱}، کافور^{۱۵۲}، کافور^{۱۵۳}، کافور^{۱۵۴}، کافور^{۱۵۵}، کافور^{۱۵۶}، کافور^{۱۵۷}، کافور^{۱۵۸}، کافور^{۱۵۹}، کافور^{۱۶۰}، کافور^{۱۶۱}، کافور^{۱۶۲}، کافور^{۱۶۳}، کافور^{۱۶۴}، کافور^{۱۶۵}، کافور^{۱۶۶}، کافور^{۱۶۷}، کافور^{۱۶۸}، کافور^{۱۶۹}، کافور^{۱۷۰}، کافور^{۱۷۱}، کافور^{۱۷۲}، کافور^{۱۷۳}، کافور^{۱۷۴}، کافور^{۱۷۵}، کافور^{۱۷۶}، کافور^{۱۷۷}، کافور^{۱۷۸}، کافور^{۱۷۹}، کافور^{۱۸۰}، کافور^{۱۸۱}، کافور^{۱۸۲}، کافور^{۱۸۳}، کافور^{۱۸۴}، کافور^{۱۸۵}، کافور^{۱۸۶}، کافور^{۱۸۷}، کافور^{۱۸۸}، کافور^{۱۸۹}، کافور^{۱۹۰}، کافور^{۱۹۱}، کافور^{۱۹۲}، کافور^{۱۹۳}، کافور^{۱۹۴}، کافور^{۱۹۵}، کافور^{۱۹۶}، کافور^{۱۹۷}، کافور^{۱۹۸}، کافور^{۱۹۹}، کافور^{۲۰۰}، کافور^{۲۰۱}، کافور^{۲۰۲}، کافور^{۲۰۳}، کافور^{۲۰۴}، کافور^{۲۰۵}، کافور^{۲۰۶}، کافور^{۲۰۷}، کافور^{۲۰۸}، کافور^{۲۰۹}، کافور^{۲۱۰}، کافور^{۲۱۱}، کافور^{۲۱۲}، کافور^{۲۱۳}، کافور^{۲۱۴}، کافور^{۲۱۵}، کافور^{۲۱۶}، کافور^{۲۱۷}، کافور^{۲۱۸}، کافور^{۲۱۹}، کافور^{۲۲۰}، کافور^{۲۲۱}، کافور^{۲۲۲}، کافور^{۲۲۳}، کافور^{۲۲۴}، کافور^{۲۲۵}، کافور^{۲۲۶}، کافور^{۲۲۷}، کافور^{۲۲۸}، کافور^{۲۲۹}، کافور^{۲۳۰}، کافور^{۲۳۱}، کافور^{۲۳۲}، کافور^{۲۳۳}، کافور^{۲۳۴}، کافور^{۲۳۵}، کافور^{۲۳۶}، کافور^{۲۳۷}، کافور^{۲۳۸}، کافور^{۲۳۹}، کافور^{۲۴۰}، کافور^{۲۴۱}، کافور^{۲۴۲}، کافور^{۲۴۳}، کافور^{۲۴۴}، کافور^{۲۴۵}، کافور^{۲۴۶}، کافور^{۲۴۷}، کافور^{۲۴۸}، کافور^{۲۴۹}، کافور^{۲۵۰}، کافور^{۲۵۱}، کافور^{۲۵۲}، کافور^{۲۵۳}، کافور^{۲۵۴}، کافور^{۲۵۵}، کافور^{۲۵۶}، کافور^{۲۵۷}، کافور^{۲۵۸}، کافور^{۲۵۹}، کافور^{۲۶۰}، کافور^{۲۶۱}، کافور^{۲۶۲}، کافور^{۲۶۳}، کافور^{۲۶۴}، کافور^{۲۶۵}، کافور^{۲۶۶}، کافور^{۲۶۷}، کافور^{۲۶۸}، کافور^{۲۶۹}، کافور^{۲۷۰}، کافور^{۲۷۱}، کافور^{۲۷۲}، کافور^{۲۷۳}، کافور^{۲۷۴}، کافور^{۲۷۵}، کافور^{۲۷۶}، کافور^{۲۷۷}، کافور^{۲۷۸}، کافور^{۲۷۹}، کافور^{۲۸۰}، کافور^{۲۸۱}، کافور^{۲۸۲}، کافور^{۲۸۳}، کافور^{۲۸۴}، کافور^{۲۸۵}، کافور^{۲۸۶}، کافور^{۲۸۷}، کافور^{۲۸۸}، کافور^{۲۸۹}، کافور^{۲۹۰}، کافور^{۲۹۱}، کافور^{۲۹۲}، کافور^{۲۹۳}، کافور^{۲۹۴}، کافور^{۲۹۵}، کافور^{۲۹۶}، کافور^{۲۹۷}، کافور^{۲۹۸}، کافور^{۲۹۹}، کافور^{۳۰۰}، کافور^{۳۰۱}، کافور^{۳۰۲}، کافور^{۳۰۳}، کافور^{۳۰۴}، کافور^{۳۰۵}، کافور^{۳۰۶}، کافور^{۳۰۷}، کافور^{۳۰۸}، کافور^{۳۰۹}، کافور^{۳۱۰}، کافور^{۳۱۱}، کافور^{۳۱۲}، کافور^{۳۱۳}، کافور^{۳۱۴}، کافور^{۳۱۵}، کافور^{۳۱۶}، کافور^{۳۱۷}، کافور^{۳۱۸}، کافور^{۳۱۹}، کافور^{۳۲۰}، کافور^{۳۲۱}، کافور^{۳۲۲}، کافور^{۳۲۳}، کافور^{۳۲۴}، کافور^{۳۲۵}، کافور^{۳۲۶}، کافور^{۳۲۷}، کافور^{۳۲۸}، کافور^{۳۲۹}، کافور^{۳۳۰}، کافور^{۳۳۱}، کافور^{۳۳۲}، کافور^{۳۳۳}، کافور^{۳۳۴}، کافور^{۳۳۵}، کافور^{۳۳۶}، کافور^{۳۳۷}، کافور^{۳۳۸}، کافور^{۳۳۹}، کافور^{۳۴۰}، کافور^{۳۴۱}، کافور^{۳۴۲}، کافور^{۳۴۳}، کافور^{۳۴۴}، کافور^{۳۴۵}، کافور^{۳۴۶}، کافور^{۳۴۷}، کافور^{۳۴۸}، کافور^{۳۴۹}، کافور^{۳۵۰}، کافور^{۳۵۱}، کافور^{۳۵۲}، کافور^{۳۵۳}، کافور^{۳۵۴}، کافور^{۳۵۵}، کافور^{۳۵۶}، کافور^{۳۵۷}، کافور^{۳۵۸}، کافور^{۳۵۹}، کافور^{۳۶۰}، کافور^{۳۶۱}، کافور^{۳۶۲}، کافور^{۳۶۳}، کافور^{۳۶۴}، کافور^{۳۶۵}، کافور^{۳۶۶}، کافور^{۳۶۷}، کافور^{۳۶۸}، کافور^{۳۶۹}، کافور^{۳۷۰}، کافور^{۳۷۱}، کافور^{۳۷۲}، کافور^{۳۷۳}، کافور^{۳۷۴}، کافور^{۳۷۵}، کافور^{۳۷۶}، کافور^{۳۷۷}، کافور^{۳۷۸}، کافور^{۳۷۹}، کافور^{۳۸۰}، کافور^{۳۸۱}، کافور^{۳۸۲}، کافور^{۳۸۳}، کافور^{۳۸۴}، کافور^{۳۸۵}، کافور^{۳۸۶}، کافور^{۳۸۷}، کافور^{۳۸۸}، کافور^{۳۸۹}، کافور^{۳۹۰}، کافور^{۳۹۱}، کافور^{۳۹۲}، کافور^{۳۹۳}، کافور^{۳۹۴}، کافور^{۳۹۵}، کافور^{۳۹۶}، کافور^{۳۹۷}، کافور^{۳۹۸}، کافور^{۳۹۹}، کافور^{۴۰۰}، کافور^{۴۰۱}، کافور^{۴۰۲}، کافور^{۴۰۳}، کافور^{۴۰۴}، کافور^{۴۰۵}، کافور^{۴۰۶}، کافور^{۴۰۷}، کافور^{۴۰۸}، کافور^{۴۰۹}، کافور^{۴۱۰}، کافور^{۴۱۱}، کافور^{۴۱۲}، کافور^{۴۱۳}، کافور^{۴۱۴}، کافور^{۴۱۵}، کافور^{۴۱۶}، کافور^{۴۱۷}، کافور^{۴۱۸}، کافور^{۴۱۹}، کافور^{۴۲۰}، کافور^{۴۲۱}، کافور^{۴۲۲}، کافور^{۴۲۳}، کافور^{۴۲۴}، کافور^{۴۲۵}، کافور^{۴۲۶}، کافور^{۴۲۷}، کافور^{۴۲۸}، کافور^{۴۲۹}، کافور^{۴۳۰}، کافور^{۴۳۱}، کافور^{۴۳۲}، کافور^{۴۳۳}، کافور^{۴۳۴}، کافور^{۴۳۵}، کافور^{۴۳۶}، کافور^{۴۳۷}، کافور^{۴۳۸}، کافور^{۴۳۹}، کافور^{۴۴۰}، کافور^{۴۴۱}، کافور^{۴۴۲}، کافور^{۴۴۳}، کافور^{۴۴۴}، کافور^{۴۴۵}، کافور^{۴۴۶}، کافور^{۴۴۷}، کافور^{۴۴۸}، کافور^{۴۴۹}، کافور^{۴۵۰}، کافور^{۴۵۱}، کافور^{۴۵۲}، کافور^{۴۵۳}، کافور^{۴۵۴}، کافور^{۴۵۵}، کافور^{۴۵۶}، کافور^{۴۵۷}، کافور^{۴۵۸}، کافور^{۴۵۹}، کافور^{۴۶۰}، کافور^{۴۶۱}، کافور^{۴۶۲}، کافور^{۴۶۳}، کافور^{۴۶۴}، کافور^{۴۶۵}، کافور^{۴۶۶}، کافور^{۴۶۷}، کافور^{۴۶۸}، کافور^{۴۶۹}، کافور^{۴۷۰}، کافور^{۴۷۱}، کافور^{۴۷۲}، کافور^{۴۷۳}، کافور^{۴۷۴}، کافور^{۴۷۵}، کافور^{۴۷۶}، کافور^{۴۷۷}، کافور^{۴۷۸}، کافور^{۴۷۹}، کافور^{۴۸۰}، کافور^{۴۸۱}، کافور^{۴۸۲}، کافور^{۴۸۳}، کافور^{۴۸۴}، کافور^{۴۸۵}، کافور^{۴۸۶}، کافور^{۴۸۷}، کافور^{۴۸۸}، کافور^{۴۸۹}، کافور^{۴۹۰}، کافور^{۴۹۱}، کافور^{۴۹۲}، کافور^{۴۹۳}، کافور^{۴۹۴}، کافور^{۴۹۵}، کافور^{۴۹۶}، کافور^{۴۹۷}، کافور^{۴۹۸}، کافور^{۴۹۹}، کافور^{۵۰۰}، کافور^{۵۰۱}، کافور^{۵۰۲}، کافور^{۵۰۳}، کافور^{۵۰۴}، کافور^{۵۰۵}، کافور^{۵۰۶}، کافور^{۵۰۷}، کافور^{۵۰۸}، کافور^{۵۰۹}، کافور^{۵۱۰}، کافور^{۵۱۱}، کافور^{۵۱۲}، کافور^{۵۱۳}، کافور^{۵۱۴}، کافور^{۵۱۵}، کافور^{۵۱۶}، کافور^{۵۱۷}، کافور^{۵۱۸}، کافور^{۵۱۹}، کافور^{۵۲۰}، کافور^{۵۲۱}، کافور^{۵۲۲}، کافور^{۵۲۳}، کافور^{۵۲۴}، کافور^{۵۲۵}، کافور^{۵۲۶}، کافور^{۵۲۷}، کافور^{۵۲۸}، کافور^{۵۲۹}، کافور^{۵۳۰}، کافور^{۵۳۱}، کافور^{۵۳۲}، کافور^{۵۳۳}، کافور^{۵۳۴}، کافور^{۵۳۵}، کافور^{۵۳۶}، کافور^{۵۳۷}، کافور^{۵۳۸}، کافور^{۵۳۹}، کافور^{۵۴۰}، کافور^{۵۴۱}، کافور^{۵۴۲}، کافور^{۵۴۳}، کافور^{۵۴۴}، کافور^{۵۴۵}، کافور^{۵۴۶}، کافور^{۵۴۷}، کافور^{۵۴۸}، کافور^{۵۴۹}، کافور^{۵۵۰}، کافور^{۵۵۱}، کافور^{۵۵۲}، کافور^{۵۵۳}، کافور^{۵۵۴}، کافور^{۵۵۵}، کافور^{۵۵۶}، کافور^{۵۵۷}، کافور^{۵۵۸}، کافور^{۵۵۹}، کافور^{۵۶۰}، کافور^{۵۶۱}، کافور^{۵۶۲}، کافور^{۵۶۳}، کافور^{۵۶۴}، کافور^{۵۶۵}، کافور^{۵۶۶}، کافور^{۵۶۷}، کافور^{۵۶۸}، کافور^{۵۶۹}، کافور^{۵۷۰}، کافور^{۵۷۱}، کافور^{۵۷۲}، کافور^{۵۷۳}، کافور^{۵۷۴}، کافور^{۵۷۵}، کافور^{۵۷۶}، کافور^{۵۷۷}، کافور^{۵۷۸}، کافور^{۵۷۹}، کافور^{۵۸۰}، کافور^{۵۸۱}، کافور^{۵۸۲}، کافور^{۵۸۳}، کافور^{۵۸۴}، کافور^{۵۸۵}، کافور^{۵۸۶}، کافور^{۵۸۷}، کافور^{۵۸۸}، کافور^{۵۸۹}، کافور^{۵۹۰}، کافور^{۵۹۱}، کافور^{۵۹۲}، کافور^{۵۹۳}، کافور^{۵۹۴}، کافور^{۵۹۵}، کافور^{۵۹۶}، کافور^{۵۹۷}، کافور^{۵۹۸}، کافور^{۵۹۹}، کافور^{۶۰۰}، کافور^{۶۰۱}، کافور^{۶۰۲}، کافور^{۶۰۳}، کافور^{۶۰۴}، کافور^{۶۰۵}، کافور^{۶۰۶}، کافور^{۶۰۷}، کافور^{۶۰۸}، کافور^{۶۰۹}، کافور^{۶۱۰}، کافور^{۶۱۱}، کافور^{۶۱۲}، کافور^{۶۱۳}، کافور^{۶۱۴}، کافور^{۶۱۵}، کافور^{۶۱۶}، کافور^{۶۱۷}، کافور^{۶۱۸}، کافور^{۶۱۹}، کافور^{۶۲۰}، کافور^{۶۲۱}، کافور^{۶۲۲}، کافور^{۶۲۳}، کافور^{۶۲۴}، کافور^{۶۲۵}، کافور^{۶۲۶}، کافور^{۶۲۷}، کافور^{۶۲۸}، کافور^{۶۲۹}، کافور^{۶۳۰}، کافور^{۶۳۱}، کافور^{۶۳۲}، کافور^{۶۳۳}، کافور^{۶۳۴}، کافور^{۶۳۵}، کافور^{۶۳۶}، کافور^{۶۳۷}، کافور^{۶۳۸}، کافور^{۶۳۹}، کافور^{۶۴۰}، کافور^{۶۴۱}، کافور^{۶۴۲}، کافور^{۶۴۳}، کافور^{۶۴۴}، کافور^{۶۴۵}، کافور^{۶۴۶}، کافور^{۶۴۷}، کافور^{۶۴۸}، کافور^{۶۴۹}، کافور^{۶۵۰}، کافور^{۶۵۱}، کافور^{۶۵۲}، کافور^{۶۵۳}، کافور^{۶۵۴}، کافور^{۶۵۵}، کافور^{۶۵۶}، کافور^{۶۵۷}، کافور^{۶۵۸}، کافور^{۶۵۹}، کافور^{۶۶۰}، کافور^{۶۶۱}، کافور^{۶۶۲}، کافور^{۶۶۳}، کافور^{۶۶۴}، کافور^{۶۶۵}، کافور^{۶۶۶}، کافور^{۶۶۷}، کافور^{۶۶۸}، کافور^{۶۶۹}، کافور^{۶۷۰}، کافور^{۶۷۱}، کافور^{۶۷۲}، کافور^{۶۷۳}، کافور^{۶۷۴}، کافور^{۶۷۵}، کافور^{۶۷۶}، کافور^{۶۷۷}، کافور^{۶۷۸}، کافور^{۶۷۹}، کافور^{۶۸۰}، کافور^{۶۸۱}، کافور^{۶۸۲}، کافور^{۶۸۳}، کافور^{۶۸۴}، کافور^{۶۸۵}، کافور^{۶۸۶}، کافور^{۶۸۷}، ک

۱۵۱۳ - کافوریوه^س: نام دیگر آن: کافور یهودی^س

| | | |
|-------|------------|-------------------------------|
| زریاب | کافور بویه | <i>Camphorosma glabrum L.</i> |
|-------|------------|-------------------------------|

۱۵۱۴ - کاکراسینکی^ف: (نامی هندی)

۱۵۱۵ - کاکنج^ف، کاکنج^س، کاکنج^ع، کاکنج^ث، کاکنج^ج، حب اللھق^ث، حب الکاکنج^ث، قسطولیدون^ث: معرب «کاکنه» فارسی است. نوعی از اغلات است.^ث - نوعی عروس در پرده است.^ث - نام های دیگر آن: اهالی فارس: عروسک پس پرده^ف - شیراز: کچومن^ف - یونانی: اوسفدنون^ف، بقغاین - سریانی: خمیری مرجا^ف - رومی: اسقیدولیون^ف - عربی: جوزالمزج^ف، حب اللھو^ث، عُب^ث - هندی: راجپونکه^ف، بن پوتکه^ف، بیر^س - لاتینی: هلیله کایم^ف - مرو: عروس در قبه^س - ماوراءالنهر: عروس رزانی^س، عروس در پرده^س - مغرب: حب اللھو^ع - عنب الثعلب^ع میفالا فالون^ث - نام میوه آن: فسولیدس^ع - فاس: عنب الثعلب^ع، عنب الذیپ^ع "خوزی" می گوید: دو گونه است: یکی را از ماه و اصفهان و شهرهای سردسیر می آورند.^ع قاطاجانس^ع گوید: کاکنج نوعی «عنب الثعلب» است که میوه اش سرخ است.^ع دو نوع است یک نوع به شیرازی «عروس در پرده» خوانند و یک نوع دیگر «کچومن» گویند و بهترین آن بزرگ سرخ کوهی است.^ث اشبیلی^ث می گوید: دارای انواعی است

۱ - بستانی با نام های: عنب الثعلب البستانی - القباب - سطرخونس - آبالش - فسولیدوس ۲ - نوع جیلی با نام های: سطرخونس فنجوش - بلیار - مودیان - غالبه ۳ - شوطی: سلطان الجبل - سطرخونس و قفالی ۴ - بری با نام های: اوبه قنینه - سطرخونس - زئرق - فنا - روبادوج - ثعاله - ثلثان - دریقنوں - مَجْنَن (دیوانه کننده) ۴ - مَنُوم با نام های: فارسون - قراسیون - برون - وربوعن^ث ۵ - مروج با نام های: کاکنج المروج - جوز القطاة - دروقنی - مراطولس^ث [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۶۵: به عنب الثعلب، رجوع شود.]

| | | |
|----------|--|---------------------------------|
| ز.خ.ط. | کاکنج | <i>Physalis alkekengi L.</i> |
| الموسوعه | حبة کاکنجیه، کاکنج، کُرزالقدس، شاش القاضی | <i>Physalis alkekengi L.</i> |
| GLO.IN. | India: Kaknaj | <i>Physalis alkekengi L.</i> |
| GLO.IN. | Bombay: Kaknaj - Hendia: Akri - Bengal: Ashvaganda | <i>Withania coagulans Dunal</i> |

۱۵۱۶ - کالاکوت^ف: (نامی هندی به معنای سیاه گل)۱۵۱۷ - کالی زیری^ف: (نامی هندی) نام دیگر آن: سوراج^ف

۱۵۱۸ - کبابه^ف، کبابه^س، کبابه^ع، کبابه^ث، کبابه^ج: (نامی عربی) نام های دیگر آن: عربی: حب العروس^ث - یونانی: مهیلیون^ف - رومی: فریغلیون^ف - هندی: کباب چینی^ف نوع بزرگ: حب العروس^ث - نوع کوچک: فلنجه^ث "غسانی" می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «حب العروس» می دانند و گروهی می گویند «آس البری» است و آن دانه ای همانند دانه «ریحان» است و در کوه های شام بسیار رویش یافته و بهمین دلیل با بهای اندکی خرید و فروش می شود و نزد ایشان به «دارکیسه» معروف است و در عراق به آن «دارکسنه» و «کبابه» گویند و از داروهای خوشبوست که نزد ما در فاس به «کبابه هندی» معروف است.^ع

| | | |
|----------|------------------------------|------------------------|
| ز.خ.پ.ط. | کبابه | <i>Piper cubeba L.</i> |
| الموسوعه | فلغل کبابه، حب العروس، کبابه | <i>Piper cubeba L.</i> |

۱۵۱۹ - کبات^ع، کبات^ث: گویند نام میوه «آراک» است و گویند نوعی از میوه «آراک» است.^ع

| | | |
|----------------------------------|------------------------|----------|
| <i>Salvadora persica</i> Gaertn. | كبات، شجر السواك، اراك | الموسوعة |
|----------------------------------|------------------------|----------|

السی^۳، تیسسی^۴ - نام های تخم آن: عربی «بَزْرُکْتَان» یا «بَزْرُکْتَان»^۵ - فارسی: تخم کتان^۶، کشدانک^۷، گوشک دانک^۸ - شیرازی: برزک - هندی: السی کابیچ^۹، تیسسی^{۱۰} - سغد و سمرقند و فرغانه: زغیر^{۱۱}، زغیره^{۱۲} اشبیلی^{۱۳} می گوید: دارای چهار نوع زراعی و غیر زراعی است. نام های زراعی آن عبارتست از: یونانی: لیئس فرمون - رومانی: لیناری - فارسی: قرمون و دارای دو نوع است: ۱- خلخل ۲- ابارتل یعنی باز شده زیرا بعد از رسیدن میوه پس از باز شدن، بذرها از آن خارج می شود. غیر زراعی آن در دو نوع است نام های آن عبارتست از: ۱- قنباله ۲- کتین - بربری: تیفتست ازوزغار^{۱۴} لیئس فرمون (*Linis permon*): به «بزر کتان» گویند و جالینوس آن را «الینو» می نامد. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲، ۸۸ و ۹۷]

| | | |
|----------|-------------------|-------------------------------|
| زریاب | کتان | <i>Linum usitatissimum L.</i> |
| دیسکورید | لینس برمون - کتان | <i>Linum usitatissimum L.</i> |
| الموسوعه | کتان | <i>Linum sp.</i> |

۱۵۲۶ - کتم^{۱۵}، کتم^{۱۶}، کتم^{۱۷}، کتم^{۱۸} (نامی عربی)، خطر^{۱۹}، فلفل القروء^{۲۰} (دانه)، فلفل القروء (دانه): نام های دیگر آن: فارسی: وسمه^{۲۱} - مازندران و تنکابن: شال حنی^{۲۲} (به معنای حنای شغال) - خطار^{۲۳} - نام نوعی به زبان بربری: زبوج^{۲۴} نام های نوع دیگر: زغیج - غشمر - فیلورا - اطیرنه - ازبوج - لطرنه^{۲۵}

| | | |
|-------|-----------|--|
| زریاب | کتم - خطر | <i>Isatis tinctoria L.</i> <i>Buxus dioica For.</i> |
| خطابی | کتم | <i>Buxus dioica For.</i> |

۱۵۲۷ - کتنه^{۲۶}، کتنه^{۲۷}:

۱۵۲۸ - کتبله^{۲۸}، کتبله^{۲۹}:

۱۵۲۹ - کثیراء^{۳۰}، کثیرا^{۳۱}، کثیراء^{۳۲}، کثیرا^{۳۳}، کثیراء^{۳۴}: صمغ گیاه خاردار در خراسان است و گویند صمغ «قتاد» است. نام های دیگر آن: صمغ القتاد^{۳۵} - فارسی: گون^{۳۶} - هندی: کتیرا^{۳۷}، جیر^{۳۸}، قادی^{۳۹} - یونانی: طراغافینا^{۴۰}، طراقافیا^{۴۱}، طراغاقانی^{۴۲}، دراغقنطی^{۴۳} - سریانی: انقت الا^{۴۴} - زول زده^{۴۵} - نام گیاه در کتاب دیسکورید: طراغاقنا^{۴۶} - اهالی یمن ریشه آن را «وجد» گویند.

طراغاقنا (*Traagakantha*): نام «شوگ القتاد» است و به صمغ آن «کثیراء» گویند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۰]

| | | |
|-----------|--|---|
| زر - طبا. | طراغاقانی - کثیراء | <i>Astragalus gummifera Lb.</i> <i>Astragalus tragacantha L.</i> |
| پارسا | کثیراء | <i>Astragalus gummifera Lb.</i> <i>Astragalus tragacantha L.</i> |
| الموسوعه | أسطراغالوس دَبَق، کثیراء بیضاء، قتاد الصمغ | <i>Astragalus gummifera Lb.</i> <i>Astragalus tragacantha L.</i> |
| دیسکورید | طراغاقنا - شوگ القتاد - کثیراء | <i>Astragalus tragacantha L.</i> |
| خطابی | کثیراء | <i>Astragalus tragacantha L.</i> |

۱- الموسوعة: گیاهی است کوهستانی با برگهایی مشابه برگ «آس» که نرم شده آن را برای حصاب استفاده می کنند و میوه ای مانند میوه «فلفل» دارد که هنگام رسیدن سیاه رنگ می شود و

گاهی از آن روع می گیرند. ۲- الموسوعة: الكتبة هي النخلة فاتت الید.

- ۱۵۳۰ - كثير الروؤس^ع، كثير الروؤس^ع: نام دیگر آن: یونانی: بولوقتیمن^ع - بعضی «قرصنة» را نیز به این نام ذکر کرده‌اند.^ع
- ۱۵۳۱ - كثير الزكب^ع، كثير الزكب^ع: نام‌های دیگر آن: غودیوله^ع - یونانی: بولوغانط^ع
- ۱۵۳۲ - كحلأ^ع، كحلأ^ع: نوعی از ذکور اغلات است.^ع - نام‌های دیگر آن: فدلقم^ع - بلغیس^ع - لسان الثور^ع - سیسارون^ع - نام نوع دیگر آن: شلبش^ع به گیاه «لسان الثور» و همچنین به گیاه دیگری که شبیه به آنست، و به «لسان» نامیده می‌شود و همچنین به انواع «سنبجار» و گاهی نیز به «عینون» می‌گویند.^ع اشبیلی^ع می‌گوید: گیاهان زیر از انواع كحلأ هستند: ۱ - رجل الحمامة ۲ - أذن غزال: لصیاء - لُصق ۲ - قَفْعاء: اخيون - مقامح ابلیس ۳ - أذن الحمار: فرسیون ۴ - لسان الفرس: شطاح ۵ - كحلأ الجبلی^ع

| | | |
|--------------------|--|-------------------------------|
| الموسوعه | سِنَجَار صِبَاغِي، أَنشُورَة صِبَاغِيَّة، بوغلصن الصباغين، | <i>Onosma echinoides L.</i> |
| جِنَّة الغول، كحلأ | | <i>Onosma tinctoria Bieb.</i> |

- ۱۵۳۳ - كُحْلَاء^ع، كَحِيلَاء^ع، كَحِيلَاء^ع: أذن الثور^ع: نام دیگر آن: اندلس و مغرب: لسان الثور^ع - بوغلصن، بلغیس - حاوزوان - جَنَجِم - لِنْفُودِيُو یعنی لسان الثور^ع
- ۱۵۳۴ - كجومن^ع: "چو من که دید" او را باین نام خوانند زیرا میوه او از برگ بیرون می‌آید؟ این درخت را عرب "مَنْ رَأَى مِنْهُ" می‌گوید.^ع
- ۱۵۳۵ - كَجَنَار: (نامی هندی)
- ۱۵۳۶ - كُرَاث^ع، كُرَاث^ع، كُرَاث^ع، كُرَاث^ع، كُرَاث^ع، كُرَاث^ع: ثوم کرائی^ع، کاول^ع، کاول^ع، بزر الکراث^ع: نام‌های دیگر آن: سریانی: کرائاثا^ع، حطارا^ع - فارسی: گندنا^ع - کُرَاث^ع (عربی) - فارسی و هندی: گندنا^ع - اصفهان: تره^ع - دیلم: کوار^ع - لاتینی: کوپرکیسو^ع - یونانی: فراسینا^ع - رومی: فقلوطا^ع، مروس^ع - فلسطین: کراث شامی^ع - قفالوط^ع، قبلوط^ع - طیطان^ع، و کُل^ع اشبیلی^ع می‌گوید: دارای انواعی است: ۱ - کُرَاث بری ۲ - کُرَاث رومی: راسن ۳ - کُرَاث الکرم: کراث الشامی - اولیه ۴ - کُرَاث نبطی: کراث الجبل ۵ - کُرَاث الصخر: ابجه ۶ - کُرَاث شامی: اندلسی، فقلوط
- بستانی آن را نبطی و جبلی آن را «فراسیون» نامند.^ع - ابن سمجون می‌گوید: نام «کُرَاث نبطی» «کراث المائدة» است.^ع نام‌های نوع بری: رومی: امفلویراسیون^ع - سریانی: کرائادبرا^ع، گندنا^ع دشتی^ع - «کاول» معادل نام «کُرَاث الکرم» است.^ع "رازی" و "غافقی" نام دیگر «کُرَاث الشامی» را «فقلوط» می‌دانند^ع
- "غافقی" می‌گوید «کُرَاث» دارای چهار نوع است: نوعی «کراث نبطی» و نوع دیگر «کوهیان» که در خراسان می‌روید و نوع سوم «کُلکان» که در ری و خراسان رویش دارد و نوع چهارم «لابس» که دارای بزری سیاه و غیر مدور است و در بابل می‌روید.^ع
- فرااسن قفالوطن (Parson kephalaton): کراث شامی
- انبالفراسن (Ampeloprason) به معنای «کراث الکرمی» و «کُرَاث بری» [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۳۴]

| | | |
|----------|--|---------------------------------|
| زر - طب. | کراث | <i>Allium porrum L.</i> |
| دیسکورید | کراث الشامی | <i>Allium ascalonicum L.</i> |
| دیسکورید | کراث الکرمی - کراث بری | <i>Allium ampeloparassum L.</i> |
| پارسا | گندنا - تره | <i>Allium porrum L.</i> |
| الموسوعه | کُرَاث معروف، کُرَاث رومی | <i>Allium porrum L.</i> |
| الموسوعه | کُرَاث البر، طیطان | <i>Allium vineale L.</i> |
| الموسوعه | کُرَاث الدب | <i>Allium ursinum L.</i> |
| الموسوعه | کُرَاث الصخور، کراث اُسبانيا | <i>Allium scorodoprasum L.</i> |
| الموسوعه | کُرَاث اُندلسی، کراث عَقْلون، کراث اَبو شوشة، قُقلوط | <i>Allium ascalonicum L.</i> |
| الموسوعه | کُرَاث نبطی، بصل العَفْرِیت، ثوم الشرق | <i>Allium ampeloparassum L.</i> |

| | | |
|---------------------------------------|---|----------|
| <i>Allium roseum L.</i> | کراث و زدی، فزط | الموسوعه |
| <i>Allium ampeloprasum = A.porrum</i> | Arabic: Kirath - Bengal: Paru | GLO.IN. |
| <i>Allium ascalonicum L.</i> | Hendia: Kanda ; Lasum ; Gandana - Bengal: Gundhun | GLO.IN. |
| <i>Allium cepa L.</i> | Hendia: Piyaz - Bengal: Piaj | GLO.IN. |

۱۵۳۷ - کراث^۱، کراث^۲، کراث^۳ (نامی عربی) نام های دیگر آن: عشبۃ الصباع^۴ - اندلس: عشبۃ السباع^۵

| | | |
|----------------------------------|------|-------|
| <i>Euphorbia aculeata Forsk.</i> | کراث | زریاب |
|----------------------------------|------|-------|

۱۵۳۸ - کریش^۶: گویند «قتاء الکبر» است و خلافت آنچه محقق است «قتاء الحمار» است.^۷

۱۵۳۹ - کردیلن^۸: برخی پندارند نام «کاشم» است ولی اینگونه نیست بلکه نوعی «ساسلیوس» است و تلفظ صحیح آن «طردیلن» است.^۹

۱۵۴۰ - کرَسَنَه، کرسنه^{۱۰}، کرسنه^{۱۱}، کرَسَنَه، کرسنه^{۱۲}، کرَسَنَه، کشنی^{۱۳}، نمیسقن^{۱۴}: معرب کسنگ^{۱۵} نام های دیگر آن: عربی: حب البقر^{۱۶} - یونانی: اوزنس^{۱۷} - سریانی: کشنی^{۱۸} - رومی: ناغیونس^{۱۹} - فرنگی: بر^{۲۰} - هندی: متر^{۲۱} - فارسی: کسنگ^{۲۲}، گشن^{۲۳}، کُشن^{۲۴}، مشنگ گاوی^{۲۵}، گاو دانه^{۲۶} - جالینوس: ارویموس^{۲۷} اوروبس (Orobos): نام های دیگر آن عبارتست از: کرَسَنَه - اهالی شام: کُشنی [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۹۳]

| | | |
|---|-----------------------------|------------|
| <i>Vicia ervillia Wi.</i> | اوروبس - کرسنه - کشنی - کشن | دیسکورید |
| <i>Ervum ervillia L.</i> <i>Vicia ervillia Wi.</i> | کرَسَنَه | الموسوعه |
| <i>Vicia ervillia Wi.</i> | کرسنه | زر. - خطا. |
| <i>Vicia ervillia Wi.</i> <i>Ervum ervilia</i> | کرسنه | طباطبائی |

۱۵۴۱ - کرش^{۲۸}: نوعی نفل نام های دیگر آن: یَزَبَه بَطَرَه - جربونه

۱۵۴۲ - کَرَفَس، کرفس^{۲۹}، کرفس^{۳۰}، کرفس^{۳۱}، کرفس^{۳۲}، کرفس^{۳۳}، کرفس^{۳۴}، مقدونس^{۳۵}، مقدونس^{۳۶}، یخصص^{۳۷} (کرفس مشرقی)، اکرفس^{۳۸}، اوراهیا سلیون (نوع جبلی)، براجیل^{۳۹}، عمرو^{۴۰}، یخصص (نوع بزرگ): کرفس معرب از کرفش یا کرسب فارسی است. نام های دیگر آن: یونانی: اوراسالیون^{۴۱}، حیلث، سالیون، فطراسالیون - سریانی: کرفشا^{۴۲} - رومی: باطراخیون^{۴۳}، سیلنا^{۴۴} - هندی: اجود^{۴۵} - فرنگی: سلری^{۴۶} - لاتینی: سلدهری^{۴۷}، امبلوبراسون^{۴۸}، عمرود^{۴۹} - نام کرفس بزرگ: یخصص^{۵۰} - مشرقی^{۵۱} - نام نوع نهري: سریانی: کرفسادمیا^{۵۲} - نام های نوع جبلی: سریانی: کرفسادطورا^{۵۳} - فارسی: کرفس جوئی^{۵۴} - اسمورنین^{۵۵} - نام نوع بستانی: سالیون قیفون^{۵۶} - نام ریشه به هندی: کُهرپا^{۵۷} - نام بذر: کهریج^{۵۸} - نام کرفس رومی: مقدونیس^{۵۹} - دارای انواع فراوان بستانی، جبلی، صخری و مائی است و بستانی دو نوع است. کرفس را «بطرسالیون» و «ورسالیون» گویند.^{۶۰} «غافقی» می گوید: نوعی کرفس به نام «أوراسالیون» معروف است که به معنای «کرفس جبلی» است.^{۶۱} «دیسکورید» می گوید: نوع دیگر «کرفس» «بطراسالیون» نام دارد که برگردان عربی آن به گفته «ابن بیطار» «کرفس الصخری» است. و آن «کرفس مقدونی» است. و نوع دیگر به نام «أفوسالیون» با برگردان عربی «کرفس العظیم» یا «کرفس النبطی»، «کرفس المشرقی»، «کرفس الشوی»، «کرفس العریض» و با نام بربری «تخصیص» است. و از «کرفس بستانی» بزرگتر است. و نوع دیگر آن «کرفس

بری» با نام یونانی «سمرنیون» است.^۷ اشبیلی می‌گوید: کرفس دارای انواع بسیاری است دو نوع آن بستانی و نوعی جبلی، صخری و مائی است و در یکی بودن «پترسالیئوس»، «اورسالیئون» و «کرفس العظیم» اختلاف است. برخی «پترسالیئوس» را نوعی «کرفس العظیم» می‌دانند، نام‌های دیگر آن عبارتست از: ابوسمس - بطرساموه، بعضی «اورسالیئون» را «کرفس الجبلی» می‌دانند، نام دیگر آن «سمرنیون» است. نام‌های دیگر «پترسالیئون» نیز عبارتست از: اغلیس، سواک العباس. نوع دیگر کرفس، «کرفس الصخری» با نام «انیولیون» است. «کرفس بستانی» دارای دو نوع کوچک و بزرگ است نام‌های نوع بزرگ آن عبارتست از: سیلن، سالیئون ریفان یعنی کرفس الریفی. نام نوع کوچک آن «سالیئون ایمارش» است. نوع دیگر کرفس «کرفس مائی» است نام‌های آن عبارتست از: اقربون، افوسالیئن، رواش، شنفیل، اقربوش، قریون، قلام، علام، جغده، جغده الماء، مانده. نوع دیگر کرفس «کرفس المّ» است نام‌های آن عبارتست از: فلفل الماء، سمرنیون، سمریا، سیسارون، سیسنبرون، جرجیر الماء. نوع دیگر کرفس «بوطل» است و شش قسم است: ۱ - بوطولون: بوطلی، رعی الضفادع، شجرة الضفادع، سالین، ورد الحب، کبیکج، بطراخون ۲ - کرفس المجوسی ۳ قبتوریة ۴ - جبلی کشنده ۵ - کف الهز، راحة الکلب^۸

سالیئوس قیفاؤن (*Selinon kepaion*): نام «کرفس البستانی» است که دیسکورید در ترجمه آن را «آلاوشالین» که همان «کرفس الماء» است، ذکر می‌کند. و همه پزشکان مغرب به آن «کرفس الاجامی» گویند، جالیئوس نیز آن را «کرفس بستانی» نامد.

افوسالیئون (*Hipposelinon*): به معنای «کرفس العظیم» و از انواع بزرگ «کرفس» است و به بربری به آن «یخْصص» گویند و اهالی اسکندریه آن را «اجبرنی» گویند و به بذر آن در مصر «بُطراسالیئون» گویند که این نام برای آن اشتباه است.

سمرنیون (*Smurnion*): نام «کرفس بری» است. [این بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۶۱ و ۶۲ و ۶۳]

| | | |
|---|---------------------------------------|-----------|
| <i>Apium petroselinum L.</i> <i>Apium graveolens L.</i> | کرفس | زر. - طب. |
| <i>Petroselinum sativum Hoffm.</i> | کرفس رومی یا مقدونیس | زریاب |
| <i>Sium latifolium L.</i> <i>Apium Gr.</i> | کرفس الماء کرفس بستانی | دیسکورید |
| <i>Smyrniium perfoliatum L.</i> | افوسالیئون - کرفس العظیم | دیسکورید |
| <i>Smyrniium olusatrum L.</i> | سپرونئون - کرفس بری | دیسکورید |
| <i>Ferula sumbul Hook.</i> | ریشه کلفس (به لهجه افغانی) - کرفش | پارسا |
| <i>Apium graveolens L.</i> | کرفس نبطی، کرفس | الموسوعه |
| <i>Sium latifolium L.</i> | کرفس الماء، کرفس بستانی، کرفس الاجامی | الموسوعه |
| <i>Smyrniium olusatrum L.</i> | سمرنیون، کرفس بری | الموسوعه |
| <i>Apium graveolens L.</i> | کرفس لفتی | الموسوعه |
| <i>Petroselinum sativum Hoff.</i> <i>Carum petroselinum Benth. & Hook.</i> <i>Apium petroselinum</i> <i>Apium vulgare L.</i> | کرفس رومی، بقدونس، مقدونس | الموسوعه |
| <i>Athamanta oreoselinum L.</i> <i>Petroselinum oreoselinum</i> | کرفس الجبل | الموسوعه |
| <i>Levisticum officinale</i> | کرفس الجبل | طباطبائی |
| <i>Prangos pablaria L.</i> | کرفس کوهی | طباطبائی |
| <i>Apium graveolens L.</i> | کرفس الماء | طباطبائی |
| <i>Apium graveolens L.</i> | تخم کرفس - گل کرفس | پارسا |
| <i>Apium graveolens L.</i> | کرفس | خطابی |

۱۵۴۳ - کَرْکَزَهَن، کرکروهان: (نامی بربری) گویند نام «عافر قرحا» است.^۵

| | | |
|----------|----------|---------------------------------|
| زر - طب. | کرکروهان | <i>Anacyclus pyrethrum D.C.</i> |
|----------|----------|---------------------------------|

۱۵۴۴ - کَرْکُم، کرکم، کرکون: "غسانی" می گوید: نام دیگر آن «زعفران هندی» است و دارای دو نوع بزرگ و کوچک است، کوچک آن با نام «مامیران» و بزرگ آن با نام «کرکم» معروف است.^۶ "صاحب منهاج" گوید «زعفران» است و "صاحب جامع" می گوید نام ریشه گیاهی است. "دیسکورید" به آن «خالدونیون طوماغا» گوید و نوع بزرگ آن «عروق الصباغین» یا «عروق الصفّر» نام دارد و گیاه آن را «بقلة الخطاطیف» گویند و به «کرکم» معروف است نزد ما ریشه هائی است که از هند می آورند و نام فارسی آن «قرمد» است.^۷ و هم او گوید اصول [ریشه های] «ورس» است.^۸

| | | |
|----------|--|-------------------------|
| الموسوعة | کَرْکُم | <i>Curcuma sp.</i> |
| الموسوعة | کَرْکُم أسود، جذوار أندلسی | <i>Curcuma caesia</i> |
| الموسوعة | کَرْکُم زَوار، زَوار، جذوار عقید، سطوال | <i>Curcuma zedoaria</i> |
| الموسوعة | کَرْکُم صباغی، هُرد، عقیده هندی، مامیران، أصابع صفّر | <i>Curcuma longa</i> |
| خطابی | کَرْکُم | <i>Curcuma longa</i> |

۱۵۴۵ - کرکی: نوعی خیار - نام های دیگر آن: فارسی: کلک یا کلنک

۱۵۴۶ - کَرْم، کرم، کرم کرم، کرم بری، کرم بستانی، فقاق الکرم: (نامی عربی) نام های دیگر آن: درخت تاک - یونانی: اولیاطیوم - سریانی: کبیشاحمرا - رومی: دیدرون اسایا، انفلوس - فارسی: تاک، زر - هندی: داکهه جهاز - نام شکوفه انگور: فقاق الکرم - فارسی: ول وجه تسمیه آن به «کرم» بخاطر کرم گیاه است بگونه ای که میوه هایش در دسترس کوچک و بزرگ قرار می گیرد.^۹ [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۷: به غناب، رجوع شود.]

| | | |
|--------------|-----|--------------------------|
| ز. - خ. - ط. | کرم | <i>Vitis vinifera L.</i> |
|--------------|-----|--------------------------|

۱۵۴۷ - کِرْمَدانه، کرم دانه، کرم دانه، کرم دانه (نامی فارسی)، مثنان: نوعی از قُرْیَص برگردان عربی آن: حب الدود نام های دیگر آن: رومی: اقلفوس، اقلفی - سریانی: نبات نورا - کرویه - خرم دانه - "غافقی" می گوید: میوه درخت «مثنان» است.^{۱۰} "زین الدین عطار" می گوید: بعضی آن را «انجر» گفته اند که اشتباه است و مؤلف می گوید به تحقیق نام تخم نوعی «مازیون» است.^{۱۱}

| | | |
|----------|-----------------------------|---|
| الموسوعة | کِرْمَدان، مَثان | <i>Nartheceum sp.</i> |
| الموسوعة | کِرْمَدان مَثعی، خُثی کَذاب | <i>Nartheceum ossifragum Huds.</i> |
| طباطبائی | کِرْمَدانه | <i>Daphne gnidium L.</i> <i>Urtica urens</i> |

۱۵۴۸ - کَرْنَب، کَرْنَب، کَرْنَب، کَرْنَب، بقلة الأنصار، کَرْنَب، بذر الکرنَب، کَرْنَب، کَرْنَب (معرب از کرم فارسی) نام های دیگر آن: فارسی: کلم - اصفهانی: قمريت - یونانی: قرنبا، قرنبو - سریانی: کرنبا، کرانی، کَرْابا - رومی: عاریسا، اغریا، اغرسود و طوس، اغرسطورون، بدیلئون - عربی: بقلة الانصار - نام بذر: تخم کرنَب - شیرازی: تخم کلم - دو نوع نبطی و خوری است. - دارای انواع مختلفی است: نوعی از آن «گل کلم» و نوعی

به آن «قَصْبور» گویند.^۱ نام های دیگر آن: سریانی: کسبر تا^۲، جلعجلان^۳ به خشک آن گفته می شود - یونانی: بردنمانمون^۴، فور یون^۵ - نبطی: فاتره^۶ - فارسی: گشنیز^۷ - هندی: دهنیه^۸، کوتهمیر^۹ - نام گیاه در کتاب جالینوس: قوریانون^{۱۰} «اشبیلی» می گوید: دارای انواعی است: ۱ - نوع بستانی با نام های: قوریون، یقده، قلاتره، خلجا، خلجلا ۲ - قلاتره کمبائه یعنی بری، کزبر الصخری، کزبر السحری ۳ - کزبرة البیر: ادیانطن، برشتاوشان، کامن قزبان، برشتاوشان داوران، ارجقیل، شعر الجان، شعر الخنازیر، قُرش قَبَلَه یعنی انیت الشعر، شعر الغول، شعر الماء، فغلون، یزبه بانکه، قَبَلَه موره یعنی شعر کبیر ۳ - رقعة الصخریة: طرینخومانس، بیقام الجن، شعر الجن، شعر الغول، لَخِیة الجَمَل، ظفائر الجن، ضابطه^{۱۱}

قوریون (Korion): نام های دیگر آن عبارتست از: کُزْبُرَه - دانه: تَقْدَه [این یطار (در ترجمه دیسکورد) ۳ - ۵۹]

| | | |
|-----------------------|---------------------------------|-----------|
| Coriandrum sativum L. | قوریون - کزبره - تقده | دیسکورد |
| Coriandrum sativum L. | کزبره | زر. - خط. |
| Coriandrum sativum L. | گشنیز | پارسا |
| Coriandrum sp. | کُزْبُرَه، کُزْبُرَه، کُشْبِرَه | الموسوعه |
| Coriandrum sp. | کُزْبُرَه | طباطبائی |

۱۵۵۴ - کُزْبُرَه الثَّغَلَب^۱، کزبرة الثعلب^۲، کسبرة الثعلب^۳، کزبرة الثعلب^۴ (نامی اندلسی): نوعی بقل نام های دیگر آن: سیدیریطس^۵ - الف ورق

سندریطس اخر (Hetera sidritis): نام «کُزْبُرَه الثَّغَلَب» است و در بام ها و دیوار خانه ها می روید. [این یطار (در ترجمه دیسکورد) ۴ - ۳۱]

| | | |
|-------------------------|---------------------------------|----------|
| Achillea tomentosa L. | سندریطس - کزبرة الثعلب | دیسکورد |
| Poterium sanguisorba L. | کُزْبُرَه الثعلب، بَلَّان میخام | الموسوعه |

۱۵۵۵ - کُزوان^۱، کُزوان^۲: نام های دیگر آن: بقله اترجیه^۳، بقله فلفلیه^۴ (به دلیل بوی آن) «غافقی» می گوید: گویند نام «بادرنجویه» است و همچنین گویند نام «بادرنویه» است.^۵ فلاحه می گوید: نام «بقله الأترجیه» معروف به «بادرنجویه» است و همچنین به خاطر تند بودن آن به نام «لفله» نیز مشهور است.^۶

۱۵۰۸ - کسبرة الحمام^۷: نوعی «شاهترج»^۸

۱۵۵۶ - کُسموفا^۹، کُسمویه^{۱۰}:

۱۵۵۷ - کُشُول^۱: (نام گیاهی رومی)

۱۵۵۸ - کُشُونْدِی^۲: کسونجی^۳ (نامی هندی)

۱۵۵۹ - کُسیرو^۴: (نامی هندی)

۱۵۶۰ - کسیفون^۵: نوعی از «سوسن بری» معروف به «دُکُوث» و «سَیْف الغراب» که «دور حولی» نیز نامیده می شود.^۶

| | | |
|-----------------------|--------|-----|
| Gladiolus communis L. | کسیفون | EN. |
|-----------------------|--------|-----|

۱۵۶۱ - کُسیلی^۱، کُسیلا^۲، کُسیلا^۳: (نامی نبطی)

۱۵۶۲ - کُشت بَزْکُشت^۱، گشت بر گشت^۲، کشت بر کشت^۳، کشت بر کشت^۴، کشت بر کشت^۵ (نامی فارسی)، سور اهند^۶: نام های دیگر آن: فارسی: کُشت بر کُشت^۷ - عربی: التواء بر التواء^۸ (به معنای زرع علی زرع)، سواد السند^۹، سواد الهند^{۱۰}، سواد الاکراد^{۱۱} - فارسی و شیراز: پیچک^{۱۲} - اهل شبانکاره فارس: بچو^{۱۳} - عربی و یونانی: که از هند فناغیوس^{۱۴} - رومی: بروطوس^{۱۵} - هندی: پهیلی^{۱۶} - بعضی نام دیگر آن را «برکشان» خوانده اند.^{۱۷} - می آورند.^{۱۸}

البارد ۲ - راحة الکف: نوعی «یوطل»

۱۵۷۳ - کُف الضَّبْع، کف الضبَع: (نامی عربی) غافقی: گاهی با این نام منظور «کیکج» است و «کف الضبَع» نوعی از «کیکج» است.^۴ [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۵۷: به «کیکج» رجوع شود.]
۱۵۷۴ - کف عایشه^۵:

۱۵۷۵ - کف القرد^۶: نوعی خربق الاسود^۷۱۵۷۶ - کف الکلب^۸: «صاحب منهای» می گوید: بدشکان^۹ - ابو عباس نباتی می گوید: کف مریم حجازی^{۱۰}

۱۵۷۷ - کُف الهَر، کف الهَر، کف الهَر: (نامی عربی) نوعی از «کف الضبَع»^{۱۱} نام های دیگر آن: مدلوک^{۱۲} - خَوْدان^{۱۳} صفیراء^{۱۴} - اسنان الفار^{۱۵}

| | | |
|----------|---|-------------------------------|
| الموسوعة | کف الهَر، خَوْدان حَقْلی، شَقِیق حَقْلی | <i>Ranunculus arvensis L.</i> |
|----------|---|-------------------------------|

۱۵۷۸ - کُف المریم، کف مریم^{۱۶}: (نامی عربی) کف عایشه^{۱۷} - هندی: کتھاجوری^{۱۸} گویند نام «أصابع الصفر» است اما اهالی غرب اندلس این نام را برای «بنطافن» و بعضی نیز برای «بنجنگشت» بکار می برند و اما در شهرهای مصر این نام را برای گیاه دیگری می گویند.^{۱۹} [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۳۸: به «بنطافن» رجوع شود.]

| | | |
|----------|---|---------------------------|
| الموسوعة | سرساد - آرند - بنجنگشت - فنجنکشت - شجرة ابراهيم - کف مریم | <i>Vitex agnus castus</i> |
|----------|---|---------------------------|

۱۵۷۹ - کُفَر^{۲۰}: نام دیگر آن: قردب الاسود^{۲۱}۱۵۸۰ - کُلت^{۲۲}: نام دیگر آن: ماش هندی^{۲۳}

| | | |
|-------|-----|--|
| زریاب | کلت | <i>Dolichos biflorus L.</i> <i>Lithospermum officinale L.</i> |
|-------|-----|--|

۱۵۸۱ - کُکُروْل^{۲۴}: (نامی هندی)۱۵۸۲ - کُکُروْندَه^{۲۵}: (نامی هندی) گویند نام «کماذریوس» است.^{۲۶}

۱۵۸۳ - کُلُخ، کُلُخ^{۲۷}: کُلُخ^{۲۸}: (نامی سریانی) نام کُلُخ معروف «قنا» است نام های دیگر آن: عامه اندلس: قَنَة^{۲۹} - اهالی مصر: أُشُق^{۳۰} - اهالی ثغر: قَانَش^{۳۱} - نَرْتَقْس^{۳۲} - اوفال^{۳۳} - مَزَخ^{۳۴}

سَفْذُولِیون (*Sphondulion*): کُلُخ الذَّلْبی - بربری: تافیفرانَرْتَقْس (*Narthekos*): نام های دیگر آن: اندلس: کُلُخ الکبیر - شجر القنا - نارتکس [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۷۲ و ۷۳]

| | | |
|----------|---|---|
| دیسکورید | سَفْذُولِیون، کُلُخ الذَّلْبی، تافیفرا نَرْتَقْس، کُلُخ الکبیر، شجرالقنا، نارتکس | <i>Heracleum spondylium L.</i> <i>Ferula communis L.</i> |
| الموسوعة | قَنَة مِذولَة، کُلُخ نَرْتَقْس، کُلُخ الکبیر، شجرالقنا، نارتکس | <i>Ferula communis L.</i> |

۱۵۸۴ - کُل داودی^{۳۵}: (گل داودی): نام دیگر آن به لاتینی: «برطینی»^{۳۶}۱۵۸۵ - کل مِهَنْدی^{۳۷}: (نامی هندی)۱۵۸۶ - کِلَز^{۳۸}: (نامی هندی)

۱۶۰۱ - کُمُکُوت: (نامی فرنگی به معنای صمغ «درخت کوت» است.) نام‌های دیگر آن: کوتا کبنا، غوتاغبنا - انگلیسی: کمبوس - پرتغالی: برون - نزد عوام مشهور به «عصاره ریوند» است.^۱

۱۶۰۲ - کَمُون، کَمُون، کَمُون، کَمُون، کَمُون، کَمُون، سنوت: نامی عربی معرب «خامون» یونانی یا «کمون» سریانی نام‌های دیگر آن: فارسی: زیره، قومینون^۲ - هندی: زیره^۳، بیره، جیره^۴ - عربی: سنوت^۵ - رومی: اسفیقوس، قومینون^۶ - یونانی: کرمینون، کومینون^۷ - سریانی: کمونا^۸ - قُمُنش، کُمُنش^۹ - نام‌های نوع بری: رومی: قافنیس، قافتون^{۱۰} - سریانی: کمونادبرا، کومنون اغریون^{۱۱} - نام‌های نوع هندی: رومی: اسطبخیس، اصطیفقوس^{۱۲} - سریانی: کموناهندو^{۱۳} - فارسی: زیره هندو سیاه^{۱۴} - هندی: اجاجی^{۱۵} - سندی: جیروا^{۱۶} - جالینوس: امراطیون^{۱۷} - «ابن سینا» می‌گوید: کمون دارای انواع، کرمانی، فارسی، شامی، و ببطی است.^{۱۸} اشبیلی می‌گوید: دارای انواعی است برخی عبارتند از: ۱ - کمون کرمانی: فانقوس ۲ - کمون البری: قیمین اغریون ۳ - کمون حبشی: نانخه، نبیا ۴ - کمون الحلو: انیسون ۵ - کمون الرومی: اندراسیون، بربطوره ۶ - کمون الملوکی: ششتره ۷ - کمون صخری ۸ - کمون هندی: شونیز بری کومینون (*Kuminon to hemeron*): کمون الایض - کمون الکرمانی - دیسکورید: کمون الملوکی کسی که نوع کرمانی را غیر از این می‌داند دچار اشتباه شده است.

قیمینون اُغریون (*Kuminon agrion*): به معنای «کمون البری» و دو نوع است و اسمی غیر آن نمی‌شناسم.

آمی (*Ami*): کمون الحبشی - سریانی: التینیا - نانخواه [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۵۶]

| | | |
|--|--|-----------|
| <i>Cuminum cyminum L.</i> | کمون، کومینون، کمون الایض، کمون الکرمانی | دیسکورید |
| <i>Lagoecia cuminoides L.</i> | قیمینون اغریون، کمون البری | دیسکورید |
| <i>Carum copticum Benth.</i> | کمون الحبشی، التینیا - نانخواه | دیسکورید |
| <i>Carum bulbocastanum Koch.</i> <i>Carum carvi</i> | زیره سیاه کرمانی | پارسا |
| <i>Cuminum cyminum L.</i> | زیره سبز - زیره سفید | پارسا |
| <i>Cuminum cyminum L.</i> | کَمُون، سَنُوت، سِنُوت | الموسوعه |
| <i>Cuminum cyminum L.</i> | کمون | ط...خ، E. |

۱۶۰۳ - کمون الأسود: این نام هم به «کمون» سیاه رنگ و هم به «حبه السوداء» گفته می‌شود.^{۱۹}

۱۶۰۴ - کمون حبشی: نام دیگر آن: کمون بری^{۲۰}

۱۶۰۵ - کناوس^{۲۱}:

| | | |
|---------------------------|-------|-------|
| <i>Cynara scolymus L.</i> | کناوس | زریاب |
|---------------------------|-------|-------|

۱۶۰۶ - کنباث^{۲۲}:

| | | |
|-----------------------------|---|----------|
| <i>Equisetum arvense L.</i> | امسوخ، کُنْبات الحَقْل، ذَنْب الخَيْل، شَيْالَة | الموسوعه |
| <i>Equisetum hyemale</i> | امسوخ شتوی، کُنْبات الشتاء، حَشِيشَة الطَوْخ، ذَنْب الفرس | الموسوعه |

۱۶۰۷ - کنب^{۲۳}:

| | | |
|--------------------------------|-----|-------|
| <i>Eleusine coracana Gaer.</i> | کنب | زریاب |
|--------------------------------|-----|-------|

۱۶۰۸ - کُنْدَرُ، کُنْدَرُ (لغت فارسی یا عربی)، کُنْدَرُ، کُنْدَرُ (نامی فارسی)، کُنْدَرُ، کُنْدَرُ، لُبَانُ، عود العطاس^۴: نام های دیگر آن: یونانی: قیوطیسرون^۵ - سریانی: لیانئون^۶، لبونا^۷، لبنا^۸ - رومی: سیفروس^۹ - کُنْدَرِ دریایی^{۱۰} - عربی: لُبَانُ، لُبَانُ - اصمعی^{۱۱} گوید سه چیز است که از یمن برخیزد و در هیچ جای دیگر نبود: «لُبَان» و «ورشن» و «عصب» یعنی برد یمنی و ابوحنیفه گوید «لُبَان» نبود مگر بر درختهای عمان و درخت آن خارناک بود و قد آن دو گز زیاده بود و نرئید مگر در کوه و ورق و ثمر آن مانند «مورد» بود و عک وی را «کزر» و «نسج» گویند و به یونانی «لبیانوا» خوانند^{۱۲}.

| | | |
|----------|---|---|
| الموسوعه | لُبَان هندی، لُبَان دُرُ بَشَنج هندی، کُنْدَر | <i>Boswellia serrata Roxb.</i> |
| ز. خ. ط. | کندر - لبان | <i>Boswellia carterii Bird W.</i> <i>Boswellia serrata Roxb.</i> |
| EN. | کندر | <i>Boswellia sp.</i> |

۱۶۰۹ - کُنْدَرُ:

۱۶۱۰ - کُنْدَشُ، کُنْدَشُ، کُنْدَشُ، کُنْدَسُ، کُنْدَسُ، کُنْدَسُ، کُنْدَسُ، عود العطاس^{۱۳}: نوعی جنبه نام های دیگر آن: فارسی: بیخ کازران^{۱۴}، کُنْدَشَه، کُنْدَشُ - رومی: اسطروثیون^{۱۵}، دریولطاس^{۱۶} - قُنْدَس - سطروثیون - برله - اسطرس - سراج القطرب^{۱۷} نام نوع دیگر آن: بطرمیقی تاغیغشت - نام گیاه نزد رازی: عطشان - قولانه^{۱۸} آشیللی^{۱۹} می گوید: عوام به آن «بقلة» گویند و ریشه هائی را که از آن جدا می کنند «کُنْدَس» می نامند و از آنجا که این گیاه در شب می درخشد معروف به «سراج الظلام» است و از داروهای کُشَنده می باشد. نوع دیگر آن مشابه «کنکر» با نام «سعود الدواب» است که اهالی فاس در مغرب به آن «تغیغشت» گویند و از ریشه های آن در شستشوی لباس استفاده می کنند^{۲۰}.

| | | |
|------------|----------------------|---|
| زر. - خطا. | کُنْدَش | <i>Gypsophila struthium L.</i> |
| پارسا | کُنْدَش - بیخ کازران | <i>Veratum album L.</i> |
| الموسوعه | کُنْدَس | <i>Gypsophila sp.</i> |
| EN. | کُنْدَس | <i>Schoenocaulon officinale A. Gray</i> |

۱۶۱۱ - کُنْدَلَه: (گیاهی آبی) نام های دیگر آن: نام پوست: ایدع^{۲۱} - حجاز: شوره^{۲۲}
 ۱۶۱۲ - کُنْکَهی: نام های دیگر آن: کُنْکَهی (نامی هندی) - فارسی: درخت شانه^{۲۳} (زیرا میوه آن مشابه شانه است).
 ۱۶۱۳ - کُنْهَان، کُنْهَان: نام های دیگر آن: کوننهان^{۲۴} (معرب از «کوهان» فارسی است).

| | | |
|----------|-------------------|---------------------------------------|
| الموسوعه | لُبْنَد، کُنْهَان | <i>Alkanna orientalis (L.) Boiss.</i> |
|----------|-------------------|---------------------------------------|

۱۶۱۴ - کُنْهَنْهَلَه: جنسی طلع نام دیگر آن: نزد عرب: غَلْفَه^{۲۵}

۱۶۱۵ - کُنْیَب، کُنْیَب، کُنْیَب (نامی یمنی): نوعی علس^{۲۶} یا نوعی قرطمان است. بنا به نظری علس و بنابه نظر دیگر جُلْبَان است. نام گیاه در کتاب «رازی» «قرطمان» است. در کتاب دیسکورید با نام «اولیرا» دانه ای از جنس «راء» است^{۲۷}. نام دیگر آن: دُزَه [این عبارت (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۷۵ و ۷۷ به دُزَاه و اولیرا رجوع شود.]

| | | |
|----------|------------------|---|
| دیسکورید | کُنْیَب - اولیرا | <i>Triticum monococcum L.</i> <i>Triticum dicoccum Schr.</i> |
| | زَاآ | |

| | | |
|---|------|----------|
| <i>Triticum monococcum</i> L. <i>Triticum spelta</i> L. <i>Triticum zea</i> Host. | کتیب | زریاب |
| <i>Triticum monococcum</i> L. <i>Triticum spelta</i> L. | کتیب | طباطبائی |

۱۶۱۶ - کور^۳، کور^۴، نام دیگر آن: مقل الیهود^۵

| | | |
|-----------------------------------|-----|-------|
| <i>Balsamodendron mukul</i> Hook. | کور | زریاب |
|-----------------------------------|-----|-------|

۱۶۱۷ - کوشنیل^۶: (نامی از تنکابن و دیلم) نام‌های دیگر آن: طبرستانی: دیودار^۷ - مازندران و دامغان: گوزن گیاه^۸، کومرثل^۹

۱۶۱۸ - کوکب الأرض^{۱۰}، کوکب الارض^{۱۱}، کوکب^{۱۲}: گویند کوکب، «قیمولیا» است و رازی گوید آن را «طلق» می‌خوانند. ابوحنیفه^{۱۳} آن را نام گل «شکاص» که نوعی «استب» است و همچنین گل «رُشالة الابيض» می‌داند.^{۱۴}

۱۶۱۹ - کونله^{۱۵}: (نامی هندی)

۱۶۲۰ - کویت^{۱۶}: نام‌های دیگر آن: کبیت^{۱۷} (نامی هندی) - بنگالی: کنبیل^{۱۸}

۱۶۲۱ - کهرَباء^{۱۹}، کهرَباء^{۲۰}، کهرَباء^{۲۱}، کهرَباء^{۲۲}، مصباح الروم^{۲۳}، مصباح الروم^{۲۴}: لغت فارسی یا معرب از «کاهربای» فارسی است.^{۲۵} نام صمغ درختی بزرگ از بلاد مغرب به نام «اروس بلغار» است.^{۲۶} نام صمغ «جوز رومی» است.^{۲۷} نام‌های دیگر آن: کاربا - ایلیقپوران^{۲۸} - یونانی: دیامنطیس^{۲۹} - سریانی: حمرما^{۳۰} - رومی: هیغیرس^{۳۱}، القطرون^{۳۲}، ادمنطوس^{۳۳}، القطرون^{۳۴}، ادمنطوس^{۳۵} - سریانی: دقتا^{۳۶}، حیاثوا^{۳۷}، السری^{۳۸} - هندی: کپور^{۳۹} - عربی: قرن البحر^{۴۰}، مصباح الروم^{۴۱} مترجمان کتاب‌های جالینوس و دیسکورید پنداشته‌اند «کهرَباء» صمغ گیاه «جوز رومی» است، ولی اینچنین نیست.^{۴۲} ابن سینا^{۴۳} می‌گوید: «کهرَباء» صمغ «کالستندروس» است.^{۴۴}

اغیرس (Aigeiros): نام «شجر الجوزالرومی» است و به پوست آن «توز» گویند و دیسکورید نام صمغ آن را «کهرَباء» می‌داند. ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۸۴]

| | | |
|--|--------------------------------------|----------|
| <i>Pinites succinifer</i> Goppe. & Bern. <i>Pinites stroboides</i> (Conw.) Sch. | ایلیقپورون - کاربا | زر - طب. |
| <i>Populus nigra</i> L. | اغیرس، شجر الجوزالرومی، کهرَباء، توز | دیسکورید |

۱۶۲۳ - کهرنی^{۴۵}: (نامی هندی)

۱۶۲۴ - کهورات^{۴۶}:

۱۶۲۵ - کَیک‌واشه^{۴۷}:

۱۶۲۶ - کیلکان^{۴۸}، کلیکان^{۴۹}: از انواع «کراث»^{۵۰}

۱۶۲۷ - کَینتی^{۵۱}: (نامی بنگالی)

۱۶۲۸ - گوزن گیاه^{۵۲}: نام‌های دیگر آن: خرس گیاه، گوزنیک^{۵۳}

| | | |
|------------------------------|-----------|-------|
| <i>Eryngium maritimum</i> L. | گوزن گیاه | زریاب |
|------------------------------|-----------|-------|

۱۶۳۲ - لالا، لالاء، لالا، لالا: نام دیگر آن: سمسمة - گیاهی که از طرف مکہ می آورند.^۷

| | | |
|--|---|----------|
| <i>Convolvulus arvensis L.</i> | القمبني - لبلاب الحقيقي | ديسكوريد |
| <i>Linaria elatine Mill.</i> | الاطنبي، لبلاب المجوسي، لبلاب الاحرش، شحيمه | ديسكوريد |
| <i>Convolvulus sp.</i> | لَبْلَاب | الموسوعه |
| <i>Convolvulus arvensis L.</i> | لَبْلَاب الحَقُول، لَبْلَاب صغير، طُربوش الغراب | ديسكوريد |
| <i>Veronica officinalis L.</i> | فيرونيكا مَخْزَنِيَّة، لبلاب المَجُوس | ديسكوريد |
| <i>Convolvulus arvensis L.</i> <i>Dolichos lablab</i> | لبلاب | طباطباني |
| <i>Hedera helix L.</i> | لبلاب - پيچک دردس (آستارا)، پلک (نور)، ولو، بلو بلوه (گرگان)، پاپیتال (تهران) | پارسا |
| <i>Hedera helix L.</i> | Bohar: Lablab - Kumaon: Bana | GLO.IN. |
| <i>Dolichos lablab</i> | لبلاب | خطابی |
| <i>Convolvulus arvensis L.</i> | قربولة | خطابی |

| | | |
|--|-----------------------------|----------|
| <i>Styrax officinale</i> L. | أَصْطَرَك، لُبْنَى، مَيْعَة | ديسکورید |
| <i>Liquidambar</i> sp. <i>Styrax officinale</i> | لُبْنَى | طباطبائی |

| | | |
|---|-------------------------------|----------|
| <i>Tragopogon pratensis</i> L. | سُلفيل المَرَج، لُحْيَة التيس | الموسوعة |
| <i>Tragopogon pratense</i> L. <i>Cytisus hypocistis</i> L. | لحية التيس | زرياب |

| | | |
|--|------------|----------|
| <i>Tragopogon pratense</i> L. <i>Filipendula ulmaria</i> Maxim. | لحیة التیس | طباطبائی |
| <i>Tragopogon</i> sp. <i>Podospermum jacquinianum</i> Koch. | شنگ | پارسا |
| <i>Tragopogon</i> sp. | لحیة التیس | EN. |

۱۶۵۱ - لُخْنِیس^۱ (نامی یونانی)، لخنس الأکلیلیه^۲، لحنس الاکلیه^۳؛ نوعی از «خیری جبلی» و آن خرامی است.^۴ «ابو عباس نباتی» می‌گوید: نام گیاه «اکلیلی» نامیده شده زیرا آن را بر روی تاج‌ها قرار می‌دهند و نزد من نوع جبلی «خیری» با گل بنفش است.^۵ «دیسکورید» می‌گوید: «لخنس آگریا» در همه حالت‌ها مشابه «لخنس بستانی» است.^۶ لُخْنِیس الاکلیله (*Lukhnis stepha nomatike*): نوعی «لوقاس» با رنگ بنفش است و چون از نظر طبقه بندی آن را جزء گیاهان چتر دار می‌دانند به آن «اکلیلی» گویند.

لُخْنِیس آگریا (*Lukhnis agria*): نام آن «خُرامی» است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹۶]

| | | |
|--------------------------------|--------------------|----------|
| <i>Lychnis coronaria</i> Desf. | لخنس الاکلیله | دی.، EN. |
| <i>Agrostemma githago</i> L. | لخنس آگریا - خرامی | دیسکورید |
| <i>Lychnis</i> sp. | لُخْنِیس | الموسوعه |
| <i>Lychnis chalconica</i> L. | لخنس آگریا | EN. |

۱۶۵۲ - لِسَان الایِل^۱: (نامی عربی)؟ الالسفاکُس (*Eelisphakon*): به معنای «لسان الایِل» است و در اندلس به آن «ناعمه» گویند و به لاتینی «شالییه» نام دارد. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۳۱]

| | | |
|------------------------------|--|----------|
| <i>Salvia officinalis</i> L. | الالسفاکس - لسان الایِل، ناعمه، شالییه | دیسکورید |
|------------------------------|--|----------|

۱۶۵۳ - لِسَان الثَّور^۱، لسان الثور^۲، لسان الثور^۳، لسان الثور^۴، لسان الثور^۵ (نامی عربی)، بوغُلَصَن^۶ (نامی یونانی)، کاوزاون^۷ (نامی فارسی)، مَفْرَح^۸، مَفْرَح^۹، حُمَحُم^{۱۰} (اهالی شام و شرق و دیار بکر)، کاوزبان^{۱۱}: گویند نوعی «مرو» است.^{۱۲} نام‌های دیگر آن: فارسی: گاوزبان^{۱۳}، گاوزوان^{۱۴} - یونانی: نو^{۱۵} - لاتینی: بکلورم^{۱۶}، یراجم^{۱۷} - هندی: سنکاهولی^{۱۸} - رومی: بوغُلوسن^{۱۹} - سریانی: لشان ثورا^{۲۰}، رقبه^{۲۱} - ابن سینا: کازوان^{۲۲}

| | | |
|--|--|-------------|
| <i>Echium amoenum</i> Fis.& Mey. <i>Caccinia glauca</i> Savi. <i>Trichodesma molle</i> DC. <i>Trichodesma zeylanicum</i> R.Br. <i>Trichodesma indicum</i> DC. <i>Anchusa italica</i> Retz. <i>Anchusa hybrida</i> Ten. | گل کاوزبان | پارسا |
| <i>Echium sericeum</i> Vahl. | برگ کاوزبان | پارسا |
| <i>Pulmonaria officinalis</i> L. | قسمی کاوزبان | پارسا |
| <i>Anchusa italica</i> Retz. <i>Borago officinalis</i> L. | لسان الثور | زر. - طبای. |
| <i>Anchusa officinalis</i> L. | أنشوزة مخزنیه، بوغُلَصَن مخزنی، دُبُون، لسان الثور المخزنی | الموسوعه |

| | | |
|-------------------------------|------------|-----|
| <i>Borrage officinalis L.</i> | لسان الثور | EN. |
|-------------------------------|------------|-----|

۱۶۵۴ - لسان الجمل^ع: «غافقی» می‌گوید: برخی پنداشته‌اند «لسان الثور» است ولی چنین نیست بلکه آن گیاهی است که به آن «أذن الثور» و «كحلء» گویند... و به عجمی اندلس «أدادی» نام دارد.^ع «ابن بیطار» می‌گوید نام گیاه در آفریقا «أوسانی» است.^ع

۱۶۵۵ - لسان الحمل^ع، لسان الحمل^س، لسان الحمل^ل، لسان الحمل^ع، لسان الحمل^س، لسان الحمل^ل، لسان الحمل^ع (نامی عربی)، هفت پهلوس^ع، كثير الأضلاع^ع، كثير الاضلاع^س، برد و سلام^ع، برد و سلام^س، بزر لسان الحمل^ع، ذنب الفاره^ع، أذن الأرنب^ع: از جنس النس است. نام‌های دیگر آن: رومی: ارنغلیسون^س، ارطوس^س، ملطیرغون^س - سریانی: لحکاس^س، شبعالعين^س، لسانامراس^س - فارسی: خرگوشک^س - ترکی: باغ پر باغ^س - شیرازی: ورق بارتنگ^س - عربی: ذنب الفار^س - لسان الحمل^س (زیرا خوشه آن مشابه دم موش است.)، كثيرة الاضلاع^ع، ذو سبعة اضلاع^ع - یونانی: أرنقالس^ع - نام‌های تخم: فارسی: بارشک^ع - تبریزی: تخم بزوشه^ع - فاس: مصاصة^ع - نام‌های لسان الحمل کبیر^ع: فرنگی: بیشاک میسور^ع - نام‌های لسان الحمل صغیر^ع: فرنگی: بیشاک مینور^ع - اشبیلی^ع می‌گوید: دارای انواعی است که نام‌های برخی عبارتست از: ۱ - ارنقالس، بَلْتَابِن ۲ - قناله ۳ - ظفر الفرس: يَنْمَ، قَطْلِيطِن، اذن الارنب، خرافة العجوز، اوليه دِلْبِير ۴ - ظفرة الفرس

أَرُونُغُلْسِن (Aronoglosson): نام آن «لسان الحمل» و «برد و سلام» و به لاتینی «بَلْتَابِن» (Plantaina) و در اندلس «مَصَّاصَة» و «ذنب الفار» است. و دارای دو نوع کوچک و بزرگ است کوچک آن را اهالی اندلس «أذن الشاة» گویند. (ابن بیطار (در ترجمه دسکورید) ۲ - ۱۱۰)

| | | |
|--------------------------|---|-----------|
| <i>Plantago major L.</i> | ارنوغلِس، لسان الحمل، بِلَتائِن، مِصاصِه | دیسکورید |
| <i>Plantago major L.</i> | لسان الحمل | ز،خ،ط،،E. |
| <i>Plantago major L.</i> | بارهنگ، تخم سفید، قارنی یاروغ، تخم بیروشا (تبریز) | پارسا |

۱۶۵۶- لسان الذیّب: نام‌های دیگر آن: سطرابطوس امیره - امیریا - عُشبة الطحال - نام نوع دیگر: افیمدیون

١٦٥٧ - لسان السَّبْع، لسان السبع:

۱۶۵۸ - لسان العصافیر^۲، لسان العصافیر^۳، لسان العصافیر^{۴(۱)}، لسان العصافیر^۵، السنة العصافیر^۶، لسان العصافیر^۷، لسان العصور^۸، حب السود^۹: نام‌های دیگر آن: فارسی: مرغ زفانک^{۱۰}، پنجشک زبان^{۱۱}، زبان گنجشک^{۱۲}، سُرُوس^{۱۳}، اهر^{۱۴}، گنجشک ازوان^{۱۵} - هندی: اندرجو^{۱۶} - سندی: اندرجو^{۱۷} - شیرازی: تخم اهر^{۱۸} - سریانی: لشان صفرا^{۱۹} - سجزی: سُرُوس^{۲۰} - زابلی: شَنک^{۲۱} - درختی مشابه درخت «دردار» است و گویند نام درخت درداز است. «ابن یطار» می‌گوید: میوه درخت «دردار» است نه درخت «بنق»^{۲۲} اشبیلی^{۲۳} می‌گوید: «لسان العصور» نام مشترک نوعی «سنبل رومی» و «السنة العصافیر» است و در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را نوعی «شجرة الدردار» با نام «بنجسکروان» و «فراخشنه» می‌دانند و درست آنست که درختی مشابه درخت درداز است نام‌های دیگر آن عبارتست از: ایدوصارون، بلائقس، اسکروان، السنة العصافیر^{۲۴}.

| | | |
|-----------------------------|---|----------|
| <i>Fraxinus excesior</i> L. | لسان العصفير | ز.خ.ط.ع. |
| <i>Fraxinus excesior</i> L. | زبان گنجشک - ون - ونل - ونو - سیر - سر (شمال) | پارسا |

۱۶۵۹ - لسان الکَلْب؛ لسان الکلب^۴، لسان الکلب^۵، لسان الکلب^۶؟ نام‌های پستانی آن: سطاریون، شبیطه، سمفوطن ارتارون نام‌های نوع بری آن: مورجون، لِنْفُوه دَلْبُه یعنی لسان السبع، شبیطه کنبیانه، مسجدوان، توکردوز، سمفوطن^۷ - به «لسان الحمل» و همچنین «حماض» گفته می‌شود^۸ ولی در اینجا منظور گاه دیگری است.^۹

۱- الموسوعة: (لسان القصور) نام شایعی است که بر گیاهان متعددی اطلاق می شود از ایرو یعنی توان آن را به یک گیاه خاص بست داد.

| | | |
|--|--------------------------------------|---------------|
| <i>Cynoglossum sp.</i> | لسان الکلب، آذان الأرنب، آذان الغزال | الموسوعه |
| <i>Cynoglossum officinale L.</i> <i>Rumex acetosa</i> | لسان الکلب | طبایا، EN. |

۱۶۶۰ - لصیف^ش: نوعی کنکر البری است. ^ش نام‌های دیگر آن: شوک الجمال^ش - شوکه الشهباء^ش
 ۱۶۶۱ - لصیقی^ش، لصیقی^ش، لصیقی^ش، لصفی^ش، لصفی^ش: نوع کوچک لسان الحمل^ش از آن جهت که گیاه خاردار است و به لباس می چسبد به آن «لصیقی» گویند.^ش و ممکن است به گیاهان دیگر که دارای این خصوصیت هستند نیز گفته شود. ^ش نام‌های دیگر آن: آذان الدب^ش - تنکابن: کاش^ش - «ابن یطار» می‌گوید: گیاهی است که به آن «آذان الأرنب» گویند و گروهی نیز آن را «آذان الغزال» نام داده‌اند^ش و گاهی نیز به گیاه دیگری به نام «بلسکی» گفته می‌شود.^ش

| | | |
|--------------------------|---|----------|
| <i>Galium aparine L.</i> | غالیون أبيض، لصفی، حشیشه الأفاعی، بلسک، آزمَن | الموسوعه |
|--------------------------|---|----------|

۱۶۶۲ - لَعْبَة بَرَبْرَى^ش، لَعْبَة بَرَبْرَى^ش، لَعْبَة بَرَبْرَى^ش، لَعْبَة بَرَبْرَى^ش: بنا به گفته ای «سورنجان» است. ^ش نام‌های دیگر آن: سورنجان^ش - مصر: عَکَنَة^ش آنچه محقق است «سورنجان» است و بعضی گویند نوعی «یبروح» است و این خلافت.^ش

| | | |
|--|---------|-------|
| <i>Hermodactylus tuberosus Salisb.</i> | لَعْبَة | زریاب |
|--|---------|-------|

۱۶۶۳ - لَعْبَة مَطْلَقَة^ش، لَعْبَة مَطْلَقَة^ش، لَعْبَة مَطْلَقَة^ش: نام دیگر آن: عَرُوسَالَة - مصر: ریشه یبروح^ش
 ۱۶۶۴ - لُفَّاح^ش، لُفَّاح^ش، لُفَّاح^ش، لُفَّاح^ش، لُفَّاح^ش، لُفَّاح^ش، لُفَّاح^ش، لُفَّاح^ش: (نامی عربی)، اصل اللفاح، تَفَّاح الجن، ساییزج^ش، ساییزج^ش، ساییزج^ش: نام‌های دیگر آن: فارسی: شاییزک^ش، ساییزک^ش (به معنای سیب کوچک)، مغذ^ش - لُفَّاح: نام میوه آن «یبروح بری» است.^ش - نام میوه «یبروح» است.^ش - ریشه آن به نام «یبروح سریانی» است.^ش - فارسی: سیبیزه^ش - سندی: سیبیزوا^ش، سایشک^ش - نام‌های نوع ماده: لُفَّاح الجن^ش «ابن یطار» می‌گوید: «لُفَّاح» در مصر به نوعی «بطیخ» کوچک گفته می‌شود.^ش
 مَندَرَاغُوس (mandragas): نام‌های دیگر آن عبارتست: یبروح - میوه: لُفَّاح - فارسی: ساییزک، شاییزج - تَفَّاح الجن - لاتینی: آرْجَبِلِطَه (Archobellitho) بربری: تازیل، عَرُوسه [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۹]

| | | |
|----------------------------------|---|------------|
| <i>Mandragora officinarum L.</i> | لُفَّاح | زر - طبایا |
| <i>Mandragora officinarum L.</i> | مندراغوس - یبروح - لُفَّاح - تَفَّاح الجن | دیسکورید |
| <i>Mandragora sp.</i> | لُفَّاح، یبروح، مندراجورا، مَندَراک، تَفَّاح المجانین، تَفَّاح الجن | الموسوعه |

۱۶۶۵ - لُفَّاح الهندی^ش:

۱۶۶۶ - لُفَّاش^ش: (نام گیاهی در نواحی شام)

۱۶۶۷ - لُک^ش، لُک^ش، لُک^ش، لُک^ش، لُک^ش: «غسانی» می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی گویند کرمی است که در شاخه‌های نازک درختی در سرزمین هند و آرامنه وجود می‌آید و برخی گویند رطوبتی است که بر درخت «عنبر» می‌نشیند و عده‌ای بر این اعتقادند که صمغ درخت «بَقَم» است.^ش لُک صمغ درختی هندی است.^ش

۱ - «لُک» صمغ یا شبنم درختی است شبیه به درخت کار یا سدر که در هند و بنگاله بهم می‌رسد. این صمغ سرخ رنگ است چون توت و حب هایش به اندازه لیمو و نارنج هم می‌رسد، آن را در آب می‌پزند و انواع رنگ‌های سرخ از آن بعمل می‌آید. لُک را به فارسی «لاک» گویند.

| | | |
|------------------------------|----|----------|
| <i>Ficus laccifera</i> Roxb. | لک | زر۔ طباً |
| <i>Thus oxycantha</i> | لک | خطابی |

١٦٦٨ - لَكَاعٌ ش: نوعي جِلَّة است. ش نام های دیگر آن: لَكَاعَة ش - حشيشة الثومية ش

۱۶۶۹- لم لم: نام دیگر آن: در صحرای برنیق: قطف بحری^۵

۱۶۷۰ - لَنْجِيْطُسْ، لَنْخِيْطُسْ^۷: (نامی یونانی) نام‌های دیگر آن: شام: منسم - لبنان: تومین^۸

آنخیطس (Lonkhitis): گیاهی است با بذره‌های سه گوش مشابه نیزه. با توجه به اینکه آن را می‌شناسم ولی غیر از این نامی برای آن نمی‌دانم.

لنخبطس آخر: دارای برگهائی مشابه برگ «سقوفندریون» است و عامه گیاهشناسان اندلسی آن را به «الرّفعة الصّخریة» می‌شناسند. نوع دیگر آن به عنوان «لوقیون» یا «شجر الحوض» معرفی شده که همان «زرشک» یا «امیرباریس» است. [ابن بطار (در ترجمه دیکرید) ۳ - ۳۹ و ۱۴۰]

| | | |
|------------------------------|-----------------------|----------|
| <i>Serapias lingua</i> L. | لنخيطس | ديسكوريد |
| <i>Aspidium lonchitis</i> L. | لنخيطس - رقعة الصخرية | |
| <i>Aspidium lonchitis</i> | منبسم، لنخيطس | الموسوعة |
| <i>Aspidium lonchitis</i> L. | لنخيطس - رقعة الصخرية | |

۱۶۷۱۔ لنخیطس آخر^۷: نام دیگر آن: گیاهشناسان اندلس: رقعة الصخرية^۷

۱۶۷۲ - لوبیا، لوبیا، لوبیا، لوبیا^ش (نامی هندی)، دُجَر، لوبیا: از جنس کفوف و نوعی لبلاب است. نام‌های دیگر آن: لیا^ش، لوبیاج^ش - ترمذی: راژموک^ش - سجری: فراژمنک^ش - یونانی: سیلهین^ش - قبطی: مامیر^ش - رومی: فسولن^ش - در کتاب دیسکورید: سمیلنس^ش - عربی: فریقا، دجر^ش - فارسی: لوبیا، الویا، ثامروان، ثامر^ش - رومی: فصولیا^ش - سریانی: اصفوورون^ش - عجمی: فسون^ش اشبیلی می‌گوید: دارای انواعی است نام‌های آن عبارتست از: ۱ - لوبیا الابيض: اصفوورون ۲ - تبرئه ۳ - غَفَقَه ۴ - شَرکیه ۵ - هندیه: صفور ۶ - جوز الریح ۷ - مَکثر اللین: فول الخنزیر، خَرُوب الخنزیر ۷ - صَنِیه^ش

شمشلقس (*Smilax kepia*): نام‌های دیگر آن عبارتست از: لویبا - ثامرا - ابی حنیفه: دُجَر [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۳۰]

| | | |
|--|------------------------------|------------|
| <i>Phaseolus vulgaris</i> L. | لوبيا | زر - طبخا. |
| <i>Dolichos lubia</i> Fors. | | |
| <i>Dolichos lubia</i> Fors. | سميلقس - لوبيا - ثامرا - دجر | ديسكوريد |
| <i>Phaseolus communis</i> = <i>Ph.vulgaris</i> | لوبيا | پارسا |
| <i>Vigna catjang</i> Walp | | |
| <i>Dolichos unguiculatus</i> | لوبيا، لُوبياء | الموسوعة |

۱۶۷۳ - لنجریوله^(۱): به معنای رُمح صغیر است زیرا برای بیماری سینه پهلو (زُمح) مفید است. نام دیگر آن: حَربَه ش

۱۶۷۴ - لوز، لوزس، لوزء، لوزء، لوز حلو، لوز مز، لوز البوبر (نوع جبلی)، مزج (نوع تلخ) : نام‌های دیگر آن: رومی:

امیغدالی - فارسی: بادام - فرنگی: انگذالہ - نام نوع شیریں آن: لوز الحلو، بادام شیریں

نام نوع تلخ آن: لوز المُرّ، بادام تلخ، بادام طلع - رومی: ارموکی - سریانی: لوز دمیرا، شغدی میری -

قسمی از لوز بری با نام لوز البربر است.^۲

إمقدال بيقرا (*Amugdal picra*): اهالی انطالیا: لوز المر - در بعضی از ترجمه‌ها: مَعْقِلَاوس

إمقدال غلوقیا (*Am. glukeia*): به معنای «لوز الحلو» است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۳۲]

| | | |
|--|--|-------------|
| <i>Amygdalus communis</i> L. <i>Prunus amygdalus</i> Stokes. | لوز - بادام | زر. - طباً. |
| <i>Prunus amygdalus</i> Stokes. <i>Amygdalus communis</i> L. | امقدال بيقرا - لوز المر امقدال غلوقیا | دیسکورید |
| <i>Prunus amygdalus</i> Stokes. | لوز | الم. - خط. |
| <i>Prunus amygdalus communis</i> L. <i>Amygdalus communis</i> L. <i>Amygdalus dulcis</i> Mill. | لوز الحلوز | الموسوعه |
| <i>Prunus amygdalus</i> var. <i>amara</i> Fock. <i>Amygdalus amara</i> Hayne | لوز المر | الموسوعه |
| <i>Amygdalus amara</i> Syn: <i>P. communis</i> | Hendi & Panjub & Bambay: Badam Sanskrit: Badama | GLO.IN. |

۱۶۷۵ - لُوسِیماخِیُوس^۱، لوسِیماخِیُوس^۲، لوسِیماخِیُوس^۳: نامی یونانی به معنای «شبیهِ الذهب» یا مشابه طلا است.^۴ نام‌های دیگر آن: اهل اندلس: قصب‌الذهبی^۵، خویصه مصغر^۶، خوصه^۷، لخوخ الماء^۸، خوخ الماء^۹، عود الريح^{۱۰}، خویخه^{۱۱} - هندی: جورا وراج ناکهه^{۱۲} - «اشبیلی» می‌گوید: برخی آن را «انجبار النهری» و گروهی «سراج القطرب» و عده‌ای «خیری الماء» می‌دانند.^{۱۳}

لوسِیماخِیُوس (*Lusimakheios*): گیاهی که اهالی اندلس به آن «عود الريح» و «قصب الريح» گویند و هر دو نام مشترک بین چند گیاه است نام دیگر آن در اندلس «قَصَب الذهبی» است و بعضی از گیاه‌شناسان به آن «خُوخ الماء» گویند و عامه نیز نام آن را «خُویخه» نامند. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۳]

| | | |
|-------------------------------|--|-------|
| <i>Lysimachia vulgaris</i> L. | لوسِیماخِیُوس - قصب الذهبی - خوخ الماء | زریاب |
|-------------------------------|--|-------|

۱۶۷۶ - لوطوس^۱، لوطوس^۲، لوطوس^۳: به نوعی «حندقوقی» گفته می‌شود و همچنین نام «بشنین» است و «بشنین» نوعی از «نیلوفر» است که در مصر وی را «خنزیری» خوانند و آن «نیلوفر» دیگر را «اعرابی» گویند. و همچنین دیسکورید در مقاله اول خود «لوطوس» را به گیاه دیگری گفته و «حنین» آن را به «سدر» ترجمه کرده ولی صحیح نیست^۴ و غیر «حنین» آن را به نام «میس» تفسیر کرده‌اند و این صحیح‌تر است.^۵

لوطوس (*Lotos to dendron*): گویند معادل نام «شجر البق المصری» است ولی صحیح آنست که گیاه معروفی است که اهالی اندلس به آن «نشم الاسود» (بشم الاسود) گویند و این نام مشترکی بین چند گیاه است. نام دیگر این گیاه «شجر المیس» است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲۵]

| | | |
|----------------------------|--------------------------------|----------|
| <i>Nymphaea lotus</i> L. | لوطوس | زریاب |
| <i>Celtis australis</i> L. | لوطوس - نشم الاسود - شجر المیس | دیسکورید |
| <i>Lotus</i> sp. | لُوطوس، لُوطوس | الموسوعه |

[۱۵۱، ۱۵۰،

| | | |
|------------------------------------|--|----------|
| <i>Dracunculus vulgaris</i> Scho. | لوف - دراقطيون | زرياب |
| <i>Arum dracunculus</i> L. | | |
| <i>Arum italicum</i> L. | | |
| <i>Arum dracunculus</i> L. | دراقطيون، لوف الحية، لوف الجعد، فيلجوش، صتاؤه، صراخه، غرغنيته | ديسكوريد |
| <i>Arum vulgare</i> | أرؤن، لوف السبط، صارة الانثى، ايرن | ديسكوريد |
| <i>Arum arisarum</i> L. | أريصارون - ذرية الشحم | ديسكوريد |
| <i>Luffa</i> sp. | لوف، ليف، فيلجوش | الموسوعة |
| <i>Arum maculatum</i> | أروم، لوف مبيع، تياق أبيض | الموسوعة |
| <i>Arum italicum</i> | أروم ايطالي، لوف جعد، دُرَيْزَة | الموسوعة |
| <i>Dracunculus vulgaris</i> Schot. | لوف الحية، أذن الراهب | الموسوعة |
| <i>Arum dracunculus</i> | | |
| <i>Luffa cylindrica</i> M.Roe. | لوف أسطواني، لوف مصرى | الموسوعة |
| <i>Luffa aegyptiaca</i> Mill. | | |
| <i>Poppia fabiana</i> Koch. | | |
| <i>Luffa aegyptiaca</i> Mill. | لوف | طباطباني |
| <i>Dracunculus vulgaris</i> Schot. | لوف الحية | طباطباني |

۱۶۷۹ - لوفّا، لوفّا: "صاحب منهای" گوید «قنطوریون باریک» است و صاحب جامع گوید نوعی از «حی العالم» است که آن را «اذان القسیس» خوانند.^۳

۱۶۸۰ - لوقاس، لوقاین: "بطریق" آن را «حرف ابيض» می داند و "حنین" آن را به نام «سفند أسفید» نامگذاری کرده^۴ و "رازی" به آن «سفند اسفندو» گوید و گویند نام نوعی «مرو» است.^۵

| | | |
|----------|--------------------------------|-------------------------|
| الموسوعه | لامیون أرقط، لوقاس، حَرْف أبيض | <i>Lamium maculatum</i> |
|----------|--------------------------------|-------------------------|

۱۶۸۱ - لوقاقانثا:

۱۶۸۲ - لِهولوقوغزاتیس: (نام گیاهی مصری)

۱۶۸۳ - لیثانوس، لیانوطس: دارای انواع مختلف است و به معنای «کندریات» یا «کندریات» است زیرا بوی «کندر» می دهد و نام یونانی آن نیز از «لیانس» که همان «کندر» است گرفته شده است.^۶ نوعی را اهل اندلس «بربطور» و بعضی را «استر» و بعضی را «عسالیج» دانند. انواع «لیانوطس» از انواع «کلوخ» است، نوعی از آن را گیاهشناسان اندلس به نام «یربطور الساحلی» می شناسند و نوع دیگر آن را اهالی غرب اندلس «یربطور الشعراوی» می نامند و نوعی «أشتر»، «عسالیج» و «قلیقل» نامیده می شود و ریشه های این گیاه بوئی چون بوی «کندر» دارد.^۷ "ابن جلیجل" پنداشته است نام «أکلیل الجبلی» است که در اندلس به «أکلیل النُفساء» معروف است و این کاملاً اشتباه است و نظر او منشأ اشتباه بقیه نیز شده است.^۸ لیبانو (*Libanos*): نام «کندر» و «لَبان» است و محل رویش آن فقط در شحر عمان است. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۵۸]

| | | |
|----------|----------------------|------------------------|
| دیسکورید | لیبانو - کندر - لبان | <i>Baswellia Roxb.</i> |
|----------|----------------------|------------------------|

۱۶۸۴ - لیرون: نوعی بقل یکساله نام های نوع جبلی آن: رَبَنَالَه یعنی فجل الصغیر، النینا نام های نوع سهلی آن: لورونیا، اسلیج، لیرون، خربث، تَمُک^۹

۱۶۸۵ - لیفة: نام های دیگر آن: شغالة، لیفة، سمفوطن بطرا یعنی شاعة الصخرية^{۱۰}

۱۶۸۶ - لیف البحر، لیف:

۱۶۸۷ - لیفیه، لیفة: (نامی عربی) نام های دیگر آن: لیقة - حجاز: عَلَم^{۱۱}

۱۶۸۸ - لیمو، لیمو، لیمون، لامون: صاحب منهای گوید مانند «اترج» بود.^{۱۲}

| | | |
|----------|------------|---|
| دیسکورید | لیمو | <i>Citrus medica Risso</i> <i>Citrus limonum Risso</i> |
| پارسا | لیمو | <i>Citrus aurantifolia Sw.</i> |
| الموسوعه | لیمون | <i>Citrus sp.</i> |
| المؤسوعه | لیمون حامض | <i>Citrus medica L.</i> |
| الموسوعه | لیمون حلو | <i>Citrus aurantifolia Sw.</i> |

۱۶۸۹ - لیمونیون، لیمونیون: نوعی «حماض بزرگ» است و در باغ ها و بیشه ها روید.^{۱۳} معنای این واژه یونانی «سبخی» است.^{۱۴}

| | | |
|--|-----|----------|
| <i>Phaseolus mungo</i> <i>Phaseolus radiatus</i> L. | ماش | الموسوعه |
|--|-----|----------|

| | | |
|--|-----|----------|
| <i>Phaseolus max. L.</i> <i>Phaseolus mungo L.</i> | ماش | زریاب |
| <i>Vicia sativa</i> <i>Phaseolus mungo L.</i> | ماش | طباطبانی |
| <i>Phaseolus mrabaiatus L.</i> <i>Vicia ervillia</i> | ماش | پارسا |
| <i>Phaseolus mungo L.</i> <i>Vigna sinensis Endl.</i> | ماش | خطابی |

۱۶۹۸ - مالککنکی: (نامی هندی)

۱۶۹۹ - مالیا، مالیا: نام‌های دیگر آن: مزان

۱۷۰۰ - مامیثا، مامیثا، مامیثا، مامیثا، مامیثا: (نامی نبطی) نوعی بقل نام‌های دیگر آن: شام: منبج - جالینوس: غلوقیون، غلوقی، حشیشه الخمرة، خستخاش المقرن، شقائق الفرس، همینا
غلوقیون (*Glaukion*): مامیثا [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۸]

| | | |
|--|------------------|-----------|
| <i>Glaucium corniculatum Curt.</i> <i>Chelidonium carniculatum L.</i> | مامیثا | زر - طبا. |
| <i>Glaucium corniculatum Curt.</i> | غلوقیون - مامیثا | دیسکورید |
| <i>Glaucium sp.</i> | مامیثا، مَمِیثا | الموسوعه |

۱۷۰۱ - مامیران، مامیران، مامیران، مامیران، مامیران: (نامی فارسی و سریانی) نوعی زردچوبه نام‌های دیگر آن: رومی: بالیدونیقی، کلدونیا، کیلادونیا - زابلستان: سمرقندیا - نوع کوچک عروق الصفر - فاس: حشیشه الخطاطیف خالیدونیون طومقرون (*Khelidonium mikron*): بنا به قول ضعیفی نام «مامیران» است.
خالیدونیون طوماغا: بنا به قول ضعیفی نام «کرکم» است و «طوماغا» به معنای کبیر است و برگردان عربی آن «دواء الخطاطیف» است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۶۳]

| | | |
|--|--|----------------|
| <i>Chelidonium majus L.</i> <i>Coptis teeta Wall.</i> | مامیران | ز، د، پ، خ، ط. |
| <i>Curcuma longa</i> <i>Curcuma tinctoria</i> | اصابع الصفر - کزکم صباغی - هژد - عقید هندی - مامیران | الموسوعه |

۱۷۰۲ - ماهودانه، ماهودانه، ماهودانه، ماهودانه، ماهودانه: (نامی فارسی)، ماهودانه، ماهودانه، حب الملوك، طارطلقه (لاتینی)، فلفل الأخوص، فلفل الخواص، شباب: «ماهودانه» به معنای قائم بذات است، زیرا در درمان اسهال به تنهایی استفاده می شود. نام‌های دیگر آن: ماهودانه - اهل مشرق: حب الملوك - هندی: جیالگوت، ماهوی دانه، دند هندی - عامه اندلس: طارطقه، سیسبان - فارسی: حبه الملوك - ابوجریح می گوید: دو گونه است. صاحب جامع در ماهیت اسم وی و تفسیر آن سهو کرده است از بهر آنکه وی تفسیر «ما هو بذاته» کرده و گفته «أی قائم بنفسه أی أنه یقوم بذاته فی الإسهال» و حال آنکه آن را «ماهودانه» خوانند نه «ما هو بذاته» و بعضی «دند» را «حب الملوك» خوانند و «دند» غیر از «حب الملوك» است.

| | | |
|---|-----------|----------|
| <i>Croton tiglium</i> L. | حب الملوك | زریاب |
| <i>Euphorbia lathyris</i> L. | ماهوذانه | زریاب |
| <i>Euphorbia lathyris</i> L. <i>Croton tiglium</i> | ماهوذانه | طباطبانی |

۱۷۰۳ - ماهیزهرج، ماهیزهرج، ماهی زهرة، ماهیزهرج، سیکران الحوت، مکنسة الاندر، سم السمک: معرب از ماهی زهره فارسی است، زیرا کشنده ماهی می باشد. نام های دیگر آن: سریانی: جغتاریختانا - جالینوس: بیورس قاتل الحیتان - نوعی از «فلوس» است و به نام «سقوریدی» می باشد.^۱

آن را «سیکران الحوت» خوانند و سه نوع بود دو نوع کوهی و یک نوع صحرائی و کوهی بقوت تر بود و آن را «بوصیر» خوانند و «فلوس» گویند و نوع سوم معروف بود به «ماهیزهره». «ابن بیطار» می گوید: برای شناخت حقیقت این گیاه در مشرق و مغرب بررسی کردم و نهایت آنچه دیدم این بود که اهالی مشرق و شام بجای این گیاه پوست ریشه «بوصیر» را استفاده می کردند و اهالی مغرب و اندلس آن را بعنوان «شوکران الحوت» می شناسند و دارای سه نوع است، که دو نوع آن جبلی و نوع دیگر بستانی است.^۲ [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۹۳: به «عینون» رجوع شود.]

| | | |
|--|----------|-------|
| <i>Anamirta paniculata</i> Colebr. <i>Menispermum cocculus</i> L. | ماهیزهرج | زریاب |
|--|----------|-------|

۱۷۰۴ - مثنان، مثنان، مثنان: (نامی عربی) از جنس تمنس است. نام های دیگر آن: ثومالا، جامالا، قیسطون، طرشکه، الازار، لینش یعنی شبیه به کتان - «مازریون» و قسم های مختلف «شبارم» نوعی از آن است.^۳

ثومالا (*Thumelaia*): نام «مثنان» است و رنگرزان مغربی برای رنگ کردن از آن استفاده می کنند و به بربری نام آن «أصاص» و «أزان» است و به دانه آن «أززم» گویند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۵]

| | | |
|--|----------------------------|----------|
| <i>Daphne chidium</i> | ثومالا، مثنان، أصاص، ازاز | دیسکورید |
| <i>Daphne gnidium</i> L. <i>Thymelaea hirsuta</i> Endl. | مثنان، کزمدانه، دقنه لاحقه | الموسوعه |

۱۷۰۵ - مثنان آخر:

۱۷۰۶ - مثنج، مثنج: (نامی عربی) نام های دیگر آن: گل خوش نظر:

۱۷۰۷ - مخلصه، مخلصه، محاجم، محاجم، محاجم (نامی اندلسی)، الوج، مکنسة قرشیه: وجه تسمیه آن: زیرا خوردن آن فرد را از سم افعی و سائر گزندگان خلاص می کند. نام های دیگر آن: شیرازی: کازریسک - فارسی: بلبل شامی - قنطوریون موریون یک نوع دیگر: گشنیز کوهی - یک نوع از آن «تریاق کوهی» نام دارد. نوع سوم در اسکندریه می روید و به «رأس الهدده» معروف است.^۴

| | | |
|-------------------------------|---|----------|
| <i>Linaria vulgaris</i> Mill. | لیناریه عادی، حجاب مبدول، جوز آرمانیوس، مخلصه | الموسوعه |
| <i>Linaria vulgaris</i> Mill. | مخلصه | EN. |

۱۷۰۸ - ممر، ممر، ممر، ممر، ممر: نامی عربی صمغ گیاهی که در روم و بلاد مغرب و جزیره سقطره می روید.^۵

نام های دیگر آن: رومی: اعروعلیطوس - سریانی: مرادکبار - یونانی: سمنا - هندی: بول

شمونا (*Smurna*): ممر [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۵۵]

| | | |
|--------------|------|--------------------------------|
| دی. الم. خط. | مُرّ | <i>Commiphora myrrha</i> Engl. |
|--------------|------|--------------------------------|

۱۷۰۹ - مُرّار، مرار، مرار، مرّار: (نامی عربی) نوعی شکا‌عا است و باد آورد نام‌های دیگر آن: مصر: مُرّزیر - سرزمین بکر: دردریة

| | | |
|----------|-------------------|--|
| زریاب | مرار | <i>Centaurea aegptiaca</i> Del. <i>Centaurea alexandrina</i> D. <i>Centaurea calcitrapa</i> L. <i>Centaurea pallescens</i> Del. <i>Tripteris vaillantii</i> L. |
| الموسوعة | قطریون نجمی، مرار | <i>Centaurea calcitrapa</i> L. <i>Centaurea stellata</i> |

۱۷۱۰ - مُرّان، مرّان، مرّان: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: شجرة الرمح - مالیا

مالیا (*Melia*): نام «شجر المرّان» است ولی منظور از «مرّان» در کتاب جالینوس این گیاه نیست بلکه گیاهی است که "دیسکورید" از آن بعنوان «قرانیا» یاد کرده است. جالینوس از «مالیا» در کتاب خود نامی نبرده است. "دیسکورید" «قرانیا» را گیاهی کوهستانی معرفی کرده که در لبنان و مکان‌های دیگر رویش دارد و دارای میوه‌ای کوچک چون سیب کوچک است و هنگام رسیدن زرد و قرمز می‌شود و کمی ترش مزه است و درون آن دانه‌ای از جنس «زعرور» قرار دارد. برای این گیاه غیر از نام «قرانیا» نام دیگری نمی‌شناسم. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۸۱]

| | | |
|----------|----------------------|---|
| دیسکورید | مالیا - مرّان - زان | <i>Fraxinus excelsior</i> L. |
| دیسکورید | قرانیا | <i>Cornus mascula</i> L. |
| الموسوعة | مُرّان، لسان العصفور | <i>Fraxinus</i> sp. |
| دیسکورید | مرّان شامخ | <i>Fraxinus excelsior</i> L. |
| زریاب | مرّان | <i>Cornus mascula</i> L. |
| طباطبانی | مرّان | <i>Cornus mascula</i> L. <i>Fraxinus excelsior</i> |
| EN. | مرّان | <i>Fraxinus excelsior</i> L. |

۱۷۱۱ - مُرّخ، مرخ: گیاهی است بیابانی که با وزش تند باده‌ها کنده شده و از آن برای درست کردن آتش استفاده می‌شود و عرب این نام را همچنین به هر گیاه خاردار مورد استفاده در آتش چون عفار، شبرق و کلخ بکار می‌برد.

| | | |
|-------|-----|-----------------------------------|
| زریاب | مرخ | <i>Cynanchum pyrotechnicum</i> L. |
|-------|-----|-----------------------------------|

۱۷۱۲ - مُرّذکی، نام‌های دیگر آن: رومی: طرغولیطوس - سریانی: مرّاذخیا، مرّافروط، اسمرنا، سمرنا یو طبقاً

| | | |
|-------|-------|--|
| زریاب | مرذکی | <i>Commiphora abyssinica</i> Engl. <i>Balsamodendron myrrha</i> Nees. |
|-------|-------|--|

۱۷۱۳ - مَرَزَنْجُوشْ، مَرَزَنْجُوشْ، مَرَزَنْجُوشْ، مَرَزَنْجُوشْ، سَمْسَقْ، سَمْسَقْ، عَنَقَرْ، عَنَقَرْ، عَنَقَرْ، انجرك، حب القثا، حب الفیل، شمشرا، عیسوب، مردقوش: معرب مرزنگوش فارسی - نام های دیگر آن: عربی: سرمق، عنقر، عبقر، حب المرأة، حب الفتی ریحان الامروء - هندی: رونا، مروانا، مدقوش، مرقوش - دیسکورید: سمسخون - رومی: امارقون، سمسق - مردقوش - مرددوش

ضمصوخن (Makul) (Samsukhon): نام «مرزنجوش» به معنای گوش موش است و از نام های دیگر آن: «سمسق»، «مردقوش»، «عنقر»، «انجرك» است و بعضی آن را «اذن الفار» نامیده اند در صورتیکه «اذن الفار» نام مشترکی است که به بقیه گیاهان تناسب بیشتری دارد. اهالی اندلس به این گیاه «مرددوش» گویند. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۳۷]

| | | |
|---|--|--------------|
| <i>Origanum majorana L.</i> | مرزنجوش - سمسق - ضمصوخن | دیسکورید |
| <i>Origanum majorana L.</i> | مرزنجوش | ز. - خ. - ط. |
| <i>Origanum majorana L.</i> <i>Stachys lavandulaefolia Vahl.</i> | مرزنگوش | پارسا |
| <i>Majorana sp.</i> | مَرَدَقُوش، مَرَدَقُوش، مَرَدَقُوش، مَرَزَنْجُوش، ریحان داوود، سُمَسَق | الموسوعه |
| <i>Majorana hortensis Moench.</i> <i>Origanum majorana L.</i> | مَرَدَقُوش بستانی | الموسوعه |
| <i>Majorana hortensis Moench.</i> <i>Origanum majorana L.</i> | مَرَزَنْجُوش | EN. |

۱۷۱۴ - مرس:

۱۷۱۵ - مَرَسَطُسْ: (نامی نبطی)

۱۷۱۶ - مرطولست:

۱۷۱۷ - مَرَقْدْ، مَرَقْدْ: به «أفیون» و همچنین به «جوز مائل» گفته می شود.

۱۷۱۸ - مَرَمَاحُورْ، مَرَمَاحُوزْ، مَرَمَاحُوزْ، مَرَمَاحُوزْ، مارون: نام های دیگر آن: فارسی: مرو خوش، مرو جبلی - رومی: هیوفسیتیوس - فارسی: مرماهوز، مرو همیشه بهار

ماژون: نوعی از «نم» و نوع بری آن است و دارای کرک های سفید نرم و مشخصی با گل هایی چون گل «صعتر» بصورت سه تایی است. من - ابن بطار - غیر نام یونانی آن نام دیگری برای آن نمی شناسم ولی در عین حال گویند همان گیاه «مرماحور» است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۴۰]

| | | |
|---|--|----------|
| <i>Origanum maru L.</i> | مرماحور | زر، دی. |
| <i>Origanum maru L.</i> <i>Origanum amaracus Gled.</i> | مَرُو، حَبَق الشیوخ، خَرَبَاش، مَرَمَاحُوز، مَرَدَقُوش مُعَقَّد، زَعْبَر | الموسوعه |

۱۷۱۹ - میزلاط: در دو نوع سفید و سیاه است، نام سفید آن «شَب رَدَجَه» یعنی «سبعة اصول» یا هفت ریشه می باشد.

۱۷۲۰ - مَرَمِخَا: (نامی سفدی) نام دیگر آن به جرجانی «قمش» است.

| | | |
|----------------------------|-------|-------|
| <i>Rubus fruticosus L.</i> | مرمخا | زریاب |
|----------------------------|-------|-------|

۱۷۲۱ - مَرَمَازاد: نام های دیگر آن: فارسی: مروازاد - فرنگی: اسطاکیس

۱۷۲۲ - مرماطوس^۱: نام‌های دیگر آن: مرو بری^۲ - فارسی: درنک^۳

۱۷۲۳ - مرماهوس^۴: نام‌های دیگر آن: فارسی: مرو سفید^۵، مرو تلخ^۶

۱۷۲۴ - مرناغر^۷: نام دیگر آن: سماق بری، اطریشیه

۱۷۲۵ - مَرَو، مرو، مرو^۸ (لغت نبطی یا فارسی)، بزرالمرو^۹، حیق الشیوخ^{۱۰}: نوعی جنبه نام‌های دیگر آن: ریحان الشیوخ^{۱۱} - فارسی: مروزشک^{۱۲} - شیرازی: مرورشک^{۱۳} - هندی: کنوچه^{۱۴} (دارای چهار نوع می باشد). عربی: زَغَبَر^{۱۵}، زَبَغَر^{۱۶} - "رازی" می‌گوید: نام آن «قهلمان» و چهار نوع است: اردشیران و میردارون و دارمک و مرماهویه و نوعی به نام «میشبهار» است. انواعی است نوع خوشبوی وی را مرماحوز خوانند، به شیرازی به آن «مرخوش» گویند و نوع دیگر آن را که بوی کمتر دارد «شموسا» خوانند و آن «مرو سفید» بود و گویند بدرستی که «لسان الثور» است و یک نوع دیگر را «خراما» گویند و یک نوع دیگر را «دارمک» خوانند و آن «مرو سفید» بود و گویند بدرستی که «لسان الثور» است و یک نوع دیگر را «خراما» گویند و یک نوع دیگر را «اردشیر دارو» و «وارد شیران» گویند و آن را به شیرازی «مرو تلخ» خوانند و به لفظ دیگر «مرماهان» و «مرماهوس» گویند... مؤلف گوید: انواع «مرو» هیچ کدام حب سفید نیست الا «مرو تلخ» که خود و حب او هر دو سفیدند و این مشهور بود به «مرو سفید» پس بدین تقدیر «مرو سفید» غیر «لسان الثور» است و نوعی دیگر هست که آن را «میشبهار» گویند و آن «گاو چشم» است. ت. غافقی^{۱۷} می‌گوید: "صاحب فلاحه" برای «مَرَو» هفت نوع ذکر کرده است نوعی به نام «مرماحوز» است. ع. اشبیلی^{۱۸} می‌گوید: دارای پنج قسم است که نام‌های آن‌ها عبارتست از: ۱ - نوع اول بستانی: مالیسوقلن، مرو، شبريله، مرماخور، زغبِر، مالیطا ۲ - نوع دوم بستانی: رائحة البستان، حبق الشیوخ، شاهشیرم، تاجیقطون، مندبونه، ازدشیر زاد، خَشَبَزَم، نام برگ: خَزَق ۳ - انیولیس یا انیوبس، خافور ۴ - مرو اسود: افریقیه منتهونه یعنی رَجَل صالح، میرادون، یعنی مرو الاسود ۵ - ممونون، اردمیردا^{۱۹}

| | | |
|-----------|--|---|
| زر. - طب. | مرو | <i>Origanum maru L.</i> <i>Teucrium marmu L.</i> |
| الموسوعه | مَرَو، حَبَق الشیوخ، خَرَبَاش، مَرَمَاحوز، بَزْدَقوش مُعَقَّد، زَغَبَر | <i>Origanum maru L.</i> <i>Origanum amaracus</i> |

۱۷۲۶ - مروی مشتقی^{۲۰}: این گیاه بصورت درختی و علفی است درختی آن در دو نوع جبلی و بستانی است. نام‌های علفی آن عبارتست از: بُشَج مائی یعنی مَص العسل، لسان الفرس نام‌های نوع جبلی آن عبارتست از: سطالیون، ابمیلُس، اسملیس، بُروله، ثمره الدب، انبجه نوع دیگری از آن نیز تیلافیون نامیده می‌شود.^{۲۱}

۱۷۲۷ - مروریه^{۲۲}، مرویه^{۲۳}: نام‌های دیگر آن: یعضید^{۲۴}، نوعی هندباء^{۲۵} "رازی" می‌گوید: «مروریه» نوعی «خَس» است. ع. ۱۷۲۸ - مریافلون^{۲۶}، مریافلون^{۲۷}، مریافلن^{۲۸}: به معنای ذو ألف ورقه^{۲۹} نام‌های دیگر آن: موزق^{۳۰}، قانطیره^{۳۱}، شَعَر العجل^{۳۲} - جامع گوید «حزنبل» است و طرقیان آن را «حدمانه» خوانند.^{۳۳}

| | | |
|---------|----------|-------------------------|
| مریافلن | طباطبائی | <i>Myriophyllum sp.</i> |
|---------|----------|-------------------------|

۱۷۲۹ - مریافلون آخر^{۳۴}، مریافلون بحری^{۳۵}: نام‌های دیگر آن: ماریون یعنی بحری - سطرابطوطس شاید نیلوفر البزک باشد.^{۳۶}

۱۷۳۰ - مرینخ^{۳۷}، مرینج^{۳۸}: نام دیگر جوز هندی^{۳۹}

۱۷۳۱ - مَرَّه^{۴۰} (۱): از جنس جنبه و نوعی فودنج و دارای سه نوع است: ۱ - سهلی با نام‌های: فرسیون، فراسیون، اسفیدارا راغیا، شنار، حشیشه الکلاب، شُرِیث، اشکریه، مَرَّه الابيض ۲ - صخری با نام‌های: فراسیون، فلوقاریش یعنی شعری، غَرَب، مَرَّه الاسود ۳ - جبلی با نام‌های: قارة یعنی مفید برای خفقان سودائی، سطاخیس یعنی بیضاء، آلوسن، مَرَّه ابیض، السمته، نسمة زیرا برای درمان بیماری نسمة بکار می‌رود، هانجه، حشیشه الکلب زیرا برای گاز گرفتگی سگ مفید است، قَنیره یعنی کلبیه، ساکته، مُشکته، آلوسن یعنی خواب (گیاه سحری است).^{۴۱}

| | | |
|---------------------------|------------------------------------|-------------|
| <i>Alisma plantago L.</i> | ميزمار الزاعى | زر. - طبيا. |
| <i>Alisma plantago L.</i> | اليسما، ميزمار الزاعى، أذن الاذنْب | ديسكوريد |
| <i>Alisma sp.</i> | ميزمار الراعى، فساس | الموسوعة |

| | | |
|----------|------------------------------|---------------------|
| الموسوعة | مسواك الراعي، عُصاب، شَبْرَج | <i>Lepidium sp.</i> |
|----------|------------------------------|---------------------|

| | | |
|---|--|-------------|
| <i>Origanum dictamninus</i> L. <i>Amaracus dictamnus</i> Ben. | طرامشیع | زر. - طبّا. |
| <i>Origanum dictamninus</i> L. <i>Origanum creticum</i> L. <i>Origanum hirtum</i> Lk. | مشکطرامشیر - مشکطرامشیع (نوع اول) فسودودقطنین، مشکطرامشیع کاذب، نوع دوم اقريطی (نوع سوم) | دیسکورید |

Poleo chorbuno – ۲

المهری، بانام های: سفردین، اسقردین، طورنه ماطزس^(۱) یعنی برطرف کننده بیماری رحم و فتق^ش.
 ۱۷۴۹ - مَضْ، مَظْ، مَظَّ، مَظَّ: (نامی عربی) نام دیگر آن: رمان بری^۲ - جلنار^۳ - نام میوه: حب القلقل^۴

| | | |
|-------|-------|---------------------------|
| زریاب | مَظَّ | <i>Punica granatum L.</i> |
|-------|-------|---------------------------|

۱۷۵۰ - مُغَاثْ، مَغَاثْ، مَغَاثْ، مَغَاثْ (نامی عربی)، عقاودم^۵، معاذ: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را ریشه های درخت «رمان بری» و عده ای آن را «عقار هندی» و بعضی «آس بری» می دانند و آن چیزهائی است که از ریشه های «رمان بری» در مناطق بیت المقدس جمع آوری می شود.^ش

| | | |
|----------|-----------|------------------------------------|
| زریاب | مغاث | <i>Glossostemon bruguieri D.C.</i> |
| الموسوعه | مُغَاث | <i>Glossostemon sp.</i> |
| الموسوعه | مغاث عجمی | <i>Glossostemon bruguieri D.C.</i> |

۱۷۵۱ - مغایر^۶: نام های دیگر آن: مَغْفَر^۷ - مَغْفَر^۸ - مَغْفَر^۹

| | | |
|----------|----------------------|-------------------------------------|
| الموسوعه | نام صمغ گیاه عَرُفُط | <i>Acacia oerfota (Forsk.) Sch.</i> |
|----------|----------------------|-------------------------------------|

۱۷۵۲ - مَغْدَ، مَغْدَ، مَغْدَ، مَغْدَ: "ابوحنیفه" می گوید: نام «لفاح بری» است و گویند نام «بادنجان» است و گروهی پنداشته اند «کَمَاة» کوچک است و اولی صحیح تر است^{۱۰} و همچنین به گیاهانی که از درختان بویره درخت انگور بالا می رود گفته می شود.^{۱۱}

| | | |
|----------|-----------------------|-----------------------------|
| الموسوعه | بادنجان - آئب - مَغْد | <i>Solanum melongena L.</i> |
|----------|-----------------------|-----------------------------|

۱۷۵۳ - مَغْدود^{۱۲}: نوعی از «کَمَاة» کوچک^{۱۳}

۱۷۵۴ - مَغْرِزَة، مَغْرِزَة^{۱۴}:

۱۷۵۵ - مَفْرَح قلب المحزون^{۱۵}: «ترنجان» است و به «بادرنیویه» هم گویند^{۱۶}.

۱۷۵۶ - مَفْصَحَة: وجه تسمیه: موجب برطرف شدن لکنت زبان می شود. نام دیگر آن: شالبیه^{۱۷}

۱۷۵۷ - مُقْل، مَقْل، مَقْل، مَقْل، مَقْل ازرق^{۱۸}، خَشَل^{۱۹}، خِضلاف^{۲۰}، وَقْل^{۲۱}، وَقْل (نام میوه)، دَوْم^{۲۲}، دَوْم^{۲۳}: نام های دیگر آن: میوه: مَقْل، وَقْل - میوه تازه: بَهْش^{۲۴} - میوه خشک: خَشَف^{۲۵} - آرد: خَشَل^{۲۶} - برگ آن: طَفْی^{۲۷}، أَثْلَم^{۲۸} - عربی: دومه^{۲۹}، وَقْل^{۳۰} - سریانی: مَقْل^{۳۱}، قیرف^{۳۲} - رومی: بذالیون^{۳۳}، بدولیون^{۳۴}، بدالیون^{۳۵}، بادلیون^{۳۶} - عربی: قفر^{۳۷}، کور^{۳۸} - فارسی: بوی جهودان^{۳۹} (زیرا یهودیان از آن بسیار می خورند) - هندی: کُوکِل^{۴۰}، یمن: الکور - الوخن - خشل - بهش - ایورش^{۴۱} - «یرونی» می گوید: آنچه تر بود از «مقل» عرب او را «بهش» گوید و چون خشک شود «وَقْل» گوید و آنچه خوردن را شاید او را «حَتّی» گویند. و همچنین مقل خشک را «خَشَل»، مقل تر را «بهش»، خسته او را «مُلُج» و پست مقل را «حَتّی» گویند.^{۴۲} - مقل یهودی: الیلاون^{۴۳} - مقل مکی: میوه الدوم^{۴۴} - «مقل» نام میوه درخت «دوم» است و در عین حال به درخت آن «مقل» می گویند.^{۴۵} «مقل» صمغی است که آن را «کوزا» خوانند و معروف بود به «مقل ازرق» و «مقل مکی» و «مقل الیهود» و عربی بود و صیقلی بود.^{۴۶}

بَذْلِیون (Bdeilion): به معنای «راحة الاسد» و از انواع «مقل الأزرق» است. [این عبارت (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۵۷]

| | | |
|--|--------------------------------|----------|
| <i>Cammiphora mukul</i> Engl. | بدلیون - راحة الاسد - مقل أزرق | دیسکورید |
| <i>Cammiphora mukul</i> <i>Bdellium</i> Engl. | مقل أزرق | پارسا |
| <i>Cammiphora mulomol</i> Engl. | خاک مقل | پارسا |
| <i>Balsamodendron africanum</i> <i>Hendelotia africanum</i> | مقل | الم، EN. |
| <i>Bdellium indicum</i> | مقل اليهود | الموسوعه |
| <i>Hyphaene thebaica</i> Mart. <i>Cammiphora africanum</i> Engl. <i>Balsamodendron africanum</i> Arn. <i>Balsamodendron mukul</i> Hook. | دوم - وقل - مقل | زریاب |
| <i>Hyphaene thebaica</i> Mart. <i>Balsamodendron africanum</i> Arn. | مقل | طباطبائی |
| <i>Cammiphora mukul</i> <i>Bdellium</i> Engl. | مقل یهودی | EN. |

۱۷۵۸ - مقل مکی، مقل مکی، مقل مکی، مقل مکی، مقل مکی: نام دیگر آن: میوه دوم^ع

| | | |
|--------------------------------|-----------------|-------|
| <i>Hyphaene thebaica</i> Mart. | خضلاف - مقل مکی | خطابی |
|--------------------------------|-----------------|-------|

۱۷۵۹ - مقلیانا، مقلیانا: (نامی سریانی) بنا به نظر عده‌ای نام «حرف» است.^ع

| | | |
|------------------------------------|---------------------|-----|
| <i>Nasturtium officinale</i> R.Br. | مقلیانا - حب الرشاد | EN. |
|------------------------------------|---------------------|-----|

۱۷۶۰ - مکهاره: (نامی هندی) ریشه گیاهی که به هندی «بتال مکهان» نامیده می شود.^ف

۱۷۶۱ - ملّاح: نوعی حَمَض^ع

۱۷۶۲ - ملوح، ملوخ، ملوخ: (شام) نوعی قطف بحری نام‌های دیگر آن: نبطی: قاقلی - بصره: ملّاح - اهالی شام: سامر^ش - الیمون^ش ملوخ البطریق^ش تلش^ش - قرنبا^ش - شقواص البحر^ش - قطف بحری^ع - [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۹۳: به «قطف» رجوع شود.]

| | | |
|----------------------------|------|-------|
| <i>Atriplex halimus</i> L. | ملوخ | زریاب |
|----------------------------|------|-------|

۱۷۶۳ - ملوکیه، ملوخیه، ملوخیه، ملوخیا، ملوخیه: جنسی است از «خبازی»^ب - نوعی «خبازی» است و آن بستانی بود. نام‌های دیگر آن: شیرازی: خطمی کوچک - رومی: ایسفسوس^ب - سریانی: ملوخیا^ب - سجزی قدیم: ملک^ب - سجزی جدید: پنیوک^ب، کُشیعاء^ب - بلخ: دبوکی^ب، ملوخیه^ب - ملوکیه^ب، خبازی^ب، خباز^ب
ملوخی (Molokhe): نام‌های دیگر آن عبارتست از: خبازی - ملوکیه [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۰۳]

| | | |
|---|------------------------|----------|
| <i>Malva rotundifolia</i> Desf. | ملوخی - ملوکیه - خبازی | زریاب |
| <i>Corchorus olitorius</i> | ملوخیه | الموسوعه |
| <i>Malva silvestris</i> L. <i>Corchorus olitorius</i> L. | ملوکیه - پنیوک - خبازی | زریاب |

| | | |
|----------|--------|-------------------------------|
| EN. طبا. | ملوخیه | <i>Corchorus olitorius L.</i> |
|----------|--------|-------------------------------|

- ۱۷۶۴ - ملونیه^۲، ملونیا^۳: نام های دیگر آن: بطیخ الطویل^۴ - مقلونیا^۵ - خربزه دراز^۶ - شیرازی: خیار دراز^۷
 ۱۷۶۵ - مئور^۸: به «خیری» گفته می شود و همچنین به نوعی «خشخاش» با نام یونانی «میقن زواس»^۹.

| | | |
|----------|-----------------------|------------------------------|
| الموسوعه | مئور بری، شیشیم، خنجم | <i>Matthiola livida DC.</i> |
| الموسوعه | خیری، مئور | <i>Cheiranthus sp.</i> |
| EN. | خیری، مئور | <i>Cheiranthus cheiri L.</i> |

- ۱۷۶۶ - مَنج زَراوْشان؛ منج زراوشان (تخم خیری): (نامی فارسی) نام های دیگر آن: عربی: مَنج^{۱۰} - فارسی: کونک^{۱۱}

| | | |
|-------|-----|------------------------|
| زریاب | منج | <i>Datura metel L.</i> |
|-------|-----|------------------------|

- ۱۷۶۷ - مَنسِیه^{۱۲}: نوعی هیوفاریقون - وجه تسمیه: با نوشیدن شربتی از آن عشق زیاد فرد را با ایجاد فراموشی متعادل می کند.^{۱۳}
 ۱۷۶۸ - مَنشِم^{۱۴}، حب المنشم^{۱۵}: دانه ای به اندازه فلفل و به رنگ میان زردی و سرخی و بغایت ملس و خوش بوی و زود شکن بود و مغز آن بغایت سفید و معطر است.^{۱۶}

| | | |
|-------|------|--|
| زریاب | منشم | <i>Commiphora opobalsamum Engl.</i> <i>Amyris opobalsamum</i> |
|-------|------|--|

- ۱۷۶۹ - مَنبیره^{۱۷}، منبیره^{۱۸}: نام دیگر آن: أرجونیه^{۱۹} - ارجمونی^{۲۰}
 ۱۷۷۰ - مو^{۲۱}، مین^{۲۲}، مو^{۲۳}، مو^{۲۴}، مو^{۲۵}: نام دیگر آن: هندی: مون^{۲۶}
 میئون (Meon): مو [این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۳]

| | | |
|-----------|------------------|--------------------------------|
| ز. ط.، E. | مو | <i>Meum athamanticum Jack.</i> |
| دیسکورید | میئون - مو | <i>Meum athamanticum Jack.</i> |
| الموسوعه | شبت بری، موم، مو | <i>Meum athamanticum Jack.</i> |

- ۱۷۷۱ - مواغزن^{۲۷}: به معنای عسلی - نام های دیگر آن: هَزْجان^{۲۸}
 ۱۷۷۲ - مورقا^{۲۹}، مورقا^{۳۰}: (نامی اندلسی) نام های دیگر آن: سرزمین بربر: اَسْمان^{۳۱} - بعضی از مردم: سنبل بری^{۳۲}
 برخی گمان می کنند نام «مو» است ولی اینچنین نیست.^{۳۳}
 ۱۷۷۳ - مَوَزْ، مَوَزْ، موز^{۳۴}، موز^{۳۵}، موز^{۳۶}، موز^{۳۷}، موز^{۳۸}: (نامی عربی) نام های دیگر آن: عربی: طلح^{۳۹} - هندی: کیله^{۴۰}

| | | |
|-----------|-----|--|
| الموسوعه | موز | <i>Musa sp.</i> <i>Musa sepientum L.</i> |
| زر. - خط. | موز | <i>Musa paradisiaca L.</i> <i>Musa sepientum L.</i> |
| EN. | موز | <i>Musa sepientum L.</i> |

۱۷۷۴ - مؤسلی: (نامی هندی)

۱۷۷۵ - مؤل سَری: (نامی هندی)

۱۷۷۶ - مولی^۲، مولی^۳: گویند «حَرمَل بری» است.^۴

| | | |
|------------------------------|------|-----|
| <i>Arum dracuncululus L.</i> | مولی | EN. |
|------------------------------|------|-----|

۱۷۷۷ - مونج: پوست نی تو خالی به نام سرکنده است.^۵

۱۷۷۸ - مونذی: (نامی هندی)

۱۷۷۹ - موؤس^۶: نام‌های دیگر آن: هَروا^۷ - قونیون^۸۱۷۸۰ - مَهْد، مَهْد: (نام کشمیری) نوعی «عرطینا» معروف به «راحة الأسد» که اهالی شام به آن «قیلعی» گویند.^۹۱۷۸۱ - میه^{۱۰}:

| | | |
|---|-----|-------|
| <i>Pteris radiofa Mett.</i> <i>Acrostichum dichototum Forsk.</i> | میه | زریاب |
|---|-----|-------|

۱۷۸۲ - مِیسَن، مِیسَن، مِیسَن، مِیسَن^{۱۱}: (نامی عربی) نوعی قِیْقَب است.^{۱۲} نام‌های دیگر آن: مَلَبونه^{۱۳} - یونانی:لوسوس^{۱۴}، لَطوس^{۱۵} [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲۵: به «لوپوس» رجوع شود.]

| | | |
|---|---------------|----------|
| <i>Trigonella elatior Sybth.</i> <i>Nymphaea lotus L.</i> <i>Trigonella caerulea Ser.</i> | میسَن | زریاب |
| <i>Nymphaea lotus L.</i> | میسَن | طباطبائی |
| <i>Celtis sp.</i> <i>Nymphaea lotus L.</i> <i>Trigonella caerulea Ser.</i> | مِیسَن، نَشَم | الموسوعه |
| <i>Sorbus torminalis (L.) Crantz</i> | مِیسَن | EN. |

۱۷۸۳ - میسنای^{۱۶}: نام‌های دیگر آن: زابلستان: شیرگیا^{۱۷} - بلخ و طخارستان: خیارک بی بر^{۱۸} - خوارزم: ویدویک^{۱۹}۱۷۸۴ - میعة سائله^{۲۰}، میعه^{۲۱}، میعه^{۲۲}، میعه^{۲۳}: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: عربی: لبنی^{۲۴} - هندی: سلارس^{۲۵}درخت آن را به فرنگی «اسطراکه‌لیکه» (یعنی نرم) گویند.^{۲۶} دارای دو نوع میعه سائله و میعه یابسه^{۲۷} است. «ابوجریح» می‌گوید: میعه صمغی است روان، از گیاهی که در شهرهای روم می‌روید بدست می‌آید.^{۲۸} میعه دو نوع است: سائله با نام‌های:عسل اللَّبنی^{۲۹} - هندی: سلهارس^{۳۰}، اصطفی^{۳۱}، عسل لبنی^{۳۲} - یابسه با نام‌های: هندی: سِلَهه^{۳۳}، سِلَهس^{۳۴}، شیرازی: لحوز^{۳۵} میعهسه جنس است، «میعه تر» و «میعه خشک» و «اصطُرک»^{۳۶} و «أصطرک»^{۳۷} نوعی از «میعه» است.^{۳۸}

صَطَقَطی (Stakte): میعة السائله - حنین: دَسَم الشجر المرّ [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۵۱]

| | | |
|---|---------------------------------|----------|
| <i>Commiphora myrrha Engl.</i> <i>Styrax officinale L.</i> | صطفی - میعه سائله میعه یابسه | دیسکورید |
| <i>Rosa maialis Desf.</i> | میه سائله | پارسا |
| <i>Strax officinale</i> | اضطرک - لبنی - میعه | الموسوعه |

| | | |
|---|--------------------------|----------|
| <i>Liquidambar orientalis L.</i> <i>Styrax officinale L.</i> | میعه سائله میعه بابسه | زریاب |
| <i>Liquidambar orientalis L.</i> <i>Styrax officinale L.</i> | میعه میعه بابسه | طبا، EN. |

۱۷۸۵ - میکلس:

| | | |
|---|-------|-------|
| <i>Convolvulus sepium L.</i> <i>Smilax aspera L.</i> | میکلس | زریاب |
|---|-------|-------|

۱۷۸۶ - میلقص لیا:

۱۷۸۷ - مین: نام های دیگر آن: اثامنطیقون - مین - میون - بیزه - مو - سنبل الاقلیطی - مورانه - موران

۱۷۸۸ - میواقتوس: نام دیگر آن: شوک الفأرة

| | | |
|--|-----------------------|-------|
| <i>Asparagus officinalis L.</i> <i>Asparagus acutifolius L.</i> | میواقتوس - شوک الفأرة | زریاب |
|--|-----------------------|-------|

۱۷۸۹ - میودیون: نام دیگر آن: مادیون - برگردان عربی آن «ذنب الأیل» است.

۱۷۹۰ - میویزج، میویزج، میویزج، میویزج (نامی فارسی)، زبیب الجبل: نام های دیگر آن: اسطافیدوس اغریا - حب الراس - صیب - خروع الاسود - شیرازی: مویزک - فاس: حب الراس - برگردان عربی آن زبیب الجبل و زبیب الریفی است و نام دیگر آن «حب الراسن» است. - صاحب جامع گوید «حب الراسن» است و این سهو است.

| | | |
|-----------------------------------|--------|----------|
| <i>Delphinium staphisagria L.</i> | میویزج | ز، خ، ط. |
|-----------------------------------|--------|----------|

حرف «ن»

۱۷۹۱ - نارجیل، نارجیل، نارجیل، نارجیل، نارجیل، جوز هندی، رانج، نارجیل: معرب ناریل هندی است. نام های دیگر آن: هندی: نالیر - عربی: جوز هندی، الزنج - فرنگی: کوکرس اندیکریس - رانج - جوز الهند - شیرازی: گردو هندی - به هندی تازه آن را «ناریل» و خشک آن را «کھوپره» گویند.

| | | |
|--------------------------|--|----------|
| <i>Cocos nucifera L.</i> | نارجیل | ز، ط، E. |
| <i>Cocos nucifera L.</i> | نارجیل - نارکیل | پارسا |
| <i>Cocos nucifera L.</i> | نارجیل معروف، جوز الهند، رانج، شمعور، جشرج | الموسوعة |

۱۷۹۲ - نارجیل بحری: نام دیگر آن: فارسی: نارجیل دریائی

| | | |
|----------------------------------|-----------------------|-------|
| <i>Lodoicea sechellarum Lab.</i> | نارجیل دریائی - کشکول | پارسا |
|----------------------------------|-----------------------|-------|

۱۷۹۳ - ناردین، ناردین، ناردین، ناردین، ناردین رومی؟ «ابن بیطار» می گوید: هر گاه «ناردین» به تنهایی

ذکر شود منظور «سنبل هندی» است و هر گاه «ناردین اقلیطی» گفته شود منظور «سنبل اقلیطی» و همان نوع رومی است، و «ناردین اوری» «سنبل جبلی» است و «ناردین آغریا» به معنای «سنبل بری» بوده و به «سنبل جبلی» «آسارون» نیز گفته می‌شود.^۴ آشبینلی^۵ می‌گوید: نام انواع آن عبارتست از: ۱ - ناردین اقلیطی: سنبل الرومی ۲ - ناردین جبلی: ششتره، فو ۳ - ناردین نهري: ساذج ۴ - ناردین صینی: آسارون^۶ [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۶ و ۷: به «سنبل، رجوع شود.]

| | | |
|--|-------------------------------------|----------|
| <i>Valeriana sp.</i> | سنبل، ناردین | الموسوعه |
| <i>Valeriana celtica L.</i> | سنبل رومی، ناردین اقلیطی، عطارد | الموسوعه |
| <i>Valeriana phu L.</i> <i>Valeriana discordes Sibth.</i> | سنبل الحدائق، سنبل الحدائق، فو | الموسوعه |
| <i>Valeriana montana L.</i> <i>Valeriana discordes Sibth.</i> | سنبل ناردین الجبل | الموسوعه |
| <i>Valeriana wallichii DC.</i> <i>Valeriana discordis Sibth.</i> | ناردین آرزق، سنبل آرزق | الموسوعه |
| <i>Valeriana spica Vahl.</i> <i>Valeriana discordes Sibth.</i> | ناردین الطیب، ناردین هندی | الموسوعه |
| <i>Valeriana officinalis L.</i> <i>Valeriana discordes Sibth.</i> | ناردین مخزنی، حشیشه القط، بقلة الهز | الموسوعه |
| <i>Asarum europaeum L.</i> | ناردین بری - آسارون | الموسوعه |
| <i>Valeriana celtica L.</i> <i>Valeriana jatamansi DC.</i> <i>Nardostachus jatamansi DC.</i> | ناردین | زریاب |
| <i>Valeriana celtica L.</i> <i>Valeriana officinalis</i> | ناردین | طباطبائی |
| <i>Valeriana jatamansi DC.</i> | ناردین | EN. |

۱۷۹۴ - نار فارس؛؟

۱۷۹۵ - نار قیصر؛؟

۱۷۹۶ - نارکیوا، نارکیوغ^۷، نارکیو^۸: نام‌های دیگر آن: مارکیوا^۹، خشخاش الاحمر^{۱۰} "ابن یطار" می‌گوید: به «رمان السعالی» که نوعی «خشخاش» است گفته می‌شود و گویند منظور از «نارکیو» همه انواع «خشخاش» است و همچنین گویند فقط نوع سیاه «خشخاش» مورد نظر است.^{۱۱} - گویند «بزر مرزنجوش» است.^{۱۲}

| | | |
|--------------------------|---------|-----------|
| <i>Papaver rhoeas L.</i> | نارکیوا | زر - طبا. |
|--------------------------|---------|-----------|

۱۷۹۷ - نارمشک^{۱۳}، نارمشک^{۱۴}، نارمشک^{۱۵}، نارمشک^{۱۶}، نارمشک^{۱۷}، نارمشک^{۱۸}، نارمشک^{۱۹}: لغت فارسی و به معنای مسک الرمان، مشک الرمان^{۲۰} است.^{۲۱} و در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی گویند «جلنار» است و برخی آن را شکوفه و پوست و گل‌های درختی مشابه «بسباسه» می‌دانند و در هند رویش دارد.^{۲۲} نام‌های دیگر آن: اقماع رمان هندی - سندی: نارغفف^{۲۳}، نارغیست^{۲۴}، نارغیث^{۲۵}، ناغیست^{۲۶}، سوربارو^{۲۷} - هندی: ناکیسر^{۲۸}، ناکمتر^{۲۹}، ناکفف^{۳۰}، ناکیس^{۳۱} - «ابن ماسویه» می‌گوید: شکوفه گیاهی که آن را «نارماسیس» می‌نامند.^{۳۲} - «رازی» می‌گوید: گل درختی به نام «نارماسیس» است.^{۳۳}

| | | |
|------------------------|--------|-------|
| <i>Mesua ferrea L.</i> | نارمشک | خطابی |
|------------------------|--------|-------|

۱۸۰۵ - نجاله^(۱): نام دو گیاه، «شیطرح» و گیاه یکساله دیگری است و همچنین به «جوز القطاة» نیز می‌گویند.^ش

۱۸۰۶ - نَرْتِیْقَسْ:

۱۸۰۷ - نرجس، نرجس، نرجس، نرجس، بصل النرجس: (معرب نرگس فارسی) نام‌های دیگر آن: پیاز نرگس - عبهر - شیرازی: هفت زرده - فاس: بهار - عامه: حنیق زنبق - مؤلف گوید نرجس دارای انواعست یک نوع را «شاه نرجس» و یک نوع را «نرجس مسکین» و یک نوع را «کافوری» و یک نوع را «بهاری» گویند.^ش

| | | |
|----------------------|------|---------|
| Narcissus tazetta L. | نرگس | پارسا |
| Narcissus sp. | نرجس | ال، EN. |
| Narcissus poeticus | نرجس | خطابی |

۱۸۰۸ - نَرُوک، نَرُوک: (نامی فارسی)

۱۸۰۹ - نسرین، نسرین، نسرین، نسرین، نسرین: نام‌های دیگر آن: عربی: ورد صینی - فارسی: گل مشکین، گل عنبرین - اصفهانی: مشکین جه - هندی: تیونی - نسترن گل^ش [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۹۶: به «علیق» رجوع شود]

| | | |
|--|--------------------------------------|-----------|
| Narcissus jonquilla L. | گل مشکین - گل عنبری - نسرین | پارسا |
| Rosa moschata Herrn. Rosa canina L. | نسرین | زر. - خط. |
| Rosa canina | نسرین، جُنسَرین، ورد بری، ورد السیاح | الموسوعه |
| Rosa canina | نسرین | EN. |

۱۸۱۰ - نَشَم، نَشَم: نام دیگر آن: حور^ش - «غسانی» می‌گوید: پزشکان در مورد ماهیت آن اختلاف دارند برخی آن را «جوز» و عده‌ای «دلب» و گروهی «دردار» و بعضی «صفصاف» می‌دانند و همگی از انواع «نَشَم» است و لکن آنچه با این نام شناخته شده است «جوز الابيض» است.^ع اشبیلی می‌گوید: دارای انواعی است که عبارتست از: ۱ - نوع سفید: صبر ۲ - نوع دیگر سفید با نام یونانی: بطیالایا ۳ - نوع سیاه با نام یونانی: بطیالایا و لورقی و نام شامی: دردار و نام‌های: شجر البق، شخ ۴ - شجر المیس: قَيْقَب، یونانی: اخردس، سریانی: المیس، عجمی: بُخَشَش، شجر الدردار، شجر الصفصاف، شجر الفندک^ش

| | | |
|----------------------|-----|-------|
| Grewia bicolor Juss. | نشم | خطابی |
|----------------------|-----|-------|

۱۸۱۱ - نمشک: (نمشک) بنا به نقل کتاب کافی نام «جزر بری» است که زنان بعنوان روغن از آن استفاده می‌کنند ولی نزد ما «جزر بری» نیست و گیاهی هندی به رنگ یاقوت است که بویژه در مسافرت‌ها مصرف خوراکی دارد.^ش

۱۸۱۲ - نضار، نضار، نضار: «ابو عید بکری» می‌گوید: به درخت «أثل» که در کوه‌ها روئیده شود «نضار» و در مکانهای غیر کوهستانی «أثل» گویند.^ع

۱۸۱۳ - نَعْنَع، نَعْنَع، نَعْنَع، نَعْنَع، حشرما (نامی سریانی)، هیزارما: نام‌های دیگر آن: نعناع - یونانی: مشی، مثنی، مشی، به معنای خوشبو، مینزارما - فارسی: هزارپا، بوذنه - شیرازی: راقوته^ش - رومی: هوذا سمون، اوراسیمون، ایدووسمون - سریانی: رقوثا، نعا، هیوازما^ش

ایڈیاسْمُن (Hedusmon): نام گیاه «نعنع» است و آن گیاه معروفی است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹۲ و ۹۳]

| | | |
|--|-------------------------|----------|
| <i>Mentha piperita</i> Smith. <i>Mentha sativa</i> L. | نعنع | ز.ط.ع. |
| <i>Mentha piperita</i> Smith. | ابدیاسمن - نعن | دیسکورید |
| <i>Mentha</i> sp. | نعنع، نُعْنَع، نُعْناع | الموسوعه |
| <i>Mentha</i> sp. | نعنع | خطابی |
| <i>Mentha piperita</i> Smith. | نعنع فلفل | خطابی |
| <i>Mentha sativa</i> L. | نم | خطابی |
| <i>Mentha aquatica</i> L. | نعنع البری - نعن المانی | خطابی |

۱۸۱۴ - نُفَلْ، نُفَلْ، نُفَلْ، نُفَلْ، نُفَلْ: نام های دیگر آن: قَت البرّ، بارزد - فارسی: شَقْتَل، غسانی می گوید: از انواع آن «جَمَصی»، «حَنْدَقَوْقا»، «بساط الملك» و «انجبار» است. ^ع اشبیلی می گوید: نفل دارای انواع بسیاری است و همگی از گیاهان یکساله مرتعی هستند که عبارتند از: ۱ - جَمَصی ۲ - جَمری و نحلی ۳ - رطبه - قَت: لوطس اغریوس، پربه بطره یعنی عشبة البغلة ۴ - قَضَب: لوطس، بریه بطزیره، قَت ۵ - حندقوقا: لوطس طوماغا، لوطس اغریوس، طریفین، طریفله، حندقوقا، خاقی، دُزق، آزود، کرکمان، قرنفل الارض ۶ - حندقوقا مصری: دُزق ۷ - فِصْفَصَة ۸ - بساط الملك ۹ - ازراز: ثغام، اِزْزَة الارض ۱۰ - بلوز الريح ۱۱ - کرسنی ۱۲ - میدبقی ۱۳ - عروق السوس ۱۴ - انجبار النهري ۱۵ - رقعة النهرية ^ش

| | | |
|--|-----------|----------|
| <i>Trifolium</i> sp. | نفل، شبدر | الموسوعه |
| <i>Trifolium melilotus-indica</i> L. | نفل | طباطبائی |
| <i>Medicago ciliaris</i> Hook. <i>Medicago intertexta</i> L. <i>Trifolium melilotus indica</i> L. | نفل | زریاب |
| <i>Medicago ciliaris</i> Hook. <i>Medicago hispida</i> Gaertn. <i>Medicago littoralis</i> Rhod. <i>Medicago sativa</i> L. | نفل | خطابی |

۱۸۱۵ - نِکاچونی: (نامی هندی)

۱۸۱۶ - نلک، نلک: به درخت «زعرور» و همچنین به درخت «دب» گویند. ^ع

| | | |
|-------------------------------|-----------------|----------|
| <i>Prunus divaricata</i> Led. | نلک | زریاب |
| <i>Crataegus azarolus</i> L. | نلک، زعرور عادی | الموسوعه |

۱۸۱۷ - نم: ^ع

| | | |
|--|--|----------|
| <i>Thymus glaber</i> | سَعْتَرِ اَمْرَط، سَيْسَبْر، نَم، نَم الملك، رُبَيْزَة | الموسوعه |
| <i>Thymus glaber</i> <i>Thymus serpyllum</i> L. | نم | طباطبائی |

۱۸۱۸ - نَوَاسِ، نَوَاسِ، نَوَاسِ (نامی یونانی)، عصب: نام های دیگر آن: شجرة القدس، مسواک

العباس^۳، مسواک المسيح^۴ - دیسکورید: بطریون^۵ "غافقی" می‌گوید: نوع بزرگ «فتاد» را گویند و برخی از مردم آن را به نام «شجرة العرس» و برخی «سواک عباس» و «سواک عباسی» نامیده‌اند و در روم «سواک المسيح» نام دارد^۶ - "رازی" می‌گوید: نام دیگر آن «شجرة العصب» است^۷.

| | | |
|------|--|------------------------------|
| الم. | أسطراغالوس نوارس، نوارس، شجرة القدس، عَضْب | <i>Astragalus arnacantha</i> |
|------|--|------------------------------|

۱۸۱۹ - نُؤْبَع: نام‌های دیگر آن: دوقس، امستخسر یعنی باطل کننده سحر^۸

۱۸۲۰ - نَهْمَا، نَهْمَا: (نامی نبطی)

۱۸۲۱ - نِيطَافَلِی:

۱۸۲۲ - نِيفَاطُوس:

۱۸۲۳ - نِیلَج، حب النیل، نِیلَج، لِنِیلَج، نِیل، نِیل، نِیل، وِسْمَه، وِسْمَه، حناء معجون^۹، عجب^{۱۰}، عجب^{۱۱} (دانه)، وِسْمَه (نام برگ): نام‌های دیگر آن: نِیل - اساطوس^{۱۲} - عَظْلَم^{۱۳}، عَظْلَم (نام درخت) - خَطْر^{۱۴} - اندلس: سمائی^{۱۵} - نام گیاه در کتاب دیسکورید: اساطیس^{۱۶} - "غسانی" می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف کرده‌اند گویند نام «نیل» است و گویند «عَظْلَم» است. ابوحنیفه به نقل از بعضی اعراب «عَظْلَم» و «توم» و «وِسْمَه» را نامی برای یک گیاه می‌داند^{۱۷}. "اشبیلی" می‌گوید: به دو گیاه «عجب» و «وِسْمَه» با سه قسم می‌گویند سایر نام‌های وِسْمَه عبارتست از: سدوس، اساطس، تنطربه، طیلسات^{۱۸} - نام‌های دانه آن: قرطم هندی^{۱۹}، نِیلِنَج، لِنِیلَج - عصاره گیاه هرگاه خشک شود «سدوس» نام دارد^{۲۰} - «وِسْمَه» به برگ آن گفته می‌شود^{۲۱}.

اساطیس (Isatis): نِیل نِیلَج - طین الاخضر - عین الاخضر

اساطیس اغریا: نِیل بری (ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۶۵ و ۱۶۶)

| | | |
|----------|--|--------------------------------|
| خطابی | نیل | <i>Isatis tinctoria L.</i> |
| دیسکورید | نیل - نِیلَج - طین الاخضر - عین الاخضر | <i>Isatis tinctoria L.</i> |
| الموسوعه | نیل - نِیلِنَج - حِلَّة | <i>Indigofera sp.</i> |
| زریاب | نیل - وِسْمَه | <i>Indigofera tinctoria L.</i> |
| طباطبائی | نیل | <i>Indigofera tinctoria L.</i> |
| الموسوعه | لِیلَک، لِنِیلَج، نِیلَج | <i>Syringa sp.</i> |
| زریاب | حب النیل - قرطم هندی | <i>Ipomoea hedracea Ja.</i> |

۱۸۲۴ - نِیلُوفَر، نِیلُوفَر، نِیلُوفَر، نِیلُوفَر، نِیلُوفَر، کرنب الماء (سریانی)، عروس^{۲۲}: معرب «نیلوپهل» هندی است و «نیل» به زبان هندی به معنای آب و پهل به معنای میوه است^{۲۳} - نام‌های دیگر آن: سریانی: نِیلُوفَل^{۲۴} - نام‌های دیگر آن: فارسی: بن لیلوفر^{۲۵}، نیلوپرک^{۲۶} - خُرپرسته^{۲۷} - یونانی: نیمفا^{۲۸} - عربی: کرنب الماء، خیری^{۲۹}، وردالشمس^{۳۰}، وردالمجوس^{۳۱}، سارق الخاتم^{۳۲} - دیسکورید: نیمفا^{۳۳} - بنگالی: سیلا، کوهن^{۳۴} دانه آن به نام «حب العروس» است^{۳۵}. نام بری آن را در مصر «عرایس النیل» گویند^{۳۶}. "اشبیلی" می‌گوید: دارای انواع بسیار بستانی، بری و نهري است برخی با گل سفید، زرد، قرمز و آبی است. نوعی نیلوفر بری با گل زرد و نهري و معروف به ذهبی است نام‌های دیگر آن عبارتست از: نیمفا^{۳۷} یعنی عروسة المجلیة، سفتک، بلاطر، بشنین، نیلوفر ذهبی، قاتل النحل، سارق الخاتم، التاجر، عروس، نام برگ: تَزْس الماء، مراوح الجن، بوقی، بَنَقُور - نوع دیگر نیلوفر معروف به نیلوفر البرک است و نام‌های دیگر آن عبارتست از: نیلوفر القَمَری، ورد الانهار، نیلوفر المجوسی - نوع دیگر نیلوفر به صقلی و شمسی معروف است و به آن نیلوفر الصینی گویند^{۳۸}.

نیمفا (Numphaia): لِنُوفَر - نُوفَر - عروس الماء - قاتل النحل (ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۹۷)

| | | |
|---|---|-----------|
| <i>Nymphaea lotus L.</i> <i>Nuphar luteum L.</i> <i>Nymphaea lutea L.</i> <i>Nymphaea alba L.</i> | نیلوفر | زر. - طب. |
| <i>Nymphaea lutea L.</i> زرد <i>Nuphar alba L.</i> سفید <i>Nymphaea coerulea L.</i> ازرق <i>Nymphaea alba L.</i> | نیمفا - لینوفر - نوفر - عروس الماء - قاتل النحل | دیسکورید |
| <i>Nymphaea sp.</i> | نیلوفر، نینوفر، بشنین | الموسوعه |
| <i>Nymphaea alba</i> | نیلوفر آبیض، بشنین آبیض، عرایس النيل، حشيشة السمك | الموسوعه |
| <i>Nymphaea coerulea L.</i> | نیلوفر ازرق، بشنین ازرق، کزن الماء | الموسوعه |
| <i>Nymphaea flava Leitner</i> | نیلوفر أصفر | الموسوعه |
| <i>Nymphaea lotus L.</i> | نیلوفر العروس، بشنین عربی، لوطس | الموسوعه |
| <i>Nymphaea indica</i> | نیلوفر هندی، اوسید | الموسوعه |
| <i>Nymphaea sp.</i> | نیلوفر | خطابی |

حرف «و»

۱۸۲۵ - وَج، وَج، وَج، وَج، وَج، عود الوج، وَج، قوث: نام های دیگر آن: الوج - یونانی: اقورون، اقارون - فارسی: اگیر ترکی، وژ، وریژک، افریژ - هندی: بجه - رومی: اقیرون - سریانی: وض - دارای سه نوع است نوعی هندی و دو نوع اندلسی و آن ریشه درخت «اقارون» است و گویند ریشه درخت «سوسن ازرق» است.^۶

| | | |
|---|--|------------|
| <i>Calamus aromaticus</i> | اگیر ترکی | پارسا |
| <i>Calamus asiaticus</i> | وج | پارسا |
| <i>Acorus calamus L.</i> <i>Acorus aromaticus Gilib.</i> | وج، قصب الذريرة، عرق اکور، عود وج، ائیکر | الموسوعه |
| <i>Ulmus minor Mill.</i> <i>Iris pseudacorus L.</i> | وج | طب. - خطا. |
| <i>Acorus calamus L.</i> <i>Iris pseudacorus L.</i> | وج | زریاب |
| <i>Acorus calamus L.</i> | <i>Hendia & bengal: Bach - Bombay: Vaj - Telgu: Vadaja</i> | GLO.IN. |

۱۸۲۶ - وَخشیق، وَخشیزج: نام گیاه از نظر غافقی: حشيشة الخراسانية
۱۸۲۷ - وَذع: نام های دیگر آن: هندی: کوری، کفرجک، کج - سجری: دندان جانان

| | | |
|--------------------------|-----|-----------|
| <i>Cypraea moneta L.</i> | ودع | زر. - طب. |
|--------------------------|-----|-----------|

۱۸۲۸ - وَزْد، وود، وود، وود، وود، بزر الورد، حرجم (ورد احمر): نام های دیگر آن: رومی: انشوس - سریانی: وردا - دارای انواعی است: احمر، ابيض، اصفر، موجه، احمر المضاعف الكثير الورد، ذو خمسة اوراق به نام طیار

بهترین نوع آنست که از گل فارسی گیرند. - دارای انواع مختلفی است: ورد احمر بستانی - ورد ابیض بری - نام ورد احمر بری: گل درخت دلیک - نام ورد احمر بستانی: گل سرخ

نام ورد اصفر بری: نسرین زرد بری - نام ورد اصفر بستانی: نسرین زرد بستانی - نام ورد الحماق: ورد العجار - فارسی: گل رعناى زیبا - شیرازی: گل قحبه - نام‌های ورد موجه: رومی: ططریوغنون - سریانی: ورد الصیاری - فارسی: گل روسیجه

قونُس باطُس (Kunosbatos): برگردان عربی آن «عَلِیقُ الْکَلْب» است زیرا «قانس» به یونانی یعنی «کلب» (سگ) و «باطس» یعنی «علیق» و اهالی مغرب به آن «نسرین» گویند و به «ورد بری» مشهور است و نام بربری آن «ادمام» و نام لاتینی آن «سنلتجی» است و جالینوس نام آن را در مقاله هفتم خود یادآور شده است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۹۶]

رُودَا (Rhoda): در بعضی از نسخه‌ها «جُرُودَا» گفته شده و آن نام - یونانی - «وَرْد» یا همان «جُل» که ریشه واژه معرب شده آن فارسی است می باشد و به نوع سرخ آن «حَوَّجَم» و به نوع سفید آن «وَتیرا» گویند و جالینوس آن را در مقاله هشتم خود یادآور شده است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۰۱]

| | | |
|---|---|----------|
| <i>Rosa sp.</i> <i>Rosa damascena L.</i> | نَجَل، ورد | الموسوعه |
| <i>Rosa sp.</i> | ورد | خطابی |
| <i>Rosa canina L.</i> | قونس باطس - ورد بری - نسرین | دیسکورید |
| <i>Rosa Tourn.</i> <i>Rosa gallica L.</i> <i>Rosa alba L.</i> | روذا حوجم - ورد احمر وتیر - ورد ابیض | دیسکورید |
| <i>Rosa centifolia L.</i> <i>Rosa damascena L.</i> | ورد | زریاب |
| <i>Rosa gallica</i> <i>Rosa damascena L.</i> | ورد | طباطبانی |
| <i>Rosa alba L.</i> | Hendia: Gulab - Bengal: Swet glub Bombay: Gul - Panjub: Gulseoti | GLO.IN. |
| <i>Rosa centifolia L.</i> | Hendia: Gulab - Bengal: Glub Phul Bombay: Gul - Telugu: Gulab | GLO.IN. |
| <i>Rosa damascena Mill.</i> | Hendia: Gulab Ūe phul - Bengal: Glub Phul Telugu: Gulab | GLO.IN. |
| <i>Rosa gallica L.</i> | Hendia & Bengal: Glub | GLO.IN. |
| <i>Rosa cinensis Jac. Syn: R. indica L.</i> | Bengal: Kat glub - Panjub: Sada gulab | GLO.IN. |

۱۸۲۹ - ورد الحب:

| | | |
|--------------------------------|----------|-----------|
| <i>Ranunculus asiaticus L.</i> | ورد الحب | زر - طبأ. |
|--------------------------------|----------|-----------|

۱۸۳۰ - ورد الحمار، ورد الحمار، ورد الحمار: نام‌های دیگر آن: رازی: بهار - ابن ماسویه: ورد الفجّار - گل قحبه [این

بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۵: به «فانایا» و «عود الصلیب» رجوع شود.]

| | | |
|---------------------------|------------|----------|
| <i>Nerium oleander L.</i> | ورد الحمار | طباطبانی |
|---------------------------|------------|----------|

| | | |
|---|-----------------------|----------|
| <i>Bupthalmum speciosissimum</i> Ard. <i>Telekia speciosissimum</i> DC. | زَند تَین، ورد الحمار | الموسوعه |
| <i>Paeonia officinalis</i> L. <i>Paeonia corallina</i> Ret. <i>Paeonia wittmanniana</i> Hart. <i>Althaea rosea</i> Cavan. <i>Anthemis arvensis</i> L. | ورد الحمار | زریاب |

۱۸۳۱ - ورد الحمیر^ع: عامه اندلس نوع نر آن را «فاونیا» گویند.^ع

۱۸۳۲ - ورد الحمه^ع: نوع گل سرخ آن «القون» است.^ع

۱۸۳۳ - ورد منتن^ع: نوعی عود الصلیب^ع

۱۸۳۴ - وَرْس، وَرْس، وَرْس، وَرْس، وَرْس، وَرْس: نام های دیگر آن: بادره، ندی^ع - سریانی: ورش^ع، حص^ع، قندیز^ع - حجر البقر^ع - ابن ماسویه^ع می گوید: از شهرهای یمن آورده می شود و به رنگ سرخ سیر است، بر روی پوست گیاهی که در یمن می روید، پدیدار گشته گرد آوری می شود. همانند زعفران نرم و سائیده شده است.^ع

| | | |
|--|-----|----------|
| <i>Flemmigia rhodocarpo</i> Bak. <i>Mallotus philippinensis</i> Mill. <i>Rottlera tinctoria</i> Rox. <i>Memecylon tinctoria</i> Wil. <i>Memecylon edule</i> Rox. | ورس | زریاب |
| <i>Reseda luteola</i> L. | ورث | پارسا |
| <i>Memecylon tinctorium</i> L. | ورس | الموسوعه |

۱۸۳۵ - ورطوری^ع، ورطوری^ع: نام دیگر آن: یونانی: سطاخیس^ع

| | | |
|-----------------------------|------------------------------|----------|
| <i>Stachys germanica</i> L. | سطاخیس جرمانی، قازة، وُزطوره | الموسوعه |
| <i>Stachys</i> sp. | سطاخیس، سطاخیس | الموسوعه |

۱۸۳۶ - وَشِیج، وشیج^ع: نام دیگر آن: فارسی: لیمودار^ع

امونیاکن (Ammoniakon): اَشَق - وُشَق - اُشَج - وُشَج - لاتینی: الغُثَّه (Guta) لِرَاق الذَّهَب - نام مشترکی است. - [ابن بطار (در ترجمه دیکورید) ۳ - ۲۷]

| | | |
|-------------------------------|----------------------|----------|
| <i>Dorema ammoniacum</i> Don. | امونیاکن - اشق - وشج | دیسکورید |
| <i>Heliconia</i> sp. | وشیج، هلیکونیا | الموسوعه |

۱۸۳۷ - وَطْم^ع: نام ریشه به بربری: اَوَطْمو^ع

۱۸۳۸ - وَلَب، ولب^ع: (نامی عربی) نوعی از بتوعات است.^ع - نام های دیگر آن: یونانی: نابلس^ع، بابلص^ع - گروهی پنداشته اند نوع معروف «عریفج بری» با نام یونانی «ففلیس» است و «بقراط» نام آن را «بیلیون» گذاشته و نام آن در بعضی از ترجمه ها «حلتیت» آمده است.^ع

۱۸۳۹ - وقواق^ع: (نامی هندی)

۱۸۴۰ - ونجهک: نام‌های دیگر آن: شریف ادریسی: بربری: عشبۀ قبری

حرف «ه»

۱۸۴۱ - هازسَنکَهَار: (نامی هندی) هار به معنای گردن بندی از گل و سنکه‌هار زینت و آرایش را گویند.

۱۸۴۲ - هاسیمونا، هاسیمونیا: (نامی نبطی)

۱۸۴۳ - هال بوا، هال، هال، هیدبوا، هیل بوا، خیر بوا، خیر بوا، شمین، هال: نام‌های دیگر آن: خیر بوا - هیل بوا، هیل وهال - سریانی: شوشمانیا - هندی: شمشیر، شوقشمیر، هیل، شسمیرون - قاقلة صغیرة - قاقلة صغار

| | | |
|-----------|---|---|
| زر. - طب. | هال بوا | <i>Elettaria cardamomum</i> Whi. & Mat. <i>Amomun melegueta</i> Ros. |
| زریاب | هال صغیر، قاقلة صغیرة، حَنَهان | <i>Elettaria cardamomum</i> Whi. & Mat. |
| الموسوعه | هال، هیل، هیلَبوا، قاقلة، شوشمة، شوشمیر | <i>Amomun</i> sp. |
| طباطبائی | هال، هیل، هیلَبوا، قاقلة، شوشمة، شوشمیر | <i>Amomun granum-paradisi</i> L. |

۱۸۴۴ - هَذیلة: (نامی اندلسی)

۱۸۴۵ - هرائیه، هرنوه: نام‌های دیگر آن: فارسی: هُره، هرنوه - قرنوه - میوه درخت عود

| | | |
|----------|---------------------|-----------------------------|
| الموسوعه | هَرَنَوی، هَرَنَوَة | <i>Apera spica-venti</i> L. |
|----------|---------------------|-----------------------------|

۱۸۴۶ - هُرطَمان، هرطمان: نوعی از حبوب - نام‌های دیگر آن: بطیقی، بلورا - شام: بهاسلواواکرا - شام و مصر: حشیش الدواب [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۷۹: به «رطمان، رجوع شود]

| | | |
|-----------|--------------------------------------|------------------------|
| زر. - طب. | هرطمان | <i>Avena sativa</i> L. |
| الموسوعه | خَرْطال زراعی، شوفان زراعی، قُرطَمان | <i>Avena sativa</i> |

۱۸۴۷ - هرقلوس، هرقلوس، هرقلوس: نوعی هندباء بری - نام‌های دیگر آن: بقلة اليهودیه - خَس الحمار، (هرقلوه) بعضی گویند نوعی از سنجار و بقلة اليهودیه است، و شریف گوید قرصعنه است و آنچه مسلم است هرقلوه است. [ابن بیطار] می‌گوید: برخی آن را «بقلة اليهودیه» نامیده‌اند و بعضی آن را نامی برای «خَس الحمار» می‌دانند و آن نوعی «هندباء بری» است و بر خلاف پندار برخی از مترجمان از انواع «سنجار» نیست و آن را به یونانی «صَنخیس» و به بربری «تفاف» می‌نامند. [اسحاق بن عمران] می‌گوید: از آنجا که به شکل فلفل کوچک است به آن «فَلِفلة» گویند.

صَنخیس (Sonkhos): نوعی «هندباء بری» با برگ‌های خار دارست و به بربری به آن «هَرقلوس» گویند و عوام آن را «خَس الحمار» نامند. [ابو عباس اشیلی] آن را «اسفناج» دانسته در صورتیکه صحیح نیست. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۱۵]

| | | |
|----------|-----------------------------|--|
| زریاب | هرقلوس - خَس الحمار | <i>Taraxacum officinale</i> Wigg. <i>Lithospermum officinale</i> L. |
| دیسکورید | صنخیس - هرقلوس - خَس الحمار | <i>Sonchus oleraceus</i> L. <i>Lithospermum officinale</i> L. |

۱۸۴۸ - هرنوه، هرنوه، هرنوه: نام‌های دیگر آن: هندی: تَمَر - فاغرة الهندی - شجرة المود - فلیفلة

| | | |
|---|-------|-------|
| <i>Capsicum minimum</i> Rox. <i>Aloexylon agallochum</i> Lour. <i>Vitex agnus castus</i> L. | هرنوه | زریاب |
| <i>Aloexylon agallochum</i> Lour. | هرنوه | خطابی |

۱۸۴۹ - هَرْئُونْدَ: دانه ای است از «پاپل» کمتر، بویش بوی «عود» است.

۱۸۵۰ - هزارگشان^ص، هزارجشان^ص، هزارجشان^ع، هزارجشان^س: (نامی فارسی) به معنای آلف ذراع^ص - نام های دیگر آن: هزارجشان^ص - رومی: کلیلوپین^ص - به سریانی «الفشرا»، «فاشرا» و «فاشرستین» را گویند. [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۷۹]

| | | |
|--|---------------------------|----------|
| <i>Bryonia dioica</i> Jac. <i>Bryonia alba</i> L. | هزارگشان - هزارجشان | زریاب |
| <i>Tamus</i> sp. | فاشرشین، ششیدار، هزارجشان | الموسوعه |
| <i>Bryonia alba</i> L. | فاشرا - هزارجشان | پارسا |
| <i>Bryonia alba</i> L. | هزارجشان | طباطبائی |

۱۸۵۱ - هشت دهان^ص، هشت دهان^ع: ریشه خيرو^ص

| | | |
|-------------------------------|----------|-------|
| <i>Althaea officinalis</i> L. | هشت دهان | زریاب |
|-------------------------------|----------|-------|

۱۸۵۲ - هَلْيُون، هَلْيُون، هَلْيُون، هَلْيُون، هَلْيُون (نامی رومی)، یرامع^ع، بذر الهلیون^ص، مارچوبه^ص، مارچوبه^ع: نام های دیگر آن: مارچوبه^ص، مارچوبه^ع، مارکیا^ص - هلیوس^ص - سریانی: اذوس^ص - عربی: خشب الحیه^ع - فارسی: مارچوبه^ص - اهل مغرب و اندلس: اسفراج^ص - فرنگی: سپارک^ع - هندی: ناکرون^ع - عجمی اندلس: آسفراغس^ع - فاس: سکوم^ع - هلیون دشتی: لسباراغوس^ع، اسپاراغوس^ص
اسفاراغش بطراؤس (Asparagus petraios): به معنای صخری است و نام دیگر آن «هَلْيُون» است و اهالی مغرب به آن «اسفراج» گویند. [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۰۹]

| | | |
|-----------------------------------|----------------------------------|----------|
| <i>Asparagus officinalis</i> L. | هلیون | ز،خ،ط،E. |
| <i>Asparagus officinalis</i> L. | اسفاراغش بطراؤس - اسفراج - هلیون | دیسکورید |
| <i>Asparagus adscendens</i> Roub. | مارچوبه | پارسا |
| <i>Asparagus officinalis</i> L. | هلیون | پارسا |
| <i>Asparagus</i> sp. | هَلْيُون، هَلْيُون | الموسوعه |
| <i>Asparagus officinalis</i> L. | هلیون معروف، ضَبُوس، یرمَع | الموسوعه |

۱۸۵۳ - هِنْدَبَا، هِنْدَبَا، هِنْدَبَا، هِنْدَبَا، هِنْدَبَا، تیفاف^ع، اصل الهندباء^ص (نامی عربی)، انطویا (کاسنی شامی): نام های دیگر آن: فارسی: کاسنی^ص - رومی: بکریدیا^ص، انطونیا^ص، انطویا^ص، ترکسمی^ص - سریانی: حدبی^ص - فارسی: کسناج^ص، ملک طلحه^ص، کسنی^ص، کشنی^ص، کذی^ص - عربی: خَس^ص - یونانی: فقولس^ص، فتحوریون^ص - فاس: تیفلت^ع، هندباء بستانی: یونانی: اندیقا^ص - نام نوع بری: طرحشقوق^ص - فارسی: وتلخ^ص - نوعی: خندریل^ص - نام نوع شامی: انطولیا^ص - "دیسکورید"

می‌گوید: دارای دو نوع بری و بستانی است، نوع بری را «بقریس» و «قیخوریون» گویند. «حامد بن سمجون» می‌گوید: نوع بستانی خود دارای دو نوع است، نوعی را «امیرون» می‌نامیم و نوع دیگر با نام رومی «أنطویا» و معروف به «هندباء شامی» و «هندباء هاشمی» است و به عجمی «سراییه» نام دارد و پنداشته‌اند «طرخشقون» است. «غافقی» می‌گوید: «طرخشقون» نوع اول از انواع بری «هندباء» است و دو نوع دیگر آن با نام «یعضید» و نام یونانی «خندریلی» است.^۲

سارس (Seris): نام‌های دیگر آن عبارتست از: هندباء البستانی - عامه اندلس به لاتینی: شرالیه (Sarralia)، انطویا (Intubos) [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۱۵ و ۱۱۶]

| | | |
|--|--|----------|
| <i>Cichorium endivia L.</i> <i>Cichorium intybus L.</i> | هندباء | ز. خ. ط. |
| <i>Cichorium endivia L.</i> <i>Cichorium intybus L.</i> | هندباء | الموسوعه |
| <i>Cichorium endivia L.</i> | Bengal: Kassini - Bombay & Hendia: Kasini - Tamil: Kashini | GLO.IN. |

۱۸۵۴ - هندبای بری، طلخشقون: نام‌های دیگر آن: طرخشقون - بقلة اليهود - طرخشقون - حواء البقر - خاروه - گاودر - فارسی: تالکن - هندی: کلی قیسوس، بهطل کطی - ابو معاذ «طرخشقون»، «امروسیا»، «مرار» را جزء «هندباء بری» می‌داند.^۳

خندریلی (Khondrile): هندباء بری - عجمیت اندلس: امیرون (Amarus) - لاتینی عامه: شرالیه الحمار - مصر: یعضید [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۱۶]

| | | |
|-----------------------------------|--|----------|
| <i>Taraxacum officinale Will.</i> | طلخشقون | زریاب |
| <i>Chondrilla juncea L.</i> | خندریلی - هندباء بری | دیسکورید |
| <i>Chichorium intybus L.</i> | هندباء بریه، هندباء مژه، شیکوریه | الموسوعه |
| <i>Chichorium intybus L.</i> | Hendia & Bengal: Kasni - Tamil: Kashni Telugu: Kasini | GLO.IN. |

۱۸۵۵ - هوفاریقون، هیوفاریقون، هیوفاریقون، هیوفاریقون، هیوفاریقون، هیوفاریقون، افساریقون، اوفاریقون: معرب اوفاریقون یونانی - نام‌های دیگر آن: سریانی: فرما - فارسی: مرودشی - داذی الرومی - هیوفاریقون، اندروسامن، قوریون، اما مانیطس - داذی کوهی - گویند «هوفاریقون» لغت یونانی است. - در ماهیت آن اختلاف است گویند «داذی الرومی» است و گویند نام «زرشک» است و گویند «بزر الخشخاش الاسود» است و گویند میوه «عنب الحیه» است. - دمشقی آن را «مازیون» می‌داند.^۴

اوفاریقون (Hyperikon): هیوفاریقون - نام گیاه در کتاب حنین: داذی الرومی - به عجمیت اندلس «یُرْبَه قَرْجِیرَه» (Yerba corazonera) به معنای «عشبه القلب» است زیرا دارای دانه صئوری شکل مشابه قلب است و عامه بلاد ما به آن «مُشیبه» گویند. اسقیرن (Askuron): نوع دوم افاریقون. اندروسامن (Androsaimon): بزرگترین نوع هوفاریقون. قورس (Koris): نوع چهارم هوفاریقون - جالینوس: اندروساقس [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۴۹ و ۱۵۱ و ۱۵۲]

| | | |
|--------------------------------|--------------------------------------|----------|
| <i>Hypericum barbatum L.</i> | اوفاریقون، هیوفاریقون، داذی الرومی | دیسکورید |
| <i>Hypericum perforatum L.</i> | اسقیرن - نوع دوم افاریقون | دیسکورید |
| <i>Hypericum ciliatum L.</i> | اندروسامن بزرگترین نوع هوفاریقون | دیسکورید |
| <i>Hypericum coris L.</i> | قورس، نوع چهارم هوفاریقون، اندروساقس | دیسکورید |

| | | |
|--------------------------------|-------------------------------|-------------|
| <i>Hypericum</i> sp. | داذی - هیوفاریقون - أوفاریقون | الموسوعه |
| <i>Hypericum perforatum</i> L. | علف چای - هوفاریقون | پارسا |
| <i>Hypericum perforatum</i> L. | هوفاریقون | طبا. - خطا. |

۱۸۵۶-ھوم: (نامی ترکی)

۱۸۵۷- هوم المَجوس^۱، هوم المَجوس^۲ (نامی عربی)، مرانیه^۳: نام‌های دیگر آن: هوم الهرایده^۴ - مرآتیا^۵؟ - سفدی: خوم^۶ - سریانی: عززاد مغوشی^۷ - آفتاب پرست^۸ - هویغون^۹
گویند درختی است که در حوالی فارس می‌روید مانند درخت «یاسمین» و مجوس ویرا در وقت زمزمه استعمال می‌کنند و شکوفه آن به «مشکطرامشیع» مانند^{۱۰}.

| | | |
|---------------------------------|-------------|-------|
| <i>Morettia conescens</i> Bois. | هروم المجوس | زرياب |
| <i>Ephedra vulgaris</i> Rich. | | |

۱۸۵۸ - هَيْشَرٌ، هَيْشَرٌ، هَيْشَرٌ: (نامی عربی) نام دیگر آن: کنکر بری^۷

| | | |
|--|-------------------|----------|
| <i>Cynara cardunculus</i> L. <i>Cynara syriacus</i> Gaer. | هيشر | زرياب |
| <i>Cynara</i> sp. <i>Cynara syriacus</i> Gaer. | هيشر، خرشف، قردون | الموسوعه |

۱۸۵۹ - هیوستیداس^۵، هوفستیداس^۶، هیوُستیداس^۷: نام دیگر آن: عصی الراعی^۸ - برخی پنداشته‌اند نام عصاره «لحیة التیس» است.^۹ - نام عصاره «طرائیث» است و گویند نام خود «طرائیث» است.^{۱۰}

| | | |
|--|-----------|--------------|
| <i>Cytisus hypocistis</i> L. <i>Cynara syriacus</i> Gaer. | هوفسطيداس | طباً - خطاً. |
|--|-----------|--------------|

حرف «ی»

۱۸۶۰- یاسمین، یاسمین، یاسمین، یاسمین، یاسمین، سِجَلَّاطْ، سِجَلَّاطْ، نام‌های دیگر آن: یاسمون، سجلات - شیرازی: گل هاشم، گل یاسم - هندی: چنپیلی - سموق - سِجَلَّات

| | | |
|--|--|----------|
| <i>Jasminum officinale</i> L. | ياسمين | پارسا |
| <i>Jasminum</i> sp. | ياسمون، ياسمين | الموسوعه |
| <i>Jasminum officinale</i> L. | ياسمين أبيض، ياسمين مخزني، ياسمين معروف ياسمين | الموسوعه |
| <i>Jasminum officinale</i> L. <i>Jasminum sambac</i> Ait. | ياسمين | زرياب |
| <i>Jasminum gradiflorum</i> officinal | ياسمين | خطابی |

۱۸۶۱ - یَبْرُوح الصَّنَم، یَبْرُوح، یَبْرُوح، یَبْرُوح، یَبْرُوح، تَفَاح الجن، مَدَغُورَة، مَدَغُورَة: ریشه لفاح بری است^۱ - نام‌های دیگر آن: مهر گیاه، سککن^۲ - یَبْرُوح = مَدَغُورَة «تَفَاح الجن» نام «لَفَاح» یا نام میوه «یَبْرُوح» است.^۳ - این گیاه را بخاطر شباهتش به گیاه «خس» «خسی» گویند و نزد عوام به «لَفَاح» مشهور است و ریشه آن «یَبْرُوح» و میوه‌اش «لَفَاح» نام دارد.^۴ نام‌های دیگر آن: سریانی: یَبْرُوحی^۵ - فارسی: ساییزک^۶ - یونانی: افطیمس^۷، موقولن^۸، درقیانا^۹ - نوع نر آن: موریون^{۱۰} به ریشه لفاح «یمرو» گویند و به معنای «دارای دو صورت» است زیرا هنگامی که ریشه به دو نیمه می‌شود دو صورت مشابه صورت زن و مرد در آن آشکار می‌شود، «یم» به معنای هر چیز زوج و «رو» به معنای صورت است.^{۱۱} - نام ریشه یَبْرُوح را «مَدَاغُورَس» گویند.^{۱۲} دو نوع است: یک نوع «بیخ لفاح» خوانند و یکی «یَبْرُوح الصنم» گویند و آن بیخ «لفاح بری» است و مؤلف گوید در حدود گرمسیر شیراز نزدیک قلعه شهر یاری می‌باشد.^{۱۳} «یَبْرُوح» دو جنس است، هندی و ببطی، هندی را «یَبْرُوح الصنم» گویند و ببطی را «اصل السرح».^{۱۴} «یَبْرُوح» دارای دو نوع است نوعی ماده با رنگ سیاه معروف به «خسی» زیرا برگ هائی مشابه گیاه «خس» (کاهو) دارد... نام آن «لَفَاح» است. نوع دیگر معروف به نر و سفید رنگ با نام «موریون» است.^{۱۵} [این ببطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶: به «لفاح» رجوع شود.]

| | | |
|-----------|---------------------------|--|
| دیسکورید | یَبْرُوح مخزنی | <i>Mandragora officinarum</i> L. |
| پارسا | مهر گیاه - یَبْرُوح الصنم | <i>Mandragora officinarum</i> = <i>Atropa mandragora</i> |
| ط،خ... EN | یَبْرُوح | <i>Mandragora officinarum</i> L. |

۱۸۶۲ - یَبْقِیَة:

۱۸۶۳ - یَتَوَع، یَتَوَع، یَتَوَع، یَتَوَع، یَتَوَع: نام‌های دیگر آن: رومی: توتاملون^۱ - فارسی: اسفیدکشیر^۲ - یونانی: خارقیاس^۳ - اثنی: مرسلیطس^۴ (به معنای مشابه اس) اسم جنس گیاهان شیر به دار است.^۵ - دارای انواعی است: نام نوعی: نواصیر^۶ - نام نوعی: جوری^۷ - نام نوعی: مشمش^۸ (یعنی دایر با شمس) نام نوعی: سروی^۹ نام نوعی به یونانی: فودیاسایس^{۱۰} - نوعی: بارلیوس^{۱۱} چنین گفتند که هفت گونه است و او «مازریون» است و «عُشَر» و «دبودار» و «لاغیه» و «شَبِزَم» و «شیرانجیر» و «ترباق ببطی» و ذکر «ماهودانه» گویند نام دیگر آن «یَبْنُوع» است و این نامگذاری مناسبی است زیرا هنگامی که شاخه‌ای از آن قطع می‌شود شیرابه‌ای از آن خارج می‌شود «تَبَعَ مِنْهَا لَبَن».^{۱۲}

| | | |
|------------|---------------------------------|------------------------------------|
| ز،ط،خ... E | یَتَوَع | <i>Euphorbia</i> sp. |
| زریاب | خارقیاس | <i>Euphorbia sibthorpii</i> Boiss. |
| زریاب | مرسلیطس | <i>Euphorbia myrsinites</i> L. |
| زریاب | سروی و قوفارسیاس | <i>Euphorbia paralias</i> L. |
| زریاب | ایلقونیوس | <i>Euphorbia helioscopia</i> L. |
| الموسوعه | فریبون، یَتَوَع، تاکوت، عُشْجَد | <i>Euphorbia</i> sp. |

۱۸۶۴ - یَبْطُورَة، یَبْطُورَة: (نامی لاتینی) از انواع «کلخ» و از جنس «هدبات» و دارای گل آذین چتر است.^۱ نام دیگر آن «کلخ الصغیر»^۲ و به یونانی فوقادان^۳ است.

| | | |
|-------|------------|------------------------------|
| خطابی | یَبْطُورَة | <i>Peucedanum ammoniacum</i> |
|-------|------------|------------------------------|

۱۸۶۵ - یربه شانه^۱: نامی به عجمی اندلسی به معنای «عُشْبَة الصَّحِیْحَة»^۲

۱۸۶۶ - یَعْضِید، یَعْضِید، یَعْضِید، طرخشوق^۳: نوعی جنبه و قسمی هندباء بری نام‌های دیگر آن: یونانی: خندریلی^۴ امیرون -

طرخشقون - بلحشکوک - لخنس - شَرّالیه اَشْنَش - بعضید^ش

[ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۱۷: به «هندباء» رجوع شود.]

| | | |
|----------------------|-----------------|----------|
| Chondrilla juncea L. | بعضید | زریاب |
| Leontodon sp. | بعضید، یَغْضِیض | الموسوعه |

۱۸۶۷ -- یَنْبُوت^۱، ینبوت^۲، ینبوت^۳، شوکه^۴ شهباء^۵، ینبوت^۶، ینبوت^۷:

نام «خرنوب نبطی» است.^{۱-۷} - نام های دیگر آن: شجر الخرنوب^۸ - فارسی: زنگورج^۹ - اهالی شام: خرنوب المعزی^{۱۰} - دانه: حب الکلی^{۱۱} "ابو حنیفه" می گوید: دارای دو نوع است، نوعی با خارهای کوچک به نام «خرنوب نبطی» - میوه آن را «فَش» گویند.^{۱۲} "غسانی" می گوید: این نام به دو گیاه مختلف گفته می شود یکی از این دو بزرگ و دیگری کوچک است در مورد ماهیت نوع بزرگ اختلاف است برخی آن را «سرو» و بعضی «خروب العریض» و برخی «شجر الارز» می دانند و همگی اشتباه است... در مورد نوع کوچک نیز اختلاف نظر است برخی آن را «عوسج» و بعضی «شوک القتاد» و عده ای «خروب النبیطی» و همچنین اسامی دیگری ذکر کرده اند.^{۱۳}

| | | |
|--|---|----------|
| Anagyris foetida | ینبوت نتن، أناغورس طُبی، خَرُوب الخِزیر، جَرُود | الموسوعه |
| Anagyris foetida | ینبوت | خطابی |
| Inula viscosa Ceratonia siliqua L. Anagyris foetida L. | ینبوت | زریاب |
| Anagyris sp. | ینبوت، أناغورس | الموسوعه |
| Anagyris sp. | ینبوت | EN. |

فصل دوم

واژگان و نام های کهن در شناخت نام علمی گیاهان داروئی

۱ - تعیین نام علمی گیاهان با استفاده از منشاء نام های کهن یونانی

۲ - برگردان عربی نام های لاتینی گیاهان در قرن هفتم به توسط ابن بیطار

واژگان و نام های کهن در شناخت نام های علمی گیاهان داروئی

نام گیاهان داروئی متون قدیم مجموعه ای است از فرهنگ ها و زبان ها و گاه برگردان های چند باره یک نام به نام ها و زبان های دیگر است و با کمک زبان اصلی این متون ، می توان هویت گیاهان کهن را تا حدی شناسائی و نام معادل علمی دقیق تری را برای آن ها پیشنهاد نمود.

در فصل پیش زبان های لاتینی ، رومی، یونانی و عربی را به عنوان زبان های اصلی و تعیین کننده نام بردیم در این فصل نام های علمی دارای ریشه لاتینی و همچنین برگردان نام های لاتینی به عربی را جهت شناخت گیاهان بویژه رفع برخی ابهامات نام آن ها یاد آور می شویم.

۱ - نام علمی گیاهان برگرفته از نام لاتینی قدیم آن ها

تشابه نام علمی گیاهان با نام داروئی قدیم آنها - با تلفظ صحیح - احیاناً پایه نامگذاری جنس یا گونه گیاهان قرار گرفته است. تاریخ نامگذاری علمی - جنس و گونه - غالباً در زمان لینه صورت گرفت، برخی از نام های جنس و تیره و گونه نیز کم و بیش ارتباط با نام گیاهان در متون داروئی قدیم بویژه کتب یونانی که منشأ اسامی نام های عربی نیز هست می باشد نام های مشهور دارای ریشه لاتینی معمولاً معبر نام غیر علمی گیاهان و نام علمی آن است و با گذشت زمان کم و بیش در متون علمی نیز وارد شده اند.

با توجه و استفاده از نام های مشابه می توان تا حدی نام های علمی برخی از گیاهان داروئی موجود در متون قدیم را معلوم نمود.

برای نیل به این هدف لازم است ابتدا چگونگی تلفظ لغات یونانی و لاتینی و برگردان آن به عربی را بدانیم که در جداول زیر به این موضوع اشاره شده است.

در آغاز این فصل ابتدا فهرستی از نام های کهن گیاهان که ریشه یونانی دارند را خواهیم دید. سپس فهرستی از برگردان نام های یونانی به عربی یا معرّب شده آن ها را مشاهده می کنیم . هر دو مورد فوق می تواند ما را در تعیین نام علمی گیاهان یاری دهد.

۱ - تعیین نام علمی گیاهان با استفاده از منشاء نام های کهن یونانی

۱-۱ - نگاهی به ریشه یونانی نام های علمی کنونی

نام گیاهان داروئی در متون قدیم مجموعه ای از فرهنگ ها، زبان ها و گاه نیز برگردان چند باره آن ها از یک نام به نام و یا از یک زبان به زبان دیگر است. شناخت زبان اصلی این متون ، هویت و نام گیاهان کهن را تا حدی شناخت و تعیین نام معادل علمی آن ها مؤثر باشد. چنانچه در فصل پیش نیز برخی از زبان های را مانند: لاتینی ، رومی، یونانی و عربی را به عنوان زبان های اصلی نام بردیم، در این فصل نیز نام های علمی دارای ریشه لاتینی و برگردان نام های لاتینی به عربی را برای شناخت نام کهن گیاهان داروئی یاد آور می شویم.

وجود تشابه نام علمی گیاهان با نام قدیمی آن ها [با تلفظ صحیح] احياناً همان منشاء نام جنس یا گونه آن ها است. با آنکه تاریخ نامگذاری علمی جنس و گونه به زمان لینه مربوط می شود، نام برخی از جنس ها ، تیره ها و گونه های امروزی با نام کهن آن ها در متون قدیمی بویژه در کتب یونانی ارتباط نزدیک دارد.

نام های مشهور با منشاء لاتینی و یونانی معمولاً معبر نام علمی و نام های دیگر معرّب شده آن هاست. رعایت دقت در نام های مشابه تا حدی نام علمی برخی از گیاهان متون قدیم را معلوم می نماید.

۲-۱ - نگارش و آوانویسی درست حروف یونانی به لاتینی و عربی

تلفظ و نگارش درست حروف و کلمات در زبان یونانی و لاتینی و برگردان آن به عربی، فارسی، سریانی، بربری در یافتن نام های علمی گیاهان قدیم مورد توصیه ماست که در زیر بصورت جدول به تلفظ حروف در زبان های فوق اشاره شده است.

الف - نگارش حروف یونانی به حروف عربی، فارسی، سریانی، بربری:

| | | | | |
|-------|-------|-------|-------|-------|
| ء - ' | ب - b | ج - ğ | ح - h | خ - h |
| د - d | ذ - d | ر - r | ز - z | س - s |
| ش - Š | ص - Š | ط - ṭ | ع - ' | غ - g |
| ف - f | ق - q | ک - k | ل - l | م - m |
| ن - n | ه - h | و - w | ی - y | |

ب- نگارش حروف یونانی به حروف لاتینی:

| نگارش حروف یونانی | | نگارش حروف لاتینی | نام در لاتینی | نام در عربی | |
|-------------------|----|-------------------|---------------|-------------|----|
| A | α | A | Alpa | الفا | ۱ |
| B | β | B | Beta | بیتا | ۲ |
| Γ | γ | G | Gama | قما | ۳ |
| Δ | δ | D | Delta | دلتا | ۴ |
| E | ε | E (courte) | Epsilon | اپسلون | ۵ |
| Z | ζ | Z | Dzeta | دزیتا | ۶ |
| H | η | E(longue) | Eta | ایتا | ۷ |
| Θ | θ | TH | Theta | ثیتا | ۸ |
| I | ι | I | Iota | یوتا | ۹ |
| K | κ | K | Kappa | کپا | ۱۰ |
| Λ | λ | L | Lambda | لمدا | ۱۱ |
| M | μ | M | Mu | مو | ۱۲ |
| N | ν | N | Nu | نو | ۱۳ |
| Ξ | ξ | X | Ksi | کسی | ۱۴ |
| O | ο | O(courte) | Omicron | اومکرون | ۱۵ |
| Π | π | P | Pi | پی | ۱۶ |
| P | ρ | R | Rho | رو | ۱۷ |
| Σ | ςσ | S | Sigma | سیقما | ۱۸ |
| T | τ | T | Tau | تو | ۱۹ |
| Υ | υ | Y | Upsilon | اوپسلون | ۲۰ |
| Φ | φ | PH | Phi | فی | ۲۱ |
| X | χ | KH | Khi | خی | ۲۲ |
| Ψ | ψ | PS | Psi | پسی | ۲۳ |
| Ω | Ω | O(longue) | Omega | اومفا | ۲۴ |

ج - معرّب حروف لاتینی حسب کتاب ابن بیطار:

| حرف لاتینی | معادل حرف عربی | مثال هائی از کتاب ابن بیطار |
|------------|----------------|---|
| A | آ - ا | Akoron آقورون - Asarum اسارون |
| B | ب | Balaustion بالاسطیون |
| C | | |
| D | د | Drabe درابی |
| | ذ | Hudropeperi اُذروباباری |
| E | - | - |
| F | - | - |
| G | غ | Lagopun لاغوبن - Glukurrisa غلوکیریزا |
| | ج | Gentiane جنطیانا |
| H | ا | Helxine القسینی - Helitropion ایلپوتروپیون |
| I | ای | Iris ایریس |
| J | - | - |
| K | ک | Kardamomon قرادامومن |
| L | ل | Linospermon لِنُس برمون |
| M | م | Meon مینون |
| N | ن | Nardos ناردس |
| O | او | Akoron |
| P | ب - ف | کیپارس (kuperus) - Polugonon بلوغونن - Peperi باباری Polugonaton فلوغوناظن |
| Q | - | - |
| R | ر | Bruon بریون |
| S | ص - س - ش | Aspalathos اصبالاتوس Tribolos طروبیلش |
| T | ط | Kostos قُسطس |
| U | او | |
| V | - | - |
| W | - | - |
| Y | - | - |
| Z | ز | Zingiberi زنگباری |
| Ph | ف | Sampharitike سنفاریطیقی |
| Kh | خ | Skhoinos سخنیوس |
| Th | ث | La pathon لاباثون |

۳-۱ - فهرست نام های علمی دارای منشاء نام های کهن یونانی

نام های جداول زیر برای آسانی تطبیق نام علمی با نام داروئی کهن و دارای ریشه یونانی انتخاب شده است. منابع مورد استفاده این نام ها عبارتند از:

- ۱ - کتاب دیسکورید (اول میلادی) - حاوی نام های لاتینی بسیاری از گیاهان داروئی قدیم
- ۲ - "شرح دیسکوریدوس" ابن بیطار (۶۴۶ هـ - ق / ۱۲۴۸ م) - فرهنگی معتبر و غنی با واژگان عربی و لاتینی برای تطبیق نام های لاتین به عربی
- ۳ - ترجمه کتاب دیسکورید به زبان انگلیسی حاوی تصحیح و تطبیق نام لاتینی به نام علمی به توسط R. T. GUNTHER (۱۹۳۴ میلادی) - از ویژگی های این ترجمه که در واقع افراد دیگری نیز با او همراهی کرده اند توجه مترجمین آن به تصاویر کتاب دیسکورید است که از نظر واقعیت یا خیالی بودن تصاویر ارزیابی شده است.
- ۴ - تحقیق ابراهیم بن مراد بر تفسیر کتاب دیسکورید ابن بیطار که در آن نام علمی مناسب برای هر گیاه ذکر شده است.

راهنمای جداول:

نام های ستون اول مربوط به نام های لاتینی گیاهان کتاب دیسکورید است که به توسط ابن بیطار معرب یا عربی شده است.

- در ستون دوم نام های علمی پیشنهادی ابراهیم بن مراد است .
- در ستون سوم نام های دارای منشاء عربی از ابن بیطار است.
- در ستون چهارم نام های غیر مشهور به منشاء غربی و غیر عربی از ابن بیطار است.

| نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار) | نام علمی (از کتاب ابن مراد) | نام عربی (به نقل از ابن بیطار) | سایر نام ها |
|--|--|--|-----------------------------------|
| کیبارس یا قیفارس kuperos | Cyperus longus L. | سعد | |
| آفُورُون Akoron | Acorus calamus L. | وَجْ - زهره | |
| ایریس Iris | Iris florentina L. | سوسن آسمانجونی | فوس وقرح |
| قرادامومن Kardamomon | Eletteria Cardamomum sp. White & Mat. | کرویا جبلیه - قرنباد - قرنقاد | قردمانا |
| مینون Meon | Meum athamanticum J. | مَر | |
| ناردس Nardos | Nardostaachys jatamansi D.C. | سنبل هندی | ناردین |
| اسارون Asaron | Asarum europaeum L | | |
| فسیا Kassias | Cinnamomum cassia BL. | سلیخه | |
| قَنَا مومن Kinnamomon | Cinnamomum zeilanicum Nees. | دارصینی | |
| أَمُومَن Amomon | Amomum racemosum Lam. | حماما | |
| قُسْطُس Kostos | Costus speciosus Sm. | قُسط - کُشت - کُشت | |
| سُخینوس Skhoinos | Andropogon schoentus L. | أذخر - تبن مکه | |
| قلامس اروماتیکس Kalamos aromatikos | Acorus calamus L. | قصب الذریره - قلماس - قمحه | |
| قُرُوس Krokos | Crocus sativus L. | زعفران - کُرُکُم - جادی | جساد - ربهقان |
| آنیون Helenion | Inula helenium L. | جناح - راسن - زنجبیل شامی | عتطوز (ترکی) |
| شطی رکس Sturax | Styrax officinalis L. | أصطُرک - عسل اللبني - لبني رهبان - میعه | شطرکا (سربانی) عسل رومان |
| بیطس - بنطس Pitus | Pinus pinea L. | تَنُوب | صمغ آن: قَلْفُونِیا |
| قوفی یا فوقی Peuke | Picea excelsa Link. | شجر الأرز | نوعی از تنوب است به معنای دخته |
| قافارسیس Kuparissos | Cupressus sempervirens L. | شجرالسرو | |
| قادرُس Kedros | Cedrus libani Barrel . | شجرالشربین | |
| أفلاطینُس Platanos | Platanus orientalis L. | شجرالدب - صنار - جتار | |
| فافورُس Papuros | Cyperus papyrus Trin. | فافیر - بردی | |
| أریقی Ereike | Erica arborea L. | شجرالخلنج (مغرب) | از انواع أسحل |
| أَلیمون Halimon | Atriplex halimus L. | ملوخ - قَطَف بحری - ملیخ | |
| فالیورُس Paliuros | Paliurus aculeatus Lam. | سدر - شجره القناب؟ - فالیورون | دو نوع: غبری و ظلا |

| نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار) | نام علمی (از کتاب ابن مراد) | نام عربی (به نقل از ابن بیطار) | سایر نام ها |
|---|--|--|--|
| فسیأفتش Oxuakantha | Crataegus oxyacantha L. | زعرور الادویه (اندلس) | به معنای شوک الحاد - جتیرئول (لاتینی) - تاغفرزت (بربری) |
| فیلورا Philura | Phillyrea latifolia L. | شجره المحلب ؟ - شجره القتم | دانه آن : زنج ؟ |
| فستوس Kisthos | Cistus ladanifolius L. C. villosus L. C. hypocistis L. | شقاوص (اندلس) - وردالجبللی (مغرب) - وردالفحصی | دارای سه نوع است : دو نوع آن لحیه التیس نام دارد و نام نوع سوم آن از لاذن گرفته شده و سه نامهای آسنب ، حطب الفتح ، شجراللاذن و ارتقش (لاتینی به معنای کثیر المعصی) است . |
| آبائس Ebenos | Ebenus L. | آبنوس | |
| رودا Rhoda | Rosa Tourn . R. gallica L. R. alba L. | ورد | قرمز آن : حوچم سفید آن : وئیر جل (فارسی) |
| اکاقیا Akakia | Acacia arabica Willd. | عصاره القراط - خرؤب السیط - شوکه المصریه | بری آن : أم غیلان صمغ:صمغ العربی |
| اغنس Agnos | Vitex agnus castus L. | شجره ابراهیم - شجره مطهره - كفء الجذماء - نام دانه آن : حب الفقد - مصر : شجره مریم | به معنای طاهر - سریانی: ایلاقدیشا - هندی : سرمساد و شمیتا - بربری : وئعاروف اندلس : شجره الفلفل و فلفل الصقالیه |
| رؤوس یا آطا اوپسا Rhous Epi ta opsa | Rhus coriaria L. | سماق - تتم | سریانی : سماعیل - عربی - عربی - عربی |
| فئیکس - دقسیطس Phoinix | Phoenix dactylifera L. | نخل | |
| قاراسیا Kerasia | Prunus cerasia Br. | | |
| میلاس Meleas | Pyrus malus L. | تفاح | |
| قودونیا میلا Kudonia mela | Cydonia vulgaris Pers. | سفرجل | |
| برسیقا Persika mela | Prunus persica Sieb. | خوخ | |
| آرمانیا Armeenika mela | Prunus armenica L. | شمش - تفاح الارمنی | |
| میدیقا میلا Medika mela | Citrus medica Ris. var. cerata | آترج - تفاح المامی | عربی : مئک |

| نام معرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار) | نام علمی (از کتاب ابن مراد) | نام عربی (به نقل از ابن بیطار) | سایر نام ها |
|--|---|--------------------------------------|--|
| أخراس Akhras | <i>Pyrus communis</i> var. <i>akhras</i> | کُمثری البری | اندلس : برجون |
| أَمْقَدَال بَیْفَرَا Amugdala pikra | <i>Prunus amygdalus</i> var. <i>amara</i> Fock. | لوزالمر | |
| أَمْقَدَال غُلُوقِیَا Amugdala ukeia | <i>Prunus amygdalus</i> Stock. | لوزالحلو | |
| بِسْطَانِیَا Pistakia | <i>Pistacia vera</i> L. | فُسْتَق | صمغ : علك الانباط |
| مورا Morea | <i>Morus alba</i> L. | توت - قَرَصَاد | رب آن : دیامیرون |
| سِقَمُورِی Sukomoron | <i>Ficus sycomorus</i> L. | تین الاحمق - جَمِیز | |
| طِراغِیس Tragos | <i>Gymnorithon ragus</i> L. | سَلْت | |
| أُورِیزَا Oruza | <i>oryza sativa</i> L. | أُرْز | |
| سِیسَامِن Sesamon | <i>Sesamum indicum</i> L. | سَمْسَم - جَلْجَلَان | روغن : حَلْ - سَیْرَج |
| تَرْمِیْ اِیمَارُوس - تَرْمَس Thermos hemeros | <i>Lupinus termis</i> Forsk. | بَسَلَه (یعنی تلخ و بد مزه) | |
| رَافَانُوس Raphanis | <i>Rhaphanus sativus</i> L. | فُجَل | |
| سِیسَارُون؟ Sisaron | <i>Sium sisarum</i> L. | | |
| بَلِیْطِی Bliton | <i>Amarantus blitum</i> L. | بَقْلَه الِیمَانِیَه | یرِسوز (مغرب) - جَریوز (شام) - کَنَج - صَدَح - قِسطَانِیْقِی (سواد) |
| أَسْفَارَاغِش بِطْرَاوُس Petraios Asparagos | <i>Asparagus officinalis</i> L. | هَلِیُون | أَسْفَرَاخ (مغرب) |
| سِین Sion | <i>Sium latifolium</i> L. | قُرْه العِین | کَرَفَس المَاء |
| قَرْتَمِن Krethemon | <i>Crithmum maritimum</i> L. | قَرْن الأَیْل (اندلس) | زَبَل النَوَاتِیَه (آفریقا) |
| قُورُونَفَس Koronopus | <i>Plantago coronopus</i> L. | رِجَل الغُرَاب - رِجَل الزَوَاع | |
| صَنَخِیس Sonkhos | <i>Sonchus oleraceus</i> L. | هَنْدَبَاء البری - خَس الحِمَار | |
| خَنْدَرِیلِی Khondrile | <i>Chondrilla juncea</i> L. | هَنْدَبَاء البری - یَعْضِید (مصر) | أَمِیرون (اندلس) شِرَالِیَه الحِمَار (لاتینی) |
| جَنْجِیدِیُون Gingidion | <i>Daucus gingidion</i> L. | | نوعی از جزر بری |
| سَقَنْدِیْقَس Skandix | <i>Scandix pecten veneris</i> L. | | سَقَانْدِیْقَس |
| قَوَالِیس Kaukalis | <i>Caucalis maritima</i> L. | أَبْرَه الرَاعِی - أَمْشَاط العَجُوز | تَامْشَطُت (بربری) أَنْجَالَه (لاتینی) |
| أَقِیمِن Okimon | <i>Ocimum basilicum</i> L. | بَادْرُوج - حُوك | گفته شده به فارسی بستان افروز است ؟ |
| أُورُوبَنْخِی Orobankhe | <i>Orobanche caryophyllacea</i> Sm. | طَرَاثِث - خَانَق الكَرْسَنَه | هَالُوك (مصر) - جَعْفِیل - أُورُونَاك جِی |

| نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار) | نام علمی (از کتاب ابن مراد) | نام عربی (به نقل از ابن بیطار) | سایر نام ها |
|---|---|---|--|
| طرا راغوبوغن Tragopogon | <i>Tragopogon orientalis</i> L. | ؟ | |
| میدیکی Medike | <i>Medicago sativa</i> L. | رطبه - فصصه قَصَب (عربی) خشک : قَتَّ | یزبه موله (اندلس) به معنای عشبہ البغله - فارسی : اسفست |
| انبافراسن Ampeloprason | <i>Allium ampeloprasum</i> L. | کراث الکرمی - کراث بری | |
| سمیلکس - لوبیا Samilax kepaia | <i>Dolichos lubia</i> Forsk | لوبیا | دُجر - نافر |
| شقر دین براسنو Skordoprason | <i>Allium scordoprasum</i> L. | ثوم کرائی - ثوم البستانی | |
| تلسفی Thalaspi | | نوعی از حرف | اشیرون (اندلس) |
| دارابی Drabe | <i>Lepidium draba</i> L. | حرف المشرقی | أحرار (صقالبه)؟ |
| باباری Peperi | <i>Piper aromaticum</i> Lamk. <i>Piper nigrum</i> L. | قُلُل | |
| اودروباباری Hudropeperi | <i>Polygonum hydropiper</i> L. | قُلُل الماء | |
| بطرمیکی Ptarmike | <i>Achillea ptarmica</i> L. | | به معنای ممطس بر گرفته از بطرموس به معنای بسیار عطسه کننده |
| فقلامینوس Kuklaminos | <i>Cyclamen europaeum</i> L. | بخور مریم - رکف | عُرطشا - خُشِر القُرود (آفریقا) |
| دراکنتیون Drakontion | <i>Arum dracunculus</i> L. | لوف الجعد - فیلجوش | به معنای لوف الحیه است - صاره (مغرب) (- صراخه (اندلس) - غرغینته (لاتینی) |
| آرن Aron | <i>Arum vulgare</i> | لوف السبط | صاره - آبرنی |
| آریصارن Arisaron | <i>Arum arisarum</i> L. | لوف | از انواع سه گانه لوف دُریره |
| سکیلا Skilla | <i>Scilla maritima</i> L. | اشقیل - غنصل - غنصلان | بصل الفار - بصل الفار بصل الخنزیر (مغرب) أشقیل (بربری) |
| بنفراطیون Pankration | <i>Pannkratium maritimum</i> L. | | نوعی از بصل المنصل |
| قبارس Kapparis | <i>Capparis spinosa</i> L. | کبر - میوه : شفلح | اصف (چیزهائی که در ریشه آن) |
| لییدیون Lepidion | <i>Lepidium sativum</i> L. | عشبه السلطان (مصر) | صلص |
| آنامونی Anemone | <i>Anemone coronaria</i> L. | شقائق النعمان - شقر | آرجامونی (جالینوس) |

| نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار) | نام علمی (از کتاب ابن مراد) | نام عربی (به نقل از ابن بیطار) | سایر نام ها |
|---|-----------------------------|--|--|
| خالدونیون طوماغا Khelidonion to maga | Chelidonium majus L. | | طوماغا به معنای بزرگ - به معنای دواء الخطاطیف است . |
| بنتوقس أوطا Muos ota | Myosotis palustris Lam | أذن الفارارومی | عين الهدهد و باذرود (آفریقا) |
| أساطیس Isatis | Isatis titictoria L. | نیل - نیلج | طین الاخضر - عین الاخضر |
| جنطیانا Gentiane | Gentiana lutea L. | دواء الحیه - کوشاد | بشَلْشَکَة (لاتینی) |
| أرسطولوخیا Aristolokheia | Aristolochia Sp. | زراوند | دارای سه نوع است . مُسْمَقَار و مُسْمَقُور و مسمقران (بربری) بَرَسْتَم (افریقا) |
| غلوقیرزا Glukurrisa | Glycyrriza glabra L. | عودالسوس - مَنک | عصاره آن به لاتینی مُتَدِيلَه به معنای پاک کننده سینه است . |
| قَنَطُورِیون طوماغا Kentaureion to mega | Centaurea centaurium L. | قَنَطُورِیون الکبیر | |
| دِیساقوس Dipsakos | Dipsacus fullonum L. | شوک الدُرَاجین - مَشَط الراعی | به معنای عطشان است . |
| سقولومس Skolumos | Scolymus hispanicus L. | حَرْشَف البری | لَصَف (اندلس) |
| بطریون Potirrion | Astragalus poterium L. | ؟ | |
| آنونش Anonis | Anonis antiquorum L. | زریعه الأبلیس (مغرب) | مرر (مصر) |
| طراغاتنا Tragkantha | Astragallus tragacantha L. | شوک القَتَاد | صمغ کثیرا |
| أیرنجی Erunge | Eryngium campestre L. | فَرَصَعَنَه (سریانی) - شوکه الزرقا شوکه السوداء - شوکه اليهودیه | جَنَت قَابِظَه - به لاتینی : بیراطه به معنای شوک المَقْلَقَل |
| ألوی Aloe | Aloe vera L. | شجره الصَبَر | صباره - صابره |
| أوبشثنی Apsinthion | Artemisia absinthium L. | المستین | نَشَانَسَه (لاتینی) - کشوث الرومی - افستین ساحلی = شِبب العُجُوز |
| أُسوفون Hussopon | Hyossopus officinalis L. | زوفای یابس | |
| سُتَخادس Stoikhas | Lavandula stoechas L. | اسطوخودوس | |
| أوریفانُس أیرفلأوطیقی Origanos Herakleotike | Origanum sp. | صعتر | دارای انواع ابيض و اسود و ملوکی و صعتر الشَّوْء که همان خوزی است - جالینوس: فودنج جبلی |

| نام علمي (از کتاب ابن مراد) | نام عربي (به نقل از ابن بیطار) | نام مغرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار) | سایر نام ها |
|--|---------------------------------------|---------------------------------------|---|
| Origanum dictamnus L. | مشکطراشع - فودنج التیسی | دقطنن Diktamnon | دارای سه نوع است : ۱ - پلایه جزیره ۲ - فسودودقطنن ، ۳ - الاقریطی |
| Thymus calamintha Scop. T. barleri Spreng. | فودنج | قالامنتی Kalaminthe | دارای سه نوع است : ۱ - نهري به نام صومران (مغرب) ۲ - حبق التمساح ۳ - جیلی به نام نابله (اندلس) |
| Thymus capitatus L. | صعتر جبلی (آفریقا) | ثومش Thumos | صعتر الحمیر (اندلس) |
| Melilotus officinalis Lam | اکلیل الملک | مالیلوتس Melilotos | دارای چهار نوع است : ۱ - و ۲ - قرطسج (اندلس) ۳ - معقرب ۴ - مدرهم الورق - دارشاه (فارسی) - شجره الخب (آفریقا) |
| Baccharis sp. | قرنغیه (اندلس) | بشخارِس Bakkharis | |
| Peganum harmala L. Ruta montana L. بری R. graveolens L. بستانی | | فیغانن Peganon | دو نام متفاوت برای این گیاه ذکر شده یکی سداب بری و بستانی و دیگری اسفند یا حرمَل |
| Allium moly L. | | مولی Molu | نوعی بلبوس |
| Levisticum officinale Koch. | کاشم | لیقسطیقون Ligustikon | زُغْد (انطالیا) |
| Seseli tortuosum L. | | ساسالیوس Seseli | دارای سه نوع است . |
| Tordilium officinale L. | | طرزیلن Tordilon | نوع چهارم ساسالیوس به نام اقریطی . بقول الشعال (اندلس) زیرا برای درست کردن آتش از آن استفاده می شود. |
| Sison amomum L. | ؟ | سینون Sinon | |
| Pimpinella anisum L. | انیسون - رازیانه رومی - کمون الحلو | أنیسون Anesson | حبّ الحلو (اندلس) |
| Carum carvi L. | کرویا بستانی - کمون الارمنی | قاروا Karo | |
| Anethum graveolens L. | شبت | أنثون Anethon | أنیط (لاتینی) - أسیلی (بربری) |

| نام عربی (به نقل از ابن بیطار) | نام علمی (از کتاب ابن مراد) | نام مغرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار) | سایر نام ها |
|---|-----------------------------------|--|--|
| کمون الابيض - کمون الکرماني | Cuminum cyminum L. | کُومینون Kuminon | کمون الملوکی (دیسکورید) |
| کرفس الجبلی | Peucedanum oreoselinum Mo. | أوراسالینون Oreoselinon | (اورا) به یونانی به معنای کوه و (سالین) به معنای کرفس است. |
| کرفس الصخر | Carum petroselinum Benth & Hook. | بطراسالینون Petroselinon | (بطرا) به یونانی به معنای صخره است. |
| کرفس بری | Smyrniolum olusatrum L. | سمرنیون Smurniun | |
| | Hippomarathrum libantis Koch. | أفومارثون Hippomarathon | به معنای شمار العریض است. |
| | Anacyclus pyrethrum DC. | فُرترون Purithros | |
| کندریات | Cachrys libnotis Ferula nodiflora | لیبانوتس Libanotis | سه نوع است |
| کَلَح الدَلْبی | Heracleum spondylium L. | سفندولیون Sphondulion | تاقیرا (بربری) |
| أَنَذَراسیون | Peucedanum officinale L. | فوقاذن Peukedanon | یربطوره (لاتینی) یربطور (مغرب)- جاهینک |
| فُریون | Euphorbia L. | أفُریون Euphorbion | تاکوت (بربری) لویانه مغربه (مصر) |
| أَشَقْ - وَشَقْ - أُشَجْ - وَشَجْ | Dorema ammoniacum Don. | أمونیان Ammoniakon | غنه (لاتینی) - لُزاق الذهب |
| عَنْزَروت - انزروت - کُحل فارس | Astragalus sarcocolla L. | صرفوقلا Sarkokolla | سرفقلین (رومی) |
| مَصْفی الرِّعاه (اندلس) - حشیشه الافعی | Galium aparine L. | أفارینی Aparine | به معنای دوست دارنده صاحب خود بيض العنکبوت |
| | Alyssum saxatile L. | ألوسن Alusson | یعنی مفید برای گزیدگی سگ |
| ؟ قَنابری | Asclepias vincetoxicum L. | سقلیبیاس Asklepias | |
| | Clinopodium vulgare L. | کلینوفودیون Klinopodion | یعنی پایه های تخت. قلبی به معنای تخت و فودیون به معنای پا است |
| عَرطینا (اسم مشترک) | Leontice leontopetalum L. | لاونطوباطالن Leontopetalon | مهد (ساحل غزه) غسلج (اهل مشرق) |
| کَمادریوس التَّعنَی | Teucrium flavum L. | طوقریوس Teukrion | یربه اُشَبیلینی (لاتینی) (به معنای گیاه طلحا |
| کَمادریوس | Teucrium chamaedrys L. | خامادریوس Khamaidruos | به معنای بلوطی است. |

| نام معرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار) | نام علمی (از کتاب ابن مراد) | نام عربی (به نقل از ابن بیطار) | سایر نام ها |
|---|-----------------------------|---|---|
| لُخْنِیس الاکلیلیه Lukhnis stephanomatike | Lychnis coronaria Desf. | | |
| بَلُوَطی Ballote | Ballota nigra L. | مَرَوِیَه بَنَتَوْشَه (لاتینی) | نوعی از فراسیون سبا |
| مالیسوفُلُن Melissophullon | Melissa officinalis L. | بادرنجبویه - باذرتبویه | ریحان الترنجی |
| سُطَاخِیس Stakhus | Stachys germanica L. | قارَه (اندلس) زیرا نوشیدن آن فرد را از خفقان نجات می دهد. | اَنُوشَه (لاتینی) |
| فُلْبِطِش Phyllitis | Phyllitis scolopendrium L. | دَبَب الحداه | اکثرا در دهانه های چاه ها می روید. |
| فَالْتَجِین Phalangion | Phalangion ramosum Lam | | به معنای مفید برای نیش رتیل |
| بَلَوِین Polion | Teucrium polium L. | جَعْدَه | دو نوع سفید و سیاه دارد فولیون (رومی) |
| اَشْقَر دِین Skordion | Teucrium scordium L. | حافظ الأجساد - حافظ الارواح | ثوم (زیرا بوی پیاز می دهد) - ثوم ببری (جالبینوس) - مطرقه ل حشیشه الثومیه (اندلس) |
| أَرطاماسیا Artemisia | Artemisia vulgaris L. | بَلَنْجاسف - برنجاسف | دارای انواعی است. |
| أَمْبَرُوسِیا Ambrosia | Ambrosia maritima L. | نوعی برنجاسف | |
| بَطْرُس Botrus | Chenopodium botrys L. | نوعی برنجاسف | |
| غَارانِین Geranion | Geranium rotundifolium L. | تَمَار - جابره | نوعی از رقعات |
| غَنافِلِیان Gnaphallon | Gnaphalium L. | قَضِیه | |
| طِیفی Tuphe | Typha latifolia L. | نوعی حلفاء | |
| قِرْکَاِیا Kirkia | Circaea Tourn. | بَنَکَه (لاتینی) | |
| قُونِزَا Konuza | Inula conyzoides DC. | شجره البراغیث | تَرَهْلَا (بربری) - مَشْکِیَنَه (لاتینی) لَبَارْزَه - طَبَّاق (اندلس) |
| ایمَارُوقالس Hemerokallis | Hemerocallis flava L. | سوسن اصغر | زنبق (دمشق) |
| أَرْخِس Orkhis | Orchis morio L. | خُصی الکلب | |
| أَرْخِس آخِر Orkhis heteros | Orchis undulatifolia L. | نوعی خصی الکلب - قاتل اخیه زیرا ریشه آن دو تائی بوده یکی پر از مواد و دیگری چروکیده ، ولی پس از گذشت زمان موقعیت آن ها عوض می شود | ساراقیاس (این اسم از نام خدائی از قبسط مشتق شده است و به معنای بسیار پسر متفعت می باشد) |

| نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار) | نام علمی (از کتاب ابن مراد) | نام عربی (به نقل از ابن بیطار) | سایر نام ها |
|---|-----------------------------------|--|---|
| أرمین Horminon | Salvia horminum L. | حب القلقل - قلقل - قلاقلی | قومبون (جالینوس) |
| ایذیسارون Hedusaron | Hedysarum L. | | به معنای فأسی یعنی بزر آن دارای دو سر تیز چسبون فأسس است. - فلاقینس (به معنای زبان) |
| أنوما Onosma | Onosma echinoides L. | خَس الحمار - | رجل الحمامه (اندلس) انوسما (جالینوس) |
| نیمفا Numphaia | Nymphaea alba L. | لینوفر - نوفر - عروس الماء - قاتل النحل | |
| آندرساقاس Androsakes | Androsace lactea L. | کشمخ - کشمخه | ملاح - به خاطر شباهت آن به رنگ نمک نه طعم آن به این نام مشهور است - از انواع حمض |
| ایمیونیتس Hemiontis | Hemionitis L. | ایونیطس ؟ | |
| آنتمس Anthemis | Anthemis nobilis L. | بابونج - بابونق - بابونک - بابونه | خمامیلن (یونانی) به معنای تفاح الارض است) - مسناله (لاتینی) به معنای سیب زیرا بونی شبیه به بوی سیب دارد. |
| فَرثانیون Parthenion | Chrysanthemum parthenium Pers. | أقحوان | |
| لیتسفرمن Lithospermon | Lithospermum officinale L. | قَلَب (زیرا بسیار سخت و سفید است) | به معنای بزر الحجری شخفراغه (لاتینی) برگردان عربی آن: کاسر الحجر یا مشطیه |
| فالریس Phaleris | Phalaris tuberosa L. | ؟ | فالیورس (جالینوس) |
| لُنخیطس آخر Lonkhitis hetera | Aspidium lonchitis L. | رَقْعَة الصخریه (اندلس) | |
| آلثا Althaea | Althaea officinalis L. | خطمی - ملوخی الشجر | ورد الزوانی |
| آلثا آخر Alkea | Althaea rosea Cau. | خطمی البری - شحم المرج | |
| قَنَابِش Kannabis | Cannabis sativa L. var. indica | قُب - شَهْدَانِج - شادانق | |

| نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار) | نام علمی (از کتاب ابن مراد) | نام عربی (به نقل از ابن بیطار) | سایر نام ها |
|---|------------------------------|---|--|
| قَنَابَشِ أَغْرِیون Kannabis agria أناغرون Anaguros | Althaea cannabina L. | قَنْبُ البری - شهدانج البری | قَنْبیه (مصغر قَنْب است) |
| قَبْأُ Kapaia | Anagyris foetida L. | أُم کلب - حَب الکَلْی | میوه : خرنوب الکلب (اسم مشترک) |
| ألیسما Alisma | Sedum cepaea L. | جوز القَطَا (اندلس) (زیرا پرندۀ قطا بر خوردن آن حریص است .) | شجر حب الاسیر (ابن حسان) |
| أنوبْرُأخیس Onobrukhis | Alisma plantaga L. | مزمَار الراعی - أذن الأَرْتَب - سَنَبِل المَلوک | دمام - وُنْیون (جالینوس) |
| أوفاریقون Huperikon | Onobrychis viciaefolia Scop. | عنب الحیه (برگردان نام یونانی به عربی) | |
| خامافیطُس Khamaipitus | Hypericum barbatum L. | هیوفاریقون - ذاذی الرومی | یربسه قَرْجَنسیره (عجمیت اندلس) به معنای عشبہ القَلْب یعنی دارای دانه ای قلبی شکل است . - مَشْتَبِه - دارای چهار نوع است . |
| برطانیقی Brettanike | Ajuga chamaepitys L. | صنوبر الارض (برگردان نام یونانی به عربی) - کمافیطوس | دارای سه نوع است . صنوبری کلیللی / فرفری |
| لوسیماکھیوس Lusimakheios | Rumex brettanica L. | خماض حسکی | گفته شده بستان افروز است. |
| بلوغُون Polugonon arren | Lysimachia vulgaris L. | عود الريح (اسم مشترک) (اندلس) قَصَب الريح (اسم مشترک) (اندلس) | قَصَب الذهبی (اندلس) خَوْخ الماء - خَوْیَخَه |
| فُلُوغُوناطِن Polugonaton | Polygonum aviculare L. | عَصَا الراعی | به معنای ذَکَر است شَبَطِطاط - خطری دَغْبَا بَطِطاط (سریانی) |
| فولامونیون Polemonion | Polygonatum officinale L. | ؟ | غوذیاله (لاتینی) |
| سمفوطُن بطْرَاون Sumphuton petraion | Polemonium caruleum L. | ؟ | |
| سمفوطن آخر Periklumenon | Symphytum petraeum | شَاغَه الصخریه (اندلس) | |
| أولسُطیون Holosteon | Symphytum bulbosum | شَاغَه البستانی | شَبیطه (لاتینی) |
| فارقُلُمائن Periklumenon | Holosteum umbellatum L. | ؟ جامع البضَع (برگردان نام یونانی به عربی) | |
| | Leonicea periclymenon L. | صَریمه الجَدی | نوع دوم قُفْلَامینوس است . |

| نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار) | نام علمی (از کتاب ابن مراد) | نام عربی (به نقل از ابن بیطار) | سایر نام ها |
|---|------------------------------|---|---|
| طربولس Tribolos | Tribulus terrestris L. | حسک - شکومج | أبروؤذیا (رومی) غاله جاقه (لاتینی) حمص الامیر (مغرب) |
| لیمونیون Leimonion | Statice limonium L. | سبخی (برگردان نام یونانی به عربی) | نوع ششم حماض طویل السورق و عسلیج است . - سلق الماء |
| سفرغانیون Sparganion | Sparganium ramosum Huds. | نوعی از سوسن یری | سفرطغانیون (جالینوس) |
| أخیون Ekhion | Echium rurum L. | ذکر الاقمی (به خاطر اینکه دارای میوه ای در رأس است که به شکل سر افعی می باشد .) | |
| أخلیوس Akhilleios | Achillea tomentosa L. | | یعنی مفید برای بیماری اخیلوس که همان غرب است . |
| الأتینی Elatine | Linaria elatine Mill. | لباب المجوی - لبلاب الاحرش | سراویل الککه سحیمه |
| أوباطورئوس Eupatorios | Agrimonia eupatoria L. | غافق الشاهدانجی | |
| طراغین آخر Tragion allo | Tragium colomnae | | گیاه آن در جزیره اقریقش است . |
| فارنوخیا Paronukhia | Paronychia serpyllifolia DC. | | یعنی النافع من الداحس |
| خروسوقومی Khrusokome | Chrysocoma L. | | برگردان عربی آن راس الذهب و نوعی از بابونه جبلی است * |
| ألیخریسون Helikhruson | Helichrysum sp. ? | | برگردان عربی آن مذهب است . امارتطن (جالینوس) شاید نوعی قبصوم باشد |
| أسطراغالوس Astragalos | Astragalus Tourn. | کعب الخنزیر (برگردان نام یونانی به عربی) | مخلب العقاب الابيض (اندلس) - برطبره (لاتینی) |
| أواقتش Huakinthos | Hyacinthus orientalis | حافر البغل - قسطل الارض | بلبوسی (تأویل آن به عربی) |
| أیسقوامس Huoskuamos | Hyoscyamus Sp. | بنج - سیکران (اندلس) | ملعنذر - یضمون |
| فسلیون Psullion | Plantago psyllium L. | بزرقطونا - استقیوس | برغوث (برگردان عربی آن) |
| دروقتیون Doruknion | Dorycnium L. | | |

| نام معرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار) | نام علمی (از کتاب ابن مراد) | نام عربی (به نقل از ابن بیطار) | سایر نام ها |
|--|-----------------------------|---|--|
| مندراغورس Mandradoras | Mandragora officinarum L. | بیروح - سابیژک - شابیژج - نُفّاح الجن | میسوه : اُنّساح - أرجلیطه (لاتینی) - تاریسال (بربری) - عروسه |
| أقونیطون Akoniton | Aconitum nepellus L. | قاتل النمر | نبال (اندلس) |
| قونیون Koneion | Conium masculatum L. | شوکران | جقوطه (لاتینی) حرمال البلدی (آفریقا) |
| أفوقونن Apokunon | Apocynum erectum Vell. | قاتل الذئب | عنب الکسلاّب (برگردان عربی آن) |
| نیریون Nerion | Nerium oleander L. | ذَفلی - خَرَزَهَرَج - حبن | سم الحمار (برگرفته از لغت فارسی آن است.) |
| قُلْخِیْمُن Kolkhikon | Colchicum automnale L. | سورَنجان - فَرَج الارض - قَلب الارض - عَکَنه (مصر) | نام گل : اصابع هرمس و شنبلید - فَشْتَنیولَه (لاتینی) (به معنای قسطله کوچک است.) |
| قوطولیدیون Kotuledon | Cotyledon lusitanicus Lam. | کأس - آذان القشیس - زلائف الملوک - مصافق | دو نوع است ، نوع دیگر آن در مصر اذنه خوانده می شود . این گیاه در شکافها و سقف ها و کوه هارونیده می شود. |
| غالیون Galion | Galium verum L. | لُخْتِیروآله (لاتینی) | موجب بسته شدن شیر می شود. |
| ثالیطرن Thaliatron | Thalictrum flavum L. | کُزْبَرَه حبشه | |
| بوطوماغیطن Potamogeiton | Potamogeton natans L. | جار الانهار (برگردان نام یونانی به عربی) | |
| سطراطیوطس Stratiotes | Pistia stratiotes L. | فَارِس الماء (برگردان نام یونانی به عربی) | |
| أرْقُطِیون Arktion | Arctium tomentosum Shkuhr. | | گفته شده نرد عرب به جریان (بدون نقطه در محل با) مشهور است . |
| أرْقُطِیون آخر Arktion | Arctium lappa L. | | دارای دو نوع ببری و بستانی است. |
| لوطوس أغریوس Lotos agrios | Lotus sp. ? | حَباقا | لوتوسی که دو مصر است به نام پَشْنین می باشد. |
| مریافُلُن Muriphullon | Myriophyllum spicatum L. | | به معنای هزار برگ است . |
| أنْطِرینن Antirrhinon | Antirrhinum majus L. | أَنف العجل - شحم الطعام | |

| نام معرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار) | نام علمی (از کتاب ابن مراد) | نام عربی (به نقل از ابن بیطار) | سایر نام ها |
|---|-----------------------------|--|---|
| بولوبودیون Polupodion | Polypodium vulgare L. | | به معنای دارای پای زیاد است. (کثیر الارجل) - سقی رُغْلا - سخی رُغْلا سکی - رُغْلا (سریانی) (به معنای کثیر الارجل) - برتوؤنه (لاتینی) - اُشتیوان (بربری) |
| ایلوطروبیون طوماغا Heliotropion to mega | Heliotropium europaeum L. | حشیشه العقرب (مصر) زیرا انتهای آن شبیه به دم عقرب است. | به معنای آفتاب گردان است طرنه سُوکی (اندلس) |

۲- برگردان نام های لاتینی گیاهان به توسط ابن بیطار در قرن هفتم

محتوای متون پزشکی قدیمی به زبان عربی و ایرانی معمولاً متاخذ از کتب لاتینی و یونانی است و حاکی از آن است که منشاء نام های کهن گیاهان و همچنین برخی از نام های جدید لاتینی است. ریشه یابی نام ها، چه قدیمی و چه جدید، چه شرقی و چه غربی امکان تطبیق این نام ها را به یکدیگر فراهم می آورد و با این انطباق زمینه پیشنهاد مناسب ترین نام علمی را امکان پذیر می سازد.

با تعیین نام لاتینی گیاهان و سپس یافتن نام های معرب دارای ریشه لاتینی، ارتباط آن ها با نام های مشهور در متون قدیم [عربی و غیر عربی] میسر می شود. از سوی دیگر بررسی های صورت گرفته نشان می دهد برخی از نام ها چه در شرق و چه در غرب مستقل از هم بوده و متاخذ از هم نیستند. این نام ها نیز می توانند نام شناخت گیاه باشند.

از اینرو در نام یابی های کهن گیاهان دارویی دانستن ارتباط نام رایج گیاه با نام لاتینی آن می تواند معیاری برای یافتن نام علمی آن و همچنین دستیابی به سرچشمه نام های مشهور و چگونگی انتقال نام در زبان های دیگر باشد. برای دست یابی به این منظور شرح هر گیاه کتاب دیسکورید با دو منبع غربی و شرقی که هر یک ویژگی خود را دارند مقایسه گردید. مهمترین ویژگی های آن ها عبارتند از:

الف - کتاب دیسکورید: تا قرون اخیر به عنوان مهمترین منبع مورد استفاده اغلب محققان علوم زشکی و گیاهان دارویی بوده است، و نام های لاتین آن به زبان های دیگر بویژه عربی برگردانده شده است.

اولین کسی که به ترجمه این کتاب اهتمام ورزید حنین بن اسحق (۲۶۰ هـ - ق / ۸۷۳ م) بود که آن را از زبان یونانی به زبان سریانی برای بختیشوع بن جبریل برگرداند و همچنین یکی از شاگردان خود را به نام اصططن بن بسیل تشویق به ترجمه این کتاب به زبان عربی نمود. اما این دو نتوانستند همه لغات لاتینی را به عربی برگردانند و تنها به معرب کردن لغات بسنده نمودند.

پس از آن نیز ترجمه هائی از کتاب دیسکورید به توسط ابوالفرج، مهران بن منصور، ابی سالم المطلبی نگاشته شد که در مجموع کار مهران بن منصور از همگی قویتر است.

دانشمندان مهمی که به شرح کتاب دیسکورید پرداختند چهار نفر و همگی از اهالی اندلس هستند این چهار نفر عبارتند از:

۱- ابو داود سلیمان بن حسان بن جُلجل (۳۸۴ هـ - ق / ۹۹۴ م)

۲- ابوالعباس احمد بن محمد النبائی ابن الرومیه (۶۳۷ هـ - ق / ۱۲۳۹ م)

۳- ابی محمد عبدالله بن احمد بن محمد بن ابن بیطار المالیقی (۶۴۶ هـ - ق / ۱۲۴۸ م)

۴- ابوالحسن علی بن عبدالله الاشبیلی (احتمالاً قرن هفتم هجری قمری)

ب - تفسیر کتاب دیسکوریدوس به توسط ابن بیطار: نام های لاتین در این کتاب معرب شده و یا به عربی برگردانده شده و نام های رایج دیگر نیز [فارسی، سریانی و ...] در این کتاب دیده می شود. از ویژگی های این کتاب و همچنین مؤلف آن می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱ - از آنجا که مؤلف به زبانهای لاتینی و عربی به خوبی مسلط بوده، انتقال نام ها و ترجمه مطالب کتاب و معرب نمودن نام ها دقیق صورت گرفته است.
 - ۲ - همراه بودن نام های معرب با نام های مشهور عربی و غیر عربی این کتاب را عامل مهمی در ارتباط فرهنگ های گیاهشناسی و پزشکی تمدن های گذشته است.
 - ۳ - مؤلف چون خود گیاهشناس بود سعی نمود تا شرح گیاهان را در این تالیف با نمونه های عینی در دست تطبیق داده درستی یا مجهول بودن آن را اعلام نماید.
 - ۴ - اشراف مؤلف به تالیفات قبلی، و تالیفات عصر خود و تالیفات متنوعی که خود داشت موجب شده، کتاب های او بعنوان تالیف شاخص برای قرن های بعدی در گستره ای جغرافیائی وسیع مطرح باشد.
 - ۵ - پرهیز مؤلف از ذکر خواص و حتی شرح های سیستماتیکی در این کتاب و بیان آن در کتاب جامع اهمیت وی را به تطبیق و تصحیح واژه ها و نام ها معلوم می نماید.
- با توجه به ویژگی های فوق می توان کتاب ابن بیطار را برگردان علمی - مطابق با زمان خود - از کتاب دیسکورید دانست که گذشته از ذکر نام ها گیاهان بطور دقیق، ضمن اشاره به اطلاعات به مربوط پیرامون محل رویش و جغرافیای گیاه، اختلاف نظرها موجود در مورد هویت گیاه را نیز به نقد و بررسی کند.
- در جداول زیر نام های لاتینی معرب شده همراه با اسامی لاتینی آنها آمده است. دقت در این نام ها می تواند در برگردان صحیح نام ها ما را یاری رساند.

راهنمای جداول:

- نام های ستون اول مربوط به نام های لاتینی گیاهان کتاب دیسکورید که به توسط ابن بیطار معرب شده است.
- در ستون دوم نام های پیشنهادی ابراهیم بن مراد آمده است.
- در ستون سوم نام های پیشنهادی ROBERT T. GUNTHER آمده که با نام های لاتینی معرب ابن بیطار مقایسه شده است.
- در ستون چهارم شماره تصاویر مربوط به هر گیاه از کتاب دیسکورید ROBERT T. GUNTHER است، این تصاویر در جلد دو کتاب آمده است.
- در ستون پنجم نام های دارای منشاء عربی و از ابن بیطار است.
- در ستون ششم نام های عربی و غیر عربی مشهور و از ابن بیطار است.

| نام لاتینی (ابن بطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (از Roberth) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بطار) | سایر نام ها (از ابن بطار) |
|--|---------------------------------------|---|----------------|--------------------------------|--|
| کیارس یا قیفارس kuperos | Cyperos longus L. | C. rotundus | ۴/ ۱ | سعد | |
| آقُورون Akaron | Acorus calamus L. | Iris pseudacorus | ۲/ ۱ | وَجْ - زهره | |
| ایریس Iris | Iris florentina L. | I. florentina L. I. germanica | ۱/ ۱ | سوسن آسمانجونی | قوس و فرج |
| قرادامومن Kardamomon | Eletteria cardamomum White & Maton | E. cardamomum | | کروبا جبلیه قرنباد - قرنفاذ | قردمانا |
| مینون Meon | Meum athamanticum J. | M. athamanticum J. | | مو | |
| ناردسستفاریطیقی Sampharitike | Valeriana celtica L. | | | | |
| ناردس اقلیطیقی N. keltike | Valeriana celtica L. | V. celtica L. | | سنبل الرومی | سنبل الاقلیطیقی منتجوشه - شرانط |
| ناردس اُورنی N. oreine | Valeriana tubereuse Spr. | V. tubereuse Mountain Nard | | سنبل الجبلی | |
| ناردس Nardos | Nardostaachys jatamansi DC. | N. jatamansi | | سنبل هندی | ناردین |
| اسارون Asaron | Asarum europaeum L. | A. europaeum | ۹/ ۱ | | |
| فو Phu | Valeriana dioscorides Sibth. | V. dioscorides | | | |
| مالابثرن Malabathron | Cinnamomum citriodorum Twhwait. | | | ساذج الهندی | |
| کسیا Kassias | Cinnamomum cassia BL. | Cinnamomum iners | | سلیخه | |
| قَنّا مومن Kinnamomon | Cinnamomum zeilanicum Nees. | C. cassia | | دارصینی | |
| أُمومن Amomon | Amomum racemosum La. | A. sublatum or cissus vitiginea | | حماما | |
| قُسْطُس Kostos | Costus speciosus Sm. | | | قُسْط - کُشْط | کُشت |
| سکینوس Skhoinos | Andropogon schoentus L. | Cymbopogon schoenanthus | | أذخر | تبن مکه |
| قلامس اروماتیکس Kalamos aromatikos | Acorus calamus L. | A. calamus L. | | قصب الذریره | |
| أصبالاتوس Aspalathos | Calycotom spinosa Lk. | Cytisus lanigerus DC. Genista acathoclada DC. | | دارشیشغان | قندولی (مغرب) |
| بریون Bruon | Usenea barbata Ach. | Usenea sp. | | أشنه - شَبب العجوز | سواک القروء (زیرا دهان هنگام استفاده از آن رنگ می گیرد). |
| نَشَقْشَن | ؟ | ؟ | | بَنَک | |

| نام لاتینی (ابن بطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (از Roberth) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بطار) | سایر نام ها (از ابن بطار) |
|---|----------------------------------|--|----------------|----------------------------|-----------------------------------|
| أغالوخن Agalokhon | Aloexylon agallochum Lou. | A. agallochum | | عود هندی | آلنجج |
| قَبَمَن Kankamon | Amyris kataf Forsk. | Amyris sp. | | سندروس - لک | قبین |
| قُرُوقس Krokos | Crocus sativus L. | C.sativus | ۲۵/ ۱ | زعفران | کُرُکُم - جادی - جساد - ربهقان |
| هَلَنِیون Helenion | Inula helenium L. | I.helenium | ۲۷/ ۱ | جناح - راسن زنجبیل شامی | عُطُوز (ترکی) |
| شمرنا Smurna | Commiphora myrrha Engl. | Amyris myrrh Hafal. | | مر | |
| شطی رکس Sturax | Styrax officinalis L. | S. officinalis | | أصطرک عسل اللبني | شطركا (سریانی) عسل رومان - |
| بذلیون Bdellion | Commiphora mukul Engl. | Hyphaene thebaica | | مُقل الازرق | دارای انواع متعدد است. |
| لبانوَ Libanos | Baswellia Roxb. | Baswellia cartera | | کُندر - لَبَان | تنها در شحر عمان رویش دارد. |
| بیطس - بنطس Pitus | Pinus pinea L. | P.halepensis P. cembra P. maritima | | تَنُوب | صمغ آن: قُلُقُونِیا |
| قوفی یا فوقی Peuke | Picea excelsa Link | | | شجر الأرز | نوعی تنوب |
| بیطویداس Pituides | | Pine-seeds | | قَصَم قریش | میوه صنوبر الصغار |
| سطرویلو Strobiloi | | Pine-cones | | شجرالصنوبر الکبار | صمغ هر دو صنوبر راتباج - راتنج |
| سَخِینُس Skhinos | Pistacia lentiscus L. | P. lentiscus | | شجره المصطکی | |
| طرمثس Terminthos | Pistacia terebinthus L. | P.terebinthus. | | شجره البطم | صمغ: عُلک الالباط |
| أرقوئس Arkeuthos | Juniperus communis L. | | | | |
| Arkeuthos Megale Arkeuthos Mikra | | J.macrocarpa J. phoenicea J.co.- J. Drupacea | ۱ - ۱۰۳ | عرعر | |
| برائی Brathu | Juniperus sabina L. | J. sabina var. cupressifolia var. tamariscifolia | | أبهل | |
| ذافنی Daphne | Laurus nobilis L. | L.nobilis | | شجر الغار شجر الرند | دونوع بر وماده دانه: ذافنیدس |
| قنارِسیس Kuparissos | Cupressus sempervirens L. | C.sempervirens | | شجرالسرو | |

| نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (از Roberth) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بیطار) | سایر نام ها (از ابن بیطار) |
|-------------------------------------|----------------------------------|--------------------------------|----------------|--|--|
| قادرُس Kedros | Cedrus libani Barrel . | C. libani | | شجر الشربین | |
| أفلاطینس Platanos | Platanus orientalis L. | P.orientalis | | شجر الدب صَنار - جنار | |
| مالیا Melia | Fraxinus excelsior L. | F.ornus Manna Ash | | شجر المران | زان (بربری) |
| لوتا Leuke | Populus alba L. | P.alba | | حور | دارای انواعی است. |
| ماقر Makir | Myrsica fragans Houtt. | | | بسباسه | دارکبه (شام) |
| أغیرس Aigeiros | Populus nigra L. | P.nigra | | حورالرومی | نوز - کهربا |
| بطالایا Ptelea | Ulmus L. | Ulmus campestris | | شجر الدردار | شجره البق - نشم الاسود |
| تالامن Kalamon | Phragmites communis Trin | | | قَصَب الفارسی | |
| Kalamos Nastos | | Cenchrus frutescens Sieb. | | | |
| Ka.Suriggios | | Erianthus ravennas | | | |
| Ka.Donax | | Arundo donax | | | |
| K.Phragmites | | Phragmites communis | | | |
| فانورس Papuros | Cyperus papyrus Trin. | | | فافر - بردی | |
| موریقی Murike | Tamarix gallica L. | T.gallica | ۱ ۱۱۶ | شجره الرفا | |
| Murris | | Myrrhis odorata L. | | | |
| أریقی Ereike | Erica arborea L. | E.arborea -E.herbacea | | شجر الخُلج | از انواع أسحل |
| أفقالیس Akakalis | Tamarix articulata Vahl. | T.orientalis | | شجر الائل عذبه (عربی) | میوه : کزمازک کزمازق - کزمازج |
| رامنس Rhamnos | Lycium afrum L. | Paliurus aculeatus | ۱ ۱۱۹ | عوسج - عَرَقْد | |
| ألیمون Halimon | Atriplex halimus L. | | | مَلُوخ | قُطَف بحری - ملیخ |
| فالپورس Paliuros | Paliurus aculeatus Lam. | Zizyphus vulgaris L. | | سدر - شجره العَناب | دونوع عبری و ضال. |
| اقسیا آقنثش Oxuakantha | Crataegus oxyacantha L. | Crataegus pyracantha Medic. | | زعرور الادویه یه معنای شوک الحاد | جبرئیل تاغفرت (بربری) |
| Papuros | | Papyrus antiquorum Wild. | | | |
| قونس باطس Kunosbatos | Rosa canina L. | Rosa sempervirens L. | | علیق الکلب ورد بری | نسرین - اذممام - قانس به یونانی به معنای کلب و باطس به معنای علیق است . |
| قیفروس Kupros | Lawsonia alba Lam. | L.alba | | شجره الحنا | یرناه - رفان |

| نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (Roberth) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بیطار) | سایر نام ها (از ابن بیطار) |
|---|--|--|----------------|---|---|
| فیلورا Philura | Phillyrea latifolia L. | P. latifolia. | | شجره المحلب شجره العتم ؟ | دانه آن : زَغِيج ؟ |
| قستوس Kisthos | Cistus ladanifolius L. C. villosus L. C. hypocistis L. | | | شَقَوَاص (اندلس) وردالجبلی (مغیر) ب) وردالفحصی | سه نوع: دو نوع آن به نام لحيه التيس و نوع سوم گرفته شده از لادن با نام های أَسْتَب، حطب الفتح ، شجراللاذن، ارتقش (یعنی کثیر المعصی) است. |
| Kustos Arren | | Cistus villosus | | | |
| Kustos Thelus | | Cistus salviaefolius | | | |
| Ladanon | | Cistus creticus | | | |
| آبائُس Ebenos | Ebenus L. | Diospyrus melanoxylon Ebenoxylon verum | | أَبْنُوس | |
| لوقيون Lukion | Rhamnus infectoria L. | R.infectoria | | شجره الحضض | عصاره : فیلزهرج کُحل خولان |
| رُودَا Rhoda | Rosa Tourn R. gallica L. R. alba L. | Rosa lutea Bort. | ۱ ۱۳۰ | ورد | قوزم آن : حوجم سفید آن : و تیر جل (فارسی) |
| اکاکیا Akakia | Acacia arabica Willd. | Acacia vera | | عصاره القَرظ خَرْزُوب السِنَط شوکه المصریه | بری آن : أُم غِلَان صمغ : صمغ العربی |
| اُطَا Itea | Salix babylonica L. | Salix sp. | | شجرالصفصاف خلاف | |
| اَغْنُس Agnos | Vitex agnus castus L. | V. agnus castus | ۱ ۱۳۵ | شجره ابراهیم شجره مطهره حب القَد شجره مریم | یعنی طاهر- ایلاقدیشا (سریانی)- سرساده و شَمِیثا (هندی) وَنَقَارُف (بربری) شجره القُلُقُل و قُلُقُل الصقالیه (اندلس) |
| الْأَغْرِيَا Agrielaia | Olea oleaster Lk. | O.oleaster | | زیتون بری عتم - زَغِيج | أَزْمُود (بربری) زَبُوج (اندلس) |
| دَرَس Drus | Quercus coccifera L. | Quercus aegilops L. | | شجر البلوط | شاه بلوط - قُسْطَانِيَا - قُسْطَل |
| قَقِيس Kekis Phegos | Quercus lusitanica Lam. | Quercus aesculus Boiss. | | عفص - قُشْف | جوله (لاتینی) |
| رُؤُوس یا اُطَا Rhous Epi ta opsa | Rhus coriaria L. | | | سَمَاق - تَمْتُم | سریانی : سَمَاقِيل عَرَبِيَّ - عَرَبِيَّ |

| نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (از Robert) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بیطار) | سایر نام ها (از ابن بیطار) |
|---|-----------------------------------|--------------------------------|----------------|--|---|
| فُنیکس دَقِیْطُس Phoinix | Phoenix dactylifera L. | P.dactylifera. | | نخل | |
| رُودَا اَیْذا Rhoa | Punica granatum L. | P.granatum | | رمان | جلنار، گل انار - پی جَنِبَذَه: گل انار بستانی - رَعَث |
| مرسینس اَیمَارُس Mursine he hemeros | Myrtus communis L. | M.communis Gardan Myrtle | | آس بستانی ریحان | میوه: مردابانج (سریانی) مَرْتَان و مَرْتَه (لاتینی) گل: اَقمام (بربری) |
| قاراسیا Kerasia | Prunus cerasia Br. | P. cerasia. | | | |
| قاراطیا Keratia | Ceratonia siliqua L. | C.siliqua | | خرنوب شامی | |
| میلانُس Meleas | Pyrus malus L. | P.malus Appel | | تَفَاح | |
| قُوذُونِیا میلا Kudonia mela | Cydonia vulgaris Pers. | C.vulgaris Quince | | سَفَرجل | |
| برسیقا Persika mela | Prunus persica Sieb.. | Pyrus malus Crab Appel | | خوخ | |
| اَرْمَانِیَاقا Armeenika mela | Prunus armenica L. | | | تفاح الارمنی | مشمش |
| میدیکا میلا Medika mela | Citrus medica Risso var.cerata | | | اَنَرَج | مَنک - تفاح الماعی |
| اَپِیوس Apios | Pyrus communis L. | P. communis | | کُمثری البستانی | |
| اَکْهَراس Akhras | Pyrus communis var. akhras | Pyrus amygdaliformis | | کُمثری البری | برجون (اندلس) |
| لوطوس Lotos to dendron | Celtis australis L. | C.australis | | شجر المیس | نَشم الاسود (نام مشترک) |
| مَشِیْلِن Mespilon | Crataegus azarolus L. | C.azarolus C.tanacetifolius | | شجره الزعرور | طریقن (یعنی دارای سه دانه) - نلک |
| اَپِلمِلیس Epimelis | Pyrus germanica L. | | | | شاید نوعی از زعرور |
| قَرانیا Krania | Cornus mas L. | Cornus mascula | | | از جنس زعرور |
| اَوَا Oua | Pyrus sorbus Gaertn. | Sorbus domestic | | شجر الغیرا | |
| قَوامِیلا Kokkumelea | Prunus domestica L. | P. domestica | | شجر الاجاص | عین البقر (مغرب) شاهلوج - شاهلوی |
| قَومارُوس Komaros | Arbutus unedo L. | Arbutus andrachne L. | | شجر القطلب شجره قاتل ابیه میوه: جَنی الاحمر | معنای نام یونانی: طعمه قرمز - قاماریون (رومی) عصیر الدب (اندلس) - اَسامشِنوا (مغرب) - مطرونیه |

| نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (Roberth از) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بیطار) | سایر نام ها (از ابن بیطار) |
|--|---|--|----------------|----------------------------|---|
| Amugdale | | Amygdalus communis | | | |
| أمقدال بیفرا Amugdala pikra | Prunus amygdalus var . amara Fock. | | | لوزالمُر | |
| أمقدال غُلُوفیا Amugdala glukeia | Prunus amygdalus Stock. | | | لوزالحلو | |
| بسطاقیا Pistakia | Pistacia vera L. | Pistacia lentiscus | | فُسْتَقُ | صمغ : علك الانباط |
| قاربانیطیقا Karupontik a | Corylus avellana L. | C. avellana | | بندق | جَلُوز (مغرب) |
| قارباسیلقا Karuabasilik a | Juglans regia L. | J. regia | | جوز | |
| مورا Morea | Morus alba L. | Morus nigra | | توت | عربی : قرصاد رب آن : دیامیرون |
| سیقاموری Sukomoron | Ficus sycomorus L. | F.sycomorus | | تین الاحمق | جوبیز |
| أَمینون سیفون Olunthoi | Caprificus | Unripe Fig | | توت الفج | ذکار- توت نارس |
| سیقا Suka | Ficus carica L. | F.carica | | تین - پلس | |
| فَرسِیا Persaia | Mimusops schimperi Hot. | M. schimperi | | لَیخ | شجره فارسیه |
| زآا أولیرا Zea Olura | Triticum monococcum L. Triticum dicoccum | T.dicoccum T. Monococcum T.dicoccivarietas | | عَلَس (اندلس) کَنبَب | أولیر(از جنس زآا) أشکلیه (لاتینی) |
| طَراغیس Tragos | Gymnorrithon ragus L. | Ephedra distachya Br. | | سَلَت | |
| أوریزا Oruza | oryza sativa L. | O.sativa | | أُرُز | |
| سیسامن Sesamon | Sesamum indicum L. | S. indicum | | سَمْسَم، جَلْجَلَا | روغن : حَلَّ - شبرج |
| خَندروس Khondros | Tricticum romanum L. | Hordeum sp. | ۲ ۱۱۸/ | خَنَطَه الرومیه | نوعی شعیر العربی شعیر النبی(ص) (اندلس) |
| کَیخَروس Kengkros | Panicum milliaceum L. | P.milliaceum | ۲ ۱۱۹/ | جاوَوَس | نوعی از ذره |
| أَلومس Elumos | Andropogon sorghum Brot. | Setaria italicum Beauv. | ۲ ۱۲۰/ | دخن | |
| أَرآا Aira | Lolium temulentum L. | L. temulentum | ۲ ۱۲۲/ | زُوان - شَیْلَم | دَنَقَه - رُعَیْدَا - رُعَیْدَا - مَرَبِرا - خَضَر |
| طیلِس Telis | Trigonella foenum graecum L. | T.foenum graecum | ۲ ۱۲۴/ | حلبه | فریقَه |
| لِنُس برمون Linospemon | linum usitatissimum L. | L.usitatissimum | | بزرکتان - آلینو | |

| نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (از Roberth) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بیطار) | سایر نام ها (از ابن بیطار) |
|---|--|--|----------------|----------------------------|--|
| اَرَبِنْثُس اَیْمَارُس Erebinthos hemeros | Cicer arietinum L. | C.arietinum | ۲ ۱۳۶/ | حمص | دارای دو نوع بری و بستانی است. |
| فابش الیونانی Kuamos Hellenikos | Vicia faba L. | V.faba | ۲ ۱۳۷/ | فول - باقلّا | فابه (لاتینی) |
| فابش القبطی Kuamos Aiguptios | Nymphaea nelumbo L. | Nelumbium speciosum Wild. | | جامسه (مصر) | در سرزمین مصر روئیده می شود. |
| فاقوس Phakos | Lens esculenta Monch. | Ervum lens L. | ۲ ۱۳۹/ | عدس - بَلَسَن | |
| اُوروبس Orobos | Vicia ervillia Willd. | Ervum ervillia L. | ۲ ۱۳۱/ | کرسنه | کُشَن (شام) - کُشَن (فارسی) |
| تُرْمَس اَیْمَارُوس Thermos hemeros | Lupinus termis Forsk. | Lupinus pilosus Murr. | ۲ ۱۳۲/ | بسله | به علت تلخی و بد طعمی ابوحنیفه آن را بسله نامیده است. |
| Termos Agrios | | Lupinus Angustifolius DC. Lupinus alba L. | ۲ ۱۳۳/ | | |
| غَنَقِیلِ Gongule | Brassica rapa L. | B.rapa | ۲ ۱۳۴/ | سلجم - سلجم | لَفَت الاحمر المدور |
| بونِیاس Bunias | Brassica napus L. | Bunias erucago Brassica bunias | | لَفَت طویل | لَفَت طلیطلی (مغرب) |
| رافانوس Raphanis | Rhaphanus sativus L. | R.sa. - Radish | ۲ ۱۳۷/ | فُجَل | |
| Raphanos Agria | | Raphanus raphanistrum L. | ۲ ۱۳۸/ | | |
| سیسارون Sisaro n | Sium sisarum L. | Pastinaca sativa | ؟ | | |
| لاباثون Lapathon | Rumex acutus L. Rumex scutatus L. Rumex patientia L. Rumex acetosa L. | Rumex patientia L. | ۲ ۱۴۰/ | حَمَاض | دارای انواع مختلف است. |
| اُفولاباثُن Hippolapathos n | Rumex hydrolapathum L. | Rumex aquaticus L. | ۲ ۱۴۱/ | | نوع پنجم حماض کبیر |
| اَلْمَفْسَانِ Lampsane | Raphanus raphanistrum L. | Sinapis arvensis | ۲ ۱۴۲/ | ؟ | |
| بلیطی Bliton | Amarantus blitum L. | A.blitum | ۲ ۱۴۳/ | بقله الیمانیه | یربوز (مغرب) - جربوز (شام) - کُشَنج - صَدَح قُشَطَانِیقِی (سواد) |
| ملوخی Molokhe | Malva rotundifolia Desf. | | | خیازی | |
| Malache Agria | | Malva silvestris | ۲ ۱۴۴/ | | |

| نام لاتینی (ابن بطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (از Roberth) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بطار) | سایر نام ها (از ابن بطار) |
|---|----------------------------------|--------------------------------|----------------|--|---|
| Malache Kepaia | | Alcea rosea L. | ۲ ۱۴۴/ | | |
| آندروآفکسس Andrapphaxus Atraphaxis | Atriplex hortensis L. | Atriplex rosea L. | ۲ ۱۴۵/ | سرمق - سرمج - قَطَف | بقل الروم - بقل الذهبی |
| قولی أیماروس Krambe hemeros | Brassica oleracea L. | B.oleracea | ۲ ۱۴۶/ | کرنب البستانی | قربنا |
| قولی أغریا Krambe agria | Brassica incana L. | Brassica cretica | ۲ ۱۴۷/ | کرنب البری | نوع دریائی را با همین نام ذکر کرده است. |
| Krambe Thalassia | | Crithmum maritimum | ۲ ۱۴۸/ | | |
| طوطلن Teutlon | Beta vulgaris L. | B.vulgaris | ۲ ۱۴۹/ | سلق البستانی | سلق بری را نیز با این اسم می شناسند. |
| أوبیدجی یا آندرکخی Andrakhne | Portulaca oleracea L. | P.oleacea – Purslane | ۲ ۱۵۱/ | رجله، بقله الحمقاء، بقله المبارکه، فرفیر | آندراخته (به معنای یک پا است رجله) |
| أسفاراغش بطراوس Asparagos Petraios | Asparagus officinalis L. | Asparagus acutifolius L. | | هلینون | أسفراخ (مغرب) |
| أرنوغلشن Arnoglosson | Plantago major L. | P. major | ۲ ۱۵۳/ | لسان الحمل برد وسلام ذنب الفأ | بلشتان (لاتینی)- مصاضه دارای دو نوع بزرگ وکوچک . نوع کوچک آذن الشاه (اندلس) |
| سین Sion | Sium latifolium L. | Sium nodiflorum L. | ۲ ۱۵۴/ | قره العین | کرفس الماء |
| سیسنبیریون Sisumberion | Nasturtium officinalis L. | | ۲ ۱۵۵/ | حرف الماء | قرونوش (اندلس)- فجل الماء - جرجیر الماء |
| Sisumberion Eteron | | Sisymbrium nasturtium Muhl. | ۲ ۱۵۶/ | | |
| قرثمن Krethmon | Crithmum maritimum L. | C.maritimum | | قرن الأیل | زبل النواتیه (آفریقا) |
| قورونوش Koronopus | Plantago coronopus L. | Lotus ornithopodioides L. | ۲ ۱۵۸/ | رجل الغراب | رجل الزاغ |
| صنخیس Sonkhos | Sonchus oleraceus L. | | | هندباء البری | خس الحمار |
| Sonkhos Akanthodesteros | | Helminthia echiodes Gaert. | | | |
| Sonkhos Trachos | | Sonchus arvensis L. | ۲ ۱۵۹/ | | |

| نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (Roberth) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بیطار) | سایر نام ها (از ابن بیطار) |
|--------------------------------------|---------------------------------------|---|----------------|--------------------------------|--|
| Sonkhos Trupheros | | Sonchus oleraceus L. | ۲ ۱۵۹/ | | |
| سارس Seris | Cichorium endivia L. | C.en. – Endive | | هندیاء البستانی یعضید (مصر) | شرالیه (اندلس) أنطوبیا |
| خندریلی Khondrile | Chondrilla juncea L. | C. Juncea or chondrilla ramosissima | ۲ ۱۶۱/ | هندیاء البری یعضید (مصر) | امیرون (اندلس) شرالیه الحمار (لاتینی) |
| Khondrile Etera | | Thrinsia tuberosa or apargia | | | |
| قلوقتی Kolokuntha edodimos | Cucurbita lagenaria L. | Cucumis sativus L. Cucumber | | قرع - یقطین - دبا | |
| سیس آیماروس Sikus hemeros | Cucumis sativus L. | Cucumis Melo L. Melon | | قثاء البستانی | فقوس (مغرب) |
| Pepon | | Cucumis pepo Dum. Pmpion | | | |
| ثروتوس آیماروس Thridax hemeros | Lactuca sativa L. | L. Sativa | ۲ ۱۶۵/ | خس | دارای دو نوع بری و بستانی است. |
| Thridax Agria | | Lactuca scariola | ۲ ۱۶۶/ | | |
| جنبیدون Gingidion | Daucus gingidion L. | | ۲ ۱۶۷/ | | نوعی از جزر بری |
| سفندقس Skandix | Scandix pecten veneris L. | S.pecten veneris | ۲ ۱۶۸/ | | سقاندیقس |
| قو قالیس Kaukalis | Caucalis maritima L. | Handquistia aegyptiaca | ۲ ۱۶۹/ | أبره الراعی - أمشاط العجوز | تامشطت (بربری) أكجاله (لاتینی) |
| اوزیمن Euzomon | Eruca sativa Mill. | E.sativa Brassica erucastrum L. | ۲ ۱۷۰/ | چرجیر - کتاه | بری : آیهقان |
| اقیمن Okimon | Ocimum basilicum L. | O.basilicum | ۲ ۱۷۱/ | بادروج - حوک | گفته شده به فارسی بستان افروز است . |
| اوروبنخی Orobankhe | Orobanche caryophyllacea | Cuscuta europaea | | طرائث - خائق الکرسنه | هالوک (مصر) اوروناکجی - جعفیل |
| طراغوبوغن Tragopogon | Tragopogon orientalis L. | Tragopogon villosus L. | ۲ ۱۷۳/ | ؟ | |
| ارنیثوس غالا Ornithos gala | Ornithogalum umbellatum L. | O. umbellatum | | | |
| ودثن Hudnon | Tuber michell - Terfezia claveriji | Tuber cibarium | | کماه | بنات الرعد |
| میدیکی Medike | Medicago sativa L. | M.sativa | | رطبہ ، فصصه قضب | خشک : قت وبه فارسی : أسفست بربه موله (اندلس) |

| نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (از Robert) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بیطار) | سایر نام ها (از ابن بیطار) |
|--|----------------------------------|------------------------------------|----------------|----------------------------|--------------------------------------|
| انبالفراسن Ampeloprason | Allium ampeloprasum L. | | | کراث الکرمی | کراث بری |
| أفافی Aphake | Vicia cracca L. | Lathyrus Aphaca | ۲ ۱۷۸/ | | نوعی از رطبه |
| سمیلکس لوبیا Samilax kepaia | Dolichos lubia Forsk | Smilax aspera | | لوبیا | دجر - نامرا |
| فرآسن قافالوئن Prason kephaloton | Allium ascalonicum L. | Allium porrum L. | ۲ ۱۷۹/ | کراث الشامی | |
| انبالفراسن Ampeloprason | Allium Ampeloprasum L. | | | کراث بری | به معنای کراث الکرمی است. |
| قرومیان Kromuon | Allium cepa L. | A. cepa | ۲ ۱۸۱/ | بصل | |
| شُردین Skordon | Allium sativum L. | A. sativum | ۲ ۱۸۲/ | نوم البستانی | |
| Leukoskorodo n | | Allium ampeloprasum L. | ۲ ۱۸۲/ | | |
| Ophioskorodon | | Allium scorodoprasum L. | ۲ ۱۸۲/ | | |
| Elaphoskorodo n | | Allium subhirsutum L. | ۲ ۱۸۲/ | | |
| براستوشقردین Skordoprason | Allium scordoprasum L. | Allium descendens L. | ۲ ۱۸۳/ | نوم کرائی | نوم البستانی |
| Sinepi | | Brassica alba | ۲ ۱۸۴/ | | |
| قردامن Kardamon | Lepidium sativum L. | L. sativum | ۲ ۱۸۵/ | حرف الاحمر | حب الرشاد - نقا |
| تلسفی Thalaspi | Lepidium campestris R.Br. | Thlaspi bursa- pastoris L. | ۲ ۱۸۶/ | نوعی از حرف | اشیرون (اندلس) |
| دارابی Drabe | Lepidium draba L. | L. draba | | حرف المشرقی | أحراز (صقالیه)؟ |
| أروسیمن Erusimon | Sisymbrium officinale Scop. | Sisymbrium polyceratum L. | ۲ ۱۸۸/ | نُودری توذرنج | صوب - شسندله (اندلس) - أورو سیمنو |
| باباری Peperi | Piper aromaticum Lamk. | Piper nigrum L. | | فلفل | |
| أودروباباری Hudropeperi | Polygonum hydropeperi L. | P. hydropiper | | فلفل الماء | |
| زنجباری Zingiberi | Zingiber officinale Rosc. | Z. officinale | | زنجبیل | |
| بطرمیقی Ptarmike | Achillea ptarmica L. | Beranthemum Annum | | | به معنای معطس بر گرفته از بطرموس |
| سپروئون Struthion | Saponaria officinalis L. | S. officinalis | ۲ ۱۹۳/ | | تاغیغیت (بربری) - قوللیه - کندش |
| فُفلامینوس Kuklaminos | Cyclamen europaeum L. | Cyclamen graecum Greek cyclamen | ۲ ۱۹۴/ | بخور مریم | عرطنا - رکف - حبالقروود (افریقا) |

| نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (از Roberth) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بیطار) | سایر نام ها (از ابن بیطار) |
|---------------------------------------|----------------------------------|--|----------------|--|---|
| فقلامینوس اخر Kuklaminos helera | Lonicera caprifolium L. | Cyclamen Hederifolium | ۲ ۱۹۵/ | صَریمه الجدی (اندلس) سلطان الجبل | ماطرشالبه (لاتینی) برگردان عربی: امالشعراء - اقلدان و آدار (نامی بربری به معنای سلطان الجبل) رأی مَنَسْت (لاتینی) (رای به معنای سلطان و منت به معنای کوه) |
| درائطیون Drakontion | Arum dracunculus L. | A.dracunculus | ۲ ۱۹۶/ | لوف الجعد - فیلجوش | به معنای لوف الحیه اصاره (مغرب) (صراخه (اندلس) غرغنیته (لاتینی) |
| Drakontion Mikron | | Arum maculatum | ۲ ۱۹۶/ | | |
| أرون Aron | Arum vulgare L. | Arum dioscoridis L. Cuckoo-Pint | | لوف السبط | صاره - ایرنی |
| أریصارون Arisaron | Arum arisarum L. | A. arisarum | | لوف | از انواع سه گانه لوف ذریه (مصر) |
| Asphodelus | | Asphodelus ramosus Asphodel | ۲ ۱۹۹/ | | |
| بلبوس Bolbos | Muscari comosum Mill. | | | بصل الزأز | |
| Bolbos Edodimos | | Hyacinthus comosus | ۲ ۲۰۰/ | | |
| Bolbos Emetikos | | Ornithogalum Stachyoides Bulbus vomitorium | | | |
| سقیلا Skilla | Scilla maritima L. | S. maritima | ۲ ۲۰۲/ | أشقیل - عَنَصَل - عَنَصَلان | بصل الفار - بصل الفار بصل الخنزیر (مغرب) أَثَقِیل (بربری) |
| بَنَقراطیون Pankration | Pannkratium maritimum L. | P.maritimum Scilla pancration Nym. | ۲ ۲۰۳/ | | نوعی بصل المنصل |
| قَبارس Kapparis | Capparis spinosa L. | C. spinosa | ۲ ۲۰۴/ | کبر | چیزهایی که در ریشه آن یافت می شود را أَصَف گویند. میوه: شَقْلَح |
| لیبیدیون Lepidion | Lepidium sativum L. | Lepidium latifolium L. | | عَشْبَه السلطان (مصر) | صَلَص |
| بطراخیون Batrakhion | Ranunculus asiaticus L. | Ranunculus acris L. | ۲ ۲۰۶/ | كَفَّ الکلب و کف الضبع (مغرب) | دارای چهار نوع - برگردان عربی آن عَنَقْدُعی - کَبیکج (سریانی) |

| نام لاتینی (این بيطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (از Roberth) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بيطار) | سایر نام ها (از ابن بيطار) |
|---|----------------------------------|--|------------------------|------------------------------|---|
| Batrakhion Eterin | | Ranunculus lanuginosum L. | ۲ ۲۰۶/ | | |
| Batrakhion Triton | | Ranunculus muricatus L. | | | |
| Batrakhion Tetarton | | Ranunculus aquatilis L. | | | |
| آنانامونی Anemone | Anemone coronaria L. | A.coronaria | ۲ ۲۰۷/ | شقاقق الثُّعْمان شَقَر | أرجامونی (جالینوس) |
| أرجامونی أغریا Argemone | Anemona hortensis L. | Thalictrum flavium Agrimonia eupatorium | ۲ ۲۰۸/ ۲ ۲۰۸/ | أرجامونی | نوع دوم شقاقق الثُّعْمان |
| أناغلس Anagallis | Anagallis arvensis L. | A.arvensis | ۲ ۲۰۹/ | | |
| Korkoros | | Anagallis coerulea | ۲ ۲۰۹/ | | |
| قسوس Kissos | Hedera helix L. | H.helix | ۲ ۲۱۰/ | لیلاب الکبیر حبل المساکین | بَنَکَه - بعضی از انواع آن به نام أحمل یا عصبه - یذره |
| خالدونیون طوماغا Khelidonium to maga | Chelidonium majus L. | C.majus | | | طوماغا به معنای بزرگ به معنای دواء الخطاطیف |
| خالدونیون طومقرن Khelidonium to mikron | | Ranunculus ficaria L. Lesser celandine | | نوع دوم طوماغا است . | |
| بَتَوَسُّس أوطا Muos ota | Myosotis palustris Lam. | Lithospermum purpurea-coeruleum | ۲ ۲۱۴/ | أذان الفار الرومی | عين الهدد و باذرود (آفریقا) |
| أساطیس Isatis | Isatis titictoria L. | I. titictoria | ۲ ۲۱۵/ | نیل - نیلج | طین الاخضر - عین الاخضر |
| أساطیس أغریا Isatis agria | | Isatis lusitanica | ۲ ۲۱۶/ | نیل بری | |
| طیلائیون Telephonion | Cerinth minor L. | C.minor. | ۲ ۲۱۷/ | حشیشة البرص | |
| جنطیانا Gentiane | Gentiana lutea L. | G.lutea . | ۳/ ۳ | دواء الحبه کوشاد | بشَلَشْکَه (لاتینی) |
| أغاریقون Agarikon | Polyporus officinalis Fr. | | | | این نام یکی از شهر های روم به نام أغارِقَه است . |
| أرسطولوجیا Aristolokheia | Aristolochia Sp. | Aristolochia pallida Round Aristolochia | ۴/ ۳ | زراوند | دارای سه نوع است . مسمقار (بربری) بَرَسْتَم (آفریقا) |

| نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (از Roberth) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بیطار) | سایر نام ها (از ابن بیطار) |
|--|----------------------------------|---|------------------------------|--|---|
| Aristolochia Makra | | Aristolochia Parvifolia Sm. Aristolochia Sempervirens L. | ۵/۳ | | |
| Aristolochia Klematitis | | Aristolochia boetica | | | |
| غلوقریرزا Glukurrizza | Glycyrriza glabra L. | G.glabra | ۷/۳ تصویر مویا نیست | عودالسوس | عصاره آن به لاتینی مُبدله به معنای پاک کننده سینه است. مُثک |
| قَنطوریون طوماغا Kentaureion to mega | Centaurea centaurium L. | C.centaurium | | قَنطوریون الکبیر | |
| قَنطوریون طو لبطون entaureion to lepton | Erythraea centaurium Pers. | E. centaurium | ۹/۳ | قَنطوریون الدقیق قَنطوریون طومقرون (طومقرون به معنای کوچک است.) | جَنُتُورِیَه (لاتینی) - قَصَه الحَیَهِ (مغرب) - مَکِیْسَه (اندلس) - طَریطر (مائیرقا) - أجیلیه (رومی) - عزیرا |
| خامالون لوئس Kamaileon leukos | Atractylis gummifera L. | A. gummifera | | | داد الابيض (مغرب) بشکرائیه و شجرالملک و محقره (اندلس) |
| خامالان مالس Kh.melas | Cardoptium corymbosum pers. | C.corymbosum | | داد الاسود (مغرب) | بشکرائیه الاسود (اندلس) داد الوحید و وَغْد (آفریقا) زیرا با رویش آن گیاهان اطراف آن از بین می رود. |
| فروفوذیلان Krokodeileon | Carduus pycnocephalus L. | Echinops sphaerocephalus | ۱۲/۳ | رعی الحمیر (اندلس) | تیمط و تیمق (اندلس) فروفوذیلان (جالینوس) |
| دبسا قوس Dipsakos | Dipsacus fullonum L. | Dipsacus sylvestris Mill. | ۱۳/۳ | شوک الدراجین مَشَط الراعی | به معنای عطشان است. |
| أَنَثَالوقی Akantha leuke | Picnomon acarna Coss. | Echinops lanuginosus Acacia albida Cnicus acarna | ۱۴/۳ | بادآورَد | شوکه البیضاء (برگردان عربی آن) |
| أَنَثا أرابیقی Akantha Arabike | Onopordon acanthium L. | Onopordon Arbicum L. | ۱۵/۳ | شکاعا | شوکه العربی (برگردان عربی آن) |
| سقولومس Skolumos | Scolymus hispanicus L. | S.hispanicus. | ۱۶/۳ | حَرَشَف البری | لَصَف (اندلس) |
| بطریون Potirrion | Astragalus poterium L. | Astragalus creticus Lam. | ؟ | | |

| نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (Roberthz) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بیطار) | سایر نام ها (از ابن بیطار) |
|-------------------------------------|--|--|----------------|--|--|
| آکانتیون Akanthion | | Onopordon illiricum L. | ۱۸/ ۳ | رأس الشیخ نوعی شکامی | وجه تسمیه به رأس الشیخ: روئیدن گل های سفید در وسط گل آذین آن می باشد. |
| آکانتس Akanthos | Cynara scolymus L. | | | حرشَف البستانی کَنَکَر | قناریه (مغرب) |
| Akantha Erpekantha | | Acanthus spinosus Acanthus mollis | ۱۹/ ۳ | | |
| Akantha Agria | | Silybum syriacum | ۲۰/ ۳ | | |
| آنونش Anonis | Anonis antiquorum L. | Ononis antiquorum Ononis arvensis L. | | زریعه الابلیس | مرمر (مصر) |
| لوقانتا Leukakantha | Cnicus tuberosus L. | Cirsium tuberosum | ۲۲/ ۳ | ؟ | گیاهی خاردار |
| طراغانتا Tragkantha | Astragalus tragacantha L. | Astragalus aristatus L. | | شوگ القَتَاد | صمغ: کثیرا |
| ایرنجی Erunge | Eryngium campestre L. | Eryngium planum L. | ۳ / ۲۴ | شوکه السوداء شوکه اليهودیه شوکه الزرقا | جنت قابطه، بیراطه به معنای شوک المتفلفل - قرصنه (سربانی) |
| آلوی Aloe | Aloe vera L. | Aloe vulgaris Lam. | ۲۵/ ۳ | شجره الصبر | صباره - صابره |
| آپسینثی Apsinthion | Artemisia absinthium L. | Ar.absinthium Artemisia pontica | | افسنتین کشوت الرومی | نشانه لاتینی) افسنتین ساحلی = شیب العُجُوز |
| Apsinthion Thalassion | | Artemisia maritima | ۲۷/ ۳ | | |
| Apsinthion Triton Santonion | | Artemisia palmata | | | |
| ساریفون Seriphon | Artemisia maritima L. | | | شیخ | ۱- شیخ الارمنی ۲- شیخ البحری |
| آبروتون Abrotonon | Achillea fragrantissima Sch. Artemisia abrotonon L. | A.abrotonon | ۲۹/ ۳ | قبصوم | دارای دو نوع نر و ماده |
| أسوفون Hussopon | Hyossopus officinalis L. | Thymbra stricata Hor. تصویر مربوط است به Origanum Lirium | ۳۰/ ۳ | زوفای یابس | |
| مستخادس Stoikhas | Lavandula stoechas L. | L.stoechas | ۳۱/ ۳ | اسطوخودوس | ابن بیطار دو نقدی این گیاه را اسطوخودوس ندانسته و آن را معادل سام لاتینی برسه قدونشکه می داند و می گوید رویشگاه این گیاه در اندلس و شهرهای معسرت بوده و گیاهی که در مناطق محل زندگی او می روید حلحال — سمیره - |

| نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (Roberth از) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بیطار) | سایر نام ها (از ابن بیطار) |
|--|---|--|---------------------------------|------------------------------------|--|
| أوریفانوس أیرقلاوطیقی Origanos Herakleotike | Origanum sp. | Origanum vulgare var. megastachyum | ۳۲/ ۳ | صعتر | دارای انواع ایبض و اسود و ملوکی و صعتر الشوا که همان خوزی است فودنج جبلی |
| Origanos onitis | | Origanum onitis L. Origanum sipyleum L. | ۳۳/ ۳ | | |
| Agrioriganos | | Origanum vulgare | | | |
| Tragoriganos | | Thymus graveolens Bieb. Origanum majorana L. | ۳۵/ ۳ | | |
| Origanos Erakleotike | | Origanum vulgare L. var. megastachyum | | | |
| غلیجن Glekhon | Mentha pulegium L. | Mentha pulegium var. erecta | ۳۶/ ۳ | فودنج بری | بلاّیه (اندلس)(مصر) |
| دقطنن Diktamnon | Origanum dictamnus L. | O. dictamnus | ۳۷/ ۳ تصویر خیالی است. | مشکطرامشیع فودنج التیسی | دارای سه نوع است : ۱ - بلاّیه جربونّه (لاتینی) به عربی به معنای غُبیره الأیل ۲ - فُسودودقطنن به معنای مشکطرامشیع کاذب. نام دیگر آن: فُسودودقطنن به معنای مشکطرامشیع زوری ۳ - الاقربطی |
| Pseudodiktamnos | | Marrubium pseudodictamnus | ۳۸/ ۳ | | تصویر مشابه Salvia officinalis |
| Diktamnos Allo | | Ballota pseudodictamnus Be. | | | |
| ألسفانوس Elelisphakon | Salvia officinalis L. | S.officinalis Salvia cyanescens | ۴۰/ ۳ | لسان الأیل (برگردان عربی آن) | ناعمه (اندلس) شالبیه (لاتینی) |
| أید یاسمن Heduosmon | Mentha piperita Smith. | | | نعنع | |
| Eduosmon Emeros | | Mentha sativa L. | ۴۱/ ۳ مشکوک | | |
| Eduosmon Agrios | | Mentha aquatica L. | ۴۲/ ۳ | | |
| قالامنتی Kalaminthe | Thymus calamintha Scop. Thymus barrelieri Spreng. Thymus nepeta Sm. | Mentha sylvestris | ۴۳/ ۳ | فودنج | دارای سه نوع است: نهری به نام صومران (مفسرب)، حبیق التمساح، جبلی به نام نابله (اندلس) |
| ثومش Thumos | Thymus capitatus L. | T.capitatus | ۴۴/ ۳ | صعتر جبلی | صعتر الحمیر(اندلس) |

| نام لاتینی (این بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (Roberth از) | شماره تصویر | نام عربی (از این بیطار) | سایر نام ها (از این بیطار) |
|---|--|---|---------------------|----------------------------|--|
| ثمبرا Thumbra | <i>Satureia hortensis</i> L. | <i>Satureia thymbera</i> <i>Micromeria juliana</i> Bent. | ۴۵/۳ | صعتر الفارسی | شطریه (اندلس) |
| آرپُلِس Erpullos | <i>Thymus vulgaris</i> L. <i>Thymus serpyllum</i> L. | <i>Thymus sibthorpii</i> Benth. | ۴۶/۳ | نعام | برگرفته از نام لاتینی آرُفُی که همان دبیب ونعام است |
| صَمصُوخَن Sampsukhon | <i>Orgianum majorana</i> L. | <i>O. majorana</i> | ۴۷/۳ نامشخص ص | مرزنجوش سمسق | آبجرک - مرددوش (اندلس) - ملول - عُفَر |
| مالیلوطس Melilotos | <i>Melilotus officinalis</i> Lam. | <i>Trifolium officinalis</i> Willd. <i>Trifolium italicum</i> Boiss. <i>Trigonella graeca</i> Boiss. | | اُکلیل المُلک | دارای چهار نوع است: ۱- و ۲- قرنِج (اندلس) - ۳- معقرب ۴- مدرهم الورق دارشاه (فارسی) شجره الحب (آفریقا) |
| سِسْمُبرُون Sisumbrion | <i>Thymus glaber</i> Mill. | | | نعام بری | العائنه (لاتینی) - سِسْمِبر |
| مارون Maron | <i>Origanum marum</i> L. | <i>Trifolium sipyleum</i> | ۴۹/۳ | مرماحوز | تصویر مربوط به <i>Hypericum</i> sp. |
| اُکِیْنُس Akinos | <i>Ocium pilosum</i> | <i>O. pilosum</i> | ۵۰/۳ | قَرَنجَمشک | حقیق القرنفل - أصابع الفتیات - قلثمان |
| بُخْخارِس Bakkharis | <i>Baccharis</i> sp. | <i>Conyza squarrosa</i> <i>Gnaphalium</i> <i>sanguineum</i> Sp. | | قرنغلیه (اندلس) | |
| پِیْغانَن Peganon | <i>Peganum harmala</i> L. <i>Ruta montana</i> L. <i>Ruta graveolens</i> L. | | | | دو نام متفاوت برای این گیاه ذکر شده یکی سداب بری و بستانی و دیگری اسفند یا حرمل |
| Peganon To Kapaion | | <i>Ruta graveolens</i> | ۵۲/۳ | | |
| Peganon To oreinon | | <i>Ruta montana</i> | ۵۲/۳ | | |
| Peganon Agrion | | <i>Peganum harmala</i> | ۵۳/۳ | | |
| مولی Molu | <i>Allium moly</i> L. | <i>Allium dioscorides</i> Si. | ۵۴/۳ | | نوعی بلبوس |
| فاناکس ایرقلیون Panakes Herakleion | <i>Opopanax chironium</i> Koch. | <i>Opopanax hispidus</i> Gr. <i>Ferula opopanax</i> Spreng. | ۵۵/۳ | جاوشیر | ریشه: برور - برگردان نام لاتینی آن به عربی) |
| فاناکس اسقلیپون Panakes Asklepion | <i>Echinophora tenuifolia</i> L. | <i>E. tenuifolia</i> <i>Ferula nodosa</i> Benth. | | زوافرا | نام اولین شخصی است که آن را شناسایی کرده است. |
| فاناکس خیرونیون Panakes Kheironion | | | | | نام اولین شخصی است که آن را شناسایی کرده است. |

| نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (از Roberth) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بیطار) | سایر نام ها (از ابن بیطار) |
|--|----------------------------------|---|----------------|--|---|
| لیقسطیقون Ligustikon | Levisticum officinale Koch. | Liserpitium siler L. | | کاشم | زرغد (انطالیا) |
| اسطافالینوس أغریوس Staphulinos agrios | Daucus carota L. | Daucus guttatus Sibb. | ۵۹/۳ | جزر البری دوقوا | جزر البستانی |
| Staphulinos Kepaios | | Daucus carota L. | ۵۹/۳ | | |
| ساسالیوس Seseli | Seseli tortuosum L. | | | | دارای سه نوع است. |
| Sesel Massaleotikon | | Echinophora tenuifolia L. | ۶۰/۳ | | |
| Sesel aithiopikon | | Bupleurum fruticosum L. | ۶۱/۳ | | |
| Sesel Peloponnesiakon | | Angelica sylvestris L. Myrrhis odorata Scop. | ۳ ۶۲/ | | |
| طرزین Tordilon | Tordilium officinale L. | T. officinale | | نوع چهارم اسالیوس به نام اقریطی است. | بقول الشعال (اندلس) (زیرا برای درست کردن آتش از آن استفاده می شود. |
| سینون Sinon | Sison amomum L. | S. amomum | | ؟ | |
| آنیس Anesson | Pimpinella anisum L. | P. anisum - Anise | ۶۵/۳ | آنیسون رازیانج رومی کمون الحلو | حبّ الحلو (اندلس) |
| قاروا Karo | Carum carvi L. | C. carvi | | کرویا بستانی کمون الارمنی | تصویر ممکن است مربوط به : Ammi majus باشد |
| أنثیون Anethon | Anethum graveolens L. | A. graveolens | | شبت | أنیط (لاتینی) - أسلیلی (بربری) |
| کومینون Kuminon Emeron | Cuminum cyminum L. | C. cyminum | ۶۹/۳ | کمون الابيض کمون الکرمانی | کمون الملوکی (دباسقوریدس) |
| قیمینون أغریون Kuminon agrion | Lagoecia cuminoides L. | L. cuminoides | ۶۸/۳ | کمون البری (برگردان نام لاتینی) | تصویر از Centaurea sp. |
| أمی Ami | Carum copticum Benth | Ammi visnaga | ۷۰/۳ | نانخواه | کمون الحبشی التنبیا (سریانی) |
| قوریون Korion Koriannon | Coriandrum sativum L. | C. sativum | ۷۱/۳ | کُزیره | دانه : نَقْدَه |
| Ierakion Mega | | Arnopogon picroides | ۷۲/۳ | | |
| Ierakion Mikron | | Scorzonera elongata | ۷۳/۳ | | |

| نام لاتینی (ابن بطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (از Robertz) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بطار) | سایر نام ها (از ابن بطار) |
|---|--|---|----------------|---------------------------|--|
| سالیوس قیفاون Selinon kepaion | Apium graveolens L. | A. graveolens L. | ۷۴/ ۳ | کرفس البستانی | اوشالین - کرفس المبائی - کرفس الاجامی (مغرب) |
| Selinon Agrion | | Ranunculus repens L. | | | |
| Eleioselinon | | Apium graveolens Marsh Celery | ۷۵/ ۳ | | |
| اوراسالینون Oreoselinon | Peucedanum oreoselinum | Petroselinum sativum تصویر ممکن است مربوط باشد به: Poterium sp. | ۷۶/ ۳ | کرفس الجبلی | اورا به یونانی به معنای کوه و سالتین به معنای کرفس است |
| بطراسالینون Petroselinon | Carum petroselinum Benth & hook. | Athamanta macedonica Spreng. | | کرفس الصخر | بطرا به یونانی به معنای صخره می باشد. |
| أفوسالینون Hipposelinon | Smyrnium perfoliatum L. | Smyrnium olusatrum Alexanders | | کرفس العظیم | یختص (بربری) أجبرنی |
| سمرنیون Smurniun | Smyrnium olusatrum L. | Smyrnium dioscoridis | ۷۹/ ۳ | کرفس بری | |
| ألفوبشکن Elaphobosko n | Echinops spharocephalus L. | Pastinaca graeca | ۸۰/ ۳ | رعی الأیل | راعیاذیلا (سریانی) |
| مارثون Marathon | Foeniculum vulgare Mill. | F.vulgare | ۸۱/ ۳ | رازیانج البستانی | برهلیا- شمار - شمار |
| أفومارثن Hippomarathon | Hippomarathrum libanotis Koch. | Prangos ferulacea L. | ۸۲/ ۳ | | به معنای شمار العریض است. |
| مارثون أغریون | | | | رازیانج بری | |
| دوکس Daukos | Athamanta L. Peucedanum cervaria L. Seseli ammoides L. | Atcretensis Daucus carota S.ammoides L. | | | دارای سه نوع است. |
| Delphinion | | Delphinium peregrinum | ۸۴/ ۳ | | |
| Delphinion Eteron | | Delphinium consolida | | | |
| فرثرون Purithros | Anacyclus pyrethrum DC. | Anthemis pyrethrum تصویر مربوط به Oenanthe: | ۸۶/ ۳ | | |
| لیبانوتس Libanotis | Cachrys libnotis Ferula nodiflora L. | C. libnotis F.nodiflora Prenanthes purpurea | | کندریات | سه نوع است |
| سفندولیون Sphondulion | Heracleum spondylium L. | H.spondylium | ۹۰/ ۳ | کَلخ الدلی | نافیغرا (بربری) |
| نرثکس Narthekos | Ferula communis L. | F.communis | ۹۱/ ۳ | کَلخ الكبير | نارثکس - شجر القنا |
| فوقاذن Peukedanon | Peucedanum officinale L. | P. officinale | ۹۲/ ۳ | آندراسیون | بربطوره (الانی) بربطور (مغرب)- جاهینک |

| نام لاتینی (این بيطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (از Roberth) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بيطار) | سایر نام ها (از ابن بيطار) |
|-------------------------------------|-----------------------------------|---|--|---|--|
| مالیتسیون Melanthion | Nigella sativa L. | N.sativa | ۹۳/۳ | شونیز کَمُون الاسود | شمیت مورس (لاتینی) زربعه السوداء - حبه الاسود |
| سلفیون Silphion | Ferula assafoetida L. | Ferula tingitana L. | | آنجَدان | شجره الحلتیت |
| صاغابین Sagapenon | Ferula scowitziana DC. | Ferula persica Willd. | | سکَبینج | شاکه بآئنه (نامی لاتینی به معنای خارج کننده باد.) |
| اُفرَبیون Euphorbion | Euphorbia L. | Euphorbia L. | | فرَبیون | تاکوت (بربری) لوبانه مغربیه (مصر) |
| خَلَبانی Khalbane | Ferula galbaniflua Boiss. & Bush. | Ferula ferulago L. Selinum galbanum | | قنه | خَلَوانی (انطابا) بارَزَد (فارسی) |
| اُمونیاکن Ammoniakon | Dorema ammoniacum Don. | Ferula orientalis L. Ferula tingitana L. | ۹۸/۲ | أشَق - وَشَق أشَج - وَشَج | عُنه (لاتینی) لِزاق الذهب |
| صَرَقولَکَا Sarkokolla | Astragalus sarcocolla L. | Penaea sp. | | عزْزروت انْزروت | سرفقلین (رومی) کُحل فارس |
| Glaukion | | Glaucium corniculatum Curt. | | | |
| Ixos | | Viscum album L.or Loranthus europaeus | | | |
| اُفارینی Aparine | Galium aparine L. | G.aparine or Galium verrucosum Sm. | ۳ ۱۰۴/ | مصفی الرُعاه (اندلس) - حشیشه الافعی | به معنای دوست دارنده صاحب خود بیض العنکبوت |
| اَلوسن Alusson | Alyssum saxatile L. | Alyssum clypeatum | ۳ ۱۰۵/ | | به معنای مفید برای گزیدگی سگ |
| سقلیباس Asklepias | Asclepias vincetoxicum L. | Cynanchum vincetoxicum Pers. | ۳ ۱۰۶/ | ؟ قَنابری | |
| اَطَرْطولس Atraktulis | Carthamus lanatus L. | C.lanatus Atriplex hortensis L. | ۳ ۱۰۷/ | عَصْفَر البری | مرزجون (لاتینی) |
| قَلینوفُذِبُون Klinopodion | Clinopodium vulgare L. | C.vulgare L. Melissa clinopodium | ۳ ۱۰۹/ | | به معنای پایه های تخت |
| فولوقنمن Poluknemon | Zizyphora capitata L. | Mentha arvensis L. | ۳ ۱۰۸/ | أمریه و شجیره ومشکرون | شاید تصویر مربوط باشد به: Stachys sp. |
| لاونطوباطالن Leontopetalon | Leontice leontopetalum L. | Leontice chrysogonum L. | ۳ ۱۱۰/ | عرطیشا (اسم مشترک) | مهد (ساحل غزه) عسلج (اهل مشرق) |
| طوقرَبیوس Teukrion | Teucrium flavum L. | T.flavum or Veronica teucrium | ۳ ۱۱۱/ تصویر همانند تیره نعناع نیست یا | کمداریوس التنعمی | یربه اُشیلینی به معنای گیاه طحال است |

| نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (Roberth) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بیطار) | سایر نام ها (از ابن بیطار) |
|---|----------------------------------|---------------------------------|--------------------------|--|---|
| لوقاس الجبلیه Leukas | Lamium maculatum L. | L.maculatum | | نوعی خُرّامی | به معنای خیری جبلی است زیرا برگردان لوقاس، خیری است. |
| خامادرئوس Khamaidruos | Teucrium chamaedrys L. | T.chamaedrys | ۳ ۱۱۲/ | کَمَادرئوس | به معنای بلوطی است زیرا خاما به معنای زمین و درس به معنای بلوط می باشد |
| لُخْنیس الاَکْلیله Lukhnis stephanomatik e | Lychnis coronaria Desf. | L.coronaria | ۳ ۱۱۴/ | | |
| لُخْنیس اَغرِیا Lukhnis agria | grostemma githago L. | A.githago | ۳ ۱۱۵/ | خُرّامی | |
| قَرینُوصواسینُ Krinonsusino n | Lilium candidum L. | L.candidum | ۳ ۱۱۶/ | گل سوسن سفید و رازقی | |
| بَلْوطی Ballote | Ballota nigra L. | B.nigra Lamium striatum Sib. | | نوعی فراسیون سیاه رنگ | مرویه بَنتوشه (لاتینی) |
| مالیوْقُلُن Melissophullon | Mellissa officinalis L. | M.officinalis | ۳ ۱۱۸/ | ریحان الترنجی | بادرنجبویه - باذر تَبویه |
| براسین Prasion | Marrubium vulgare L. | M.vulgare | ۳ ۱۱۹/ | قَراسیون الابیض مَرّویه الابیض سنار | شجره الکلاب (سگ) ها بسیار پای آن بول می کنند. شجره سَنَدیان الارض |
| سطاخیس Stakhus | Stachys germanica L. | Stachys palaestina L. | ۳ ۱۲۰/ نامشده ص | قارَه (اندلس) زیرا نوشتیدن آن فرد را از خفَقان نجات می دهد. | أَنوشَه (لاتینی) |
| فلیطش Phullitis | Phyllitis scolopendrium L. | Scolopendrium vulgare | ۳ ۱۲۱/ | ذَنَب الحدّاه | اکثرا در دهانه های چاه ها می روید. |
| فالنجین Phalangion | Phalangion ramosum Lam. | Anthericum graecum L. | ۳ ۱۲۳/ | | به معنای مفید برای نیش رتیل می باشد. |
| طریفن Triphullon | Psoralea bituminosa L. | P.bituminosa | ۳ ۱۲۳/ | | طریقَل (اندلس) - حشیشة الحمی (آفریقا) - حومانه |
| بلوین Polion | Teucrium polium L. | T.polium | ۳ ۱۲۴/ | جعده | دونوع سفید و سیاه دارد فولیون (رومی) |
| أشقرذین Skordion | Teucrium scordium L. | T.scordium | ۳ ۱۲۵/ | حافظ الأجساد حافظ الأرواح | ثوم (زیرا بوی نیاز می دهد) ثوم بری - مطرقال - حشیشة الثومیه (اندلس) |

| نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (از Robert) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بیطار) | سایر نام ها (از ابن بیطار) |
|-------------------------------------|--|---|----------------|----------------------------|---|
| فیخین Bekhion | Tussilago vulgaris L. | Tussilago farfara L. | | حشیشہ السُّعال | دستوربه (اندلس) |
| أرطاماسیا Artemisia | Artemisia vulgaris L. | A.vulgaris | | بلنجاسف برنجاسف | دارای انواعی است . |
| Artemisia monoklonos | | Artemisia campestris | ۳ ۱۲۷/ | | |
| Artemisia monoklonos Etera | | A.vulgaris | ۳ ۱۲۷/ | | |
| Artemisia leptophullos | | Artemisia arborescens | | | |
| أمبروسیا Ambrosia | Ambrosia maritima L. | Artemisia campestris | ۳ ۱۲۹/ | نوعی برنجاسف | |
| بطرس Botrus | Chenopodium botrys L. Ch. Ambrosioides L. | Chenopodium botrys | | نوعی برنجاسف | |
| غارائین Geranion | Geranium rotundifolium L. | Geranium Tuberosum | ۳ ۱۳۱/ | تَمار - جابره | نوعی رَقعات |
| Geranion Eteron | | Erodium malachoides Willd. | ۳ ۱۳۱/ | | |
| غنافلین Gnaphallon | Gnaphalium L. | Santolina maritima | ۳ ۱۳۲/ | فضیه | |
| طیفی Tuphe | Typha latifolia L. | Ty.latifolia Typha angustata L. | ۳ ۱۳۳/ | نوعی حلفاء | |
| قرنا Kirkaia | Circaea Tourn. | Cynanchum nigrum Pers. | | | یَنکِه (لاتینی) |
| أَلتَّی Oinanth | Spiraea filipendula L. | Pedicularis tuberosa Vill. | ۳ ۱۳۵/ | | |
| قُونِزَا Konuz | Inula conyzoides DC. | Inula viscosa Ait.Hor. Inula saxatilis Lam. Inula britannica L. | ۳ ۱۳۶/ | شجره البراغیث | تَرَهْلَا (بربری) - مَشْکَبَه (لاتینی) - لَبَارْدَه - طَبَاق (اندلس) |
| ایمارو قالس Hemerokallis | Hemerocallis flava L. | Lilium chalcedonicum | ۳ ۱۳۷/ | سوسن اصغر | زَنیق (دمشق) |
| لَوَاقِین Leukoion | Cheiranthus flava L. | Cheiranthus cheiri Matthiola incana | ۳ ۱۳۸/ | خیری مَنثور | سَه نَوَع است |
| Leukoion Thalassion | | Cheiranthus tricuspidatus L. | ۳ ۱۳۸/ | | |
| قُرَااطَاوْغُونُون Krataiogonon | Polygonum persicaria L. | P.persicaria Polygonum hydropiper | ۳ ۱۳۹/ | حَنطَه البریه ؟ | |
| فیلون Phullon | Mercurialis annua L. | M.annua | ۳ ۱۴۰/ | تَافُورَا ؟ | |
| أَرْخِیس Orkhis | Orchis morio L. | Orchis rubra Jacq. Orchis papilionacea | | خُصْی الکَلْب | قَاتِل اَحِبِه (ایرا ریشه آن دو تائی بوده یکی پر از مِوَاد و دیگری چِرَوَکِیدَه می باشد ولی پس از گذشت زمانی مَوفِیَّت آن ها عَوض می شود |

| نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (از Roberth) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بیطار) | سایر نام ها (از ابن بیطار) |
|-------------------------------------|--|------------------------------------|------------------------|---|---|
| أرخس آخر Orkhis heteros | Orchis undulatifolia L. | Ophrys apifera ? | | نوعی خاصی الکلب | ساراقیاس (این اسم از نام خدائی از قبسط مشتق شده است و به معنای بسیار پسر منفعت می باشد) |
| ساطوریون Saturion | Orchis anthropophora L. | Ophrys sp. | | خُصی الثعلب | دارای دو نوع است. |
| أرمین Horminon | Salvia horminum L. | Sa.horminum | ۳ ۱۴۵/ ص نامش | حب القلقل | قوشون (جالینوس) قلقل - قُلَاقِلی |
| أیدیسارون Hedusaron | Hedysarum L. | Securigera coronilla DC. | | | به معنای فاسی یعنی بزر آن دارای دو سر تیز چون فأس می باشد. فلاقینس (به معنای زیان) |
| أنوما Onosma | Onosma echinoides L. | Onosma sp. | ۳ ۱۴۷/ ص | خَس الحمار | رجل الحماة (اندلس) انوسما (جالینوس) |
| نیمفا Numphaia | Nymphaea alba L. | N.alba | ۳ ۱۴۸/ ص | عروس الماء قاتل النحل | لینوفر - نوفر |
| Numphaia Alle | | Nuphar luteum Sibth | | | |
| أندرساقاس Androsakes | Androsace lactea L. | | | ملاح (به خاطر شباهت آن به رنگ نمک نه طعم آن به این نام مشهور است (. | از انواع حمض - كشمَلَح - كُشمَلَح |
| أسفلیئس Asplenos | Scolopendrium vulgare Sw. | Gymnogramma ceterach (L.) Spre. | | السقوفندریون عقربان | حشیشه الدودیة و حشیشه الذهبیه (اندلس) |
| ایمیونیتس Hemionitis | Hemionitis L. | Scolopendrium hemionitis L. | | ایمیونیتس ؟ | |
| أنثلیس Anthullis | Cressa cretica L. Ebenus cretica L. | C.cretica Ajuga iva | | ؟ | |
| أنثیس Anthemis | Anthemis nobilis L. | Anthemis chia L. | | بابونج - بابونق بابونک - بابونه | خَمَامیلن (یونانی) (به) معنای تَفَاح الارض است) مَسْتَالَه (لاتینی) (به) معنای سبب می باشد زیرا بونی شبیه به بوی سبب دارد). |

| نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (از Robert) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بیطار) | سایر نام ها (از ابن بیطار) |
|---|----------------------------------|---|----------------|--|---|
| Anthemis Porphuranthes | | Anthemis rosea Sibth. | | | |
| Anthemis Melananthes | | Anthemis tinctoria L. | | | |
| فَرثانیون Parthenion | chrysanthemum parthenium Pers. | Pyrethrum parthenium | ۳ ۱۵۵/ | اَقْحوان | |
| بَقْلَمَن Buphthalmion | Anthemis arvensis L. | Anthemis valentina L. | ۳ ۱۵۶/ | بهار - عین البَقَر (برگردان نام لاتینی) | نوعی بابونج - املاک (بربری) - بیلپو (لاتینی) |
| غلیقسیدی Glukuside Paionia Arren | Paeonia corallina L. | P. corallina | | فاوینا عود الصلیب | کهنایا - ورد الحمیر (اندلس) (اسم مشترک) دارای دو نوع نر و ماده است. |
| Paionia Theleia | | Paeonia officinalis | | | |
| لِیُسْفَرْمَن Lithospermon | Lithospermum officinale L. | L.officinale تصویر مربوط به Lathyrus aphaca Tourn. & L. | ۳ ۱۵۸/ | قَلَب (زیرا بسیار سخت و سفید است) | به معنای بزر الحجری است. شَخْفَرافَه (لاتینی) برگردان عربی آن: کاسر الحجر یا مَشْطِیَه |
| فالریس Phaleris | Phalaris tuberosa L. | Phalaris canariensis Nutt. | ۳ ۱۵۹/ | ؟ | فالیورس (جالیئوس) |
| أَرُثْرَدَانُون Eruthrodanon | Rubia tinctorium L. | R.tinctorium | ۳ ۱۶۰/ | فَوَه الصَّبِغ | ثاروبیا (بربری) |
| لَنْخِطِس Lonkhitis | Serapias lingua L. | S.lingua. | | | |
| لَنْخِطِس آخر Lonkhitis hetera | Aspidium lonchitis L. | A.lonchitis | ۳ ۱۶۲/ | رَقْعَه الصَخْرِیَه (اندلس) | |
| أَلْثَا Althaia | Althaea officinalis L. | A.officinalis | ۳ ۱۶۳/ | خطمی ملوخیا الشجر | ورد الزوانی |
| أَلْثَا آخر Alkea | Althaea rosea Cau. | Malva alcea L. | | خطمی البری | شحم المروج |
| قَنَابِش Kannabis | Cannabis sativa L.var. indica | Cannabis sativa | ۳ ۱۶۵/ | قُنْب - شَهْدَانِج | شادانق |
| قَنَابِش أَغْرِیون Kannabis agria | Althaea cannabina L. | A.cannabina | ۳ ۱۶۶/ | قُنْب البری شهدانج البری | قَنَبَه (مصغر قُنْب) |
| أَنَاغْرُون Anaguros | Anagyris foetida L. | A.foetida | ۳ ۱۶۷/ | أُم کَلَب | میوه: خَرَنُوب الکَلَب (اسم مشترک) حَبَّ الکَلَب |
| کِپَا Kepaia | Sedum cepaea L. | S.cepaea | | جوز القَطَا (اندلس) | شجر حب الاسیر (ابن حسان) |

| نام لاتینی (ابن بطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (از Roberth) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بطار) | سایر نام ها (از ابن بطار) |
|------------------------------------|-------------------------------------|--|---------------------|---|---|
| آلیسما Alisma | <i>Alisma plantaga L.</i> | <i>A. plantaga</i> | ۳ ۱۶۹/ | مزمار الراعی | دماسونیون (جالینوس) سنبل العلوک-أذن الأرتب |
| أنوبراخیس Onobrukhis | <i>Onobrychis viciaefolia Scop.</i> | <i>Vicia onobrachioides Sanfoin</i> | ۳ ۱۷۰/ مشکوی | عنب الحبه (برگردان آن به عربی) | |
| أوفاریقون Huperikon | <i>Hypericum barbatum L.</i> | <i>H. barbatum Hypericum crispium L.</i> | ۳ ۱۷۱/ | هیوفاریقون ذاذی الرومی دارای چهار نوع | یزبه قرنجیره) اندلس(به معنای عشبه القلب است یعنی دارای دانه ای قلبی شکل است . - منسبه |
| أسقیرن Askuron | <i>Hypericum perforatum L.</i> | <i>H. perforatum L.</i> | | نوع دوم هوفاریقون | |
| آندروسامن Androsaimon | <i>Hypericum ciliatum L.</i> | <i>H. ciliatum</i> | | نوع سوم هوفاریقون | بزرگترین نوع آن |
| قورس Koris | <i>Hypericum coris L.</i> | <i>H. coris</i> | | نوع چهارم هوفاریقون | آندروساقاس (جالینوس) |
| خامافیطس Khamaipitus | <i>Ajuga chamaepitys L.</i> | <i>A. chamaepitys</i> | | صنوبر الارض (برگردان آن به عربی) | دارای سه نوع است . صنوبری - اکلیلی - فرفری - کمافیطوس |
| Khamaipitus Etera | | <i>Aiuga chamaepitys</i> | | | |
| Khamaipitus Trita | | <i>Passeina hirsuta L.</i> | | | |
| فسطرن Kestron | <i>Stachys betonica Benth.</i> | <i>Betonica alopecuos Ros.</i> | ۱/ ۴ نامشخص ص | | |
| برطانیکی Brettanike | <i>Rumex brettanica L.</i> | <i>Lythrum salicaria L.</i> | | خماض حسکی | گفته شده بستان افروز است. |
| لوسیماکھیوس Lusimakheios | <i>Lysimachia vulgaris L.</i> | <i>L. vulgaris</i> | ۳/ ۴ | عود الريح (اسم مشترک)(اندلس) | قصب الذهبی (اندلس) خوخ الماء - خویخه قصب الريح (اسم مشترک) (اندلس) |
| بلوغون Polugonon arren | <i>Polygonum aviculare L.</i> | <i>P. aviculare</i> | ۴/ ۴ | عصا الراعی | به معنای ذکر(نر) است. شبیطاط - خطری دعیا بطیطاط (سریانی) |
| بلوغان Polugonon thelu | <i>Equisetum pallidum L.</i> | <i>Hippuris vulgaris</i> | | نوع دوم عصا الراعی | |

| نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (از Roberth) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بیطار) | سایر نام ها (از ابن بیطار) |
|---------------------------------------|--|--|-------------------------|--|--|
| فلوغوناطن Polugonaton | Polygonatum officinale L. | Convallaria polygonatum | ۶/ ۴ | ؟ | غُذِیَالَه (لاتینی) |
| قلیماطیس Klematis | Vinca minor L. | V.minor | ۷/ ۴ | نوع بزرگ عصا الراعی | قَضَاب (مصر) |
| فولامونیون Polemonion | Polemonium caruleum L. | Polemonium coeruleum | ۸/ ۴ | ؟ | |
| سمفوتُن بطراوُن Sumphuton Petraion | Symphytum petraeum | Symphytum sp. | | شاغَه الصخریه (اندلس) | |
| سمفوتُن آخر | Symphytum bulbosum Sch. | Symphytum sp. | | شاغَه البستانی | شَبِیْطَه (لاتینی) |
| اولسطیون Holosteon | Holosteum umbellatum L. | Holosteum sp. | | جامع البضع (برگردان آن به عربی) | |
| سَطوِی Stoibe | Poterium spinosum L. | P.spinosum | ۱۲/ ۴ | ؟ شجره اللاذن | |
| فارقلومائن Periklumenon | Leonicea periclymenon L. | Convolvulus arvensis L. | ۱۴/ ۴ | صَریمَه الجدی | نوع دوم قُفْلَامینوس . |
| قلومائن Klumenon | Leonicea periclymenon L. | Convolvulus sepium L. | ۱۳/ ۴ | أَطْفَار القَط | اُونِیَاغَاتَه (لاتینی) |
| طرویلش Tribolos | Tribulus terrestris L. | T.terrestris | ۱۵/ ۴ | حسک - شکوهج | أَبْرُوذِیَا (رومی) غاله جاقه (لاتینی) حَمَصُ الامیر(مغرب) |
| لیمونین Leimonion | Statice limonium L. | S.limonium | ۱۶/ ۴ | سَبَخِی (برگردان آن به عربی) | نوع ششم حماض طویل الورق و عسالیج ، سلق الماء |
| لاغوبن Lagopun | Trifolium arvense L. | T.arvense | ۱۷/ ۴ | أَرْنَبِی (برگردان نام لاتینی) | |
| میدون Medion | Campanula lacinata L. | Astragalus sesameus L. | ۱۸/ ۴ | دَبَّ ایل | |
| أفیمدِیون Epimedium | Epimedium alpinum L. | E.alpinum | ۱۹/ ۴ | ؟ | |
| کسیفینون Xiphion | Gladiolus communis L. | G.communis | ۲۰/ ۴ | سوسن بری سیف القُراب | سیف القُراب - دورحولی - ففسفاتیون |
| سفرغانیون Sparganion | Sparganium ramosum Huds. | S.ramosum | ۲۱/ ۴ | نوعی سوسن بری | سَقَارطَاغَانِیون (جالینوس) |
| اُکُتُورس Xuris | Iris foeditissima L. | I.foeditissima | ۲۲/ ۴ | نوعی سوسن | |
| اَنکُسا Ankhusa | Alkanna tinctoria Tausch. chium diffusum L. Lithospermum fruticosum L. | Anchusa tinctoria L. Echium creticum L. L.fruticosum | ۲۳/ ۴ ۲۴/ ۴ ۲۵/ ۴ | خَس الحمار شَنجَار - حمیرا رِجَل الحمامه | اَنخوسا - أبوحلسا خَنَاء الغولَه (مصر) دارای سه نوع است . |

| نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (Robertz) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بیطار) | سایر نام ها (از ابن بیطار) |
|-------------------------------------|-----------------------------------|--|----------------|--|--|
| لوقبوسوس Lukapsos | Echium italicum L. | E.italicum | ۳۶/ ۴ | از جنس شنجار | |
| اخیون Ekhion | Echium rurum L. | Echium vulgare | ۳۷/ ۴ | ذکر الافعی | (به خاطر اینکه دارای میوه ای در رأس است که به شکل سر افعی می باشد.) |
| اقیمویداس Okimoeides | Silene gallica L. | Cerastium aquaticum ? | ۳۸/ ۴ | کسیعه (برای نیش عقرب مفید است.) | |
| آغرسطس Agrostis | Agropyrum repens Beauv. | Cynodon dactylon | ۳۰/ ۴ | نجم - ثیل عکرش | آفار (بربری) - نجیل و نجیر (لاتینی) |
| Agrostis en Parnasso | | Parnassia palustris L. | | | |
| فالمغرسطس Kalamagrostis | Dactylis repens L. | Cynosurus aegyptiaca L. | ۳۱/ ۴ | ثیل القصبی برگردان نام یونانی | |
| سندریطس Sinderitis | Stachys recta L. | Sideritis remota Urv. | ۳۳/ ۴ | | غاله قرشته (لاتینی) |
| سندریطس آخر Alle sinderitis | Potenrium sanguisorba L. | Sanguisorba Officinalis | | توت الثعلب | توبته |
| سندریطس آخر Hetera sinderitis | Scrophularia chrysanthemifolia L. | Scrophularia lucida L. | | کزیره الثعلب | |
| آخیلوس Akhilleeios | Achillea tomentosa L. | Achillea sp. | ۳۶/ ۴ | | به معنی مفید برای اخیلوس (غرب) است. |
| Batos | | Rubus fruticosus L. Rubus ulmifolius Sco. | | | |
| Batos Idaia | | Rubus idaeus L. | | | |
| Elxine kussampelos | | Convolvulus arvensis Digitalis aegyptiaca | ۳۹/ ۴ | | |
| الاطینی Elatine | Linaria elatine Mill. | Linaria spuria Mill. | ۴۰/ ۴ | لباب الممجوسی لباب الاحرش | سراویل الکککه - شحیمه |
| أوباطوریوس Eupatorios | Agrimonia eupatoria L. | Eupatorium cannabinum | ۴۱/ ۴ | غافق الشاهدانجی | |
| بطنانن Pentaphullon | Potentilla reptans L. | P.reptans | ۴۲/ ۴ | دوخمسه أوراق کف مریم (اندلس)(نام مشترک) | بیطاطومتن (به معنای تقسیم شده به پنج قسم است.) - بیطایطوس (به معنای دارای پنج بال است.) بیطادفطولن (به معنای پنج انگشت است.) |

| نام لاتینی (این بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (Roberth از) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بیطار) | سایر نام ها (از ابن بیطار) |
|---------------------------------------|-------------------------------------|--|----------------|-----------------------------|---|
| فونئس Phoineix | Avena fatua L. Lolium perenne L. | Hordeum murinum L. | ۴۳/ ۴ | بهمی | از احرار البقول — بهماء (یک گیاه بهمی) |
| آذاریذا Idaia rhiza | Uvularia amplexifolia L. | | | آنچبار | الثابت فی ایذا (برگردان نام یونانی) (ایذا شهری در روم) ... در کناره های نهر ها می روید. |
| روذیاریدا Rhodia rhiza | Sedum roseum Scop. | S.roseum | ۴۵/ ۴ | ؟ | به معنای دارای بوی گل سرخ |
| افورس Hippuris | Equisetum arvense L. | Equisetum sylvaticum Equisetum fluviatile | ۴۶/ ۴ | دَبّ الحَیْل | (برگردان نام یونانی) |
| Hippuris Etera | | Equisetum arvense L. Equisetum limosum | ۴۷/ ۴ | | |
| قیس بافیکی Kokkos baphike | Quercus coccifera L. | Q.coccifera | | شجره القرمز | قرمز (جالیئوس) در شهرهای اندلس می روید. |
| طراغین Tragion | Hypericum hircinum L. | H.hircinum | | تیس (برگردان نام یونانی) | نوعی درخت مصطکی |
| طراغین آخر Tragion | Ephedra distachya L. | | ۵۱/ ۴ | ؟ | |
| طراغین آخر Tragion allo | Tragium colomnae Spreng. | Tragium columnae | ۵۰/ ۴ | | گیاه آن در جزیره اقربطش است. |
| سکونس لیا Skhoinu heleias | Juncus arabicus Post. | Juncus acutus | | سمار - دیس اسل | انواع سمار را شامل می شود. |
| لبخین Leikhen ho epi ton petron | Usnea barbata var. florida | | | حزاز الصخر | أرجیله (اندلس) |
| فارنوخیا Paronukhia | Paronychia serpyllifolia D.C. | Illecebrum Paronychia | ۵۴/ ۴ | | برگردان عربی آن : النافع من الداحس |
| خروسوقومی Khrusokome | Chrysocoma L. | Chrysocoma linosyris | ۵۵/ ۴ | | برگردان عربی آن : راس الذهب - نوعی از بابونه جبلی |
| Chrusogonon | | Leontice leontopetalum L. | ۵۶/ ۴ | | |
| الیخرسون Helikhruson | Helichrysum sp. ? | Helichrysum siculum (Spr.) Boiss. | ۵۷/ ۴ | | برگردان عربی آن: مذهب — امارنطن (جالیئوس) شاید نوعی قيصوم باشد |
| Chrusanthemo n | | Chrysanthemum cornarium | ۵۸/ ۴ | | |
| أغیراطن Ageraton | Achillea ageratum L. | Achillea viscosa Lam. | ۵۹/ ۴ | نوعی اقحوان | به معنای الذی لا یتشنج زهره |

| نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (Roberthz) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بیطار) | سایر نام ها (از ابن بیطار) |
|--|----------------------------------|------------------------------|----------------|---|--|
| فارِسْطاریون Peristerion | Verbena officinalis L. | | ۶۰/ ۴ | رعی الحمام | به معنای حمامی است قَلْبَارِش (نامی لاتینی به معنای حمامی) |
| Peristereon Uptios or Ierobotane | | Verbena supina L. Vervain | ۶۱/ ۴ | | |
| Peristereon Orthos | | Verbena sp. | ۶۰/ ۴ | | |
| ایارابوطانی Hiera botane | Verbena sapina L. | | ۶۱/ ۴ | مکرمه - مقدسه | یربانه (لاتینی) نوعی رعی الحمام |
| أسْطَرَاغَالوس Astragalos | Astragalus Tourn. | Astragalus baeticus L. | ۶۲/ ۴ | کعب الخنزیر (برگردان عربی آن.) | مَحْطَب المقاب الابيض (اندلس) - برطیره (لاتینی) |
| أواقِش Huakinthos | Hyacinthus orientalis | Scilla bifolia L. | ۶۳/ ۴ | حافر البغل قسطل الارض | بَلْيُوسی (برگردان عربی آن.) |
| میثَن رُواس Mekon rhois | Papaver rhoeas L. | P.rhoeas | ۶۴/ ۴ | خشخاش سائل (برگردان عربی آن) | وجه تسمیه : به سرعت گل آن می ریزد در کشتزارها می روید. |
| میثَن Mekon | Papaver somniferum L. | P. somniferum. | ۶۵/ ۴ | خشخاش سفید | خشخاش سیاه و افیون نیز با این نام می آید |
| قاراطیطس Mekon keratitis | Glaucium corniculatum Curt . | Glaucium luteum Scop. | ۶۶/ ۴ | خشخاش المقرن (زیرا غلاف بزرگی چون لوبیا دارد.) | خشخاش الساحلی (زیرا غالباً در سواحل می روید.) خشخاش البری |
| میثَن اُفْرُودِس Mekon aphrodes | Silene inflata Sm. | S.inflata | ۶۷/ ۴ | خشخاش الزیدی (برگردان عربی آن.) | وجه تسمیه : بسیار سفید چون زرد |
| أفیْقِیون Hupekoon | Hypericum procumbens L. | H.procumbens L. | ۶۸/ ۴ | نوعی جلبان بی | مخدر ومنوم است . الوَبِقَوَان (جالینوس) |
| أیسْکوامس Huoskuamos | Hyoscyamus sp. | | | بَنَج - سیکران (اندلس) | مَلْمُندَر - بیضمون |
| Huoskuamos Melas | | Hyoscyamus niger L. | | | |
| Huoskuamos Leukos | | Hyoscyamus albus L. | | | |
| Huoskuamos Meloides | | Hyoscyamus aureus L. | | | |
| نُسلِیون Psullion | Plantago psyllium L. | P.psyllium. | ۷۰/ ۴ | بزرَقَطُونَا أَسْقِیوس | برغوث (برگردان عربی آن) |

| نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (Roberth) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بیطار) | سایر نام ها (از ابن بیطار) |
|---|-----------------------------------|---|----------------|---|---|
| سطروخُن البستانی Strukhnon kepaion | <i>Solanum nigrum</i> L. | <i>S.nigrum</i> | ۷۱/ ۴ | عنب الثعلب قَنَا ثَلْثَان - ثَلْثَان | زَرَوَان زَنْج (فارسی) - روزبیارج - اسطرخلو (رومی) - اُوبه قنینه (لاتینی) |
| سطروخُن البستانی Strukhnon kepaion | <i>Physalis alkekengi</i> L. | <i>P.alkekengi</i> | ۷۲/ ۴ | کاکنج عَب (مصر) | حب اللّهُ (لاتینی) - البَقْلَقین (رومی) - عنب اثمعلب |
| سطروخُن المنوم Strukhnon hupnotikon | <i>Physalis somnifera</i> L. | <i>P.somnifera</i> | ۷۳/ ۴ | نوعی کاکنج | |
| سطروخُن المَجْنَن Strukhnon manikon | <i>Solanum sodomum</i> L. | <i>Datura stramonium</i> | | جناج الرعاه | از انواع کاکنج |
| دُرُوقْنِیُون Doruknion | <i>Dorycnium</i> L. | | ۷۵/ ۴ | | |
| مَندِراغُورَس Mandragoras | <i>Mandragora officinarum</i> L. | <i>Atropa Mandragora</i> L. <i>Mandrake</i> | | بیروح - سابیژک شابیژج - ثَفَاح الجن | میوه : ثَفَاح - أرجبیلطه (لاتینی) - تاریال (بربری) عروسه |
| أقونیطن Akoniton | <i>Aconitum nepellus</i> L. | <i>Doronicum pardalianches</i> | ۷۷/ ۴ | قاتل الثَّمر | نبال (اندلس) |
| Akoniton Eteron | | <i>Aconitum lyconitum</i> <i>Aconitum napellus</i> | ۷۸/ ۴ | | |
| قونیون Koneion | <i>Conium maculatum</i> L. | <i>C. maculatum</i> | ۷۹/ ۴ | شوکران | جقوته (لاتینی) حرمل البلدی (آفریقا) |
| سمیلکس Smilax | <i>Taxus baccata</i> L. | <i>Quercus ilex</i> L. | | عَب الکلاب (برگردان عربی آن) | |
| أفوقُون Apokunon | <i>Apocynum erectum</i> Vell. | <i>Cynanche erectum</i> L. | ۸۱/ ۴ | قاتل الذئب | عَب الکلاب (برگردان عربی آن) |
| نیریون Nerion | <i>Nerium oleander</i> L. | <i>N.oleander</i> | ۸۲/ ۴ | ذِفْلَى - خَزْهَرَج حبن | سم الحمار (برگرفته از لغت فارسی) |
| Muketes | | <i>Fungi</i> sp. | | | |
| قَلْخِیَن Kolkhikon | <i>Colchicum autumnale</i> L. | <i>C.autumnale</i> | | سورَنجان فَرَج الارض قَلْب الارض | نام گل: اصابع هرمس و شَنبِلِذ - قَشْتَنبُوله (نام لاتینی به معنای قسطله کوچک - عَکَنه (مصر) |
| قوطلیدون Kotuledon | <i>Cotyledon lusitanicus</i> Lam. | | | آذان القسّیس - زلائف الملوک کأس - مصافق | دو نوع است ، به نوع دیگر آن در مصر اَدَنه روئیده در شکافها و سقفها و کوه ها |

| نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (از Roberth) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بیطار) | سایر نام ها (از ابن بیطار) |
|--|----------------------------------|---|------------------------|---|--|
| أفیمارون Ephemeron | Convallaria rusticellata L. | Colchicum parnassicum Sart. | ۸۵/ ۴ | نوعی از سوسن بری | أشبطانه (لاتینی) |
| ألقسینی Helxine | Parietaria cretica L. | Parietaria sp. | ۸۶/ ۴ | حشیشة الزجاج (زیرا آینه را جلا می دهد.) | |
| ألسینی Alsine | Parietaria cretica L. | P.cretica | | آذان الفار | روئیده در باغ ها |
| فانوس Phakos | Lemna minor L. | Lemna sp. | ۸۸/ ۴ | عدس الماء | |
| أیزون الكبير Aeizoon mega | Sempervivum arboreum L. | S.arboreum | ۸۹/ ۴ | حی العالم الكبير | به معنای همیشه زنده |
| أیزون الصغير Aeizoon to mikron | Sedum acre L. | Sedum ochroleucum Vill. | ۹۰/ ۴ | حی العالم الصغير عنب السقف | أبیله دلباطمه (لاتینی) بزازیل القطة (آفریقا) * |
| أیزون الصغير Aeizoon to leptophullon | Sedum telephium L. | Sedum stellatum L. | ۹۱/ ۴ | نوع سوم حی العالم | |
| Kotuledon | | Cotyledon umbelicus | ۹۲/ ۴ | | |
| Kotuledon Eteron | | Cotyledon serrata | ۹۳/ ۴ | | |
| أقالینی Akalephe | Urtica pillulifera L. | U.pillulifera Urtica urens | ۹۴/ ۴ | قُرِیص - آتجره | خزوق (مغرب) - بنات النار دارای دو نوع است . |
| غالپیس Galeopsis | Lamium purpureum L. | Scrophularia peregrina L. | ۹۵/ ۴ | شجره الکلب | متننه (مصر) - جملج (لاتینی) |
| غالیون Galion | Galium verum L. | G.verum | ۹۶/ ۴ | | لختیروآله (لاتینی) موجب بسته شدن شیر می شود. |
| Erigeron | | Sencio vulgaris L. | ۹۷/ ۴ | | |
| ثالبطرن Thaliatron | Thalictrum flavum L. | Thalictrum minus L. | | کُزْبِرَه حبشه | |
| برون (تالاسیون) Bruon thalassion | Corallina officinalis L. | Uva lactuca | ۹۹/ ۴ | طحلب البحر | دارای انواع مختلف است |
| فوقس البحر Phukos thalassion | Gnaphalium leontopodium L. | Fucoidearum sp. Variac. Posidonia or laminaria | | نوعی طحلب | |
| بوطوماغیطن Potamogeiton | Potamogeton natans L. | P.natans | | جار الانهار | |
| سطرابطوطس Stratiotes | Pistia stratiotes L. | Stratites aloides | ۴ ۱۰۲/ ۴ ۱۰۳/ | فارس الماء (برگردان عربی آن) | |

| نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (Roberth از) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بیطار) | سایر نام ها (از ابن بیطار) |
|---|---|---|----------------|----------------------------|--|
| فلومس Phlomos | Verbascum sp. | Verbascum sp. Verbascum sinuatum Desc. | ۴ ۱۰۴/ | بوصیر | |
| Phlomos Leuke Theleia | | Verbascum thapsus L. | | | |
| Phlomos Leuke Arren | | Verbascum plicatum Sibth. | | | |
| Phlomos Leuke Melaina | | Verbascum nigrum L. | | | |
| Aithiopis | | Salvia aethiopis | | | |
| أرقطیون Arktion | Arctium tomentosum Shkuhr. | Conyza candida | ۴ ۱۰۶/ | | گفته شده نزد عرب به حریان (بدون نقطه در محل با) مشهور است |
| أرقطیون آخر Arktion | Arctium lappa L. | | | | دارای دو نوع بری و بستانی است. |
| Kutisos | | Laburnum vulgare | ۴ ۱۱۳/ | | |
| لوطوس أغریوس Lotos agrios | Lotus sp. ? | | | حباقا | لوتوسی که در مصر است به نام بشتین می باشد. |
| لوطوس الذی یکون بمصر Lotos ho en Aigupto | Nymphaea lotus L. Nymphaea coerulea L. | Nymphaea stellata Wild. | ۴ ۱۱۴/ | بشتین (مصر) | دو نوع است . |
| Murris | | Myrrhis odorata Scop. | | | |
| Muagros | | Camelina sativa Cran. | | | |
| Onagrra | | Oenothera biennis L. | | | |
| Kirsion | | Cirsium tenuiflorum | | | |
| Aster astikos | | Aster amellus | ۴ ۱۲۰/ | | |
| Isopuron | | Corydalis claviculata (L.) DC. | ۴ ۱۲۱/ | | |
| Ion | | Viola odorata | ۴ ۱۲۲/ | | |
| Kakalia | | Inula candida Cass. | | | |
| Bounion | | Pimpinella dissecta Pollini | ۴ ۱۲۴/ | | |
| Pseudobounion | | Pimpinella dioica L. | ۴ ۱۲۵/ | | |
| Bouglosson | | Anchusa paniculata Aiton. | ۴ ۱۲۸/ | | |
| Kunoglosson | | Cynoglossum officinale L. | ۴ ۱۲۹/ | | |

| نام لاتینی (این بيطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (از Roberth) | شماره تصویر | نام عربی (از این بيطار) | سایر نام ها (از این بيطار) |
|-------------------------------------|----------------------------------|--|----------------|----------------------------|-------------------------------|
| Phuteuma | | Silene sp. | ۴ ۱۳۰/ | | |
| Leontopodion | | Micropus erectus L. | | | |
| Ippoglosson | | Ruscus hypoglossum | | | |
| Adianton | | Adiantum capillusveneris Asplenium trichomanes L. | ۳ ۱۳۶/ | | |
| Trichomanes | | Asplenium trichmanes L. | | | |
| Xanthion | | Xanthium strumarium | ۴ ۱۳۸/ | | |
| Aigilops | | Aegilops ovata L. | ۴ ۱۳۹/ | | |
| Bromos | | Avena fatua Avena sativa | ۴ ۱۴۰/ | | |
| Glaux | | Astragalus glaux L. | | | |
| Polugalus | | Astragalus sp. | ۴ ۱۴۲/ | | |
| Osuros | | Osyris alba | | | |
| Smilax tracheia | | Smilax aspera | ۴ ۱۴۴/ | | |
| Smilax leia | | Convolvulus sepium L. | ۴ ۱۴۵/ | | |
| Mursine agria | | Ruscus aculeatus | | | |
| Daphne alexandrina | | Ruscus hypophyllum | ۴ ۱۴۷/ | | |
| Daphnoides | | Daphne mezeron | | | |
| Elleboros | | Veratrum album | ۴ ۱۵۰/ | | |
| Elleboros Melas | | Helleborus officinalis Salis. | ۴ ۱۵۱/ | | |
| Sesamoeides | | Helleborus cyclophyllus Boiss. | | | |
| Sesamoeides Mikron | | Reseda canescens L. | ۴ ۱۵۳/ | | |
| Sikus agrios | | Momordica elaterium | ۴ ۱۵۴/ | | |
| Elaterion | | Momordica elaterium | | | |
| Staphisagria | | Delphinium staphisagia | | | |
| Thapsia | | Thapsia garganica | ۴ ۱۵۶/ | | |
| Spartion | | Spartium junceum | ۴ ۱۵۸/ | | |
| Silubon | | Silybum marianum Gaer. | ۴ ۱۵۹/ | | |

| نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (Roberth j) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بیطار) | سایر نام ها (از ابن بیطار) |
|-------------------------------------|----------------------------------|--|----------------|----------------------------|-------------------------------|
| Narkisson | | Narcissus poeticus | | | |
| Ippophaes | | Hippophae rhamnoides L. | ۴ ۱۶۲/ | | |
| Kroton ekiki | | Ricinus communis | ۴ ۱۶۴/ | | |
| Tithumalos Charachias | | Euphorbia characias L. | ۴ ۱۶۵/ | | |
| Tithumalos Kuparissios | | Euphorbia aleppica L. | ۴ ۱۶۵/ | | |
| Tithumalos Mursinites | | Euphorbia myrsinites L. | ۴ ۱۶۵/ | | |
| Tithumalos Elioskopios | | Euphorbia helioscopia L. | ۴ ۱۶۵/ | | |
| Tithumalos Paralios | | Euphorbia paralias L. | ۴ ۱۶۵/ | | |
| Tithumalos Dendrites | | Euphorbia dendroidea L. | ۱۶/۴ ۵ | | |
| Tithumalos Platuphullos | | Euphorbia pilosa L. | ۴ ۱۶۵/ | | |
| Pituousa | | Pinus halepensis | ۴ ۱۶۶/ | | |
| Lathuros | | Euphorbia lathyris L. | ۴ ۱۶۷/ | | |
| Peplos | | Euphorbia falcata L. | | | |
| Peplion | | Euphorbia peplis L. | ۴ ۱۶۹/ | | |
| Chamaisuke | | Euphorbia chamaesyce L. | ۴ ۱۷۰/ | | |
| Skammonia | | Convolvulus farinosus Convolvulus scammonia | ۴ ۱۷۱/ | | |
| Chamelaia | | | | | |
| Chamaiaakte | | Sambucus ebulus L. | ۴ ۱۷۵/ | | |
| Apios | | Euphorbia apios L. | | | |
| Kolokunthis | | Cucumis colocynthis L. | ۴ ۱۷۸ | | |
| Epithumon | | Cuscuta epithymum Mur. | ۴ ۱۷۹/ | | |
| Empetron | | Sedum anopetalum DC. | | | |
| Clematitis | | Clematis cirhosa | | | |
| Ampelos Leuke | | | ۴ ۱۸۴/ | | |
| Ampelos Melaina | | Tamus communis L. | ۴ ۱۸۵/ | | |
| مریافلن Muriphullon | Myriophyllum spicatum L. | Achillea millefolium L. | ۴ ۱۱۵/ | | به معنای هزار برگ |

| نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید) | نام علمی (از ابراهیم بن مراد) | نام علمی (Roberth) | شماره تصویر | نام عربی (از ابن بیطار) | سایر نام ها (از ابن بیطار) |
|--|---|---------------------------------------|----------------|----------------------------|---|
| خامالوقی Khamaipeuke | Stachelina chamepeuce L. Serratula chamepeuce L. | | | عینون | ناسلغا (بربری) - شرباتش (لاتینی) |
| آنطریئن Antirrinon | Antirrhinum majus L. | Antirrhinum orontium | ۴ ۱۳۳/ | آف العجل | شحم الطعام |
| طریفولیون Tripolion | Asterattikos tripolium L. | A.tripolium | ۴ ۱۳۵/ | ترید | |
| قمیص Kemos | Leontopodium de Dioscorides | | | آف العجل | |
| خاماذافی Khamaidaphne | Ruscus racemosus L. | Ruscus hypophyllum | ۴ ۱۴۹/ | رشد اراضی برگردان عربی | |
| أبو نسطن Hippophaiston | Circium stellatum L. Euphorbia spinosa L. | C.stellatum | ۴ ۱۶۳/ | نوعی غاسول | |
| ثومالا Thumalaia | Daphne cnidium L. | D.cnidium | ۴ ۱۷۳/ | مثنان | أصطل - أزاز - أرزام |
| أقطی Akte | Sambucus nigra L. | S. nigra | ۴ ۱۷۴/ | عود الکلب | شجرالخابور |
| أنبالس مالیا Ampelos melaina | Tamus communis L. | | | کرم الاسود | فاشروشتین و بوطانیه (اندلس) تیمون (مغرب) |
| بطارس Pteris | Dryopteris filix mas L. | Aspidium aculeatum Nephrodium | ۴ ۱۸۶/ | کیلدارو (فارسی) | قلجه (لاتینی) |
| Thelupteris | | Pteris aquilina | ۴ ۱۸۷/ | | |
| بولوبودیون Polupodion | Polypodium vulgare L. | P.vulgare Ceterach | ۴ ۱۸۸/ | | به معنای دارای پای زیاد است. |
| دروبطارس Druopteris | Aspelenium adianthum nigrum L. | A. adianthum nigrum | ۴ ۱۸۹/ | سرخس البلوط | به معنای بلوطی است (روئیده بر بلوط) |
| Knikos | | Cincus sp. or carthamus tinctorius | ۴ ۱۹۰/ | | |
| لینوزسطیس Linozostis | Mercurialis annua L. | M.annua | ۴ ۱۹۱/ | عصا هرمس | یره نقیشه (لاتینی) - حریق الاملس |
| Kunokrambe | | Thelygonum cynocrambe L. | ۴ ۱۹۲/ | | |
| أیلوطرویون طومقرون Heliotropion to mikron | Coroton tinctorium L. | Heliotropium villosum | ۴ ۱۹۴/ | تنوم | حشیشه لیواقی - یربه شلدیره (نام لاتینی به معنای عشبیه اللحم) |
| أیلوطرویون طوماغا Heliotropion to mega | Heliotropium europaeum L. | H.europaeum | ۴ ۱۹۳/ | حشیشه العقرب | به معنای آفتاب گردان است . طونه شولی (اندلس) |
| Skorpioides | | Calendula officinalis | ۴ ۱۹۵/ | | |

ضمیمه (۱)

فهرست نام‌های کهن گیاهان داروئی به ترتیب حروف الفبا

در کتاب‌های:

- مخزن الادویه (قرن دوازدهم هجری)
- اختیارات بدیعی (قرن یازدهم هجری)
- حدیقه غسانی (قرن دهم هجری)
- جامع ابن یطار (قرن هفتم هجری)
- تفسیر کتاب دیسقوریدس (قرن هفتم میلادی)
- عمدة الطیب فی معرفة النبات (قرن ششم هجری)
- صیدنه (قرن پنجم هجری)
- الابنیه (قرن چهارم هجری)
- الحاوی (قرن سوم هجری)

| حرف «الف» | | |
|-----------------------------|-------------------------|---------------------|
| آذربونه، ۳۵ | آلو جبلی، ۵۱ | آباله، ۶۰ |
| آرغیس، ۳۵، ۶۱ | آلوجه، ۵۱ | ابانس، ۳۳ |
| آرمینس، ۴۵ | آلوچه، ۴۱ | ابانون، ۳۳ |
| آزاددرخت، ۳۵ | آلوچه سلطانی، ۴۱، ۴۲ | اباء، ۷۵ |
| آزادِرخت، ۳۵ | آلوسن، ۲۸۰ | ابجه، ۳۷ |
| آزاذ سوسن، ۱۸۰ | آلوکشته بتر، ۵۱ | ایجه، ۲۵۲ |
| آزَرغت، ۶۱ | آلوی زرد بخارانی، ۴۱ | ایراز، ۶۱ |
| آزِر (فاس)، ۵۹ | آلوی سیاه، ۴۱ | ایراوی، ۱۰۰ |
| آزرد، ۲۹۱ | آله، ۱۵۳ | ایربیون، ۵۵، ۲۲۴ |
| آس، ۳۱، ۳۵، ۱۵۹ | آله قَبْرונה، ۶۵ | ایردیون، ۵۲ |
| آسا، ۳۱، ۳۵ | آله دبقتر، ۱۵۷ | ایرسناروا، ۱۰۷ |
| آس البری، ۲۴۹ | آلی باقلی (شیرازی)، ۲۳۴ | ایرفیون، ۵۵ |
| آس البستانی، ۳۶ | آلی بالی، ۲۳۴ | ایرقان، ۸۱ |
| آسای، ۳۱، ۳۵ | آلیلی، ۱۴۵ | ایرقطس، ۱۲۳ |
| آس بری، ۳۶، ۲۸۳ | آمارقون، ۵۸ | ایرقلیون، ۱۰۰ |
| آس بری (اندلس)، ۱۴۰ | آمزقور، ۱۵۰ | ایرقیا، ۴۸ |
| آس بستانی، ۱۵۹ | آمله، ۶۲ | ایرقینون، ۱۰۰ |
| آست، ۲۶۶ | آمله، ۶۲ | ایرنان (اندلس)، ۴۹ |
| آس نبطی، ۳۶ | آمی، ۲۸۹ | ایرنج، ۷۷ |
| آشک بردین، ۶۱ | آنیر النفس، ۳۷ | ایرنجمشک، ۲۲۵ |
| آطرس، ۱۶۰ | آنفتها، ۹۱ | ایرو، ۸۹ |
| آطریلال، ۳۶، ۱۱۸، ۱۵۵ | آویشن، ۱۹۵ | ایروتا، ۱۹۳ |
| آطریلان (فاس)، ۱۵۵ | آیزنی، ۲۷۳ | ایروخیون، ۸۴ |
| آطء، ۲۲۰ | آء، ۳۳ | ایروطانن، ۱۲۳ |
| آغتس، ۱۸۵ | آارژژدائن، ۲۳۰ | ایروطنیون، ۱۹۳ |
| آقوا، ۵۲ | اوبیقواون، ۵۶ | ایرولیه، ۱۲۲ |
| آقطی، ۱۳۸ | ابابوس، ۳۳، ۲۲۳ | آبروئیته (نغری)، ۷۵ |
| آک، ۱۷۳، ۲۰۹ | اباخورس، ۶۳ | آبرون، ۳۷ |
| آکل نفسه، ۳۷ | ابارتل، ۲۵۱ | ابرویون، ۵۲ |
| آلالاء، ۳۷ | ابارس، ۱۰۵ | ابریا متی، ۱۱۳ |
| آلاء، ۳۷ | اباریقون، ۱۰۶ | ابریجون، ۱۵۸ |
| آلسن، ۳۷ | اباسیا، ۵۰ | ابریمون، ۷۰ |
| آلو، ۴۱، ۱۸۴، ۲۱۷ | اباغلس، ۶۳ | آبزار، ۳۸ |
| آلوبالو، ۲۳۴ | اباغورس، ۶۳ | ابزراله، ۲۲۲ |
| آلوبوعلی، ۲۳۴ | اباقی، ۱۰۴ | ابزیر، ۲۰۵ |
| آلوبولی، ۲۳۴ | أبالشر، ۲۴۹ | ایق، ۲۴۵ |
| آغوری، ۱۲۱ | | |
| آقُورُون، ۱۶۵ | | |
| آخْثار، ۳۷ | | |
| آملیس، ۳۷ | | |
| آبنوس، ۳۳ | | |
| آبیل، ۳۳ | | |
| آبیوس، ۲۶۱ | | |
| آت جو، ۱۷۳ | | |
| آتفاح، ۹۴ | | |
| آچین، ۳۳ | | |
| آدریس، ۳۳ | | |
| آذان الأَرنب، ۳۳ | | |
| آذان التیس (اندلس)، ۳۳ | | |
| آذان الجداء، ۵۹ | | |
| آذان الجدی (دمشق و شام)، ۳۳ | | |
| آذان الدب، ۳۳ | | |
| آذان الشاة، ۳۳ | | |
| آذان الشاة (اندلس)، ۳۳ | | |
| آذان العنز، ۳۳ | | |
| آذان الغزال، ۳۳ | | |
| آذان الفار، ۳۳، ۶۳ | | |
| آذان الفار البری، ۳۳، ۳۴ | | |
| آذان الفار البستانی، ۳۳ | | |
| آذان الفار الرومی، ۳۴ | | |
| آذان الفار الرومی، ۲۱۸ | | |
| آذان الفستیس، ۳۴ | | |
| آذان الفیل، ۳۴ | | |
| آذربو، ۳۴، ۱۷۱ | | |
| آذربوا، ۳۴ | | |
| آذربوی، ۳۴ | | |
| آذربویه، ۳۴ | | |
| آذرگون، ۳۴ | | |
| آذربون، ۳۴، ۲۵۸ | | |

| | | | |
|---------------------|------------------------|-----------------------|------------------------------------|
| ابلاطونوس، ۱۴۵ | ابیلا نس، ۱۰۵ | اخراطن، ۸۴ | اذفونیدیس، ۱۴۸ |
| ابلر، ۱۶۳ | ابی مقینة (فاس)، ۲۱۴ | اخردس، ۲۹۰ | اذفیوس، ۱۴۸ |
| ابم کماجی، ۱۲۹ | ابی یموت، ۱۲۵ | آخز ساج، ۴۲ | اذذاب البقر، ۱۵۴ |
| ایمیلُس، ۲۸۰ | اپراجنا، ۱۱۳ | اخرسون، ۱۵۳ | اذذاب الخیل، ۱۵۴، ۲۱۰ |
| این، ۳۸ | اپوپاقس، ۱۰۰ | اخروطن، ۸۴ | اذذاب الخیل (شام و شرق)، ۲۶۷ |
| إِنَّ الْأَرْضَ، ۳۸ | اتبلیس، ۲۲۵ | اخروی، ۱۰۶ | أُذُن الْأَرْزَب، ۱۱۹، ۲۶۹، ۲۸۱ |
| ابن اُویر، ۳۸ | أُتْرُج، ۳۹، ۱۶۲، ۲۷۴ | اخریط، ۱۲۳ | اذن الثور، ۲۲۴ |
| ابن سرابیون، ۷۶ | اتسویک، ۱۰۷ | اخشنة، ۱۰۲ | أُذُن الْجِمَار، ۴۳، ۱۵۵، ۲۲۴، ۲۵۲ |
| ابنیس، ۱۱۳ | أُتُنْکَن، ۶۵ | اخفاک، ۲۱۰ | أُذُن الشاة (اندلس)، ۲۶۹ |
| ابنی هلدی، ۱۴۲ | اثاب، ۲۰۲ | اخلة الارض، ۱۲۹ | اذن الفار، ۲۷۹ |
| ابوبیناقس، ۱۰۰ | آثابه، ۷۶ | آخیروس، ۴۲ | اذن القسیس، ۲۸۱ |
| ابوپاناقس، ۱۰۰ | اثاریون، ۵۰ | اخینوس، ۱۸۰ | اذن الوطواط، ۲۱۰ |
| ابوخلسا، ۳۸، ۱۳۴ | اثامطیقون، ۲۸۷ | اخیون، ۶۸، ۲۵۲ | أُذُن غِزَال، ۲۵۲ |
| ابوسمس، ۲۵۴ | اثانقون، ۵۱ | آذار، ۷۵ | اذوس، ۲۹۷ |
| ابوعیس، ۱۴۰ | اثرا، ۳۸ | آذزک، ۴۱، ۴۲ | اذیارتون، ۷۶ |
| ابوغلصن، ۶۷ | اثقلیا، ۳۸ | اذزک، ۱۶۴ | ارابتش، ۱۲۴ |
| ابوفاطریوس، ۵۴ | آثَل، ۴۰، ۱۷۰، ۲۰۲ | ادرومیلن، ۹۴ | ارابتشوس، ۱۲۴ |
| ابوفایس، ۳۹ | آثَلَق، ۴۰ | ادریاس، ۶۵ | ارابتشس ایمارس، ۱۲۴ |
| ابوفسطن، ۳۹ | اثونبون، ۲۴۰ | ادریس، ۳۳ | أَرَأَقِي، ۴۳ |
| ابوقانس، ۳۹، ۱۲۳ | اثونیطس، ۲۵۰ | ادریفن، ۲۷۳ | اراقوا، ۴۳ |
| ابوقاوس، ۳۹ | اثیوس، ۲۸۰ | ادقام الغرائق، ۱۲۹ | أَرَاک، ۴۳، ۱۶۱، ۲۳۳ |
| ابوقسطنس، ۳۹ | اجاجی، ۲۶۲ | ادم، ۱۸۰ | ارامانیا، ۲۸۲ |
| ابوقینوس، ۵۹ | أَجَاص، ۴۱، ۱۸۴ | اذمام، ۲۹۴ | ارامونی، ۱۸۸ |
| ابومارس، ۱۲۰ | اجاص اصفر، ۱۸۴ | ادمطوس، ۲۶۴ | اراثموس، ۷۰ |
| ابونس، ۳۳ | اجزینی (اسکندریه)، ۲۵۴ | ادهیره، ۳۱، ۳۵ | اراه، ۲۸۲ |
| ابونیطش، ۲۵۰ | اجرد، ۱۳۹ | ادیانطن، ۲۵۷ | ارب، ۲۷۳ |
| ابهل، ۳۹، ۱۰۵، ۱۴۳ | اجطاله، ۱۲۲ | ادی دولی، ۲۶۰ | اریاقه، ۱۵۹ |
| ابهل هندی، ۳۹ | اجواین، ۲۸۹ | آذارقی، ۴۲ | اریانسش، ۱۲۴ |
| ابی، ۱۷۲ | اجواین خراسانی، ۸۸ | اذان الدب، ۲۴۴، ۲۷۰ | اریسارم (فرنگی)، ۲۷۳ |
| ابی الولید، ۱۲۹ | اجود، ۲۵۳ | اذان الفار، ۱۱۹ | اریصارن، ۲۷۳ |
| ابی ان یموت، ۲۰۴ | اجیلیه، ۲۴۶ | اذان الفار حقیقی، ۳۴ | اریقانن، ۲۲۹ |
| آبَید، ۱۴۳ | احباق، ۷۱ | اذان الفیل، ۲۳۰ | اریلیش، ۱۰۴ |
| آبید، ۲۶۱ | احداق المرضی، ۵۷ | اذان القسیس، ۲۴۷، ۲۷۴ | اریوطانن، ۱۲۱ |
| ابی دالس، ۲۴۸ | إِخْرِیض، ۲۱۰، ۴۲ | اذان القسیس، ۲۴۷ | ارییان، ۵۸، ۱۵۵ |
| آبیدی، ۲۶۱ | احریضه، ۲۳۶ | إِذْخِر، ۴۳، ۱۴۸ | ارییانس، ۱۲۴ |
| ابی رستم، ۱۱۹ | احنینه، ۲۶۶ | اذخر (فاس)، ۴۳ | |
| آبِیْغَل، ۳۹ | آخیون، ۴۲ | اذررقوس، ۵۲ | |
| آبیکه (لاتین)، ۲۶۱ | اخرادس، ۲۶۱ | اذرقیس، ۵۲ | |

| | | | |
|-------------------------|------------------------|------------------|----------------------|
| اریشوس، ۱۲۴ | ارزوح، ۳۹ | ارمارینون، ۱۲۴ | ارید برید، ۴۵ |
| ارتارون، ۲۶۹ | ارزه، ۱۹۶ | ارماس، ۲۴۲ | اریدبرید، ۴۵ |
| ارتقش (لاتینی)، ۲۶۵ | آرزّه، ۴۴ | ارماط، ۴۵ | اریزجیم (فرنگی)، ۲۳۶ |
| ارتکا، ۲۰۴ | ارسطالاحیا، ۱۶۰ | آزمال، ۴۵ | اریزون، ۴۴ |
| ارتیک پریم (لاتینی)، ۶۵ | ارسطالوخیا، ۱۶۰ | آزمالک، ۴۵ | اریسه، ۱۹۸ |
| ارتینوس، ۱۹۴ | ارسطولوخیا، ۱۶۰ | ارمالک، ۴۵ | اریغانون، ۱۹۵، ۲۲۹ |
| ارثیوس، ۸۰ | ارسطیون، ۱۵۳ | ارمالی، ۴۵ | اریقابوشا، ۲۰۲ |
| ارجالون، ۲۲۲ | ارطاماسیا، ۶۱، ۷۶، ۲۴۷ | إرمزدقطولوس، ۱۷۹ | اریقته، ۱۳۳ |
| ارجالة، ۱۱۷، ۱۲۵، ۲۰۰ | آرطماسا، ۲۴۷ | ارمنیافن، ۲۸۲ | ارینفس، ۲۲۷ |
| ارجان، ۱۶۶ | ارطمیسا، ۷۷ | ارمنیقون، ۲۴۰ | ازاددرخت، ۲۱۳ |
| ارجان (مغرب)، ۱۰۵، ۱۶۶ | آرطمیسا، ۲۴۷ | آزمنین، ۴۵ | ازاددرخت، ۲۱۳، ۲۶۶ |
| ارجقیل، ۲۵۷ | ارطوس، ۲۶۹ | ارموش، ۱۷۰ | آزاز، ۲۷۷ |
| ارجل الجراد، ۵۸، ۱۶۱ | ارطی، ۳۷، ۴۴ | ارموکی، ۲۷۱ | ازالیم، ۸۰ |
| ارجمونی، ۲۸۵ | ارطیسیا، ۶۱ | ارمیس، ۴۵ | ازبوج، ۲۵۱ |
| آزجوان، ۴۴ | ارطی صغیر، ۱۵۵ | ارمیناقن، ۲۸۲ | ازحمیون، ۲۵۶ |
| ارجیقن، ۱۶۲ | ارطیه ماسیا، ۷۶ | ارمیناقون، ۲۸۲ | ازدری، ۱۴۱ |
| ارجیولی، ۱۵۵ | ارعاحوزا، ۴۱ | آزن، ۲۷۳ | ازدشیر زاد، ۲۸۰ |
| ارخس، ۱۳۶ | آزغامونی، ۴۴ | ارنبی، ۲۶۵ | ازرار، ۲۹۱ |
| ارخس طوماغن، ۱۳۶ | ارغوان، ۴۴ | ارنتاله، ۱۰۵ | ازرود، ۴۵ |
| ارخیس، ۱۳۶ | ارغیلم (عبرانی)، ۸۳ | آزن صاژن، ۲۷۳ | ازروی، ۶۶ |
| اردشیران، ۲۸۰ | ارفامسیس اریثوس، ۱۲۴ | ارنغلیسون، ۲۶۹ | ایزه الارض، ۲۹۱ |
| اردشیر دارو، ۲۸۰ | ارفلس، ۱۸۲ | ارنقالس، ۲۶۹ | ازریول (فاس)، ۳۴ |
| إزدق ناقی، ۴۴ | ارفلن، ۱۱۳ | آزنوغلسن، ۲۶۹ | ازغب، ۹۶، ۱۳۹ |
| اردک، ۲۸۲ | ارفنطوس، ۱۲۴ | ارنوله، ۱۴۵ | ازقون، ۱۴۷ |
| اردم، ۳۴ | ارقالیا، ۲۶۶ | ارنیوقرینوس، ۷۰ | ازلاف، ۱۴۸ |
| اردمیردا، ۲۸۰ | ارقان، ۱۰۵، ۱۲۵ | ارو، ۱۳۹ | ازمایلوس، ۸۸ |
| آرز، ۴۴ | ارقان (مغرب)، ۱۶۶ | اروبیموس، ۲۵۳ | ازنید، ۱۳۳ |
| آرز، ۴۴ | ارقطس، ۱۱۳ | ارود (فارس)، ۱۱۰ | ازورا (حبشی)، ۳۱، ۳۵ |
| آرز، ۱۲۶ | ارقطون، ۴۵ | اروس، ۲۰۸ | ازیریا، ۱۰۶ |
| ارز، ۱۷۰ | آزقطیون، ۴۵ | اروسا، ۳۸ | آزوسه، ۴۶ |
| ارزا، ۱۹۶ | ارقلیا، ۱۱۹ | اروس بلغار، ۲۶۴ | اسارون، ۴۶، ۱۱۹، ۱۴۲ |
| ارزا اردفناقی، ۴۴ | ارقوس، ۳۹ | اروسه، ۳۸ | ۲۸۸ |
| آرز الخلیل، ۷۶ | ارقولس، ۳۹ | اروسیمن، ۹۶ | اساسنوا، ۱۰۶ |
| آززم، ۲۷۷ | ارقونیدوس، ۲۱۸ | اروسیمون، ۱۸۹ | آسانشوا (مغرب)، ۲۳۱ |
| ارز می، ۲۶۰ | ارقیسون، ۴۵ | آرون، ۱۴۶ | آسانشوا (مغرب)، ۲۴۲ |
| ارزن، ۱۰۰، ۱۴۳، ۱۴۹ | آزقیطون، ۴۵ | اروناردش، ۱۰۵ | اساسنه، ۱۲۵ |
| ارزند، ۱۹۶ | ارکه، ۱۲۶ | اروی، ۲۴۳ | اساطوس، ۲۹۲ |
| ارزن هندی، ۱۴۹ | آزگوان، ۴۴ | ارهرتور، ۱۸۳ | آساطیس، ۲۹۲ |

| | | | |
|-------------------------------|----------------------------|---------------------------|-------------------------|
| اساطیس اغریا، ۲۹۲ | اسرون (فاس)، ۴۶ | ۲۹۷ | اسفیون الشوذه، ۷۸ |
| اسبیلاقوس، ۱۰۹ | اسطاری، ۹۳ | اسفردانه، ۸۱ | اسقال، ۴۹ |
| اسباناج، ۴۸ | اسطافالیکوس اغریوس، ۱۰۳ | اسفرک (شیراز)، ۱۶۲ | اسقردین، ۲۸۳ |
| اسبرک، ۵۹ | اسطافالینوس اغریوس، ۱۰۳ | اسفرم، ۳۱، ۳۵ | اسقروامس، ۸۸ |
| استبریون، ۳۴ | اسطافالینوس اغریوس، ۱۰۳ | اسفرینه (فرنگی)، ۲۰۹ | اسقلیاطیکوس، ۵۴ |
| اسبط، ۲۷۳ | اسطافالینوس اغریوس، ۱۴۸ | اسفکوخوس، ۸۶ | اسقلیطاس، ۵۴ |
| اسبلنج، ۲۶۷ | اسطافالینوس اغریوس، ۱۴۸ | اسقلیاطیکوس، ۴۸ | اسقندریون، ۹۸ |
| اسبندان خوش، ۱۳۰ | اسطافالیوس، ۱۰۳ | اسفلیس، ۴۹ | اسقنوقراطیس، ۴۹ |
| اسبیدار، ۱۳۳، ۱۴۹ | اسطافیدوس اغریا، ۲۸۷ | اسفلیطس، ۲۰۳ | اسقوانس، ۷۸ |
| اسبیدمرد، ۴۶ | اسطاقندمااغریا، ۱۱۱ | اسفلیغین، ۱۵۳ | اُسقوردیون، ۴۸ |
| اسپاراغوس، ۲۹۷ | اسطاکیس (فرنگی)، ۲۷۹ | اِسقلیناس، ۴۸ | اسقوردیون، ۸۰، ۹۸، ۱۸۹ |
| اسپالانتوس، ۱۴۱ | اسطبخیس، ۲۶۲ | اسفناج، ۴۸، ۲۹۶ | اسقوردیون جبلی، ۴۸ |
| اسپرز (اصفهان)، ۷۸ | اُسطخودوس، ۴۷ | اسفناج رومی، ۲۴۱ | اسقوردیون مصری، ۴۸ |
| اسپرغم بیابانی، ۱۹۹ | اسطراطیکوس، ۴۸، ۱۰۵، ۱۳۱ | اسفناج رومی (شیرازی)، ۲۴۱ | اسقورولوس، ۱۳۸ |
| اسپست باغ تازه، ۱۵۵ | اسطراطیکوس الصغری، ۱۰۵ | اسفند، ۱۱۵، ۱۱۶ | اسقولس، ۸۸ |
| اسیغل، ۷۸ | اسطراطیکوس الصغری، ۱۰۵ | اسفندار، ۱۱۶ | اُسقولوقندریون، ۴۹ |
| اسپناج، ۴۸ | اسطراطیکوس الصغری، ۱۰۵ | اسفندار، ۱۱۶ | اسقون، ۱۲۶ |
| اسپند، ۱۳۱ | اسطراطیکوس الصغری، ۱۰۵ | اسفند اسفید، ۱۱۵، ۱۳۱ | اسقیدولیون، ۲۴۹ |
| اسپنس (فرنگی)، ۴۸ | اسطراکه لیکه (فرنگی)، ۲۸۶ | اسفندان سفید، ۱۱۵ | اسقیراسن، ۸۸ |
| استیب، ۴۶ | اسطَرخلو، ۲۱۵ | اسفندسفا، ۱۱۵ | اسقیرن، ۲۹۸ |
| اَسْتَب (اندلس - لاتینی)، ۲۶۵ | اسطرس، ۲۶۳ | اسفند سفید، ۱۱۵ | اِسْقیل، ۴۹ |
| استبرق، ۴۶ | اسطروکایشا، ۵۳ | اسفندسناه، ۱۱۵ | اسقیل، ۲۱۵ |
| استراتیکو، ۴۸ | اسطروبیلیا، ۱۹۶ | اسفندشغان، ۱۱۵ | اسقیلا، ۴۹ |
| استراطیکوس، ۵۴ | اسطروثیون، ۲۶۳ | اسفندخار، ۱۳۳ | اسکتو، ۴۹ |
| استر (اندلس)، ۲۷۴ | اسطوخودوس، ۴۷، ۱۱۹ | اسفودالوس، ۱۳۸ | اسکردا، ۹۸ |
| استرمونیه، ۱۰۹ | ۱۳۳، ۱۹۳، ۱۹۵ | اسفودلوس، ۳۷ | اسکردیون، ۹۸ |
| استکو (تنکابن)، ۱۷۱ | اسطوخودوس، ۱۰۳ | اُسقودلوس، ۱۳۸ | اسکرسول، ۱۶۲ |
| اسحاره، ۴۶ | اسطورا، ۱۱۵ | اسفومغری، ۱۰۵ | اس کرمانی، ۳۶ |
| اسحاره، ۱۴۰، ۱۸۹ | اسطوریقون، ۲۴۴ | اسفیدار، ۱۷۸ | اسکروان (نبطی)، ۲۶۹ |
| اِسْجَل، ۴۶ | اسطوماخوس، ۴۸ | اسفیدارا راغیا، ۲۸۰ | اِسْکند، ۴۹ |
| اسخرون، ۹۶ | اسغان امشانتن، ۳۳ | اسفیدش، ۷۸ | اسکیغیلا، ۲۴۶ |
| اَسْحَر، ۱۰۸ | اسغان یزان، ۳۳ | اسفیدکشیر، ۳۰۰ | اسکیلیم چشم (سجزی)، ۲۱۷ |
| اسد الارض، ۴۶، ۱۲۸ | اسفاراغش بطراؤس، ۲۹۷ | اسفی دیون، ۱۸۹ | اسکی نان تو (فرنگی)، ۴۱ |
| ۲۷۵ | اسفارج الصینی، ۲۵۶ | اسفیراداغویوس، ۲۳۳ | اَسْل، ۴۹ |
| اسد العدس، ۴۷ | اسفاناج، ۴۸ | اسفیقوس، ۲۶۲ | اسل، ۱۴۸ |
| اِسْراَر (مغرب)، ۴۷ | اسفید، ۱۱۶ | اسفیدار، ۱۳۰ | اِسْلَنْج، ۵۰ |
| اسراش، ۱۳۸ | اسفراج (مغرب)، ۲۹۷ | اسفیوس، ۷۸ | اسلوقوطیس، ۴۹ |
| | اسفراج (مغرب و اندلس)، ۱۳۸ | اسفیوش، ۷۸ | |

| | | | |
|---------------------------|-------------------------|--------------------------|------------------------|
| اسلیج، ۲۷۴ | اشج، ۵۱ | اصابع الفتیات، ۲۲۵ | اطراقنولیس، ۲۱۰ |
| اسلیج، ۲۶۷ | أشج، ۲۹۵ | اصابع القینات، ۱۱۳ | اطرایلس، ۹۴ |
| اسلیوس، ۱۷۴ | إشخیص، ۵۱ | اصابع اللّصوص، ۵۳ | أطرقفسوس، ۱۷۰ |
| اسمادوسفرم، ۳۶ | اشخیص، ۲۷۵ | اصابع الملك، ۱۶۳، ۵۹ | اطرقطوس، ۲۳۶ |
| اسمار، ۳۱، ۳۵، ۳۶ | اشخیص اسود، ۵۱ | اصابع هرمس، ۱۷۹، ۱۸۰ | اطرقطولس، ۲۳۶ |
| اسماروزند، ۳۶، ۳۱ | اشخیص سفید، ۵۱ | أصااص، ۲۷۷ | أطرناله، ۵۴ |
| أشماقوس، ۱۳۵ | اشراز، ۳۷ | اصاقو، ۲۸۲ | اطروغا، ۳۹ |
| اسمرنا، ۲۷۸ | اشراس، ۳۷ | اصبالاثوس، ۱۴۱ | اطروکا، ۳۹ |
| اسملیس، ۲۸۰ | إشراس، ۵۱ | اصطرک، ۵۳، ۲۰۶، ۲۸۶ | اطروکیا، ۳۵ |
| اسمورنین، ۲۵۳ | أشراس (مغرب)، ۵۱ | اصطرک (شام)، ۱۸۶ | اطریشیه، ۲۸۰ |
| اسمیم باروم (فرنگی)، ۱۸۴ | اشریس، ۳۷ | اصطقالینوس، ۱۰۳ | اطریفیلن، ۱۲۲ |
| اسمیم (فرنگی)، ۱۸۴ | أشفاقیش، ۴۸ | اصطفی، ۲۸۶ | اطریلال، ۱۵۵ |
| اسمیم ماکنوم (فرنگی)، ۱۸۴ | أشقی، ۵۱ | اصطفیذده، ۲۱۴ | اطریون، ۲۳۳ |
| | اشقی، ۲۳۳ | اصطفیقوس، ۲۶۲ | اطزوخیوس، ۲۱۴ |
| اسنام، ۱۴۸ | أشقی، ۲۹۵ | اصطفیلن، ۱۰۳ | اطفکسوس، ۲۴۱ |
| أشنان الذئب، ۸۴، ۵۰ | اشقیطله، ۶۱ | اصف، ۲۵۰ | اطمات، ۸۸ |
| اشنان الفار، ۲۵۹ | اشقیل، ۸۰ | اصل الانجدان خراسانی، ۵۰ | أطمط، ۵۴ |
| اسنولوس، ۵۰ | اشکریه، ۲۸۰ | | أطموط، ۵۴ |
| اسواس، ۲۰۳ | اشکّه، ۱۴۰ | اصل التهل، ۱۶۹ | اطموط، ۸۸ |
| اسود، ۱۷۳ | اشکیل، ۲۱۷ | اصل الخثنی، ۱۳۸ | اطمیثا، ۲۴۷ |
| اسوفس، ۱۶۵ | اشلابوس، ۱۴۱ | اصل الراسن، ۱۵۳ | اطمیسا، ۷۶ |
| اسیلیسقان، ۱۰۶ | اشلیه پاتم (فرنگی)، ۱۲۲ | اصل السرح، ۳۰۰ | اطّه، ۱۸۲ |
| اشبته، ۲۰۰ | اشلیه (فرنگی)، ۱۲۲ | اصل السوس، ۱۸۰ | اطیا، ۲۲۰ |
| اشبرک (سجزی)، ۱۲۱ | اشموسا، ۵۲ | اصل السوسن الایض، ۵۴ | اطیرنه، ۲۵۱ |
| اشبرون، ۱۸۹، ۲۰۴ | أشنان، ۵۲، ۶۹ | اصل الفلفل، ۲۲۸ | اطیطون، ۴۹ |
| اشبرون (اندلس)، ۱۱۵ | اشنان العربی، ۵۲ | اصل القصب، ۲۴۰ | اطیوس، ۷۶، ۲۳۱ |
| اشبیطاله، ۱۲۶ | اشنان الفارسی، ۱۲۳ | اصل اللقاح، ۲۷۰ | اظا، ۲۲۰ |
| أشبنه آله، ۷۲ | اشنان القصارین، ۱۲۳ | اصل اللوف، ۲۳۰ | أظفار الجن، ۵۴ |
| أشبنه، ۵۵ | اشنان گازران، ۵۲ | اصل المتک، ۱۸۰ | اعرابی، ۲۷۲ |
| اشتر (اصفهان)، ۱۱۰ | أشنه، ۵۲ | اصل النیلوفر هندی، ۲۲۷ | اعروعلیطوس، ۲۷۷ |
| اشترانگبین (اصفهان)، ۱۱۰ | أشنه، ۱۱۸ | اصل الوردی، ۱۵۹ | اعناب السّراة، ۲۱۷ |
| اشترخاراست، ۵۰ | اشنه، ۱۹۲ | اصل امیرباریس، ۳۵ | اغاریقون، ۲۱۸ |
| أشترغار، ۶۵، ۵۰ | اشنه بستانی، ۱۹۲ | اصوفورون، ۲۷۱ | اغافت، ۵۴، ۹۰، ۹۴، ۱۵۴ |
| اشترغاز، ۵۰ | اشود، ۱۸۴ | اصوفورون، ۲۷۱ | اغافت، ۵۴ |
| اشترینه میاطشن، ۱۱۶، ۱۱۸ | أشه، ۵۱ | اضراس الکلب، ۷۹ | اغرانیون، ۲۸۱ |
| اشتنکه، ۱۳۵ | اشیرون (اندلس)، ۱۱۶ | اظا، ۲۲۰ | اغرسطورون، ۲۵۵ |
| اشتوان (مصر)، ۷۹ | اصابع الصفر، ۵۳ | أطراطیقوس، ۵۴ | اغرسطس، ۴۳، ۹۹ |
| اشج، ۵۱ | اصابع العذاری، ۵۳ | اطرافعس، ۲۴۱ | اغرسطیس، ۹۹ |

| | | | |
|----------------------|---------------------|----------------------|----------------------|
| اقریون، ۲۵۴ | افیقون، ۸۸ | افرقه دلف، ۴۶ | اگرسودوطوس، ۲۵۵ |
| اقسوس، ۱۴۳، ۱۶۲ | افیلون، ۵۶، ۱۹۳ | افرنجمشک، ۱۱۳، ۲۲۵ | اغرقتیه، ۲۷۳ |
| اُفسون، ۵۸ | افیمارن، ۷۰ | افرنجَمِشک، ۱۶۰ | اغر قونیة، ۲۰۵ |
| اقسیس، ۱۶۲ | افیمارون، ۱۰۸، ۱۷۹ | افریژ، ۲۹۳ | اغروسطوس، ۴۴ |
| اقسینی، ۲۶۶ | افیمدیون، ۲۶۹ | افریقیه متهونه، ۲۸۰ | اغر و سوقومیس، ۲۳۳ |
| اقسیوس، ۱۶۱ | افیمدیون، ۲۷۵ | افزغنج (بخاریه)، ۲۲۶ | اغر وغن، ۱۲۶ |
| اقط، ۱۸۲ | اُفیمدون، ۵۷ | افس سک (شیرازی)، ۱۸۳ | اگریا، ۲۵۵ |
| اقطاطاقیس، ۸۱ | افیوس، ۱۶۸ | اُفستین، ۵۵ | اگریذی، ۲۵۶ |
| اقططرمتوس، ۸۱ | اُفیوس، ۵۷ | افستین، ۷۷، ۱۲۰، ۱۵۴ | اگریمون، ۱۰۲ |
| اقطفیت، ۸۸ | افیوسطافیلن، ۲۵۰ | ۲۵۸ | اگریوس، ۱۲۴، ۱۲۶ |
| اقطن (یمن)، ۲۷۵ | افیون، ۵۷ | افستین البحر، ۱۹۳ | اغزواطس، ۹۹ |
| اقط (یمن)، ۵۸ | اقاحی، ۹۰، ۱۵۵ | افستینون، ۵۶ | اغفت، ۵۴ |
| اقلفوس، ۲۵۵ | اقاروا، ۲۵۶ | افصی، ۲۱۱ | اغفورقیون، ۲۳۳ |
| اقلفی، ۲۵۵ | اقارون، ۲۹۳ | افطریون، ۱۷۳ | اغلاق، ۱۲۱، ۱۴۸، ۲۴۹ |
| اقلولش، ۱۲۹ | اقاقالیس، ۵۷ | افطیمس، ۳۰۰ | اغلپس، ۱۴۷ |
| اقلیشا، ۱۰۳ | اقاقلیس، ۲۰۲ | افکرکسیس، ۲۴۱ | اغلپص، ۱۴۷ |
| اقلیطی، ۱۷۸ | اقاقیا، ۵۷، ۸۲، ۲۳۷ | افلایوس، ۶۵ | اغلقلندریا، ۲۸۲ |
| اقلیولش، ۶۷ | اقلیفی، ۶۵ | اُفلدان، ۷۵ | اغلپس، ۲۵۴ |
| اقتالوقی، ۷۱ | اقتلقا، ۷۵ | افلسطین، ۸۱ | اغلیطوس، ۲۲۲ |
| اقتالوقین، ۷۱ | اقحوان، ۳۵، ۵۸ | اُفلنجه، ۵۶ | اغنس، ۴۱ |
| اقتولوقاقیثادشتا، ۷۱ | اُقحوان، ۵۷ | افلیطون، ۴۹ | اغنوس، ۴۱ |
| اقتالوقی، ۷۲ | اقحوان البری، ۶۴ | افلیوکیون، ۲۴۱ | اغنیس، ۴۰، ۴۱ |
| اقتد، ۱۵۳ | اقحوان العربی، ۱۵۳ | افتان سر، ۲۲۴ | اغیراطون، ۵۵ |
| اقورون، ۲۹۳ | اقحوان بری، ۵۷ | افنیثون، ۵۸ | اغیرس، ۱۰۹، ۱۲۷ |
| اقوقوس، ۸۱ | اقحوان بستانی، ۵۷ | اُفنیقون، ۵۶ | اغیرس، ۲۶۴ |
| اقولاقائن، ۱۲۲ | اقحوان زرد، ۷۰ | افنین بدنون، ۵۵ | اغیلفس، ۱۴۷ |
| اقونطیاون، ۱۳۰ | اقدینا، ۱۹۳ | افودوس، ۱۲۶ | افاتیس، ۲۲۳ |
| اقونیا، ۱۱۲ | اقدی، ۱۷۲ | افوروس، ۱۲۶ | افادملس، ۱۲۴ |
| اقونیطن، ۱۲۸ | اقراص الملک، ۸۴ | اُفوسالینث، ۲۵۴ | اُفار، ۹۹ |
| اقیاقیلونی، ۲۴۰ | اقرانیقی، ۱۸۹ | اُفوسالینون، ۲۵۴ | افاریقون، ۲۹۸ |
| اقیثالوقی، ۵۸ | اقرسینی، ۲۶۶ | افوسالیون، ۲۳۵ | افامیرون، ۷۰، ۱۸۰ |
| اقیرون، ۲۹۳ | اقرع، ۱۳۹ | افوقونس، ۱۲۸ | افانی، ۱۲۳ |
| اقین، ۷۲ | اقرنون، ۲۲۳، ۲۳۵ | اُفیثمون، ۵۵ | افتاب پرست، ۲۹۹ |
| اقینی، ۱۰۴ | اقرنوش، ۱۲۳ | افیثمون، ۱۹۵ | افتیمون، ۵۵، ۱۴۱ |
| اکاسبیل، ۲۵۸ | اقروم، ۱۰۴ | افیثمون لینون، ۵۵ | اُفیثمون، ۵۵ |
| اکاکیا (فرنگی)، ۲۳۷ | اقریطون، ۲۴۸ | افیغون، ۵۶ | اُفریبون، ۵۵ |
| اکتر، ۹۶ | اقریطی، ۲۸۱ | افیقرون، ۵۶ | افریبون، ۱۶۳، ۲۲۴ |
| اُکت مکت، ۵۹ | اقریوش، ۲۵۴ | اُفیقُطس، ۵۶ | افرسیر، ۱۵۷ |

| | | | |
|----------------------|---------------------------------|----------------------------|-----------------------------|
| أَكْمَكِيَّت، ٥٩ | الالط، ١٨٢ | الرْمِيْنَدَه (اندلس)، ٢١٩ | إلْقَيْس (سجزي)، ٢٦٦ |
| اكتار، ١٠٧ | الاملك (طبرستان و | الزنج، ٢٨٧ | إلْقَيْس (سجزي)، ٢٦٦ |
| اكتوث، ٢٥٨ | تنكابن)، ٢٢٢ | الريح، ٢٧٣ | الكس، ١٢٦ |
| اكتيقوس، ١٤٣ | إلب، ٦٠ | الزَرْقَطُونَا (فاس)، ٧٨ | الكسينا، ٢٦٦ |
| اكر، ٢١٦ | الباشه، ١٣٠ | الزواني، ١٣٦ | إلْكِسِينِي، ١١٩ |
| اكرفس، ٢٥٣ | البانونس، ١٣١ | السَّرْمَج، ١٧٠ | الكن، ٢٣٩ |
| اكركره، ٢٠٥ | البابن، ١٥١ | السَّرْمَق، ١٧٠ | الكور (يمنى)، ٢٨٣ |
| اكرميوسنه، ٢١٩ | البروس، ١٣٠ | السرى، ٢٦٤ | الكيا، ٢٨٢ |
| أكرنب البحرى، ١٢٢ | البستى، ٣٤ | السفاقن، ٦٠ | اللقامن، ٢٠٤ |
| اكرنب الدورى، ٢٥٦ | البطن، ٨٠ | السمته، ٢٨٠ | اللشى، ٦٠ |
| اكرنب الرومى، ٢٥٦ | البَل، ١٤١ | السن، ١٢٢ | ألم (شيراز)، ١٠٠ |
| اكرنب الشامى، ٢٥٦ | البوزش لوقس، ١٣٠ | السُن، ١٣٣ | الم (شيراز)، ١٤٣ |
| اكرنب الكرماني، ٢٥٦ | البوقاله، ١٥٧ | السنة، ١٢٩ | المصافق، ٢٤٧ |
| اكرنب الهاشمى، ٢٥٦ | البهار، ٢١٧ | السنة العصافير، ١٧٨، ٢٦٩ | المُعِين، ٢٧٥ |
| اكروفس، ١٠٨ | البيسم (لاتين)، ٢٣٠ | السى، ٢٥٠ | ألمو (لاتينى)، ١٠٧ |
| اكرى (بنگال)، ٢٠٧ | التاجر، ٢٩٢ | السى كابيج، ٢٥١ | الميس، ٢٩٠ |
| اكسوفيلن، ٢٠٣ | التاره، ٣٣ | الصانع الصفر، ١٨٦ | الميون، ٤٩ |
| اكسير، ٥٢ | التواء بر التواء، ٢٥٧ | الصينى، ١٢٩ | النافع من الرُتَيْلَاء، ٢٢٣ |
| اكسيوس، ٥٩ | التوبل، ٢٤٨ | الطانه، ٢٠٤ | النافع من أخليوس، ١٤٦ |
| اكل نفسه، ٢٢٤ | ألتينيا، ٢٦٢ | الطردونه، ١٠٦ | ألتج، ٦٠ |
| إكليل الجبل، ٥٩ | ألتيه، ١٢٩ | الطَفْرا، ٢٠٤ | النيسون، ١٥٣ |
| اكليل الجبل، ١٩٣ | الثاء، ١٢٩ | الطورثه شول، ٢٠٣ | النينا، ٢٧٤ |
| إكليل المَلِك، ٥٩ | الثاء، ١٣٦ | الطيرون، ٢٣٣ | الوا، ١٩٥ |
| اكول، ٦٧ | الثال، ١٣٦ | الغته (لاتينى)، ٢٩٥ | الواس، ٢١٦ |
| اكون، ٢٠٩ | الثفاء، ١١٥ | الغسل، ١٢٩ | الويباس، ٩٣ |
| اكيروس، ١٠٨ | الحاج، ١٢٣ | الف، ٢٢٢ | الوج، ٢٧٧، ٢٩٣ |
| اگر، ٢١٦ | الحاحى، ١٢٩، ١٣٣، ٢٥٦ | الفاضل لِنَفْسَاء، ١٦١ | الوخن، ٢٨٣ |
| اغيراتون، ٥٥ | الحاذ، ١٢٣ | الف دينار، ١٦٠ | الودين، ٢٦٠ |
| اغيرتركى، ٢٩٣ | الخرفا، ١٠٤ | الفشرا، ٢٩٧ | ألوسن، ٦٠ |
| الأس، ٣٥ | الداد، ١١٤ | الفليس، ١٢٢ | ألوسن، ٦٠ |
| الابورش مألش، ١٣٠ | الداس واش، ١٢٩ | الفوثويا، ١٥٣ | ألوسون، ٦٠ |
| الإثرار، ٦١ | ألدِر، ٢١٣ | القباين، ٢٤٩ | الونى، ٢٧٣ |
| الازاز، ٢٧٧ | الدوم، ٢٨٣ | القسينى، ٨٣، ١١٩، ٢٦٦ | الويا، ٢٧١ |
| الاشنگ (اصفهان)، ٢٦٧ | الراسن، ٨٠ | ألقسينى، ٢٦٦ | ألَوَيْن، ٦٠ |
| الاطينى، ٢٦٦ | الرَزْ، ٤٤ | القسينى الكبير، ٢٦٦ | الهدايه، ١٥٧ |
| ألاطينى، ٢٦٧ | الرُقَقَة الصَّخْرِيَه (اندلس)، | القطرون، ٢٦٤ | اليا، ١٣٦ |
| الاسفاقس، ٢٦٨ | ٢٧١ | القون، ٢٩٥ | الياله، ١٠٣ |
| الاسفاقن، ٦٠ | الرمث، ١٢٢ | القيس، ٢٦٦ | اليسما، ٢٨١ |

| | | | |
|--------------------------|-------------------------|---------------------------|-----------------------|
| الیس، ۹۸ | آنسوخ، ۶۲ | آناس، ۶۷ | آنَجَرَك، ۲۷۹ |
| إلیشكه، ۱۴۰ | أفطی، ۶۲ | أناغالس، ۳۴، ۶۳ | أَنجَرِه، ۶۵، ۶۵، ۲۵۵ |
| الیکا، ۲۲۰ | ام عمر، ۹۶، ۶۲ | أناغورس، ۶۳ | انجسا، ۳۸ |
| الیلاون، ۲۸۳ | ام غیلان، ۵۹، ۲۱۷ | اناغیرس، ۶۲ | انجسا الرملی، ۱۵۵ |
| الیمون، ۲۸۴ | أُمُ غیلان، ۶۲ | اناکیر (نبطی)، ۶۳ | انجسا الساحلی، ۱۵۵ |
| آلینو، ۲۵۱ | أفغیلان، ۶۲ | انانوس، ۱۵۲ | انجیده، ۲۲۴ |
| الیون، ۱۰۳ | ام غیلان، ۱۹۱، ۲۰۳ | انب، ۷۲ | انجیر، ۹۶، ۱۰۵، ۱۸۴ |
| الیوون، ۱۵۳ | امفلوراسیون، ۲۵۲ | انباتورا، ۶۵ | انجیر آدم، ۶۶ |
| اماراقوا، ۵۸ | إمقدال یقرا، ۲۷۲ | انبالس مالیا، ۲۲۲ | انجیر حلوانی، ۹۶ |
| ام اربعة و اربعین، ۷۹ | إمقدال غلوقیا، ۲۷۲ | انبالفراسن، ۲۵۲ | انجیر دشتی، ۹۶ |
| امارنطون، ۵۸ | أُم کلب، ۶۲ | أنجج، ۶۳ | انجیر زمینی، ۱۲۷ |
| اماری، ۱۳۳ | أمل بید، ۶۲ | انجج، ۲۸۲ | انجیر وربری، ۱۸۴ |
| آماریطن، ۶۱ | امل بیل، ۵۵، ۲۵۸ | انبجّه، ۲۸۰ | انجیلّه، ۷۸ |
| اماریطون، ۱۵۳ | أملج، ۶۲ | انیریاریس، ۳۸، ۴۰، ۶۱ | انجیله، ۳۷ |
| اماریقون، ۵۸، ۱۰۶ | املس، ۱۳۹ | انیرسول، ۲۸۱ | انچلک (شیراز)، ۱۴۲ |
| ام الف ورق، ۶۲ | املک، ۶۲ | انیرود، ۲۶۱ | اندراسیون، ۷۴، ۲۶۲ |
| امامانیطس، ۲۹۸ | أمل کجانی، ۶۲ | انبل، ۲۲۵ | اندرافکسیس، ۲۴۱ |
| اماموس مانیوس، ۲۸۹ | املناس، ۱۴۰ | انبلی، ۹۵ | اندراین کاپهل، ۱۲۶ |
| امامون، ۱۲۴ | أَم وَجَع الکبد، ۶۳ | انبویاریس، ۳۸ | اندرجو، ۲۶۹ |
| امانیاقن، ۵۱ | اموره، ۲۷۵ | انبوب الراعی، ۶۴ | اندرجو (سندی)، ۲۶۹ |
| امباشا، ۱۱۱ | امونیاقن، ۲۹۵ | انبوب الملک، ۶۴ | اندرخانا، ۸۲ |
| آمتیزباریس، ۶۱ | امونیاقون، ۵۱ | انبه، ۶۳ | اندرخنا، ۸۲ |
| آمبروسیا، ۶۱ | امونیقون، ۵۱ | انتله، ۱۰۱ | اندرساخس، ۶۹ |
| امبلوراسون (لاتینی)، ۲۵۳ | امی، ۲۸۹ | أَنثَلَه (عجمی اندلس)، ۶۴ | اندرسافس، ۶۹ |
| امبودایس، ۳۸ | امیانی، ۲۸۹ | انتلی، ۱۴۹ | اندرسامس، ۱۵۸ |
| امجلیه، ۶۷ | ام یحیی (شام)، ۱۰۵ | انثار، ۲۰۴ | أَندَرَصَارون، ۶۶، ۶۹ |
| أَمْدَرِیان، ۶۲ | امیریاریس، ۶۱، ۲۷۱ | انثامیس، ۶۴ | أَندَرَوَاقُشُس، ۱۷۰ |
| امراطیون، ۲۶۲ | امیرون، ۷۰، ۳۰۰ | أنثلیس، ۶۴ | اندروت، ۶۶ |
| امراقون، ۲۷۹ | امیرون (اندلس)، ۲۹۸ | انثوس، ۲۹۳ | اندروساقس، ۲۹۸ |
| امرباطون، ۱۱۸ | امیره، ۱۱۰، ۲۶۹ | انثون، ۱۸۴ | اندروساماس، ۶۹ |
| امرتیه، ۲۵۸ | امیریا، ۲۶۹ | انجاص، ۴۱ | اندروسامن، ۲۹۸ |
| امرقون، ۷۰ | امیطی، ۶۲ | انجاص (فاس)، ۲۶۱ | اندروسائمن، ۲۹۸ |
| امرو، ۲۶۱ | امیغدالی، ۲۷۱ | أنجبار، ۶۴، ۸۷، ۱۵۷، ۲۹۱ | اندروصارون، ۲۲۲ |
| آمرو، ۶۲ | امیولوفراس، ۲۲۵ | انجبار النهری، ۲۷۲، ۲۹۱ | أَندَرَوَطالِیس، ۶۶ |
| امرو، ۲۶۱ | امؤمن، ۱۲۴ | انجدان، ۵۰، ۶۵، ۹۳، ۱۲۱ | أَندَرَوَطون، ۶۶ |
| امروسیا، ۲۹۸ | انار، ۱۵۷ | انجدان رومی، ۶۵، ۱۶۷ | اندقوقو (شیراز)، ۱۲۵ |
| آمژه، ۶۲ | انار دانه، ۱۵۸ | ۲۴۸ | اندمولیا، ۱۰۶ |
| امسخر، ۲۹۲ | اناریچه (مازندران)، ۱۱۷ | انجرک، ۲۷۹ | اندمیان، ۲۵۶ |

| | | | |
|---------------------------|--------------------------|---------------------------|--------------------|
| اندوا (ماوراء النهر)، ۱۰۲ | انکسینس، ۳۳ | انیلس، ۱۶۵ | اُوروپس، ۲۵۳ |
| انده قوقو (شیرازی)، ۱۲۵ | انکسینی، ۱۱۹ | انیولیس، ۲۸۰ | اورودیس، ۲۳۰ |
| اندیقا، ۲۹۷ | اُنکول، ۶۷ | انیولیون، ۲۵۴ | اوروسیمون، ۱۷۶ |
| اُنْدَر، ۱۵۳ | انکولس، ۱۲۲ | انیون، ۱۵۳ | اوریز، ۴۴ |
| انروله، ۱۲۲ | اُنکیز، ۶۷ | اُنْیه دی غاْته، ۲۰۵ | اوریزا، ۱۲۶ |
| اَنزروت، ۶۶ | انگدان، ۶۵ | اُنْیه دغاْته، ۱۱۹ | اوریزوذینوس، ۲۳۰ |
| انزروتا، ۶۶ | انگدان زد، ۱۲۱ | اَوافیوس، ۶۷ | اوریغاسن، ۱۹۵ |
| انس الارواح، ۴۷ | انگداله (فرنگی)، ۲۷۱ | اوبانیس، ۵۷ | اوزم، ۲۱۴ |
| انسون، ۶۷ | انگدان، ۶۵ | اوبرنیون، ۲۲۴ | اوزمون، ۱۰۲ |
| انسیتون، ۵۶ | انگزد، ۱۲۱ | اویزر، ۲۴۶ | اوزنس، ۲۵۳ |
| انشعی، ۱۲۹ | اَنگْزه، ۱۲۱ | اویطوری (لاتین)، ۲۱۹ | اوزونا، ۲۶۰ |
| انطاین، ۱۴۵ | انگشت، ۵۳ | اویلس وفلوطین، ۱۲۰ | اوسید، ۶۸ |
| انطبذه، ۲۴۸ | انگشت کنده (اصفهان)، ۱۲۱ | اُویه قَنِیْته، ۲۴۹ | اوسید، ۶۸ |
| انطرقطولس، ۲۳۶ | انگور، ۲۱۴، ۲۱۷ | اوبیانس، ۵۷ | اوسفدنون، ۲۴۹ |
| انطریون، ۶۶ | انگور سگان، ۱۲۸ | اوبیانیس، ۵۷ | اوسفول، ۱۶۵ |
| انطولیا (شام)، ۲۹۷ | انگیان، ۶۵ | اوْثرمسوا، ۹۳ | اوسفون، ۱۶۵ |
| انطویا، ۲۹۷ | انلی، ۸۸، ۱۵۰ | اوْثنا، ۱۰۴ | اوسفید، ۶۸ |
| انطوینا (لاتینی)، ۲۹۸ | اَنلیه کمبیانه، ۱۵۳ | اوْثومیس، ۲۷۵ | اوسیرس، ۱۲۲ |
| انطینس، ۱۲۲ | انوس، ۲۶۱ | اوجا (تنکابن و دیلم)، ۲۲۰ | اوسیمون، ۴۶ |
| انظر (دمشق و شام)، ۳۶ | انوْثیرا، ۱۴۱ | اوحی (مازندران)، ۱۲۰ | اوشن، ۱۹۵ |
| اَنْغْزا، ۶۶ | انوخیلوس، ۱۵۵ | اودومالی، ۶۸ | اوشه (شیرازی)، ۱۹۵ |
| انغوزه، ۱۲۱ | انوسما، ۴۳ | اودمون، ۱۷۳ | اوفاریقن، ۲۹۸ |
| اَنْث العِجَل، ۶۶ | اَنوْثه (لاتینی)، ۱۷۱ | اودِی تغس، ۲۴۳ | اوفاریقون، ۲۹۸ |
| انفالیوس، ۷۰ | اَنوْطیلون، ۶۷ | اورابالواسطون، ۱۰۴ | اوفال، ۲۵۹ |
| انفحه، ۲۵۰ | انوله، ۶۲ | اوراسالیون، ۲۵۳ | اوفیموئداس، ۶۸ |
| انفسینی، ۱۱۹ | اَنوما، ۶۸ | اوراسیمون، ۲۹۰ | اوقاس، ۳۹ |
| انفلوس، ۲۵۵ | انومیا، ۱۸۸ | اورافلون، ۱۵۳ | اوقانتوس، ۶۱ |
| انفولופا، ۱۵۳ | انونکسا، ۱۳۶ | اوراهیا سلیون، ۲۵۳ | اوقلاوقا، ۵۹ |
| انفیطینا، ۱۹۱ | انیت الشعر، ۲۵۷ | اورباس، ۹۷ | اوقیمون، ۷۱ |
| انقث الا، ۲۵۱ | انیراتا، ۶۷ | اوردپاپاری، ۲۲۸ | اوقیمویداس، ۶۸ |
| انقردیا، ۸۵ | انیسن، ۶۷ | اوردیقون، ۲۳۲ | اوقینه، ۵۹ |
| انقوس، ۲۶۱ | انیسوم، ۶۷ | اورزأ، ۴۴ | اوکا، ۷۱ |
| انقیلامی، ۹۴ | اَنسیسون، ۶۷، ۷۸، ۱۵۲ | اورسالیون، ۲۵۴ | اوکاماتا، ۲۲۷ |
| انقیون، ۱۸۴ | ۱۵۳، ۲۶۲ | اورسیمون، ۲۳۰ | اوکبه، ۲۴۱ |
| انکالن (فرنگی)، ۶۳ | انیسون البری، ۱۱۴ | اورغیون، ۵۰ | اولایی بوشاشا، ۱۱۶ |
| انکر (شیرازی)، ۲۳۶ | انیسون بری، ۷۸ | اورمش، ۱۰۵ | اولسطیون، ۱۰۱ |
| انکرانا اوکاما، ۶۵ | انیطوا (لاتینی)، ۱۸۴ | اورمون، ۱۰۲ | اولیاطیوم، ۲۵۵ |
| انکز، ۱۲۱ | | اورمینون، ۲۲۴ | اولیذا، ۱۴۷ |

| | | | |
|-------------------------|--------------------------|--------------------------|------------------------------------|
| اولیه، ۲۵۲ | ایذوصارون، ۶۹ | ایل، ۷۰، ۲۳۲ | أَبَجَه (اندلس)، ۱۳۸ |
| اولیه دَلْبَر، ۲۶۹ | ایذون، ۴۶ | ایلانجی، ۲۳۲ | أَبِرْس، ۲۰۸ |
| اومادا، ۲۳۳ | ایذونیارون، ۶۹ | ایلرسیا، ۸۸ | أَبِرْنَج، ۴۴ |
| اومومون، ۱۲۴ | ایذووسمون، ۲۹۰ | ایلیقس، ۱۲۶ | أَبِرْوُذْیا، ۱۱۸ |
| اومیطرون، ۲۴۶ | ایذیصارون، ۱۴۴ | ایلیقپران، ۲۶۴ | أَبِرْوُطُنُون، ۷۷ |
| اونت کتاره، ۵۰ | ایرامامیز، ۶۹ | ایلیوطرویون، ۲۰۴ | أَبِرْوُطُنُون، ۲۴۷ |
| اونت کتاره، ۱۸۹ | ایردوستاناس، ۶۹ | ایلیوطرویون طوماغا، ۲۰۴ | أَبِرَة الرَّاعِی، ۳۷ |
| اونطریثا، ۲۲۶ | ایردوسیاناس، ۶۹ | ایلیوطرویون طومقرون، ۲۰۴ | أَبِرَة الرَّاهِب، ۳۷ |
| اونودی، ۲۳۳ | ایرس، ۳۹ | | أَبِلْم، ۳۸ |
| اُونْیا، ۶۸ | ایرسا، ۷۰، ۱۴۶، ۱۸۰، ۱۸۱ | ایمارانوطولی، ۷۰ | أَبْلْم، ۳۸ |
| اونیاغائه (لاتینی)، ۲۴۴ | ایرصا، ۲۷۳ | ایمارس، ۹۳ | أَبْلْم، ۲۸۳ |
| اونیره، ۸۱ | ایزن، ۲۷۳ | ایماروقالاس، ۸۰ | أَبْلْمَة، ۳۸ |
| اَوْهیر، ۳۹ | ایرنجان، ۲۳۶ | اینارهر، ۱۳۸ | أَبُوخَلْسَا، ۳۸ |
| اوهیر، ۳۹ | ایرنجی، ۱۰۵ | اینبروئی، ۱۴۶ | أَبُو شَاد، ۱۸۹ |
| اویشم (اصفهان)، ۱۹۵ | ایرنجی، ۲۳۶ | اینه، ۱۲۶ | أَبُو فَايِس، ۳۹ |
| اهالوا، ۱۱۵ | آیرنی، ۲۷۳ | ایورش، ۲۸۳ | أَبُو فَايِس، ۳۹ |
| اهر، ۱۷۸، ۲۶۹ | ایرنیوقرینوس، ۱۸۰ | ایو سقوامس، ۸۸ | أَبُو فُسْطُنْ، ۳۹ |
| اهلیج، ۶۸ | ایروفلون، ۱۵۳ | ایهقان، ۱۰۲ | أَبُو فُسْطُنْ، ۳۹ |
| اهلیج اسود، ۶۸ | ایروقولیون، ۱۷۴ | أَفْقَشْس، ۱۱۴ | أَبُو مَارْتُون، ۱۵۲ |
| اهلیج اصفر، ۶۸ | ایریس، ۷۰ | أُرُون، ۲۷۳ | أَبَهْل، ۱۴۹ |
| اهلیج چینی، ۶۸ | ایریفارون، ۷۰ | أَفْشِرُو، ۳۶ | أَبْیَد، ۳۹ |
| اهلیج کابلی، ۶۸ | ایریمورون، ۱۸۰ | أَفُونِیْطَن، ۱۲۸ | أَبْیَلَه دِطْلَبَاطَه (اندلس)، ۳۷ |
| اهلیج هندی، ۶۸ | ایرینون، ۷۰ | أَفْیُشْس، ۲۲۵ | أَبْی مالک (مغرب)، ۱۸۵ |
| ایارانوطابی، ۶۹ | ایزون، ۳۷ | أَلِیْمُون، ۲۴۲ | أَتْرَجِی الرَّائِحَة، ۷۱ |
| ایسقسوس، ۲۸۴ | ایزیویون، ۳۷ | أَلْمُوْمُنْ، ۱۲۴ | أَتْم، ۱۶۵ |
| ایبولویوس، ۲۵۰ | ایزیفازن، ۷۰ | أَلْمَی، ۲۶۲ | أَتَاب، ۴۰ |
| ایثوسیس، ۲۷۵ | ایساطس، ۲۹۲ | أَنِیْسُنْ، ۶۷ | أَتَبَة، ۴۰ |
| ایثولیس، ۶۹ | ایسقسوس، ۱۳۶ | أَبَابُئْس، ۳۳ | أَثْرَار، ۴۰ |
| ایدراسیمون، ۱۱۳ | ایشن، ۱۹۵ | أَذَارِیْذَا، ۶۴ | أَثْرَار، ۶۱ |
| ایدع، ۶۹، ۱۴۶ | ایصورین، ۱۱۳ | أَزْرَن، ۲۷۳ | أَثْل، ۴۰، ۲۰۷، ۲۹۰ |
| ایدمامیر، ۶۹ | ایعاسوفسین، ۱۰۵ | أَرِیْصَاؤُنْ، ۲۷۳ | أَج، ۱۰۶ |
| ایدوصارون، ۲۶۹ | ایغرتی، ۳۷ | أَطْطَا، ۱۳۶ | أَجاص، ۲۱۷ |
| ایدیاسمن، ۱۱۳ | ایغسه، ۹۳ | أَتَاْمُونِی، ۱۸۸ | أَجاص الْأَبِیْض، ۱۸۴ |
| ایدْیا سَمْن، ۲۹۰ | ایفلوفوس، ۲۵۰ | أَبَاغْسَالَة، ۱۸۵ | أَجاص شَتَوِی، ۱۶۲ |
| ایدیاسمین، ۱۱۳ | ایفوریس، ۱۵۱ | أَبَامَالْک، ۱۸۵ | أَجاص کَوِچْک، ۷۶ |
| ایْذَا رِیْذَا، ۶۹ | ایقذ، ۱۱۴ | أَبَاة، ۳۷ | أَجْرِد، ۴۲ |
| ایذنطوس، ۲۶۶ | ایکده، ۲۱۹ | أَبَاژ، ۳۷ | أَجِیْلِبِس، ۱۴۷ |
| ایذوسارون، ۶۹ | ایکور، ۷۵ | أَبْجَالَه، ۶۷ | أَخْرَاز (صقاله)، ۱۱۶ |

| | | | |
|--------------------------------|----------------------|-------------------------|-------------------------------|
| أحریص، ۴۲ | أرجه (لاتین)، ۲۱۳ | أزوری، ۱۴۱ | أسنام، ۵۰ |
| أحیرش، ۴۲ | أرجیقن، ۴۴ | أزیر، ۵۹ | أسوفون، ۱۶۵ |
| أخلة، ۷۹ | أرخس، ۱۳۵ | أسارون، ۲۸۸، ۴۶ | أسیدار، ۵۰ |
| أخلیوس، ۴۲ | أردمانه، ۲۶۷ | أساطیس، ۲۱۱، ۱۱۳ | أسیرون (اندلس)، ۱۱۶ |
| أخلیوس سندریطس، ۱۴۶ | أز، ۱۹۷ | أساطیس، ۲۹۲ | أشبرتالہ، ۵۰ |
| أخلیوس سندریطس، ۱۷۹ | أز، ۲۴۷ | أساطیس أغریا، ۲۱۱، ۱۱۳ | أشبطانہ (لاتینی)، ۱۸۱ |
| أخیون، ۴۲ | أرسطلوخیا، ۱۶۱ | أسبست، ۱۵۶ | أشتر، ۲۷۴، ۲۰۴ |
| أداد، ۵۱ | أرسطولوخیا، ۱۶۰ | أستن، ۴۶ | أشترغاز، ۱۶۴ |
| أداد الوحید (مغرب)، ۴۷ | أرطاماسیا، ۶۱ | أشحاره، ۴۶ | أشتیوان، ۷۹ |
| أدادی (اندلس)، ۲۶۹ | أرطاماسیا، ۷۷ | أسحارة، ۹۶، ۱۹۰ | أشخیص، ۴۷ |
| أدریاس، ۹۷ | أرطریفیون، ۶۰ | أشخفان، ۴۶ | أشره، ۴۶ |
| أدریس، ۹۷ | أرغامونی، ۱۸۸، ۱۳۸ | أسجل، ۴۶ | أشق، ۲۳۲ |
| أذیرزا، ۴۲ | أرغامونی أغریا، ۱۸۸ | أسجل، ۱۳۷ | أشق الابله، ۵۲ |
| أذخیر، ۴۳ | أرغیس (اندلس)، ۱۲۰ | أسد الأرض، ۶۸ | أشقالیه (اندلس)، ۲۱۳ |
| أذریون، ۳۵ | أرقطیون، ۴۵ | أسرغنت، ۱۷۰ | أشقرذین، ۴۹، ۹۸ |
| أذئاب البقر، ۱۵۱ | أرقطیون آخر، ۴۵ | أسطافالینوس أغریوس، ۱۰۳ | أشق (مصر)، ۲۵۹ |
| أذن الأرنب، ۲۶۹، ۲۷۰ | أرقوئس، ۲۰۸ | | أشقیطله، ۶۱ |
| أذن الثور، ۲۶۹، ۲۵۲ | أرماک، ۴۵ | أسطافاندا أغریا، ۱۱۱ | أشقیل، ۴۹ |
| أذن الجدی (اندلس)، ۸۲ | أزمینن، ۴۵ | أسطراطیقوس، ۴۷ | أشقیل، ۲۱۵ |
| أذن الحمار، ۴۳ | أرنبی، ۲۶۵ | أسطراطیوس، ۱۵۱ | أشکالیه (لاتینی - اندلس)، ۲۱۳ |
| أذن الحمار (اندلس)، ۶۸ | أرنقالس، ۲۶۹ | أسطراغلئس، ۴۸ | أشکل، ۲۱۳ |
| أذن الغزال، ۳۳، ۲۷۰ | أرنیثوس غالا، ۱۹۴ | أسطنکه (فرنچی)، ۶۱ | أشکوذ، ۶۱ |
| أذن الوطواط، ۴۳ | أروسیطیقون، ۱۷۱ | أسطوخودوس، ۱۹۷ | أشکیطله (لاتینی)، ۱۲۰ |
| أذنه، ۵۹ | أروسیمنن، ۹۶ | أسطوخودوس، ۴۷ | أشنان القصارین، ۵۲ |
| أزأ، ۱۶۴، ۱۹۴ | أروسیمن، ۱۹۰ | أسفراغس، ۲۹۷ | أشنان داود، ۵۲ |
| أزاک، ۲۴۹، ۲۱۶ | أروسیمون، ۹۶ | أشفت، ۱۵۶ | أشنان فارسی، ۵۲ |
| أزباقه (لاتینی)، ۱۴۹ | أریصارون، ۲۷۳ | أشقلیئس، ۴۸ | أشنه، ۵۶ |
| أزبئشس ایمازس، ۱۲۴ | أریقارون، ۱۹۳ | أسفند، ۴۸ | أصابع الصفر، ۱۸۶، ۲۵۹ |
| أربیان، ۴۴ | أریقون شاطوریون، ۱۳۵ | أشفیوس، ۷۸ | أصابع العذری، ۵۳ |
| أربیان (شام)، ۴۴ | أریقی، ۴۶ | أسقردین، ۹۸ | أصابع الفتیات، ۲۲۵ |
| أرتدبرید، ۴۵ | أریقی، ۱۳۷ | أسقلبیاس، ۴۸ | أصابع القینات، ۵۳ |
| أرتقی، ۱۱۰ | أزاددرخت، ۳۵ | أسقیون، ۶۹ | أصابع هُرمس، ۵۳ |
| أرتقی (اندلس)، ۱۱۰ | أزاز، ۵۳ | أسکاطامن، ۶۶ | أصاص، ۵۳ |
| أرجان، ۴۴ | أزذف، ۱۶۲ | أشل، ۱۷۵ | أصطرک، ۵۳ |
| أرجل الجراد (لبنان، عراق)، ۱۶۱ | أزراری، ۹۷ | أشل (اندلس)، ۵۰ | أصطرک، ۲۸۶ |
| أرجونیه، ۲۸۵ | أزرغن، ۶۱ | أسلیح، ۵۰، ۸۷ | أصطفیلین (شام)، ۵۴ |
| | أزروود، ۴۵ | أسلیلی، ۱۸۴ | أصفوزن، ۵۴ |
| | أزَمور، ۱۶۶ | أسمانن، ۲۸۵ | |

| | | | |
|-------------------------|---------------------|----------------------|---------------------|
| أضحیان، ۵۴ | أفوسالینون، ۲۵۳ | أقنقن، ۹۰ | ألویی، ۶۱ |
| أضراس الکلب، ۵۴ | أفوقوثن، ۴۲ | أقیثا، ۷۱ | ألویی، ۱۹۵ |
| أطاء، ۵۴ | أفوقوثن، ۱۲۸ | أقیمن، ۵۹ | ألیخریسون، ۶۱ |
| أطاء، ۲۲۰ | أفولاباثن، ۱۲۲ | أقینس، ۲۲۵ | أمارنطُن، ۶۱ |
| أطباء الکلبه، ۱۶۷ | أفومارثن، ۱۵۳ | أقیثس، ۲۲۵ | أمارنطُن، ۶۱ |
| أطرَقطولس، ۲۱۰ | أفومارثون، ۱۵۲ | أكباب، ۲۱۶ | أماره، ۶۱ |
| أطرمالّه، ۵۴ | أفیغزون، ۵۶ | أکرار، ۵۹ | أماسیرنیون، ۱۵۱ |
| أطماط، ۵۴ | أفیفقطس، ۵۶ | أکر البحر، ۵۹ | أم الشغراء، ۷۵ |
| أظفار القِط، ۱۸۵ | أفیثیون، ۵۶ | أُکسورس، ۱۸۱ | أمبرشیا، ۷۷ |
| أعرابی، ۸۰ | أفیمارون، ۵۶، ۱۸۱ | أكشوث (مغرب، مصر، | أم دفراء، ۶۲ |
| أعصاب، ۱۹۳ | أفیمدیون، ۵۷ | آفریقا)، ۲۵۸ | أمذریان، ۶۲ |
| أغافث، ۱۸۸ | أفیمدیون، ۵۷ | أكفیل، ۴۹ | أمروسیا، ۶۱ |
| أغالوجن، ۵۴ | أفیوس، ۵۷ | أکلیل الجبلی، ۲۷۴ | أمصوخ، ۶۲ |
| أغرسطس، ۹۹ | أفیون، ۱۳۴، ۲۷۹ | أکلیل الجیل، ۵۹ | أم غیلان، ۲۱۶ |
| أغرسطس، ۹۹ | أقاقالیس، ۴۰، ۵۷ | أکلیل الثفساء، ۲۷۴ | أملال، ۹۰ |
| أغرومی، ۲۸۹ | أقاقیا، ۱۳۲، ۱۹۱ | أکلیلی، ۲۶۸ | أَمَلال، ۹۱ |
| أغلیس، ۹۸ | أقالیقی، ۶۵ | أکموزان، ۶۰ | أَمَلال، ۲۱۷ |
| أغثس، ۴۱ | أقجاله (اندلس)، ۲۴۷ | ألاغریزا، ۱۶۶ | أملیس، ۶۳ |
| أغیراثن، ۵۵ | أقحوان، ۳۵ | ألاطی، ۶۰ | أملیسی، ۲۱۳ |
| أغیراطین، ۵۵ | أقحوان، ۱۸۶، ۲۳۴ | ألافوسقن، ۱۵۶ | أمیرباریس، ۱۲۰ |
| أغیرس، ۵۵، ۱۲۷ | أقحوان زرد، ۹۰ | ألافوئشثن، ۱۵۶ | أمیرون، ۲۹۸ |
| أغیلان، ۶۲ | أقسوس، ۵۱، ۵۸، ۱۸۶ | ألانیون، ۱۵۳ | أمیونیطس، ۱۱۹ |
| أفار، ۹۹ | أقسوس، ۱۴۳ | ألانیون، ۱۵۳ | أناطیا(قبطی)، ۶۳ |
| أفارینی، ۸۶، ۱۱۸ | أقسیا، ۵۱، ۵۸ | ألأسفاقس، ۶۰ | أناطیریا أرمالی، ۶۳ |
| أفاقی، ۹۲ | أَقَطَف (شام)، ۲۷۵ | ألباین، ۶۰ | أناغالیس، ۳۴ |
| أفانی، ۵۵ | أَقِطَن (یمن)، ۵۸ | ألباینه، ۶۰ | أناغرن، ۶۲ |
| أفثیمون، ۱۶۷، ۲۵۸ | أقطی، ۸۵، ۱۳۸ | ألثاآ، ۱۳۶ | أناغلس، ۲۳۱ |
| أَفَثِیون، ۵۵ | أقطی، ۱۳۸ | أسفاقس، ۶۰ | أناغورس، ۱۳۲، ۲۱۶ |
| أفستین، ۱۳۰ | أقطیون، ۹۰ | ألَسنة العصافیر، ۱۷۸ | أنبالس لوقی، ۲۲۲ |
| أفستین، ۱۹۳ | أقمام، ۳۶ | ألَسینی، ۳۴ | أنبالس مالیس، ۲۲۲ |
| أفستین البحری، ۵۶ | أقثا، ۷۱ | ألف دینار، ۶۰ | أنبطرون، ۶۳ |
| أفستین الساحلی (اندلس و | أقثا أرابیقا، ۱۸۹ | ألف ذراع، ۲۹۷ | أنثله بیضاء، ۶۴ |
| مغرب)، ۵۶ | أقثا أرابیقی، ۱۸۹ | ألف ورق، ۱۱۰ | أنثله سوداء، ۶۴ |
| أفستین بحرّی، ۱۹۳ | أقثا أقیس، ۶۱ | ألَقَسینی، ۱۱۹ | أنثلیش، ۶۴ |
| أفلاطینس، ۱۴۶ | أقثالوقی، ۵۸ | أللیقاأین، ۲۱۵ | أنامیس، ۷۰ |
| أفمیلیس، ۱۶۲ | أقثالوقی، ۷۱ | ألوبن، ۶۰ | أنثلیس، ۶۴ |
| أفورس، ۵۰، ۱۵۱ | أقثس، ۱۱۴ | ألوسن، ۶۰ | أنثیمس، ۶۴ |
| أفورس، ۱۵۱ | أقثون، ۵۸ | ألومس، ۱۴۳ | أنیمس، ۷۰ |

| | | | |
|-------------------------------|---------------------------|--------------------------|------------------------|
| اُنْثیون، ۱۸۴ | اُورسِیْمون، ۴۶ | اُیْفورِس، ۵۰ | بابیر، ۷۵ |
| اُنْجَبار، ۱۵۷ | اُوروْبُنْجی، ۲۰۱ | اُیْفورِس، ۱۵۱ | باتو، ۱۷۰ |
| اُنْجَبار (اندلس)، ۶۴ | اُوروبْنخی، ۴۷، ۶۸، ۱۱۸ | اُیْلاَقْدِیْشا، ۴۱ | باتو (شیراز)، ۱۴۷ |
| اُنْجَبار رومی، ۶۵ | اُوریغاش، ۱۹۵ | اُیْلِیوطروبیون، ۹۵، ۱۹۴ | باجرا، ۱۰۰ |
| اُنْجِشا، ۶۶ | اُوزِیْمَن، ۱۰۲ | اُیْمارو قالس، ۷۰ | باجروجی، ۷۰ |
| اُنْجوک، ۶۶ | اُوسانی (آفریقا)، ۲۶۹ | اُیْمازُوقالِس، ۱۶۴، ۱۸۱ | باخاریون، ۱۴۶ |
| اُنْجِیْلَه، ۳۸ | اُوسین، ۶۸ | اُیْمونِیْطس، ۷۰ | باخیون، ۷۳ |
| اُنْخُسا، ۳۸ | اُوشیرس، ۶۸ | اُیْهَقان، ۷۰ | باداُورد، ۲۷۸ |
| اُنْخُوسا، ۳۸ | اُوطمو، ۲۹۵ | اُیْهَقان، ۱۰۲ | بادام، ۱۹۷، ۲۷۱ |
| اُنْدراسیون (لاتینی)، ۶۶ | اُوطمی، ۶۹ | | بادام تلخ، ۲۷۱ |
| اُنْدَرْخَنی، ۸۳ | اُوفیوشْقرْزِین، ۹۸ | حرف «ب» | بادام شیرین، ۲۷۱ |
| اُنْدَرُواقْشُس، ۲۴۱ | اُوقِیْمَن، ۷۱ | | بادامک، ۱۳۶ |
| اُنْدروسا، ۱۵۸ | اُوکسِجونس، ۵۰ | باایدونِیقی، ۲۷۶ | بادام کوهی، ۱۰۵ |
| اُنْدروساشَن، ۶۹ | اُوکسِجونوس، ۵۰ | باباری، ۴۶، ۷۰، ۱۴۲، ۲۲۷ | بادام نشک، ۱۹۶ |
| اُنْدروساقْس، ۶۶ | اُولسْطیون، ۱۰۱ | بابِجی، ۸۵ | باداُورد، ۷۱ |
| اُنْدَراسیون، ۷۴ | اُولیرا، ۲۱۳ | بابروس، ۷۵ | بادتخم (سیستان)، ۱۵۲ |
| اُنْس النفس، ۶۶ | اُولیرا، ۲۶۳ | بابری، ۷۱ | باد دقْلَنه، ۱۲۴ |
| اُنْطَرِیْمَن، ۶۷ | اُونوسما، ۶۸ | بابلایانا، ۱۱۵ | باددَلْبرینه، ۲۶۵ |
| اُنْطویا، ۶۶ | اُونوما، ۴۳، ۶۸ | بابلس، ۳۳ | باد دَلْبه، ۲۵۸ |
| اُنْطویا، ۲۹۸ | اُونیاغائَه (لاتینی)، ۱۸۵ | بابلص، ۷۰، ۲۹۵ | باددُرْج، ۷۱ |
| اُنْغرا، ۶۶ | اُهلال قسْطا، ۶۸ | بابُلْئَن، ۱۴۵ | بادرنویه، ۷۱ |
| اُنْف العِجْل، ۶۷ | اُهلِیْجات، ۶۸ | بابونج، ۴۴، ۵۴، ۵۷، ۵۸ | بادرنجویه، ۷۱ |
| اُنْف العِجْل، ۶۷ | اُیاراُیْطوانی، ۶۹ | ۶۴، ۷۰، ۹۱، ۱۲۸، ۲۱۷ | بادرنجویه، ۱۱۳ |
| اُنْقردیا، ۶۷ | اُیاراُیْطوانی، ۷۰ | ۲۳۴ | بادرنگ، ۷۱ |
| اُنْقردیا (رومی)، ۶۷ | اُیْوییس، ۶۹ | بابونج الاسود، ۵۸، ۱۵۳ | بادرنگبویه، ۷۱ |
| اُنِیسون، ۱۵۳ | اُیدایارِیزا، ۶۹ | بابونج الجبلی، ۵۸ | بادروج، ۶۸، ۸۴، ۱۱۳ |
| اُنِیْط (لاتینی)، ۱۸۴ | اُیدع، ۲۶۳ | بابونج الحمیر (فاس)، ۵۷ | بادروج (نبطی)، ۷۱ |
| اُوالا، ۲۱۹ | اُیدوصارون، ۶۶ | بابونج الخریفی، ۵۸ | بادره، ۲۹۵ |
| اُواقْشوس، ۶۷ | اُیدِیْصارون، ۶۶ | بابونج الرومی، ۵۸ | بادلْیینه، ۲۵۸ |
| اُوبْشَنی، ۵۶ | اُیرَنْجان، ۱۹۲ | بابونج الطلِیْطلی، ۵۸ | بادلیون، ۲۸۳ |
| اُوبِقلصن، ۶۷ | اُیرَنْجی، ۱۹۱ | بابوتق، ۶۴ | بادنجان، ۷۲ |
| اُوبوطیلون، ۶۷ | اُیرنجی، ۲۳۶ | بابوتق (مغرب)، ۷۰ | بادنجان، ۱۱۴ |
| اُوبَه قَنِیْنه (لاتینی)، ۲۱۵ | اُیریس، ۷۰، ۱۸۱ | بابونک، ۷۰ | بادنجان بری، ۷۲ |
| اُوبِیْئَدْجی، ۸۳ | اُیریغارَن، ۷۰ | بابونه، ۵۷، ۷۰ | بادنجان بری (قدس)، ۱۱۴ |
| اُوتْنا، ۶۷ | اُیزون الصغیر، ۳۷ | بابونه گاو، ۵۷ | بادنجان دشتی، ۱۱۴ |
| اُوتْنا، ۶۸ | اُیزون الکبیر، ۳۷ | بابونه گاو چشم، ۵۷ | بادنگان، ۷۲ |
| اُوذُرْباباری، ۲۲۸ | اُیْسْقس، ۱۶۵ | بابوتَه، ۶۴ | بادیان، ۱۵۲ |
| اُوراسالینون، ۲۵۳ | اُیْسْقَوامْس، ۸۸ | بابونی، ۷۰ | بادیان خطائی، ۷۲ |

| | | | |
|----------------------------|--------------------------|------------------------------|-------------------------|
| بادیان رومی، ۶۷ | باریلوماین (اندلس)، ۷۳ | بامیه، ۷۴ | بَخور الأکراد، ۷۴ |
| بادیقون (سوریه)، ۶۵ | باسلیقا، ۱۰۶ | بان، ۱۱۱ | بخور البربر، ۱۷۰ |
| بازام طلخ، ۲۷۱ | باسلیقون، ۲۸۹ | باناقس، ۱۰۰ | بخور البربر، ۱۷۰ |
| بازامک، ۷۲ | باسلیقی، ۱۱۳ | بانس، ۲۴۰ | بَخور السُودان، ۷۴ |
| بازانگان، ۷۲ | باشان، ۷۳ | بانسه، ۴۶ | بخور النئی، ۲۶۶ |
| بازبیلین، ۱۱۶ | باشیون، ۷۳ | بانفیج، ۲۱۰ | بخور عایشه، ۱۴۸ |
| بازرنویه، ۷۱، ۲۵۷ | باطاسیطس، ۹۳ | بانقش (نیشابور)، ۸۱ | بخور عایشه، ۲۵۶ |
| بازرنویه بری، ۸۳ | باطالا، ۱۴۴ | بانکریزی کلوف، ۲۳۸ | بخور مریم، ۳۴، ۱۷۰، ۱۸۶ |
| بازرنجویه، ۸۲ | باطانیقی، ۱۵۵ | بانوج، ۲۶۱ | ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۲۷ |
| بازرنجویه، ۲۵۷ | باطراخیون، ۲۵۳ | بانورس، ۷۵ | بَخور مریم، ۷۴ |
| بازرنگ، ۴۰ | باطرنیقی، ۷۵، ۸۷ | باهستان، ۲۱۸ | بخور مریم (آفریقا)، ۱۳۰ |
| بازرواکوهی، ۷۱ | باطس، ۲۱۳ | بَیْراطَه (لاتینی)، ۱۹۲، ۲۳۶ | بَداشِقان، ۷۵ |
| بازروج، ۷۱ | باطُس، ۲۱۳ | بَیْزَه، ۱۱۴ | بدالیون، ۲۸۳ |
| بازرود، ۵۸ | باغ پر باغ، ۲۶۹ | بیسطین، ۲۷۵ | بداوان (شیراز)، ۱۴۸ |
| بازنجان، ۷۲، ۲۸۳ | باقریق خنجر، ۲۱۰ | بیلاجش، ۱۵۷ | بُذاقَه، ۲۶۰ |
| بازنجان البری (اندلس)، ۲۵۸ | باقِلًا، ۷۳ | بیلیون، ۲۹۵ | بدران (شیراز)، ۵۱ |
| | باقلا مصری، ۹۳ | بِیْلِیَه، ۵۸ | بدسکان، ۷۵ |
| بازنجان بری، ۲۰۷ | باقَلای قبطی (مصر)، ۷۳ | بِیْلِیَه الاصفر، ۵۴ | بدشغان، ۷۵ |
| بازوَرَد، ۳۴، ۷۲ | باقلی، ۷۳ | بِیْلِیره، ۵۸ | بدشکان، ۲۵۹ |
| بازوَرَد، ۱۱۴ | باقلی هندی، ۵۴ | بِیْیَته، ۷۴ | بدکستان، ۷۵ |
| بازوَرَد، ۱۱۴ | باقولا، ۲۴۲ | بِیْیهه، ۷۴ | بدکشان، ۷۵ |
| بازی بلاله، ۱۲۳ | باکَر، ۷۳ | بثال مکھانه، ۲۸۴ | بدلیون، ۷۵ |
| باریه دِلایر، ۱۰۳ | باکسیان، ۸۲ | بترح، ۱۶۱ | بدولیون، ۲۸۳ |
| باریه قُتلیه، ۱۰۳ | بالانوس، ۱۰۷، ۲۵۰ | بشروطوس، ۲۵۸ | بدیلثون، ۲۵۵ |
| بازرَد، ۷۲، ۲۴۶ | بال چهر، ۱۷۷ | بجُبیلین، ۱۱۶ | بذاشغان، ۷۵ |
| بازرد، ۲۹۱ | بالدرغان، ۶۵ | بجوَرَه، ۴۰ | بذالیون، ۲۸۳ |
| بازرَد، ۷۲ | بالسطیون، ۱۰۴ | بِجُه، ۱۴۷ | بذر، ۱۲۶ |
| بارسطاریون، ۷۰، ۷۳ | بالُسْطیون، ۱۰۴ | بچند (سیستان)، ۲۴۵ | بذر السداب، ۱۶۷ |
| بارسطوان، ۱۲۴ | بالسَه، ۷۳ | بجو (فارس)، ۲۵۷ | بذلوزن، ۱۰۶ |
| بارشک، ۲۶۹ | بالش عاشقان (شیراز)، ۲۳۳ | بچه، ۲۹۳ | بذلیره، ۱۰۳ |
| بارِض، ۹۱ | بالقس، ۳۸ | بحتریه، ۶۷ | بذَلیون، ۲۸۳ |
| بارقیون، ۱۹۱ | بالک جوهِی، ۷۳ | بَحْن، ۷۴ | بذه، ۲۲۰ |
| بارلیوس، ۳۰۰ | بالکی البارد، ۲۵۹ | بحنه، ۷۴ | بر، ۱۲۶ |
| بارنج، ۱۰۹ | بالنکو، ۷۳ | بُخْترنه، ۶۰ | بُر، ۱۲۶ |
| بارون، ۲۰۵ | بالنگ، ۴۰ | بخرک (شیراز)، ۱۰۵ | برائی، ۳۹ |
| بارونوخیا، ۲۳۱ | بالنگو، ۷۱ | بَخْرَه، ۷۴ | بِرائی، ۳۹ |
| بارویشا، ۲۳۱ | بالوط، ۸۶ | بُخْشش، ۲۹۰ | براجیل، ۲۵۳ |
| باریسطاریون، ۱۵۶ | باله، ۷۴ | بَخور، ۲۴۷ | براخشنه، ۱۴۴ |

| | | | |
|---------------------------|-------------------------|-----------------------|-------------------------------|
| براذج، ۱۶۱ | بردیقیاس، ۱۱۹ | برغست، ۲۴۵ | برنیکان، ۸۴ |
| براسن، ۸۰ | بردیه، ۳۷ | برغشت، ۲۴۵ | برواق (مغرب)، ۱۳۸ |
| بُرَاسِنُوشَقْرُذَین، ۹۸ | برس، ۳۹، ۲۴۲ | بَرْغوثی، ۷۸ | بَرْوانی، ۷۸ |
| براسن وقفالوطن، ۸۰ | برسانیون، ۱۲۱ | بر (فرنگی)، ۲۵۳ | بروانیا، ۷۸ |
| بُرَاسِین، ۲۲۴ | بُرُسْتُم (آفریقا)، ۱۶۱ | برقا مصر، ۷۶ | برواونثلاسیون، ۲۰۰ |
| براکیس یری، ۷۶ | بُرُسْتُم (فاس)، ۱۶۰ | بَرْقَلی (لاتینی)، ۸۳ | برواه، ۵۲، ۲۰۲ |
| برانیا، ۶۷ | برس غنچه، ۳۹ | برقوق، ۷۶، ۱۳۹ | بروئا، ۳۹ |
| براونیا، ۲۲۲ | برسون، ۲۲۴ | برقوق (فاس)، ۴۱ | برورا، ۱۰۰ |
| براونیا، ۲۲۲ | برسیا، ۷۶، ۸۸، ۲۶۶ | برقوقیه، ۲۸۲ | بروطوس، ۲۵۷ |
| براهمی، ۱۶۱ | برسیاج دارو، ۲۱۰ | برقه، ۱۰۶ | بروق، ۳۷، ۱۳۸ |
| برباریس، ۳۵، ۵۸، ۶۱، ۱۶۳ | برسیانا، ۷۶ | بَرْکان، ۷۶ | بروقیا، ۲۰۴ |
| بَرْخِینا، ۸۲ | برسیانداری، ۷۶ | بَرْکسوس، ۷۶ | بُروله، ۲۸۰ |
| بریشک (اندلس)، ۹۰ | برسیان دارو، ۲۱۰ | برکشان، ۲۵۷ | برومس، ۱۲۶ |
| بریطور (اندلس)، ۲۷۴ | بَرْسیاوشان، ۷۵ | بَرْکک شیرازی، ۷۶ | برون، ۳۹، ۱۳۰، ۲۰۰، ۲۴۹ |
| بربله، ۲۶۳ | برسیاوشان، ۱۸۷، ۲۰۷ | برکیره، ۴۷ | بُرُون، ۵۵ |
| بربناقه، ۷۵ | بَرْسِیق، ۱۳۹ | برکینه، ۲۴۰ | بُرُون البهری، ۵۵ |
| بربناقه، ۱۲۲ | برسیون، ۷۶ | برکینه، ۴۷، ۱۵۴ | برون (پرتغال)، ۲۶۲ |
| بربوٹ، ۵۲ | برش، ۲۵۸ | برگ فرنجمشک، ۲۲۵ | بُرُون ثالاسیون، ۲۰۰ |
| بربوذا، ۵۲ | برشاد، ۱۸۹ | برگک (شیرازی)، ۲۴۵ | بروند (فرنگی)، ۲۴۰ |
| بُرُوثُذِیَه (لاتینی)، ۷۹ | برشف، ۲۴۲ | بَرْم، ۷۷ | بَرْهَنتا، ۷۸ |
| بربهن (اصفهان)، ۸۳ | برشک، ۲۲۵ | برم، ۲۱۷ | برهلیا، ۱۵۲ |
| برتراسک، ۲۴۷ | بُرُشون، ۹۴ | برمس، ۷۷ | برهْمَن، ۹۲ |
| برتراسک (شیراز)، ۷۷ | برشیان دار، ۲۱۰ | برنبهی، ۱۶۱ | برهمی، ۱۶۱ |
| برتقش، ۴۶ | برشیان دارو، ۲۱۰ | برنج، ۴۴، ۲۴۸ | بَرْنِیاله، ۷۸ |
| برتلاقش، ۴۶ | برشیاوشان، ۱۸۷ | برنجاسب، ۲۴۷ | بَرْیا مصری (مصر)، ۷۸ |
| برثانیون، ۵۷، ۵۸ | برشیاوشان، ۲۵۷ | بَرْنجاسف، ۷۶ | بريجا، ۷۲ |
| برثماز، ۱۱۳ | برشیاوشان داوران، ۲۵۷ | برنج اسف، ۷۶ | بریدفوقه (اندلس)، ۲۰۵ |
| برجارش، ۱۱۳ | برشيقا، ۱۰۷ | برنجاسف، ۷۷، ۱۹۰، ۲۴۷ | بریر، ۴۳ |
| برجی، ۹۶ | برشيقا (افرنجی)، ۴۰ | برنجاسف کوهی، ۵۵ | بَریر، ۲۳۳ |
| برجین، ۹۶ | برشيقا میلا، ۱۳۹ | برنجان، ۹۶ | بری مائی، ۲۰۲ |
| بُرَجین، ۲۱۴ | برطانیقی، ۶۰، ۲۳۹ | برنج کابلی، ۷۷ | بَرْیون، ۵۲، ۱۹۲ |
| برد الحریض، ۲۳۶ | بَرْطانیقی، ۷۶ | بَرْنجمشک، ۲۲۵ | بزاج، ۱۰۴ |
| بردبلاسقیس، ۱۱۵ | برطانیقی (لاتینی)، ۲۳۹ | برنفیس، ۲۲۵ | بَرْزایل القَطَه (آفریقا)، ۳۷ |
| بردرده، ۲۰۸ | برطره، ۲۰۵ | برنق، ۴۴ | بزبار (شیرازی)، ۷۸ |
| بردنمانمون، ۲۵۷ | برطوماش، ۴۶ | برنک، ۴۴ | بزبان، ۱۰۷ |
| برد و سلام، ۲۶۹ | برطینی (لاتین)، ۲۵۹ | برنگ، ۷۷ | بزر اسفناج البری، ۱۱۸ |
| بردی، ۷۵، ۱۶۷ | برغال سالی (فرنگی)، ۸۳ | بَرْنوف، ۷۷، ۱۸۳، ۲۱۴ | بزر الانجره، ۶۵ |
| بردیسیون، ۱۰۱ | برغث (خراسان)، ۲۴۵ | برنيس، ۷۷ | بزر البصل، ۸۰ |

| | | | |
|--------------------------|---------------------------|----------------------------|----------------------------|
| بزر البطیخ، ۸۱ | بزر النمام، ۱۸۲ | بَسْبَاسَة، ۱۰۷، ۱۴۲، ۱۹۹، | بُشَام (آفریقا)، ۷۴ |
| بزر البنج، ۸۸ | بزر الورد، ۲۹۳ | ۲۳۸ | بُشَانِق، ۲۴۷ |
| بزر البنجنکشت، ۴۱ | بزر الهلیون، ۲۹۷ | بَسبَاکَة (فرنگی)، ۲۲۵ | بُشْبُش، ۱۲۶ |
| بزر الجرجیر، ۱۰۲ | بزر الهوه، ۹۶ | بستان ابروز، ۷۸ | بشیش، ۱۲۶ |
| بزر الجزر البری، ۱۰۳ | بُزَر بَرْدی، ۷۸ | بستان افروز، ۷۱، ۷۶، ۷۸، | بشبوقة (اندلس)، ۱۳۸ |
| بزر الجزر البستانی، ۱۰۳ | بزر بلاستیس، ۱۱۵ | ۱۴۷، ۱۲۲ | بِشْت، ۱۰۵ |
| بزر الحجری، ۲۴۳ | بزر خشخاش الأسود، ۱۰۴ | بستان الجواری، ۷۸ | بِشْتَر، ۲۶۶ |
| بزر الخبازی، ۱۲۹ | بُزَر قَطُونَا، ۷۸ | بستانه، ۵۵ | بشتاقه، ۱۰۳ |
| بزر الخَبَّة، ۱۲۹ | بزر قوطونا، ۱۶۰ | بستقی، ۲۲۵ | بُشْج مائی، ۲۸۰ |
| بزر الخرفه، ۸۲ | بزر قوطونا، ۱۷۷ | بستانج، ۸۱ | بشررسون، ۱۸۰ |
| بزر الخس، ۱۳۳ | بزر قوطونا (عراق)، ۷۸ | بستولاک، ۱۷۰ | بشرمساح (مصر)، ۷۳ |
| بزر الخشخاش الاسود، | بُزَر کَتَان، ۲۵۱ | بستیناج، ۷۹ | بِشْط، ۱۴۳ |
| ۲۹۸ | ۲۵۱ | بسد، ۷۹ | بشطانیکا، ۸۴ |
| بزر الخطمی، ۱۳۶ | بزر لسان الحمل، ۲۶۹ | بُسْد، ۷۹، ۱۴۰ | بشعیرا، ۱۶۹ |
| بزر الخمخم، ۹۶ | بز شوم (نجد)، ۹۵ | بُسْد، ۷۹ | بشکرانی (اندلس)، ۵۱ |
| بزر الرازیانج الرومی، ۶۷ | بُزَعْنَج، ۲۲۵ | بُسْر، ۹۴ | بَشْکَرَانِیَة (اندلس)، ۵۱ |
| بزر الرطبه، ۱۵۵ | بزغد، ۲۲۵، ۲۳۷ | بُسْرَة، ۹۱ | بشکرانیة، ۵۱، ۱۱۴ |
| بزر الريحان، ۱۵۹ | بزندوبخند، ۲۴۵ | بسطاقیا، ۲۲۵ | بَشْکَرَايِنِ الاسود، ۵۱ |
| بزر الزيتون البری، ۴۶ | بزواق (مغرب)، ۱۳۸ | بِسْطَاقِیَا، ۲۲۵ | بشکل (حجاز)، ۹۵ |
| بزر السررق، ۱۷۰ | بزوثا، ۳۹ | بسطیقون، ۱۰۳ | بشل (اندلس)، ۱۰۶ |
| بزر السلق، ۱۷۴ | بزوثون، ۳۹ | بسطیقیا، ۱۰۵ | بَشْلَشْکَة (لاتینی)، ۱۰۶ |
| بزر الثبت، ۱۸۴ | بزوسیاء، ۳۹ | بسفايج، ۵۴، ۱۴۴ | بشلشه، ۱۰۶ |
| بزر العلق، ۱۵۶ | بَز، ۷۵ | بَسْفايِج، ۷۹ | بشم الاسود، ۲۷۲ |
| بزر الفصفصه، ۱۵۶ | بَزِير (سجستان)، ۲۴۷ | بسقما، ۱۸۳ | بشمه (حجاز)، ۹۴ |
| بزر الفت، ۱۵۶ | بساسة، ۱۶۱ | بسقواس (اندلس)، ۲۶۷ | بشمه (حجازی)، ۱۹۲ |
| بزر الفتا، ۲۳۳ | بساط الغول، ۲۰۳ | بسکهره، ۱۲۵ | بشنه، ۸۰ |
| بزر الفتد، ۱۵۶، ۲۳۴ | بساط الملك، ۲۹۱ | بَسِلَة، ۹۳ | بَشْنِین، ۸۰ |
| بزر القداح، ۱۵۶ | بسبات بلی کوئیم (لاتینی)، | بَسْلِیت، ۱۴۹ | بشنین، ۲۷۲، ۲۹۲ |
| بزر القصب، ۱۵۶ | ۲۱۰ | بسلیون، ۷۸ | بشنین (مصر)، ۸۰ |
| بزر القنب، ۲۴۵ | بسباس، ۷۸، ۱۰۷، ۲۱۱، | بَسْمَاط، ۱۳۰ | بشوریقون، ۲۲۷ |
| بزر الکثان، ۲۵۰ | ۲۲۰ | بَسْناج، ۱۴۸ | بشوش، ۸۰ |
| بزر الکراث، ۲۵۲ | بَسْبَاس، ۱۵۲ | بسوره، ۱۶۹ | بشیوما، ۹۶ |
| بزر الکرفس البستانی، ۷۸ | بسباسا، ۱۱۶ | بُسَیْسَة، ۹۳ | بصل، ۸۰، ۹۰، ۱۳۸، ۲۷۳ |
| بزر الکرفس الجبلی، ۷۸ | بسباس حبشی، ۷۸ | بسیل، ۱۰۴ | بصلا، ۸۰ |
| بزر الکرنب، ۲۵۵ | بسباس رومی، ۷۸ | بسيله، ۹۳ | بصلا (سندی)، ۸۰ |
| بزر الکشوث، ۲۵۸ | بسباس نبطی، ۷۸ | بسيلة، ۷۹، ۱۰۴ | بصل الأیض، ۸۰ |
| بزر المرو، ۲۰۹، ۲۸۰ | بسباسه، ۷۸ | بُشاش، ۷۰ | بصل الأکل، ۸۰ |
| بزر المبط، ۱۵۸ | بَسْبَاسَة، ۱۰۷ | بُشَام، ۸۰ | بصل البر، ۴۹، ۸۰ |

| | | | |
|---------------------------|----------------------------|------------------------|----------------------------------|
| بَصَلُ الْبَرِّ، ٢١٥ | بطراخيون، ٢٥٠، ٢٥٤ | بطیقي، ٢٩٦ | بَقْلَةُ الْحَمَقَاء، ٨٢، ٨٣ |
| بصل البری، ٤٩ | بَطْرَاخِیون، ٢٥٠ | بَغْصْران، ٢٠٤ | بقلة الحمقاء، ٢٤٧ |
| بصل الخراسانی، ٨٠ | بطراسالنون، ٢٥٣ | بغلیس، ٢٥٢ | بَقْلَةُ الْحَمَقَاء البریة، ١٢١ |
| بصل الخُرْم، ٨٠ | بطراسالینون، ٢٢٦، ٢٢٧ | بفرخ، ٨٣ | بقلة الخطاطیف، ٢٠٨، ٢٥٥ |
| بصل الخُصی، ٨٠ | بَطْرَاسَالِیون (مصر)، ٢٥٤ | بقتلمن، ٩٠ | بقلة الرُّمَاه، ٨٣ |
| بصل الخنزیر، ٨٠ | بطراسالیون، ٢٢٦ | بَقْتَلْمَن، ٩١، ٢١٧ | بقلة الرمل، ٨٢ |
| بصل الخنزیر (فاس)، ٤٩ | بطرس، ٦١ | بَقْثُوفِرُثْن، ٨٢ | بقلة الزهراء، ٨٣ |
| بصل الخنزیر (مغرب)، ٤٩ | بَطْرُس، ٧٧ | بقرة العین، ١٨٢ | بقلة السنانیر، ٨٣ |
| بصل الذنب، ٨١، ٨٥ | بَطْرُس، ١٩٠ | بقریس، ٢٩٨ | بقلة الضَّب، ٨٣ |
| بصل الرومی، ٨٠ | بطرسالی (فرنگی)، ٢٢٧ | بَقْس، ٨٢ | بقلة العدس، ٨٣ |
| بصل الزنر، ٨٥ | بطرسالینوس، ٢٥٤ | بقس البلدی، ٨٢ | بقلة العروس، ٨٣ |
| بَصَلُ الزاز، ٨٥ | بطرسالیون، ٢٥٣ | بقسیس، ٨٢ | بقلة الفارسیه، ٨٣ |
| بصل الزیدی، ٨٠ | بطرساموه، ٢٥٤ | بقسین، ٨٢ | بقلة اللینة، ٨٢، ١٦٢ |
| بصل الزعفران، ٨٠ | بطرسلینون، ٢٥٤ | بقسیون، ٨٢ | بَقْلَةُ الْمَبَارَكَةِ، ٨٣، ٨٤ |
| بصل الزیر، ٨٥ | بطرقیره، ١١٩، ١٥٩ | بَقْس، ٨٢ | بقلة الملك، ١٨٣ |
| بصل الزیز، ٨٠ | بطرمیقی، ١٧٢ | بقش الکرم، ١٦٠ | بقلة الیمانی، ٢٥٨ |
| بصل السنجار، ٨٠ | بَطْرَمِیقَی، ٢١٦ | بقطانیون، ١٩٦ | بقلة الیمانیة، ١٦٢ |
| بصل السوسن، ٨٠ | بطرمیقی تاغیغشت، ٢٦٣ | بقغاین، ٢٤٩ | بقلة الیهود، ٥٠، ١٢٩، ٢٩٨ |
| بصل الصغیر، ٨٠ | بطره، ٨١ | بقل، ٩٣، ١٠٣، ١٣٣، ١٣٥ | بقلة الیهودیة، ٨٤، ٩٤، ٢٩٦ |
| بصل العصل، ٤٩ | بطریه، ١١٩، ١٥٩ | ١٤٧، ١٥٤، ٢٠٥، ٢٧٤ | بقلة حامضه، ٨٣ |
| بصل الفار، ٤٩ | بطریون، ٨١، ٢٩٢، ٢٣٣ | بَقْلُ الْحَمَقَاء، ٨٢ | بقلة حمقاء بری، ٣٧ |
| بصل الفارسی، ٨٠ | بَطْم، ٤٣، ٨١، ١١١، ١٩٨ | بَقْلُ الذَّهَبِی، ١٧٠ | بقلة حمقاء بریة، ٨٣ |
| بصل الفار، ٨٠، ٢١٥ | بطما، ٨١ | بقل الذهبی، ٢٤١ | بقلة خراسانی، ٨٣ |
| بَصَلُ الْفَار (مغرب)، ٤٩ | بطمتا، ٨١ | بَقْلُ الزَّوْم، ١٧٠ | بقلة خراسانیه، ٨٣ |
| بصل القی، ٨٠، ٨١ | بطورنه ماطرش، ٩٩ | بَقْلُ الزَّوْم، ٢٤١ | بقلة دستیه، ٤٨ |
| بصل اللوف، ٨٠ | بطوس، ١٩٠ | بقل دمشقی، ٨٣ | بقلة دشتی، ٨٣ |
| بصل المجوسی، ٨٠ | بطیالایا، ٢٩٠ | بقل ریشی، ٨٣ | بقلة ذهبیه، ١٧٠ |
| بصل النرجس، ٨٠، ٢٩٠ | بَطِیْخ، ٨١، ١٤٤، ١٩٠، ٢٧٠ | بقله (شام)، ١٤٩ | بقلة عائشة (اسکندریه)، ١٠٢ |
| بصل النیلوفر، ٨٠ | بطیخ اخضر، ٨٢ | بقله یمانی، ١٥٥ | |
| بصل الھام، ٨٠ | بَطِیْخ الصخری، ١٢٦ | بقلة، ٢٦٣ | بقلة عربیه، ٨٤ |
| بصل بری، ١٥٠ | بطیخ الطویل، ٢٨٥ | بقلة اترجیه، ٢٥٧ | بقلة فاطمه، ٨٣ |
| بصل جبَلین، ٨٠ | بطیخ الفلسطینی، ١٢٦ | بقلة الانصار، ٨٢، ٢٥٥ | بقلة فلفلیه، ٢٥٧ |
| بصل نسرين المروج، ٨٠ | بطیخ الھندی، ٨٢ | بقلة الاوجاع، ٨٢ | بقلة لیثه، ٨٢ |
| بطارس، ١٦٩ | بطیخ رقی، ٨٢ | بقلة الأترجیة، ٨٢ | بقلة مانیه، ٨٤ |
| بَطَالَا، ١٤٤ | بطیخ سكری، ٨١ | بقلة الأنصار، ٢٥٥ | بقلة مبارکه، ٨٢ |
| بطالش، ١١٨ | بطیخ سندی، ٨٢ | بقلة الباردة، ١٨٥ | بَقْلَةُ یمانیه، ٨٤ |
| بطباط، ٢١٠ | بطیخ عقابی، ٨١ | بقلة البراری، ٨٢، ٨٣ | بقلة یمانیه، ٨٤ |
| بَطْبَاط، ٢١٠ | بَطِیْخ هندی، ٨٢ | بقلة الحسینیة، ٨٣ | بقلة یهودیه (اندلس)، ٢٣٦ |

| | | | |
|----------------------|----------------------------|------------------------|-------------------------|
| بقل یمانی، ۲۰۲ | بلاسفین، ۱۱۵ | بلغوئیون برمندار، ۲۱۰ | بلیطن، ۸۴، ۸۷ |
| بقم، ۸۴، ۲۱۷ | بَلاَسَظور (فرنگی)، ۸۵ | بلغیس، ۲۵۲ | بَلیطی، ۸۴ |
| بَقَم، ۲۱۵، ۲۷۰ | بلاطر، ۲۹۲ | بَلْقیر، ۱۱۸ | بَلیج، ۸۷ |
| بقنوقومَن، ۸۵ | بلاقه، ۱۰۹ | بلناس، ۲۵۰ | بمولتان اهری، ۱۳۰ |
| بَقول السَّعال، ۱۸۲ | بلاقه (لاتینی)، ۱۰۹ | بَلتاین، ۲۶۹ | بن، ۸۱ |
| بقول الصبیه، ۱۸۳ | بلال، ۳۵ | بَلتاین (لاتینی)، ۲۶۹ | بَن، ۸۹ |
| بقول المائده (مصر)، | بِلان، ۸۵ | بَلنجاسف، ۷۷ | بنات الرعد، ۲۶۰ |
| اسکندریه، صقلیه، ۲۳۵ | بَلایه، ۲۲۹ | بلنجاسف، ۱۹۰، ۲۴۷ | بنات النار، ۶۵ |
| بکا، ۸۵ | بَلایه جزیره (لاتینی)، ۲۸۱ | بلودقش، ۱۳۳ | بنات اُزیر، ۲۶۰ |
| بکام، ۳۱، ۳۵ | بلایه قَبرونه، ۵۹ | بلورا، ۲۹۶ | بنات مریرا، ۱۲۶ |
| بکاین، ۳۹، ۱۱۱ | بَلایه (اندلس)، ۲۲۹ | بلوز الريح، ۲۹۱ | بنادق البریر، ۱۰۸ |
| بَکْزَر، ۱۴۰ | بلباسی، ۲۵۰ | بلوس، ۲۰۲ | بناطش ابذا، ۱۵۳ |
| بُکچی، ۸۵ | بلیان، ۲۱۴ | بلوسیطن، ۱۰۴، ۱۹۱ | بن پوتکه، ۲۴۹ |
| بکرش (حجاز)، ۲۱۲ | بَلیراله، ۲۴۸ | بلوط، ۷۷، ۸۶، ۸۷، ۹۱ | بُشرقه (رومی)، ۲۳۹ |
| بکریدیا، ۲۹۷ | بُلپسا، ۸۰ | ۱۴۴، ۱۶۸، ۲۵۰، ۲۶۰ | بُشرقه، ۱۶۰ |
| بکریر، ۲۷۵ | بُلپس طویل، ۸۰ | بَلوط، ۸۶ | بُشرقه، ۸۷ |
| بکسیتلان از مور، ۲۱۴ | بلبل شامی، ۲۷۷ | بلوط ارعا، ۲۶۰ | بُشرقه، ۸۷ |
| بکسیس، ۸۲ | بُلبلیه الاسود، ۱۵۳ | بلوط الارض، ۳۷، ۸۶، ۸۷ | بتوشه (اندلس)، ۱۷۱ |
| بکلورم (لاتینی)، ۲۶۸ | بلبوس، ۸۰، ۸۱ | ۲۶۰ | بُتوقس اُوطا، ۳۴ |
| بکم، ۸۴ | بَلبوس، ۸۵ | بلوط الملک، ۸۷ | بتومه، ۱۵۷ |
| بَکَم، ۸۵ | بلبوسا، ۱۷۹ | بلوطا ملکا، ۸۷ | بتومه (اندلس)، ۸۷ |
| بُکمون، ۸۵ | بَلج، ۹۴ | بلوط (شام)، ۱۷۹ | بتومه، ۴۳، ۵۲، ۱۵۰، ۱۵۷ |
| بُکَن، ۸۵ | بلج، ۹۴ | بلوطی، ۸۷، ۱۴۴، ۲۲۴ | بَنج، ۸۸ |
| بکوزتیکان، ۲۱۳ | بلحشکوک، ۳۰۱ | بَلوطی، ۸۷، ۱۷۹ | بنج اسود، ۸۸ |
| بَکْهرینده، ۸۵ | بَلخته (مغرب)، ۸۶ | بلوطی صقلا، ۹۴ | بَنج اَنگشت، ۴۰ |
| بَل، ۸۵ | بلخیه، ۸۶ | بلوغوناطن، ۸۷ | بنجانی، ۹۶ |
| بَل، ۸۵ | بَلزیهاله، ۹۸ | بَلوغوئن، ۲۱۰ | بنجاین، ۱۰۰، ۱۴۳ |
| بل، ۱۳۸ | بلس، ۸۶، ۹۶ | بَلول، ۸۷ | بنجسکروان، ۲۶۹ |
| بلابس، ۸۰، ۸۵ | بَلسان، ۸۶ | بَلوین، ۱۰۳ | بنجسکروان، ۸۸ |
| بلاقبس، ۲۶۹ | بلسان، ۱۴۳ | بَله بانته، ۲۴۸ | بنجشک زیان، ۲۶۹ |
| بلابیوس، ۱۰۸ | بَلسکی، ۸۶ | بلیار، ۱۰۸ | بنجسکروان، ۱۴۴ |
| بلاثه (اندلس)، ۲۲۹ | بلسکی، ۱۱۸، ۲۷۰ | بَلیار، ۲۴۹ | بنجکشت، ۱۵۲ |
| بلاد، ۳۴ | بَلسن، ۲۰۷ | بلیان (مصر)، ۸۷ | بنجکست، ۱۷۰ |
| بَلادر، ۸۵ | بَلسن (سجزی)، ۲۰۷ | بَلیحاء، ۵۹ | بنجکشت، ۴۰، ۱۸۵، ۱۸۶ |
| بلادر، ۸۵، ۶۷ | بَلسن (مکه)، ۲۰۷ | بلیحاء، ۸۷ | ۲۲۸، ۲۵۸ |
| بلارجه، ۱۲۹ | بلطالة، ۸۷ | بلیذا، ۱۴۰ | بنجه، ۱۲۶ |
| بلاس، ۸۵ | بلطانس (فرنگی)، ۱۴۵ | بلیطس (اندلس)، ۸۴ | بنجه، ۱۵۰ |
| بلاس بایره، ۸۵ | بلطاون، ۸۴ | بلیطش، ۸۴ | بنجین، ۸۸ |

| | | | |
|------------------------|----------------------------|-----------------------|---------------------------|
| بن چهتکی، ۸۹ | بنک آس‌را، ۳۱، ۳۵ | ۸۴ | بول (بنگال)، ۹۰ |
| بنحنک (خوارزم)، ۸۴ | بنک (شیرازی)، ۲۴۵ | بورمنی (جرجان)، ۸۴ | بولجاق، ۱۲۴ |
| بندا، ۸۸ | بَنک مُخیر، ۸۹ | بورنسون، ۲۵۸ | بولدین، ۲۸۱ |
| بندا، ۱۳۱ | بنکو (شیراز)، ۷۸ | بورّه، ۸۰ | بولسری، ۹۰ |
| بندال، ۸۸ | بَنگه، ۳۶ | بوریکا، ۱۱۳ | بولو، ۱۹۵ |
| بندُق، ۸۸ | بنکه قیطس، ۳۱، ۳۶ | بوریداس، ۱۲۲ | بولوبودیون، ۷۹ |
| بندق، ۱۰۵ | بنگ، ۸۸ | بوزیدان، ۵۴ | بولوبودیون، ۷۹ |
| بندُق هندی، ۵۴، ۵۹، ۸۸ | بن لیلوفر، ۲۹۲ | بُوزیدان، ۸۹ | بولودیون، ۱۵۷ |
| ۱۵۵ | بنور، ۱۵۳ | بوست، ۱۲۴ | بولوزیون، ۷۹ |
| بَنسِکی، ۸۹ | بَنو (سجری)، ۲۱۲ | بوسیر، ۸۸، ۲۴۴ | بولوطریخون، ۷۵ |
| بنس روجن، ۱۹۹ | بنو سیاه (شیرازی)، ۲۷۵ | بوسینی، ۲۳۳ | بولوطوطریخون، ۷۶ |
| بنس لوجن، ۱۹۹ | بنوش، ۱۳۹ | بوش، ۹۰ | بولوطونخون، ۷۶ |
| بن شاه، ۸۱ | بنولیون، ۵۴ | بوش‌دریندی، ۹۰ | بولوغالی، ۱۰۴ |
| بنطاباطس، ۸۸ | بنوماش (شیرازی)، ۲۷۵ | بوشیاد، ۹۰ | بولوغاناطن، ۲۵۲ |
| بَنطابیطوس، ۸۹ | بَنیاله، ۸۹ | بوصیر، ۳۳، ۹۰، ۲۷۷ | بولوغانطن، ۹۰ |
| بنطادانیکا، ۱۴۴ | بنیشه، ۱۵۰ | بوطاماخیطس، ۹۰ | بولوغتن، ۹۰ |
| بنطادَقطوُلُن، ۸۸ | بوئی، ۹۰ | بوطاموغیطس، ۱۱۰ | بولوقنیمن، ۹۰، ۲۵۲ |
| بَنطادَقطوُلُن، ۸۹ | بواب الحاجب، ۷۸ | بوطاموغیطن، ۹۹ | بولیطریخو، ۷۶ |
| بنطاطوس، ۸۸ | بوارس، ۲۸۱ | بوطانیه (اندلس)، ۲۲۲ | بولیون، ۱۰۳ |
| بنطافلن، ۸۸ | بوئالمیوس، ۲۱۷ | بوطانیه، ۹۰، ۲۲۲ | بومادران، ۷۷ |
| بَنطافلن، ۸۸ | بولسُمون، ۸۶ | بوتل، ۲۵۴، ۲۵۹ | بوتق، ۷۷ |
| بَنطافلن، ۸۸ | بویونیون، ۱۸۹ | بوتولون، ۲۵۴ | بونیاَس، ۱۸۹ |
| بَنطافلن، ۱۵۲ | بوئلمون، ۹۰ | بوطة، ۱۴۸ | بونیاون، ۱۸۹ |
| بنطافلن، ۲۵۹ | بوخل (نیشابور)، ۸۳ | بوَعقاد (فاس)، ۲۱۰ | بونیکا، ۱۵۷ |
| بنطافلون، ۱۲۵، ۲۵۸ | بوخَنو، ۱۰۶ | بوغلصن، ۲۵۲، ۲۶۸ | بونیون، ۹۰ |
| بَنطاموَمَن، ۸۸ | بودال، ۹۶ | بوغلوسن، ۲۶۸ | بوی جهودان، ۲۸۳ |
| بنطاناتی، ۸۸ | بودی، ۲۷۵ | بوفاالمون، ۹۰ | بوی مادران، ۲۴۷ |
| بنطفلون، ۴۱ | بودافانن، ۲۰۴ | بوفاسفسوس، ۶۱ | بوی ماذران، ۲۴۷ |
| بنطیقا، ۱۵۴ | بودریج، ۸۹ | بُوقاذائُس، ۷۴ | بوینون، ۹۰ |
| بَنفسَج، ۸۹، ۱۲۹ | بودنه، ۲۹۰ | بوقی، ۲۴۶، ۲۹۲ | بوی هیربذان (سجستان)، ۱۸۰ |
| بنفسج الکلاب، ۱۸۳ | بوراطاغرین، ۱۲۶ | بوقیصا، ۱۴۴ | ۱۸۰ |
| بنفسج اللیل، ۱۶۸ | بوراطاغونس، ۳۹ | بوکسطیلان طربول رماکه | به، ۱۷۲ |
| بنفشه، ۸۹ | بورشاد، ۱۸۹ | (لاتینی)، ۱۲۵ | بهار، ۴۴، ۵۷، ۸۰، ۹۰ |
| بَنقراطیون، ۲۴۳ | بورفیا، ۴۳ | بول، ۲۷۷ | ۱۴۲، ۲۱۷، ۲۹۴ |
| بَنقّه، ۸۹ | بورقداس، ۱۲۲ | بولابیطس، ۱۰۵ | بهار ابیض، ۹۰ |
| بنک، ۸۸، ۲۴۵ | بورکر، ۱۳۷ | بولاقیطس، ۱۳۴ | بهار الاصفَر، ۳۴ |
| بَنک، ۸۹ | بورمندی (جرجان)، ۸۴ | بولامنیون، ۹۰ | بهار البر، ۳۴، ۹۰ |
| بَنک، ۱۴۳ | بورمنی (بخارا و جرجان)، ۹۰ | بولامونیون، ۹۰ | بهار الریاض، ۹۰ |

| | | | |
|-----------------------------|--------------------------|-------------------------------|--------------------------|
| بهار خرما، ۹۵ | بیبل، ۹۲ | ۲۶۹ | پاندروت (سند)، ۱۴۶ |
| بهار (فاس)، ۲۹۰ | بیوریس، ۲۷۷ | بیشاک مینور (فرنگی)، ۲۶۹ | پاندورت، ۱۴۶ |
| بهاری، ۲۹۰ | بیت، ۱۴۰ | بیش موش بیشا، ۹۲ | پای کلاغ (پهلوی)، ۱۵۵ |
| بهاسلواواکرا، ۲۹۶ | بیجه، ۱۷۳ | بیض الاوز، ۹۲ | پت پایره، ۱۸۳ |
| بهانتانا، ۷۲ | بیخ آسمان گون، ۷۰ | بیض العیار (شام و بغداد)، ۲۴۵ | پتروتیزپاپ، ۱۶۶ |
| بهتکتیه، ۱۱۴ | بیخ برنده، ۱۹۳ | بیتضمون، ۸۸ | پتوهری (بنگال)، ۹۳ |
| بَهَج، ۲۸۱ | بیخ بنفشه، ۷۰ | بیضة الارض، ۲۶۰ | پدیهر، ۲۲۶ |
| به دانه، ۱۷۲ | بیخ تفت، ۱۹۱ | بیضة البلد، ۲۶۰ | پرپی، ۱۶۱ |
| بهرامج، ۱۳۷، ۲۱۰ | بیخ جگری، ۱۵۴ | بیضة النعامة، ۲۶۰ | پرپهن، ۸۳ |
| بهرامج البر، ۱۵۹، ۲۰۵ | بیخ چکری، ۱۵۴ | بیضی، ۸۰ | پرساوشان، ۷۵ |
| بهرامه، ۲۱۰ | بیخ چینی، ۱۰۶ | بیطویداس، ۱۹۷ | پرساوشان، ۷۶، ۱۷۸، ۱۸۷ |
| بهرامه، ۱۳۷ | بیخ سنبل، ۲۲۸ | بیطوئیداس، ۱۹۷ | پرکاج (شیراز)، ۱۹۶ |
| بهران، ۱۶۴ | بیخ سوسن سفید، ۵۴ | بیغانس، ۱۶۸ | پرنگ، ۵۹ |
| بِهْرَة، ۱۹۳ | بیخ عرطیشا، ۳۴ | بیغانن، ۱۱۶ | پسته، ۲۲۵ |
| بهرینه، ۱۲۶ | بیخ کازران، ۲۶۳ | بیقرون، ۵۶ | پشم، ۹۴ |
| بهرتا، ۷۲ | بیخ لفاح، ۳۰۰ | بیتقور، ۲۹۲ | پل پرنگ، ۵۶ |
| بهرم، ۲۱۰ | بیخ مهک، ۱۸۰ | بیقه، ۹۲ | پلپل، ۲۲۷ |
| بهرمان، ۲۱۰ | بیخین، ۷۳ | بیقیه، ۱۰۴، ۹۲ | پلپلی، ۲۲۷ |
| بَهش، ۲۸۳، ۹۱ | بید، ۱۳۶ | بیکن، ۷۲ | پلنگ مشک، ۸۳ |
| بهطل کطی، ۲۹۸ | بیدار، ۱۴۹ | بیل، ۹۲ | پلنگمشک، ۲۲۵ |
| بهفانج، ۹۱ | بیدانجیر، ۱۳۳ | بیلطس، ۱۱۹ | پلیهیم (طبرستان)، ۲۱۹ |
| بهقان، ۱۰۲ | بید بری، ۱۳۶ | بیلْم، ۷۵ | پُم (فرنگی)، ۱۸۹ |
| بهکتانی، ۷۲ | بید گیاه، ۹۹ | بیلْمون، ۸۲ | پنبه، ۲۴۲ |
| بهلاوه، ۸۵ | بیدمر، ۴۱ | بیلیطش، ۸۷ | پنبه دانه، ۲۴۲ |
| بَهْمَاه، ۹۱ | بید مشک، ۱۳۶، ۱۳۷ | بیلئو (لاتینی)، ۹۱ | پنجنگشت، ۴۱ |
| بهمن، ۹۱ | بید موله، ۱۳۶ | بیلیون، ۱۲۱ | پنکهراج (بنگال)، ۱۶۹ |
| بهمن الأحمر، ۲۵۸ | بیدانجیر، ۱۳۳ | بیلئو (لاتینی)، ۲۱۷ | پنواز، ۱۰۴ |
| بهمن أبيض، ۱۰۵ | بیر، ۱۶۸، ۲۲۲، ۲۴۹ | بیم (دیلیم و تنکابن)، ۱۶۷ | پنیرک، ۱۲۹ |
| بَهْمی، ۹۱ | بیرزد، ۲۴۶ | بیثب، ۹۲ | پنیرک خطمی (کرمانی)، ۱۲۹ |
| بهنک، ۱۰۳، ۲۴۵ | بیرور، ۸۰ | بینوق، ۲۴۲ | پنیرک (سجری جدید)، ۲۸۴ |
| بَهْنُکْره، ۹۱ | بیروم، ۴۳ | بیوه زا، ۲۳۶ | پنیر نخل، ۹۵ |
| بُهونی انوله، ۹۲ | پیرون، ۱۴۵ | بیوه زا (آذربایجان)، ۹۲ | پویهکل (شیرازی)، ۲۲۵ |
| بهولسری، ۹۰ | بیره، ۲۶۲ | | پودنک، ۲۲۹ |
| بهی، ۱۷۲ | بیزه، ۹۲، ۲۸۷ | | پودنه، ۲۲۸، ۲۲۹ |
| بهیره، ۸۷ | بیستی کوسک، ۷۳ | | پودنه جلی، ۲۸۱ |
| بهی (سجری)، ۱۲۶ | بیسیم، ۹۲ | | پودنه صحرانی، ۱۰۵ |
| بیارانکا، ۹۲ | بیش، ۹۲، ۲۰۴ | | |
| بیای درازاتیم (لاتینی)، ۱۸۸ | بیشاک میسور (فرنگی)، ۱۰۰ | | |

حرف «پ»

| | | | |
|------------------------|-----------------------------|-----------------------|--------------------------|
| پودنه کوهی، ۱۱۰، ۲۲۹ | تاتوله، ۱۰۹ | تاک پترویداره، ۹۳ | تخم بزوشه (تبریزی)، ۲۶۹ |
| پوروس، ۱۲۶ | تاج خروس، ۷۹ | تاکسوت، ۲۲۴ | تخم بلوک (کرمان)، ۸۳ |
| پوست، ۱۳۴ | تاجر الاصف، ۳۴ | تاکوب، ۵۵، ۲۲۴ | تخم بیخ رومی، ۱۹۱ |
| پوست بیخ زرشک، ۳۵ | تاجر (فاس)، ۳۴ | تاکوژت، ۹۳، ۱۶۳ | تخم پدران (شیرازی)، ۲۳۵ |
| پوست درخت کاذی، ۴۵ | تاج ریزی (اصفهان)، ۲۱۴ | تالاسفیس، ۱۰۲ | تخم پنوار، ۱۷۹ |
| پوندا، ۲۴۱ | تاجیقطن، ۲۸۰ | تال شال، ۲۱۰ | تخم پیاز، ۸۰ |
| پهته، ۷۵ | تار، ۹۲ | تالکن، ۲۹۸ | تخم ترخر (شیرازی)، ۲۳۵ |
| پهیلی، ۲۵۷ | تار ترقه، ۱۴۷ | تال مکهارا، ۹۳ | تخم ترشه، ۱۲۲ |
| پهین چهر، ۲۲۶ | تاره قبرونه، ۶۵ | تال مکهانبول، ۹۳ | تخم ترشیشک (شیرازی)، ۱۲۲ |
| پیاز تلکه (شیرازی)، ۸۵ | تازیل، ۲۷۰ | تالیس، ۱۶۱ | تخم تره تیزک، ۱۱۵ |
| پیاز دشتی، ۴۹ | تازرت، ۹۶، ۹۲ | تالیسپتر، ۱۶۱ | تخم توخره، ۲۳۵ |
| پیاز موش، ۴۹ | تازرت، ۲۲۲ | تالیسفیس، ۲۸۱ | تخم جزربری، ۱۴۸ |
| پیاز نرگس، ۲۹۰ | تاز غلّت (بربری - مصر)، ۲۵۰ | تامرت، ۲۶۷ | تخم چکوند، ۱۷۹ |
| پیپل، ۱۴۲، ۲۲۸ | تازلفت، ۵۵ | تامسورت، ۹۳ | تخم خرد، ۱۲۹ |
| پیپلامول بلام، ۲۲۸ | تازلفت الینو، ۵۵ | تاممشت، ۲۰۲ | تخم خیار، ۲۳۴ |
| پی پل مول، ۲۲۸ | تاسکرا، ۲۲۵ | تاموک، ۶۷ | تخم دل آشوب (شیرازی)، ۴۱ |
| پیپلی، ۱۴۲ | تاسلت، ۱۵۹ | تامول، ۹۳ | تخم ریباس، ۱۱۱ |
| پیته، ۲۳۷ | تاسلغا، ۲۱۸ | تانبول، ۹۳ | تخم زرداب، ۹۹ |
| پیچک، ۲۵۷ | تاسلفی، ۱۱۵ | تانقیت، ۹۳ | تخم سپندان، ۱۱۵ |
| پیچک (شیرازی)، ۲۵۷ | تاسلغا، ۱۷۰ | تاوه، ۱۰۴ | تخم قاوند، ۲۳۳ |
| پیر در بهار، ۷۰ | تاسلقوا (فاس)، ۱۳۲ | تاینس، ۱۵۵ | تخم کاج، ۱۱۲ |
| پیرز، ۱۶۷ | تاسمُت، ۱۲۲ | تألَب، ۹۳ | تخم کاجره (گیلان)، ۲۳۶ |
| پیرزد، ۷۲ | تاسمُت، ۱۲۲ | تباکیر، ۱۹۹ | تخم کازیره (گیلان)، ۲۳۶ |
| پیزا، ۷۵ | تاشمصت، ۱۲۲ | تبرئه، ۲۷۱ | تخم کافشه، ۲۳۶ |
| پیزد، ۷۵ | تاصالیمت، ۸۰ | تبرزد، ۲۰۰ | تخمکمان (تبریز)، ۸۳ |
| پیزرا، ۱۲۱ | تاغغیت (آفریقا و تونس)، ۱۳۳ | تین مکه (فاس)، ۴۳ | تخم کرفس رومی، ۲۶۱ |
| پی زمی، ۲۶۰ | تاغندشت، ۲۰۵ | تبهو، ۲۴۱ | تخم کشوث، ۲۵۸ |
| پیل، ۴۳ | تاغیشت، ۱۵۸ | تترک، ۱۷۵ | تخم کلم (شیرازی)، ۲۵۵ |
| پیلان فردی، ۹۹ | تاغیغشت، ۱۷۱، ۲۰۷ | تتل، ۱۷۵ | تخم کنب، ۱۱۱ |
| پیل زهره، ۱۲۰ | تافزیرت، ۱۲۶ | تتلی (بنگال)، ۱۶۷ | تخم گزر، ۱۰۳ |
| پیل گوش، ۲۳۰ | تافسیا، ۹۷، ۱۶۷ | تج، ۱۷۴، ۲۳۸ | تخم نیلوفر، ۱۱۳ |
| پیل گوشک، ۲۳۰ | تافندوت، ۱۰۹ | تحلی، ۱۱۵ | تخم نیلوفر هندی، ۵۴ |
| پیلووجال، ۴۳ | تافیزان، ۱۰۳ | تخصیص، ۲۵۳ | تخم وهل، ۳۹، ۴۰ |
| پیوند مریم، ۱۱۲ | تافیرا، ۲۵۹ | تخم، ۹۹ | تخمه، ۹۹ |
| | تافیرا، ۱۷۲ | تخم اسبست، ۱۵۶ | تذری (شیراز)، ۹۶ |
| | تاک، ۲۲۲، ۲۵۵ | تخم امروود جنگلی، ۱۴۲ | تراب القیء، ۱۱۴ |
| | | تخم اهر (شیرازی)، ۲۶۹ | |

حرف «ت»

| | | | |
|--------------------------|--------------------------|---------------------------|--------------------|
| تراپ الهالك (عراق)، ۶۸ | ترمس، ۹۳ | تفاح الارمنى، ۲۸۲ | تلیوت، ۲۵۰ |
| تراست، ۸۰ | ترمس الثعلب، ۹۳ | تُفَاح الأرض، ۶۴، ۷۰، ۱۲۸ | تمتم، ۱۷۵ |
| ترانشول (اندلس)، ۱۹۴ | ترمس الحجل، ۹۳ | تفاح الجمل، ۲۳۶ | تَمَر، ۹۴ |
| ترب، ۲۲۳ | تُرمس الخنزیر، ۱۵۷، ۹۳ | تفاح الجن، ۱۴۹، ۲۷۰ | تمر، ۲۳۹ |
| تریج، ۹۳ | ترمشیر (نبطی)، ۲۸۱ | ۳۰۰ | تَمَر، ۲۹۶ |
| تُرَید، ۶۰، ۹۳، ۱۵۲، ۱۷۳ | تُرَمی أیمازوس، ۹۳ | تفاح الدب، ۴۱، ۹۴ | تمر، ۹۴ |
| ۲۴۵، ۲۰۳ | تُرَنج، ۴۰ | تفاح الفارسی، ۱۳۹ | تمر الجوز، ۲۰۵ |
| ترید ابیض، ۹۳ | ترنجاش، ۱۱۳ | تفاح ارمنى، ۲۸۲ | تمر الذهبی، ۳۹ |
| تریزه (شیراز)، ۲۲۳ | ترنجان، ۷۱، ۸۳، ۱۱۳، ۲۸۳ | تفاح بری، ۹۴، ۱۶۲ | تمر الهندیة، ۳۹ |
| تریوز، ۸۲ | ترنجان الثعلب، ۱۱۷ | تفاح فارسی، ۱۳۹ | تمر هندی، ۹۵، ۱۲۴ |
| تربة، ۹۳ | ترنجبین، ۱۱۰، ۱۹۳ | تفاح مانی، ۳۹ | تمر هندی ترش، ۱۹۴ |
| تربة العسل (اندلس)، ۱۰۷ | تُرَنج (فاس)، ۴۰ | تفاح ماهی، ۳۹ | تمر هیرونی، ۹۵ |
| تریزک (شیرازی)، ۲۲۳ | تُرَنگ (اهواز)، ۴۰ | تفاح، ۸۳، ۸۴، ۹۴، ۲۹۶ | تمش (جرجان)، ۲۱۳ |
| تُرَیزه، ۱۳۰، ۲۲۳ | تره (اصفهان)، ۲۵۲ | تَفَّاء، ۱۱۵ | تَمَک، ۶۷، ۲۷۴ |
| ترتلی، ۲۰۴ | تره تیزک، ۱۰۲ | تفده، ۲۵۶ | تمک، ۱۱۴ |
| ترتیق، ۲۰۴ | تره خراسانی، ۷۱، ۸۳ | تفسیا، ۹۷، ۱۶۷ | تملمح، ۱۵۳ |
| ترخانی، ۲۰۲ | تره داهان، ۸۳ | تفوریة، ۲۱۹ | تملول، ۱۷۵، ۲۴۵ |
| ترخر، ۱۴۸ | تره گربه، ۸۳ | تفده، ۲۵۶ | تمنس، ۲۷۷ |
| تر (خراسان)، ۱۱۰ | تُرَهْلا، ۷۷، ۲۱۹ | تَفْده، ۲۵۷ | تموش (دیلیم)، ۲۱۳ |
| ترخونی (شیرازی)، ۲۰۲ | ترهْلان، ۱۹۹ | تَفْده، ۲۵۷ | تمول، ۲۴۵ |
| تُرَس الماء، ۲۹۲ | ترهلان (آفریقا)، ۲۱۹ | تَفْده، ۲۵۶ | تمیط، ۱۱۴ |
| ترسک (شیرازی)، ۱۲۳ | ترهلیان (نبطی)، ۱۴۸ | تقرد، ۲۵۶ | تمیم، ۲۴۵ |
| ترسی، ۹۳ | تره میره (سیستان)، ۱۰۲ | تَقْرَد، ۲۵۶ | تنالیش، ۱۱۵ |
| ترشح، ۱۲۲ | ترهیلیه (نبطی)، ۱۴۸ | تقرزین، ۱۱۳ | تنایس، ۲۶۶ |
| ترشک، ۱۲۲ | تریاق کوهی، ۲۷۷ | تکر، ۴۶ | تَنَبَل، ۹۳ |
| ترشه، ۱۲۲ | تریاق نبطی، ۳۰۰ | تَکْطِشْت، ۲۰۵ | تنبول، ۹۳ |
| ترشه (شیراز)، ۱۲۲ | تریامان، ۵۴، ۹۴ | تَکُوت (مغرب)، ۲۲۴ | تنزیک، ۱۷۵ |
| ترشینک، ۱۲۲ | ترزلیت، ۹۴ | تَل، ۱۷۶ | تَنْصُب، ۹۴ |
| تُرَف، ۹۷، ۱۴۷ | تستر، ۲۰۵ | تلاد، ۳۴ | تنطریه، ۲۹۲ |
| ترفاس، ۲۶۰ | تستریة، ۲۰۵ | تلاسفین، ۱۱۶ | تَنعیمه، ۹۴، ۹۵ |
| ترفاس (مغرب)، ۲۶۰ | تسکرت، ۹۸ | تلاشفین، ۱۱۵ | تنکر، ۲۱۷ |
| ترف (خراسان)، ۱۲۴ | تسوت، ۹۳ | تلخه پیاز، ۸۵ | تنوب، ۴۴، ۱۹۶، ۲۴۱ |
| ترفس، ۲۶۰ | تشمیز، ۷۹ | تُلَسْفی، ۱۱۵، ۱۱۶ | تَنُوب، ۱۹۶، ۱۹۷ |
| ترله بانس، ۲۴۰ | تَشْمِیزَج، ۹۴ | تلسی، ۱۸۴ | تنوم، ۵۹، ۱۱۲، ۲۹۲ |
| ترمانان، ۵۴ | تشن (سیستان)، ۹۴ | تلسی جنگلی، ۷۱ | تَنُوم، ۹۵ |
| ترمر، ۱۰۲ | تَشِیک (زابل)، ۱۸۳ | تلغوطه، ۳۷ | تَنُوم، ۲۰۴ |
| تُرَم (ری)، ۱۶۴ | تَغِغِشْت (فاس)، ۲۶۳ | تلکننت، ۶۷ | تنیفن، ۱۰۴ |
| تُرَمِس، ۹۳، ۱۰۲ | تُفَاح، ۶۴، ۹۴ | تلیش، ۲۴۲، ۲۸۴ | تنین، ۲۷۳ |

| | | | |
|-----------------------------|----------------------------|------------------------|-------------------------|
| توانیقی، ۱۱۲ | تونیا (هندی و سندی)، ۱۶۱ | تین الرحانی، ۹۶ | ثغامة، ۴۸ |
| توبالاغ، ۱۷۱ | تُوْنِته، ۱۷۹ | تین الفُج، ۱۸۴ | ثُفَاء، ۱۱۵ |
| توبج، ۲۶۶ | تویوش، ۱۶۴ | تین الفیل، ۱۰۸ | ثغاة، ۱۱۵ |
| توت، ۹۵ | توئمان، ۹۶ | تین أحق، ۱۰۵ | ثقولس، ۲۹۷ |
| توت الثُّغَلْب، ۱۷۹ | ته توره، ۱۰۹ | تین بری، ۹۶ | ثلاسفی، ۱۱۵ |
| توت الثعلب، ۱۷۹ | تَهْکار، ۹۶ | تین جبلی، ۹۶، ۱۰۵، ۱۲۷ | ثَلْب، ۹۷ |
| توت الحریر، ۹۵ | تهلول، ۷۶ | تین مکه، ۴۳ | ثلاثان، ۲۱۴ |
| توت العلیق، ۲۱۳ | تهور، ۱۶۳ | تیواج، ۹۷ | ثلاثان، ۲۱۵، ۲۴۹ |
| توتاملون، ۳۰۰ | تیاج، ۱۵۲ | تیونی، ۲۹۰ | ثُلثلان، ۲۱۵ |
| توت حامض، ۹۵ | تیبی ان وامان، ۱۲۹ | | ثُلْس، ۲۴۰ |
| توت حلو، ۹۵ | تیرحله، ۴۶ | | ثلسفی، ۱۳۱ |
| توت سه گل (شیراز)، ۲۱۳ | تیزغا (فاس)، ۲۱۹ | | ثمارون، ۲۰۸ |
| توت شامی، ۹۵ | تیزمارت، ۷۰ | ثابقا، ۲۱۳ | ثَمَام، ۹۷ |
| توت لَحْن، ۹۵ | تی سملیل، ۲۰۹ | ثاروبیا، ۲۳۰ | ثَمَام، ۱۵۱ |
| توت نبطی، ۹۵ | تیسو، ۸۵ | ثافیشیا (مغرب)، ۹۷ | ثمبرا، ۱۹۵ |
| توت وحشی، ۲۱۳، ۹۵ | تیسی، ۲۰۱، ۲۵۱ | ثافیقرا، ۱۴۶ | ثمر الغالبه، ۱۰۸ |
| توجده (مغرب)، ۸۲ | تیشرت، ۹۸ | ثاقب الحجر، ۷۹ | ثمر الفؤاد (مصر)، ۸۶ |
| توجدره (مغرب)، ۸۲ | تیطرانگورن، ۲۳۴ | ثالاسطون، ۱۵۸ | ثمر پشه، ۱۰۵ |
| تودری، ۴۶، ۱۹۰ | تیطمست، ۴۳ | ثالاسفیس، ۱۱۵ | ثمر شجر الکافور، ۵۴ |
| تودری، ۹۶ | تیغَل، ۱۲۶ | ثالیطرن، ۹۷ | ثمره الدب، ۲۸۰ |
| توذریج، ۹۶ | تيفرست، ۲۶۱ | ثالیل الجنات، ۷۲ | ثمره الکبر، ۲۵۰ |
| تُوْرْتی، ۹۶ | تيفست ازوزغار، ۲۵۱ | ثامر، ۱۲۲ | ثملول، ۲۴۵ |
| تورک، ۸۳ | تيفلت (فاس)، ۲۹۷ | ثامرا، ۲۷۱ | ثُمَيْلَه (اندلس)، ۴۷ |
| تورکی (شیراز)، ۸۳ | تیکظا، ۱۳۲ | ثامروان، ۲۷۱ | ثوب مُبْهَرَم، ۲۱۰ |
| تورم، ۳۴ | تيلت اینرقت، ۱۱۹ | ثبوریدوس، ۲۲۸ | ثور، ۲۰۰ |
| توز، ۱۲۷، ۲۶۴ | تیمجا (مراکش)، ۲۲۹ | ثُداء، ۹۷ | ثوس، ۱۱۰ |
| توزانکون ناریه (فرنگی)، ۱۱۱ | تیمرساط، ۲۲۹ | ثُرثوقس ایماروس، ۱۳۳ | ثوع، ۹۷ |
| | تیمزین، ۱۲۶ | ثرمان، ۹۷ | ثوم، ۴۹، ۸۰، ۹۸، ۱۵۷ |
| توشیر، ۱۹۹ | تیمشطان، ۱۴۹ | ثُرْمان، ۱۲۳ | ثُوم، ۹۷ |
| توفته، ۵۲ | تیمط (اندلس و مغرب)، ۲۲۵ | ثُرْمَد، ۱۲۳ | ثومادیرا، ۹۸ |
| توله بانس، ۱۹۹ | تیمق (اندلس و مغرب)، ۲۲۵ | ثرودوقس ایمارس، ۱۳۳ | ثومارس، ۱۰۶ |
| توما، ۹۸ | تین (اندلس و مغرب)، ۲۲۵ | ثریا، ۹۷ | ثومالا، ۲۷۷ |
| تومالی، ۲۷۵ | تین، ۶۲، ۹۶، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۸۴ | ثریا (اندلس)، ۷۰ | ثومالا، ۲۷۷ |
| تومرنا، ۲۰۱ | تین آدم، ۶۶ | ثعاله، ۲۴۹ | ثوم البستانی، ۹۸ |
| تومس، ۱۱۰ | تین ایض، ۸۶ | ثُغْب، ۹۷ | ثوم الجبلی، ۸۰ |
| تومین (لبنان)، ۲۷۱ | تین الاحق، ۱۰۵ | ثعره، ۲۵۶ | ثوم الحیه، ۴۸ |
| تونبری، ۲۳۷ | | ثَغَام، ۹۷ | ثوم الحیه، ۴۹، ۹۸ |
| تُون تَرَه، ۱۱۵ | | ثغام، ۲۹۱ | ثوم الحیه، ۹۸، ۱۰۶، ۱۸۹ |

حرف «ث»

| | | | |
|---------------------|---------------------------|--------------------------|---------------------------|
| ثوم الضفادع، ۹۸ | جام بَهَل، ۱۰۰ | جُبَلین، ۱۱۷ | جرجیر الماء، ۱۰۲، ۱۵۹، |
| ثوم الکلب، ۴۸ | جامسه، ۷۳ | جبن، ۱۴۵ | ۱۸۲، ۲۳۵، ۲۵۴ |
| ثوم بری، ۹۸، ۴۹، ۹۸ | جامسیه (مصر)، ۷۳ | جَبْن الثعبان، ۲۷۳ | جَرَجیر الماء (مغرب)، ۲۳۵ |
| ثوم جبلی، ۹۸ | جامع البَضْع، ۱۰۱ | جبن القروذ، ۲۷۳ | جرجیر الهر، ۱۰۲ |
| ثوم ذی الأستان، ۹۸ | جامع البَضْع، ۱۵۷ | جَبْه، ۱۰۱ | جرجیر بری، ۷۰ |
| ثومس، ۱۱۰ | جامع اللحم، ۱۰۱ | جبین جبن، ۱۴۵ | جرجیر بیابانی، ۷۰ |
| ثومش، ۹۹ | جامول الکتان، ۲۵۸ | جشجات، ۷۶، ۱۰۱، ۲۴۷ | جرذیونَه، ۱۰۸ |
| ثومش، ۱۱۰ | جامول الکتان (اندلس)، ۱۶۷ | جَشْم، ۱۲۶ | جرز الشیاطین، ۳۶ |
| ثوم کُرائی، ۹۸ | جامون، ۱۰۰ | جحفیل، ۴۷ | جرمامه، ۲۶۵ |
| ثومون، ۹۹ | جامه خواب، ۲۰۰ | جحلق، ۳۷، ۶۷ | جرمامه، ۱۰۳ |
| ثومیة، ۹۸ | جاوردشیر، ۱۰۰ | جحلیق، ۶۷ | جرمان، ۲۰۲ |
| ثیل، ۴۴، ۹۹، ۲۱۲ | جاوزرس، ۱۰۰ | جَخِجَن (اهل هری)، ۹۴ | جَرموز، ۸۴ |
| ثَیْل، ۱۲۳ | جاورس، ۱۴۳، ۱۵۰ | جُذری (بلخ و طخاری)، ۲۲۶ | جَزْمیلک، ۱۰۳ |
| ثیلوطارس، ۱۵۷ | جاورس هندی، ۱۰۰ | جَدَف، ۱۷۴ | جنوب، ۱۰۳ |
| حرف «ج» | | | |
| جابور، ۹۹ | جاوروس، ۱۴۳، ۱۰۰ | جَدوار، ۱۰۱، ۱۴۴ | جریال، ۱۰۳ |
| جاجر، ۱۰۴ | جاوروس هندی، ۱۴۹ | جدوار اندلسی، ۶۴ | جریال بقم، ۱۰۳ |
| جاحوشی (شیراز)، ۱۰۰ | جاوشیر، ۱۰۰ | جراد بحری، ۴۴ | جریلَه خمر، ۱۰۳ |
| جادوبوی، ۱۰۷ | جاونری، ۱۰۷ | جراشیا، ۲۳۴ | جز (تکنابن)، ۳۶ |
| جادی، ۱۶۳ | جاهبَنک، ۷۴ | جراطه، ۱۰۲ | جَزَر، ۵۴، ۱۰۳ |
| جادیفَل، ۱۰۷ | جاهی، ۲۰۵ | جراطه، ۱۲۲ | جزیر البری، ۶۰، ۱۴۸ |
| جار النهر، ۹۹ | جای بل، ۱۰۷ | جر المشایخ (آفریقا)، ۷۴ | جزر البستانی، ۱۴۸ |
| جارکون، ۱۰۷ | جای پهل، ۱۰۷ | جرامغه، ۱۴۸ | جزر بری، ۵۰، ۲۲۹، ۲۹۰ |
| جاسا آکاما، ۴۱ | جَبَأ، ۲۶۰ | جرامقه، ۱۴۹ | جزمارج، ۲۰۲ |
| جاسوس، ۱۰۰ | جَبَأَة، ۲۶۰ | جَزْنَه، ۱۴۸ | جزو اعظم، ۲۴۵ |
| جاسه، ۷۳ | جبراهنگ، ۱۰۱ | جرینه، ۴۳ | جزیری، ۸۰ |
| جاشوش، ۱۰۰ | جبرش، ۲۵۰ | جربوز، ۸۴ (شام) | جَساد، ۱۶۳ |
| جافر (هرات)، ۱۱۷ | جبروان، ۶۷ | جُربونه، ۲۵۳ | جسد، ۱۶۳ |
| جاکج (خوارزم)، ۹۴ | جَبَرَة (مغرب)، ۱۰۱ | جرجار، ۱۰۲ | جسمی، ۱۱۸ |
| جاکجو (خوارزم)، ۹۴ | جبل المساکین، ۱۲۱ | جَزْجَر، ۹۳ | جَطْرَغ، ۱۹۳ |
| جاکمو، ۹۴ | جبل اهتق، ۱۰۱ | جرجر المصری، ۹۳ | جَطْرَه، ۱۲۲ |
| جاکله، ۹۴ | جَبْلا هنگ، ۱۰۱ | جرجر (عراق)، ۷۳ | جَطْریا، ۴۰ |
| جالکری، ۲۲۸ | جبل هنج، ۱۰۱ | جرجس، ۱۶۶ | جَطیره، ۱۲۲ |
| جالقیس دس، ۲۲۳ | جبلهنج، ۱۰۱ | جرجمه، ۱۳۷ | جَعْد، ۲۵۶ |
| جامالا، ۲۷۷ | جَبْلَهَنج، ۱۰۱ | جرجیر، ۱۰۲ | جَعْداء، ۱۰۳، ۲۵۴ |
| جاماها (سند)، ۶۲ | جبلهنگ، ۹۳ | جرجیر، ۱۰۲ | جَعْدَه، ۱۰۳ |
| | جَبْلَهَنگ، ۱۰۱ | جرجیر البری، ۷۰ | جَعْدَه، ۱۲۰، ۲۸۱ |
| | جَبْلَة، ۸۰ | جرجیر الکلاب، ۱۰۲، ۱۱۵ | جَعْدَه، ۲۳۰ |

| | | | |
|------------------------|---------------------------|---------------------------|-------------------------|
| جعدہ کبیر، ۱۰۳ | جلجلان (حبشه)، ۱۷۶ | جُمَلَج، ۶۶ | جنجر، ۶۶ |
| جَعْدَةُ الجدران، ۱۰۳ | جلجلان مصری، ۸۰ | جُمَلَج، ۱۷۰ | جنجقش، ۸۳ |
| جعدة الجدران، ۱۱۹ | جلجمانا، ۲۳۴ | جملج (اندلس)، ۲۱۹ | جنجل، ۱۰۶ |
| جعدة القنا، ۷۶، ۱۰۴ | جلدان، ۱۰۴ | جُمَیز، ۹۶ | جنجه، ۹۵ |
| جَعْدَةُ الماء، ۲۵۴ | جلغوزه، ۱۱۲، ۱۹۶ | جُمیز، ۹۶ | جَنجِیدِیون، ۱۰۳ |
| جعدة بحری، ۱۰۳ | جلغوزه مصری، ۱۰۵ | جَمِیز، ۱۰۵ | جنجیدیون، ۱۰۶ |
| جعدة حران، ۲۰۳ | جلماث، ۲۳۴ | جَمِیز، ۱۰۵ | جنخلیدس، ۱۸۹ |
| جعفری، ۹۶ | جُلنار، ۱۰۴ | جُمِیز، ۱۲۳ | جنسفسوح، ۲۴۲ |
| جعفریه، ۲۰۱ | جلنار، ۱۵۶ | جُمِیز، ۱۵۷ | جنشاله، ۱۵۲ |
| جعفریه (جرجان)، ۱۱۷ | جُلنار بری، ۲۰۱ | جَمیم، ۹۱ | جنطیان، ۱۰۶ |
| جَعْفیل، ۱۱۸، ۲۰۱ | جلنجمون، ۱۰۵ | جن آر، ۱۹۶ | جَنطِیانَا، ۱۰۶ |
| جعه، ۱۵۰ | جلنجویه، ۱۰۵ | جنا الاحمر، ۵۸ | جَنطِیانَا، ۱۰۶ |
| جَعْدَاء، ۱۰۳ | جُلنسَرین، ۱۰۵ | جناح، ۱۵۳ | جنطیانَا، ۲۵۸ |
| جَعْدِیْلَة، ۱۰۳ | جل نیل، ۲۵۰ | جناح البشر، ۷۳ | جنطیانَا الجرمقانی، ۱۰۶ |
| جغثاریحثانا، ۲۷۷ | جُلوز، ۸۸، ۱۰۵ | جناح التیس، ۱۰۶ | جنطیان الرومی، ۱۰۶ |
| جغزیه، ۱۷۹ | جِلْوز (مغرب)، ۱۰۵ | جناح الزرزور، ۷۹ | جنطیانَه، ۱۲۶ |
| جغش (هرات)، ۱۱۷ | جلوقوریزون، ۱۸۰ | جناح النسر، ۱۵۷ | جنکک (بلخ)، ۱۳۲ |
| جُفَت آفرید، ۱۰۴ | جلوکا، ۱۰۰ | جناح (اندلس)، ۱۵۳ | جنکهارمول، ۱۱۸ |
| جفت البلوط، ۸۶ | جُلهم، ۱۰۵ | جَنار، ۱۴۶ | جنکی چنبیلی، ۲۰۵ |
| جفت آفرید، ۱۵۷ | جلهنک، ۱۰۱ | جَن القتال، ۱۴۷ | جنگلا، ۱۱۲ |
| جُفَری، ۲۴۸ | جلیط، ۱۰۵ | جناماسی، ۱۷۷ | جَنی، ۱۰۶ |
| جَفَن، ۱۰۴ | جلیف، ۱۰۵ | جنا، ۱۰۶ | جَنی، ۱۰۶ |
| جقلال، ۲۶۶ | جلیقی، ۹۶ | جنا، الاحمر، ۸۴ | جَنی الاحمر، ۲۳۱ |
| جَقوطَه (لاتینی)، ۱۹۱ | جُمَار، ۹۵ | جَناء الاحمر، ۲۱۱ | جنى الاحمر، ۲۴۲ |
| جُکری، ۱۵۹ | جماز (تنکابن و دیلم)، ۱۶۹ | جنا، الاحمر، ۲۴۲ | جنى القشر، ۱۳۱ |
| جگری، ۱۵۹ | جم اسپرم، ۱۶۰ | جَنبَید، ۱۰۴ | جنیه، ۱۴۹ |
| جُل، ۲۹۴ | جمان، ۱۶۹ | جنبه، ۷۵، ۸۹، ۹۷، ۱۰۰ | جو، ۱۸۷ |
| جلبان، ۷۹، ۱۳۷، ۲۱۳ | جماهو سلیمان، ۱۰۵، ۱۶۰ | ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۲۲، ۱۲۵ | جوار، ۱۰۰، ۱۳۹، ۱۴۹ |
| ۲۳۷ | جم جم، ۱۰۵ | ۱۳۸، ۱۵۳، ۲۴۸، ۲۶۳ | جواری، ۱۴۹ |
| جُلْبان، ۱۰۴، ۲۶۳، ۲۸۱ | جَمِجَم، ۱۰۵ | ۲۸۰، ۳۰۰ | جواسا، ۷۱، ۱۱۰ |
| جُلْبان البری، ۵۶ | جَمَجْجوا، ۱۰۶ | جنید، ۱۹۵ | جواشیر، ۱۰۰ |
| جلب (انگلیسی)، ۱۰۴ | جمرة الارض، ۱۰۵ | جَنَت قابضة، ۱۰۵ | جُوان سَیَرَم، ۱۰۶ |
| جلبانَه، ۱۳۷ | جَمَرَة الارض، ۲۰۱ | جَنَت قابضة، ۱۹۲ | جوانسپرَم، ۱۸۳ |
| جلبوب، ۱۰۳ | جَمَرَة الارض، ۳۴ | جَنَت قابضة (لاتینی)، ۲۳۶ | جوانسفرَم، ۱۸۳ |
| جَلْبَنَهَنک، ۱۰۱ | جمسفرَم، ۱۰۵ | جتوری، ۲۴۵ | جو برهنه، ۱۷۳ |
| جُلْجُل، ۴۶ | جمسفرَم، ۹۴ | جَنجَبانَسَة، ۱۰۶ | جوج، ۴۳ |
| جلجلان، ۱۷۶، ۲۵۷ | جمسینج (خوارزم)، ۹۴ | جنجبانسه، ۱۳۹ | جوجادو، ۱۴۱ |
| جلجلان الحبشه، ۱۰۴ | جَمَشک، ۹۴ | جنجبنیه، ۱۲۲ | جوجهرج، ۱۴۵ |

| | | | |
|----------------------------|------------------------|--------------------|---------------------|
| جوده (فرنگی)، ۲۶۱ | جوز النسر، ۱۰۹ | جیدار، ۱۰۹ | چشوم، ۹۴ |
| جَوْدَر، ۱۰۶، ۲۱۹ | جوز النعاس، ۱۰۹ | جیرش، ۱۰۹ | چغرب، ۱۸۰ |
| جورانکلی، ۵۳ | جوز الهند، ۱۰۹، ۲۸۷ | جیروا (سندی)، ۲۶۲ | چغرب، ۱۸۰ |
| جوراوراج ناکه، ۲۷۲ | جوز اليسرو، ۱۰۹ | جیسو (فرنگی)، ۹۲ | چغندر، ۱۷۳، ۱۷۴ |
| جوری، ۳۰۰ | جوز أرمانيوس، ۱۰۷ | جیکلک، ۱۰۹ | چَکَوْتَرَه، ۱۰۴ |
| جوز، ۹۴، ۱۰۶، ۲۹۰ | جَوَزَبَوَا، ۱۰۷ | جیلان (گیلان)، ۱۷۹ | چَکَوْنَد، ۱۰۴ |
| جَوَز اَزَقَم، ۱۰۷ | جوزبوا، ۱۰۷ | جیلان (گیلان)، ۱۷۹ | چَکَی، ۱۰۴ |
| جوز الایض، ۲۹۰ | جوزبویا، ۱۰۷ | جیلغوز، ۱۰۵ | چگندر، ۱۷۴ |
| جوز الاکل، ۱۰۷ | جوز جنا، ۴۳ | جَینَت، ۱۰۹ | چَلاپا، ۱۰۴ |
| جوز الأَنهار، ۱۰۷ | جَوَز جَندَم، ۱۰۷ | جینه، ۱۰۹ | چلغوزه، ۱۹۶ |
| جوزالجبل، ۱۰۵ | جَوَز جَندَم، ۱۶۵ | | چمکدلا، ۲۴۳ |
| جوز الحبشه، ۱۰۸ | جوز جندم (رقه)، ۱۳۰ | | چنار، ۱۴۵، ۱۹۶ |
| جوز الخَمَس، ۱۰۸ | جوز داود، ۱۰۸ | | چنار (شیراز)، ۱۴۵ |
| جوز الدفع، ۱۰۸، ۱۵۷ | جوز روت، ۱۰۹ | چا، ۹۹ | چنیلی، ۲۹۹ |
| جوزالدُّب، ۱۴۵ | جوز رومی، ۱۰۸، ۲۶۴ | چاکسو، ۹۴ | چند سر، ۱۰۲ |
| جوز الرُّثه، ۵۴ | جوز زوان، ۱۶۴ | چاکشو، ۹۴ | چند سور، ۱۰۲ |
| جوز الرُّثه، ۸۸ | جوز سودار، ۱۳۹ | چامرکُهاَس، ۱۰۰ | چندن، ۱۹۶ |
| جوز الرُّقَع، ۱۰۸ | جَوَز مائِل، ۱۰۹ | چاندریل، ۲۱۰ | چَنیا، ۱۰۶ |
| جوز الريح، ۱۰۸، ۲۷۱ | جوز ماث، ۱۰۹ | چاندلی بیل، ۲۶۶ | چوب چینی، ۱۰۶ |
| جوز الزنج، ۱۰۸ | جوز ماثا، ۱۰۹ | چاول، ۴۴ | چوب چینی خطائی، ۱۰۶ |
| جوز السرو، ۱۷۰ | جوز مائل، ۲۷۹ | چاولانی، ۸۴ | چولانی، ۱۰۹ |
| جوز السواک، ۱۰۷ | جوز ماثم، ۱۰۹ | چاؤل مُتْکَر، ۱۰۱ | چونلانی، ۸۴ |
| جوز الشیرک، ۱۰۸ | جوزناق، ۹۰ | چتراخضر، ۲۴۵ | چوه صباغان، ۳۴ |
| جوز الطیب، ۱۰۷ | جوز هندی، ۲۸۷، ۲۸۰ | چتره، ۱۹۳ | چوهه کنی، ۳۴ |
| جوز العَبْهَر، ۱۰۸ | جوزة القروء، ۵۲ | چراسیا (صقلب)، ۲۳۴ | چهارا، ۹۴ |
| جوزالعد، ۱۰۶ | جوشیصا، ۱۰۹ | چرایتا، ۲۴۰ | چهار مغز، ۱۰۶ |
| جوز العرعر، ۳۹ | جوک، ۷۱ | چرایته، ۲۴۰ | چهال کری، ۲۲۸ |
| جوز القروء (فاس)، ۵۲ | جوگندم (زابل)، ۱۷۳ | چرچه، ۱۸۹ | چه ریخفای ها، ۲۲۶ |
| جوز القَطَا، ۱۰۷ | جولاه کش (سیستان)، ۷۱ | چرکانا، ۱۲۲ | چه ریله، ۵۲ |
| جوز القِطاة، ۱۰۸، ۲۴۹، ۲۹۰ | جَوَلَقی، ۱۴۱ | چَرَوَنجی، ۱۰۳ | چهوتی مائین، ۴۰ |
| جوز القی، ۱۰۸ | جولق (اندلس)، ۱۰۹ | چریره، ۵۲ | چیپال، ۱۴۷ |
| جوز القیء، ۱۰۸، ۱۰۹ | جُوَلَه (لاتینی)، ۲۱۱ | چشم، ۹۴ | چیپژک، ۱۹۳ |
| جوز الکَوْنَل، ۱۰۹ | جوهی، ۲۰۵ | چشم خروس، ۲۱۷ | چیر، ۱۴۹ |
| جوز المائل، ۱۰۹ | جهاز، ۲۰۲ | چشمک، ۹۴ | چینه کیوتران، ۱۵۶ |
| جوز المَرَج، ۱۰۹ | جهاز قرچه (بنگال)، ۱۱۳ | چشمک (شیراز)، ۹۴ | |
| جوز المزج، ۲۴۹ | جهاز، ۴۰ | چشمیز، ۹۴ | |
| جوزالملک، ۱۰۷ | جهنک، ۱۰۳ | چشمیزج، ۹۴ | |
| | جیبالگوت، ۲۷۶ | چشمیژه، ۹۴ | |

حرف «ج»

حرف «ح»

| | | | |
|--------------------------------|-------------------------------------|------------------------|--------------------------|
| حب المَشْم، ۲۸۵ | حب العزیز، ۱۱۲ | حباقی، ۱۲۵ | حالیقطی، ۱۱۰ |
| حب المَیْسَم، ۱۱۳ | حب العصفَر، ۲۱۰، ۲۳۶ | حب الاثل، ۲۰۲ | حاج، ۱۱۰، ۲۰۵، ۲۱۲ |
| حب النسل، ۴۱ | حب الغار، ۱۴۹ | حب الاس، ۳۱، ۳۵ | حاحی اکامی، ۴۱ |
| حب النشم، ۱۱۱ | حب الغراب، ۴۲ | حب الانیربارس، ۶۱ | حادثیج (سندی)، ۲۳۸ |
| حَب النعام (مغرب و اندلس)، ۲۲۶ | حب الفار، ۱۱۲ | حب الأثل، ۹۳ | حاذ، ۱۱۰ |
| حب النیل، ۱۱۳، ۲۳۷، ۲۹۲ | حب الفقد، ۴۱ | حَب البان، ۱۱۱ | حاراسوافی، ۹۳ |
| حب بلسان، ۱۱۱ | حب الفنا، ۲۱۴ | حب البطیخ، ۸۱ | حارز الانهار، ۱۱۰ |
| حب جنکلا، ۱۱۱ | حب الفول (مصر)، ۱۸۶ | حب البقر، ۲۵۳ | حارز الماء، ۱۱۰ |
| حَبَعَو (عمان و شحر)، ۱۱۱ | حب الفهم، ۸۵ | حب البلسان، ۸۶ | حارس، ۱۱۰ |
| حبریان، ۱۱۳، ۱۳۳ | حب الفقا، ۲۷۹ | حب الحلو، ۶۷ | حارسوهک (شیراز)، ۱۱۸ |
| حب سجستانی، ۲۳۲ | حب القرع، ۲۳۷ | حب الخروع، ۱۳۳ | حارکو، ۱۴۴ |
| حب سرم بری، ۱۸۳ | حب القطن، ۲۴۲ | حب الخضراء، ۸۱ | حاسیس، ۱۱۱ |
| حب سلاطین، ۱۴۷ | حب القلب، ۸۵ | حب الدسم، ۱۱۱ | حاشا، ۹۹، ۱۱۰، ۱۹۵، ۲۲۹ |
| حبشة، ۱۰۴ | حب القُلْت، ۱۱۲ | حب الدود، ۲۵۵ | حاشیش، ۱۱۱ |
| حب صنوبر صغار، ۲۴۱ | حَبُ الْقُلُقُل، ۴۵، ۱۱۲، ۱۵۸، ۲۸۳ | حب الدهمَست، ۱۴۹ | حافر المهر، ۱۷۹ |
| حب صنوبر کبار، ۲۴۱ | حب القُلُقُل، ۲۴۴ | حب الراس، ۱۱۱، ۲۸۷ | حافظ اطفال، ۲۲۴ |
| حَبَق، ۱۱۳، ۱۶۰ | حب القوقایا، ۱۵۹ | حَب الراسن، ۱۱۱، ۲۸۷ | حافظ الاجساد، ۴۹ |
| حَبَق، ۱۲۷ | حب الکاکنج، ۲۴۹ | حب الرشاء، ۱۲۲ | حافظ الارواح، ۴۷ |
| حبَق، ۲۲۹ | حب الکاکنج الجبلی، ۱۰۹ | حب الرشاد، ۱۰۲، ۱۱۵ | حافظ الاطفال، ۵۵، ۲۲۴ |
| حبَقا (اندلس)، ۱۱۹ | حب الکَلَى، ۶۳ | حب الرشیا، ۱۲۲ | حافظ الأجساد، ۹۸، ۱۸۹ |
| حَبَق البربری، ۷۱ | حب الکلی، ۳۰۱ | حب الرمان، ۱۵۷ | حافظ الطفل، ۲۲۴ |
| حبِق البقر، ۷۰ | حب الکَلَى (مصر)، ۶۲ | حب الرند، ۱۴۹ | حافظ الموتی، ۴۹، ۹۸، ۱۸۹ |
| حبِق الترنجانی، ۱۱۳ | ۱۳۲، ۱۹۶ | حب الریاس، ۱۱۱ | حافظ النحل، ۵۵، ۲۳۶ |
| حَبَق التَّمساح، ۱۹۸ | حب الکثری، ۲۶۱ | حب الزرقه (بحرین)، ۷۸ | حَاقی، ۲۹۱ |
| حبِق التمساح، ۲۲۹ | حب الکنی، ۶۳ | حب الزلم، ۴۹، ۱۱۲، ۱۶۳ | حالب، ۴۷ |
| حبِق الحاحی، ۱۱۳ | حب اللهق، ۲۴۹ | حب الزلم، ۱۱۱ | حالبی، ۵۴، ۱۳۱ |
| حبِق الحَر، ۱۱۳ | حب اللهو، ۲۰۶، ۲۱۴، ۲۴۹ | حب السیفنه، ۱۱۱ | حالی الشعر، ۲۲۲ |
| حبِق الحمامی، ۲۰۲ | حب اللهو (مغرب)، ۲۱۴ | حب السود، ۲۶۹ | حالوما، ۳۸، ۳۹، ۱۹۰ |
| حبِق الراعی، ۷۶ | ۲۴۹ | حب الشبرم البری، ۱۸۳ | حاله غوره، ۶۲ |
| حبِق الشیوخ، ۲۸۰ | حب اللُهو (مغرب و اندلس)، ۲۱۵ | حب الشجره (مصر)، ۴۱ | حاماقسیس، ۱۱۱ |
| حبِق الصعتری، ۱۱۳، ۱۸۳ | حب المَحَلَب، ۱۱۲ | حب الصبیان، ۸۶ | حاماسوقی، ۱۱۱ |
| حبِق الصلقی، ۱۱۳ | حب الملوک، ۱۱۳، ۱۴۷ | حب الصراط، ۲۷۵ | حامافیطوس، ۲۶۱ |
| حبِق العریض الورق، ۱۱۳ | ۲۷۶ | حب الصنوبر، ۱۹۶ | حاوزوان، ۲۵۲ |
| حبِق الفنی، ۱۱۳، ۲۷۹ | حب الملوک (مغرب و اندلس و فاس)، ۲۳۴ | حب الصنوبر الصغار، ۱۱۲ | حبّارهای، ۷۹ |
| حبِق الفیل، ۲۷۹ | حب الملوک (مغرب و اندلس و فاس)، ۲۳۴ | حب الصنوبر الکبار، ۱۱۲ | حباقا، ۱۲۵ |
| حَبَقِ الْقَرْنَفَلی، ۷۱ | حب المِشْم، ۱۱۳ | حب العرعر، ۴۰، ۲۰۸ | حُباقا، ۱۲۶، ۱۵۰ |
| حبِق الْقَرْنَفَلی، ۱۱۳ | | حب العروس، ۲۴۹، ۲۵۰ | حباقا (اهالی حیره)، ۱۵۰ |
| | | ۲۹۲ | |

| | | | |
|-----------------------------------|-------------------------|--------------------------------|------------------------------|
| حَبَقُ الْقَرْثُلَى (فاس)، ۱۸۴ | حبیقه (اندلس)، ۱۱۹ | حَرْشَفُ الْبَرَى، ۱۱۴ | حرمَلُ البلدی، ۱۹۱ |
| حبَقُ القنا، ۳۴ | حبیقه، ۱۱۹ | حَرْشَفُ الْبُسْتَانِ، ۱۱۴ | حرمَلُ عامی، ۱۱۶ |
| حبِقُ الْکَرْمَانِ، ۱۱۳، ۱۲۲ | حَتَّى، ۲۸۳ | حَرْشَفُ بَرَى، ۲۱۲ | حرمَلُ عربی، ۱۱۶ |
| حَبَقُ الْمَاءِ، ۱۹۸، ۲۲۹ | حِثَا، ۹۶ | حَرْشَفُ بَسْتَانِ، ۱۱۴ | حَرْمَلَه، ۱۱۶ |
| حبِقُ الْمُرْدِ، ۱۱۳ | حِثِل، ۱۱۴ | حَرْشَفُ (نَبَطِی)، ۱۱۴ | حَرْمَلَه، ۱۱۶ |
| حبِقُ الْمَرَّةِ، ۲۷۹ | حجاکیوس، ۲۰۹ | حُرْض، ۵۲، ۱۲۳ | حَرْمِی، ۱۷۶ |
| حبِقُ الْمَغْزِ، ۷۰ | حُجْثَا، ۱۳۲ | حُرْضُ صِیْنِی، ۵۲ | حَرْوِ اعْظَم، ۲۴۵ |
| حبِقُ الْمُتَنِّ، ۱۱۳ | حجر البقر، ۲۹۵ | حُرْف، ۱۱۵ | حَرْوِی، ۱۳۲ |
| حَبَقَالَه (اندلس)، ۱۱۹ | حد، ۱۹۱ | حَرْف، ۱۳۱، ۲۸۴ | حَرْشَاء، ۱۵۷ |
| حبِقُ بَسْتَانِ، ۷۹، ۱۲۲ | حدبِی، ۲۹۷ | حَرْفُ ابِیض، ۴۸ | حَرْشَه، ۱۱۴ |
| ۲۲۹ | حدج، ۱۲۶ | حَرْفُ ابِیض، ۱۱۵، ۱۳۰ | حَرْشَه، ۱۵۹ |
| حبِقُ تَرَنْخَانِ، ۷۱ | حددی، ۹۲ | حَرْفُ احْمَر، ۱۱۵ | حَرْشَه، ۱۵۷ |
| حبِقُ جَبَلِی، ۲۲۸ | حدق، ۷۲ | حَرْفُ الْبَابِلِی، ۱۱۵ | حَرْطَه، ۳۵ |
| حَبُ قَطَاهِی، ۱۴۷ | حَدَق، ۱۱۴، ۲۰۷ | حَرْفُ الْبَرِی، ۱۱۵ | حَرْیْفُ الْاَمْلَس (اندلس)، |
| حبِقُ قَرْنَفَل، ۲۲۵ | حدقی، ۶۷ | حَرْفُ السُّطُوح، ۸۰، ۱۱۵ | ۱۲۱ |
| حَبَقُ قَرْنَفَلِی، ۲۲۵ | حدمانه، ۲۸۰ | حَرْفُ السُّطُوح، ۱۱۵ | حَرْیْق، ۶۵ |
| حبِقُ کَرْمَانِ، ۱۸۳ | حدیدی، ۱۱۴ | حَرْفُ السُّطُوح، ۱۱۶ | حَرْیْق، ۶۵ |
| حبِقُ مِصرِی، ۱۱۳ | حر، ۱۶۴ | حَرْفُ الشَّامِی، ۱۱۵ | حَرْیْقُ الْأَمْلَس، ۱۰۳ |
| حبِقُ نَبَطِی، ۱۲۲ | حراشا، ۱۳۱ | حَرْفُ الْمَائِی، ۱۱۵ | حَرْیْقُ الْأَمْلَس (اندلس)، |
| حبِقُ نَبَطِی (شام)، ۱۲۲ | حزاقه، ۱۴۰ | حَرْفُ الْمَاءِ، ۱۱۶، ۱۸۲ | ۱۲۱ |
| حَبُ کَاکَنْجِ کُوهِی، ۱۰۹ | حَزَالِ السَّحَر، ۳۵ | حَرْفُ الْمَاءِ (مَغْرِب)، ۲۳۵ | حَرْیْقُ (مَغْرِب)، ۶۵ |
| حَبِلُ الْمَسَاکِینِ، ۱۱۳، ۲۴۰ | حزانیه، ۱۰۳ | حَرْفُ الْمَشْرِقِی، ۱۱۵، ۱۱۶ | حَرْیْمَلَه، ۱۱۷ |
| ۲۶۶ | حزبا، ۱۲۸ | حَرْفُ ابِیض، ۱۱۵، ۲۷۴ | حَرْیْمَلَه، ۱۱۶ |
| حَبِلُ الْمَسَاکِینِ، | حزبان، ۴۵ | حَرْفُ بَابِلِی، ۱۰۲، ۱۱۵ | حَزَا، ۱۲۷ |
| حَبِلُ الْمَسَاکِینِ (قَرْطَبَه)، | حزباء، ۴۶ | ۱۱۶ | حَزَا، ۱۱۷ |
| ۱۱۳ | حُزْبَت، ۱۱۴ | حُرْفُ بَرِی، ۱۱۷ | حَزَاوِکَامِی، ۱۸۰ |
| حَبِلِی، ۲۶۶ | حُزْبَت، ۱۱۴، ۲۷۴ | حَرْفُ سَفِید، ۱۱۵ | حَزَا، ۲۰۰ |
| حَبْن، ۱۴۵ | حویه، ۱۱۴ | حُرْفَلَه (صَقْلَه)، ۶۷ | حَزَاوِ الْجَبَل، ۱۱۷ |
| حَبُوب، ۲۰۱، ۲۹۶ | حَرَبَه، ۲۷۱ | حُرْفُ مَشْرِقِی، ۲۲۸ | حَزَاوِ الصَّخْر، ۱۱۷ |
| حَبَهُ الْخُلُو (اندلس)، ۶۷ | حَرْحَم، ۲۹۳ | حُرْفُ (نَبَطِی)، ۱۱۵ | حَزَاوِ الصَّخْر، ۱۶۵ |
| حَبَهُ الْخَضْرَاءِ، ۸۱، ۱۱۱ | حَرْزُ الشَّیْطَانِ، ۳۶ | حُرْفُ (نَبَطِی)، ۱۱۵ | حَزَاوِ الصَّخْر، ۲۰۴ |
| ۱۹۸ | حَرْشَا، ۱۳۰ | حَرْفِی، ۲۲۸ | حَزَاوِ الصَّخُور، ۱۱۷ |
| حَبَهُ السَّفَرَجَل، ۱۷۲ | حَرْشَاء، ۱۱۴، ۱۳۰ | حِرْکَه (اندلس)، ۹۱ | حَزَاوِیْثَا دَخِیْقَا، ۱۰۷ |
| حَبَهُ السُّودَاءِ، ۹۴، ۱۹۲ | حَرْشَاء، ۱۳۰ | حَرْمَانَه، ۲۰۳ | حَزَاة، ۱۱۷ |
| ۲۶۲ | حَرْشَاء، ۱۳۳ | حَرْمَل، ۴۸ | حَزَاة، ۱۱۷ |
| حَبَهُ الْمَسَاکِینِ، ۲۴۵ | حَرْشَف، ۱۰۶، ۱۳۳، ۲۱۰ | حَرْمَل، ۸۰ | حَزَاة، ۱۴۸ |
| حَبَهُ الْمَلُوکِ، ۱۱۳ | ۲۶۵ | حَرْمَل، ۸۵، ۱۱۶، ۲۸۶ | حَزَاةُ بَرِی، ۱۱۷ |
| حَبَهُ حَلَاوَه، ۶۷ | حَرْشَف، ۲۶۷ | حَرْمَل، ۱۱۶ | حَزَاة، ۱۱۷ |

| | | | |
|---------------------------------|----------------------------|------------------------------|--------------------------|
| حزاة أخرى، ۱۱۷ | حشيشة الأسد، ۱۱۸ | حشيشة السُّلُخفاة، ۶۰ | حفوظ (لاتینی)، ۱۹۱ |
| حُزْبِل، ۱۱۷ | حشيشة الأفعى، ۱۱۸ | حشيشة السنبِل الرومى، ۱۴۱ | حفوظه (عجمیت اندلس)، ۱۹۱ |
| حُزْبِل، ۱۱۷ | حشيشة البابلى، ۴۳ | حشيشة السَّوَّاقى (مغرب)، ۹۵ | حِفُول، ۱۲۷ |
| حُزْبِل، ۱۲۳ | حشيشة البراغيث، ۱۱۸ | حشيشة الشرى، ۸۸ | حَقْل، ۱۲۶ |
| حزنبِل، ۲۸۰ | حشيشة البراغيث (شام)، ۱۱۸ | حشيشة الصفراء، ۲۰۸ | حقوق، ۸۳ |
| حزوزى، ۹۴ | حشيشة البرص، ۱۱۸، ۳۶ | حشيشة الطحال، ۱۱۹، ۱۶۰ | حَلْ، ۱۷۶ |
| حسار، ۱۱۷ | حشيشة الثومى، ۱۸۹ | حشيشة الطلق، ۱۲۰ | حَلاب، ۱۲۰ |
| حَسَك، ۱۱۸، ۱۲۴ | حشيشة الثوميه، ۸۰ | حشيشة العقرَب، ۱۹۴ | حلا دقاصرى، ۵۲ |
| حَسَك، ۳۷ | حشيشة الثوميه، ۹۸ | حشيشة العَلَق، ۶۳، ۱۲۰ | حلا لات، ۱۲۶ |
| حسك البرى، ۱۱۸ | حشيشة الثوميه (اندلس)، ۴۹ | حشيشة الغافث، ۲۱۹ | حُلاوى، ۶۷ |
| حسك الجمال، ۵۹ | حشيشة الثومية، ۹۸، ۱۲۲ | حشيشة الفَرَج، ۱۲۰ | حُلَب، ۱۲۲ |
| حسك الفِراخ، ۲۱۲ | ۲۷۱ | حشيشة الفقراء، ۲۴۵ | حِلْبَاب، ۱۲۲ |
| حسك كوهى، ۱۱۸ | حشيشة الثومية (اندلس)، ۹۸ | حشيشة القمل، ۱۲۰ | حلبادشغفینون، ۱۷۳ |
| حَسَكَة (مصر)، ۷۹ | | حشيشة الكبَد، ۱۲۰ | حُلَب التيسى، ۱۲۲ |
| حَسَل، ۱۱۸ | حشيشة الحلو، ۱۸۰ | حشيشة الكلاب، ۲۸۰ | حلبانینا، ۲۴۶ |
| حسم عوسج، ۲۱۷ | حشيشة الحُمرة، ۲۷۶ | حشيشة الكلب، ۲۲۴، ۲۸۰ | حِلْبَاب، ۱۲۱، ۱۲۲ |
| حسمى، ۱۱۸ | حشيشة الحُمى (آفريقا)، ۲۰۳ | حشيشة اللجأة، ۶۰ | حلبوب، ۱۳۶، ۲۶۶ |
| حسن لبه، ۱۹۸ | حشيشة الحوت، ۱۴۳ | حشيشة اللجأة (شام)، ۳۷ | حُلْبُوب (اندلس)، ۱۲۱ |
| حسن يوسف، ۱۱۱ | حشيشة الخراسانية، ۲۹۳ | حشيشة المَعْدِن، ۱۲۰ | حلبوب غير منقط، ۱۲۱ |
| حسومى، ۲۸۹ | حشيشة الداخس، ۱۱۸ | حشيشة المُقَدَّسَة، ۶۹ | حُلْبُوب (نبطی)، ۱۲۱ |
| حسیب، ۸۲ | حشيشة الدم، ۱۱۹ | حشيشة المُكْرَمَة، ۶۹ | حُلْبَة، ۱۲۰ |
| حسین، ۱۴۵ | حشيشة الدودیة (اندلس)، ۴۸ | حشيشة النجاة (شام)، ۳۷ | حَلِيب، ۱۲۱ |
| حسینى (مرشدآباد)، ۶۲ | حشيشة الذهبیه (اندلس)، ۴۸ | حشيشة دودية، ۱۱۹ | حلبینا، ۱۲۱ |
| حِشْرِق، ۱۳۹ | | حَضْ، ۲۹۵ | حلتیت، ۱۲۱، ۲۹۵ |
| حشرما، ۲۹۰ | | حُضْض، ۱۲۰، ۱۷۴ | حلتیتا، ۱۲۱ |
| حَشَف، ۲۸۳ | | حَضْض، ۲۳۱ | حَلِث، ۱۲۱ |
| حشفنفل، ۱۸۸ | حشيشة الرثة، ۱۱۹، ۲۰۵ | حُضْض هندی، ۲۳۰، ۲۳۱ | حَلْحال (اندلس)، ۴۷ |
| حشوى، ۲۲۶ | حشيشة الزجاج، ۳۴ | حَضْض یمانى، ۱۲۰ | حَلْحال (مغرب و فاس)، ۴۷ |
| حشیش، ۲۴۵، ۷۸ | حشيشة الرومانین، ۵۹ | حَطار، ۲۵۲ | حَلْجَل، ۲۵۱ |
| حشیش الأعظم، ۱۵۶ | حشيشة الزجاج، ۳۴، ۱۱۹ | حَطَب، ۱۸۸ | حَلْفا، ۱۲۱ |
| حشیش الدَّوَاب (مصر و شام)، ۲۹۶ | ۱۵۹ | حَطَب السودان، ۳۳ | حَلْفاء، ۳۷، ۱۴۸، ۲۰۴ |
| حشیش الغافث، ۵۴ | حشيشة السعال، ۱۱۹، ۱۷۱ | حَطَب الفَتَح، ۲۶۵ | حَلَق، ۱۲۲ |
| حشیشة، ۴۴ | حشيشة السلحفا (شام)، ۳۷ | حَطَبه، ۴۶ | حلمثا، ۱۳۶ |
| حشيشة الارض، ۳۶ | حشيشة السلحفاة (شام)، ۳۷ | حَطرى راعيا، ۲۱۰ | حَلْمَة، ۱۲۲، ۱۶۳ |
| حشيشة الافعى، ۱۱۸ | حشيشة السلطان (مصر)، ۱۳۱ | حفا، ۷۵ | حُلوانه، ۶۷ |
| | | حَقَا، ۷۵ | حلوسطاقیل، ۱۹۶ |

| | | | |
|-------------------------|-----------------------------------|----------------------------|---------------------------|
| خُلوه، ۶۷ | حماض نیری، ۱۲۳ | حُمَیر، ۳۸، ۱۵۵ | حَنطة صغيرة، ۱۷۳ |
| جِلَّة، ۱۲۲، ۱۸۴، ۲۷۱ | حَمَاط، ۵۵، ۱۲۳، ۱۵۰ | حُمَیراء، ۳۸، ۱۲۵، ۱۵۵ | حَنظَل، ۸۱، ۱۲۶، ۱۸۷ |
| خَلی، ۹۷ | حَمَاما، ۱۲۴ | ۱۹۰ | ۲۱۳ |
| خَلی، ۱۲۲ | حَمَاما (نبطی)، ۱۲۴ | حُمَیط (فاس)، ۱۲۲ | حَنظَل، ۱۲۶ |
| خلیق، ۶۰ | حمامی، ۷۳ | حِنَّا، ۱۲۵ | حَنظَل رومی، ۱۰۶ |
| خلیلوطن، ۲۲۲ | حمامی، ۱۵۶ | حِنَّا الغُولَة (مصر)، ۳۸ | حَنظَل زرد، ۱۲۶ |
| حَلِیة، ۵۴ | حِفْجِم، ۲۵۲ | حَنامشه، ۱۹۳ | حَنوه، ۳۴ |
| حَلیمو، ۱۲۲ | حُمُحُم (شام و شرق)، ۲۶۸ | حَناء الجبلیه، ۱۲۵ | حَنَوَه، ۱۵۹ |
| حماما قسیس، ۱۱۱ | حمر، ۱۲۴، ۹۵ | حَناء الرُّعَاة، ۱۲۵ | حَنَوَة، ۳۴ |
| حَمَاجِم، ۱۲۲ | حمراد حَزُورِی، ۹۴ | حَناء الغول، ۳۸ | حَنَوَة، ۱۵۹ |
| حمامح، ۱۲۹، ۱۵۹، ۱۸۴ | حمرما، ۲۶۴ | حَناء الغُولَة، ۱۲۵ | حَنیق زَنیق، ۲۹۰ |
| حمامرو حوش، ۹۵ | حمری مرکی، ۱۲۹ | حَناء القَرِیش (مصر)، ۱۱۷ | حَنین، ۱۴۵ |
| حَمَاضُ بحری، ۲۰۱ | حمص، ۷۶ | حَناء المَجَنُونَه، ۱۲۵ | حَوَان (سندی)، ۲۸۹ |
| حمامض، ۸۳، ۲۶۶، ۲۶۹ | حِمَص، ۱۲۴ | حَناء المَروِج، ۱۲۵ | حَوَاء البَقَر، ۲۹۸ |
| حَمَاض، ۹۷ | حِمَص الامیر، ۱۱۸ | حَناء قَرِیش، ۱۱۷ | حَوَجَم، ۲۹۴ |
| حَمَاض، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۷۴ | حِمَص الامیر، ۱۱۸، ۱۲۴ | حَناء مَعَجُون، ۲۹۲ | حَوَاجِنَا، ۴۱ |
| حمامض الاترَج، ۱۲۳ | حمص الامیر (مغرب)، ۱۱۸ | حَنَدَقُوق، ۱۲۵ | حَوَذَان، ۱۲۷، ۲۵۹ |
| حمامض الاجامی، ۱۲۲، ۱۲۳ | حِمَص الْأَمِیر (مغرب)، ۱۱۸ | حَنَدَقُوقا، ۱۵۰، ۲۰۳، ۲۹۱ | حَوَذَان، ۱۵۳، ۲۷۳ |
| حمامض الارض، ۱۲۳ | حمص البری، ۱۱۸ | حَنَدَقُوقا مَصرِی، ۲۹۱ | حَوَر، ۱۲۷ |
| حمامض الارنب، ۵۵ | حِمَص بَرِی، ۱۲۴ | حَنَدَقُوقی، ۹۲، ۱۵۲، ۲۰۸ | حَوَر، ۱۲۷ |
| حمامض الْأَرَنب، ۱۲۳ | حمص بستانی، ۱۲۴ | حَنَدَقُوقی (بغداد)، ۱۵۰ | حَوَر اسفیدان، ۷۸ |
| حمامض البری، ۱۲۳ | حمصلیثا، ۱۲۰ | حَنَدَقُوقی (نبطی)، ۱۲۵ | حَوَر الرومی، ۵۵ |
| حمامض البقر، ۱۲۳ | حِمَصی، ۱۲۴، ۲۹۱ | حَنَزَاب، ۵۰ | حَوَر الرومی، ۱۰۹، ۱۲۷ |
| حمامض الجبلی، ۴۰، ۱۵۹ | حمصی دبرا، ۱۲۴ | حَنَسِی، ۲۷۳ | حَوَر یخانا، ۱۳۰ |
| حمامض الحسکی، ۱۲۲ | حَمَصِیص، ۱۲۴ | حَنَطَه، ۱۲۶ | حَوَر رومی، ۱۲۷ |
| حمامض السبخی، ۱۲۲ | حَمَصِیص الترف، ۱۲۲ | حَنطه السُوداء، ۱۹۴ | حوز، ۱۲۷ |
| حمامض السواقی، ۱۲۲، ۱۲۳ | حمصی لیتا، ۱۷۹ | حَنطه رومیه، ۱۳۹ | حوسالی (اهالی جزیره)، ۱۰۹ |
| حمامض الشامی، ۱۲۲ | حَمَض، ۵۲، ۱۴۴، ۱۴۷ | حَنطه، ۱۵۱، ۱۵۷ | حُوك، ۷۱ |
| حمامض الماء، ۱۲۲، ۱۲۳ | حَمَض، ۵۲ | حَنطه البریه، ۱۲۶ | حوك، ۱۱۳ |
| حمامض املی، ۱۲۲ | حَمَض، ۶۶، ۹۷، ۱۱۰، ۲۸۴، ۲۵۰، ۱۵۵ | حَنطه الحبشیه، ۱۲۶ | حُوك، ۱۹۸ |
| حمامض بزرگ، ۲۷۴ | حِمَض، ۱۳۹، ۱۵۸ | حَنطَة الرَمِیة، ۱۳۹ | حوكا، ۷۱ |
| حمامض بستانی، ۱۲۳ | حِمَض الابل، ۱۲۳ | حَنطه الرومیه، ۱۲۶ | حولانا، ۷۶ |
| حمامض جبلی، ۱۵۹ | حملايا، ۲۷۵ | حَنطه السَداب، ۱۲۶ | حَوَمَانَة، ۱۵۲ |
| حَمَاض حَسَكِی، ۷۶، ۱۵۹ | حَمَلَة، ۱۲۳ | حَنطه الفارسی، ۱۷۳ | حومانه، ۲۰۳ |
| حمامض سه برگ، ۱۲۲ | حموعیانا، ۱۲۲ | حَنطه الفارسیه، ۱۲۶ | حومانه (آفریقا)، ۲۰۳ |
| حمامض کبیر، ۱۲۲ | حُمَیْدِش (فاس)، ۵۹ | حَنطه جَبلیه، ۱۴۷ | حومر، ۱۲۴ |
| | | حَنطه رومیة، ۱۳۹ | حی، ۳۷ |

| | | | |
|---------------------|--------------------------|--------------------------|----------------------|
| خرزهرج، ۱۴۵ | خرنوب الخنزیر، ۱۳۲ | خربیع، ۴۲ | خشخاش، ۷۰، ۱۳۴، ۱۵۸ |
| خرزهره، ۱۴۵ | خرنوب الخنزیر (مصر)، ۶۳ | خربیع، ۵۷، ۲۰۹، ۲۱۰ | ۱۸۸، ۲۷۵، ۲۸۵، ۲۸۸ |
| خرزهره (کرمان)، ۱۲۶ | خرنوب الشوک (شام)، ۱۳۲ | خربیع، ۱۳۳ | خشخاش احمر، ۱۳۴ |
| خَرْزَه، ۱۳۱ | خَرْنوب الکلب، ۶۲ | خربعا، ۲۳۶ | خشخاش اسود، ۱۳۴ |
| خرس گیا، ۲۶۴ | خرنوب المعزی، ۱۳۲ | خَرْزَه الحَمام، ۱۳۰ | خشخاش البری، ۱۳۴ |
| خرس گیا، ۱۴۸ | خرنوب المِعزى (شام)، ۳۰۱ | خَرْو الحَمام (رقه)، ۱۰۷ | خشخاش الزَّبدی، ۱۰۰ |
| خرسیطس، ۱۰۲ | | خَرْامی، ۱۳۳ | خشخاش الساحلی، ۱۳۴ |
| خَرْطال، ۹۱ | خرنوب شامی، ۱۳۲ | خَرْامی، ۱۴۰، ۱۹۳، ۲۶۸ | خشخاش المَقْرَن، ۱۳۴ |
| خَرْطال، ۱۲۶ | خرنوب مصری، ۱۳۲ | خزران، ۱۴۰ | خشخاش المَقْرَن، ۲۷۶ |
| خرطال، ۱۳۱ | خرنوب نبطی، ۱۳۲، ۳۰۱ | خَرْم، ۱۳۳ | خشخاش اليهودی، ۱۳۴ |
| خرطال (فاس)، ۲۳۷ | خرنوب نبطی، ۳۰۱ | خَس، ۱۳۳ | خشخاش أبيض، ۱۳۴ |
| خرطال (مصر)، ۱۲۷ | خرنوب هندی، ۱۴۰ | خَس، ۱۳۳ | خشخاش أسود، ۱۳۴ |
| خرطان، ۸۸ | خرو، ۱۲۹ | خَس، ۲۸۰ | خشخاش بحری، ۱۳۵ |
| خرغول، ۷۸ | خرو الحَمام، ۱۳۰ | خَس، ۲۹۷ | خشخاش بری، ۱۳۴ |
| خَرْفَع، ۱۳۱ | خرو الضفادع، ۲۰۰ | خَسا، ۱۰۲ | خشخاش بستانی، ۱۳۴ |
| خرفق، ۱۳۱ | خَرْوب، ۱۳۲ | خَس الارنب، ۱۳۳ | خشخاش زَبَدی، ۱۳۵ |
| خرفه، ۸۳ | خروب، ۱۳۲ | خَس الاسود، ۱۳۳ | خشخاش زبدی، ۱۳۵ |
| خَرْفی، ۱۰۴ | خَرْوب الخنزیر، ۱۹۶، ۲۷۱ | خَس الحَمار، ۳۸، ۹۴، ۱۳۴ | خَشخاش سائل، ۱۳۴ |
| خِرَق، ۲۸۰ | خَرْوب السَّنَط، ۱۹۱ | خَس الحَمار، ۳۸ | خشخاش سفید، ۱۳۴، ۱۵۸ |
| خَرْقَطان، ۱۳۱ | خروب السودان، ۱۳۲ | خَس الحَمار، ۴۳ | خشخاش سیاه، ۱۳۴ |
| خرقع، ۱۷۳ | خَرْوب الشامی، ۱۳۲ | خَس الحَمار، ۶۸ | خشخاش شاخ دار، ۱۳۴ |
| خرک، ۱۷۳ | خروب الشوک، ۱۳۲ | خَس الحَمار، ۱۳۳، ۲۹۶ | خشخاش مُقْرَن، ۱۳۵ |
| خرک (شیرازی)، ۹۴ | خروب العریض، ۳۰۱ | خَس الحَمار (فاس)، ۱۳۳ | خشخاش مثنور، ۱۳۵ |
| خرکوش، ۱۳۱ | خَرْوب النبطی، ۱۰۹ | خَس القدان، ۱۳۳ | خَشقاقل، ۱۸۸ |
| خرگوشک، ۲۶۹ | خروب النبطی، ۳۰۱ | خَس الکلب، ۱۴۹ | خَشَل، ۲۸۳ |
| خرل، ۲۰۹ | خَرْوب الهندی، ۱۴۰ | خَس بری، ۱۳۳ | خَشَل، ۲۸۳ |
| خَرْم، ۴۸ | خروب الهندی، ۱۴۰ | خَس بستانی، ۱۳۳ | خَصی الثعلب، ۸۰، ۸۹ |
| خَرْم، ۵۴ | خروس لوج، ۱۱۸ | خسران، ۷۹ | ۱۳۵، ۱۵۲ |
| خَرْم، ۱۳۱ | خروسوقولی، ۷۰ | خسرو دارو، ۱۳۹، ۲۲۲ | خَصی الثعلب، ۱۳۵ |
| خرم، ۱۶۹ | خروسوقومی، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۵۱ | خسف، ۱۰۶ | خَصی الثَّعلَب، ۱۳۵ |
| خرما، ۹۴، ۲۳۸ | | خسق، ۲۱۰ | خَصی الثعلب، ۲۰۳ |
| خرمازق، ۲۰۲ | خروسوموغالی، ۱۳۳ | خسک دانه، ۲۳۶ | خَصی الثعلب، ۲۰۳ |
| خرما هیرون، ۹۵ | خروع، ۱۳۳، ۲۰۳ | خسکدانه، ۲۶۶ | خَصی الثعلب، ۲۴۶ |
| خرمای سنگ اشکن، ۹۵ | خروع الاسود، ۲۸۷ | خسئ، ۳۰۰ | خَصی الدیک، ۱۳۵ |
| خرمدائق، ۲۵۵ | خروع الضفادع، ۲۰۰ | خشب الحیه، ۲۹۷ | خَصی السَمور، ۱۳۶ |
| خَرْنوب، ۱۳۲ | خروع صینی، ۱۴۷ | خشب الصینی، ۱۰۶ | خَصی القط، ۱۳۵ |
| خَرْنوب، ۱۳۲ | خروک، ۸۱ | خَشَبَرَم، ۲۸۰ | خَصی الکلب، ۸۰ |
| خرنوب، ۱۳۲، ۲۴۱ | خروهک، ۷۹ | خشب سومر، ۱۸۱ | خَصی الکلب، ۱۳۵ |

| | | | |
|----------------------------------|------------------------|----------------------|-----------------------------|
| خومی، ۱۴۰ | خنج، ۱۳۱ | خُلْجان، ۱۳۷ | خصی الهَر، ۱۵۰ |
| خومان، ۲۰۲ | خنجر، ۱۱۴ | خلجلا، ۲۵۷ | خصی هرمس، ۱۲۱، ۱۳۶ |
| خومر، ۹۵ | خنجک، ۱۱۱ | خُلجی، ۱۳۷ | خُصی هرمس، ۱۲۱ |
| خوم (سفدی)، ۲۹۹ | خنجک (خراسان)، ۸۱ | خلدانیون، ۲۰۸ | خَضیر، ۱۶۴، ۱۹۴ |
| خومه، ۹۹ | خنداقل (مصر)، ۱۰۴ | خَلر، ۱۰۴ | خِضلاف، ۱۵۷، ۲۸۳ |
| خونسیاوشان، ۱۴۶ | خَندروس، ۱۲۶، ۱۳۹، ۲۰۱ | خُلر، ۱۳۷ | خُضیراء، ۱۵۹ |
| خون سیاوشان، ۱۴۶ | خَندروس، ۱۳۹ | خُلر (قزوين)، ۱۰۴ | خُضیراء، ۲۷۵ |
| خویبو (سجزی)، ۱۷۱ | خندروش، ۱۳۹ | خَلص، ۱۳۷ | خَطار، ۲۵۱ |
| خویصه مصغر (اندلس)، ۲۷۲ | خندریل، ۲۹۷ | خلنج، ۱۱۰ | خَطافی، ۱۲۷ |
| خیار، ۱۴۰، ۲۳۴، ۲۵۵ | خَندریلی، ۱۳۹، ۲۱۲ | خَلنج، ۱۳۷ | خطای (شیرازی)، ۱۴۰ |
| خیار بادرنگ (خراسان)، ۲۳۴ | خَندریلی، ۲۹۸ | خَلوانی، ۷۲ | خِطَر، ۱۲۵، ۲۹۲ |
| خیار باذرنگ، ۲۳۴ | خندوس، ۱۳۹ | خَلوق، ۱۶۳ | خَطَر، ۲۵۱ |
| خیار باذرنگ (خراسان)، ۲۳۴ | خنزیری (مصر)، ۲۷۲ | خَلوق، ۱۶۳ | خِطَرَة، ۱۳۶ |
| خیار باذرنگ (خراسان)، ۲۳۴ | خنس (گیلان)، ۱۲۰ | خلوqe، ۲۶۱ | خطری دَغیا، ۲۱۰ |
| خیار بالنگ (شیراز)، ۲۳۴ | خوب کلان، ۱۲۹ | خَلَة، ۱۳۷ | خطمی، ۱۲۹، ۱۳۶، ۲۱۶ |
| خیار تلخ، ۱۲۶ | خوخ، ۱۳۹ | خلیمو (شیرازی)، ۱۲۳ | خِطَمی، ۱۳۶ |
| خیار چنبر، ۱۴۰ | خوخ الماء، ۱۱۵، ۱۳۹ | خمداریوس، ۲۶۰ | خطمی الازغب، ۱۲۹ |
| خیار خر، ۲۳۳ | خوخ المروج، ۲۴۳ | خمدافنی، ۲۷۵ | خطمی الرومی، ۱۲۹ |
| خیار (خراسان)، ۲۳۳ | خوخ قلیق استه، ۲۳۲ | خمالاژن، ۲۷۵ | خطمی المروج، ۱۲۹ |
| خیار خوراکی، ۲۳۴ | خوردپیلا، ۱۸۰ | خَمایِلن، ۶۴ | خطمی النهری، ۱۲۹ |
| خیار دراز، ۲۳۳ | خورزهرج، ۱۴۵ | خمان الأرض، ۱۳۸ | خطمی بری، ۱۳۶، ۱۸۷ |
| خیار دراز (شیراز)، ۲۳۴ | خوز، ۶۷ | خمان الصغیر، ۱۳۸ | خطمی کوچک (شیراز)، ۲۸۴، ۱۲۹ |
| خیار درزده، ۲۳۳ | خوشان، ۱۲۳، ۱۳۹ | خمان الکبیر، ۱۳۸ | خطمی البیضاء، ۱۲۹ |
| خیار دشتی، ۱۲۶ | خوش سایه، ۱۴۴ | خَمان (نبطی)، ۱۳۸ | خُفت، ۱۶۷ |
| خیار زره سفید، ۲۳۳ | خوشک، ۷۳ | خمایملن، ۷۰ | خفجرومیا، ۲۳۷ |
| خیار زره، ۲۳۳ | خوشک امحری، ۹۳ | خَمخَم، ۶۳ | خفرج (بلخ و زابلستان)، ۸۳ |
| خیار زره اسپند، ۲۳۳ | خوشه ارزن، ۱۹۰ | خَمَر، ۲۰۲ | |
| خیار زره کوچک، ۱۹۸ | خوص (مصر)، ۷۵ | خمري مرجا، ۲۴۹ | خلاف، ۵۴، ۱۷۱ |
| خیار شنبر، ۱۴۰ | خوص (مغرب)، ۲۰۸ | خمساطرپی، ۴۱ | خلاف، ۱۳۶ |
| خیار صنبر، ۱۴۰ | خوصه (اندلس)، ۲۷۲ | خَمْضِض، ۱۲۲ | خلاف بلخی، ۱۳۷، ۱۵۹ |
| خیار طلخ، ۱۲۶ | خوفان، ۲۰۲ | خَمَط، ۵۵، ۱۴۵ | خلاف (شام)، ۱۳۶ |
| خیار (عراق)، ۲۳۴ | خولادولیون، ۱۳۳ | خَمَل، ۱۷۹ | خلال، ۲۸۲ |
| خیارک بی بر (بلخ و طبرستان)، ۲۸۶ | خولان، ۱۲۰ | خَشی، ۳۷، ۵۱، ۸۰، ۸۶ | خلال مامونی، ۴۳ |
| خیاط، ۱۲۵ | خَوَلَع، ۱۲۶ | خَشی، ۱۳۸ | خلبانی، ۷۲، ۲۴۶ |
| | خوللو (شیرازی)، ۱۵۲ | خَشی، ۱۳۸ | خلبه (گیلان)، ۱۲۱ |
| | خولنجان، ۱۰۶، ۱۳۹ | خشی الصخریه، ۱۳۸ | خلجاء، ۲۵۷ |

| | | | |
|---------------------------|-----------------------------|------------------------|-----------------------|
| خیر بوا، ۲۹۶ | داذی، ۱۴۱ | داره‌لد، ۱۴۲ | دُخُن، ۱۴۳ |
| خیرخیر، ۱۷۱ | داذی الرومی، ۲۹۸ | داری، ۱۳۰ | دُخُن البری، ۱۱۹ |
| خیر مِنْ أَلَف، ۱۷۹ | داذی رومی، ۱۴۱ | داغ سوغانی، ۸۵ | دخن العصافیر، ۱۴۳ |
| خیر من أَلَف درهم، ۱۷۹ | داذی کوهی، ۲۹۸ | دافع الغم، ۱۱۳ | دخن النملی، ۱۴۳ |
| خیرو، ۱۲۹ | دارارون، ۴۴ | دافنطس (اسکندریه)، ۱۷۴ | دخن بری، ۱۰۰ |
| خیروج، ۱۲۹، ۱۳۶ | دارافرسام، ۸۶ | دافنی، ۱۴۵، ۱۵۹ | دخنخ (بخارا)، ۸۴ |
| خیری، ۱۲۹، ۱۴۰، ۲۸۵ | دارالمرز، ۶۵ | داک، ۲۱۴ | دُخْنه، ۴۴ |
| ۲۹۲ | داربرنیا، ۸۴ | داککه جهاز، ۲۵۵ | دُخْنه مریم، ۷۴ |
| خیری ازرق، ۱۶۸ | دارچوبه، ۱۴۲ | دالان بزرگ، ۱۵۲ | در، ۲۱۳ |
| خیری اصفر، ۱۶۸ | دارچینی، ۱۴۱ | دانج ابروج، ۱۴۲ | درابی، ۱۱۵، ۱۱۶ |
| خیری الاحمر، ۷۹ | دارشاه، ۵۹ | دانک، ۱۴۲ | دراجن، ۱۳۹ |
| خیری الاصفر، ۱۴۰ | دار شیرین، ۱۸۰ | دانک افرونک، ۱۴۲ | دراز (شیرازی)، ۱۱۷ |
| خیری البر، ۱۳۳ | دارشیشعان، ۱۰۹، ۱۴۱ | دانه، ۲۰۶ | دراشتا، ۲۶۱ |
| خیری البر، ۱۴۰ | ۱۷۱، ۱۷۸ | دانه سجستان، ۱۶۷ | درافس، ۱۳۹ |
| خیری الماء، ۱۴۰، ۲۷۲ | دارصینی، ۱۴۱، ۲۳۸ | داونه مروا، ۲۰۶ | درافیون، ۲۷۳ |
| خیری (بغداد و موصل)، ۲۱۱ | دارصینی الدون، ۱۴۱ | داء الحیه، ۱۰۶ | دراققطی، ۲۵۱ |
| خیری جبلی، ۱۳۳، ۲۶۸ | دارصینی حبشی، ۱۴۱ | دب، ۲۹۱ | دُراقِن، ۱۳۹ |
| خیری سیاه، ۱۴۰ | دارصینی زور، ۱۴۱ | دبّا، ۱۴۲ | دراقن (شام)، ۱۳۹ |
| خیزران، ۱۴۰ | دارفلقل، ۴۶، ۱۴۲، ۲۲۷ | دبا، ۲۳۷ | دُراقُطیون، ۲۳۱ |
| خیزران البلدی (اندلس)، ۳۶ | دارققوطون، ۱۴۲ | دباب، ۱۸۲ | دراقُطیون، ۲۷۳ |
| | دارکسنة (عراق)، ۲۴۹ | دبساقوس، ۱۴۸ | دراقُطیون، ۲۷۳ |
| | دارکیسه، ۱۹۹ | دیساقوس، ۱۴۹ | دراقنوسقردیون، ۸۰، ۹۸ |
| خیزران بلدی، ۱۴۰ | دارکیسه (شام)، ۱۰۷ | دبق، ۵۱، ۵۸، ۱۶۷ | دراقونطیون، ۲۷۳ |
| خیزو (مراکش)، ۱۰۳ | دارکیسه، ۱۴۲ | دبقی، ۱۴۲ | دراقیطن، ۲۷۳ |
| خیسفوج، ۲۴۲ | دارکیسه (شام)، ۱۹۹، ۲۴۹ | دبقت، ۱۴۲ | دراقیطون، ۲۳۰، ۲۷۳ |
| خینوس، ۱۹۳ | دارم، ۱۴۲ | دبقی، ۵۱ | دراقیل، ۱۴۳ |
| خیوخیر، ۱۷۱ | دارم، ۱۵۷ | دبندار، ۱۴۹ | دراقینی، ۱۳۹ |
| خیوز (سوانم)، ۲۰۱ | دارما، ۲۸۰ | دبوقا، ۱۴۳ | درامج، ۱۴۳ |
| | دارمازو، ۸۶ | دبوکی (بلخ)، ۲۸۴ | درامک، ۲۸۰ |
| | دارمازی (طبرستان)، ۸۶ | دبی، ۹۶ | درانیج، ۱۴۳ |
| | دارمک، ۱۴۲ | دبیداریا (نبطی)، ۱۴۳ | دربرق، ۲۱۴ |
| | دارمون، ۱۵۷ | دبیراز، ۱۴۳ | دریقا، ۷۱ |
| | دارمیران، ۱۴۲ | دتبلیغ، ۱۷۹ | درجکان، ۱۳۹ |
| | دارواش (دیلم و تنکابن)، ۲۱۵ | دُجر، ۲۷۱ | درحسُخک، ۱۹۸ |
| | داروان (تنکابن)، ۳۵ | دجر، ۲۷۱ | دُرحوله، ۱۴۴ |
| | دارورهرام، ۱۸۰ | دحداح، ۱۴۳ | درخت اُثل، ۱۸۲ |
| | داروان، ۱۴۴ | دخسیسا، ۱۴۳ | درخت پشه، ۱۴۴ |
| | | دخن، ۱۰۰ | درخت دبق، ۵۱ |

حرف «د»

| | | | |
|-----------------------|----------------------------|------------------------|--------------------------|
| درخت دردار، ۱۷۸ | دروقیون، ۱۴۴، ۱۴۷ | دَفلی الخضرَاء، ۱۴۵ | دمیثا، ۹۷ |
| درخت دلیک، ۲۹۴ | دروقیونون، ۱۴۴ | دَفنیداس، ۱۵۹ | دنبی دارو (شیرازی)، ۴۹ |
| درخت زکریا، ۱۶۹ | دروکی کنکر، ۱۱۴ | دَفیقَه، ۱۰۳ | دند، ۱۴۷، ۲۷۶ |
| درخت زهرناک، ۲۰۹ | دُرُونَج، ۱۴۴ | دَفیون، ۲۲۳ | دندان جانان (سجزی)، ۲۹۳ |
| درخت سال، ۲۰۲ | درونک، ۱۴۴ | دِق، ۱۴۳ | دندان ساوکف، ۸۳ |
| درخت سیستان، ۱۴۲ | درویطارس، ۵۲ | دِقان، ۱۳۶ | دندان گرگ، ۵۰، ۸۴ |
| درخت شانه، ۲۶۳ | درهن، ۱۸۴ | دَقتا، ۲۶۴ | دند هندی، ۲۷۶ |
| درخت عرعر، ۱۷۰ | دَزیاس، ۱۴۵ | دَقْتَرانِش، ۱۴۵ | دَنقَه، ۱۴۷ |
| درخت عود، ۲۹۶ | دریاس (فاس)، ۶۵ | دَقتوریه، ۹۹ | دَنقَه، ۱۶۴ |
| درخت غایش، ۲۱۵ | دریاس (مغرب)، ۹۷ | دَقْسِنِطُس، ۹۵ | دَنقَه، ۱۹۴ |
| درخت فلفل، ۱۴۲ | دُزیان، ۱۴۵ | دَقطابانون، ۲۸۱ | دوئی، ۲۴۲ |
| درخت کدز، ۴۵ | دریقنون، ۲۴۹ | دَقطامیون، ۲۸۱ | دوادم، ۱۴۷ |
| درخت کلنورا، ۱۹۸ | درینه (تبریز)، ۹۶ | دَقطمن، ۲۸۱ | دواغریا، ۱۴۷ |
| درخت کوت، ۲۶۲ | دریولطاس، ۲۶۳ | دَقْطَمَنُن، ۲۸۱ | دوالک، ۵۲ |
| درخت مسواک، ۴۳ | دستنبو، ۱۴۴ | دَقلیوس، ۶۷ | دواله، ۵۲ |
| درخت هلیله (شهری)، ۳۵ | دستنبویه، ۱۴۴ | دَقنادعزی، ۲۶۷ | دوالی، ۵۲ |
| دَزداب، ۱۴۴ | دستنبویه، ۱۴۵ | دل اشوب (شیرازی)، ۴۱ | دوام (انطاکیه)، ۸۶ |
| دَزدار، ۱۴۴ | دسقس، ۱۳۳ | دَلّاع، ۸۱ | دَوایاغریا، ۱۴۷، ۱۴۸ |
| دردار، ۲۶۹، ۲۹۰ | دَسَم الشَّجَر المَرّ، ۲۸۶ | دلاع، ۸۲ | دواء الجنون، ۵۵ |
| دردریه (بکر)، ۲۷۸ | دسم الصوف الوُذج، ۱۶۵ | دلاع البری، ۱۲۶ | دواء الحیّه، ۱۰۶ |
| دَرس، ۸۶ | دسظو، ۸۵ | دلال، ۱۸۰ | دواء الخَطاطیف، ۲۰۸، ۲۷۶ |
| درغل، ۲۰۴ | دسیسه (مصر)، ۵۶ | دَلَب، ۱۴۵ | دویر (مصر)، ۲۷۳ |
| درق، ۱۲۵ | دشینه، ۱۹۷ | دلب، ۲۱۷، ۲۹۰ | دود الصخر، ۷۹ |
| درقنطیون، ۱۴۶ | دُعاع، ۱۴۵ | دَلَبوث، ۴۵ | دَوَدِر، ۱۴۵ |
| درقیانا، ۳۰۰ | دُعُوب، ۱۴۵ | دَلَبوث، ۱۴۴، ۱۴۶، ۲۵۷ | دودزلوس، ۲۳۰ |
| درمامه، ۱۴۴ | دُعُتا، ۸۱ | دلبوس، ۱۴۶ | دودسپاروس، ۱۴۴ |
| درماء، ۱۴۴ | دَعنادشغاری، ۸۱ | دلغ، ۱۴۶ | دَوَدِم، ۱۴۷ |
| درمنه، ۱۹۳، ۵۵ | دَعنادقرطی، ۸۲ | دَلَم (فاس)، ۱۴۵ | دودهالی، ۱۸۸ |
| درمنه اسپید، ۹۷ | دَعناقورینثا، ۱۲۱ | دلوباخوسطس، ۲۳۰ | دَوَراو، ۱۱۷ |
| درمنه ترکی، ۱۹۳ | دَعناغنا، ۱۱۴ | دَلِیک، ۱۴۶ | دوراو، ۱۱۷ |
| درنک، ۲۸۰، ۳۸ | دَعقیلا، ۱۱۸ | دَمادم، ۱۴۷ | دورخولی، ۱۴۶ |
| دَروازَدَ، ۱۹۸ | دُغلول، ۱۴۵ | دَماسونین، ۲۸۱ | دورحولی، ۱۸۱، ۲۵۷ |
| دَرویطارس، ۱۴۴ | دَفقوس، ۱۰۳ | دَم الاخوین، ۶۹، ۱۴۶ | دورس، ۱۴۵ |
| دَرویطارَس، ۱۴۴ | دَفقین، ۱۰۳ | ۱۷۹، ۱۹۲، ۲۱۵ | دورقنی، ۱۴۷ |
| دَرویفینوس، ۱۴۴ | دَفقینی، ۱۰۳ | دم الأمیر، ۱۴۷ | دورقنطون، ۲۳۰ |
| دروقتی، ۲۴۹ | دَفلی، ۳۷ | دم الغزال، ۱۴۷ | دُوسر، ۱۴۷ |
| دُرُوقینون، ۱۴۴ | دَفلی، ۱۴۵ | دَمدام، ۱۴۷ | دُوسر، ۱۹۴ |
| | دَفلی البیضاء، ۱۴۵ | دَمسَقینی، ۴۱ | دوسر، ۲۰۱ |

| | | | |
|--------------------------|-----------------------|--------------------------------|---------------------------|
| دوشر، ۱۴۷ | دیس، ۴۳، ۷۸، ۱۴۸ | ذاقنیویداس، ۱۴۹ | ذنب الجِدَّة (اندلس)، ۲۳۱ |
| دوُقُس، ۱۱۸ | دیس (اندلس)، ۵۰، ۱۷۵ | ذُبُج، ۶۳، ۱۰۳، ۲۶۵ | ذَنْبُ الحُرُوف، ۱۵۱ |
| دُوُقُس، ۱۴۸ | دیسندس، ۲۳۷ | ذُبْحَة، ۶۳ | ذنب الخیل، ۵۰، ۶۲، ۲۶۷ |
| دوقس، ۲۹۲ | دیشار، ۲۸۱ | ذراعہ (مصر)، ۲۳۶ | ذَنْبُ الخَیْلِ، ۵۰ |
| دوقس (شام)، ۱۱۸ | دیقطمینون، ۲۸۱ | ذربون، ۱۸۸ | ذَنْبُ الخَیْلِ، ۱۵۱ |
| دوقص، ۸۰ | دیقورس، ۲۳۵ | ذرت، ۱۰۰ | ذنب السَّبُع، ۱۵۱ |
| دوقسو، ۱۰۳، ۱۱۷، ۱۴۸ | دیک الاعمی، ۱۱۸ | ذرعاً، ۲۶۱ | ذنب العقرب، ۱۵۱، ۲۰۴ |
| ۱۸۸، ۲۲۸، ۲۵۶ | دیک الاعور، ۱۱۸ | ذرفی، ۱۵۰ | ذَنْبُ العقرب، ۱۵۲ |
| دُوقو، ۱۴۸ | دیک (اندلس)، ۱۴۴ | ذرق، ۱۲۵، ۱۵۰ | ذنب الفار، ۲۶۹ |
| دوقواغریا، ۱۴۸ | دیک اَعُور، ۱۱۸ | ذُرَق، ۲۹۱ | ذَنْبُ الفار (اندلس)، ۲۶۹ |
| دوقوالاحرش، ۱۰۳، ۱۴۸ | دیلہ، ۱۲۲ | ذُرَق الحَمَام، ۱۵۰ | ذنب الفارہ، ۲۶۹ |
| دوقو الرومی، ۱۰۳ | دینار، ۲۵۸ | ذُرَق الطیر، ۸۷ | ذنب الفرس (شام)، ۱۵۱ |
| دوقو القرادى، ۱۰۳ | دینارو، ۱۱۷ | ذُرَق الطَیْرِ، ۱۵۰ | ذنب القَط (اندلس)، ۱۵۱ |
| دوقو القُرادی، ۱۰۳ | دینارویه، ۱۱۷، ۱۴۸ | ذرقونن، ۱۳۹ | ذنب اللبوء، ۱۵۱ |
| دوقو املس، ۱۴۸ | دینساقوس، ۱۴۸ | ذروفینون، ۱۵۰ | ذنب اللَّوء، ۱۵۱ |
| دوقوبری، ۱۴۸ | دیواسپست، ۱۲۵ | ذره، ۱۰۰ | ذنب النمر، ۷۵ |
| دوم، ۱۵۷، ۱۶۸، ۲۸۳، ۲۸۴ | دیواسپست صحرائی، ۱۲۵ | ذُرَّه، ۲۰۳ | ذنب الِهَر، ۸۷ |
| دوم (مغرب)، ۲۰۸ | دیودار، ۳۹، ۱۴۹، ۲۰۹ | ذُرَّه، ۲۶۳ | ذنبان، ۱۵۱ |
| دومه، ۲۸۳ | ۳۰۰ | ذُرَّه مکہ، ۱۳۹ | ذُنُبِیاء، ۱۵۱ |
| دوینکانی، ۱۱۰ | دیودار (طبرستان)، ۲۶۴ | ذُرَّه، ۱۴۹ | ذوات الجُجم، ۲۰۴ |
| دویره، ۲۷۳ | دیودر، ۱۴۹ | ذُرَّیْرَة السُّخَم (مصر)، ۲۷۳ | ذوات جُجم، ۲۵۶ |
| ذَهار (سند)، ۴۷ | دیوزوان (بستی)، ۲۱۰ | ذریرة (مصر)، ۲۷۳ | ذو ألف ورقة، ۱۵۱، ۱۷۱ |
| ذهاک، ۸۵ | دیوسبست، ۱۲۵ | ذریزه، ۱۵۰ | ذو ثلاث الوان، ۱۵۲ |
| ذهاهاهیج، ۱۴۸ | دیوفونیطس، ۲۷۳ | ذفارا، ۱۰۰ | ذو ثلاث حیات، ۱۶۲ |
| دهتوره، ۱۰۹ | دیو مشنگ، ۱۵۶ | ذفراء، ۱۵۰ | ذو ثلاث شوکات، ۱۵۲ |
| دهکلو (شیراز)، ۲۶۰ | | ذفکر، ۲۲۶ | ذو ثلاث ورقات، ۱۵۲ |
| دهماسا، ۱۴۸ | | ذِفلی، ۱۴۵ | ذو ثلاثة اوراق، ۲۰۳ |
| دَهْمَسْت، ۱۴۸، ۱۵۹، ۲۱۸ | | ذُکار، ۹۶ | ذو ثلاثة ألوان، ۱۵۲ |
| دهمشت، ۲۱۸ | ذات الریش، ۱۴۹ | ذکر الارض، ۹۲ | ذو ثلاثة شعب، ۱۱۸ |
| دهنون دودى، ۲۵۰ | ذات ثلاث حَبات، ۱۶۲ | ذَکَر الدیک، ۱۵۰ | ذو ثلاثة عناقید، ۲۰۳ |
| دهنیہ، ۲۵۷ | ذافنی، ۱۴۹ | ذکر الرئيس، ۱۳۵، ۱۵۰ | ذو خمسة أجنحه، ۸۹ |
| دهونه، ۲۴۷ | ذافنی، ۲۱۸ | ذکر الکلب، ۱۵۰ | ذو خمسة اجنحه، ۴۱، ۸۸ |
| دیاکلمن، ۱۴۱ | ذافنی الاسکندری، ۱۴۹ | ذَکَر الِهَر، ۸۰ | ۱۵۲ |
| دیامنطیس، ۲۶۴ | ذافنیدس، ۱۴۹ | ذَکَر الِهَر، ۲۰۱ | ذو خمسة اصابع، ۱۵۲ |
| دیامیرون، ۹۵ | ذاقنیویداس، ۱۴۹ | ذکور البقل، ۱۴۴ | ۲۳۰ |
| دیساقوس، ۱۳۳، ۱۴۸ | ذاقنی، ۱۴۹، ۲۱۸ | ذَنْب الأُیْل، ۲۸۷ | ذو خمسة اقسام، ۸۸، ۱۵۲ |
| دییناقوس، ۱۴۸ | ذاقنی الاسکندری، ۱۴۹ | ذنب الثعلب، ۱۸۱ | ذو خمسة اوراق، ۴۱، ۸۸ |
| دیدرون اسایا، ۲۵۵ | ذاقنی الاسکندری، ۱۴۹ | ذَنْبُ الجَمَل، ۱۲۶ | ۱۵۲، ۲۳۰ |

حرف «ذ»

| | | | |
|----------------------------|-----------------------------|----------------------------|------------------------|
| رتة (نبطی)، ۸۸ | رانج وبر (فارس)، ۱۱۱ | راحة الکف، ۲۵۹ | ذو خمسة أجنحة، ۱۵۲ |
| رتیانج، ۱۹۷ | رانداروی تلخ، ۲۶۰ | راحة الکلب، ۱۵۲ | ذو خمسة أصابع، ۴۱، ۸۸ |
| رثیث، ۵۰ | راون، ۱۵۴ | راحة الکلب، ۲۵۴ | ۱۵۲ |
| رجبه، ۱۵۵ | راوند، ۱۵۴ | رازقی، ۱۵۲ | ذو خمسة أقسام، ۱۵۲ |
| رجل الارنب، ۲۶۵ | راوند الجبلی، ۲۵۰ | رازقی، ۱۸۱ | ذو سبعة اضلاع، ۲۶۹ |
| رجل الأرنب، ۲۶۵ | راوند الفارسی، ۱۲۲، ۱۵۹ | رازیانج، ۷۸، ۱۵۲، ۲۳۸ | ذو شُوْنِکَة، ۱۵۲ |
| رجل البازی، ۱۵۵ | راوند شامی، ۱۵۴ | رازیانج البستانی، ۱۵۳ | ذو مائة رأس، ۱۵۲ |
| رجل البازی، ۲۴۸ | رای، ۱۳۰ | رازیانج الرومی، ۶۷ | ذهبی، ۳۴ |
| رجل الجراد، ۱۵۵، ۱۶۱ | رای بیل، ۱۵۴ | رازیانج الشامی، ۶۷ | ذهبیه، ۱۵۳ |
| رجل الحدأة، ۱۵۵ | رای مُنت، ۷۵ | رازیانج القروء، ۱۴۸، ۱۵۳ | ذهیة، ۱۵۲ |
| رجل الحرشاء، ۱۵۵ | رائی مُنت، ۱۶۰ | رازیانج بری، ۱۵۲، ۱۵۳ | ذی الورقة الواحدة، ۲۷۳ |
| رجل الحمام (اندلس)، ۱۲۵ | راء، ۱۵۲ | رازیانج حبشی، ۱۵۳ | ذیره، ۱۲۳ |
| رجل الحمامه، ۳۸، ۱۱۹، ۱۲۵ | راء، ۱۵۲ | رازیانج رومی، ۱۵۳ | ذُونون، ۱۵۲، ۲۰۱ |
| رجل الحمامة، ۳۸، ۴۳، ۲۵۲ | راء، ۵۹، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۳۹، ۲۶۳ | رازیانج شامی، ۱۵۳ | |
| رجل الحَمَامَة (اندلس)، ۶۸ | رأس الأفعی، ۴۲ | رازیانج فارسی، ۱۵۲ | حرف «ر» |
| ۱۹۰ | رأس الذهب، ۱۳۲، ۱۵۳ | رازیانج (مغرب و اندلس)، ۷۸ | رئیس الجَبَل، ۱۱۹ |
| رجل الدجاجة، ۱۵۵ | رأس الزرزور، ۱۵۳ | رازیانق، ۷۸ | رئیس الجبل، ۱۲۰، ۱۶۰ |
| رجل الدجاجة (آفریقا)، ۷۰ | رأس الشيخ، ۵۸، ۱۵۳ | رازیانه، ۱۵۲، ۲۱۳ | راء، ۱۵۴ |
| رجل الزاغ (شام)، ۱۵۵ | رأس العجل الكبير، ۶۷ | رازیانه بری، ۱۵۳ | رائحة الأثرُج، ۷۱ |
| رجل الزرزور، ۱۵۵ | رأس العصفور، ۱۵۳ | رازیانه رومی، ۶۷ | رائحة البستان، ۲۸۰ |
| رجل الطیر، ۳۶ | رأس القنفذ، ۱۵۳ | رازیانه شامی، ۶۷ | رائی، ۱۳۰ |
| رجل العقاب، ۱۵۵ | رأس الهدهد (اسکندریه)، ۲۷۷ | راژموک (ترمذی)، ۲۷۱ | رابانس ازغریا، ۵۷ |
| رجل العقق، ۱۵۵ | رب القَرظ، ۱۳۲ | راس الذهب، ۱۳۰ | رایج، ۱۱۲ |
| رجل الغراب، ۳۶، ۱۴۸ | زَبَرَق، ۲۴۹ | راسن، ۱۵۹، ۲۵۲ | رابستیاج، ۱۹۳ |
| ۱۵۵، ۱۶۲، ۲۵۶ | زَبَرَق (یمن)، ۱۵۴ | راسن (اندلس)، ۱۰۶ | رابوقه، ۸۲ |
| رجل الغُراب، ۱۵۵ | زَبَل، ۱۵۴ | راسن (اندلس)، ۱۵۳ | راتیانج، ۱۹۶ |
| رجل الفروج، ۵۲، ۱۲۳، ۲۳۲ | زَبَل (مصر)، ۵۶ | راطینا، ۱۹۷ | راتیانج، ۱۹۷ |
| رجل الفُرُوج، ۱۱۶ | زَبَلَه، ۲۷۴ | رافانوس، ۲۲۴ | راتینا، ۱۹۷ |
| رجل الفروج (اندلس)، ۱۵۵ | ربوذي، ۸۴ | رافعه، ۱۳۰ | راتیانج، ۱۵۲ |
| رجل القلُوس، ۱۵۵ | رتک (شیرازی)، ۲۸۱ | رافعة، ۱۵۴ | راتینج، ۱۵۲، ۱۹۷، ۲۴۴ |
| رجل القلوس، ۱۵۵ | رَتَم، ۱۵۱، ۱۵۴ | راقوته (شیراز)، ۲۹۰ | راتینج، ۱۹۷ |
| رجل صالح، ۲۸۰ | رَتَم الخنزیر، ۱۵۴ | رال، ۱۷۸، ۲۴۷ | راجونکه، ۲۴۹ |
| رجله، ۸۲، ۸۳، ۸۴ | رَتَم الطُباء، ۱۵۴ | رام تلسی، ۲۲۵ | راج کیری، ۲۱۰ |
| رجلة الشتاء و الصيف، ۱۰۸ | رتن جوت، ۴۰ | رامک، ۱۵۴ | راح، ۷۹ |
| رَجْمول، ۲۵۸ | رُتَه، ۵۲، ۵۴ | رامشس، ۲۱۷ | راح العرب، ۶۲ |
| رجنه، ۱۳۳ | رُتَه، ۱۵۵ | رانج، ۱۰۹ | راحة الاسد، ۲۸۳ |
| | | رانج، ۲۸۷ | راحة الأسد، ۲۸۶ |

| | | | |
|--------------------|--------------------------|---------------------------|-----------------------|
| رجینة، ۱۹۷ | رعى الأیّل، ۶۰ | رقعة الصخرية (اندلس)، | رمانامصرینا، ۱۰۴ |
| رجینة (اندلس)، ۱۵۲ | رعى الأیّل، ۲۸۱ | ۲۷۱ | رمان بری، ۱۰۴، ۱۱۲، |
| رحبینه، ۱۹۷ | رعى الأیّل، ۱۵۶ | رقعة الصنوبریه، ۱۵۷ | ۲۸۳، ۱۵۸ |
| رخامی، ۱۵۵ | رعى الأیّل، ۱۵۶ | رقعة الفارسیة (اندلس)، ۸۷ | رمان بستانی، ۱۰۴ |
| رخون (بغداد)، ۲۶۱ | رعى البَطّ، ۱۴۸ | رقعة اللّطینیة، ۹۷ | رمان حامض، ۱۵۷ |
| رخینه، ۱۵۲ | رعى الحمام، ۶۰، ۷۳، ۱۵۶، | رقعة النهریة، ۲۹۱ | رمان حلو، ۱۵۷ |
| ردایف، ۱۱۴ | ۲۰۴ | رقعة (اهل سِراة)، ۱۰۸ | رمان هندی، ۱۴۱، ۲۸۸ |
| رُدوئتی، ۱۵۵ | رعى الحَمَام، ۶۹ | رقعة بریة، ۱۵۷ | رمت، ۴۴ |
| ردین، ۲۶۰ | رعى الحَمَام، ۱۵۶ | رقعة جبلیة، ۱۵۷ | رِمَت، ۱۵۸ |
| رُزّا، ۴۴ | رعى الحمیر، ۲۲۵ | رقعة خضفیة، ۱۵۷ | رُمح صغیر، ۲۷۱ |
| رزى (تبریز)، ۸۵ | رعى الشواھین، ۲۰۴ | رقعة سَهلیة، ۱۵۷ | رمرام، ۱۵۸ |
| رس، ۲۰۹ | رعى الضفادع، ۲۵۴ | رقعة شعریة، ۱۵۷ | رَمَرام، ۱۵۸ |
| رستنی نوذیه، ۲۱۰ | رعى العیر، ۴۳ | رقعة طلییة، ۱۵۷ | رند، ۳۶، ۴۳، ۱۴۵، ۱۶۱ |
| رسماریتا، ۲۳۹ | رَعِیْداء، ۱۶۴ | رقعة ظلیة، ۱۵۷ | رَند، ۱۵۹ |
| رُسَماریتا، ۸۷ | رُعِیْداء، ۱۹۴ | رقعة فارسیة، ۱۵۷ | رند اسکندرانی، ۱۵۹ |
| رسوت، ۱۲۰ | رغبا، ۲۵۸ | رقعة قَرَنُقلبة، ۱۵۷ | رند (سندی)، ۲۱۸ |
| رسون هندی، ۱۹۹ | رَغَث، ۱۰۴ | رقعة لطینیة، ۱۵۷ | رندلی، ۶۷ |
| رسیم (مصر)، ۲۳۶ | رغل، ۸۳ | رقعة مَرَجیة، ۱۵۷ | رَنف، ۱۳۷، ۱۵۹ |
| رسین (اصفهان)، ۲۳۶ | رُغل، ۱۲۳، ۱۳۹، ۱۷۰ | رقعة نهریة، ۱۵۷ | رنکبار (شیرازی)، ۱۵۲ |
| رشاد، ۱۰۲، ۱۱۵ | رغیدا، ۴۴، ۱۵۷، ۱۶۴، ۱۹۴ | رقوثا، ۲۹۰ | رنگ زعفران، ۴۲ |
| رِشال الاحمر، ۴۶ | رفالس (فرنگی)، ۲۲۳ | رَقون، ۱۲۵ | رنگ زعفران (اصفهان)، |
| رِشّالہ، ۴۶ | رفانی، ۲۲۳ | رَقون، ۱۲۵ | ۲۱۰ |
| رُشالۃ الابیض، ۲۶۴ | رفاید، ۱۱۹ | رقة، ۲۱۸ | رنیکا، ۴۱ |
| رشینه، ۱۵۲ | رفینون، ۲۲۳ | رقیب الشمس، ۱۵۷ | رواس، ۱۳۴، ۱۵۹، ۱۸۸ |
| رشینة (اندلس)، ۱۵۲ | رقاع، ۱۵۷ | رَقی (بغداد)، ۸۲ | رواش، ۲۵۴ |
| رضایف، ۱۱۴، ۱۵۹ | رُقاع الیمانی، ۱۵۷ | رَکَف (آفریقا)، ۷۵ | روبادوج، ۲۴۹ |
| رطا، ۲۴۷ | رقاقس، ۱۵۷ | رَکَل، ۲۵۲ | رویازرج، ۲۱۴ |
| رطب القَثّ، ۱۵۶ | رِقان، ۱۲۵ | رَمّان، ۱۰۴ | روباه تریک، ۲۱۴ |
| رَطْبُه، ۱۵۵ | رقبه، ۲۶۸ | رُمان، ۱۵۷ | روباه تورک، ۲۱۴ |
| رطبه، ۲۳۷، ۲۹۱ | رُقَع، ۱۰۵، ۱۵۷ | رُمانا، ۱۵۷ | روباه رَزَک، ۲۱۴ |
| رطبه، ۲۴۱، ۹۲ | رقعا، ۱۳۸ | رمانادبرا، ۱۰۴ | رویباس، ۱۸۹ |
| رعاولیلا، ۱۵۶ | رقع الیمانی، ۱۰۸ | رَمّان الأنهار، ۱۵۸ | رویبان، ۴۴، ۱۵۵ |
| رَغَث، ۱۵۶، ۱۵۸ | رقعاء، ۱۶۹ | رمان البر، ۱۵۸ | رویبه منور، ۲۳۰ |
| رعنادملا، ۲۲۸ | رَقَعَه، ۱۵۷ | رمان السُعّال، ۱۵۸ | رویبه (فرنگی)، ۲۳۰ |
| رعیادیلا، ۱۵۶ | رقعة الرومیة، ۱۵۷ | رمان السُعّال، ۲۷۵ | رودا ایدا، ۱۵۷ |
| رَغِیاذیلا، ۱۵۶ | رُقَعَة الصخری (اندلس)، | رَمّان السعالی، ۲۸۸ | رودک، ۲۳۰ |
| رَغی الایّل، ۱۵۶ | ۱۵۷ | رمان الهند، ۱۸۹ | رودیاریزا، ۱۵۹ |
| رعى الابل، ۶۰، ۱۵۶ | رقعة الصخریة، ۲۵۷ | رمان الهندی، ۱۸۹ | رودیون، ۱۴۵ |

| | | | |
|-----------------------|---------------------------------------|-------------------------|---------------------------|
| زراوند گرد، ۱۶۱ | ریون، ۱۵۴ | ریحان الامرود، ۲۷۹ | رُودا، ۲۹۴ |
| زراوند مَدَخَرَج، ۱۶۱ | ریوند، ۱۵۴، ۲۶۲ | ریحان الترنجانی، ۷۱ | رُودا اَرِیْذا، ۱۵۹ |
| زراوند مدور، ۱۶۱ | ریهقان، ۱۶۳ | ریحان الثعلب، ۱۴۹، ۱۵۹ | رُودا اَیْذا، ۱۵۸ |
| زرجویک، ۲۰۸ | رُؤُوس اَو (أبی) اَطَا اُؤُیْسَا، ۱۷۵ | ریحان الجَرَن، ۱۵۹ | روز دقنی، ۱۴۵ |
| زرجون، ۲۱۴ | | ریحان السلیمان، ۱۶۰ | روز دوس، ۱۵۷ |
| زرچویه، ۲۰۸ | | ریحان السواقی، ۱۵۹ | رُوز، ۴۴ |
| زردآلو، ۱۹۰، ۲۸۲ | | ریحان الشیاطین، ۱۸۳ | رُوز بارج، ۲۱۵ |
| زردجویه، ۲۰۸ | | ریحان الشیوخ، ۲۸۰ | رُوز (فاس)، ۴۴ |
| زردچویه، ۲۷۶ | زآ، ۲۱۳ | ریحان القبور، ۳۶ | روزی، ۴۴ |
| زردک، ۱۰۳ | زآء، ۲۱۳ | ریحان الکافور، ۱۶۰ | روس، ۴۳، ۲۱۳ |
| زردلان، ۱۶۱ | زابر، ۱۶۱ | ریحان الماء، ۳۹ | روشکه، ۵۵ |
| زرشک، ۳۸، ۶۱، ۱۲۰ | زاثا، ۵۲ | ریحان المُرْد، ۱۵۹ | روشنک، ۲۲۱ |
| ۲۳۱، ۲۷۱، ۲۹۸ | زارج، ۳۸، ۶۱ | ریحان الملک، ۱۹۸ | روشی مینس (شیراز)، ۵۱ |
| زرشگ، ۶۱ | زان، ۱۶۰، ۱۶۳ | ریحان النعنع (مصر)، ۳۹ | روطة (فاس)، ۱۶۷ |
| زرع، ۱۲۶ | زَبادی، ۱۶۰ | ریحان الیهود، ۱۶۰ | روغناز (جرجان)، ۲۳۰ |
| زَرع، ۱۲۶ | زبان گنجشک، ۲۶۹ | ریحان (اندلس)، ۳۶ | روفس، ۱۱۰ |
| زرع آدم، ۱۱۲ | زبان لباسا، ۸۶ | ریحان بری، ۸۳ | رومانی دبرقویا، ۲۸۲ |
| زرع بشاشا، ۱۱۶ | زَب رَیاح، ۱۵۰ | ریحان داود، ۳۴ | رومیرو رومینیو (رومی)، ۵۹ |
| زرع بطراسلینون، ۲۲۷ | زَب رَیاح، ۲۰۱ | ریحان سلیمان، ۱۰۵، ۱۶۰ | |
| زرعشامر، ۶۷ | زَب رَیاح، ۲۰۱ | ریحان قرنفلی، ۲۲۵ | رونا، ۲۷۹ |
| زرع شخرونیاء، ۸۸ | زَبْعَر، ۲۸۰ | ریحان کوهی، ۷۱ | روناس، ۲۳۰ |
| زرع علی زرع، ۲۵۷ | زَبُوج، ۲۰۶ | ریحان مطلق، ۱۸۴ | رونق الملک، ۵۹ |
| زرع کرفساد طورا، ۲۲۷ | زَبُوج (اندلس)، ۱۶۶ | ریحانة الرومیه، ۱۱۳ | رونک (سجزی)، ۱۷۳ |
| زرق الطیر، ۱۵۷ | زیب الجبل، ۱۱۱، ۲۸۷ | ریحانة الفتی، ۱۶۰ | رویذون، ۱۵۷ |
| زرقفت، ۱۶۱ | زیب الجبلی، ۲۸۷ | ریحانة المروء، ۱۱۳ | رویذین، ۱۵۷ |
| زرقوتبا، ۱۵۳ | زیب الریفی، ۲۸۷ | ریحانة الملک، ۱۱۳، ۱۶۰ | روی (سجزی)، ۲۰۰ |
| زرقوری، ۱۵۵ | زیب بری، ۱۱۱ | ریسم، ۱۲۲ | روین، ۲۳۰ |
| زِرک، ۶۱ | زتنکل (فرنگی)، ۲۵۰ | ریسنا، ۱۵۳ | رَهْج الفأر (مغرب)، ۶۸ |
| زرنب، ۱۵۵، ۱۶۱ | زجمول، ۲۵۸ | ریش سمندر، ۱۲۰ | رهلیا، ۶۷ |
| زَرَنب، ۱۶۱ | زحموک، ۲۵۸ | ریشه انجدان خراسانی، ۶۵ | ریسباس، ۴۰، ۱۵۴، ۱۵۹ |
| زرنباد، ۱۶۱ | زدوار، ۱۰۱ | ریشه خیرو، ۲۹۷ | ۲۳۰، ۲۸۲ |
| زَرَنبَاد، ۱۶۱ | زر، ۲۵۵ | ریشه ریاس، ۱۵۴ | ریباس الجبلی، ۱۲۲ |
| زرنبودی، ۸۴ | زراوند، ۱۶۰ | ریشه والا، ۱۷۷ | ریباس الخراسانی، ۱۲۲ |
| زرنبوری، ۱۶۲ | زراوند، ۱۶۱ | ریفی، ۶۱، ۸۱ | ریباس الشامی، ۱۲۲ |
| زرنک، ۶۱ | زراوند الطویل، ۲۳۴ | ریمنده (اندلس)، ۲۱۹ | ریباس الفارسی، ۱۲۲ |
| زرنک، ۸۰ | زراوند الطویل (آفریقا)، ۱۸۶ | ریواج، ۱۵۹ | ریتیه، ۸۸ |
| زرنیلج، ۱۵۹ | | ریواس، ۱۵۹ | ریسحان، ۳۱، ۳۵، ۱۵۹ |
| زرواش (تنکابن)، ۹۷ | زراوند خراسانی، ۱۶۰ | ریولة (اندلس)، ۲۲۶ | ۱۸۴، ۲۴۹ |

حرف «ز»

| | | | |
|--------------------------|--------------------------|-----------------------|-------------------------|
| زَرَوَانْ زَنْج، ۲۱۵ | زقوم، ۱۹۸ | زنجی، ۱۶۷ | زیت المهرجان، ۱۶۶ |
| زره (شیرازی)، ۱۴۹ | زقوم آخر، ۱۶۳ | زند (شام)، ۲۱۸ | زیت الهرجان، ۱۶۶ |
| زریات، ۱۳۲ | زَلایف الملوک، ۲۴۷ | زنجباری، ۱۶۴ | زیتون، ۱۶۵، ۵۷ |
| زَریر، ۱۶۲ | زلاویه، ۱۶۳ | زَنجیباری، ۱۶۴ | زیتون الأَرْض، ۱۲۸، ۲۷۵ |
| زریرا، ۸۲، ۱۶۲ | زلایف الملوک (مغرب)، ۲۴۷ | زنقال، ۹۶ | زیتون البحر، ۱۶۶ |
| زریعة السُوداء، ۱۹۲ | زَلَم، ۴۹ | زنکییل، ۱۶۴ | زیتون البری، ۱۶۶ |
| زریعة أبلیس، ۱۸۷ | زلم، ۱۶۳ | زنک فلج، ۱۳۲ | زیتون الجبلی، ۲۰۶ |
| زریقاء، ۱۰۵ | زماره الراعی، ۲۸۱ | زنکورج، ۳۰۱ | زیتون الحَبَش، ۱۶۶ |
| زَرین گیاه، ۹۲ | زَم البول، ۱۱۸ | زنگباری (شیرازی)، ۲۴۴ | زیتون الطحال، ۱۶۶ |
| زَرین گیاه، ۱۶۲ | زَمَان شرار، ۷۶ | زنگبیر، ۱۶۴ | زیتون الکَلْبَة، ۱۶۶ |
| زُرْغُد (انطالیا)، ۲۴۸ | زمردرنگ، ۲۴۵ | زوار، ۱۰۱ | زیتون الماء، ۱۶۵ |
| زُط (سجستان)، ۲۰۱ | زمین قند، ۱۸۹ | زوان، ۱۰۵، ۱۴۷، ۱۵۱ | زیتون المعز، ۱۶۶ |
| زُغُرور، ۱۶۲ | زمین (گرگان)، ۳۵ | زوان گندم، ۱۹۴ | زیتون بری، ۱۶۶ |
| زعرور، ۱۶۳، ۱۸۶، ۲۸۲ | زَن، ۱۳۷ | زوان (مغرب)، ۱۹۴ | زیتون صخری، ۱۶۶ |
| ۲۹۱ | زَن، ۱۴۷ | زوباترس (تنکابن)، ۳۵ | زیتون کوهی، ۲۰۶ |
| زعرور الأدویه، ۵۸ | زَنابیر، ۹۶ | زَوَیتری، ۱۲۶ | زیتون هندی، ۱۹۹ |
| زعرور پستانی، ۱۶۳ | زَنبَا، ۱۶۴ | زوذوذاء، ۱۴۵ | زیتونیه، ۱۴۴ |
| زعرور جبلی، ۱۶۲ | زَنبَارَه، ۹۶ | زوفاء، ۱۶۵، ۱۹۵، ۲۸۱ | زیتونیه (مصر)، ۷۰ |
| زَعفران، ۱۶۳، ۲۵۵ | زنبق، ۱۵۲ | زوفارطیبا، ۱۶۵ | زیر، ۸۵ |
| زعفران بری، ۱۶۳ | زَنبَق، ۱۶۴ | زوفاییشا، ۱۶۵ | زیر خار (سجزی)، ۲۱۷ |
| زعفران حبشی، ۱۶۳ | زَنبَق (دمشق)، ۱۶۴، ۱۸۱ | زوفای رطب، ۱۶۵ | زیرکش، ۶۱ |
| زعفران شرکی، ۱۶۳ | زنبوج، ۱۶۵، ۲۵۱ | زوفای یابس، ۱۶۵، ۵۲ | زیرکی، ۱۱۳ |
| زعفران هندی، ۱۶۳، ۲۵۵ | زَنبوره، ۹۶ | زوفرا، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۴۸ | زیره، ۲۶۲ |
| زُعَیْفراء، ۱۶۳ | زنبوش، ۹۰ | زوفراء، ۱۴۸ | زیره رومی، ۶۷، ۲۵۶ |
| زَعْبَج، ۲۵۱، ۱۶۶، ۱۱۲ | زنبوع، ۴۰ | زوفس، ۱۰۳ | زیره هندو سیاه، ۲۶۲ |
| زَعْبَج، ۲۰۶ | زنبوقه، ۱۲۲ | زول زده، ۲۵۱ | زیزفون، ۲۱۹ |
| زَعْبَر، ۲۸۰ | زَنبیره، ۹۶ | زوله (خوارزم)، ۲۲۸ | زیزفون (دمشق)، ۱۶۶ |
| زغبر، ۲۸۰ | زَنجَبیل، ۱۶۴ | زهر الملح، ۱۶۵ | زیزوفی، ۲۱۳، ۲۱۴ |
| زغیر، ۱۶۳، ۱۹۴ | زنجبیل، ۱۷۱ | زهر زمین (جرجان)، ۳۵ | زیغس، ۱۸۲ |
| زغیر (سغد، سمرقند)، ۲۵۱ | زنجبیل الافرنجی، ۱۶۴ | زهرو، ۲۸۹ | زَیْلَعی، ۲۳۹ |
| زغیره (سغد، سمرقند)، ۲۵۱ | زنجبیل العجم، ۱۶۴، ۵۰ | زهرة الحجر، ۱۶۵ | زیتان (شیرازی)، ۲۸۹ |
| زفزوف (فاس)، ۲۱۳ | زنجبیل الفارس، ۵۰ | زهرة الزهر، ۱۶۵ | زینة الریاحین، ۷۹ |
| زفیزف (اندلس)، ۲۱۳ | زنجبیل الکلاب، ۱۶۴ | زهة الحجر، ۱۶۵ | زینیان، ۲۸۹ |
| زفیزف ونبق، ۲۱۴ | زنجبیل بلدی، ۱۵۳ | زهم، ۱۶۱ | ژالکه (سجزی)، ۵۲ |
| زَقال، ۱۶۳ | زنجبیل شامی، ۱۵۳ | زیا، ۱۹۴ | |
| زُقَشْتَه، ۱۶۳ | زنجبیل (اسکندریه)، ۲۲۳ | زیتارعا، ۲۷۵ | |
| زَقوم، ۱۶۳ | زَنجَرُو (سجزی)، ۶۶ | زیت السودان، ۱۶۶ | |

حرف «س»

| | | |
|--------------------------|-----------------------------|-----------------------------------|
| سافاریعون، ۱۳۰ | سَبْعُ الْكُتَّان، ۱۶۷ | سَخار، ۱۶۷ |
| ساق الاسود، ۷۶ | سبعة اصول، ۲۷۹ | سُخْر، ۱۶۷ |
| ساق الوصیف، ۷۶ | سبنیره (اندلس - لاتین)، ۱۸۵ | سَخس، ۴۳ |
| ساق ترشک، ۸۳ | سببذخار (سجزی)، ۲۱۷ | سَخوزیون، ۱۷۳ |
| ساکتة، ۲۸۰ | سپارک (فرنگی)، ۲۹۷ | سُخُوْس لِّیا، ۱۷۵ |
| ساکرکهوله (سانس کرت)، ۵۹ | سپاری، ۲۳۰ | سَخی رَعَلَا، ۷۹ |
| سالتین اغریون، ۲۵۰ | سپرم، ۱۵۹ | سَخیس، ۴۳ |
| سالس اغریون، ۲۵۰ | سَنِستان، ۱۶۷ | سَخینس، ۲۸۲ |
| سالم (عبری)، ۱۴۷ | سپست تر، ۱۵۵ | سَخِیْئوس، ۴۳ |
| سالمة، ۴۸ | سپندان، ۱۳۱ | سَخینوس، ۲۸۲ |
| سالَة، ۱۳۰ | سپندانک، ۱۱۵ | سَخینوس، ۴۳ |
| سالی، ۱۶۷ | سپند، ۱۱۶ | سَخینوس الأجامی، ۵۰ |
| سالین، ۲۵۴ | سپنی، ۱۶۱ | سَخینوس الیا، ۱۴۸ |
| سالیوس قیفاون، ۲۵۴ | سپید اسفند، ۱۳۱ | سَداب، ۱۲۴، ۱۵۰ |
| سالیون ایمارش، ۲۵۴ | سپید گیاه، ۹۷ | سَداب، ۱۶۷ |
| سالیون ریفان، ۲۵۴ | ستاره ائیکا، ۴۸ | سَداب البر، ۱۱۶ |
| سالیون قیفون، ۲۵۳ | ستالی، ۱۸۸ | سَداب بری، ۱۱۶، ۱۶۸ |
| سالیون، ۲۵۳ | ستاور، ۱۸۸ | سَداب بستانی، ۱۱۶، ۱۶۸ |
| سامان، ۱۴۸، ۱۶۷ | سَتْخادِس، ۴۷ | سَدایان (مصر)، ۱۷۴ |
| سامر (شام)، ۲۸۴ | ستوخس، ۴۷ | سَدَر، ۱۱۸، ۲۱۴، ۲۷۲، ۲۸۹ |
| سامری، ۱۵۴ | سج، ۱۸۷ | سَدَر، ۱۶۸ |
| سامون، ۸۶ | سجا، ۱۶۷ | سَدَر بری، ۶۲ |
| ساناحور، ۷۱ | سَجِستان، ۱۶۷ | سَدَرِوان، ۱۶۸ |
| سانوج (فاس)، ۱۹۲ | سجس افرایه (اندلس)، ۲۴۳ | سَدَرَة، ۱۶۸ |
| سانول، ۱۶۷ | سجالات، ۲۹۹ | سَدوس، ۲۱۱ |
| سایر، ۲۱۳ | سَجَلَّاط، ۲۹۹ | سَدوس، ۲۹۲ |
| سایس، ۲۱۸ | سجومیس، ۴۳ | سَداب، ۹۷، ۱۶۷ |
| سَبِت، ۵۷ | سجی، ۲۴۴ | سَداب، ۱۶۷ |
| سَبِت، ۲۳۷ | سجیوس، ۴۳ | سَداب البر، ۱۵۰ |
| سبری تهلک (سجزی)، ۱۱۶ | سحار، ۹۶ | سَداب بری، ۴۸، ۹۷ |
| سبزیار، ۱۰۷ | سحارة، ۱۸۹ | سَرابیون، ۴۶ |
| سَبْزه (شیراز)، ۲۴۵ | سَحْبر، ۱۵۱ | سَراب البری، ۱۶۸ |
| سبسرین، ۱۱۵ | سحر، ۲۶۰ | سَراب الظلام، ۲۶۳ |
| سبط، ۲۷۳، ۲۵۶ | سحسونه، ۱۶۷ | سَراب القُطرب، ۱۳۲، ۱۴۰، ۲۷۲، ۲۶۳ |
| سَبْعُ الْأَرْض، ۷۵ | سحیلِس، ۴۳ | سَراب القُطْرَب، ۱۶۸ |
| سبع الشَّعراء، ۱۶۷ | سحیمه (اندلس)، ۲۶۷ | سَراب القُطْرِبِل، ۱۶۹ |

| | | | |
|------------------------------|------------------------|-----------------------------|------------------------|
| سراج متوج، ۱۶۸ | سرم، ۲۲۶ | سَطارِیون، ۱۷۱ | سعدی المُضَفَّرَة، ۱۷۱ |
| سراجیه، ۶۰ | سرما، ۱۷۰ | سطاریون، ۲۶۹ | سَعَسَع (عبری)، ۱۴۷ |
| سراش، ۱۳۸ | سَرْمَچ، ۲۴۱ | سطاغونس، ۲۶۶ | سَعْفور الصَفالیه، ۱۶۳ |
| سرالیه، ۲۹۸ | سرمج اطرافاکسیس، ۱۷۰ | سطافانن، ۱۵۹ | سَعْلَه، ۷۳ |
| سراویل الطلول (اندلس)، ۶۰ | سرمس، ۱۷۰ | سطالیون، ۲۸۰ | سَعْلَه، ۱۷۲ |
| سراویل الکُکَّه (اندلس)، ۲۶۷ | سَرْمَق، ۱۷۰، ۲۴۱ | سطانیق، ۱۲۶ | سَعْد، ۸۶ |
| سربن طین (فرنگی)، ۲۷۳ | سرمق، ۲۴۱، ۲۷۹ | سطانیون، ۲۱۹ | سَعُوط، ۱۷۲ |
| سربیل (شیراز)، ۲۳۳ | سرمک، ۲۴۱ | سطراطیوس، ۱۷۱، ۲۶۹ | سَعُوط الدُّوَاب، ۲۶۳ |
| سَرْمَه، ۱۷۰ | سَرْمَچ، ۱۷۰ | سطراطیوس ماریوس، ۱۱۰ | سَعِیْع (نبطی)، ۱۴۷ |
| سَرْمَچ، ۱۷۰ | سَرْمَچ، ۱۷۰ | سطراطیوطس، ۱۷۱، ۲۸۰ | سَغابینون، ۱۷۳ |
| سَرْمَچ، ۱۷۱ | سَرْمَچ، ۱۷۱ | سَطْرَاطیوْطُس، ۱۷۱ | سَغَبین، ۱۷۳ |
| سَرْمَچ، ۱۶۹ | سَرْمَچ، ۱۷۰ | سطراک، ۱۶۱ | سَفادیکُس، ۱۷۲ |
| سَرْمَچ، ۱۲۲ | سَرْمَچ، ۲۶۹ | سطرخنوس، ۲۴۹ | سَفارغانیون، ۲۰۷ |
| سَرْمَچ، ۱۵۷ | سَرْمَچ، ۷۶ | سطرکا، ۵۳، ۱۷۱ | سَفاری، ۸۱ |
| سَرْمَچ، ۱۶۹ | سَرْمَچ، ۲۰۸ | سَطْرُوبیلو، ۱۹۷ | سَفانی، ۱۵۶ |
| سَرْمَچ، ۱۴۴ | سَرْمَچ، ۱۵۵، ۱۶۱ | سَطْرُوثیون، ۱۷۱، ۲۰۷ | سَفنا، ۸۰ |
| سَرْمَچ، ۱۶۹ | سَرْمَچ، ۲۶۹ | سَطْرُوثیون، ۲۶۳ | سَفنک، ۲۹۲ |
| سَرْمَچ، ۶۵ | سَرْمَچ، ۶۷ | سَطْرُوحَنس، ۲۴۹ | سَفنَچَه، ۱۹۸ |
| سَرْمَچ، ۲۱۰ | سَرْمَچ، ۲۰۸، ۳۹ | سَطْرُوحَنس فینجوش، ۲۴۹ | سَفْذُولیون، ۲۵۹ |
| سَرْمَچ، ۱۴۳ | سَرْمَچ، ۲۰۸ | سَطْرُوحَنس البَستَانی، ۲۱۵ | سَفْزَجَل، ۱۷۲ |
| سَرْمَچ، ۲۴۷ | سَرْمَچ، ۳۰۰ | سَطْرُوحَنس، ۲۴۹ | سَفرجل، ۱۸۶ |
| سَرْمَچ، ۱۶۲ | سَرْمَچ، ۱۷۰ | سَطْرُومیون، ۱۷۱ | سَفرجل الهَند، ۱۸۹ |
| سَرْمَچ، ۱۶۹ | سَرْمَچ، ۱۶۹ | سَطْرُونیون، ۱۷۱ | سَفرجل هَندی، ۱۸۹ |
| سَرْمَچ، ۴۱ | سَرْمَچ، ۱۳۷ | سَطْرُومَصر، ۵۷ | سَفرجل هَندی، ۱۸۹ |
| سَرْمَچ، ۱۴۶ | سَرْمَچ، ۱۳۸ | سَطْرُوبی، ۴۶، ۱۷۱ | سَفرجل، ۱۳۴ |
| سَرْمَچ، ۱۳۷ | سَرْمَچ، ۱۹۳ | سَطْرُوسا، ۱۸۴ | سَفْزَغابینون، ۱۸۱ |
| سَرْمَچ، ۱۱۵ | سَرْمَچ، ۲۰۹ | سَطْرُوس، ۱۰۴ | سَفرجلا، ۱۷۲ |
| سَرْمَچ، ۱۷۰ | سَرْمَچ، ۲۳۶ | سَعادی (ترکیه)، ۱۷۱ | سَفری، ۱۵۸ |
| سَرْمَچ، ۲۶۶ | سَرْمَچ، ۱۵۵ | سَعالی، ۱۷۱ | سَفری (بنگال)، ۱۰۰ |
| سَرْمَچ، ۲۴۵ | سَرْمَچ، ۶۵ | سَعیر، ۱۶۹ | سَفلاریقون، ۲۴۳ |
| سَرْمَچ، ۱۷۰ | سَرْمَچ، ۲۴۸ | سَعتر، ۱۶۵ | سَفلولَا، ۱۶۰ |
| سَرْمَچ، ۶۶ | سَرْمَچ، ۱۸۷ | سَعتر، ۱۸۷، ۱۹۵ | سَفلیون، ۴۹ |
| سَرْمَچ، ۱۷۰ | سَرْمَچ، ۱۸۲ | سَعتر الحَمر، ۱۱۰ | سَفناریه (فاس)، ۱۰۳ |
| سَرْمَچ، ۲۶۶ | سَرْمَچ، ۱۶۵ | سَعْد، ۱۷۱ | سَفند اسفندو، ۲۷۴ |
| سَرْمَچ، ۱۹۳ | سَرْمَچ، ۲۵۲ | سَعدان، ۱۷۲ | سَفند اَسفید، ۲۷۴ |
| سَرْمَچ، ۲۴۰ | سَرْمَچ، ۲۳۱، ۱۷۱ | سَعْد (تنکابن)، ۴۹ | سَفندولیون، ۱۷۲، ۲۰۴ |
| سَرْمَچ، ۱۸۱ | سَرْمَچ، ۲۹۵، ۲۸۰، ۲۳۲ | سَعْدی، ۱۴۸ | سَفودالس، ۱۹۵ |
| | سَرْمَچ، ۱۷۱ | سَعْدی، ۱۷۱ | سَفوذلوس، ۱۳۸ |

| | | | |
|-----------------------|------------------------|--------------------------|----------------------|
| سفوس (لاتینی)، ۱۲۹ | سقیلا، ۴۹ | سلطان الجبل، ۲۴۹ | سَمَار، ۱۷۵ |
| سفیدار، ۱۴۴ | سُقِلَا، ۴۹ | سلطان الجبل (اندلس)، ۱۹۵ | سماروغ، ۲۲۶، ۲۶۰ |
| سَفیدلیون، ۱۷۲ | سُکَات، ۱۷۳ | سلطان الریاحین، ۱۸۳ | سَمَاق، ۱۷۵ |
| سفید مرز، ۸۴ | سک انگور (زابل)، ۲۱۴ | سَلَع، ۱۷۴ | سَمَاق، ۲۰۶ |
| شَقازطاغانیون، ۱۸۱ | سَکِینَج، ۱۷۳ | سَلَع، ۱۷۴ | سَمَاق الدباغین، ۱۷۵ |
| سِقَام الجن، ۲۵۷ | سکینه، ۱۷۳ | سلغارها (سند)، ۸۲ | سَمَاق بری، ۲۸۰ |
| سقاون، ۴۱ | سکر، ۱۷۳ | سَلغَوَا، ۱۳۲ | سَمَاقیل، ۱۷۵ |
| سقرابیداس، ۲۰۴ | سُکَر، ۱۷۳ | سَلقیون، ۶۵ | سَمَاقیل، ۱۷۵ |
| سقرابیویداس، ۱۵۱ | سُکَر العُشَر، ۱۷۳ | سَلقیون، ۶۵ | سم البهائم، ۱۴۵ |
| سقراطیون، ۲۴۳ | سَکَرَجَه، ۱۷۳ | سَلقیون، ۶۵ | سَم الحمار، ۱۴۵ |
| سقراغانیون، ۱۴۶ | سکفس (ترمذی)، ۲۱۱ | سَلق، ۸۲، ۱۷۳ | سم الحمار، ۱۴۵ |
| سقریبون، ۲۰۲، ۲۰۴ | سکفینه، ۱۷۳ | سَلق، ۱۳۳ | سم السمک، ۲۷۷ |
| سقدونواس، ۸۰ | سککن، ۳۰۰ | سَلق، ۱۷۴ | سم القار، ۶۸ |
| سقدین، ۹۸ | سکنبویه، ۱۷۳ | سَلق، ۱۹۷ | سمالو، ۲۶۰ |
| سقدین، ۲۸۳ | سکوک (بخاری)، ۲۱۱ | سَلقا، ۱۷۴ | سمام، ۲۲۱ |
| سقدیون براسن، ۸۰ | سکوم (فاس)، ۲۹۷ | سَلق البری، ۱۲۲ | سمانی (اندلس)، ۲۹۲ |
| سقر، ۸۱ | سَکُوَه، ۱۷۳ | سَلق الماء، ۹۹ | سماهنگ، ۲۳۳ |
| سَقْلِیاس، ۲۴۵ | سکوهنج، ۱۱۸ | سَلق الماء، ۱۱۰ | سَمُر، ۶۲، ۱۷۶ |
| سقلیاس، ۲۴۵ | سک هنو، ۱۷۳ | سَلق بری، ۱۲۳، ۱۷۴ | سمر (اهل بادیه)، ۶۲ |
| سَقْمُونیا، ۱۷۲ | سکی رغلا، ۷۹ | سَلق بستانی، ۱۷۴ | سَمُراء، ۱۷۵ |
| سقمونیا محموده، ۱۷۲ | سگ انگور، ۲۱۴ | سَلق جبلی، ۱۲۲ | سمرقندیا (زابل)، ۲۷۶ |
| سقندوقس، ۵۸ | سگستان، ۱۶۷ | سَلقیون، ۶۵ | سمرنا، ۲۷۷ |
| سقوبردی، ۲۷۷ | سلارس، ۲۸۶ | سَلَم، ۱۷۴ | سمرنابیوطیقا، ۲۷۸ |
| سقوس، ۱۲۶ | سلاطم (لاتین)، ۲۱۴ | سلم سرخ (یزدی)، ۲۱۰ | سمرنیون، ۱۷۶، ۲۵۴ |
| سَقُوفَندریون، ۱۵۷ | سَلَب، ۱۷۴ | سلمه، ۱۷۴، ۲۴۱ | سَمُرَنیون، ۲۵۴ |
| سقوقریون، ۴۹ | سلین، ۱۱۴ | سلهارس، ۲۸۶ | سمریا، ۲۵۴ |
| سقولوفندرو، ۱۱۹ | سَلَت، ۲۰۱ | سَلهَس، ۲۸۶ | سمرینیون، ۲۵۴ |
| سقولوفندریا، ۴۹ | سَلت، ۲۰۱ | سَلهَه، ۲۸۶ | سم (سجری)، ۱۳۲ |
| سَقُولُوفَندریون، ۴۸ | سلجم، ۹۰، ۱۸۹ | سَلیخ اسود، ۱۷۹ | سمسخون، ۱۱۳، ۲۷۹ |
| سقولوفندریون، ۱۱۹، ۴۹ | سَلَدانیون (نبطی)، ۱۷۴ | سَلیخَه، ۱۷۴ | سمسر، ۳۴ |
| سقولوفندریون، ۲۷۱ | سلدهری (لاتین)، ۲۵۳ | سَلیخَه، ۱۷۹، ۲۳۹ | سمسق، ۳۴ |
| سَقُولُوفَندریون، ۴۹ | سلری (فرنگی)، ۲۵۳ | سَلیخَه، ۱۴۱ | سَمَسَق، ۲۷۹ |
| سقولومس، ۱۱۴ | سلس (فارس)، ۲۱۹ | سَلیس، ۲۱۸ | سمسقون، ۱۱۳ |
| سَقُولُومُس، ۱۱۴ | سلطاری، ۱۲۶ | سَلیسک (فارس)، ۲۱۹ | سمسم، ۱۰۱ |
| سقولوموا، ۱۱۴ | سلطان، ۱۵۸ | سَلیط، ۱۷۶ | سَمِسم، ۱۷۶ |
| سقونیوس، ۲۰۱ | سلطان الاشجار، ۱۶۹ | سَلینون، ۲۳۵ | سمسم بری، ۱۷۶ |
| سقونیون، ۱۹۱ | سلطان البقول، ۱۸۳ | سمار، ۴۹، ۷۸، ۱۴۸ | سمشیر، ۳۴ |
| سَقی رَغلا، ۷۹ | سلطان الجبل، ۷۵ | سَمَار، ۱۴۸ | سمعر، ۵۹ |

| | | | |
|-------------------------------|---------------------------|-------------------------|-----------------------------|
| سَمْفُوطٌ آخَرُ، ۱۷۶ | سنبِل الطیب، ۱۷۷ | سَنْقَرَه، ۱۳۹ | سوراج، ۲۴۹ |
| سَمْفُوطُنْ، ۲۶۹ | سنبِل العَصافیر، ۱۷۷، ۱۷۸ | سَنکاهولِی، ۲۶۸ | سور اهند، ۲۵۷ |
| سَمْفُوطُنْ آخَرُ، ۱۷۶ | سنبِل الکلاب، ۵۰ | سَنکِرَه، ۸۸ | سوربارو، ۲۸۸ |
| سَمْفُوطُنْ بَطْرَا، ۲۷۴ | سنبِل الکلب، ۱۷۸ | سَنکِ سَبویه، ۱۷۹ | سورج الملک، ۵۹ |
| سَمْفُوطُنْ بَطْرَاؤُنْ، ۱۷۶ | سنبِل الملوک، ۲۸۱ | سَنکَسبویه، ۱۷۹ | سورج مکهی، ۳۴ |
| سَمَقْشَمَحُونْ، ۳۴ | سنبِل اقلیطی، ۲۸۸ | سَنکهارا، ۱۷۹ | سوردن (تبریز)، ۱۲۹ |
| سَمْقُوطُنْ، ۱۷۶ | سنبِل بری، ۴۶، ۲۲۹، ۲۸۵ | سَنکهاوت، ۱۴۴ | سورمور، ۵۵ |
| سَمَلایَا (نبطی)، ۸۱ | ۲۸۸ | سَنکهاورت، ۱۴۴ | سورنجان، ۵۶، ۸۰، ۲۱۲ |
| سَمورنیون، ۱۷۶ | سنبِل جبلی، ۱۷۷، ۲۸۸ | سَنکِیْها، ۱۷۹ | ۲۷۰ |
| سَمون، ۲۲۲، ۸۶ | سنبِل رومی، ۴۶، ۱۷۷ | سَنگ بادکوکا فیلون، ۴۱ | سورنجان، ۱۷۹ |
| سَمونیون، ۱۷۶ | ۱۷۸، ۲۶۹، ۲۸۷ | سَنگ حنا (دیلِم)، ۱۱۷ | سورنجان، ۱۸۰ |
| سَمْهَر، ۱۲۶ | سنبِل سفید، ۲۳۸ | سَنگ سَبویه، ۲۴۳ | سورنجان الدقیق (اندلس)، ۲۱۲ |
| سَمید العَنزروت (فاس)، ۶۶ | سنبِل (عوام)، ۷۶ | سَنلتجی (لاتینی)، ۲۹۴ | سورنجان قَتال، ۱۰۸ |
| سَمَیْراء، ۱۳۰ | سنبِل فارسی، ۱۷۸ | سَن نوذَه، ۱۵۵ | سورنجان هندی، ۱۲۱ |
| سَمَیْره (اندلس)، ۴۷ | سنبِل هندی، ۱۴۱، ۱۷۷ | سَنو، ۱۹۲ | سورنگان، ۱۷۹ |
| سَمیقلس، ۱۷۶ | ۱۷۸، ۲۸۸ | سَنوت، ۲۶۲ | سوری، ۱۷۷ |
| سَمیقلس، ۱۹۰ | سَنبِهاوِلو، ۴۱ | سَنوت الجبلی، ۲۴۸ | سوریا، ۴۳ |
| سَمیقلس، ۲۰۰ | سَنْت ذیبی، ۵۰ | سَوَا، ۱۸۴ | سوس، ۱۶۰، ۱۸۰ |
| سَمیقلس، ۲۷۱ | سَنجاب (هَری)، ۸۳ | سَواد الاکراد، ۲۵۷ | سوسان فوسوخیوس، ۴۸ |
| سَمیقلس، ۲۷۱ | سَنجار، ۳۸، ۱۴۶، ۲۹۶ | سَواد الحکام، ۱۶۶ | سوسانی، ۱۸۰ |
| سَنَا، ۱۷۶ | سَنجد، ۲۱۹ | سَواد السند، ۲۵۷ | سوسرخون، ۶۵ |
| سَنَا البَلدی (اندلس)، ۲۱۸ | سَنج سَبویه، ۱۷۹ | سَواد العُصارَة، ۱۶۷ | سوسن، ۱۱۲، ۱۶۰، ۱۸۰ |
| سَنَا اُنْدلسی، ۲۱۸ | سَنجسَفویه، ۱۷۷ | سَواد القضا، ۱۷۹ | سوسن، ۱۸۰ |
| سَناتیا، ۲۴۸ | سَندرُوس، ۱۷۸ | سَواد القضا، ۱۶۶ | سوسن، ۱۸۰ |
| سَنار، ۲۲۴ | سَندریطس، ۱۱۴ | سَواد القطا، ۱۶۸ | سوسن آزاد، ۱۶۴، ۱۸۰ |
| سَنامکی، ۱۷۶، ۲۰۹ | سَندریطس، ۱۷۸ | سَواد الهند، ۱۷۹، ۲۵۷ | سوسن آسمانجونی، ۷۰ |
| سَنانی، ۱۵۶ | سَندریطس اخر، ۲۵۷ | سَوارون، ۱۲۹ | ۱۸۰ |
| سَنایزه (مصر)، ۶۲ | سَندریون، ۹۳ | سَواک العَباس، ۱۵۶، ۲۵۴ | سوسن آسمانگون، ۷۰ |
| سَنای عَریض الورق (حجاز)، ۲۰۹ | سَندل، ۱۹۶ | سَواک القُروِد، ۵۲ | سوسن ادرا، ۱۸۰ |
| سَنبراس، ۱۷۷ | سَندوقس، ۵۸ | سَواک المَسیح، ۲۹۲ | سوسن اصغر، ۷۵، ۱۶۵ |
| سَنبریون، ۱۱۶ | سَنده، ۱۶۴ | سَواک عباس، ۲۹۲ | سوسن الاحمر، ۱۴۶ |
| سَنبل، ۱۴۱، ۲۵۸ | سَندهان، ۱۷۹ | سَواک عباسی، ۲۹۲ | سوسن الارجوانی، ۱۸۰ |
| سَنبِل، ۱۷۷ | سَندهی، ۱۶۴ | سَوالی، ۱۸۸ | سوسن الاسمانجونی، ۷۵ |
| سَنبِل اقلیطی، ۱۷۸ | سَندیان، ۱۷۹ | سَوَب، ۱۵۲ | ۱۸۱ |
| سَنبِل الاقلیطی، ۲۸۷ | سَندیان الأرض، ۱۷۹ | سَوْتَن (سندی)، ۵۹ | سوسن الاسمانجونی، ۱۸۱ |
| سَنبِل الرومی، ۱۷۸، ۲۸۸ | سَنط، ۷۷، ۱۳۲، ۲۳۷ | سَوْداء الورق، ۱۹۱ | سوسن الأبیض، ۱۸۱ |
| | سَنقالَة، ۱۴۸ | سَوْدَه (شیراز)، ۲۴۵ | سوسن الأَزاد، ۱۸۰ |

| | | | |
|----------------------|--------------------------|------------------------|--------------------------------|
| سوسن البری، ۱۴۶ | سَهْنَجَه، ۱۸۱ | سیسنبر، ۱۱۳ | سین، ۱۸۲ |
| سوسن الفیروزجی، ۷۰ | سه سنبل، ۱۸۲ | سِیْسَنْبَر، ۱۸۲ | سیناپهل، ۱۸۷ |
| سَوَسْن أَضْفَر، ۱۶۴ | سهک داوران (شیرازی)، ۱۶۷ | سیسنبر (سند)، ۱۸۲ | سینبل، ۱۸۲ |
| سوسن أَضْفَر، ۱۸۱ | سه کوهنج، ۱۱۸ | سیسنبرون، ۱۱۶، ۲۵۴ | سینی، ۱۳۰ |
| سوسن بحری، ۸۰ | سهیلی، ۹۶ | سیسنبرون، ۱۸۲ | سیندن (بنگال)، ۱۴۴ |
| سوسنبر، ۱۸۲ | سیاک‌لانی، ۱۴۰ | سیسنبرینی اقوانته، ۱۱۶ | سینون، ۲۲۰ |
| سوسن بری، ۱۴۴، ۱۴۶ | سیاه برگ، ۱۹۱ | سیسنبریون، ۱۸۲ | سیوس، ۱۶۵ |
| ۱۸۱، ۲۰۷، ۲۵۷ | سیاه داران، ۱۶۶ | سِیْسَنْبَرُیُون، ۲۳۵ | سیوف، ۷۵ |
| سوسن بستانی، ۸۰ | سیاه دانو، ۱۹۴ | سی سنبل، ۱۸۲ | سیو (فرنگی)، ۱۸۲ |
| سوسن خطاهی، ۱۸۰ | سیاه دانه، ۱۹۲ | سیسنه، ۱۱۳ | سیون، ۲۳۵ |
| سوسن رملی، ۸۰ | سیب، ۹۴، ۱۶۳ | سیسون، ۷۹ | سئونک (سجری)، ۲۱۰ |
| سوسن زرد، ۷۰ | سیبیزوا (سندی)، ۲۷۰ | سِیْسَنْبَر، ۱۸۲ | سیهک، ۴۳ |
| سوسن سرخ صحرائی، ۱۴۶ | سیبیزه، ۲۷۰ | سیصامویداس، ۱۳۰ | سیهنده، ۱۶۳ |
| سوسن سفید، ۱۵۲، ۱۸۰ | سیج، ۱۶۳ | سیطرمون، ۳۴ | حرف «ش» |
| سوسن کبود، ۱۸۰ | سیخ، ۵۲ | سیطوس، ۱۹۱ | |
| سوسنین، ۱۸۰ | سیدریطس آخر، ۱۷۹ | سیف الغراب، ۷۰، ۱۴۶ | |
| سوفاس، ۹۶ | سیدریطس، ۲۵۷ | ۱۸۱ | شامی، ۱۶۱ |
| سوفال، ۱۸۱ | سیر، ۹۸ | سَیْف الغراب، ۲۵۷ | شابالچ، ۷۷ |
| سوفامینوس، ۹۵، ۱۰۵ | سیر آمُلج، ۶۲ | سیف القرباب، ۱۴۶، ۱۸۱ | شابانج، ۷۷ |
| سوفطیون، ۱۶۷ | سیردشتی، ۹۸ | سیفروس، ۲۶۳ | شابانک، ۷۷، ۲۳۲ |
| سوفی، ۹۳، ۱۵۷ | سیر صحرائی، ۴۸ | سِیْقا، ۹۶ | شابهی، ۱۸۵ |
| سوفاسنینس، ۱۰۵ | سیر مو، ۴۸ | سیقاموری، ۱۰۵ | شابیژک، ۲۷۰ |
| سوقطیون، ۱۳۵ | سیسارون، ۲۵۲، ۲۵۴ | سیقریقرا، ۱۲۶ | شابت ردجِه، ۲۷۹ |
| سوکِی فینون، ۲۳۳ | سیساریون، ۱۸۱ | سیقُس اِیماروس، ۲۳۳ | شاذاسبرم، ۱۹۸ |
| سولان، ۱۸۱ | سیسالوش، ۶۵ | سیقوس اغریوس، ۱۲۶ | شازف، ۱۸۳ |
| سولجان، ۵۳ | سیسالیوس، ۱۶۷ | سیقوس پیقرا، ۱۲۶ | شاض، ۱۸۳ |
| سومر، ۱۴۸ | سیسالیون، ۱۸۱ | سیقوموروس، ۱۵۷ | شاطرج، ۱۹۳ |
| سوناخیوس، ۴۸ | سیسالیون، ۲۴۸ | سیقوموری، ۱۰۵ | شاطوریون، ۱۳۵ |
| سونتهه، ۱۶۴ | سِیْسَاْمُن، ۱۷۶ | سیکران، ۸۸ | شَاغَة البستانیِه (اندلس)، ۱۷۶ |
| سُونْدَهی، ۴۳ | سیسامون، ۱۷۶ | سیکران الحوت، ۹۰، ۲۷۷ | شَاغَة الصخریة، ۲۷۴ |
| سُونْدَهی، ۴۳ | سیسامویداس الکبیر، ۱۰۱ | سیکران (اندلس)، ۸۸ | شَاغَة صخریّه (اندلس)، ۱۷۶ |
| سُونَف، ۱۵۲ | سِیْسَبان، ۱۸۲ | سی‌کوه، ۱۸۱ | شاکهباتّه (لاتینی)، ۱۷۳ |
| سونک (سجری)، ۲۳۶ | سیس بان (مازندران)، ۳۵ | سیلا (بنگال)، ۲۹۲ | |
| سوهنجته، ۲۲۷ | سیسبر، ۱۸۲ | سیلن، ۲۵۴ | |
| سوی، ۱۵۲، ۱۸۴ | سیسبرونه، ۱۲۲ | سیلنا، ۲۵۳ | |
| سَوِیداء، ۱۹۲ | سیس بوان (فارس)، ۲۱۹ | سیلونس، ۱۱۴ | |
| سویلا، ۷۶ | سیسدار (نبطی)، ۱۴۴ | سیلهین، ۲۷۱ | شالاییه (لاتینی)، ۲۶۸ |
| | | | شالاییه، ۴۸ |

| | | | |
|--------------------------|----------------------|-------------------------|-------------------------|
| شالیبه، ۱۹۴، ۲۸۳ | شاهسپرم سرخ، ۱۸۴ | شبوپانا، ۱۹۲ | شجر الخابور، ۱۳۸ |
| شالیبه (اندلس)، ۶۰ | شاهسفرم، ۱۵۹ | شبق، ۸۵ | شجر الخیثه، ۱۴۵ |
| شال حنی (مازندران و | شاهسفرم، ۱۸۳ | شبقه، ۱۱۰ | شجرالخرنوب، ۳۰۱ |
| تنکابن)، ۲۵۱ | شاهسفرم، ۱۸۳ | شبقه (لاتینی)، ۱۳۸ | شجر الخَلنج (مغرب)، ۴۶ |
| شالم، ۱۹۴ | شاهسفرم شیرازی، ۱۹۸ | شبقه، ۱۳۸ | شجرالخَلنج (مغرب)، ۱۳۷ |
| شامامک، ۱۸۳ | شاهسفرم، ۱۱۳، ۲۸۰ | شَبهان، ۱۸۵ | شجرالدردار، ۱۴۴ |
| شامبه، ۴۸ | شاهسفرم، ۱۵۹ | شَبیی، ۱۹۱ | شجر الدردار، ۲۹۰ |
| شانسیه، ۲۶۶ | شاه صینی، ۱۸۴ | شبیطه، ۲۶۹ | شجر الدلب، ۱۴۵ |
| شاه آلو، ۴۱ | شاهلوج، ۴۱، ۱۸۴، ۲۱۷ | شَبیطه (لاتینی)، ۱۷۶ | شجر الرند، ۱۴۹ |
| شاه اسپرم، ۱۵۹ | شاهلوک، ۴۱، ۱۸۴، ۲۱۷ | شبیطة (لاتینی - اندلس)، | شجر الشیزی، ۳۳ |
| شاه افسر، ۵۹ | شاهنجیر، ۱۸۴ | ۱۷۶ | شجر الصفصاف، ۱۲۷، |
| شاه امروود، ۲۶۱ | شاه نرجس، ۲۹۰ | شبیبه، ۱۸۵ | ۲۹۰ |
| شاه امروود (خراسان)، ۲۶۱ | شاهور (مصر)، ۱۰۱ | شبیبه الذهب، ۲۷۲ | شجر الصفصاف، ۱۳۶ |
| شاه املج، ۶۲ | شایانج، ۱۸۳ | شبیبه الکواکب، ۵۴ | شجر الصنوبر الکبار، ۱۹۷ |
| شاه انجیر، ۹۶ | شایکه، ۶۶ | شبیهان، ۱۸۵ | شجر الضیع، ۵۵ |
| شاهبانج، ۱۸۳ | شباب، ۲۷۶ | شبیبه بالکُراث، ۶۳ | شجرالعِلک (اندلس)، ۵۱ |
| شاهبانک، ۱۸۳ | شَب ارماس، ۱۱۹ | شناور، ۵۶ | شجر العناب، ۸۴ |
| شاهبلوط، ۸۶ | شَب انبوی، ۱۳۳ | شنین، ۱۴۷ | شجر الغار، ۱۴۹، ۱۵۹ |
| شاهبلوط، ۸۷ | شَب بو، ۱۳۳، ۱۴۰ | شث، ۱۸۵ | شجرالغُبیراء، ۲۱۹ |
| شاه بن، ۸۱ | شَبیت، ۱۸۴ | شجر، ۲۴۷ | شجر الغرب، ۲۲۰ |
| شاه بید، ۱۳۶ | شَب خیزک، ۱۱۵ | شجر ابراهیم (ع)، ۲۲۰ | شجر الفندک، ۲۹۰ |
| شاه بید (شام)، ۱۳۷ | شبدار، ۲۳۶ | شجر الارز، ۳۰۱ | شجر القوفل، ۱۰۹ |
| شاه بید، ۱۳۶ | شبدر، ۵۷، ۲۳۶ | شجر الاهد، ۱۶۱ | شجر القدس، ۲۳۳ |
| شاه پسه، ۵۹ | شبدر (اصفهان)، ۱۲۵ | شجر الأثل، ۴۰ | شجرالقطران، ۲۳۴ |
| شاهترج، ۸۳، ۱۰۳، ۱۰۶، | شبر، ۹۶ | شجرالأثل، ۵۷ | شجر القَطَلَب، ۲۳۱ |
| ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۸۳، ۲۵۷ | شَبِرق، ۱۳۷ | شجر الأجاص، ۲۱۷ | شجر القَطَلَب، ۲۴۲ |
| شاهترج، ۱۸۳ | شَبِرق، ۱۸۴ | شجرالأصطُرک، ۲۰۶ | شجر القَنَا، ۲۴۵ |
| شاهتره، ۱۸۳ | شَبِرق، ۲۷۸ | شجر البان، ۱۱۱ | شجر القَنَا، ۲۵۹ |
| شاه تره (شیراز)، ۱۸۳ | شَبِرق (حجاز)، ۱۹۸ | شجر البراغیث، ۱۹۹ | شجر الکافور، ۱۶۰ |
| شاه تره (مازندران)، ۱۰۲ | شَبِرم، ۱۸۴ | شجر البَق، ۱۴۴ | شجر الکافور (موصل)، ۵۷ |
| شاه چینی، ۱۸۴ | شَبِرم، ۳۰۰ | شجر البَق، ۲۹۰ | شجرالکلب، ۲۱۲ |
| شاهدانج، ۱۵۸، ۱۸۵ | شبریله، ۲۸۰ | شجر التیس، ۱۸۶ | شجر اللاذن، ۲۶۵ |
| شاهدانق، ۱۱۱، ۲۴۵ | شَبیطاط، ۱۸۵ | شجر الجن، ۱۴۹ | شجر اللُبْنی (شام)، ۲۰۶ |
| شاهدانه بری، ۱۱۱ | شَبیطاط، ۲۱۰ | شجرالجوزالرومی، ۲۶۴ | شجر المَحَلَب، ۲۰۶ |
| شاه زیره، ۲۵۶ | شبطه وقرویلن، ۷۸ | شجر الحَب (آفریقا)، ۵۹ | شجر المَران، ۲۷۸ |
| شاه زیه، ۲۵۶ | شبعالعين، ۲۶۹ | شجر الحَضض، ۲۷۱ | شجر المَیس، ۲۷۲ |
| شاهسپرم، ۵۹ | شَبِکنه (فرنگی)، ۱۹۱ | شجرالحوارالرومی، ۱۲۷ | شجر المَیس، ۲۹۰ |
| شاهسپرم، ۱۸۳ | شبناله، ۱۲۳ | شجر الحِیَ، ۱۰۶ | شجر النبق المصری، ۲۷۲ |

| | | | |
|-----------------------------|-------------------------|--------------------------|------------------------------|
| شجر اوسیتا، ۱۹۳ | شجرۃ الدب، ۵۸، ۱۶۲ | شجرۃ المریم، ۷۴ | شَحْمَہ (اندلس)، ۲۶۷ |
| شجر تھام، ۱۷۴ | شجرۃ الدب، ۱۶۲، ۱۸۶ | شجرۃ المصطکی، ۲۸۲ | شَحْ، ۲۹۰ |
| شجر حب الأسیر، ۱۰۸ | شجرۃ الذبق، ۱۴۲ | شجرۃ المطهره، ۴۱ | شخار، ۲۴۴ |
| شجر دردار، ۱۷۸ | شجرۃ الدردار، ۱۸۵، ۲۶۹ | شجرۃ النبی، ۸۵، ۲۰۶ | شَخْفراغته (لاتینی)، ۲۴۳ |
| شجر رستم (مغرب)، ۱۶۰ | شجرۃ الدم، ۳۸، ۶۶ | شجرۃ الیمام، ۹۵ | شُدْه، ۹۲ |
| شجره ابراهیم، ۱۸۳ | شجرۃ الدم (شام)، ۱۸۳ | شجرۃ ابراهیم، ۱۸۳ | شدوار (سند)، ۸۹ |
| شجره الأرز، ۴۴ | شجرۃ الراهب، ۱۸۵ | شجرۃ أم کلب، ۶۲ | شدونی، ۱۲۶ |
| شجره قلی، ۱۸۷ | شجرۃ الرمح، ۲۷۸ | شجرۃ باردة، ۱۸۵ | شرافط، ۱۷۸ |
| شجره مریم، ۲۰۶ | شجرۃ الزغرور، ۱۶۲ | شجرۃ دردار، ۱۴۴ | شَراره، ۶۳ |
| شجرۃ ابراهیم، ۴۱، ۱۸۵ | شجرۃ الشین، ۱۸۶ | شجرۃ دم الاخوین، ۱۴۶ | شرالیه آشش، ۳۰۱ |
| ۲۳۶ | شجرۃ الصبر، ۶۱ | شجرۃ ذوالقرنین الملک | شرالیه (لاتینی - اندلس)، ۲۹۸ |
| شجرۃ ابی مالک، ۱۸۵ | شجرۃ الصبر، ۱۹۵ | اسکندر، ۱۶۸ | شرالیه الحمار (اندلس)، ۲۹۸ |
| ۲۴۴، ۲۰۵ | شجرۃ الصنم، ۱۶۸ | شجرۃ رستم، ۱۸۶ | شجرۃ سلیمان، ۱۳۲ |
| شجرۃ اكله، ۳۹ | شجرۃ الضفادع، ۱۸۶، ۲۵۴ | شجرۃ سلیمان بن داود، ۱۶۸ | شرائش (لاتینی)، ۲۱۸ |
| شجرۃ الأجاص، ۴۱ | شجرۃ الطحال، ۱۹۵ | شجرۃ سندیان الأرض، ۲۲۴ | شرب، ۲۲۴ |
| شجرۃ الأمیزباریس، ۱۲۰ | شجرۃ الطرفاء، ۲۰۲ | شجرۃ کثیراء، ۲۳۳ | شربت، ۲۲۴ |
| شجرۃ البراغیث، ۷۷، ۱۹۹ | شجرۃ الطلق، ۱۸۶ | شجرۃ لا ولا، ۱۶۵ | شِرِث، ۲۸۰ |
| ۲۱۹ | شجرۃ الطهر، ۴۱ | شجرۃ مَحَلَب، ۱۱۲ | شریش (غری)، ۱۶۲ |
| شجرۃ البطم، ۸۱ | شجرۃ العثم، ۱۱۲، ۲۰۶ | شجرۃ مَریم، ۷۰، ۱۸۶ | شریلیون، ۲۷۳ |
| شجرۃ البق، ۱۴۴، ۱۴۹ | شجرۃ العرس، ۲۹۲ | شجرۃ مریم (اندلس)، ۵۷ | شرین، ۱۸۷ |
| ۱۷۸ | شجرۃ العصب، ۲۹۲ | شجرۃ مریم (مصر)، ۴۱ | شرخره، ۱۱۳ |
| شجرۃ البق (شام و عراق)، ۱۸۵ | شجرۃ العُتاب، ۱۶۸ | شَحْ مال، ۱۵۵ | شرد (لبنان و بیروت)، ۱۶۹ |
| ۱۴۴ | شجرۃ العود، ۲۹۶ | شجرۃ مریم، ۱۸۳ | شررفیون، ۲۳۲ |
| شجرۃ البق (عراق)، ۱۴۴ | شجرۃ العیثام، ۱۴۵ | شَحْم الارض، ۱۰۷، ۲۴۲ | شِرْس، ۱۸۷ |
| شجرۃ البندق، ۱۰۵ | شجرۃ الغار، ۱۴۸ | شَحْم الحنظل، ۱۸۷ | شِر (سجزی)، ۲۰۷ |
| شجرۃ البهق، ۷۶، ۲۴۵ | شجرۃ الغسلین، ۲۴۳ | شَحْم الطعام، ۶۷ | شرغلی، ۸۰ |
| شجرۃ التنین، ۱۸۶ | شجرۃ الفرس، ۸۱ | شَحْم المَرَج، ۱۳۶، ۲۱۱ | شرم، ۱۸۷ |
| شجرۃ الجن، ۱۴۹ | شجرۃ القلقل (اندلس)، ۴۱ | شَحْم النخل، ۹۵ | شُرْمَلَه، ۴۱ |
| شجرۃ الحَب، ۵۹ | شجرۃ القدس، ۲۹۱ | شَحْمالَه، ۲۶۶ | شرویه (مازندران)، ۱۲۵ |
| شجرۃ الحر، ۳۵ | شجرۃ القرمز، ۶۱ | شَحْم الارض، ۲۶۰ | شری، ۱۸۷ |
| شَجَرۃ الحُضض، ۱۲۰ | شجرۃ الکف، ۱۸۶ | شَحْمۃ الدجاجة، ۱۵۳ | شری، جنام دانج، ۱۲۶ |
| شجرۃ الجلنیت، ۶۵ | شجرۃ الکلاب، ۲۲۴ | شَحْمۃ المَرَج، ۱۲۹ | شْرِفَه، ۱۸۷ |
| شجرۃ الجنّا، ۱۲۵ | شجرۃ الکلب، ۶۰ | شَحْمِلَه، ۱۴۸ | شسبندان، ۲۲۲ |
| شجرۃ الحَنَش، ۲۷۳ | شجرۃ اللبَق، ۲۴۵ | شَحْمیه (اندلس)، ۶۰ | شسمیرون، ۲۹۶ |
| شجرۃ الحیات، ۱۷۰ | شجرۃ الله، ۳۹ | شَحْمیره، ۲۰۴ | شش‌بندان سیاه، ۲۲۲ |
| شجرۃ الخطاطیف، ۲۰۸ | شجرۃ اللبئی (شام)، ۱۸۶ | شَحْمالَه، ۲۵۸ | شش‌بندان (شیراز)، ۲۲۲ |
| شجرۃ الخولان، ۸۱ | | | ششپاز، ۲۲۲ |

| | | | |
|----------------------------|---------------------------|------------------------|--------------------------|
| ششتره، ۲۶۲ | شعیر الحامض، ۱۷۳ | شَقَواص البحر، ۲۸۴ | شما، ۲۲۶ |
| ششتره، ۲۸۸ | شعیر الرومی، ۱۲۶ | شَقَواص (اندلس)، ۲۶۵ | شمار، ۷۸، ۱۵۲ |
| ششتره، ۱۸۷ | شعیر العاری، ۱۷۳ | شَقَواصه، ۴۶ | شمار العریض، ۱۵۳ |
| شُشْرُئِب، ۱۸۷ | شعیر العربی، ۱۳۹ | شَقودیون، ۱۸۹ | شمار (مصر و شام)، ۱۵۲ |
| شُشْرِیث، ۱۸۷ | شعیر الفارسی، ۱۲۶ | شَقوشینا، ۲۳۳ | شُماری (قیروان)، ۱۰۶ |
| ششقاقل، ۱۰۳، ۱۸۸ | شعیر الفاری، ۱۷۳ | شَكْ، ۶۸ | شمام، ۱۴۴، ۱۹۰ |
| ششکاک (مازندران و | شعیر النبی (اندلس)، ۱۳۹ | شَكْاص، ۲۶۴ | شمامات (شام)، ۱۴۵ |
| تنکابن)، ۲۳۶ | شعیر رومی، ۱۳۹ | شکاع، ۷۱، ۱۸۹ | شمام (شام)، ۱۴۴ |
| شطبانی فلوعرین، ۲۱۰ | شعیعادیما، ۴۴ | شکاعا، ۱۸۹، ۲۷۸ | شمرک (سجزی)، ۱۳۲ |
| شطبة (فاس)، ۱۰۲ | شغالة، ۲۷۴ | شکاعی، ۳۷، ۷۲، ۷۵، ۱۵۲ | شُمَرْنَا، ۲۷۷ |
| شطرکا، ۵۳ | شغدی مریری، ۲۷۱ | شُکاعی، ۱۸۹ | شمره، ۱۲۶ |
| شطریه، ۱۸۷ | شفتالو، ۱۳۹، ۱۹۰ | شُکاعی، ۱۸۹ | شمسار، ۸۲ |
| شَطْرَیة، ۱۸۷ | شفتوک (شیراز)، ۱۲۹ | شکر انگور رویاه، ۲۱۴ | شمسیر، ۲۳۲ |
| شطریه، ۲۰۲ | شَقَل، ۲۹۱ | شکر داری، ۲۱۵ | شمشاد، ۸۲ |
| شَطْرَیة (لاتینی - اندلس)، | شَقِذ، ۱۸۴ | شُکَرَقند، ۱۸۹ | شمشاد (شام)، ۸۲ |
| ۱۹۵ | شَقَلَج، ۲۵۰ | شکر هنج، ۱۱۸ | شمشار، ۸۲ |
| شُطْبَیة (مغرب)، ۱۸۷ | شفلیش، ۲۱۴ | شکم دریده (شیراز)، ۷۸ | شمشرا، ۲۷۹ |
| شطی رکس، ۵۳ | شفیقل، ۱۸۸ | شکوئا، ۲۵۸ | شمشیر، ۲۳۲، ۲۹۶ |
| شعاریر، ۲۴۴ | شقائق الفرس، ۲۷۶ | شکوفه خرما، ۹۵ | شملال، ۱۰۵ |
| شعایر، ۲۳۳ | شقائق النعمان، ۱۸۸ | شکونیا، ۵۵ | شملیت، ۱۲۰ |
| شعر الارض، ۷۶ | شقائق النعمانی البری، ۱۸۸ | شکوهج، ۱۱۸، ۱۲۴ | شملیز (شیراز)، ۱۲۱ |
| شعر الجان، ۷۶، ۲۵۷ | شَقاص، ۴۶ | شکوهنج، ۱۱۸ | شمور، ۱۵۳ |
| شعر الجَبَّار، ۷۵، ۷۶، ۱۸۷ | شَقاقل، ۱۰۳، ۱۴۹، ۱۸۸ | شکویهج، ۱۱۸ | شموسا، ۲۸۰ |
| شعر الجبال، ۷۶ | شَقاقل، ۱۸۸ | شکه (اندلس)، ۱۰۶ | شَمِیث مَوْرِس (لاتینی)، |
| شعر الجن، ۷۵، ۷۶، ۲۵۷ | شَقاقل، ۲۲۹ | شکی، ۲۱۷ | ۱۹۲ |
| شِعَر الجیاد، ۱۸۷ | شقایق، ۳۵، ۱۸۸ | شَلْ، ۸۵ | شَمِیثا، ۴۱ |
| شعر الخنازیر، ۷۶، ۲۵۷ | شقایق المنعم، ۱۸۸ | شَلْ، ۱۸۹ | شمین، ۲۹۶ |
| شعر الذیپ، ۵۵ | شقایق النعمان، ۱۳۴، ۱۵۸ | شلار، ۸۰ | شَتاذیا، ۸۴ |
| شِعَر العجل، ۲۸۰ | ۱۸۸ | شلباش (لاتینی)، ۲۱۸ | شنار، ۲۲۴، ۲۸۰ |
| شعر العیّار، ۷۶ | شقر، ۱۸۸ | شلبش، ۲۵۲ | شناقه، ۹۹ |
| شِعَر الغزال، ۵۵ | شَقِر، ۱۸۸ | شَلْجَم، ۱۸۹ | شنبدله، ۹۶ |
| شعر الغول، ۱۸۷، ۲۵۷ | شَقْراص، ۱۸۸ | شلشفین، ۱۰۶ | شنبر، ۱۱۳ |
| شعر الکلاب، ۷۶ | شَقودیون، ۱۸۹ | شلغم، ۱۸۹ | شنبلید، ۵۳، ۱۷۹ |
| شعر الماء، ۷۶، ۲۵۷ | شَقْزَین، ۹۸ | شلمبی (مازندران)، ۱۲۹ | شَنبَلِید، ۱۸۰ |
| شعران، ۱۲۳، ۱۵۸ | شقرنگ (خراسان)، ۱۹۰ | شَلَمِیز، ۱۰۹ | شنبلیل (اصفهان)، ۱۲۱ |
| شعری، ۹۶ | شق (مصر)، ۵۱ | شلوبینی، ۸۰ | شنبنش، ۲۵۶ |
| شعیر، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۱، | شَقو، ۱۸۸ | شلها (سندی)، ۵۳ | شَتتالَه (لاتینی)، ۶۳ |
| ۱۸۷ | شَقوِاص، ۶۰ | شَلِیل، ۱۹۰ | شترن، ۱۰۴ |

| | | | |
|-------------------------|-------------------------|---------------------------|-------------------------|
| شوتله، ۱۵۷ | شَوَحْط، ۳۳، ۱۳۹، ۱۹۰، | شوکه اعرابی، ۱۹۱ | شونوز، ۱۹۲ |
| شوتله (اندلس)، ۶۲ | ۲۰۰ | شوکه اعرابی، ۶۲ | شونیز، ۱۸۱ |
| شِئَلَّة، ۶۳ | شوخذانه، ۲۰۷ | شوکه قبطیه، ۱۷۴ | شُونِیز، ۱۹۲ |
| ششمن، ۱۵۳ | شود، ۱۸۴ | شوکه مصریه، ۶۲ | شونیز القمح، ۱۴۵ |
| شنجار، ۳۸، ۶۶، ۶۸، ۱۲۵، | شُودِر (اصفهان)، ۲۳۶ | شوکه ابراهیم (شام)، ۲۳۶ | شونیز بری، ۲۶۲ |
| ۱۳۴، ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۵۲ | شود (شیراز)، ۱۸۴ | شوکه البیضاء، ۵۸، ۵۹، ۷۱، | شویعة (اندلس)، ۲۰۴ |
| شندله، ۹۶ | شُورَان (سجزی)، ۲۱۰ | ۱۸۹، ۷۲ | شوکه ابراهیم (اندلس)، |
| شَنْدَلَّة، ۱۹۰ | شورد، ۲۳۲ | شوکه الجمال، ۲۰۶ | ۲۳۶ |
| شنداب (لبنان)، ۱۴۳ | شورش لاطه، ۱۲۳ | شوکه الدهن، ۱۱۴ | شویلاء، ۷۶ |
| شَنْدَلَّة (اندلس)، ۹۶ | شورة (حجازی)، ۲۶۳ | شوکه الزرقاء، ۱۹۱، ۲۳۶ | شُویلاء، ۱۲۳ |
| شنسطوره، ۱۰۳ | شُوزَ (حجازی)، ۱۹۱ | شوکه الزرقاء (شام)، ۱۰۵ | شَه بانو، ۱۸۳ |
| شنغار، ۳۸ | شوشما، ۲۳۲ | شوکه السُوداء، ۱۹۱ | شَهْدَانِج، ۱۱۲ |
| شنفیل، ۲۵۴ | شوشمانیا، ۲۹۶ | شوکه السوداء، ۲۳۶ | شهدانج، ۲۴۵ |
| شنقار، ۳۸، ۱۹۰ | شوشمشیر، ۷۰ | شوکه الشهباء، ۱۰۹، ۲۷۰ | شهدانج بری، ۱۳۷ |
| شَنْقَار، ۳۸ | شوشمیر، ۲۳۲ | شوکه العربیة، ۱۸۹ | شهیدیه، ۱۵۵ |
| شَنْقَال، ۳۸ | شوشینا، ۱۸۰ | شوکه العصبیة، ۸۱ | شهوت انگیز، ۲۴۵ |
| شَنْقِیرَه، ۱۵۳ | شوصرا، ۲۴۷ | شوکه العقرب (حجاز)، | شَیَان، ۴۲ |
| شَنْکَار، ۳۸ | شوطی، ۸۰ | ۱۱۴ | شَیَان، ۱۴۶، ۲۱۵ |
| شَنْکَال، ۳۸ | شوع، ۱۱۱ | شوکه العقرب (شام)، ۱۰۵ | شیان، ۱۹۲ |
| شنکر (سندی)، ۲۱۸ | شوقشمیر، ۲۹۶ | شوکه العلك، ۵۱ | شَیَان القاطر، ۶۹ |
| شَنْک (زابلی)، ۲۶۹ | شوک، ۲۸۲ | شوکه المصریه، ۷۲، ۱۹۱ | شیان القاطر، ۸۴ |
| شنکوسا، ۱۵۳ | شوک الجمال، ۵۰، ۲۷۰ | شوکه المُنکرة، ۵۹ | شَیَان (مغرب)، ۳۷ |
| شنکی، ۲۶۷ | شوک الجمل، ۱۱۴ | شوکه الیهودیة، ۱۹۱ | شیب الشجر، ۵۲ |
| شنکیا (تبریز)، ۲۳۳ | شوک الجمل (مصر)، ۱۵۶ | شوکه الیهودیة، ۲۳۶ | شیب العجوز (اندلس)، ۵۲ |
| شینگ، ۱۵۱ | شوک الحمیر، ۲۲۵ | شوکه حادة، ۶۱ | شَیْب العَجُوز (اندلس و |
| شنگ (اصفهان)، ۲۶۷ | شوک الدراجین، ۱۱۴، ۱۴۸ | شوکه رهاویة، ۱۰۹ | مغرب)، ۵۶ |
| شنگرفیر (طخاری)، ۱۶۴ | شُوک الدَّرَاجِین، ۱۴۹ | شوکه زرقاء، ۲۳۶ | شیب العجوز (فاس)، ۵۵ |
| شنگلیل، ۱۶۴ | شوک الدراجین، ۱۴۹ | شوکه شهباء، ۳۰۱ | شَیْبَه، ۱۹۲ |
| شنگویر، ۱۶۴ | شوک الدَّمَن، ۱۱۴ | شوکه عربیة، ۱۸۹ | شیبة العجوز، ۵۲، ۱۹۲ |
| شنون، ۱۹۲ | شوک العلك، ۵۱ | شوکه مصریه، ۱۹۱، ۲۳۷ | شیبیه، ۱۱۴ |
| شواصر، ۷۷ | شوک القَاذَرة، ۲۸۷ | شوکه مغیلة، ۱۸۷ | شیتره، ۱۹۳ |
| شواصر، ۱۹۰، ۲۸۱ | شوک القراء، ۲۲۵ | شوکه مُتِنَّة، ۱۹۹، ۲۱۹ | شیخ، ۵۶ |
| شواصره، ۱۹۰ | شوک الفلک، ۱۱۴ | شوکه منفته، ۱۹۹ | شیخ، ۱۳۳، ۱۴۰ |
| شوال الحمار، ۱۳۳ | شوک القتاد، ۳۰۱، ۲۵۱ | شوکه یهودیة، ۲۳۶ | شیخ، ۱۹۳ |
| شوبا، ۹۶ | شوک المَغْفَل، ۵۹، ۱۰۵، | شولة دی رای (اندلس)، | شیخ ارمنی، ۱۹۳، ۲۴۷ |
| شویر (اندلس)، ۹۱ | ۱۹۲، ۲۳۶ | ۱۵۰ | شیخ الارمنی، ۵۶، ۱۹۳، |
| شوت، ۱۸۴ | شوکران، ۸۸، ۱۹۱ | شومر، ۷۸، ۱۹۲ | ۲۵۸ |
| شوت (سجزی)، ۱۸۴ | شوکران الحوت، ۲۷۷ | شَوْنَدَر، ۱۹۲ | شیخ الربیع، ۱۹۳ |

حرف «ص»

[illegible]

| | | |
|----------------------------|----------------------------|-----------------------------------|
| صندل احمر، ۱۹۶ | ضبر، ۲۹۰ | طحلب، ۲۰۷ |
| صنط، ۲۳۷ | ضجاج، ۱۹۷ | طحلب بحری، ۲۰۰ |
| صنفور، ۲۷۱ | ضدخ، ۸۴ | طحلب لیفی، ۲۰۰ |
| صنوبر، ۱۱۳، ۱۵۲ | ضدخ، ۸۴ | طحلب نه‌ری، ۲۰۰ |
| صَنَوِر، ۱۹۶ | ضدل دانج، ۱۱۶ | طحما، ۱۹۱ |
| صنوبر الارض، ۱۶۳، ۲۲۴، ۲۶۱ | ضریوان، ۱۹۸ | طَحْمَاء، ۲۰۰ |
| صنوبر الأرض، ۲۶۱ | ضرس العجوز، ۱۱۸ | طخش، ۱۳۹، ۲۰۰ |
| صنوبر الصغار، ۱۹۷ | ضِرْع الکلب، ۱۶۳ | طَخْش (لاتینی)، ۱۹۰ |
| صنوبر الكبير، ۱۱۳ | ضرع الکلیه (یمن)، ۱۹۸ | طخشیقون، ۲۰۰ |
| صنوبر الماء، ۱۱۰ | ضرم، ۱۹۷ | طَخْشِیقون، ۲۰۰ |
| صنوبر الهندی، ۱۴۹ | ضُرم (مکه)، ۴۷ | طرایشوس، ۸۱ |
| صنوبر بی بار، ۴۴ | ضرو، ۴۳، ۸۱، ۸۴، ۱۶۸ | طرایشوس، ۸۱ |
| صنوبر کوچکی، ۱۹۷ | ضِرْو، ۱۹۸ | طراثیث، ۴۶، ۵۱، ۵۸، ۱۵۱، ۲۰۱، ۲۹۹ |
| صنوبر نر، ۴۴ | ضِرْو، ۲۸۲ | طراخیس، ۱۲۶، ۱۷۳ |
| صنوبر هندی، ۳۹ | ضروا، ۱۹۸ | طَرَاشَنه، ۲۰۱ |
| صنین، ۱۹۷ | ضروان، ۱۹۸ | طراغافثا، ۲۵۱ |
| صواب، ۹۵ | ضرو بستانی، ۸۱ | طراغاقانی، ۲۵۱ |
| صوب، ۹۶ | ضروع الکلیه (یمن)، ۱۹۸ | طراغاقثا، ۲۵۱ |
| صوصله، ۱۹۴ | ضریع، ۱۸۴، ۲۰۰ | طراغاقثا، ۲۵۱ |
| صوصله، ۱۹۷ | ضریع، ۱۹۸ | طراغاقثا، ۲۵۱ |
| صوف الارض، ۲۲۴ | ضریم، ۴۷ | طَرَاغْثون، ۲۰۱ |
| صوف البحر، ۵۵، ۲۰۰ | ضط (مصر)، ۵۷ | طراغوبوغن، ۲۰۱ |
| صومر، ۷۱ | ضَعْو، ۱۹۸ | طراغوثن، ۲۰۱ |
| صومران، ۱۹۸ | ضَغایِس، ۱۹۸ | طراغوریغاس، ۲۲۹ |
| صیاره (اندلس)، ۲۷۳ | ضغایس، ۱۹۸ | طراغوس، ۲۰۱ |
| صیدلانی، ۱۳۲ | ضغبوس، ۱۹۸ | طراغون سقریون، ۲۰۱ |
| صیصاموگریون، ۱۳۳ | ضَغیوس، ۱۹۸ | طَرَاغِیس، ۱۷۴ |
| صیصاء، ۱۲۶ | ضفائر الجن، ۷۵ | طراغین، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۸۲ |
| صیکه، ۹۶ | ضفدعی، ۲۵۰ | طراغین آخر، ۲۰۱ |
| | ضمران، ۱۵۹ | طراغیون، ۱۸۶ |
| | ضَمِیران، ۱۹۸ | طَرَاغِیْون، ۲۰۱ |
| | ضمیران، ۱۸۴ | طراغیون آخر، ۲۰۲ |
| | ضمور، ۷۱ | طرافلون، ۲۰۴ |
| | ضمورمان، ۷۱، ۱۵۹، ۱۹۸، ۲۲۹ | طراقافیا، ۲۵۱ |
| | | طرامشیع، ۲۸۱ |
| | | طرامنیثوس، ۸۱ |
| | | طرامه، ۲۰۲ |
| | | طرامیش، ۲۰۱ |
| | | طَحْلَب، ۵۵، ۲۰۰ |
| | | طَحْلَب، ۲۳۸ |
| | | طَحْلَب، ۵۵، ۲۰۰ |

حرف «ض»

حرف «ط»

| | | | |
|---------------------|--------------------------|---------------------------|-------------------|
| طرباج، ۱۴۸ | طرف، ۲۰۲ | ۱۲۵ | طلعة، ۲۴۸ |
| طربد، ۹۳ | طرفاء، ۴۴، ۱۷۰، ۲۰۲ | طریفلن، ۱۲۵، ۱۳۵، ۲۰۳ | طلق، ۲۶۴ |
| طربشکه، ۲۷۷، ۲۷۵ | ۲۲۰ | ۲۹۱ | طلنطلی، ۱۸۹ |
| طربه لبه، ۷۵ | طرفاء البستانی، ۴۰ | طریفلن، ۲۰۳ | طلیطة، ۲۶۰ |
| طربه لبه، ۸۷ | طَرَفَرْدُس، ۲۰۲ | طریفلون، ۱۵۵ | طماخثا، ۱۵۳ |
| طربه لبه، ۱۵۱ | طَرَفُوس، ۲۰۳ | طریفوس، ۱۶۷ | طمرشکه، ۲۰۲ |
| طربید، ۹۳ | طَرَفَه، ۲۰۲ | طریفولون، ۱۱۸، ۱۲۵ | طمرة، ۱۳۳، ۲۰۳ |
| طرتوشا، ۵۱ | طرفة، ۲۰۲ | طریفولین، ۱۰۷ | طمری، ۱۳۳ |
| طرنوث، ۲۰۱ | طریفولون، ۶۰ | طریفولون، ۹۳، ۱۵۲، ۲۰۳ | طمطم، ۱۷۵ |
| طَرْنُوث، ۲۰۱ | طریفوس، ۱۶۰ | طریفولون، ۹۳ | طنجبین، ۲۰۲ |
| طرنوث ابیض، ۲۰۱ | طرقتیة، ۲۷۳ | طریفولون، ۲۰۳ | طنیة، ۵۵ |
| طرج، ۱۴۸ | طرقتیة، ۲۷۳ | طریفولون، ۶۰ | طنیة، ۲۲۲ |
| طرجال، ۱۲۶ | طرکسمی، ۲۹۷ | طریفقن، ۱۶۲ | طواخشیر، ۱۹۹ |
| طَرَح النواتیة، ۲۰۲ | طرمش، ۱۲۶ | طریفولون، ۲۰۳ | طواره، ۲۰۴ |
| طَرَح النواتیة، ۲۴۸ | طرم (لرستان)، ۸۵ | طریخومانس، ۲۵۷ | طوب، ۱۱۴ |
| طرخشقون، ۱۴۷، ۲۹۷ | طَرْمُشس، ۸۱ | طریون، ۹۳ | طوبه، ۲۰۴ |
| ۳۰۱، ۲۹۸ | طرمیطس، ۲۶۵ | طشور، ۲۰۴ | طوبه، ۴۶ |
| طرخشوق، ۲۹۸، ۳۰۰ | طرنج، ۴۰ | طشیر، ۲۰۴ | طوذریک، ۹۶ |
| طرخون، ۸۳، ۱۴۷، ۲۰۲ | طَرْنَسول (اندلس)، ۹۵ | ططریوغون، ۲۹۴ | طوررا، ۱۵۱ |
| طَرخون، ۲۰۲ | طرنشول، ۵۹ | طَعْمَةُ الْحَمْرَاء، ۲۳۱ | طورنه شول، ۹۵ |
| طرخون الرومی، ۲۰۵ | طَرْنُشول (اندلس)، ۱۹۴ | طَعْمَةُ حَمْرَاء، ۲۴۲ | طورنه شول، ۲۰۴ |
| طرخون دشتی، ۲۰۵ | طرنه (اندلس)، ۲۴۳ | طغارنه، ۲۴۸ | طورنه لیته، ۲۰۴ |
| طرخون رومی، ۲۶۱ | طَرْنَه ماطر (ثغری)، ۱۳۰ | طغارنه، ۲۴۸ | طورنه ماطرنس، ۲۸۳ |
| طردج، ۱۲۳ | طرنه، ۲۰۳ | طفسقویون، ۱۹۱ | طورنه مریطش، ۲۰۵ |
| طردج، ۱۵۸ | طرنیة (اندلس)، ۲۴۳ | طفشیقون، ۲۰۰ | طورنه مریطه، ۲۰۴ |
| طَرْدِج، ۲۵۸ | طروبلیوس، ۱۱۸ | طفک (شیرازی)، ۳۵ | طوره، ۲۰۴ |
| طردجه، ۱۲۳ | طروبیلِس، ۱۱۸ | طفنیقوس، ۱۹۱ | طوریدخ، ۲۲۴ |
| طردجه، ۱۲۳ | طَرُوبیلش، ۱۱۸ | طقی، ۲۸۳ | طوس (شیراز)، ۳۹ |
| طردقیره متیره، ۱۴۷ | طرویین، ۲۴۸ | طفیر، ۲۰۴ | طوسک (شیراز)، ۱۴۹ |
| طردیلن، ۲۵۳ | طروج، ۵۲ | طقاره، ۱۴۸ | طوط، ۲۴۲ |
| طَرْدِیلن، ۱۸۲ | طروقون، ۷۶ | طلافیون، ۳۷ | طوطاق اغریون، ۱۲۲ |
| طردیلون، ۱۶۷ | طربیله، ۲۹۱ | طلاء، ۲۰۳ | طوطاق غریون، ۱۲۳ |
| طرسه (اندلس)، ۲۴۳ | طریخومانس، ۱۸۷، ۲۰۳ | طَلَح، ۶۲، ۲۰۳ | طوطلون، ۱۷۴ |
| طرشقوق، ۲۹۸ | طربدلیون، ۲۴۸ | طَلَح، ۲۶۳، ۲۸۵ | طُوطُن، ۱۷۴ |
| طرطور الحاجب، ۱۱۳ | طَرْنُطَر (مایرقا)، ۲۴۶ | طلخشقوق، ۲۹۸ | طوفریوس، ۲۰۴ |
| ۱۲۷ | طریفا، ۲۳۶ | طلخشقوق (زابلستان)، ۳۸ | طوفسس، ۴۳ |
| طرغاین، ۲۰۱ | طریفل (اندلس)، ۲۰۳ | طلع، ۹۴ | طوفوریوس، ۲۶۰ |
| طرجولیطوس، ۲۷۸ | طریفلم اورانسم (لاتین)، | طلع، ۹۵ | طوقریوس، ۲۰۴ |

| | | | |
|----------------------------|----------------------------|---------------------------|--------------------------------|
| طوقوریوس، ۱۱۹، ۲۶۰ | ظفرة الفروج، ۱۱۶ | عبثران، ۱۸۶ | ۲۲۱ |
| طولّه، ۲۰۴ | ظفرة الهیّ، ۲۰۵ | عُبْثَرَان، ۲۰۶ | عَرَصَف، ۲۰۷ |
| طولیدون، ۲۱۴ | ظَفْیَره، ۲۰۴ | عُبْثَرَة الْأَیْل، ۵۹ | عَرَصَمُودُون، ۲۳۷ |
| طوماغا، ۲۰۸ | ظفیره، ۲۰۵ | عُثْرَب، ۱۷۵ | عَرِصِم (یمنی)، ۲۰۷ |
| طومقرون، ۲۴۶ | ظَفْیَرَة العجوز، ۱۱۸ | عُثْم، ۱۶۵، ۲۶۶ | عَرُطَب، ۱۱۸ |
| طَهْطَف، ۲۰۳ | ظَفْیَرَة العجوز (قیران و | عُثْم، ۱۶۶، ۲۰۶ | عَرُطَیْثَا، ۳۴، ۲۰۷، ۲۵۸ |
| طَهْف، ۱۵۰ | شام)، ۱۱۸ | عُثْر، ۲۰۶ | ۲۸۶ |
| طیّ، ۲۰۴ | ظَفْیَرَة الفروج، ۱۱۷ | عُثْرَب، ۲۰۶ | عَرُطَیْثَا (آفریقا)، ۷۴ |
| طَیْار، ۲۹۳ | ظِلّام، ۲۰۵ | عُثْق، ۲۰۶ | عَرُطَیْفَه، ۳۴ |
| طیب العرب، ۴۳ | ظِمْخ، ۲۰۵ | عُثْمَر، ۲۵۱ | عَرُطَیْثَا، ۱۸۶، ۲۲۱ |
| طیب الغریب، ۴۳ | ظَیّان، ۱۵۹ | عَجَب، ۲۹۲ | عَرُطَیْثَا، ۳۵ |
| طیشومالس، ۲۰۴ | ظَیّان، ۲۰۵ | عَجْمَا، ۲۰۷ | عَرَار، ۳۹ |
| طَیْرَانَه، ۲۰۴ | | عَدَس، ۲۰۷ | عَرَعَر، ۳۹، ۱۴۷، ۱۷۰ |
| طیرنّه، ۲۰۴ | | عَدَس المَاء، ۲۰۰، ۲۰۷ | عَرَعَر، ۲۰۸ |
| طیطان، ۲۰۴، ۲۵۲ | | عَدَس المَأْكُول، ۲۰۷ | عَرَف، ۲۰۸ |
| طیفی، ۲۰۴ | عابدة الشمس، ۲۰۴ | عَدَس المُرّ، ۲۰۷ | عَرَفَج، ۴۱، ۵۰، ۸۵ |
| طیْلَافِیون، ۱۱۸، ۲۰۴، ۲۸۰ | عاریسا، ۲۵۵ | عَدَس خوراکِی، ۲۰۷ | عَرَفَج، ۸۵ |
| طیلاله، ۹۰ | عاشق الشجر، ۲۶۶ | عَدَس نبطی، ۲۰۷ | عَرَفَج بری، ۲۰۸ |
| طیلسات، ۲۹۲ | عاشق النبات، ۵۵ | عُدَوَة، ۶۳ | عَرَفَج بری، ۲۹۵ |
| طین الاخضر، ۲۹۲ | عاقِد اللبْن، ۲۱۹ | عُدَیْسَة، ۲۰۷ | عَرُفُط، ۲۰۸ |
| طین الْأَخْضَر، ۱۱۳ | عاقِر شَمْعَا، ۳۸، ۳۹، ۱۹۰ | عَدْبَه، ۴۰ | عَرَق الکافور (مصر و شام)، ۱۶۱ |
| طین الْأَخْضَر، ۲۱۱ | عاقِر قَرَحَا، ۲۰۲ | عَدْبَه، ۲۰۲ | عَرَق الکافور (مکه)، ۱۶۱ |
| | عاقِر قَرَحَا، ۲۰۲، ۲۰۵ | عَدْبَة، ۵۷ | عَرَق درخت توت، ۱۹۹ |
| | عاقِر قَرَحَا، ۲۵۵ | عَدْبَة (مصر)، ۲۰۷ | عَرَق شجره هندی، ۱۹۹ |
| | عاقول، ۱۱۰، ۱۲۳، ۲۰۶ | عَرَا، ۲۰۲ | عَرُفُصَان، ۱۵۰ |
| | عالیه و برشقی، ۱۵۳ | عَرَار، ۳۴، ۵۷ | عَرُفُصَاء، ۲۰۸ |
| | عَب، ۲۰۶ | عَرَار، ۹۰ | عَرَقْصَاء (سجزی)، ۱۲۵ |
| | عُجَب، ۲۴۹ | عَرایس النیل، ۲۹۲ | عَرَق (نجد)، ۹۵ |
| | عُجَب الثعلب، ۲۱۴ | عَرایس النیل (مصر)، ۸۰ | عَرُوس، ۲۹۲ |
| | عُجَب (مصر)، ۲۱۵ | عَرَب، ۹۱ | عَرُوس آب (رنگرزان)، ۱۰۳ |
| | عَبْرَت، ۱۷۵ | عَرَبَا، ۲۲۰ | عَرُوس المَاء، ۲۹۲ |
| | عَبْرَى، ۱۶۸ | عَرِیْب، ۱۷۵ | عَرُوسَاء، ۲۷۰ |
| | عَبْس، ۱۸۲، ۱۸۳ | عَرَبُوس، ۷۸ | عَرُوس در پرده، ۲۴۹ |
| | عَبَقَر، ۱۸۰ | عَرَب مَشْشور (عراق)، ۱۴۰ | عَرُوس در پرده (شیراز)، ۲۴۹ |
| | عَبوثران، ۱۸۶، ۲۰۶ | عَرَذی اکهر، ۲۶۰ | عَرُوشَة (بیت المقدس)، ۲۴۹ |
| | عَبهر، ۹۰، ۲۹۰ | عَرَزَاد مغوشی، ۲۹۹ | |
| | عَبْهَر، ۲۰۶ | عَرَش نَمَا، ۲۴۵ | |
| | عَبْهَر (شام)، ۱۸۶ | | |

| | | | | |
|------------------------|---------------------------|---------------------------------|-----------------------|--------------------|
| عُشْرَس، ۱۲۹ | ۱۷۹ | عسل رومان، ۵۳ | ۲۴۹ | النهر، |
| عُشْرَس، ۲۱۱ | عُشْر، ۱۳۱، ۲۰۹ | عسل لبنی، ۲۶۷، ۲۸۶ | ۲۴۹ | عروس در قبه (مرو)، |
| عطارد، ۱۷۸ | عُشْر، ۳۰۰ | عسلی، ۹۶ | عروس رزانی (ماوراء) | |
| عُطاس، ۲۱۶ | عشر الصبیان، ۲۱۰ | عشار، ۲۰۹ | ۲۴۹ | النهر، |
| عطب، ۲۴۲ | عُشْرَق، ۲۰۹ | عشبه کثیر الاغصان، ۲۰۲ | عروسک پس پرده (فارس)، | |
| عُطشان، ۱۱۴، ۱۳۳، ۱۴۸ | عُشْر الصبیان، ۱۹۱ | عشبه مغربی، ۲۰۵ | ۲۴۹ | |
| ۱۴۹، ۲۶۳ | عُشْق الصبیان، ۲۱۰ | عُشْبَه مغربیه، ۲۰۹ | عُروسه، ۲۷۰ | |
| عطل، ۱۹۸ | عشق بیجان، ۲۶۶ | عشبه مکرمه، ۷۰ | عروسة المجلیة، ۲۹۲ | |
| عُظْم، ۲۱۱، ۲۹۲ | عشق، ۱۲۱، ۲۶۶ | عشبه البرطال، ۱۱۹ | عروشیه، ۸۳ | |
| عُظْم، ۲۹۲ | عُشْقَه، ۲۱۰ | عُشْبَةُ الْبَغْلَةِ، ۱۵۶ | عروق الاصف، ۲۵۰ | |
| عُظْمی، ۱۵۸ | عصا الراعی، ۳۷، ۱۱۰ | عشبه البغلة، ۲۹۱ | عروق الزعفران، ۲۰۸ | |
| عُفار، ۱۷۴، ۲۱۱ | ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۴۹، ۱۵۱ | عشبه التیسیه، ۶۵ | عروق السوس، ۲۹۱ | |
| عفار، ۲۷۸ | ۱۸۵، ۲۱۰ | عشبه الثالیل، ۲۰۴ | عروق الصباغین، ۲۰۸ | |
| عفص، ۱۷۹ | عَصَاب، ۱۹۳ | عشبه الحر، ۲۸۲ | ۲۵۵، ۲۳۰ | |
| عُفْص، ۲۱۱ | عصارمرارت برا، ۱۲۶ | عشبه الحومل، ۱۲۲ | عروق الصفر، ۱۲۷، ۱۶۳ | |
| عفضیح (عراق)، ۸۶ | عصافیر السنبِل، ۱۷۷ | عشبه الخُروف، ۸۰ | ۲۷۶، ۲۰۸، ۲۱۶ | |
| عفیون (فاس)، ۵۷ | عصا هرمس، ۱۲۱، ۱۳۶ | عُشْبَةُ السَّبَاع، ۲۰۹ | عروق الصُفر، ۲۵۵ | |
| عقاب الجبل، ۱۶۶ | ۱۵۹ | عُشْبَةُ السَّبَاع (اندلس)، ۲۵۳ | عروق بیض، ۲۸۱ | |
| عقاد، ۱۲۳ | عصای موسی، ۲۱۰ | عشبه الصباغ، ۲۵۳ | عروق حُمَر، ۲۲۸ | |
| عُقار، ۲۱۲ | عصب، ۲۶۳، ۲۹۱ | عشبه الصحیحة، ۳۰۰ | عروق دارموم، ۱۸۰ | |
| عُقارادشکرا، ۵۴ | عصب الحرفع، ۲۴۲ | عُشْبَةُ الطَحَال، ۸۷، ۱۱۹ | عروق دار هرم، ۱۸۰ | |
| عقارادشوشنا، ۷۰ | عُصْفُر، ۴۲، ۵۷، ۲۱۰، ۲۳۶ | ۲۶۹، ۲۰۴ | عریز الصغیر، ۲۰۹ | |
| عقاراسوسابی، ۷۰ | عُصْفُر البری، ۲۱۰ | عُشْبَةُ الطیور، ۱۴۹ | عریز الکبیر، ۲۰۹ | |
| عقاراعرطینشا، ۳۵ | عصفر بری، ۷۱، ۷۲، ۱۵۳ | عشبه العجول، ۲۰۱ | عریض، ۱۵۲ | |
| عقاروسویانی، ۷۰ | ۱۵۷ | عشبه الفتوق، ۱۳۴ | عریقضاء (سجری)، ۱۲۵ | |
| عقارشوشا، ۱۸۰ | عصفور البری، ۷۲ | عشبه القلب، ۲۹۸ | عزرو، ۶۶ | |
| عُقار هندی، ۲۸۳ | عصی الدب (اندلس)، ۲۴۲ | عشبه القویاء، ۶۷ | عزول، ۷۹ | |
| عقاووم، ۲۸۳ | عصی الراعی، ۶۴، ۷۶ | عُشْبَةُ الْکَلْب، ۱۷۰ | عزیر الصغیر، ۲۰۹ | |
| عقر، ۱۴۵ | ۱۵۱، ۱۵۷، ۲۲۰، ۲۴۱ | عُشْبَةُ الْلَحَام، ۹۵ | عزیر الکبیر، ۲۰۹ | |
| عُقْرَبان، ۱۰۶ | ۲۸۱، ۲۹۹ | عشبه المُسلَّحة، ۲۶۶ | عسالیج، ۱۰۰، ۲۷۴ | |
| عُقْرَبان (اندلس)، ۴۸ | عَصَى الراعی، ۲۱۰ | عشبه النار، ۱۵۹، ۲۰۵، ۲۶۶ | عسالیج (اندلس)، ۲۷۴ | |
| عقری، ۵۹ | عصیر الدب، ۲۴۲ | عشبه النار (مغرب)، ۲۰۹ | عسطوس، ۱۴۰ | |
| عقرمان (اندلس)، ۴۹ | عصیر الدب (اندلس)، ۲۳۱ | عشبه النساء، ۶۵ | عسل القصب، ۲۴۱ | |
| عُقَقَه، ۲۷۱ | ۲۴۲ | عشبه خیر من الف (فاس)، | عَسَل اللَّبْنِی، ۵۳ | |
| عُقْبَرَة (لبنان)، ۱۴۴ | عُصْبِقَرَة، ۲۱۱ | ۸۸ | عسل اللَّبْنِی، ۲۸۶ | |
| عُقَقَاء، ۲۱۲ | عُصْبِیَة، ۱۸۵ | عشبه قبری، ۲۹۶ | عسل التدی، ۱۱۰ | |
| عکارشا، ۱۵۳ | عضات، ۱۹۳ | عُشْبَةُ كُلِّ بَلَا، ۱۷۹ | عُسْلُج، ۷۵ | |
| عکاش (بلخ و طخاری)، | عضاه، ۲۰۹ | عشبه کل بلاء (مغرب)، | عسلج، ۲۲۱ | |

| | | | |
|-------------------------------|---------------------------|-------------------------------|----------------------------|
| عود الريح (دمشق و مصر)، ۳۵ | عَنْبُ الْكِلَاب، ۴۲، ۱۲۸ | علک الروم، ۲۸۲ | ۲۲۶ |
| عود الريح (شام)، ۲۱۶ | عنب خمري، ۲۱۴ | علک رومی، ۲۸۲ | عکبة (مصر)، ۱۷۹ |
| عود السُّرْح، ۱۳۷ | عنبر، ۲۷۰ | عَلَكَلْک، ۱۲۹ | عُکْر، ۱۱۴ |
| عود السوس، ۳۳ | عنبر بيد، ۱۰۳ | عَلَو، ۱۹۵ | عکر، ۲۵۰ |
| عود الصليب، ۲۲۳، ۲۹۵ | عَنْبُوب (فاس)، ۲۷۵ | عَلِيق، ۲۱۳ | عُکْرَب، ۲۱۲ |
| عود العُطَّاس، ۱۷۲، ۲۱۶ | عندم، ۲۱۰ | عليجان، ۲۱۳ | عکرش، ۹۹، ۲۱۲ |
| عود العُطَّاس، ۲۶۳ | عَنْزَرُوت، ۶۶ | عليجن، ۲۲۹ | عُکْرِش، ۹۹، ۱۵۳ |
| عود العطاس، ۲۶۳ | عَنْضَل، ۴۹، ۲۱۵ | عَلِيق، ۹۵، ۲۱۳، ۲۱۷ | عُکْرِشَه، ۲۰۰ |
| عود الفالوج، ۱۹۰ | عنصل، ۴۹، ۸۰، ۲۴۳ | عَلِيق الکلب، ۱۸۶، ۲۱۳ | عُکْنَه، ۲۱۲ |
| عود الفرخ، ۲۰۵ | عَنْضَلان، ۴۹، ۲۱۵ | عَلِيق (اندلس و مغرب)، ۲۹۴ | عکنه (مصر)، ۱۷۹، ۲۱۲ |
| عود القروح، ۲۱۶ | عَنْصُوة، ۱۴۵ | ۲۱۳ | عُکُوب، ۱۱۴ |
| عود القسینة (مصر)، ۱۹۶ | عَنْطُوز، ۱۵۳ | عمار، ۳۶ | عُکُوب الفارسی، ۱۱۴ |
| عُود الکلب، ۱۳۸ | عَنْق الحية، ۲۷۳ | عمرو، ۲۵۳ | عکيفية، ۵۹ |
| عود النسر، ۲۱۶ | عنقر، ۳۴، ۲۷۹ | عمرود (لاتینی)، ۲۵۳ | عَلَام، ۱۲۵، ۲۵۴ |
| عود الوج، ۲۱۶، ۲۹۳ | عَنْقَر، ۷۵ | عملج، ۸۱ | علث، ۲۱۲ |
| عود اليسر، ۲۱۶ | عَنْقَر، ۵۹، ۲۷۹ | عملول، ۲۴۵ | علج، ۲۰۷ |
| عود انجوح، ۲۱۶ | عنقر، ۱۱۳ | عمول، ۷۶ | عَلْجان (آفریقا)، ۲۱۲، ۲۳۸ |
| عود بری، ۷۶ | عَنْقَر، ۲۷۹ | عمون، ۲۰۸ | عَلَس، ۲۱۳ |
| عود رطب، ۲۱۶ | عنقلی، ۱۸۹ | عَنْاب، ۱۶۸، ۲۱۳ | علس، ۲۶۳ |
| عود رنج، ۳۵ | عنقود، ۶۱ | عَنْاب الایض، ۳۵ | علس (اندلس)، ۲۱۳ |
| عود هندی، ۱۷۹، ۲۱۶ | عَنْقُود، ۲۱۵ | عَنْاب الایض، ۲۱۳ | عَلَس (اندلس)، ۲۱۳ |
| عود ینجوح، ۲۱۶ | عنقیل، ۱۸۹ | عَنْب، ۵۳، ۲۱۴، ۲۱۴ | عَلَس (سجزی)، ۲۰۷ |
| عُورَة الارض، ۹۲ | عنقلی، ۱۸۹ | عَنْب، ۲۱۷ | علسی، ۱۹۵ |
| عوسج، ۶۱، ۲۱۳، ۲۲۰ | عَنْم، ۱۹۱، ۲۱۵ | عنب، ۲۱۴ | علف، ۱۵۵ |
| عوسج، ۲۸۲، ۳۰۱ | عَنْم (شام)، ۸۷ | عنب الثعلب، ۱۵۴، ۲۱۴ | علفک داغ، ۲۰۵ |
| عوسج، ۲۱۷ | عود، ۲۱۶ | ۲۴۹، ۲۱۵ | علفوط، ۸۰ |
| عوسج الاحمر، ۱۶۲ | عود الاراک، ۲۳۳ | عنب الثعلب البستانی، ۲۴۹ | عُلْفَة، ۲۶۳ |
| عوسج الاسود، ۶۱ | عود البخور، ۵۴ | عنب الثعلب (فاس)، ۲۴۹ | علقم، ۳۵، ۱۲۶، ۲۱۳ |
| عوسج الأشود، ۱۲۰ | عود البرق، ۱۴۱ | عنب الثعلب مخین، ۲۱۴ | عَلْقَم، ۱۸۷ |
| عوسج أسود، ۱۰۵ | عود البلسان، ۸۶ | عنب الحية، ۲۱۵، ۲۹۸ | علقما، ۲۲۴ |
| عوسجة، ۲۲۰ | عود البندق، ۷۶ | عنب الدب، ۲۱۵، ۲۱۹ | عَلْقَم (اندلس)، ۲۳۳ |
| عوقیا، ۱۱۹ | عود الحمیر (مغرب)، ۲۲۳ | عنب الذئب (اندلس)، ۲۱۴ | عَلْقَم (حجاز)، ۲۷۴ |
| عیاشیه، ۱۵۷ | عود الحية، ۲۱۶، ۲۲۲ | عنب الذیب، ۱۳۷ | علقمه، ۲۱۳ |
| عیادیوس، ۱۵۵ | عود الرقة، ۶۵ | عنب الذیب (فاس)، ۲۱۴ | علک، ۱۵۲، ۲۸۲ |
| عیثام، ۱۴۵، ۲۱۷ | عود الريح، ۲۲۳، ۲۷۲ | ۲۴۹ | علک، ۲۴۴ |
| عید، ۲۱۷ | عود الريح المغربي، ۱۲۰ | عَنْب السَّقْف، ۳۷، ۱۵۵ | عَلْک الأنباط، ۸۱، ۲۲۵ |
| عیسوب، ۳۴، ۲۷۹ | عود الريح (اندلس)، ۲۷۲ | عنب الطوال، ۵۳ | عَلْک البطم، ۸۱ |

| | | | |
|------------------------------|------------------------------|--------------------------|----------------------------|
| عین الاخضر، ۲۹۲، ۲۱۱ | غالالوطا، ۷۳ | ۲۷۳ | غلوکس، ۲۲۱ |
| عَینُ البقر، ۴۱، ۹۰، ۹۱ | غالبون، ۲۵۰ | غَرْقَد، ۲۱۷، ۲۲۰ | غلوکش، ۱۰۴ |
| ۲۱۷ | غالبه، ۲۴۹ | غرقده، ۲۲۰ | غلیاون، ۵۳ |
| عین البقر (مغرب)، ۲۱۷ | غالبه (اندلس)، ۲۱۴ | غرناطش، ۱۵۷ | غلیجن، ۲۲۹ |
| عین البقر (مغرب و اندلس)، ۴۱ | غالبه (قرطبه)، ۱۱۳ | غرناطه (بیت المقدس)، ۱۴۶ | غلیجن اُغریا، ۲۲۱ |
| | غالیّه (لاتینی)، ۲۱۵ | غرنوقی، ۱۲۹ | غَلِیْحَن، ۲۲۹ |
| عین الثور، ۹۰ | غالیسیر، ۲۱۹ | غرنواس، ۲۳۸ | غلیخن اُغریا، ۲۲۹ |
| عَینُ الخضر، ۱۱۳ | غاله جاقه (لاتینی)، ۱۱۸ | غروبایوس (بلخی)، ۲۰۲ | غلیشن، ۲۲۹ |
| عَینُ الدیک، ۲۱۷ | غاله جیقه، ۱۱۸ | غری، ۵۱ | غلیقیسیدی، ۲۲۳ |
| عین الدیکه، ۲۱۷ | غاله قَرَشَتَه (لاتینی)، ۱۷۸ | غری الاساکفه، ۱۳۸ | غمار، ۳۱، ۳۶ |
| عین العجل، ۲۱۷، ۹۰ | غالیسس، ۲۱۹ | غریر، ۲۲۰ | غملول، ۲۴۵ |
| عین العِجَل (شام)، ۹۰ | غالیوس، ۱۷۰ | غُرَیْرَاء، ۱۴۸، ۲۲۰ | غُمْلُول، ۲۴۵ |
| عین الهدهد (آفریقا)، ۳۴ | غالیون، ۲۱۹ | غریزاه، ۲۴۶ | غنابلیان، ۲۲۶ |
| ۲۱۸ | غالیون، ۲۱۹ | غریطیره، ۲۷۳ | غنالیون، ۲۲۶ |
| عَینُون، ۲۱۸، ۲۵۲ | غانافلیان، ۱۴۸ | غُرَبَه (زابیل)، ۱۸۵ | غنآفالیان، ۲۲۶ |
| عینی ثورا، ۹۰ | غاوشیرک، ۲۱۷ | غزل الماء، ۲۰۰ | غنآفالیون، ۲۲۶ |
| عیون البقر، ۴۱ | غباریه، ۲۱۹ | غساقالس، ۲۴۲ | غنچ (هری)، ۱۹۲ |
| | غبانستر، ۲۸۲ | غَسَلَج، ۲۲۱ | غنچه خرما، ۹۵ |
| حرف «غ» | غبرا، ۱۹۴ | غسله، ۲۱۸ | غنزروت، ۶۶ |
| | غُبَیرَاء، ۱۶۶، ۱۹۴، ۲۱۹ | غسلین، ۱۲۳ | غنطیانی، ۱۰۶ |
| غالونیس، ۲۱۹ | غُبَیرَة الْأَیْل، ۲۸۱ | غسول، ۴۳، ۱۲۹ | غنفس الجاری، ۱۷۷ |
| غار، ۱۴۸، ۱۵۹، ۲۱۸ | غَدَر، ۲۳۰ | غشاة، ۳۷ | غنغیطس اشقاقا، ۱۷۷ |
| غار الاسکندری، ۱۴۹ | غدو، ۷۲ | غَضَف، ۲۲۱ | غُنْغِیْلِی، ۱۸۹ |
| غارانیون، ۳۷ | غرابه، ۲۸۲ | غِلَالَة (اندلس)، ۱۴۴ | غُنْغِیْلِی، ۱۸۹ |
| غار (شام)، ۱۵۹ | غراله، ۹۹ | غلبی، ۱۶۳ | غنکیلی، ۱۸۹ |
| غارنیون، ۲۱۸ | غرانیق، ۶۷ | غَلَتَان، ۵۱ | غویرک (زابیل)، ۱۶۲ |
| غاریقون، ۲۱۸ | غراء، ۱۴۸ | غَلَتَان، ۱۴۲ | غوتاغبنا، ۲۶۲ |
| غازایاغی، ۳۶ | غراء، ۲۲۰ | غَلْجَن، ۱۰۵ | غودیوله، ۲۵۲ |
| غازیاغی، ۱۵۵ | غَرْب، ۵۰، ۲۲۰ | غلغلون، ۲۶۰ | غُوْذِیَالَه (لاتینی)، ۲۱۰ |
| غاسول، ۳۹، ۵۲، ۱۲۳ | غَرْب، ۹۷، ۲۲۰، ۲۸۰ | غللقا، ۲۲۱ | غوذیوله، ۸۷ |
| غاسول رومی، ۳۹ | غرب، ۱۳۶، ۱۸۹ | غَلَقَة، ۲۲۱ | غوره خرما، ۹۴ |
| غاغالس، ۲۱۹ | غَرْد، ۲۶۰ | غَلْقِی، ۲۲۱ | غُوشِئَه، ۲۲۱ |
| غافت، ۱۲۰، ۱۹۹، ۲۱۹ | گردان، ۲۶۰ | غلوقریزا، ۱۸۰ | غوشنه، ۲۳۰، ۲۶۰ |
| غافت الشاهدانجی، ۲۱۹ | غَرَز، ۲۲۰ | غلوقی، ۲۷۶ | غوشنه جنسی، ۲۲۱ |
| غافت، ۱۹۹ | غرغات، ۱۳۹ | غلوقیزا، ۱۸۰ | غوشه، ۲۲۱ |
| غافت، ۲۱۹ | غرغال، ۶۰ | غلوقیزیا، ۱۸۰ | غُولَان، ۱۲۳ |
| غافت (فاس)، ۲۱۹ | غرغتیته (اندلس)، ۲۷۳ | غلوقیون، ۲۷۶ | غوشه، ۲۲۱ |
| غالاتون، ۲۱۹ | غَرْغِئَه (لاتینی)، ۲۳۱ | | غَیْطَل، ۲۲۹ |

| | | | |
|----------------------|--------------------------|---------------------------|-------------------------|
| غینغیدیون، ۱۸۳ | فاشِرِستین، ۲۲۲ | فاناقس اَیْرِقَلیون، ۱۰۰ | فراژمنک (سجزی)، ۲۷۱ |
| | فاشِرستین، ۲۹۷، ۲۲۲ | فاناقس خمرونیون، ۲۲۳ | فراسیا، ۲۶۶ |
| حرف «ف» | فاشِرستین، ۹۰، ۲۲۲ | فاناقس خیرونیون، ۲۲۳، ۲۴۸ | فراسین، ۲۲۴ |
| | فاشِرشین (اندلس)، ۲۲۲ | فاناقس کبیر، ۱۰۰ | فراسینا، ۲۵۲ |
| فابا، ۷۳ | فاط، ۲۲۲ | فانتھاری (سند)، ۸۴ | فَراسیون، ۸۷، ۹۵، ۱۷۹ |
| فابش الیونانی، ۷۳ | فاطن، ۷۳ | فانقراطیون، ۲۴۳ | ۲۵۲، ۲۲۴ |
| فابش القبطی، ۷۳ | فاغِرَه، ۲۲۲ | فانقوس، ۲۶۲ | فَراسیون، ۲۲۴، ۲۵۲، ۲۸۰ |
| فابش یونانی، ۷۳ | فاغرة الهندیه، ۲۹۶ | فانیرستینست، ۲۲۲ | فَراسیون الابیض، ۲۲۴ |
| فابلص، ۸۳ | فاغوس، ۱۹۳ | فاوانیا، ۲۱۶، ۲۲۳ | فَراسیون سیاه، ۲۲۴ |
| فابَه بورکه، ۹۳ | فاغوش، ۱۹۳ | فاورسیون، ۲۳۳ | فراشنه، ۱۴۴ |
| فابَه دیبوزکه، ۱۵۷ | فاغیه، ۲۲۷ | فاونیا، ۲۲۳، ۲۹۵ | فراط، ۹۶ |
| فَابَه (لاتینی)، ۷۳ | فاغیه، ۱۲۵ | فاها، ۱۰۶ | فراقیون، ۵۰ |
| فاتره (نبطی)، ۲۵۷ | فافا، ۷۳ | فایوقی، ۱۹۶ | فراولیون، ۷۹ |
| فاخر، ۹۶ | فافبوس، ۵۷ | فأسی، ۶۶ | فربوله، ۲۶۶ |
| فاخور، ۲۲۱ | فافس، ۸۱ | فبالَه، ۲۷۳ | فربهن، ۸۳ |
| فادرونی، ۲۵۶ | فافل، ۲۲۸ | فباواریس، ۱۵۱ | فربیون، ۳۷، ۵۵، ۲۲۴ |
| فارالیون، ۱۳۴ | فافیر، ۷۵ | فَتائل الرُهبان، ۲۲۳ | فَرَنائون، ۵۸ |
| فارس العود، ۱۰۹ | فافیوس الحدقی، ۵۷ | فتحوریون، ۲۹۷ | فَرَج الأَرْض، ۱۸۰ |
| فارس الماء، ۱۷۱ | فافوس، ۲۰۷ | فَت، ۱۲۹ | فَرخار، ۲۲۵ |
| فارستاریون، ۱۵۶ | فافیر (مصر)، ۷۵ | فُجَل، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۶۶ | فَرَزْد، ۹۹ |
| فارسطاریون، ۱۵۶ | فالبرس، ۲۲۳ | فجل الصغیر، ۲۷۴ | فرزدجویبار، ۴۴ |
| فارسطازیون، ۱۵۶ | فالیزئُس، ۲۲۳ | فُجَل الماء (مغرب)، ۲۳۵ | فرسانا، ۷۶ |
| فارسطازیون، ۱۵۶ | فالسيسبانه، ۳۵ | فجل باعشقی، ۲۲۴ | فَرَسِسا، ۲۶۶ |
| فارس ناریون، ۱۵۶ | فالتجیطس، ۲۲۳ | فجل بری، ۵۷، ۱۰۲، ۲۲۳ | فرسطاریون، ۷۳ |
| فارغه، ۲۲۲ | فالتجیقُن، ۲۲۳ | ۲۲۴ | فرسطالیون، ۱۵۶ |
| فارق، ۹۶ | فالتجیقُن، ۲۲۳ | فجل رخامی، ۲۲۳ | فرسک، ۱۳۹ |
| فارقلومانن، ۱۶۰ | فالتجین، ۲۲۳ | فجل شامی، ۲۲۴ | فرزیک، ۱۳۹ |
| فارنوخیانا، ۱۱۸ | فالی بورس، ۲۲۳ | فجلن، ۹۰ | فَرَسِیا، ۷۶ |
| فارنیا (نبطی)، ۵۹ | فالیریس، ۲۲۳ | فِجن، ۶۲ | فرسیون، ۲۸۰ |
| فاس، ۶۶ | فالینوس، ۱۸۳ | فُجَن، ۷۴ | فرسیون (فرانسوی)، ۲۵۲ |
| فاسی، ۲۲۲ | فالیورُس، ۱۸۵، ۱۶۸ | فجی، ۱۳۰ | فرصاد، ۹۵ |
| فاسیلِس، ۵۴ | فالیورس، ۲۲۳ | فَخْدا، ۵۹ | فرصاد (بصره)، ۹۵ |
| فاسیلون، ۵۴ | فالیورُون، ۱۶۸ | فَخْذ، ۵۹ | فرفجین، ۸۲ |
| فاشار، ۲۲۲ | فاناقس ابراقلیون، ۱۰۰ | فدلقم، ۲۵۲ | فرَفِج، ۸۲ |
| فاشر، ۷۸ | فاناقس اسفینوس، ۲۲۳ | فیرااِشن قافالوطُن، ۲۵۲ | فرَفِج، ۲۶۶ |
| فاشار، ۱۵۴، ۲۲۲، ۲۹۷ | ۲۲۳ | فراپیون، ۵۷ | فرَفِج البری، ۸۲ |
| فاشار، ۲۲۲ | فاناقس اَیْرِاقلیوس، ۱۰۰ | فراخشنه، ۲۶۹ | فرفه، ۸۳ |
| فاشِرِستین، ۲۲۲ | | | فَرَفِیر، ۸۳ |

| | | | | | | | |
|----------|-----------------|------------------------|---------------|-------------------|----------|-----------------------|----------|
| ۸۹ | فر فیر، | فُسُوْدُوْدِ قَطْمَن، | ۲۸۱ | فُطْر، | ۲۲۶، ۲۲۱ | فلاخان، | ۱۸۳ |
| ۸۲ | فر فین، | فُسُوْدُوْدِ قِطَامَن، | ۲۸۱ | فُطْر، | ۲۲۶ | فلار، | ۳۵ |
| ۸۳ | فر فینه، | فُسُوْدُوْدِ قِطَامین، | ۲۸۱ | فَطْرَاسالیون، | ۷۸، ۲۵۳ | فَلَا قِیْس، | ۶۶ |
| ۹۳ | فر فیون، | فسوئی لیون، | ۸۹ | ۲۶۱، ۲۲۶ | | فَلال، | ۳۴ |
| ۲۲۴ | فر فیون، | فسولن، | ۲۷۱ | فطراسلیون، | ۲۲۶ | فلانج (سندی)، | ۵۷ |
| ۸۳ | فر قین، | فسولیدس، | ۲۴۹ | فطریاٹا، | ۲۲۶ | فلاروس، | ۲۴۰ |
| ۱۰۳ | فر لیون، | فسولیدوس، | ۲۴۹ | فطریون، | ۵۴ | فَلایَه، | ۱۰۵ |
| ۲۹۸ | فرما، | فسوۃ الضبع، | ۹۳ | فَطْسا، | ۳۱، ۳۵ | فلجون، | ۱۵۷ |
| ۲۲۵ | فر میوس، | فَسوۃ الضبع، | ۲۲۶ | فعالا، | ۲۲۳ | فلجه، | ۱۵۷ |
| ۱۸۳ | فرن ت، | فسیالانه، | ۵۱ | فغلا سینوس، | ۲۲۷ | فلجیون، | ۱۵۷ |
| ۵۳ | فر نَجْمِشک، | فَش، | ۳۰۱ | فغلامینوس، | ۷۴ | فلحون، | ۱۶۹ |
| ۲۲۵ | فر نَجْمِشک، | فش، | ۵۷ | فغلون، | ۲۵۷ | فلسب، | ۲۴۷ |
| ۲۲۵ | فرنجمشک، | فشاشیش، | ۱۹۸ | فغوس، | ۱۶۷ | فلشراش، | ۱۱۸ |
| ۱۰۷ | فرو الحمام، | فشاع، | ۱۹۵ | فغیلاموس، | ۷۴ | فلغیدس (نبطی)، | ۱۲۶ |
| ۲۲۵ | فرو دوهامان، | فشاع، | ۲۲۶ | ففلیس، | ۲۹۵ | فَلْل، | ۴۶، ۲۲۷ |
| ۲۲۵ | فرو قودیلان، | فُشاع، | ۱۶۰ | فقاح السورنجان، | ۵۳ | فلقل، | ۲۲۸ |
| ۲۲۹ | فریثا، | فُشاع، | ۲۲۶ | فقاح الکرم، | ۲۵۵ | فلقل ابیض، | ۴۶، ۲۲۷ |
| ۲۴۷ | فریرسب، | فُشال، | ۷۲، ۲۰۱ | فقد، | ۴۱، ۴۱ | فلقل اسود، | ۲۲۷ |
| ۹۹ | فریز، | فشاله، | ۲۰۱ | فَقْع، | ۲۲۶ | فلقل الابيض، | ۱۱۲ |
| ۲۴۹ | فریغلیون، | فشرا، | ۲۵۸ | فَقْع، | ۲۲۷ | فلقل الأبيض، | ۴۶ |
| ۲۷۱ | فریقا، | فَشْع، | ۲۲۶ | فَقْلَامینوس، | ۷۵ | فَلْل، | ۱۴۲ |
| ۲۳۵ | فریقان، | فشع، | ۲۲۶ | فقلامینوس، | ۲۲۷ | فلقل الأخوص، | ۲۷۶ |
| ۱۲۰ | فریقه، | فشقل، | ۱۵۳ | فقلامینوس آخر، | ۲۲۷ | فلقل الأسود، | ۷۰ |
| ۱۲۰ | فریقه (شام)، | فشک، | ۹۶ | فَقْلَامینوس اخر، | ۷۵ | فلقل الخواص، | ۲۷۶ |
| ۷۰ | فرینون صواسنین، | فصفصه، | ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۵۶ | فقلوطا، | ۲۵۲ | فلقل السودان، | ۲۲۸، ۲۸۹ |
| ۱۵۱ | فزغ اللبوءه، | ۲۹۱، ۲۴۱ | | فَقُوس، | ۲۲۷ | فلقل السودان (اندلس و | |
| ۲۲۶ | فزغند (سغدی)، | فصل مأكول، | ۸۵ | فَقُوس الحمیر، | ۲۳۳ | مغرب)، | ۱۶۳ |
| ۲۲۵، ۱۱۳ | فستق، | فصولیا، | ۲۷۱ | فَقُوس (مغرب)، | ۲۳۳ | فلقل الصقالبه، | ۴۱ |
| ۱۱۱ | فستق البادیه، | فصون، | ۲۷۱ | فقوشا، | ۱۳۰ | فَلْل، | ۴۱ |
| ۱۰۹ | فُستق المصری، | فضل الجوارى، | ۸۰ | فقولیون، | ۱۲۵ | فلقل الصقالبه، | ۲۲۸ |
| ۱۱۱ | فستق الهاویه، | فضیه، | ۲۲۶ | فقومیللاس، | ۴۱، ۹۴ | فلقل القروء، | ۲۵۱ |
| ۱۹۶ | فستق (شیراز)، | فَضِیَه، | ۶۰ | فقیص، | ۱۸۳ | فلقل الماء، | ۲۲۸، ۲۵۴ |
| ۱۱۱ | فستقی، | فَضِیَه، | ۱۱۹ | فقلیل، | ۲۲۶ | فلقل بری، | ۴۱ |
| ۱۵۶ | فسطاریون، | فضیّه، | ۲۲۶ | فکتلمن، | ۴۴ | فلقل تر، | ۵۷ |
| ۱۸۱، ۱۴۶ | فَسْغانیون، | فطاربقا، | ۴۹ | فکی، | ۲۰۷ | فلقل دراز، | ۱۴۲ |
| ۵۱ | فسله، | فَطْر، | ۱۷۳ | فل، | ۱۳۸، ۲۲۷ | فلقل سفید، | ۱۴۲ |
| ۷۸ | فسلیون، | فَطْر، | ۲۰۱ | فَل، | ۲۲۷ | فلقل سیاه، | ۷۰ |
| ۷۸ | فُسْلِیون، | فطر، | ۲۵۸، ۲۳۰، ۲۱۸ | فلاح، | ۲۳۲ | فلقلک (طبرستان)، | ۱۶۴ |

| | | | |
|----------------------------|-----------------------|------------------------|------------------------|
| فولفل کوهی، ۴۱ | فم الطائر، ۱۲۹ | فودنج البری، ۸۳ | فوقاذین، ۷۴ |
| فلفل گرد، ۲۲۷ | فم قریش، ۱۹۷، ۲۴۱ | فودنج التیس، ۲۲۹ | فُوُئْس البحری، ۲۰۰ |
| فلفلمون، ۲۲۸ | فمل قریش، ۱۹۷ | فودنج بری، ۲۸۱ | فُوُئِش، ۲۷۵ |
| فلفلموی، ۲۲۸ | فَنّا، ۲۱۴ | فودنج بستانی، ۲۸۱ | فوکرم، ۱۱۸ |
| فلفل مُوِیه، ۲۲۸ | فناغیوس، ۲۵۷ | فودنج جبلی، ۱۱۳ | فول الحمام، ۱۰۱ |
| فلفل مویه، ۲۲۸ | فنال، ۱۴۸ | فودنج جوهری، ۱۹۸ | فول الحَمّام، ۲۴۶ |
| فُلُفْلُمویة، ۲۲۸ | فنا (نبطی)، ۲۴۹ | فودنج نهري، ۲۲۹ | فول الخنزیر، ۱۲۸، ۲۷۱ |
| فلفلة، ۲۵۷ | فنجبون، ۱۷۱ | فودیاسایس، ۳۰۰ | فول الشعال، ۲۴۸ |
| فلفلمون، ۲۲۹ | فنجریون، ۲۲۸ | فودنج، ۲۸۰ | فول المجوسی، ۲۷۳ |
| فلک تاز، ۲۴۵ | فنجکشت، ۴۰ | فودنجات، ۸۳ | فول (قبطی و مصری)، ۷۳ |
| فلمویه، ۲۲۸ | فنجگشت، ۴۱، ۱۵۲، ۲۲۸ | فودنج البری، ۲۰۵ | فوله، ۲۲۸ |
| فلنجمشک، ۸۳، ۲۲۵ | فنجین، ۸۸ | فودنج البستانی، ۲۲۱ | فولیون، ۱۰۳، ۲۳۰ |
| فلنجوس، ۲۷۳ | فَنَجِیون، ۲۲۸ | فودنج التیسی، ۲۸۱ | فُولیون، ۱۰۳ |
| فلنجه، ۵۶، ۱۶۱، ۲۴۹، ۲۵۰ | فندق، ۸۸، ۱۰۵ | فودنج النهري، ۱۱۳، ۱۹۸ | فوم، ۱۲۶ |
| | فندقا، ۸۸ | فودنج نهري، ۱۱۳ | فُوُئِش، ۹۱ |
| فلنلمنکا، ۲۲۵ | فندق هندی، ۵۲، ۵۴ | فودنو (سند)، ۲۲۹ | فونیئا، ۲۲۹ |
| فُلُور اورو، ۸۰ | فنطافلون، ۸۸، ۱۵۲ | فورا، ۱۲۶ | فُوّه، ۲۳۰ |
| فلورینقا، ۱۹۶ | فنطافیلن، ۴۱ | فورثرون، ۲۰۵ | فوه الصباغان، ۲۳۰ |
| فلورینه، ۱۴۹ | فنطافیلون، ۸۸ | فورثون، ۲۰۵ | فوه الصباغین، ۲۰۸، ۲۳۰ |
| فلوس، ۲۷۷ | فنطسی، ۱۲۴ | فورس، ۱۲۶ | فوه الصیغ، ۲۳۰ |
| فلوسطیون، ۱۰۴ | فنتراپیون، ۲۴۳ | فورس، ۲۵۸ | فوهق، ۲۴۵ |
| فُلُوسه کُد، ۱۴۰ | فنتین، ۱۰۳ | فورش ابجی، ۲۷۵ | فوهل، ۷۶، ۲۴۵ |
| فلوغوناطن، ۲۱۰ | فنلیه، ۷۸ | فوروفش، ۱۵۵ | فوة البرانیة، ۸۶ |
| فلوقاریش، ۲۸۰ | فنفس، ۲۳۶ | فورینه، ۱۴۹ | فُوُئِلّه، ۲۷۳ |
| فلوقرنیا، ۲۳۷ | فنفس اغریون، ۲۳۶ | فوریون، ۲۵۷ | فیاس، ۶۶ |
| فلوماین، ۱۸۵، ۲۰۵ | فَنُئِکُس، ۹۵ | فوشنه، ۲۲۶ | فیاقه، ۹۳ |
| فلومس، ۳۳، ۹۰ | فُو، ۲۲۸ | فوضوفش، ۱۹۸ | فیاقیدنوس، ۱۵۲ |
| فُلُومُس، ۹۰ | فو، ۲۲۹، ۲۸۸ | فوطینوس، ۲۲۴ | فیثمون (فاس)، ۵۵ |
| فلومس اداؤش، ۱۵۳ | فواحش، ۹۲ | فوعین، ۲۳۰ | فَئِجَل، ۱۶۷ |
| فلومس صغیر، ۶۰ | فویاروم (فرنگی)، ۲۲۹ | فوغلای، ۲۲۳ | فیجن، ۱۶۷ |
| فلومس مَقْرَن، ۶۰ | فویاکیوم (فرنگی)، ۲۲۹ | فوفارون، ۱۲۵ | فیخیون، ۱۱۹ |
| فلیطش، ۸۷ | فوتنج، ۱۱۰، ۲۲۹ | فوفل، ۵۴، ۲۴۸ | فیزیدجاغی، ۱۳۲ |
| فَلِیْفَلّه، ۲۲۸، ۲۴۸، ۲۹۶ | فوتنج البری، ۱۰۵ | فُوُفَل، ۲۳۰ | فیثوثا، ۳۳ |
| فلیفلة، ۲۹۶ | فوتنج بستانی، ۱۲۲ | فُوُفَل، ۲۳۰ | فیطل، ۲۰۴ |
| فلیمن، ۵۷ | فوتنج نهري، ۲۴۹ | فوفلا، ۲۳۰ | فَیْطَل، ۲۰۴ |
| فلیورش، ۲۱۴ | فوئا، ۲۳۰ | فوفیلاطینوس، ۷۴ | فیغائُن، ۱۱۶ |
| فُلِیه (مصر)، ۲۲۹ | فودنج، ۱۹۵ | فوقادائُن، ۳۰۰ | فیغائُن، ۱۶۷ |
| فم، ۲۲۹ | فودنج، ۲۲۹ | فوقاذائُن، ۷۴ | فیغائُن، ۱۶۸ |

| | | | |
|-------------------------|--------------------------|---------------------|------------------------|
| فیغانن اغریون، ۱۶۷ | قاتل الدُّب، ۲۳۱ | قاطر (صیادلّه)، ۱۴۶ | قَبَاة، ۱۴۷ |
| فیغروا، ۱۲۵ | قاتل الذئب، ۴۲، ۱۲۸ | قاع قَلّا، ۲۳۲ | قبتوریّه، ۲۵۴، ۲۵۸ |
| فیغس باطس، ۲۵۰ | قاتل العَلَق، ۲۳۱ | قافلا (لاتینی)، ۷۶ | قبساطه، ۹۹، ۱۴۳ |
| فیغنا، ۱۶۷ | قاتل الکلب، ۴۲، ۱۲۸، ۲۳۱ | قافنون، ۲۶۲ | قبسطاله، ۱۲۷، ۱۵۳ |
| فیغن اغریون، ۲۳۶ | قاتل النحل، ۲۳۲، ۲۹۲ | قافنيس، ۲۶۲ | قبسطلیه، ۵۴ |
| فیقایفا (عبرانی)، ۵۷ | قاتل النمر، ۱۲۸ | قاقالیا، ۸۲، ۲۳۲ | قبسطون، ۲۷۷ |
| فیقس، ۱۲۶ | قاتل نفسه، ۵۵، ۲۳۲ | قافل، ۵۲، ۲۳۲ | قبلی (مشرق)، ۲۰۷ |
| فیقوس، ۱۰۵ | قاذُرش، ۱۵۳ | قاقلا، ۲۴۳ | قبوط، ۲۵۲ |
| فیقومورا، ۱۰۵ | قاراطیا، ۱۳۲ | قاقَله، ۲۳۲ | قَبْلُه موره، ۲۵۷ |
| فیقه، ۹۶ | قاراطیطس، ۶۷ | قاقله، ۲۳۲، ۲۳۵ | قبی، ۹۶ |
| فیقه متبیره، ۱۰۵ | قاراطیطُس، ۱۳۴ | قاقله الصغار، ۷۰ | قُبَيْط، ۲۸۹ |
| فیلا، ۲۲۹ | قاراماون، ۸۰ | قاقله صغار، ۲۹۶ | قُبَيْطاء، ۲۸۹ |
| فیلاطاریون، ۶۸، ۷۱، ۱۵۵ | قارُباَسَیلَقا، ۱۰۷ | قاقله صغیر، ۲۳۲ | قبطه، ۱۹۱، ۲۸۹ |
| فیلجوش، ۲۳۰ | قارُبانیطِقا، ۱۰۵ | قاقلة صغیره، ۲۹۶ | قَت، ۱۲۲، ۱۵۶ |
| فیل جوش، ۲۷۳ | قارج، ۵۰، ۱۴۸ | قاقلی، ۱۵۵ | قت، ۱۵۶ |
| فیلزهرج، ۵۸، ۱۲۰، ۲۳۱ | قارجی، ۷۵ | قاقلی (قبطی)، ۲۳۲ | قَت، ۲۹۱ |
| فیلگوش، ۲۳۰ | قارج، ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۶۰ | قاقلی (نبطی)، ۲۸۴ | قتاد، ۱۸۹، ۲۵۱، ۲۹۲ |
| فیلورا، ۱۱۲، ۲۰۶ | قارسطاریون، ۱۵۶ | قاقیا، ۲۳۳ | قَتاد، ۲۳۳ |
| فیلورا، ۲۰۶، ۲۵۱ | قارسون، ۲۴۹ | قالاس، ۲۴۰ | قتاد الأعظم، ۲۳۳ |
| فیلون، ۲۳۱ | قارطیا هندی، ۱۴۰ | قالاض، ۲۴۰ | قتاد الصغیر، ۵۹ |
| فیلیطس، ۲۳۱ | قارنوخیا، ۱۱۸ | قالامغرسطس، ۹۹ | قت البرّ، ۲۹۱ |
| فینقس، ۹۲ | قارنیا (نبطی)، ۵۹ | قالامُنتی، ۱۹۸، ۲۲۹ | قتد، ۲۳۴ |
| فیهق (اندلس)، ۶۴ | قارنی باروق، ۷۸ | قالنجی، ۱۹۲ | قتاد، ۲۳۳ |
| حرف «ق» | | قالیر، ۱۹۲ | قِئاء، ۱۴۰ |
| | | قالیقیا (شام)، ۱۹۳ | قِئاء، ۲۳۳ |
| قاباش قبطی، ۷۳ | قارواباسلیقا، ۱۰۶ | قالیورس، ۶۱ | قِئاء البری، ۲۳۳ |
| قابانیقی، ۲۳۲ | قاروانا، ۲۵۶ | قامارون، ۱۰۶ | قِئاء البری الهندی، ۸۵ |
| قابضه، ۱۳۴ | قارودیا، ۱۰۷ | قاماریون، ۲۳۱، ۲۴۲ | قِئاء البستانی، ۲۳۳ |
| قاب طیره، ۱۱۹ | قاروصبشو، ۶۵ | قائش، ۲۵۹ | قِئاء الحمار، ۱۹۴، ۲۳۳ |
| قابطیره، ۲۸۰ | قاره، ۶۰، ۲۳۲، ۲۸۰ | قانیوس، ۱۸۳ | قِئاء الحمار، ۲۱۳، ۲۵۳ |
| قابیش، ۲۴۰ | قاره (اندلس)، ۱۷۱ | قاوند، ۲۳۳ | قِئاء الحمیر، ۲۳۳ |
| قابی طیاره، ۱۵۷ | قاره (اندلس)، ۱۷۱ | قبار، ۲۵۰ | قِئاء الحیة، ۲۳۴ |
| قاتل ابنه، ۵۷ | قاریا، ۱۰۶ | قَبّار، ۲۵۰ | قِئاء العظم، ۱۲۶ |
| قاتل ابیه، ۷۵، ۱۰۶، ۲۱۱ | قاریاسلقا، ۱۰۶ | قبارس، ۲۵۰ | قِئاء الکبر، ۲۵۳ |
| ۲۲۴، ۲۳۱، ۲۴۴ | قاسی، ۷۲ | قبارومبدوس، ۲۴۵ | قِئاء النعام، ۱۲۶ |
| قاتل اخیه، ۱۳۵ | قاطانقَی، ۲۰۵ | قباریش، ۲۵۰ | قِئاء الهندی، ۱۴۰ |
| قاتل الحمیر، ۱۴۵ | قاطانقَی، ۲۳۲ | قَبّاسه، ۱۵۳ | قِئاء کوچک، ۱۹۸ |
| | قاطانیقی، ۲۳۲ | قباق، ۲۳۷ | قَد، ۲۳۴ |

| | | | |
|---------------------------------------|---------------------------|-----------------------|--------------------------|
| قند، ۲۳۴ | قراطیا، ۱۳۲ | قرشیون، ۱۰۳ | قَرَظ، ۲۳۷ |
| قند (حجاز)، ۲۳۴ | قراطیارغیون، ۲۳۵ | قُرَش قَبْلَه، ۲۵۷ | قرع، ۱۴۲، ۱۵۴ |
| قتل، ۲۳۴ | قراقیا، ۱۵۷ | قرشی، ۹۶ | قَرَع، ۲۳۷ |
| قثی، ۲۳۴ | قرالنا، ۲۳۵ | قرشیقا، ۱۰۶ | قَرَع، ۲۳۷ |
| قثیون، ۱۹۱ | قرانیا، ۱۶۰، ۱۶۳، ۲۳۵ | قرصعنه، ۴۷، ۸۴، ۱۰۵ | قرع المَر، ۲۳۷ |
| قجلال، ۹۶ | ۲۷۸ | ۱۵۸، ۲۲۹، ۲۳۶، ۲۶۱ | قرع الیابس، ۱۴۲ |
| قجنار، ۸۴ | قُرَانیَا، ۱۶۳ | ۲۹۶ | قرغار، ۴۶ |
| قجی، ۲۶۶ | قُرَا، ۲۳۷ | قَرَضَعَنَه، ۲۳۶ | قرفا، ۵۷ |
| قحوان، ۵۷ | قربان، ۱۳۹ | قرصعنه جبلی، ۲۳۶ | قرفلون، ۲۳۸ |
| قداح، ۱۵۵ | قربانیون، ۵۸ | قرصعنه مسدس، ۲۳۶ | قِرْفَه، ۱۴۱ |
| قدح مریم، ۲۳۴ | قربض، ۶۵ | قرصعنه، ۱۴۳، ۲۵۲ | قِرْفَه، ۲۳۸ |
| قدرومیلا، ۴۰ | قربوله (لاتینی)، ۲۶۶ | قَرَضَعَنَه، ۱۵۲ | قِرْفَه، ۱۰۷ |
| قُدْلَه، ۱۵۱ | قرثارن، ۱۸۷ | قَرَضَعَنَه، ۱۹۱، ۲۳۶ | قِرْفَه القَرْنفل، ۱۴۱ |
| قدومه (اصفهان)، ۹۶ | قرثمن، ۲۳۵ | قِرَضَعَنَه، ۲۲۹ | قِرْقَا، ۲۰۹ |
| قُدْرُوس، ۲۳۴ | قَرْثی، ۱۸۷ | قرصعنه الزرقاء، ۱۹۱ | قَرْقاز (فاس)، ۲۴۳ |
| قذله (اندلس)، ۱۵۱ | قَرَج، ۱۴۸ | قرصونه، ۲۳۶ | قرقسین، ۲۳۸ |
| قرا، ۲۳۷ | قرحا، ۲۰۹ | قرصینا، ۶۵ | قِرْقیمان، ۲۳۸ |
| قراح، ۲۱۳ | قرداسات الذوائب، ۱۲۱ | قرط، ۱۳۲ | قَرَم، ۲۳۸ |
| قرادامنی، ۱۸۲ | قردامن، ۱۱۵ | قُرْط، ۲۳۶ | قرمامومن، ۲۳۵ |
| قردامومن، ۱۱۵، ۱۱۶ | قردامومن، ۱۱۵، ۲۳۲، ۲۳۵ | قرطبی، ۱۱۸ | قرمد، ۲۵۵ |
| قرداسینی، ۱۱۶ | قردامومون، ۲۳۵ | قرطف، ۲۴۱ | قرمقام، ۲۵۶ |
| قردامن، ۱۱۵، ۲۳۵ | قردامون، ۲۳۵ | قرطم، ۱۱۳، ۲۱۰ | قَرْمَل، ۱۲۳ |
| قردایه، ۱۱۴ | قردامین، ۱۱۶ | قُرْطَم، ۱۴۲ | قرمون، ۲۵۱ |
| قراسیا، ۱۱۳، ۲۳۴ | قردمانا، ۲۳۲، ۲۵۶، ۲۶۱ | قَرَطَم، ۱۶۳ | قرمیدیا، ۸۰ |
| قراسیا (دمشق)، ۲۳۴ | قِرْدیمانَا، ۲۳۵ | قُرْطَم، ۲۳۶ | قرن الایتیل (اندلس)، ۲۳۵ |
| قراسیون، ۲۴۹ | قُرْدیمانَا، ۲۳۵ | قِرْطَم، ۲۳۶ | قرن البحر، ۲۶۴ |
| قُرْاص، ۲۳۴، ۵۷ | قَرْدیمانَا، ۲۳۵ | قرطمان، ۱۲۶، ۱۳۱، ۲۶۳ | قرنبا، ۱۲۲، ۲۵۵ |
| قُرَاصیا، ۲۳۴ | قردمانی، ۲۳۵ | قُرْطَمان، ۲۳۷ | قُرْنبَا، ۲۵۶ |
| قُرَاصیا البعلبکیه (اهالی صقلیه)، ۲۳۴ | قردمون، ۱۱۵ | قرطمانا، ۲۳۵، ۲۵۶ | قرنبا انمارس، ۲۵۶ |
| قُرَاصیا (مغرب و اندلس)، ۱۱۳ | قردی، ۱۳۳ | قِرْطمانَا، ۲۵۶ | قرنبا، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۵۶ |
| قُرَاصیا (مغرب و اندلس)، ۱۱۳ | قرذالیوم، ۱۱۴ | قرطم بری، ۱۵۸ | قُرْنبَاد، ۲۵۶ |
| قُرَاضیا، ۲۳۴ | قرذب الاسود، ۲۵۹ | قُرْطَم بری، ۲۳۶ | قرنبا، ۲۵۶ |
| قراطاغون، ۲۳۵ | قَرْدَنَالَه (لاتینی)، ۶۳ | قرطم هسک، ۲۱۰ | قرنبا (نبطی)، ۲۸۴ |
| قَرَطارِغُون، ۲۳۵ | قرذیوله، ۷۲ | قرطم هندی، ۱۱۳، ۲۳۷ | قرنبو، ۲۵۵ |
| قَرَطاط، ۲۳۵ | قرز، ۱۲۱ | ۲۹۲ | قُرْنبی، ۱۰۵ |
| قُرَاطاغون، ۱۲۶ | قرسطاریون، ۱۷۱ | قرطی، ۹۶ | قُرْنبی ایمارس، ۲۵۶ |
| قراطاوس، ۱۴۷ | قرسیون، ۴۷، ۱۵۱ | قرظ، ۵۷، ۲۳۷ | قرنبیط، ۲۵۶ |
| | قرشادوقاتا، ۱۲۶ | قَرْظ، ۱۳۲، ۱۹۱ | قُرْنج (اندلس)، ۵۹ |

| | | | |
|--------------------------|--------------------------------|----------------------|-----------------------------|
| قرنساء، ۶۷ | قریطیقوس، ۶۷، ۱۴۸، ۲۰۴ | ۸۴ | قسینی (لاتینی)، ۲۶۶ |
| قرنفاد، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۵۶ | قریطیقوس ارمالی، ۱۴۸ | قسط بحری، ۲۳۹ | قَش، ۲۴۰ |
| قرنفار، ۲۵۶ | قَرِیْعَة، ۲۲۲ | قسط تلخ، ۲۳۹ | قشا، ۱۷۴ |
| قَرَنُفَل، ۲۳۸ | قُرَیْعَة، ۲۵۸ | قسطرن، ۸۷ | قَشْبَة (حجازی)، ۲۴۰ |
| قرنفل الارض، ۲۹۱ | قُرَیْعَة الکَتان، ۲۵۸ | قسط رومی، ۱۵۳ | قَشْتَنُوْلَه (لاتینی)، ۱۸۰ |
| قَرَنفَل بستانى، ۲۲۵ | قُرَیْعَة الکَتان (اندلس)، ۱۶۷ | قَسْطَرُون، ۲۳۹ | قشر ترجیه، ۲۴۰ |
| قرنفل جبلی، ۴۶ | قُرَیْعَة (اندلسی)، ۵۵ | قسطریون، ۸۷ | قسطل، ۸۷ |
| قرنفل شامی، ۲۳۸ | قرین مو، ۲۲۸ | قسطس، ۲۳۹ | قشطنیولا، ۸۰ |
| قرنقلیه (اندلس)، ۱۶۵ | قرینوس، ۷۰، ۱۸۰ | قُسْطُس، ۲۳۹ | قَشْطَنُوْلَه، ۱۴۵ |
| قرنقلیه (مغرب)، ۲۳۸ | قُرَینُضواسین، ۱۸۱ | قسط سفید، ۲۳۹ | قَشْعَر (یمین)، ۲۳۳ |
| قرنفول، ۲۳۸ | قریوله، ۲۶۶ | قسط سیاه، ۲۳۹ | قُشَف، ۲۱۱ |
| قرنفار، ۲۵۶ | قُرَیْوْلَه (اندلس)، ۲۶۶ | قسط شامی، ۱۵۳ | قشقابن فلسدیار، ۱۴۱ |
| قرونوس، ۱۲۴، ۲۰۸ | قُرَیْوْلَه (لاتینی)، ۲۶۶ | قسط عربی، ۲۳۹ | قشلومن، ۱۱۴ |
| قرنوله دِکائِبَة، ۵۹ | قریون، ۲۵۴ | قسطل، ۸۶ | قشنا، ۲۳۹ |
| قَرَنُوفُس (لاتینی)، ۲۳۵ | قَزاح، ۲۱۲ | قُسْطَل، ۸۶، ۸۷ | قشوقی (سندی)، ۲۰۹ |
| قرنوه، ۲۹۶ | قَزاح، ۲۳۸ | قَسْطَلَة صغیر، ۱۸۰ | قُصاص، ۱۳۷ |
| قَرَنُوَة، ۲۳۸ | قَزحی، ۸۴ | قَسْطَلَة صغیره، ۸۰ | قصاص، ۲۴۰ |
| قرنه، ۴۶ | قزقحیر، ۸۳ | قسط مر، ۲۳۹ | قصب، ۳۷، ۱۵۵ |
| قَرَنَة، ۱۲۹ | قُس، ۲۳۹ | قَسْطَنَه، ۸۷ | قَصَب، ۲۴۰ |
| قرنی أغریا، ۲۵۶ | قسا، ۲۳۹ | قسطوریون، ۸۷ | قصب البردی، ۷۲ |
| قرنیثا، ۲۲۹ | قساالحمار، ۱۹۴ | قسطوس، ۲۳۹ | قصب الذریرَه، ۲۴۰، ۲۴۴ |
| قروسوقیون، ۴۵ | قسادق، ۲۶۷ | قسطولیدون، ۲۴۹ | قصب الذهبی (اندلس)، ۲۷۲ |
| قروص، ۶۵ | قسارت، ۲۶۷ | قسط هندی، ۲۳۹ | |
| قروطن (قبرس)، ۱۳۳ | قساریسما، ۲۴۰ | قسطیدس، ۲۰۱ | قصب الذیره، ۲۴۰ |
| قروفا، ۲۳۷ | قس الکلاب (مصر)، ۲۱۹ | قسطیس، ۲۰۱ | قصب الریح (اندلس)، ۲۷۲ |
| قُرُوفُس، ۱۶۳ | قَسَب، ۹۵ | قسعر، ۲۳۳ | قصب الریح (فاس)، ۲۴۰ |
| قُرُوفُس، ۱۶۳ | قصب، ۹۵، ۲۳۹ | قسماط، ۱۳۰ | قَصَب السُکر، ۲۴۱ |
| قَرُومِیان، ۸۱ | قسبک (شیراز)، ۹۵ | قسثانس، ۲۶۶ | قصب الصین، ۱۴۱ |
| قرومیدیا، ۸۰ | قسثوس، ۴۶، ۱۸۸، ۲۶۷ | قسوس، ۱۱۳، ۱۴۳، ۲۶۵ | قصب بری، ۱۴۷ |
| قرون السنبل، ۲۳۸ | قِسْثوس، ۲۶۵ | ۲۶۶، ۲۶۷ | قصب بوا، ۲۴۰ |
| قَرَة العین، ۱۰۳، ۱۸۲ | قسثارون، ۴۶ | قَسْوس، ۱۲۱، ۲۴۰ | قصب جبلی، ۱۴۷ |
| قَرَة العین، ۲۳۵، ۲۵۸ | قسثروطن، ۲۳۹ | قسوة الکلابغلتک، ۱۸۳ | قصب شوی، ۳۴ |
| قریثا، ۱۲۶ | قسس، ۲۶۶ | قَسِی، ۱۹۰ | قَصْبُور، ۲۵۷ |
| قریدی، ۱۰۶ | قُسْط، ۲۳۹ | قَسِیا، ۱۷۴ | قَصْبَه، ۹۹ |
| قُرَیص، ۶۵ | قُسْط الرومی، ۱۵۳ | قَسِیا، ۲۳۹ | قَصْبَة، ۱۴۸ |
| قریص، ۶۵ | قسطانیا، ۸۶ | قسیاس، ۷۴ | قصبی، ۲۱۲ |
| قُرَیص، ۶۵، ۱۱۰ | قُسْطانیقی، ۸۴ | قسی (اندلس)، ۲۰۰ | قَصْد، ۲۱۷ |
| قُرَیص، ۲۵۵ | قُسْطانیقی (اهالی سواد)، ۲۶۶ | قسیناد، ۲۶۶ | قصری، ۹۶ |

| | | | |
|----------------------------|----------------------|-----------------------|-------------------------|
| قَصْعَة، ۲۶۶ | قطن، ۱۵۲، ۲۲۶ | قُلَّاقَلَى، ۴۵ | قلقاسی، ۲۴۳ |
| قَصْعَة الحمیر، ۲۶۶ | قَطْن، ۲۴۲ | قَلال، ۷۹ | قُلَّاقاص، ۹۴ |
| قصفا، ۱۳۳ | قطوس، ۳۱، ۳۵ | قَلَّام، ۶۰، ۱۲۳، ۱۸۲ | قِلقال، ۲۵ |
| قَصم، ۲۴۲ | قطولی، ۲۴۷ | قلام، ۲۴۳ | قِلقل، ۱۱۲ |
| قُصَة الحَيَّة (مغرب)، ۲۴۶ | قطنونا، ۷۸ | قَلَّام، ۲۵۴ | قُلَّقَل، ۲۴۴ |
| قصی، ۹۶ | قطیا، ۲۳۳ | قلامس اُزوماطیس، ۲۴۱ | قُلَّقَل، ۲۴۴ |
| قصیص، ۴۲ | قُطَیْطین، ۲۶۹ | قلامُغرسطس، ۱۴۸ | قلقلان، ۱۱۲ |
| قصیصه، ۹۶ | قطیفه، ۲۴۲ | قلام کرمان، ۲۳۲ | قَلقلان، ۲۴۴ |
| قصیم، ۲۴۲ | قطییداوس، ۲۳۲ | قلامتسی، ۲۲۹ | قللقونیا، ۲۴۴ |
| قُصاب مصری (مصر)، ۲۴۱ | قعالا، ۱۵۳ | قلائتره، ۲۵۷ | قَللجَة، ۳۹ |
| قُصاب، ۱۲۳ | قَعْبَل، ۲۲۶، ۲۴۳ | قلائتره کمبائه، ۲۵۷ | قلماس، ۲۴۱ |
| قُصَب، ۵۸، ۱۵۶، ۲۴۱ | قُعفور، ۸۰ | قَلائش، ۲۴۳ | قُلُنبارس، ۲۰۴ |
| قُصَب، ۲۹۱ | قَعنب، ۸۰ | قُلب، ۲۴۳ | قُلُنبارش (لاتینی)، ۱۵۶ |
| قضبانا، ۱۱۶ | قُغْنَب، ۲۴۳ | قُلب الأرض، ۱۸۰ | قُلُنبره، ۲۰۴ |
| قضم قریش، ۱۳۲، ۱۹۶ | قُغْنَب، ۲۴۳ | قلب النخل، ۹۵ | قُلُنْبَه قَوْلَة، ۳۴ |
| ۲۴۱ | قعیلاس، ۳۴ | قلبخ، ۲۲۱ | قلنبیل، ۱۴۱ |
| قُطَب، ۱۱۸ | قُف، ۲۲۰ | قُلیرله، ۲۷۳ | قُلُنْبِیْنَه، ۱۵۰ |
| قطبا، ۱۱۸، ۲۴۱ | قفا، ۱۰۷ | قَلت، ۱۱۲ | قلندیرله، ۶۰ |
| قطبی حمارا، ۲۳۳ | قفاالوط، ۲۵۲ | قُلت، ۱۱۲ | قلنسد ناردین، ۱۴۱ |
| قطرات کوئی، ۲۴۱ | قفالیا، ۲۴۹ | قلت، ۱۱۲ | قلوب الدحج، ۴۱ |
| قطران، ۳۹، ۲۰۳ | قِف (دمشق و شام)، ۳۶ | قلتا، ۱۱۲ | قلوب النعام، ۵۴ |
| قَطِران، ۱۸۷ | قفر، ۲۸۳ | قَلَّمان، ۲۲۵ | قلودیقی، ۱۹۶ |
| قطریل، ۱۶۸ | قفر الیهود، ۵۰، ۱۲۴ | قلجونه، ۲۴۳ | قلوس، ۲۷۷ |
| قطف، ۸۴، ۱۱۹، ۱۷۰ | قفروس، ۱۳۳ | قلخیغن، ۱۰۸ | قلوغیطون، ۱۹۶ |
| قُطَف، ۲۴۱ | قفطا، ۲۴۱ | قُلُخِیقُن، ۱۸۰ | قلوفیا، ۲۳۷ |
| قطفا، ۱۷۰ | قُفَعاء، ۲۵۲ | قلس، ۱۸۲ | قلومائی، ۴۶ |
| قطف بحری، ۲۴۲، ۲۷۱ | قفل، ۸۲ | قُلُسوفُودِیون، ۲۴۳ | قلومامش، ۴۶ |
| ۲۸۴ | قفلوط، ۲۴۳، ۲۵۲ | قلشتر، ۱۸۹ | قلومانن، ۱۸۵ |
| قطف بری، ۱۳۹ | قُفُور، ۲۴۳ | قلطانه، ۲۵۰ | قُلومائِن، ۱۸۵، ۲۴۴ |
| قُطَف (مغرب)، ۱۷۰ | قفورا، ۱۴۳ | قلفوح، ۱۵۳ | قُلُومائِن، ۲۴۴ |
| قُطَلَب، ۱۲۲ | قُفَل، ۸۲ | قلفورا، ۱۴۳ | قُلُومس، ۲۴۴ |
| قُطَلَب، ۱۲۳ | ققلامینس، ۲۲۷ | قلفوط، ۸۰ | قلومش، ۳۳ |
| قُطَلَب، ۱۸۶ | ققومیلاس، ۴۱ | قلفون، ۸۱ | قلوین، ۱۰۳ |
| قطلب، ۲۳۱، ۲۴۲ | ققیس، ۲۱۱ | قلفونیا، ۱۵۲ | قَلِن، ۱۲۳ |
| قُطَلَب (شام)، ۲۴۲ | ققیس، ۲۱۱ | قُلُقاس، ۳۴ | قُلِی، ۲۴۴ |
| قطلم، ۱۶۶ | قلاریسس، ۱۸۴ | قلقاس، ۱۸۱ | قلیا، ۲۴۴ |
| قطلونیه، ۸۰ | قُلَّاظی، ۹۶ | قُلُقاس، ۲۴۳ | قلیجوله، ۱۶۱ |
| قُطْن، ۱۳۱، ۲۴۲ | قلاقل، ۱۱۲، ۲۴۴ | قُلُقاس، ۲۴۳ | قلیقِل، ۲۷۴ |

| | | | |
|---------------------------|-----------------------|------------------------------|---------------------------|
| قلیماصیس، ۲۴۱ | قَنَابَری (نبطی)، ۲۴۵ | قندیز، ۲۹۵ | قوالن، ۷۹ |
| قلیماطیطُس، ۱۶۱ | قنابس، ۲۴۵ | قنطا، ۶۹ | قوامس، ۷۳ |
| قلیماطیطس، ۱۶۱ | قَنَابَش، ۱۱۲، ۲۴۵ | قنطادوس، ۲۳۶ | قوبع، ۱۱۴ |
| قلیمونه، ۹۰ | قنابش اُغریون، ۱۱۲ | قنطس، ۲۲۶ | قوتارشوق، ۱۵۲ |
| قلینوفودیون، ۲۴۳ | قنابوس، ۲۴۵ | قنطورین غلیظ، ۲۴۶ | قوت البریه (صیدلانیه)، ۸۶ |
| قُلَیون، ۱۳۶ | قناد (مغرب)، ۲۱۴ | قنطوریون، ۳۶، ۲۲۰، ۲۴۶ | قوتری، ۲۵۰ |
| قلیون دِغاته (نُغری)، ۱۳۵ | قنار، ۱۱۴ | ۲۷۴ | قوتقس، ۹۱ |
| قلیونش دِغاته، ۱۵۰ | قناروخشک، ۵۳ | قَنطُوریون، ۲۴۵ | قوث، ۲۹۳ |
| قلیه (مصر)، ۲۲۹ | قَناریه، ۱۱۴ | قنطوریون الأصفر، ۳۶ | قوئیرا، ۱۹۹ |
| قماشیر، ۲۶۰ | قناریه (اندلس)، ۱۱۴ | قنطوریون الجلیل، ۲۴۶ | قوج (ترمذی)، ۲۲۶ |
| قمح، ۱۲۶ | قَناریه بری، ۱۱۴ | قنطوریون الدقیق (اندلس)، ۲۴۶ | قودونیا میلانا، ۱۷۲ |
| قَمَح، ۱۲۶، ۱۶۴، ۱۹۴ | قَناریه (مغرب)، ۱۱۴ | ۲۴۶ | قورس، ۲۹۸ |
| قمحادرزی، ۱۹۹ | قنا صغیر، ۲۴۴ | قنطوریون باریک، ۲۷۴ | قورینشادطوری، ۲۲۹ |
| قمح البری، ۴۲ | قَنَاله، ۲۶۹ | قنطوریون دقیق، ۲۰۹، ۲۴۶ | قوروقوس، ۱۶۳ |
| قَمَح الحَجَل، ۱۲۶ | قنالیون، ۲۴۸ | قنطوریون صغیر، ۲۴۵ | قوروثقس، ۱۵۵ |
| قمح السودان، ۱۰۰ | قنا (مصر)، ۵۱ | قنطوریون طرمقرون، ۲۴۶ | قوریانون، ۲۵۷ |
| قمح الشیطان، ۱۲۶ | قناموشن، ۱۴۱ | قنطوریون طُولِبُتون، ۲۴۶ | قوریون، ۲۰۵، ۲۵۷، ۲۹۸ |
| قمح الصقالیه، ۱۲۶ | قَناموشن، ۱۴۱ | قنطوریون طولیطون، ۲۴۶ | قوز، ۲۴۲ |
| قمح جبلی، ۱۰۳ | قنا هندی (خوازنه)، ۸۵ | قنطوریون طوماغا، ۲۴۶ | قوسطاریون، ۱۵۶ |
| قمح ماناه، ۱۲۶ | قَنَب، ۱۱۲، ۲۴۵ | قنطوریون غلیظ، ۲۰۹ | قوسی، ۲۰۱ |
| قَمَحَة، ۲۴۱ | قَنَب، ۲۴۵ | قنطوریون کبیر، ۲۴۵ | قوسیّه، ۲۴۶ |
| قمر، ۵۹ | قَنباله، ۲۵۱ | قنطیانی، ۱۰۶ | قوش اوزی، ۲۱۴ |
| قمرن، ۱۴۳ | قَنَب بری، ۱۱۲ | قنغذی، ۱۱۸ | قوشنا، ۲۳۹ |
| قمره، ۵۹ | قنب (مغرب)، ۲۴۵ | قنقهر، ۲۴۷ | قوشیا، ۲۳۹ |
| قمریت (اصفهان)، ۲۵۵ | قنب هندی، ۲۴۵ | قنلیه، ۱۵۵ | قوطاما، ۲۴۷ |
| قمسلیل، ۱۴۸ | قنبیرا، ۲۴۵ | قنوبر (سند)، ۱۴۵ | قوطس، ۲۴۰ |
| قمش (جرجان)، ۲۷۹ | قَنَبیط، ۲۴۵ | قنول، ۱۴۱ | قُوطِلیدون، ۲۴۷ |
| قملول، ۲۴۵ | قَنَبیط، ۲۵۶ | قَنه، ۲۴۶ | قوطلیدون، ۳۳، ۳۴، ۱۶۹ |
| قَمَلین، ۱۲۳ | قَنَبیط، ۲۵۶ | قَنه، ۷۲، ۲۶۱ | قوطلیون، ۲۳۴ |
| قُمینش، ۲۶۲ | قَنَبیط، ۲۵۶ | قنه (اندلس)، ۲۵۹ | قوفا، ۲۴۴ |
| قمصانا، ۵۹ | قَنَبیط الذکر، ۲۵۶ | قَنی، ۲۴۴ | قوفی، ۴۴، ۲۴۷ |
| قَمَیْحه، ۲۴۴ | قنبیل، ۲۴۴ | قَنَبیه (اندلس)، ۱۱۲ | قوقابس، ۱۴۸ |
| قَمِیص، ۶۷ | قنتوله، ۲۷۵ | قَنیره، ۲۸۰ | قوقالس، ۲۴۷ |
| قَمَیْله (شام)، ۱۴۸، ۱۱۸ | قنجوله، ۱۲۲ | قنیقوس، ۲۳۶ | قُوقامیلا، ۴۱ |
| قنا، ۲۴۰ | قنخروس، ۱۴۳ | قواباوس، ۷۳ | قوقامیلا، ۲۱۷ |
| قنابری، ۷۶ | قندرون (اصفهان)، ۸۱ | قواد (سندی)، ۲۱۴ | قوقو، ۱۶۳ |
| قَنَابَری، ۲۴۵ | قندس، ۲۶۳ | قوال سرسی (سندی)، ۲۵۶ | قولار، ۲۵۶ |
| قنابری (شام)، ۴۸ | قندول، ۱۰۹ | ۲۰۹ | قولاله، ۲۶۳ |

| | | | |
|-------------------------|-----------------------|------------------------|-----------------------|
| قولانی، ۲۴۷ | قونیزا الأصغر، ۱۹۹ | قیفهمالون، ۲۴۵ | کازوان، ۲۶۸ |
| قولجیاله، ۲۵۶ | قونیون، ۲۸۶، ۱۹۱ | قیقُئین، ۱۷۸ | کاسات، ۲۴۷ |
| قوللَّیه، ۲۵۶ | قویابصل (سند)، ۴۹ | قیقاسوس، ۱۳۳ | کاس بیل، ۵۵ |
| قوللَّیه، ۲۰۷ | قویارس، ۷۳ | قیقَب، ۱۰۶، ۲۸۶، ۲۹۰ | کاسر الحجر، ۱۱۲، ۲۴۳ |
| قوللَّیه (اندلس)، ۱۷۱ | قهلمان، ۲۸۰ | قیقبان (اندلس)، ۱۰۶ | کاسنی، ۲۹۷ |
| قولوریون، ۷۹ | قهوه، ۸۹ | قیقَمَن، ۱۷۸ | کاسنی بری، ۱۳۹ |
| قولوط، ۱۲۰ | قیاصم، ۱۴۹، ۲۵۸ | قیقَهَر، ۲۴۷ | کاسنی رومی، ۲۶۱ |
| قولوقتا اغریا، ۱۲۶ | قیارس، ۱۷۱ | قیقهن، ۲۴۷ | کاش (تتکابن)، ۲۷۰ |
| قولوقوثا، ۲۳۷ | قیبَّاء، ۱۰۸ | قیقی، ۱۳۳ | کاشم، ۲۰۴، ۲۵۳ |
| قولوقونطس، ۲۳۷ | قیبوطیسرون، ۲۶۳ | قیقیدیس، ۲۱۱ | کاشیم، ۲۴۸ |
| قولوقیمین، ۱۵۳ | قیچ، ۲۳۳ | قیقیس، ۲۱۱ | کاشم الریفی، ۲۴۸ |
| قولوقینس (لاتینی)، ۱۲۶ | قیخوریون، ۲۹۸، ۶۳ | قیلعی (شام)، ۲۸۶ | کاشم الصغیر، ۲۰۲ |
| قولوکتنش، ۱۲۶ | قیخوریون قارذنون، ۶۳ | قیلورا، ۱۴۴ | کاشم الکبیر، ۱۵۵ |
| قولومینس، ۱۵۳ | قیرع، ۲۳۷ | قیمص، ۲۴۷ | کاشم رومی، ۱۶۷، ۱۸۱ |
| قوله دَقَّاله، ۱۵۱ | قیرف، ۲۸۳ | قیموطمشور، ۲۳۳ | کاشم رومی، ۲۴۸ |
| قولی، ۲۵۶ | قیروان (آفریقا)، ۲۴۳ | قیمولیا، ۴۱، ۲۶۴ | کاش (مصر)، ۵۷ |
| قولی اغریا، ۲۵۶ | قیرون، ۲۳۸ | قیمین اغریون، ۲۶۲ | کاشم صغیر، ۲۴۸ |
| قولی اغریاس اقیمون، ۲۵۶ | قیسادافورسما، ۸۶ | قیمینون أَغْرِیون، ۲۶۲ | کاشم صینی، ۲۴۸ |
| قولی ایماروس، ۲۵۶ | قیسارون، ۲۰۱ | قینا، ۲۴۷ | کاشم کبیر، ۱۴۸ |
| قولی طولی، ۲۵۶ | قیستوس، ۲۶۵ | قینهر، ۲۴۷ | کاشوش، ۱۰۰ |
| قولیلیه، ۱۲۲ | قیس دافورسما، ۸۶ | قیوفارروس، ۱۷۱ | کافافلوس، ۱۲۶ |
| قومارقوس، ۱۰۶ | قیسوس، ۲۱۱ | قیوند، ۲۳۳ | کافور، ۲۴۸ |
| قوماروس، ۲۳۱، ۲۴۲ | قیسوم، ۷۶، ۲۴۷ | | کافوربوی، ۵۷ |
| قوماریس، ۲۴۲ | قیصر، ۵۹ | | کافوربویه، ۲۴۹ |
| قومالیون، ۲۴۷ | قیصوم، ۵۵، ۶۱، ۶۲، ۷۶ | | کافوری، ۵۷، ۲۹۰ |
| قوماورس، ۲۴۲ | ۱۵۹، ۱۸۳، ۲۴۷ | کابور (ترمذ)، ۷۵ | کافوری نر، ۵۷ |
| قومایس، ۶۷ | قیصوم، ۷۷، ۲۸۱ | کابیچ، ۲۳۶ | کافوریه، ۵۷ |
| قومسی، ۲۰۱ | قیصوم، ۲۴۷ | کاپنهل، ۱۴۱ | کافور یهودی، ۱۶۰، ۲۴۹ |
| قومن، ۲۴۷ | قیصوم الصغیر، ۲۸۲ | کات، ۲۴۸ | کافوریه (آفریقا)، ۵۷ |
| قومنون باسیلقون، ۲۸۹ | قیصی، ۲۸۲ | کاج، ۱۹۶ | کافوریه (مغرب)، ۱۸۶ |
| قومیا، ۲۳۳ | قیطاقون، ۹۳ | کاجر، ۱۰۳ | کافیشه، ۲۱۰ |
| قومینون، ۲۶۲ | قیطس، ۳۱، ۳۵ | کاج (شیراز)، ۱۹۶ | کاکراسینکی، ۲۴۹ |
| قومینون انتونیقون، ۲۸۹ | قیعرن، ۱۴۸ | کاجیره (دیلمی)، ۴۲ | کاکره، ۲۰۵ |
| قُومِیون، ۴۵ | قیفارس، ۱۷۱ | کاجیره (همدان)، ۲۱۰ | کاکسر، ۲۳۲ |
| قُونُس باطس، ۲۹۴ | قیفر، ۹۵ | کاذی، ۲۴۸، ۲۶۰ | کاکل، ۲۳۲ |
| قونوس، ۱۹۶ | قیفرس، ۱۲۵ | کاربا، ۲۶۴ | کاکلک (اصفهان)، ۱۹۴ |
| قُونیزا، ۷۷ | قیفروس، ۱۲۵ | کاردوالی، ۹۵ | کاک ماجهی، ۲۱۴ |
| قونیزا، ۱۹۹، ۲۱۹، ۲۴۷ | قیفوس، ۱۳۳ | کازریسک (شیرازی)، ۲۷۷ | کاکنج، ۱۴۷، ۲۱۴ |

حرف «ک»

| | | | |
|---------------------------|-----------------------|----------------------|-----------------------|
| کاکنج، ۲۴۹ | کاهربای، ۲۶۴ | کبیکه، ۲۵۰ | کثیر العقَد، ۲۱۰ |
| کاکنج المرجی، ۱۰۷ | کاهل، ۱۰۰ | کپاس، ۲۴۲ | کثیر المنفعة، ۱۳۶ |
| کاکنج المروج، ۲۴۹ | کاهمکه، ۴۳ | کپاس کاپهول، ۲۴۲ | کثیر الورق، ۱۵۱ |
| کاکنج النهری، ۱۳۷ | کاهو، ۱۳۳ | کپور، ۲۴۸ | کثیراء، ۱۸۹ |
| کاکنج غالیه (مغرب)، ۲۱۴ | کاهوجرنه، ۳۸ | کپور، ۲۶۴ | کثیراء، ۲۵۱ |
| کاکنج (قاهره)، ۲۰۶ | کاهیان، ۲۳۶ | کت، ۲۳۹ | کثیرة الاضلاع، ۲۶۹ |
| کاکنج منوم (مغرب)، ۲۱۴ | کای پهل، ۱۴۱ | کتانی بزرگ، ۷۸ | کج، ۲۹۳ |
| کاکه، ۲۴۹ | کایده، ۴۹ | کتان، ۱۵۲، ۲۴۳، ۲۷۷ | کجنتیب، ۶۵ |
| کاکول، ۱۸۸ | کاؤل، ۸۰ | کتان، ۲۵۰ | کجور، ۱۶۱ |
| کاکیان، ۲۳۶ | کأس، ۲۴۷ | کتان، ۲۵۰ | کجومن، ۲۴۹، ۲۵۲ |
| کالاکوت، ۲۴۹ | کَب، ۲۵۰ | کتان، ۲۵۸ | کجی، ۸۷ |
| کالچنگی، ۳۶ | کباب چینی، ۲۴۹ | کتان الماء، ۵۵ | کجری، ۱۴۴ |
| کالدم ارمانک (فرنگی)، ۲۴۰ | کبابه، ۲۵۰، ۲۴۹ | کتانی، ۲۴۵ | کجری تلخ، ۲۳۳ |
| کالسندروس، ۲۶۴ | کبابه دهن شکافته، ۲۲۲ | کتنبه، ۲۵۱ | کچله، ۴۲ |
| کال (شیراز)، ۱۰۰ | کبابه دهن گشاد، ۲۲۲ | کتبنا، ۲۲۲ | کچنار، ۲۵۲ |
| کال ماچهی (بنگال)، ۲۱۴ | کبابه (عراق)، ۲۴۹ | کتیکن، ۱۱۴ | کچو (بنگال)، ۲۴۳ |
| کالنجی، ۱۹۲ | کبابه هندی، ۲۴۹ | کتیل (بنگال)، ۲۶۴ | کچور، ۱۶۱ |
| کالو، ۲۴۴ | کباب، ۴۳ | کت پایره، ۱۸۳ | کچوله، ۴۲ |
| کالوسک (سنجری و سجزی)، ۷۳ | کباب، ۲۴۹ | کتکی، ۱۳۰ | کچومن (شیراز)، ۲۴۹ |
| کالی جهانپ، ۷۶ | کبار، ۲۵۰ | کتک، ۹۳ | کحدان، ۲۱۸ |
| کالیدونیون، ۲۰۸ | کباس، ۱۲۴ | کتک، ۲۵۱ | کحلا، ۳۸، ۳۹، ۲۱۸ |
| کالی زیری، ۲۴۹ | کبابریا، ۷۱ | کتهاجوری، ۲۵۹ | کحل السودان، ۹۴ |
| کامن قزبان، ۲۵۷ | کیاء، ۲۱۶ | کتهل (بنگال)، ۱۰۴ | کحلاء الجبلی، ۲۵۲ |
| کانده، ۲۴۱ | کبر، ۱۱۴، ۲۱۵، ۲۵۰ | کنهه، ۲۳۹ | کحل خولان، ۱۲۰ |
| کانیطوسک (شیراز)، ۱۸۴ | کبر، ۲۵۰ | کتیرا، ۲۵۱ | کحل خولان، ۱۲۰ |
| کاو چشم، ۹۰ | کبرالرومی، ۴۹ | کتیله، ۲۵۱ | کحل فارس، ۶۶ |
| کاو جیله، ۲۳۶ | کبرک، ۱۱۸ | کتین، ۲۵۱ | کحل فارس، ۶۶ |
| کاو چشم، ۵۷ | کبست، ۱۲۶ | کتینیه، ۲۵۱ | کحل فارسی، ۶۶ |
| کاورس، ۱۰۰ | کبسون، ۲۵۰ | کتا، ۱۰۲ | کحل کرمانی، ۶۶ |
| کاوزاون، ۲۶۸ | کبلاس، ۱۲۴ | کتاة، ۱۰۲ | کحلوان، ۶۷، ۷۸، ۱۵۳ |
| کاو زبان، ۲۶۸ | کبنهی بخفای، ۲۲۶ | کتاة، ۱۰۲ | کحلوان، ۲۱۸ |
| کاوکشک (شیراز)، ۱۸۴ | کبّه، ۲۵۰ | کثیر الأرجل، ۷۹ | کحیلا، ۳۹ |
| کاول، ۲۵۲ | کبیت، ۲۶۴ | کثیر الأضلاع، ۲۶۹ | کحیلاء، ۱۹۰، ۲۱۸، ۲۵۲ |
| کاو مکه، ۴۳ | ککیدانه، ۱۱۱ | کثیر الركب، ۱۸۹ | کددی، ۴۹ |
| کاوی، ۴۵، ۲۴۸ | کیشاحمر، ۲۵۵ | کثیر الركب، ۲۵۲ | کدر، ۲۴۸ |
| کاوی السبرز، ۴۹ | کپیکج، ۲۵۰ | کثیر الرؤوس، ۹۰، ۲۵۲ | کدرو (شیراز)، ۶۶ |
| | کپیکج، ۲۵۰، ۲۵۴ | کثیر العقد، ۹۰ | کدو، ۲۳۷ |

| | | | |
|-------------------------|-----------------------|------------------------|-----------------------------|
| کدو (شیرازی)، ۸۲ | کراسیا، ۲۳۴ | کرفس الجبلی، ۲۵۴ | کرک سیاه، ۴۱ |
| کدو مکه، ۲۳۷ | کراعی قصصی، ۱۵۳ | کرفس الریفی، ۲۵۴ | کُرکم، ۱۲۰، ۱۶۳، ۲۷۶ |
| کدوی تلخ، ۲۳۷ | کرانبی، ۲۵۵ | کرفس الشتوی، ۲۵۳ | کُرْکُم، ۱۶۳، ۲۰۸، ۲۵۵ |
| کدوی رومی، ۱۴۲ | کراوی سریانی، ۲۵۶ | کرفس الصخری، ۲۵۳ | کرکما، ۱۶۳ |
| کده پرته، ۱۲۵ | کریخور، ۵۹ | ۲۵۴ | کُرْکُم الصغیر، ۲۰۸ |
| کدیمه، ۲۳۷ | کُرْزَه، ۲۵۷ | کرفس العریض، ۲۵۳ | کرکمان، ۱۲۵، ۲۹۱ |
| کذونی، ۱۷۲ | کرز، ۲۳۳، ۲۵۳ | کرفس العظیم، ۲۵۳، ۲۵۴ | کرکون، ۲۵۵ |
| کذی، ۲۹۷ | کرزیه الحمام، ۱۸۳ | کرفس الماء، ۲۳۵ | کرکی، ۲۵۵ |
| کراث، ۸۰، ۲۶۴ | کرزیه البثر، ۷۶، ۲۰۳ | کرفس المجوسی، ۲۵۴ | کرکیش، ۵۷ |
| کُراث، ۲۵۲ | کُرْزَه البیر، ۱۱۹ | کرفس المر، ۲۵۴ | کرکیشه، ۱۵۹ |
| کُراث، ۲۵۳، ۲۵۲ | کرزیه الحمام، ۱۸۳ | کرفس المشرقی، ۲۵۳ | کرلنفسابه، ۳۱، ۳۵ |
| کراثا، ۲۵۲ | کرت، ۲۳۷ | کرفس النبطی، ۲۵۳ | کُرْم، ۲۱۴ |
| کراثادبرا، ۲۵۲ | کرتویس (فرننگی)، ۱۵۵ | کرفس بری، ۱۷۶، ۲۵۰ | کُرْم، ۲۵۵ |
| کراث الثومی، ۸۰ | کیرته (سجزی)، ۱۲۱ | کرفس بستانی، ۲۵۴ | کُرْم الأسود، ۲۲۲ |
| کراث الجبل، ۲۵۲ | کرجاورنکوت، ۷۶ | کرفس جبلی، ۲۵۳ | کرم البری الابیض، ۲۲۲ |
| کراث الجبلی، ۸۰ | کرجیل (تنکابن)، ۱۶۲ | کرفس جونئی، ۲۵۳ | کُرْم البیضاء، ۲۲۲ |
| کراث الجلیقی، ۸۰ | کرچک، ۱۳۳ | کرفس رومی (جرجان)، ۱۱۷ | کرماله، ۱۴۰ |
| کراث الروم، ۸۰، ۱۵۳ | کرد، ۱۰۳ | کرفس صخری، ۲۲۷ | کرم بری، ۲۵۵ |
| کراث الریفی، ۸۰ | کَرْدُمانا، ۲۳۵ | کرفس عظیم، ۲۲۸ | کرم بستانی، ۲۵۵ |
| کُراث الشامی، ۸۰ | کردوموم (فرننگی)، ۲۳۲ | کرفس کوهی، ۱۵۱، ۲۲۷ | کِرْمَدانه، ۲۵۵ |
| کراث الشامی، ۲۵۲ | کردیلن، ۲۵۳ | ۲۶۱ | کرم دشتی، ۲۲۲ |
| کُراث الشامی، ۲۵۲ | کرزش، ۱۰۳ | کرفس مائی، ۲۵۴ | کُرْمه البیضاء، ۷۸، ۹۰، ۲۱۵ |
| کُراث الصخر، ۲۵۲ | کرساخسن، ۱۷۰ | کرفس ماقدونئی، ۲۲۷ | ۲۲۲ |
| کُراث الکرم، ۲۵۲ | کرسب، ۲۵۳ | کرفس مشرقی، ۲۵۳ | کرمة البیضاء، ۷۸، ۹۲، ۲۲۲ |
| کراث الکُرْمی، ۲۵۲ | کرسب کوهی، ۲۲۷ | کرفس مقدونئی، ۲۵۳ | کرمة السوداء، ۲۲۲، ۲۵۰ |
| کراث المائدة، ۲۵۲ | کُرْشف، ۲۴۲ | کرفش، ۲۵۳ | کرمة السوداء (اندلس)، ۹۰ |
| کراث اندلسی، ۸۰ | کرسف، ۲۴۲ | کرفشا، ۲۵۳، ۲۶۱ | کرمة بیضاء، ۲۲۲ |
| کراث بری، ۴۸، ۲۰۴ | کرسنه، ۱۰۴، ۱۵۶ | کرفشا، ۲۳۵ | کرمة سوداء، ۲۲۲ |
| کُراث بری، ۲۵۲ | کُرْسَنه، ۲۵۳ | کرکاس (شیراز)، ۱۴۷ | کرمة شائکة، ۲۲۶ |
| کراث جبلی، ۲۲۴ | کرسنی، ۱۲۴، ۲۹۱ | کرکاش، ۵۷ | کرمی، ۲۳۳ |
| کُراث رومی، ۲۵۲ | کُرْش، ۲۵۳ | کرکاش (مصر)، ۵۷، ۷۰ | کرمینون، ۲۶۲ |
| کراث شامی، ۲۴۳ | کرشاد، ۱۰۶ | کرک جرواش (تنکابن)، ۹۹ | کرنا، ۲۸۹ |
| کُراث شامی، ۲۵۲ | کرفس، ۱۰۲، ۲۰۲ | کرکر، ۱۹۶ | کُرْنب، ۲۵۵ |
| کراث شامی (فلسطین)، ۲۵۲ | کُرْفَس، ۲۵۳ | کرکرماحری، ۹۳ | کُرْنبْ، ۲۵۵ |
| کراث ملوکی، ۸۰ | کرفسادطورا، ۲۵۳ | کُرْکُرْهن، ۲۵۵ | کرنباه، ۲۵۵ |
| کُراث نبطی، ۲۵۲ | کرفس الاجامی، ۲۵۴ | کرکرینا، ۱۲۵ | کرنبات، ۵۴ |
| کراث نبطی، ۲۵۲ | کرفس البستانی، ۲۵۴ | کرکسن، ۱۰۷ | کرنباد، ۲۵۶ |
| | | | کرنب الاندلسی، ۲۵۶ |

| | | | |
|------------------------------|------------------------------|-------------------------|-----------------------|
| کرنب البحرى، ۲۵۶ | کروىای دشتى، ۲۳۵ | ۲۵۷ | کثرثا، ۲۶۱ |
| کرنب البرى، ۲۵۶ | کروىای (لاتینى)، ۲۵۶ | کسبرة الحمام، ۲۵۷ | کُثُط، ۲۳۹ |
| کُرنَب البرى، ۲۵۶ | کرويه، ۲۵۶ | کست، ۲۳۹ | کشمخه، ۱۲۳ |
| کرنب البستانى، ۲۵۶ | کرويه (شيرازى)، ۲۵۶ | کستج، ۸۴ | کشمش کاوليا، ۱۴۳ |
| کُرنَب البستانى، ۲۵۶ | کره، ۵۷ | کُستُج (اهالى سواد)، ۸۴ | کشمخ، ۱۲۳ |
| کرنب الدورى، ۸۲، ۲۵۶ | کرى، ۲۵۶ | کست (فرنگى)، ۲۳۹ | کُشمُخ، ۲۴۳ |
| کرنب السواحلى، ۲۵۶ | کريشه (بيت المقدس)، ۲۲۱ | کسته (شيرازى)، ۲۱۰ | کُشمُخ، ۲۵۸ |
| کرنب العظیم، ۲۵۶ | کُريلا، ۲۵۶ | کُستى (بنگال)، ۲۱۴ | کشمورين، ۲۵۸ |
| کرنب الکرماني، ۲۵۶ | کريله، ۲۵۶ | کسرافى، ۴۹ | کُشن، ۲۵۳ |
| کرنب الکلب، ۲۳۱ | کريون، ۲۴۶ | کسفون، ۱۴۴ | کُشُج، ۲۵۸ |
| کرنب الماء، ۲۵۶، ۲۹۲ | کزبر السحرى، ۲۵۷ | کُسما، ۶۶ | کشنى، ۲۳۶، ۲۵۳، ۲۹۷ |
| کرنب النبطى، ۲۵۶ | کزبر الصخرى، ۲۵۷ | کسم کاپهول، ۴۲ | کُشنى (شام)، ۲۵۳ |
| کرنب أندلسى، ۲۵۶ | کزبرناء، ۲۵۶ | کُسموقا، ۲۵۷ | کُشوث، ۵۵، ۱۲۳، ۲۵۰ |
| کرنب بحرى، ۲۵۶ | کُزْبَرَه، ۲۵۶ | کسمويا، ۲۵۷ | کُشوث، ۲۵۸ |
| کُرنَب برى، ۱۳۷ | کُزْبَرَة البير، ۱۸۷، ۲۵۷ | کسناج، ۲۹۷ | کُشوثا، ۵۵، ۲۵۸ |
| کرنب شامى، ۲۵۶ | کُزْبَرَة البير (دمشق)، ۱۰۴ | کُشُنب، ۲۱۰ | کُشوث الجبلى، ۲۵۸ |
| کرنب نبطى، ۲۵۶ | کُزْبَرَة الثُغلب، ۱۷۹ | کستيون، ۲۵۸ | کُشوث الرومى، ۵۶ |
| کُرنُج، ۴۴ | کُزْبَرَة الثُغلب، ۲۵۷ | کسنگ، ۲۵۳ | کُشوث الرومى، ۲۵۸ |
| کرنج، ۵۹ | کُزْبَرَة الحبشه، ۹۷ | کسنگ (شيرازى)، ۲۵۳ | کُشوث المجوسى، ۲۵۸ |
| کرنج (تورانى)، ۴۴ | کُزْر، ۲۶۳ | کُسنى، ۲۹۷ | کُشوث رومى، ۵۶ |
| کرنجونه، ۲۴۳ | کُزْج، ۳۷ | کسنين، ۱۱۹ | کُشوث زُنجى، ۵۶ |
| کرونش (فاس)، ۲۲۳ | کُزْلخون، ۲۰۵ | کس وبران (شيرازى)، ۲۵۰ | کُشوث فارسى، ۲۵۸ |
| کرنيا، ۱۰۶ | کُزمارک، ۴۰ | کُشول، ۲۵۷ | کُشوث (مصر، مغرب، |
| کرواله، ۱۴۰ | کُزمازج، ۵۷ | کسونجى، ۲۵۷ | آفريقا)، ۱۶۷ |
| کروان، ۸۲ | کُزمازج، ۲۰۲ | کُسوئِدى، ۲۵۷ | کُشوثى (عراق)، ۱۶۷ |
| کروش الغنم، ۵۵ | کُزمازق، ۴۰، ۵۷ | کس وبران (شيرازى)، ۲۵۰ | کُشور، ۱۰۳ |
| کروفس، ۱۲۷ | کُزمازک، ۵۷ | کُسيرو، ۲۵۷ | کُشوش، ۱۰۰ |
| کروکسينه، ۲۳۶ | کُزمازک، ۹۳، ۲۰۲ | کُسيفيون، ۱۴۶، ۱۸۱، ۲۵۷ | کُشول، ۴۳ |
| کروندا، ۲۵۶ | کُزْم (سجى و سمرقند)، ۱۸۵ | کُسَيْلا (نبطى)، ۲۵۷ | کُشيعاء (سجى جديد)، |
| کُزُونْدَه، ۲۵۶ | کُزْنَه دشتى، ۴۳ | کُسَيْلى (نبطى)، ۲۵۷ | ۲۸۴ |
| کُزُويَا، ۲۵۶ | کُزْوان، ۲۵۷ | کُسَيْنا، ۲۵۸ | کُستيون، ۲۵۸ |
| کُزُويَا، ۲۵۶ | کُزْمين (بنگال)، ۱۴۴ | کُسيثيون، ۱۳۳ | کُطباس (لاتين)، ۱۸۹ |
| کُزُويَا الجبلى (اندلس)، ۲۳۵ | کُسب، ۱۲۶ | کُشبه، ۴۱ | کُطف (صحرائشيان)، ۱۷۰ |
| کُزُويَا بستانيه، ۲۵۶ | کُسبت، ۱۲۶ | کُشت، ۲۳۹ | کُغر، ۲۵۹ |
| کُزُويَا جبليه، ۲۳۲ | کُسبِرتا، ۲۵۷ | کُشت بَزْکُشت، ۲۵۷ | کُف ادم، ۲۵۸ |
| کُزُويَا رومى، ۲۳۵ | کُسبِرتا، ۲۵۷ | کُشت برکُشت، ۲۵۷ | کُف الأسد، ۲۵۸ |
| کُزُويانه، ۲۵۵ | کُسبِرة الثُعلب (اندلس)، ۱۶۲ | کُشُج، ۲۵۸ | کُف الجُذْما، ۴۱ |
| | | کُشج، ۱۶۲ | کُف الجُذماء، ۲۵۸ |

| | | | |
|--------------------------|------------------------------|----------------------------|----------------------------|
| کف الدابه، ۱۱۷ | کَنَرول، ۲۵۹ | کل کنول، ۲۶۰ | ۲۶۰ |
| کف الذنب، ۲۵۸ | کَنَرُونده، ۲۵۹ | کلم، ۲۵۵، ۲۵۶ | کمداریوس التَّغْنَعی، ۲۰۴ |
| کف السبع، ۸۸، ۱۵۲، ۲۵۰ | ککرونده، ۲۶۱ | کلمرچ، ۲۲۷ | کمداریون، ۱۱۳، ۲۶۰ |
| ۲۷۳، ۲۵۸ | ککروهن، ۲۴۱ | کلم رومی، ۲۴۵ | کمداریوس، ۸۶، ۲۵۹ |
| کَف الضبع، ۹۳، ۲۵۰، ۲۵۹ | ککری، ۲۳۳ | کلم کرد، ۲۴۵ | کَمَازِیوس، ۲۶۰ |
| کَف الضَّبُع، ۲۵۹ | ککن دهل، ۲۲۶ | کلموج، ۱۵۳ | کَمَاشیر، ۲۶۰ |
| کَف الضَّبُع (مغرب)، ۲۵۰ | کلاجن، ۱۳۹ | کلموح (اندلس)، ۱۵۳ | کمافیطوس، ۲۰۷ |
| کف العایشه، ۵۳ | کلاغ پا (پهلوی)، ۱۵۵ | کل مهندی، ۲۵۹ | کَمَافِطوس، ۲۶۱ |
| کَف العذری، ۹۳ | کلاکون، ۹۲ | کَلَن، ۲۶۰ | کمالایا، ۲۷۵ |
| کف العظامه، ۹۳ | کل انگور (مکران و قزدار)، ۸۱ | کلنبار، ۲۵۰ | کمالیون، ۵۱، ۱۲۸، ۲۲۴، ۲۶۱ |
| کَف العَقاب، ۲۰۵ | کلب، ۲۴۳ | کلنجه، ۷۰ | کماه، ۲۲۷، ۲۳۰ |
| کف العقاب، ۲۳۲ | کلبانی، ۵۱ | کلنک، ۲۵۵ | کماه (شیراز)، ۲۳۸ |
| کَف القرد، ۲۵۹ | کلبک، ۲۵۵ | کلنکار، ۲۵۰ | کماه کوهی (شیرازی)، ۱۷۱ |
| کف الکلب، ۷۵، ۲۵۹ | کَلَت، ۲۵۹ | کَلَنکَر، ۲۱۴ | کماة، ۲۰۱، ۲۲۶، ۲۶۰ |
| کَف الکلب (مغرب)، ۲۵۰ | کلته، ۱۱۲ | کلنکرد، ۲۶۰ | کَماة، ۲۶۰ |
| کَف المَریم، ۲۵۹ | کلتهه، ۱۱۲ | کَلَنکک (بستی)، ۸۳ | کماة حمراء، ۲۶۰ |
| کَف المَریم (اندلس)، ۲۵۹ | کَلَتِهی، ۱۱۲ | کلنکور (سند)، ۱۱۱ | کماة، ۳۸ |
| کف النسر، ۱۱۷ | کلتنیا، ۲۴۶ | کلوخ، ۲۷۴ | کماة، ۲۲۱ |
| کف النسر (مصر)، ۴۹ | کلخ، ۵۱، ۶۵، ۹۷، ۱۵۴ | کلوقورون، ۱۸۰ | کَمَاة، ۲۵۸ |
| کَف الهَر، ۲۵۴ | ۲۷۸ | کلول (آذربایجان)، ۱۰۴ | کَمَاة، ۲۸۳ |
| کَف الهَر، ۲۵۹ | کَلَنخ، ۱۷۲، ۲۰۴، ۲۳۹، ۲۴۸ | کلونجی، ۱۹۲ | کَمَاة، ۲۸۳ |
| کف الهَر، ۲۷۳ | کَلَنخ، ۲۵۹ | کَلَوی، ۲۶۰ | کمبنوس (انگلیسی)، ۲۶۲ |
| کف أجذم، ۲۵۸ | کَلَنخ الدَلَبی، ۲۵۹ | کله، ۶۶ | کمثری، ۶۲ |
| کفر اليهود، ۱۲۴ | کلخ الصغیر، ۳۰۰ | کَلَهَار، ۲۶۰ | کَمَثَری، ۱۴۳ |
| کفرجک، ۲۹۳ | کَلَنخ الکبیر، ۲۵۹ | کلهاژی، ۱۲۸ | کَمَثَری، ۲۶۱ |
| کفرک (شیرازی)، ۱۰۲ | کَلَنخ الکبیر (اندلس)، ۲۴۵ | کَلِیان کائَه (بنگال)، ۲۶۰ | کَمَثَری البَسنانی، ۵۷ |
| کِفَری، ۹۵ | کلخ دلبی، ۱۴۶ | کلیجن، ۱۳۹ | کمثری بری، ۲۶۱ |
| کَفَری، ۹۵ | کلخ (مصر)، ۵۱ | کلی قیسوس، ۲۹۸ | کمثری جبلی، ۲۶۱ |
| کفسون، ۲۵۰ | کلخ (مغرب)، ۲۴۴ | کلیکان، ۲۶۰ | کمثری چینی، ۲۶۱ |
| کَف عائِشَة، ۱۰۲، ۱۸۶ | کلخی، ۱۴۶، ۱۵۸ | کلیک (تنکابن)، ۱۴۶ | کمثری حامض، ۲۶۱ |
| ۲۵۹ | کَل داودی، ۲۵۹ | کلیل الملک، ۵۹ | کمثری (شیرازی)، ۲۶۱ |
| کفلیون، ۱۰۳ | کلدونیا، ۲۷۶ | کللیل ملکا، ۵۹ | کَمَزَهَرَه، ۲۶۱ |
| کف مریم، ۵۳، ۱۸۶ | کَلَز، ۲۵۹ | کلیلوطین، ۲۹۷ | کَمَزَک، ۲۶۱ |
| کَف مریم (اندلس)، ۸۹ | کلغه، ۱۲۲ | کَم، ۲۳۳ | کمکام، ۱۹۸ |
| کف مریم حجازی، ۲۵۹ | کَلکان، ۲۵۲ | کمابیونین، ۱۰۵ | کم کام، ۱۹۸ |
| کفوف، ۸۹، ۹۳، ۹۵، ۱۰۰ | کلکله، ۱۹۵ | کَمات، ۱۲۱ | کَمَنکُوت (فرنگی)، ۲۶۲ |
| ۱۲۶، ۲۷۱، ۲۷۳ | کل کنده (شیرازی)، ۲۶۰ | کمداریوس، ۶۰، ۸۶، ۱۶۰ | کملاون، ۲۴۸، ۲۷۵ |
| کفیثون، ۷۲ | | | |

| | | | |
|--------------------------|-----------------------|-------------------------|-----------------------------|
| کومتان، ۱۰۳ | کناوس، ۲۶۲ | کنکر، ۱۱۴، ۲۶۳ | کوتهمیر، ۲۵۷ |
| کَمون، ۲۶۲ | کنب، ۲۴۵ | کَنکر، ۱۱۴ | کوخر (شیراز)، ۱۱۷ |
| کمون، ۲۶۲ | کَنب، ۲۶۲ | کنکر البری، ۲۷۰ | کور، ۲۶۴، ۲۸۳ |
| کموننا، ۲۶۲ | کنباث، ۲۶۲ | کنکر الکبیر، ۱۱۴ | کورار، ۲۲۴ |
| کمونادبر، ۲۶۲ | کنبشک (سجزی)، ۸۱، ۱۱۱ | کنکران (ری)، ۲۴۵ | کورتره (مازندران)، ۱۰۲ |
| کَمون الابيض، ۲۰۴، ۲۶۲ | کَنبَنهن، ۸۱ | کنکر بری، ۱۱۴، ۱۵۶، ۲۹۹ | کور سور (کرمان)، ۷۶ |
| کَمون الارمنى، ۲۵۶ | کتور (شیرازی)، ۱۳۳ | کنکرزى (سجزی)، ۲۱۴ | کورش، ۱۳۹ |
| کَمون الارمنى، ۲۵۶ | کتو (شیراز)، ۱۳۳ | کنکرزد، ۱۱۴ | کورک (شیراز)، ۲۵۰ |
| کَمون الأسود، ۱۹۲ | کنجد، ۱۷۶ | کَنکرزد، ۱۱۴ | کورو، ۱۳۲ |
| کمون الأسود، ۲۶۲ | کنجده، ۶۶ | کنکریس، ۱۱۴ | کوری، ۲۹۳ |
| کمون البری، ۲۶۲ | کنجده (اصفهان)، ۶۶ | کنکنی، ۱۰۰، ۱۴۳ | کوری زوله، ۲۱۰ |
| کَمون البری، ۲۶۲ | کنجده (اصفهان)، ۶۶ | کنکون، ۱۶۳ | کوزا، ۲۸۳ |
| کَمون الجبل (بربرها)، ۹۳ | کنجر، ۱۱۴ | کَنکُهی، ۲۶۳ | کوزبویا، ۱۰۷ |
| کَمون الحَنشِی، ۲۶۲ | کنجروس، ۱۰۰ | کنکهی، ۲۸۱ | کوزد (شیراز)، ۶۶ |
| کمون الحلو، ۶۷ | کنخرن، ۱۰۰ | کنکهی، ۲۶۳ | کوز کلاغ، ۱۰۹ |
| کَمون الحَلو، ۶۷ | کنخروس، ۱۰۰، ۱۵۰ | کنگر، ۱۱۴ | کوز کندم، ۱۰۷ |
| کَمون الحلو، ۲۶۲ | کندبتر، ۱۶۶ | کنگر آبی، ۲۳۵ | کوز مائل، ۱۰۹ |
| کَمون الرطالی، ۲۸۹ | کندبیل، ۴۳ | کنگرخر، ۱۸۹ | کوزی بویا، ۱۰۷ |
| کَمون الرومى، ۲۶۲ | کندر، ۲۱۶، ۲۷۴ | کنگرزد، ۱۱۴ | کوزی دبسم، ۱۰۷ |
| کمون الکرماني، ۲۶۲، ۲۸۹ | کَندر، ۲۶۳ | کنگر سفید، ۷۱ | کوزی دهفاختا، ۱۰۸ |
| کمون الملوکی، ۲۶۲، ۲۴۸ | کندر دریایی، ۲۶۳ | کنگری، ۱۱۴ | کَوسک (بستی)، ۷۳ |
| کموناهندو، ۲۶۲ | کَندری، ۲۶۳ | کنوجه، ۲۸۰ | کوشبیل (تنکابن و دیلم)، ۲۶۴ |
| کمون أرمنى، ۲۵۶ | کندریات، ۲۷۴ | کنه، ۲۴۱ | |
| کمون بری، ۲۶۲ | کندریات، ۲۷۴ | کَنهان، ۲۶۳ | کوشاد، ۱۰۶ |
| کَمون حبشی، ۲۶۲ | کندس، ۱۷۱ | کَنهَلَة، ۲۶۳ | کوشت (شیراز)، ۱۲۶ |
| کَمون حبشی، ۲۸۹ | کَندس، ۲۶۳ | کَنب، ۲۱۳ | کوشکروا، ۱۱۸ |
| کمون رومى، ۲۵۶ | کندش، ۲۱۶ | کنیب (یعنی)، ۲۶۳ | کوشنه، ۲۳۹ |
| کَمون صخری، ۲۶۲ | کَندش، ۲۶۳ | کنیث (یعنی)، ۲۶۳ | کوشیر، ۱۰۰ |
| کمون ملوکی، ۲۸۹ | کندشه، ۲۶۳ | کنیر، ۱۴۵ | کوکب الارض، ۲۰۴، ۲۲۶ |
| کَمون هندی، ۲۶۲ | کندل، ۱۷۳ | کَوار، ۱۹۵ | کوکب الأرض، ۲۶۴ |
| کمیداس (فرنگی)، ۲۶۰ | کَندلاء، ۲۶۳ | کوار (دیلم)، ۲۵۲ | کوکبه، ۱۵۹ |
| کغیش، ۲۶۲ | کندمار، ۲۴۷ | کواکب، ۴۶ | کوکیه (شام)، ۱۰۵ |
| کمّه، ۲۶۰ | کندنا، ۲۴۷ | کوالهریها، ۱۷۶ | کوکبیه، ۶۰ |
| کنار، ۱۶۸ | کنده بهروزه، ۷۲ | کوامس، ۷۳ | کوکرس اندیکریس |
| کنار (سجزی)، ۲۸۹ | کندهیس، ۴۳ | کوبرا، ۲۲۷ | (فرنگی)، ۲۸۷ |
| کناروس، ۱۱۴ | کندیت، ۱۹۹ | کوبل، ۲۳۰ | کوکروا، ۱۱۸ |
| کنارهوشه، ۵۳ | کنزک، ۱۱۸ | کوپرکیسو (لاتین)، ۲۵۲ | کُوکِل، ۲۸۳ |
| کناریون، ۱۱۲ | کنطینوس، ۱۰۴ | کوتاکبنا، ۲۶۲ | کوکنی، ۷۹ |

| | | | |
|------------------------|----------------------------|-------------------------|--------------------------|
| کوکو ابرس (فرنگی)، ۲۳۴ | کُکُپ، ۷۲ | کیلا دونیا، ۲۷۶ | گردهیار، ۱۰۳ |
| کوکولاولا، ۲۳۲ | کُکُم، ۷۲ | کیلجک (دیلیم)، ۸۸ | گَرز دشتی، ۱۸۸ |
| کوکُهر، ۱۱۸ | کُنه‌نابا، ۲۲۳ | کیلدارو، ۱۶۹ | گُرگ مرگ، ۱۲۸ |
| کولان، ۴۹ | کُهنَبی، ۲۶۰ | کیل دالرو، ۱۶۹ | گَرگیری، ۱۰۲ |
| کولر، ۱۰۵ | کُهَنکالی، ۷۹ | کیل سرخ (شیرازی)، ۱۶۳ | گریال، ۱۰۳ |
| کولرپر، ۱۲۱ | کُهَنکچی، ۲۱۷ | کیل (شیرازی)، ۱۶۲ | گَز، ۴۰، ۲۰۲ |
| کُولُم، ۲۲۷ | کُهوره، ۲۸۷ | کیلکان، ۲۶۴ | گَز انگدان خوش، ۵۰ |
| کوله‌پر (مازندران)، ۶۵ | کُهورات، ۲۶۴ | کیله، ۲۸۵ | گَز انگدان خوش، ۱۲۱ |
| کومرثل، ۲۶۴ | کُهِ (شیراز)، ۲۳۸ | کیموس، ۱۰۰ | گَزَر، ۱۰۳ |
| کوم (ماوراءالنهر)، ۹۹ | کُهیانا، ۲۲۳ | کین، ۱۴۵ | گَزَنه، ۶۵ |
| کومنون اغریون، ۲۶۲ | کُهِرک، ۷۲ | کینار، ۱۴۰ | گَز، ۵۱ |
| کومینون، ۲۶۲ | کُهِکوار، ۱۹۵ | کُیشتی‌بنگال، ۲۶۴ | گُشت بر گُشت، ۲۵۷ |
| کوندل، ۷۵ | کُهیونی، ۱۱۲ | کُیَنکِیَط (فاس)، ۸۸ | گُشن، ۲۵۳ |
| کونده (بنگال)، ۲۳۷ | کُیا، ۲۸۲ | کیوار، ۲۴۸ | گُشنیز، ۱۷۶، ۲۵۷ |
| کونژده (اصفهان)، ۶۶ | کیبارس، ۱۷۱ | کُیهر، ۲۴۸ | گُشنیز کوهی، ۲۷۷ |
| کونک، ۲۸۵ | کُیَنکی، ۲۴۸ | کُیَه (سندی)، ۲۸۲ | گُل آفتاب پرست، ۳۴ |
| کونکلوس (فرنگی)، ۲۷۳ | کُیَنخُرس، ۱۰۰ | کُیَهون، ۱۲۶ | گُلایی (شیراز)، ۲۶۱ |
| کُؤنلَه، ۲۶۴ | کُیدونی، ۲۶۱ | کُیَهه، ۲۱۳ | گُل اربه (شیراز)، ۱۰۳ |
| کونهان، ۲۶۳ | کُیده (اصفهان)، ۳۴۸ | کُیَه، ۲۸۲ | گُل انا ر صد برگ، ۱۰۴ |
| کُووارات، ۱۳۲ | کُیرانس، ۷۳ | | گُل انول، ۱۸۲ |
| کوهان، ۲۶۳ | کُیرجک (دیلیم)، ۸۵ | | گُل پر، ۲۴۸ |
| کوهج، ۱۶۲ | کُیر کازرونی (شیرازی)، ۱۳۲ | | گُل حلوا، ۷۹ |
| کوهن (بنگال)، ۲۹۲ | کُیرکاکول، ۱۸۸ | گاوچشم، ۹۰، ۲۱۷ | گُل خنق، ۴۲ |
| کوهیان، ۲۵۲ | کُیسر، ۱۶۳ | گاو چشم، ۲۸۰ | گُل خوش نظر، ۲۷۷ |
| کُویَت، ۲۶۴ | کُیسرگونه، ۱۰۳ | گاو دانه، ۲۵۳ | گُل خیری، ۱۴۰ |
| کُویج (اصفهان)، ۱۶۲ | کُیسومر، ۱۰۳ | گاودر، ۲۹۸ | گُل رای بیل، ۱۵۲ |
| کُهیانا، ۲۲۳ | کُیَطروناکوس، ۲۳۴ | گاورس، ۱۰۰ | گُل رعنا ی زیبا، ۲۹۴ |
| کُهیئا، ۲۲۳ | کُیکج، ۱۸۶ | گاوزبان، ۲۶۸ | گُل روسیجِه، ۲۹۴ |
| کُهِپرا، ۲۳۴ | کُیکر، ۱۰۲، ۲۳۷ | گاوزوان، ۲۶۸ | گُل سرخ، ۲۹۴ |
| کُهِجور، ۸۷، ۹۴ | کُیکرا، ۲۰۵ | گاوشیر، ۱۰۰ | گُل سرخ صحرائی، ۱۴۶ |
| کُهنَزنا، ۲۶۴ | کُیکرکارس، ۲۳۷ | گاو مشنگ، ۱۵۶ | گُل سنگ، ۱۱۷ |
| کُهِرِیاء، ۱۲۷ | کُیکروبیول، ۶۲ | گاومطوسک (شیرازی)، ۱۸۷ | گُلَسَنگ، ۲۰۰ |
| کُهنَزیاء، ۱۲۷ | کُیکز، ۱۰۲ | گدلفسی، ۳۵، ۳۱ | گُل عاشقان (خراسان)، ۱۶۲ |
| کُهِریج، ۲۵۳ | کُیک واشه، ۲۶۴ | گر به دشتی، ۴۳ | گُل غنبرین، ۲۹۰ |
| کُهِرِنی، ۲۶۴ | کُیک ولرش (طبرستان)، ۱۱۸ | گردکان، ۱۰۶ | گُل قِبچه، ۲۹۴ |
| کُهِزک (شیراز)، ۱۰۲ | کُیل، ۱۶۲ | گردو هندی (شیرازی)، ۲۸۷ | گُل قِبچه (شیراز)، ۲۹۴ |
| کِه (شیرازی)، ۲۱۳ | | | گُل کافشه، ۴۲ |

حرف «گ»

گل کاوشه (اصفهان)، ۲۱۰
گل کلم، ۲۵۵
گل کیدی، ۲۴۸
گل کیوره، ۲۴۸
گل گندم، ۱۰۷
گل گندم (شیرازی)، ۱۰۷
گلگون (اصفهان)، ۹۶
گل مشکین، ۲۹۰
گلنار، ۱۰۴
گلنار، ۲۳۴
گلنار دشتی، ۱۰۴
گل نرمه (سجزی)، ۱۳۳
گلوسطقا، ۱۹۶
گل هاشم (شیراز)، ۲۹۹
گلیسریده (فرنگی)، ۱۸۰
گلیم شوی، ۳۴، ۳۵، ۷۴
گل یوسف، ۷۹
گنجشک ازوان، ۲۶۹
گندم، ۱۲۶، ۲۰۰
گندم دیوانه، ۱۹۴
گندم صحرايي، ۲۳۵
گندم مکه، ۲۱۳
گندم مکه (تنکابن)، ۱۳۹
گندنا، ۲۵۲
گندنا کوهی، ۲۲۴
گندناي دشتی، ۲۵۲
گندناي کوهی، ۲۲۴
گنده انگزد، ۱۷۳
گوزغست، ۲۴۵
گورگندک، ۱۰۷
گورگياه، ۴۳
گورگياه، ۴۳
گوز گندم، ۱۰۷
گوزن تل (جرجان)، ۴۳
گوزن گياه (مازندران و
دامغان)، ۲۶۴
گوزنيک، ۲۶۴

گوش فیل، ۲۷۳
گون، ۲۳۳، ۲۵۱
گیاکو، ۱۷۸
گياه آبگينه، ۱۱۹
گياه عقرب (مصر)، ۱۹۴
گياهی آبگينه، ۱۱۹
گیلاس، ۲۳۴
گیل دارو، ۱۶۹
گیله نار، ۲۳۴

حرف «ل»

لانی، ۶۶
لاباثون، ۱۲۲
لايس، ۲۵۲
لاتوريدس، ۱۰۴
لائوس، ۱۳۶
لاجورديه، ۱۹۴
لاحاس، ۵۵
لاحی، ۷۰
لاخشنه، ۱۸۹
لادن، ۱۹۸، ۲۶۵، ۲۷۳
لادنه، ۲۶۵
لاذن، ۲۶۵
لاذن العنبري، ۲۶۵
لاذینون، ۲۶۵
لاذیون، ۲۶۵
لاعرین، ۲۶۵
لاعون، ۲۶۵
لاعیه، ۲۲۴
لاعیه، ۱۲۱
لاغوبن، ۲۶۵
لاغوبن، ۲۶۵
لاغیه، ۲۶۵، ۳۰۰
لاقتون، ۲۵۸
لاقلیشت، ۳۷
لاقوره، ۱۴۰
لاک ساک، ۱۴۳

لالا، ۲۶۵
لال ساک، ۲۱۰
لاله، ۱۸۸
لاله سرنگون، ۲۶۶
لاله نغماني، ۲۶۶
لامی، ۲۶۶
لانطوفودیون، ۲۶۶
لاورس (فرنگی)، ۲۱۸
لاورشیر، ۱۰۰
لاونطوباطلن، ۲۵۸
لايچی، ۲۳۲
لايحل مول (سندی)، ۱۷۹
لباب، ۲۶۶
لباب القرطم، ۲۶۶
لبازده (لاتینی اندلس)، ۷۷
لباشتر، ۲۶۶
لباصه (اندلس)، ۱۲۲
لب النخل، ۹۵
لباله، ۱۰۳
لبالّه، ۲۸۱
لبان، ۲۶۳
لبان، ۲۶۶
لبان، ۲۷۴
لبانه مغربيه (مصر و شام)،
۲۲۴
لَبَخ، ۳۵، ۷۶، ۲۶۶
لبخه، ۷۶
لَبَرال، ۲۶۶
لبسان، ۹۶، ۱۸۹
لبسان، ۱۳۱، ۲۶۶
لبلاب، ۶۰، ۱۲۱، ۱۴۳
لبلا، ۱۸۵، ۲۴۰، ۲۷۱
لَبَلاب، ۲۶۶
لبلاب اعنم، ۲۶۶
لبلاب الأحرش، ۶۰
لبلاب الأحرش، ۲۶۷
لبلاب الجَعْد، ۲۶۶
لَبَلاب الحقیقی، ۲۶۶

لبلاب الشجر، ۲۶۶
لبلاب الصغیر، ۱۸۵
لبلاب الغنم، ۲۶۶
لبلاب الکبیر، ۲۴۰
لبلاب المجوس، ۱۱۳
لَبَلاب المجوسی، ۲۶۷
لبلاب بی ثمر، ۲۳۹
لبلیس فرسن، ۲۴۳
لبن الحماره، ۱۵۹، ۲۵۰،
۲۶۷
لبن السودا، ۵۵
لَبْنی، ۵۳، ۲۶۷
لبنی، ۲۸۶
لبنی رومان، ۵۳
لبنی رهبان، ۵۳
لبوکا، ۲۷۵
لبیانوا، ۲۶۳
لَبَنکُو، ۲۶۷
لثوهرمرطیس، ۲۲۲
لَجالو، ۲۶۷
لحاح (مصر)، ۵۰
لحام الذهب، ۵۱
لحاء الغول، ۱۸۷
لِحاء الغول، ۲۶۷
لحکا، ۲۶۹
لحوز (شیرازی)، ۲۸۶
لِحیانی، ۲۶۷
لحنس الاکلیه، ۲۶۸
لحیه الارنب، ۱۰۳
لِحیة التیس، ۹۹
لحیه التیس، ۱۵۱، ۱۸۸،
۲۰۱، ۲۶۷، ۲۹۹
لَحیة التیس، ۲۶۷
لِحیة الجَمَل، ۲۵۷
لحیه الحمار، ۷۶
لحیه العز، ۱۵۱
لحیه القلیه، ۱۰۳
لحیه امسون، ۵۵

| | | | |
|-----------------------------|------------------------------|------------------------------|----------------------------|
| لُخ، ٧٥ | لسان الطیر، ٨٤ | لُغَبه، ٢٧٠ | لِنْفَوْدِنوی، ٢٥٢ |
| لَخْتِیرِواله (لاتینی)، ٢١٩ | لسان العصافیر، ١٩٩ | لعبه البریریه، ٢١٢ | لویادون، ١٩٣ |
| لخیره، ١٥٥ | لسان العَصافیر، ٢٦٩ | لعبه البریریه (عراق)، ١٧٩ | لویانه المغربیه (مصر)، ٢٢٤ |
| لخنس، ١٣٢، ١٤٠ | لسان العصفور، ٨٨، ٦٦ | لُعبه بَزَیرِی، ٢٧٠ | لُویانه (مصر)، ٥٥ |
| لَخْنِس، ٢٦٨ | ٢٦٩ | لعبه مطلقه، ٢٧٠ | لویا، ١٣٤، ٢٧١ |
| لُخنس اغریا، ٢٦٨ | لسان الفَرَس، ٦٧ | لعل معبری، ٢٤٧ | لویا الایض، ٢٧١ |
| لُخنس الاکلیله، ٢٦٨ | لسان الفرس، ٢٥٢ | لِغَس، ٤١ | لویانیة (اشبیل)، ٤٦ |
| لخنس الاکلیه، ١٤٠ | لسان الفرس، ٢٨٠ | لُفاح، ٢٧٠ | لویای سفید، ٥٤ |
| لخنس الأکلیلیه، ٢٦٨ | لسان الکَلْب، ٢٦٩ | لُفاح، ٣٠٠ | لویای هندی، ١٤٧ |
| لخنس اغریا، ٢٦٨ | لسباراغوس، ٢٩٧ | لفاح الجن، ٢٧٠ | لوخنس اغریا، ٦٦ |
| لخنس بستانی، ٢٦٨ | لستوپری، ٢٥٠ | لفاح الهندی، ٢٧٠ | لورقی، ٢٩٠ |
| لخوخ الماء (اندلس)، ٢٧٢ | لسعة (تونس و آفریقا)، ٦٨ | لفاح بری، ٢٨٣، ٣٠٠ | لورونیا، ٢٧٤ |
| لخنس، ١٦٨، ٣٠١ | لسوالسومر، ٢٤٣ | لُفاح (شام)، ١٤٥، ١٩٠ | لوره (لاتینی)، ١٤٩ |
| لدان (فرنگی)، ٢٦٥ | لسوده، ١٦٧ | لِفَتْ، ١٨٩ | لوز، ٢٧١ |
| لدیقه، ٦٧ | لسورسطس، ١٣٦ | لفت الأَخْمَر المَدَوْر، ١٨٩ | لوز البربر، ١٠٥، ٢٧١، ٢٧٢ |
| لذار، ٢٦٦ | لسیعه، ٦٨ | لفت البلدی (فاس)، ١٨٩ | لوز الحلو، ٢٧١ |
| لرکیماس، ١٦٣ | لشانامرا، ٢٦٩ | لِفَتْ الجن، ٢٧٣ | لوز المَر، ٢٧١ |
| لِزاق الذهب، ٥١ | لشان ثورا، ٢٦٨ | لفت المحفور، ١٨٩ | لوز المر (انطالیا)، ٢٧٢ |
| لِزاق الذهب، ٥١ | لشان صفراء، ٢٦٩ | لفت بری، ١٠٢، ٢٠٤، ٢٦٦ | لوز بری، ٢٧٢ |
| لِزاق الذهب، ٢٩٥ | لَصَف، ٢٥٠ | لفت مدور، ١٨٩ | لوز حلو، ٢٧١ |
| لِزاق الرخام، ٨٦ | لَصِف (اندلس)، ١١٤ | لَقَش، ٢٧٠ | لوزدمیرا، ٢٧١ |
| لِزموش، ١٩٥ | لَصَف (اندلس)، ١١٤ | لفیدیون، ١٩٣ | لوزمر، ٢٧١ |
| لسان، ٢٥٢ | لَصَق، ٣٣ | لقم القاضی، ١٠٨ | لوسطیون، ١٥٨ |
| لِسان الایبل، ٢٦٨ | لَصَق، ٢٥٢ | لُك، ١٧٨ | لوسوس، ٢٨٦ |
| لسان الابل، ٦٠ | لِصَق، ٢٧٠ | لُک، ٢٧٠ | لوسیماخیاس، ١٦٨ |
| لسان الأُیْل، ٦٠ | لصیف، ١١٤، ١٥٦، ٢٧٠ | لُک، ٢٧٠ | لُوسِیماخِیوس، ٢٧٢ |
| لِسان الأُیْل، ٢٦٨ | لصیفی، ٣٣، ٢٧٠ | لُکاع، ٢٧١ | لوسیماخِیوس، ٢٧٢ |
| لسان الثور، ١٣٨، ٢٥٢ | لصیفاء، ٣٣، ٢٥٢ | لُکاعه، ٢٧١ | لوطس، ٢٩١ |
| ٢٨٠، ٢٦٩ | لَصِیق، ٢٧٠ | لکونا (تنکابن)، ٢٦٦ | لوطس اغریوس، ٢٩١ |
| لسان الثور، ٢٦٨ | لطرنه، ٢٥١ | لکونس (لاتین)، ٢٦٥ | لوطس طوماغا، ٢٩١ |
| لسان الحَمَل، ٢٦٩ | لطوس، ٢٨٦ | لما، ٢١٤ | لوطوس، ٨٠، ١٢٥، ٢٧٢ |
| لسان الحَمَل، ١١٩، ١٣١ | لطین، ٩٦ | لَم لَم (برنیق)، ٢٧١ | لوطوس اغریوس، ١٢٥ |
| ٢٧٠، ٢٦٩، ٢٠٥ | لطیئ اُرِشِمِیسه (اندلس)، ٤٧ | لنجریله، ٢٧١ | لوطوس اُغْرِیوس، ١٢٦ |
| لسان الحَمَل، ٢٦٩ | لُعاب القتیل، ٥٥ | لَنجِیطُس، ٢٧١ | ١٥٠ |
| لسان الحَمَل الکبیر، ٣٣ | لعاس، ٢٤٣ | لَنخِیطُس، ١٢٠، ٢٧١ | لوطوس سکرار (لاتین)، ١٢٥ |
| لسان الحَمَل صغیر، ٢٦٩ | لعبت بریری، ١٧٩، ٢٧٠ | لَنخِیطُس آخر، ١٥٧ | لوعَجِیدِیطوس، ٢٧٣ |
| لسان الحَمَل کبیر، ٢٦٩ | لعبه، ٢٧٠ | لنخیطس آخر، ٢٧١ | لوعس، ٤١ |
| لسان السَّیْع، ٢٦٩ | | | |

| | | | |
|--------------------------|-----------------------|--------------------------|---------------------------|
| لوغیوس، ۴۱ | لوقیقشی، ۷۱ | لَیْزِرُون، ۱۸۱ | ماذریوس، ۲۶۰ |
| لوف، ۱۳۰، ۲۳۰، ۲۷۳ | لوقیمو بذاس، ۱۵۵ | لیطفورس، ۳۵ | ماراقونا، ۱۵۷ |
| لوف، ۲۴۶، ۲۷۴ | لوقیموس، ۵۸ | لیغۀ، ۲۷۴ | مارثون، ۷۸، ۱۵۲ |
| لوفاعسقی، ۲۳۰ | لوقیون، ۱۲۰، ۲۳۱، ۲۷۱ | لیف، ۲۷۴ | مارثون، ۱۵۳ |
| لوف الارقط، ۲۷۳ | لوقیون، ۱۲۰ | لیف البحر، ۵۹، ۲۷۴ | مارثون أغریون، ۱۵۳ |
| لوف البَط، ۲۷۳ | لوقیان، ۱۴۰ | لیفستیقون ساسالی، ۲۴۸ | مارجوبه، ۲۹۷ |
| لوف الجعد، ۲۳۰، ۲۷۳ | لوکا، ۷۱ | لیفطیغون، ۲۴۸ | مارجوبه، ۹۲، ۲۹۷ |
| لوف الجَعْد، ۲۷۳ | لوکرون، ۱۴۰ | لیغیه، ۲۷۴ | ماردارو، ۲۲۲ |
| لوف الجعد اسخن، ۲۷۳ | لوماین، ۲۰۵ | لیقُسْطیقون، ۲۴۸ | مار درخت (کرمان)، ۹۶ |
| لوف الحیه، ۲۳۰ | لونک، ۸۳، ۲۳۸ | لیقیه، ۲۷۴ | مارسیسقاء، ۳۹ |
| لوف الحیّۀ، ۲۳۱ | لونکهل، ۲۳۸ | لیلَنج، ۲۹۲ | مارش، ۱۰۳ |
| لوف الحیّۀ، ۲۷۳ | لُونْگ، ۲۳۸ | لیم، ۴۰ | مارکیا، ۲۹۷ |
| لوف الحیّۀ، ۱۸۶ | لونیا، ۸۳ | لیمو، ۱۰۴، ۲۷۴ | مار کُیْوا، ۲۷۵ |
| لوف الحیّۀ، ۲۷۳ | لونیۀ، ۸۳ | لیمودار، ۲۹۵ | مارکیوا، ۲۸۸ |
| لوف السُبْط، ۲۷۳ | لویسطیقون، ۲۴۸ | لیمون، ۴۰، ۲۴۲، ۲۷۴ | مارکیاه، ۲۷۵ |
| لوف السبط (اندلس)، ۲۷۳ | لهسن، ۹۸ | لیمونیون، ۲۷۴ | مارمورد، ۳۶ |
| لوف الصغیر، ۲۷۳ | لهولوقوغزاتیس، ۲۷۴ | لیمونیۀ ماله (فرنگی)، ۴۰ | مارن، ۱۱۳ |
| لوف العقد، ۲۳۰ | لیان، ۱۹۸ | لیناری (رومانی)، ۲۵۱ | مارنۀ، ۹۹ |
| لوف الکبیر، ۳۴، ۱۰۶، ۱۸۶ | لیاننون، ۲۶۳ | لیئس بُرمون، ۲۵۱ | مارون، ۲۷۵، ۲۷۹ |
| لوفای فاخر، ۲۴۶ | لیاء، ۲۷۱ | لیئس فرمون، ۲۵۱ | مارُون، ۲۷۹ |
| لوفای کبیر، ۲۴۶ | لیباطیش، ۵۹ | لیئش، ۲۷۷ | ماریقون، ۱۹۱ |
| لوفطیون، ۲۶۰ | لیبانس، ۲۶۶، ۲۷۴ | لینوزسطس، ۱۳۶ | ماریون، ۲۸۰ |
| لوفقطوش، ۱۳۹ | لیبانو، ۲۷۴ | لینوزْسطیس، ۱۲۱ | مازر، ۱۵۹ |
| لوف کبیر، ۲۷۳ | لیبانوطس، ۲۷۴ | لینوسطو، ۸۵ | مازر (نبطی)، ۲۷۵ |
| لوفو سقردین، ۹۸ | لیبانوفیلس، ۲۶۶ | لینوفر، ۲۹۲ | مازرو (مغرب)، ۱۴۹ |
| لوفینیقی، ۷۱ | لییدیون، ۱۹۳ | لینوفر هندی، ۶۸ | مازریون، ۴۶، ۵۱، ۵۴، ۵۵ |
| لوفیون، ۱۲۰، ۲۶۱ | لینیوسطس، ۱۸۶ | | ۱۲۸، ۱۴۹، ۲۵۵، ۲۶۱ |
| لوقا، ۱۲۷ | لییدیون، ۱۹۳ | | ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۹۸، ۳۰۰ |
| لوقابا، ۱۴۰ | لییدیون، ۱۱۵ | | مازریون سفید، ۲۷۵ |
| لوقابس، ۱۴۰ | لیئْسْفَرْمُن، ۲۴۳ | مائده، ۲۵۴ | مازریون سیاه، ۴۶، ۱۲۸ |
| لوقاس، ۱۳۳، ۲۶۸، ۲۷۴ | لیتوقس، ۱۳۳ | مائله، ۲۰۴ | مازن شیر (بخاری)، ۲۱۱ |
| لوقاس الجبلیه، ۱۳۳ | لیتوقه کنیانه، ۱۳۳ | مااستواچچکی، ۲۵۰ | مازو، ۱۵۴، ۲۱۱ |
| لوقاقائثا، ۲۷۴ | لیثانوس، ۲۷۴ | مابرونۀ، ۱۶۴ | مازوی ریزه دانه کوهی، ۱۷۵ |
| لوقاقانسی، ۷۱ | لیثورسطس، ۱۲۱ | ماثرون، ۱۵۲ | |
| لوقاین، ۱۴۰، ۲۷۴ | لیخون، ۱۹۴ | مادروپتیم (لاتین)، ۲۲۴ | ماسفرم، ۲۷۵ |
| لوقبسوس، ۳۷ | لیذن، ۲۶۵ | مادله، ۹۹ | ماسقدون، ۲۷۵ |
| لُوقْبسون، ۳۸ | لیرون، ۲۷۴ | مادیون، ۲۸۷ | ماسقود، ۲۷۵ |
| لوقیدس، ۱۵۵ | لیرون (مغرب)، ۸۷ | ماذر درخت (کرمان)، ۹۶ | ماش، ۵۸، ۱۳۷، ۲۷۵ |

حرف «م»

| | | | |
|----------------------------|------------------------------|-------------------------|---------------------------|
| ماش دارو (شیراز)، ۲۶۱ | مامون، ۱۱۰ | متن هنک فار، ۱۲۱ | مدارا، ۲۰۹ |
| ماش دارو (شیرازی)، ۲۶۱ | مامهستان، ۱۶۶ | مَثَلَت، ۲۰۱ | مَذْبَقَة، ۵۴ |
| ماش هندی، ۲۵۹ | مامیثا، ۶۷ | مَثَلَت، ۲۴۷ | مَذْرَهَمُ الزَّوْق، ۵۹ |
| ماش هندی (عراق)، ۱۱۲ | مامیثا (نبطی)، ۲۷۶ | مَثَلَت حجم، ۱۶۳ | مَدْرَة البه (فرنگی)، ۲۶۶ |
| ماشیا، ۴۴ | مامیثای سرخ، ۴۴ | مَثان، ۲۷۵، ۲۵۵، ۹۷ | مدقوش، ۲۷۹ |
| ماطرُ شائِبَة (لاتینی)، ۷۵ | مامیران، ۱۴۲، ۱۶۱، ۲۰۸ | مَثان، ۲۷۷ | مدلوک، ۸۸، ۲۵۹ |
| ماطرُ شِلْبَة، ۱۶۰ | ۲۱۶، ۲۷۶ | مَثان آخر، ۲۷۷ | مدلوکَة، ۲۷۳ |
| ماطوفیون، ۲۴۶ | مامیر (قبطی)، ۲۷۱ | مثنی، ۲۹۰ | مدهوق، ۱۸۰ |
| ماغره، ۸۰ | مانته، ۱۱۳ | مَج، ۱۳۷ | مدیکه (فاس)، ۴۹ |
| ماغره الاسود، ۱۵۰ | مَانْتَه (لاتینی)، ۱۸۲ | مَج، ۲۷۵ | مَذْهَب، ۶۱ |
| ماقر، ۱۴۲، ۱۹۹ | مانداروی تلخ (شیراز)، ۲۶۰ | مَجاج، ۲۷۵ | مَذْهَب الکَلْب، ۶۰ |
| ماقوق، ۲۴۲ | ماوش اوطا، ۳۴ | مَجتری، ۵۶ | مُر، ۲۷۷ |
| مالابشون، ۱۶۷ | ماه فرفین (مغرب)، ۱۰۱ | مَجتهه، ۲۳۰ | مرا، ۲۷۸ |
| مالاثرون، ۱۶۶ | ماه فروین (مغرب)، ۱۰۱ | مُجَزَع، ۱۴۰ | مراتیا، ۲۹۹ |
| مالایترون، ۱۶۶ | ماهلو (شیرازی)، ۱۲۴ | مُجَنَح، ۲۷۷ | مرادکبار، ۲۷۷ |
| مَالِیْتِه، ۱۲۹ | ماهوداته، ۲۷۶ | مُجَنَن، ۲۴۹ | مُرار، ۵۹، ۲۹۸ |
| مَالِیْه اوراطه، ۱۲۹ | ماهُو پِذاته، ۲۷۶ | مَجنون، ۱۲۵ | مُرار، ۲۷۸ |
| مَالِیْه بَسْکَه، ۱۲۹ | ماهودانه، ۱۱۳، ۱۴۷، ۲۷۶ | مَجنون (شام)، ۱۰۵ | مُرار الصحراء، ۱۲۶ |
| مَالِیْه مِلوِخه، ۱۲۹ | ۳۰۰ | محاجم (اندلس)، ۲۷۷ | مرار الصخر، ۱۲۶ |
| مالثرون، ۱۵۲ | ماهودانه (مغرب و اندلس)، ۱۱۳ | محروت، ۵۰، ۶۵، ۱۲۱ | مرارت فیلا، ۱۲۰ |
| مالسوفلن، ۷۱ | ماهومرد، ۳۶ | محروث، ۶۵، ۵۰ | مرارة الفیل، ۲۳۱ |
| مَالِکَنْکِنِی، ۲۷۶ | ماهودیدانه، ۲۷۶ | مَحْسَنَة، ۱۸۷ | مراس، ۹۷ |
| مالیا، ۱۴۴، ۲۷۸ | ماهوئ دانه، ۲۷۶ | مُخْفِرَة (اندلس)، ۵۱ | مراطولس، ۲۴۹ |
| مالیا، ۱۶۰، ۱۶۳ | ماهی زهرج (شام و عراق)، ۹۰ | مَحَلَب، ۴۳ | مراطروط، ۲۷۸ |
| مالییا، ۲۷۶ | ۹۰ | محلِب، ۱۱۲ | مران، ۱۶۰، ۱۷۱ |
| مالیبیذون، ۱۳۰ | ۲۷۷ | مَحَلَب، ۲۱۶ | مُران، ۱۶۳، ۲۷۸ |
| مالیسوقْلَن، ۷۱ | متر، ۲۵۳ | محلولة، ۶۲ | مُران، ۲۰۰ |
| مالیسوقْلَن، ۲۸۰ | مترسات، ۱۲۹ | محموده، ۱۷۳ | مرانیه، ۲۹۹ |
| مالیطا (لاتینی)، ۲۸۰ | متر کابلی، ۱۳۷ | مخاطه، ۱۴۲، ۱۶۷ | مراوح الجَن، ۲۹۲ |
| مالیطانا، ۷۱ | مترک کازرونی (شیرازی)، ۱۱۷ | مُخْبِر (فاس)، ۴۹ | مریج، ۲۸۰ |
| مالیلوطس، ۵۹ | مت، ۱۷۱ | مخرج الريح، ۱۷۳ | میرثش، ۳۶ |
| مالیلوطوس، ۵۹ | متر، ۲۵۳ | مخلب العقارب الأبیض، ۴۷ | مُرته (لاتینی)، ۳۶ |
| مالیشیون، ۱۹۲ | مترسات، ۱۲۹ | مخلصه، ۱۱۱ | مرتینی، ۹۶ |
| مالیون، ۵۱ | متر کابلی، ۱۳۷ | مُخْلَصَه، ۲۷۷ | مِرْتیه، ۳۶ |
| ماما، ۲۷۵ | مترک کازرونی (شیرازی)، ۱۱۷ | مُخْلَصَة، ۱۰۷ | مُرثان (لاتینی)، ۳۶ |
| ماماقولا، ۱۰۶ | متک، ۳۹ | مخنخ (بلخ)، ۸۴ | مرج، ۲۲۷ |
| مامور، ۱۱۰ | متکه، ۳۹ | مَخِیطا، ۴۳ | مرجان، ۷۹ |
| | | مخیطا، ۱۶۷ | مرجان مروارید خرد، ۷۹ |

| | | | |
|--------------------------|--------------------------|------------------------------------|-------------------------|
| مرج (سغدیه)، ۲۲۷ | مرسیفا، ۷۶ | مروبری، ۲۸۰ | مریق، ۵۷ |
| مرجومک، ۲۰۷ | مرسینا آغریا، ۳۶ | مرو تلخ، ۲۸۰ | مُریق، ۱۷۰ |
| مرچ، ۲۲۷ | مَرَسِیْنِسْ آیمارُس، ۳۶ | مرو تلخ (شیرازی)، ۲۸۰ | مُریق، ۲۱۰ |
| مرچانی، ۱۱۳ | مرسینس آیماروس، ۳۱ | مرو جلی، ۲۷۹ | مَرَمَدهون، ۱۷۸ |
| مَرَنخ، ۱۷۴، ۲۷۸ | ۳۶ | مرو خوش، ۲۷۹ | مریوت (فاس)، ۲۲۴ |
| مرخ، ۲۱۱ | مرسینوس، ۳۶ | مرو دشتی، ۲۹۸ | مَرْمَیه، ۲۸۰ |
| مرخوش (شیرازی)، ۲۸۰ | مرسینی، ۳۱، ۳۵ | مرو دقیق، ۱۶۳ | مَرْمَیه الاسود، ۲۸۰ |
| مَرَنخه، ۲۰۲ | مرطنه، ۹۹ | مرو رشک (شیرازی)، ۲۸۰ | مَرْمَیه ابیض، ۲۸۰ |
| مرداراجی، ۲۱۵ | مَرَطَنه، ۱۴۸ | مرو ر (فاس)، ۲۲۴ | مَرْمَیه الابیض، ۲۸۰ |
| مرداودوش، ۱۱۳ | مرطولست، ۲۷۹ | مروریه، ۲۸۰ | مری، ۱۸۰ |
| مَرْدِایانج، ۳۶ | مرغ زفانک، ۲۶۹ | مروریه، ۲۸۰ | مزابل، ۲۱۴ |
| مرددوش، ۱۱۳ | مرفوران، ۲۰۹ | مروزشک، ۲۸۰ | مزج، ۲۷۱ |
| مرددوش، ۲۷۹ | مرقد، ۱۰۹ | مروس، ۲۵۲ | مزل الصفار، ۴۹ |
| مرددوش البری، ۱۹۵ | مرقد، ۲۷۹ | مروسرز (شیرازی)، ۷۲ | مَزمَمار الراعی، ۳۳، ۶۴ |
| مَرْدَدُوش (اندلس)، ۲۷۹ | مرقیره، ۱۸۷ | مرو سفید، ۱۶۳، ۲۸۰ | ۲۱۰، ۲۸۱ |
| مردقوش، ۲۷۹ | مرماحور، ۹۱ | مروسیا، ۴۴ | مزوبه، ۲۳۷ |
| مَرْدَقوش، ۲۷۹ | مَرَمَاحور، ۲۷۹ | مروسیون، ۲۳۲ | مزوده، ۲۰۷ |
| مردوش، ۳۴ | مرماحوز، ۲۷۹ | مروش، ۳۴ | مژو (اصفهان)، ۱۸۰ |
| مَرْدَکَی، ۲۷۸ | مرماخور، ۲۷۵ | مروش آقطی، ۳۴ | مسافق، ۲۸۱ |
| میرز، ۱۵۰ | مرمار، ۱۵۸ | مروشه (اندلس)، ۲۰۷ | مَسْتار (زابل)، ۵۶ |
| مِرز، ۲۴۷ | مَرمازاد، ۲۷۹ | مرولیه، ۱۳۳ | مست رو (شیرازی)، ۲۷۵ |
| مرزجوش، ۳۴ | مرماطوس، ۲۸۰ | مروه، ۵۶ | مُسْت (زابل)، ۱۷۱ |
| مَرْمَزجون (لاتینی)، ۲۱۰ | مرماهان، ۲۸۰ | مرو همیشه بهار، ۲۷۹ | مستساقل، ۱۴۸ |
| مرزنجوش، ۳۴، ۶۶، ۱۱۳ | مرماهوز، ۲۷۹ | مروی مشتهی، ۲۸۰ | مستعجل، ۸۹ |
| ۱۶۰، ۲۸۸ | مرماهوس، ۲۸۰ | مَرْمُویَه بُتْمُوشَه (لاتینی)، ۸۷ | مستعجله، ۸۹ |
| مَرْمَزنجوش، ۱۵۹ | مرماهویه، ۲۸۰ | ۱۷۹، ۲۲۴ | مُسْتَعْجَلَه، ۲۰۷، ۲۸۱ |
| مَرْمَزنجوش، ۲۷۹ | مِرْمَلاط، ۲۷۹ | مَرْمُویَه یلبوسه (لاتینی)، ۸۷ | مسد، ۹۳ |
| مرزنگوش، ۳۴، ۲۷۹ | مرمیخا (سغدی)، ۲۷۹ | مَرْمُویَه الأبیض، ۲۲۴ | مَسَد، ۱۵۷ |
| مرزه، ۱۸۷، ۱۹۵ | مَرناغر، ۱۰۲ | حمره الطوفان، ۲۰۲ | مس غات، ۲۸۱ |
| مَرْمَزیر (مصر)، ۲۷۸ | مرناغر، ۲۸۰ | مریافلن، ۱۱۰، ۲۸۰ | مسقط الأجنه، ۶۸ |
| مرس، ۲۷۹ | مرو، ۵۲، ۹۱، ۱۲۷، ۱۴۲ | مَرْمِیافْلَن، ۱۱۷ | مسقینون، ۴۱ |
| مرسالیمارس، ۳۱، ۳۵ | ۱۶۳، ۲۶۸، ۲۷۴، ۲۸۰ | مریافلن، ۱۵۱ | مسک الارض، ۱۰۳، ۲۸۱ |
| مَرَسَطَسْ نبطی، ۲۷۹ | مَرزو، ۲۸۰ | مریافلون، ۲۸۰ | مِسْک البَجَن، ۱۰۳، ۱۹۰ |
| مرسلون، ۱۴۱ | مروازاد، ۲۷۹ | مریافلون آخر، ۲۸۰ | مسک البجن (اندلس)، ۲۸۱ |
| مرسلیطس، ۳۰۰ | مرو اسود، ۲۸۰ | مریث، ۸۰ | مسک الرمان، ۲۸۸ |
| مرسین، ۳۱، ۳۵ | مرو الاسود، ۲۸۰ | مریخ، ۲۸۰ | مسک القروء، ۵۲ |
| مرسیا اغریا، ۳۶ | مرو العراض، ۲۲۱ | مَرْمِزَاء، ۱۶۴، ۱۹۴ | مُسْکَنه، ۲۸۰ |
| مرسیسا اغریا، ۳۶ | مروانا، ۲۷۹ | مَرْمِش، ۱۴۰ | مسک جُده، ۲۸۱ |

| | | | |
|---------------------------|-----------------------------|---------------------------|---------------------------------|
| مسک طرامسبع، ۲۲۹ | مشک داش (تنکابن)، ۱۹۰ | مصفی الرعاة (مغرب)، ۸۶ | مقاتل الراعی، ۶۰ |
| مِسْکِیة، ۱۲۵ | مِشْکِرَامَشِیع (نبطی)، ۲۸۱ | مض، ۱۵۸ | مقاتل الرعاة، ۶۰ |
| مِسْکِیة، ۱۵۵ | مشک زمین، ۱۷۱ | مَض، ۲۸۳ | مقاتل المَرعی، ۱۵۱ |
| مَسْمَقار، ۱۶۱ | مشکطرامشیر، ۵۴، ۲۲۱ | مُضیء البساتین، ۷۹ | مَفْرَح، ۲۶۸ |
| مسمقاره، ۱۶۰ | مشکطرامشیر (نبطی)، ۲۸۱ | مُطَبَّعَة، ۵۴ | مُفْرِح، ۲۶۸ |
| مسمقران، ۱۶۰ | مشکطرامشیع، ۱۱۳، ۲۲۹ | مطخشاله (اندلس)، ۲۶۶ | مَفْرَح القلب، ۷۱ |
| مَسْمَقَران، ۱۶۱ | ۲۹۹ | مُطَر، ۱۵۰ | مُفْرِح قلب المحزون، ۷۱ |
| مسمقوره (عجمی اندلس)، ۱۶۰ | مشکطرامشیع زور، ۲۸۱ | مُطَر (اندلس)، ۴۹ | ۱۱۳، ۲۸۳ |
| مسمقوره، ۱۶۰ | مشکطرامشیع کاذب، ۲۸۱ | مطردیه (عجمیت اندلس)، ۲۴۲ | مُفَصِّحَة، ۴۸ |
| مَسْنَالَه (لاتینی)، ۶۴ | مشکک، ۱۷۱ | مطرقال، ۹۸، ۲۶۶، ۲۸۲ | مُفَلِّق، ۱۳۹ |
| مسواک الراعی، ۱۹۳، ۲۸۱ | مشکک (شیراز)، ۱۹۴ | مَطَرَقال (اندلس)، ۹۸ | مقارجه، ۱۴۸ |
| مسواک العباس، ۲۸۱، ۲۹۱ | مشکین جه (اصفهان)، ۲۹۰ | مطرقال (اندلس)، ۱۸۹ | مقارجه (اندلس)، ۹۰ |
| مسواک القروذ، ۵۲ | مشماش (مغرب)، ۲۸۲ | مطرقان، ۹۸ | مُقَارِجَة (لاتینی - اندلس)، ۷۰ |
| مسواک القیاد، ۲۳۳ | میشیش، ۲۸۲ | مطرونی، ۱۰۶ | |
| مسواک المسیح، ۲۳۳، ۲۹۲ | شمش، ۲۸۲، ۳۰۰ | مَطَرُونِی (لاتینی)، ۲۳۱ | مقامح ابلیس، ۲۵۲ |
| مَسور، ۲۰۷ | شمش (مغرب و اندلس)، ۷۶ | ۲۴۲ | مقد، ۵۷ |
| مسی، ۳۶ | مشنگ گای، ۲۵۳ | مظ، ۱۰۴ | مقدونس، ۲۰۲، ۲۵۳ |
| مسیخا، ۱۸۱ | مشو (شیراز)، ۸۹ | مَظ، ۱۰۴، ۱۷۴، ۲۸۳ | مقدونیس، ۲۵۳ |
| مشا، ۲۸۱ | مشی، ۲۹۰ | مظلل الحمام، ۱۵۶ | مَقَر، ۱۲۰ |
| مَشِبِلَین، ۱۶۲ | مشیشتر و (فاس)، ۲۲۹ | معد، ۷۲ | مقر، ۱۹۵ |
| مشتان، ۲۸۱ | مُصاص، ۹۷ | مُعَطَّس، ۱۷۲، ۲۱۶ | مقرجالة، ۵۸ |
| مشتجی، ۲۸۲ | مُصاصه، ۱۱۴ | مُعْتَرَب، ۵۹ | مقشلان، ۸۰ |
| مشت (شیراز)، ۲۷۵ | مصاصة، ۱۳۴ | مَعْقلاوس، ۲۷۲ | مُثْقَل، ۲۵۶ |
| مَشْتَلِیش، ۲۸۲ | مُصَاَصَة (اندلس)، ۲۶۹ | معین، ۲۷۵ | مُثْل، ۵۲، ۲۳۸، ۲۸۳ |
| مشتهی، ۱۶۲، ۶۳ | مصاصة (فاس)، ۲۶۹ | مغاث، ۱۵۸ | مقلا، ۲۸۳ |
| مشحادیرسا، ۱۸۰ | مَض العسل، ۲۸۰ | مُغاث، ۲۸۳ | مقل ازرق، ۲۸۳ |
| مشحونا، ۱۷۹ | مصباح الروم، ۲۶۴ | مغافیر، ۲۸۳ | مقل الیهود، ۲۶۴، ۲۸۳ |
| مشرقی، ۲۵۳ | مصطخای، ۲۸۲ | مغد، ۷۲، ۲۷۰ | مقلقل (مغرب)، ۹۵ |
| مشط الذنب، ۲۳۳ | مصطخی، ۲۸۲ | مَغْد، ۲۸۳ | مقل مکی، ۲۸۳، ۲۸۴ |
| مشط الراعی، ۱۴۸، ۱۴۹ | مَضْطَکاء، ۲۸۲ | مغدود، ۲۸۳ | مقلوب، ۱۱۳ |
| مشط الراعی (مغرب)، ۱۴۹ | مصطکی، ۲۰۱ | مغربی، ۱۳۲ | مقلونیا، ۲۸۵ |
| مشط الغول، ۲۸۱ | مَضْطَکِی، ۲۸۲ | مَغْزِرَة، ۲۸۳ | مقلیانا، ۱۱۵، ۲۸۴ |
| مَشْطُ الغُول، ۲۸۱ | مُصْطَکِی، ۲۸۲ | مِغْفار، ۲۸۳ | مقلیانا، ۱۱۵ |
| مُشْطِی (لاتینی)، ۲۴۳ | مصطنجی، ۲۸۲ | مُغْفَر، ۲۸۳ | مُثْلِیثا، ۱۱۵ |
| مشک، ۱۸۰ | مُصْع، ۶۳ | مِغْفَر، ۲۸۳ | مقل یهودی، ۲۸۳ |
| مشک الجن، ۱۹۰ | مُصْع، ۲۸۲ | مغفور الرمث، ۱۵۸ | مقیفرون، ۲۶۰ |
| مشک چوپان (فارس)، ۱۹۰ | مصغ، ۲۱۷ | مغیلان، ۶۲ | مقیل، ۳۷ |

| | | | |
|---------------------------------|--------------------------|----------------------------|-------------------------|
| مُکَثَّر اللَّبَن، ۹۰ | ملک (سجزی قدیم)، ۲۸۴ | منبهل (سند)، ۱۰۸ | مَیْرَة، ۲۸۵ |
| مکثر اللبن، ۱۰۴، ۲۷۱ | ملک طلحه، ۲۹۷ | مَیْت، ۲۳۰ | مَیْکُو (سواحل زنج)، ۳۳ |
| مکرنه، ۹۹ | ملمندر، ۸۸ | متجوشه، ۱۷۸ | مَو، ۹۳ |
| مکنسه الاندر، ۲۷۷ | مِلْمَنْدَر، ۸۸ | مَشْجوشه، ۱۷۸ | مو، ۲۸۵، ۲۸۷ |
| مکنسه قرشیه، ۲۷۷ | ملوح، ۲۴۲ | متن الرانحه، ۲۱۹ | مواغزن، ۲۸۵ |
| مکوجوا (زنج)، ۹۵ | ملوح (شام)، ۲۸۴ | مُثَنَة (مصر)، ۲۱۹ | موتیه، ۱۵۴ |
| مکوی و مکوی، ۲۱۴ | مَلُوخ، ۲۴۲ | متوله میوره، ۲۷۵ | موجه (اصفهان)، ۲۴۵ |
| مَکْهَازَه، ۲۸۴ | مَلُوخ، ۲۴۲ | مَتَی، ۱۱۳ | مودیان، ۲۴۹ |
| مکیدش (فاس)، ۵۹ | ملوخ، ۲۸۴ | مَثور، ۱۴۰، ۱۵۸، ۲۸۵ | مَوْرَا، ۹۵ |
| مُکِئْسَة (لاتینیو)، ۲۴۶ | ملوخ البطریق، ۲۸۴ | مَثور (مصر)، ۱۴۰ | موران، ۲۸۷ |
| ملاج، ۶۶ | مَلُوخی، ۱۲۹، ۲۸۴ | مَتی، ۲۹۰ | موران، ۲۸۷ |
| مَلَّاجَه اقوانته، ۱۴۳ | ملوخیا، ۸۴، ۱۲۹، ۲۸۴ | مَنج، ۲۸۵ | مورجون، ۱۵۷ |
| مَلَّاجَه بطره، ۱۴۳ | مَلُوخِیَا الشَّجَر، ۱۳۶ | منج (بلخ)، ۸۴ | مورد، ۳۱، ۳۶ |
| مَلَّاح، ۶۶، ۱۲۳، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۸۴ | ملوخیان بستانی، ۱۲۹ | مَنج زَرَاوْشان، ۲۸۵ | مورداسبرم، ۳۶ |
| ملاج، ۲۴۳ | ملوخیه، ۱۲۹ | مند، ۱۶۱ | مورداسبرم، ۱۵۹ |
| مَلَّاحی، ۹۶ | ملوخیه (بلخ)، ۲۸۴ | منداغورس، ۳۰۰ | مورداسفرم، ۳۶ |
| ملافطون، ۱۲۶ | ملوخیه بری، ۱۳۶ | مندبونه، ۲۸۰ | مورسقی، ۲۰۲ |
| مَلْبَالَه (ثغری)، ۱۳۰ | ملوغه، ۱۲۹ | مَنْدَرَاغوس، ۲۷۰ | مورقا (اندلس)، ۲۸۵ |
| ملبند شدرک، ۸۲ | ملوکیه، ۱۲۹ | مندغوره، ۳۰۰ | مورقیا، ۲۰۲ |
| مَلْبُونَه، ۲۸۶ | ملوکیه بری، ۱۲۹ | مَنْدَه، ۱۱۳ | موریقی، ۲۰۲ |
| مَلنج، ۲۸۳ | ملوکیه، ۲۸۴ | مَنْ رَاى مِثْلِی، ۲۵۲ | موریون، ۳۰۰ |
| ملجاله، ۹۸ | ملوکیه البحر، ۱۲۹ | منره وشک، ۱۸۰ | موز، ۲۰۳ |
| مَلنجی، ۱۴۸ | ملوکیه البریه، ۱۲۹ | مُتْسَانَة، ۹۴ | مَوَز، ۲۸۵ |
| ملجی الابیض، ۹۶ | مَلول، ۱۴۰، ۲۷۹ | منسانیا، ۹۴ | موزق، ۲۸۰ |
| ملجی الاسود، ۹۶ | مَلون، ۸۱ | منسم، ۲۷۱ | موز (سجزی)، ۱۸۰ |
| ملح، ۲۴۲ | ملونیا، ۸۱، ۲۸۵ | مُتْسِیَه، ۲۹۸ | موس اوطا، ۳۴ |
| ملحتفن، ۱۷۹ | ملونیه، ۲۸۵ | مُتْسِیَه، ۲۸۵ | مُوسَلِی، ۲۸۶ |
| مَلْخِج (زابل)، ۱۸۰ | ملهی حتهی مد، ۱۸۰ | منشجیا، ۸۹ | موسولیون، ۱۴۱ |
| ملس (یمن)، ۲۰۷ | ملیح، ۲۳۲ | منشخا، ۸۹ | موسیر، ۴۸، ۹۸ |
| ملطاء، ۱۴۸ | مَلِیْخ، ۲۴۲ | مُنْشِیم، ۲۸۵ | موشان پیاز، ۴۹ |
| ملطاء، ۲۸۱ | ملیسون، ۲۴۶ | منظر، ۳۱، ۳۵ | موشک (اصفهان)، ۲۵۰ |
| ملطیرغون، ۲۶۹ | ملیونا، ۸۱ | مَنْطِیْذَايُون، ۳۶ | موفه، ۱۷۱ |
| ملفون، ۸۱ | ممسک الارواح، ۴۷ | مُنْقَلَة، ۱۲۹ | موقوطس، ۲۲۶ |
| مُلک، ۱۳۷ | مُتْسِیک الأرواح، ۴۷ | مَنْقُوخَة، ۱۷۳ | موقولن، ۳۰۰ |
| ملک، ۱۶۲ | ممنون البقر، ۴۱ | منفوخه، ۲۴۸ | موقیطس، ۲۲۶ |
| ملکا، ۵۹ | ممنون، ۲۸۰ | مَنْقَسِیم لخمسه أقسام، ۸۹ | موکره، ۱۵۴ |
| مُلک (خراسان)، ۱۰۴ | من، ۴۴ | منقوسیون، ۱۹۱ | موکوطیس، ۲۲۶ |
| | مَنج (شام)، ۲۷۶ | مَنوم، ۲۴۹ | مُول سَرِی، ۲۸۶ |

| | | | |
|-------------------------|---------------------------|------------------------|----------------------------|
| مولسری (بنگال)، ۹۰ | میدیقی، ۲۹۱ | میلتی (سند)، ۱۸۰ | نارجیل بحری، ۲۸۷ |
| مولی، ۴۸، ۱۱۶، ۲۲۳، ۲۸۶ | میدیکی، ۱۵۶ | میلقص طراخیا، ۲۲۶ | نارجیل دریانی، ۲۸۷ |
| مولی آخر، ۸۵ | میرادون، ۲۸۰ | میلقص لیا، ۲۸۷ | نارجین، ۱۳۲ |
| مولیقنلس، ۹۸ | میردارون، ۲۸۰ | میلکندی (خراسانی)، ۱۶۳ | نازدس، ۱۷۷ |
| مون، ۲۸۵ | میرک کازرونی (شیراز)، ۱۱۷ | میل (مازندران)، ۹۷ | ناردس اقلیطیقی، ۱۷۸ |
| مونج، ۲۸۶ | میروقوین، ۱۹۲ | میمو، ۱۷۸ | ناردوایتالیون (لاتین)، ۱۷۷ |
| مونذی، ۲۸۶ | میزیقی، ۳۹ | میمون، ۲۲۲ | ناردوس بری، ۲۲۸ |
| مونس الوحش، ۱۴۱ | میس، ۱۲۷ | میمون (مغرب)، ۲۲۲ | ناردین، ۱۷۷، ۱۷۸، ۲۸۷ |
| مونس الهموم، ۲۴۵ | میس، ۲۷۲ | میمون، ۱۵۸ | ناردین اقلیطی، ۱۷۷، ۱۷۸ |
| مونک، ۲۷۵ | میسن، ۲۸۶ | مین، ۲۸۷ | ۲۸۸ |
| مویزج، ۱۱۱ | می سب، ۹۴ | مین بل، ۱۰۸ | ناردین آغریا، ۲۸۸ |
| مویزج عسلی (شیراز)، ۱۴۳ | میشهار، ۳۷، ۲۸۰ | مین پهل، ۱۰۸ | ناردین اقلیطی، ۲۸۸ |
| مویزک (شیرازی)، ۲۸۷ | میشکجان، ۳۷ | میزارما، ۲۹۰ | ناردین آورنی، ۱۷۷ |
| مویزک عسلی، ۱۴۳ | میشنا، ۲۸۶ | میواقتوس، ۲۸۷ | ناردین آوری، ۲۸۸ |
| موؤس، ۲۸۶ | میثناء (سیستان)، ۳۷ | میودیون، ۲۸۷ | ناردین بری، ۴۶ |
| مهار، ۱۷۶ | میشو، ۴۱ | میورسینه، ۲۰۲ | ناردین بری، ۴۶ |
| مهاکال، ۱۲۶ | میشهار، ۵۷ | میوره، ۱۱۳ | ناردین جبلی، ۲۸۸ |
| مَهت، ۴۴ | میشی، ۲۱۱ | میوس، ۱۰۳ | ناردین دبرآ، ۴۶ |
| مَهتد، ۲۸۶ | میعه، ۵۳، ۲۸۶ | میوش اوطا، ۸۳ | ناردین صینی، ۲۸۸ |
| مهد (شام)، ۲۰۷ | میعه تر، ۲۸۶ | میون، ۲۸۷ | ناردین ناروس (فرنگی)، ۱۷۸ |
| مهرگیاه، ۳۰۰ | میعه خشک، ۲۸۶ | میوه درخت سرو، ۱۷۰ | ناردین نه‌ری، ۲۸۸ |
| مهرمان، ۵۷ | میعه سایله، ۲۶۷ | میوه کاکج، ۲۰۶ | نارطیطس، ۵۹ |
| مِهک (شیراز)، ۱۸۰ | میعه یابسه، ۵۳ | میویزج، ۲۸۷ | نارغفف (سندی)، ۲۸۸ |
| مهلت، ۱۸۰ | میعه یابسه، ۲۸۶ | مؤش اوطیش، ۱۱۹ | نارغیث (سندی)، ۲۸۸ |
| مهلتی (سند)، ۱۸۰ | میعه، ۱۸۶ | حرف «ن» | |
| مهندی، ۱۲۵ | میعه السائله، ۲۸۶ | نابطله، ۲۷۵ | نار فافرس، ۲۸۸ |
| مهیلیون، ۲۴۹ | میعه سائله، ۲۸۶ | نابطه (اندلس)، ۱۹۸ | نار قیصر، ۲۸۸ |
| میثون، ۲۸۵ | میغالا فالون، ۲۴۹ | نابلس، ۲۹۵ | نارک، ۲۸۹ |
| میامیر، ۱۵۶ | میغن افرووس، ۱۰۰ | نابیارش، ۱۸۹ | نارکیو، ۲۸۸ |
| میربان، ۳۶ | میغن، ۱۳۴ | ناجو، ۱۹۶ | نارکیوا، ۲۷۵ |
| میبه، ۲۸۶ | میغن رُواس، ۱۳۴، ۲۸۵ | نَاس، ۱۷۷ | نارکیتوا، ۲۸۸ |
| میتهی، ۱۲۱ | میغن افروس، ۱۳۵ | نَاس سَنفاریطیقی، ۱۷۷ | نارماسیس، ۲۸۸ |
| میثوبا، ۷۰ | میکلس، ۲۸۷ | ناذبود، ۱۵۹ | نار مُشک، ۱۵۸ |
| میخک، ۲۳۸ | میلا، ۹۴ | نار، ۱۰۴، ۱۵۷ | نار مُشک، ۲۸۸ |
| میدیغی، ۱۵۳ | میلاُس، ۹۴ | نارتکس، ۲۴۵ | نارنج، ۴۰ |
| میدیقامیلا، ۴۰ | میلانیاون، ۱۹۲ | نارتکس، ۲۵۹ | نارنج، ۲۸۹ |
| میدیقی، ۱۵۶ | میلانثیون، ۷۰ | نارجیل، ۱۰۹، ۲۸۷ | نارود (لاتین)، ۱۷۷ |

| | | | |
|-------------------------|---------------------------|----------------------------|--------------------------|
| نارونه خرما (شیراز)، ۹۵ | نبات سحری، ۲۰۴ | ۲۹۰ | نَضار، ۲۰۲ |
| ناریل، ۲۸۷ | نبات نورا، ۲۵۵ | نرجس ابیض، ۸۰ | نضار، ۲۹۰ |
| نارین بری، ۲۲۸ | نَبال (اندلس)، ۱۲۸ | نرجس الاصفَر، ۷۶ | نطفثا، ۱۳۶ |
| نازیبو، ۱۸۳ | نَبسیروله، ۱۵۳ | نرجس مسکین، ۲۹۰ | نعاقلیس، ۲۱۱ |
| ناز، ۱۹۶ | نَبج، ۲۸۹ | نرجس مَقوَدَس، ۸۰ | نعناع، ۲۹۰ |
| ناشپاتی، ۲۶۱ | نَبج، ۲۸۹ | نرجسینوس (لاتینی)، ۸۰ | نَعنع، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۹۵ |
| ناطس، ۲۱۳ | نَبق، ۱۶۸، ۲۶۹، ۲۸۹ | نردین، ۱۶۶ | ۲۲۹ |
| ناطف، ۲۸۹ | نَبقیرس، ۸۰ | نرسک، ۲۰۷ | نَعنع، ۲۹۰ |
| ناعمة (اندلس)، ۲۶۸ | نَبینا، ۲۶۲ | نرسیس، ۸۰ | نعیج الحبشه، ۱۰۷ |
| ناغبشت، ۲۸۸ | نَهی مائی، ۲۰۲ | نَرکسوس، ۸۰ | نغرون، ۱۲۶ |
| ناغیست (سندی)، ۲۸۸ | نَجاله، ۲۹۰ | نرکسوس، ۸۰ | نغریل، ۹۶ |
| ناغیشت، ۲۸۹ | نَجَب، ۱۷۴ | نرگس، ۶۷، ۲۹۰ | نغزک (تورانی)، ۶۳ |
| ناغیطارس طوماغا، ۶۵ | نَجَد، ۵۹ | نرنج (فاس)، ۴۰ | نغن خوالان، ۲۸۹ |
| ناغیونس، ۲۵۳ | نجم، ۴۳، ۹۹، ۱۲۹ | نرنسبی، ۶۴ | نَغاخ، ۱۰۸ |
| نافع، ۷۸، ۱۵۲ | نجمه، ۹۹، ۲۱۲ | نَرُوک، ۲۹۰ | نفل، ۱۵۷ |
| نافوخ، ۱۴۶ | نَجیر، ۹۹ | نزار، ۳۸ | نَفلی، ۲۵۳ |
| نافوس، ۱۰۳ | نَجیر (لاتینی)، ۹۹ | نَزک (سجزی)، ۲۶۶ | نَفلی، ۲۹۱ |
| ناکرون، ۲۹۷ | نَجیل، ۹۹، ۲۰۰ | نسترن گل، ۲۹۰ | نقخارس، ۱۶۵ |
| ناکسیر، ۲۸۹ | نَجیل (لاتینی)، ۹۹ | نسج، ۲۶۳ | نقد، ۲۱۰ |
| ناکفف، ۲۸۸ | نَحلیة، ۱۵۵ | نسرین، ۲۹۰ | نقرار، ۹۶ |
| ناککسیر، ۲۸۹ | نَحوفس، ۴۳ | نسرین زرد بری، ۲۹۴ | نقل خواجه، ۱۱۱ |
| ناکمتز، ۲۸۸ | نَحیلک (مازندران)، ۱۲۹ | نسرین زرد بستانی، ۲۹۴ | نقیب (قدس)، ۲۴۲ |
| ناکیس، ۲۸۸ | نخل، ۹۴ | نسرین (مغرب)، ۲۹۴ | نِکاچونی، ۲۹۱ |
| ناکیسر، ۲۸۸ | نخل المقل، ۱۰۹ | نسطوس، ۲۴۰ | نکدبابوی، ۱۵۹ |
| نالیر، ۲۸۷ | نخود، ۱۲۴ | نسلیون، ۷۸ | نکریز (شیرازی)، ۲۳۶ |
| نامی، ۱۵۹ | نخود الوندی (اصفهان)، ۱۶۱ | نسمة، ۲۸۰ | نل، ۲۴۰ |
| نانخواه، ۲۸۹ | نخود دشتی، ۱۲۴ | نشاط افزا، ۲۴۵ | نلک، ۱۶۲، ۲۹۱ |
| نانخواه، ۲۶۲ | نخوشی (شیراز)، ۲۲۲ | نَسانسَه (لاتینی)، ۵۶ | نَلک، ۱۶۲ |
| نانخواه، ۲۸۹ | نَدغ، ۱۹۵ | نشرا، ۱۶۹ | نمام، ۱۱۳، ۱۸۲، ۲۷۹، ۲۹۱ |
| نانخواه (اندلس)، ۲۲۸ | نَدی، ۲۹۵ | نَشَقَقَن، ۸۹ | نمام الملک، ۱۸۲ |
| نانخة، ۲۵۶، ۲۶۲ | نَریسی، ۱۰۱ | نشک، ۲۰۷ | نِم (سند)، ۳۵ |
| نانخة (اندلس)، ۲۸۹ | نَرَنیَس، ۲۹۰ | نَشَم، ۱۰۶، ۱۸۵، ۲۹۰ | نمشک، ۲۹۰ |
| نانکش (نیشابور)، ۸۱ | نَرَنیَس، ۲۴۴ | نَشَم الاسود، ۱۲۷ | نملول، ۲۴۵ |
| نان کلاغ، ۱۲۹ | نَرَنیَس، ۲۴۵ | نشم الاسود (اندلس)، ۲۷۲ | نمیسقن، ۲۵۳ |
| نانوخیه، ۲۸۹ | نَرَنیَس، ۲۵۹ | نَشَم الأَسود (اندلس)، ۱۴۴ | ننعا، ۲۹۰ |
| نایزه، ۹۳ | نَرَنیَس، ۲۵۹ | نَشَک (زابل)، ۱۸۳ | ننوا، ۲۸۹ |
| نبات ازاد، ۱۰۳ | نَرَنیَس، ۲۵۹ | نصی (اندلس)، ۱۳۶ | ننوند (شیرازی)، ۱۱۶ |
| نبات الرعد، ۲۶۰ | نرجس، ۸۰، ۱۸۱، ۲۰۶ | نَضار، ۴۰ | ننهی مائین، ۴۰ |

| | | |
|--------------------------|--------------------------------|------------------------------|
| نیلج، ۱۱۳، ۱۵۹، ۲۱۱، ۲۹۲ | وازنیر، ۱۴۷ | ورد الحب، ۲۵۰ |
| نوارس، ۲۳۳ | واشوه، ۱۲۹ | ورد الحب، ۲۵۴ |
| نوارس، ۲۹۱ | وافلایا، ۶۵ | ورد الحب، ۲۹۴ |
| نواصیر، ۳۰۰ | وانسه، ۴۶ | ورد الحمار، ۴۶، ۲۹۴ |
| نوجی، ۱۰۷ | وانیموروسقلمیوس، ۲۱۸ | ورد الحماق، ۲۹۴ |
| نور مطلبه (فرنگی)، ۱۰۸ | واوزاق، ۱۴۷ | ورد الحمه، ۲۹۵ |
| نوغان، ۴۶ | وایله، ۲۲۵ | ورد الحمیر، ۲۲۳ |
| نوفر، ۲۹۲ | وتلخ، ۲۹۷ | ورد الحمیر (اندلس)، ۲۲۳، ۲۹۵ |
| نوقاقیس، ۲۲۳ | وتورلت، ۴۶ | ورد الذکر، ۱۰۵ |
| نوکانی، ۱۲۱ | وتیرا، ۲۹۴ | ورد الزوان (فاس)، ۱۳۶ |
| نونیاس، ۱۸۹ | وج، ۵۱ | ورد الزوانی (اندلس)، ۱۳۶ |
| نونیناس، ۱۸۹ | وج، ۱۶۵ | ورد الزوانی (اندلس)، ۱۳۶ |
| نونیف، ۱۵۳ | وج، ۲۹۳ | ورد الزینه، ۱۲۹ |
| نهشک، ۲۹۰ | وجائلق (کوهستان و لرستان)، ۱۰۳ | ورد الزینه البری، ۱۲۹ |
| نهشل، ۱۰۳ | وجد (یمن)، ۲۵۱ | ورد الشمس، ۲۹۲ |
| نَهَق، ۷۰، ۱۰۲ | وحشی، ۹۶ | ورد العجار، ۲۹۴ |
| نهق، ۱۰۲ | وحمو (فاس)، ۱۰۲ | ورد الفجار، ۲۹۴ |
| نه کوهی، ۲۲۸ | وخشیزق، ۲۹۳ | ورد الفخصی، ۲۶۵ |
| نَهْمَا (نبطی)، ۲۹۲ | وذع، ۲۹۳ | ورد المجوس، ۲۹۲ |
| نهمنک (ری)، ۱۴۸ | ودود، ۸۶ | ورد بری، ۲۹۴ |
| نُهود القینات، ۵۴ | ودیفرونس، ۲۴۵ | ورد جبلی، ۲۶۵ |
| نی، ۲۴۰ | وڈن، ۲۶۰ | ورد صینی، ۲۹۰ |
| نیاشبرش، ۲۸۲ | وربوعن، ۲۴۹ | ورد متن، ۲۹۵ |
| نیپال، ۲۴۰ | ورحالور، ۲۲۲ | ورد موجه، ۲۹۴ |
| نیروفل، ۲۹۲ | ورد، ۱۱۹ | ورد وفرا، ۱۸۸ |
| نیریون، ۱۴۵ | وزد، ۲۹۳، ۲۹۴ | ورس، ۳۹، ۲۵۵ |
| نیش (فاس)، ۲۸۲ | وردا، ۲۹۳ | وزس، ۲۹۵ |
| نیشق، ۴۱ | ورد ابیض بری، ۲۹۴ | ورسالیون، ۲۵۳ |
| نیشکر، ۲۴۱ | ورد احمر، ۲۹۳ | وزس غنده، ۳۹ |
| نیشوف، ۵۱ | ورد احمر بری، ۲۹۴ | ورشا، ۲۹۵ |
| نیشوق، ۴۱ | ورد احمر بستانی، ۲۹۴ | ورشن، ۲۶۳ |
| نیطافلی، ۲۹۲ | ورد ادرمانا، ۱۰۴ | ورطوری، ۲۹۵ |
| نیفاطوس، ۲۹۲ | ورداد صیادی، ۱۴۶ | ورق الحنا، ۱۱۳ |
| نیقولالراهب، ۶۰ | ورداد صیاری، ۲۹۴ | ورق الخیار، ۲۴۵ |
| نیقولوس، ۹۶، ۱۸۲ | ورد اصفر بری، ۲۹۴ | ورق بارتنگ (شیراز)، ۲۶۹ |
| نیل، ۱۱۳، ۲۱۱ | ورد اصفر بستانی، ۲۹۴ | ورق بنگو، ۷۸ |
| نیل البری، ۲۱۱ | ورد الانهار، ۲۹۲ | ورق زیتون هندی، ۱۹۹ |
| نیل بری، ۱۱۳، ۲۹۲ | | |
| نیلوفر ابیض البری، ۸۰ | | |
| نیلوفر ابیض المانی، ۸۰ | | |
| نیلوفر البرک، ۲۸۰، ۲۹۲ | | |
| نیلوفر الصینی، ۲۹۲ | | |
| نیلوفر القمری، ۲۹۲ | | |
| نیلوفر المجوسی، ۲۹۲ | | |
| نیلوفر ترکی، ۸۰ | | |
| نیلوفر ذهبی، ۲۹۲ | | |
| نیلوفر فارسی، ۸۰ | | |
| نیلوفر مجوسی، ۸۰ | | |
| نیلوفر هندی، ۵۶، ۶۸ | | |
| ۲۲۲، ۲۲۷ | | |
| نیلی (لاتینی)، ۱۹۲ | | |
| نیلی‌یسا، ۲۴۸ | | |
| نیمفا، ۲۹۲ | | |
| نیمفاآ، ۲۹۲ | | |
| نیمفا، ۲۹۲ | | |
| نی نهاوندی، ۲۴۰ | | |
| نینیا، ۲۸۹ | | |
| نی هندو (سجزی)، ۱۴۰ | | |

حرف «و»

| | | | |
|-----------------------|----------------------|-----------------------|-------------------------|
| وریزه، ۹۹ | ول، ۲۵۵ | هَدَس، ۳۱، ۳۵ | هزارجشان، ۲۲۲ |
| وریزک، ۲۹۳ | ولان المکی، ۱۲۰ | هدل، ۱۲۰ | هزار جشان، ۲۹۷ |
| ورینه (تبریز)، ۹۶ | وَلَب، ۲۹۵ | هذوغورون، ۱۴۳ | هزار سفید (شیرازی)، ۱۱۶ |
| وزد، ۲۱۳ | ون، ۸۱ | هَذِيلَة (اندلس)، ۲۹۶ | هزار شاخه، ۲۲۲ |
| وزق، ۱۴۴ | ونا، ۲۵۸ | هَذِيلِيه، ۱۰۶ | هزارفشان، ۲۲۲ |
| وزک (شیراز)، ۲۲۰ | ونجهک، ۲۹۶ | هراس، ۵۹ | هزارکشان، ۲۲۲ |
| وژ، ۲۹۳ | وَنَقَازَف، ۴۱ | هرانیه، ۲۹۶ | هزارگشان، ۲۹۷ |
| وسبطون، ۱۶۵ | ونک (شیراز)، ۲۸۱ | هرتما، ۱۱۳ | هزاره، ۱۰۴ |
| وسریلم (لاتین)، ۱۸۲ | وَنُوشَک، ۸۱ | هَرَجَان، ۲۸۵ | هست چنکهار، ۱۱۸ |
| وسق، ۵۱ | ونیره، ۸۱ | هرد، ۱۶۳ | هَسَک، ۲۱۰ |
| وسمه، ۲۵۱، ۲۹۲ | ونیریون، ۸۰ | هَرْد، ۲۰۸ | هسک آقه، ۲۱۰ |
| وسمه، ۱۳۶، ۲۹۲ | وهل (شیراز)، ۲۰۸ | هرداد (اصفهان)، ۱۱۸ | هسک توم، ۲۱۰ |
| وَسْمَة، ۲۱۱ | وئی ایزه، ۲۱۰ | هردا (صفاهان)، ۱۱۸ | هَسْکَنْقَر، ۲۱۰ |
| وَسْمَة، ۲۹۲ | ویدویک (خوارزم)، ۲۸۶ | هرسه (شیراز)، ۲۶۶ | هشت دهان، ۱۳۶، ۲۹۷ |
| وَسْمَة الذَّکَر، ۲۱۲ | ویطس (لاتینی)، ۴۱ | هرشه (شیراز)، ۲۶۶ | هشار، ۱۱۳ |
| وسندی کیه، ۲۸۲ | وَيُوْذ (ترمذی)، ۲۶۰ | هرطمان، ۲۳۷، ۲۶۳، ۲۹۶ | هشقیقل، ۱۸۸ |
| وسیج، ۲۹۵ | ویُوْذ (بخاری)، ۲۶۰ | هرقلوس، ۲۹۶ | هطاطی، ۲۱۷ |
| وسیل، ۱۸۸ | | هرقلو، ۳۹ | هطی، ۲۱۷ |
| وَشَج، ۵۱ | حرف «ه» | هَرَقْلُوس، ۲۹۶ | هفت، ۱۵۶ |
| وَشَج، ۵۱ | | هرقلوه، ۲۹۶ | هفت برج، ۲۷۵ |
| وَشَج، ۲۹۵ | هانجه، ۲۸۰ | هرقلیون، ۱۸۲ | هفت برگ، ۲۷۵ |
| وَشَفَنَگ (سجزی)، ۸۳ | هاتورا، ۸۸ | هرقولیون، ۱۸۲ | هفت بزج، ۲۷۵ |
| وَشَق، ۲۹۵ | هازَسَنَکْهَار، ۲۹۶ | هرقیلوس، ۲۹۶ | هفت پهلو، ۲۶۹ |
| وشک، ۸۱ | هازان، ۱۱۳ | هَرَم، ۲۰۰ | هفت زرده (شیرازی)، ۲۹۰ |
| وشک (اصفهان)، ۲۲۰ | هازوما، ۱۱۳ | هَرْتُونْد، ۲۹۷ | هلابوروس، ۱۳۰ |
| وشیج، ۹۹ | هاسیمونا (نبطی)، ۲۹۶ | هرنوه، ۲۹۶ | هَلْتی، ۱۷۴ |
| وَشِیج، ۲۹۵ | هال، ۲۳۲، ۲۹۶ | هرنوه، ۲۲۸ | هلدی، ۲۰۸ |
| وَض، ۲۹۳ | هال بوا، ۷۰، ۲۹۶ | هَرْنُوه، ۲۳۸ | هلل (شیرازی)، ۱۲۰ |
| وصف الاسود، ۷۶ | هالم، ۱۰۲، ۱۱۵ | هَرَوَا، ۲۸۶ | هلل مشکک (شیراز)، ۱۲۰ |
| وَطَم، ۲۹۵ | هالوک، ۱۱۸ | هروهره، ۶۸ | هللیسفاقوس، ۵۹ |
| وطه (سند)، ۱۲۰ | هالوک (مصر)، ۶۸، ۲۰۱ | هَره، ۲۹۶ | هلموت، ۱۲۲ |
| وغد، ۷۲، ۸۳ | هالوم، ۱۰۲ | هریتکه (گیلان)، ۶۵ | هلو، ۱۳۹ |
| وَغْد (آفریقا)، ۵۱ | هالینوطس، ۵۹ | هری سمن، ۹۶ | هلهل، ۹۲ |
| وقفص، ۱۸۳ | هامیرون، ۹۵ | هَرزین، ۶۸ | هلیانسه، ۱۸۳ |
| وَقْل، ۲۸۳ | هید، ۱۲۶ | هزار بندک، ۲۱۰ | هلیقون، ۶۸ |
| وقله، ۲۸۳ | هیملیون، ۹۴ | هزارپا، ۲۹۰ | هلیلج، ۶۸ |
| وقواق، ۲۹۵ | هدبات، ۷۰، ۱۰۳، ۱۵۴ | هزار جَسان، ۲۱۵ | هلیلقی، ۶۸ |
| وکونی کرانیس، ۷۳ | ۲۵۶، ۲۴۸ | هزار جَسان، ۲۲۲ | هلیله، ۳۵، ۶۸، ۸۷، ۲۴۹ |

| | | | |
|--------------------------|-------------------------|------------------------|------------------------------|
| هلیله زرد، ۶۸ | هوزید، ۶۸ | هینگ (سجزی)، ۶۵ | یتلاق قرقرون، ۱۷۱ |
| هلیله سیاه، ۶۸ | هوزنی، ۸۱ | هینگ (سند)، ۱۲۱ | یتوع، ۱۰۱، ۱۴۷، ۱۵۷ |
| هلیله کابلی، ۶۸ | هوسفون، ۱۶۵ | هیوازما، ۲۹۰ | ۱۸۴، ۱۹۴، ۲۶۷، ۳۰۰ |
| هلیله کایم (لاتین)، ۲۴۹ | هوفاریقون، ۶۹، ۱۴۱ | هیوز (سوانم)، ۲۰۱ | یتوع، ۲۶۵ |
| هلیله موزیک (شیرازی)، ۶۸ | ۱۵۸، ۱۶۰، ۲۹۸ | هیوسقاموس، ۸۸ | یتوعات، ۱۶۵، ۱۹۴، ۲۰۹ |
| هلیوس، ۲۹۷ | هوفسطیداس، ۲۶۷، ۲۹۹ | هیوفارقون، ۱۹۵ | ۲۲۱، ۲۲۴، ۲۹۵ |
| هلیون، ۱۹۸ | هوف طیداس، ۲۶۷ | هیوفاریقون، ۳۴، ۶۹، ۸۶ | یشون، ۹۳ |
| هلیون، ۲۹۷ | هوفسطیطاس، ۲۶۷ | ۲۸۵، ۲۹۸ | یخصص، ۲۵۳ |
| هملو (سند)، ۱۱۶ | هوفیلوس، ۱۳۴، ۳۸ | هیوفاطاریقون، ۵۴ | یخصص، ۲۵۴ |
| همون، ۲۲۲ | هوفیوسقردن، ۹۸ | هیوفسیطیوس، ۲۷۹ | یدخن، ۱۵۷ |
| همیشه بهار، ۳۷ | هوم، ۲۹۹ | هیوفسطیداس، ۲۶۷ | یدقه (لاتینی)، ۱۳۸ |
| همینا، ۲۷۶ | هوم‌المجوس، ۲۹۹ | هیوقنسطیداس، ۲۶۵ | یدره، ۱۱۳ |
| هنجک (ری)، ۲۴۵ | هوم‌الهرایده، ۲۹۹ | هیوقنسطیداس، ۲۹۹ | یدره، ۲۴۰ |
| هنداوانه (تبریزی)، ۸۲ | هوئغون، ۲۹۹ | هیومافطون، ۲۲۴ | یدره، ۶۲ |
| هندیبا، ۲۹۷ | هیتماره، ۱۱۳ | | یدقه (اندلس)، ۱۳۸ |
| هندبای بری، ۲۹۸ | هیدبوا، ۲۹۶ | | یرالجم (لاتین)، ۲۶۸ |
| هندبای، ۶۶، ۸۴، ۲۸۰، ۲۹۶ | هیده‌نیگره (فرنگی)، ۲۶۶ | | یراع، ۲۴۰ |
| ۲۹۷، ۳۰۱ | هیروم، ۴۳ | یابزوسیون، ۳۹ | یرامع، ۲۹۷ |
| هندبای، ۱۲۰ | هیری، ۱۴۰ | یاس سفید، ۲۰۵ | یربائته، ۶۹ |
| هندبای‌الاجعد، ۱۰۳، ۱۱۹ | هیری ارشق، ۱۴۰ | یاسمون، ۲۹۹ | یربطور الساحلی (اندلس)، ۲۷۴ |
| هندبای‌البتسانی، ۲۹۸ | هیزارما، ۲۹۰ | یاسمین، ۱۰۶، ۱۶۴ | |
| هندبای‌الشامی، ۶۶ | هیزارنا، ۲۲۹ | یاسمین، ۲۹۹ | یربطور الشعراوی (اندلس)، ۲۷۴ |
| هندبای‌بری، ۱۳۹، ۲۹۶ | هیشر، ۱۱۴ | یاسمین البر، ۱۵۹ | |
| ۲۹۸، ۳۰۰ | هیشر، ۲۹۹ | یاسمین بری، ۲۰۵، ۲۴۶ | یربطور (مغرب)، ۷۴ |
| هندبای شامی، ۲۹۸ | هیضمان، ۲۲۳ | یاسمین سفید، ۱۵۲ | یربطوره، ۲۶۲ |
| هندبای (فاس)، ۲۹۷ | هیطومون (نبطی)، ۱۳۰ | یسروح، ۱۳۳، ۱۵۹، ۲۷۰ | یربطوره (لاتینی)، ۷۴ |
| هندبای‌هاشمی، ۲۹۸ | هیغیرس، ۲۶۴ | ۳۰۰ | یربطوره (اندلس)، ۶۶ |
| هندوانه، ۸۲ | هیقلوس، ۳۹ | یتروح الصنم، ۳۰۰ | یربطوره (اندلس)، ۲۰۸ |
| هندوانه ابوجهل، ۱۲۶ | هیگ، ۱۲۱ | ییروح الصنم، ۳۰۰ | یربطوره (لاتینی)، ۳۰۰ |
| هنس‌بدی، ۵۳ | هیگل، ۲۲۶، ۲۲۷ | ییروح الوقاد، ۱۶۸ | یربطه، ۱۰۶ |
| هنکفار، ۵۰ | هیل، ۷۰، ۲۳۲، ۲۹۶ | ییروح الوقاد، ۱۶۸ | یربوز، ۱۶۲ |
| هوارغون، ۵۰ | هیلاسقون، ۱۵۶ | ییروح بری، ۲۷۰ | یربوز (مغرب و فاس)، ۸۴ |
| هواسمه (مصر)، ۷۶ | هیلاتیون، ۱۵۳ | ییروح سریانی، ۲۷۰ | یربوع، ۴۹ |
| هوبیر، ۳۹ | هیل بوا، ۷۰ | ییروح صنمی، ۱۶۸ | یربّه أسلی (لاتینی)، ۲۰۴ |
| هوجویه، ۴۰ | هیلوروش، ۱۳۰ | ییروحی، ۳۰۰ | یربّه اشیلی، ۲۰۴ |
| هودیا، ۲۶۰ | هیل وهال، ۲۹۶ | ییروحی دشینا، ۷۲ | یربه اوناله، ۸۰ |
| هوذاسمون، ۲۹۰ | هین (سند)، ۱۲۱ | ییل، ۴۴ | یربّه اوناله، ۱۴۵ |
| هوره، ۲۶۰ | هینک، ۱۲۱ | ییقیه، ۳۰۰ | یربّه بانکه، ۲۵۷ |

حرف «ی»

| | |
|------------------------|---------------------------------|
| یَمِشاز، ۱۶۲ | یَزَبَه بذلیره، ۱۰۳ |
| یُمَین (اسکندریه)، ۲۱۸ | یَزَبَه بُذلییره، ۱۲۰ |
| یناشته دِیورکه، ۱۵۴ | یَزَبَه بَطْرَه، ۲۵۳ |
| ینبر (اندلس)، ۷۲ | یربه بطره، ۲۹۱ |
| ینبوت، ۱۰۹، ۱۳۲ | یربه دفوفه، ۲۰۵ |
| یَنْبوت، ۱۳۲، ۲۴۷، ۳۰۱ | یَزَبَه دِی فَوْقَه، ۱۵۹ |
| ینبوت زَنکورج، ۱۳۲ | پَزَبَه دِی فَوْقَه، ۲۶۶ |
| ینبوتَه، ۱۰۹ | یربه شانه، ۳۰۰ |
| ینبوع، ۳۰۰ | یربه (شُدْ) یره (لاتینی)، ۹۵ |
| یتون، ۹۷، ۱۶۷ | پَزَبَه غَلَشِکَه، ۱۴۴ |
| ینستاله، ۱۵۴ | یَزَبَه فَشوشکَه، ۴۷ |
| ینستاله، ۱۵۱ | یُزَبَه قَرَجِییره (اندلس)، ۲۹۸ |
| یُنکَه (لاتینی)، ۲۰۹ | یربه قرشته، ۱۰۳ |
| یَنَمه، ۲۶۹ | یُزَبَه مَوْلَه (اندلس)، ۱۵۶ |
| یوس اقطی، ۱۱۰ | یَزَبَه نَقِیْشَه (لاتینی)، ۱۲۱ |
| یوسیمون، ۱۱۳ | پَزَبَه دِی فَوِیْقَه، ۲۰۵ |
| یونجه، ۱۵۵ | یُزَنّا، ۱۲۵ |
| | یُزَنّا (شام)، ۱۲۵ |
| | یریک، ۳۴ |
| | یستهارمک، ۱۷۹ |
| | یش کشکَه (اندلس)، ۱۰۶ |
| | یشمه، ۹۴ |
| | یطااس، ۱۳۶ |
| | یعضید، ۸۳، ۱۳۹، ۲۸۰ |
| | ۲۹۸، ۳۰۰ |
| | یعضید، ۱۴۳ |
| | یعضید بری، ۱۳۳ |
| | یعضید (مصر)، ۲۹۸ |
| | یَعْفَر، ۲۰۴ |
| | یَنَمِیصا، ۱۵۹ |
| | یقطین، ۹۳، ۱۲۶، ۲۳۷ |
| | یکهان بید، ۱۰۶ |
| | یل شیرین (شیراز)، ۲۰۱ |
| | یَنَم (سجزی)، ۲۱۰ |
| | یلنجوح، ۱۷۹ |
| | یمان (اسکندریه)، ۲۱۸ |
| | یمرو، ۳۰۰ |
| | یمور (شام)، ۸۴ |

ضمیمه (۲)

فهرست نام‌های کهن گیاهان داروئی در زبان های مختلف

(عربی، فارسی، یونانی، لاتینی، رومی، محلی، هندی، سریانی، بربری، ترکی)

برگرفته از کتب زیر:

- مخزن الادویه (قرن دوازدهم هجری)
- اختیارات بدیعی (قرن یازدهم هجری)
- حدیقه غسانی (قرن دهم هجری)
- جامع ابن یطار (قرن هفتم هجری)
- تفسیر کتاب دیسکوریدس (قرن هفتم میلادی)
- عمدة الطیب فی معرفة النبات (قرن ششم هجری)
- صیدنه (قرن پنجم هجری)
- الابنیه (قرن چهارم هجری)
- الحاوی (قرن سوم هجری)

فهرست نام‌های کهن گیاهان داروئی در زبان های مختلف

۱ - نام‌های عربی و مغرب

| | | | |
|-----------------------------|-------------------------|------------------------------|----------------------------|
| آبنوس، ۳۳ | ابن، ۳۸، ۸۹ | اذان الفیل، ۲۳۰ | ارقان، ۱۰۵ |
| آذان الأرنّب، ۳۳ | إِنَّ الارض، ۳۸ | اذان القسیس، ۲۴۷، ۲۷۴ | ارقان (مغرب)، ۱۶۶ |
| آذان التیس (اندلس)، ۳۳ | ابن أُوَیر، ۳۸ | اذان القسیس، ۲۴۷ | ارماط، ۴۵ |
| آذان الجداء، ۵۹ | ابهل، ۳۹ | إذخِر، ۴۳ | مرونبی، ۲۶۵ |
| آذان الجدی (دمشق و شام)، ۳۳ | ابهل، ۱۰۵، ۱۴۳ | اذخر، ۱۴۸ | اروسه، ۳۸ |
| آذان الدب، ۳۳ | ابهل هندی، ۳۹ | اذخر (فاس)، ۴۳ | ازرّة الارض، ۲۹۱ |
| آذان الشاة (اندلس)، ۳۳ | ابی الولید، ۱۲۹ | اذناب البقر، ۱۵۴ | ازریول (فاس)، ۳۴ |
| آذان العنز، ۳۳ | ابی ان یموت، ۲۰۴ | اذناب الخیل، ۱۵۴، ۲۱۰ | ازغب، ۹۶، ۱۳۹ |
| آذان الفار، ۳۳، ۶۳ | آئید، ۱۴۳ | اذناب الخیل (شام و شرق)، ۲۶۷ | آسانثوا (مغرب)، ۲۳۱ |
| آذان الفار البری، ۳۳، ۳۴ | ابی رستم، ۱۱۹ | أذن الأرنّب، ۱۱۹، ۲۶۹، ۲۸۱ | آسانثوا (مغرب)، ۲۴۲ |
| آذان الفار البستانی، ۳۳ | ابی مقینة (فاس)، ۲۱۴ | اذن الثور، ۲۲۴ | اسبط، ۲۷۳ |
| آذان الفار الرومی، ۳۴ | ابی یموت، ۱۲۵ | أذن الجِمار، ۴۳، ۱۵۵، ۲۲۴ | استیب، ۴۶ |
| آذان الفار الرومی، ۲۱۸ | أثرُج، ۳۹، ۱۶۲، ۲۷۴ | ۲۵۲ | استبرق، ۴۶ |
| آذان الفستیس، ۳۴ | اثاب، ۲۰۲ | أذن الشاة (اندلس)، ۲۶۹ | اسحارة، ۴۶، ۱۴۰، ۱۸۹ |
| آذان الفیل، ۳۴ | أتابه، ۷۶ | أذن الفار، ۲۷۹ | إسجِل، ۴۶ |
| آزِر (فاس)، ۵۹ | أثل، ۴۰، ۱۷۰، ۲۰۲ | اذن القسیس، ۲۸۱ | اسد الارض، ۴۶، ۱۲۸ |
| آس، ۱۵۹ | أثلق، ۴۰ | اذن الوطواط، ۲۱۰ | ۲۷۵ |
| آس البری، ۲۴۹ | أجاص، ۴۱، ۱۸۴ | أذن غزال، ۲۵۲ | اسد العدس، ۴۷ |
| آس البستانی، ۳۶ | اجاص اصفر، ۱۸۴ | أراک، ۴۳، ۱۶۱، ۲۳۳ | إشرار (مغرب)، ۴۷ |
| آس بری، ۳۶، ۲۸۳ | اجبُزنی (اسکندریه)، ۲۵۴ | ارجاله، ۱۱۷، ۱۲۵، ۲۰۰ | اسرون (فاس)، ۴۶ |
| آس بری (اندلس)، ۱۴۰ | اجرد، ۱۳۹ | ارجان، ۱۶۶ | اسفراج (مغرب)، ۲۹۷ |
| آس بستانی، ۱۵۹ | احباق، ۷۱ | ارجان (مغرب)، ۱۰۵، ۱۶۶ | اسفراج (مغرب و اندلس)، ۲۹۷ |
| آس نبطی، ۳۶ | احداق المرضی، ۵۷ | أزجل الجراد، ۵۸، ۱۶۱ | اسفناج، ۲۹۶ |
| آفواه، ۵۲ | إخریض، ۴۲، ۲۱۰ | أزجوان، ۴۴ | اسفغار، ۱۳۳ |
| آکل نفسه، ۳۷ | احریضه، ۲۳۶ | أُرز، ۴۴ | اسقوردیون جبلی، ۴۸ |
| آلاله، ۳۷ | اخریط، ۱۲۳ | أُرز، ۱۲۶ | اسقوردیون مصری، ۴۸ |
| آلاه، ۳۷ | اخشنة، ۱۰۲ | ارز، ۱۷۰ | أشل، ۴۹، ۱۴۸ |
| آئیس النفس، ۳۷ | اخلة الارض، ۱۰۵ | أُرز الخلیل، ۷۶ | اسنام، ۱۴۸ |
| آنفتها، ۹۱ | اخیون، ۶۸ | أُرزم، ۲۷۷ | آسان الذئب، ۵۰، ۸۴ |
| آء، ۳۳ | أذَرَک، ۴۲ | ارزن هندی، ۱۴۹ | اسنان الفار، ۲۵۹ |
| آباله، ۶۰ | ادقام الغرائق، ۱۲۹ | ارزه، ۱۹۶ | اسود، ۱۷۳ |
| آباء، ۷۵ | اذان الدب، ۲۴۴، ۲۷۰ | ارطی، ۳۷، ۴۴ | اشبنة ألبه، ۷۲ |
| ابر نجمشک، ۲۲۵ | اذان الفار، ۱۱۹ | ارطی صغیر، ۱۵۵ | اشتوان (مصر)، ۷۹ |
| | اذان الفار حقیقی، ۳۴ | | |

| | | | |
|--------------------------|------------------------|--------------------------------|---------------------------|
| اشج، ۵۱ | اصل اللوف، ۲۳۰ | اکل نفسه، ۵۵، ۲۲۴ | الفاضل لِنَفْسَاء، ۱۶۰ |
| أشج، ۲۹۵ | اصل المتک، ۱۸۰ | إکلیل الجبل، ۵۹، ۱۹۳ | الف دینار، ۱۶۰ |
| إشخیص، ۵۱ | اصل التیلوفر هندی، ۲۲۷ | إکلیل المَلِک، ۵۹ | القسینی، ۲۶۶ |
| اشخیص، ۲۷۵ | اصل الوردی، ۱۵۹ | الآس، ۳۵ | القسینی الکبیر، ۲۶۶ |
| إشراس، ۵۱ | اصل امیرباریس، ۳۵ | الإثرار، ۶۱ | الکور (یمنی)، ۲۸۳ |
| أشراس (مغرب)، ۵۱ | اضراس الکلب، ۷۹ | إلب، ۶۰ | المصافق، ۲۴۷ |
| أشق، ۵۱، ۲۳۳ | اطریشیه، ۲۸۰ | البستنی، ۳۴ | المُعین، ۲۷۵ |
| أشق، ۲۹۵ | أظفار الجن، ۵۴ | البطن، ۸۰ | النافع من الرُّثیلاء، ۲۲۳ |
| اشکریه، ۲۸۰ | اعرابی، ۲۷۲ | الجل، ۱۴۱ | النافع من أخلیوس، ۱۴۶ |
| اشکّه، ۱۴۰ | اعتاب السّراة، ۲۱۷ | البهار، ۲۱۷ | الوج، ۲۷۷، ۲۹۳ |
| اشکیل، ۲۱۷ | اغافت، ۵۴، ۹۰، ۱۵۴ | التاجر، ۲۹۲ | الهّادیه، ۱۵۷ |
| أشنان، ۵۲، ۶۹ | اغافت، ۵۴ | التاره، ۳۳ | ام اربعه و اربعین، ۷۹ |
| اشنان العربی، ۵۲ | اغرقونیه، ۲۰۵ | التواء بر التواء، ۲۵۷ | أم الف ورق، ۶۲ |
| اشنان الفارسی، ۱۲۳ | اغلات، ۱۲۱، ۱۴۸، ۲۴۹ | الثّفاء، ۱۱۵ | امجلیه، ۶۷ |
| اشنان القصارین، ۱۲۳ | افانی، ۱۲۳ | الحاج، ۱۲۳ | امرود، ۲۶۱ |
| أشنه، ۵۲، ۱۱۸، ۱۹۲ | افرنجمشک، ۱۵۹ | الحاحی، ۱۲۹، ۱۳۳، ۲۵۶ | أمنطی، ۶۲ |
| اشنه بستانی، ۱۹۲ | افریقیه متتهونه، ۲۸۰ | الحاذ، ۱۲۳ | ام عمر، ۶۲، ۹۶ |
| اصابع الصفّر، ۵۳ | افستین، ۷۷، ۳۲۰، ۱۵۴ | الخرفاء، ۱۰۴ | أم غیلان، ۵۹، ۲۱۷ |
| اصابع العذاری، ۵۳ | ۲۵۸ | الداد، ۱۱۴ | أم غیلان، ۶۲ |
| اصابع الفتیات، ۲۲۵ | افستین البحر، ۱۹۳ | الدوم، ۲۸۳ | أمغیلان، ۶۲ |
| اصابع القینات، ۱۱۳ | افیون، ۵۷ | الرُّقعة الصّخریه (اندلس)، ۱۹۱ | ام غیلان، ۱۹۱ |
| اصابع اللّصوص، ۵۳ | افاحی، ۹۰، ۱۵۵ | ۲۷۱ | أم کلب، ۶۲ |
| اصابع الملک، ۵۹، ۱۶۳ | افاقیا، ۲۳۷ | الرمث، ۱۲۲ | أمّنج، ۶۲ |
| اصابع هرمس، ۱۷۹، ۵۸۰ | أقحوان، ۳۵، ۵۷، ۵۸ | الرّمیّنه (اندلس)، ۲۱۹ | املس، ۱۳۹ |
| اصطّرك، ۵۳، ۲۸۶ | اقحوان البری، ۶۴ | الزنج، ۲۸۷ | أمّوجع الکبد، ۶۳ |
| اصطّرك (شام)، ۱۸۶ | اقحوان العربی، ۱۵۳ | الریح، ۲۷۳ | ام یحیی (شام)، ۱۰۵ |
| اصطفی، ۲۸۶ | اقحوان بری، ۵۷ | الزرقطونا (فاس)، ۷۸ | امیره، ۱۱۰ |
| اصف، ۲۵۰ | اقحوان بستانی، ۵۷ | الزوانی، ۱۳۶ | امیطی، ۶۲ |
| اصل الانجدان خراسانی، ۵۰ | اقراض الملک، ۸۴ | السّرْمَج، ۱۷۰ | انب، ۷۲ |
| | اقرع، ۱۳۹ | السّرْمَق، ۱۷۰ | أئیج، ۶۳ |
| اصل الخثی، ۱۳۸ | اقطن (یمن)، ۲۷۵ | السن، ۱۲۲ | انج، ۲۸۲ |
| اصل الراسن، ۱۵۳ | اکثوث، ۲۵۸ | السنة، ۱۲۹ | انبوب الراعی، ۶۴ |
| اصل السرح، ۳۰۰ | أکرب البحری، ۱۲۲ | السنة العسافیر، ۱۷۸، ۲۶۹ | انبوب الملک، ۶۴ |
| اصل السوس، ۱۸۰ | اکرب الدوری، ۲۵۶ | الصانع الصفّر، ۱۸۶ | انتله، ۱۰۱ |
| اصل السوسن الابیض، ۵۴ | اکرب الرومی، ۲۵۶ | الصینی، ۱۲۹ | انجاص (فاس)، ۲۶۱ |
| اصل القفل، ۲۲۸ | اکرب الشامی، ۲۵۶ | الطّفراء، ۲۰۴ | أنجبار، ۶۴، ۸۷، ۱۵۷، ۲۹۱ |
| اصل القصب، ۲۴۰ | اکرب الكرمانی، ۲۵۶ | الغسل، ۱۲۹ | انجبار النهری، ۲۷۲، ۲۹۱ |
| اصل اللقاح، ۲۷۰ | اکرب الهاشمی، ۲۵۶ | الف، ۲۲۲ | انجدان، ۵۰، ۹۳، ۱۲۱ |

| | | | |
|-----------------------------|-------------------------|-------------------------------|--------------------------|
| أهليلجات، ۶۸ | باقلی، ۷۳ | بردیه، ۳۷ | بزر الخس، ۱۳۳ |
| أیدع، ۲۶۳ | بالکی البارد، ۲۵۹ | بَرسیاوشان، ۱۸۷، ۷۵ | بزر الخشخاش الاسود، ۲۹۸ |
| أیزون الصغیر، ۳۷ | بامیه، ۷۴ | برشف، ۲۴۲ | بزر الخطمی، ۱۳۶ |
| أیزون الکبیر، ۳۷ | بان، ۱۱۱ | بُرشون، ۹۴ | بزر الخمخم، ۹۶ |
| بابونج، ۴۴، ۵۴، ۵۷، ۵۸ | بانوج، ۲۶۱ | بَرغوثی، ۷۸ | بزر الرازیانج الرومی، ۶۷ |
| ۶۴، ۷۰، ۹۱، ۱۲۸، ۲۱۷ | بُنبلیه الاصفَر، ۵۴ | برقوق، ۱۳۹، ۷۶ | بزر الرطبه، ۱۵۵ |
| ۲۳۴ | بحتریه، ۶۷ | برقوق (فاس)، ۴۱ | بزر الريحان، ۱۵۹ |
| بابونج الاسود، ۵۸، ۱۵۳ | بَحْن، ۷۴ | برقه، ۱۰۶ | بزر الريتون البری، ۴۶ |
| بابونج الجبلی، ۵۸ | بحنه، ۷۴ | بِرکان، ۷۶ | بزر السرمق، ۱۷۰ |
| بابونج الحمیر (فاس)، ۵۷ | بَحْره، ۷۴ | برم، ۲۱۷ | بزر السلقي، ۱۷۴ |
| بابونج الخریفی، ۵۸ | بَحور، ۲۴۷ | برنجاسف کوهی، ۵۵ | بزر الشبت، ۱۸۴ |
| بابونج الرومی، ۵۸ | بَحور الأکراد، ۷۴ | برنجان، ۹۶ | بزر العلق، ۱۵۶ |
| بابونج الطلیطلی، ۵۸ | بخور البربر، ۱۷۰ | برنجمشک، ۲۲۵ | بزر الفصفصه، ۱۵۶ |
| بابونق، ۶۴ | بخور البربر، ۱۷۰ | برنق، ۴۴ | بزر القت، ۱۵۶ |
| بابونق (مغرب)، ۷۰ | بَحور السُودان، ۷۴ | برنک، ۴۴ | بزر القتا، ۲۳۳ |
| بابونک، ۷۰ | بخور النبی، ۲۶۶ | برنوف، ۲۱۴ | بزر القثد، ۱۵۶، ۲۳۴ |
| بابونّه، ۶۴ | بخور عایشه، ۱۴۸ | برواق (مغرب)، ۱۳۸ | بزر القداح، ۱۵۶ |
| بابونی، ۷۰ | بخور عایشه، ۲۵۶ | بروق، ۳۷ | بزر القصب، ۱۵۶ |
| بادروج، ۶۸، ۸۴، ۱۱۳ | بخور مریم، ۳۴، ۱۷۰، ۱۸۶ | بُرُون البحری، ۵۵ | بزر القنب، ۲۴۵ |
| بادره، ۲۹۵ | ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۲۷ | برهمن، ۹۲ | بزر الکثن، ۲۵۰ |
| بادرنجان، ۷۲ | بَحور مریم، ۷۴ | بَرّیا مصری (مصر)، ۷۸ | بزر الکراث، ۲۵۲ |
| بادرنجان بری، ۷۲ | بخور مریم (آفریقا)، ۱۳۰ | بربر، ۴۳ | بزر الکرفس البستانی، ۷۸ |
| بادرنجان بری (قدس)، ۱۱۴ | بَدَاشِقان، ۷۵ | بَربر، ۲۳۳ | بزر الکرفس الجبلی، ۷۸ |
| بادرنبویه، ۲۵۷ | بدسکان، ۷۵ | بزاج، ۱۰۴ | بزر الکرنب، ۲۵۵ |
| بادرنبویه بری، ۸۳ | بدشغان، ۷۵ | بَرّازیل القَطَه (آفریقا)، ۳۷ | بزر الکشوث، ۲۵۸ |
| بادرنجبویه، ۸۲ | بدکشان، ۷۵ | بزر اسفناج البری، ۱۱۸ | بزر المرو، ۲۰۹، ۲۸۰ |
| بادرنجویه، ۲۵۷ | بذاشغان، ۷۵ | بزر الانجره، ۶۵ | بزر المط، ۱۵۸ |
| باذرواکوهی، ۷۱ | بذر، ۱۲۶ | بزر البصل، ۸۰ | بزر النمام، ۱۸۲ |
| بَاذَرُوج، ۷۱ | بذر السداب، ۱۶۷ | بزر البطیخ، ۸۱ | بزر الورد، ۲۹۳ |
| باذرود، ۵۸ | بر، ۱۲۶ | بزر البنج، ۸۸ | بزر الهلیون، ۲۹۷ |
| باذنجان، ۷۲ | بُرّ، ۱۲۶ | بزر البنجنکشت، ۴۱ | بزر الهوه، ۹۶ |
| بساذنجان البری (اندلس)، ۲۵۸ | برجی، ۹۶ | بزر الجرجیر، ۱۰۲ | بُرّ بَرْدی، ۷۸ |
| باذنجان بری، ۲۰۷ | برجین، ۹۶ | بزر الجزر البری، ۱۰۳ | بزر خشخاش الأسود، ۱۰۴ |
| بَاذَرُود، ۷۲، ۱۱۴ | بُرّجین، ۲۱۴ | بزر الجزر البستانی، ۱۰۳ | بُرّ قَطونا، ۷۸ |
| بارض، ۹۱ | برد الحریض، ۲۳۶ | بزر الحجرى، ۲۴۳ | بُرّ قَطونا، ۱۶۰ |
| باقلّا، ۷۳ | بردرده، ۲۰۸ | بزر الخبازی، ۱۲۹ | بزر قَطونا، ۱۷۷ |
| باقلای قبلی (مصر)، ۷۳ | برد و سلام، ۲۶۹ | بزر الخَبّه، ۱۲۹ | بزر قَطونا (عراق)، ۷۸ |
| | بردی، ۷۵، ۱۶۷ | بزر الخرفه، ۸۲ | |

| | | | |
|----------------------------|---------------------------|------------------------|----------------------------------|
| بَزْرکَتان، ٢٥١ | بشمه (حجاز)، ٩٤ | بصل بری، ١٥٠ | بقلة الباردة، ١٨٥ |
| بَزْرکَتان، ٢٥١ | بشمه (حجازی)، ١٩٢ | بصل جبّلین، ٨٠ | بقلة البراری، ٨٢، ٨٣ |
| بزر لسان الحمل، ٢٦٩ | بشنین، ٢٧٢، ٢٩٢ | بصل نسرین المروج، ٨٠ | بقلة الحسینیّه، ٨٣ |
| بزشوم (نجد)، ٩٥ | بشنین (مصر)، ٨٠ | بطریون، ٨١ | بَقْلَةُ الحَمَقَاء، ٨٢، ٨٣، ٢٤٧ |
| بزواق (مغرب)، ١٣٨ | بصل، ٨٠، ٩٠، ١٣٨، ٢٧٣ | بَطْم، ١١١، ٨١، ٤٣ | بقلة الحمقاء البریة، ١٢١ |
| بساسة، ١٦١ | بصل الأیض، ٨٠ | بطیخ، ١٤٤، ١٩٠، ٢٧٠ | بقلة الخطاطیف، ٢٠٨، ٢٥٥ |
| بساط الغول، ٢٠٣ | بصل الأکل، ٨٠ | بطیخ اخضر، ٨٢ | بقلة الرّماء، ٨٣ |
| بساط الملك، ٢٩١ | بصل البر، ٨٠، ٣٩ | بَطِیْخ الصخري، ١٢٦ | بقلة الرمل، ٨٢ |
| بسباس، ٧٨، ١٠٧، ٢٢٠ | بَصَلُ البَرّ، ٢١٥ | بطیخ الطویل، ٢٨٥ | بقلة الزهراء، ٨٣ |
| بَسْباس، ١٥٢ | بصل البری، ٤٩ | بطیخ الفلسطینی، ١٢٦ | بقلة السنانیر، ٨٣ |
| بسباس رومی، ٧٨ | بصل الخراسانی، ٨٠ | بطیخ الهندی، ٨٢ | بقلة الضَّبّ، ٨٣ |
| بَسْباسه، ٧٨، ١٠٧، ١٤٢ | بصل الخُرّم، ٨٠ | بطیخ رقی، ٨٢ | بقلة العدس، ٨٣ |
| ١٩٩، ٢٣٨ | بصل الخُصی، ٨٠ | بطیخ سكری، ٨١ | بقلة العروس، ٨٣ |
| بستان الجواری، ٧٨ | بصل الخنزیر، ٨٠ | بطیخ سندی، ٨٢ | بقلة الفارسیه، ٨٣ |
| بستانه، ٥٥ | بصل الخنزیر (فاس)، ٤٩ | بطیخ عقابی، ٨١ | بقلة اللینه، ٨٢، ١٦٢ |
| بستیناج، ٧٩ | بصل الخنزیر (مغرب)، ٤٩ | بَطِیْخ هندی، ٨٢ | بَقْلَةُ المَبَارَكَة، ٨٣، ٨٤ |
| بُسْر، ٩٤ | بصل الذئب، ٨١، ٨٥ | بقرة العین، ١٨٢ | بقلة الملك، ١٨٣ |
| بُسْرَة، ٩١ | بصل الرومی، ٨٠ | بَقْس، ٨٢ | بقلة الیمانی، ٢٥٨ |
| بسفایج، ٥٤، ١٤٤ | بصل الزئر، ٨٥ | بقس البلدی، ٨٢ | بقلة الیمانیة، ١٦٢ |
| بَسِیْلَة، ٩٣ | بَصَلُ الزَّاز، ٨٥ | بقش الکرم، ١٦٠ | بقلة اليهود، ٥٠، ١٢٩، ٢٩٨ |
| بسیل، ١٠٤ | بصل الزیدی، ٨٠ | بقل، ٩٣، ١٠٣، ١٣٣، ١٣٥ | بقلة اليهودیة، ٨٤، ٩٤، ٢٩٦ |
| بسيله، ٩٣ | بصل الزعفران، ٨٠ | ١٥٤، ٢٠٥، ٢٧٤ | بقلة حامضه، ٨٣ |
| بسيلة، ١٠٤ | بصل الزیر، ٨٥ | بَقْل، ١٤٧ | بقلة حمقاء بری، ٣٧ |
| بُشاش، ٧٠ | بصل الزیز، ٨٠ | بَقْلُ الحَمَقَاء، ٨٢ | بقلة حمقاء بریة، ٨٣ |
| بُشام، ٨٠ | بصل السنجار، ٨٠ | بَقْلُ الذَّهَبی، ١٧٠ | بقلة خراسانی، ٨٣ |
| بُشام (آفریقا)، ٧٤ | بصل السوسن، ٨٠ | بقل الذهبی، ٢٤١ | بقلة خراسانیة، ٨٣ |
| بشائق، ٢٤٧ | بصل الصغیر، ٨٠ | بَقْلُ الزَّوْم، ١٧٠ | بقلة دستیّه، ٤٨ |
| بشیش، ١٢٦ | بصل العنصل، ٤٩ | بَقْلُ الزَّوْم، ٢٤١ | بقلة ذهبیة، ١٧٠ |
| بُشْج مائی، ٢٨٠ | بصل الفار، ٤٩ | بقل دمشقی، ٨٣ | بقلة عائشة (اسکندریه)، ١٠٢ |
| بشرمساح (مصر)، ٧٣ | بصل الفارسی، ٨٠ | بقل ریشی، ٨٣ | ١٠٢ |
| بِشَط، ١٤٣ | بصل الفأر، ٨٠، ٢١٥ | بقله (شام)، ١٤٩ | بقلة عربیة، ٨٤ |
| بشکرانی (اندلس)، ٥١ | بَصَلُ الفَأَر (مغرب)، ٤٩ | بقله یمانی، ١٥٥ | بقلة فاطمه، ٨٣ |
| بَشْکَرَانِیّه (اندلس)، ٥١ | بصل القی، ٨٠، ٨١ | بقلة، ٢٦٣ | بقلة فلغلیه، ٢٥٧ |
| بشکرانیة، ٥١ | بصل اللوف، ٨٠ | بقلة اترجیه، ٢٥٧ | بقلة لَیْنَة، ٨٢ |
| بَشْکَرَايِن الاسود، ٥١ | بصل المجوسی، ٨٠ | بقلة الانصار، ٨٢، ٢٥٥ | بقلة مانیّه، ٨٤ |
| بشکل (حجاز)، ٩٥ | بصل النرجس، ٨٠، ٢٩٠ | بقلة الاوجاع، ٨٢ | بقلة مبارکه، ٨٢ |
| بشل (اندلس)، ١٠٦ | بصل النیلوفر، ٨٠ | بقلة الأترجیة، ٨٢ | بَقْلَة یمانیة، ٨٤ |
| بشم الاسود، ٢٧٢ | بصل ألْهَام، ٨٠ | بقلة الأنصار، ٢٥٥ | بقلة یهودیة (اندلس)، ٢٣٦ |

| | | | |
|--|---------------------------|--------------------------|---------------------------|
| بقل یمانی، ۲۰۲ | بَنج، ۸۸ | ۲۴۵ | تَفَاح، ۶۴ |
| بَقْم، ۲۱۵، ۲۷۰ | بنج اسود، ۸۸ | بیضة الارض، ۲۶۰ | تَفَاح، ۹۴ |
| بقم، ۲۱۷ | بنجانی، ۹۶ | بیضة البلد، ۲۶۰ | تفاح الارمنی، ۲۸۲ |
| بِقُول السَّعَال، ۱۸۲ | بنجاین، ۱۰۰ | بیضة النعامة، ۲۶۰ | تَفَاح الأرض، ۶۴، ۷۰، ۱۲۸ |
| بقول الصبیه، ۱۸۳ | بنجَة، ۱۵۰ | بیضی، ۸۰ | تفاح الجمل، ۲۳۶ |
| بقول المانده (مصر، اسکندریه، صقلیه)، ۲۳۵ | بنجین، ۸۸ | بیتلم، ۷۵ | تفاح الجن، ۱۴۹، ۲۷۰، ۳۰۰ |
| بكرش (حجاز)، ۲۱۲ | بُنْدُق، ۸۸، ۱۰۵ | بیتب، ۹۲ | تفاح الذب، ۴۱، ۹۴ |
| بکریز، ۲۷۵ | بُنْدُق هندی، ۵۴، ۵۹، ۸۸ | تاجر الاصف، ۳۴ | تفاح الفارسی، ۱۳۹ |
| بلاد، ۳۴ | ۱۵۵ | تاجر (فاس)، ۳۴ | تفاح ارمنی، ۲۸۲ |
| بلبان، ۲۱۴ | بَنَفَسَج، ۸۹، ۱۲۹ | تاسلقوا (فاس)، ۱۳۲ | تفاح بری، ۹۴، ۱۶۲ |
| بُلبُلِیة الاسود، ۱۵۳ | بنفسج الکلاب، ۱۸۳ | تألب، ۹۳ | تفاح فارسی، ۱۳۹ |
| بلج، ۹۴ | بنفسج اللیل، ۱۶۸ | تبرته، ۲۷۱ | تفاح مانی، ۳۹ |
| بلج، ۹۴ | بُنْکَه، ۳۶ | تبن مکه، ۴۳ | تفاح ماهی، ۳۹ |
| بلیخته (مغرب)، ۸۶ | بواب الحاجب، ۷۸ | تبن مکه (فاس)، ۴۳ | تفاف، ۸۳ |
| بلخیة، ۸۶ | بودال، ۹۶ | تراب القی، ۱۱۴ | تقاء، ۱۱۵ |
| بلسان، ۱۴۳ | بو عَقَاد (فاس)، ۲۱۰ | تراب الهالك (عراق)، ۶۸ | تقده، ۲۵۶ |
| بُلْسَکِی، ۸۶ | بهار ابیض، ۹۰ | تُرید، ۶۰، ۱۵۲، ۱۷۳، ۲۰۳ | تفسیا، ۹۷ |
| بلسکی، ۱۱۸، ۲۷۰ | بهار الاصف، ۳۴ | ۲۴۵ | تفوریة، ۲۱۹ |
| بُلْسَن، ۲۰۷ | بهار البر، ۳۴، ۹۰ | ترید ابیض، ۹۳ | تقده، ۲۵۶ |
| بُلْسَن (مکه)، ۲۰۷ | بهار الریاض، ۹۰ | تریه، ۹۳ | تَقْدَه، ۲۵۷ |
| بلوز الريح، ۲۹۱ | بهار (فاس)، ۲۹۰ | تریه العسل (اندلس)، ۱۰۷ | تَقْدَه، ۲۵۶ |
| بلوط، ۷۷، ۱۶۸ | بَهَج، ۲۸۱ | تُرْس الماء، ۲۹۲ | تقرد، ۲۵۶ |
| بلوط الارض، ۳۷، ۸۶، ۸۷ | بهرامج، ۲۱۰ | ترسی، ۹۳ | تلاد، ۳۴ |
| ۲۶۰ | بهرامج البر، ۱۵۹ | تُرْف، ۹۷، ۱۴۷ | تمتم، ۱۷۵ |
| بلوط الارض، ۸۶ | بهرامج البر، ۲۰۵ | ترفاس (مغرب)، ۲۶۰ | تَمْر، ۹۴، ۲۳۹ |
| بلوط الملك ۸۷ | بهرامة، ۱۳۷ | تُرْمِس، ۹۳، ۱۰۲ | تمر الجوز، ۲۰۵ |
| بلوطی، ۲۲۴ | بَهْم، ۲۱۰ | ترمس الثعلب، ۹۳ | تمر الذهبی، ۳۹ |
| بلیان (مصر)، ۸۷ | بَهَش، ۲۸۳ | ترمس الحجل، ۹۳ | تمر الهندیه، ۳۹ |
| بُلْیَحاء، ۵۹ | بَهَش، ۲۸۳ | ترمس الخنزیر، ۹۳ | تَمْک، ۶۷، ۲۷۴ |
| بلیحاء، ۸۷ | بهقان، ۱۰۲ | تُرْمِس الخنزیر، ۱۵۷ | تملول، ۱۷۵، ۲۴۵ |
| بُلْیَاح، ۸۷ | بُهْماء، ۹۱ | ترنجان، ۸۳، ۱۱۳ | تمنس، ۲۷۷ |
| بُنْ، ۸۹ | بهمن الأحمر، ۲۵۸ | ترنجان الثعلب، ۱۱۷ | تمول، ۲۴۵ |
| بنات الرعد، ۲۶۰ | بهمن أبيض، ۱۰۵ | تُرْنَج (فاس)، ۴۰ | تمیط، ۱۱۴ |
| بنات النار، ۶۵ | بُهْمی، ۹۱ | تریاق نبطی، ۳۰۰ | تمیم، ۲۴۵ |
| بنات أوبر، ۲۶۰ | بیجه، ۱۷۳ | تزلت، ۹۴ | تَنْصَب، ۹۴ |
| بنادق البربر، ۱۰۸ | بیض الاوز، ۹۲ | تشمیز، ۷۹ | تَنْعِیمه، ۹۴ |
| بتومه، ۴۳ | بیض العیار (شام و بغداد)، | تَشْمِیزَج، ۹۴ | تنوب، ۴۴، ۱۹۶، ۲۴۱ |

| | | | |
|--------------------------|-----------------------|---------------------------|---------------------------|
| تَنُوب، ١٩٦، ١٩٧ | ثاقب الحجر، ٧٩ | ثوم الکلب، ٤٨ | جَشْجَات، ١٠١، ٢٤٧ |
| تَنُوم، ٥٩، ١١٢، ٢٩٢ | ثالیل الجنات، ٧٢ | ثوم بری، ٤٨، ٤٩، ٩٨ | جَنَم، ١٢٦ |
| تَنُوم، ٩٥، ٢٠٤ | ثامر، ١٢٢ | ثوم جبلی، ٩٨ | جَحْلَق، ٣٧، ٦٧ |
| تنین، ٢٧٣ | ثَداء، ٩٧ | ثوم ذی الأسنان، ٩٨ | جَحْلِیق، ٦٧ |
| توت الثُّغَلْب، ١٧٩ | ثرمان، ٩٧ | ثوم کُزائی، ٩٨ | جَدَف، ١٧٤ |
| توت الثعلب، ١٧٩ | ثُرْمان، ١٢٣ | ثومية، ٩٨ | جَدَوار، ١٠١ |
| توت الحریر، ٩٥ | ثُرْمَد، ١٢٣ | ثیل، ٩٩، ٩٩، ٢١٢ | جدوار اندلسی، ٦٤ |
| توت العلیق، ٢١٣ | ثُعالة، ٢٤٩ | ثُیَل، ١٢٣ | جراد بحری، ٤٤ |
| توت حامض، ٩٥ | ثُغَب، ٩٧ | جابور، ٩٩ | جراطه، ١٠٢ |
| توت حلو، ٩٥ | ثُغام، ٩٧ | جادی، ١٦٣ | جراطه، ١٢٢ |
| توت لَحْن، ٩٥ | ثغام، ٢٩١ | جار النهر، ٩٩ | جر المشایخ (آفریقا)، ٧٤ |
| توت وحشی، ٩٥ | ثغامه، ٤٨ | جاسه، ٧٣ | جربنة، ٤٣ |
| توجدة (مغرب)، ٨٢ | ثُغَاء، ١١٥ | جامسه، ٧٣ | جربوز، ٨٤ (شام) |
| تودری، ٤٦ | ثغاة، ١١٥ | جامع البُضْع، ١٠١ | جرجار، ١٠٢ |
| توذریج، ٩٦ | ثُلب، ٩٧ | جامع البُضْع، ١٥٧ | جَزْجِر، ٩٣ |
| توز، ١٢٧، ٢٦٤ | ثُلثان، ٢١٤ | جامع اللحم، ١٠١ | جرجر المصری، ٩٣ |
| تومین (لبنان)، ٢٧١ | ثُلثان، ٢١٥، ٢٤٩ | جامول الكتان، ٢٥٨ | جرجر (عراق)، ٧٣ |
| تُوْنِته، ١٧٩ | ثُلثان، ٢١٥ | جامول الكتان (اندلس)، ١٦٧ | جرجیر، ١٠٢ |
| توئمان، ٩٦ | ثُمام، ٩٧ | | جرجیر البری، ٧٠ |
| تیسی، ٢٠١ | ثُمام، ١٥١ | جاوُرس، ١٠٠ | جرجیر الکلاب، ١٠٢، ١١٥ |
| تیفلت (فاس)، ٢٩٧ | ثمر الغالبه، ١٠٨ | جاورس، ١٤٣، ١٥٠ | جرجیر الماء، ١٠٢، ١٥٩ |
| تیمط (اندلس و مغرب)، ٢٢٥ | ثمر الفؤاد (مصر)، ٨٦ | جاورس هندی، ١٠٠ | ١٨٢، ٢٣٥، ٢٥٤ |
| تیمق (اندلس و مغرب)، ٢٢٥ | ثمر شجر الکافور، ٥٤ | جاوروس، ١٠٠، ١٤٣ | جَزْجیر الماء (مغرب)، ٢٣٥ |
| تین، ٦٢، ٩٦، ١٢٢، ١٢٣ | ثمرة الدب، ٢٨٠ | جاوروس هندی، ١٤٩ | جرجیر الهر، ١٠٢ |
| ١٨٤ | ثمرة الکبر، ٢٥٠ | جَبْأ، ٢٦٠ | جرجیر بری، ٧٠ |
| تین آدم، ٦٦ | ثملول، ٢٤٥ | جَبْنَة، ٢٦٠ | جرجیر الشیاطین، ٣٦ |
| تین ابیض، ٨٦ | ثُمَيْلَة (اندلس)، ٤٧ | جبروان، ٦٧ | جرامه، ١٠٣ |
| تین الاحمق، ١٠٥ | ثور، ٢٠٠ | جَبْرَة (مغرب)، ١٠١ | جرمان، ٢٠٢ |
| تین الرحانی، ٩٦ | ثوع، ٩٧ | جبل المساکین، ١٢١ | جریال، ١٠٣ |
| تین الفُجْج، ١٨٤ | ثوم، ٤٩، ٨٠، ٩٨، ١٥٧ | جبل هنج، ١٠١ | جریله خمر، ١٠٣ |
| تین القیل، ١٠٨ | ثُوم، ٩٧ | جَبْلَهْنَج، ١٠١ | جَزَر، ٥٤، ١٠٣ |
| تین أحمق، ١٠٥ | ثوم البستانی، ٩٨ | جَبْلَین، ١١٧ | جزر البری، ٦٠ |
| تین بری، ٩٦ | ثوم الجبلی، ٨٠ | جبن، ١٤٥ | جَزَر البری، ١٤٨ |
| تین جبلی، ٩٦، ١٠٥، ١٢٧ | ثوم الحیه، ٤٨ | جَبْن الثعبان، ٢٧٣ | جزر البستانی، ١٤٨ |
| تین مکه، ٤٣ | ثوم الحیه، ٩٨، ٩٨ | جبن القروء، ٢٧٣ | جَزَر بری، ٥٠، ٢٢٩، ٢٩٠ |
| ثافسِیا (مغرب)، ٩٧ | ثوم الخیة، ٩٨، ١٨٩ | جَبه، ١٠١ | جزمارج، ٢٠٢ |
| | ثوم الضفادع، ٩٨ | جبین جبن، ١٤٥ | جزو اعظم، ٢٤٥ |
| | | جشجات، ٧٦ | جسد، ١٦٣ |

| | | | |
|-----------------------|-------------------------|-----------------------|-------------------------|
| جَطیره، ۱۲۲ | جَلَسَرین، ۱۰۵ | جُنّی، ۱۰۶ | جوز النعاس، ۱۰۹ |
| جَعْد، ۲۵۶ | جلوز، ۸۸ | جَنّی الاحمر، ۲۳۱ | جوز الهند، ۱۰۹، ۲۸۷ |
| جَعْداء، ۱۰۳ | جَلُوز، ۱۰۵ | جنى الاحمر، ۲۴۲ | جوز اليسرو، ۱۰۹ |
| جَعْداء، ۲۵۴ | جُلُوز، ۱۰۵ | جنى العُشر، ۱۳۱ | جَوزبَوّاء، ۱۰۷ |
| جُعْدَه، ۱۰۳ | جَلُوز (مغرب)، ۱۰۵ | جوارى، ۱۴۹ | جوز جنا، ۴۳ |
| جعه، ۲۳۰ | جلیط، ۱۰۵ | جَوْدَر، ۱۰۶، ۲۱۹ | جَوز جَندَم، ۱۰۷، ۱۶۵ |
| جعه کبیر، ۱۰۳ | جلیف، ۱۰۵ | جوز، ۹۴، ۱۰۶، ۲۹۰ | جوز جندم (رقه)، ۱۳۰ |
| جَعْدَه، ۲۸۱ | جلیقی، ۹۶ | جَوز اَرَقَم، ۱۰۷ | جوز داود، ۱۰۸ |
| جَعْدَه الجدران، ۱۰۳ | جُمّار، ۹۵ | جوز الابيض، ۲۹۰ | جوز رومى، ۱۰۸، ۲۶۴ |
| جعه الجدران، ۱۱۹ | جمان، ۱۶۹ | جوز الاكل، ۱۰۷ | جوز زوان، ۱۶۴ |
| جعه القنا، ۷۶ | جَمِجِم، ۱۰۵ | جوز الأَنهار، ۱۰۷ | جوز سودار، ۱۳۹ |
| جعه القنا، ۷۶، ۱۰۴ | جَمَجَوا، ۱۰۶ | جوز الجبل، ۱۰۵ | جَوز مائِل، ۱۰۹ |
| جَعْدَه الماء، ۲۵۴ | جمرة الارض، ۱۰۵ | جوز الحبشه، ۱۰۸ | جوز ماث، ۱۰۹ |
| جعه حرّان، ۲۰۳ | جَمَرَة الارض، ۲۰۱ | جوز الحَمَس، ۱۰۸ | جوز ماثا، ۱۰۹ |
| جعفرى، ۹۶ | جَمَرَة (فاس)، ۳۴ | جوز الدفَع، ۱۰۸، ۱۵۷ | جوز مائل، ۲۷۹ |
| جعفریه، ۲۰۱ | جَمَلَج، ۶۶ | جوز الدُّلب، ۱۴۵ | جوز ماثم، ۱۰۹ |
| جَعْفیل، ۲۰۱ | جَمَیز، ۹۶، ۱۰۵، ۱۵۷ | جوز الرُثَة، ۵۴ | جوز هندی، ۲۸۰، ۲۸۷ |
| جعه، ۱۵۰ | جَمیم، ۹۱ | جوز الرُثَة، ۸۸ | جوزة القروود، ۵۲ |
| جَعِيداء، ۱۰۳ | جنا الاحمر، ۵۸ | جوز الرُقَع، ۱۰۸ | جوك، ۷۱ |
| جَعِيدیَلَه، ۱۰۳ | جناح، ۱۵۳ | جوز الريح، ۱۰۸، ۲۷۱ | جَوَلّی، ۱۴۱ |
| جفت البلوط، ۸۶ | جناح البشر، ۷۳ | جوز الزَّنج، ۱۰۸ | جینه، ۱۰۹ |
| جُفَرى، ۲۴۸ | جناح التیس، ۱۰۶ | جوز السرو، ۱۷۰ | حائِن (اندلس)، ۴۷ |
| جَفَن، ۱۰۴ | جناح الزرزور، ۷۹ | جوز السواك، ۱۰۷ | حاج، ۱۱۰، ۲۰۵، ۲۱۲ |
| جَلّ، ۲۹۴ | جناح النسر، ۱۵۷ | جوز الشیرك، ۱۰۸ | حاذ، ۱۱۰ |
| جَلبان، ۷۹، ۱۰۴، ۱۳۷ | جناح (اندلس)، ۱۵۳ | جوز الطیب، ۱۰۷ | حارز الانهار، ۱۱۰ |
| ۲۳۷، ۲۱۳ | جَنار، ۱۴۶ | جوز العَبْهَر، ۱۰۸ | حارز الماء، ۱۱۰ |
| جَلبان، ۱۰۴، ۲۶۳، ۲۸۱ | جَنّ القَتال، ۱۴۷ | جوز العد، ۱۰۶ | حارس، ۱۱۰ |
| جَلبان البرى، ۵۶ | جنا، ۱۰۶ | جوز العرعر، ۳۹ | حاسیس، ۱۱۱ |
| جلبانه، ۱۳۷ | جَناء الاحمر، ۸۴، ۲۱۱ | جوز القروود (فاس)، ۵۲ | حاشا، ۹۹، ۱۱۰، ۱۹۵، ۲۲۹ |
| جلبوب، ۱۰۳ | ۲۴۲ | جوز القَطّا، ۱۰۷، ۱۰۸ | حاشیش، ۱۱۱ |
| جُلُجَل، ۴۶ | جَنَبَد، ۱۰۴ | ۲۴۹، ۲۹۰ | حافِر المَهر، ۱۷۹ |
| جلجلان، ۱۷۶، ۲۵۷ | جنبه، ۷۵، ۸۹، ۹۷، ۱۰۰ | جوز القى، ۱۰۸، ۱۰۹ | حافظ اطفال، ۲۲۴ |
| جلجلان الحبشه، ۱۰۴ | ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۲۲، ۱۲۵ | جوز الكَوَثَل، ۱۰۹ | حافظ الاجساد، ۴۹ |
| جلجلان (حبشه)، ۱۷۶ | ۱۳۸، ۱۵۳، ۲۴۸، ۲۶۳ | جوز المائل، ۱۰۹ | حافظ الارواح، ۴۷ |
| جلجلان مصرى، ۸۰ | ۲۸۰، ۳۰۰ | جوز المَرَج، ۱۰۹ | حافظ الاطفال، ۵۵، ۲۲۴ |
| جلدان، ۱۰۴ | جَنَبه، ۱۲۲ | جوز المزج، ۲۴۹ | حافظ الأجساد، ۹۸، ۱۸۹ |
| جُلَنار، ۱۰۴، ۱۵۶ | جنطیانا الجرّمقانى، ۱۰۶ | جوز الملك، ۱۰۷ | حافظ الطفل، ۲۲۴ |
| جُلَنار برى، ۲۰۱ | جنطیان الرومى، ۱۰۶ | جوز النسر، ۱۰۹ | حافظ الموتى، ۴۹، ۹۸ |

| | | |
|-------------------------|-----------------------------|-------------------------------|
| حب الصراط، ۲۷۵ | اندلس، ۲۱۵ | حب العریض الورق، ۱۱۳ |
| حب الصنوبر، ۱۹۶ | حب المَحَلَّب، ۱۱۲ | حَبَقُ الفَنی، ۱۱۳، ۲۷۹ |
| حب الصنوبر الصغار، ۱۱۲ | حب الملوک، ۱۱۳، ۱۴۷ | حب القیل، ۲۷۹ |
| حب الصنوبر الکبار، ۱۱۲ | ۲۷۶ | حَبَقُ القَرَنفَلی، ۷۱ |
| حب العرعر، ۴۰، ۲۰۸ | حب الملوک (مغرب و | حب القَرَنفَلی، ۱۱۳ |
| حب العروس، ۲۴۹، ۲۵۰ | اندلس و فاس)، ۲۳۴ | حَبَقُ القَرَنفَلی (فاس)، ۱۸۴ |
| ۲۹۲ | حب المِئْسَم، ۱۱۳ | حب القنا، ۳۴ |
| حب العزیز، ۱۱۲ | حب المِئْسَم، ۲۸۵ | حب الکرمانی، ۱۱۳، ۱۲۲ |
| حب العصفور، ۲۱۰، ۲۳۶ | حب المِئْسَم، ۱۱۳ | حَبَقُ الماء، ۱۹۸ |
| حب الغار، ۱۴۹ | حب النسل، ۴۱ | حب الماء، ۲۲۹ |
| حب الغراب، ۴۲ | حب النشم، ۱۱۱ | حب المُرَد، ۱۱۳ |
| حب الغار، ۱۱۲ | حَبُ النعام (مغرب و | حب المرء، ۲۷۹ |
| حب الفقد، ۴۱ | اندلس)، ۲۲۶ | حب المَغز، ۷۰ |
| حب الفنا، ۲۱۴ | حب النیل، ۱۱۳، ۲۳۷، ۲۹۲ | حب المِتن، ۱۱۳ |
| حب القول (مصر)، ۱۸۶ | حب بلسان، ۱۱۱ | حَبَقَالَةُ (اندلس)، ۱۱۹ |
| حب الفهم، ۸۵ | حَبَقُو (عمان و شحر)، ۱۱۱ | حب بستانی، ۷۹، ۱۲۲، ۲۲۹ |
| حب القنا، ۲۷۹ | حبریان، ۱۱۳، ۱۳۳ | حب ترنخانی، ۷۱ |
| حب القرع، ۲۳۷ | حب سجستانی، ۲۳۲ | حب جلی، ۲۲۸ |
| حب القطن، ۲۴۲ | حب سرم بری، ۱۸۳ | حب قِطاهی، ۱۴۷ |
| حب القلب، ۸۵ | حب سلاطین، ۱۴۷ | حب قرنفل، ۲۲۵ |
| حب القُلْت، ۱۱۲ | حبشَة، ۱۰۴ | حَبَقُ قرنفلی، ۲۲۵ |
| حَبُ القِلْقِل، ۴۵، ۱۱۲ | حب صنوبر صغار، ۲۴۱ | حب کرمانی، ۱۸۳ |
| حب القلقل، ۱۵۸، ۲۸۳ | حب صنوبر کبار، ۲۴۱ | حب مصری، ۱۱۳ |
| حب القُلْقُل، ۲۴۴ | حَبَقُ، ۱۱۳، ۱۵۹ | حب نبطی، ۱۲۲ |
| حب القوقایا، ۱۵۹ | حبَقُ، ۱۲۷ | حب نبطی (شام)، ۱۲۲ |
| حب الکاکنج، ۲۴۹ | حبَقُ، ۲۲۹ | حب کاکنج کوهی، ۱۰۹ |
| حب الکاکنج الجلی، ۱۰۹ | حبَقا (اندلس)، ۱۱۹ | حب المساکین، ۱۱۳، ۲۶۶ |
| حب الکَلْی، ۳۰۱، ۶۳ | حَبَقُ البربری، ۷۱ | ۲۴۰ |
| حب الکَلْی (مصر)، ۶۲ | حب البقر، ۷۰ | حب المساکین (قرطبه)، ۱۱۳ |
| حَبُ الکَلْی (مصر)، ۱۳۲ | حب الترنجانی، ۱۱۳ | حَبَقُ، ۱۴۵ |
| ۱۹۶ | حَبَقُ الثَّمَساح، ۱۹۸، ۲۲۹ | حبوب، ۲۰۱، ۲۹۶ |
| حب الکُمثری، ۲۶۱ | حب الحاحی، ۱۱۳ | حَبَةُ الحَلَو (اندلس)، ۶۷ |
| حب الکنی، ۶۳ | حب الحَرّ، ۱۱۳ | حَبَةُ الخَضِراء، ۸۱، ۱۱۱ |
| حب اللهق، ۲۴۹ | حب الحمامی، ۲۰۲ | ۱۹۸ |
| حب اللهو، ۲۰۶، ۲۱۴، ۲۴۹ | حب الراعی، ۷۶ | حب السفرجل، ۱۷۲ |
| حب اللهو (مغرب)، ۲۱۴ | حب الشیوخ، ۲۸۰ | حبَة السّوداء، ۹۴، ۱۹۲ |
| ۲۴۹ | حب الصعتری، ۱۱۳، ۱۸۳ | |
| حب اللّهُو (مغرب و | حب الصلقلی، ۱۱۳ | |

| | | | |
|-------------------------|-------------------------------|----------------------------------|---------------------------------|
| حَبَّة السَّوْدَاء، ۱۹۲ | حُرْض، ۱۲۳، ۵۲ | حُرْقِيق، ۶۵ | حشیش الغافت، ۵۴ |
| حَبَّة المَسَاكِين، ۲۴۵ | حُرْض صِنِی، ۵۲ | حُرْقِيق الأَمْلَس، ۱۰۳ | حشیش، ۴۴ |
| حَبَّة المَلُوك، ۱۱۳ | حُرْف، ۱۱۵، ۱۳۱، ۲۸۴ | حُرْقِيق الأَمْلَس (اندلس)، ۱۲۱ | حشیشة الارض، ۳۶ |
| حَبَّة حَلَاوَة، ۶۷ | حُرْف اَبِیض، ۴۸ | حُرْقِيق (مغرب)، ۶۵ | حشیشة الافعی، ۱۱۸ |
| حَبِیْقَة (اندلس)، ۱۱۹ | حَرْف اَبِیض، ۱۱۵، ۱۳۰ | حَرِیْمَلَه، ۱۱۷ | حشیشة الأسد، ۱۱۸ |
| حَبِیْقَة، ۱۱۹ | حَرْف البَابِلِی، ۱۱۵ | حُرْنَمَلَة، ۱۱۶ | حشیشة الأفعی، ۱۱۸ |
| حَتَّى، ۲۸۳ | حَرْف البَرِی، ۱۱۵ | حَزَا، ۱۱۷ | حشیشة البَابِلِی، ۴۳ |
| حَثَا، ۹۶ | حَرْف السُّطُوح، ۸۰، ۱۱۵ | حَزَا، ۱۱۷ | حشیشة البَرَاغِیث، ۱۱۸، ۱۴۸ |
| حَثِیل، ۱۱۴ | حَرْف الشَّامِی، ۱۱۵ | حَزَا، ۲۰۰ | حشیشة البَرَاغِیث (شام)، ۱۱۸ |
| حَجَر البَقَر، ۲۹۵ | حَرْف المَانِی، ۱۱۵ | حَزَا، ۱۱۷ | حشیشة البَرَص، ۱۱۸، ۳۶ |
| حَد، ۱۹۱ | حَرْف المَاء، ۱۱۶، ۱۸۲ | حَزَا، ۱۱۷ | حشیشة الثُومِی، ۱۸۹ |
| حَدَج، ۱۲۶ | حُرْف المَاء (مغرب)، ۲۳۵ | حَزَا، ۱۱۷ | حشیشة الثُومِی، ۹۸، ۸۰ |
| حَدَدِی، ۹۲ | حَرْف المَشْرِقِی، ۱۱۵، ۱۱۶ | حَزَا، ۱۱۷ | حشیشة الثُومِیة، ۹۸، ۱۲۲، ۲۷۱ |
| حَدَق، ۱۱۴، ۲۰۷ | حَرْف اَبِیض، ۱۱۵، ۲۷۴ | حَزَا، ۱۱۷، ۱۴۸ | حشیشة الثُومِیة (اندلس)، ۹۸، ۴۹ |
| حَدَقِی، ۶۷ | حَرْف بَابِلِی، ۱۰۲، ۱۱۵، ۱۱۶ | حَزَا، ۱۱۷ | حشیشة الحَلَو، ۱۸۰ |
| حَدِیدِی، ۱۱۴ | حُرْف بَرِی، ۱۱۷ | حَزَا، ۱۱۷ | حشیشة الحُمُرَة، ۲۷۶ |
| حَرَاشَا، ۱۳۱ | حُرْفَلَه (صقلیه)، ۶۷ | حَزْئِیل، ۱۱۷ | حشیشة الحُمَى (آفریقا)، ۲۰۳ |
| حَزَاقَه، ۱۴۰ | حُرْف مَشْرِقِی، ۲۲۸ | حَزْئِیل، ۱۲۳ | حشیشة الحَوْت، ۱۴۳ |
| حَزَا السَّحَر، ۳۵ | حَرْكَة (اندلس)، ۹۱ | حَزَنْبِل، ۲۸۰ | حشیشة الخُرَّاسَانِیة، ۲۹۳ |
| حَرَانِیَه، ۱۰۳ | حَزْمَل، ۴۸، ۸۰ | حَسَار، ۱۱۷ | حشیشة الدَّاحِص، ۱۱۸ |
| حَرَبَا، ۱۲۸ | حَزْمَل، ۱۱۶ | حَسَك، ۳۷، ۱۱۸، ۱۲۴ | حشیشة الدَّم، ۱۱۹ |
| حَرَبَان، ۴۵ | حَرْمَل، ۲۸۶ | حَسَك البَرِی، ۱۱۸ | حشیشة الدُّودِیَه (اندلس)، ۴۸ |
| حَرَبَاء، ۴۶ | حَرْمَل البَلَدِی، ۱۹۱ | حَسَك الجَمَال، ۵۹ | حشیشة الذَّهَبِیَه (اندلس)، ۴۸ |
| حُرْزُت، ۱۱۴ | حَرْمَل عَامِی، ۱۱۶ | حَسَك الفِرَاخ، ۲۱۲ | حشیشة الرَّنَة، ۱۱۹، ۲۰۵ |
| حُرْزُت، ۱۱۴، ۲۷۴ | حَرْمَل عَرَبِی، ۱۱۶ | حَسَكَة (مصر)، ۷۹ | حشیشة الرِّجَاج، ۳۴ |
| حَرَبِیَه، ۱۱۴ | حُرْمَلَه، ۱۱۶ | حَسِیب، ۸۲ | حشیشة الرُّومَانِیَن، ۵۹ |
| حَرَبِیَة، ۲۷۱ | حَزْمَلَة، ۱۱۶ | حَسِین، ۱۴۵ | حشیشة الزَّجَاج، ۳۴، ۱۱۹، ۱۵۹ |
| حَرَز الشَّیَاطِین، ۳۶ | حَزَواعِظ، ۲۴۵ | حَشَف، ۲۸۳ | حشیشة السَّعَال، ۱۱۹، ۱۷۱ |
| حَرَشَا، ۱۳۰ | حَرِشَاء، ۱۵۷ | حَشَوِی، ۲۲۶ | حشیشة السَّلْحَا (شام)، ۳۷ |
| حَرَشَاء، ۱۱۴، ۱۳۰، ۱۳۳ | حَرِشَه، ۱۱۴ | حَشِش، ۲۴۵، ۷۸ | حشیشة السَّلْحَا (شام)، ۳۷ |
| حَرَشَف، ۱۰۶، ۱۳۳، ۲۱۰ | حَرِشَه، ۱۵۷، ۱۵۹ | حَشِش الأَعْظَم، ۱۵۶ | حشیشة السَّلْحَا (شام)، ۳۷ |
| حَرَشَف، ۲۶۵ | حَرِطَه، ۳۵ | حَشِش الدَّوَاب (مصر و شام)، ۲۹۶ | حشیشة السَّلْحَا (مصر)، ۳۷ |
| حَرَشَف، ۲۶۷ | حَرِیف الِامْلَس (اندلس)، ۱۲۱ | | |
| حَرَشَف البَرِی، ۱۱۴ | حَرِیق، ۶۵ | | |

| | | | | |
|-----|------------------------------|---------------------------|--------------------------|-----------------------------------|
| ۱۳۱ | حشیشة السِّلَخفَاة، ۶۰ | حَلَاب، ۱۲۰ | حماض الارض، ۱۲۳ | حَمَصِصُ الترف، ۱۲۲ |
| | حشیشة السنبِل الرومی، ۱۴۱ | حَلَّالَات، ۱۲۶ | حماض الارنب، ۱۲۳ ۵۵ | حمض، ۱۴۷، ۱۴۴، ۵۲ |
| | حشیشة السَّوَاقِی (مغرب)، ۹۵ | حَلَاوی، ۶۷ | حماض البری، ۱۲۳ | حَمَض، ۵۲ |
| | حشیشة الشَّرک، ۸۸ | حَلْب، ۱۲۲ | حماض البقر، ۱۲۳ | حَمَض، ۶۶، ۹۷، ۱۱۰، ۲۸۴، ۲۵۰، ۱۵۵ |
| | حشیشة الصفراء، ۲۰۸ | حَلْبَاب، ۱۲۲ | حماض الجبلی، ۱۵۹، ۴۰ | حِمَض، ۱۳۹ |
| | حشیشة الطحال، ۱۶۰، ۱۱۹ | حَلْب التیسی، ۱۲۲ | حماض الحسکی، ۱۲۲ | حِمَض، ۱۵۸ |
| | حشیشة الطلق، ۱۲۰ | حِلْنَاب، ۱۲۲ | حماض السبخی، ۱۲۲ | حمض الابل، ۱۲۳ |
| | حشیشة العُقرَب، ۱۹۴ | حلبوب، ۱۳۶، ۲۶۶ | حماض السواقی، ۱۲۲ | حَمَلَة، ۱۲۳ |
| | حشیشة العَلَق، ۱۲۰ ۶۳ | حَلْبُوب (اندلس)، ۱۲۱ | حماض الشامی، ۱۲۲ | حَمَیْش (فاس)، ۵۹ |
| | حشیشة الغافث، ۲۱۹ | حلبوب غیر منقط، ۱۲۱ | حماض الماء، ۱۲۲، ۱۲۳ | حَمَیر، ۱۵۵ |
| | حشیشة الفَرَج، ۱۲۰ | حَلْبَة، ۱۲۰ | حماض بزرگ، ۲۷۴ | حمیراء، ۳۸ |
| | حشیشة الفقراء، ۲۴۵ | حَلِیب، ۱۲۱ | حماض بستانی، ۱۲۳ | حَمَیراء، ۱۵۵، ۳۸، ۱۹۰ |
| | حشیشة الکبد، ۱۲۰ | حَلِیت، ۱۲۱ ۶۵، ۱۲۱، ۲۹۵ | حماض جبلی، ۱۵۹ | حَمَیراء، ۱۲۵ |
| | حشیشة الکلاب، ۲۸۰ | حَلِیت، ۱۲۱ | حَمَاض حَسَکِی، ۷۶ | حَمَیْط (فاس)، ۱۲۲ |
| | حشیشة الکلب، ۲۸۰، ۲۲۴ | حَلْجَال (مغرب و فاس)، ۴۷ | حماض حسکی، ۱۵۹ | حَناء، ۱۲۵ |
| | حشیشة اللِّجَاة، ۶۰ | حَلْجَل، ۲۵۱ | حماض کبیر، ۱۲۲ | حَناء القَوْلَة (مصر)، ۳۸ |
| | حشیشة اللِّجَاة (شام)، ۳۷ | حَلْفَا، ۱۲۱ | حماض نیری، ۱۲۳ | حنامشه، ۱۹۳ |
| | حشیشة المَعْدِن، ۱۲۰ | حَلْفَاء، ۳۷ | حَمَاط، ۱۲۳، ۱۵۰ | حناء الجبلیه، ۱۲۵ |
| | حشیشة المَقْدَسَة، ۶۹ | حَلْفَاء، ۱۴۸، ۲۰۴ | حَمَاما، ۱۲۴ | حناء الرُّعَاة، ۱۲۵ |
| | حشیشة المُکَرَّمَة، ۶۹ | حَلَق، ۱۲۲ | حَمَامِی، ۷۳ | حناء الغول، ۳۸ |
| | حشیشة النِّجَاة (شام)، ۳۷ | حَلَمَة، ۱۲۲، ۱۶۳ | حَمَامِی، ۱۵۶ | حَناء الغولَة، ۱۲۵ |
| | حشیشة دودیة، ۱۱۹ | حَلَوَانه، ۶۷ | حَمِجَم، ۲۵۲ | حناء القْرِیش (مصر)، ۱۱۷ |
| | حَضَض، ۱۲۰، ۱۷۴، ۲۳۱ | حَلُوه، ۶۷ | حَمْجَم (شام و شرق)، ۲۶۸ | حناء المَجْنُونه، ۱۲۵ |
| | حَضَض هندی، ۲۳۱ | حَلَة، ۱۲۲، ۱۸۴، ۲۷۱ | حمر، ۱۲۴، ۹۵ | حناء المَرُوج، ۱۲۵ |
| | حَضَض یمانی، ۱۲۰ | حَلِی، ۹۷ | حَمَص، ۷۶ | حناء قْرِیش، ۱۱۷ |
| | حَطَب، ۱۸۸ | حَلِی، ۱۲۲ | حِمَض، ۱۲۴ | حناء معجون، ۲۹۲ |
| | حَطَب الفَتَح، ۲۶۵ | حَلِیق، ۶۰ | حِمَض الامیر، ۱۱۸ | حَنَدَقُوقَا، ۱۵۰، ۲۰۳، ۲۹۱ |
| | حَطْبَة، ۴۶ | حَلِیلَة، ۵۴ | حِمَض الامیر، ۱۱۸ | حندقوقا مصری، ۲۹۱ |
| | حفا، ۷۵ | حَمَاجِم، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۸۴ | حِمَص الامیر (مغرب)، ۱۱۸ | حندقوقی، ۱۵۲، ۲۷۲ |
| | حَقَا، ۷۵ | حَمَاص بحری، ۲۰۱ | حِمَص الامیر، ۱۲۴ | حَنَدَقُوقِی، ۲۰۸ |
| | حَفُوظه (عجمیت اندلس)، ۱۹۱ | حَمَاض، ۸۳، ۹۷، ۲۶۶، ۲۶۹ | حِمَص الامیر (مغرب)، ۱۱۸ | حَنَدَقُوقِی (بغداد)، ۱۵۰ |
| | حِفْزُول، ۱۲۷ | حَمَاض، ۱۲۴، ۱۷۴ | حِمَص البری، ۱۱۸ | حَنَزَاب، ۵۰ |
| | حَقْل، ۱۲۶ | حماض الاترج، ۱۲۳ | حِمَص بری، ۱۲۴ | حَنَشِی، ۲۷۳ |
| | حَل، ۱۷۶ | حماض الاجامی، ۱۲۲ | حِمَص بستانِی، ۱۲۴ | حَنطه السوداء، ۱۹۴ |
| | | ۱۲۳ | حِمَصِی، ۲۹۱ | حَنطه رومیه، ۱۳۹ |
| | | | حَمَضِیض، ۱۲۴ | حِنَطَة، ۱۲۶ |
| | | | | حَنطه، ۱۵۱، ۱۵۷ |

| | | | |
|-------------------------|----------------------------|-------------------------|--------------------------|
| حنطة البرية، ۱۲۶ | ۶۹ ۱۹۲، ۲۰۴، ۲۷۴، ۲۸۱ | خِبازى شقایقى، ۱۲۹ | خَرْزَقَة، ۱۳۱ |
| حنطة الحبشيه، ۱۲۶ | حى العالم، ۳۷ | خِبازى قُرطى، ۱۲۹ | خَرْطال، ۹۱، ۱۲۶ |
| حِنطَة الرميه، ۱۳۹، ۱۲۶ | حیربول (اندلس)، ۵۸ | خِبز الغراب، ۵۷، ۵۸ | خرطال (فاس)، ۲۳۷ |
| حنطة السداب، ۱۲۶ | حى عالم، ۱۶۱ | خِبز الغراب (اندلس)، ۹۰ | خرطال (مصر)، ۱۲۷ |
| حنطة الفارسى، ۱۷۳ | حَيَهْل، ۱۲۳ | خَبَز القُرود، ۷۵، ۱۳۰ | خرطان، ۸۸ |
| حنطة الفارسيه، ۱۲۶ | خابور، ۱۳۸ | خِبز الكلب، ۲۶۷ | خَرْفَع، ۱۳۱ |
| حنطة جبلية، ۱۴۷ | خارسوهك، ۱۱۸ | خِبز المشايخ، ۱۳۰ | خَرْفَق، ۱۳۱ |
| حنطة روميه، ۱۳۹ | خافور، ۱۰۲، ۱۲۷، ۱۴۳ | خِبز رومى، ۱۳۰ | خَرْفى، ۱۰۴ |
| حنطة صغيرة، ۱۷۳ | ۲۸۰ | خَبْه، ۱۲۹ | خِرْق، ۲۸۰ |
| حَنْظَل، ۸۱، ۱۲۶، ۱۸۷ | خاليدونيون ذو الخطافى، ۱۲۷ | خَبِيْزَة صغيرة، ۱۳۰ | خُرم، ۱۳۱ |
| ۲۱۳ | | خَنْزِق، ۵۵ | خرم، ۱۶۹ |
| حَنْظَل، ۱۲۶ | خاماذفى، ۱۴۹ | ختم الملك، ۱۶۷ | خرمازق، ۲۰۲ |
| حَنْظَل رومى، ۱۰۶ | خامالون ابيض، ۲۷۵ | ختمى برى، ۲۱۱ | خَرْنوب، ۱۳۲ |
| حنوه، ۳۴ | خامالون الأسود، ۱۲۸ | خداع الرجال، ۸۸ | خَرْنوب، ۱۳۲ |
| حَنْوَه، ۳۴، ۱۵۹ | خامشه، ۱۲۸ | خِذْراف، ۹۹ | خرنوب، ۱۳۲، ۲۴۱ |
| حَنْوَه، ۱۵۹ | خائق الذئب، ۱۲۸ | خِذرفات، ۱۲۳ | خرنوب الخنزير، ۱۳۲ |
| حنیق زنبق، ۲۹۰ | خائق الذباب، ۵۵ | خراز الماء، ۲۰۰ | خرنوب الخنزير (مصر)، ۶۳ |
| حنين، ۱۴۵ | خائق الكرسته، ۶۸ | خراطين، ۱۲۳ | خرنوب الشوك (شام)، ۱۳۲ |
| حَوَاء البقر، ۲۹۸ | خائق الكرسته، ۲۰۱ | خرافة العجوز، ۲۶۹ | خَرْنوب الكَلْب، ۶۲ |
| حَوْجَم، ۲۹۴ | خائق الكلاب، ۹۳، ۱۲۸ | خُراء النواتية، ۲۴۸ | خرنوب المعزى، ۱۳۲ |
| حَوْذان، ۱۲۷، ۲۵۹ | خائق الكلب، ۴۲، ۱۲۸ | خريع، ۱۱۴ | خرنوب المِعزى (شام)، ۳۰۱ |
| حوذان، ۱۵۳، ۲۷۳ | ۲۳۱ | خَرْزِق، ۱۳۰ | |
| حَوْر، ۱۲۷ | خائق النمر، ۵۱، ۱۲۸، ۲۳۸ | خَرْبِق اسود، ۱۲۹، ۱۳۰ | خرنوب شامى، ۱۳۲ |
| حَوْر، ۱۲۷ | خائق التمر، ۱۲۸ | ۱۲۹، ۱۵۳، ۲۵۹ | خرنوب مصرى، ۱۳۲ |
| حور اسفیدان، ۷۸ | خائق نفسه، ۲۳۲ | خريق أبيض، ۱۳۰ | خرنوب نبطى، ۱۳۲، ۳۰۱ |
| حَوْر الرومى، ۵۵ | خَب، ۱۴۰ | خَرْدل، ۱۳۰ | خرنوب هندى، ۱۴۰ |
| حور الرومى، ۱۰۹، ۱۲۷ | خَبَّاز، ۲۸۴ | خردل، ۱۵۳، ۱۸۹ | خرو الحمام، ۱۳۰ |
| حور رومى، ۱۲۷ | خَبَّازى، ۱۲۹ | خردل الابيض، ۱۱۵ | خرو الضفادع، ۲۰۰ |
| حوز، ۱۲۷ | خِبازى، ۱۲۹، ۲۸۴ | خردل البر، ۱۳۰ | خَرْوب، ۱۳۲ |
| خُوك، ۷۱ | خِبازى الاسود، ۱۲۹ | خردل الفارسى، ۱۱۵ | خروب، ۱۳۲ |
| خوك، ۱۱۳ | خَبَّازى الجَبَلِى، ۱۲۹ | خردل برى، ۱۰۲، ۱۱۴ | خَرْوب الخنزير، ۱۹۶، ۲۷۱ |
| خوك، ۱۹۸ | خِبازى السبخى، ۱۲۹ | ۱۱۶، ۱۳۱، ۲۶۶ | خَرْوب السَّنَط، ۱۹۱ |
| خَوْمانه، ۱۵۲ | خِبازى الصقلى، ۱۲۹ | خردل فارسى، ۱۳۱ | خروب السودان، ۱۳۲ |
| خومانه، ۲۰۳ | خَبَّازى الفارسى، ۱۲۹ | خردل فارسى (دمشق)، ۱۳۰ | خَرْوب الشامى، ۱۳۲ |
| خومانه (آفريقا)، ۲۰۳ | خَبَّازى الماكول، ۱۲۹ | | خروب الشوك، ۱۳۲ |
| خومر، ۱۲۴ | خَبَّازى المجوسى، ۱۲۹ | خرز الملوک، ۲۱۴ | خروب العريض، ۳۰۱ |
| حى، ۳۷ | خِبازى الهندى، ۱۲۹ | خِرْزَع، ۱۶۳ | خَرْوب النبطى، ۱۰۹ |
| حى العالم، ۳۴، ۳۷، ۶۴ | خِبازى حَمَقاء، ۱۲۹ | خَرْزَل، ۱۳۱ | خروب النبطى، ۳۰۱ |

| | | | |
|-------------------------|--------------------------|-----------------------|---------------------------|
| خزوب الهندی، ۱۴۰ | خشخاش المَقْرَن، ۱۳۴ | خطمی بری، ۱۳۶، ۱۸۷ | خوخ قلیق استه، ۲۳۲ |
| خزوب الهندی، ۱۴۰ | خشخاش المَقْرَن، ۲۷۶ | خطمیة البيضاء، ۱۲۹ | خوشان، ۱۲۳ |
| خزوع، ۱۳۳، ۲۰۳ | خشخاش اليهودی، ۱۳۴ | خلاف، ۵۴، ۱۷۱ | خوص (مصر)، ۷۵ |
| خزوع الاسود، ۲۸۷ | خشخاش أبيض، ۱۳۴ | خلاف، ۱۳۶ | خوص (مغرب)، ۲۰۸ |
| خزوع الصفادع، ۲۰۰ | خشخاش أسود، ۱۳۴ | خلاف بلخی، ۱۳۷، ۱۵۹ | خوصه (اندلس)، ۲۷۲ |
| خزوع صینی، ۱۴۷ | خشخاش بحری، ۱۳۵ | خلاف (شام)، ۱۳۶ | خولان، ۱۲۰ |
| خزیر، ۴۲ | خشخاش بری، ۱۳۴ | خلال، ۲۸۲ | خولَع، ۱۲۶ |
| خزیر، ۵۷، ۲۰۹، ۲۱۰ | خشخاش بستانی، ۱۳۴ | خلال مامونی، ۴۳ | خوم، ۱۴۰ |
| خزیر، ۱۳۳ | خشخاش زَبَدی، ۱۳۵ | خَلَر، ۱۰۴ | خویصه مصفر (اندلس)، ۲۷۲ |
| خَزْء الحَمَام، ۱۳۰ | خَشْخاش سائل، ۱۳۴ | خَلَر، ۱۳۷ | |
| خزوالحمام (رقه)، ۱۰۷ | خشخاش مَقْرَن، ۱۳۵ | خَلَص، ۱۳۷ | خیار شنبر، ۱۴۰ |
| خُزامی، ۱۴۰، ۱۹۳، ۲۶۸ | خشخاش مثور، ۱۳۵ | خلنج، ۱۱۰ | خیار صنبور، ۱۴۰ |
| خَزَم، ۱۳۳ | خشل، ۲۸۳ | خَلَنج، ۱۳۷ | خیار (عراق)، ۲۳۴ |
| خَس، ۱۳۳ | خَصی الثعلب، ۸۰، ۸۹ | خَلَوانی (اندلس)، ۲۴۶ | خیر مِنْ أَلَف، ۱۷۹ |
| خَس، ۲۸۰ | ۱۳۵، ۱۵۲ | خَلُوق، ۱۶۳ | خیر من أَلَف درهم، ۱۷۹ |
| خَس، ۲۹۷ | خُصی الثُغْلَب، ۱۳۵، ۲۰۳ | خَلُوقه، ۲۶۱ | خیری، ۲۸۵، ۲۹۲ |
| خَسا، ۱۰۲ | ۲۴۶ | خَلَّة، ۱۳۷ | خیری ازرق، ۱۶۸ |
| خس الارنب، ۱۳۳ | خَصی الادیك، ۱۳۵ | خمان الأرض، ۱۳۸ | خیری اصفر، ۱۶۸ |
| خَس الاسود، ۱۳۳ | خَصی السمور، ۱۳۶ | خمان الصغیر، ۱۳۸ | خیری الاحمر، ۷۹ |
| خس الحمار، ۳۸، ۹۴، ۱۳۴ | خَصی القط، ۱۳۵ | خمان الکبیر، ۱۳۸ | خیری الاصفر، ۱۴۰ |
| خَس الحِمار، ۳۸، ۴۳، ۶۸ | خُصی الکلب، ۸۰، ۱۳۵ | خِمْنِجِم، ۶۳ | خیری البر، ۱۳۳ |
| ۱۳۳، ۲۹۶ | خَصی الهِر، ۱۵۰ | خمنخم، ۱۳۸ | خیری البر، ۱۴۰ |
| خس الحمار (فاس)، ۱۳۳ | خُصی هرمس، ۱۲۱، ۱۳۶ | خَمَر، ۲۰۲ | خیری الماء، ۱۴۰، ۲۷۲ |
| خس الفدان، ۱۳۳ | خَصِر، ۱۶۴، ۱۹۴ | خَمْضِض، ۱۲۲ | خیری (بغداد و موصل)، ۲۱۱ |
| خس الکلب، ۱۴۹ | خِضلاف، ۱۵۷، ۲۸۳ | خَمَط، ۵۵، ۱۴۵ | |
| خس بری، ۱۳۳ | خُضیراء، ۱۵۹، ۲۷۵ | خمل، ۱۷۹ | خیری جبلی، ۱۳۳، ۲۶۸ |
| خَس بستانی، ۱۳۳ | خَطَّار، ۲۵۱ | خَشی، ۳۷، ۵۱، ۸۰، ۸۶ | خیزران، ۱۴۰ |
| خسران، ۷۹ | خَطَّافی، ۱۲۷ | ۱۳۸ | خیزران البلدی (اندلس)، ۳۶ |
| خسف، ۱۰۶ | خِطَر، ۱۲۵، ۲۹۲ | خشی الصخریه، ۱۳۸ | |
| خسفی، ۳۰۰ | خَطَر، ۱۳۶ | خنج، ۱۳۱ | خیزران بلدی، ۱۴۰ |
| خشب الحیه، ۲۹۷ | خِطَر، ۲۵۱ | خنداقل (مصر)، ۱۰۴ | خیزو (مراکش)، ۱۰۳ |
| خشب الصینی، ۱۰۶ | خِطَره، ۱۳۶ | خَنَدروس، ۱۲۶، ۱۳۹ | خینوس، ۱۹۳ |
| خشخاش، ۱۳۴، ۱۸۸ | خطمی، ۱۲۹، ۲۱۶ | خندروس، ۱۳۹، ۲۰۱ | خیوز (سوانم)، ۲۰۱ |
| خشخاش احمر، ۱۳۴ | خِطَمی، ۱۳۶ | خنزیری (مصر)، ۲۷۲ | دائم العطش، ۱۴۸ |
| خشخاش اسود، ۱۳۴ | خطمی الازغب، ۱۲۹ | خوخ، ۱۳۹ | داج، ۱۴۳ |
| خشخاش البری، ۱۳۴ | خطمی الرومی، ۱۲۹ | خوخ الماء، ۱۱۵، ۱۳۹ | داد الأبیض (اندلس)، ۵۱ |
| خشخاش الزَبَدی، ۱۰۰ | خطمی المروج، ۱۲۹ | ۲۷۲ | داد الأسود، ۵۱ |
| خشخاش الساحلی، ۱۳۴ | خطمی النهري، ۱۲۹ | خوخ المروج، ۲۴۳ | داد الوحید (آفریقا)، ۵۱ |

| | | | |
|-------------------------|--------------------------|-------------------------------|---------------------------|
| دادی، ۲۰۴ | دَزیاس، ۱۴۵ | دوقس (شام)، ۱۱۸ | ذَفلی، ۱۴۵ |
| داذی الرومی، ۲۹۸ | دریاس (فاس)، ۶۵ | دوقسو، ۱۰۳، ۱۱۷، ۱۴۸ | ذُکار، ۹۶ |
| داذی رومی، ۱۴۱ | دریاس (مغرب)، ۹۷ | ۱۸۸، ۲۲۸، ۲۵۶ | ذکر الارض، ۹۲ |
| دار المرز، ۶۵ | دستنبو، ۱۴۴ | دوقوالاحرش، ۱۰۳، ۱۴۸ | ذَکَر الدیک، ۱۵۰ |
| دارصینی، ۲۳۸ | دَسَم الشجر المرّ، ۲۸۶ | دوقو الرومی، ۱۰۳ | ذکر الرئيس، ۱۳۵، ۱۵۰ |
| دار صینی الدون، ۱۴۱ | دسم الصوف الوذج، ۱۶۵ | دوقو القراذی، ۱۰۳ | ذکر الکلب، ۱۵۰ |
| دارصینی حبشی، ۱۴۱ | دسیسه (مصر)، ۵۶ | دوقو القَراذی، ۱۰۳ | ذَکَر الهَرّ، ۸۰، ۲۰۱ |
| دارصینی زور، ۱۴۱ | دشینه، ۱۹۷ | دوقو املس، ۱۴۸ | ذکور البقل، ۱۴۴ |
| دار فُلُقُل، ۲۲۷، ۳۶ | دُعاع، ۱۴۵ | دوقو بری، ۱۴۸ | ذَنب الأُیَل، ۲۸۷ |
| دارکسنه (عراق)، ۲۴۹ | دُعُبوب، ۱۴۵ | دوم، ۱۵۷، ۱۶۸، ۲۸۳، ۲۸۴ | ذنب الثعلب، ۱۸۱ |
| دارکیسه، ۱۹۹ | دُعُلول، ۱۴۵ | دوم (مغرب)، ۲۰۸ | ذَنب الجَمَل، ۱۲۶ |
| دارکیسه (شام)، ۱۰۷ | دَفلی، ۳۷ | دومه، ۲۸۳ | ذنب الحِدَاة (اندلس)، ۲۳۱ |
| دارکیسه، ۱۴۲ | دِفلی، ۳۷، ۱۴۵ | دوبره، ۲۷۳ | ذَنب الحُرُوف، ۱۵۱ |
| دارکیسه (شام)، ۱۹۹، ۲۴۹ | دَفلی البیضاء، ۱۴۵ | دیس، ۴۳، ۷۸، ۱۴۸ | ذنب الخیل، ۵۰، ۶۲، ۲۶۷ |
| دافع الغم، ۱۱۳ | دَفلی الخضراء، ۱۴۵ | دیس (اندلس)، ۵۰، ۱۷۵ | ذَنب الخَیَل، ۵۰، ۱۵۱ |
| دائج أبروج، ۱۴۲ | دِق، ۱۴۳ | دیک الاعمی، ۱۱۸ | ذنب السَّیْع، ۱۵۱ |
| داء الحیه، ۱۰۶ | دُلّاع، ۸۱، ۸۲ | دیک الاغور، ۱۱۸ | ذَنب العقرب، ۱۵۱، ۱۵۲ |
| دَب، ۲۹۱ | دلاع البری، ۱۲۶ | دیک (اندلس)، ۱۴۴ | ۲۰۴ |
| دُبّا، ۱۴۲، ۲۳۷ | دلال، ۱۸۰ | دیک اَغُور، ۱۱۸ | ذنب الفار، ۲۶۹ |
| دبق، ۵۱، ۵۸، ۱۶۷ | دُلب، ۱۴۵ | ذات الریش، ۱۴۹ | ذَنب الفار (اندلس)، ۲۶۹ |
| دِیق، ۱۴۲ | دلب، ۲۱۷، ۲۹۰ | ذات ثلاث حَبات، ۱۶۲ | ذنب الفاره، ۲۶۹ |
| دِیقی، ۵۱ | دِلبوث، ۴۵ | ذافنی الاسکندری، ۱۴۹ | ذنب الفرس (شام)، ۱۵۱ |
| دبی، ۹۶ | دَلبوث، ۲۵۷ | ذافنی الاسکندری، ۱۴۹ | ذنب القَط (اندلس)، ۱۵۱ |
| دُجَر، ۲۷۱ | دلغ، ۱۴۶ | دُنج، ۶۳، ۱۰۳، ۲۶۵ | ذنب اللبوء، ۱۵۱ |
| دحداح، ۱۴۳ | دُلم (فاس)، ۱۴۵ | دُنبَحَة، ۶۳ | ذنب اللّوء، ۱۵۱ |
| دُخَن، ۱۰۰، ۱۴۳ | دم الاخوین، ۱۹۲ | ذراعه (مصر)، ۲۳۶ | ذنب النمر، ۷۵ |
| دُخَن البری، ۱۱۹ | دم الأخوین، ۲۱۵، ۶۹ | ذرق، ۱۲۵ | ذنب الهَرّ، ۸۷ |
| دخن العصافیر، ۱۴۳ | دم الأَخَوِین، ۱۴۶، ۱۷۹ | دُرَق، ۲۹۱ | ذنبان، ۱۵۱ |
| دخن النملی، ۱۴۳ | دم الأمير، ۱۴۷ | دُرَق الحَمَام، ۱۵۰ | دُنبِباء، ۱۵۱ |
| دخن بری، ۱۰۰ | دم الغزال، ۱۴۷ | دُرَق الطیر، ۸۷ | ذوات الجُجم، ۲۰۴ |
| دُخَنه، ۴۴ | دمیثا، ۹۷ | دُرَق الطَیْرِ، ۱۵۰ | ذوات جُجم، ۲۵۶ |
| دُخَنه مریم، ۷۴ | دند، ۱۴۷، ۲۷۶ | دُرّه، ۲۰۳ | ذو أَلَف ورقه، ۱۵۱، ۱۷۱ |
| دِرامج، ۱۴۳ | دَنقَة، ۱۶۴، ۱۹۴ | دُرّه، ۲۶۳ | ذو ثلاث الوان، ۱۵۲ |
| درانیج، ۱۴۳ | دوام (انطاکیه)، ۸۶ | دُرّة، ۱۴۹ | ذو ثلاث حَبات، ۱۶۲ |
| دُرَحولَة، ۱۴۴ | دواء الجنون، ۵۵ | دُرَیْرَة السَّخَم (مصر)، ۲۷۳ | ذو ثلاث شوکات، ۱۵۲ |
| درق، ۱۲۵ | دواء الحَیّه، ۱۰۶ | ذریرة (مصر)، ۲۷۳ | ذو ثلاث ورقات، ۱۵۲ |
| درمامه، ۱۴۴ | دواء الحُطاطیف، ۲۷۶، ۲۰۸ | ذریزه، ۱۵۰ | ذو ثلاثة اوراق، ۲۰۳ |
| درماء، ۱۴۴ | دود الصخر، ۷۹ | ذفراء، ۱۵۰ | ذو ثلاثة ألوان، ۱۵۲ |

| | | | |
|--------------------------|-----------------------------|----------------------------|-------------------------|
| رجل صالح، ٢٨٠ | رَبْرَق، ٢٤٩ | راحة الكَلْب، ٢٥٤ | ذو ثلاثة شعب، ١١٨ |
| رجله، ٨٢ | ربرق (یمن)، ١٥٤ | رازقی، ١٨١ | ذو ثلاثة عناقید، ٢٠٣ |
| رجلة، ٨٣، ٨٤ | رَبْل، ١٥٤ | رازیانج، ٧٨، ١٥٢، ٢٣٨ | ذو خمسة أجنحه، ٨٩ |
| رجلة الشتاء والصیف، ١٠٨ | رَبْل (مصر)، ٥٦ | رازیانج البستانی، ١٥٣ | ذو خمسة اجنحه، ٤١ |
| رجینة، ١٩٧ | رَبَّم، ١٥١، ١٥٤ | رازیانج الرومی، ٦٧ | ذو خمسة اجنحه، ٨٨، ١٥٢ |
| رجینة (اندلس)، ١٥٢ | رَبَّم الخنزیر، ١٥٤ | رازیانج الشامی، ٦٧ | ذو خمسة اصابع، ١٥٢، ٢٣٠ |
| رجینة، ١٩٧ | رَبَّم الطَّباء، ١٥٤ | رازیانج القروذ، ١٤٨، ١٥٣ | ذو خمسة اقسام، ٨٨، ١٥٢ |
| رخامی، ١٥٥ | رُثَّه، ٥٢، ٥٤ | رازیانج بری، ١٥٢، ١٥٣ | ذو خمسة اوراق، ٤١، ٨٨ |
| رخون (بغداد)، ٢٦١ | رُثَّه، ١٥٥ | رازیانج حبشی، ١٥٣ | ١٥٢، ٢٣٠ |
| رخینة، ١٥٢ | رتیانج، ١٩٧ | رازیانج رومی، ١٥٣ | ذو خمسة أجنحه، ١٥٢ |
| ردایف، ١١٤ | رثیث، ٥٠ | رازیانج شامی، ١٥٣ | ذو خمسة أصابع، ٤١، ٨٨ |
| رسم (مصر)، ٢٣٦ | رجبه، ١٥٥ | رازیانج فارسی، ١٥٢ | ١٥٢ |
| رشاد، ١٠٢، ١١٥ | رجل الأرنب، ٢٦٥ | رازیانج (مغرب و اندلس)، ٧٨ | ذو خمسة أقسام، ١٥٢ |
| رشال الاحمر، ٤٦ | رجل البازی، ١٥٥، ٢٤٨ | رازیانق، ٧٨ | ذو سبعة اضلاع، ٢٦٩ |
| رُشالة الابيض، ٢٦٤ | رجل الجراد، ١٥٥، ١٦١ | راس الذهب، ١٣٠ | ذو شُوَيْكَة، ١٥٢ |
| رشینة، ١٥٢ | رجل الحدأة، ١٥٥ | راسن، ١٥٩، ٢٥٢ | ذو مائة رأس، ١٥٢ |
| رشینة (اندلس)، ١٥٢ | رجل الحرشاء، ١٥٥ | راسن (اندلس)، ١٠٦ | ذهبی، ٣٤ |
| رضایف، ١١٤، ١٥٩ | رجل الحمام (اندلس)، ١٢٥ | راطینا، ١٩٧ | ذهیبه، ١٥٢، ١٥٣ |
| رطا، ٢٤٧ | رجل الحمامة، ٣٨، ١١٩ | رافعه، ١٣٠ | ذی الورقة الواحدة، ٢٧٣ |
| رطب القث، ١٥٦ | ١٢٥ | رافعة، ١٥٤ | ذُونون، ١٥٢، ٢٠١ |
| رَطْبُه، ١٥٥ | رجل الحَمَامَة، ٣٨، ٤٣، ٢٥٢ | راوند، ١٥٤ | رئیس الجَبَل، ١١٩ |
| رطبَة، ٩٢، ٢٤١، ٢٣٧، ٢٩١ | رجل الحَمَامَة (اندلس)، ٤٨ | راوند الجبلی، ٢٥٠ | رئیس الجبل، ١٢٠، ١٦٠ |
| رَغَث، ١٥٦، ١٥٨ | ١٩٠ | راوند الفارسی، ١٢٢، ١٥٩ | رائحة الأثرُج، ٧١ |
| رَغَى الإبل، ١٥٦ | رجل الدجاجة، ١٥٥ | راوند شامی، ١٥٤ | رائحة البستان، ٢٨٠ |
| رعى الأیل، ٦٠ | رجل الدجاجة (آفریقا)، ٧٠ | راء، ١٥٢ | رابوقه، ٨٢ |
| رعى الأبل، ٦٠، ٢٨١ | رجل الزاغ (شام)، ١٥٥ | راءآ، ١٥٢ | راتیانج، ١٩٦ |
| رَغَى الأیل، ١٥٦ | رجل الزرزور، ١٥٥ | راء، ٥٩، ١٣١، ١٣٩، ٢٦٣ | راتیانج، ١٩٧ |
| رَغَى الأیل، ١٥٦ | رجل الطیر، ٣٦ | رأس الأفقی، ٤٢ | راتینا، ١٩٧ |
| رَغَى البَط، ١٤٨ | رجل العقاب، ١٥٥ | رأس الذهب، ١٣٢، ١٥٣ | راتیناج، ١٥٢ |
| رعى الحمار، ١٥٦ | رجل العقق، ١٥٥ | رأس الزرزور، ١٥٣ | راتینج، ١٥٢، ١٩٧، ٢٤٤ |
| رعى الحمام، ٦٠، ٧٣، ٢٠٤ | رجل القُراب، ٣٦، ١٤٨ | رأس الشیخ، ٥٨، ١٥٣ | راتینج، ١٩٧ |
| رَغَى الحَمَام، ٦٩، ١٥٦ | ١٥٥، ١٦٢، ٢٥٦ | رأس العجل الکبیر، ٦٧ | راح، ٧٩ |
| رعى الحمیر، ٢٢٥ | رجل الفروج، ٥٢، ١٢٣ | رأس العصفور، ١٥٣ | راح العرب، ٦٢ |
| رعى الشواهین، ٢٠٤ | ٢٣٢ | رأس القنفذ، ١٥٣ | راحة الاسد، ٢٨٣ |
| رعى الضفادع، ٢٥٤ | رجل الفَرُوج، ١١٦ | رأس الهدهد (اسکندریه)، ٢٧٧ | راحة الأسد، ٢٨٦ |
| رعى العیر، ٣٣ | رجل الفروج (اندلس)، ١٥٥ | رب القَرَط، ١٣٢ | راحة الکَف، ٢٥٩ |
| رَعِیداء، ١٦٤ | رجل القُلُوس، ١٥٥ | | راحة الکلب، ١٥٢ |
| رُعِیداء، ١٩٤ | رجل القُلُوس، ١٥٥ | | |

| | | | |
|---------------------------|-------------------------|------------------------|-----------------------------|
| زَعَث، ۱۰۴ | رَقِی (بغداد)، ۸۲ | ریحان الثعلب، ۱۴۹، ۱۵۹ | زراوند الطویل، ۲۳۴ |
| رُغَل، ۸۳ | رَکَف (آفریقا)، ۷۵ | ریحان الجزّ، ۱۵۹ | زراوند الطویل (آفریقا)، ۱۸۶ |
| رُغَل، ۱۲۳، ۱۳۹، ۱۷۰ | رَمَان، ۱۰۴ | ریحان السلیمان، ۱۶۰ | زراوند مُدَخَّرَج، ۱۶۱ |
| رُغَیْدَاء، ۱۵۷، ۱۶۴، ۱۹۴ | رُمان، ۱۵۷ | ریحان السواقی، ۱۵۹ | زراوند مدور، ۱۶۱ |
| رِفَایِد، ۱۱۹ | رَمَان الأَنهَار، ۱۵۸ | ریحان الشیاطین، ۱۸۳ | زرجون، ۲۱۴ |
| رِقَاع، ۱۵۷ | رمان البر، ۱۵۸ | ریحان الشیوخ، ۲۸۰ | زرع، ۱۲۶ |
| رُقَاع الیمانی، ۱۵۷ | رمان السُّعال، ۱۵۸، ۲۷۵ | ریحان القبور، ۳۶ | زَرْع، ۱۲۶ |
| رِقَان، ۱۲۵ | رَمَان السعالی، ۲۸۸ | رِیحَان الکافور، ۱۶۰ | زَرْع، ۱۲۶ |
| رُقَع، ۱۰۵، ۱۵۷ | رمان الهند، ۱۸۹ | ریحان المَاء، ۳۹ | زرع علی زرع، ۲۵۷ |
| رقعا، ۱۳۸ | رمان الهندی، ۱۸۹ | ریحان المُرَد، ۱۵۹ | زرق الطیر، ۱۵۷ |
| رقع الیمانی، ۱۰۸ | رمان بری، ۱۰۴، ۱۱۲ | ریحان الملک، ۱۹۸ | زرنب، ۱۵۵، ۱۶۱ |
| رقعاء، ۱۶۹ | ۲۸۳، ۱۵۸ | ریحان النعنع (مصر)، ۳۹ | زَرْنَب، ۱۶۱ |
| رَقَعَه، ۱۵۷ | رمان بستانی، ۱۰۴ | ریحان الیهود، ۱۶۰ | زرنباد، ۱۶۱ |
| رقعة الرومیه، ۱۵۷ | رمان حامض، ۱۵۷ | ریحان (اندلس)، ۳۶ | زَرْنَبَاد، ۱۶۱ |
| رقعة الصخریه، ۲۵۷ | رمان حلو، ۱۵۷ | ریحان بری، ۸۳ | زُرَنک، ۸۰ |
| رقعة الصخریه (اندلس)، ۲۷۱ | رمان هندی، ۱۴۱، ۲۸۸ | ریحان داود، ۳۴ | زرنیلج، ۱۵۹ |
| رقعة الصنوبریه، ۱۵۷ | رَمَث، ۴۴ | ریحان سلیمان، ۱۰۵ | زریعة السَّوداء، ۱۹۲ |
| رقعة الفارسیة (اندلس)، ۸۷ | رِمَث، ۱۵۸ | ریحان قرنفلی، ۲۲۵ | زریعة أبلیس، ۱۸۷ |
| رقعة اللَّطینیة، ۹۷ | رَمَح صغیر، ۲۷۱ | ریحانة الرومیه، ۱۱۳ | زریقاء، ۱۰۵ |
| رقعة النهریه، ۲۹۱ | رند، ۳۶، ۴۳، ۱۴۵، ۱۶۱ | ریحانة الفتی، ۱۶۰ | زُغُرور، ۱۶۲ |
| رقعة (اهل سراق)، ۱۰۸ | رُند، ۱۵۹ | ریحانة المروء، ۱۱۳ | زعرور، ۱۶۳، ۱۸۶، ۲۹۱ |
| رقعة بَرِیة، ۱۵۷ | رند اسکندرانی، ۱۵۹ | ریحانة الملک، ۱۱۳، ۱۵۹ | زَعُرور، ۲۸۲ |
| رقعة جبلیة، ۱۵۷ | رندلی، ۶۷ | رِیسم، ۱۲۲ | زعرور الأَدویة، ۵۸ |
| رقعة خضفیة، ۱۵۷ | رنف، ۱۵۹ | ریفی، ۸۱، ۶۱ | زعرور یستانی، ۱۶۳ |
| رقعة سُهلیة، ۱۵۷ | رویوان، ۴۴ | ریوند، ۲۶۲ | زعرور جبلی، ۱۶۲ |
| رقعة شعریة، ۱۵۷ | رُوز (فاس)، ۴۴ | زُبَادی، ۱۶۰ | زَعفران، ۱۶۳ |
| رقعة طلبیة، ۱۵۷ | روطة (فاس)، ۱۶۷ | زُب رِیاح، ۱۵۰ | زَعفران، ۲۵۵ |
| رقعة ظِلِیة، ۱۵۷ | رَهَج الفَار (مغرب)، ۶۸ | زُب رِیاح، ۲۰۱ | زَعفران بری، ۱۶۳ |
| رقعة فارسیة، ۱۵۷ | رِیساس، ۴۰، ۱۵۹، ۲۳۰ | زُب رِیاح، ۲۰۱ | زَعفران حبشی، ۱۶۳ |
| رقعة قَرْنُفَلِیة، ۱۵۷ | ۲۸۲ | زَبَغَر، ۲۸۰ | زَعفران شرکی، ۱۶۳ |
| رقعة لَطینیة، ۱۵۷ | ریباس الجبلی، ۱۲۲ | زَبُوج، ۲۰۶ | زَعفران هندی، ۱۶۳، ۲۵۵ |
| رقعة مَرَجیة، ۱۵۷ | ریباس الخراسانی، ۱۲۲ | زَبُوج (اندلس)، ۱۶۶ | زَعْفَرَاء، ۱۶۳ |
| رقعة نهریة، ۱۵۷ | ریباس الشامی، ۱۲۲ | زَبِیب الجبل، ۱۱۱، ۲۸۷ | زَعْبِج، ۱۱۲، ۱۶۶، ۲۵۱ |
| رَقُون، ۱۲۵ | ریباس الفارسی، ۱۲۲ | زَبِیب الجبلی، ۲۸۷ | زَعْبِج، ۲۰۶ |
| رَقُون، ۱۲۵ | ریحان، ۳۱، ۳۵، ۱۸۴، ۲۴۹ | زَبِیب الریفی، ۲۸۷ | زَعْبِج، ۲۰۶ |
| رقه، ۲۱۸ | زَیحان، ۱۵۹ | زَبِیب بری، ۱۱۱ | زَعْبَر، ۲۸۰ |
| رَقِیب الشمس، ۱۵۷ | ریحان الامرود، ۲۷۹ | زِدوار، ۱۰۱ | زَعْبَر، ۲۸۰ |
| | ریحان التُّرنجانی، ۷۱ | زراوُند، ۱۶۰ | زغیر، ۱۶۳ |

| | | | |
|--------------------------|-----------------------|-----------------------|------------------------------|
| زفروف (فاس)، ۲۱۳ | زَهرة، ۱۶۵ | سامر (شام)، ۲۸۴ | سراج متوج، ۱۶۸ |
| زفیزف (اندلس)، ۲۱۳ | زهرة الحجر، ۱۶۵ | سامری، ۱۵۴ | سراجیه، ۶۰ |
| زَقوم، ۱۶۳، ۱۹۸ | زهم، ۱۶۱ | سانوج (فاس)، ۱۹۲ | سراویل الطلول (اندلس)، ۶۰ |
| زقوم آخر، ۱۶۳ | زیت السودان، ۱۶۶ | سینت، ۵۷ | |
| زلائف الملوک، ۲۴۷ | زیت المهرجان، ۱۶۶ | سینت، ۲۳۷ | سراویل الکُکَّه (اندلس)، ۲۶۷ |
| زلائیة، ۱۶۳ | زیت الهرجان، ۱۶۶ | سبط، ۲۷۳، ۲۵۶ | |
| زلایف الملوک (مغرب)، ۲۴۷ | زیتون، ۵۷ | سَبْع الأرض، ۷۵ | سَرَج، ۱۶۹ |
| زَلَم، ۱۶۳، ۴۹ | زیتون، ۱۶۵ | سبع الشَّعراء، ۱۶۷ | سرخس، ۶۵، ۱۵۷ |
| زمارة الراعی، ۲۸۱ | زیتون الأرض، ۲۷۵، ۱۲۸ | سَبْع الکَثان، ۱۶۷ | سرخس البلوط، ۱۴۴ |
| زِم البول، ۱۱۸ | زیتون البحر، ۱۶۶ | سبعة اصول، ۲۷۹ | سرخسی، ۶۵ |
| زَن، ۱۳۷ | زیتون البری، ۱۶۶ | سجَلط، ۲۹۹ | سرسر الیدیک (شام)، ۱۴۶ |
| زَن، ۱۴۷ | زیتون الجبلی، ۲۰۶ | سحار، ۹۶ | سرقوقینا (شام)، ۱۹۳ |
| زَنْبِق، ۱۵۲، ۱۶۴ | زیتون الحَبَش، ۱۶۶ | سحارة، ۱۸۹ | سَرْمِج، ۲۴۱ |
| زَنْبِق (دمشق)، ۱۶۴، ۱۸۱ | زیتون الطحال، ۱۶۶ | سَحیر، ۱۵۱ | سَرْمَق، ۱۷۰، ۲۴۱ |
| زنبوج، ۱۶۵ | زیتون الکَلْبَة، ۱۶۶ | سحیمه (اندلس)، ۲۶۷ | سرمق، ۲۴۱، ۲۷۹ |
| زنبوع، ۴۰ | زیتون الماء، ۱۶۵ | سَخْر، ۱۶۷ | سرو، ۳۰۱ |
| زَنْجیل، ۱۶۴، ۱۷۱ | زیتون المعز، ۱۶۶ | سَداب، ۱۲۴، ۱۵۰ | سُرَة الأرض، ۱۶۹ |
| زنجیل الافرنجی، ۱۶۴ | زیتون بری، ۱۶۶ | سَداب، ۱۶۷ | سسترنه (اندلس)، ۱۸۷ |
| زنجیل العجم، ۱۶۴، ۵۰ | زیتون صخری، ۱۶۶ | سَداب البر، ۱۱۶ | سَطَّاح، ۲۵۲ |
| زنجیل الفارس، ۵۰ | زیتون هندی، ۱۹۹ | سَداب بری، ۱۱۶، ۱۶۸ | سط (مصر)، ۵۷ |
| زنجیل الکلاب، ۱۶۴ | زیتونیه، ۱۴۴ | سَداب بستانی، ۱۶۸ | سعالی، ۱۷۱ |
| زنجیل بلدی، ۱۵۳ | زیتونیه (مصر)، ۷۰ | سدايان (مصر)، ۱۷۴ | سَغَر، ۱۶۵ |
| زنجیل شامی، ۱۵۳ | زیزفون (دمشق)، ۱۶۶ | سیدر، ۱۶۸ | سَعتر، ۱۸۷، ۱۹۵ |
| زنجیل (اسکندریه)، ۲۲۳ | زیتة الراحین، ۷۹ | سدر، ۲۱۴، ۲۷۲، ۲۸۹ | سَعتر الحمیر، ۱۱۰ |
| زند (شام)، ۲۱۸ | سابقه، ۷۵ | سدر بری، ۶۲ | سَعْد، ۱۷۱ |
| زَنقال، ۹۶ | ساییزج، ۲۷۰ | سِذْران، ۱۶۸ | سعدان، ۱۷۲ |
| زوان، ۱۰۵، ۱۴۷، ۱۵۱ | ساداوران، ۱۶۶ | سِذْرَة، ۱۶۸ | سَعْدی، ۱۴۸ |
| ۱۵۷، ۱۹۴ | ساداوران قطار، ۱۶۷ | سدوس، ۲۹۲ | سعدی المُضَفَّرَة، ۱۷۱ |
| زَوان، ۱۶۴ | ساذج، ۲۸۸ | سَداب، ۹۷ | سَعفور الصفالیه، ۱۶۳ |
| زوان (مغرب)، ۱۹۴ | ساذج هندی، ۱۶۷ | سَداب، ۱۶۷ | سَعله، ۷۳ |
| زوفاء، ۱۹۵، ۲۸۱ | سارق الخاتم، ۲۹۲ | سَداب البر، ۱۵۰ | سَعْلَة، ۱۷۲ |
| زوفای رطب، ۱۶۵ | ساسم، ۳۳ | سَداب بری، ۴۸، ۹۷ | سَعند، ۸۶ |
| زوفای یابس، ۱۶۵، ۵۲ | ساسنوا (فاس)، ۱۰۶ | سراج البری، ۱۶۸ | سَعوط، ۱۷۲ |
| زوفرا، ۱۴۸، ۱۶۵، ۲۲۳ | ساق الاسود، ۷۶ | سراج الظلام، ۲۶۳ | سَعوط الدَوَاب، ۲۶۳ |
| ۲۴۸، ۲۸۱ | ساق الوصیف، ۷۶ | سراج القطرب، ۱۳۲، ۱۴۰ | سَفَرَجَل، ۱۷۲، ۱۸۶ |
| زوفراء، ۱۴۸ | ساکتة، ۲۸۰ | ۲۶۳، ۲۷۲ | سفرجل الهند، ۱۸۹ |
| زهر الملح، ۱۶۵ | سالمة، ۴۸ | سِراج القَطْرَب، ۱۶۸ | سفرجل هندی، ۱۸۹ |
| | سالة، ۱۳۰ | سراج القطریل، ۱۶۹ | سفری، ۱۵۸ |

| | | | |
|----------------------------|--------------------------------|---------------------------|-----------------------------|
| سفناریه (فاس)، ۱۰۳ | سَمَار، ۱۴۸ | سنبُل الاقلیطی، ۲۸۷ | سورنجان الدقیق (اندلس)، ۲۱۲ |
| سِقَامُ الجَن، ۲۵۷ | سَمَار، ۱۷۵ | سنبِل الرومی، ۲۸۸، ۱۷۸ | سورنجان قتال، ۱۰۸ |
| سقمونیا محموده، ۱۷۲ | سَمَاق، ۱۷۵ | سنبِل الطیب، ۱۷۷ | سورنجان هندی، ۱۲۱ |
| سقویردی، ۲۷۷ | سَمَاق، ۲۰۶ | سنبِل العَصافیر، ۱۷۸، ۱۷۷ | سوری، ۱۷۷ |
| شُکَات، ۱۷۳ | سَمَاق الدبَاغین، ۱۷۵ | سنبِل الکلاب، ۵۰ | سوس، ۱۶۰، ۱۸۰ |
| سُکْبِینَج، ۱۷۳ | سَمَاق بری، ۲۸۰ | سنبِل الکلب، ۱۷۸ | سوسن، ۱۱۲ |
| سُکَر، ۱۷۳ | سَمَاقِیل، ۱۷۵ | سنبِل الملوک، ۲۸۱ | سُوسَن، ۱۸۰ |
| سُکَر العُشَر، ۱۷۳ | سَم البهائم، ۱۴۵ | سنبِل اقلیطی، ۲۸۸ | سُوسَن، ۱۸۰ |
| سُکوم (فاس)، ۲۹۷ | سَم الحمار، ۱۴۵ | سنبِل بری، ۴۶، ۲۲۹، ۲۸۵ | سوسن اصغر، ۷۵، ۱۶۵ |
| سَلَب، ۱۷۴ | سَم السمک، ۲۷۷ | سنبِل جبلی، ۱۷۷، ۲۸۸ | سوسن الاحمر، ۱۴۶ |
| سلبین، ۱۱۴ | سَم الفأر، ۶۸ | سنبِل رومی، ۴۶، ۱۷۷ | سوسن الارجوانی، ۱۸۰ |
| سُلْتُ، ۱۲۶، ۱۷۳، ۱۷۴، ۲۰۱ | سَم، ۲۲۱ | سنبِل (عوام)، ۷۶ | سوسن الاسمانجونی، ۷۵ |
| سلیجم، ۹۰ | سَمانی (اندلس)، ۲۹۲ | سنبِل هندی، ۱۴۱، ۱۷۷ | سُوسَن الاسمانجونی، ۱۸۱ |
| سلطان، ۱۵۸ | سَمَر (اهل یادی)، ۶۲ | سنبِل، ۱۷۸، ۲۸۸ | سُوسَن الأَبیض، ۱۸۱ |
| سلطان الاشجار، ۱۶۹ | سَمَرَاء، ۱۷۵ | سَنجار، ۳۸، ۱۴۶، ۲۹۶ | سوسن الأَزَاذ، ۱۸۰ |
| سلطان البقول، ۱۸۳ | سَمسَر، ۳۴ | سَنج سبویه، ۱۷۹ | سوسن البری، ۱۴۶ |
| سلطان الجَبَل، ۷۵، ۲۴۹ | سَمسَق، ۳۴ | سَنَدیان الأَرْض، ۱۷۹ | سوسن الفیروزجی، ۷۰ |
| سلطان الجبل (اندلس)، ۱۹۵ | سَمسَق، ۲۷۹ | سَنط، ۷۷، ۲۳۷ | سُوسَن أَصْفَر، ۱۶۴ |
| سلطان الریاحین، ۱۸۳ | سَمسم، ۱۰۱ | سَنط، ۱۳۲ | سوسن أَصْفَر، ۱۸۱ |
| سَلَع، ۱۷۴ | سَمسمِیم، ۱۷۶ | سَنوت، ۲۶۲ | سوسن بحری، ۸۰ |
| سَلَع، ۱۷۴ | سَمسم بری، ۱۷۶ | سَنوت الجبلی، ۲۴۸ | سوسن بری، ۱۴۴، ۱۴۶ |
| سَلَق، ۸۲ | سَمعر، ۵۹ | سَواد الاکَراد، ۲۵۷ | سوسن، ۱۸۱، ۲۰۷، ۲۵۷ |
| سَلَق، ۱۳۳ | سَمهر، ۱۲۶ | سَواد الحکام، ۱۶۶ | سوسن بستانی، ۸۰ |
| سَلَق، ۱۷۴ | سَمید العَنزروت (فاس)، ۶۶ | سَواد السند، ۲۵۷ | سوسن رملی، ۸۰ |
| سَلَق، ۱۹۷ | سَمْتِراء، ۱۳۰ | سَواد العُصارة، ۱۶۷ | سومر، ۱۴۸ |
| سَلَق البری، ۱۲۲ | سَمْتِیره (اندلس)، ۴۷ | سَواد القضا، ۱۷۹ | سَویداء، ۱۹۲ |
| سَلَق المَاء، ۹۹، ۱۱۰ | سَناء، ۱۷۶ | سَواد القضاة، ۱۶۶ | سویلا، ۷۶ |
| سَلَق بری، ۱۲۳، ۱۷۴ | سَناء البَلدی (اندلس)، ۲۱۸ | سَواد القِطاة، ۱۶۸ | سهلی، ۹۶ |
| سَلَق بستانی، ۱۷۴ | سَناء اُنْدلسی، ۲۱۸ | سَواد الهِنْد، ۱۷۹، ۲۵۷ | سَینَسَبان، ۱۸۲ |
| سَلَق جبلی، ۱۲۲ | سَنار، ۲۲۴ | سَواک العَباس، ۱۵۶، ۲۵۴ | سَیْف الغراب، ۷۰، ۱۴۶ |
| سَلَم، ۱۷۴ | سَنامکی، ۱۷۶، ۲۰۹ | سَواک القُرود، ۵۲ | سَیْف القُرَاب، ۱۴۶ |
| سلمه، ۱۷۴ | سَنایزه (مصر)، ۶۲ | سَواک القُرود، ۱۹۲ | سیف القُرَاب، ۱۸۱ |
| سلیخ اسود، ۱۷۹ | سَنای عَرِیض الورق (حجاز)، ۲۰۹ | سَواک المَسِیح، ۲۹۲ | سیکران، ۸۸ |
| سلیخه، ۱۴۱، ۱۷۹، ۲۳۹ | سَنبل، ۱۴۱، ۲۵۸ | سَواک عَباسی، ۲۹۲ | سیکران الحوت، ۹۰، ۲۷۷ |
| سلیط، ۱۷۶ | سَنبل، ۱۷۷ | سَواداء الورق، ۱۹۱ | سیکران (اندلس)، ۸۸ |
| سَمار، ۴۹، ۷۸، ۱۴۸ | | | |

| | | | |
|------------------------------|-------------------------|-------------------------|-----------------------------|
| سیوف، ٧٥ | شبه الكواكب، ٥٤ | شجر الغُیَّراء، ٢١٩ | شجرة البق (شام و عراق)، ١٤٤ |
| شابالنج، ٧٧ | شبهان، ١٨٥ | شجر الغرب، ٢٢٠ | شجرة البق (عراق)، ١٤٤ |
| شابانج، ٧٧ | شبه بالكُرَّاث، ٦٣ | شجر الفندک، ٢٩٠ | شجرة البُنْدُق، ١٠٥ |
| شابانک، ٧٧ | شجر، ٢٤٧ | شجر الفوفل، ١٠٩ | شجرة البهق، ٧٦، ٢٤٥ |
| شاذاسبرم، ١٩٨ | شجر ابراهيم (ع)، ٢٢٠ | شجر القدس، ٢٣٣ | شجرة التنين، ١٨٦ |
| شاض، ١٨٣ | شجر الارز، ٣٠١ | شجر القطران، ٢٣٤ | شجرة الجن، ١٤٩ |
| شاعَة البستانيه (اندلس)، ١٧٦ | شجر الاهد، ١٦١ | شجر القَطْلَب، ٢٣١، ٢٤٢ | شجرة الحَب، ٥٩ |
| شاعَة الصخرية، ٢٧٤ | شجر الأثل، ٤٠ | شجر القنا، ٢٤٥، ٢٥٩ | شجرة الحر، ٣٥ |
| شاعَة صخرية (اندلس)، ١٧٦ | شجر الأثل، ٥٧ | شجر الکافور، ١٦٠ | شجرة الحَضَض، ١٢٠ |
| شالبيه، ١٩٤، ٢٨٣ | شجر الأجاص، ٢١٧ | شجر الکافور (موصل)، ٥٧ | شجرة الحَنَّا، ١٢٥ |
| شالبيه (اندلس)، ٦٠ | شجر الأصطرك، ٢٠٦ | شجر الکلب، ٢١٢ | شجرة الحَنَش، ٢٧٣ |
| شالم، ١٩٤ | شجر البان، ١١١ | شجر اللادن، ٢٦٥ | شجرة الحيات، ١٧٠ |
| شاهبانج، ١٨٣ | شجر البراغيث، ١٩٩ | شجر اللبني (شام)، ٢٠٦ | شجرة الخطاطيف، ٢٠٨ |
| شاهبانک، ١٨٣ | شجر البق، ١٤٤ | شجر المَحَلَب، ٢٠٦ | شجرة الخولان، ٨١ |
| شاهترج، ٨٣، ١٠٣، ١٠٦ | شجر البق، ٢٩٠ | شجر المران، ٢٧٨ | شجرة الدب، ٥٨، ١٦٢ |
| ١٥٠، ١٥٢، ١٨٣، ٢٥٧ | شجر التيس، ١٨٦ | شجر الميس، ٢٧٢، ٢٩٠ | شجرة الدب، ١٦٢، ١٨٦ |
| شاهترج، ١٨٣ | شجر الجن، ١٤٩ | شجر النبق المصري، ٢٧٢ | شجرة الذبق، ١٤٢ |
| شاهدانج، ١٨٥، ١٥٨ | شجر الجوز الرومي، ٢٦٤ | شجر تهام، ١٧٤ | شجرة الدردار، ١٨٥، ٢٦٩ |
| شاهدانق، ٢٤٥ | شجر الحب (أفريقيا)، ٥٩ | شجر حب الأسير، ١٠٨ | شجرة الدم، ٣٨، ٦٦ |
| شاهسَنَرَم، ١٨٣ | شجر الحَضَض، ٢٧١ | شجر دردار، ١٧٨ | شجرة الدم (شام)، ١٨٣ |
| شاهلوج، ٤١، ١٨٤، ٢١٧ | شجر الحور الرومي، ١٢٧ | شجر رستم (مغرب)، ١٦٠ | شجرة الراهب، ١٨٥ |
| شاهلوك، ٤١ | شجر الحية، ١٠٦ | شجره ابراهيم، ١٨٣ | شجرة الرمح، ٢٧٨ |
| شاهور (مصر)، ١٠١ | شجر الخابور، ١٣٨ | شجره الأزز، ٤٤ | شجرة الزغرور، ١٦٢ |
| شايبه، ٦٦ | شجر الخبيثة، ١٤٥ | شجره قلى، ١٨٧ | شجرة الشين، ١٨٦ |
| شباب، ٢٧٦ | شجر الخرنوب، ٣٠١ | شجره مريم، ٢٠٦ | شجرة الصبر، ٤١، ١٩٥ |
| شب ارماس، ١١٩ | شجر الخَلَنج (مغرب)، ٤٦ | شجرة ابراهيم، ٤١، ١٨٥ | شجرة الصنم، ١٦٨ |
| شَبَت، ١٨٤ | ١٣٧ | شجرة ابى مالك، ١٨٥ | شجرة الضفادع، ١٨٦، ٢٥٤ |
| شبر، ٩٦ | شجر الدردار، ١٤٤، ٢٩٠ | شجرة اكله، ٣٩ | شجرة الطحال، ١٩٥ |
| شَبَرَق، ١٣٧ | شجر الدلب، ١٤٥ | شجرة الأجاجص، ٤١ | شجرة الطرفاء، ٢٠٢ |
| شبرق، ٢٧٨ | شجر الرند، ١٤٩ | شجرة الأجاجص، ٤١ | شجرة الطلق، ١٨٦ |
| شَبَرَق (حجاز)، ١٩٨ | شجر الشيزي، ٣٣ | شجرة الأميزباريس، ١٢٠ | شجرة الطهر، ٤١ |
| شَبَرَم، ١٨٤ | شجر الصفاف، ١٢٧ | شجرة البراغيث، ٧٧، ١٩٩ | شجرة العثم، ١١٢، ٢٠٦ |
| شَبَرَم، ٣٠٠ | ١٣٦، ٢٩٠ | شجرة العرس، ٢١٩ | شجرة العصب، ٢٩٢ |
| شَبَهان، ١٨٥ | شجر الصنوبر الكبار، ١٩٧ | شجرة البطم، ٨١ | شجرة العناب، ١٦٨ |
| شبيه، ١٨٥ | شجر الضبع، ٥٥ | شجرة البق، ١٤٤، ١٤٩ | شجرة العود، ٢٩٦ |
| شبيه الذهب، ٢٧٢ | شجر العناب، ٨٤ | ١٧٨ | شجرة العيثام، ١٤٥ |
| | شجر الغار، ١٤٩، ١٥٩ | شجرة البق (شام)، ١٨٥ | |

| | | | |
|----------------------------|--------------------------|------------------------------|---------------------------------------|
| شجره الغار، ۱۴۸ | شجيرة مريم، ۱۸۳ | شعر الجن، ۷۵، ۷۶، ۲۵۷ | شَقَوَاصِ البحر، ۲۸۴ |
| شجره الغسلین، ۲۴۳ | شحم الارض، ۱۰۷، ۲۴۲ | شِعْر الجیاد، ۱۸۷ | شَقَوَاصِ (اندلس)، ۲۶۵ |
| شجره الفارسیه، ۷۶، ۳۵، ۲۶۶ | شحم الحنظل، ۱۸۷ | شعر الخنازیر، ۲۵۷، ۷۶ | شَكْ، ۶۸ |
| شجره الفُرس، ۸۱ | شَحْم الطَّعام، ۶۷ | شعر الذیْب، ۵۵ | شَكَّاص، ۲۶۴ |
| شجره الفُلْفُل (اندلس)، ۴۱ | شَحْم المَرَج، ۲۱۱، ۱۳۶ | شِعْر العِجل، ۲۸۰ | شکاع، ۷۱، ۱۸۹ |
| شجره القدس، ۲۹۱ | شحم النخل، ۹۵ | شعر العیار، ۷۶ | شکاعا، ۱۸۹، ۲۷۸ |
| شجره القرمز، ۶۱ | شَحْمَة الارض، ۲۶۰ | شِعْر الغزال، ۵۵ | شکاعی، ۳۷، ۷۲، ۱۵۲ |
| شجره الکَف، ۱۸۶ | شَحْمَة الدجاجة، ۱۵۳ | شعر الغُول، ۱۸۷ | شُکاعی، ۱۸۹ |
| شجره الکیلاب، ۲۲۴ | شَحْمَة المَرَج، ۱۲۹ | شِعْر الغول، ۲۵۷ | شُکاعی، ۱۸۹ |
| شجره الکلب، ۶۰ | شحمیه (اندلس)، ۶۰ | شعر الکلاب، ۷۶ | شکه (اندلس)، ۱۰۶ |
| شجره اللبوق، ۲۴۵ | شَحیره، ۲۰۴ | شعر الماء، ۷۶ | شَلْجَم، ۱۸۹ |
| شجره الله، ۳۹ | شَحِیمَه (اندلس)، ۲۶۷ | شعر الماء، ۲۵۷ | شمار، ۷۸ |
| شجره اللیثی (شام)، ۱۸۶ | شَخْ، ۲۹۰ | شعران، ۱۲۳، ۱۵۸ | شَمَار العریض، ۱۵۳ |
| شجره المریم، ۷۴ | شُدْهه، ۹۲ | شعری، ۹۶ | شمار (مصر و شام)، ۱۵۲ |
| شجره المصطکی، ۲۸۲ | شدونی، ۱۲۶ | شعیر، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۸۷ | شُماری (قبروان)، ۱۰۶ |
| شجره المطهره، ۴۱ | شرائط، ۱۷۸ | شعیر الحامض، ۱۷۳ | شمام، ۱۴۴، ۱۹۰ |
| شجره النبی، ۸۵، ۲۰۶ | شَراره، ۶۳ | شعیر الرومی، ۱۲۶ | شمامات (شام)، ۱۴۵ |
| شجره الیمام، ۹۵ | شرب، ۲۲۴ | شعیر العاری، ۱۷۳ | شمام (شام)، ۱۴۴ |
| شجره أبراهیم، ۱۸۳ | شَرِث، ۲۸۰ | شعیر العربی، ۱۳۹ | شمرة، ۱۲۶ |
| شجره أم کلب، ۶۲ | شرد (لبنان و بیروت)، ۱۶۹ | شعیر الفارسی، ۱۲۶ | شمسار، ۸۲ |
| شجره بارده، ۱۸۵ | شرم، ۱۸۷ | شعیر الفاری، ۱۷۳ | شمشاد (شام)، ۸۲ |
| شجره دردار، ۱۴۴ | شُرْئِبْلَه، ۴۱ | شعیر النبی (اندلس)، ۱۳۹ | شمشار، ۸۲ |
| شجره دم الاخوین، ۱۴۶ | شری، ۱۸۷ | شعیر رومی، ۱۳۹ | شمور، ۱۵۳ |
| شجره ذوالقرنین الملک | شری، حَمام دانج، ۱۲۶ | شغاله، ۲۷۴ | شنار، ۲۲۴، ۲۸۰ |
| اسکندر، ۱۶۸ | شُرْئِب، ۱۸۷ | شَفَلَج، ۲۵۰ | شَنْبِلِذ، ۱۸۰ |
| شجره رستم، ۱۸۶ | شُشرِث، ۱۸۷ | شقائق الفرس، ۲۷۶ | شنجار، ۳۸، ۶۶، ۶۸، ۱۳۴، ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۵۲ |
| شجره سلیمان، ۱۳۲ | شطبه (فاس)، ۱۰۲ | شقائق النعمان، ۱۸۸ | شَنَذاب (لبنان)، ۱۴۳ |
| شجره سلیمان بن داود، ۱۶۸ | شطریه، ۱۸۷ | شقائق النعمانی البری، ۱۸۸ | شنغار، ۳۸ |
| شجره سندیان الأرض، ۲۲۴ | شَطْریه، ۱۸۷، ۲۰۲ | شقائق النعمان، ۱۵۸، ۱۳۴، ۱۸۸ | شنقار، ۳۸، ۱۹۰ |
| شجره کثیرا، ۲۳۳ | شَطْطیه (مغرب)، ۱۸۷ | شقائق النعمان، ۱۸۸ | شَنقار، ۳۸ |
| شجره لا ولا، ۱۶۵ | شعاریر، ۲۴۴ | شقر، ۱۸۸ | شَنقال، ۳۸ |
| شجره مَحْلَب، ۱۱۲ | شعایر، ۲۳۳ | شَقِر، ۱۸۸ | شَنکال، ۳۸ |
| شجره مریم، ۷۰، ۱۸۶ | شعر الارض، ۷۶ | شَقْراص، ۱۸۸ | شوال الحمار، ۱۳۳ |
| شجره مریم (اندلس)، ۵۷ | شعر الجان، ۷۶، ۲۵۷ | شق (مصر)، ۵۱ | شوبر (اندلس)، ۹۱ |
| شجره مریم (مصر)، ۴۱ | شعر الجَبَّار، ۷۶ | شَقو، ۱۸۸ | شَوَحْط، ۳۳، ۲۰۰ |
| شَج مال، ۱۵۵ | شعر الجَبَّار، ۱۸۷ | شَقواص، ۶۰ | شوحط، ۱۳۹ |

| | | |
|--------------------------|----------------------------|--|
| شَوَخَط، ۱۹۰ | شوكه العصیة، ۸۱ | شَنِيب العَجُوز (اندلس و صارة (اندلس)، ۲۷۳ |
| شورة (حجازی)، ۲۶۳ | شوكه العقرب (حجاز)، ۱۱۴ | صالبیة، ۱۹۴ |
| شَوَز (حجازی)، ۱۹۱ | شوكه العقرب (شام)، ۱۰۵ | صباحی، ۹۶ |
| شوع، ۱۱۱ | شوكه العلك، ۵۱ | صبار، ۹۵ |
| شوك، ۲۸۲ | شوكه المصریة، ۱۹۱، ۷۲ | صَبَار، ۱۹۴ |
| شوك الجمال، ۵۰، ۲۷۰ | شوكه المِصریة، ۱۹۱ | صبارا، ۱۹۵ |
| شوك الجمل، ۱۱۴ | شوكه المُنكَرَة، ۵۹ | صَبَارَة، ۱۹۵ |
| شوك الجمل (مصر)، ۱۵۶ | شوكه اليهودیة، ۱۹۱، ۲۳۶ | صَبَارَة (مغرب)، ۱۹۵ |
| شوك الحمیر، ۲۲۵ | شوكه حادة، ۶۱ | صَبَارَة، ۶۱ |
| شوك الدراجین، ۱۱۴، ۱۴۸ | شوكه رهاویة، ۱۰۹ | صَبَارِی، ۱۹۴ |
| شوك الدراجین، ۱۴۹ | شوكه زرقاء، ۲۳۶ | صبر، ۱۲۰، ۲۳۹ |
| شوك الدراجین، ۱۴۹ | شوكه شهباء، ۳۰۱ | صینر، ۱۹۵ |
| شوك الدُمْن، ۱۱۴ | شوكه عربیة، ۱۸۹ | صَبْر، ۱۹۵ |
| شوك العلك، ۵۱ | شوكه مصریة، ۱۹۱، ۲۳۷ | صبر خضرمی، ۱۹۵ |
| شوك الفَاوَة، ۲۸۷ | شوكه مغیلة، ۱۸۷ | صیب، ۱۹۵، ۲۸۷ |
| شوك الفراء، ۲۲۵ | شوكه متته، ۲۱۹ | صدی، ۹۶ |
| شوك الفلك، ۱۱۴ | شوكه مُثَبِّتَة، ۱۹۹ | صَرَاخَة (اندلس)، ۲۷۳ |
| شوك القناد، ۲۵۱، ۳۰۱ | شوكه منفته، ۱۹۹ | صَرَاخَة (اندلس)، ۲۳۱ |
| شوك المُفْلَل، ۵۹ | شوكه یهودیة، ۲۳۶ | صَرَاخَة (اندلس)، ۲۷۳ |
| شوك المُفْلَل، ۱۰۵ | شومر، ۷۸ | صرم الدیك، ۱۴۶ |
| شوك المُفْلَل، ۱۹۲، ۲۳۶ | شونیز القمح، ۱۴۵ | صرو، ۱۹۱ |
| شوكران، ۱۹۱ | شونیز بری، ۲۶۲ | صَرِیمَة الجَدَى، ۱۶۰، ۱۹۵ |
| شوكران الحوت، ۲۷۷ | شویعة (اندلس)، ۲۰۴ | صَرِیمَة الجَدَى (اندلس)، ۷۵ |
| شوكه اعرابی، ۱۹۱ | شویكة ابراهیم (اندلس)، ۲۳۶ | صرین عصلی، ۲۷۳ |
| شوكه اعرابیة، ۶۲ | شویلاء، ۷۶ | صَغَر، ۱۹۵، ۲۷۹ |
| شوكه قبطیة، ۱۷۴ | شَوِیلاء، ۱۲۳ | صعتر البقر، ۱۹۵ |
| شوكه مصریة، ۶۲ | شَهْدَانِج، ۱۱۲ | صعتر الجوارى، ۱۹۵ |
| شوكه ابراهیم (شام)، ۲۳۶ | شهدانج، ۲۴۵ | صعتر الحجازی، ۱۹۵ |
| شوكه البیضاء، ۵۸، ۵۹، ۷۱ | شهدانج بری، ۱۳۷ | صعتر الحمیر (مغرب)، ۱۱۰ |
| ۷۲، ۱۸۹ | شهدیة، ۱۵۵ | صعتر الرمانی، ۱۹۵ |
| شوكه الجمال، ۲۰۶ | شَیَّان، ۴۲ | صعتر الرومی، ۵۹ |
| شوكه الدهن، ۱۱۴ | شَیَّان، ۱۴۶، ۲۱۵ | صعتر الزیتون، ۱۹۵ |
| شوكه الزرقاء، ۱۹۱، ۲۳۶ | شَیَّان القاطر، ۶۹، ۸۴ | صعتر العدس، ۱۰۵ |
| شوكه الزرقاء (شام)، ۱۰۵ | شَیَّان (مغرب)، ۳۷ | صعتر الغیاضی، ۱۹۵ |
| شوكه السّوداء، ۱۹۱ | شیب الشجر، ۵۲ | صَغَر الفارسی، ۱۹۵ |
| شوكه السّوداء، ۲۳۶ | شیب العجوز (اندلس)، ۵۲ | صعتر الفرس، ۱۰۵ |
| شوكه الشهباء، ۱۰۹، ۲۷۰ | | صعتر الفرس، ۱۰۵ |
| شوكه العربیة، ۱۸۹ | | |

| | | | |
|---------------------------|-------------------------|------------------------|-------------------------|
| صعتر الفُرس، ۱۹۶ | صنوبر نر، ۴۴ | ضمران، ۱۵۹ | طرف، ۲۰۲ |
| صعتر رومی، ۱۶۵ | صنین، ۱۹۷ | ضمیران، ۱۹۸ | طرفاء، ۴۴، ۱۷۰، ۲۰۲ |
| صعتر (شام)، ۲۲۹ | صواب، ۹۵ | ضمیران، ۱۸۴ | ۲۲۰ |
| صَعْبَتْرَه، ۱۹۵، ۵۵، ۱۱۸ | صوب، ۹۶ | ضموران، ۷۱، ۱۹۸، ۲۲۹ | طَرْفَه، ۲۰۲ |
| صفد، ۱۹۶ | صوصله، ۱۹۷ | ضموران، ۱۵۹ | طرفه، ۲۰۲ |
| صفار، ۹۱ | صوف الارض، ۲۲۴ | طَبَار، ۹۶ | طروج، ۵۲ |
| صفراء، ۱۹۶ | صوف البحر، ۵۵، ۲۰۰ | طبار، ۹۶ | طروقون، ۷۶ |
| صفصاف، ۵۰، ۷۲، ۱۳۶ | صومران، ۱۹۸ | طبار، ۹۶ | طریفا، ۲۳۶ |
| ۲۹۰، ۲۲۰ | صیاره (اندلس)، ۲۷۳ | طَباشیر، ۱۹۹ | طُعْمَة الخَمراء، ۲۳۱ |
| صفصاف البَلْخی، ۱۸۹ | صيدلانی، ۱۳۲ | طباشیر هندی، ۱۹۹ | طُعْمَة خَمراء، ۲۴۲ |
| صُفیراء، ۵۴، ۶۳، ۸۲، ۲۵۹ | صیصاء، ۱۲۶ | طَباق، ۱۹۹، ۲۴۷ | طَفی، ۲۸۳ |
| صُفیراء، ۱۹۶ | ضابطة، ۱۳۴، ۲۵۷ | طَباق (آفریقا)، ۲۱۹ | طفیر، ۲۰۴ |
| صفینه، ۳۹ | ضابطة الجبلية، ۱۳۰ | طَباقه، ۳۷ | طَقاره، ۱۴۸ |
| صقابس، ۲۳۳ | ضال، ۱۶۸ | طَباقه الجبلية، ۶۲ | طِلاء، ۲۰۳ |
| صقار، ۹۱ | ضباب البری (اندلس)، ۱۳۱ | طَباقه (اندلس)، ۱۹۹ | طَلح، ۶۲، ۲۰۳ |
| صَلوان (موصل)، ۱۹۶ | ضبر، ۲۹۰ | طبق، ۲۰۰ | طلح، ۲۶۳، ۲۸۵ |
| صِلْیان، ۱۹۶ | ضجاج، ۱۹۷ | طبله، ۲۰۵ | طَلع، ۹۴، ۹۵ |
| صَمْعاء، ۹۱ | ضربوان، ۱۹۸ | طثیه، ۲۰۰ | طلعه، ۲۴۸ |
| صمغ الحشرف، ۱۱۴ | ضرس العجوز، ۱۱۸ | طُخْلَب، ۵۵، ۲۰۰، ۲۰۷ | طلیطه، ۲۶۰ |
| صمغ الدَمیثا، ۱۹۶ | ضِرْع الکلب، ۱۶۳ | طحلب بحری، ۲۰۰ | طمره، ۲۰۳ |
| صمغ العربی، ۱۹۱ | ضرع الکلبه (یمن)، ۱۹۸ | طحلب لیفی، ۲۰۰ | طمطم، ۱۷۵ |
| صمغ القتاد، ۲۵۱ | ضرم، ۱۹۷ | طحلب نهري، ۲۰۰ | طَینَة، ۲۲۲ |
| صمغ عربی، ۲۳۷ | ضُرم (مکه)، ۴۷ | طحما، ۱۹۱ | طواره، ۲۰۴ |
| صمغ لبلاب، ۱۷۳ | ضرو، ۴۳، ۸۱، ۸۴، ۱۶۸ | طَحْماء، ۲۰۰ | طوب، ۱۱۴ |
| صَناب، ۱۳۰، ۱۸۹ | ضِرْو، ۱۹۸ | طرائث، ۴۶، ۵۱، ۶۸، ۱۵۱ | طوبه، ۴۶ |
| صنابی، ۹۶ | ضَرَوْ، ۲۸۲ | ۲۹۹، ۲۰۱ | طوط، ۲۴۲ |
| صناحیه، ۱۰۳ | ضروان، ۱۹۸ | طراغین آخر، ۲۰۱ | طولُه، ۲۰۴ |
| صنار، ۱۴۵ | ضرو بستانی، ۸۱ | طرثوث، ۲۰۱ | طُفَه، ۱۵۰ |
| صندل ابیض، ۱۹۶ | ضروع الکلبه (یمن)، ۱۹۸ | طُرْثوث، ۲۰۱ | طی، ۲۰۴ |
| صندل احمر، ۱۹۶ | ضریع، ۱۸۴، ۲۰۰ | طرثوث ابیض، ۲۰۱ | طیار، ۲۹۳ |
| صنط، ۲۳۷ | ضَریع، ۱۹۸ | طرج، ۱۴۸ | طیب العرب، ۴۳ |
| صَنَویر، ۱۱۳، ۱۹۶ | ضریم، ۴۷ | طَرَح النواتیه، ۲۰۲ | طیب الغریب، ۴۳ |
| صنوبر الارض، ۱۶۳، ۲۲۴ | ضط (مصر)، ۵۷ | طَرَح النواتیه، ۲۴۸ | طین الأَخْضَر، ۱۱۳، ۲۱۱ |
| ۲۶۱ | ضَعَوْ، ۱۹۸ | طَرَحون، ۸۳، ۱۴۷، ۲۰۲ | ۲۹۲ |
| صنوبر الصیغار، ۱۹۷ | ضَغاییس، ۱۹۸ | طَرَحون، ۲۰۲ | ظفائر الجن، ۲۵۷ |
| صنوبر الکبیر، ۱۱۳ | ضَغیوس، ۱۹۸ | طرخون الرومی، ۲۰۵ | ظَفَر الفرس، ۲۶۹ |
| صنوبر الماء، ۱۱۰ | ضفائر الجن، ۷۵ | طرطور الحاجب، ۱۱۳ | ظَفَر القَط، ۲۰۵، ۲۴۴ |
| صنوبر الهندی، ۱۴۹ | ضفدعی، ۲۵۰ | ۱۲۷ | ظفر القطة، ۲۰۵ |

| | | | |
|-------------------------|------------------------------|--------------------------------|---------------------------------|
| عُثم، ١٦٦، ٢٠٦ | عرق الکافور (مصر و شام)، ١٦١ | عشبه کثیر الاغصان، ٢٠٢ | ظفر النسر، ٢٠٥ |
| عشر، ٢٠٦ | | عشبه مغربی، ٢٠٥ | ظفراء، ٢٠٥ |
| عُثْرَب، ٢٠٦ | عرق الکافور (مکه)، ١٦١ | عُشْبَه مغربیه، ٢٠٩ | ظْفَرَة، ٢٠٥، ٢٨١ |
| عَثَق، ٢٠٦ | عرق شجره هندی، ١٩٩ | عشبه مکرمه، ٧٠ | ظْفَرَة الفرس، ٢٠٥ |
| عُثْمَر، ٢٥١ | عُرْقُصَاء، ٢٠٨ | عشبه البرطال، ١١٩ | ظْفَرَة الفرس، ٢٦٩ |
| عجب، ٢٩٢ | عرق (نجد)، ٩٥ | عُشْبَة البَغْلَة، ١٥٦ | ظفره الفروج، ١١٦ |
| عجما، ٢٠٧ | عروس، ٢٩٢ | عشبه البغلة، ٢٩١ | ظفره الهر، ٢٠٥ |
| عدس، ٢٠٧ | عروس الماء، ٢٩٢ | عشبه التیسیه، ٦٥ | ظْفَرَة، ٢٠٤ |
| عدس الماء، ٢٠٧، ٢٠٠ | عروسة المجلیه، ٢٩٢ | عشبه الثالیل، ٢٠٤ | ظفیره، ٢٠٥ |
| عدس المأكول، ٢٠٧ | عروشیه، ٨٣ | عشبه الحر، ٢٨٢ | ظْفَرَة العجوز، ١١٨ |
| عدس المر، ٢٠٧ | عروق الاصف، ٢٥٠ | عشبه الحومل، ١٢٢ | ظفیره العجوز (قیران و شام)، ١١٨ |
| عدس نبطی، ٢٠٧ | عروق الزعفران، ٢٠٨ | عشبه الخروف، ٨٠ | ظْفَرَة الفروج، ١١٧ |
| عَدَوَة، ٦٣ | عروق السوس، ٢٩١ | عُشْبَة السَّبَاع، ٢٠٩ | ظِلَّام، ٢٠٥ |
| عَدْنِیْسه، ٢٠٧ | عروق الصباغین، ٢٣٠، ٢٠٨ | عُشْبَة السَّبَاع (اندلس)، ٢٥٣ | ظُمُخ، ٢٠٥ |
| عَذبه، ٢٠٢، ٤٠ | عروق الصفیر، ١٢٧، ١٦٣ | عشبه الصباغ، ٢٥٣ | ظِلَّان، ١٥٩ |
| عَذْبَة، ٥٧ | ٢٠٨، ٢١٦، ٢٥٥، ٢٧٦ | عشبه الصحیحه، ٣٠٠ | ظِلَّان، ٢٠٥ |
| عَذْبَة (مصر)، ٢٠٧ | عروق بیض، ٢٨١ | عُشْبَة الطحّال، ٨٧، ١١٩ | عابده الشمس، ٢٠٤ |
| عرار، ٣٤، ٥٧ | عروق حُمَر، ٢٢٨ | ٢٠٤، ٢٦٩ | عاشق الشجر، ٢٦٦ |
| عرار، ٩٠ | عروق دارموم، ١٨٠ | عُشْبَة الطیور، ١٤٩ | عاشق النبات، ٥٥ |
| عرایس النیل، ٢٩٢ | عروق دارهرم، ١٨٠ | عشبه العجول، ٢٠١ | عاقده اللبن، ٢١٩ |
| عرایس النیل (مصر)، ٨٠ | عریز الصغیر، ٢٠٩ | عشبه الفتوق، ١٣٤ | عاقرشمعا، ١٩٠ |
| عَرَب، ٩١ | عریز الکبیر، ٢٠٩ | عشبه القلب، ٢٩٨ | عاقِر قَرَحَا، ٢٠٢ |
| عرب منشور (عراق)، ١٤٠ | عریض، ١٥٢ | عشبه القوباء، ٦٧ | عاقِر قَرَحَا، ٢٠٥، ٢٠٢ |
| عرشنة (بیت المقدس)، ٢٢١ | عزول، ٧٩ | عُشْبَة الکلب، ١٧٠ | عاقِر قَرَحَا، ٢٥٥ |
| عرصف، ٢٠٧ | عزیر الصغیر، ٢٠٩ | عُشْبَة اللحم، ٩٥ | عاقول، ١١٠، ١٢٣، ٢٠٦ |
| عَرِصَم (یمنی)، ٢٠٧ | عزالیج، ١٠٠، ٢٧٤ | عشبه المسلّحه، ٢٦٦ | عَبَب، ٢٤٩ |
| عرطب، ١١٨ | عزالیج (اندلس)، ٢٧٤ | عشبه النار، ١٥٩، ٢٠٥، ٢٦٦ | عَبَب الثعلب، ٢١٤ |
| عرطینثا (آفریقا)، ٧٤ | عسل القصب، ٢٤١ | عشبه النار (مغرب)، ٢٠٩ | عَبَب (مصر)، ٢١٥ |
| عرعار، ٣٩ | عَسَل اللَّبْنِی، ٥٣ | عشبه النساء، ٦٥ | عَبْرَت، ١٧٥ |
| عرعر، ٣٩، ١٤٧، ١٧٠ | عسل اللبنی، ٢٨٦ | عشبه خیر من الف (فاس)، ٨٨ | عبری، ١٦٨ |
| عرعر، ٢٠٨ | عسل الثدی، ١١٠ | عُشْبَة کُلِّ بَلَا، ١٧٩ | عبر، ١٨٠ |
| عرف، ٢٠٨ | عُشْبُج، ٧٥ | عشبه کل بلاء (مغرب)، ١٧٩ | عبوثران، ١٨٦، ٢٠٦ |
| عرفج، ٤١، ٥٠، ٨٥ | عسلج، ٢٢١ | عُشْر، ١٣١، ٢٠٩ | عبر، ٢٩٠ |
| عَرَفَج، ٨٥ | عسل رومان، ٥٣ | عُشْر، ٣٠٠ | عبر (شام)، ١٨٦ |
| عرفج بری، ٢٠٨ | عسل لبنی، ٢٦٧، ٢٨٦ | عشر الصبیان، ٢١٠ | عبیثران، ١٨٦ |
| عرفج بری، ٢٩٥ | عسیلی، ٩٦ | عُشْرَق، ٢٠٩ | عَبْیْثَرَة الأیل، ٥٩ |
| عُرْقُط، ٢٠٨ | عشار، ٢٠٩ | عُشْر الصبیان، ١٩١ | عُثم، ١٦٥، ٢٦٦ |

| | | | |
|------------------------|------------------------|-----------------------------|--------------------------|
| عشق الصبیان، ۲۱۰ | عَظْمی، ۱۵۸ | عَلَس (اندلس)، ۲۱۳ | عنب الذیب (فاس)، ۲۱۴ |
| عشقه، ۱۲۱، ۲۶۶ | عَفار، ۱۷۴، ۲۱۱ | عَلَف، ۱۵۵ | ۲۴۹ |
| عَشَقَه، ۲۱۰ | عفار، ۲۷۸ | عَلَقَه، ۲۶۳ | عِنَب السَّقَف، ۳۷، ۱۵۵ |
| عصا الراعی، ۳۷، ۱۱۰ | عَفَص، ۱۷۹، ۲۱۱ | عَلَقَم، ۳۵، ۱۲۶، ۱۸۷، ۲۱۳ | عنب الطوال، ۵۳ |
| ۲۱۰، ۱۱۳ | عَفَضِیج (عراق)، ۸۶ | عَلَقَمَا، ۲۲۴ | عِنَب الْکِلَاب، ۴۲، ۱۲۸ |
| عصا الراعی، ۱۱۹، ۱۴۹ | عَفِیون (فاس)، ۵۷ | عَلَقَم (اندلس)، ۲۳۳ | عنب خمري، ۲۱۴ |
| ۱۵۱، ۱۸۵ | عقاب الجبل، ۱۶۶ | عَلَقَم (حجاز)، ۲۷۴ | عنبر، ۲۷۰ |
| عصافیرالسنبیل، ۱۷۷ | عَقَاد، ۱۲۳ | عَلَقَمه، ۲۱۳ | عَنْبُوب (فاس)، ۲۷۵ |
| عصا هرمس، ۱۲۱، ۱۳۶ | عَقَار، ۲۱۲ | عَلک، ۱۵۲، ۲۸۲ | عَنْدَم، ۱۴۶، ۲۱۵ |
| ۱۵۹، ۱۲۱ | عَقَار هندی، ۲۸۳ | عَلک الأَنْبَاط، ۸۱، ۲۲۵ | عندم، ۲۱۰ |
| عصب، ۲۹۱ | عَقَر، ۱۴۵ | عَلک البطم، ۸۱ | عَنْزَرُوت، ۶۶ |
| عصب الحرفج، ۲۴۲ | عَقْرِيَان، ۱۰۶ | عَلک الروم، ۲۸۲ | عَنْصَل، ۴۹، ۲۱۵ |
| عُضْفَر، ۴۲، ۵۷، ۲۱۰ | عَقْرِيَان (اندلس)، ۴۸ | عَلک رومی، ۲۸۲ | عنصل، ۴۹، ۸۰، ۲۴۳ |
| عُضْفَر، ۲۳۶ | عَقْرَبی، ۵۹ | عَلِیق، ۹۵، ۲۱۳ | عنصلان، ۴۹ |
| عُضْفَر البری، ۲۱۰ | عَقْرمان (اندلس)، ۴۹ | عَلِیق، ۲۱۳، ۲۱۷ | عَنْصَلَان، ۴۹، ۲۱۵ |
| عصفَر بری، ۷۱، ۷۲، ۱۵۳ | عَقَقَه، ۲۷۱ | عَلِیقِ الْکَلَب، ۱۸۷، ۲۱۳ | عَنْصُوه، ۱۴۵ |
| ۱۵۷ | عَقْزِیْه (لبنان)، ۱۴۴ | ۲۹۴ | عُنُق الحیه، ۲۷۳ |
| عصفور البری، ۷۲ | عَقْفِیَاء، ۲۱۲ | عَلِیقِ (اندلس و مغرب)، ۲۱۳ | عنقر، ۳۴، ۲۷۹ |
| عصی الدب (اندلس)، ۲۴۲ | عکبة (مصر)، ۱۷۹ | ۲۱۳ | عَنْقَر، ۷۵ |
| عصی الراعی، ۶۴، ۷۶ | عکری، ۲۵۰ | عَمَلِج، ۸۱ | عَنْقَر، ۲۷۹ |
| ۱۵۱، ۱۵۷، ۲۲۰، ۲۴۱ | عَكْرَب، ۲۱۲ | عَمْلُول، ۲۴۵ | عَنْقَر، ۵۹، ۲۷۹ |
| ۲۸۱، ۲۹۹ | عکرش، ۹۹، ۲۱۲ | عَمون، ۲۰۸ | عنقر، ۱۱۳ |
| عَصَى الراعی، ۲۱۰ | عَكْرَش، ۹۹، ۱۵۳ | عَنْاب، ۱۶۸، ۲۱۳ | عَنْقَر، ۲۷۹ |
| عصیر الدب، ۲۴۲ | عکرشه، ۲۰۰ | عَنْاب الابيض، ۳۵ | عَقود، ۶۱ |
| عصیر الدب (اندلس)، ۲۳۱ | عکنة (مصر)، ۱۷۹، ۲۱۲ | عَنْاب الابيض، ۲۱۳ | عَقود، ۲۱۵ |
| عصیر الدب (اندلس)، ۲۴۲ | ۲۷۰ | عَنْب، ۵۳، ۲۱۴ | عنم، ۱۹۱ |
| عُصْفِرَة، ۲۱۱ | عکوب، ۱۱۴ | عَنْب، ۲۱۷ | عَم (شام)، ۸۷ |
| عِضَاء، ۲۰۹ | عَكُوب، ۱۱۴ | عنب الثعلب، ۱۵۴، ۲۱۴ | عود، ۲۱۶ |
| عَضْرَس، ۱۲۹، ۲۱۱ | عَكُوب، ۱۱۴ | ۲۱۵، ۲۴۹ | عود الاراک، ۲۳۳ |
| عطارد، ۱۷۸ | عَكُوب الفارسی، ۱۱۴ | عنب الثعلب البستانی، ۲۴۹ | عود البخور، ۵۴ |
| عَطَاس، ۲۱۶ | عکيفية، ۵۹ | عنب الثعلب (فاس)، ۲۴۹ | عود البرق، ۱۴۱ |
| عطب، ۲۴۲ | عَلَام، ۱۲۵ | عنب الثعلب مخین، ۲۱۴ | عود البلسان، ۸۶ |
| عَطْشان، ۱۱۴، ۱۳۳، ۱۴۸ | عَلَام، ۲۵۴ | عنب الحیه، ۲۹۸ | عود البندق، ۷۶ |
| ۱۴۹، ۲۶۳ | عَلث، ۲۱۲ | عنب الحیه، ۲۱۵ | عود الحمیر (مغرب)، ۲۲۳ |
| عطفل، ۱۹۸ | عَلِج، ۲۰۷ | عنب الدب، ۲۱۵ | عود الحیه، ۲۱۶ |
| عِظْلَم، ۲۱۱، ۲۹۲ | عَلِجان (آفریقا)، ۲۱۲ | عنب الدب، ۲۱۹ | عود الحیه، ۲۲۲ |
| عِظْلَم، ۲۹۲ | عَلِجان (آفریقا)، ۲۳۸ | عنب الذئب (اندلس)، ۲۱۴ | عود الرقّه، ۶۵ |
| عِظْلَم، ۲۹۲ | عَلَس، ۲۱۳، ۲۶۳ | عَنْب الذیب، ۱۳۷ | عود الريح، ۲۲۳، ۲۷۲ |

| | | | |
|----------------------------------|------------------------------|--------------------------|-------------------------|
| عود الريح المغربی، ١٢٠ | عَيْن البقر، ٤٩، ٩٠، ٩١، ٢١٧ | عَرَب، ٥٠، ٢٢٠ | فاخر، ٩٦ |
| عود الريح (اندلس)، ٢٧٢ | | عَرَب، ٩٧، ٢٢٠، ٢٨٠ | فاخور، ٢٢١ |
| عود الريح (دمشق و مصر)، ٣٥ | عَيْن البَقَر، ٢١٧ | غرب، ١٨٩ | فارس العود، ١٠٩ |
| عود الريح (شام)، ٢١٦ | عين البقر (مغرب)، ٢١٧ | عَرَد، ٢٦٠ | فارس الماء، ١٧١ |
| عود الشرح، ١٣٧ | عين البقر (مغرب و اندلس)، ٤١ | عَرَز، ٢٢٠ | فارق، ٩٦ |
| عود السوس، ٣٣ | عين الثور، ٩٠ | غرغال، ٦٠ | فاشرا، ٢٢٢ |
| عود الصليب، ٢٩٥، ٢٢٣ | عَيْن الخُضراء، ١١٣ | غرغتيه (اندلس)، ٢٧٣ | فاغِرَه، ٢٢٢ |
| عود العُطاس، ١٧٢، ٢١٦، ٢٦٣ | عَيْن الديك، ٢١٧ | عَرَقَد، ٢١٧، ٢٢٠ | فاغرة الهندیه، ٢٩٦ |
| عود الفالوج، ١٩٠ | عين الديكة، ٢١٧ | غرقدۀ، ٢٢٠ | فاغوس، ١٩٣ |
| عود الفرّج، ٢٠٥ | عين العجل، ٩٠، ٢١٧ | غرناطة (بيت المقدس)، ١٤٦ | فاغوش، ١٩٣ |
| عود القروح، ٢١٦ | عين العُجَل (شام)، ٩٠ | غَرى، ٥١ | فاغیه، ٢٢٧ |
| عود القسینة (مصر)، ١٩٦ | عين الهمهد (آفريقا)، ٣٤ | غَرى الاساكفه، ١٣٨ | فاغیه، ١٢٥ |
| عُود الكلب، ١٣٨ | عَيْن الهمهد (آفريقا)، ٢١٨ | غَرى الاساكفه، ١٣٨ | فافیر، ٧٥ |
| عود النسر، ٢١٦ | عَيْنون، ٢١٨، ٢٥٢ | غریر، ٢٢٠ | فاقیر (مصر)، ٧٥ |
| عود الوج، ٢١٦، ٢٩٣ | عیون البقر، ٤١ | غَرَزَاء، ١٤٨، ٢٢٠ | فاناقس کبیر، ١٠٠ |
| عود الیسر، ٢١٦ | غار، ١٤٨، ١٥٩، ٢١٨ | غریراء، ٢٢٠ | فَأَسِی، ٦٦ |
| عود انجوح، ٢١٦ | غار الاسکندری، ١٤٩ | غزل الماء، ٢٠٠ | فبالۀ، ٢٧٣ |
| عود بری، ٧٦ | غار (شام)، ١٥٩ | غَسَلَج، ٢٢١ | فَنائل الرُهْبَان، ٢٢٣ |
| عود رطب، ٢١٦ | غاسول، ٣٩، ٥٢، ١٢٣ | غسلۀ، ٢١٨ | فَت، ١٢٩ |
| عود رنج، ٣٥ | غاسول رومی، ٣٩ | غسلین، ١٢٣ | فُجَل، ٢٢٣، ٢٢٤ |
| عود هندی، ١٧٩، ٢١٦ | غافت، ١٢٠، ١٩٩، ٢١٩ | غسول، ٤٣، ١٢٩ | فُجَل، ٢٦٦ |
| عود ینجوح، ٢١٦ | غافت الشاهدانجی، ٢١٩ | غشاة، ٣٧ | فجل الصغیر، ٢٧٤ |
| عَورة الارض، ٩٢ | غافَت، ١٩٩، ٢١٩ | غَصَف، ٢٢١ | فُجَل الماء (مغرب)، ٢٣٥ |
| عَوَسَج، ٢١٣، ٢١٧، ٣٠١، ٢٨٢، ٢٢٠ | غافت (فاس)، ٢١٩ | غِلالة (اندلس)، ١٤٤ | فجل باعشقی، ٢٢٤ |
| عوسج الاحمر، ١٦٢ | غالبۀ، ٢٤٩ | غلبی، ١٦٣ | فجل بری، ٥٧، ١٠٢، ٢٢٣ |
| عوسج الاسود، ٦١ | غالبۀ (اندلس)، ٢١٤ | غَلْتان، ٥١ | ٢٢٤ |
| عوسج الأسود، ١٢٠ | غالبۀ (قرطبه)، ١١٣ | غَلْتان، ١٤٢ | فجل رخامی، ٢٢٣ |
| عوسج أسود، ١٠٥ | غباریۀ، ٢١٩ | غلغلون، ٢٦٠ | فجل شامی، ٢٢٤ |
| عوسجۀ، ٢٢٠ | غیرا، ١٩٤ | غلَقا، ٢٢١ | فِجَن، ٦٢ |
| عیاشیۀ، ١٥٧ | عُتیرا، ١٩٤، ٢١٩ | غَلَقۀ، ٢٢١ | فُجَن، ٧٤ |
| عیثام، ١٤٥، ٢١٧ | عُتیرة الأیَل، ٢٨١ | غَلَقی، ٢٢١ | فَنخدا، ٥٩ |
| عید، ٢١٧ | عَدَر، ٢٣٠ | غملول، ٢٤٥ | فَنخذ، ٥٩ |
| عیسوب، ٣٤ | غدو، ٧٢ | غَمْلول، ٢٤٥ | فَراسیون، ٨٧، ٩٥، ١٧٩ |
| عیسوب، ٢٧٩ | غرابیۀ، ٢٨٢ | غزروت، ٦٦ | ٢٥٢، ٢٢٤ |
| عَيْن الأخضر، ٢١١، ٢٩٢ | غرانیق، ٦٧ | غوشنه، ٢٣٠، ٢٦٠ | فَراسیون الابيض، ٢٢٤ |
| | غیراء، ١٤٨ | عَولان، ١٢٣ | فَراسیون سیاه، ٢٢٤ |
| | غَرَاء، ٢٢٠ | غَیطل، ٢٢٩ | فراط، ٩٦ |

| | | | |
|------------------------|----------------------------------|-----------------------|------------------------------|
| فرببون، ۳۷ | فقاح السورنجان، ۵۳ | قم الطائر، ۱۲۹ | قوه الصباغین، ۲۰۸، ۲۳۰ |
| فَرْج الأَرْض، ۱۸۰ | فقاح الکرم، ۲۵۵ | قم قریش، ۱۹۷، ۲۴۱ | قوه الصبغ، ۲۳۰ |
| فرصاد، ۹۵ | فَقْد، ۴۱ | فمل قریش، ۱۹۷ | فوهق، ۲۴۵ |
| فرصاد (بصره)، ۹۵ | فَقْع، ۲۲۶ | فَناء، ۲۱۴ | قوة البرانية، ۸۶ |
| فرغخ، ۸۲، ۲۶۶ | فَقْع، ۲۲۷ | فنجین، ۸۸ | قَوْنَلَه، ۲۷۳ |
| فرغخ البری، ۸۲ | فَقُوس، ۲۲۷ | فندق هندی، ۵۲ | فیسمون (فاس)، ۵۵ |
| فَرْفیر، ۸۳ | فَقُوس الحمیر، ۲۳۳ | فواحش، ۹۲ | فیجن، ۱۶۷ |
| فرغیر، ۸۹ | فَقُوس (مغرب)، ۲۳۳ | فوتنج، ۱۱۰، ۲۲۹ | فیلجوش، ۲۳۰ |
| فرغین، ۸۲ | فقیض، ۱۸۳ | فوتنج البری، ۱۰۵ | فیل جوش، ۲۷۳ |
| فَرْفِیون، ۲۲۴ | فل، ۲۲۷ | فوتنج بستانی، ۱۲۲ | فیلزهرج، ۵۸، ۱۲۰، ۲۳۱ |
| فَرْنَجِشْک، ۲۲۵ | فلاح، ۲۳۲ | فوتنج نهري، ۲۲۹ | فیهق (اندلس)، ۶۴ |
| فرو الحمام، ۱۰۷ | فُلُل، ۴۶، ۲۲۷ | فودنج، ۱۹۵ | قابضه، ۱۳۴ |
| فریقا، ۲۷۱ | فلفل، ۲۲۸ | فودنج، ۲۲۹ | قَابْطِیرَه، ۲۸۰ |
| فریقه (شام)، ۱۲۰ | فلفل ایض، ۴۶ | فودنج البری، ۸۳ | قاتل ابنه، ۵۷ |
| فزع اللبوء، ۱۵۱ | فلفل ایض، ۲۲۷ | فودنج التیس، ۲۲۹ | قاتل ابیه، ۷۵، ۱۰۶، ۲۱۱، ۲۱۲ |
| فُسْتَق، ۱۱۳، ۲۲۵ | فلفل اسود، ۲۲۷ | فودنج بری، ۲۸۱ | ۲۲۴، ۲۳۱، ۲۴۲ |
| فستق البادیه، ۱۱۱ | فلفل الابيض، ۱۱۲ | فودنج بستانی، ۲۸۱ | قاتل اخیه، ۱۳۵ |
| فُسْتَق المصری، ۱۰۹ | فلفل الأبيض، ۴۶ | فودنج جبلی، ۱۱۳ | قاتل الحمیر، ۱۴۵ |
| فستق الهاویه، ۱۱۱ | فُلُل الأبيض، ۱۴۲ | فودنج نهري، ۲۲۹ | قاتل الدب، ۲۳۱ |
| فسله، ۵۱ | فلفل الأخوص، ۲۷۶ | فودنج، ۲۸۰ | قاتل الذئب، ۴۲، ۱۲۸ |
| فَسَوَة الضبع، ۹۳، ۲۲۶ | فلفل الأسود، ۷۰ | فوذنجات، ۸۳ | قاتل الغلق، ۲۳۱ |
| فَش، ۳۰۱ | فلفل الخواص، ۲۷۶ | فوذنج البری، ۲۰۵ | قاتل الکلب، ۴۲، ۱۲۸، ۲۳۱ |
| فشاع، ۱۶۰، ۱۹۵، ۲۲۶ | فلفل السودان، ۲۸۹، ۲۲۸ | فوذنج البستانی، ۲۲۱ | قاتل النحل، ۲۳۲، ۲۹۲ |
| فَسال، ۷۲، ۲۰۱ | فلفل السودان (اندلس و مغرب)، ۱۶۳ | فوذنج التیس، ۲۸۱ | قاتل النمر، ۱۲۸ |
| فشغ، ۲۲۶ | فلفل الصقالیه، ۴۱ | فوذنج نهري، ۱۱۳ | قاتل نفسه، ۵۵، ۲۳۲ |
| فشک، ۹۶ | فُلُل الصَقالیه (اندلس)، ۴۱ | فوفل، ۵۴، ۲۴۸ | قارج، ۵۰، ۱۴۸ |
| فصفصة، ۱۵۲، ۱۵۵، ۲۴۱ | فلفل الصقالیه، ۲۲۸ | قَوْفَل، ۲۳۰ | قارة، ۶۰، ۲۳۲، ۲۸۰ |
| فِصفِصَة، ۱۵۶، ۲۹۱ | فلفل القروء، ۲۵۱ | قَوْفَل، ۲۳۰ | قارة (اندلس)، ۱۷۱ |
| فصل مأکول، ۸۵ | فلفل الماء، ۲۲۸، ۲۵۴ | فول الحمام، ۱۰۱ | قارة (اندلس)، ۱۷۱ |
| فضل الجوارى، ۸۰ | فلفل بری، ۴۱ | فول الحَمَام، ۲۴۶ | قاطر (صیادله)، ۱۴۶ |
| فَضِیَة، ۶۰، ۲۲۶ | فلفلة، ۲۵۷ | فول الخنزیر، ۱۲۸، ۲۷۱ | قَاقلَه، ۲۳۲ |
| فضیة، ۱۱۹ | فلنجمشک، ۸۳، ۲۲۵ | فول الشعال، ۲۴۸ | قاعله، ۲۳۲، ۲۳۵ |
| فضیة، ۲۲۶ | فلنجة، ۱۶۱، ۲۴۹ | فول المجوسی، ۲۷۳ | قاعله الصغار، ۷۰ |
| فَطْر، ۱۷۳ | فلوس، ۲۷۷ | فول (قبطى و مصری)، ۷۳ | قاعله صغار، ۲۹۶ |
| فَطْر، ۲۰۱ | فلومس صغیر، ۶۰ | فوم، ۱۲۶ | قاعلة صغيرة، ۲۹۶ |
| فطر، ۲۱۸، ۲۳۰، ۲۵۸ | قَلِیْلَة، ۲۴۸، ۲۹۶ | قُوَه، ۲۳۰ | قاعلی، ۱۵۵ |
| فَطْر، ۲۲۱، ۲۲۶ | قَلِیَه (مصر)، ۲۲۹ | قوه الصباغان، ۲۳۰ | قالیقیا (شام)، ۱۹۳ |
| فَطْر، ۲۲۶ | | | قَبَار، ۲۵۰ |

| | | | |
|--------------------------|---|-------------------------------|--------------------------|
| قَبَاة، ۱۴۷ | قراصیا (مغرب و اندلس)، | قرع الیابس، ۱۴۲ | قَزَاح، ۲۱۲ |
| قَبی، ۹۶ | ۱۱۳ | قرغار، ۴۶ | قُزَاح، ۲۳۸ |
| قُبَیط، ۲۸۹ | قربان، ۱۳۹ | قرفا، ۵۷ | قُس، ۲۳۹ |
| قُبَیطاء، ۲۸۹ | قربض، ۶۵ | قِرْفه، ۱۴۱ | قسا، ۲۳۹ |
| قَبیطه، ۲۸۹، ۱۹۱ | قَزَج، ۱۴۸ | قِرْفه، ۱۰۷، ۲۳۸ | قسا الحمار، ۱۹۴ |
| قَت، ۱۲۲، ۱۵۶ | قردب الاسود، ۲۵۹ | قِرْفه القَرْنفل، ۱۴۱ | قس الکلاب (مصر)، ۲۱۹ |
| قَت، ۲۹۱ | قرشی، ۹۶ | قَرَقاز (فاس)، ۲۴۳ | قَسَب، ۹۵ |
| قناد، ۱۸۹، ۲۳۳، ۲۵۱، ۲۹۲ | قرصعنه، ۴۷، ۸۴، ۱۰۵، ۱۵۸، ۲۲۹، ۲۳۶، ۲۶۱ | قَزَم، ۲۳۸ | قَسَب، ۹۵، ۲۳۹ |
| قناد الأعظم، ۲۳۳ | ۲۹۶ | قرمامومن، ۲۳۵ | قُسَط، ۲۳۹ |
| قناد الصغیر، ۵۹ | قَرَضَعَنه، ۲۳۶ | قَزَل، ۱۲۳ | قُسَط الرومی، ۱۵۳ |
| قت البر، ۲۹۱ | قرصعنه جبلی، ۲۳۶ | قرن الأیل (اندلس)، ۲۳۵ | قسط بحری، ۲۳۹ |
| قند، ۲۳۴ | قرصعنه مسدس، ۲۳۶ | قرن البحر، ۲۶۴ | قسط رومی، ۱۵۳ |
| قناد، ۲۳۳ | قرصعنه الزرقاء، ۱۹۱ | قرباد، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۵۶ | قسط شامی، ۱۵۳ |
| قَناء، ۱۴۰، ۲۳۳ | قرصونه، ۲۳۶ | قُرْنَبی، ۱۰۵ | قسط عربی، ۲۳۹ |
| قناء البری، ۲۳۳ | قرط، ۱۳۲ | قُرْنَج (اندلس)، ۵۹ | قسطل، ۸۶ |
| قناء البری الهندی، ۸۵ | قُرْط، ۲۳۶ | قرنساء، ۶۷ | قِسْطَلَة صغیره، ۸۰، ۱۸۰ |
| قناء البستانی، ۲۳۳ | قرطم، ۱۱۳، ۲۱۰ | قَرْنفاد، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۵۶ | قسط مر، ۲۳۹ |
| قَناء الحمار، ۱۹۴، ۲۳۳ | قُرْطَم، ۱۴۲ | قَرْنفل، ۲۳۸ | قسط هندی، ۲۳۹ |
| قناء الحمیر، ۲۳۳ | قُرْطَم، ۱۶۳ | قرنفل الارض، ۲۹۱ | قسوس، ۱۱۳، ۱۴۳، ۲۶۵ |
| قَناء الحیة، ۲۳۴ | قُرْطَم، ۲۳۶ | قَرْنفل بستانی، ۲۲۵ | قسوس، ۲۴۰ |
| قناء العظم، ۱۲۶ | قِرْطَم، ۲۳۶ | قرنفل جبلی، ۴۶ | قسیاس، ۷۴ |
| قناء الکبر، ۲۵۳ | قرطمان، ۱۲۶، ۱۳۱، ۲۶۳ | قرنفل شامی، ۲۳۸ | قَسَی (اندلس)، ۲۰۰ |
| قناء النعام، ۱۲۶ | قُرْطمان، ۲۳۷ | قرنفلیه (مغرب)، ۲۳۸ | قَش، ۲۴۰ |
| قَناء الهندی، ۱۴۰ | قرطمانا، ۲۳۵، ۲۵۶ | قرنفول، ۲۳۸ | قشا، ۱۷۴ |
| قَنَد، ۲۳۴ | قِرْطمانا، ۲۵۶ | قرون السنبیل، ۲۳۸ | قَشَبَة (حجازی)، ۲۴۰ |
| قند، ۲۳۴ (حجاز) | قرطم بری، ۱۵۸ | قُرْة العین، ۱۰۳، ۱۸۲، ۲۳۵ | قُشْعَر (یمن)، ۲۳۳ |
| قتل، ۲۳۴ | قُرْطَم بری، ۲۳۶ | ۲۵۸ | قُشْف، ۲۱۱ |
| قشی، ۲۳۴ | قرطم هسک، ۲۱۰ | قرینا، ۱۲۶ | قُصاص، ۱۳۷، ۲۴۰ |
| قجلال، ۹۶ | قرطم هندی، ۲۳۷، ۲۹۲ | قُرَیص، ۶۵ | قصب، ۳۷، ۱۵۵ |
| قداح، ۱۵۵ | قرطی، ۹۶ | قریص، ۶۵ | قَصَب، ۲۴۰ |
| قدح مریم، ۲۳۴ | قرط، ۵۷، ۲۳۷ | قُرَیص، ۶۵، ۱۱۰ | قصب البردی، ۷۲ |
| قراح، ۲۱۳ | قَرْط، ۱۳۲، ۱۹۱ | قُرَیص، ۲۵۵ | قصب الذریرَه، ۲۴۰ |
| قراذیه، ۱۱۴ | قَرْط، ۲۳۷ | قُرَیصَة، ۲۲۲ | قصب الذریرَه، ۲۴۴ |
| قراصیا (دمشق)، ۲۳۴ | قرع، ۱۴۲، ۱۵۴ | قُرَیصَة، ۲۵۸ | قصب الذهبی (اندلس)، ۲۷۲ |
| قُرَاص، ۵۷، ۲۳۴ | قَرَع، ۲۳۷ | قُرَیصَة الکُثان، ۲۵۸ | قصب الذیرَه، ۲۴۰ |
| قراصیا البعلبکیه (اهالی | قَرَع، ۲۳۷ | قُرَیصَة الکُثان (اندلس)، ۱۶۷ | قصب الریح (اندلس)، ۲۷۲ |
| صقلیه)، ۲۳۴ | قرع المُر، ۲۳۷ | قُرَیصَة (اندلسی)، ۵۵ | قصب الریح (فاس)، ۲۴۰ |

| | | | |
|---------------------------|----------------------|----------------------------|-------------------------------|
| قَصَب السُّكَّر، ۲۴۱ | قُطْلَب (شام)، ۲۴۲ | قَلْقَال، ۴۵ | قُنْب بری، ۱۱۲ |
| قصب الصين، ۱۴۱ | قُطْن، ۱۳۱، ۲۴۲ | قَلْقِل، ۱۱۲ | قنب (مغرب)، ۲۴۵ |
| قصب بری، ۱۴۷ | قطن، ۱۵۲، ۲۲۶ | قَلْقَلان، ۱۱۲ | قنب هندی، ۲۴۵ |
| قصب بوا، ۲۴۰ | قُطْن، ۲۴۲ | قَلْلَجَة، ۳۹ | قُنْبِيط، ۲۵۶ |
| قصب جبلی، ۱۴۷ | قَطونَا، ۷۸ | قَلْماس، ۲۴۱ | قُنْبِيط، ۲۵۶ |
| قصب شوی، ۳۴ | قُطْطِيطْن، ۲۶۹ | قَلوب الدحج، ۴۱ | قُنْبِيط الذکر، ۲۵۶ |
| قَصْبَة، ۱۴۸، ۹۹ | قَطِيفه، ۲۴۲ | قَلوب النعام، ۵۴ | قَنْبِل، ۲۴۴ |
| قصبی، ۲۱۲ | قَعْبَل، ۲۴۳ | قَلْن، ۱۲۳ | قُدس، ۲۶۳ |
| قَصْد، ۲۱۷ | قُعْفور، ۸۰ | قَلْی، ۲۴۴ | قَدول، ۱۰۹ |
| قصری، ۹۶ | قَعْنَب، ۸۰ | قَلِیه (مصر)، ۲۲۹ | قَطورین غلیظ، ۲۴۶ |
| قَصْعَة، ۲۶۶ | قُعْنَب، ۲۴۳ | قَماشیر، ۲۶۰ | قُطُورِیون، ۲۴۵ |
| قَصْعَة الحمیر، ۲۶۶ | قَعْنَب، ۲۴۳ | قَمَح، ۱۲۶ | قَطورِیون الأصغر، ۳۶ |
| قَصَم، ۲۴۲ | قُف، ۲۲۰ | قَمَح، ۱۲۶، ۱۶۴، ۱۹۴ | قَطورِیون الجلیل، ۲۴۶ |
| قَصَة الحِیَة (مغرب)، ۲۴۶ | قِف (دمشق و شام)، ۳۶ | قَمَح البری، ۴۲ | قَطورِیون الدقیق (اندلس)، ۲۴۶ |
| قصی، ۹۶ | قَفَر، ۲۸۳ | قَمَح الحَجَل، ۱۲۶ | قَطورِیون دقیق، ۲۰۹، ۲۴۶ |
| قصیص، ۴۲ | قَفَر الیهود، ۱۲۴ | قَمَح السودان، ۱۰۰ | قَطورِیون صغیر، ۲۴۵ |
| قصیصه، ۹۶ | قَقْعَاء، ۲۵۲ | قَمَح الشیطان، ۱۲۶ | قَطورِیون غلیظ، ۲۰۹ |
| قصیم، ۲۴۲ | قَقْل، ۸۲ | قَمَح الصقالبه، ۱۲۶ | قَطورِیون کبیر، ۲۴۵ |
| قُضاب مصری (مصر)، ۲۴۱ | قَقُور، ۲۴۳ | قَمَح جبلی، ۱۰۳ | قَنْغذی، ۱۱۸ |
| قُضام، ۱۲۳ | قَقْل، ۸۲ | قَمَح ماناه، ۱۲۶ | قَه، ۷۲، ۲۶۱ |
| قَضْب، ۵۸، ۱۵۶، ۲۴۱ | قَلَاظی، ۹۶ | قَمَحَة، ۲۴۱ | قَه، ۲۴۶ |
| ۲۹۱ | قَلَاقِل، ۱۱۲ | قَمَر، ۵۹ | قَه، ۷۲ |
| قَضبانَا، ۱۱۶ | قَلَاقَلْی، ۴۵ | قَمَرُون، ۱۴۳ | قَه (اندلس)، ۲۵۹ |
| قَضَم قَریش، ۱۳۲، ۱۹۶ | قَلال، ۷۹ | قَمَرَة، ۵۹ | قَهْنِیه (اندلس)، ۱۱۲ |
| ۲۴۱ | قَلَام، ۱۲۳، ۱۸۲ | قَمَلول، ۲۴۵ | قَوِیع، ۱۱۴ |
| قُطْب، ۱۱۸ | قَلَام، ۲۴۳ | قَمَلین، ۱۲۳ | قوت البریه (صیدلانیه)، ۸۶ |
| قطران، ۲۰۳، ۳۹ | قَلَام، ۲۵۴ | قَمْنِیلَه (شام)، ۱۱۸، ۱۴۸ | قوز، ۲۴۲ |
| قَطِران، ۱۸۷ | قَلَام کرمان، ۲۳۲ | قَنَابَرِی، ۲۴۵ | قوسِیَّه، ۲۴۶ |
| قَطَف، ۸۴، ۱۱۹، ۱۷۰ | قَلْب، ۲۴۳ | قَنابری (شام)، ۴۸ | قَوْلِیَّه، ۲۰۷ |
| قَطَف، ۲۴۱ | قَلْب الْأَرْض، ۱۸۰ | قَناد (مغرب)، ۲۱۴ | قَوْلِیَّه (اندلس)، ۱۷۱ |
| قَطَف بحری، ۲۴۲، ۲۷۱ | قَلْب النخل، ۹۵ | قَناریه، ۱۱۴ | قَوْلِیَّه، ۱۲۲ |
| ۲۸۴ | قَلِیخ، ۲۲۱ | قَناریه (اندلس)، ۱۱۴ | قومسی، ۲۰۱ |
| قَطَف بری، ۱۳۹ | قَلْت، ۱۱۲ | قَناریه بری، ۱۱۴ | قونیز الأصغر، ۱۹۹ |
| قَطَف (مغرب)، ۱۷۰ | قَلْت، ۱۱۲ | قَناریه (مغرب)، ۱۱۴ | قیاصم، ۱۴۹، ۲۵۸ |
| قُطْلَب، ۱۲۲ | قَلْت، ۱۱۲ | قَنّا صغیر، ۲۴۴ | قیخورِیون قارذنون، ۶۳ |
| قُطْلَب، ۱۲۳ | قَلْثمان، ۲۲۵ | قَنّا (مصر)، ۵۱ | قیروان (آفریقا)، ۲۴۳ |
| قُطْلَب، ۱۸۶ | قَلْثاس، ۲۴۳ | قُنْب، ۱۱۲، ۲۴۵ | قیسوم، ۷۶، ۲۴۷ |
| قَطْلَب، ۲۴۲، ۲۳۱ | قَلْثاص، ۹۴ | قُنْب، ۲۴۵ | |

| | | | |
|-----------------------|-------------------------|----------------------|-------------------------|
| کریزه الحمام، ۱۸۳ | کثیرة الاضلاع، ۲۶۹ | کاؤل، ۸۰ | قیصوم، ۵۵، ۶۱، ۶۲، ۷۶ |
| کریزه البشر، ۷۶، ۲۰۳ | کحلا، ۳۸ | کأس، ۲۴۷ | ۱۵۹، ۱۸۳، ۲۴۷ |
| کُرْبُزَةُ البیر، ۱۱۹ | کحل السودان، ۹۴ | کَبْ، ۲۵۰ | قَصُوم، ۷۷، ۲۸۱ |
| کریزه الحمام، ۱۸۳ | کَحْلَاء، ۲۵۲، ۲۶۹ | کَبَابَه، ۲۴۹ | قَصُوم، ۲۴۷ |
| کرسف، ۲۴۲ | کحلاء الجبلی، ۲۵۲ | کبابه، ۲۵۰ | قیصوم الصغیر، ۲۸۲ |
| کرسنه، ۱۵۶ | کُحْل خولان، ۱۲۰ | کَبَابَه، ۲۳۸ | قیعرن، ۱۴۸ |
| کَرْسَنَه، ۲۵۳ | کُحْل فارس، ۶۶ | کبابه (عراق)، ۲۴۹ | قَيْقَب، ۱۰۶، ۲۸۶ |
| کرسنی، ۱۲۴، ۲۹۱ | کحل فارسی، ۶۶ | کبابه هندی، ۲۴۹ | قیقبان (اندلس)، ۱۰۶ |
| کَرِش، ۲۵۳ | کحل کرمانی، ۶۶ | کَبَاث، ۴۳ | قیلعی (شام)، ۲۸۶ |
| کرفس، ۱۰۲، ۲۰۲ | کحلوان، ۱۵۳، ۶۷ | کیاث، ۲۴۹ | کاذی، ۲۴۸، ۲۶۰ |
| کَرْفَس، ۲۵۳ | کُحْلوان، ۲۱۸ | کیار، ۲۵۰ | کاسات، ۲۴۷ |
| کرفس الاجامی، ۲۵۴ | کُحْلَاء، ۱۹۰، ۲۱۸، ۲۵۲ | کیاء، ۲۱۶ | کاسر الحجر، ۱۱۲، ۲۴۳ |
| کرفس البستانی، ۲۵۴ | کدر، ۲۴۸ | کبر، ۱۱۴، ۲۱۵، ۲۵۰ | کاسنی بری، ۱۳۹ |
| کرفس الجبلی، ۲۵۴ | کراث، ۸۰، ۲۶۴ | کَبْر، ۲۵۰ | کاشم، ۶۵، ۲۰۴، ۲۵۳ |
| کرفس الریفی، ۲۵۴ | کُراث، ۲۵۲ | کبرالرومی، ۴۹ | کاشم، ۲۴۸ |
| کرفس الشنوی، ۲۵۳ | کراث، ۲۵۲، ۲۵۳ | کَبَّة، ۲۵۰ | کاشم الریفی، ۲۴۸ |
| کرفس الصخری، ۲۵۳، ۲۵۴ | کراث الثومی، ۸۰ | کَبِیکَج، ۲۵۰ | کاشم الصغیر، ۲۰۲ |
| | کراث الجبل، ۲۵۲ | کتان، ۱۵۲، ۲۴۳، ۲۷۷ | کاشم الکبیر، ۱۵۵ |
| کرفس العریض، ۲۵۳ | کراث الجبلی، ۸۰ | کِتَان، ۲۵۰ | کاشم رومی، ۱۶۷ |
| کرفس العظیم، ۲۵۳، ۲۵۴ | کراث الجلیقی، ۸۰ | کِتَان، ۲۵۰ | کاشم رومی، ۲۴۸ |
| کرفس الماء، ۲۳۵ | کراث الروم، ۸۰، ۱۵۳ | کِتَان، ۲۵۸ | کاش (مصر)، ۵۷ |
| کرفس المجوسی، ۲۵۴ | کراث الریفی، ۸۰ | کِتَان الماء، ۵۵ | کاشم صغیر، ۲۴۸ |
| کرفس المرّ، ۲۵۴ | کُراث الشامی، ۸۰، ۲۵۲ | کتَم، ۹۳ | کاشم صینی، ۲۴۸ |
| کرفس المشرقی، ۲۵۳ | کُراث الصخر، ۲۵۲ | کَتَم، ۲۵۱ | کاشم کبیر، ۱۴۸ |
| کرفس النبطی، ۲۵۳ | کُراث الکرم، ۲۵۲ | کَتْنِین، ۲۵۱ | کافور، ۲۴۸ |
| کرفس بری، ۱۷۶، ۲۵۰ | کراث الکَرَمی، ۲۵۲ | کُتَا، ۱۰۲ | کافوری، ۵۷، ۲۹۰ |
| کرفس بستانی، ۲۵۴ | کراث المائدة، ۲۵۲ | کُتَاة، ۱۰۲ | کافوری (آفریقا)، ۵۷ |
| کرفس جبلی، ۲۵۳ | کراث اندلسی، ۸۰ | کثیر الأرجل، ۷۹ | کافوری (مغرب)، ۱۸۶ |
| کرفس صخری، ۲۲۷ | کراث بری، ۴۸، ۲۰۴ | کثیر الأضلاع، ۲۶۹ | کاکنج، ۱۴۷، ۲۱۴ |
| کرفس عظیم، ۲۲۸ | کُراث بری، ۲۵۲ | کثیر الرکب، ۱۸۹ | کاکنج، ۲۴۹ |
| کرفس مائی، ۲۵۴ | کراث جبلی، ۲۲۴ | کثیر الرُکب، ۲۵۲ | کاکنج المرجی، ۱۰۷ |
| کرفس مشرقی، ۲۵۳ | کُراث رومی، ۲۵۲ | کثیر الرؤوس، ۹۰، ۲۵۲ | کاکنج المروج، ۲۴۹ |
| کرفس مقدونی، ۲۵۳ | کراث شامی، ۲۴۳، ۲۵۲ | کثیر العقد، ۹۰ | کاکنج النهری، ۱۳۷ |
| کراکش (مصر)، ۵۷، ۷۰ | کراث شامی (فلسطین)، ۲۵۲ | کثیر القَعد، ۲۱۰ | کاکنج غالیه (مغرب)، ۲۱۴ |
| کُرکم، ۱۲۰ | | کثیر المنفعة، ۱۳۶ | کاکنج (قاهره)، ۲۰۶ |
| کرکم، ۲۷۶ | کراث ملوکی، ۸۰ | کثیر الورق، ۱۵۱ | کاکنج منوم (مغرب)، ۲۱۴ |
| کُرْکَم الصغیر، ۲۰۸ | کُراث نبطی، ۲۵۲ | کُثیراء، ۱۸۹ | کاکنه، ۲۴۹ |
| کُرْکَم، ۲۱۴ | کُرْبُزَه، ۲۵۷ | کُثیراء، ۲۵۱ | کاوی السبزه، ۴۹ |

| | | | |
|---------------------------------|---------------------------------|--------------------------|---------------------------|
| کرم، ۲۵۵ | کرویا، ۲۵۶ | کَف ادم، ۲۵۸ | کلخ الصغیر، ۳۰۰ |
| کُرم الأسود، ۲۲۲ | کُرویا الجبلية (اندلس)، ۲۳۵ | کف الأسد، ۲۵۸ | کَلَخ الكبير، ۲۵۹ |
| کرم البری الابيض، ۲۲۲ | کُرویا بستانیه، ۲۵۶ | کَف الْجَذْمَا، ۴۱، ۲۵۸ | کَلَخ الكبير (اندلس)، ۲۴۵ |
| کرمُ البیضاء، ۲۲۲ | کرویا جبلیه، ۲۳۲ | کف الدابة، ۱۱۷ | کلخ دلبی، ۱۴۶ |
| کرم بری، ۲۵۵ | کری، ۲۵۶ | کف الذئب، ۲۵۸ | کلخ (مصر)، ۵۱ |
| کرم بستانی، ۲۵۵ | کریشه (بیت المقدس)، ۲۲۱ | کَف السبع، ۸۸، ۱۵۲، ۲۵۰ | کلخ (مغرب)، ۲۴۴ |
| کُرمۃ البیضاء، ۷۸، ۹۰، ۲۱۵، ۲۲۲ | کزیر السحری، ۲۵۷ | ۲۷۳، ۲۵۸ | کلخی، ۱۴۶، ۱۵۸ |
| کرمۃ البیضاء، ۷۸، ۹۲، ۲۲۲ | کزیر الصخری، ۲۵۷ | کَف الضبع، ۹۳ | کلموح (اندلس)، ۱۵۳ |
| کرمۃ السوداء، ۲۲۲، ۲۵۰ | کُزْبَرَه، ۲۵۶ | کَف الضَّبُع، ۲۵۰، ۲۵۹ | کلنج، ۶۶ |
| کرمۃ السوداء (اندلس)، ۹۰ | کُزْبِرۃ البیر، ۱۸۷ | کَف الضَّبُع (مغرب)، ۲۵۰ | کلوخ، ۲۷۴ |
| کرمۃ بیضاء، ۲۲۲ | کُزْبِرۃ البیر، ۲۵۷ | کف العایشه، ۵۳ | کلیل الملك، ۵۹ |
| کرمۃ سوداء، ۲۲۲ | کُزْبِرۃ البیر (دمشق)، ۱۰۴ | کَف العذری، ۹۳ | کمداریوس الثَّقْنی، ۲۰۴ |
| کرمۃ شائکة، ۲۲۶ | کُزْبِرۃ الثعلب، ۱۷۹ | کف العظابه، ۹۳ | کَمَادْرِیوس، ۲۶۰ |
| کُزْنَب، ۲۵۵ | کُزْبِرۃ الثعلب، ۲۵۷ | کَف الثَّعَاب، ۲۰۵، ۲۳۲ | کماه، ۲۲۷، ۲۳۰ |
| کُزْنَب، ۲۵۵ | کُزْبِرۃ الحبشه، ۹۷ | کَف القرد، ۲۵۹ | کماة، ۲۰۱، ۲۲۶، ۲۶۰ |
| کرنباد، ۲۵۶ | کرمازج، ۲۰۲ | کف الکلب، ۷۵، ۲۵۹ | کَمَاة، ۲۶۰ |
| کرنب الاندلسی، ۲۵۶ | کرمازک، ۹۳ | کَف الکلب (مغرب)، ۲۵۰ | کماة حمراء، ۲۶۰ |
| کرنب البحری، ۲۵۶ | کسب، ۱۲۶ | کَف المریم، ۲۵۹ | کَمَاة، ۳۸ |
| کرنب البری، ۲۵۶ | کسبرۃ الثعلب (اندلس)، ۲۵۷ | کَف المریم (اندلس)، ۲۵۹ | کَمَاة، ۲۲۱ |
| کُزْنَب البری، ۲۵۶ | کسبرۃ الحمام، ۲۵۷ | کف النسر، ۱۱۷ | کَمَاة، ۲۵۸ |
| کرنب البستانی، ۲۵۶ | کَسْمَا، ۶۶ | کف النسر (مصر)، ۴۹ | کَمَاة، ۲۸۳ |
| کُزْنَب البستانی، ۲۵۶ | کَسْمِنَا، ۲۵۸ | کَف الهَر، ۲۵۴، ۲۵۹، ۲۷۳ | کَمَاة، ۲۸۳ |
| کرنب الدوری، ۸۲، ۲۵۶ | کشج، ۱۶۲ | کف أجذم، ۲۵۸ | کَمْشَری، ۶۲ |
| کرنب السواحلی، ۲۵۶ | کَشْمَلُخ، ۲۵۸ | کفر اليهود، ۱۲۴ | کَمْشَری، ۱۴۳ |
| کرنب العظیم، ۲۵۶ | کُشْنی (شام)، ۲۵۳ | کَفْرَی، ۹۵ | کَمْشَری، ۲۶۱ |
| کرنب الکرمانی، ۲۵۶ | کَشوْث، ۱۲۳، ۲۵۰ | کَف عائشة، ۱۰۲، ۱۸۶ | کَمْشَری البستانی، ۵۷ |
| کرنب الکلب، ۲۳۱ | کُشوْث، ۲۵۸ | ۲۵۹ | کَمْشَری بری، ۲۶۱ |
| کرنب الماء، ۲۵۶، ۲۹۲ | کَشوْث الجبلی، ۲۵۸ | کَف عایشه، ۲۵۹ | کَمْشَری جبلی، ۲۶۱ |
| کرنب النبطی، ۲۵۶ | کُشوْث الرومی، ۵۶ | کَف مریم، ۵۳، ۱۸۶ | کَمْشَری حامض، ۲۶۱ |
| کرنب اُندلسی، ۲۵۶ | کُشوْث الرومی، ۲۵۸ | کَف مریم (اندلس)، ۸۹ | کَمکام، ۱۹۸ |
| کرنب بحری، ۲۵۶ | کَشوْث المجوسی، ۲۵۸ | کَف مریم حجازی، ۲۵۹ | کَمون، ۲۶۲ |
| کُرنَب بری، ۱۳۷ | کَشوْث رومی، ۵۶ | کَفوف، ۸۹، ۹۳، ۹۵، ۱۰۰ | کَمون الابيض، ۲۰۴، ۲۶۲ |
| کرنب شامی، ۲۵۶ | کَشوْث (مصر، مغرب، آفریقا)، ۱۶۷ | ۱۲۶، ۲۷۱، ۲۷۳ | کَمون الارمنی، ۲۵۶ |
| کرنب نبطی، ۲۵۶ | کَشوْثی (عراق)، ۱۶۷ | کَلخ، ۵۱، ۶۵، ۹۷، ۱۵۴ | کَمون الارمنی، ۲۵۶ |
| کُزْنَج، ۴۴ | کَطف (صحرائشینان)، ۱۷۰ | ۲۷۸ | کَمون الأسود، ۱۹۲، ۲۶۲ |
| کروش الغنم، ۵۵ | کُفَر، ۲۵۹ | کَلخ الدَلْبی، ۲۵۹ | کَمون البری، ۲۶۲ |
| کُزْویَا، ۲۵۶ | | | کَمون الجبل (بربرها)، ۹۳ |
| | | | کَمون الحَبْسَی، ۲۶۲ |

| | | | |
|--------------------------|----------------------------------|------------------------------|-----------------------------------|
| کمون الحلو، ۶۷ | کَهْرَنَا، ۱۲۷، ۲۶۴ | لَبْلَابِ المَجُوسِ، ۲۶۷ | لسان الحمل الكبير، ۳۳ |
| کَمُونُ الحُلُو، ۶۷ | لابس، ۲۵۲ | لَبْلَابِ بِي ثَمَر، ۲۳۹ | لسان الحمل صغير، ۲۶۹ |
| کَمُونُ الحلو، ۲۶۲ | لاجورديه، ۱۹۴ | لَبْنِ الحَمَارَةِ، ۱۵۹، ۲۵۰ | لسان الحمل كبير، ۲۶۹ |
| کَمُونُ الرطالی، ۲۸۹ | لاحی، ۷۰ | ۲۶۷ | لسان السَّيْع، ۲۶۹ |
| کَمُونُ الرومی، ۲۶۲ | لاخسنة، ۱۸۹ | لَبْنِ السُّودَا، ۵۵ | لسان الطير، ۸۴ |
| کمون الکرماني، ۲۸۹، ۲۶۲ | لاذن، ۲۶۵ | لُبْنَى، ۲۶۷ | لسان العَصَافِير، ۱۹۹، ۲۶۹ |
| کمون الملوکی، ۲۶۲، ۲۴۸ | لاذن العنبری، ۲۶۵ | لَبْنَى، ۲۸۶ | لسان العصفور، ۶۶، ۸۸ |
| کمون أَرَمَن، ۲۵۶ | لاعیه، ۱۲۱، ۲۲۴ | لَبْنَى رومان، ۵۳ | ۲۶۹ |
| کمون بری، ۲۶۲ | لاعیه، ۲۶۵، ۳۰۰ | لَبْنَى رهبان، ۵۳ | لسان الفَرَس، ۶۷، ۲۵۲ |
| کَمُون حَبَشِي، ۲۸۹، ۲۶۲ | لالا، ۲۶۵ | لِحَاح (مصر)، ۵۰ | ۲۸۰ |
| کمون رومی، ۲۵۶ | لَبَاب، ۲۶۶ | لِحَامِ الذَّهَب، ۵۱ | لسان الکَلْب، ۲۶۹ |
| کَمُون صَخْرِي، ۲۶۲ | لَبَابِ القَرطَم، ۲۶۶ | لِحَاءِ الغُول، ۱۸۷، ۲۶۷ | لسعة (تونس و أفريقيا)، ۶۸ |
| کمون ملوکی، ۲۸۹ | لَبَابَصَة (اندلس)، ۱۲۲ | لَحْنِيسِ الاکلیه، ۲۶۸ | لسوا السومر، ۲۴۳ |
| کَمُون هندی، ۲۶۲ | لَبِ النخل، ۹۵ | لَحِيَةِ الارنب، ۱۰۳ | لسيعه، ۶۸ |
| کَم، ۲۶۰ | لِبَالَه، ۱۰۳ | لِخِيَةِ التيس، ۹۹، ۱۸۸، ۲۰۱ | لَصَف، ۲۵۰ |
| کنجده، ۶۶ | لِبَالَه، ۲۸۱ | ۲۶۷، ۲۹۹ | لَصِف (اندلس)، ۱۱۴ |
| کندر، ۲۱۶ | لُبَان، ۲۶۳ | لِخِيَةُ التيس، ۲۶۷ | لَصَف (اندلس)، ۱۱۴ |
| کَنْدُر، ۲۶۳ | لَبَان، ۲۶۶ | لِخِيَةُ الجَمَل، ۲۵۷ | لَصَق، ۳۳ |
| کندریات، ۲۷۴ | لَبَان، ۲۷۴ | لَحِيَةِ الحمار، ۷۶ | لَصَق، ۲۵۲ |
| کندس، ۱۷۱ | لَبَانَه مغربيه (مصر و شام)، ۲۲۴ | لَحِيَةِ العنز، ۱۵۱ | لِصَق، ۲۷۰ |
| کَنْدُس، ۲۶۳ | لَبَخ، ۷۶، ۲۶۶ | لَحِيَةِ القنليه، ۱۰۳ | لصيف، ۱۱۴، ۱۵۶، ۲۷۰ |
| کَنْدَلَاء، ۲۶۳ | لَبَخ، ۷۶ | لَحْنِيسِ الاکلیه، ۱۴۰ | لصيفی، ۲۷۰ |
| کنکر البری، ۲۷۰ | لَبسان، ۹۶، ۱۸۹ | لَحْنِيسِ الأکلیه، ۲۶۸ | لصيفاء، ۳۳، ۲۵۲ |
| کنکر الکبير، ۱۱۴ | لَبسان، ۱۳۱، ۲۶۶ | لَحْنِيسِ بستانى، ۲۶۸ | لَصِيقی، ۲۷۰ |
| کنکر بری، ۱۱۴، ۱۵۶، ۲۹۹ | لَبْلَاب، ۶۰، ۱۲۱، ۱۴۳ | لِخُوخِ الماء (اندلس)، ۲۷۲ | لَطِين، ۹۶ |
| کَنْهَان، ۲۶۳ | لَبْلَاب، ۲۷۱، ۲۴۰، ۱۸۵ | لَدِيقَة، ۶۷ | لَطِينِ أَرْشَمِيَسَة (اندلس)، ۴۷ |
| کَنْهَلَة، ۲۶۳ | لَبْلَاب، ۲۶۶ | لِزَاقِ الذَّهَب، ۵۱، ۲۹۵ | لُعَابِ القَتِيل، ۵۵ |
| کَنْبِ، ۲۱۳ | لَبْلَابِ اعنم، ۲۶۶ | لِزَاقِ الرخام، ۸۶ | لُعَاس، ۲۴۳ |
| کَنْبِ (یمنی)، ۲۶۳ | لَبْلَابِ الأَحْرَش، ۶۰ | لِسَانِ الإِبِل، ۶۰، ۲۶۸ | لُعَبَتِ بَرَبْرِی، ۲۷۰ |
| کَنْبِ (یمنی)، ۲۶۳ | لَبْلَابِ الأَحْرَش، ۲۶۷ | لِسَانِ الأُيْل، ۶۰ | لُعَبِه، ۲۷۰ |
| کواکب، ۴۶ | لَبْلَابِ الجَعْد، ۲۶۶ | لِسَانِ الأُيْل، ۲۶۸ | لُعْبَة، ۲۷۰ |
| کور، ۲۸۳، ۲۶۴ | لَبْلَابِ الحَقِيقِی، ۲۶۶ | لِسَانِ الثَّوَر، ۱۳۸، ۲۵۲ | لُعْبَة البربرية، ۲۱۲ |
| کوکب الارض، ۲۰۴، ۲۲۶ | لَبْلَابِ الشَّجَر، ۲۶۶ | لِسَانِ الجَمَل، ۲۶۹، ۲۸۰ | لُعْبَة البربرية (عراق)، ۱۷۹ |
| ۲۶۴ | لَبْلَابِ الصَّغِير، ۱۸۵ | لِسَانِ الحَمَل، ۱۱۹، ۱۳۱ | لُعْبَة بَرَبْرِی، ۲۷۰ |
| کوکبة، ۱۵۹ | لَبْلَابِ الغنم، ۲۶۶ | ۲۷۰، ۲۶۹، ۲۰۵ | لُعْبَة مطلقه، ۲۷۰ |
| کوکبیه (شام)، ۱۰۵ | لَبْلَابِ الکَبِير، ۲۴۰ | لِسَانِ الحَمَل، ۲۶۹ | لُفَاح، ۲۷۰ |
| کوکبیه، ۶۰ | لَبْلَابِ المَجُوس، ۱۱۳ | ۲۶۹ | لُفَاح، ۳۰۰ |
| کونهان، ۲۶۳ | | | |

| | | | |
|----------------------------------|------------------------------|-------------------------|-------------------------|
| لفاح الجن، ۲۷۰ | لوف العقد، ۲۳۰ | متکه، ۳۹ | مَذْهَب، ۶۱ |
| لفاح الهندی، ۲۷۰ | لوف الکسیر، ۳۴، ۱۰۶ | مَثَلْت، ۲۰۱ | مَذْهَب الکَلْب، ۶۰ |
| لفاح بری، ۲۸۳، ۳۰۰ | ۱۸۶، ۲۷۳ | مَثَلْت، ۲۴۷ | مُر، ۲۷۷ |
| لَفَاح (شام)، ۱۴۵، ۱۹۰ | لوقاس الجلیه، ۱۳۳ | مثلث حجم، ۱۶۳ | مُرار، ۵۹، ۲۹۸ |
| لِفَت، ۱۸۹ | لیاء، ۲۷۱ | مِثان، ۵۳، ۹۷، ۲۵۵، ۲۷۵ | مُرار، ۲۷۸ |
| لِفَت الْأَحْمَر المَدَوَّر، ۱۸۹ | لیرون (مغرب)، ۸۷ | مِثان، ۲۷۷ | مُرار الصحراء، ۱۲۶ |
| لِفَت البُلْدی (فاس)، ۱۸۹ | لیغۀ، ۲۷۴ | مِثان آخر، ۲۷۷ | مرار الصخر، ۱۲۶ |
| لِفَت الجن، ۲۷۳ | لیف، ۲۷۴ | مِج، ۱۳۷ | مرارة الفیل، ۲۳۱ |
| لِفَت المحفور، ۱۸۹ | لیف البحر، ۵۹، ۲۷۴ | مِج، ۲۷۵ | مران، ۱۶۰ |
| لِفَت بری، ۱۰۲، ۲۰۴، ۲۶۶ | لیغیه، ۲۷۴ | مِجاج، ۲۷۵ | مُران، ۱۶۳، ۲۷۸ |
| لِفَت مدور، ۱۸۹ | لیقیۀ، ۲۷۴ | مُجَزَع، ۱۴۰ | مُران، ۲۰۰ |
| لَفَش، ۲۷۰ | لیم، ۴۰ | مُجَنَح، ۲۷۷ | مراوح الجن، ۲۹۲ |
| لِقَم القاضی، ۱۰۸ | لیمون، ۴۰ | مُجَنَّن، ۲۴۹ | مربح، ۲۸۰ |
| لُك، ۱۷۸ | مانده، ۲۵۴ | مجنون، ۱۲۵ | مرتینی، ۹۶ |
| لُكَّاء، ۲۷۱ | مانلة، ۲۰۴ | مجنون (شام)، ۱۰۵ | مرجان، ۷۹ |
| لُكَّاعه، ۲۷۱ | مازر، ۱۵۹ | محاجم (اندلس)، ۲۷۷ | مَرْنَح، ۱۷۴، ۲۵۹، ۲۷۸ |
| لویانة المغربیه (مصر)، ۲۲۴ | مازرو (مغرب)، ۱۴۹ | محروث، ۵۰، ۶۵، ۱۲۱ | مَرْنَحۀ، ۲۰۲ |
| لُویانۀ (مصر)، ۵۵ | مازیرون، ۴۶، ۵۱، ۵۴، ۵۵ | محروث، ۶۵، ۵۰ | مرددوش، ۲۷۹ |
| لویبا الابيض، ۲۷۱ | ۱۲۸، ۱۴۹، ۲۵۵، ۲۶۱ | مَحْسَنۀ، ۱۸۷ | مرددوش البری، ۱۹۵ |
| لُوز، ۲۷۱ | ۲۷۷، ۲۹۸، ۳۰۰ | مُخْفِرَة (اندلس)، ۵۱ | مَرْدَدُوش (اندلس)، ۲۷۹ |
| لوز البربر، ۱۰۵، ۲۷۱، ۲۷۲ | مازریون، ۲۷۵ | مَحْلَب، ۴۳ | مَرْدَقُوش، ۲۷۹ |
| لوز الحلو، ۲۷۱ | ماش، ۲۷۵ | محلَب، ۱۱۲ | مردوش، ۳۴ |
| لوز العُر، ۲۷۱ | ماش هندی (عراق)، ۱۱۲ | مَحْلَب، ۲۱۶ | مِرز، ۱۵۰ |
| لوز المر (انطالیا)، ۲۷۲ | ماشیا، ۴۴ | محلولة، ۶۲ | مرزجوش، ۳۴ |
| لوز بری، ۲۷۲ | ماغره، ۸۰ | محموده، ۱۷۳ | مرزنجوش، ۳۴، ۱۶۰، ۲۸۸ |
| لوز حلو، ۲۷۱ | ماغره الاسود، ۱۵۰ | مخاطة، ۱۴۲، ۱۶۷ | مَرَزَنْجُوش، ۱۵۹، ۲۷۹ |
| لوز مر، ۲۷۱ | ماقر، ۱۴۲ | مُخْبِر (فاس)، ۴۹ | مُرْزیر (مصر)، ۲۷۸ |
| لوف، ۱۳۰، ۲۳۰، ۲۷۳ | مامور، ۱۱۰ | مخرج الريح، ۱۷۳ | مرقد، ۱۰۹ |
| لوف الارقط، ۲۷۳ | مامون، ۱۱۰ | مخلب العقارب الأبيض، ۴۷ | مرقد، ۲۷۹ |
| لوف البَط، ۲۷۳ | ما هو بذاته، ۲۷۶ | مخلصه، ۱۱۱ | مرمار، ۱۵۸ |
| لوف الجعد، ۲۳۰، ۲۷۳ | ماهودانه (مغرب و اندلس)، ۱۱۳ | مُخَلَّصه، ۱۰۷، ۲۷۷ | مِرو، ۵۲، ۹۱، ۱۶۳، ۲۷۴ |
| لوف الجعد اسخن، ۲۷۳ | ماهویدانه، ۲۷۶ | مَخِيطا، ۴۳، ۱۶۷ | ۲۸۰ |
| لوف الحَیة، ۱۸۶، ۲۳۰ | ماهیَزهرج، ۲۷۷ | مَدَبَقَة، ۵۴ | مرو اسود، ۲۸۰ |
| ۲۳۱، ۲۷۳ | ماهی زهرج (شام و عراق)، ۹۰ | مُدْرَهَمُ الْوَرَق، ۵۹ | مرو الاسود، ۲۸۰ |
| لوف السَّبَط، ۲۷۳ | میترسات، ۱۲۹ | مدلوك، ۸۸، ۲۵۹ | مرو العراض، ۲۲۱ |
| لوف السبَط (اندلس)، ۲۷۳ | میتک، ۳۹ | مدلوكه، ۲۷۳ | مرو تلخ (شیرازی)، ۲۸۰ |
| لوف الصغیر، ۲۷۳ | | مدهوق، ۱۸۰ | مرو دقیق، ۱۶۳ |
| | | مدیکه (فاس)، ۴۹ | مروشة (اندلس)، ۲۰۷ |

| | | | |
|---------------------------|-------------------------|----------------------------------|--------------------------------|
| مروی مشتھی، ٢٨٠ | مسواک المسیح، ٢٩٢، ٢٣٣ | مظ، ١٠٤، ١٧٤، ٢٨٣ | مقل ازرق، ٢٨٣ |
| مَرْوِیة الأبیض، ٢٢٤ | مشتان، ٢٨١ | مظلل الحمام، ١٥٦ | مقل اليهود، ٢٨٣، ٢٦٤ |
| حرة الطوفان، ٢٠٢ | مشتهی، ١٦٢، ٦٣ | معد، ٧٢ | مقلقل (مغرب)، ٩٥ |
| مربخ، ٢٨٠ | مشرقی، ٢٥٣ | مُعْطَس، ١٧٢، ٢١٦ | مقل مکی، ٢٨٣، ٢٨٤ |
| مُرْزِیاء، ١٩٤، ١٦٤ | مشط الذنب، ٢٣٣ | مُعْغَرَب، ٥٩ | مقلوب، ١١٣ |
| مریق، ٥٧ | مشط الراعی، ١٤٨، ١٤٩ | معین، ٢٧٥ | مقل یهودی، ٢٨٣ |
| مُرْیَق، ٢١٠ | مشط الراعی (مغرب)، ١٤٩ | مغاث، ١٥٨ | مقل، ٣٧ |
| مَرْوِیة الاسود، ٢٨٠ | مَشْطُ الغول، ٢٨١ | مُغاث، ٢٨٣ | مُكْثَر اللَّبَن، ٩٠، ١٠٤، ٢٧١ |
| مَرْوِیة ابيض، ٢٨٠ | مشک الجن، ١٩٠ | مغافیر، ٢٨٣ | مکنسة الاندر، ٢٧٧ |
| مَرْوِیة الابيض، ٢٨٠ | مشکطرامشیع زور، ٢٨١ | مَغْد، ٧٢، ٢٨٣ | مکنسة قرشیه، ٢٧٧ |
| مزج، ٢٧١ | مشکطرامشیع کاذب، ٢٨١ | مغدود، ٢٨٣ | ملاج، ٦٦ |
| مزل الصفار، ٤٩ | مشماش (مغرب)، ٢٨٢ | مغربی، ١٣٢ | مُلَّاح، ١٢٣، ٢٤٣ |
| مزمار الراعی، ٣٣، ٦٤، ٢١٠ | میشمش، ٢٨٢ | مُغْزِرة، ٢٨٣ | مُلَّاح، ٢٤٢، ٢٨٤ |
| میزمار الراعی، ٢٨١ | مشمش، ٢٨٢ | مِغْفار، ٢٨٣ | ملاح، ٢٤٣ |
| مزودة، ٢٠٧ | مشمش (مغرب و اندلس)، ٧٦ | مُغْفَر، ٢٨٣ | مَلَّاحی، ٩٦ |
| مسافق، ٢٨١ | مُصاص، ٩٧ | مِغْفَر، ٢٨٣ | مُلبونه، ٢٨٦ |
| مستعجل، ٨٩ | مُصاصه، ١١٤ | مغفور الرمث، ١٥٨ | مُلْج، ٢٨٣ |
| مستعجله، ٨٩ | مصاصة، ١٣٤ | مقاتل الراعی، ٦٠ | مُلْجی، ١٤٨ |
| مُسْتَفْجَلَه، ٢٠٧، ٢٨١ | مَصَّاصَة (اندلس)، ٢٦٩ | مقاتل الرعاة، ٦٠ | ملجی الابيض، ٩٦ |
| مسد، ٩٣ | مصاصة (فاس)، ٢٦٩ | مقاتل المَرَعی، ١٥١ | ملجی الاسود، ٩٦ |
| مَسْد، ١٥٧ | مَصَّ العسل، ٢٨٠ | مُفْرَح، ٢٦٨ | ملس (یمن)، ٢٠٧ |
| مسقط الأجنة، ٦٨ | مصباح الروم، ٢٦٤ | مفْرَح القلب، ٧١ | ملطاء، ١٤٨ |
| مسک الارض، ١٠٣، ٢٨١ | مَصْطَکاء، ٢٨٢ | مُفْرَح قلب المحزون، ٧١ | ملطاء، ٢٨١ |
| مِسْک الجن، ١٠٣ | مصطکی، ٢٠١ | مفْرَح قلب المحزون، ٧١، ١١٣، ٢٨٣ | ملفون، ٨١ |
| مسک الجن، ١٠٣، ١٩٠ | مَصْطَکى، ٢٨٢ | مُفْصِحة، ٤٨ | مُلْک، ١٣٧ |
| مسک الجن (اندلس)، ٢٨١ | مَصْطَکى، ٢٨٢ | مُفْصِحة، ٢٨٣ | ملک، ١٦٢ |
| مسک الرمان، ٢٨٨ | مُصع، ٦٣ | مُفَلَق، ١٣٩ | ملکا، ٥٩ |
| مسک القروء، ٥٢ | مُصع، ٢٨٢ | مقارجه، ١٤٨ | ملوح، ٢٤٢ |
| مُسْکنة، ٢٨٠ | مصغ، ٢١٧ | مقارجه (اندلس)، ٩٠ | ملوح (شام)، ٢٨٤ |
| مسک جُذَه، ٢٨١ | مصفی الرعاة (مغرب)، ٨٦ | مقامح ابليس، ٢٥٢ | مَلُوخ، ٢٤٢ |
| میشکیه، ١٢٥ | مض، ١٥٨ | مقد، ٥٧ | ملوخ، ٢٨٤ |
| مِسْکیه، ١٥٥ | مَض، ٢٨٣ | مقر، ١٢٠ | ملوخ البطریق، ٢٨٤ |
| مسمقاره، ١٦٠ | مُضیء البساتین، ٧٩ | مقر، ١٩٥ | ملوخیا، ٨٤ |
| مسمقران، ١٦٠ | مُطَبَّقه، ٥٤ | مقرجالة، ٥٨ | مَلُوخیا الشَّجَر، ١٣٦ |
| مسواک الراعی، ١٩٣، ٢٨١ | مُطَر، ١٥٠ | مُثْقَل، ٢٥٦ | ملوخیان بستانى، ١٢٩ |
| مسواک العباس، ٢٨١، ٢٩١ | مُطَر (اندلس)، ٤٩ | مقل، ٥٢، ٢٨٣ | ملوخیه، ١٢٩ |
| مسواک القروء، ٥٢ | مظ، ١٠٤ | مقل، ٢٣٨ | ملوخیه بری، ١٣٦ |
| مسواک القیاد، ٢٣٣ | | | |

| | | | |
|---------------------------|------------------------|--------------------------|--------------------------|
| ملوکیه، ۱۲۹ | میعه، ۵۳، ۲۸۶ | نخل المقل، ۱۰۹ | توتفع، ۱۵۳ |
| ملوکیه بری، ۱۲۹ | میعه سایل، ۲۶۷ | نذغ، ۱۹۵ | نهشل، ۱۰۳ |
| ملوکیه، ۲۸۴ | میعه یابسه، ۵۳ | نڈی، ۲۹۵ | نَهق، ۷۰، ۱۰۲ |
| ملوکیه البحر، ۱۲۹ | میعه یابسه، ۲۸۶ | نرجس، ۸۰، ۱۸۱، ۲۰۶ | نُهود القینات، ۵۴ |
| ملوکیه البریه، ۱۲۹ | میعه، ۱۸۶ | نرجس ابیض، ۸۰ | نیش (فاس)، ۲۸۲ |
| ملول، ۱۴۰، ۲۷۹ | میعه السائله، ۲۸۶ | نرجس الاصفر، ۷۶ | نیقولا الراهب، ۶۰ |
| ملونیه، ۲۸۵ | میعه سائله، ۲۸۶ | نرجس مسکین، ۲۹۰ | نیل، ۱۱۳، ۲۱۱ |
| ملیح، ۲۳۲ | میمون (مغرب)، ۲۲۲ | نرجس مقودس، ۸۰ | نیل البری، ۲۱۱ |
| ممسک الارواح، ۴۷ | میمونه، ۱۵۸ | نرنج (فاس)، ۴۰ | نیل بری، ۱۱۳، ۲۹۲ |
| مُنسِک الأرواح، ۴۷ | نارجیل، ۱۰۹، ۲۸۷ | نسج، ۲۶۳ | نیلج، ۱۱۳، ۱۵۹، ۲۱۱، ۲۹۲ |
| معنون البقر، ۴۱ | نارجیل بحری، ۲۸۷ | نسرین (مغرب)، ۲۹۴ | نیل رومی، ۱۳۶ |
| من، ۴۴ | نارجین، ۱۳۲ | نسمه، ۲۸۰ | نیلوفر، ۹۳، ۲۵۶ |
| منبج (شام)، ۲۷۶ | ناردين بری، ۴۶ | نشم، ۱۰۶، ۱۸۵، ۲۹۰ | نیلوفر، ۲۹۲ |
| متن الرائحه، ۲۱۹ | ناردين صینی، ۲۸۸ | نشم الاسود، ۱۲۷ | نیلوفر ابیض البری، ۸۰ |
| مُتَنَة (مصر)، ۲۱۹ | ناردين نهري، ۲۸۸ | نشم الاسود (اندلس)، ۲۷۲ | نیلوفر ابیض المانی، ۸۰ |
| مُتُور، ۱۴۰، ۱۵۸، ۲۸۵ | نارنج، ۴۰، ۲۸۹ | نشم الأسود (اندلس)، ۱۴۴ | نیلوفر البرک، ۲۸۰، ۲۹۲ |
| مُتُور (مصر)، ۱۴۰ | ناطف، ۲۸۹ | نصی (اندلس)، ۱۳۶ | نیلوفر الصینی، ۲۹۲ |
| منبج، ۲۸۵ | ناعمة (اندلس)، ۶۰، ۲۶۸ | نضار، ۴۰ | نیلوفر القمري، ۲۹۲ |
| من زای مثلی، ۲۵۲ | نافع، ۷۸، ۱۵۲ | نضار، ۲۰۲ | نیلوفر المجوسی، ۲۹۲ |
| منسم، ۲۷۱ | نافوخ، ۱۴۶ | نضار، ۲۹۰ | نیلوفر ذهبی، ۲۹۲ |
| مُنسِيه، ۲۹۸ | نامی، ۱۵۹ | نعنع، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۹۵ | نیلوفر مجوسی، ۸۰ |
| مُنسِيه، ۲۸۵ | نانخواه، ۲۶۲ | نغنج، ۲۹۰ | نیلوفر هندی، ۲۲۲، ۲۲۷ |
| مُنشيم، ۲۸۵ | نانخه، ۲۵۶، ۲۶۲ | نعيج الحبشه، ۱۰۷ | وايله، ۲۲۵ |
| مُتَفَنَلَة، ۱۲۹ | نانخه (اندلس)، ۲۸۹ | نغریل، ۹۶ | وتیر، ۲۹۴ |
| مُتَفُوخَة، ۱۷۳ | نانوخیه، ۲۸۹ | نفاخ، ۱۰۸ | وج، ۵۱، ۱۶۵، ۲۹۳ |
| مُتَفُوخَة، ۲۴۸ | نبات الرعد، ۲۶۰ | نفل، ۱۵۷ | وجد (یمن)، ۲۵۱ |
| مُنَقَسِم لخمسه أقسام، ۸۹ | نبات سحری، ۲۰۴ | نفل، ۲۵۳ | وحشی، ۹۶ |
| مُتُوم، ۲۴۹ | ننیع، ۲۸۹ | نفل، ۲۹۱ | وحمو (فاس)، ۱۰۲ |
| مُتَبَرَة، ۲۸۵ | نیغ، ۲۸۹ | نقد، ۲۱۰ | وذع، ۲۹۳ |
| مودیان، ۲۴۹ | نبق، ۱۶۸، ۲۶۹، ۲۸۹ | نقرار، ۹۶ | ودود، ۸۶ |
| مُوز، ۲۸۵ | نَجَب، ۱۷۴ | نقیب (قدس)، ۲۴۲ | وزد، ۱۱۹، ۲۹۳، ۲۹۴ |
| مونس الوحش، ۱۴۱ | نَجْد، ۵۹ | نُک، ۱۶۲، ۲۹۱ | ورد ابیض بری، ۲۹۴ |
| مونس الهموم، ۲۴۵ | نجم، ۴۳، ۹۹، ۱۲۹ | نعام، ۱۱۳، ۱۸۲، ۲۷۹، ۲۹۱ | ورد احمر، ۲۹۳ |
| موزج، ۱۱۱ | نجمه، ۲۱۲ | نعام الملك، ۱۸۲ | ورد احمر بری، ۲۹۴ |
| مهد (شام)، ۲۰۷ | نجیر، ۹۹ | نملول، ۲۴۵ | ورد احمر بستانی، ۲۹۴ |
| میامیر، ۱۵۶ | نجیل، ۹۹، ۲۰۰ | نوغان، ۴۶ | ورد اصفر بری، ۲۹۴ |
| میس، ۱۲۷ | نحلیه، ۱۵۵ | | ورد اصفر بستانی، ۲۹۴ |
| میسسن، ۲۸۶ | نخل، ۹۴ | | |

| | | | |
|----------------------------------|--------------------------|------------------------------|------------------------|
| ورد الانهار، ۲۹۲ | وصف الاسود، ۷۶ | هندباء هاشمی، ۲۹۸ | یَعْضِید، ۱۴۳ |
| ورد الحب، ۲۵۰ | وَطْم، ۲۹۵ | هواسمه (مصر)، ۷۶ | یعضید بری، ۱۳۳ |
| ورد الحب، ۲۵۴، ۲۹۴ | وغد، ۸۳، ۷۲ | هوفاریقون، ۲۹۸ | یعضید (مصر)، ۲۹۸ |
| ورد الحمار، ۲۹۴، ۴۶ | وَعْد (آفریقا)، ۵۱ | هوم‌المجوس، ۲۹۹ | یقطین، ۹۳، ۱۲۶، ۲۳۷ |
| ورد الحماق، ۲۹۴ | وَقْل، ۲۸۳ | هیشِر، ۱۱۴ | یمان (اسکندریه)، ۲۱۸ |
| ورد الحمه، ۲۹۵ | وقله، ۲۸۳ | هَیْشَر، ۲۹۹ | یَمَین (اسکندریه)، ۲۱۸ |
| ورد الحمیر، ۲۲۳ | ولان المکی، ۱۲۰ | هیوز (سوانم)، ۲۰۱ | یمور (شام)، ۸۴ |
| وَرْد الحَمِیر (اندلس)، ۲۲۳، ۲۹۵ | وَلَب، ۲۹۵ | یاسمین البر، ۱۵۹ | ینبوت، ۱۰۹، ۱۳۲ |
| | هائجه، ۲۸۰ | یاسمین بری، ۲۴۶ | یَنْبُوت، ۱۳۲، ۲۴۷ |
| ورد الذکر، ۱۰۵ | هال، ۲۳۲ | یسروح، ۱۳۳، ۱۵۹، ۲۷۰، ۳۰۰ | ینبوت زنکورج، ۱۳۲ |
| ورد الزوان (فاس)، ۱۳۶ | هالوک، ۱۱۸ | یَبْرُوح الصَّنَم، ۳۰۰ | ینبوت، ۱۰۹ |
| ورد الزَّوَانِی (اندلس)، ۱۳۶ | هالوک (مصر)، ۶۸، ۲۰۱ | یبروح الصنم، ۳۰۰ | ینبوع، ۳۰۰ |
| وَرْد الزَّوَانِی (اندلس)، ۱۳۶ | هَبِید، ۱۲۶ | یبروح الوقاد، ۱۶۸ | یَنَمه، ۲۶۹ |
| ورد الزینه، ۱۲۹ | هدبات، ۷۰، ۱۰۳، ۱۵۴ | یبروح الوقاد، ۱۶۸ | |
| ورد الزینه البری، ۱۲۹ | ۲۴۸، ۲۵۶ | یبروح الوقاد، ۱۶۸ | |
| ورد الشمس، ۲۹۲ | هَدَس، ۳۱، ۳۵ | یبروح بری، ۲۷۰ | |
| ورد العجار، ۲۹۴ | هَذِیلَة (اندلس)، ۲۹۶ | یبروح سریانی، ۲۷۰ | |
| ورد الفُجَار، ۲۹۴ | هَذِیلِیه، ۱۰۶ | یبروح صنمی، ۱۶۸ | |
| ورد الفَحْصِی، ۲۶۵ | هَزْجَان، ۲۸۵ | یَنْتُوع، ۱۰۱، ۱۴۷، ۱۵۷ | |
| ورد المجوس، ۲۹۲ | هرد، ۱۶۳ | ۱۸۴، ۱۹۴، ۲۶۵، ۲۶۷ | |
| ورد بری، ۲۹۴ | هَزْد، ۲۰۸ | ۳۰۰ | |
| ورد جبلی، ۲۶۵ | هَزْطَمَان، ۲۹۶ | یتوعات، ۱۶۵، ۱۹۴، ۲۰۹ | |
| ورد صینی، ۲۹۰ | هَرَم، ۲۰۰ | ۲۲۱، ۲۲۴، ۲۹۵ | |
| ورد متن، ۲۹۵ | هزارچشان، ۲۲۲ | یزره، ۲۴۰ | |
| ورد مَوْجَه، ۲۹۴ | هَسْک، ۲۱۰ | یزره، ۶۲ | |
| ورق الحنا، ۱۱۳ | هلیج، ۶۸ | یزراع، ۲۴۰ | |
| ورق الخیار، ۲۴۵ | هَیْثِیَا، ۲۹۷ | یزرباثه، ۶۹ | |
| ورق زیتون هندی، ۱۹۹ | هندبای بری، ۲۹۸ | یزربطور الساحلی (اندلس)، ۲۷۴ | |
| وزق، ۱۴۴ | هندباء، ۸۴، ۶۶، ۲۸۰، ۲۹۶ | یربطور الشعراوی (اندلس)، ۲۷۴ | |
| وسق، ۵۱ | ۲۹۷، ۳۰۱ | | |
| وَسْمَة، ۲۹۲، ۱۳۶، ۲۱۱ | هندباء، ۱۲۰ | | |
| وَسْمَة الذَّکَر، ۲۱۱ | هندباء الاجعد، ۱۰۳، ۱۱۹ | یزربطوره (اندلس)، ۶۶ | |
| وسیل، ۱۸۸ | هندباء البستانی، ۲۹۸ | یربوز (مغرب و فاس)، ۸۴ | |
| وَشْج، ۵۱ | هندباء الشامی، ۶۶ | یَزْرَاء، ۱۲۵ | |
| وَشْج، ۵۱ | هندباء بری، ۱۳۹، ۲۹۶ | یَزْرَاء (شام)، ۱۲۵ | |
| وَشْج، ۲۹۵ | ۲۹۸، ۳۰۰ | یشمه، ۹۴ | |
| وَشْق، ۲۹۵ | هندباء شامی، ۲۹۸ | یعضید، ۸۳، ۱۳۹، ۲۸۰ | |
| وَشِیج، ۹۹ | هندباء (فاس)، ۲۹۷ | ۲۹۸، ۳۰۰ | |

۲ - نام‌های فارسی و محلی

| | | | |
|-------------------------|---------------------------|--------------------------------|---------------------------|
| آذرگون، ۳۴ | اسبیریون، ۳۴ | اسلیخ، ۲۶۷ | انار، ۱۵۷ |
| آذریون، ۲۵۸ | اسبلنج، ۲۶۷ | اسمار، ۳۶ | انار دانه، ۱۵۸ |
| آزاددرخت، ۳۵ | اسبندان خوش، ۱۳۰ | اشبرک (سجزی)، ۱۲۱ | اناریچه (مازندران)، ۱۱۷ |
| آزادِرخت، ۳۵ | اسبیدار، ۱۳۳، ۱۴۹ | اشتر (اصفهان)، ۱۱۰ | انبرود، ۲۶۱ |
| آزاد سوسن، ۱۸۰ | اسبیزمرد، ۴۶ | اشترانگبین (اصفهان)، ۱۱۰ | آنجره، ۶۵ |
| آس، ۳۱، ۳۵ | اسپره (اصفهان)، ۷۸ | اشترخاراست، ۵۰ | انجیر، ۹۳، ۹۶، ۱۰۵، ۱۸۴ |
| آلو، ۴۱، ۱۸۴، ۲۱۷ | اسپرغم بیابانی، ۱۹۹ | اُشترغار، ۵۰، ۶۵ | انجیر آدم، ۶۶ |
| آلبالو، ۲۳۴ | اسپست باغ تازه، ۱۵۵ | اشترغاز، ۵۰ | انجیر حلوانی، ۹۶ |
| آلبوعلی، ۲۳۴ | اسپناج، ۴۸ | اشخیص اسود، ۵۱ | انجیر دشتی، ۹۶ |
| آلبولی، ۲۳۴ | اسپند، ۱۳۱ | اشخیص سفید، ۵۱ | انجیر زمینی، ۱۲۷ |
| آلو جبلی، ۵۱ | استکو (تنکابن)، ۱۷۱ | اشراز، ۳۷ | انجیر وریری، ۱۸۴ |
| آلوجه، ۵۱ | آسَخَن، ۱۰۸ | اشراس، ۳۷ | انچلک (شیراز)، ۱۴۲ |
| آلوجه، ۴۱ | اسفد، ۱۱۶ | اشریس، ۳۷ | اندقوقو (شیراز)، ۱۲۵ |
| آلوجه سلطانی، ۴۱، ۴۲ | اسفردانه، ۸۱ | اشنان گازران، ۵۲ | انده قوقو (شیرازی)، ۱۲۵ |
| آلوکشته بتر، ۵۱ | اسفرک (شیراز)، ۱۶۲ | أشه، ۵۱ | انغوزه، ۱۲۱ |
| آلوی زرد بخارانی، ۴۱ | اسفرم، ۳۱، ۳۵ | افتاب پرست، ۲۹۹ | انکر (شیرازی)، ۲۳۶ |
| آلوی سیاه، ۴۱ | اسفناج، ۴۸ | افرنجمشک، ۱۱۳، ۲۲۵ | انکزر، ۱۲۱ |
| آلی باقلی (شیرازی)، ۲۳۴ | اسفناج رومی، ۲۴۱ | افریژ، ۲۹۳ | انگدان، ۶۵ |
| آلی بالی، ۲۳۴ | اسفناج رومی (شیرازی)، ۲۴۱ | افزغنج (بخاریه)، ۲۲۶ | انگدان زد، ۱۲۱ |
| آمله، ۶۲ | | افس سک (شیرازی)، ۱۸۳ | انگدان، ۶۵ |
| آویشن، ۱۹۵ | اسفند، ۱۱۵، ۱۱۶ | افنان سر، ۲۲۴ | انگزد، ۱۲۱ |
| ابونس، ۳۳ | اسفندار، ۱۱۶ | اقحوان زرد، ۷۰ | انگزه، ۱۲۱ |
| ابی، ۱۷۲ | اسفند اسفید، ۱۱۵، ۱۳۱ | اگیرترکی، ۲۹۳ | انگشت، ۵۳ |
| اخفاک، ۲۱۰ | اسفندان سفید، ۱۱۵ | الاشنگ (اصفهان)، ۲۶۷ | انگشت کننده (اصفهان)، ۱۲۱ |
| اردشیران، ۲۸۰ | اسفندسناه، ۱۱۵ | الاملك (طبرستان و تنکابن)، ۲۲۲ | |
| اردشیر دارو، ۲۸۰ | اسفند سفید، ۱۱۵ | الثال، ۱۳۶ | انگور، ۲۱۴، ۲۱۷ |
| ارزن، ۱۰۰، ۱۴۳، ۱۴۹ | اسفندسناه، ۱۱۵ | الداس واش، ۱۲۹ | انگور سگان، ۱۲۸ |
| ارغوان، ۴۴ | اسفیدار، ۱۷۸ | آلدر، ۲۱۳ | انگیان، ۶۵ |
| آزگوان، ۴۴ | اسفیدش، ۷۸ | السنه، ۱۲۹ | اوبرنیون، ۲۲۴ |
| ارود (فارس)، ۱۱۰ | اسفیدکشیر، ۳۰۰ | إلقیس (سجزی)، ۲۶۶ | اویزر، ۲۴۶ |
| اریسه، ۱۹۸ | اسفیندار، ۱۳۰ | إلقیوس (سجزی)، ۲۶۶ | اوجا (تنکابن و دیلم)، ۲۲۰ |
| ازاددرخت، ۲۱۳ | أسفیوس، ۷۸ | آلم (شیراز)، ۱۰۰ | اوحی (مازندران)، ۱۲۰ |
| ازاددرخت، ۲۱۳، ۲۶۶ | اسفیوش، ۷۸ | الم (شیراز)، ۱۴۳ | اوسبید، ۶۸ |
| ازدشیر زاد، ۲۸۰ | اس کرمانی، ۳۶ | الو یا، ۲۷۱ | اوسبید، ۶۸ |
| اسباناج، ۴۸ | اسکیلیم چشم (سجزی)، ۲۱۷ | آمرو، ۶۲، ۲۶۱ | اوسفید، ۶۸ |
| اسبرک، ۵۹ | | | اوشن، ۱۹۵ |

| | | | |
|----------------------|--------------------------|--------------------------|------------------------|
| اوشه (شیرازی)، ۱۹۵ | بادرنجبویه، ۷۱ | برس، ۳۹ | بُکمون، ۸۵ |
| اونیره، ۸۱ | بادنجان، ۱۱۴ | برس غنچه، ۳۹ | بَلادُر، ۸۵ |
| اویشم (اصفهان)، ۱۹۵ | بادنجان دشتی، ۱۱۴ | برسیاج دارو، ۲۱۰ | بلادر، ۸۵ |
| اهر، ۱۷۸، ۲۶۹ | بادنگان، ۷۲ | برسیان دارو، ۲۱۰ | بلبل شامی، ۲۷۷ |
| ایرامامیز، ۶۹ | بادیان، ۱۵۲ | برسیاوشان، ۲۰۷ | بلس، ۹۶ |
| ایرس، ۳۹ | بادیان خطانی، ۷۲ | برش، ۲۵۸ | بُلسُن (سجری)، ۲۰۷ |
| ایشن، ۱۹۵ | بادیان رومی، ۶۷ | برشاد، ۱۸۹ | بَلَنجاسف، ۷۷ |
| ایکور، ۷۵ | بازام طلخ، ۲۷۱ | برشیان دار، ۲۱۰ | بلنجاسف، ۱۹۰، ۲۴۷ |
| أبرس، ۲۰۸ | بازامک، ۷۲ | برشیان دارو، ۲۱۰ | بلوط، ۷۷، ۸۶، ۸۷، ۹۱ |
| أبرنج، ۴۴ | بادرنبویه، ۷۱ | برشیاوشان، ۱۸۷ | ۱۴۴، ۲۵۰، ۲۶۰ |
| أردمانه، ۲۶۷ | بادرننگ، ۴۰ | برشیاوشان داوران، ۲۵۷ | بلوط الارض، ۸۷ |
| أزاددرخت، ۳۵ | بازنجان، ۲۸۳ | برغث (خراسان)، ۲۴۵ | بلوط (شام)، ۱۷۹ |
| أزْدَف، ۱۶۲ | بازْدَرْد، ۳۴ | برغست، ۲۴۵ | بلیذا، ۱۴۰ |
| أسبست، ۱۵۶ | بازورد، ۱۱۴ | برغشت، ۲۴۵ | بن، ۸۱ |
| أَسْفَنَت، ۱۵۶ | بازرْد، ۷۲، ۲۴۶ | بَرَكْک شیرازی، ۷۶ | بَنج اَنگُشت، ۴۰ |
| أسفند، ۴۸ | بازرْد، ۷۲ | برکینه، ۲۴۰ | بنجسکروان، ۲۶۹ |
| أَسْفُوس، ۷۸ | بارشک، ۲۶۹ | برگ فرنجمشک، ۲۲۵ | بنجسکروان، ۸۸ |
| أشترغاز، ۱۶۴ | باقلا مصری، ۹۳ | برگک (شیرازی)، ۲۴۵ | بنجشک زیان، ۲۶۹ |
| أقحوان زرد، ۹۰ | باقلی هندی، ۵۴ | برنج، ۴۴، ۲۴۸ | بنجکسروان، ۱۴۴ |
| أوسین، ۶۸ | بالش عاشقان (شیراز)، ۲۳۳ | برنجاسب، ۲۴۷ | بنجکُشت، ۱۵۲ |
| أیمونیطس، ۷۰ | بالنکو، ۷۳ | برنجاسف، ۲۴۷ | بنجکست، ۱۷۰ |
| بابونه، ۵۷، ۷۰ | بالنگ، ۴۰ | برنج کابلی، ۷۷ | بنجکُشت، ۱۸۵، ۱۸۶ |
| بابونه گاو، ۵۷ | بالنگو، ۷۱ | بَرنجمشک، ۲۲۵ | ۲۲۸، ۲۵۸ |
| بابونه گاو چشم، ۵۷ | بالوط، ۸۶ | برنگ، ۷۷ | بنجکُشت، ۴۰ |
| باتو (شیراز)، ۱۴۷ | بانقش (نیشابور)، ۸۱ | بزیار (شیرازی)، ۷۸ | بنجه، ۱۲۶ |
| بادآورد، ۲۷۸ | باهستان، ۲۱۸ | بزیاز، ۱۰۷ | بنحنک (خوارزم)، ۸۴ |
| بادام، ۱۹۷، ۲۷۱ | بچند (سیستان)، ۲۴۵ | بُزغُنْج، ۲۲۵ | بن شاه، ۸۱ |
| بادام تلخ، ۲۷۱ | بجو (فارس)، ۲۵۷ | بزغند، ۲۲۵، ۲۳۷ | بنفشه، ۸۹ |
| بادام شیرین، ۲۷۱ | بخرک (شیراز)، ۱۰۵ | بزندویخند، ۲۴۵ | بنک، ۸۸، ۲۴۵ |
| بادامک، ۱۳۶ | بداوان (شیراز)، ۱۴۸ | بَرزیر (سجستان)، ۲۴۷ | بنک (شیرازی)، ۲۴۵ |
| بادام کوهی، ۱۰۵ | بدران (شیراز)، ۵۱ | بستان ابروز، ۷۸ | بنکو (شیراز)، ۷۸ |
| بادام نشک، ۱۹۶ | بدسکان، ۷۵ | بستان افروز، ۷۱، ۷۶، ۱۲۲ | بنگ، ۸۸ |
| بادآورد، ۷۱ | بدکستان، ۷۵ | بُستان افروز، ۷۸ | بن لیلوفر، ۲۹۲ |
| بادتخم (سیستان)، ۱۵۲ | بذه، ۲۲۰ | بستان افروز، ۷۱، ۷۶، ۷۸ | بُتو (سجری)، ۲۱۲ |
| بادرنبویه، ۷۱ | بربهن (اصفهان)، ۸۳ | ۱۲۲، ۱۴۷ | بنو سیاه (شیرازی)، ۲۷۵ |
| بادرنجبویه، ۷۱ | برتراسک، ۲۴۷ | بستولاک، ۱۷۰ | بنوماش (شیرازی)، ۲۷۵ |
| بادرنجبویه، ۱۱۳ | برتراسک (شیراز)، ۷۷ | بفرخ، ۸۳ | بوخل (نیشابور)، ۸۳ |
| بادرننگ، ۷۱ | برتراسک (شیرازی)، ۷۷ | بقله دشتی، ۸۳ | بوذنه، ۲۹۰ |

| | | | |
|---------------------------------|---------------------------|--------------------------|-------------------------|
| بورمندی (جرجان)، ۸۴ | بید مشک، ۱۳۶، ۱۳۷ | پیچک (شیرازی)، ۲۵۷ | تخم قاوند، ۲۳۳ |
| بورمنی (بخارا و جرجان)، ۸۴ | بیدانجیر، ۱۳۳ | پیر در بهار، ۷۰ | تخم کاج، ۱۱۲ |
| بورمنی (جرجان)، ۸۴ | بیرزد، ۲۴۶ | پیرز، ۱۶۷ | تخم کاجره (گیلان)، ۲۳۶ |
| بومادران، ۷۷ | بیم (دیلیم و تنکابن)، ۱۶۷ | پیرزد، ۷۲ | تخم کازیره (گیلان)، ۲۳۶ |
| بوی جهودان، ۲۸۳ | بیوه‌زا، ۲۳۶ | پیزد، ۷۵ | تخم کافشه، ۲۳۶ |
| بوی مادران، ۲۴۷ | بیوه‌زا (آذربایجان)، ۹۲ | پیزرا، ۱۲۱ | تخمکان (تبریز)، ۸۳ |
| بوی مازران، ۲۴۷ | پای کلاغ (پهلوی)، ۱۵۵ | پیل زهره، ۱۲۰ | تخم کرفس رومی، ۲۶۱ |
| بوی هیربدان (سجستان)، ۱۸۰ | پَرسیاوشان، ۷۵ | پیل گوش، ۲۳۰ | تخم کشوث، ۲۵۸ |
| به، ۱۷۲ | پرکاج (شیراز)، ۱۹۶ | پیوند مریم، ۱۱۲ | تخم کلم (شیرازی)، ۲۵۵ |
| بهار، ۴۴، ۵۷، ۹۰، ۱۴۲، ۲۹۴، ۲۱۷ | پسته، ۲۲۵ | تاتوله، ۱۰۹ | تخم کنب، ۱۱۱ |
| بهار خرما، ۹۵ | پشم، ۹۴ | تاج خروس، ۷۹ | تخم گزر، ۱۰۳ |
| بهاری، ۲۹۰ | پلپل، ۲۲۷ | تاج ریزی (اصفهان)، ۲۱۴ | تخم نیلوفر، ۱۱۳ |
| به دانه، ۱۷۲ | پلنگ مشک، ۸۳ | تاک، ۲۲۲، ۲۵۵ | تخم نیلوفر هندی، ۵۴ |
| بهمن، ۹۱ | پلنگمشک، ۲۲۵ | تال شال، ۲۱۰ | تخم وهل، ۳۹، ۴۰ |
| بهمی، ۱۷۲ | پلیهیم (طبرستان)، ۲۱۹ | تالکن، ۲۹۸ | تذری (شیراز)، ۹۶ |
| بهمی (سجزی)، ۱۲۶ | پنبه، ۲۴۲ | تبرزد، ۲۰۰ | ترب، ۲۲۳ |
| بیخ آسمان گون، ۷۰ | پنبه دانه، ۲۴۲ | تخم اسبست، ۱۵۶ | تُرئد، ۹۳ |
| بیخ برنده، ۱۹۳ | پنجنگشت، ۴۱ | تخم امرود جنگلی، ۱۴۲ | تربزه (شیراز)، ۲۲۳ |
| بیخ بنفشه، ۷۰ | پنیرک، ۱۲۹ | تخم اهر (شیرازی)، ۲۶۹ | تربیزک (شیرازی)، ۲۲۳ |
| بیخ تفت، ۱۹۱ | پنیرک خطمی (کرمانی)، ۱۲۹ | تخم بزوشه (تبریزی)، ۲۶۹ | تربیزه، ۲۲۳ |
| بیخ جگری، ۱۵۴ | پنیرک (سجزی جدید)، ۲۸۴ | تخم بلوک (کرمان)، ۸۳ | ترخانی، ۲۰۲ |
| بیخ چکری، ۱۵۴ | پنیر نخل، ۹۵ | تخم بیخ رومی، ۱۹۱ | تر (خراسان)، ۱۱۰ |
| بیخ چینی، ۱۰۶ | پوبهکل (شیرازی)، ۲۲۵ | تخم پدران (شیرازی)، ۲۳۵ | ترخونی (شیرازی)، ۲۰۲ |
| بیخ سنبل، ۲۲۸ | پودنک، ۲۲۹ | تخم پیاز، ۸۰ | ترسک (شیرازی)، ۱۲۳ |
| بیخ سوسن سفید، ۵۴ | پودنه، ۲۲۸، ۲۲۹ | تخم ترخر (شیرازی)، ۲۳۵ | ترشح، ۱۲۲ |
| بیخ عرطیثا، ۳۴ | پودنه جبلی، ۲۸۱ | تخم ترشه، ۱۲۲ | ترشک، ۱۲۲ |
| بیخ کازران، ۲۶۳ | پودنه صحرائی، ۱۰۵ | تخم ترشیشک (شیرازی)، ۱۲۲ | ترشه، ۱۲۲ |
| بیخ لفاح، ۳۰۰ | پودنه کوهی، ۲۲۹، ۱۱۰ | ترشه (شیراز)، ۱۲۲ | ترشینک، ۱۲۲ |
| بیخ مهک، ۱۸۰ | پوست بیخ زرشک، ۳۵ | تخم توخره، ۲۳۵ | ترف (خراسان)، ۱۲۴ |
| بید، ۱۳۶ | پوست درخت کاذی، ۴۵ | تخم جزربری، ۱۴۸ | تُرُم (ری)، ۱۶۴ |
| بیدار، ۱۴۹ | پیاز تلکه (شیرازی)، ۸۵ | تخم خرد، ۱۲۹ | ترنج، ۴۰ |
| بیدانجیر، ۱۳۳ | پیاز دشتی، ۴۹ | تخم خیار، ۲۳۴ | ترنجان، ۲۸۳ |
| بیدبری، ۱۳۶ | پیاز موش، ۴۹ | تخم دل آشوب (شیرازی)، ۴۱ | ترنجبین، ۱۱۰، ۱۹۳ |
| بید گیاه، ۹۹ | پیاز نرگس، ۲۹۰ | تخم ریاس، ۱۱۱ | تُرُنگ (اهواز)، ۴۰ |
| بیدمر، ۴۱ | پیچک، ۲۵۷ | تخم زرداب، ۹۹ | تره (اصفهان)، ۲۵۲ |
| | | تخم سپندان، ۱۱۵ | تره تیزک، ۱۰۲ |
| | | تره خراسانی، ۷۱، ۸۳ | |

| | | | |
|------------------------|---------------------------|------------------------|-----------------------------|
| تره داهان، ۸۳ | جَبَل‌هنگ، ۱۰۱ | چشمک (شیراز)، ۹۴ | خردل بابلی، ۱۳۱ |
| تره گربه، ۸۳ | جُذری (بلخ و طخاری)، ۲۲۶ | چشمیز، ۹۴ | خردل سفید، ۱۱۵، ۱۳۱ |
| تره میره (سیستان)، ۱۰۲ | جرجیر بیابانی، ۷۰ | چشمیزج، ۹۴ | خرزهرج، ۱۴۵ |
| تریاق کوهی، ۲۷۷ | جز (تنکابن)، ۳۶ | چشمیزج، ۹۴ | خرزهره، ۱۴۵ |
| تستر، ۲۰۵ | جعفریه (جرجان)، ۱۱۷ | چشمیژه، ۹۴ | خرزهره (کرمان)، ۱۲۶ |
| تستریه، ۲۰۵ | جغش (هرات)، ۱۱۷ | چشوم، ۹۴ | خرس گیا، ۲۶۴ |
| تشن (سیستان)، ۹۴ | جُفت آفرید، ۱۵۷، ۱۰۴ | چغندر، ۱۷۳، ۱۷۴ | خرس گیا، ۱۴۸ |
| تشیک (زابل)، ۱۸۳ | جُگری، ۱۵۹ | چگندر، ۱۷۴ | خرفه، ۸۳ |
| تلخه پیاز، ۸۵ | جگری، ۱۵۹ | چنار، ۱۴۵، ۱۹۶ | خرک، ۱۷۳ |
| تمر هندی، ۱۲۴، ۹۵ | جلغوزه، ۱۹۶ | چنار (شیراز)، ۱۴۵ | خرک (شیرازی)، ۹۴ |
| تمر هندی ترش، ۱۹۴ | جماز (تنکابن و دیلم)، ۱۶۹ | چوب چینی، ۱۰۶ | خرگوشک، ۲۶۹ |
| تمر هیرونی، ۹۵ | جم اسپر، ۱۶۰ | چوب چینی خطائی، ۱۰۶ | خرل، ۲۰۹ |
| تمش (جرجان)، ۲۱۳ | جمسینج (خوارزم)، ۹۴ | چوه صباغان، ۳۴ | خرما، ۹۴، ۲۳۸ |
| تموش (دیلم)، ۲۱۳ | جن آر، ۱۹۶ | چهار مغز، ۱۰۶ | خرما هیرون، ۹۵ |
| تتکر، ۲۱۷ | جنجه، ۹۵ | چینه کبوتران، ۱۵۶ | خرمای سنگ اشکن، ۹۵ |
| تویج، ۲۶۶ | جنکک (بلخ)، ۱۳۲ | حارسوهک (شیراز)، ۱۱۸ | خرو، ۱۲۹ |
| توت، ۹۵ | جو، ۱۸۷ | حرف سفید، ۱۱۵ | خروس لوچ، ۱۱۸ |
| توت حامض، ۹۵ | جواشیر، ۱۰۰ | حسن لبه، ۱۹۸ | خزران، ۱۴۰ |
| توت حلو، ۹۵ | جوانسپر، ۱۸۳ | حسن یوسف، ۱۱۱ | خسرو دارو، ۱۳۹، ۲۲۲ |
| توت سه گل (شیراز)، ۲۱۳ | جوانسفر، ۱۸۳ | حسینی، ۲۶۱ | خسق، ۲۱۰ |
| توت شامی، ۹۵ | جو برهنه، ۱۷۳ | حسینی (مرشدآباد)، ۶۲ | خسک دانه، ۲۳۶ |
| توت نبطی، ۹۵ | جوجادو، ۱۴۱ | حشیش، ۲۴۵ | خشخاش، ۷۰، ۱۵۸، ۲۷۵ |
| توت وحشی، ۲۱۳ | جوزبویا، ۱۰۷ | حماحم، ۱۵۹ | ۲۸۵، ۲۸۸ |
| تودری، ۹۶ | جوزروت، ۱۰۹ | حماض سه برگ، ۱۲۲ | خشخاش سفید، ۱۳۴، ۱۵۸ |
| تودری، ۱۹۰ | جوشیصا، ۱۰۹ | حفظل زرد، ۱۲۶ | خشخاش سیاه، ۱۳۴ |
| تورک، ۸۳ | جوگندم (زابل)، ۱۷۳ | خارثن، ۲۱۷ | خشخاش شاخ دار، ۱۳۴ |
| تورکی (شیراز)، ۸۳ | جوگندم زابل، ۱۷۳ | خار خشک، ۱۱۸، ۲۳۶ | خطای (شیرازی)، ۱۴۰ |
| تورم، ۳۴ | جولادکش (سیستان)، ۷۱ | خارشر، ۱۱۰ | خطمی، ۱۲۹ |
| توز، ۱۲۷ | جیدار، ۱۰۹ | خاص تره (تنکابن)، ۱۰۲ | خطمی کوچک (شیراز)، ۱۲۹، ۲۸۴ |
| تویوش، ۱۶۴ | جیلان (گیلان)، ۱۷۹ | خاکشی (اصفهان)، ۱۲۹ | خفروج (بلخ و زابلستان)، ۸۳ |
| ثامروان، ۲۷۱ | جیلان (گیلان)، ۱۷۹ | خایه ابلیس (فارس)، ۵۹ | خلبه (گیلان)، ۱۲۱ |
| ثمر پشه، ۱۰۵ | چتر اخضر، ۲۴۵ | خربزه، ۸۱ | خَلَر (قزوین)، ۱۰۴ |
| جاحوشی (شیراز)، ۱۰۰ | چرجه، ۱۸۹ | خربزه دراز، ۲۸۵ | خلیمو (شیرازی)، ۱۲۳ |
| جافر (هرات)، ۱۱۷ | چشم، ۹۴ | خربزه رویاه، ۱۲۶ | خنجک، ۱۱۱ |
| جاکج (خوارزم)، ۹۴ | چشم خروس، ۲۱۷ | خربزه زمستان، ۸۱ | خنجک (خراسان)، ۸۱ |
| جاکجو (خوارزم)، ۹۴ | چشمک، ۹۴ | خربزه طلخک (زابل)، ۱۲۶ | خنیس (گیلان)، ۱۲۰ |
| جاکسو، ۹۴ | | خربزه هندی، ۸۲ | خوزرهج، ۱۴۵ |
| جامه خواب، ۲۰۰ | | خرجکوک (زابلستان)، ۳۸ | |

| | | | |
|------------------------------------|-----------------------------|-------------------------|--------------------------|
| خوش سایه، ۱۴۴ | داربرنیا، ۸۴ | درخت عود، ۲۹۶ | دهمشت، ۲۱۸ |
| خوشک، ۷۳ | دارچوبه، ۱۴۲ | درخت غایش، ۲۱۵ | دینارو، ۱۱۷ |
| خوشه ارزن، ۱۹۰ | دارچینی، ۱۴۱ | درخت فلفل، ۱۴۲ | دینارویه، ۱۱۷ |
| خوللو (شیرازی)، ۱۵۲ | دارشاه، ۵۹ | درخت کدز، ۴۵ | دیواسپست صحرائی، ۱۲۵ |
| خوم (سفدی)، ۲۹۹ | دار شیرین، ۱۸۰ | درخت کلنورا، ۱۹۸ | دیودار، ۱۴۹، ۲۰۹، ۳۰۰ |
| خونسیاوشان، ۱۴۶ | دارشیشعان، ۱۰۹، ۱۴۱ | درخت کوت، ۲۶۲ | دیودار (طبرستان)، ۲۶۴ |
| خون سیاوشان، ۱۴۶ | ۱۷۱، ۱۷۸ | درخت مسواک، ۴۳ | دیودر، ۱۴۹ |
| خویبو (سجزی)، ۱۷۱ | دارصینی، ۱۴۱ | درخت هلیله (شهری)، ۳۵ | دیوزوان (بستی)، ۲۱۰ |
| خیار، ۱۴۰، ۲۳۴، ۲۵۵ | دارفلفل، ۱۴۲، ۲۲۷ | دَردار، ۱۴۴ | دیوسپست، ۱۲۵ |
| خیار بادرنگ (خراسان)، ۲۳۴ | دارمازو، ۸۶ | دردار، ۲۶۹، ۲۹۰ | دیو مشنگ، ۱۵۶ |
| خیار باذرنگ، ۲۳۴ | دارمیران، ۱۴۲ | درمنه، ۱۹۳، ۵۵ | ذرت، ۱۰۰ |
| خیاربازرنگ (خراسان)، ۲۳۴ | دارواش (دیلم و تنکابن)، ۲۱۵ | درمنه اسپید، ۹۷ | ذرق، ۱۵۰ |
| خیار بالنگ (شیراز)، ۲۳۴ | داروان (تنکابن)، ۳۵ | درمنه ترکی، ۱۹۳ | ذَرَه مکّه، ۱۳۹ |
| خیارتلخ، ۱۲۶ | دارورهرام، ۱۸۰ | درنک، ۲۸۰ | رازیانه، ۱۵۲، ۲۱۳ |
| خیار چنبر، ۱۴۰ | دارون، ۱۴۴ | دروکی کنکر، ۱۱۴ | رازیانه بری، ۱۵۳ |
| خیارخر، ۲۳۳ | داری، ۱۳۰ | دُرُوئج، ۱۴۴ | رازیانه شامی، ۶۷ |
| خیار (خراسان)، ۲۳۳ | دانه سجستان، ۱۶۷ | درونک، ۱۴۴ | راژموک (ترمذی)، ۲۷۱ |
| خیار خوراکی، ۲۳۴ | دیندار، ۱۴۹ | درهن، ۱۸۴ | راقوته (شیراز)، ۲۹۰ |
| خیار دراز، ۲۳۳ | دیوکی (بلخ)، ۲۸۴ | درینه (تبریز)، ۹۶ | رانج وبر (فارس)، ۱۱۱ |
| خیار دراز (شیراز)، ۲۳۴ | دخنخ (بخارا)، ۸۴ | دستنبویه، ۱۴۴ | رانداروی تلخ، ۲۶۰ |
| ۲۸۵ | در، ۲۱۳ | دستنبویه، ۱۴۵ | راوند، ۱۵۴ |
| خیار درزده، ۲۳۳ | دراز (شیرازی)، ۱۱۷ | دل اشوب (شیرازی)، ۴۱ | راء، ۱۲۶ |
| خیار دشتی، ۱۲۶ | درامک، ۲۸۰ | دنبی دارو (شیرازی)، ۴۹ | رتک (شیراز)، ۲۸۱ |
| خیارزره سفید، ۲۳۳ | درحسک، ۱۹۸ | دندان جانان (سجزی)، ۲۹۳ | رجمول، ۲۵۸ |
| خیارزره، ۲۳۳ | درخت اثل، ۱۸۲ | دندان گرگ، ۵۰، ۸۴ | رزی (تبریز)، ۸۵ |
| خیارزره اسپند، ۲۳۳ | درخت پشه، ۱۴۴ | دوالک، ۵۲ | رسین (اصفهان)، ۲۳۶ |
| خیارزره کوچک، ۱۹۸ | درخت توت، ۹۳ | دواله، ۵۲ | رقاقس، ۱۵۷ |
| خیار طلخ، ۱۲۶ | درخت دبق، ۵۱ | دوالی، ۵۲ | رنکبار (شیراز)، ۱۵۲ |
| خیبارک بسی بر (بلخ و طبرستان)، ۲۸۶ | درخت درداز، ۱۷۸ | دوراز، ۱۱۷ | رنگ زعفران، ۴۲ |
| خیرو، ۱۲۹ | درخت دلیک، ۲۹۴ | دورس، ۱۴۵ | رنگ زعفران (اصفهان)، ۲۱۰ |
| خیروج، ۱۳۶ | درخت زکریا، ۱۶۹ | دوسر، ۱۴۷ | رویارزج، ۲۱۴ |
| خیبری، ۱۲۹ | درخت زهرناک، ۲۰۹ | دوسر، ۲۰۱ | رویه تریک، ۲۱۴ |
| خیری سیاه، ۱۴۰ | درخت سال، ۲۰۲ | دوشر، ۱۴۷ | رویه تورک، ۲۱۴ |
| داذی کوهی، ۲۹۸ | درخت سیستان، ۱۴۲ | دهکلو (شیراز)، ۲۶۰ | رویه رَزْک، ۲۱۴ |
| دارافرسام، ۸۶ | درخت شانه، ۲۶۳ | دَهْمَسْت، ۱۴۸ | رودک، ۲۳۰ |
| | درخت عرعر، ۱۷۰ | دهمست، ۲۱۸ | رَوْزیارج، ۲۱۵ |

| | | | |
|-------------------------|--------------------------|------------------------|----------------------|
| روشنک، ۲۲۱ | زَرین گیاه، ۹۲، ۱۶۲ | سببذخار (سجزی)، ۲۱۷ | سک انگور (زابل)، ۲۱۴ |
| روشی‌مینس (شیراز)، ۵۱ | زُط (سجستان)، ۲۰۱ | سپر، ۱۵۹ | سکینه، ۱۷۳ |
| روغاز (جرجان)، ۲۳۰ | زغیر، ۱۹۴ | سَپستان، ۱۶۷ | سکفس (ترمذی)، ۲۱۱ |
| روناس، ۲۳۰ | زغیر (سغد، سمرقند)، ۲۵۱ | سپست‌تر، ۱۵۵ | سکوک (بخاری)، ۲۱۱ |
| رونک (سجزی)، ۱۷۳ | زغیره (سغد، سمرقند)، ۲۵۱ | سپند، ۱۱۶ | سکوهنج، ۱۱۸ |
| روی (سجزی)، ۲۰۰ | زُقال، ۱۶۳ | سپندان، ۱۳۱ | سگ انگور، ۲۱۴ |
| روین، ۲۳۰ | زمرد رنگ، ۲۴۵ | سپید اسفند، ۱۳۱ | سگبستان، ۱۶۷ |
| ریباس، ۱۵۴ | زمین قند، ۱۸۹ | سپید گیاه، ۹۷ | سلجم، ۱۸۹ |
| ریحان سلیمان، ۱۶۰ | زمین (گروگان)، ۳۵ | ستاره ائیکا، ۴۸ | سلس (فارس)، ۲۱۹ |
| ریحان کوهی، ۷۱ | زُنبأ، ۱۶۴ | سداب بستانی، ۱۱۶ | سلق، ۱۷۳ |
| ریحان مطلق، ۱۸۴ | زَنْجَرُو (سجزی)، ۶۶ | سذاب، ۱۶۷ | سلم سرخ (یزدی)، ۲۱۰ |
| ریش سمندر، ۱۲۰ | زنک فلج، ۱۳۲ | سریل (شیراز)، ۲۳۳ | سلمه، ۲۴۱ |
| ریشه انجدان خراسانی، ۶۵ | زنکورج، ۳۰۱ | سرخ پای، ۱۲۲ | سلیسک (فارس)، ۲۱۹ |
| ریشه خيرو، ۲۹۷ | زنگباری (شیراز)، ۲۴۴ | سرخس، ۱۶۹ | سماروغ، ۲۶۰، ۲۶۰ |
| ریشه ریباس، ۱۵۴ | زنگبیر، ۱۶۴ | سرخس‌نر، ۱۶۹ | سمالو، ۲۶۰ |
| ریواج، ۱۵۹ | زوار، ۱۰۱ | سرخ فرد (شیرازی)، ۲۱۰ | سماهنگ، ۲۳۳ |
| ریواس، ۱۵۹ | زوان گندم، ۱۹۴ | سرخ مرد، ۱۴۳ | سمرقندیا (زابل)، ۲۷۶ |
| ریوند، ۱۵۴ | زویاترس (تنکابن)، ۳۵ | سرزردک (شیراز)، ۲۴۷ | سم (سجزی)، ۱۳۲ |
| زارج، ۶۱، ۳۸ | زوفرا، ۱۱۷ | سرشو (شیرازی)، ۲۶۶ | سنبل سفید، ۲۳۸ |
| زبان گنجشک، ۲۶۹ | زوله (خوارزم)، ۲۲۸ | سر (شیرازی)، ۲۴۵ | سنبل فارسی، ۱۷۸ |
| زر، ۲۵۵ | زهر زمین (جرجان)، ۳۵ | سرکوه، ۱۸۱ | سنجد، ۲۱۹ |
| زَراوند، ۱۶۰ | زیتون کوهی، ۲۰۶ | سرم، ۲۲۶ | سندل، ۱۹۶ |
| زراوند خراسانی، ۱۶۰ | زیر، ۸۵ | سرمک، ۲۴۱ | سنک‌سبویه، ۱۷۹ |
| زراوند گرد، ۱۶۱ | زیر خار (سجزی)، ۲۱۷ | سَرمه، ۱۷۰ | سنکسبویه، ۱۷۹ |
| زرجویک، ۲۰۸ | زیرکش، ۶۱ | سرو، ۱۴۹، ۱۹۷، ۱۷۰ | سنگ حنا (دیلیم)، ۱۱۷ |
| زرچویه، ۲۰۸ | زیره، ۲۶۲ | سُرو، ۲۶۹ | سنگ سبویه، ۲۴۳ |
| زردآلو، ۱۹۰، ۲۸۲ | زیره رومی، ۶۷، ۲۵۶ | سرو ترکستانی، ۱۵۵، ۱۶۱ | سوده (شیراز)، ۲۴۵ |
| زردجویه، ۲۰۸ | زیره هندو سیاه، ۲۶۲ | سُرو (سجزی)، ۲۶۹ | سوردن (تبریز)، ۱۲۹ |
| زردچویه، ۲۷۶ | زینان (شیرازی)، ۲۸۹ | سرو کوهی، ۳۹، ۲۰۸ | سورنگان، ۱۷۹ |
| زردک، ۱۰۳ | زینیان، ۲۸۹ | سَریش، ۵۱ | سوسن، ۱۶۰، ۱۸۰ |
| زرشک، ۳۸، ۶۱، ۱۲۰ | ژالکه (سجزی)، ۵۲ | سزه (شیرازی)، ۲۳۶ | سوسن آزاد، ۱۶۴، ۱۸۰ |
| ۲۳۱، ۲۷۱، ۲۹۸ | ساییزک، ۲۷۰، ۳۰۰ | سعد (تنکابن)، ۴۹ | سوسن آسمانجونی، ۷۰ |
| زرشک، ۶۱ | ساذرون، ۱۶۷ | سفتا، ۸۰ | ۱۸۰ |
| زِرک، ۶۱ | ساق ترشک، ۸۳ | شَفجه، ۱۹۸ | سوسن آسمانگون، ۷۰ |
| زرنک، ۶۱ | سببری تهلک (سجزی)، ۱۱۶ | سفند اسفندو، ۲۷۴ | سوسن ادرا، ۱۸۰ |
| زرواش (تنکابن)، ۹۷ | سبزیار، ۱۰۷ | سفند اُسفید، ۲۷۴ | سوسنبر، ۱۸۲ |
| زَرَوَان زَنْج، ۲۱۵ | شَبزه (شیراز)، ۲۴۵ | سفیدار، ۱۴۴ | سوسن خطاهی، ۱۸۰ |
| زره (شیراز)، ۱۴۹ | | سفید مرز، ۸۴ | سوسن زرد، ۷۰ |

| | | | |
|------------------------|-------------------------|------------------------|------------------------|
| سوسن سرخ صحرائی، | شاه املج، ۶۲ | شرویہ (مازندران)، ۱۲۵ | شنگرفیر (طخاری)، ۱۶۴ |
| ۱۴۶ | شاه انجیر، ۹۶ | شسبندان، ۲۲۲ | شنگلیل، ۱۶۴ |
| سوسن سفید، ۱۵۲، ۱۸۰ | شاهبانک، ۱۸۳ | شش‌بندان سیاه، ۲۲۲ | شنگویر، ۱۶۴ |
| سوسن کبود، ۱۸۰ | شاهبلوط، ۸۶ | شش‌بندان (شیراز)، ۲۲۲ | شوبا، ۹۶ |
| سوفاس، ۹۶ | شاهبلوط، ۸۷ | شستره، ۲۸۸ | شوت، ۱۸۴ |
| سونک (سجزی)، ۲۳۶ | شاه بن، ۸۱ | ششقال، ۱۰۳، ۱۸۸ | شوت (سجزی)، ۱۸۴ |
| سه سنبل، ۱۸۲ | شاه بید، ۱۳۶ | ششکاک (مازندران و | شود، ۱۸۴ |
| سهک داوران (شیرازی)، | شاه بید (شام)، ۱۳۷ | تنکابن، ۲۳۶ | شودر (اصفهان)، ۲۳۶ |
| ۱۶۷ | شاه بیذ، ۱۳۶ | شفتالو، ۱۳۹، ۱۹۰ | شود (شیراز)، ۱۸۴ |
| سه کوهنج، ۱۱۸ | شاه پسه، ۵۹ | شفتک (شیراز)، ۱۲۹ | شوران (سجزی)، ۲۱۰ |
| سیاه برگ، ۱۹۱ | شاهتره، ۱۸۳ | شفتل، ۲۹۱ | شورد، ۲۳۲ |
| سیاه‌داران، ۱۶۶ | شاه تره (شیراز)، ۱۸۳ | شقااص، ۴۶ | شونوز، ۱۹۲ |
| سیاه دانو، ۱۹۴ | شاه تره (مازندران)، ۱۰۲ | شقال، ۱۰۳، ۱۴۹، ۱۸۸ | شونیز، ۱۸۱ |
| سیاه دانه، ۱۹۲ | شاه چینی، ۱۸۴ | شقال، ۱۸۸، ۲۲۹ | شونیز، ۱۹۲ |
| سیب، ۹۴، ۱۶۳ | شاهدانق، ۱۱۱ | شقایق، ۳۵ | شه بانو، ۱۸۳ |
| سپییزه، ۲۷۰ | شاهدانه بری، ۱۱۱ | شقرنگ (خراسان)، ۱۹۰ | شهوت‌انگیز، ۲۴۵ |
| سیر، ۹۸ | شاه زیره، ۲۵۶ | شکر انگور روباه، ۲۱۴ | شیره، ۱۹۳ |
| سیردشتی، ۹۸ | شاه زیه، ۲۵۶ | شکره‌نج، ۱۱۸ | شیخ خراسانی، ۱۹۳ |
| سیر صحرائی، ۴۸ | شاهسپرم، ۱۸۳ | شکم‌دریده (شیراز)، ۷۸ | شیرابه، ۱۳۴ |
| سیر مو، ۴۸ | شاهسپرم سرخ، ۱۸۴ | شکوفه خرما، ۹۵ | شیر املج، ۶۲ |
| سیس‌بان (مازندران)، ۳۵ | شاهسفرم، ۱۵۹ | شکوهج، ۱۱۸، ۱۲۴ | شیر انجیر، ۱۹۳ |
| سیس‌بوان (فارس)، ۲۱۹ | شاهسفرم شیرازی، ۱۹۸ | شکوهنج، ۱۱۸ | شیرانجیر، ۳۰۰ |
| سیسنبر، ۱۱۳ | شاهشبرم، ۱۱۳ | شکویهج، ۱۱۸ | شیرخشت، ۱۹۳ |
| سی سنبل، ۱۸۲ | شاهشبرم، ۲۸۰ | شکی، ۲۱۷ | شیرخشک، ۱۹۳ |
| سیسینتر، ۱۸۲ | شاهسفرم، ۱۵۹ | شلغم، ۱۸۹ | شیرگیا (زابلستان)، ۲۸۶ |
| سی‌کوه، ۱۸۱ | شاه صینی، ۱۸۴ | شلم‌بی (مازندران)، ۱۲۹ | شیرهو (خراسان)، ۱۹۰ |
| شیونک (سجزی)، ۲۱۰ | شاهلوک، ۱۸۴، ۲۱۷ | شلمیز، ۱۰۹ | شیستره، ۲۲۸ |
| سیهک، ۴۳ | شاهنجیر، ۱۸۴ | شما، ۲۲۶ | شیشبان، ۳۵ |
| شبابانک، ۷۷، ۲۳۲ | شاه نرجس، ۲۹۰ | شمرک (سجزی)، ۱۳۲ | شیلیم، ۱۸۹ |
| شابیژک، ۲۷۰ | شایانج، ۱۸۳ | شمشاد، ۸۲ | صابون لباس، ۳۵ |
| شال حنی (مازندران و | شب انبوی، ۱۳۳ | شملیت، ۱۲۰ | صدیوند، ۲۱۰ |
| تنکابن)، ۲۵۱ | شب بو، ۱۳۳، ۱۴۰ | شملیز (شیراز)، ۱۲۱ | صربه، ۱۷۴ |
| شامامک، ۱۸۳ | شب خیزک، ۱۱۵ | شنبلیلہ (اصفهان)، ۱۲۱ | صرخ بای، ۱۲۲ |
| شاه‌آلو، ۴۱ | شبدار، ۲۳۶ | شنجار، ۱۲۵، ۱۳۴ | صعتر فارسی، ۱۰۵ |
| شاه‌اسپرم، ۱۵۹ | شبدر، ۵۷، ۲۳۶ | شنگ (زابلی)، ۲۶۹ | صنوبر، ۱۵۲ |
| شاه افسر، ۵۹ | شبدر (اصفهان)، ۱۲۵ | شنگیا (تبریز)، ۲۳۳ | صنوبر بی بار، ۴۴ |
| شاه‌امرو، ۲۶۱ | شخار، ۲۴۴ | شنگ، ۱۵۱ | صنوبر کوچکی، ۱۹۷ |
| شاه‌امرو (خراسان)، ۲۶۱ | شیر (سجزی)، ۲۰۷ | شنگ (اصفهان)، ۲۶۷ | صنوبر هندی، ۳۹ |

| | | | |
|---------------------------|-----------------------|-----------------------|-----------------------|
| ضدل دانج، ۱۱۶ | غُزبه (زابل)، ۱۸۵ | قستارون، ۴۶ | کاو چشم، ۹۰ |
| طاحک (طبرستان)، ۳۵ | غنچ (هری)، ۱۹۲ | قسط تلخ، ۲۳۹ | کاوجیله، ۲۳۶ |
| طاق، ۲۴۴ | غنچه خرما، ۹۵ | قسط سفید، ۲۳۹ | کاو چشم، ۵۷ |
| طانیطومک (شیراز)، ۱۸۴ | غوبژک (زابل)، ۱۶۲ | قسط سیاه، ۲۳۹ | کاورس، ۱۰۰ |
| طبرزد، ۲۰۰ | غوره خرما، ۹۴ | قسوة الکلابغلتک، ۱۸۳ | کاوزاون، ۲۶۸ |
| طرخون دشتی، ۲۰۵ | غویشه، ۲۲۱ | قشر ترجیه، ۲۴۰ | کاو زیان، ۲۶۸ |
| طرخون رومی، ۲۶۱ | فراژمنک (سجزی)، ۲۷۱ | قطرات کوئی، ۲۴۱ | کاوکشک (شیراز)، ۱۸۴ |
| طرم (لرستان)، ۸۵ | فریهن، ۸۳ | قمریت (اصفهان)، ۲۵۵ | کاو مکه، ۴۳ |
| طفک (شیرازی)، ۳۵ | فُرژد، ۹۹ | قمش (جرجان)، ۲۷۹ | کاه‌ریای، ۲۶۴ |
| طلخشقوق (زابلستان)، ۳۸ | فرزد جویبار، ۴۴ | قناروخشک، ۵۳ | کاهل، ۱۰۰ |
| طنجبین، ۲۰۲ | فرینه، ۸۳ | قندرون (اصفهان)، ۸۱ | کاه‌مکه، ۴۳ |
| طوس (شیراز)، ۳۹ | فَرَنجِمَشک، ۵۳ | قنطوریون باریک، ۲۷۴ | کاهو، ۱۳۳ |
| طوسک (شیراز)، ۱۴۹ | فریرسب، ۲۴۷ | قوج (ترمذی)، ۲۲۶ | کاهیان، ۲۳۶ |
| عَبَس، ۱۸۳ | فریز، ۹۹ | قهوه، ۸۹ | کیابه دهن شکافته، ۲۲۲ |
| عدس خوراکی، ۲۰۷ | فَزْغند (سغدی)، ۲۲۶ | قیچ، ۲۳۳ | کیابه دهن گشاد، ۲۲۲ |
| عرش نما، ۲۴۵ | فستق (شیراز)، ۱۹۶ | قیصر، ۵۹ | کبرک، ۱۱۸ |
| عرق درخت توت، ۱۹۹ | فَلال، ۳۴ | قیصی، ۲۸۲ | کبست، ۱۲۶ |
| عروس آب (رنگرزان)، ۱۰۳ | فلسب، ۲۴۷ | کاج، ۱۹۶ | کبیدانه، ۱۱۱ |
| عروس در پرده، ۲۴۹ | فلفل تر، ۵۷ | کاج (شیراز)، ۱۹۶ | کیکه، ۲۵۰ |
| عروس در پرده (شیراز)، ۲۴۹ | فلفل دراز، ۱۴۲ | کاجیره (دیلمی)، ۴۲ | کجومن، ۲۴۹، ۲۵۲ |
| ۲۴۹ | فلفل سفید، ۱۴۲ | کاجیره (همدان)، ۲۱۰ | کچومن (شیراز)، ۲۴۹ |
| عروس در پرده (ماوراء) | فلفل سیاه، ۷۰ | کاردوالی، ۹۵ | کحل فارسی، ۶۶ |
| النهر، ۲۴۹ | فلفلک (طبرستان)، ۱۶۴ | کازریسک (شیرازی)، ۲۷۷ | کدرو (شیراز)، ۶۶ |
| عروس در قبه (مرو)، ۲۴۹ | فلفل کوهی، ۴۱ | کازوان، ۲۶۸ | کدو، ۲۳۷ |
| عروس رزانی (ماوراء) | فلفل گرد، ۲۲۷ | کاسنی، ۲۹۷ | کدو (شیرازی)، ۸۲ |
| النهر، ۲۴۹ | فلک تاز، ۲۴۵ | کاسنی رومی، ۲۶۱ | کدو مکه، ۲۳۷ |
| عروسک پس پرده (فارس)، ۲۴۹ | فلنجمشک، ۲۲۵ | کاش (تنکابن)، ۲۷۰ | کدوی تلخ، ۲۳۷ |
| ۲۴۹ | فنجنگشت، ۴۰ | کاشم رومی، ۱۸۱ | کدوی رومی، ۱۴۲ |
| عریقصاء (سجزی)، ۱۲۵ | فنجنگشت، ۴۱، ۱۵۲، ۲۲۸ | کافوربوی، ۵۷ | کذی، ۲۹۷ |
| عکاش (بلخ و طخاری)، ۲۲۶ | فندق، ۸۸، ۱۰۵ | کافور یهودی، ۱۶۰، ۲۴۹ | کربز، ۲۳۳ |
| ۲۲۶ | فندق هندی، ۵۴ | کاکسر، ۲۳۲ | کرت، ۲۳۷ |
| عَلَس (سجزی)، ۲۰۷ | فودنج جوهی، ۱۹۸ | کاکل، ۲۳۲ | کیرته (سجزی)، ۱۲۱ |
| علفک داغ، ۲۰۵ | فیلگوش، ۲۳۰ | کاکلک (اصفهان)، ۱۹۴ | کرجیل (تنکابن)، ۱۶۲ |
| عنبر بید، ۱۰۳ | فارچ، ۲۲۱، ۲۱۸ | کاکیان، ۲۳۶ | کرد، ۱۰۳ |
| غاوشیرک، ۲۱۷ | قِثاء کوچک، ۱۹۸ | کال (شیراز)، ۱۰۰ | کرسب، ۲۵۳ |
| غرب، ۱۳۶ | قدومه (اصفهان)، ۹۶ | کالوسک (سنجری و | کرسب کوهی، ۲۲۷ |
| غروبواس (بلخی)، ۲۰۲ | قرمون، ۲۵۱ | سجزی، ۷۳ | کرفس جوئی، ۲۵۳ |
| | قسبک (شیراز)، ۹۵ | کانیطوسک (شیراز)، ۱۸۴ | کرفس رومی (جرجان)، |

| | | | |
|----------------------------|------------------------------|------------------------------|--------------------------|
| ۱۱۷ | کشنی، ۲۹۷ | کندر دریایی، ۲۶۳ | کویج (اصفهان)، ۱۶۲ |
| کرفس صخری، ۲۲۷ | کشوث، ۵۵ | گُندش، ۲۶۳ | کهزک (شیراز)، ۱۰۲ |
| کرفس کوهی، ۲۲۷، ۱۵۱ | کشوثا، ۵۵ | کندشه، ۲۶۳ | کهزک (شیراز)، ۱۰۲ |
| ۲۶۱ | کشوث فارسی، ۲۵۸ | کنزک، ۱۱۸ | که (شیراز)، ۲۱۳ |
| کرفس ماقدونی، ۲۲۷ | گُشیعاء (سجزی جدید)، ۲۸۴ | کنکر، ۱۱۴، ۲۶۳ | کهه (شیراز)، ۲۳۸ |
| کرفش، ۲۵۳ | | گُتکر، ۱۱۴ | کیده (اصفهان)، ۲۴۸ |
| کرکاس (شیراز)، ۱۴۷ | کفرک (شیرازی)، ۱۰۲ | کنکران (ری)، ۲۴۵ | کیرجک (دیلم)، ۸۸ |
| کرک جرواش (تنکابن)، ۹۹ | کلاغ پا (پهلوی)، ۱۵۵ | کنکرززی (سجزی)، ۲۱۴ | کیر کازرونی (شیراز)، ۱۳۲ |
| کرک سیاه، ۴۱ | کل انگور (مکران و قزدار)، ۸۱ | کنکرزد، ۱۱۴ | کیکر، ۱۰۲ |
| کرم، ۲۵۵ | | گُتکرزد، ۱۱۴ | کیکز، ۱۰۲ |
| کِرْمَدانه، ۲۵۵ | کلبانی، ۵۱ | کنگر، ۱۱۴ | کیک ولرش (طبرستان)، ۱۱۸ |
| کرم‌دشتی، ۲۲۲ | کلبک، ۲۵۵ | کنگر آبی، ۲۳۵ | کیل، ۱۶۲ |
| کروان، ۸۲ | کل کنده (شیرازی)، ۲۶۰ | کنگرخر، ۱۸۹ | کیلجک (دیلم)، ۸۸ |
| کُزویا رومی، ۲۳۵ | کلم، ۲۵۵، ۲۵۶ | کنگرزد، ۱۱۴ | کیلدارو، ۱۶۹ |
| کرویای دشتی، ۲۳۵ | کلم رومی، ۲۴۵ | کنگر سفید، ۷۱ | کیل سرخ (شیرازی)، ۱۶۳ |
| کرویه، ۲۵۶ | کلم کرد، ۲۴۵ | کنگری، ۱۱۴ | کیل (شیراز)، ۱۶۲ |
| کرویه (شیرازی)، ۲۵۶ | کلنجه، ۷۰ | کوار (دیلم)، ۲۵۲ | کیهه، ۲۱۳ |
| کره، ۵۷ | کلنک، ۲۵۵ | کوخر (شیراز)، ۱۱۷ | گاوچشم، ۲۸۰، ۲۱۷، ۹۰ |
| کریون، ۲۴۶ | کَلَنکُر، ۲۱۴ | کورار، ۲۲۴ | گاو دانه، ۲۵۳ |
| کزطلخون، ۲۰۵ | کلول (آذربایجان)، ۱۰۴ | کورتره (مازندران)، ۱۰۲ | گاورس، ۱۰۰ |
| کزمارک، ۴۰ | کلیک (تنکابن)، ۱۴۶ | کور سور (کرمان)، ۷۶ | گاوزبان، ۲۶۸ |
| کزمازق، ۴۰ | گُم، ۲۳۳ | کورک (شیراز)، ۲۵۰ | گاوزوان، ۲۶۸ |
| کُزمازک، ۵۷ | کلمات، ۱۲۱ | کوزبویا، ۱۰۷ | گاوشیر، ۱۰۰ |
| کزمازک، ۲۰۲ | گُماشیر، ۲۶۰ | کوزد (شیراز)، ۶۶ | گاو مشنگ، ۱۵۶ |
| گُزْم (سجزی و سمرقند)، ۱۸۵ | کماه (شیراز)، ۲۳۸ | کوز کلاغ، ۱۰۹ | گاسمطوسک (شیرازی)، ۱۸۷ |
| کُزَنه‌دشتی، ۴۳ | کماه کوهی (شیرازی)، ۱۷۱ | کوز کندم، ۱۰۷ | گره دشتی، ۴۳ |
| کسبت، ۱۲۶ | کمشری (شیرازی)، ۲۶۱ | کوز مائل، ۱۰۹ | گردکان، ۱۰۶ |
| کسته (شیرازی)، ۲۱۰ | کنار، ۱۶۸ | کوشْتیل (تنکابن و دیلم)، ۲۶۴ | گردو هندی (شیراز)، ۲۸۷ |
| کسناج، ۲۹۷ | کنار (سجزی)، ۲۸۹ | کوشاد، ۱۰۶ | گرز دشتی، ۱۸۸ |
| کسنگ، ۲۵۳ | کنار هوشه، ۵۳ | کوش (شیراز)، ۱۲۶ | گرگ مرگ، ۱۲۸ |
| کسنگ (شیرازی)، ۲۵۳ | کنب، ۲۴۵ | کوشنه، ۲۳۹ | گز، ۲۰۲، ۴۰ |
| گُشنی، ۲۹۷ | کنبشک (سجزی)، ۱۱۱، ۸۱ | کوشیر، ۱۰۰ | گز انگدان خوش، ۵۰ |
| کس وبران (شیرازی)، ۲۵۰ | کَنبَن، ۸۱ | کوله‌پر (مازندران)، ۶۵ | گز انگدان خوش، ۱۲۱ |
| گُشت بَرگُشت، ۲۵۷ | کتور (شیرازی)، ۱۳۳ | کونزده (اصفهان)، ۶۶ | گز، ۱۰۳ |
| گُشت برکُشت، ۲۵۷ | کتو (شیراز)، ۱۳۳ | کونک، ۲۸۵ | گز، ۶۵ |
| گشمش کاولیا، ۱۴۳ | کنجد، ۱۷۶ | کوارات، ۱۳۲ | گز، ۵۱ |
| گُشن، ۲۵۳ | کنجده (اصفهان)، ۶۶ | کوهان، ۲۶۳ | |
| | کنجده (اصفهان)، ۶۶ | | |

| | | | |
|-------------------------|------------------------------------|---------------------------|----------------------------|
| گشت برگشت، ۲۵۷ | گل یوسف، ۷۹ | لرکیماس، ۱۶۳ | ۳۰۰ |
| گشن، ۲۵۳ | گنجشک ازوان، ۲۶۹ | لعبت بربری، ۱۷۹ | ماهومورد، ۳۶ |
| گشنیز، ۱۷۶، ۲۵۷ | گندم، ۱۲۶، ۲۰۰ | لعل معبری، ۲۴۷ | ماهی‌زهره، ۲۷۷ |
| گشنیز کوهی، ۲۷۷ | گندم دیوانه، ۱۹۴ | لکونا (تنکابن)، ۲۶۶ | مسترک کازرونی (شیراز)، ۱۱۷ |
| گل آفتاب پرست، ۳۴ | گندم صحرایی، ۲۳۵ | لوییا، ۱۳۴، ۲۷۱ | مخنخ (بلخ)، ۸۴ |
| گل‌ابی (شیراز)، ۲۶۱ | گندم مکه، ۲۱۳ | لویای سفید، ۵۴ | مران، ۱۷۱ |
| گل اریه (شیراز)، ۱۰۳ | گندم مکه (تنکابن)، ۱۳۹ | لویای هندی، ۱۴۷ | مرجان مروارید خرد، ۷۹ |
| گل انار صد برگ، ۱۰۴ | گندنا، ۲۵۲ | لوف، ۲۴۶ | مرج (سغدی)، ۲۲۷ |
| گل‌پر، ۲۴۸ | گندنا کوهی، ۲۲۴ | لوفای فاخر، ۲۴۶ | مرجومک، ۲۰۷ |
| گل حلوا، ۷۹ | گندنا دشتی، ۲۵۲ | لیذون، ۲۶۵ | مرخوش (شیراز)، ۲۸۰ |
| گل خنق، ۴۲ | گندنا کوهی، ۲۲۴ | لیمو، ۱۰۴، ۲۷۴ | مرزنجوش، ۱۱۳، ۶۶ |
| گل خوش‌نظر، ۲۷۷ | گوزغست، ۲۴۵ | لیمودار، ۲۹۵ | مرزنگوش، ۳۴، ۲۷۹ |
| گل خیری، ۱۴۰ | گوزگندک، ۱۰۷ | لیمون، ۲۷۴ | مرزه، ۱۸۷، ۱۹۵ |
| گل رعنا زیا، ۲۹۴ | گورگیا، ۴۳ | لینوفر هندی، ۶۸ | مرغ زفانک، ۲۶۹ |
| گل روسبیجه، ۲۹۴ | گورگیا، ۴۳ | ماذر درخت (کرمان)، ۹۶ | مرماهان، ۲۸۰ |
| گل سرخ، ۲۹۴ | گوزگندم، ۱۰۷ | مارجویه، ۲۹۷ | مرماهوز، ۲۷۹ |
| گل سرخ صحرانی، ۱۴۶ | گوزن تل (جرجان)، ۴۳ | مارجویه، ۹۲، ۲۹۷ | مرماهوس، ۲۸۰ |
| گل سنگ، ۱۱۷ | گوزن گیا، ۲۶۴ | ماردارو، ۲۲۲ | مرماهویه، ۲۸۰ |
| گل‌سنگ، ۲۰۰ | گوزن گیاه (مازندران و دامغان)، ۲۶۴ | مار درخت (کرمان)، ۹۶ | مرمیخا (سغدی)، ۲۷۹ |
| گل عاشقان (خراسان)، ۱۶۲ | گوزنیک، ۲۶۴ | مازکینوا، ۲۷۵ | مرو، ۲۶۸ |
| گل عنبرین، ۲۹۰ | گوش‌فیل، ۲۷۳ | مارگیاه، ۲۷۵ | مژو، ۲۸۰ |
| گل قبحه، ۲۹۴ | گون، ۲۳۳، ۲۵۱ | مارمورد، ۳۶ | مروازاد، ۲۷۹ |
| گل قحبه (شیراز)، ۲۹۴ | گیاه آبگینه، ۱۱۹ | مارنه، ۹۹ | مرو بری، ۲۸۰ |
| گل کافشه، ۴۲ | گیاه عقرب (مصر)، ۱۹۴ | مازیون سفید، ۲۷۵ | مرو تلخ، ۲۸۰ |
| گل کاوشه (اصفهان)، ۲۱۰ | گیاهی آبگینه، ۱۱۹ | مازیون سیاه، ۴۶، ۱۲۸ | مرو جبلی، ۲۷۹ |
| گل کلم، ۲۵۵ | گیلاس، ۲۳۴ | مازن شیر (بخاری)، ۲۱۱ | مرو خوش، ۲۷۹ |
| گل کیدی، ۲۴۸ | گیل دارو، ۱۶۹ | مازو، ۱۵۴، ۲۱۱ | مرو دشتی، ۲۹۸ |
| گل گندم، ۱۰۷ | گیله نار، ۲۳۴ | مازوی ریزه دانه کوهی، ۱۷۵ | مرو رشک (شیراز)، ۲۸۰ |
| گل گندم (شیرازی)، ۱۰۷ | لادن، ۱۹۸، ۲۶۵ | ماش، ۵۸، ۱۳۷، ۲۷۵ | مروزشک، ۲۸۰ |
| گلگون (اصفهان)، ۹۶ | لادنه، ۲۶۵ | ماش دارو (شیراز)، ۲۶۱ | مروسرز (شیراز)، ۷۲ |
| گل مشکین، ۲۹۰ | لاک ساک، ۱۴۳ | ماش هندی، ۲۵۹ | مرو سفید، ۱۶۳، ۲۸۰ |
| گلنار، ۱۰۴ | لاله، ۱۸۸ | مامیشای سرخ، ۴۴ | مروه، ۵۶ |
| گلنار، ۲۳۴ | لاله سرنگون، ۲۶۶ | مامیران، ۱۴۲، ۱۶۱، ۲۷۶ | مرو همیشه بهار، ۲۷۹ |
| گلنار دشتی، ۱۰۴ | لاله نغمانی، ۲۶۶ | مانداروی تلخ (شیراز)، ۲۶۰ | مژو (اصفهان)، ۱۸۰ |
| گل نرمه (سجزی)، ۱۳۳ | لاور شیر، ۱۰۰ | ماهلو (شیرازی)، ۱۲۴ | مستار (زابل)، ۵۶ |
| گل هاشم (شیراز)، ۲۹۹ | لحوز (شیرازی)، ۲۸۶ | ماهلو (شیرازی)، ۱۲۴ | مست رو (شیراز)، ۲۷۵ |
| گلیم شوی، ۳۴، ۳۵، ۷۴ | لُخ، ۷۵ | ماهودانه، ۱۱۳، ۱۴۷، ۲۷۶ | مُست (زابل)، ۱۷۱ |

| | | | |
|-------------------------|---------------------------|--------------------------------|------------------------|
| مشت (شیراز)، ۲۷۵ | میرک کازرونی (شیراز)، ۱۱۷ | تُوک، ۲۹۰ | وزک (شیراز)، ۲۲۰ |
| مشک‌چوپان (فارس)، ۱۹۰ | می سیب، ۹۴ | تُوک (سجزی)، ۲۶۶ | وژ، ۲۹۳ |
| مشک‌داش (تنکابن)، ۱۹۰ | میشبهار، ۲۸۰ | نسترن گل، ۲۹۰ | وسمه، ۲۵۱ |
| مشک‌زمین، ۱۷۱ | میشناء (سیستان)، ۳۷ | نسرين، ۲۹۰ | وَشْفَنگ (سجزی)، ۸۳ |
| مشکک (شیراز)، ۱۹۴ | میعه‌تر، ۲۸۶ | نسرين زرد بری، ۲۹۴ | وشک، ۸۱ |
| مشکین‌جه (اصفهان)، ۲۹۰ | میعه خشک، ۲۸۶ | نسرين زرد بستانی، ۲۹۴ | وشک (اصفهان)، ۲۲۰ |
| مشنگ گاو، ۲۵۳ | میله‌کندی (خراسانی)، ۱۶۳ | نشاط افزا، ۲۴۵ | ول، ۲۵۵ |
| مشو (شیراز)، ۸۹ | میل (مازندران)، ۹۷ | نشک، ۲۰۷ | ون، ۸۱ |
| مغد، ۲۷۰ | میوه درخت سرو، ۱۷۰ | نِشَنگ (زابل)، ۱۸۳ | ونک (شیراز)، ۲۸۱ |
| مغیلان، ۶۲ | میوه کاکتج، ۲۰۶ | نعناع، ۲۹۰ | وَنُوشک، ۸۱ |
| مکرنه، ۹۹ | میویج، ۲۸۷ | نغن خوالان، ۲۸۹ | ونیره، ۸۱ |
| ملبند شدرک، ۸۲ | ناجو، ۱۹۶ | نقل خواجه، ۱۱۱ | وهل (شیراز)، ۲۰۸ |
| مَلَنج (زابل)، ۱۸۰ | نار، ۱۵۷، ۱۰۴ | نکریز (شیراز)، ۲۳۶ | وئی‌ایزه، ۲۱۰ |
| مُلک (خراسان)، ۱۰۴ | نارجیل دریائی، ۲۸۷ | نونند (شیراز)، ۱۱۶ | ویذویک (خوارزم)، ۲۸۶ |
| ملک (سجزی قدیم)، ۲۸۴ | نار فارس، ۲۸۸ | نوارس، ۲۳۳ | وَبُود (ترمذی)، ۲۶۰ |
| ملک طلخه، ۲۹۷ | نار قیصر، ۲۸۸ | نه کوهی، ۲۲۸ | وَبُودَه (بخاری)، ۲۶۰ |
| ملوخیه (بلخ)، ۲۸۴ | نارک، ۲۸۹ | نه‌نمک (ری)، ۱۴۸ | هدل، ۱۲۰ |
| منج (بلخ)، ۸۴ | نارکیوا، ۲۷۵ | نی، ۲۴۰ | هرداد (اصفهان)، ۱۱۸ |
| مَنج زَراوْشان، ۲۸۵ | نار مشک، ۱۵۸ | نیپال، ۲۴۰ | هردا (صفاهان)، ۱۱۸ |
| منره و شک، ۱۸۰ | نارِمشک، ۲۸۸ | نیشکر، ۲۴۱ | هرسه (شیراز)، ۲۶۶ |
| موجه (اصفهان)، ۲۴۵ | نارونه خرما (شیراز)، ۹۵ | نیلوپرک، ۲۹۲ | هرشه (شیراز)، ۲۶۶ |
| مورد، ۳۱، ۳۶ | نازبو، ۱۸۳ | نیلوفر، ۲۷۲، ۲۳۲ | هرطمان، ۲۳۷ |
| مورداسبرم، ۳۶ | ناز، ۱۹۶ | نیلوفر ترکی، ۸۰ | هرنوه، ۲۹۶ |
| مورداسپر، ۱۵۹ | نانخاه، ۲۸۹ | نیلوفر فارسی، ۸۰ | هَره، ۲۹۶ |
| مورداسفرم، ۳۶ | ناخواه، ۲۸۹ | نیلوفر هندی، ۵۶، ۶۸ | هریتکه (گیلان)، ۶۵ |
| موز، ۲۰۳ | نانکش (نیشابور)، ۸۱ | نی نه‌اوندی، ۲۴۰ | هزار بندک، ۲۱۰ |
| موژ (سجزی)، ۱۸۰ | نان کلاغ، ۱۲۹ | نی هندو (سجزی)، ۱۴۰ | هزارپا، ۲۹۰ |
| موسیر، ۴۸، ۹۸ | نبات‌ازاد، ۱۰۳ | وادرنک، ۴۰ | هزار جَسان، ۲۱۵ |
| موشان‌پیاز، ۴۹ | نجمه، ۹۹ | وارد شیران، ۲۸۰ | هزار چَسان، ۲۲۲ |
| موشک (اصفهان)، ۲۵۰ | نحیلک (مازندران)، ۱۲۹ | وتلخ، ۲۹۷ | هزار جشان، ۲۹۷ |
| مویزج عسلی (شیراز)، ۱۴۳ | نخود، ۱۲۴ | وجاثلق (کوهستان و لرستان)، ۱۰۳ | هزار سفید (شیراز)، ۱۱۶ |
| مویزک (شیراز)، ۲۸۷ | نخود الوندی (اصفهان)، ۱۶۱ | ورس، ۳۹ | هزار شاخه، ۲۲۲ |
| مویزک عسلی، ۱۴۳ | نخود دشتی، ۱۲۴ | ورق بارتنگ (شیراز)، ۲۶۹ | هزارفشان، ۲۲۲ |
| مهرگیا، ۳۰۰ | نخوشی (شیراز)، ۲۲۲ | ورق بنگو، ۷۸ | هزارکشان، ۲۲۲ |
| مهک (شیراز)، ۱۸۰ | نرسک، ۲۰۷ | وریژک، ۲۹۳ | هزارگشان، ۲۹۷ |
| میخک، ۲۳۸ | نرگس، ۲۹۰، ۶۷ | ورینه (تبریز)، ۹۶ | هزاره، ۱۰۴ |
| میردارون، ۲۸۰ | | وزد، ۲۱۳ | هشت دهان، ۱۳۶، ۲۹۷ |
| | | | هفت برج، ۲۷۵ |

- هفت برگ، ۲۷۵
 هفت بزج، ۲۷۵
 هفت پهلوی، ۲۶۹
 هفت زرده (شیراز)، ۲۹۰
 هلال (شیراز)، ۱۲۰
 هلال مشکک (شیراز)، ۱۲۰
 هلو، ۱۳۹
 هلیله، ۳۵، ۶۸، ۸۷، ۲۴۹
 هلیله زرد، ۶۸
 هلیله سیاه، ۶۸
 هلیله کابلی، ۶۸
 هلیله مویزک (شیراز)، ۶۸
 همیشه بهار، ۳۷
 هنجمک (ری)، ۲۴۵
 هنداوانه (تبریز)، ۸۲
 هندوانه، ۸۲
 هندوانه ابوجهل، ۱۲۶
 هوجویه، ۴۰
 هوره، ۲۶۰
 هیکل، ۲۲۶، ۲۲۷
 هیل، ۲۳۲
 هینگ (سجزی)، ۶۵
 یاس سفید، ۲۰۵
 یاسمین بری، ۲۰۵
 یاسمین سفید، ۱۵۲
 یریک، ۳۴
 یل شیرین (شیراز)، ۲۰۱
 یَلَم (سجزی)، ۲۱۰

۳ - نام‌های یونانی، لاتینی، رومی

| | | | |
|------------------------|-----------------------|-------------------------|-----------------------|
| آقوژون، ۱۶۵ | ابویناقس، ۱۰۰ | ادی دولی، ۲۶۰ | آزطَمِسا، ۲۴۷ |
| آبیوس، ۲۶۱ | ابوپاناقس، ۱۰۰ | اذررقوس (رومی)، ۵۲ | ارطمِسا (رومی)، ۷۷ |
| آذربو، ۳۴، ۱۷۱ | ابوخلسا، ۳۸، ۱۳۴ | اذرقیس (رومی)، ۵۲ | ارطوس (رومی)، ۲۶۹ |
| آذربوا، ۳۴ | ابوسمس، ۲۵۴ | اذفونیدیس (رومی)، ۱۴۸ | ارطیسیا، ۶۱ |
| آذربوی، ۳۴ | ابوغلصن، ۶۷ | اذفیوس (رومی)، ۱۴۸ | ارطیه‌ماسیا، ۷۶ |
| آذربویه، ۳۴ | ابوفاطریوس، ۵۴ | اذیارطون (رومی)، ۷۶ | ارقامسیس اریثوس، ۱۲۴ |
| آرمینس، ۴۵ | ابوفاطریوس (رومی)، ۵۴ | ارابشس، ۱۲۴ | ارفلس، ۱۸۲ |
| آطء، ۲۲۰ | ابوفایس، ۳۹ | ارابثوس، ۱۲۴ | ارفن، ۱۱۳ |
| آغئس، ۱۸۵ | ابوفسطن، ۳۹ | ارابنشس ایمارس، ۱۲۴ | ارقطوس، ۱۲۴ |
| آقطی، ۱۳۸ | ابوقانس، ۳۹، ۱۲۳ | ارامانیا، ۲۸۲ | ارقالیا، ۲۶۶ |
| آلسن، ۳۷ | ابوقاوس، ۳۹ | ارامونی، ۱۸۸ | ارقان، ۱۲۵ |
| آلوسن، ۲۸۰ | ابوقسطنطس، ۳۹ | ارب، ۲۷۳ | ارقطس، ۱۱۳ |
| آمی، ۲۸۹ | ابوقینوس، ۵۹ | ارباننش، ۱۲۴ | ارقوس، ۳۹ |
| آازئژذائن، ۲۳۰ | ابومارس، ۱۲۰ | اربسارم (فرنگی)، ۲۷۳ | ارقولس، ۳۹ |
| الوبیقواون، ۵۶ | ابونیطس، ۲۵۰ | اریصارن، ۲۷۳ | ارقونیدوس (رومی)، ۲۱۸ |
| ابابوس، ۳۳، ۲۲۳ | ایید، ۲۶۱ | اریقانن (رومی)، ۲۲۹ | ارقیسون، ۴۵ |
| اباخورس (رومی)، ۶۳ | اییدی (رومی)، ۲۶۱ | اربوطانون، ۱۲۱ | آزقیطون، ۴۵ |
| ابارس، ۱۰۵ | اییکه (لاتینی)، ۲۶۱ | ارییان، ۱۵۵ | ایومزردقطولوس (رومی)، |
| اباریقون، ۱۰۶ | اپوپاقس، ۱۰۰ | اریپانس، ۱۲۴ | ۱۷۹ |
| اباغلِس، ۶۳ | اثاریون، ۵۰ | ارییشوس، ۱۲۴ | ارمیتافن، ۲۸۲ |
| اباغورس (رومی)، ۶۳ | اثانقون، ۵۱ | ارتقش (لاتینی)، ۲۶۵ | ارمیتقون، ۲۴۰ |
| ابانس، ۳۳ | اثونبون، ۲۴۰ | ارتیک پریم (لاتینی)، ۶۵ | ارمنین، ۴۵ |
| ابانون، ۳۳ | اثونیطس، ۲۵۰ | ارتینوس، ۱۹۴ | آزمتین، ۴۵ |
| ابردیون، ۵۲ | اثویس، ۲۸۰ | ارثیوس، ۸۰ | ارموکی (رومی)، ۲۷۱ |
| ابرقیا (رومی)، ۴۸ | اجبلیه (رومی)، ۲۴۶ | ارجیقن، ۱۶۲ | ارمیناقن، ۲۸۲ |
| ابرنج، ۷۷ | آخیون، ۴۲ | ارخس، ۱۳۶ | ارمیناقون (رومی)، ۲۸۲ |
| ابرو، ۸۹ | اخردس، ۲۹۰ | ارخس طوماغن، ۱۳۶ | آزن، ۲۷۳ |
| ابروطائن، ۱۲۳ | آخزساج، ۴۲ | ارخیس، ۱۳۶ | آزن صاژن، ۲۷۳ |
| ابروطنیون (رومی)، ۱۹۳ | اخرسون، ۱۵۳ | إزْدَقْ‌ناقی، ۴۴ | ارنغلیسون (رومی)، ۲۶۹ |
| آبرون، ۳۷ | آخیروس، ۴۲ | ارزااردفناقی، ۴۴ | ارتقالس، ۲۶۹ |
| ابرویون، ۵۲ | اخینوس (رومی)، ۱۸۰ | ارسطالوخیا، ۱۶۰ | آزنوغلسن، ۲۶۹ |
| ابریامتی، ۱۱۳ | اخیون، ۲۵۲ | ارسطالوخیا، ۱۶۰ | ارنیوقرینوس، ۷۰ |
| ابریمون (رومی)، ۷۰ | ادرك، ۴۱ | ارسطولوخیا، ۱۶۰ | اروییموس، ۲۵۳ |
| ابلاطنوس، ۱۴۵ | ادرومیلن (رومی)، ۹۴ | ارطاماسیا، ۶۱، ۷۶ | اروس، ۲۰۸ |
| ابن سراپیون (رومی)، ۷۶ | ادمظوس (رومی)، ۲۶۴ | ارطاماسیا (رومی)، ۲۴۷ | اروسا، ۳۸ |
| ابنیس، ۱۱۳ | ادیانطن، ۲۵۷ | آزطَمَسا، ۲۴۷ | اروسیمن، ۹۶ |

| | | | |
|-----------------------|---------------------------|--------------------------|-----------------------|
| اروسیمون، ۱۸۹ | اسطراکه‌لیکه (فرنگی)، ۲۸۶ | اسقلا، ۴۹ | اطیا، ۲۲۰ |
| آرون، ۱۴۶ | اسطرخلو (رومی)، ۲۱۵ | اسکردا (رومی)، ۹۸ | اطیرنه، ۲۵۱ |
| اروناردش، ۱۰۵ | اسطرس، ۲۶۳ | اسکردیون (رومی)، ۹۸ | اطیطون، ۴۹ |
| اریزجیم (فرنگی)، ۲۳۶ | اسطروبیلیا (رومی)، ۱۹۶ | اسکی‌نان‌تو (فرنگی)، ۴۱ | اطیوس (رومی)، ۷۶ |
| اریزون (رومی)، ۴۴ | اسطروثیون (رومی)، ۲۶۳ | اسلوقوطیس (رومی)، ۴۹ | اظا، ۲۲۰ |
| اریغانون، ۱۹۵ | اسطوخودوس، ۴۷، ۱۱۹ | اسلیوس، ۱۷۴ | اعروعلیطوس (رومی)، |
| اریغانون (رومی)، ۲۲۹ | ۱۳۳، ۱۹۳، ۱۹۵ | آسماقوس (رومی)، ۱۳۵ | ۲۷۷ |
| اریقابوشا، ۲۰۲ | اسطوخودوس، ۱۰۳ | اسمیم باروم (فرنگی)، ۱۸۴ | اغاریقون، ۲۱۸ |
| ارینفس، ۲۲۷ | اسطوریقون (رومی)، ۲۴۴ | اسمیم (فرنگی)، ۱۸۴ | اغرانیون، ۲۸۱ |
| ازحمیون، ۲۵۶ | اشفاراغش بطراؤس، ۲۹۷ | اسمیم ماکنوم (فرنگی)، | اغرسطورون (رومی)، ۲۵۵ |
| اسارون، ۱۱۹، ۱۴۲، ۲۸۸ | اسفرینه (فرنگی)، ۲۰۹ | ۱۸۴ | اغرسطس، ۴۳، ۹۹ |
| اسارون (رومی)، ۴۶ | اسفکوخوس (رومی)، ۸۶ | اسوفس، ۱۶۵ | اغرسطیس، ۹۹ |
| اساطوس، ۲۹۲ | اسفلیا طیقوس، ۴۸ | اسیلیسقان (رومی)، ۱۰۶ | اغرسوذوطوس (رومی)، |
| آساطیس، ۲۹۲ | اسفلیس، ۴۹ | اشپرون (اندلس)، ۱۱۵ | ۲۵۵ |
| اساطیس اغریا، ۲۹۲ | إسقلیناس، ۴۸ | آشفاقش، ۴۸ | اغروسطوس (رومی)، ۴۴ |
| اسبالاقوس، ۱۰۹ | اسفودالوس، ۱۳۸ | اشلیه پاتم (فرنگی)، ۱۲۲ | اغرو سوقومیس (رومی)، |
| اسبالاتوس، ۱۴۱ | اسفودلوس، ۳۷ | اشلیه (فرنگی)، ۱۲۲ | ۲۳۳ |
| اسپنس (فرنگی)، ۴۸ | اشفودلوس، ۱۳۸ | اشپرون (اندلس)، ۱۱۶ | اغریا (رومی)، ۲۵۵ |
| استب (لاتینی)، ۲۶۴ | اسفومغری، ۱۰۵ | اصاقو (رومی)، ۲۸۲ | اغریمون، ۱۰۲ |
| آسنب (لاتینی-اندلس)، | اسفیراد اغویوس، ۲۳۳ | اصطفالینوس، ۱۰۳ | اغریوس، ۱۲۴ |
| ۲۶۵ | اسفیقوس (رومی)، ۲۶۲ | اصطفیذه (رومی)، ۲۱۴ | اغریوس (رومی)، ۱۲۶ |
| استراتیکو، ۴۸ | اسفیون الشوذه، ۷۸ | اصطفیقوس (رومی)، ۲۶۲ | اغرواطس، ۹۹ |
| استراطیقوس، ۵۴ | اسقال، ۴۹ | اصوفورون، ۲۷۱ | اغفورقون (رومی)، ۲۳۳ |
| اسطاری، ۹۳ | اسقردین، ۲۸۳ | اطا، ۲۲۰ | اغلبس، ۱۴۷ |
| اسطافالیقوس اغریوس، | اسقروامس، ۸۸ | آطراطیقوس، ۵۴ | اغلبص، ۱۴۷ |
| ۱۰۳ | اسقلیا طیقوس (رومی)، ۵۴ | اطرافعس، ۲۴۱ | اغلقندریا (رومی)، ۲۸۲ |
| اسطافالینوس اغریوس، | اسقلیطاس (رومی)، ۵۴ | اطراقولیس، ۲۱۰ | اغلبس، ۲۵۴ |
| ۱۰۳ | اسقندریون، ۹۸ | آطرقفسوس (رومی)، ۱۷۰ | اغلیطوس، ۲۲۲ |
| اسطافالینوس اغریوس، | اسقنوقراطیس (رومی)، ۴۹ | اطرقطوس، ۲۳۶ | اغنس، ۴۱ |
| ۱۴۸ | اسقوانس، ۷۸ | اطرقطولس، ۲۳۶ | اغنوس، ۴۱ |
| اسطافالیوس، ۱۰۳ | أسقوردیون، ۴۸ | اطروکیا (رومی)، ۳۵ | اغنوس (رومی)، ۴۱ |
| اسطافیدوس اغریا، ۲۸۷ | اسقوردیون، ۸۰، ۹۸، ۱۸۹ | اطریفلین، ۱۲۲ | اغنیس، ۴۰، ۴۱ |
| اسطاکیس (فرنگی)، ۲۷۹ | اسقورولوس، ۱۳۸ | اطریون، ۲۳۳ | اغوری، ۱۲۱ |
| اسطبخیس (رومی)، ۲۶۲ | أسقولوقندریون، ۴۹ | اطریون (رومی)، ۲۳۳ | اغیراطون، ۵۵ |
| أسطخودوس، ۴۷ | اسقیدولیون (رومی)، ۲۴۹ | اطزوخیوس، ۲۱۴ | اغیرس، ۱۰۹، ۱۲۷ |
| اسطراطیقوس، ۴۸، ۱۳۱ | اسقیرن، ۲۹۸ | اطفکسوس، ۲۴۱ | اغیرس، ۲۶۴ |
| اسطراطیقوس الصغری، | إسقل، ۴۹ | اطمیثا (رومی)، ۲۴۷ | اغیلفس، ۱۴۷ |
| ۱۰۵ | اسقیل، ۲۱۵ | اطمیسا، ۷۶ | افاتیس، ۲۲۳ |

| | | | |
|-------------------------|-------------------------|----------------------|--------------------------|
| افاریقون، ۲۹۸ | افیوسطافیلن (رومی)، ۲۵۰ | اکیروس، ۱۰۸ | الیکا (رومی)، ۲۲۰ |
| افامیرون، ۷۰، ۱۸۰ | اقرارو، ۲۵۶ | اگیراتون، ۵۵ | الیمون، ۲۸۴ |
| افیمون، ۵۵، ۱۴۱ | اكارون، ۲۹۳ | الابورش مألش، ۱۳۰ | آلینو، ۲۵۱ |
| آفتمون، ۵۵ | ااقالیس، ۵۷ | الاطینی، ۲۶۶ | الیون (رومی)، ۱۵۳ |
| آفریبون، ۵۵ | ااقالیس، ۲۰۲ | آلاطینی (رومی)، ۲۶۷ | آماریطن، ۶۱ |
| افریبون، ۱۶۳، ۲۲۴ | ااقایا، ۵۷، ۸۲ | الالسفاقس، ۲۶۸ | اماریطون، ۱۵۳ |
| آفستتین، ۵۵ | ااقالیفی، ۶۵ | البانونس، ۱۳۱ | اماریقون، ۱۰۶ |
| افستثون (رومی)، ۵۶ | اقتلقا (رومی)، ۷۵ | البروس، ۱۳۰ | امامون، ۱۲۴ |
| افطریون، ۱۷۳ | اقدینا، ۱۹۳ | البوزش لوقس، ۱۳۰ | امانیاقن، ۵۱ |
| افطیمس، ۳۰۰ | اقدی (رومی)، ۱۷۲ | البیسم (لاتینی)، ۲۳۰ | آمتریاریس، ۶۱ |
| افکرکسیس، ۲۴۱ | اقرانیقی، ۱۸۹ | الثا، ۱۲۹ | امبلوراسون (لاتینی)، ۲۵۳ |
| افلایوس (رومی)، ۶۵ | اقرسینی (رومی)، ۲۶۶ | الثا، ۱۳۶ | امبودیس، ۳۸ |
| افلیطون (رومی)، ۴۹ | اقریطون، ۲۴۸ | آلسن، ۱۳۳ | آندزبان، ۶۲ |
| افلیوکیون، ۲۴۱ | اقریطی، ۲۸۱ | الطیرون (رومی)، ۲۳۳ | امراطیون، ۲۶۲ |
| افثیون، ۵۸ | اقریون، ۲۵۴ | الغته (لاتینی)، ۲۹۵ | امراقون (رومی)، ۲۷۹ |
| آفنیقون، ۵۶ | اقسوس، ۱۴۳، ۱۶۲ | الفوثویا (رومی)، ۱۵۳ | امرقون (رومی)، ۷۰ |
| افنین بدونون (رومی)، ۵۵ | آقسون، ۵۸ | القباپن، ۲۴۹ | امروسیا، ۲۹۸ |
| افودوس (رومی)، ۱۲۶ | اقسیس، ۱۶۲ | القسینی، ۱۱۹ | امفلوراسیون (رومی)، ۲۵۲ |
| افوروس (رومی)، ۱۲۶ | اقسینی (رومی)، ۲۶۶ | آلقسینی، ۲۶۶ | إمقدال بیقرا، ۲۷۲ |
| آفوسالین، ۲۵۴ | اقسیوس، ۱۶۱ | القطرون (رومی)، ۲۶۴ | إمقدال غلوقیا، ۲۷۲ |
| إفوسالینون، ۲۵۴ | اقاطاقیس (رومی)، ۸۱ | القیس، ۲۶۶ | امونیاقن، ۲۹۵ |
| افوسالیون، ۲۳۵ | اقطرمتثوس (رومی)، ۸۱ | الکس، ۱۲۶ | امونیاقون (رومی)، ۵۱ |
| افوقونس، ۱۲۸ | اقلغوس (رومی)، ۲۵۵ | الکسینا (رومی)، ۲۶۶ | امونیقون (رومی)، ۵۱ |
| آفیمون، ۵۵ | اقلفی (رومی)، ۲۵۵ | إلکسینی، ۱۱۹ | امیانی، ۲۸۹ |
| افیثمون، ۱۹۵ | اقلیطی، ۱۷۸ | الکن (رومی)، ۲۳۹ | امیرباریس، ۶۱، ۲۷۱ |
| افیثمون لیتون، ۵۵ | اقتالوقی، ۷۱ | اللشی، ۶۰ | امی (رومی)، ۲۸۹ |
| افیغون، ۵۶ | اقتالوقین، ۷۱ | آلمو (لاتینی)، ۱۰۷ | امیرون (رومی)، ۷۰ |
| افیقرن، ۵۶ | اقتالوقی، ۷۲ | المیون، ۴۹ | امیغدالی (رومی)، ۲۷۱ |
| آفیقسطس، ۵۶ | اقورون، ۲۹۳ | آلتج، ۶۰ | امیولوفراس (رومی)، ۲۲۵ |
| افیقون، ۸۸ | اقوقوس (رومی)، ۸۱ | النیسون (رومی)، ۱۵۳ | امؤمن، ۱۲۴ |
| افیلون، ۵۶ | اقلواقان، ۱۲۲ | الواس (رومی)، ۲۱۶ | آناغالس، ۶۳ |
| افیمارن، ۷۰ | اقونیا، ۱۱۲ | الودین، ۲۶۰ | اناغلس، ۳۴ |
| افیمارون، ۱۰۸، ۱۷۹ | اقونیطن، ۱۲۸ | آلوسن، ۶۰ | آناغورس (رومی)، ۶۳ |
| افیمدیون، ۲۶۹ | ااقیقلونی (رومی)، ۲۴۰ | آلوسن، ۶۰ | اناغیرس، ۶۲ |
| افیمذیون، ۲۷۵ | ااقیالوقی، ۵۸ | آلوسون، ۶۰ | انانوس (رومی)، ۱۵۲ |
| آفیمدیون، ۵۷ | اقیرون (رومی)، ۲۹۳ | آلوین، ۶۰ | انبالس مالیا، ۲۲۲ |
| افینوس، ۱۶۸ | اکاکیا (فرنگی)، ۲۳۷ | الیا، ۱۳۶ | انبالفراشن، ۲۵۲ |
| آفیوس، ۵۷ | اکثیقوس، ۱۴۳ | الیسما، ۲۸۱ | انبریاریس، ۳۸، ۴۰، ۶۱ |

| | | | |
|-----------------------|------------------------|--------------------------|----------------------------|
| انبویاریس، ۳۸ | انکسینی، ۱۱۹ | اورمون (رومی)، ۱۰۲ | ایدسامیر، ۶۹ |
| انثامیس، ۶۴ | انگذاله (فرنگی)، ۲۷۱ | آوروپس، ۲۵۳ | ایدوصارون، ۲۶۹ |
| آنثلیس، ۶۴ | انتوس، ۲۶۱ | اورودیس (رومی)، ۲۳۰ | ایدیاسمن، ۱۱۳ |
| انثوس (رومی)، ۲۹۳ | انوخیلوس، ۱۵۵ | اوروسیمون (رومی)، ۱۷۶ | ایدیاسْمَن، ۲۹۰ |
| انثون (رومی)، ۱۸۴ | انوسما، ۴۳ | اوریز، ۴۴ | ایدیاسمین، ۱۱۳ |
| انجسا، ۳۸ | آنوْشَة (لاتینی)، ۱۷۱ | اوریزا، ۱۲۶ | آیندآریذا، ۶۹ |
| اندراسیون، ۲۶۲ | آنوپیلون، ۶۷ | اوریزوذینوس (رومی)، ۲۳۰ | ایدنطوس (رومی)، ۲۶۶ |
| اندرافکسیس، ۲۴۱ | آنوما، ۶۸ | اوریغاسن، ۱۹۵ | ایدوصارون، ۶۹ |
| اندرخانا (رومی)، ۸۲ | انومیا، ۱۸۸ | اوزمون (رومی)، ۱۰۲ | ایدون، ۴۶ |
| اندرخنا (رومی)، ۸۲ | انونکسا (رومی)، ۱۳۶ | اوزنس، ۲۵۳ | ایدونیارون، ۶۹ |
| اندرسامس، ۱۵۸ | انیسن (رومی)، ۶۷ | اوزونا، ۲۶۰ | ایدووسمون (رومی)، ۲۹۰ |
| آنْدَرْصارون، ۶۶ | انیسوم (رومی)، ۶۷ | اوسفدنون، ۲۴۹ | ایدیصارون، ۱۴۴ |
| اندرصارون، ۶۹ | آنِسیون (رومی)، ۶۷، ۷۸ | اوسفول (رومی)، ۱۶۵ | ایرسا، ۷۰، ۱۴۶، ۱۸۰، ۱۸۱ |
| انْدَرْوَأفْقُس، ۱۷۰ | ۱۵۲، ۱۵۳، ۲۶۲ | اوسفون (رومی)، ۱۶۵ | ایرصا، ۲۷۳ |
| اندروساقس، ۲۹۸ | انیطوا (لاتینی)، ۱۸۴ | اوسیرس، ۱۲۲ | ایرنجان، ۲۳۶ |
| اندروسامَن، ۲۹۸ | انیولیس، ۲۸۰ | اوسیمون، ۴۶ | ایرنجی، ۲۳۶ |
| اندروصارون، ۲۲۲ | انیولیون، ۲۵۴ | اوفاریقن، ۲۹۸ | آیرنی، ۲۷۳ |
| آنْدَرْوْطالِیس، ۶۶ | انیون، ۱۵۳ | اوفاریقون، ۲۹۸ | ایرینوقرینوس (رومی)، ۱۸۰ |
| اندیقا، ۲۹۷ | آنْیَة دغائه، ۱۱۹ | اوفیمونداس، ۶۸ | ایروفلون (رومی)، ۱۵۳ |
| انسون (رومی)، ۶۷ | آوافیوس، ۶۷ | اوقاس، ۳۹ | ایروقلیون (رومی)، ۱۷۴ |
| انسیتون (رومی)، ۵۶ | اوبانیس، ۵۷ | اوقانتوس، ۶۱ | ایریس، ۷۰ |
| انشعی، ۱۲۹ | اوبطوری (لاتینی)، ۲۱۹ | اوقلاوقا، ۵۹ | ایریفارون، ۷۰ |
| انطرقطولس، ۲۳۶ | اوبیانس، ۵۷ | اوقیمون، ۷۱ | ایریمورون (رومی)، ۱۸۰ |
| انطریون، ۶۶ | اوبیانیس، ۵۷ | اوقیمیداس، ۶۸ | ایرینون، ۷۰ |
| انطویا (رومی)، ۲۹۷ | اوئنا (رومی)، ۱۰۴ | اولسطیون، ۱۰۱ | ایزون، ۳۷ |
| انطوینا (لاتینی)، ۲۹۸ | اوئومیس (رومی)، ۲۷۵ | اولیاطیوم، ۲۵۵ | ایزیون (رومی)، ۳۷ |
| انطینس، ۱۲۲ | اوزدمون (رومی)، ۱۷۳ | اومومون، ۱۲۴ | ایزیفازن، ۷۰ |
| آنْغْزَا، ۶۶ | اوذی تغس (رومی)، ۲۴۳ | اومیطرون، ۲۴۶ | ایساطس، ۲۹۲ |
| انفالیوس (رومی)، ۷۰ | اوراسالیون، ۲۵۳ | اونطریثا، ۲۲۶ | ایسقوس، ۱۳۶ |
| انفسینی، ۱۱۹ | اوراسیمون (رومی)، ۲۹۰ | آوتیا، ۶۸ | ایصورین، ۱۱۳ |
| انفلوس (رومی)، ۲۵۵ | اورافلون (رومی)، ۱۵۳ | اونیاغائِه (لاتینی)، ۲۴۴ | ایفلوفوس (رومی)، ۲۵۰ |
| انفولوفا (رومی)، ۱۵۳ | اوردپاری، ۲۲۸ | ایارانوطابی، ۶۹ | ایفوریس (رومی)، ۱۵۱ |
| انقردیا (رومی)، ۸۵ | اوردقیون (رومی)، ۲۳۲ | ایسقوس (رومی)، ۲۸۴ | ایلرِسیا (رومی)، ۸۸ |
| انقوس، ۲۶۱ | اورزأ، ۴۴ | ایبولوبوس (رومی)، ۲۵۰ | ایلیوْطروبیون، ۲۰۴ |
| انتقلامی (رومی)، ۹۴ | اورسالتون، ۲۵۴ | ایئوسیس (رومی)، ۲۷۵ | ایلیوْطروبیون طوماغا، ۲۰۴ |
| انقیون (رومی)، ۱۸۴ | اورسیمون (رومی)، ۲۳۰ | ایشولیس، ۶۹ | ایلیوْطروبیون طومقرون، ۲۰۴ |
| انکالن (فرنگی)، ۶۳ | اورغیون (رومی)، ۵۰ | ایدراسیمون، ۱۱۳ | |
| انکسینس (رومی)، ۳۳ | اورمش، ۱۰۵ | | |

| | | | |
|---------------------------|-------------------------|-------------------------------|-------------------|
| ایمارانوطولی، ۷۰ | آرتقی، ۱۱۰ | أسطوخودوس، ۱۹۷ | إفومارژن، ۱۵۳ |
| ایمارس، ۹۳ | أرجه (لاتینی)، ۲۱۳ | أسطوخودس، ۴۷ | أفومارئون، ۱۵۲ |
| ایمارو قالاس، ۸۰ | أرخس، ۱۳۵ | أشقلینس، ۴۸ | أفیغژون، ۵۶ |
| ایهقان، ۱۰۲ | أرسطلوخیا، ۱۶۰ | أسقردین، ۹۸ | أفیقفطس، ۵۶ |
| أآقتس، ۱۱۴ | أرسطولوخیا، ۱۶۰ | أسقلیباس، ۴۸ | أفیثیون، ۵۶ |
| أارون، ۲۷۳ | أرطاماسیا، ۶۱ | أسقیرن، ۶۹ | أفیمارون، ۵۶ |
| أاقونیطن، ۱۲۸ | أرطاماشیا، ۷۷ | أسوفون، ۱۶۵ | أفیمارون، ۱۸۱ |
| أاقینس، ۲۲۵ | أرطریفیون، ۶۰ | أسیرون (اندلس)، ۱۱۶ | أفیمیزون، ۵۷ |
| أالیمون، ۲۴۲ | أرغامونی، ۱۳۸، ۱۸۸ | أشبطانه (لاتینی)، ۱۸۱ | أفیمیدیون، ۵۷ |
| أامومن، ۱۲۴ | أرغامونی أغریا، ۱۸۸ | أشقالیه (اندلس)، ۲۱۳ | أفیوس، ۵۷ |
| أامی، ۲۶۲ | أرقطیون، ۴۵ | أشقرزین، ۴۹، ۹۸ | أفاقالیس، ۴۰ |
| أانیسن، ۶۷ | أرقطیون آخر، ۴۵ | أشکالیه (لاتینی - اندلس)، ۲۱۳ | أفاقالیس، ۵۷ |
| أابائس، ۳۳ | أرقوش، ۲۰۸ | | أفاقیا، ۱۹۱ |
| أآذاریذا، ۶۴ | أزمین، ۴۵ | أشکیطله (لاتینی)، ۱۲۰ | أقالیقی، ۶۵ |
| أارن، ۲۷۳ | أرتقالس، ۲۶۹ | أصفوزن، ۵۴ | أفسوس، ۵۱، ۵۸ |
| أاریصارن، ۲۷۳ | أرنیثوس غالا، ۱۹۴ | أطاء، ۲۲۰ | أفسوس، ۱۴۳ |
| أاطا، ۱۳۶ | أروسیطیقون، ۱۷۱ | أطرقطولس، ۲۱۰ | أفسیا، ۵۸ |
| أآامونی، ۱۸۸ | أروسیمن، ۹۶ | أغافث، ۱۸۸ | أطلی، ۸۵، ۱۳۸ |
| أبروژدیا (رومی)، ۱۱۸ | أروسیمن، ۱۹۰ | أغرسطس، ۹۹ | أطلی، ۱۳۸ |
| أبروطنون، ۷۷ | أروسیمون، ۹۶ | أغرسطس، ۹۹ | أطتیون، ۹۰ |
| أبروطنون، ۲۴۷ | أریصارون، ۲۷۳ | أغرستطس، ۹۹ | أقتا، ۷۱ |
| أبوخلسا، ۳۸ | أریقارون، ۱۹۳ | أغتس، ۴۱ | أقتا أرابیقا، ۱۸۹ |
| أبوفایس، ۳۹ | أریقون شاطوریون، ۱۳۵ | أغیراطن، ۵۵ | أقتا آقینس، ۶۱ |
| أبوفایس، ۳۹ | أریقی، ۴۶ | أغیراطین، ۵۵ | أقتالوقی، ۵۸ |
| أبوسفطن، ۳۹ | أریقی، ۱۳۷ | أغیرس، ۵۵ | أقتالوقی، ۷۱ |
| أیوسفطن، ۳۹ | أسارون، ۴۶ | أغیرس، ۱۲۷ | أقتس، ۱۱۴ |
| أبومارئون، ۱۵۲ | أسارون، ۲۸۸ | أفارینی، ۸۶، ۱۱۸ | أقتون، ۵۸ |
| أیبله دطلباطه (اندلس)، ۳۷ | أساطس، ۱۱۳ | أفاقی، ۹۲ | أقیثا، ۷۱ |
| أجیلبس، ۱۴۷ | أساطس، ۲۱۱ | أفثیمون، ۲۵۸ | أقیمن، ۵۹ |
| أحیرش، ۴۲ | أساطس أغریا، ۱۱۳ | أفریبون، ۵۵ | أقینس، ۲۲۵ |
| أخلیوس، ۴۲ | أساطیس، ۲۹۲ | أفلاطینس، ۱۴۶ | أقینس، ۲۲۵ |
| أخلیوس سندریطس، ۱۴۶ | أساطیس أغریا، ۲۱۱ | أفملیس، ۱۶۲ | أکسورس، ۱۸۱ |
| أخلیوس سندریطس، ۱۷۹ | أسجل، ۴۶ | إفورس، ۵۰، ۱۵۱ | الآغریا، ۱۶۶ |
| أخیون، ۴۲ | أسطافالینوس أغریوس، ۱۰۳ | أفورس، ۱۵۱ | الافوسقن، ۱۵۶ |
| أرا، ۱۶۴، ۱۹۴ | | أفوسالینون، ۲۵۳ | الافوشقن، ۱۵۶ |
| أزباقه (لاتینی)، ۱۴۹ | أسطافاندیا أغریا، ۱۱۱ | أفوقون، ۴۲ | الانیون، ۱۵۳ |
| أزینش ایمازس، ۱۲۴ | أسطراطیقوس، ۴۷ | أفوقون، ۱۲۸ | الانیون، ۱۵۳ |
| أربیان، ۴۴ | أسطراطیوس، ۱۵۱ | أفولابائن، ۱۲۲ | الالینفاقس، ۶۰ |

| | | | |
|-----------------------------|-------------------------------|----------------------------------|-------------------------------|
| اَلْثَّاءُ، ۱۳۶ | اَنْدَرُ وَاَفَقْسُس، ۲۴۱ | اِثیویس، ۶۹ | بالانوس، ۱۰۷ |
| اَلْثَّاءُ، ۱۳۶ | اَنْدروسا، ۱۵۸ | اَیدایاریزا، ۶۹ | بالانوس (رومی)، ۲۵۰ |
| اَلْسِیْنِی، ۳۴ | اَنْدروسامُن، ۶۹ | اَیدوصارون، ۶۶ | بالسطیون، ۱۰۴ |
| اَلْقَسِیْنِی، ۱۱۹ | اَنْدروصاقس، ۶۶ | اَیدِیصارون، ۶۶ | بالسطیون، ۱۰۴ |
| اَلَلِیْقاقائِن (رومی)، ۲۱۵ | اَنْدَراسِیون، ۷۴ | اَیرَنجان، ۱۹۲ | باناقس (رومی)، ۱۰۰ |
| اَلوین، ۶۰ | اَنْطَرِیْتِن، ۶۷ | اَیرَنجی، ۱۹۱ | بَیْرَاطَه (لاتینی)، ۱۹۲، ۲۳۶ |
| اَلوَسَن، ۶۰ | اَنْطویا (رومی)، ۲۹۸ | اَیرنجی، ۲۳۶ | بیلیون، ۲۹۵ |
| اَلوَمُس، ۱۴۳ | اَنْغرا، ۶۶ | اَیریس، ۷۰، ۱۸۱ | بشروطوس، ۲۵۸ |
| اَلوُی، ۶۱ | اَنْقردیا (رومی)، ۶۷ | اَیریغان، ۷۰ | بدالیون (رومی)، ۲۸۳ |
| اَلوُی، ۱۹۵ | اَنِسون (رومی)، ۱۵۳ | اَنِسْقُس، ۱۶۵ | بدولیون (رومی)، ۲۸۳ |
| اَلِیْخَرِیْشون، ۶۱ | اَنِط (لاتینی)، ۱۸۴ | اَنِسْقَوامُس، ۸۸ | بدیلثون (رومی)، ۲۵۵ |
| اَمارنَطُن، ۶۱ | اَوَّال، ۲۱۹ | اَیفورس، ۵۰ | بذالیون (رومی)، ۲۸۳ |
| اَمارنَطُن، ۶۱ | اَواقثوس، ۶۷ | اَیفورس، ۱۵۱ | بَذلیون، ۲۸۳ |
| اَمْبَرَسِیا، ۷۷ | اَوْبَسْتِی، ۵۶ | اَیلیوطرویون، ۱۹۴ | برائی، ۳۹ |
| اَمْذریان، ۶۲ | اَوبقلصن، ۶۷ | اَیْلِیوطَرْوِیون طُومَقْرَن، ۹۵ | بَرائی، ۳۹ |
| اَمروسیا، ۶۱ | اَوبوطیلون، ۶۷ | اَیماروقالس، ۷۰ | بَراسِیوشْقَرْذِین، ۹۸ |
| اَملیس، ۶۳ | اَوْبَه فَنینَه (لاتینی)، ۲۱۵ | اَیماروقالس، ۱۶۴، ۱۸۱ | براسن وقافالوطن، ۸۰ |
| اَمیرباریس، ۱۲۰ | اَوْبِیْذَجی، ۸۳ | اَیْهَقان، ۱۰۲ | بَراسِین، ۲۲۴ |
| اَمیونیطس، ۱۱۹ | اَوْذَرُباباری، ۲۲۸ | بالیدونیقی، ۲۷۶ | براونیا، ۲۲۲ |
| اَناطیریا ارمالی، ۶۳ | اَوراسالینون، ۲۵۳ | باباری، ۴۶، ۷۰، ۱۴۲، ۲۲۷ | برباریس، ۳۵، ۵۸، ۶۱، ۱۶۳ |
| اَنَاغالیس، ۳۴ | اَورسیمون، ۴۶ | بابروس، ۷۵ | برشکَه (اندلس)، ۹۰ |
| اَنَاغرن، ۶۲ | اَوروینجی، ۲۰۱ | بابلص، ۲۹۵ | بَزْیُوْذِیَه (لاتینی)، ۷۹ |
| اَنَاغلس، ۲۳۱ | اَوروینجی، ۴۷، ۱۱۸ | بابیر، ۷۵ | برثانیون، ۵۷، ۵۸ |
| اَنَاغورس، ۱۳۲، ۲۱۶ | اَوریغانش، ۱۹۵ | بادلیون، ۲۸۳ | بردنمانمون، ۲۵۷ |
| اَنبالس لوقی، ۲۲۲ | اَوزِیْمَن، ۱۰۲ | بادیقون (سوریه)، ۶۵ | بردسیون، ۱۰۱ |
| اَنبالس مالیس، ۲۲۲ | اَوسانی (آفریقا)، ۲۶۹ | بارسطاریون، ۷۰، ۷۳ | بردیقیاس، ۱۱۹ |
| اَنبطرون، ۶۳ | اَوفِیْوشْقَرْذِین، ۹۸ | بارقیون، ۱۹۱ | برسانیون، ۱۲۱ |
| اَنْتِیْلِیْش، ۶۴ | اَوقِیْمَن، ۷۱ | باریسطاریون، ۱۵۶ | بَزْیُسْتَم (فاس)، ۱۶۰ |
| اَنْتامیس، ۷۰ | اَوکسجونس، ۵۰ | باسلیقا، ۱۰۶ | برسون، ۲۲۴ |
| اَنْتِیْلِیس، ۶۴ | اَوکسجونوس، ۵۰ | باسلیقون، ۲۸۹ | برسیا، ۲۶۶ |
| اَنْتِیْمُس، ۶۴ | اَولسطیون، ۱۰۱ | باطاسیطس، ۹۳ | بَزْیَسِیقا، ۱۳۹ |
| اَنْتِیمس، ۷۰ | اَولیرا، ۲۱۳ | باطالا، ۱۴۴ | برشِیقا (افرنجی)، ۴۰ |
| اَنْتِیون، ۱۸۴ | اَولیرا، ۲۶۳ | باطانیقی، ۱۵۵ | برشِیقا میلا، ۱۳۹ |
| اَنجشا، ۶۶ | اَونوسما، ۶۸ | باطراخیون (رومی)، ۲۵۳ | برطانیقی، ۶۰ |
| اَنخَسا، ۳۸ | اَونوما، ۴۳، ۶۸ | باطس، ۲۱۳ | بَزْطانیقی، ۷۶ |
| اَنخوسا، ۳۸ | اَونیاغاثَه (لاتینی)، ۱۸۵ | باطس، ۲۱۳ | بَزْطانیقی، ۷۶ |
| اَنْدَراسِیون (لاتینی)، ۶۶ | اَیارابوطانی، ۶۹ | باقولا، ۲۴۲ | برطانیقی (رومی)، ۲۳۹ |
| اَنْدَرخنی، ۸۳ | اَیارابوطانی، ۷۰ | باکسیان، ۸۲ | برطانیقی (لاتینی)، ۲۳۹ |

| | | | |
|-------------------------------|---------------------------|---------------------------------|-----------------------|
| برطوماش، ۴۶ | بسیلون، ۷۸ | بکریدیا (رومی)، ۲۹۷ | بَظادَقَطوُلُن، ۸۹ |
| برطینی (لاتینی)، ۲۵۹ | بشبوقة (اندلس)، ۱۳۸ | بکلورم (لاتینی)، ۲۶۸ | بَظاطوس، ۸۸ |
| برغال‌سالی (فرنگی)، ۸۳ | بَظَلْسَکَه (لاتینی)، ۱۰۶ | بلایس، ۸۰ | بَظافلُن، ۸۸ |
| بر (فرنگی)، ۲۵۳ | بشوریقون، ۲۲۷ | بلابیوس (رومی)، ۱۰۸ | بَظافلُن، ۸۸ |
| بَظَقَلی (لاتینی)، ۸۳ | بشیوما، ۹۶ | بَلاسنطور (فرنگی)، ۸۵ | بَظافلُن، ۸۸ |
| بَظکسوس، ۷۶ | بطارس، ۱۶۹ | بلاقه (لاتینی)، ۱۰۹ | بَظافلُن، ۱۵۲ |
| برکیره، ۴۷ | بَظالایا، ۱۴۴ | بلال، ۳۵ | بَظافلُن، ۲۵۹ |
| برکینه، ۴۷ | بطراخیون، ۲۵۴، ۲۵۰ | بَلايه، ۲۲۹ | بَظافلون، ۱۲۵، ۲۵۸ |
| بَظمس | بَظراخیون، ۲۵۰ | بَلايَه جَظبوَنَه (لاتینی)، ۲۸۱ | بَظاموَمُن، ۸۸ |
| بَظنجاسف، ۷۶ | بطراسالنون، ۲۵۳ | بلايه قَظرونه، ۵۹ | بَظاناَطی، ۸۸ |
| برنج اسف، ۷۶ | بطراسالینون، ۲۲۷، ۲۲۶ | بلباسی (رومی)، ۲۵۰ | بَظفلون، ۴۱ |
| برنجاسف، ۷۷ | بطراسالینون، ۲۲۶ | بَظِلسا، ۸۰ | بَظطیقا، ۱۵۴ |
| بَظرنجاسف (رومی)، ۷۷، ۱۹۰ | بطرس، ۶۱ | بَظِلس طویل، ۸۰ | بَظقراطیون، ۲۴۳ |
| برواونثلاسیون، ۲۰۰ | بَظرس، ۷۷ | بلیوس، ۸۰ | بنولیون، ۵۴ |
| برواه (رومی)، ۵۲ | بَظرس، ۱۹۰ | بَظبوس، ۸۵ | بوارس، ۲۸۱ |
| بروطوس (رومی)، ۲۵۷ | بطرسالی (فرنگی)، ۲۲۷ | بلبوسا، ۱۷۹ | بوئالمیوس، ۲۱۷ |
| بروق، ۱۳۸ | بطرسالینوس، ۲۵۴ | بَلطانس (فرنگی)، ۱۴۵ | بویلسمون (رومی)، ۸۶ |
| بروقیا، ۲۰۴ | بطرسالینون، ۲۵۳ | بَلطاون، ۸۴ | بویونیاون، ۱۸۹ |
| برومس، ۱۲۶ | بطرساموه، ۲۵۴ | بلغوثیون برمندار، ۲۱۰ | بوثلمون، ۹۰ |
| بَظرون، ۵۵ | بطرسلینون، ۲۵۴ | بلغیس، ۲۵۲ | بوذافانن، ۲۰۴ |
| برون، ۲۰۰ | بطرمیقی، ۱۷۲ | بلناس (رومی)، ۲۵۰ | بوراطاغزین، ۱۲۶ |
| برون (پرتغال)، ۲۶۲ | بَظَرَمِیقَی، ۲۱۶ | بَظلتاین (لاتینی)، ۲۶۹ | بوراطاغونس، ۳۹ |
| بَظرون ثالاسیون، ۲۰۰ | بَظَرِیون، ۲۳۳ | بلودقش، ۱۳۳ | بورکر (رومی)، ۱۳۷ |
| بروند (فرنگی)، ۲۴۰ | بطریون، ۲۹۲ | بلوس، ۲۰۲ | بوصیر، ۳۳ |
| برون (رومی)، ۳۹، ۱۳۰ | بطم، ۱۹۸ | بلوطی، ۸۷، ۱۴۴ | بوطاموغیطس، ۱۱۰ |
| بَظریون، ۱۹۲، ۵۲ | بطوس، ۱۹۰ | بَلوطی، ۸۷، ۱۷۹ | بوطاموغیطن، ۹۹ |
| بَظوئون (رومی)، ۳۹ | بطیالایا، ۲۹۰ | بلوغوناظن، ۸۷ | بوطنایه (اندلس)، ۲۲۲ |
| بسباث بلی‌کونیم (لاتینی)، ۲۱۰ | بَظطیخ (رومی)، ۸۱ | بَلوغوَنُن، ۲۱۰ | بوطنایه، ۹۰، ۲۲۲ |
| بسیاکه (فرنگی)، ۲۲۵ | بغلیس، ۲۵۲ | بَلوئین، ۱۰۳ | بوغلصن، ۲۵۲ |
| بسد، ۷۹ | بَظَقَلَمُن، ۲۱۷، ۹۱ | بَظلیطی، ۸۴ | بوغلصن، ۲۶۸ |
| بَسَد، ۷۹ | بَظقوفَرِظُن، ۸۲ | بَظترقه (رومی)، ۲۳۹ | بوغلوسن (رومی)، ۲۶۸ |
| بَسَد، ۱۴۰ | بقریس، ۲۹۸ | بَظتوقس اَظطا، ۳۴ | بوفاالمون، ۹۰ |
| بَسَد، ۷۹ | بقسیس، ۸۲ | بتومه (اندلس)، ۸۷ | بوقی، ۲۴۶ |
| بَسَد، ۷۹ | بقسین، ۸۲ | بتومه، ۱۵۷، ۱۵۰ | بوکسطیلان طریول رماکه |
| بَسَد، ۷۹ | بقسیون، ۸۲ | بَظاباطس، ۸۸ | (لاتینی)، ۱۲۵ |
| بسطاقیا، ۲۲۵ | بَظطانیون (رومی)، ۱۹۶ | بَظطایبطوس، ۸۹ | بولایبطس، ۱۰۵ |
| بَظطاقیا، ۲۲۵ | بقغاین، ۲۴۹ | بَظطادانیکا، ۱۴۴ | بولاقیطس، ۱۳۴ |
| | بقنوقومُن، ۸۵ | بَظطادَقَطوُلُن، ۸۸ | بولامنیون، ۹۰ |

| | | | |
|-----------------------------|-----------------------------|---------------------------|------------------------|
| بولامونیون، ۹۰ | پوروس (رومی)، ۱۲۶ | ثُمبِرا، ۱۹۵ | حماقسیس، ۱۱۱ |
| بولدین، ۲۸۱ | تاجیقطن، ۲۸۰ | ثوس، ۱۱۰ | خارقیاس، ۳۰۰ |
| بولوبودیون، ۷۹ | تاسلفی، ۱۱۵ | ثومالا، ۲۷۷ | خالاون مالس، ۵۱ |
| بولوبودیون، ۷۹ | تاکوب، ۵۵ | ثومالا، ۲۷۷ | خالدونیون، ۲۰۸ |
| بولودیون، ۱۵۷ | تالاسفیس، ۱۰۲ | ثومس، ۱۱۰ | خالیدونیون، ۱۲۷، ۲۰۸ |
| بولوزیون، ۷۹ | تالیسفیس، ۲۸۱ | ثومش، ۹۹ | خالیدونیون طوماغا، ۲۰۸ |
| بولوطریخون، ۷۵ | تاموک، ۶۷ | ثومش، ۱۱۰ | ۲۷۶، ۲۵۵ |
| بولوطوطریخون، ۷۶ | تترک، ۱۷۵ | ثیلوطارس، ۱۵۷ | خالیدونیون طومقرن، ۲۰۸ |
| بولوطونخون، ۷۶ | تخم، ۹۹ | جالقیسدس، ۲۲۳ | خالیدونیون طومقرن، ۲۷۶ |
| بولوغاناطن، ۲۵۲ | تخمه، ۹۹ | جانوری، ۱۰۷ | خاماقطی، ۱۳۸، ۱۵۷ |
| بولوغانطن، ۹۰ | تَرَمَیْ ایمازوس، ۹۳ | جَرُوذا، ۲۹۴ | خاما آقطی، ۱۳۸ |
| بولوغنن، ۹۰ | تَکْطِیْسْت، ۲۰۵ | جسمی، ۱۱۸ | خامادریوس، ۸۶، ۸۷، ۲۶۰ |
| بولوقنیمن، ۹۰ | تلاسفین، ۱۱۶ | چطره، ۱۲۲ | خامادزیون، ۸۷، ۲۶۰ |
| بولوقنیمن، ۲۵۲ | تلاشفین، ۱۱۵ | جطریا، ۴۰ | خامادفنی، ۱۴۵، ۱۵۹ |
| بولیطریخو، ۷۶ | تُلسَفی، ۱۱۵ | جَقوطَه (لاتینی)، ۱۹۱ | خامادافنی، ۱۴۹ |
| بونیا، ۱۸۹ | تلسفی، ۱۱۶ | جلب (انگلیسی)، ۱۰۴ | خاماسوقی، ۱۲۷ |
| بونیاون، ۱۸۹ | تنبایس، ۲۶۶ | جلوقوریزون، ۱۸۰ | خامافیطس، ۲۶۱ |
| بونیکا، ۱۵۷ | تنزیک، ۱۷۵ | جَنَت قابطه، ۱۹۲ | خامافیطس، ۲۶۱ |
| بونون، ۹۰ | توانیقی (رومی)، ۱۱۲ | جَنَت قابطه (لاتینی)، ۲۳۶ | خاماقسیس، ۱۲۸ |
| بونون، ۹۰ | توتاملون (رومی)، ۳۰۰ | جنتوریه (رومی)، ۲۴۵ | خامالا، ۲۷۵ |
| بهرامج (رومی)، ۱۳۷ | توجردره (مغرب)، ۸۲ | جَنجِیْدیون، ۱۰۳ | خامالآ، ۲۷۵ |
| بیای درازاتیم (لاتینی)، ۱۸۸ | توزانکون ناریه (فرنگی)، ۱۱۱ | جنخلیدس، ۱۸۹ | خامالان اونمالس، ۵۱ |
| بیپوریس، ۲۷۷ | توفته (رومی)، ۵۲ | جَنطِیانا، ۱۰۶ | خامالان لوفش، ۵۱ |
| پیرون، ۱۴۵ | تومس، ۱۱۰ | جَنطِیانا، ۱۰۶ | خامالان مالس، ۴۷ |
| بیشاک میسور (فرنگی)، ۲۶۹ | تیزغا (فاس)، ۲۱۹ | جَنطِیانا، ۲۵۸ | خامالان مالش، ۵۱ |
| بیشاک مینور (فرنگی)، ۲۶۹ | تی سملیل، ۲۰۹ | جَنطِیانا (رومی)، ۱۰۶ | خامالان مالیس، ۵۱ |
| بیطویداس، ۱۹۷ | تیطرانگورن (رومی)، ۲۳۴ | جنطیانه (رومی)، ۱۲۶ | خامالاون، ۴۶، ۱۲۸ |
| بیطویداس، ۱۹۷ | ثالاسطون، ۱۵۸ | جوده (فرنگی)، ۲۶۱ | خامالاون لوقس، ۵۱ |
| بیغانس، ۱۶۸ | ثبوریدوس، ۲۲۸ | جَوَلَه (لاتینی)، ۲۱۱ | خامالاون لوقس، ۵۱ |
| بیغانن، ۱۱۶ | ثَرثوقس ایماروس، ۱۳۳ | جیسو (فرنگی)، ۹۲ | خامالاون مالس، ۴۶، ۱۲۸ |
| بیقرون (رومی)، ۵۶ | ثرودوقس ایمارس، ۱۳۳ | حاقطی، ۱۱۰ | خامالاون مالس، ۵۱ |
| بیلطس، ۱۱۹ | ثغره، ۲۵۶ | حاماقسیس، ۱۱۱ | خامالآ، ۱۲۸، ۲۷۵ |
| بیلئو (لاتینی)، ۹۱ | ثقولس، ۲۹۷ | حامافیطوس، ۲۶۱ | خامالوقی، ۱۲۸ |
| بیلیون، ۱۲۱ | ثلاسفی، ۱۱۵ | حجاکیوس، ۲۰۹ | خامالوقی، ۲۱۸ |
| بیلئو (لاتینی)، ۲۱۷ | ثلس، ۲۴۰ | حسمی، ۱۱۸ | خامالیون، ۴۷، ۱۲۸ |
| پاناقس، ۱۰۰ | ثلسفی، ۱۳۱ | حفوظ (لاتینی)، ۱۹۱ | خامامیلن، ۱۲۸ |
| پَم (فرنگی)، ۱۸۹ | ثمارون، ۲۰۸ | حلوسطقاقیل، ۱۹۶ | خامانیطس، ۲۶۱ |
| | | حلیلوطن (رومی)، ۲۲۲ | خاملاون مالس، ۲۲۵ |

| | | | |
|-----------------------|-----------------------|-----------------------------|----------------------------------|
| خامون، ۲۶۲ | دراقینی، ۱۳۹ | دوقس، ۲۹۲ | رودا ایدا، ۱۵۷ |
| خاولنجان، ۱۳۹ | دریقا (رومی)، ۷۱ | دُوقو، ۱۴۸ | رودیاریزا، ۱۵۹ |
| خروسوقومی، ۱۵۱ | دَرَس، ۸۶ | دوقو اغریا، ۱۴۸ | رُودا، ۲۹۴ |
| خطمی، ۱۳۶ | درقنطیون، ۱۴۶ | دیامنطیس، ۲۶۴ | رُودا اَریذا، ۱۵۹ |
| خلبانی، ۷۲ | درقیانا، ۳۰۰ | دیامیرون، ۹۵ | رُودا اَیذا، ۱۵۸ |
| خَلبانی، ۲۴۶، ۷۲ | دَرَوِیْطارس، ۱۴۴ | دیسیاقوس، ۱۴۸، ۱۳۳ | روذوس (رومی)، ۱۵۷ |
| خلدانیون، ۲۰۸ | دَرُویْطازَس، ۱۴۴ | دییناقوس، ۱۴۸ | روس (رومی)، ۲۱۳ |
| خلوانی (رومی)، ۷۲ | دَرُوفینوس، ۱۴۴ | دیدرون اسایا (رومی)، ۲۵۵ | رومیرو رومینیو (رومی)، ۵۹ |
| خمداریوس، ۲۶۰ | دروقی، ۲۴۹ | دیقپمینیون (رومی)، ۲۸۱ | رویذون (رومی)، ۱۵۷ |
| خمدافنی، ۲۷۵ | دَرُوفِیْون، ۱۴۴ | دیقورس، ۲۳۵ | رویذین (رومی)، ۱۵۷ |
| خمالاژن، ۲۷۵ | دروقیون، ۱۴۴، ۱۴۷ | دیینساقوس، ۱۴۸ | رُؤوس اُو (أبی) اُطا اُؤنسا، ۱۷۵ |
| خَمامیلَن، ۶۴ | دروقیونون، ۱۴۴ | ذافنی، ۱۴۹ | زآ، ۲۱۳ |
| خمایملن، ۷۰ | درویطارس، ۵۲ | ذافنی، ۲۱۸ | زآء، ۲۱۳ |
| خندروس، ۱۳۹ | دریقنون، ۲۴۹ | ذافنیدس، ۱۴۹ | زبان لباسا (رومی)، ۸۶ |
| خندروش، ۱۳۹ | دریولطاس (رومی)، ۲۶۳ | ذافنیدس، ۱۴۹ | زتنکل (فرنگی)، ۲۵۰ |
| خندریل، ۲۹۷ | دسقس، ۱۳۳ | ذاقنیداس، ۱۴۹ | زُزغد (انطالیا)، ۲۴۸ |
| خندریلی، ۱۳۹، ۲۱۲ | دفعوس، ۱۰۳ | ذاقنی، ۲۱۸، ۱۴۹ | زُغیباری، ۱۶۴ |
| ۲۹۸، ۳۰۰ | دفعین (رومی)، ۱۰۳ | ذاقنی الاسکندری، ۱۴۹ | زیزوفی، ۲۱۴ |
| خَندریلی، ۲۹۸ | دقنیداس، ۱۵۹ | ذاقنیداس، ۱۴۹ | سارس، ۲۹۸ |
| خندوس، ۱۳۹ | دقیقه، ۱۰۳ | ذروفینون، ۱۵۰ | ساریفون، ۱۹۳، ۵۶ |
| خَیری، ۱۴۰ | دفیون (رومی)، ۲۲۳ | رآء، ۱۵۴ | ساریقون، ۱۹۳ |
| دارقنوطون، ۱۴۲ | دَقَسِیْطُس، ۹۵ | رابانس اُزغریا، ۵۷ | سازساحوره، ۲۱۳ |
| دافنی، ۱۴۵، ۱۵۹ | دقتابانون (رومی)، ۲۸۱ | رافانوس، ۲۲۴ | ساسالی، ۱۸۱ |
| دبسیاقوس، ۱۴۸ | دقپامیون (رومی)، ۲۸۱ | رامئس، ۲۱۷ | ساسالیوس، ۱۸۲ |
| دبسیاقوس، ۱۴۹ | دَقَطْمَنَن، ۲۸۱ | رای مُنت، ۷۵ | ساسالیون، ۱۸۲ |
| درابی، ۱۱۵، ۱۱۶ | دقطنن (رومی)، ۲۸۱ | رائی مُنت، ۱۶۰ | ساسلیون، ۱۸۱ |
| درافس، ۱۳۹ | ذَلْبُوث، ۱۴۴، ۱۴۶ | ردین، ۲۶۰ | ساتریوس، ۱۰۱ |
| درافیون، ۲۷۳ | دلپوس، ۱۴۶ | رسماریتا (رومی)، ۲۳۹ | ساتریون، ۱۳۵ |
| دراقنطی، ۲۵۱ | دماسونینون، ۲۸۱ | رفالس (فرنگی)، ۲۲۳ | ساتریه، ۱۳۵ |
| دُراقِن، ۱۳۹ | دمسقینی (رومی)، ۴۱ | رفانی (رومی)، ۲۲۳ | ساتوریون، ۱۳۵ |
| دراقن (شام)، ۱۳۹ | دواغریا، ۱۴۷ | رفینون (رومی)، ۲۲۳ | ساتیورین، ۱۳۵ |
| ذراقنطیون، ۲۳۱ | دَواِیا اُغریا، ۱۴۷ | رُقَعَة الصخری (اندلس)، ۱۵۷ | سالتین اغریون، ۲۵۰ |
| ذراقنطیون، ۲۷۳ | دواِیا اغریا، ۱۴۸ | رنف (رومی)، ۱۳۷ | سالس اغریون، ۲۵۰ |
| ذراقنطیون، ۲۷۳ | دودزلوس، ۲۳۰ | رواس، ۱۸۸، ۱۳۴ | سالیونس قیفاژن، ۲۵۴ |
| دراقنوسقردیون، ۸۰، ۹۸ | دودسطاروس، ۱۴۴ | رویاس، ۱۸۹ | سالیون ایمارش، ۲۵۴ |
| دراقونطیون، ۲۷۳ | دورقنطون (رومی)، ۲۳۰ | رویپه (فرنگی)، ۲۳۰ | سالیون ریفان، ۲۵۴ |
| دراقیطن، ۲۷۳ | دوقس، ۱۱۸ | | |
| دراقیطنون، ۲۳۰، ۲۷۳ | دُوقس، ۱۴۸ | | |

| | | | |
|----------------------------|----------------------------|---------------------------|-------------------------|
| سالمون قیفون، ۲۵۳ | سطراپیوس ماریوس، ۱۱۰ | سقر دیون براسن، ۸۰ | سمیلُفس، ۱۹۰ |
| سالیون، ۲۵۳ | سطراپیوطس، ۱۷۱، ۲۸۰ | سَقْلَیاس، ۲۴۵ | سمیلُفس، ۲۰۰ |
| سامون، ۸۶ | سَطْرَاطیوطس، ۱۷۱ | سقلیاس، ۲۴۵ | سمیلُفس، ۲۷۱ |
| سایر (رومی)، ۲۱۳ | سطرخنوس، ۲۴۹ | سقوس، ۱۲۶ | سمیلُفس، ۲۷۱ |
| سبیره (اندلس - لاتین)، ۱۸۵ | سَطْرُویلو، ۱۹۷ | سَقُوفَندریون، ۱۵۷ | سنبریون، ۱۱۶ |
| سپارک (فرنگی)، ۲۹۷ | سَطْرُوتیون، ۱۷۱، ۲۰۷، ۲۶۳ | سَقوقتریون، ۴۹ | سنبل اقلیطی، ۱۷۸ |
| سَنخادِس، ۴۷ | سَطْرُوخنس، ۲۴۹ | سَقولوفندرو، ۱۱۹ | سندریطس، ۱۱۴ |
| ستوخس (رومی)، ۴۷ | سَطْرُوخنس فنجوش، ۲۴۹ | سَقولوفندریا، ۴۹ | سَنَدَریطس، ۱۷۸ |
| سجومیس، ۴۳ | سَطْرُوخَن البستانی، ۲۱۵ | سَقُوفَنَدَریون، ۴۸ | سَنَدَریطس، ۱۷۸ |
| سَخس، ۴۳ | سَطْرُوخنس، ۲۴۹ | سَقولوفندریون، ۱۱۹، ۴۹ | سندریطس آخر، ۱۷۹ |
| سَخوزیون، ۱۷۳ | سَطْرُومیون، ۱۷۱ | سَقولوفندریون، ۲۷۱ | سَنَدَریطس آخر، ۲۵۷ |
| سَخوُتس لَیّا، ۱۷۵، ۵۰ | سَطْرُونیون، ۱۷۱ | سَقولوقندریون، ۴۹ | سندریون (رومی)، ۹۳ |
| سَخیس، ۴۳ | سطوبی، ۴۶ | سَقولومس، ۱۱۴ | سنلتجی (لاتینی)، ۲۹۴ |
| سَخینس، ۲۸۲ | سطوسا، ۱۸۴ | سَقولومس، ۱۱۴ | سنو، ۱۹۲ |
| سَخیئُتوس، ۴۳ | سعب، ۱۶۹ | سَقولوموا، ۱۱۴ | سوسان فوسوخیوس، ۴۸ |
| سَخینوس، ۲۸۲ | سغابینون، ۱۷۳ | سَقونِیون، ۱۹۱ | سوسنین (رومی)، ۱۸۰ |
| سَخیونس، ۴۳ | سَفادیگس، ۱۷۲ | سَقیلا، ۴۹ | سوکی فینون (رومی)، ۲۳۳ |
| سَخیونس الأجامی، ۵۰ | سفارغانیون، ۲۰۷ | سککن، ۳۰۰ | سولان، ۱۸۱ |
| سرابیون، ۴۶ | سَقْدُولیون، ۲۵۹ | سلاطم (لاتینی)، ۲۱۴ | سولجان، ۵۳ |
| سربن طین (فرنگی)، ۲۷۳ | سفرطس، ۱۳۴ | سلدهری (لاتینی)، ۲۵۳ | سوناخیوس، ۴۸ |
| سَرَفَعَلین (رومی)، ۶۶ | سَفَرْغانیون، ۱۸۱ | سلری (فرنگی)، ۲۵۳ | سیدریطس آخر، ۱۷۹ |
| سرونمارون، ۲۰۸ | سفلاریقون، ۲۴۳ | سلفیون، ۶۵ | سیسارون، ۲۵۲، ۲۵۴ |
| سَرینه (رومی)، ۲۰۹ | سفلیون، ۴۹ | سِلَفیون، ۶۵ | سیساریون، ۱۸۱ |
| سسالیوس ابونیقون، ۱۵۵ | سفندولیون، ۲۰۴ | سلفیون، ۶۵ | سیسالوش، ۶۵ |
| سسالیون، ۲۴۸ | سفوذلوس، ۱۳۸ | سلینون، ۲۳۵ | سیسالیوس، ۱۶۷ |
| سَسالیون (رومی)، ۶۵ | سفوس (لاتینی)، ۱۲۹ | سمرنا، ۲۷۷ | سیسالیون، ۱۸۱ |
| سُشرم، ۱۸۲ | سَفیدلیون، ۱۷۲ | سمرنیون، ۲۵۴ | سیسالیون، ۲۴۸ |
| سَطّاخیس، ۱۷۱، ۲۳۱ | سَقازْطاغانیون، ۱۸۱ | سَمُرْنیون، ۲۵۴ | سِیْسَانمَن، ۱۷۶ |
| ۲۳۲، ۲۸۰، ۲۹۵ | سقاون (رومی)، ۴۱ | سمرنیون، ۲۵۴ | سیسامون (رومی)، ۱۷۶ |
| سَطّاخِیْس، ۱۷۱ | سَقرابیداس، ۲۰۴ | سمسخون، ۲۷۹ | سیسامویداس الکبیر، ۱۰۱ |
| سَطّاریون، ۱۷۱ | سَقرابویداس، ۱۵۱ | سَمَسَق (رومی)، ۲۷۹ | سیسنبرون، ۱۱۶، ۲۵۴ |
| سَطّاریون، ۲۶۹ | سَقراطیون، ۲۴۳ | سَمَقُوطْ آخر، ۱۷۶ | سیسنبرون، ۱۸۲ |
| سَطّاغونس، ۲۶۶ | سَقراغانیون، ۱۴۶ | سَمَقُوطْن بَطْرَاون، ۱۷۶ | سیسنبریونی اقوانته، ۱۱۶ |
| سَطّالیون، ۲۸۰ | سَقربیون، ۲۰۴، ۲۰۲ | سَمَقُوطْن آخر، ۱۷۶ | سیسنبریون، ۱۸۲ |
| سَطّانِق، ۱۲۶ | سَقردونواس، ۸۰ | سَمَقُوطْن بطرا، ۲۷۴ | سیسنبرُوتون، ۲۳۵ |
| سَطّانیون، ۲۱۹ | سَقردین، ۹۸ | سَمَقُوطْن، ۱۷۶ | سیطرمنون، ۳۴ |
| سطراپیوس، ۱۷۱، ۲۶۹ | سَقردین، ۲۸۳ | سمون، ۸۶ | سیفایطوس، ۳۳ |
| | | سمیقلس، ۱۷۶ | سیفروس (رومی)، ۲۶۳ |

| | | | |
|------------------------------|---------------------------------|----------------------------|-----------------------------|
| سببنا، ۹۶ | ششپاز (رومی)، ۲۲۲ | طابلیدیون (رومی)، ۱۸۳ | طَرْمَشْش، ۸۱ |
| سیقاموری، ۱۰۵ | ششتره، ۲۶۲ | طارطقة (اندلس)، ۲۷۶ | طَرْمَسُول (اندلس)، ۹۵ |
| سیفس ایماروس، ۲۳۳ | شَطْرِيَة (لاتینی - اندلس)، ۱۹۵ | طارطْلَه (لاتینی)، ۲۷۶ | طرویلیوس، ۱۱۸ |
| سیقوس اغریوس، ۱۲۶ | شطی رکس، ۵۳ | طالسفر، ۱۹۹ | طرویلِس، ۱۱۸ |
| سیقوس پبقرا، ۱۲۶ | شَقْرُذِين، ۹۸ | طالون (رومی)، ۳۵ | طُرویلْش، ۱۱۸ |
| سیقوموروس، ۱۵۷ | شقواصة (رومی)، ۴۶ | طباط، ۲۱۰ | طروین، ۲۴۸ |
| سیقوموری، ۱۰۵ | شقوشینا، ۲۳۳ | طَبَّاق (لاتینی اندلس)، ۷۷ | طریله، ۲۹۱ |
| سیلن، ۲۵۴ | شکونیا (رومی)، ۵۵ | طبق، ۱۷۳ | طریخومانس، ۱۸۷، ۲۰۳ |
| سیلنا (رومی)، ۲۵۳ | شلباش (لاتینی)، ۲۱۸ | طَخْش (لاتینی)، ۱۹۰ | طریلدیون، ۲۴۸ |
| سیلهین، ۲۷۱ | شلسفین، ۱۰۶ | طرابشیوس (رومی)، ۸۱ | طریفِل (اندلس)، ۲۰۳ |
| سین، ۱۸۲ | شمار (رومی)، ۱۵۲ | طرابنیثوس (رومی)، ۸۱ | طریفلم اورانم (لاتینی)، ۱۲۵ |
| سینی، ۱۳۰ | شمرنا، ۲۷۷ | طراخیس، ۱۲۶، ۱۷۳ | طریفِلن، ۱۲۵، ۱۳۵، ۲۹۱ |
| سینون، ۲۲۰ | شَمِثْ مورِس (لاتینی)، ۱۹۲ | طراغافینا، ۲۵۱ | طریفْلُن، ۲۰۳ |
| سیو (فرنگی)، ۱۸۲ | شَمِثْ مورِس (لاتینی)، ۱۹۲ | طراغاقانی، ۲۵۱ | طریفْلُن، ۲۰۳ |
| سیون (رومی)، ۲۳۵ | شَتَالَه (لاتینی)، ۶۳ | طراغاقثا، ۲۵۱ | طریفْلُن، ۲۰۳ |
| شاتِ ردجه، ۲۷۹ | شتله (اندلس)، ۶۲ | طراغاقثا، ۲۵۱ | طریفلون، ۱۵۵ |
| شاطرج، ۱۹۳ | شَنکار، ۳۸ | طراغوبوغن، ۲۰۱ | طریفوس (رومی)، ۱۶۷ |
| شاطوریون، ۱۳۵ | شنون، ۱۹۲ | طراغوثن، ۲۰۱ | طریفولون، ۱۲۵ |
| شاکهبانته (لاتینی)، ۱۷۳ | شوصرا، ۲۴۷ | طراغوریغاس (رومی)، ۲۲۹ | طریفولون (رومی)، ۱۱۸ |
| شالبین اغریون، ۲۵۰ | شیریون، ۱۴۵ | طراغوس، ۲۰۱ | طریفولین، ۱۰۷ |
| شالْبِه (لاتینی)، ۶۰ | شیلرو، ۱۵۷ | طراغون سقریون، ۲۰۱ | طریفولیون، ۹۳، ۱۵۲، ۲۰۳ |
| شالْبِه (لاتینی)، ۲۶۸ | شیون (رومی)، ۵۵ | طراغیس، ۱۷۴ | طریفولیون، ۹۳ |
| شالْبِه، ۴۸ | شاغابینن، ۱۷۳ | طراغین، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۸۲ | طریفولیون، ۶۰ |
| شاهسبرم (رومی)، ۵۹ | صَرْقُوقْلا، ۶۶ | طراغیون، ۱۸۶ | طریفولُن، ۱۶۲ |
| شبکه (فرنگی)، ۱۹۱ | صرقوقولا (رومی)، ۶۶ | طراغیون، ۲۰۱ | طریفولیون، ۲۰۳ |
| شبوکه (لاتینی)، ۱۳۸ | صریس، ۲۷۳ | طراغیون آخر، ۲۰۲ | طریفولون، ۲۵۷ |
| شَبُوقَة (رومی)، ۱۳۸ | صَطَقْطی، ۲۸۶ | طرافلون، ۲۰۴ | طریون (رومی)، ۹۳ |
| شَبِیْطَه (لاتینی)، ۱۷۶ | صعتروس، ۱۹۵ | طراقافیا، ۲۵۱ | ططریوغنون (رومی)، ۲۹۴ |
| شبیطة (لاتینی - اندلس)، ۱۷۶ | صمصوخن، ۱۱۳ | طرامنیثوس (رومی)، ۸۱ | طفسقویون، ۱۹۱ |
| شجر اوسیتا، ۱۹۳ | ضمصوخن، ۲۷۹ | طرخشوق، ۲۹۸ | طفیقوس، ۱۹۱ |
| شجرة الجلنیت، ۶۵ | صنجیس، ۴۸ | طَرْمُذِلْش، ۱۸۲ | طلافیون، ۳۷ |
| شَخْفراغه (لاتینی)، ۲۴۳ | صَنخیس، ۲۹۶ | طرغولیطوس (رومی)، ۲۷۸ | طوره شول، ۹۵ |
| شرالیه آششش، ۳۰۱ | صَنخیس، ۲۹۶ | طَرْمُزْیُدُس، ۲۰۲ | طورنه ماطیزس، ۲۸۳ |
| شرالیه (لاتینی - اندلس)، ۲۹۸ | صنفور، ۲۷۱ | طَرْمُفولُس، ۲۰۳ | طوطاق غریون، ۱۲۳ |
| شرالیه الحمار (اندلس)، ۲۹۸ | صیصاموغریون، ۱۳۳ | طریفلون، ۶۰ | طوطولون (رومی)، ۱۷۴ |
| شریائش (لاتینی)، ۲۱۸ | صیکه (رومی)، ۹۶ | طریفوس، ۱۶۰ | طُوطُن، ۱۷۴ |
| | ضیموطوس، ۲۳۰ | طركسیمى (رومی)، ۲۹۷ | طوفریوس، ۲۰۴ |

| | | | |
|------------------------------|----------------------------|---------------------------|--------------------------|
| طوفسس، ۴۳ | غلوقیریزا، ۱۸۰ | فافا (رومی)، ۷۳ | فَرَنائون، ۵۸ |
| طوفوریوس، ۲۶۰ | غلوقیزیا، ۱۸۰ | فافس، ۸۱ | فَرَسِسا، ۲۶۶ |
| طوقریوس، ۲۰۴ | غلوقیون، ۲۷۶ | فاقوس، ۲۰۷ | فرسطاریون، ۷۳ |
| طوقوریوس، ۱۱۹، ۲۶۰ | غلوکس، ۲۲۱ | فالنحیطس، ۲۲۳ | فرسطالیون، ۱۵۶ |
| طوماغا، ۲۰۸ | غلیاون، ۵۳ | فالنحیطن، ۲۲۳ | فَرَسِیا، ۷۶ |
| طومقرون، ۲۴۶ | غلیجن، ۲۲۹ | فالنحیطن، ۲۲۳ | فرسیون، ۲۸۰ |
| طیرنه، ۲۰۴ | غلیجن اُغریا، ۲۲۱ | فالنجن، ۲۲۳ | فرسیون (فرانسوی)، ۲۵۲ |
| طیفی، ۲۰۴ | غَلِیخن، ۲۲۹ | فالیریس، ۲۲۳ | فرفیون (رومی)، ۹۳ |
| طیلافیون، ۱۱۸، ۲۰۴ | غلیخن اُغریا، ۲۲۹ | فالینوس، ۱۸۳ | فَرَمیوس، ۲۲۵ |
| ظریفان، ۱۳۵ | غلیشن (رومی)، ۲۲۹ | فالیورُس، ۱۶۸ | فریغلیون (رومی)، ۲۴۹ |
| عارِسا (رومی)، ۲۵۵ | غَلِیقِسیدی، ۲۲۳ | فالیورس، ۱۸۵ | فرینون صواسنین، ۷۰ |
| عرذی اکهر (رومی)، ۲۶۰ | غنابلان، ۲۲۶ | فالیورس، ۲۲۳ | فسطاریون، ۱۵۶ |
| عرصمودون، ۲۳۷ | غنافالین، ۲۲۶ | فالیورون، ۱۶۸ | فَسْغانیون، ۱۴۶ |
| علیجن، ۲۲۹ | غَنافَلِیان، ۲۲۶ | فاناقس ابراقلیون، ۱۰۰ | فَسْغانیون، ۱۸۱ |
| عمرود (لاتینی)، ۲۵۳ | غَنافَلِیون، ۲۲۶ | فاناقس اسفینوس، ۲۲۳ | فسلیون، ۷۸ |
| عتقلی، ۱۸۹ | غنطیانی (رومی)، ۱۰۶ | فاناقس اُسقلیبوس، ۱۶۵ | فَسْلِیون، ۷۸ |
| عتقلی، ۱۸۹ | غَنغَلِی، ۱۸۹ | ۲۲۳ | فَسودودِقْطْمَن، ۲۸۱ |
| غالونیس، ۲۱۹ | غَنغَلِی، ۱۸۹ | فاناقس ایراقلیوس، ۱۰۰ | فَسودودِیْقْطامْن، ۲۸۱ |
| غارانیون، ۳۷ | غنکیلی (رومی)، ۱۸۹ | فاناقس اَیْرَقْلِیون، ۱۰۰ | فسودودِیْقْطامین، ۲۸۱ |
| غارنیون، ۲۱۸ | غُوْذِیَالَه (لاتینی)، ۲۱۰ | فاناقس خمرونیون، ۲۲۳ | فسوشی لیون (رومی)، ۸۹ |
| غاریقون، ۲۱۸ | غینغیدیون، ۱۸۳ | فاناقس خیرونیون، ۲۲۳ | فسولن (رومی)، ۲۷۱ |
| غاغالس، ۲۱۹ | فابا (رومی)، ۷۳ | ۲۴۸ | فسیالانه، ۵۱ |
| غالارتون، ۲۱۹ | فابش القبطی، ۷۳ | فانقراطیون، ۲۴۳ | فشاشیش (رومی)، ۱۹۸ |
| غالیّه (لاتینی)، ۲۱۵ | فابش الیونانی، ۷۳ | فانقوس، ۲۶۲ | فصولیا (رومی)، ۲۷۱ |
| غالسیر، ۲۱۹ | فابش یونانی، ۷۳ | فاوانیا، ۲۲۳، ۲۱۶ | فطارِیقا، ۴۹ |
| غاله جاقه (لاتینی)، ۱۱۸ | فابلص، ۸۳ | فاورسیون (رومی)، ۲۳۳ | فطراسالیون، ۷۸، ۲۵۳، ۲۶۱ |
| غاله قَرَشْتَه (لاتینی)، ۱۷۸ | فَابَه (لاتینی)، ۷۳ | فاونیا، ۲۲۳، ۲۹۵ | فَطْراسالیون، ۲۲۶ |
| غالیسس، ۲۱۹ | فادرونی (رومی)، ۲۵۶ | فایوقی (رومی)، ۱۹۶ | فطریون (رومی)، ۵۴ |
| غالیون، ۲۱۹ | فارالیون، ۱۳۴ | فباواریس، ۱۵۱ | فغلاسیونس، ۲۲۷ |
| غالیون، ۲۱۹ | فارستاریون، ۱۵۶ | فتحوریون، ۲۹۷ | فغلامینوس، ۷۴ |
| غانافلیان، ۱۴۸ | فارسطاریون، ۱۵۶ | فِرَاسْتن قافالوْطْن، ۲۵۲ | فغلون، ۲۵۷ |
| غَرغَنیته (لاتینی)، ۲۳۱ | فارِسطازِیون، ۱۵۶ | فراسیا، ۲۶۶ | فغوس (رومی)، ۱۶۷ |
| ۲۷۳ | فارسطازِیون، ۱۵۶ | فراسین، ۲۲۴ | فغیلاموس، ۷۴ |
| غرینواس، ۲۳۸ | فارس نارِیون، ۱۵۶ | فراسینا، ۲۵۲ | فَقْلِیس، ۲۹۵ |
| غریزا (رومی)، ۲۴۶ | فارقلومانن، ۱۶۰ | فراسیون، ۲۸۰ | فَقْلَامِیْنوس، ۷۵ |
| غَلْجن، ۱۰۵ | فارنوخانا، ۱۱۸ | فرافیون، ۵۰ | فَقْلَامِیْنوس، ۲۲۷ |
| غلوقیریزا، ۱۸۰ | فاسیلِس، ۵۴ | فراولیون، ۷۹ | فَقْلَامِیْنوس آخر، ۲۲۷ |
| غلوقی، ۲۷۶ | فاسیلون، ۵۴ | فریبون (رومی)، ۲۲۴ | فَقْلَامِیْنوس اخر، ۷۵ |

| | | | |
|-------------------------|------------------------|------------------------|---------------------------|
| فقلوطا (رومی)، ۲۵۲ | فورینه، ۱۴۹ | قازوا، ۲۵۶ | قربوله (لاتینی)، ۲۶۶ |
| فقولیون، ۱۲۵ | فوریون، ۲۵۷ | قاروواباسلیقا، ۱۰۶ | قرئاران (رومی)، ۱۸۷ |
| فقومیلاس (رومی)، ۹۴، ۴۱ | فوضوفش، ۱۹۸ | قاروانا، ۲۵۶ | قَرَثی، ۱۸۷ |
| فقیص، ۱۸۳ | فوطینوس (رومی)، ۲۲۴ | قاریا، ۱۰۶ | قرحا، ۲۰۹ |
| فکتلمن، ۴۴ | فوفیلاطینوس (رومی)، ۷۴ | قاریباسلقا، ۱۰۶ | قردامن، ۱۱۵ |
| فکی (رومی)، ۲۰۷ | فوقاذن، ۳۰۰ | قاطانقی، ۲۰۵ | قردامومن، ۱۱۵، ۲۳۲، ۲۳۵ |
| فلار، ۳۵ | فوقاذن، ۷۴ | قاطانقی، ۲۳۲ | قردامومون، ۲۳۵ |
| فَلَاقِئِس، ۶۶ | فوقاذین، ۷۴ | قاطانیقی، ۲۳۲ | قردامون، ۲۳۵ |
| فلوس (رومی)، ۲۴۰ | فُوقَس البحری، ۲۰۰ | قافلا (لاتینی)، ۷۶ | قردامینز، ۱۱۶ |
| فلوریکا (رومی)، ۱۹۶ | فوله، ۲۲۸ | قافنون (رومی)، ۲۶۲ | قردمانا، ۲۳۲، ۲۵۶ |
| فلورینه، ۱۴۹ | فولیون، ۱۰۳ | قافنیس (رومی)، ۲۶۲ | قَرْدَمَانَا، ۲۳۵ |
| فلوسطیون (رومی)، ۱۰۴ | فُولیون (رومی)، ۱۰۳ | قاقالیا، ۸۲ | قَرْدَمَانَا، ۲۳۵ |
| فلوغوناظن، ۲۱۰ | فوتقس، ۹۱ | قالاس، ۲۴۰ | قَرْدَمَانَا، ۲۳۵ |
| فلوقرنیا (رومی)، ۲۳۷ | فیاقیدنوس، ۱۵۲ | قالاض، ۲۴۰ | قردمانی، ۲۳۵ |
| فلوماین، ۱۸۵ | فیخیون، ۱۱۹ | قالامتنی، ۱۹۸، ۲۲۹ | قردمون، ۱۱۵ |
| فلومس، ۳۳، ۹۰ | فیغائُن، ۱۱۶ | قالیورس، ۶۱ | قردالیوم، ۱۱۴ |
| فلومُس، ۹۰ | فیغانن، ۱۶۷ | قاماریون (رومی)، ۲۳۱ | قَرْدَنَالَه (لاتینی)، ۶۳ |
| فلومس مُقَرَن، ۶۰ | فیغائُن، ۱۶۸ | ۲۴۲ | قرسطاریون، ۱۷۱ |
| فلیمن، ۵۷ | فیغانن اغریون، ۱۶۷ | قائش، ۲۵۹ | قرسیون، ۴۷، ۱۵۱ |
| فلیورش، ۲۱۴ | فیغروا، ۱۲۵ | قانیوس، ۱۸۳ | قرصیناتا (رومی)، ۶۵ |
| فناغیوس، ۲۵۷ | فیغس باطس، ۲۵۰ | قبارس، ۲۵۰ | قرفلون (رومی)، ۲۳۸ |
| فنجیون، ۱۷۱ | فیغن اغریون، ۲۳۶ | قبارومبدوس (رومی)، ۲۴۵ | قِرْفا، ۲۰۹ |
| فنطافلون، ۸۸، ۱۵۲ | فیقس، ۱۲۶ | قباریش (رومی)، ۲۵۰ | قرقسیون، ۲۳۸ |
| فنطافیلن، ۴۱ | فیلورا، ۱۱۲، ۲۰۶ | قَباسه، ۱۵۳ | قرمیدیا، ۸۰ |
| فنطافیلون، ۸۸ | فیلورا، ۲۰۶، ۲۵۱ | قبسطلیه، ۵۴ | قربنا، ۲۵۵ |
| فنقراطیون، ۲۴۳ | قabanیقی، ۲۳۲ | قثیون، ۱۹۱ | قَرْنَبَا، ۲۵۶ |
| فنیفس، ۲۳۶ | قاذارش، ۱۵۳ | قدرومیلا، ۴۰ | قربنا انمارس، ۲۵۶ |
| فنیفس اغریون، ۲۳۶ | قاراطیا، ۱۳۲ | قرادامومن، ۱۱۵، ۱۱۶ | قَرْنَبَاد، ۲۵۶ |
| فَنِیْکُس، ۹۵ | قاراطیطس، ۶۷ | قردامن، ۱۱۵، ۲۳۵ | قربو، ۲۵۵ |
| فُؤ، ۲۲۸ | قاراطیطس، ۱۳۴ | قراسیا، ۱۱۳ | قَرْنَبی ایمارس، ۲۵۶ |
| فو، ۲۲۹، ۲۸۸ | قاراماون، ۸۰ | قراسیا (رومی)، ۲۳۴ | قرونوس، ۱۲۴ |
| فوباروم (فرنگی)، ۲۲۹ | قارَباسِئِلِقا، ۱۰۷ | قراسیون، ۲۴۹ | قرونوس (رومی)، ۲۰۸ |
| فوباکینوم (فرنگی)، ۲۲۹ | قارَبانِطِیقا، ۱۰۵ | قَراصِیا (رومی)، ۲۳۴ | قَرْنُوش (لاتینی)، ۲۳۵ |
| فودیاسایس، ۳۰۰ | قارسطاریون، ۱۵۶ | قَراطاغونن، ۱۲۶ | قرنی اغریا، ۲۵۶ |
| فورا، ۱۲۶ | قارسون، ۲۴۹ | قراطیا، ۱۳۲ | قروص، ۶۵ |
| فورثرون، ۲۰۵ | قارطیا هندی، ۱۴۰ | قرانیا، ۱۶۳، ۲۷۸ | قروفا، ۲۳۷ |
| فورثون، ۲۰۵ | قارنوخیا، ۱۱۸ | قَرانیا، ۱۶۳ | قَرُوقَس، ۱۶۳ |
| فورُس (رومی)، ۱۲۶ | قارو، ۲۵۶ | قربانیون، ۵۸ | قَرُوقَس، ۱۶۳ |

| | | | |
|---------------------------|--------------------------|-------------------------|------------------------|
| قرومیان، ۸۱ | قفروس، ۱۳۳ | قنطوریون (رومی)، ۲۴۶ | قولی طولی، ۲۵۶ |
| قرومیدیا، ۸۰ | ققلامینس، ۲۲۷ | قنطوریون طرمقرون، ۲۴۶ | قوماروس، ۲۳۱، ۲۴۲ |
| قریدی (رومی)، ۱۰۶ | ققومیللاس، ۴۱ | قنطوریون طُولُبطون، ۲۴۶ | قوماريس، ۲۴۲ |
| قریطیقوس، ۶۷، ۱۴۸، ۲۰۴ | ققیس، ۲۱۱ | قنطوریون طولیطون، ۲۴۶ | قومالیون، ۲۴۷ |
| قریطیقوس ارمالی، ۱۴۸ | ققیس، ۲۱۱ | قنطوریون طوماغا، ۲۴۶ | قوماورس، ۲۴۲ |
| قرینوس، ۷۰ | قلارسیس، ۱۸۴ | قنطوریون طوماغا، ۲۴۶ | قومون باسیلقون، ۲۸۹ |
| قرینوس (رومی)، ۱۸۰ | قلامس اُروماتیکس، ۲۴۱ | قنطیانی (رومی)، ۱۰۶ | قومیا (رومی)، ۲۳۳ |
| قرینوضواسینن، ۱۸۱ | قَلْخِیْقَن، ۱۸۰ | قنقهر، ۲۴۷ | قومینون انتونیقون، ۲۸۹ |
| قُزیوله (اندلس)، ۲۶۶ | قَلْسوفُودیون، ۲۴۳ | قنیقوس، ۲۳۶ | قومینون (رومی)، ۲۶۲ |
| قُزیوله (لاتینی)، ۲۶۶ | قُلْئاس، ۳۴ | قوالن (رومی)، ۷۹ | قُومیون، ۴۵ |
| قصادق، ۲۶۷ | قُلْئاس (رومی)، ۲۴۳ | قوامس (رومی)، ۷۳ | قُونس باطُس، ۲۹۴ |
| قسارت، ۲۶۷ | قُلْئابارس، ۲۰۴ | قوتقس، ۹۱ | قونوس (رومی)، ۱۹۶ |
| قستوس، ۴۶، ۱۸۸، ۲۶۷ | قُلْئابارش (لاتینی)، ۱۵۶ | قوئیرا، ۱۹۹ | قُونیزا، ۷۷ |
| قِستوس، ۲۶۵ | قلندیرله، ۶۰ | قودونیا میلانا، ۱۷۲ | قونیزا، ۱۹۹، ۲۱۹، ۲۴۷ |
| قسخروطن، ۲۳۹ | قلودیقی (رومی)، ۱۹۶ | قورس، ۲۹۸ | قونون، ۱۹۱، ۲۸۶ |
| قسطنانیا، ۸۶ | قلوغیطون، ۱۹۶ | قورو قوس، ۱۶۳ | قویارس (رومی)، ۷۳ |
| قسطن، ۸۷ | قلوفیا، ۲۳۷ | قورونُقس، ۱۵۵ | قیبارس، ۱۷۱ |
| قَسْطُرون، ۲۳۹ | قلومائی، ۴۶ | قوریانون، ۲۵۷ | قیبْنا، ۱۰۸ |
| قسطریون، ۸۷ | قلومانن، ۱۸۵ | قوریون، ۲۰۵، ۲۵۷ | قیبوطیسرون، ۲۶۳ |
| قسطس، ۲۳۹ | قُلومائِن، ۱۸۵، ۲۴۴ | قوسطاریون، ۱۵۶ | قیخوربون، ۶۳، ۲۹۸ |
| قَسْطُس، ۲۳۹ | قُلُومائِن، ۲۴۴ | قوطس، ۲۴۰ | قیسوس (رومی)، ۲۱۱ |
| قُسطل (رومی)، ۸۶، ۸۷ | قُلومُس، ۲۴۴ | قُوطلیدون، ۲۴۷ | قیطس، ۳۱، ۳۵ |
| قَسْطنه (رومی)، ۸۷ | قلومش، ۳۳ | قُوطلیدون، ۲۴۷ | قیفارس، ۱۷۱ |
| قسطوریون، ۸۷ | قلیماصیس، ۲۴۱ | قوطولیدون، ۳۳، ۳۴، ۱۶۹ | قیفر، ۹۵ |
| قسطوس (رومی)، ۲۳۹ | قلینوفودیون، ۲۴۳ | قوطولیون، ۲۳۴ | قیفرس، ۱۲۵ |
| قسئاناس، ۲۶۶ | قِمِیص، ۶۷ | قوفی، ۴۴، ۲۴۷ | قیفروس، ۱۲۵ |
| قسوس، ۲۶۶، ۲۶۷ | قنابس، ۲۴۵ | قوقالس، ۲۴۷ | قیفوس، ۱۳۳ |
| قِسی، ۱۹۰ | قَنابِش، ۱۱۲ | قُوقامیلا، ۴۱ | قیفهیمالون، ۲۴۵ |
| قِسیا، ۱۷۴ | قَنابِش، ۲۴۵ | قوقامیلا، ۲۱۷ | قیقُئِن، ۱۷۸ |
| قِسیا، ۲۳۹ | قنابش اُغریون، ۱۱۲ | قولوریون (رومی)، ۷۹ | قیقواس، ۱۳۳ |
| قسینی (لاتینی)، ۲۶۶ | قنابوس، ۲۴۵ | قولوقئا اغریا، ۱۲۶ | قِیْقُمَن، ۱۷۸ |
| قَسْتَنبُوه (لاتینی)، ۱۸۰ | قنالیون، ۲۴۸ | قولوقئا (رومی)، ۲۳۷ | قِیْقَهَر، ۲۴۷ |
| قشطل (رومی)، ۸۷ | قنامومُن، ۱۴۱ | قولوقنطس، ۲۳۷ | قیقهن، ۲۴۷ |
| قطولی، ۲۴۷ | قَنامومُن، ۱۴۱ | قولوقینس (لاتینی)، ۱۲۶ | قیقی، ۱۳۳ |
| قطیدادوس، ۲۳۲ | قنخروس، ۱۴۳ | قولومینس، ۱۵۳ | قیقیس، ۲۱۱ |
| قعالا (رومی)، ۱۵۳ | قنطادوس (رومی)، ۲۳۶ | قولی اغریا، ۲۵۶ | قیموطمشور، ۲۳۳ |
| قفأ، ۱۰۷ | قنطس، ۲۲۶ | قولی اغریاس اقیمون، ۲۵۶ | قیمین اغریون، ۲۶۲ |
| قفالیا، ۲۴۹ | قنطوریون، ۳۶، ۲۲۰، ۲۷۴ | قولی ایماروس، ۲۵۶ | قیمینون اُغریون، ۲۶۲ |

| | | | |
|----------------------------|-----------------------------|------------------------------|---------------------------|
| قینه، ۲۴۷ | کمافیطوس، ۲۰۷ | لاغوبن، ۲۶۵ | لوسیماجیوس، ۲۷۲ |
| قیوفارروس (رومی)، ۱۷۱ | کُمافیطوس، ۲۶۱ | لاغوئن، ۲۶۵ | لوسیماجیوس، ۲۷۲ |
| کافافلوس (رومی)، ۱۲۶ | کمالایا (رومی)، ۲۷۵ | لانطوفودیون، ۲۶۶ | لوطس، ۲۹۱ |
| کاکره (رومی)، ۲۰۵ | کمالیون، ۱۲۸، ۲۲۴ | لاورس (فرنگی)، ۲۱۸ | لوطس اغریوس، ۲۹۱ |
| کالدِم ارماتک (فرنگی)، ۲۴۰ | کمبنوس (انگلیسی)، ۲۶۲ | لاونطوباطلن، ۲۵۸ | لوطس طوماغا، ۲۹۱ |
| کالیدونیون (رومی)، ۲۰۸ | کُمکُوت (فرنگی)، ۲۶۲ | لَبازَدَه (لاتینی اندلس)، ۷۷ | لوطوس، ۸۰، ۱۲۵، ۲۷۲ |
| کتانی (رومی)، ۲۴۵ | کمیداس (فرنگی)، ۲۶۰ | لَباشتر، ۲۶۶ | لوطوس اغریوس، ۱۲۵ |
| کَبَنَه، ۲۵۱ | کناریون (رومی)، ۱۱۲ | لبیس فرسن، ۲۴۳ | لوطوس اَغْرِیوس، ۱۲۶، ۱۵۰ |
| کثا، ۱۰۲ | کنخرن (رومی)، ۱۰۰ | لبیانوا، ۲۶۳ | لوطوس سکرار (لاتینی)، ۱۲۵ |
| کذونی (رومی)، ۱۷۲ | کنخروس، ۱۰۰، ۱۵۰ | لشوهرمرطیس (رومی)، ۲۲۲ | لوغس، ۴۱ |
| کراسیا (رومی)، ۲۳۴ | کظینوس، ۱۰۴ | لَنخیرواله (لاتینی)، ۲۱۹ | لوغیوس (رومی)، ۴۱ |
| کرتویس (فرنگی)، ۱۵۵ | کنکریس (رومی)، ۱۱۴ | لخنس، ۱۳۲، ۱۴۰ | لوفطیون، ۲۶۰ |
| کَرْدَمانا، ۲۳۵ | کوامس (رومی)، ۷۳ | لَنخس، ۲۶۸ | لوفقطوش، ۱۳۹ |
| کردموم (فرنگی)، ۲۳۲ | کوپرکیسو (لاتینی)، ۲۵۲ | لَنخس اغریا، ۲۶۸ | لوفو سقردین، ۹۸ |
| کرزش (رومی)، ۱۰۳ | کوکرس اندیکریس (فرنگی)، ۲۸۷ | لَنخس الاکیله، ۲۶۸ | لوفینیقی (رومی)، ۷۱ |
| کرکسن (رومی)، ۱۰۷ | کوکوایرس (فرنگی)، ۲۳۴ | لخنس، ۱۶۸، ۳۰۱ | لوفیون، ۱۲۰، ۲۶۱ |
| کرمینون، ۲۶۲ | کومینون، ۲۶۲ | لدان (فرنگی)، ۲۶۵ | لوقا، ۱۲۷ |
| کرویای (لاتینی)، ۲۵۶ | کونکلوس (فرنگی)، ۲۷۳ | لژموش (رومی)، ۱۹۵ | لوقاس، ۱۳۳، ۲۶۸ |
| کست (فرنگی)، ۲۳۹ | کیبارس، ۱۷۱ | لسورسطس، ۱۳۶ | لوقاقانسی (رومی)، ۷۱ |
| کسفیون، ۱۴۴ | کَنخُرس، ۱۰۰ | لطوس، ۲۸۶ | لوقاین، ۱۴۰ |
| کسنین (رومی)، ۱۱۹ | کیدونی، ۲۶۱ | لُقس، ۴۱ | لوقبسوس، ۳۷ |
| کُسیفیون، ۱۴۶ | کیرانس (رومی)، ۷۳ | لفیدیون، ۱۹۳ | لُوقَبسون، ۳۸ |
| کُسیفیون، ۱۸۱ | کیطروناکوس (رومی)، ۲۳۴ | لکونس (لاتینی)، ۲۶۵ | لوقیقشی (رومی)، ۷۱ |
| کسیفیون، ۲۵۷ | کیکرا (رومی)، ۲۰۵ | لَنجرویلَه، ۲۷۱ | لوقیمو بذاس، ۱۵۵ |
| کسیثیون، ۱۳۳ | کیلادونیا، ۲۷۶ | لَنجیطس، ۲۷۱ | لوقیون، ۱۲۰، ۲۳۱، ۲۷۱ |
| کشمورین (رومی)، ۲۵۸ | کَینکِیَط (فاس)، ۸۸ | لَنخیطس، ۱۲۰، ۲۷۱ | لوقیون، ۱۲۰ |
| کشوتا، ۲۵۸ | گلوسطقا (رومی)، ۱۹۶ | لَنخیطس، ۱۳۲ | لوقیون (رومی)، ۱۲۰ |
| کشور (رومی)، ۱۰۳ | گلیسریرزه (فرنگی)، ۱۸۰ | لَنخیطس آخر، ۱۵۷ | لوقیبیان، ۱۴۰ |
| کطباس (لاتینی)، ۱۸۹ | لاباثون، ۱۲۲ | لنخیطس آخر، ۲۷۱ | لوکرون، ۱۴۰ |
| کفیثون، ۷۲ | لائتوریدس (رومی)، ۱۰۴ | لوبادون (رومی)، ۱۹۳ | لوماین، ۲۰۵ |
| کلتیا (رومی)، ۲۴۶ | لائوس (رومی)، ۱۳۶ | لوخنس اغریا، ۶۶ | لوسیطیقون (رومی)، ۲۴۸ |
| کلدونیا، ۲۷۶ | لاحاس، ۵۵ | لورقی، ۲۹۰ | لیباطیش، ۵۹ |
| کلیلوپین (رومی)، ۲۹۷ | لادن، ۲۷۳ | لورونیا، ۲۷۴ | لیانس، ۲۶۶، ۲۷۴ |
| کمایونیون، ۱۰۵ | لاذینون، ۲۶۵ | لوره (لاتینی)، ۱۴۹ | لیانو، ۲۷۴ |
| کمداریوس، ۶۰، ۸۶، ۱۶۰، ۲۶۰ | لاذیون (رومی)، ۲۶۵ | لوسوس، ۲۸۶ | لیانوطس، ۲۷۴ |
| کمداریون، ۱۱۳، ۲۶۰ | لاغرین، ۲۶۵ | لوسیماخاس، ۱۶۸ | لیانوفیلس، ۲۶۶ |

| | | | |
|--------------------------|------------------------|-----------------------------|-----------------------|
| لییدیون، ۱۹۳ | مالابثرون، ۱۶۶ | مرفوران، ۲۰۹ | ملح، ۲۴۲ |
| لینوئوس، ۱۸۶ | مالاثرون، ۱۶۶ | مرقیره، ۱۸۷ | ملحتفن، ۱۷۹ |
| لیبیدیون (رومی)، ۱۹۳ | مالایترون، ۱۶۶ | مرور (فاس)، ۲۲۴ | ملطیرغون (رومی)، ۲۶۹ |
| لیبیدیون، ۱۱۵ | مالثرون (رومی)، ۱۵۲ | مروس (رومی)، ۲۵۲ | ملوخ، ۱۲۹، ۲۸۴ |
| لیثسفرژن، ۲۴۳ | مالسوفلن، ۷۱ | مروسیا (رومی)، ۴۴ | ملوخیا، ۱۲۹ |
| لیثورسطس، ۱۲۱ | مالیا، ۱۶۰، ۱۶۳ | مروسیون، ۲۳۲ | ملونیا، ۸۱ |
| لیخون (رومی)، ۱۹۴ | مالیا، ۲۷۸ | مروش، ۳۴ | ملنج، ۲۴۲ |
| لیرون، ۲۷۴ | مالبیدیون، ۱۳۰ | مروش آققی، ۳۴ | ملیسون، ۲۴۶ |
| لیژوئن، ۱۸۱ | مالیسوفلن، ۷۱ | مرویه بنتوشه (لاتینی)، ۸۷ | متی، ۱۱۳ |
| لیطفورس (رومی)، ۳۵ | مالیسوفلن، ۲۸۰ | ۱۷۹ | متی، ۲۹۰ |
| لیفستیقون ساسالی، ۲۴۸ | مالیپا (لاتینی)، ۲۸۰ | مرویه بنتوشه (لاتینی)، ۲۲۴ | مندبونه، ۲۸۰ |
| لیفطیغون، ۲۴۸ | مالیطانا، ۷۱ | مرویه یلبوسه (لاتینی)، ۸۷ | مندراغوس، ۲۷۰ |
| لیقسطیقون، ۲۴۸ | مالیلوطس، ۵۹ | مریافلن، ۱۱۰، ۲۸۰ | منسانیا، ۹۴ |
| لیمون، ۲۴۲ | مالیلوطوس، ۵۹ | مزیافلن، ۱۱۷ | مظیذایون، ۳۶ |
| لیمونیون، ۲۷۴ | مالیشیون، ۱۹۲ | مریافلن، ۱۵۱ | منقوسون، ۱۹۱ |
| لیمونیه ماله (فرنگی)، ۴۰ | مالیون، ۵۱ | مریافلون، ۲۸۰ | مئیکو (سواحل زنج)، ۳۳ |
| لیئس بزمون، ۲۵۱ | مانته، ۱۱۳ | مریافلون آخر، ۲۸۰ | مؤ، ۹۳ |
| لیئس فرمون، ۲۵۱ | مانته (لاتینی)، ۱۸۲ | مریق، ۱۷۰ | مو، ۲۸۷ |
| لیئش، ۲۷۷ | ماوش اوطا، ۳۴ | مربوت (فاس)، ۲۲۴ | مؤزا، ۹۵ |
| لینوزسطس، ۱۳۶ | ماه فرین (مغرب)، ۱۰۱ | مرویه، ۲۸۰ | مورسقی، ۲۰۲ |
| لینوزسطیس، ۱۲۱ | ماه فروین (مغرب)، ۱۰۱ | مسقینون (رومی)، ۴۱ | موریکا، ۲۰۲ |
| ماثرون (رومی)، ۱۵۲ | مبدکه ماله (فرنگی)، ۴۰ | مسئاله (لاتینی)، ۶۴ | موریکا (رومی)، ۲۰۲ |
| مادرپتیم (لاتینی)، ۲۲۴ | مثنی، ۲۹۰ | مشیلین، ۱۶۲ | موریقی، ۲۰۲ |
| ماذریوس، ۲۶۰ | مدره‌البه (فرنگی)، ۲۶۶ | مضطیه (لاتینی)، ۲۴۳ | موس اوطا، ۳۴ |
| مارئون، ۱۵۲، ۷۸ | مراس، ۹۷ | مشکطرامشیع زور، ۲۸۱ | موسولیون، ۱۴۱ |
| ماژئون، ۱۵۳ | مژته (لاتینی)، ۳۶ | مشی، ۲۹۰ | موقوطس، ۲۲۶ |
| ماژئون آغریون، ۱۵۳ | مژنان (لاتینی)، ۳۶ | مصطخای، ۲۸۲ | موقولن، ۳۰۰ |
| مارسیسقاء، ۳۹ | مژزجون (لاتینی)، ۲۱۰ | مصطخی (رومی)، ۲۸۲ | موقیطس، ۲۲۶ |
| مارسیقا، ۳۹ | مرسایمارس، ۳۵، ۳۱ | مطرقال، ۲۸۲ | موکوطیس (رومی)، ۲۲۶ |
| مارن، ۱۱۳ | مرسلیطس، ۳۰۰ | مطرونیه (لاتینی)، ۲۳۱ | مولی، ۴۸، ۱۱۶ |
| مارون، ۲۷۹ | مرسین (رومی)، ۳۵، ۳۱ | مطرونیه (لاتینی)، ۲۴۲ | مولی آخر، ۸۵ |
| ماژون، ۲۷۹ | مرسیا اغریا، ۳۶ | مقارجه (لاتینی - اندلس)، ۷۰ | مولیقنلس، ۹۸ |
| ماریقون، ۱۹۱ | مرسیسا اغریا، ۳۶ | مقدونس، ۲۰۲ | مؤس، ۲۸۶ |
| ماریون، ۲۸۰ | مرسینا اغریا، ۳۶ | مقیفرون، ۲۶۰ | مهیلیون، ۲۴۹ |
| ماطرشالبه (لاتینی)، ۷۵ | مرسیئس آیماژس، ۳۶ | مکیدش (فاس)، ۵۹ | میئون، ۲۸۵ |
| ماطوفیون، ۲۴۶ | مرسینس آیماروس، ۳۱، ۳۶ | مکینسه (لاتینی)، ۲۴۶ | میدیقامیلا، ۴۰ |
| ماقر، ۱۹۹ | مرسینی (رومی)، ۳۵، ۳۱ | ملأجه اقوانته، ۱۴۳ | میدیقی، ۱۵۶ |
| مالابثرن، ۱۶۷ | | | میدیقی، ۲۹۱ |

| | | | |
|------------------------------|---------------------------|--------------------------|---------------------------------|
| میدیکی (رومی)، ۱۵۶ | ناردین جبلی، ۲۸۸ | وافلایا (رومی)، ۶۵ | هیوفاریقون، ۳۴، ۶۹، ۸۶ |
| میروقوقین (رومی)، ۱۹۲ | ناردین ناروس (فرنگی)، ۱۷۸ | وانیموروسقلمیوس، ۲۱۸ | ۲۸۵، ۲۹۸ |
| میزیقیآ، ۳۹ | نارطیطس، ۵۹ | ودیفرونس، ۲۴۵ | هیوفاطاریقون، ۵۴ |
| میشکجان، ۳۷ | نارود (لاتینی)، ۱۷۷ | وُذَن، ۲۶۰ | هیوفسیطیوس (رومی)، ۲۷۹ |
| میغالا فالون، ۲۴۹ | ناطس، ۲۱۳ | ورسالیون، ۲۵۳ | هیوفقسطیداس، ۲۶۷ |
| میغن افروُدس، ۱۰۰ | ناغیطارس طوماغا، ۶۵ | وسبطون (رومی)، ۱۶۵ | هیوفقسطیداس، ۲۶۵ |
| میغن، ۱۳۴ | ناغیونس (رومی)، ۲۵۳ | وسریلم (لاتینی)، ۱۸۲ | هیومافطون (رومی)، ۲۲۴ |
| میغن افروُدس، ۱۳۵ | نافوس (رومی)، ۱۰۳ | وسندی کیه (رومی)، ۲۸۲ | یابزوسیون (رومی)، ۳۹ |
| میغن رُواس، ۱۳۴ | نَجیر (لاتینی)، ۹۹ | وقفقص، ۱۸۳ | یشون (رومی)، ۹۳ |
| میغن افروُدس، ۱۳۵ | نَجیل (لاتینی)، ۹۹ | ونیریون (رومی)، ۸۰ | یَذَقَه (لاتینی)، ۱۳۸ |
| میغن رُواس، ۲۸۵ | نحوفس، ۴۳ | ویطس (لاتینی)، ۴۱ | یَذَقَه (اندلس)، ۱۳۸ |
| میلاآس، ۹۴ | نَرْتُقُس، ۲۴۴ | هالینوطس، ۵۹ | یرالجم (لاتینی)، ۲۶۸ |
| میلا (رومی)، ۹۴ | نَرْتُقُس، ۲۴۵ | هیمیلیون، ۹۴ | یَزَبْطوره (لاتینی)، ۷۴ |
| میلانثایون، ۱۹۲ | نَرْتُقُس، ۲۵۹ | هذوغورون، ۱۴۳ | یربطوره (لاتینی)، ۳۰۰ |
| میلانثیون، ۷۰ | نرجسینوس (لاتینی)، ۸۰ | هری سمن، ۹۶ | یَزَبَه آسلی (لاتینی)، ۲۰۴ |
| میلقص طراخیا، ۲۲۶ | نردین، ۱۶۶ | هللیسفاقوس، ۵۹ | یَزَبَه بذلیره، ۱۰۳ |
| میلقص لیا، ۲۸۷ | نرسیس، ۸۰ | هلیقون (رومی)، ۶۸ | یربه دقوقه، ۲۰۵ |
| مین، ۲۸۷ | نرکسوس، ۸۰ | هلیله کایم (لاتینی)، ۲۴۹ | یَزَبَه دی فوقه، ۱۵۹ |
| مینزارما، ۲۹۰ | نرکسوس، ۸۰ | هَلْیون (رومی)، ۲۹۷ | یربه شانه (رومی)، ۳۰۰ |
| میورسینه، ۲۰۲ | نسطوس، ۲۴۰ | هوارغون (رومی)، ۵۰ | یربه (شَد)یره (لاتینی)، ۹۵ |
| میون، ۲۸۷ | نسلیون، ۷۸ | هودیا (رومی)، ۲۶۰ | یَزَبَه قَرَجَیْره (اندلس)، ۲۹۸ |
| نابطه، ۲۷۵ | نَشانشه (لاتینی)، ۵۶ | هوذاسمون (رومی)، ۲۹۰ | یَزَبَه نَقِیْشه (لاتینی)، ۱۲۱ |
| نابطه (اندلس)، ۱۹۸ | نَشَقْشَن، ۸۹ | هوسفون (رومی)، ۱۶۵ | یَزَبَه دی فَوِیْقَه، ۲۰۵ |
| نابلس، ۲۹۵ | نو، ۲۶۸ | هوفاریقون، ۶۹، ۱۴۱ | یطالاس، ۱۳۶ |
| نابیارش، ۱۸۹ | نَواریس، ۲۹۱ | ۱۵۸، ۱۶۰ | ینبر (اندلس)، ۷۲ |
| نَادس سَنفاریطیقی، ۱۷۷ | نور مطلبه (فرنگی)، ۱۰۸ | هوفسطیداس، ۲۶۷ | یتون، ۱۶۷ |
| نارتکس، ۲۴۵ | نوقاقیس، ۲۲۳ | هوفطیداس، ۲۶۷ | یَنکَه (لاتینی)، ۲۰۹ |
| نارَدس، ۱۷۷ | نونیا، ۱۸۹ | هوفیلوس، ۳۸، ۱۳۴ | |
| ناردس اقلیطیقی، ۱۷۸ | نونیناس، ۱۸۹ | هوفیوسقردن، ۹۸ | |
| ناردوایتالیون (لاتینی)، ۱۷۷ | نیریون، ۱۴۵ | هیده نیگره (فرنگی)، ۲۶۶ | |
| ناردوس بری، ۲۲۸ | نیفاطوس، ۲۹۲ | هیری، ۱۴۰ | |
| ناردین اقلیطی، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۸ | نیقولوس، ۹۶، ۱۸۲ | هیری ارشق، ۱۴۰ | |
| ۲۸۸ | نیلی (لاتینی)، ۱۹۲ | هیغیرس (رومی)، ۲۶۴ | |
| ناردین آغریا، ۲۸۸ | نیمفا، ۲۹۲ | هیلابسقون، ۱۵۶ | |
| ناردین اقلیطی، ۲۸۸ | نیمفاآ، ۲۹۲ | هیلائنیون، ۱۵۳ | |
| ناردین اُورنی، ۱۷۷ | نیمقا، ۲۹۲ | هیوسقاموس (رومی)، ۸۸ | |
| ناردین اُوری، ۲۸۸ | وابنیتون، ۱۸۴ | هیوفارقون، ۱۹۵ | |

۴ - نام‌های هندی، سندی و بنگالی

| | | | |
|--------------------|--------------------|-------------------|---------------------|
| آت جو، ۱۷۳ | امل بیل، ۵۵، ۲۵۸ | بجوڑه، ۴۰ | بنک آس‌را، ۳۱، ۳۵ |
| آک، ۱۷۳، ۲۰۹ | اَمَل کِجانی، ۶۲ | بچه، ۲۹۳ | بَنیاله، ۸۹ |
| ابر سناروا، ۱۰۷ | املناس، ۱۴۰ | بُذآة، ۲۶۰ | بوئی، ۹۰ |
| ابنی هلدی، ۱۴۲ | اَناس، ۶۷ | براهمی، ۱۶۱ | بول، ۲۷۷ |
| اُتَنکن، ۶۵ | انبل، ۲۲۵ | برنبهی، ۱۶۱ | بول (بنگالی)، ۹۰ |
| اجاجی، ۲۶۲ | انبلی، ۹۵ | برواه، ۲۰۲ | بولسری، ۹۰ |
| اجواین، ۲۸۹ | انبه، ۶۳ | پَرهتا، ۷۸ | بولو، ۱۹۵ |
| اجواین خراسانی، ۸۸ | اندراین کاپهل، ۱۲۶ | برهمی، ۱۶۱ | بهانتانا، ۷۲ |
| اجود، ۲۵۳ | اندرجو، ۲۶۹ | بَزیاله، ۷۸ | بهتکتیه، ۱۱۴ |
| اخروی، ۱۰۶ | اندرجو (سندی)، ۲۶۹ | بریجا، ۷۲ | بهرینه، ۱۲۶ |
| اذرک، ۱۶۴ | انروله، ۱۲۲ | بری مائی، ۲۰۲ | بهرتا، ۷۲ |
| ادهیره، ۳۵، ۳۱ | انزروت، ۶۶ | بَڑ، ۷۵ | بهرمان، ۲۱۰ |
| ارو، ۱۳۹ | اَنکول، ۶۷ | بسکپهره، ۱۲۵ | بهطل کطی، ۲۹۸ |
| اروی، ۲۴۳ | انوله، ۶۲ | بسوره، ۱۶۹ | بهکتائی، ۷۲ |
| ارهرتور، ۱۸۳ | اوکله، ۲۴۱ | بشررسون، ۱۸۰ | بهلاوه، ۸۵ |
| ازنید، ۱۳۳ | اونت کتاره، ۵۰ | بصلا (سندی)، ۸۰ | بهنگ، ۲۴۵ |
| اَزوسه، ۴۶ | اونت کتاره، ۱۸۹ | بکام، ۳۵، ۳۱ | بُهَنکره، ۹۱ |
| اسپغل، ۷۸ | اَوهیر، ۳۹ | بکاین، ۱۱۱، ۳۹ | بُهوئی انوله، ۹۲ |
| اِشکنده، ۴۹ | اوهریر، ۳۹ | بَکَنَر، ۱۴۰ | بهولسری، ۹۰ |
| اصطُرک، ۵۳ | اهالوا، ۱۱۵ | بُکچی، ۸۵ | بهیره، ۸۷ |
| اَطْمَط، ۵۴ | اَطماط، ۵۴ | بَکَم، ۸۵ | بیارانکا، ۹۲ |
| اَطموط، ۵۴ | اُعرابی، ۸۰ | بُکَن، ۸۵ | بیتل، ۹۲ |
| اکاس بیل، ۲۵۸ | بابچی، ۸۵ | بَکْهرینده، ۸۵ | بیت، ۱۴۰ |
| اکر، ۲۱۶ | بابری، ۷۱ | بلاذر، ۶۷ | بیر، ۱۶۸، ۲۲۲، ۲۴۹ |
| اکر کره، ۲۰۵ | باتو، ۱۷۰ | بلاس، ۸۵ | بیره، ۲۶۲ |
| اکری (بنگالی)، ۲۰۷ | باجرا، ۱۰۰ | بلاس بابَره، ۸۵ | بیش، ۹۲ |
| اکسیر، ۵۲ | باکَر، ۷۳ | بَلول، ۸۷ | بیکن، ۷۲ |
| اکول، ۶۷ | بال چهر، ۱۷۷ | بمولتان اهری، ۱۳۰ | بیل، ۹۲ |
| اکون، ۲۰۹ | بالَسه، ۷۳ | بن پوتکه، ۲۴۹ | پالک، ۴۸، ۲۴۱ |
| اگر، ۲۱۶ | بالک جوہی، ۷۳ | بن چهتکی، ۸۹ | پاندروت (سندی)، ۱۴۶ |
| السی، ۲۵۰ | بانس، ۲۴۰ | بَندا، ۸۸ | پاندورت، ۱۴۶ |
| السی کابیچ، ۲۵۱ | بانسه، ۴۶ | بندا، ۱۳۱ | پت پایره، ۱۸۳ |
| الوا، ۱۹۵ | بانکریزی کلوف، ۲۳۸ | بَنَدال، ۸۸ | پتروتیزپاپ، ۱۶۶ |
| امرتیه، ۲۵۸ | بَیپهه، ۷۴ | بَنسِیکِی، ۸۹ | پتوهری (بنگالی)، ۹۳ |
| اَمَزَه، ۶۲ | بتال مکھانه، ۲۸۴ | بنس روجن، ۱۹۹ | پدیهر، ۲۲۶ |
| اَمَل بید، ۶۲ | بترح، ۱۶۱ | بنس لوجن، ۱۹۹ | پربی، ۱۶۱ |

| | | | |
|----------------------|--------------------------|-------------------------|-------------------|
| پرنک، ۵۹ | ترمرا، ۱۰۲ | جورانکلی، ۵۳ | چیپال، ۱۴۷ |
| پل پرنک، ۵۶ | تسوت، ۹۳ | جوراواراج ناکهه، ۲۷۲ | چیپژک، ۱۹۳ |
| پنکهرج (بنگالی)، ۱۶۹ | تکر، ۴۶ | جوهی، ۲۰۵ | چیر، ۱۴۹ |
| پنواز، ۱۰۴ | تِل، ۱۷۶ | جهار، ۲۰۲ | حادثج (سندی)، ۲۳۸ |
| پوست، ۱۳۴ | تلسی، ۱۸۴ | جهاز قرچه (بنگالی)، ۱۱۳ | حَبّارهای، ۷۹ |
| پوندا، ۲۴۱ | تَمِر، ۲۹۶ | جهاؤ، ۴۰ | حماض املی، ۱۲۲ |
| پهته، ۷۵ | تنبل، ۹۳ | جیپالگوت، ۲۷۶ | حوان (سندی)، ۲۸۹ |
| پهیلی، ۲۵۷ | تنبول، ۹۳ | جیروا (سندی)، ۲۶۲ | خپه، ۱۲۴ |
| پهین چهتر، ۲۲۶ | تُورَئی، ۹۶ | جَینت، ۱۰۹ | خروک، ۸۱ |
| پیپل، ۱۴۲ | توشیر، ۱۹۹ | چاکسو، ۹۴ | خَس، ۱۳۳ |
| پیپلامور، ۲۲۸ | توله بانس، ۱۹۹ | چاغرکَهاَس، ۱۰۰ | خُلُجان، ۱۳۷ |
| پیپلامول بلام، ۲۲۸ | تونبری، ۲۳۷ | چاندریل، ۲۱۰ | خُلجی، ۱۳۷ |
| پی پل مول، ۲۲۸ | تونیا (هندی و سندی)، ۱۶۱ | چاندلی بیل، ۲۶۶ | خوب کلان، ۱۲۹ |
| پیپلی، ۱۴۲ | ته توره، ۱۰۹ | چاول، ۴۴ | خولنجان، ۱۰۶ |
| پیتهه، ۲۳۷ | تَهِکار، ۹۶ | چاولانی، ۸۴ | خیار چنبر، ۱۴۰ |
| پیزا، ۷۵ | تهور، ۱۶۳ | چاؤل مُنْکُر، ۱۰۱ | دارم، ۱۵۷ |
| پیل، ۴۳ | تیسسی، ۲۵۱ | چتره، ۱۹۳ | دارمون، ۱۵۷ |
| پیلو و جال، ۴۳ | تیونی، ۲۹۰ | چرایتا، ۲۴۰ | داک، ۲۱۴ |
| تار، ۹۲ | ثالاسفیس، ۱۱۵ | چرایته، ۲۴۰ | داکهه جهاز، ۲۵۵ |
| تاک پترویداره، ۹۳ | ثوب مُبْهَرَم، ۲۱۰ | چرکانا، ۱۲۲ | دالان بزرگ، ۱۵۲ |
| تال مَکْهارا، ۹۳ | جادوبوی، ۱۰۷ | چَرُونجی، ۱۰۳ | دانج ابروج، ۱۴۲ |
| تال مکهانانبول، ۹۳ | جادیفل، ۱۰۷ | چریره، ۵۲ | دانه، ۲۰۶ |
| تالیس، ۱۶۱ | جاکله، ۹۴ | چَکَوْتَره، ۱۰۴ | داونه مروا، ۲۰۶ |
| تالیسپتر، ۱۶۱ | جالکری، ۲۲۸ | چَکوند، ۱۰۴ | دند هندی، ۲۷۶ |
| تامول، ۹۳ | جاماها (سند)، ۶۲ | چَکْکی، ۱۰۴ | دوئی، ۲۴۲ |
| تانبول، ۹۳ | جام بَهل، ۱۰۰ | چنپیلی، ۲۹۹ | دودهالی، ۱۸۸ |
| تاوه، ۱۰۴ | جامون، ۱۰۰ | چند سر، ۱۰۲ | دَهار (سندی)، ۴۷ |
| تباکیر، ۱۹۹ | جاهی، ۲۰۵ | چند سور، ۱۰۲ | دهتوره، ۱۰۹ |
| تبهو، ۲۴۱ | جای بل، ۱۰۷ | چندن، ۱۹۶ | دهماسا، ۱۴۸ |
| تتل، ۱۷۵ | جای پهل، ۱۰۷ | چَنیا، ۱۰۶ | دهنیه، ۲۵۷ |
| تتلی (بنگالی)، ۱۶۷ | جزیری، ۸۰ | چَولانی، ۱۰۹ | دهونه، ۲۴۷ |
| تیج، ۱۷۴، ۲۳۸ | جل نیل، ۲۵۰ | چونلانی، ۸۴ | دیسندس، ۲۳۷ |
| تخم پنوار، ۱۷۹ | جناماسی، ۱۷۷ | چوهه کنی، ۳۴ | دیله، ۱۲۲ |
| تخم چکوند، ۱۷۹ | جنجر، ۶۶ | چهارا، ۹۴ | دیودار، ۳۹ |
| تربج، ۹۳ | جنکی چنبیلی، ۲۰۵ | چهال کری، ۲۲۸ | ذره، ۱۰۰ |
| تربوز، ۸۲ | جنیه، ۱۴۹ | چهریخای ها، ۲۲۶ | رائی، ۱۳۰ |
| تُربیزه، ۱۳۰ | جوار، ۱۰۰، ۱۳۹، ۱۴۹ | چهریله، ۵۲ | راجپونکه، ۲۴۹ |
| ترله بانس، ۲۴۰ | جواسا، ۷۱، ۱۱۰ | چهوتی مائین، ۴۰ | راج کیری، ۲۱۰ |

| | | | |
|-------------------------|----------------------|----------------------|---------------------|
| فالنجی، ۱۹۲ | سیبیزوا (سندی)، ۲۷۰ | سَرُهَنْجی، ۱۷۰ | رال، ۱۷۸، ۲۴۷ |
| قالیر، ۱۹۲ | سیج، ۱۶۳ | سریس (سندی)، ۱۳۷ | رام‌تلسی، ۲۲۵ |
| قرین مو، ۲۲۸ | سیخ، ۵۲ | سفری (بنگالی)، ۱۰۰ | رای، ۱۳۰ |
| قشوقی (سندی)، ۲۰۹ | سیر آملج، ۶۲ | سَکُوَه، ۱۷۳ | رای‌بیل، ۱۵۴ |
| فطوس، ۳۵، ۳۱ | سیسنبر (سندی)، ۱۸۲ | سک هنو، ۱۷۳ | رتن جوت، ۴۰ |
| قَمَینَحَه، ۲۴۴ | سیلا (بنگالی)، ۲۹۲ | سلارس، ۲۸۶ | رجله، ۸۳ |
| قنوبر (سند)، ۱۴۵ | سینبل، ۱۸۲ | سلغارها (سندی)، ۸۲ | رُذُوْنَتی، ۱۵۵ |
| قواد (سندی)، ۲۱۴ | سیندنی (بنگالی)، ۱۴۴ | سلهارس، ۲۸۶ | رس، ۲۰۹ |
| قوال سریسی (سندی)، ۲۰۹ | سپهنده، ۱۶۳ | سِلْهَس، ۲۸۶ | رسوت، ۱۲۰ |
| قوتوری، ۲۵۰ | شارف، ۱۸۳ | سیلهه، ۲۸۶ | رند (سندی)، ۲۱۸ |
| قولوط، ۱۲۰ | شتاور، ۵۶ | سنبهالو، ۴۱ | رنیکا، ۴۱ |
| قویابصل (سندی)، ۴۹ | شدوار (سندی)، ۸۹ | سند، ۱۶۴ | روس، ۴۳ |
| قیرع، ۲۳۷ | شریفه، ۱۸۷ | سندھی، ۱۶۴ | رونا، ۲۷۹ |
| کابیج، ۲۳۶ | شمسیرون، ۲۹۶ | سنگاهولی، ۲۶۸ | رونق الملک، ۵۹ |
| کاپنهل، ۱۴۱ | شکرداری، ۲۱۵ | سنگپره، ۸۸ | ریتهه، ۸۸ |
| کاجر، ۱۰۳ | شل، ۱۸۹ | سِنْکُهارا، ۱۷۹ | زیرکی، ۱۱۳ |
| کاس‌بیل، ۵۵ | شلها (سندی)، ۵۳ | سنگهاوت، ۱۴۴ | زیره، ۲۶۲ |
| کاژراسینکی، ۲۴۹ | شمشیر، ۲۹۶ | سنگهاورت، ۱۴۴ | سایشک (سندی)، ۲۷۰ |
| کاک ماجهی، ۲۱۴ | شمیثا، ۴۱ | سِنْکُپا، ۱۷۹ | ساتر، ۱۹۵ |
| کاکول، ۱۸۸ | شنکر (سندی)، ۲۱۸ | سوا، ۱۸۴ | ساتری، ۱۶۷ |
| کالاکوت، ۲۴۹ | شوخدانه، ۲۰۷ | سوالی، ۱۸۸ | ساج، ۱۶۶ |
| کال‌چنگی، ۳۶ | شوقشمیر، ۲۹۶ | سوب، ۱۵۲ | ساجی، ۲۴۴ |
| کال‌ماجهی (بنگالی)، ۲۱۴ | طالیسفر، ۱۹۹ | سوتن (سندی)، ۵۹ | سانول، ۱۶۷ |
| کالنجی، ۱۹۲ | طلیشفر، ۱۹۹ | سورج الملک، ۵۹ | سپاری، ۲۳۰ |
| کالو، ۲۴۴ | طج، ۲۳۸ | سورج‌مکھی، ۳۴ | سپنی، ۱۶۱ |
| کالی‌جهانپ، ۷۶ | طوذریک، ۹۶ | سورنجان، ۵۶، ۸۰، ۲۱۲ | ستالی، ۱۸۸ |
| کالی‌زیری، ۲۴۹ | عسپوس، ۱۴۰ | ۲۷۰ | ستاور، ۱۸۸ |
| کانده، ۲۴۱ | عشق پیچان، ۲۶۶ | سورنجان، ۱۷۹ | سیج، ۱۸۷ |
| کای پهل، ۱۴۱ | عصای موسی، ۲۱۰ | سورنجان، ۱۸۰ | سجی، ۲۴۴ |
| کایده، ۴۹ | عنا، ۲۱۴ | سوریا، ۴۳ | سَرُپُهوَنَکَه، ۱۷۱ |
| کباب چینی، ۲۴۹ | غنغس الجاری، ۱۷۷ | سونهه، ۱۶۴ | سیرس، ۱۶۹ |
| کبھی بخفای، ۲۲۶ | غنغیطس اشقاقا، ۱۷۷ | سُونْدَهی، ۴۳ | سرساد، ۴۱ |
| کبیت، ۲۶۴ | فانتھاری (سندی)، ۸۴ | سوندهی، ۴۳ | سرس (سندی)، ۱۳۷ |
| کپاس، ۲۴۲ | فاها، ۱۰۶ | سُونَف، ۱۵۲ | سرسون، ۱۱۵ |
| کپاس کاپهول، ۲۴۲ | فرسک، ۱۳۹ | سوهنجه، ۲۲۷ | سرکنده، ۲۴۰ |
| کپور، ۲۴۸ | فَطُسا، ۳۵، ۳۱ | سوی، ۱۵۲، ۱۸۴ | سَرُنجی، ۱۷۰ |
| کپور، ۲۶۴ | فلانج (سندی)، ۵۷ | سَهْجَه، ۱۸۱ | سروالی، ۷۶ |
| | فلوسه‌گد، ۱۴۰ | سیاک‌لاتی، ۱۴۰ | سروق (سندی)، ۶۷ |

| | | | |
|---------------------|-----------------------------|---------------------|-----------------------|
| کت، ۲۳۹ | کسرافى، ۴۹ | کندهیس، ۴۳ | کیرکاکول، ۱۸۸ |
| کتبیکن، ۱۱۴ | کسم‌کاپهول، ۴۲ | کنکنی، ۱۰۰، ۱۴۳ | کیسر، ۱۶۳ |
| کتبیل (بنگالی)، ۲۶۴ | کُسنَب، ۲۱۰ | کنکون، ۱۶۳ | کیکر، ۲۳۷ |
| کت‌پایره، ۱۸۳ | کسونجی، ۲۵۷ | کَنکَهی، ۲۶۳ | کیکرکارس، ۲۳۷ |
| کُترِیلا، ۴۳ | کُسونْیَی، ۲۵۷ | کنکهی، ۲۸۱ | کیکروبیول، ۶۲ |
| کتکی، ۱۳۰ | کُسیرو، ۲۵۷ | کنکپه، ۲۶۳ | کیل دارو، ۱۶۹ |
| کتهاجوری، ۲۵۹ | کشول، ۴۳ | کنوچه، ۲۸۰ | کیلَه، ۲۸۵ |
| کتهل (بنگالی)، ۱۰۴ | کفرجک، ۲۹۳ | کنه، ۲۴۱ | کین، ۱۴۵ |
| کنهه، ۲۳۹ | کُکُرو، ۲۵۹ | کنیر، ۱۴۵ | کینار، ۱۴۰ |
| کتیرا، ۲۵۱ | کُکُروندَه، ۲۵۹ | کُوار، ۱۹۵ | کَینْتی (بنگالی)، ۲۶۴ |
| کج، ۲۹۳ | ککروندَه، ۲۶۱ | کوالهرها، ۱۷۶ | کیوار، ۲۴۸ |
| کجور، ۱۶۱ | ککروهن، ۲۴۱ | کوبرا، ۲۲۷ | کیهر، ۲۴۸ |
| کجی، ۸۷ | ککری، ۲۳۳ | کوبل، ۲۳۰ | کَیَه (سندی)، ۲۸۲ |
| کچری، ۱۴۴ | ککن دهل، ۲۲۶ | کوتهمیر، ۲۵۷ | کیهون، ۱۲۶ |
| کچری تلخ، ۲۳۳ | کلاجن، ۱۳۹ | کورى، ۲۹۳ | گاورس، ۱۰۰ |
| کچله، ۴۲ | کلته، ۱۱۲ | کُویَل، ۲۸۳ | گل انول، ۱۸۲ |
| کُچْنا، ۲۵۲ | کلتهه، ۱۱۲ | کوکنی، ۷۹ | گل رای‌بیل، ۱۵۲ |
| کچو (بنگالی)، ۲۴۳ | کُلهی، ۱۱۲ | کوکولاولا، ۲۳۲ | گل کیوره، ۲۴۸ |
| کچور، ۱۶۱ | کِلز، ۲۵۹ | کوکهره، ۱۱۸ | گندنا، ۲۵۲ |
| کچوله، ۴۲ | کلغه، ۱۲۲ | کولان، ۴۹ | لانی، ۶۶ |
| کددی، ۴۹ | کل کنول، ۲۶۰ | کولر، ۱۰۵ | لال ساک، ۲۱۰ |
| کدو، ۲۳۷ | کلمرچ، ۲۲۷ | کوندل، ۷۵ | لامی، ۲۶۶ |
| کده پرتَه، ۱۲۵ | کل مِهْندی، ۲۵۹ | کونده (بنگالی)، ۲۳۷ | لایجی، ۲۳۲ |
| کدیمه، ۲۳۷ | کَلَن، ۲۶۰ | کُونْله، ۲۶۴ | لایحل مول (سندی)، ۱۷۹ |
| کریخور، ۵۹ | کلنکور (سند)، ۱۱۱ | کوهن (بنگالی)، ۲۹۲ | لُبنی، ۵۳ |
| کرجاورنکوت، ۷۶ | کلونجی، ۱۹۲ | کَوینت، ۲۶۴ | لُجالو، ۲۶۷ |
| کرماله، ۱۴۰ | کِلْوی، ۲۶۰ | کِهْپرا، ۲۳۴ | لستوپری، ۲۵۰ |
| کرمی، ۲۳۳ | کله، ۶۶ | کِهْجور، ۸۷، ۹۴ | لسوده، ۱۶۷ |
| کرنا، ۲۸۹ | کُلْهار، ۲۶۰ | کِهْریج، ۲۵۳ | لُک، ۲۷۰ |
| کرنات، ۵۴ | کلهازی، ۱۲۸ | کُهرْپا، ۲۵۳ | لُک، ۲۷۰ |
| کرنج، ۵۹ | کَلْیان کاتَه (بنگالی)، ۲۶۰ | کِهْرنی، ۲۶۴ | لویا، ۲۷۱ |
| کرواله، ۱۴۰ | کلیجن، ۱۳۹ | کُهنی، ۲۶۰ | لونک، ۸۳، ۲۳۸ |
| کروکسینه، ۲۳۶ | کلی قیسوس، ۲۹۸ | کهنکالی، ۷۹ | لونکهل، ۲۳۸ |
| کروندا، ۲۵۶ | کندبتر، ۱۶۶ | کهنکچی، ۲۱۷ | لُونْگ، ۲۳۸ |
| کُروْندَه، ۲۵۶ | کندبیل، ۴۳ | کِهْپره، ۲۸۷ | لونیا، ۸۳ |
| کززع، ۳۷ | کندل، ۱۷۳ | کِهْیکوار، ۱۹۵ | لونیَه، ۸۳ |
| کژمین (بنگالی)، ۱۴۴ | کندمار، ۲۴۷ | کِهْیونی، ۱۱۲ | لهسن، ۹۸ |
| کُستی (بنگالی)، ۲۱۴ | کندنا، ۲۴۷ | کینکی، ۲۴۸ | لیان، ۱۹۸ |

| | | |
|---------------------|---------------------|------------------|
| مالکَنکَنی، ۲۷۶ | مهاکال، ۱۲۶ | وَطه (سندی)، ۱۲۰ |
| مامهستان، ۱۶۶ | مَهَت، ۴۴ | وقواق، ۲۹۵ |
| ماهوی دانه، ۲۷۶ | مَهَد، ۲۸۶ | هاتورا، ۸۸ |
| مت، ۱۷۱ | مهلت، ۱۸۰ | هازسَنکهار، ۲۹۶ |
| متر، ۲۵۳ | مهلتی (سندی)، ۱۸۰ | هالم، ۱۰۲، ۱۱۵ |
| متر کابلی، ۱۳۷ | مهندی، ۱۲۵ | هالوم، ۱۰۲ |
| متن هنک فار، ۱۲۱ | میتهی، ۱۲۱ | هروهره، ۶۸ |
| مجتری، ۵۶ | میلتی (سندی)، ۱۸۰ | هَرزین، ۶۸ |
| مجتهه، ۲۳۰ | میمو، ۱۷۸ | هست چنکهار، ۱۱۸ |
| مدارا، ۲۰۹ | مین بل، ۱۰۸ | هفت، ۱۵۶ |
| مدقوش، ۲۷۹ | مین پهل، ۱۰۸ | هلدی، ۲۰۸ |
| مرج، ۲۲۷ | ناذبود، ۱۵۹ | هملو (سندی)، ۱۱۶ |
| مرچ، ۲۲۷ | نارغفف (سندی)، ۲۸۸ | هنسیدی، ۵۳ |
| مرچائی، ۱۱۳ | نارغیث (سندی)، ۲۸۸ | هنکفار، ۵۰ |
| مروانا، ۲۷۹ | نارغیست (سندی)، ۲۸۸ | هویر، ۳۹ |
| مَرزَمَدَهون، ۱۷۸ | ناریل، ۲۸۷ | هوزید، ۶۸ |
| مری، ۱۸۰ | ناشیپاتی، ۲۶۱ | هیگ، ۱۲۱ |
| مَسور، ۲۰۷ | ناغیست (سندی)، ۲۸۸ | هیل، ۲۹۶ |
| مسی، ۳۶ | ناکرون، ۲۹۷ | هین (سندی)، ۱۲۱ |
| مشکک، ۱۷۱ | ناکسیر، ۲۸۹ | هینک، ۱۲۱ |
| مکوی و مکوی، ۲۱۴ | ناکفف، ۲۸۸ | هینگ (سندی)، ۱۲۱ |
| مَنکَهاره، ۲۸۴ | ناککسیر، ۲۸۹ | یکهان بید، ۱۰۶ |
| ملهتی حیتهی مد، ۱۸۰ | ناکمتر، ۲۸۸ | |
| منبهل (سندی)، ۱۰۸ | ناکیس، ۲۸۸ | |
| مَنیت، ۲۳۰ | ناکسیر، ۲۸۸ | |
| مند، ۱۶۱ | نالیر، ۲۸۷ | |
| منظر، ۳۱، ۳۵ | نایزه، ۹۳ | |
| موتیه، ۱۵۴ | نَتهی مائی، ۲۰۲ | |
| مُؤسلی، ۲۸۶ | زیرِسی، ۱۰۱ | |
| موفه، ۱۷۱ | نرنسبی، ۶۴ | |
| موکره، ۱۵۴ | نَکاجونی، ۲۹۱ | |
| مُولِ سَری، ۲۸۶ | نَکدبابوی، ۱۵۹ | |
| مولسری (بنگالی)، ۹۰ | نل، ۲۴۰ | |
| مولی، ۲۲۳ | نِم (سندی)، ۳۵ | |
| مون، ۲۸۵ | نَتهی مائین، ۴۰ | |
| مونذی، ۲۸۶ | نیلوپهل، ۲۹۲ | |
| مونک، ۲۷۵ | وائی، ۱۳۰ | |
| مهار، ۱۷۶ | وانسه، ۴۶ | |

۵ - نام‌های سریانی

| | | | |
|---------------------|--------------------|---------------------|------------------|
| آسا، ۳۱، ۳۵ | املک، ۶۲ | بلبلی، ۲۲۷ | حمصلیثا، ۱۲۰ |
| آسای، ۳۱، ۳۵ | انبائتورا، ۶۵ | تحلی، ۱۱۵ | حمصی، ۱۲۴ |
| ابروتا، ۱۹۳ | اندراسیون، ۷۴ | ترمسا، ۹۳ | حمصی دبرا، ۱۲۴ |
| اتبلیس، ۲۲۵ | انزروتا، ۶۶ | تریامان، ۵۴ | حمصی لیتا، ۱۷۹ |
| ادم، ۱۸۰ | انقث الا، ۲۵۱ | تمرا، ۹۴ | حملایا، ۲۷۵ |
| آذارقی، ۴۲ | انکزانا اوکاما، ۶۵ | تملمح، ۱۵۳ | حموعیثا، ۱۲۲ |
| اذوس، ۲۹۷ | اوثرمسوا، ۹۳ | توما، ۹۸ | حوحانیثا، ۴۱ |
| اراثموس، ۷۰ | اوکا، ۷۱ | نین، ۹۶ | حوریکانا، ۱۳۰ |
| ارزا، ۱۹۶ | اوکامانا، ۲۲۷ | ثومادیرا، ۹۸ | حوکا، ۷۱ |
| ارزمی، ۲۶۰ | ایلیقس، ۱۲۶ | جاسا آکاما، ۴۱ | حولانا، ۷۶ |
| ارزند، ۱۹۶ | أکلیل الجیل، ۵۹ | جذوار، ۱۴۴ | حیائوا، ۲۶۴ |
| ارعا حورا، ۴۱ | أیلاقدیشا، ۴۱ | جطرغ، ۱۹۳ | خردلا، ۱۳۰ |
| آزمال، ۴۵ | بابلایثا، ۱۱۵ | جغثاریحثانا، ۲۷۷ | خریعا، ۲۳۶ |
| ارمالی، ۴۵ | بابلس، ۳۳ | حاحی اکامی، ۴۱ | خطری دغیا، ۲۱۰ |
| ازروی، ۶۶ | باقریق خنجر، ۲۱۰ | حالوما، ۳۸، ۳۹، ۱۹۰ | خُفت، ۱۶۷ |
| ازمایلوس، ۸۸ | بانورس، ۷۵ | حبلبلی، ۲۶۶ | خفجرومیثا، ۲۳۷ |
| آسارون، ۴۶ | بَرَبخینا، ۸۲ | حُجثا، ۱۳۲ | خمیری مرجا، ۲۴۹ |
| اسخرون، ۹۶ | برشبقا، ۱۰۷ | حدبی، ۲۹۷ | خمساطرفی، ۴۱ |
| اسطرکاییشا، ۵۳ | بروثا، ۳۹ | حرمل، ۸۵، ۱۱۶ | خُشی، ۱۳۸ |
| اسفلیغین، ۱۵۳ | برورا، ۱۰۰ | خُزَمَل، ۱۱۶ | دبوقا، ۱۴۳ |
| اسقال، ۴۹ | بزوثا، ۳۹ | حروبی، ۱۳۲ | دتبلیغ، ۱۷۹ |
| اسکیغیلای، ۲۴۶ | بزوسیاء، ۳۹ | حزا اوکامی، ۱۸۰ | دُعُثا، ۸۱ |
| اسمرنا، ۲۷۸ | بسباسا، ۱۱۶ | حزازیشا دخیقا، ۱۰۷ | دعثادشغاری، ۸۱ |
| اصطفیلن، ۱۰۳ | بستقی، ۲۲۵ | حزوزی، ۹۴ | دعثادقرطی، ۸۲ |
| اصوفورون، ۲۷۱ | بصلا، ۸۰ | حشرما، ۲۹۰ | دعثاقورینثا، ۱۲۱ |
| اطروغا، ۳۹ | بطباط، ۲۱۰ | حصّ، ۲۹۵ | دعثالغنا، ۱۱۴ |
| اطروکا، ۳۹ | بَطْباط، ۲۱۰ | حطارا، ۲۵۲ | دقتا، ۲۶۴ |
| اغفت، ۵۴ | بطما، ۸۱ | حطری راعیا، ۲۱۰ | دقنادعزی، ۲۶۷ |
| افصی، ۲۱۱ | بطمتا، ۸۱ | حلا دقاصری، ۵۲ | دهنون دوزی، ۲۵۰ |
| اقتولوقایثادشتا، ۷۱ | بلابس، ۸۵ | حلبادشغفینون، ۱۷۳ | دینار، ۲۵۸ |
| اقونطیاون، ۱۳۰ | بلوط ارا، ۲۶۰ | حلبانیثا، ۲۴۶ | ذرعا، ۲۶۱ |
| اکتر، ۹۶ | بلوطاملکا، ۸۷ | حلتیتا، ۱۲۱ | ذفارا، ۱۰۰ |
| ألتینیا، ۲۶۲ | بلوطی صقلا، ۹۴ | حلمثا، ۱۳۶ | رُزّا، ۴۴ |
| السری، ۲۶۴ | بنات مریرا، ۱۲۶ | حمرا دحزوری، ۹۴ | رعاولیا، ۱۵۶ |
| الفشرا، ۲۹۷ | بوسینی، ۲۳۳ | حمرما، ۲۶۴ | رعنادملا، ۲۲۸ |
| المیس، ۲۹۰ | بوفاسفسوس، ۶۱ | حمری مرکی، ۱۲۹ | رعیادیلا، ۱۵۶ |

| | | |
|----------------------|---------------------|------------------------------------|
| رَغَاذِيلا، ۱۵۶ | سَقَى رَغلا، ۷۹ | صامريوما، ۹۵، ۱۱۲، ۱۵۱، فاشار، ۲۲۲ |
| رغبا، ۲۵۸ | سقيلا، ۴۹ | فاشر، ۷۸ |
| رقبه، ۲۶۸ | سكفينه، ۱۷۳ | فاشر، ۱۵۴، ۲۹۷ |
| رقوثا، ۲۹۰ | سكى رغلا، ۷۹ | فاشر، ۲۲۲ |
| رُمَانا، ۱۵۷ | سلطاری، ۱۲۶ | فاشرِشتين، ۲۲۲ |
| رمانادبرا، ۱۰۴ | سلقا، ۱۷۴ | فاشرِشتين، ۲۲۲ |
| رمانامصرينا، ۱۰۴ | سماقيل، ۱۷۵ | فاشرِشتين، ۲۲۲ |
| روديون، ۱۴۵ | سُمَاقيل، ۱۷۵ | فاشرِشتين، ۲۹۷ |
| روزی، ۴۴ | سمرناييوطيقا، ۲۷۸ | فاشرِشتين، ۹۰، ۲۲۲ |
| رومانی دبرقويا، ۲۸۲ | سَنَت ذيبی، ۵۰ | فراييون، ۵۷ |
| ريسنا، ۱۵۳ | سنگ بادکوکافيون، ۴۱ | فرما، ۲۹۸ |
| زرع آدم، ۱۱۲ | سورمور، ۵۵ | فستقی، ۱۱۱ |
| زرع بشاشا، ۱۱۶ | سوسانی، ۱۸۰ | فشا، ۵۷ |
| زرع بطراسلينون، ۲۲۷ | سوسرخون، ۶۵ | فشرا، ۲۵۸ |
| زرعشامر، ۶۷ | شابهی، ۱۸۵ | فشقل، ۱۵۳ |
| زرع شخرونيا، ۸۸ | شَبطاط، ۲۱۰ | فطريئا، ۲۲۶ |
| زرع کرفساد طورا، ۲۲۷ | شبعالعين، ۲۶۹ | فعالا، ۲۲۳ |
| زرقوتبا، ۱۵۳ | شبوئانا، ۱۹۲ | فقوشا، ۱۳۰ |
| زريات، ۱۳۲ | شررفيون، ۲۳۲ | فلنلمنكا، ۲۲۵ |
| زَرير، ۱۶۲ | شطبانی فلوعرين، ۲۱۰ | فندقا، ۸۸ |
| زيررا، ۸۲، ۱۶۲ | شطرکا، ۵۳ | فوئا، ۲۳۰ |
| زنکبيل، ۱۶۴ | شعيعاديمَا، ۴۴ | فوغلی، ۲۲۳ |
| زوفارطيبا، ۱۶۵ | شغدی مریری، ۲۷۱ | فوفلا، ۲۳۰ |
| زوفایشا، ۱۶۵ | شکوئا، ۲۵۸ | فونيئا، ۲۲۹ |
| زوفرا، ۱۱۵ | شَنَازيبا، ۸۴ | فَيَجَل، ۱۶۷ |
| زيتارعا، ۲۷۵ | شنبليذ، ۱۷۹ | فيزيدجاغی، ۱۳۲ |
| زیزوفی، ۲۱۳ | شنکوسا، ۱۵۳ | فیشوئا، ۳۳ |
| سابا حورارا، ۷۱ | شواصر، ۷۷ | فیغنا، ۱۶۷ |
| ساناحور، ۷۱ | شواصر، ۱۹۰، ۲۸۱ | فیلا، ۲۲۹ |
| سحيلس، ۴۳ | شَوَاصِرَا، ۱۹۰ | قاروصیو، ۶۵ |
| سَخی رَغلا، ۷۹ | شواصر، ۱۹۰ | قبار، ۲۵۰ |
| سروبياجبلا، ۲۰۸ | شوشما، ۲۳۲ | قرا، ۲۳۷ |
| سطرکا، ۱۷۱ | شوشمانیا، ۲۹۶ | قرا، ۲۳۷ |
| سعدی، ۱۷۱ | شوشینا، ۱۸۰ | قردی، ۱۳۳ |
| سفین، ۱۷۳ | شیلوم، ۱۷۴ | قرشادوقاتا، ۱۲۶ |
| سفاری، ۸۱ | شیلوما، ۱۷۴ | قَرَصَغَنَة، ۱۵۲ |
| سفرکلا، ۱۷۲ | صاتری، ۱۹۵ | قَرَصَغَنَة، ۱۹۱، ۲۳۶ |
| سفلولا، ۱۶۰ | صازَه، ۲۷۳ | قَرَصَغَنَة، ۲۲۹ |
| | | عینی ثورا، ۹۰ |

| | | | |
|-------------------|-----------------------|----------------------|------------------|
| قرصعنه، ۲۵۲ | کراثادبرا، ۲۵۲ | گرگیری، ۱۰۲ | نیروقل، ۲۹۲ |
| قرطبی، ۱۱۸ | کراعی قمصی، ۱۵۳ | گنده انگزد، ۱۷۳ | نیل فلفل، ۱۱۳ |
| قرطف، ۲۴۱ | کرانی، ۲۵۵ | لحکا، ۲۶۹ | نیلن، ۱۱۳ |
| قرطمان، ۱۲۶ | کراوی سریان، ۲۵۶ | لحیه التیس، ۱۵۱ | نیل‌ی‌شا، ۲۴۸ |
| قرطم هندی، ۱۱۳ | کرفسادطورا، ۲۵۳ | لشانامرا، ۲۶۹ | نینیا، ۲۸۹ |
| قساريسما، ۲۴۰ | کرفسادمیا، ۲۵۳ | لشان ثورا، ۲۶۸ | وردا، ۲۹۳ |
| قشنا، ۲۳۹ | کرفشا، ۲۵۳، ۲۶۱ | لشان صفرا، ۲۶۹ | وردادرمانا، ۱۰۴ |
| قطبا، ۲۴۱ | کرقشا، ۲۳۵ | لوزدمیرا، ۲۷۱ | ورداد صیادی، ۱۴۶ |
| قطبی حمرا، ۲۳۳ | کرکاش، ۵۷ | لوفاعسقی، ۲۳۰ | وردادصیاری، ۲۹۴ |
| قطفا، ۱۷۰ | کرکرینا، ۱۲۵ | لوکا، ۷۱ | ورشا، ۲۹۵ |
| قطیا، ۲۳۳ | کرکم، ۱۶۳ | لیانویون، ۲۶۳ | وض، ۲۹۳ |
| قفطا، ۲۴۱ | کُرکُم، ۱۶۳، ۲۰۸، ۲۵۵ | مامیران، ۲۷۶ | وکونی کرانیس، ۷۳ |
| قلنا، ۱۱۲ | کرکما، ۱۶۳ | مرادکیار، ۲۷۷ | ونا، ۲۵۸ |
| قلفوح، ۱۵۳ | کرکون، ۲۵۵ | مرارت فیلا، ۱۲۰ | هرقلو، ۳۹ |
| قلقوط، ۸۰ | کرکیش، ۵۷ | مرافروط، ۲۷۸ | هطاطی، ۲۱۷ |
| قلقاسی، ۲۴۳ | کرلنفسابه، ۳۱، ۳۵ | مُرَدایانج، ۳۶ | هطی، ۲۱۷ |
| قلومامش، ۴۶ | کرنا، ۲۵۵ | مرسلون، ۱۴۱ | هلابوروس، ۱۳۰ |
| قلیا، ۲۴۴ | کرنب الماء، ۲۹۲ | مریث، ۸۰ | هلیلقی، ۶۸ |
| قمحادرزی، ۱۹۹ | کزیرنء، ۲۵۶ | مشحادیرسا، ۱۸۰ | هیزارنا، ۲۲۹ |
| قنا، ۲۴۰ | کسبرتا، ۲۵۷ | مشحونا، ۱۷۹ | هیقلوس، ۳۹ |
| قنبیرا، ۲۴۵ | کشنی، ۲۳۶، ۲۵۳ | مشکطرامشیر، ۵۴، ۲۲۱ | هیوازما، ۲۹۰ |
| قندیز، ۲۹۵ | کشوش، ۱۰۰ | مشکطرامشیع، ۱۱۳، ۲۹۹ | یبروحی، ۳۰۰ |
| قواباوس، ۷۳ | کَلنج، ۲۵۹ | مقلا، ۲۸۳ | یپلا، ۴۴ |
| قوتری، ۲۵۰ | کللیل ملکا، ۵۹ | مقلیائا، ۱۱۵، ۲۸۴ | یغمیصا، ۱۵۹ |
| قورنیثادطوری، ۲۲۹ | کمون، ۲۶۲ | مقلیانا، ۱۱۵ | |
| قوشنا، ۲۳۹ | کمونء، ۲۶۲ | مقلیثا، ۱۱۵ | |
| قومایس، ۶۷ | کمونادبرا، ۲۶۲ | ملافتون، ۱۲۶ | |
| قیرف، ۲۸۳ | کموناهندو، ۲۶۲ | ملوخیا، ۲۸۴ | |
| قیسادافورسما، ۸۶ | کوزی بویا، ۱۰۷ | منشحیا، ۸۹ | |
| قیس دافورسما، ۸۶ | کوزی دبسما، ۱۰۷ | منشخا، ۸۹ | |
| قیمولیا، ۴۱ | کوزی دهفاختا، ۱۰۸ | میثوبا، ۷۰ | |
| کباعریایا، ۷۱ | کومنون اغریون، ۲۶۲ | میشی، ۲۱۱ | |
| کبیشاحمرا، ۲۵۵ | کهبانا، ۲۲۳ | ناردین دبرا، ۴۶ | |
| کَبیکج، ۲۵۰ | کهبنا، ۲۲۳ | نبات نورا، ۲۵۵ | |
| کتبنا، ۲۲۲ | کَهَنابا، ۲۲۳ | نشرا، ۱۶۹ | |
| کحلا، ۳۹ | کهبانا، ۲۲۳ | نطفئا، ۱۳۶ | |
| کحیلا، ۳۹ | کیا، ۲۸۲ | ننعا، ۲۹۰ | |
| کراثا، ۲۵۲ | گدلنفسی، ۳۱، ۳۵ | ننوا، ۲۸۹ | |

۶ - نام‌های بربری و نبطی

| | | | |
|------------------------|----------------------|------------------------------|------------------------|
| اُکْثَار، ۳۷ | اطماط، ۸۸ | اُشتیوان، ۷۹ | تاغُنْدَسْت، ۲۰۵ |
| اُمَلِیس، ۳۷ | اطموط، ۸۸ | اَعْصَاب، ۱۹۳ | تاغُنْدَسْت، ۲۰۵ |
| اَتْفاح، ۹۴ | اَفار، ۹۹ | اَفار، ۹۹ | تاغیشْت، ۱۵۸ |
| اَذان الشاة، ۳۳ | اَفَلْدان، ۷۵ | اَقْمام، ۳۶ | تاغیشْت، ۱۷۱، ۲۰۷ |
| اَذان الغزال، ۳۳ | افلسطین، ۸۱ | اَقْتَن، ۹۰ | تافرزیرت، ۱۲۶ |
| اَرغیس، ۳۵، ۶۱ | اَقروم، ۱۰۴ | اُکْفیل، ۴۹ | تافسیا، ۹۷، ۱۶۷ |
| اَزْزَغْت، ۶۱ | اَقْطَفیت، ۸۸ | اَمْصوخ، ۶۲ | تافیرا، ۲۵۹ |
| اَسْت، ۲۶۶ | اکثار، ۱۰۷ | اُمَلال، ۹۰ | تافیرا، ۱۷۲ |
| اَشْک بردین، ۶۱ | اکرمیوسنه، ۲۱۹ | اُمَلال، ۹۱ | تاکسوت، ۲۲۴ |
| اَطریلال، ۳۶، ۱۱۸، ۱۵۵ | الازاز، ۲۷۷ | اُمَلال، ۲۱۷ | تاکوت، ۵۵، ۲۲۴ |
| اَطریلان (فاس)، ۱۵۵ | الونی، ۲۷۳ | اُوطمو، ۲۹۵ | تاکُوت، ۹۳ |
| اَیْزَنی، ۲۷۳ | اَمْسَخسر، ۲۹۲ | باذُرْج، ۷۱ | تاکُوت، ۱۶۳ |
| اِبراز، ۶۱ | اَمْسوخ، ۶۲ | بادروج (نبطی)، ۷۱ | تامرت، ۲۶۷ |
| اِبزیر، ۲۰۵ | اناکیر (نبطی)، ۶۳ | بانقیب، ۲۱۰ | تامسورت، ۹۳ |
| اتسویک، ۱۰۷ | انتلی، ۱۴۹ | برهلیا، ۱۵۲ | تاممشت، ۲۰۲ |
| اَذار، ۷۵ | انثار، ۲۰۴ | بَسْلِیت، ۱۴۹ | تانقیت، ۹۳ |
| ادریاس، ۶۵ | انلی، ۱۵۰ | بکسیتلان ازمو، ۲۱۴ | تخصیص، ۲۵۳ |
| ادْمام، ۲۹۴ | اورباس، ۹۷ | بلاسفین، ۱۱۵ | تراست، ۸۰ |
| ارجالون، ۲۲۲ | ایرن، ۲۷۳ | بوخُو، ۱۰۶ | ترفاس، ۲۶۰ |
| ارماس، ۲۴۲ | ایغرتی، ۳۷ | تازیل، ۲۷۰ | ترفس، ۲۶۰ |
| ازاز، ۲۷۷ | ایغسه، ۹۳ | تازرت، ۹۶ | ترمشیر (نبطی)، ۲۸۱ |
| ازالیم، ۸۰ | اُافشرو، ۳۶ | تازرت، ۲۲۲ | تَرَنج، ۴۰ |
| ازبوج، ۲۵۱ | اُداد، ۵۱ | تازْغَلْت (بربری - مصر)، ۲۵۰ | تَرَنج، ۴۰ |
| ازدری، ۱۴۱ | اُدریاس، ۹۷ | | تَرَهْلا، ۷۷ |
| ازروده، ۴۵ | اُدریس، ۹۷ | تازْلَفْت، ۵۵ | ترهلا، ۲۱۹ |
| ازقون، ۱۴۷ | اُذنه، ۵۹ | تازلفت الینو، ۵۵ | ترهْلان، ۱۹۹ |
| اساسنوا، ۱۰۶ | اُرْجان، ۴۴ | تاسکرا، ۲۲۵ | ترهْلان، ۱۹۹ |
| اساسنه، ۱۲۵ | اُرْغیس (اندلس)، ۱۲۰ | تاسْلَت، ۱۵۹ | ترهْلان (آفریقا)، ۲۱۹ |
| اسغارن اَمْشَاتَن، ۳۳ | اُرْزغن، ۶۱ | تاسْلَغا، ۲۱۸ | ترهلیان (نبطی)، ۱۴۸ |
| اسغارن یزان، ۳۳ | اُرْزود، ۴۵ | تاسلِقا، ۱۷۰ | ترهلیه (نبطی)، ۱۴۸ |
| اسقون، ۱۲۶ | اُرْزَمور، ۱۶۶ | تاسْمُت، ۱۲۲ | تَغِیغْشْت (فاس)، ۲۶۳ |
| اسقیراسن، ۸۸ | اُزوری، ۱۴۱ | تاسْمُت، ۱۲۲ | تَقاف، ۸۳، ۸۴، ۹۴، ۲۹۶ |
| اسکروان (نبطی)، ۲۶۹ | اُزیر، ۵۹ | تاشمِصْت، ۱۲۲ | تَفسیا، ۱۶۷ |
| اشلابوس، ۱۴۱ | اُسرغْت، ۱۷۰ | تاصالیمت، ۸۰ | تَکُوت (مغرب)، ۲۲۴ |
| اَصْاص، ۲۷۷ | اُسْلِیلی، ۱۸۴ | تاغفیت (آفریقا و تونس)، ۴۶ | تیرحله، ۴۶ |
| اَطریلال، ۱۵۵ | اُسْامْمن، ۲۱۵ | ۱۳۳۳ | تیزمارت، ۷۰ |

| | | |
|-------------------------|-----------------------------|----------------------|
| تیطمست، ۴۳ | سوارون، ۱۲۹ | مَیمون، ۲۲۲ |
| تیغَل، ۱۲۶ | سیسدار (نبطی)، ۱۴۴ | نَهما (نبطی)، ۲۹۲ |
| تيفرست، ۲۶۱ | طاكا، ۲۰۸ | وازنیر، ۱۴۷ |
| تیفست ازوزغار، ۲۵۱ | طرفاء البستانی، ۴۰ | واوزاق، ۱۴۷ |
| تیکظا، ۱۳۲ | طرمیطس، ۲۶۵ | وتورَلت، ۴۶ |
| تیمرساط، ۲۲۹ | عَروسه، ۲۷۰ | ورحالور، ۲۲۲ |
| تیمزین، ۱۲۶ | عشبة قبری، ۲۹۶ | وَنقازَف، ۴۱ |
| تیمشطان، ۱۴۹ | عَصَاب، ۱۹۳ | هاسیمونا (نبطی)، ۲۹۶ |
| ثابَقا، ۲۱۳ | عضات، ۱۹۳ | هرفلوس، ۲۹۶ |
| ثاروبیا، ۲۳۰ | عَكَنه، ۲۱۲ | هَرَقِلوس، ۲۹۶ |
| ثافیقرا، ۱۴۶ | فاتره (نبطی)، ۲۵۷ | هرقیلوس، ۲۹۶ |
| خَزَشَف (نبطی)، ۱۱۴ | فارنیا (نبطی)، ۵۹ | همون، ۲۲۲ |
| خُزَف (نبطی)، ۱۱۵ | فلشراش، ۱۱۸ | هیطومون (نبطی)، ۱۳۰ |
| خُزَف (نبطی)، ۱۱۵ | فلغیدس (نبطی)، ۱۲۶ | يَخْصِص، ۲۵۴ |
| حرفی، ۲۲۸ | فنا (نبطی)، ۲۴۹ | |
| حسومی، ۲۸۹ | قارنیا (نبطی)، ۵۹ | |
| خَطب السودان، ۳۳ | قاقلی (نبطی)، ۲۸۴ | |
| خَلْبُوب (نبطی)، ۱۲۱ | قربا (نبطی)، ۲۸۴ | |
| خَماما (نبطی)، ۱۲۴ | قرنه، ۴۶ | |
| خندقوق، ۱۲۵ | قَنابری (نبطی)، ۲۴۵ | |
| خندقوقی، ۹۲ | كَزْكَزَهَن، ۲۵۵ | |
| خَنَدَقوقنی (نبطی)، ۱۲۵ | كُسَيْلا (نبطی)، ۲۵۷ | |
| خَمان (نبطی)، ۱۳۸ | كَسِيلی (نبطی)، ۲۵۷ | |
| دیبیداربا (نبطی)، ۱۴۳ | کوری زوله، ۲۱۰ | |
| درغل، ۲۰۴ | لاقلیشت، ۳۷ | |
| رته (نبطی)، ۸۸ | لِحیة امسون، ۵۵ | |
| رستنی نودیه، ۲۱۰ | لصیفی، ۳۳ | |
| رویه منور، ۲۳۰ | مازر (نبطی)، ۲۷۵ | |
| رُوز، ۴۴ | مامیثا، ۶۷ | |
| زان، ۱۶۰، ۱۶۳ | مامیثا (نبطی)، ۲۷۶ | |
| زنبوج، ۲۵۱ | مَرَسَطُس نبطی، ۲۷۹ | |
| سرغنت، ۱۷۰ | مرو، ۱۲۷، ۱۴۲ | |
| سعسع (عبری)، ۱۴۷ | مزابله، ۲۱۴ | |
| سعیع (نبطی)، ۱۴۷ | مَسْمَقار، ۱۶۰ | |
| سَلْدانیون (نبطی)، ۱۷۴ | مَسْمَقران، ۱۶۱ | |
| سَلغوا، ۱۳۲ | مسمقورة، ۱۶۰ | |
| سملایا (نبطی)، ۸۱ | مَشْکِرَامَشِیع (نبطی)، ۲۸۱ | |
| سمون، ۲۲۲ | مشکطرامشیر (نبطی)، ۲۸۱ | |

۷ - نام‌های ترکی

| | |
|----------------------|-------------------|
| ۱۲۹، ابم‌کماجی، | قَراطاط، ۲۳۵ |
| ۲۸۲، اردک، | قوش اوزی، ۲۱۴ |
| ۳۹، ارزوج، | کجتیپ، ۶۵ |
| ۱۵۳، آنْذَر، | کرچک، ۱۳۳ |
| ۲۱۴، اوزم، | کلکله، ۱۹۵ |
| ۲۱۹، ایکده، | ماستواچچکی، ۲۵۰ |
| ۱۴۶، اینبروئی، | ماقوق، ۲۴۲ |
| ۲۶۹، باغ پر باغ، | مرداراغاجی، ۲۱۵ |
| ۶۵، بالدرغان، | واشوه، ۱۲۹ |
| ۲۱۳، بکوزتیکان، | هوم، ۲۹۹ |
| ۱۲۴، بولچاق، | یتلاق قرقرون، ۱۷۱ |
| ۲۴۲، بینوق، | یمیشاز، ۱۶۲ |
| ۹۹، پیلان‌افردی، | یونجه، ۱۵۵ |
| ۱۷۱، توبالاغ، | |
| ۱۰۹، جیکلک، | |
| ۱۷۲، حیوا، | |
| ۱۳۳، خاس، | |
| ۸۵، داغ سوغائی، | |
| ۱۱۰، دویتکانی، | |
| ۱۷۱، سعادی (ترکیه)، | |
| ۸۱، سقز، | |
| ۱۸۰، شیرین‌بان، | |
| ۱۲۹، شیودان، | |
| ۹۹، صفراادوی، | |
| ۱۷۱، طبرقاق (ترکیه)، | |
| ۱۵۳، عَنطوز، | |
| ۳۶، غازایاغی، | |
| ۱۵۵، غازایاغی، | |
| ۱۳۹، غرغات، | |
| ۱۳۰، فجی، | |
| ۲۴۰، قابیش، | |
| ۲۶۰، قارچ، | |
| ۷۸، قارنی‌باروق، | |
| ۷۲، قاسی، | |
| ۲۳۷، قباق، | |
| ۲۶۶، قجی، | |

۸ - نام‌های متفرقه

| | | | |
|--------------------|----------------------|----------------------|-------------------------|
| آبیل، ۳۳ | ابوعیس، ۱۴۰ | ارکه، ۱۲۶ | اسلیج، ۲۷۴ |
| آچین، ۳۳ | ابی دالس، ۲۴۸ | ارمارینون، ۱۲۴ | اسمادوسفرم، ۳۶ |
| آدریس، ۳۳ | ابیغل، ۳۹ | آزمالک، ۴۵ | اسمار، ۳۱، ۳۵ |
| آذریون، ۳۴ | ابیلائس، ۱۰۵ | ارمالک، ۴۵ | اسماروزند، ۳۱، ۳۶ |
| آذریونه، ۳۵ | اپراچنا، ۱۱۳ | ارموش، ۱۷۰ | اسملیس، ۲۸۰ |
| آزرو، ۲۹۱ | اثامنطیقون، ۲۸۷ | ارمیس، ۴۵ | اسمورنین، ۲۵۳ |
| آطرس، ۱۶۰ | اثر، ۳۸ | ارنثاله، ۱۰۵ | اسنولوس، ۵۰ |
| آله، ۱۵۳ | اثقلیا، ۳۸ | ارنوله، ۱۴۵ | اسواس، ۲۰۳ |
| آله قَبْرُونَه، ۶۵ | اِحْطَالَه، ۱۲۲ | اروس بلغار، ۲۶۴ | اشبته، ۲۰۰ |
| آله دَبْقَتَر، ۱۵۷ | احنیه، ۲۶۶ | ارید برید، ۴۵ | اشبرون، ۱۸۹، ۲۰۴ |
| آلیلی، ۱۴۵ | اخرادس، ۲۶۱ | اریدبرید، ۴۵ | اشبطاله، ۱۲۶ |
| آمارقون، ۵۸ | اخراطن، ۸۴ | اریقه، ۱۳۳ | اشتیّه، ۵۵ |
| آمزقور، ۱۵۰ | اخروطن، ۸۴ | ازرار، ۲۹۱ | اشترینه میاطش، ۱۱۶، ۱۱۸ |
| آبارتل، ۲۵۱ | ادریس، ۳۳ | ازلاف، ۱۴۸ | اشتکه، ۱۳۵ |
| آباسیا، ۵۰ | ادریفن، ۲۷۳ | ازورا (حیسی)، ۳۱، ۳۵ | اشقیطله، ۶۱ |
| آباقی، ۱۰۴ | آراقق، ۴۳ | ازیریا، ۱۰۶ | اشقیل، ۸۰ |
| آبالش، ۲۴۹ | اراقوا، ۴۳ | اسپاراغوس، ۲۹۷ | اشموسا، ۵۲ |
| آبجه، ۳۷ | اراه، ۲۸۲ | استر (اندلس)، ۲۷۴ | اشود، ۱۸۴ |
| آبجه، ۲۵۲ | اریاقه، ۱۵۹ | استرمونیه، ۱۰۹ | اصبالاثوس، ۱۴۱ |
| ابراوی، ۱۰۰ | اریلش، ۱۰۴ | اسراش، ۱۳۸ | اصطرك، ۲۰۶ |
| ابریون، ۲۲۴ | اریان، ۵۸ | اسطاقدماغریا، ۱۱۱ | اصل التهل، ۱۶۹ |
| ابرفیون، ۵۵ | ارتارون، ۲۶۹ | اسطراطیقوس، ۱۰۵ | اطرایلس، ۹۴ |
| ابرقان، ۸۱ | ارتکا، ۲۰۴ | اسطورا، ۱۱۵ | أَطْرَمَالَه، ۵۴ |
| ابرقطس، ۱۲۳ | ارجقیل، ۲۵۷ | اسطوماخوس، ۴۸ | اطه، ۱۸۲ |
| ابرقلیون، ۱۰۰ | ارجمونیه، ۲۸۵ | اسفارج الصینی، ۲۵۶ | اطیوس، ۲۳۱ |
| ابرقینون، ۱۰۰ | ارجیولیه، ۱۵۵ | اسفاناج، ۴۸ | اغافت، ۹۴ |
| ابرنان (اندلس)، ۴۹ | اردم، ۳۴ | إسفاناخ، ۴۸ | اغرقتیة، ۲۷۳ |
| ابروخیون، ۸۴ | اردمیردا، ۲۸۰ | اسفلیطس، ۲۰۳ | اغروغن، ۱۲۶ |
| ابرولیه، ۱۲۲ | آرز، ۴۴ | اسفندشغان، ۱۱۵ | اغریذی، ۲۵۶ |
| آبرولیه (ثغری)، ۷۵ | آرزّه، ۴۴ | اسفیدارا راغیا، ۲۸۰ | افادملس، ۱۲۴ |
| ابریجون، ۱۵۸ | ارسطیون، ۱۵۳ | اسفی دیون، ۱۸۹ | افرسیر، ۱۵۷ |
| آبزار، ۳۸ | آزغامونی، ۴۴ | اسقال، ۴۹ | افرقه دلف، ۴۶ |
| ابزراله، ۲۲۲ | ارغیلیم (عبرانی)، ۸۳ | اسقولس، ۸۸ | أَفْلَنْجَه، ۵۶ |
| ابق، ۲۴۵ | ارقطون، ۴۵ | اسکتو، ۴۹ | افیلون، ۱۹۳ |
| ایلر، ۱۶۳ | آزقَطیون، ۴۵ | اسکرسول، ۱۶۲ | اقرون، ۲۲۳، ۲۳۵ |
| ایمیلُس، ۲۸۰ | ارقلیا، ۱۱۹ | إسْلَنْج، ۵۰ | اقرونش، ۱۲۳ |

| | | | |
|------------------|----------------------------|----------------------|----------------------|
| اقربوش، ۲۵۴ | الیش، ۹۸ | انطبذه، ۲۴۸ | ایو سقوامس، ۸۸ |
| اقط، ۱۸۲ | إلیشکه، ۱۴۰ | انطولیا (شام)، ۲۹۷ | أبجالة، ۶۷ |
| اقط (یمن)، ۵۸ | الیلان، ۲۸۳ | انفیطینا، ۱۹۱ | أبجَه (اندلس)، ۱۳۸ |
| اقلولش، ۱۲۹ | الیون، ۱۰۳ | انکولس، ۱۲۲ | أذ یرزا، ۴۲ |
| اقلیشا، ۱۰۳ | اماراقوا، ۵۸ | آنکیز، ۶۷ | أذریون، ۳۵ |
| اقلیولش، ۶۷ | امارنطون، ۵۸ | انلی، ۸۸ | أرتدبرید، ۴۵ |
| اقد، ۱۵۳ | اماری، ۱۳۳ | آنلیه کمیانه، ۱۵۳ | أرتقی (اندلس)، ۱۱۰ |
| اقین، ۷۲ | اماریقون، ۵۸ | انوئیرا، ۱۴۱ | أرجنقه، ۴۴ |
| اقینی، ۱۰۴ | امامانیطس، ۲۹۸ | انیراتا، ۶۷ | أرجیقن، ۴۴ |
| اگت مکت، ۵۹ | اماموس مانیوس، ۲۸۹ | انیلس، ۱۶۵ | أرماک، ۴۵ |
| اگتمکت، ۵۹ | امباشا، ۱۱۱ | اُنْیه دی غائَه، ۲۰۵ | أسطنکه (فرنچی)، ۶۱ |
| اکرفس، ۲۵۳ | امبروسیا، ۶۱ | اویلس و فلوطن، ۱۲۰ | أسفراغس، ۲۹۷ |
| اکروفس، ۱۰۸ | امرباطون، ۱۱۸ | أوبَة قَنِینَة، ۲۴۹ | أسکاطامن، ۶۶ |
| اکسوفیلن، ۲۰۳ | امرو، ۲۶۱ | اودومالی، ۶۸ | أسلیج، ۸۷ |
| اکسیوس، ۵۹ | ام غیلان، ۲۰۳ | اورابالاسطون، ۱۰۴ | أسیدار، ۵۰ |
| الالساقتن، ۶۰ | اموره، ۲۷۵ | اوراهیا سلیون، ۲۵۳ | أشیرتالَه، ۵۰ |
| الالط، ۱۸۲ | امیرون، ۳۰۰ | اورمینون، ۲۲۴ | أشُرَه، ۴۶ |
| الباشه، ۱۳۰ | امیرون (اندلس)، ۲۹۸ | اوفال، ۲۵۹ | أشقیطله، ۶۱ |
| الباین، ۱۵۱ | امیره، ۲۶۹ | اوقانتوس، ۶۱ | أشقیل، ۲۱۵ |
| البوقاله، ۱۵۷ | امیریا، ۲۶۹ | اوقینه، ۵۹ | أشکوذ، ۶۱ |
| التوبل، ۲۴۸ | انبجَه، ۲۸۰ | اولایی بوشاشا، ۱۱۶ | أصطرك، ۲۸۶ |
| الْتَّیه، ۱۲۹ | انبرسول، ۲۸۱ | اولیذا، ۱۴۷ | أغالوجن، ۵۴ |
| الراسن، ۸۰ | اَنْتَلَه (عجمی اندلس)، ۶۴ | اولیه، ۲۵۲ | أغرومی، ۲۸۹ |
| الزُّز، ۴۴ | انجاص، ۴۱ | اولیه دِلْیَیز، ۲۶۹ | أغلیس، ۹۸ |
| السفاقتن، ۶۰ | انجدان رومی، ۲۴۸ | اومادا، ۲۳۳ | إقجالَه (اندلس)، ۲۴۷ |
| السمته، ۲۸۰ | انجرک، ۲۷۹ | اونودیایا، ۲۳۳ | أقسیا، ۵۱ |
| الطانه، ۲۰۴ | اَنْجَرک، ۲۷۹ | ایدع، ۶۹ | أَقْطِن (یمن)، ۵۸ |
| الطردونه، ۱۰۶ | انجره، ۲۵۵ | ایردوساناس، ۶۹ | أکرار، ۵۹ |
| الطورثه شول، ۲۰۳ | انجیله، ۷۸ | ایردوسیاناس، ۶۹ | أکمویزان، ۶۰ |
| الفلیس، ۱۲۲ | اندرساخس، ۶۹ | ایرنجی، ۱۰۵ | ألبایته، ۶۰ |
| القسنینی، ۸۳ | اندرسافس، ۶۹ | ایعاسوفسین، ۱۰۵ | أماسیرنیون، ۱۵۱ |
| القون، ۲۹۵ | اندروساماس، ۶۹ | ایقد، ۱۱۴ | أمیرون، ۲۹۸ |
| الکیا، ۲۸۲ | اندروسامن، ۲۹۸ | ایل، ۷۰، ۲۳۲ | أناطیا (قبطی)، ۶۳ |
| اللقامن، ۲۰۴ | اَنْدُرَوطون، ۶۶ | ایلانجی، ۲۳۲ | أنجوك، ۶۶ |
| النینا، ۲۷۴ | اندمولیا، ۱۰۶ | ایلیقپتران، ۲۶۴ | أنطویا، ۶۶ |
| الویاس، ۹۳ | اندُمیان، ۲۵۶ | ایتارهر، ۱۳۸ | أنقردیا، ۶۷ |
| الوخن، ۲۸۳ | اندوا (ماوراء النهر)، ۱۰۲ | اینه، ۱۲۶ | أوثنا، ۶۷ |
| الیاله، ۱۰۳ | انطاین، ۱۴۵ | ایورش، ۲۸۳ | أوثنا، ۶۸ |

| | | | |
|------------------------|----------------------|-----------------------|--------------------------|
| أوروبنخی، ۶۸ | بُجبلین، ۱۱۶ | برقا مصر، ۷۶ | بشعیرا، ۱۶۹ |
| أوشیرس، ۶۸ | بُجه، ۱۴۷ | برقوقیه، ۲۸۲ | بشکرانیه، ۱۱۴ |
| أهلال قسطا، ۶۸ | بُخترنه، ۶۰ | برکشان، ۲۵۷ | بشلثه، ۱۰۶ |
| أیهقان، ۷۰ | بُخشش، ۲۹۰ | برکینه، ۱۵۴ | بشنه، ۸۰ |
| بابلص، ۷۰ | بدشکان، ۲۵۹ | بزم، ۷۷ | بشنین، ۸۰ |
| بابُلن، ۱۴۵ | بدلیون، ۷۵ | برمس، ۷۷ | بشوش، ۸۰ |
| باجروجی، ۷۰ | بدلوزن، ۱۰۶ | برنفیس، ۲۲۵ | بطالش، ۱۱۸ |
| باخاریون، ۱۴۶ | بدلیره، ۱۰۳ | بزنوف، ۷۷ | بَطْراسالینون (مصر)، ۲۵۴ |
| باخیون، ۷۳ | براجیل، ۲۵۳ | بزنوف، ۷۷ | بطرقیره، ۱۱۹، ۱۵۹ |
| باد دقلنبه، ۱۲۴ | براخشنه، ۱۴۴ | برنوف، ۱۸۳ | بطرمیقی تاغیغشت، ۲۶۳ |
| باددَلبرینه، ۲۶۵ | براذج، ۱۶۱ | برنيس، ۷۷ | بطره، ۸۱ |
| باد دَلَبه، ۲۵۸ | براسن، ۸۰ | برنیکان، ۸۴ | بطوریره، ۱۱۹، ۱۵۹ |
| باددَلینیه، ۲۵۸ | براکیس یری، ۷۶ | بزوانی، ۷۸ | بطورنه ماطرش، ۹۹ |
| باداینگان، ۷۲ | برانیا، ۶۷ | بروانیا، ۷۸ | بطیقی، ۲۹۶ |
| بادبلین، ۱۱۶ | براوایا، ۲۲۲ | برورا، ۱۰۰ | بغصران، ۲۰۴ |
| بادی بلاله، ۱۲۳ | برباریس، ۶۱ | بروله، ۲۸۰ | بقشلمن، ۹۰ |
| باربه دلایر، ۱۰۳ | بربطور (اندلس)، ۲۷۴ | برون، ۲۴۹ | بقش، ۸۲ |
| باربه قُتلیه، ۱۰۳ | بربله، ۲۶۳ | بریدفوقه (اندلس)، ۲۰۵ | بقم، ۸۴ |
| بارزد، ۲۹۱ | بربناقه، ۷۵ | بزیلاستیس، ۱۱۵ | بکا، ۸۵ |
| بارسطوان، ۱۲۴ | بربناقه، ۱۲۲ | بسباس، ۲۱۱ | بکسیس، ۸۲ |
| بارلیوس، ۳۰۰ | بربوث، ۵۲ | بسباس حبشی، ۷۸ | بکم، ۸۴ |
| بارنج، ۱۰۹ | بربوذا، ۵۲ | بسباس نبطی، ۷۸ | بَل، ۸۵ |
| بارون، ۲۰۵ | برتقش، ۴۶ | بستناج، ۸۱ | بَل، ۸۵ |
| بارونوخیا، ۲۳۱ | برتلاقش، ۴۶ | بسطیقون، ۱۰۳ | بل، ۱۳۸ |
| بارویشا، ۲۳۱ | برثماز، ۱۱۳ | بسطیقیا، ۱۰۵ | بلابقس، ۲۶۹ |
| باریلوماین (اندلس)، ۷۳ | برجارش، ۱۱۳ | بشفایح، ۷۹ | بلاثه (اندلس)، ۲۲۹ |
| باسلیقی، ۱۱۳ | بردبلاسقیس، ۱۱۵ | بسقما، ۱۸۳ | بلارجه، ۱۲۹ |
| باشان، ۷۳ | برس، ۲۴۲ | بسقواس (اندلس)، ۲۶۷ | بلاطر، ۲۹۲ |
| باشیون، ۷۳ | برُشتم (آفریقا)، ۱۶۱ | بَسماط، ۱۳۰ | بلاقه، ۱۰۹ |
| باطرنیقی، ۸۷، ۷۵ | برسیا، ۸۸، ۷۶ | بَسناج، ۱۴۸ | بَلان، ۸۵ |
| بالقس، ۳۸ | برسیانا، ۷۶ | بَسینسه، ۹۳ | بَلایه (اندلس)، ۲۲۹ |
| باله، ۷۴ | برسیاندارو، ۷۶ | بسيله، ۹۳ | بَلبراله، ۲۴۸ |
| بَبَره، ۱۱۴ | برسیون، ۷۶ | بسيلة، ۷۹ | بلبوس، ۸۱ |
| بیسطین، ۲۷۵ | برشاد، ۱۸۹ | بُشْبش، ۱۲۶ | بلحشکوک، ۳۰۱ |
| بیلجش، ۱۵۷ | برشک، ۲۲۵ | بُشت، ۱۰۵ | بَلزیااله، ۹۸ |
| بَبَلیه، ۵۸ | برشیاوشان، ۲۵۷ | بشتر، ۲۶۶ | بلس، ۸۶ |
| بَبَلیره، ۵۸ | برطره، ۲۰۵ | بشتناق، ۱۰۳ | بَلسان، ۸۶ |
| بَبیتَه، ۷۴ | برغشت، ۲۴۵ | بشطانیکا، ۸۴ | بطلالة، ۸۷ |

| | | | |
|--------------------|----------------------|----------------------|-------------------------|
| بُلْقیرَه، ۱۱۸ | بوست، ۱۲۴ | بیلیطش، ۸۷ | تهلول، ۷۶ |
| بَلتائین، ۲۶۹ | بوسیر، ۸۸، ۲۴۴ | پرپهن، ۸۳ | تیاج، ۱۵۲ |
| بلورا، ۲۹۶ | بوش، ۹۰ | پیل، ۲۲۸ | تیبی ان و امان، ۱۲۹ |
| بلوسیطون، ۱۰۴، ۱۹۱ | بوش دربندی، ۹۰ | پی زَمی، ۲۶۰ | تیسو، ۸۵ |
| بَلوط، ۸۶ | بوشیاد، ۹۰ | پیل گوشک، ۲۳۰ | تیشرت، ۹۸ |
| بَلَه بانته، ۲۴۸ | بوصیر، ۹۰، ۲۷۷ | تارتقه، ۱۴۷ | تیلِت اینرِفت، ۱۱۹ |
| بلیار، ۱۰۸ | بوطاماخیطس، ۹۰ | تازَه قبرونه، ۶۵ | تیمعْجَا (مراکش)، ۲۲۹ |
| بُلیار، ۲۴۹ | بوطانیه (اندلس)، ۲۲۲ | تازرت، ۹۲ | تیواج، ۹۷ |
| بلیطس (اندلس)، ۸۴ | بوطل، ۲۵۴، ۲۵۹ | تافندوت، ۱۰۹ | ثالیطرن، ۹۷ |
| بلیطش، ۸۴ | بوطولون، ۲۵۴ | تافیزان، ۱۰۳ | ثامرا، ۲۷۱ |
| بلیطن، ۸۴، ۸۷ | بُوقاذائس، ۷۴ | تاکوب، ۲۲۴ | ثریا، ۹۲۷ |
| بناطش اِبادا، ۱۵۳ | بوقی، ۲۹۲ | تاینس، ۱۵۵ | ثریا (اندلس)، ۷۰ |
| بَشْرَقَه، ۱۶۰ | بوقیصا، ۱۴۴ | ترانشول (اندلس)، ۱۹۴ | ثومارس، ۱۰۶ |
| بُشْرُوقَه، ۸۷ | بولوغالی، ۱۰۴ | ترتلی، ۲۰۴ | ثومون، ۹۹ |
| بِشْقَه، ۸۷ | بولیون، ۱۰۳ | ترتقیق، ۲۰۴ | جاجر، ۱۰۴ |
| بتوشه (اندلس)، ۱۷۱ | بوتق، ۷۷ | ترخر، ۱۴۸ | جارکون، ۱۰۷ |
| بتومه، ۵۲، ۱۵۷ | بهار، ۵۷، ۸۰ | ترمانان، ۵۴ | جاسوس، ۱۰۰ |
| بنجاین، ۱۴۳ | بهاسلواواکرا، ۲۹۶ | ترنجاش، ۱۱۳ | جاشوش، ۱۰۰ |
| بَنَقَه، ۸۹ | بهرامه، ۲۱۰ | ترنجان، ۷۱ | جامالا، ۲۷۷ |
| بنک، ۸۸ | بهران، ۱۶۴ | تریامان، ۹۴ | جامسیه (مصر)، ۷۳ |
| بَنک، ۸۹ | بَهْرَة، ۱۹۳ | تسکرت، ۹۸ | جاوردشیر، ۱۰۰ |
| بَنک، ۱۴۳ | بَهش، ۹۱ | بَقْدَه، ۲۵۷ | جاوشیر، ۱۰۰ |
| بَنک مُخَیر، ۸۹ | بهفانج، ۹۱ | بَقْرَد، ۲۵۶ | جاهبَنک، ۷۴ |
| بنکه قیطس، ۳۱، ۳۶ | بهنک، ۱۰۳ | تَقْزِین، ۱۱۳ | جبراهنگ، ۱۰۱ |
| بنور، ۱۵۳ | بیخین، ۷۳ | تلسی جنگلی، ۷۱ | جبرش، ۲۵۰ |
| بنوش، ۱۳۹ | بید موله، ۱۳۶ | تلغوطة، ۳۷ | جبل اهتق، ۱۰۱ |
| بنیشه، ۱۵۰ | بیرو، ۸۰ | تلکنت، ۶۷ | جبلهنج، ۱۰۱ |
| بودی، ۲۷۵ | بیروم، ۴۳ | تلیش، ۲۴۲، ۲۸۴ | جبلهنک، ۹۳ |
| بوذریج، ۸۹ | بیزه، ۹۲، ۲۸۷ | تَلِیوت، ۲۵۰ | جبلهنک، ۱۰۱ |
| بورشاد، ۱۸۹ | بیستی کوسک، ۷۳ | تمک، ۱۱۴ | جِبْلَه، ۸۰ |
| بورفیا، ۴۳ | بیسیم، ۹۲ | تنالیش، ۱۱۵ | جحفیل، ۴۷ |
| بورقداس، ۱۲۲ | بیش، ۲۰۴ | تنطریه، ۲۹۲ | جَجِخْجَن (اهل هری)، ۹۴ |
| بورنسون، ۲۵۸ | بیش موش بیشا، ۹۲ | تَنعِیمه، ۹۵ | جدوار اندلسی، ۶۴ |
| بورَه، ۸۰ | بِیَضْمُون، ۸۸ | تنوب، ۱۹۶ | جراشیا، ۲۳۴ |
| بوریکا، ۱۱۳ | بَیْقور، ۲۹۲ | تنیفن، ۱۰۴ | جرامغه، ۱۴۸ |
| بوریداس، ۱۲۲ | بیقه، ۹۲ | تومالی، ۲۷۵ | جرامقه، ۱۴۹ |
| بوزیدان، ۵۴ | بیقیه، ۹۲، ۱۰۴ | تومرنا، ۲۰۱ | جَزَنَه، ۱۴۸ |
| بُوزیدان، ۸۹ | بیلْمون، ۸۲ | تَوْن تَرَه، ۱۱۵ | جُربونه، ۲۵۳ |

| | | | |
|------------------------|--------------------|---------------------------|---------------------|
| جرجس، ۱۶۶ | جنگل، ۱۰۶ | حرمانه، ۲۰۳ | خَرَم، ۴۸ |
| جرجمه، ۱۳۷ | جنجیدیون، ۱۰۶ | خَرَمی، ۱۷۶ | خَرَم، ۵۴ |
| جرذیونه، ۱۰۸ | جنسفسوج، ۲۴۲ | حسک کوهی، ۱۱۸ | خرمدانق، ۲۵۵ |
| جرمامه، ۲۶۵ | جنشاله، ۱۵۲ | حَسَل، ۱۱۸ | خرنوب نبطی، ۳۰۱ |
| چرموز، ۸۴ | جنطیان، ۱۰۶ | حسم عوسج، ۲۱۷ | خروسوقولی، ۷۰ |
| جَزَمیلک، ۱۰۳ | جنکهارمول، ۱۱۸ | حِشْرِق، ۱۳۹ | خروسوقومی، ۱۳۲، ۱۳۰ |
| جرنوب، ۱۰۳ | جنگلا، ۱۱۲ | حشغنیفل، ۱۸۸ | خروسوموغالی، ۱۳۳ |
| جریال بقم، ۱۰۳ | جَنی، ۱۰۶ | حشیشة القمل، ۱۲۰ | خروهک، ۷۹ |
| چَساد، ۱۶۳ | جُوان سَپَرَم، ۱۰۶ | حضض هندی، ۲۳۰ | خَرامی، ۱۳۳ |
| جَعفده، ۱۲۰ | جوج، ۴۳ | حقوق، ۸۳ | خسکدانه، ۲۶۶ |
| جعدة بحری، ۱۰۳ | جوجهرج، ۱۴۵ | جِلناب، ۱۲۱ | خُسَبَرَم، ۲۸۰ |
| جعفیل، ۱۱۸ | جوری، ۳۰۰ | حلیشا، ۱۲۱ | خشب سومر، ۱۸۱ |
| جغزیه، ۱۷۹ | جوز اُرمانیوس، ۱۰۷ | حلیمو، ۱۲۲ | خشقاقل، ۱۸۸ |
| جَقْلال، ۲۶۶ | جوزناق، ۹۰ | حماروحوش، ۹۵ | خَسَل، ۲۸۳ |
| جَلَبَهَنک، ۱۰۱ | جولق (اندلس)، ۱۰۹ | حندقوا، ۲۹۱ | خلجا، ۲۵۷ |
| جلجمانا، ۲۳۴ | جهنک، ۱۰۳ | حَنْزَاب، ۵۰ | خلجلا، ۲۵۷ |
| جلغوزه، ۱۱۲ | جیرش، ۱۰۹ | حوسالی (اهالی جزیره)، ۱۰۹ | خلوق، ۱۶۳ |
| جلغوزه مصری، ۱۰۵ | جیلغوز، ۱۰۵ | حیصل، ۷۲ | خنجر، ۱۱۴ |
| جلماث، ۲۳۴ | چا، ۹۹ | حیلت، ۲۵۳ | خندروس، ۱۲۶ |
| جلنجمون، ۱۰۵ | چاکشو، ۹۴ | خاروه، ۲۹۸ | خوردیپلان، ۱۸۰ |
| جلنجویه، ۱۰۵ | چراسیا (صقلب)، ۲۳۴ | خالادل، ۵۱ | خوز، ۶۷ |
| جلوکا، ۱۰۰ | چغرب، ۱۸۰ | خالاون، ۱۳۹ | خَوْشان، ۱۳۹ |
| جُلهم، ۱۰۵ | چغرب، ۱۸۰ | خامالاس، ۵۷ | خوشک امحری، ۹۳ |
| جلهنک، ۱۰۱ | چَلاپا، ۱۰۴ | خامانیل، ۷۰ | خوفان، ۲۰۲ |
| جماهو سلیمان، ۱۰۵، ۱۶۰ | چلغوزه، ۱۹۶ | خاوانی (صقالیه)، ۶۷ | خولاذولیون، ۱۳۳ |
| جم جم، ۱۰۵ | چمکدلا، ۲۴۳ | خَیترِف، ۱۳۰ | خَوْنِجان، ۱۳۹ |
| جمسفرم، ۱۰۵ | حاراسوافی، ۹۳ | خراما، ۲۸۰ | خومان، ۲۰۲ |
| جَمشک، ۹۴ | حارکو، ۱۴۴ | خَرامقان، ۱۳۰ | خومر، ۹۵ |
| جُمعلج، ۱۷۰ | حاله غوره، ۶۲ | خراة، ۱۱۷ | خومه، ۹۹ |
| جملج (اندلس)، ۲۱۹ | حاماسوقی، ۱۱۱ | خَرزون، ۱۴۵ | خیاط، ۱۲۵ |
| جَمَیز، ۱۰۵ | حاوزوان، ۲۵۲ | خرپرسته، ۲۹۲ | خیر بوا، ۲۹۶ |
| جُمَیز، ۱۲۳ | حباقا، ۱۲۵ | خرزول، ۱۴۵ | خیرخیر، ۱۷۱ |
| جنید، ۱۹۵ | حباقی، ۱۲۵ | خرسیطس، ۱۰۲ | خیروج، ۱۲۹ |
| جَنَت قابطه، ۱۰۵ | حب جنکلا، ۱۱۱ | خرطال، ۱۳۱ | خَیَسَفوج، ۲۴۲ |
| جَنجِیائَسه، ۱۰۶ | حدق، ۷۲ | خرغول، ۷۸ | خیوخیر، ۱۷۱ |
| جنجبانسه، ۱۳۹ | حدمانه، ۲۸۰ | خَرَقطان، ۱۳۱ | ذازاروان، ۴۴ |
| جنجبنیه، ۱۲۲ | حر، ۱۶۴ | خرقع، ۱۷۳ | داذی، ۱۴۱ |
| جنجقش، ۸۳ | حرحم، ۲۹۳ | خرکوش، ۱۳۱ | دارارون، ۴۴ |

| | | | |
|------------------------|-------------------|---------------------|--------------------------|
| دارِم، ۱۴۲ | دَوْدِم، ۱۴۷ | رواس، ۱۵۹ | زیا، ۱۹۴ |
| دارما، ۲۸۰ | دوراو، ۱۱۷ | رواش، ۲۵۴ | زیزفون، ۲۱۹ |
| دارمک، ۱۴۲ | دوزخولی، ۱۴۶ | روبادوچ، ۲۴۹ | زیغس، ۱۸۲ |
| دارهَلْد، ۱۴۲ | دورحولی، ۱۸۱ | روذ دقنی، ۱۴۵ | زَيْلَعی، ۲۳۹ |
| دافنطس (اسکندریه)، ۱۷۴ | دورحولی، ۲۵۷ | روشکه، ۵۵ | ساذج، ۱۶۶ |
| دانک، ۱۴۲ | دورقنی، ۱۴۷ | روفس، ۱۱۰ | ساراقیاس، ۱۳۶ |
| دانک افرونک، ۱۴۲ | دوقص، ۸۰ | رهلیا، ۶۷ | ساسالیوس، ۱۶۷ |
| دباب، ۱۸۲ | دهاک، ۸۵ | ریشه والا، ۱۷۷ | ساسلیوس، ۲۵۳، ۶۵ |
| دبقت، ۱۴۲ | دهاهاهیج، ۱۴۸ | ریمنده (اندلس)، ۲۱۹ | ساسلیوس، ۱۶۷ |
| دبیراز، ۱۴۳ | دهمست، ۱۵۹ | ریوله (اندلس)، ۲۲۶ | ساصلی، ۱۹۴ |
| دخسیسا، ۱۴۳ | دیاکلمن، ۱۴۱ | ریون، ۱۵۴ | ساطریون، ۱۶۷ |
| دراجن، ۱۳۹ | دیشار، ۲۸۱ | ریهقان، ۱۶۳ | سافاریعون، ۱۳۰ |
| دراشتا، ۲۶۱ | دینارویه، ۱۴۸ | زابر، ۱۶۱ | ساکرکوله (سانس کرت)، ۵۹ |
| دراقیل، ۱۴۳ | دیواسپست، ۱۲۵ | زاثا، ۵۲ | سالم (عبری)، ۱۴۷ |
| دربرق، ۲۱۴ | دیوفونیطس، ۲۷۳ | زجمول، ۲۵۸ | سالی، ۱۶۷ |
| درجکان، ۱۳۹ | ذریون، ۱۸۸ | زحموک، ۲۵۸ | سالین، ۲۵۴ |
| دَزْداب، ۱۴۴ | ذرفی، ۱۵۰ | زردلان، ۱۶۱ | سامان، ۱۶۷، ۱۴۸ |
| دردریه (بکر)، ۲۷۸ | ذرقونن، ۱۳۹ | زرقفت، ۱۶۱ | سایس، ۲۱۸ |
| درق، ۱۲۵ | ذفکر، ۲۲۶ | زرقوری، ۱۵۵ | سبسرین، ۱۱۵ |
| درنک، ۳۸ | ذیره، ۱۲۳ | زرنبوزی، ۸۴ | سپندانک، ۱۱۵ |
| دَرَوَازْد، ۱۹۸ | رابج، ۱۱۲ | زرنبوری، ۱۶۲ | سجا، ۱۶۷ |
| دُزْیان، ۱۴۵ | رابستیاج، ۱۹۳ | زفیزف ونبق، ۲۱۴ | سجستان، ۱۶۷ |
| دسنطو، ۸۵ | رازقی، ۱۵۲ | زُقُشته، ۱۶۳ | سجس افراغیه (اندلس)، ۲۴۳ |
| دعقیلا، ۱۱۸ | راسن (اندلس)، ۱۵۳ | زَمَان شرار، ۷۶ | سجلات، ۲۹۹ |
| دفعینی، ۱۰۳ | رامک، ۱۵۴ | زنابیر، ۹۶ | سجیوس، ۴۳ |
| دِقان، ۱۳۶ | رانج، ۱۰۹ | زَنْبارَه، ۹۶ | سحر، ۲۶۰ |
| دُقْتَرانْش، ۱۴۵ | رائج، ۲۸۷ | زَنْبوره، ۹۶ | سحسونه، ۱۶۷ |
| دقتوریه، ۹۹ | راون، ۱۵۴ | زنبوش، ۹۰ | سَخار، ۱۶۷ |
| دقلیوس، ۶۷ | ریناله، ۲۷۴ | زنیوقه، ۱۲۲ | سخیونس الیا، ۱۴۸ |
| دلویاخوسطس، ۲۳۰ | ربوزی، ۸۴ | زَنْبیره، ۹۶ | سدر، ۱۱۸ |
| دَلِیک، ۱۴۶ | رجنه، ۱۳۳ | زنجبیل شامی، ۱۵۳ | سُدوس، ۲۱۱ |
| دَمادم، ۱۴۷ | رُسفاریتا، ۸۷ | زنجی، ۱۶۷ | سُدوس، ۲۹۲ |
| دَمَدام، ۱۴۷ | رسون هندی، ۱۹۹ | زَنْغباری، ۱۶۴ | سراش، ۱۳۸ |
| دندان ساوکف، ۸۳ | رَشاله، ۴۶ | زَوْبَری، ۱۲۶ | سرالیه، ۲۹۸ |
| دنقه، ۱۴۷ | رغیدا، ۴۴ | زوذوذا، ۱۴۵ | سَرَزْک، ۱۶۲ |
| دوادم، ۱۴۷ | رَکَل، ۲۵۲ | زوفس، ۱۰۳ | سرشاد، ۱۷۰ |
| دویژ (مصر)، ۲۷۳ | رمرام، ۱۵۸ | زول زده، ۲۵۱ | |
| دَوْدَر، ۱۴۵ | رَمْرام، ۱۵۸ | زهرور، ۲۸۹ | |

| | | | |
|----------------------------|--------------------|------------------|--------------------------|
| سرقسنة، ۱۷۰ | سنانی، ۱۵۶ | شبیطاط، ۱۸۵ | شناقه، ۹۹ |
| سرقسطه بلطاله مرکلینه، ۲۶۶ | سُنیراس، ۱۷۷ | شبطه وقرولن، ۷۸ | شندله، ۹۶ |
| سرما، ۱۷۰ | سَنجاب (هری)، ۸۳ | شبناله، ۱۲۳ | شنبر، ۱۱۳ |
| سرمج اطرافاکسیس، ۱۷۰ | سَنجسفویه، ۱۷۷ | شبق، ۸۵ | شنبلید، ۵۳ |
| سرمس، ۱۷۰ | سندروس، ۱۷۸ | شبقه، ۱۱۰ | شنبنش، ۲۵۶ |
| سروی، ۳۰۰ | سَندروس، ۱۷۸ | شَبیبی، ۱۹۱ | شترن، ۱۰۴ |
| سریش، ۱۳۸ | سندوقس، ۵۸ | شبطه، ۲۶۹ | شتله، ۱۵۷ |
| سریقون ارمنی، ۱۹۳ | سندهان، ۱۷۹ | شتین، ۱۴۷ | شَتَلَه، ۶۳ |
| سسطیعون، ۱۶۵ | سندیان، ۱۷۹ | شث، ۱۸۵ | شثمن، ۱۵۳ |
| سطاقانن، ۱۵۹ | سَنفاله، ۱۴۸ | شَحْمَالَه، ۲۶۶ | شندله، ۹۶ |
| سطراطیوس، ۱۷۱ | سَنقِزَه، ۱۳۹ | شَحْمِلَه، ۱۴۸ | شَنَدَلَه، ۱۹۰ |
| سطراک، ۱۶۱ | سِن نوذَه، ۱۵۵ | شَحِیمَالَه، ۲۵۸ | شَنَدَلَه (اندلس)، ۹۶ |
| سطرکا، ۵۳ | سوراج، ۲۴۹ | شریش (ثغری)، ۱۶۲ | شنشظوره، ۱۰۳ |
| سطوبی، ۱۷۱ | سوراهند، ۲۵۷ | شریلیون، ۲۷۳ | شنفیل، ۲۵۴ |
| سطیوس، ۱۰۴ | سوربارو، ۲۸۸ | شرین، ۱۸۷ | شَنقِزِه، ۱۵۳ |
| سفانی، ۱۵۶ | سوفال، ۱۸۱ | شرخره، ۱۱۳ | شنکی، ۲۶۷ |
| سفتک، ۲۹۲ | سوفامینوس، ۹۵، ۱۰۵ | شِرَس، ۱۸۷ | شورش لاطه، ۱۲۳ |
| سفندولیون، ۱۷۲ | سوفطیون، ۱۶۷ | شرغلی، ۸۰ | شوشمشیر، ۷۰ |
| سفودالس، ۱۹۵ | سوفی، ۹۳، ۱۵۷ | ششتره، ۱۸۷ | شوشمیر، ۲۳۲ |
| سقربیون، ۲۰۴ | سوقاسنيس، ۱۰۵ | ششقال، ۱۸۸ | شوطی، ۸۰ |
| سَقْمُونِیا، ۱۷۲ | سوقطیون، ۱۳۵ | شَفِذ، ۱۸۴ | شوکران، ۸۸ |
| سقندوقس، ۵۸ | سیدیریطس، ۲۵۷ | شفلیش، ۲۱۴ | شوله دی رای (اندلس)، ۱۵۰ |
| سقونیوس، ۲۰۱ | سیسبر، ۱۸۲ | شفیقل، ۱۸۸ | شومر، ۱۹۲ |
| سَكْرَجَه، ۱۷۳ | سیسبرونه، ۱۲۲ | شقایق، ۱۸۸ | شَوَنَدَر، ۱۹۲ |
| سکنبویه، ۱۷۳ | سِیسْتَبَر، ۱۸۲ | شقودیون، ۱۸۹ | شیان، ۱۹۲ |
| سَلِیْخَه، ۱۷۴ | سیسنه، ۱۱۳ | شقودیون، ۱۸۹ | شیرق، ۱۹۸ |
| سلیس، ۲۱۸ | سیسون، ۷۹ | شکاعی، ۷۵ | شیشاصینی، ۱۳۳ |
| سمرنیون، ۱۷۶ | سیصامویداس، ۱۳۰ | شَکْرَقَنْد، ۱۸۹ | شیشم، ۱۳۳ |
| سمریا، ۲۵۴ | سیطوس، ۱۹۱ | شَل، ۸۵ | شیشنبر، ۱۱۳ |
| سمسخون، ۱۱۳ | سیقریقرآ، ۱۲۶ | شلار، ۸۰ | شيلم، ۱۱۸، ۱۶۴ |
| سمسقون، ۱۱۳ | سیلونس، ۱۱۴ | شلبش، ۲۵۲ | شینر، ۱۹۲ |
| سمشیر، ۳۴ | سیناپهل، ۱۸۷ | شلوبینی، ۸۰ | صاصل، ۱۹۴ |
| سمفوطن، ۲۶۹ | سیوس، ۱۶۵ | شَلیل، ۱۹۰ | صاصلی، ۱۹۴ |
| سمقشمحون، ۳۴ | شالمن، ۱۶۱ | شمسیر، ۲۳۲ | صَدَح (اهالی سواد)، ۸۴ |
| سمورنیون، ۱۷۶ | شامبه، ۴۸ | شمشرا، ۲۷۹ | صربرا، ۷۱ |
| سمونیون، ۱۷۶ | شانسیه، ۲۶۶ | شمشیر، ۲۳۲ | صغابیس، ۱۹۸ |
| سناتیا، ۲۴۸ | شَبْرِق، ۱۸۴ | شموسا، ۲۸۰ | صمغ طرتوث، ۵۱ |
| | شبريله، ۲۸۰ | شمین، ۲۹۶ | |

| | | | |
|------------------------|--------------------------|--------------------|-------------------------|
| صندل، ۱۵۹ | طرذیلون، ۱۶۷ | طیطان، ۲۰۴، ۲۵۲ | غزاله، ۹۹ |
| صوصل، ۱۹۴ | طرسه (اندلس)، ۲۴۳ | طیلافیون، ۲۸۰ | غرناطش، ۱۵۷ |
| صومر، ۷۱ | طرشقوق، ۲۹۸ | طیلاله، ۹۰ | غرنوقی، ۱۲۹ |
| ضدخ، ۸۴ | طرغاین، ۲۰۱ | طیلسات، ۲۹۲ | غریطیره، ۲۷۳ |
| ضدخ، ۸۴ | طرقتییه، ۲۷۳ | عاقرشمعا، ۳۸ | غساقالس، ۲۴۲ |
| ضومر، ۷۱ | طرقتییه، ۲۷۳ | عالیه و برشقی، ۱۵۳ | غلوکش، ۱۰۴ |
| طاحسک، ۳۵ | طرمش، ۱۲۶ | عبب، ۲۰۶ | غمار، ۳۱، ۳۶ |
| طارطقه، ۱۱۳ | طرنج، ۴۰ | عَبَس، ۱۸۲ | غوتاغبنا، ۲۶۲ |
| طالیسفر، ۱۴۲، ۱۹۹ | طرنشول، ۵۹ | عبهر، ۹۰ | غودیوله، ۲۵۲ |
| طاموغیطن، ۱۱۰ | طُرُنْشول (اندلس)، ۱۹۴ | عَبْهَر، ۲۰۶ | غودیوله، ۸۷ |
| طبرش، ۲۶۰ | طرنه (اندلس)، ۲۴۳ | عَبْیَثْران، ۲۰۶ | غُوشْنَه، ۲۲۱ |
| طخش، ۱۳۹، ۲۰۰ | طُرْنَه ماطر (نغری)، ۱۳۰ | عُتْرَب، ۱۷۵ | غوشنه جنسی، ۲۲۱ |
| طخشیقون، ۲۰۰ | طرنة، ۲۰۳ | عربرب، ۱۷۵ | غوشه، ۲۲۱ |
| طَخْشِیْقون، ۲۰۰ | طرنیه (اندلس)، ۲۴۳ | عروطنیا، ۲۰۷ | غوشه، ۲۲۱ |
| طَرَّاشْنَه، ۲۰۱ | طَرْنِطَر (مایرقا)، ۲۴۶ | عروطنیفه، ۳۴ | فابّه بورکه، ۹۳ |
| طَرَاغْثون، ۲۰۱ | طشور، ۲۰۴ | عَرَقْصان، ۱۵۰ | فابّه دیوزکه، ۱۵۷ |
| طَرَاغین، ۲۰۱ | طشیر، ۲۰۴ | عرقصاء (سجزی)، ۱۲۵ | فارغه، ۲۲۲ |
| طرامشیع، ۲۸۱ | طغارنه، ۲۴۸ | عروس، ۲۹۲ | فاس، ۶۶ |
| طرامه، ۲۰۲ | طغاره، ۲۴۸ | عروسالّه، ۲۷۰ | فاسی، ۲۲۲ |
| طرامیش، ۲۰۱ | طفشیقون، ۲۰۰ | عصب، ۲۶۳ | فاشَرَشین (اندلسی)، ۲۲۲ |
| طرباج، ۱۴۸ | طلخشقون، ۲۹۸ | عقاروم، ۲۸۳ | فاط، ۲۲۲ |
| طربشکه، ۲۷۵، ۲۷۷ | طلق، ۲۶۴ | عَکَر، ۱۱۴ | فاطن، ۷۳ |
| طربه لبّه، ۷۵ | طانیطلی، ۱۸۹ | علسی، ۱۹۵ | فافبوس، ۵۷ |
| طربه لبّه، ۸۷ | طمرشکه، ۲۰۲ | عِلک، ۲۴۴ | فافل، ۲۲۸ |
| طربه لبّه، ۱۵۱ | طمره، ۱۳۳ | عَلِیق، ۲۱۳ | فافیوس الحدقی، ۵۷ |
| طروتوشا، ۵۱ | طَیْنِیه، ۵۵ | علیجان، ۲۱۳ | فالبرس، ۲۲۳ |
| طرجال، ۱۲۶ | طویه، ۲۰۴ | عمار، ۳۶ | فالِیَرْتَس، ۲۲۳ |
| طرحشقون، ۲۹۷ | طورنه شول، ۲۰۴ | عمرو، ۲۵۳ | فالسسیبانه، ۳۵ |
| طرخشقون، ۱۴۷، ۲۹۸، ۳۰۱ | طورنه لینه، ۲۰۴ | عمول، ۷۶ | فالی بورس، ۲۲۳ |
| طرخشوق، ۳۰۰ | طورنّه مَرِیْطش، ۲۰۵ | عتقیل، ۱۸۹ | فانیرستینست، ۲۲۲ |
| طردج، ۱۲۳ | طورنه مَرِیْطه، ۲۰۴ | عَمَم، ۲۱۵ | فجلن، ۹۰ |
| طردج، ۱۵۸ | طَوْرَه، ۲۰۴ | عوقیا، ۱۱۹ | فدلقم، ۲۵۲ |
| طَرْدِج، ۲۵۸ | طوریدخ، ۲۲۴ | عبادیوس، ۱۵۵ | فراخشنه، ۲۶۹ |
| طردجّه، ۱۲۳ | طوطاق اغریون، ۱۲۲ | غالا لوطا، ۷۳ | فَراسیون، ۲۲۴ |
| طردجّه، ۱۲۳ | طولیدون، ۲۱۴ | غالبون، ۲۵۰ | فراسیون، ۲۵۲ |
| طردجّه، ۱۲۳ | طَهْطَف، ۲۰۳ | غاله جیقه، ۱۱۸ | فراشنه، ۱۴۴ |
| طردقبره متیره، ۱۴۷ | طیثومالس، ۲۰۴ | غالییوس، ۱۷۰ | فربوله، ۲۶۶ |
| طردیلن، ۲۵۳ | طَیْرانَه، ۲۰۴ | غبانستر، ۲۸۲ | فربیون، ۵۵ |

| | | | |
|-----------------------------|--------------------|-------------------------|------------------|
| قرنمن، ۲۳۵ | قاباش قبطی، ۷۳ | فلنجه، ۲۵۰ | فَرخار، ۲۲۵ |
| قرداسات الذوائب، ۱۲۱ | قاب طیره، ۱۱۹ | فُلور اورو، ۸۰ | فرسانا، ۷۶ |
| قردمانا، ۲۶۱ | قابی طیاره، ۱۵۷ | فلوقاریش، ۲۸۰ | فِرِسک، ۱۳۹ |
| قرذیوله، ۷۲ | قارجی، ۷۵ | فلوماین، ۲۰۵ | فرفجین، ۸۲ |
| قرز، ۱۲۱ | قاروذا، ۱۰۷ | فلومس اداوژش، ۱۵۳ | فرفه، ۸۳ |
| قرسطاریون، ۱۷۱ | قاع قُلا، ۲۳۲ | فلیطش، ۸۷ | فرقین، ۸۳ |
| قرشبیون، ۱۰۳ | ققالیا، ۲۳۲ | فلیفله، ۲۲۸ | فرلیون، ۱۰۳ |
| قُرش قبله، ۲۵۷ | قافل، ۵۲، ۲۳۲ | فلیفلة، ۲۲۸ | فرنّت، ۱۸۳ |
| قرشیقا، ۱۰۶ | قاقلا، ۲۴۳ | فم، ۲۲۹ | فروودهامان، ۲۲۵ |
| قرصعنه، ۱۴۳ | قافله صغیر، ۲۳۲ | فنال، ۱۴۸ | فروودیلاون، ۲۲۵ |
| قِرَیْمان، ۲۳۸ | قاقلی (قبطی)، ۲۳۲ | فنجریون، ۲۲۸ | فریثا، ۲۲۹ |
| قرمد، ۲۵۵ | قاقیا، ۲۳۳ | فَنجیون، ۲۲۸ | فریقان، ۲۳۵ |
| قرمقام، ۲۵۶ | قالامغسطس، ۹۹ | فنطسی، ۱۲۴ | فریقه، ۱۲۰ |
| قرنبا، ۱۲۲ | قالیورس، ۶۱ | فنتقین، ۱۰۳ | فسولیدس، ۲۴۹ |
| قرنباذ، ۲۵۶ | قامارون، ۱۰۶ | فنلیه، ۷۸ | فسولیدوس، ۲۴۹ |
| قرنیبط، ۲۵۶ | قاوند، ۲۳۳ | فورس، ۲۵۸ | فُشاغ، ۲۲۶ |
| قرنغار، ۲۵۶ | قبتوریه، ۲۵۴، ۲۵۸ | فورش ابجی، ۲۷۵ | فشاله، ۲۰۱ |
| قرنغار، ۲۵۶ | قبساطه، ۹۹، ۱۴۳ | فوروفش، ۱۵۵ | فُشغ، ۲۲۶ |
| قرونله دِکائبة، ۵۹ | قبسطاله، ۱۲۷، ۱۵۳ | فوشنه، ۲۲۶ | فصون، ۲۷۱ |
| قرونه، ۲۹۶ | قبسطون، ۲۷۷ | فوعین، ۲۳۰ | فطراسلیون، ۲۲۶ |
| قَرَنوة، ۲۳۸ | قبلی (مشرق)، ۲۰۷ | فوفارون، ۱۲۵ | فقیل، ۲۲۶ |
| قَرَنه، ۱۲۹ | قبلوط، ۲۵۲ | فُوقش، ۲۷۵ | فل، ۱۳۸ |
| قرنیثا، ۲۲۹ | قَبْلَه موره، ۲۵۷ | فوکرم، ۱۱۸ | قُل، ۲۲۷ |
| قروسوقیون، ۴۵ | قجنار، ۸۴ | فولیون، ۱۰۳، ۲۳۰ | فلاخان، ۱۸۳ |
| قروطن (قبرس)، ۱۳۳ | قحوان، ۵۷ | فوهل، ۷۶، ۲۴۵ | فلایه، ۱۰۵ |
| قربوله، ۲۶۶ | قُدْلَبه، ۱۵۱ | فیاس، ۶۶ | فلجون، ۱۵۷ |
| قربون، ۲۵۴ | قُدْرُوس، ۲۳۴ | فیاقه، ۹۳ | فلجه، ۱۵۷ |
| قُرْحی، ۸۴ | قذلبه (اندلس)، ۱۵۱ | فیطل، ۲۰۴ | فلجیون، ۱۵۷ |
| قزقحیر، ۸۳ | قرادامنی، ۱۸۲ | فَیْطل، ۲۰۴ | فلحون، ۱۶۹ |
| قسس، ۲۶۶ | قرادسینی، ۱۱۶ | فیقایفا (عبرانی)، ۵۷ | فلفلمون، ۲۲۸ |
| قُسْطانیقی، ۸۴ | قراضیا، ۲۳۴ | فیقوس، ۱۰۵ | فلفلموی، ۲۲۸ |
| قُسْطانیقی (اهالی سواد)، ۸۴ | قراطاغونز، ۲۳۵ | فیقومورا، ۱۰۵ | فلفل مویه، ۲۲۸ |
| قَسْطَرُون، ۲۳۹ | قَراطارِغُون، ۲۳۵ | فیقه، ۹۶ | فلفل مویه، ۲۲۸ |
| قسطولیدون، ۲۴۹ | قراطارس، ۱۴۷ | فیقه متیره، ۱۰۵ | قُلُقْلمویه، ۲۲۸ |
| قسطیدس، ۲۰۱ | قراطیارغیون، ۲۳۵ | فیلاتاریون، ۶۸، ۷۱، ۱۵۵ | فللمون، ۲۲۹ |
| قسطیس، ۲۰۱ | قراقیا، ۱۵۷ | فیلون، ۲۳۱ | فلمویه، ۲۲۸ |
| قسعر، ۲۳۳ | قرالنا، ۲۳۵ | فیلیطس، ۲۳۱ | فلنجوس، ۲۷۳ |
| قسماط، ۱۳۰ | قرانیا، ۱۶۰، ۲۳۵ | فیتس، ۹۲ | فلنجه، ۵۶ |

| | | | |
|-------------------------|----------------------------|--------------------|--------------------|
| قَسَوس، ۱۲۱ | قَلْنَبَرَه، ۲۰۴ | قوفا، ۲۴۴ | کاوی، ۴۵، ۲۴۸ |
| قَسیناد، ۲۶۶ | قَلْنَبَه فَوَلَه، ۳۴ | قو قابس، ۱۴۸ | کاهوجرنه، ۳۸ |
| قَشَطَنیولا، ۸۰ | قَلَنبیل، ۱۴۱ | قوفو، ۱۶۳ | کباس، ۱۲۴ |
| قَشَطَنیولَه، ۱۴۵ | قَلْنَبَیْنَه، ۱۵۰ | قولار، ۲۵۶ | کَبَسون، ۲۵۰ |
| قَشَقابن فِلَسدیار، ۱۴۱ | قَلَنَسد ناردین، ۱۴۱ | قولاله، ۲۶۳ | کَبلاس، ۱۲۴ |
| قَشلومن، ۱۱۴ | قَلوس، ۲۷۷ | قولانی، ۲۴۷ | کَبیکج، ۲۵۴ |
| قَضُبور، ۲۵۷ | قَلوبن، ۱۰۳ | قولجیاله، ۲۵۶ | کَتائی بزرگ، ۷۸ |
| قَصفا، ۱۳۳ | قَلیجوله، ۱۶۱ | قوللَیْه، ۲۵۶ | کُتَیْلَه، ۲۵۱ |
| قَطبا، ۱۱۸ | قَلیقِل، ۲۷۴ | قولوقیمن، ۱۵۳ | کُتَیْنِیَه، ۲۵۱ |
| قَطریل، ۱۶۸ | قَلیماطِطُس، ۱۶۱ | قولوکتش، ۱۲۶ | کَحدان، ۲۱۸ |
| قَطلم، ۱۶۶ | قَلیماطِطُس، ۱۶۱ | قوله د قَباله، ۱۵۱ | کَحلا، ۲۱۸ |
| قَطلونیه، ۸۰ | قَلیمونه، ۹۰ | قولی، ۲۵۶ | کَحلوان، ۷۸ |
| قَعْبَل، ۲۲۶ | قَلَبون، ۱۳۶ | قومارقوس، ۱۰۶ | کدر، ۲۴۸ |
| قَعیلاس، ۳۴ | قَلَبون دِغاته (نغری)، ۱۳۵ | قومن، ۲۴۷ | کربز، ۲۵۳ |
| قَفالوط، ۲۵۲ | قَلَبونش دِغاته، ۱۵۰ | قَهلمان، ۲۸۰ | کَرَدیلن، ۲۵۳ |
| قَفَلوط، ۲۴۳، ۲۵۲ | قَمسِیل، ۱۴۸ | قیرون، ۲۳۸ | کَرَساخسن، ۱۷۰ |
| قَفورا، ۱۴۳ | قَمِش، ۲۶۲ | قیسارون، ۲۰۱ | کُرُشَف، ۲۴۲ |
| قَلالِق، ۲۴۴ | قَمضانا، ۵۹ | قیستوس، ۲۶۵ | کَرسنه، ۱۰۴ |
| قَلامُغرسطس، ۱۴۸ | قَنابری، ۷۶ | قیطاقون، ۹۳ | کَرشاد، ۱۰۶ |
| قَلامتِی، ۲۲۹ | قَنار، ۱۱۴ | قیطس، ۳۱، ۳۵ | کَرکر، ۱۹۶ |
| قَلاترَه، ۲۵۷ | قَنالَه، ۲۶۹ | قَیْتَب، ۲۹۰ | کَرکرامحری، ۹۳ |
| قَلاترَه کِمبائَه، ۲۵۷ | قَناهندی (خوازنه)، ۸۵ | قیقیدیس، ۲۱۱ | کَرکمان، ۱۲۵، ۲۹۱ |
| قَلانُش، ۲۴۳ | قُنباله، ۲۵۱ | قیلورا، ۱۴۴ | کَرکی، ۲۵۵ |
| قَلَب، ۲۴۳ | قُنَبیط، ۲۴۵ | قیمص، ۲۴۷ | کَرکیشه، ۱۵۹ |
| قَلَبِرَلَه، ۲۷۳ | قُنَبیط، ۲۵۶ | قیمولیا، ۲۶۴ | کَرنباد، ۲۵۶ |
| قَلجونه، ۲۴۳ | قَنلوله، ۲۷۵ | قینا، ۲۴۷ | کَرنج (تورانی)، ۴۴ |
| قَلخِیغَن، ۱۰۸ | قَنجوله، ۱۲۲ | قیوند، ۲۳۳ | کَرنجونه، ۲۴۳ |
| قَلَس، ۱۸۲ | قَنطا، ۶۹ | کابور (ترمذ)، ۷۵ | کَرنونش (فاس)، ۲۲۳ |
| قَلشتر، ۱۸۹ | قَنلیه، ۱۵۵ | کات، ۲۴۸ | کَرنِیبا، ۱۰۶ |
| قَلطانه، ۲۵۰ | قَنول، ۱۴۱ | کاربا، ۲۶۴ | کَروفس، ۱۲۷ |
| قَلغورا، ۱۴۳ | قَنی، ۲۴۴ | کاشوش، ۱۰۰ | کَرویانه، ۲۵۵ |
| قَلغون، ۸۱ | قَنیره، ۲۸۰ | کافوریوه، ۲۴۹ | کَریلا، ۲۵۶ |
| قَلغونیا، ۱۵۲ | قوتارشوق، ۱۵۲ | کافوری نر، ۵۷ | کَریله، ۲۵۶ |
| قَلقاس، ۱۸۱ | قوث، ۲۹۳ | کافوریه، ۵۷ | کَزَر، ۲۶۳ |
| قَلَقَل، ۲۴۴ | قوریون، ۲۹۸ | کافیشه، ۲۱۰ | کَزَمازَج، ۵۷ |
| قَلَقِل، ۲۴۴ | قوسی، ۲۰۱ | کالَسندروس، ۲۶۴ | کَزَمازَق، ۵۷ |
| قَلقلان، ۲۴۴ | قوشیا، ۲۳۹ | کامن قزیان، ۲۵۷ | کَزوان، ۲۵۷ |
| قَلقونیا، ۲۴۴ | قوطاما، ۲۴۷ | کاول، ۲۵۲ | کَسَت، ۲۳۹ |

| | | | |
|-------------------------|-----------------------|----------------------|----------------------|
| کستج، ۸۴ | کمیش، ۲۶۲ | گردهیار، ۱۰۳ | مابرونه، ۱۶۴ |
| کَستُج (اهالی سواد)، ۸۴ | کناروس، ۱۱۴ | گریال، ۱۰۳ | مادله، ۹۹ |
| کَسنموقا، ۲۵۷ | کناس، ۲۶۲ | گیاکو، ۱۷۸ | مادیون، ۲۸۷ |
| کسمویا، ۲۵۷ | کَنِب، ۲۶۲ | لاعون، ۲۶۵ | ماراقونا، ۱۵۷ |
| کستیون، ۲۵۸ | کنباث، ۲۶۲ | لاقئون، ۲۵۸ | مارش، ۱۰۳ |
| کُسول، ۲۵۷ | کنجر، ۱۱۴ | لاقوره، ۱۴۰ | مارکیا، ۲۹۷ |
| کُشبه، ۴۱ | کنجروس، ۱۰۰ | لَبَرال، ۲۶۶ | مارکیوا، ۲۸۸ |
| کُشت، ۲۳۹ | کندر، ۲۷۴ | لبوکا، ۲۷۵ | مارون، ۲۷۵ |
| کُشج، ۲۵۸ | کُندری، ۲۶۳ | لَنکو، ۲۶۷ | ماسفرم، ۲۷۵ |
| کُشرنا، ۲۶۱ | کندریا، ۲۷۴ | لیحیانی، ۲۶۷ | ماسقدون، ۲۷۵ |
| کُشط، ۲۳۹ | کندش، ۲۱۶ | لختیره، ۱۵۵ | ماسقود، ۲۷۵ |
| کشمخه، ۱۲۳ | کنده بهروزه، ۷۲ | لذار، ۲۶۶ | ماطرشَلَبَه، ۱۶۰ |
| کشمخ، ۱۲۳ | کندیر، ۱۹۹ | لسباراغوس، ۲۹۷ | مَالَبَه، ۱۲۹ |
| کُشْمُخ، ۲۴۳ | کوتاکبنا، ۲۶۲ | لطره، ۲۵۱ | مَالَبَه اوراطه، ۱۲۹ |
| کُشج، ۲۵۸ | کورش، ۱۳۹ | لما، ۲۱۴ | مَالَبَه بَشکَه، ۱۲۹ |
| کشوت زَنجی، ۵۶ | کورو، ۱۳۲ | لَم لَم (برنیق)، ۲۷۱ | مَالَبَه مِلوخه، ۱۲۹ |
| کستیون، ۲۵۸ | کوزا، ۲۸۳ | لِنقَوْدِنوی، ۲۵۲ | مالیا، ۱۴۴ |
| کفسون، ۲۵۰ | کُوسک (بستی)، ۷۳ | لوبیانیه (اشبیل)، ۴۶ | مالیا، ۲۷۶ |
| کفلیون، ۱۰۳ | کوشکروا، ۱۱۸ | لوسطیون، ۱۵۸ | ماما، ۲۷۵ |
| کلاکون، ۹۲ | کوکروا، ۱۱۸ | لوعَجِدِیطوس، ۲۷۳ | ماماقولا، ۱۰۶ |
| کُلت، ۲۵۹ | کولپر، ۱۲۱ | لوفا، ۲۷۴ | مامیران، ۲۰۸، ۲۱۶ |
| کُل داودی، ۲۵۹ | کُولَم، ۲۲۷ | لوفای کبیر، ۲۴۶ | مامیر (قبطی)، ۲۷۱ |
| کُلکان، ۲۵۲ | کومرثل، ۲۶۴ | لوقابا، ۱۴۰ | ما هویداته، ۲۷۶ |
| کلموج، ۱۵۳ | کوم (ماوراءالنهر)، ۹۹ | لوقابس، ۱۴۰ | مرا، ۲۷۸ |
| کلنبار، ۲۵۰ | کوهج، ۱۶۲ | لوقاس، ۲۷۴ | مراتیا، ۲۹۹ |
| کلنج، ۲۶۰ | کوهیان، ۲۵۲ | لوقاقاَنا، ۲۷۴ | مراطولس، ۲۴۹ |
| کلنکار، ۲۵۰ | کهکب، ۷۲ | لوقاین، ۲۷۴ | مرانیه، ۲۹۹ |
| کلنکرد، ۲۶۰ | کهکم، ۷۲ | لوقیدس، ۱۵۵ | مِرثش، ۳۶ |
| کِلَنکک (بستی)، ۸۳ | کهورات، ۲۶۴ | لوقیموس، ۵۸ | مِرْزَیَه، ۳۶ |
| کلوقورون، ۱۸۰ | کهیرک، ۷۲ | لِهولوقوغَزاتیس، ۲۷۴ | مرخ، ۲۱۱ |
| کلیکان، ۲۶۰ | کیسرگونه، ۱۰۳ | لیتوقش، ۱۳۳ | مرداودوش، ۱۱۳ |
| کماذریوس، ۲۵۹ ۸۶ | کیسومر، ۱۰۳ | لیتوقه کنبیانه، ۱۳۳ | مرددوش، ۱۱۳ |
| کمالیون، ۲۶۱ ۵۱ | کیکج، ۱۸۶ | لیثانوس، ۲۷۴ | مردقوش، ۲۷۹ |
| کُمثری چینی، ۲۶۱ | کَیک واشه، ۲۶۴ | لیرون، ۵۰ | مِرْذَکَی، ۲۷۸ |
| کَمَرَزَهَره، ۲۶۱ | کیلکان، ۲۶۴ | لیلَنج، ۲۹۲ | مرز، ۲۴۷ |
| کَمَرک، ۲۶۱ | کیموس، ۱۰۰ | لیناری (رومانی)، ۲۵۱ | مرس، ۲۷۹ |
| کم کام، ۱۹۸ | کِیَه، ۲۸۲ | لینوسطو، ۸۵ | مرسیفا، ۷۶ |
| کموتان، ۱۰۳ | گاودر، ۲۹۸ | لینوفر، ۲۹۲ | مرسینوس، ۳۶ |

| | | | |
|----------------------------|------------------------|----------------------|------------------|
| مرطنه، ۹۹ | مطرقان، ۹۸ | مهرمان، ۵۷ | نمشک، ۲۹۰ |
| مَرَطْنَه، ۱۴۸ | مطرونیه، ۱۰۶ | میبریان، ۳۶ | نمیسقن، ۲۵۳ |
| مرطولست، ۲۷۹ | مَقْلَوس، ۲۷۲ | میبه، ۲۸۶ | نواصیر، ۳۰۰ |
| مرماحور، ۹۱ | مَقْدونس، ۲۵۳ | میدیغی، ۱۵۳ | نوجی، ۱۰۷ |
| مَرْمَاحور، ۲۷۹ | مقدونیس، ۲۵۳ | میرادون، ۲۸۰ | نوفر، ۲۹۲ |
| مرماحوز، ۲۷۹ | مقر، ۱۹۵ | میس، ۲۷۲ | نوکانی، ۱۲۱ |
| مرماخور، ۲۷۵ | مقشلان، ۸۰ | میشهار، ۳۷ | نمشک، ۲۹۰ |
| مَرْمَازاد، ۲۷۹ | مقلونیا، ۲۸۵ | میشنای، ۲۸۶ | نیاشیرش، ۲۸۲ |
| مرماطوس، ۲۸۰ | مقلیانا، ۱۱۵ | میشو، ۴۱ | نیشق، ۴۱ |
| مرماهوس، ۲۸۰ | مکوجوا (زنج)، ۹۵ | میشهار، ۵۷ | نیشوف، ۵۱ |
| مِرْمَلاط، ۲۷۹ | مَلَّاجه بطره، ۱۴۳ | میکلس، ۲۸۷ | نیشوق، ۴۱ |
| مَرْنَاغر، ۱۰۲ | مَلْبَالَه (ثغری)، ۱۳۰ | میواقتوس، ۲۸۷ | نیطافلی، ۲۹۲ |
| مرناغر، ۲۸۰ | ملجاله، ۹۸ | میودیون، ۲۸۷ | وارونه، ۱۰۹ |
| مروریه، ۲۸۰ | ملمندر، ۸۸ | مَیوره، ۱۱۳ | وَخشیزق، ۲۹۳ |
| مروریه، ۲۸۰ | مِلْمَنْدَر، ۸۸ | میوس، ۱۰۳ | وریوعن، ۲۴۹ |
| مرولیه، ۱۳۳ | ملوغه، ۱۲۹ | میوش اوطا، ۸۳ | ورد و فرا، ۱۸۸ |
| مَرُیش، ۱۴۰ | مُلون، ۸۱ | مُوش اوطیش، ۱۱۹ | ورس، ۲۵۵ |
| مزوبه، ۲۳۷ | ملونیا، ۲۸۵ | نارتکس، ۲۵۹ | وَرَس، ۲۹۵ |
| مستساققل، ۱۴۸ | ملیونا، ۸۱ | نارکیو، ۲۸۸ | وَرَس غُنده، ۳۹ |
| مس غات، ۲۸۱ | ممونون، ۲۸۰ | نارِکِیَوَا، ۲۸۸ | ورشن، ۲۶۳ |
| مسک طرامسیع، ۲۲۹ | متجوشه، ۱۷۸ | نارماسیس، ۲۸۸ | ورطوری، ۲۹۵ |
| مسمقوره (عجمی اندلس)، ۱۶۰ | مَتَجوشه، ۱۷۸ | نارین بری، ۲۲۸ | وریزه، ۹۹ |
| | متوله میوره، ۲۷۵ | ناغبشت، ۲۸۸ | وسیج، ۲۹۵ |
| مسیخا، ۱۸۱ | منداغورس، ۳۰۰ | ناغبشت، ۲۸۹ | وَشیج، ۲۹۵ |
| مشا، ۲۸۱ | مندغوره، ۳۰۰ | نانخواه (اندلس)، ۲۲۸ | ونجهک، ۲۹۶ |
| مشتجی، ۲۸۲ | مَنده، ۱۱۳ | نَبال (اندلس)، ۱۲۸ | هازان، ۱۱۳ |
| مُشْتَلِیش، ۲۸۲ | مُشائَه، ۹۴ | نَبَسیروله، ۱۵۳ | هازوما، ۱۱۳ |
| مشک، ۱۸۰ | مو، ۲۸۵ | نبقیرس، ۸۰ | هال، ۲۹۶ |
| مشکطرامشیع، ۲۲۹ | مواغرن، ۲۸۵ | نبنیا، ۲۶۲ | هال بوا، ۷۰، ۲۹۶ |
| مشمش، ۳۰۰ | موران، ۲۸۷ | نجاله، ۲۹۰ | هاهیرون، ۹۵ |
| مشیشترو (فاس)، ۲۲۹ | موران، ۲۸۷ | نَرْتِیُقس، ۲۹۰ | هراس، ۵۹ |
| مصطنجی، ۲۸۲ | مورجون، ۱۵۷ | نرثقس، ۲۵۹ | هرانیه، ۲۹۶ |
| مطخشاله (اندلس)، ۲۶۶ | مورقا (اندلس)، ۲۸۵ | نزار، ۳۸ | هرتما، ۱۱۳ |
| مطر دیه (عجمیت اندلس)، ۲۴۲ | موریون، ۳۰۰ | نعاقلیس، ۲۱۱ | هرطمان، ۲۶۳ |
| | موز، ۲۰۳ | نغرون، ۱۲۶ | هرقلوه، ۲۹۶ |
| مطرقال، ۹۸، ۲۶۶ | موزق، ۲۸۰ | نغزک (تورانی)، ۶۳ | هرقلیون، ۱۸۲ |
| مَطْرَقال (اندلس)، ۹۸ | مولی، ۲۸۶ | نقخارس، ۱۶۵ | هرقولیون، ۱۸۲ |
| مطرقال (اندلس)، ۱۸۹ | موئج، ۲۸۶ | نلک، ۱۶۲ | هَرْتُونْد، ۲۹۷ |

| | |
|-------------------|-------------------------|
| هرنوه، ۲۹۶ | یرامع، ۲۹۷ |
| هرنوة، ۲۲۸ | یَرْطُور (مغرب)، ۷۴ |
| هَرْنُوة، ۲۳۸ | یربطوره، ۲۶۲ |
| هَرّوا، ۲۸۶ | یربطورة (اندلس)، ۲۰۸ |
| هسک آقه، ۲۱۰ | یَرْطَه، ۱۰۶ |
| هسک توم، ۲۱۰ | یربوز، ۱۶۲ |
| هُسْكَفَر، ۲۱۰ | یربوع، ۴۹ |
| هشرار، ۱۱۳ | یَرْه اشبیلی، ۲۰۴ |
| هشقیقل، ۱۸۸ | یربه اوناله، ۸۰ |
| هَلْتی، ۱۷۴ | یَرْه اوناله، ۱۴۵ |
| هلموت، ۱۲۲ | یَرْه بانکه، ۲۵۷ |
| هلهل، ۹۲ | یَرْه بُذلییره، ۱۲۰ |
| هلیانسه، ۱۸۳ | یَرْه یَطْرَه، ۲۵۳ |
| هلیوس، ۲۹۷ | یربه بطره، ۲۹۱ |
| هلیون، ۱۹۸ | یَرْه دی فَوْقَه، ۲۶۶ |
| همینا، ۲۷۶ | یَرْه عَلَیشْکه، ۱۴۴ |
| هوزنی، ۸۱ | یَرْه فَشوشْکه، ۴۷ |
| هوفسطیداس، ۲۹۹ | یربه قرشته، ۱۰۳ |
| هوم الهرایده، ۲۹۹ | یَرْه موله (اندلس)، ۱۵۶ |
| هوغون، ۲۹۹ | یستهارمک، ۱۷۹ |
| هیتماره، ۱۱۳ | یش کشْکه (اندلس)، ۱۰۶ |
| هیدبوا، ۲۹۶ | یعضید، ۱۳۹ |
| هیروم، ۴۳ | یَغْفَر، ۲۰۴ |
| هیزارما، ۲۹۰ | یلنجوج، ۱۷۹ |
| هیضمان، ۲۲۳ | یمرو، ۳۰۰ |
| هیل، ۷۰ | یناشته دِنُورْکه، ۱۵۴ |
| هیل بوا، ۷۰ | یَنْبوت، ۳۰۱ |
| هیلورش، ۱۳۰ | یتون، ۹۷ |
| هیل وهال، ۲۹۶ | ینشتاله، ۱۵۴ |
| هیوقسطیداس، ۲۹۹ | ینشتاله، ۱۵۱ |
| یاسمون، ۲۹۹ | یوس اقطی، ۱۱۰ |
| یاسمین، ۱۰۶، ۱۶۴ | یوسیمون، ۱۱۳ |
| یاسمین، ۲۹۹ | . |
| یبروحی دشینا، ۷۲ | |
| یبیقیه، ۳۰۰ | |
| یخصص، ۲۵۳ | |
| یدختن، ۱۵۷ | |
| یذره، ۱۱۳ | |

ضمیمه (۳)

فهرست نام‌های علمی و انگلیسی

- ۱ - فهرست نام‌های علمی و انگلیسی گیاهان داروئی به ترتیب حروف الفبا
- ۲ - فهرست نام‌های علمی و انگلیسی گیاهان داروئی به ترتیب خانواده

فهرست نام های علمی و نام های انگلیسی

نام ها در غالب کتب و منابع موجود گیاهان داروئی ، دارای برخی اشتباهات املائی یا چاپی هستند که متأسفانه در کتاب های دیگر نیز به همان صورت تکرار شده اند . همچنین برخی از نام های موجود در منابع ، اکنون نام های مترادف محسوب می شوند . نام درست و اصلی گیاهان با حروف راست سیاه (غیر ایتالیک) در مقابل نام مترادف آن ها (با حروف ایتالیک) در جدول مشخص شده است.

نام عمومی یا معادل انگلیسی (COMMON NAME) گیاهان داروئی در ستون مقابل نام های علمی آن ها قرار دارد . در یافتن نام های اصلی برای تدوین جدول ، از منابع جدید گیاه شناختی و از اطلاعات اینترنتی نیز استفاده شده است . بدیهی است برخی از نام های جدول - که غالباً مربوط به گیاهان خارج از فلات ایران هستند - در منابع گیاه شناختی و اینترنتی یافت نشد و چون در کتب گیاهان داروئی مکرراً آمده اند به همان صورت در جدول باقی مانده اند . املاء نام های آمده در منابع به طور دقیق بررسی و اصلاح شده است.^۱

جدول نام های علمی گیاهان داروئی

۱ - نام های علمی گیاهان داروئی به ترتیب حروف الفبا

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|-------------|-----------------------------|--|
| <i>Abelmoschus esculentus</i> (L.) <i>Moench</i> = <i>Hibiscus esculentus</i> L. | ** | Malvaceae | Akar; Gumbo | ۷۴ |
| <i>Acacia arabica</i> Willd. = <i>Acacia nilotica</i> Del. | * | Mimosaceae | Babulacacia | ۱۹۱، ۱۷۴، ۱۳۲، ۸۲، ۶۲، ۵۲، ۳۲۷، ۳۱۰، ۲۳۹ |
| <i>Acacia ehrenbergiana</i> Hayne. | * | Mimosaceae | | ۱۷۴ |
| <i>Acacia flava</i> Forsk. | | Mimosaceae | | ۱۷۴ |
| <i>Acacia mellifera</i> Boiss. | | Mimosaceae | | ۱۷۶ |
| <i>Acacia nilotica</i> Del. | | Mimosaceae | Gum arabic tree | ۱۹۱ |
| <i>Acacia oerfota</i> (Forsk.) Sch. | * | Mimosaceae | | ۲۸۳، ۲۰۸ |
| <i>Acacia senegal</i> Willd. | | Mimosaceae | | ۲۳۳ |
| <i>Acacia senegalensis</i> | | Mimosaceae | | ۲۳۳ |
| <i>Acacia spirocarpa</i> Hook. | | Mimosaceae | | ۱۷۶ |
| <i>Acacia vera</i> Willd. | | Mimosaceae | | ۳۲۷، ۱۹۱ |
| <i>Acanthus mollis</i> L. | ** | Acanthaceae | Bear's breach soft acanthus | ۳۳۷ |
| <i>Aceras anthropophora</i> Steud. = <i>Orchis anthropophora</i> (L.) <i>Allioni</i> | | Orchidaceae | Man Orchid | ۱۳۵ |
| <i>Achillea ageratum</i> L. | | Compositae | | ۳۵۰، ۵۵ |
| <i>Achillea fragrantissima</i> Sch. | | Compositae | | ۲۴۷، ۳۳۷ |

^۱ - (*) گیاهان داروئی بومی ایران

(**) گیاهان داروئی کاشته شده

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--|---------|--------------------------|--------------------------------------|-----------------------------------|
| <i>Achillea millefolium</i> L. | * | Compositae | Common yarrow | ۳۵۶، ۱۸۱، ۱۷۱، ۱۵۱ |
| <i>Achillea ptarmica</i> L. | | Compositae | Sneezewoort | ۳۳۳، ۳۱۲، ۲۱۶ |
| <i>Achillea pubescens</i> L. | | Compositae | | ۷۷ |
| <i>Achillea</i> sp. | | Compositae | | ۳۴۹ |
| <i>Achillea tomentosa</i> L. | | Compositae | | ۳۴۹، ۳۱۹، ۲۵۷، ۲۲۰، ۱۷۸، ۱۴۶ |
| <i>Achillea viscosa</i> Lam. | | Compositae | | ۳۵۰ |
| <i>Achium diffusum</i> L. | | Boraginaceae | | ۳۴۸ |
| <i>Aconitum anthora</i> L. | | Ranunculaceae | Pyrenees monkshood | ۲۰۴، ۶۴ |
| <i>Aconitum erectum</i> L. | | Ranunculaceae | | ۱۲۸، ۴۲ |
| <i>Aconitum ferox</i> Wall. | | Ranunculaceae | | ۹۲ |
| <i>Aconitum luridum</i> Hook. | | Ranunculaceae | | ۹۲ |
| <i>Aconitum lycoctonum</i> L. | | Ranunculaceae | Wolfsbane monkshood | ۳۵۲، ۱۲۹ |
| <i>Aconitum napellus</i> L. | ** | Ranunculaceae | Aconite monkshood | ۳۵۲، ۳۲۰، ۱۲۹ |
| <i>Aconitum</i> sp. | | Ranunculaceae | Monkshood | ۹۲، ۶۴ |
| <i>Acorus aromaticus</i> Gilib. | | Araceae | | ۲۹۳، ۲۴۱ |
| <i>Acorus calamus</i> L. | * | Acoraceae | Drug sweet flag; Calamus | ۳۰۹، ۲۹۳، ۲۴۱، ۲۴۰، ۱۶۵، ۱۵۰، ۳۲۴ |
| <i>Acrostichum dichotomum</i> Forsk. | | Adiantaceae | Maidenhair fern | ۲۸۶ |
| <i>Actaea</i> sp. | * | Ranunculaceae | Baneberry | ۱۳۸ |
| <i>Adiantum capillus-veneris</i> L. | * | Adiantaceae | South maidenhair; Venus's-hair | ۳۵۵، ۱۸۷، ۷۶ |
| <i>Adonsonia</i> sp. | | Bombacaceae | | ۱۲۵ |
| <i>Aegiceras</i> sp. | | Myrsinaceae | | ۳۳ |
| <i>Aegilops ovata</i> L. | * | Gramineae | | ۳۵۵، ۱۴۷ |
| <i>Aegle marmelo</i> Cor. | * | Rutaceae | Bael fruit ; Bel golden apple Bengal | ۱۶۶، ۸۹، ۸۵ |
| <i>Aeluropus littoralis</i> Ga. | * | Gramineae | | ۲۱۲ |
| <i>Aesculus hippocastanum</i> L. | | Hippocastanaceae | Common horse chestnut | ۸۷ |
| <i>Aethusa cynapium</i> L. | | Umbelliferae | Fool's-parsley aethusa | ۱۹۱ |
| <i>Agallochum</i> sp. = <i>Aquilaria agallocha</i> | | Thymelaeaceae | Aloes wood, Eagle | ۵۴ |
| <i>Agaricus</i> sp. | | Agaricaceae – (Mushroom) | Fool's-parsley agric | ۲۱۹ |
| <i>Agrimonia eupatoria</i> L. | * | Rosaceae | Agrimony | ۳۴۹، ۳۳۵، ۳۱۹، ۲۱۹، ۹۴، ۵۴ |
| <i>Agrimonia</i> sp. | | Rosaceae | | ۲۱۹ |
| <i>Agropyrum repens</i> Beauv. | * | Gramineae | Couch-grass ; Quakgrass | ۳۴۹، ۲۱۲، ۹۹ |
| <i>Agrostemma githago</i> L. | | Caryophyllaceae | Common corn cockle | ۳۴۳، ۲۶۸، ۱۹۲، ۱۶۹، ۲۷ |
| <i>Agrostemma</i> sp. | | Caryophyllaceae | corn cockle | ۱۶۸، ۱۳۲ |
| <i>Ahyrium filix-mas</i> L. | | Dryopteridaceae | | ۱۷۱ |
| <i>Ajuga chamaepitys</i> L. | | Labiatae | Ground pine | ۳۴۷، ۳۱۸، ۲۶۱، ۲۰۷ |
| <i>Ajuga chamaepitys</i> Sch. | | Labiatae | | ۲۶۱ |
| <i>Ajuga iva</i> L. | | Labiatae | | ۲۶۱، ۱۰۴ |
| <i>Ajuga</i> sp. | | Labiatae | Bugle | ۲۰۷ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|---------------|---------------------------------|-----------------------|
| <i>Alangium lamrckii</i> Th. | | Alangiaceae | Ankola (Sanskrit) | ۷۷ |
| <i>Alangium salviifolium</i> (L.F.) Wan. | | Alangiaceae | Sage Leaves | ۷۷ |
| <i>Albersia blitum</i> Kunth . = <i>Amaranthus blitum</i> subsp. <i>blitum</i> | | Amaranthaceae | | ۸۴ |
| <i>Albizia lebbek</i> Bth. | * | Mimosaceae | Lebbek tree ; Siris tree | ۲۶۶، ۷۶ |
| <i>Alcea rosea</i> L. | ** | Malvaceae | | ۳۳۱ |
| <i>Alhagi camelorum</i> Fisch. | | Papilionaceae | Camel's-thorn | ۳۳۱ |
| <i>Alhagi mannifera</i> Desv. | | Papilionaceae | | ۲۰۶، ۱۱۰ |
| <i>Alhagi maurorum</i> Tourn. = <i>Alhagi pseudalhagi</i> (M.B.) Desf. | | Papilionaceae | | ۲۰۶، ۱۱۰ |
| <i>Alisma plantaga</i> L. | | Alismataceae | American water plantain | ۳۴۷، ۳۱۸، ۲۸۱ |
| <i>Alisma</i> sp. | | Alismataceae | Water plantain | ۲۸۱ |
| <i>Alkanna orientalis</i> (L.) Boiss. | * | Boraginaceae | Yellow bugloss | ۲۶۳ |
| <i>Alkanna</i> sp. | | Boraginaceae | Alkanet | ۱۳۴ |
| <i>Alkanna tinctoria</i> Tausch. | * | Boraginaceae | Dyer's alkanet | ۳۴۸، ۳۹، ۳۸ |
| <i>Alliaria officinalis</i> L. = <i>Alliaria petiolata</i> (M.B.) Cav. & Grand. | * | Cruciferae | Garic mustard ; Hedge ; Garrlic | ۹۸ |
| <i>Allium ampeloprasum</i> L. | * | Liliaceae | Great round ; Headed garlic | ۳۳۳، ۳۱۲، ۲۵۳، ۲۵۲ |
| <i>Allium ascalonicum</i> L. | * | Liliaceae | Shallot | ۳۳۳، ۲۵۳، ۲۵۲، ۲۴۳ |
| <i>Allium carinatum</i> L. | | Liliaceae | Keeled onion | ۹۸ |
| <i>Allium cepa</i> L. | * | Liliaceae | Garden onion | ۳۳۳، ۲۵۳، ۸۱ |
| <i>Allium descendens</i> L. | | Liliaceae | | ۳۳۳ |
| <i>Allium dioscoridis</i> Sibth. | | Liliaceae | | ۳۳۹ |
| <i>Allium magicium</i> L. | | Liliaceae | | ۸۶ |
| <i>Allium moly</i> L. | ** | Liliaceae | Lily leek | ۳۳۹، ۳۱۴، ۸۶ |
| <i>Allium porrum</i> L. | | Liliaceae | Leek | ۳۳۳، ۲۵۲ |
| <i>Allium roseum</i> L. | | Liliaceae | | ۲۵۳ |
| <i>Allium sativum</i> L. | * | Liliaceae | Garlic | ۳۳۳، ۹۸ |
| <i>Allium scorodoprasum</i> L. | | Liliaceae | | ۳۳۳، ۳۱۲، ۲۵۲، ۹۹، ۹۸ |
| <i>Allium silvestrum</i> | | Liliaceae | | ۱۸۹، ۹۹، ۹۸ |
| <i>Allium subhirsutum</i> L. | | Liliaceae | | ۳۳۳ |
| <i>Allium ursinum</i> L. | | Liliaceae | Ramsons ; Bear's-garlic | ۲۵۲ |
| <i>Allium vineale</i> L. | | Liliaceae | Field garlic | ۲۵۲ |
| <i>Allium xiphopetalum</i> Ait. | * | Liliaceae | | ۱۸۹، ۹۹، ۹۸ |
| <i>Aloe aloexylon</i> | | Liliaceae | | ۶۱ |
| <i>Aloe scotrina</i> | | Liliaceae | Socotrine aloe | ۶۱ |
| <i>Aloe vera</i> L. | * | Liliaceae | True aloe | ۳۳۷، ۳۱۳، ۱۹۵، ۶۱ |
| <i>Aloe vulgaris</i> Lam. | | Liliaceae | Mediterranean aloe | ۳۳۷ |
| <i>Aloexylon agallocha</i> Roxb. | | Papilionaceae | Aloe Wood | ۲۱۶ |
| <i>Aloexylon agallochum</i> Lou. | | Papilionaceae | Aloe Wood | ۳۲۵ |
| <i>Alpinia galanga</i> (L.) Will. | | Zingiberaceae | Great | ۱۳۹ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|---------------|--------------------------------------|--------------------|
| <i>Alpinia khulanjan</i> (L.) Will. | | Zingiberaceae | | ۱۳۹ |
| <i>Alpinia officinarum</i> Hance | ** | Zingiberaceae | Galangal | ۱۳۹ |
| <i>Alpinia</i> sp. | | Zingiberaceae | | ۱۳۹ |
| <i>Althaea cannabina</i> L. | * | Malvaceae | | ۳۴۶، ۳۱۸، ۱۱۲ |
| <i>Althaea ficifolia</i> R.Br. | | Malvaceae | | ۱۳۶ |
| <i>Althaea officinalis</i> L. | * | Malvaceae | Hollyhock | ۳۴۶، ۳۱۷، ۲۹۷، ۱۳۶ |
| <i>Althaea rosea</i> Cavan. | | Malvaceae | | ۳۴۶، ۳۱۷، ۲۹۵، ۱۳۶ |
| <i>Althaea</i> sp. | | Malvaceae | Althaea | ۱۲۹ |
| <i>Alyssum campestre</i> L. = <i>Aysson minus</i> (L.) Rothu. | * | Cruciferae | | ۹۶ |
| <i>Alyssum clypeatum</i> L. | | Cruciferae | | ۳۴۲ |
| <i>Alyssum saxatile</i> L. | * | Cruciferae | Golden tuft ; Golden-tuft alyssum | ۳۴۲، ۳۱۵، ۶۰ |
| <i>Alyssum</i> sp. | | Cruciferae | Alyssum | ۶۰ |
| <i>Amaracus dictamnus</i> Ben. = <i>Organum dictamnus</i> L. | | Labiatae | Cretan Dittany | ۲۸۱ |
| <i>Amaranthus blitum</i> L. = <i>Amaranthus graecizans</i> L. Var. <i>sylvestris</i> (Vil.) Asch. | | Amaranthaceae | Prostrate amaranth | ۳۳۰، ۳۱۱، ۸۴ |
| <i>Amaranthus cruentus</i> L. | * | Amaranthaceae | Grain Amaranth | ۷۹ |
| <i>Amaranthus gangeticus</i> L. | | Amaranthaceae | Tumbelweed amaranth | ۱۴۳ |
| <i>Amaranthus graecizas</i> L. var. <i>sylvestris</i> (Vil.) Asch. | * | Amaranthaceae | | ۸۴ |
| <i>Amaranthus paniculatus</i> L. | | Amaranthaceae | Scarlet amaranth | ۱۴۳ |
| <i>Amaranthus tricolor</i> L. | | Amaranthaceae | Love-lies-bleeding | ۱۴۳، ۷۹، ۷۶ |
| <i>Ambrosia maritima</i> L. | | Compositae | | ۳۴۴، ۳۱۶، ۷۷، ۶۱ |
| <i>Ammi copticum</i> Boiss. | | Umbelliferae | | ۲۸۹ |
| <i>Ammi visnaga</i> (L.) Lam. | * | Umbelliferae | Bishop's Flower; Visnaga | ۳۴۰، ۲۸۹ |
| <i>Amomum cardamomum</i> L. = <i>Amomum compactum</i> Sol. ex Maton = <i>Elettaria cardamomum</i> (L.) Maton | | Zingiberaceae | Tooth pick ammi ; Bishop's-weed | ۱۲۴ |
| <i>Amomum granum-paradisi</i> L. = <i>Aframomum granum-paradisi</i> K. Schum | | Zingiberaceae | | ۲۹۶، ۲۳۲، ۱۰۸ |
| <i>Amomum racemosum</i> L. | | Zingiberaceae | | ۱۲۴ |
| <i>Amomum racemosum</i> Lam. | | Zingiberaceae | | ۳۲۴، ۳۰۹ |
| <i>Amomum repens</i> Son. | | Zingiberaceae | | ۲۳۲ |
| <i>Amomum</i> sp. | | Zingiberaceae | | ۲۹۶، ۲۳۲ |
| <i>Amomum zerumbet</i> L. = <i>Zingiber zerumbet</i> (L.) Smith = <i>Zingiber officinale</i> Roscoe | | Zingiberaceae | | ۱۶۱ |
| <i>Amomun melegueta</i> Ros. = <i>Aframomum melegueta</i> K. Schum. | | Zingiberaceae | | ۲۹۶، ۲۳۶، ۲۳۲ |
| <i>Amygdalus amara</i> Hayne | | Rosaceae | | ۲۷۲ |
| <i>Amygdalus communis</i> L. | * | Rosaceae | Almond | ۳۲۹، ۲۷۲ |
| <i>Amygdalus dulcis</i> Mill. | | Rosaceae | | ۲۷۲ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--|---------|----------------|--------------------------------------|------------------------|
| <i>Amygdalus persica</i> L. | | Rosaceae | Peach tree | ۱۳۹ |
| <i>Amyris elemifera</i> L. | | Rutaceae | Galangal ; Java galangal ; Galingale | ۲۶۶ |
| <i>Amyris gileadensis</i> L. | | Rutaceae | | ۱۶ |
| <i>Amyris kataf</i> Forsk. | | Rutaceae | | ۳۲۵، ۱۷۸ |
| <i>Amyris myrrh</i> Hafal. | | Rutaceae | | ۳۲۵ |
| <i>Amyris opobalsamum</i> | | Rutaceae | | ۲۸۵ |
| <i>Amyris</i> sp. | | Rutaceae | Torchwood ; Balsam shrub | ۳۲۵ |
| <i>Anacyclus pyrethrum</i> DC. | | Compositae | | ۳۴۱، ۳۱۵، ۲۵۵، ۲۰۶ |
| <i>Anacyclus radiatus</i> L. | | Compositae | | ۹۱ |
| <i>Anacyclus valentine</i> | | Compositae | | ۹۱ |
| <i>Anagallis arvensis</i> L. | * | Primulaceae | Scarlet runner bean | ۳۳۵، ۶۳، ۳۴ |
| <i>Anagallis coerulea</i> Schreb. | | Primulaceae | Blue pimpernel | ۳۳۵، ۶۳ |
| <i>Anagyris foetida</i> L. | * | Papilionaceae | Mediterranean stinkbush | ۳۴۶، ۳۱۸، ۳۰۱، ۶۳، ۶۲ |
| <i>Anagyris</i> sp. | | Papilionaceae | | ۳۰۱ |
| <i>Anamirta paniculata</i> Colebr. = <i>Cocculus indicus</i> Royle | | Menispermaceae | Indicus Cocculus | ۲۷۷ |
| <i>Anastatica hierochuntica</i> L. | * | Cruciferae | Jericho resurrection mustard | ۱۹۸، ۱۸۶ |
| <i>Anchusa hybrida</i> Ten. | | Boraginaceae | Carly bugloss | ۲۶۸ |
| <i>Anchusa italica</i> Retz. | | Boraginaceae | Italian bugloss | ۲۶۸، ۲۶۸ |
| <i>Anchusa officinalis</i> L. | | Boraginaceae | Common buckwheat | ۲۶۸ |
| <i>Anchusa paniculata</i> Ait. | | Boraginaceae | | ۳۵۴ |
| <i>Anchusa tinctoria</i> L. | | Boraginaceae | | ۱۲۴، ۳۹ |
| <i>Andropogon jawarancusa</i> Jo. | | Boraginaceae | | ۴۳ |
| <i>Andropogon lanigera</i> Desf. | | Gramineae | | ۴۳ |
| <i>Andropogon nardus</i> L. | | Gramineae | | ۱۱۷ |
| <i>Andropogon schoenanthus</i> L. | | Gramineae | | ۳۲۴، ۳۰۹، ۴۳ |
| <i>Andropogon sorghum</i> Brot. = <i>Sorghum vulgare</i> Pers. | * | Gramineae | Sorghum | ۳۲۹، ۱۵۰، ۱۴۳ |
| <i>Andropogona martini</i> Roxb. | | Gramineae | | ۲۴۱ |
| <i>Androsace lactea</i> L. | | Primulaceae | | ۳۴۵، ۳۱۷، ۲۴۳ |
| <i>Androsace</i> sp. | * | Primulaceae | | ۲۴۳، ۱۰۴ |
| <i>Anemone coronaria</i> L. | | Ranunculaceae | Poppy anemone | ۳۳۵، ۳۱۲، ۱۸۸ |
| <i>Anemone hortensis</i> L. | | Ranunculaceae | | ۳۳۵، ۱۸۸ |
| <i>Anemone pulsatilla</i> L. | | Ranunculaceae | Yellow Anemone | ۱۸۸ |
| <i>Anemone</i> sp. | * | Ranunculaceae | Anemone | ۱۸۸، ۱۳۴ |
| <i>Anethum graveolens</i> L. | * | Umbelliferae | Dill | ۳۴۰، ۳۱۴، ۱۸۴، ۱۱۷، ۹۷ |
| <i>Angelica sylvestris</i> L. | | Umbelliferae | Angelika, Echte Brustwurz | ۳۴۰ |
| <i>Anisum stellatum</i> L. | | Umbelliferae | | ۷۲ |
| <i>Anisum vulgare</i> Gaertn. | | Umbelliferae | | ۶۷ |
| <i>Antennaria</i> sp. | | Compositae | dillweed, dillseed, dill | ۲۰۵ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|------------------|---|---------------------------|
| <i>Anthemis arvensis</i> L. | | Compositae | Field camomile | ۳۴۶، ۲۹۵، ۲۱۷، ۹۱، ۵۸ |
| <i>Anthemis chia</i> L. | | Compositae | | ۳۴۵ |
| <i>Anthemis nobilis</i> L. | | Compositae | Roman chamomile ; English camomile | ۳۴۵، ۳۱۷، ۲۳۵، ۷۰، ۶۴، ۵۸ |
| <i>Anthemis pyrethrum</i> L. | | Compositae | | ۲۱۶، ۲۰۶ |
| <i>Anthemis rosea</i> Sibth. | | Compositae | | ۳۴۶ |
| <i>Anthemis</i> sp. | | Compositae | Comomile | ۵۸ |
| <i>Anthemis tinctoria</i> L. | | Compositae | Golden Marguerite | ۳۴۶، ۹۱، ۵۸ |
| <i>Anthemis valentina</i> L. | | Compositae | | ۳۴۶ |
| <i>Anthericum graecum</i> L. | | Scrophulariaceae | | ۳۴۳ |
| <i>Anthericum ramosum</i> L. | | Scrophulariaceae | | ۲۲۳ |
| <i>Antirrhinum asarina</i> L. | | Scrophulariaceae | | ۱۲۸ |
| <i>Antirrhinum majus</i> L. | * | Scrophulariaceae | Common snapdragon | ۳۵۷، ۳۲۰، ۶۷ |
| <i>Apargia</i> sp. = <i>Leontodon</i> sp. | | Compositae | | ۳۳۲ |
| <i>Apera spica-venti</i> L. | | Gramineae | Wind bent grass ; Wind grass ; Corn grass | ۲۹۶ |
| <i>Apium</i> Gr. | | Umbelliferae | Celery | ۲۵۴ |
| <i>Apium graveolens</i> L. | * | Umbelliferae | Wihd celery | ۳۴۱، ۲۵۴ |
| <i>Apium petroselinum</i> L. = <i>Petroselinum sativum</i> Hoffm. | | Umbelliferae | Percely, Persil, Petersilie, Petroselinum, Roc Parsley | ۲۵۴ |
| <i>Apium vulgare</i> L. | | Umbelliferae | | ۲۵۴ |
| <i>Apocynum erectum</i> Vell. | | Apocynaceae | | ۳۵۲، ۳۲۰، ۲۳۲، ۴۳ |
| <i>Apocynum</i> sp. | | Apocynaceae | Dogbane | ۱۲۸ |
| <i>Aquilaria malaccensis</i> Lam. | | Thymelaeaceae | Agarwood | ۲۱۶ |
| <i>Arbutus andrachne</i> | | Ericaceae | | ۳۲۸ |
| <i>Arbutus</i> sp. | | Ericaceae | | ۲۴۲، ۲۳۱ |
| <i>Arbutus unedo</i> L. | * | Ericaceae | Strawberry saxifrage ; Aron's- beard | ۳۲۸، ۲۴۲، ۲۳۱، ۲۱۱، ۱۰۶ |
| <i>Arctium bardana</i> Willd. | | Compositae | | ۴۵ |
| <i>Arctium lappa</i> L. | * | Compositae | Great burdock | ۳۵۴، ۳۲۰، ۴۵ |
| <i>Arctium tomentosum</i> Shkuhr. | | Compositae | Cotton burdock | ۳۵۴، ۳۲۰، ۴۵ |
| <i>Arctostaphylos uva-ursi</i> Spreng. | | Ericaceae | Bearberry | ۲۱۵ |
| <i>Areca catechu</i> L. | | Araceae | Betel-nut palm ; betel palm | ۲۳۰، ۵۴ |
| <i>Areca catechu</i> Willd. | | Araceae | Areca Nut | ۱۲۰ |
| <i>Areca faufel</i> Gaertn. | | Araceae | | ۲۳۰ |
| <i>Argemone</i> sp. | | Papaveraceae | Prickly poppy | ۴۴ |
| <i>Aristolochia boetica</i> | | Aristolochiaceae | | ۳۳۶ |
| <i>Aristolochia longa</i> L. | | Aristolochiaceae | Long-rooted Birthwort | ۱۶۱ |
| <i>Aristolochia pallids</i> Round = <i>Aristolochia pallida</i> Willd. | | Aristolochiaceae | Wild Ginger | ۳۳۵ |
| <i>Aristolochia rotunda</i> L. | | Aristolochiaceae | snakeroot | ۱۶۱ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|------------------|---|-------------------------|
| <i>Aristolochia sempervirens</i> L. | | Aristolochiaceae | Birthwort | ۳۳۶ |
| <i>Aristolochia</i> sp. | | Aristolochiaceae | Dutchman's-pipe-birthwort | ۳۳۵، ۳۱۳، ۱۶۱ |
| <i>Armeniaca vulgaris</i> Lam. = <i>Prunus armeniaca</i> L. | | Rosaceae | Common apricot ; Apricot | ۲۸۲ |
| <i>Arnopogon picroides</i> Willd. = <i>Tragopogon capensis</i> Jacq. = <i>Tragopogon picroides</i> L. = <i>Urospermum capense</i> (Jacq.) Spreng. = <i>Urospermum</i> <i>picroides</i> (L.) Scop. ex Schmidt | | Compositae | prickly goldenfleece, urospermum | ۳۴۰ |
| <i>Artemisia abrotanum</i> L. | | Compositae | Old-man wormwood ; Southern wood | ۲۴۷، ۱۹۰، ۷۷ |
| <i>Artemisia absinthium</i> L. | * | Compositae | Common worm ; Absinthium | ۳۳۷، ۳۱۳، ۱۳۰، ۵۶ |
| <i>Artemisia arborescens</i> L. | | Compositae | Sagewort worm wood ; Field wormwood | ۳۴۴، ۱۹۳ |
| <i>Artemisia campestris</i> L. | | Compositae | Tarragon | ۳۴۴ |
| <i>Artemisia dracunculus</i> L. | * | Compositae | Maritime wormwood | ۲۰۲ |
| <i>Artemisia judaica</i> L. | | Compositae | Wormwood | ۲۰۶، ۱۹۳ |
| <i>Artemisia maritima</i> L. | | Compositae | Sea Wormwood | ۳۳۷، ۱۹۳، ۷۷، ۵۶ |
| <i>Artemisia palmate</i> Lam. | | Compositae | | ۳۳۷ |
| <i>Artemisia pontica</i> L. | | Compositae | Roman wormwood | ۳۳۷، ۱۹۳ |
| <i>Artemisia santonica</i> Lam. | * | Compositae | | ۱۹۳ |
| <i>Artemisia siversiana</i> Ehrh. & Willd. | | Compositae | | ۵۶ |
| <i>Artemisia</i> sp. | | Compositae | Wormwood ; Sagebrush | ۱۹۳، ۷۷ |
| <i>Artemisia vulgaris</i> L. | * | Compositae | Douglas Mugwort | ۳۴۴، ۳۱۶، ۲۴۷، ۱۹۰، ۷۷ |
| <i>Arum arisarum</i> L. | | Araceae | | ۳۳۴، ۳۱۲، ۲۷۳ |
| <i>Arum colocasia</i> L. | | Araceae | | ۲۴۴، ۲۳۱، ۱۲۵ |
| <i>Arum dioscoridis</i> L. | | Araceae | | ۳۳۴ |
| <i>Arum dracunculus</i> L. | | Araceae | Common stink dragon | ۳۳۴، ۳۱۲، ۲۸۶، ۲۷۳، ۲۳۱ |
| <i>Arum esculenta</i> L. | | Araceae | | ۲۴۴ |
| <i>Arum italicum</i> L. | | Araceae | Italian arum | ۲۷۳، ۱۵۰، ۱۴۲ |
| <i>Arum maculatum</i> | | Araceae | Lords-and-lodies ; Cuckoopint | ۳۳۴، ۲۷۳ |
| <i>Arum</i> sp. | | Araceae | Arum | ۲۳۱ |
| <i>Arum vulgare</i> L. | | Araceae | | ۳۳۴، ۳۱۲، ۲۷۳ |
| <i>Arundinaria</i> sp. | * | Gramineae | | ۲۱۳ |
| <i>Arundo bambos</i> L. | | Gramineae | | ۱۹۹ |
| <i>Arundo donax</i> L. | * | Gramineae | Giant reed | ۳۲۶، ۲۴۰ |
| <i>Arundo phragmites</i> L. | | Gramineae | | ۲۴۰ |
| <i>Asarum europaeum</i> L. | | Aristolchiaceae | European wild ginger | ۳۲۴، ۳۰۹، ۲۹۰، ۴۶ |
| <i>Asclepias cynanchoides</i> Humb. | | Aslepiadiaceae | | ۲۰۹ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--|---------|-----------------|---|------------------------------|
| <i>Asclepias gigantea</i> R.Br. | | Asclepiadiaceae | | ۲۰۹ |
| <i>Asclepias vincetoxicum</i> L. | | Asclepiadiaceae | | ۳۴۲، ۳۱۵، ۲۴۵ |
| <i>Ashbia gossypii</i> = <i>Eremothecium gossypii</i> (Fungi) | | | Strain Number | ۲۴۰ |
| <i>Asparagus acutifolius</i> L. | | Asparaginaceae | Sharp-leaved asparagus | ۳۳۱، ۲۸۹ |
| <i>Asparagus adscendens</i> Roub. | | Asparaginaceae | | ۲۹۷ |
| <i>Asparagus officinalis</i> L. | | Asparaginaceae | Common asparagus | ۳۳۱، ۳۱۱، ۲۹۷، ۲۸۹، ۱۹۸ |
| <i>Asparagus</i> sp. | | Asparaginaceae | Asparagus | ۲۹۷ |
| <i>Asperugo procumbens</i> L. | * | Boraginaceae | Grman madwort ; madwort | ۷۱، ۳۴ |
| <i>Asphodelus damascenus</i> Boiss. | | Liliaceae | | ۵۱ |
| <i>Asphodelus microcarpus</i> (L.) Swartz | | Liliaceae | | ۱۳۸ |
| <i>Asphodelus ramosus</i> L. | | Liliaceae | | ۳۳۴، ۱۳۸ |
| <i>Asphodelus</i> sp. | | Liliaceae | | ۱۳۸ |
| <i>Aspidium aculeatum</i> Smit . = <i>Polystichum aculeatum</i> | | Polypodiaceae | Hard shield fern; prickly shield fern; hedge fern | ۳۵۷ |
| <i>Aspidium lonchitis</i> L. | | Polypodiaceae | | ۳۴۶، ۳۱۷، ۲۷۱، ۱۵۷، ۱۱۴، ۱۱۳ |
| <i>Asplenium adiantum-nigrum</i> L. | | Aspleniaceae | Black spleenwort | ۱۲۹، ۴۴ ۳۵۷ |
| <i>Asplenium ruta muraria</i> L. | | Aspleniaceae | Wall rue | ۱۷۱ |
| <i>Asplenium trichomanes</i> L. | | Aspleniaceae | Maidenhair spleenwort | ۳۵۵، ۱۸۷، ۱۶۹ |
| <i>Aster alpinus</i> L. | * | Compositae | Alpine aster | ۱۳۲ |
| <i>Aster amellus</i> L. | | Compositae | Italian aster | ۳۵۴، ۵۴، ۴۸ |
| <i>Aster atticus</i> Pall. | | Compositae | | ۵۴، ۴۸، ۴۷ |
| <i>Aster tripolium</i> L. | * | Compositae | Tripoli aster ; Sea aster | ۲۰۳، ۹۳، ۴۸ |
| <i>Astragalus annularis</i> FORSSK. | * | Papilionaceae | | ۱۱۴ |
| <i>Astragalus aristatus</i> L. | | Papilionaceae | | ۳۳۷ |
| <i>Astragalus arnacantha</i> M. | | Papilionaceae | | ۲۹۲، ۲۳۳ |
| <i>Astragalus boeticus</i> L. | * | Papilionaceae | Swedish coffe | ۳۵۱ |
| <i>Astragalus creticus</i> Lam. | | Papilionaceae | | ۳۳۶ |
| <i>Astragalus fasciculaeifolius</i> Boiss. | * | Papilionaceae | | ۶۶ |
| <i>Astragalus glaux</i> L. | | Papilionaceae | Tragacanth milk vetch | ۳۵۵ |
| <i>Astragalus gummifera</i> Lab. | | Papilionaceae | | ۲۵۱، ۲۳۳، ۸۵ |
| <i>Astragalus hamosus</i> L. | * | Papilionaceae | | ۵۹ |
| <i>Astragalus poterium</i> L. | | Papilionaceae | | ۳۳۶، ۳۱۳، ۲۳۳ |
| <i>Astragalus sarcocolla</i> Dym. | | Papilionaceae | | ۶۶ |
| <i>Astragalus sarcocolla</i> L. | | Papilionaceae | | ۳۴۲، ۳۱۵ |
| <i>Astragalus sesameus</i> L. | * | Papilionaceae | | ۴۸۳، ۴۷ |
| <i>Astragalus</i> sp. | | Papilionaceae | | ۳۵۵، ۳۵۱، ۳۱۹ |
| <i>Astragalus tragcantha</i> L. | | Papilionaceae | | ۳۳۷، ۳۱۳، ۲۵۱، ۲۳۳ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|----------------|--|-------------------------|
| <i>Astrattikos tripolium</i> L. = <i>Aster tripolium</i> L.ssp. <i>tripolium</i> | | Compositae | | ۳۵۷ |
| <i>Athamanta cretensis</i> L. | | Umbeliferae | | ۱۴۸، ۱۱۸، ۱۰۳ |
| <i>Athamanta macedonica</i> L. | | Umbeliferae | | ۲۶۱ |
| <i>Athamanta oreoselinum</i> L. | | Umbeliferae | | ۲۵۴ |
| <i>Athamanta</i> sp. | | Umbeliferae | | ۳۴۱ |
| <i>Atractylis gummifera</i> L.Q. | | Compositae | | ۳۳۶، ۹۷، ۵۱ |
| <i>Atriplex halimus</i> L. | ** | Chenopodiaceae | Shrubby arach | ۳۲۶، ۳۰۹، ۲۸۴، ۲۴۲ |
| <i>Atriplex hastata</i> L. | * | Chenopodiaceae | Halberd-leaved Arrach | ۲۴۲ |
| <i>Atriplex hortensis</i> L. | * | Chenopodiaceae | Garden orach | ۳۴۲، ۳۳۱، ۲۴۱، ۱۶۱، ۱۷۰ |
| <i>Atriplex rosea</i> L. | | Chenopodiaceae | Tumbling orach | ۳۳۱، ۲۴۲، ۱۷۰، ۱۷۰ |
| <i>Atriplex</i> sp. | | Chenopodiaceae | | ۲۴۱، ۱۷۰ |
| <i>Atropa mandragora</i> L. | | Solanaceae | | ۳۵۲، ۳۰۰ |
| <i>Aucklandia costus</i> Fal. = <i>Aucklandia lappa</i> (Decne.)= <i>Saussurea costus</i> (Falc.)= <i>Saussurea lappa</i> (Decne.) | | Compositae | | ۲۳۹ |
| <i>Avena elatior</i> L. | | Gramineae | | ۱۴۷ |
| <i>Avena fatua</i> L. | * | Gramineae | Wild oat | ۳۵۰، ۲۳۷، ۹۱ |
| <i>Avena sativa</i> L. | * | Gramineae | Common oat | ۳۵۵، ۲۹۶، ۲۳۷، ۱۷۴ |
| <i>Avena</i> sp. | | Gramineae | Oat | ۱۳۱ |
| <i>Avicennia officinalis</i> L. | * | Avicenniaceae | | ۲۳۸ |
| <i>Azadirachta indica</i> Juss. = <i>Melia Azadirachta</i> L. | ** | Meliaceae | Margosa; Neem | ۳۵ |
| <i>Baccharis</i> sp. | | Compositae | Baccharis | ۳۳۹، ۳۱۴ |
| <i>Balanites aegyptiaca</i> L. | | Balanitaceae | Higleeg | ۱۶۳ |
| <i>Balaustion</i> sp. | | Myrtacea | | ۱۵۸ |
| <i>Ballota nigra</i> L. | * | Labiataeae | Black balllota ; Blak horehound | ۳۴۳، ۳۱۶، ۱۷۹، ۸۷، ۲۲۴ |
| <i>Ballota pseudodictamnus</i> Benth. | | Labiataeae | Ballota | ۳۳۸ |
| <i>Balsamina hortensis</i> L. | | Balsaminaceae | | ۲۱۱ |
| <i>Balsamodendron africanum</i> Arn. | | Burseraceaea | African Bdeillum | ۲۸۴ |
| <i>Balsamodendron</i> DC. | | Burseraceaea | | ۸۶ |
| <i>Balsamodendron kataf</i> = <i>Commiphora kataf</i> | | Burseraceaea | | ۲۴۲ |
| <i>Balsamodendron mukul</i> Hook. | | Burseraceaea | Bdeillum Gum, Guggul, Guggulipid, Gum Gugal, Salaitree | ۲۸۴، ۲۶۴ |
| <i>Balsamodendron myrrha</i> Nees. | | Burseraceaea | Gum myrrh tree | ۲۷۸، ۸۶ |
| <i>Bambusa arundinacea</i> Willd. = <i>Arundo bambos</i> L. = <i>Bambusa bambos</i> (L.) Voss | | Gramineae | Reed bamboo, Spiny bamboo, Thorny bamboo, Indian bamboo. | ۲۰۰، ۱۴۰ |
| <i>Bambusa</i> sp. | | Gramineae | Bamboo | ۱۴۰ |
| <i>Barbarea vulgaris</i> R.Br. | | Cruciferae | Bitter winter cress | ۱۰۲ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|----------------------------|---|-----------------------|
| <i>Barjonia racemosa</i> Decne. | | Asclepiadaceae | | ۴۲ |
| <i>Baswellia</i> Roxb. | | Burseraceae | | ۳۲۵ ، ۲۷۴ |
| <i>Bdellium</i> Engl. | | Burseraceae | aromatic gum resin obtained from trees of the genus <i>Commiphora</i> | ۲۸۴ |
| <i>Bdellium indicum</i> | | Burseraceae | | ۲۸۴ |
| <i>Berberis asiatica</i> Roxb. | * | Berberidaceae | Asiatic barberry | ۶۱ |
| <i>Berberis lycium</i> Roy. | ** | Berberidaceae | | ۱۲۰ |
| <i>Berberis vulgaris</i> L. | * | Berberidaceae | European barberry | ۶۱ |
| <i>Beta vulgaris</i> L. | * | Chenopodiaceae | Common beet | ۳۳۱ ، ۱۹۷ ، ۱۹۲ ، ۱۷۴ |
| <i>Betonica alopecuroides</i> L. | | Labiataeae | | ۳۴۷ |
| <i>Betonica officinalis</i> L. | | Labiataeae | Common betony | ۲۳۹ |
| <i>Bistorta officinalis</i> Rafin. = <i>Polygonum bistorta</i> L. | | Polygonaceae | Common betony | ۶۴ |
| <i>Blepharis persica</i> | * | Acantaceae | | ۶۵ |
| <i>Blitum virgatum</i> L. = <i>Chenopodium foliosum</i> (Moench) Asch. | | Chenopodiaceae | Strawberry Blite, Goosefoot, Pigweed | ۸۴ |
| <i>Bonaveria securidaca</i> Desv. = <i>Coronilla securidaca</i> L. = <i>Securigera coronilla</i> DC. = <i>Securigera securidaca</i> (L.) Degen & Doerfler | | Papilionaceae | | ۶۹ |
| <i>Borago officinalis</i> L. | ** | Boraginaceae | Common borage | ۲۶۸ |
| <i>Boswellia carterii</i> Bird | | Burseraceae | Bible frankincense | ۲۶۳ ، ۳۲۵ ، |
| <i>Boswellia serrata</i> Roxb. | | Burseraceae | Indian frankincense; Salai tree | ۲۶۳ |
| <i>Boswellia</i> sp. | | Burseraceae | Frankincense ; Incense tree | ۲۶۱ |
| <i>Bovista plumbea</i> Pers. = <i>Lycoperdon plumbeum</i> | | Lycoperdaceae – Macrofungi | Lead-grey Bovist. | ۲۲۶ |
| <i>Brassica alba</i> L. | | Cruciferae | White mustard | ۳۳۳ ، ۱۱۵ |
| <i>Brassica bunias</i> DC. | | Cruciferae | | ۳۳۰ |
| <i>Brassica campestris</i> L. | * | Cruciferae | Bird rape | ۱۹۰ |
| <i>Brassica campestris</i> L. var. <i>napus</i> Bal. | | Cruciferae | | ۱۹۰ |
| <i>Brassica capitata</i> Hort. | | Cruciferae | | ۲۵۶ |
| <i>Brassica caulorapa</i> Pasq. | | Cruciferae | | ۲۵۶ |
| <i>Brassica cretica</i> L. | | Cruciferae | | ۳۳۱ |
| <i>Brassica erucastrum</i> L. | | Cruciferae | | ۱۰۲ |
| <i>Brassica incana</i> L. | | Cruciferae | | ۳۳۱ ، ۲۵۶ |
| <i>Brassica napus</i> L. | | Cruciferae | Winter rape | ۳۳۰ ، ۱۹۰ |
| <i>Brassica nigra</i> Koch. | | Cruciferae | Black mustard | ۱۳۱ |
| <i>Brassica oleracea</i> L. | * | Cruciferae | Wild cabbage | ۳۳۱ ، ۲۵۶ |
| <i>Brassica oleracea</i> var. <i>botrytis</i> | * | Cruciferae | Cauliflower | ۲۴۵ |
| <i>Brassica rapa</i> L. | | Cruciferae | Turnip | ۳۳۰ |
| <i>Brassica sinapistrum</i> Boiss. | | Cruciferae | | ۱۳۱ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--|---------|----------------|---|---------------|
| <i>Bryonia alba</i> L. | | Cucurbitaceae | White bryony | ۲۹۷، ۲۲۲ |
| <i>Bryonia dioica</i> Jacq. | * | Cucurbitaceae | Red-berry bryony | ۲۹۷، ۲۲۲ |
| <i>Bryonia</i> sp. | | Cucurbitaceae | Bryony | ۲۲۲ |
| <i>Bulbocodium vernum</i> L. | | Liliaceae | Vernal Bulbocodium, Medowe Saffron | ۱۶۲ |
| <i>Bunias erucago</i> L. | | Cruciferae | | ۳۳۰ |
| <i>Bunium bulbocastanum</i> L. | | Umbeliferae | | ۱۰۸ |
| <i>Bupthalmum speciosissimum</i> Ard. | | Umbeliferae | | ۲۹۵ |
| <i>Bupleurum fruticosum</i> L. | | Umbeliferae | Shrub thoroughwax | ۳۴۰، ۱۸۲، ۱۲۱ |
| <i>Bupleurum rotundifolium</i> Schou. | * | Umbeliferae | Round-leaved thoroughwax ; Round-leave hare's-ear | ۱۲۱ |
| <i>Bupleurum</i> sp. | | Umbeliferae | Oxyeye | ۱۲۱ |
| <i>Buxus dioica</i> For. | | Buxaceae | | ۲۵۱ |
| <i>Buxus sempervirens</i> L. | | Buxaceae | Common box | ۲۰۷، ۸۲ |
| <i>Cacalia</i> sp. | | Compositae | | ۲۳۳، ۲۳۲ |
| <i>Cacalia verbascifolia</i> Sib. | | Compositae | | ۲۳۲ |
| <i>Caccinia glauca</i> Savi . = <i>Cacalia macranthera</i> Var. <i>crassifolia</i> (Vent.) Brand | * | Boraginaceae | | ۲۶۸ |
| <i>Cachrys libnotis</i> L. | | Umbeliferae | | ۳۴۱، ۳۱۵ |
| <i>Cadaba farinosa</i> Forsk. | | Capparidaceae | | ۱۶۹، ۳۳ |
| <i>Cadaba</i> sp. | | Capparidaceae | | ۱۶۹ |
| <i>Caesalpinia bonducella</i> Fl. = <i>Caesalpinia bonduc</i> Roxb. | * | Caesalpinaceae | Nicker-nut caesalpina | ۱۵۵، ۸۸، ۵۴ |
| <i>Caesalpinia echinata</i> L. | | Caesalpinaceae | Prickly brazilwood | ۲۱۵ |
| <i>Caesalpinia sappan</i> L. | | Caesalpinaceae | Sappan caesalpinia | ۸۵ |
| <i>Caesalpinia</i> sp. | | Caesalpinaceae | Brasiletto | ۲۱۵ |
| <i>Cakile maritima</i> Sco. | | Cruciferae | GULF SEAROCKET | ۲۴۳، ۲۳۲ |
| <i>Calamintha acinos</i> Man. | | Labiatae | Spring savory | ۲۲۵ |
| <i>Calamintha graveolens</i> Benh. | | Labiatae | | ۲۲۵ |
| <i>Calamintha incana</i> Boiss. & Held. | | Labiatae | | ۱۵۳ |
| <i>Calamus aromaticus</i> = <i>Acorus aromaticus</i> Lam. | | Araceae | Sweet flag | ۲۹۳، ۲۴۰ |
| <i>Calamus asiaticus</i> | | Araceae | | ۲۹۳ |
| <i>Calamus draco</i> Willd . = <i>Daemonoropos draco</i> BLUME | | Araceae | | ۱۴۷ |
| <i>Calendula arvensis</i> L. | | Compositae | Pot marigold | ۳۵ |
| <i>Calendula officinalis</i> L. | * | Compositae | | ۳۵۷، ۳۵ |
| <i>Calligonum comosum</i> L. | * | Polygonaceae | | ۴۴ |
| <i>Calligonum</i> sp. | | Polygonaceae | Calligonum | ۴۴ |
| <i>Callitris quadrivalvis</i> Vent. | | Cupressaceae | Arar tree | ۱۷۸ |
| <i>Callitris</i> sp. | | Cupressaceae | Cypress pine | ۱۷۸ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|-----------------|-------------------------------------|--------------------|
| <i>Calotropis procera</i> R.B. | * | Asclepiadaceae | French cotton | ۲۰۹ |
| <i>Calotropis</i> sp. | | Asclepiadaceae | Calotrope | ۲۰۹ |
| <i>Calycotom spinosa</i> Lk . = <i>Calycotome spinosa</i> (L.) Link. | | Papilionaceae | ginestra spinosa | ۳۲۴، ۱۴۱ |
| <i>Camelina sativa</i> Crant. | | Cruciferae | Big-seeded false flax | ۳۵۴ |
| <i>Campanula lacinata</i> L. | | Campanulaceae | | ۳۴۸ |
| <i>Campanula ramosissima</i> Sibth. | | Campanulaceae | | ۴۲ |
| <i>Camphorosma glabrum</i> L. | | Chenopodiaceae | | ۲۴۹ |
| <i>Camphorosma</i> sp. | * | Chenopodiaceae | Camphorfume | ۱۶۰ |
| <i>Canna</i> sp. | | Cannaceae | Canna | ۲۴۵ |
| <i>Cannabis indica</i> L. | | Cannabaceae | | ۱۱۲ |
| <i>Cannabis sativa</i> L. | | Cannabaceae | Hemp | ۳۴۶، ۲۴۵، ۱۱۲، ۹۵ |
| <i>Cannabis sativa</i> L. var. <i>indica</i> | | Cannabaceae | | ۳۴۶، ۳۱۷، ۱۱۲ |
| <i>Cannabis sylvestris</i> | | Cannabaceae | | ۲۴۵ |
| <i>Capparis</i> sp. | | Capparidaceae | Caper-caperbush | ۲۵۰ |
| <i>Capparis spinosa</i> L. | * | Capparidaceae | Common capers | ۳۳۴، ۳۱۲، ۲۵۰ |
| <i>Capsicum frutescens</i> L. | | Solanaceae | Spanish pepper ; Bush red pepper | ۲۲۸، ۱۴۲ |
| <i>Capsicum minimum</i> Rox. | | Solanaceae | | ۲۹۷ |
| <i>Capsicum</i> sp. | | Solanaceae | Red pepper | ۲۲۸ |
| <i>Cardamine amara</i> L. | | Cruciferae | | ۲۳۶ |
| <i>Cardamomum</i> sp. = <i>Elettaria</i> <i>cardamomum</i> (L.) Maton = <i>Amomum cardamomum</i> L. | | Zingiberaceae | cardamom | ۳۰۹، ۲۳۶ |
| <i>Cardopatum corymbosum</i> pers. | | Compositae | | ۳۳۶، ۵۱، ۴۷ |
| <i>Carduus benedictus</i> Auct. | | Compositae | | ۷۱ |
| <i>Carduus pycnocephalus</i> L. | * | Compositae | | ۳۳۶ |
| <i>Carthamus lanatus</i> L. | * | Compositae | Woolly safflower | ۳۴۲، ۲۳۷، ۲۱۰، ۴۲ |
| <i>Carthamus</i> sp. | | Compositae | Safflower ; False saffron | ۲۳۸ |
| <i>Carthamus tinctorius</i> L. | * | Compositae | Safflower | ۲۳۶، ۲۱۰، ۴۲ |
| <i>Carum ammioides</i> Benth. | | Umbeliferac | | ۱۵۵ |
| <i>Carum ammioides</i> Benth. | | Umbeliferac | | ۳۶ |
| <i>Carum bulbocastanum</i> Koch. | | Umbeliferac | | ۲۲۲ |
| <i>Carum carvi</i> L. | | Umbeliferac | Caraway | ۳۴۰، ۳۱۴، ۲۲۲، ۲۵۶ |
| <i>Carum copticum</i> Ben . = <i>Trachypnum copticum</i> (L.) Link | | Umbeliferac | Ajowan caraway | ۳۴۰، ۲۸۹، ۲۶۲ |
| <i>Carum petroselinum</i> Benth. & Hook. | | Umbeliferac | | ۳۴۱، ۳۱۵، ۲۲۷، ۲۵۴ |
| <i>Carya</i> sp. | | Juglandaceae | Hickory | ۲۳۲ |
| <i>Caryophyllus aromaticus</i> L. | | Caryophyllaceae | | ۲۳۸ |
| <i>Cassia absus</i> L. | | Caesalpinaceae | | ۹۴ |
| <i>Cassia acutifolia</i> Deli. | | Caesalpinaceae | Alexandria senna | ۱۷۷ |
| <i>Cassia angustifolia</i> Vahl. | | Caesalpinaceae | Congo senna | ۱۷۷ |
| <i>Cassia fistula</i> L. | | Caesalpinaceae | Golden-shower | ۱۴۰ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--|---------|-----------------|---|-------------------|
| | | | senna ; purging cassia | |
| Cassia lanceolata Forsk. | | Caesalpinaceae | | ۱۷۷ |
| Cassia obovata Coll. | | Caesalpinaceae | | ۲۱۰ |
| Cassia sophora L. | | Caesalpinaceae | | ۲۱۰ |
| Cassia tora L. | | Caesalpinaceae | | ۲۴۴، ۲۱۰، ۱۵۸ |
| Castanea sativa Mill. | | Fagaceae | European chestnut ; Spanish chestnut | ۸۷ |
| Castanea vesca Gaertn. | | Fagaceae | | ۸۷ |
| Castanea vulgaris Lam. | | Fagaceae | | ۸۷ |
| Caucalis maritima L. | | Umbeliferae | | ۳۳۲، ۳۱۴ |
| <i>Caucalis orientalis</i> (L.) RE . = <i>Astrodaucus orintalis</i> (L.)Drude | | Umbeliferae | | ۸۹ |
| Cedrus deodara Loud. | ** | Pinaceae | Deodar cedar | ۱۴۹ |
| Cedrus libani Barrel. | ** | Pinaceae | Cedar Lebanon | ۳۲۶، ۳۰۹، ۲۳۴، ۴۴ |
| Cedrus libani Loud. | ** | Pinaceae | | ۱۴۹ |
| Celosia argentea L. | ** | Amarantaceae | Feather cockscomb | ۷۹ |
| Celtis australis L. | * | Ulmaceae | European hackberry | ۳۲۸، ۲۷۲ |
| Celtis sp. | | Ulmaceae | Haircap moss | ۲۸۶ |
| Cenchrus frutescens Sieber | | Gramineae | | ۳۲۶ |
| Centaurea aegpitiaca Del. | | Compositae | | ۲۷۸ |
| Centaurea alexandrina D. | | Compositae | | ۲۷۸ |
| Centaurea behen L. | * | Compositae | White behen | ۹۱ |
| Centaurea benedicta L. | | Compositae | | ۱۱۰ |
| Centaurea calcitrapa L. | | Compositae | Star thistle | ۲۷۸ |
| Centaurea centaurium L. | | Compositae | | ۳۳۶، ۳۱۳، ۲۴۶ |
| Centaurea cyanus L. | * | Compositae | Corn flower ; Bachlor's button ; Bluebottle | ۲۴۶، ۱۰۸ |
| Centaurea minus Moen. | | Compositae | | ۲۴۶ |
| Centaurea officinale | | Compositae | | ۲۴۶ |
| Centaurea pallescens Del. | | Compositae | | ۲۷۸ |
| Centaurea sp. | | Compositae | | ۲۴۶ |
| Centaurea stellata | | Compositae | | ۲۷۸ |
| <i>Cephalaria pilosa</i> Schr . = <i>Dipsacus pilosus</i> L. | * | Dipsaceae | | ۲۱۰ |
| <i>Cerastium aquaticum</i> L. = <i>Myosoton aquaticum</i> (L.)Monch. | * | Caryophyllaceae | | ۳۴۹ |
| Cerasus avium L. | * | Rosaceae | Mazzard cherry ; Geau ; Sweet cherry | ۲۳۴ |
| Cerasus mahaleb Mill. | * | Rosaceae | Mahhlab | ۱۱۳ |
| Ceratonia siliqua L. | * | Caesalpinaceae | Carob | ۳۲۸، ۳۰۱، ۱۳۲ |
| Cercis siliquastrum L. | * | Caesalpinaceae | Judas tree | ۱۴۱، ۴۴ |
| Cercis sp. | * | Caesalpinaceae | Cercis ; Redbud | ۴۴ |
| Cerinth minor L. | | Boraginaceae | Lesser honeywort | ۳۳۵ |
| Ceterach officinarum L. | | Boraginaceae | Miltwaste | ۱۱۹، ۴۹ |
| Ceterach sp. | | Boraginaceae | | ۳۵۷ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--|---------|----------------|--|-------------------------|
| <i>Cetraria islandica</i> (L.) Ach. (moss) | | Aspleniaceae | | ۱۱۷ |
| <i>Chaerophyllum</i> sp. | | Umbeliferae | Chervill | ۲۳۲ |
| <i>Chamacyparis</i> sp. | | Cupressaceae | False cypress | ۱۸۷ |
| <i>Chamaeleo vulgaris</i> = <i>Chamaeleo chamaeleon</i> (Parasite) | | Chamaeleonidae | Common or European or Mediterranean Chameleon | ۴۷ |
| <i>Chamaepeuce diacantha</i> DC. | | Compositae | | ۱۲۸ |
| <i>Cheiranthus cheiri</i> L. | ** | Crucifrae | Common wallflower | ۲۸۵، ۱۷۰، ۱۴۰ |
| <i>Cheiranthus flava</i> L. | | Crucifrae | | ۳۴۴ |
| <i>Cheiranthus incanus</i> L. | | Crucifrae | | ۱۶۹ |
| <i>Cheiranthus</i> sp. | | Crucifrae | Wallflower | ۲۸۵، ۱۴۰ |
| <i>Cheiranthus tricuspidatus</i> L. | | Crucifrae | | ۳۴۴ |
| <i>Chelidonium cerniculatum</i> L. | | Papaveraceae | | ۲۷۶ |
| <i>Chelidonium dodecandrum</i> Forsk. | | Papaveraceae | | ۱۶۱ |
| <i>Chelidonium majus</i> L. | * | Papaveraceae | Greater celandine | ۳۳۵، ۳۱۳، ۲۷۶، ۲۰۹، ۱۲۷ |
| <i>Chenopodium ambrosioides</i> L. | * | Chenopodiaceae | Wormseed goose ; Wormseed tea ; Mexican tea | ۱۹۰، ۷۷ |
| <i>Chenopodium botrys</i> L. | * | Chenopodiaceae | Jerusalem-oak goosefoot ; Jerusalem oak | ۳۴۴، ۳۱۶، ۱۹۰، ۷۷ |
| <i>Chenopodium capitatum</i> L. | | Chenopodiaceae | Blire goosefoot ; Straw berry blite | ۸۳ |
| <i>Chenopodium murale</i> L. | * | Chenopodiaceae | Nettle-leaf goosefoot | ۱۵۹ |
| <i>Chondrilla juncea</i> L. | | Compositae | Rush skeleton weed ; Gun succory | ۳۲۲، ۳۱۱، ۳۰۱، ۲۹۸، ۱۳۹ |
| <i>Chondrilla ramosissima</i> Sibth. | | Compositae | | |
| <i>Chondrilla</i> sp. | | Compositae | Sierra juniper | ۱۳۹ |
| <i>Chrysanthemum coronarium</i> L. | | Compositae | Crowndaisy ; Crown-daisy chrysanthemum | ۳۵۰، ۹۱ |
| <i>Chrysanthemum parthenium</i> Pers. = <i>Tanacetum parthenium</i> (L.) Shultz-Bip. | * | Compositae | Feverfew ; Feverfew chrysanthemum | ۳۴۶، ۳۱۷، ۱۸۸، ۵۸ |
| <i>Chrysanthemum segetum</i> L. | | Compositae | Corn chrysanthemum ; Corn marigold | ۹۱ |
| <i>Chrysocoma linosyris</i> L. | | Compositae | | ۳۵۰ |
| <i>Chrysocoma</i> sp. | | Compositae | | ۳۵۰، ۳۱۹، ۱۵۱، |
| <i>Cicer arietinum</i> L. | * | Papilionaceae | Chick-pea ; Gram chick-pea | ۳۳۰، ۱۲۴ |
| <i>Cichorium endivia</i> L. | ** | Compositae | | ۳۳۲، ۲۹۸ |
| <i>Cichorium intybus</i> L. | * | Compositae | Common chicory | ۲۹۸، ۲۹۸ |
| <i>Cicuta virosa</i> L. = <i>Selinum virosum</i> (L.) E.H.L. Krause | | Umbeliferae | European water hemlock ; Wasserschierling, Borstenkraut | ۱۹۱ |
| <i>Cincus acarna</i> = Picnomon | | Compositae | | ۵۸ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|---------------|--|------------------------------|
| acarna (L.) Cass. | | | | |
| Cincus sp. | | Compositae | | ۳۵۷ |
| Cinnamomum camphora Nees. | | Lauraceae | Camphor tree | ۲۴۸ |
| Cinnamomum cassia Boiss. | | Lauraceae | Cassia bark tree ; Chinese cinnamon | ۳۲۴، ۳۰۹، ۲۸۹، ۲۳۹، ۱۷۵، ۱۴۱ |
| Cinnamomum citriadorum Th. | | Lauraceae | | ۳۲۴، ۱۲۷ |
| Cinnamomum iners Reinw. | | Lauraceae | | ۳۲۴، ۱۷۵ |
| Cinnamomum malabathrum Burm. | | Lauraceae | | ۱۲۷ |
| Cinnamomum obtusifolium Nees. | | Lauraceae | | ۱۷۵ |
| Cinnamomum tamala Nees. | | Lauraceae | | ۱۲۷ |
| Cinnamomum zeilanicum Nees. | ** | Lauraceae | Ceylon cinnamon | ۳۲۴، ۳۰۹، ۲۳۹، ۲۳۸، ۱۴۱ |
| Cinnamomum sp. | | Lauraceae | Cinnamon | ۱۴۱ |
| Circaea lutetiana L. | * | Onagraceae | Paris circaea | ۲۱۰ |
| Circaea sp. | | Onagraceae | Enchanter's nightshade | ۳۴۴، ۳۱۶، ۲۱۰ |
| Cirsium diacantha DC. | | Compositae | | ۱۲۸ |
| Cirsium rhocephalum C.A.Mey. | * | Compositae | | ۱۵۱ |
| Cirsium stellatum L. | | Compositae | | ۳۵۷، ۳۹ |
| Cirsium tenuiflorum Boiss. | | Compositae | | ۳۵۴ |
| Cirsium tuberosum All. | | Compositae | | ۳۳۷ |
| Cissus sp. | | Vitaceae | Treebine | ۱۷۴ |
| Cissus vitiginea L. | | Vitaceae | | ۳۲۴، ۱۲۴ |
| Cistus creticus L. | | Cistaceae | Wrinkle leaf rockrose | ۳۲۷، ۲۶۵ |
| Cistus hypocistis L. | | Cistaceae | | ۳۲۷، ۳۱۰ |
| Cistus ladanifolius L. | | Cistaceae | Gum rockrose | ۳۲۷، ۲۶۵، ۲۳۹ |
| Cistus salviaefolius Boiss. | | Cistaceae | | ۳۲۷ |
| Cistus sp. | | Cistaceae | Rockrose | ۲۶۵ |
| Cistus villosus L. | ** | Cistaceae | Rock rose | ۳۲۷، ۲۶۵ |
| Citrullus colocynthis Schrad | * | Cucurbitaceae | | ۲۳۷، ۱۲۷ |
| Citrus amara Link. | | Rutaceae | Sour orange ; Seville orange | ۲۸۹ |
| <i>Citrus aurantifolia Sw . = Citrus aurantium L.</i> | * | Rutaceae | | ۲۷۴، ۴۰ |
| Citrus aurantium Lou.& Auc. | * | Rutaceae | Sour orange ; Seville orange | ۲۸۹ |
| <i>Citrus bigaradia Lois . = Citrus aurantium L.</i> | * | Rutaceae | | ۲۸۹ |
| Citrus limonum Risso | | Rutaceae | Lemon | ۲۷۴، ۴۰ |
| Citrus medica L. | * | Rutaceae | Cloza | ۲۷۴، ۴۰ |
| Citrus medica Risso | * | Rutaceae | | ۲۷۴ |
| Citrus medica Risso var. cerata | | Rutaceae | | ۳۲۸، ۳۱۰، ۴۰ |
| Citrus sp. | | Rutaceae | Citrus | ۲۷۴ |
| Citrus vulgaris Riss. | | Rutaceae | Sour orange ; Seville orange | ۲۸۹ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--|---------|---------------|---|---------------|
| <i>Cladrastis</i> sp. = <i>Cladrastis lutea</i> = <i>Cladrastis kentukea</i> | | Papilionaceae | Yellowwood | ۱۳۶ |
| <i>Clematis cirrhosa</i> L. | | Ranunculaceae | Vernal clematis | ۳۵۶ |
| <i>Clematis ochroleuca</i> Poir. | | Ranunculaceae | | ۲۰۵ |
| <i>Clinopodium montanum</i> (L.) Kuntz. | | Labiatae | | ۲۳۸ |
| <i>Clinopodium vulgare</i> L. | * | Labiatae | Wild basil savory | ۳۴۲، ۳۱۵ |
| <i>Clitoria ternatea</i> L. | | Papilionaceae | Butterfly Pea | ۲۷۵ |
| <i>Cnicus acarna</i> L. | | Compositae | | ۳۳۶، ۷۱ |
| <i>Cnicus tuberosus</i> L. | | Compositae | | ۳۳۷ |
| <i>Cochlearia armoracia</i> L. | | Cruciferae | | ۲۲۴ |
| <i>Cochlearia coronopus</i> L. | | Cruciferae | | ۱۱۶، ۳۶ |
| <i>Cocos nucifera</i> L. | ** | Palmaeae | Coconut palm | ۲۸۷، ۲۸۹ |
| <i>Cola acuminata</i> Sch. = <i>Sterculia acuminata</i> | | Sterculiaceae | Sudan colanut | ۱۳۲ |
| <i>Colacasia antiquorum</i> Sch. | | Araceae | | ۲۴۴ |
| <i>Colacasia esculenta</i> L. = <i>Colocasia antiquorum</i> var <i>esculenta</i> | | Araceae | papa china, taro, bore, ocumo, quiquisque | ۲۴۴ |
| <i>Colchicum autumnale</i> L. | | Cholchicaceae | | ۳۵۲، ۳۲۰، ۲۳۲ |
| <i>Colchicum autumnale</i> L. | | Cholchicaceae | Common autumn crocus ; Meadow saffron | ۱۸۰ |
| <i>Colchicum montanum</i> L. = <i>Cholchicum szovitsii</i> Fisch & C.A. Mey. | * | Cholchicaceae | | ۲۱۲ |
| <i>Colchicum parnassicum</i> Sart. | | Cholchicaceae | | ۳۵۳ |
| <i>Colchicum persicum</i> Bak. | | Cholchicaceae | | ۱۸۰ |
| <i>Colchicum</i> sp. | | Cholchicaceae | Autumn crocus | ۱۸۰ |
| <i>Colchicum speciosum</i> Ste. | | Cholchicaceae | | ۱۸۰ |
| <i>Colchicum variegatum</i> L. | | Cholchicaceae | | ۱۸۰ |
| <i>Collinsonia canadensis</i> L. | | Labiatae | Stone Root, Horseweed, Richweed, Richleaf, Knob-Root, Knobweed, Horsebalm | ۸۲ |
| <i>Colocasia antiquorum</i> Shott. = <i>Arum esculentum</i> L., <i>Caladium esculentum</i> (L.) Vent., | | Araceae | taro, eddo, kalo, dasheen, cocoyam, elephant ears | ۲۳۱ |
| <i>Commiphora abyssinica</i> Engl. | | Burseraceae | Abyssinian myrrh tree | ۲۷۸ |
| <i>Commiphora africanum</i> Engl. | | Burseraceae | | ۲۸۴ |
| <i>Commiphora kataf</i> Engl. | | Burseraceae | | ۲۴۲ |
| <i>Commiphora mukul</i> Engl. = <i>Balsamodendrum mukul</i> Hook. | | Burseraceae | | ۳۲۵، ۲۸۴ |
| <i>Commiphora mulomol</i> Engel. | | Burseraceae | | ۲۸۴ |
| <i>Commiphora myrrha</i> Engl. | | Burseraceae | Common myrrh tree | ۳۲۵، ۲۸۹، ۲۷۸ |
| <i>Commiphora opobalsamum</i> Engl. | | Burseraceae | Mecca myrrh tree | ۸۶ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--|---------|----------------|--|--------------------|
| Conandron sp. | | Gesneriaceae | Iwa-tabako | ۲۴۳ |
| Conium maculatum L. | * | Umbeliferae | Poison hemlock | ۳۵۲، ۳۲۰، ۲۰۱، ۱۹۱ |
| Convallaria polygonatum L. | | Liliaceae | | ۳۴۸ |
| Convallaria rusticellata L. | | Liliaceae | | ۳۵۳ |
| Convolvulus arvensis L. | * | Convolvulaceae | European glovybind | ۳۴۸، ۲۶۷ |
| Convolvulus farinosus L. | | Convolvulaceae | | ۳۵۶ |
| Convolvulus hystirix Vahl. | | Convolvulaceae | | ۱۹۸ |
| Convolvulus scammonia L. | | Convolvulaceae | Scammony glorybind | ۳۵۶، ۱۷۳ |
| Convolvulus sepium L. | | Convolvulaceae | Heath rush | ۲۸۹ |
| Convolvulus sepium L. | | Convolvulaceae | Glorybind | ۳۵۵، ۳۴۸ |
| Convolvulus sp. | | Convolvulaceae | | ۲۶۷ |
| Convolvulus syriacus | | Convolvulaceae | | ۱۷۳ |
| Convolvulus turpethum L. | | Convolvulaceae | | ۹۴ |
| Conyza candida L. | | Compositae | | ۳۵۴ |
| Conyza squarrosa L. | | Compositae | | ۳۳۹ |
| Coptis teeta Wall. | | Ranunculaceae | | ۲۷۶ |
| Corallina officinalis L. | | Corallinaceae | | ۳۵۳، ۲۰۱ |
| Corallium rubraum L. (Red Coral) | | | Potato bean | ۷۹ |
| Corchorus olitorius L. | * | Liliaceae | | ۲۸۴ |
| Cordia myxa L. | * | Boraginaceae | | ۱۶۷، ۱۴۳ |
| Cordia sebestena L. | | Boraginaceae | | ۱۶۷ |
| Coriandrum sativum L. | * | Umbeliferae | Coriader | ۳۴۰، ۲۵۷ |
| Coriandrum sp. | | Umbeliferae | Coriader | ۲۵۷ |
| Cornus mas L. | * | Cornaceae | Cornelian cherry ; Cornelian cherry | ۳۲۸، ۲۳۵، ۱۶۳ |
| Cornus mascula L. | | Cornaceae | | ۳۲۸، ۲۷۸ |
| Cornus sanguinea L. | * | Cornaceae | Red dog wood | ۲۳۵ |
| Cornus sp. | | Cornaceae | Campion | ۲۳۵ |
| <i>Croton tinctorium</i> L. = <i>Chrozophora tinctoria</i> (L.) A. Juss. | | Euphorbiaceae | Croton; Maurelle(F) | ۳۵۷ |
| Corydalis claviculata (L.) DC. | | Fumariaceae | | ۳۵۷ |
| Corylus avellana L. | * | Corylaceae | | ۳۲۹، ۱۰۵، ۸۸ |
| Costus albus A.Chev | | Zingiberaceae | | ۲۳۹ |
| Costus amarus Rad. | | Zingiberaceae | | ۲۳۹ |
| Costus arabicus L. | | Zingiberaceae | | ۲۳۹ |
| Costus speciosus Sm. | | Zingiberaceae | Crape Ginger | ۳۲۴، ۳۰۹، ۲۳۹ |
| Cotoneaster nigra Wahl. | | Rosaceae | | ۱۹۳ |
| Cotoneaster nummularia Fich & Mey. | | Rosaceae | | ۱۹۳ |
| Cotoneaster spp. | | Rosaceae | Cotoneaster | ۸۵ |
| <i>Cotoneaster vulgaris</i> L. = <i>Cotoneaster integerrima</i> Medicus | * | Rosaceae | | ۱۹۳ |
| Cotyledon lusitanicus Lam. | | Crassulaceae | | ۳۵۲، ۳۲۰، ۲۴۷ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--|---------|----------------|--------------------------------------|-------------------------|
| <i>Cotyledon serrata</i> L. | | Crassulaceae | | ۳۵۳ |
| <i>Cotyledon umbilicus</i> L. | | Crassulaceae | | ۳۵۳، ۱۷۰، ۳۴ |
| <i>Crambe maritima</i> L. | | Cruciferae | Common colewort | ۳۵۶ |
| <i>Crataegus azarolus</i> L. | * | Rosaceae | Azarole hawthorn | ۳۲۸، ۲۹۱، ۱۶۲، ۹۴ |
| <i>Crataegus lagenaria</i> Fisch. | | Rosaceae | | ۱۶۲ |
| <i>Crataegus melanocarpa</i> Bory & Chu. | * | Rosaceae | | ۱۶۲ |
| <i>Crataegus monogyna</i> Jacq. = <i>Crataegus microphylla</i> C.koch. | * | Rosaceae | Single-seed hawthorn | ۱۶۲ |
| <i>Crataegus orientalis</i> Bieb. | * | Rosaceae | Silver hawthorn | ۱۶۲ |
| <i>Crataegus oxyacantha</i> L. | * | Rosaceae | English hawthorn ; European hawthorn | ۳۲۶، ۳۱۰، ۱۶۲، ۵۹ |
| <i>Crataegus pentagyna</i> (St.-Hil.) Eng. = <i>Crataegus melanocarpa</i> M.B. | * | Rosaceae | | ۱۶۲ |
| <i>Crataegus pyracantha</i> Medic. | | Rosaceae | | ۳۲۶ |
| <i>Crataegus sinaica</i> Boiss. | | Rosaceae | | ۹۴ |
| <i>Crataegus</i> sp. | | Rosaceae | Hawthorn | ۱۶۲ |
| <i>Cressa cretica</i> L. | | Convolvulaceae | | ۳۴۵، ۱۶۵، ۶۴ |
| <i>Crinum</i> sp. | | Amarantaceae | Crinum | ۱۴۳ |
| <i>Crithmum maritimum</i> L. | | Umbelliferae | Samphire | ۳۳۱، ۳۱۱، ۱۵۵ |
| <i>Crocus sativus</i> L. | * | Iridaceae | Saffron crocus | ۳۲۵، ۳۰۹، ۱۶۳ |
| <i>Crocus</i> sp. | | Iridaceae | Crocus | ۱۶۳ |
| <i>Crotalaria juncea</i> L.Q | | Papilionaceae | Sunn crotalaria; Sunn hemp | ۱۷۷ |
| <i>Crotalaria retusa</i> L. | ** | Papilionaceae | | ۲۴۴، ۱۵۸ |
| <i>Croton tiglium</i> L. | | Euphorbiaceae | Purging coroton | ۲۷۷، ۱۴۷، ۱۱۳ |
| <i>Croton tinctorium</i> L. | | Euphorbiaceae | | ۹۵ |
| <i>Cucumis asininus</i> Willd. | | Cucurbitaceae | | ۲۳۳ |
| <i>Cucumis colocynthis</i> L. | | Cucurbitaceae | | ۳۵۶، ۲۳۷ |
| <i>Cucumis flexuosus</i> L. | | Cucurbitaceae | Snake melon | ۲۳۳ |
| <i>Cucumis melo</i> L. | * | Cucurbitaceae | Muskmelon | ۳۳۲، ۱۹۰، ۸۱ |
| <i>Cucumis pepo</i> Dum. | | Cucurbitaceae | Pumpkin | ۳۳۲ |
| <i>Cucumis sativus</i> L. | * | Cucurbitaceae | Cucumber | ۳۳۲، ۲۲۷، ۲۳۴، ۲۳۳، ۱۳۹ |
| <i>Cucumis vulgaris</i> | | Cucurbitaceae | | ۸۲، ۸۱ |
| <i>Cucurbita citrullus</i> L. | | Cucurbitaceae | | ۸۲ |
| <i>Cucurbita lagenaria</i> L. | | Cucurbitaceae | | ۳۳۲، ۲۳۷ |
| <i>Cucurbita maxima</i> Duch. | | Cucurbitaceae | Winter squash | ۲۳۸ |
| <i>Cucurbita pepo</i> L. | * | Cucurbitaceae | | ۲۳۷، ۱۴۲ |
| <i>Cucurbita</i> sp. | | Cucurbitaceae | Gourd ; squash | ۲۳۷، ۱۴۲ |
| <i>Cuminum cyminum</i> L. | * | Umbliferae | Cumin | ۳۴۰، ۳۱۵، ۲۶۲ |
| <i>Cupressus horizontalis</i> Mill. | | Cupressaceae | | ۳۹ |
| <i>Cupressus sempervirens</i> L. | ** | Cupressaceae | Italian cypress | ۳۲۵، ۳۰۹، ۱۷۰، ۳۹ |
| <i>Cupressus</i> sp. | | Cupressaceae | Cypress | ۱۷۰ |
| <i>Curcuma aromatica</i> Salisb. | | Zingiberaceae | Curcuma; Status(es) (compiled from | ۳۵۶ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|----------------|--|-----------------------|
| Curcuma caesia Roxb. | | Zingiberaceae | | ۲۵۵، ۱۰۲ |
| Curcuma domestica Valet. | | Zingiberaceae | | ۵۳ |
| Curcuma longa Ra. | ** | Zingiberaceae | Common turmeric | ۲۷۶، ۲۵۵، ۲۱۰، ۵۳ |
| Curcuma sp. | | Zingiberaceae | Turmeric | ۲۵۵ |
| Curcuma tinctoria Gui. | | Zingiberaceae | | ۲۷۶، ۵۳ |
| Curcuma zedoaria Rosc. | | Zingiberaceae | | ۲۵۵، ۱۶۱، ۱۰۲، ۵۳ |
| Cuscuta epithymum Mur. | | Cuscutaceae | Common dodder | ۳۵۶، ۲۵۸، ۱۲۳، ۵۶، ۵۵ |
| Cuscuta europaea L. | * | Cuscutaceae | Greater dodder | ۳۳۲، ۲۵۸، ۵۵ |
| Cuscuta hyalina Roth. | | Cuscutaceae | | ۲۵۸ |
| Cuscuta monogyna Vahl. | * | Cuscutaceae | | ۲۵۸ |
| Cuscuta planifolia Ten. | * | Cuscutaceae | | ۲۵۸ |
| Cuscuta sp. | | Cuscutaceae | | ۲۶۰ |
| Cyclamen europaeum L. | | Primulaceae | European cyclamen | ۳۳۳، ۳۱۲، ۱۸۶، ۷۵، ۲۳ |
| Cyclamen graecum L. | | Primulaceae | | ۳۳۳ |
| Cyclamen hederacifolium Ait. | | Primulaceae | | ۳۳۴، ۱۶۵ |
| Cyclamen sp. | | Primulaceae | Cyclamen | ۲۰۸، ۱۳۰، ۷۵، ۳۵ |
| Cydonia indica Spach | * | Rosaceae | | ۱۸۹ |
| Cydonia oblonga Mill. | * | Rosaceae | Apple quince | ۱۷۲ |
| Cydonia semina = Pyrus cydonia L. | | Rosaceae | | ۱۷۲ |
| Cydonia vulgaris Delarbre = Cydonia Oblonga | | Rosaceae | (Kwee) | ۱۷۲ |
| Cydonia vulgaris Pers. | | Rosaceae | Common quince | ۳۲۸، ۳۱۰ |
| Cymbopogon schoenanthus Spreng. | | Gramineae | Halfa bar | ۳۲۴، ۴۳ |
| Cynanchum erectum L. | | Asclepiadaceae | | ۳۵۲، ۴۲ |
| Cynanchum nigrum Pers. | | Asclepiadaceae | | ۳۴۴ |
| Cynanchum pyrotechnicum L. | | Asclepiadaceae | | ۲۷۸ |
| Cynanchum vincetoxicum Pers. | | Asclepiadaceae | White swallowwort | ۳۴۲ |
| Cynara cardunculus L. | | Compositae | Cardoon | ۲۹۹، ۱۱۵، ۱۱۴ |
| Cynara scolymus L. | | Compositae | Artichoke ; Globe artichoke | ۳۳۷، ۲۶۲، ۱۱۵، ۱۱۴ |
| Cynara sp. | | Compositae | | ۲۹۹، ۱۱۵ |
| Cynara syriacus Gaer. | | Compositae | | ۲۹۹، ۲۹۹ |
| Cynips gallaeturciae Hart. | | Cynipidae | Gall wasps | ۲۱۲ |
| Cynodon dactylon Pers. | | Gramineae | | ۳۳۶، ۲۰۰، ۹۹ |
| Cynoglossum officinale L. | | Boraginaceae | Common hound's-tongue | ۳۵۴، ۲۷۰ |
| Cynoglossum sp. | | Boraginaceae | Hound's-tongue | ۲۷۰ |
| Cynomorium coccineum L. | | Cynomoriaceae | | ۲۰۱ |
| Cynosurus egyptiaca L. | | Gramineae | Hedgehog dog's-tall | ۳۴۹ |
| Cyperus esculentus L. | | Cyperaceae | Chufa flat sedge ; chufa; Earth almond | ۱۶۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۴۹ |
| Cyperus longus L. | * | Cyperaceae | Galingale flat sedge ; Long cyperus | ۱۷۲، ۳۲۴، ۳۰۹ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|-----------------|--------------------------|-------------------|
| <i>Cyperus papyrus</i> L. | | Cyperaceae | Payrus | ۷۰ |
| <i>Cyperus papyrus</i> Trin. | | Cyperaceae | | ۳۲۶، ۳۰۹ |
| <i>Cyperus rotundus</i> L. | * | Cyperaceae | Nut grass flat sedge | ۱۷۲ |
| <i>Cyperus</i> sp. | | Cyperaceae | Flat sedge cypress grass | ۱۷۲ |
| <i>Cytisus hypocistis</i> L. | | Papilionaceae | | ۲۹۹، ۲۶۷، ۲۶۵ |
| <i>Cytisus lanigerus</i> DC. | | Papilionaceae | | ۳۲۴ |
| <i>Cytisus scoparius</i> Br. | | Papilionaceae | Scotch cotton thistle | ۱۵۴ |
| <i>Cytisus spinosus</i> Lam. | | Papilionaceae | | ۱۴۱ |
| <i>Dactylis repens</i> L. | | Gramineae | | ۳۴۹ |
| <i>Dactylon officinale</i> Villars . = <i>Cynodon dactylon</i> (L.) Persoon | | Gramineae | bermuda-grass | ۹۹ |
| <i>Daemia cordata</i> R.Br. | | Asclepiadaceae | | ۲۲۱ |
| <i>Daemonorops draco</i> Blume = <i>Calamus draco</i> Willd. | | Arecaceae | dragon's blood | ۱۴۷ |
| <i>Dalbergia lanceolaria</i> L. | | Papilionaceae | | ۷۴ |
| <i>Dalbergia melanoxylon</i> G.D.R. | | Papilionaceae | African blackwood | ۳۳ |
| <i>Dalbergia volubilis</i> Roxb. | | Papilionaceae | | ۷۴، ۳۷ |
| <i>Danthonia</i> sp. | | Gramineae | Danthonia | ۱۲۷ |
| <i>Daphne angustifolium</i> C.Koch = <i>Daphne mucronata</i> Royle | * | Thymelaceae | | ۲۷۵ |
| <i>Daphne cnidium</i> L. | | Thymelaceae | Rose daphne | ۳۵۷، ۲۷۷ |
| <i>Daphne gnidium</i> L. | | Thymelaceae | | ۲۷۷، ۲۵۵ |
| <i>Daphne mezereum</i> L. | * | Thymelaceae | February daphne | ۳۵۵، ۲۷۵، ۲۶۱ |
| <i>Daphne oleoides</i> Schr. | * | Thymelaceae | | ۲۷۵، ۱۶۶ |
| <i>Daphne tartouararia</i> L. | | Thymelaceae | | ۲۰۹ |
| <i>Datura fastuosa</i> L. | | Solanaceae | | ۸۸ |
| <i>Datura metel</i> L. = <i>Datura innoxia</i> Miller | * | Solanaceae | Hindu datura | ۲۸۵، ۱۰۹ |
| <i>Datura stramonium</i> L. | * | Solanaceae | Jimso-weed datura | ۳۵۲، ۱۰۹ |
| <i>Daucus carota</i> L. | * | Umbeliferae | Wild carrot | ۳۴۰، ۱۴۸، ۱۰۳، ۵۳ |
| <i>Daucus gingidium</i> L. | | Umbeliferae | | ۳۳۲، ۳۱۱، ۱۰۳ |
| <i>Daucus guttatus</i> Sib. & Sm. | | Umbeliferae | | ۳۴۰ |
| <i>Delphinium consolida</i> L. = <i>Consolida regalis</i> S.F.Gray | | Ranunculaceae | Branchin larkspur | ۳۴۱ |
| <i>Delphinium peregrinum</i> L. | | Ranunculaceae | | ۳۴۱ |
| <i>Delphinium semibarbatum</i> Bie. | * | Ranunculaceae | | ۱۶۲ |
| <i>Delphinium zalil</i> Ait. | | Ranunculaceae | | ۱۶۲ |
| <i>Delphinium staphisagria</i> L. | | Ranunculaceae | | ۳۵۵، ۲۸۹ |
| <i>Dianthus caryophyllus</i> L. | | Caryophyllaceae | Pink-carnation | ۲۳۸ |
| <i>Dianthus</i> sp. | | Caryophyllaceae | | ۲۳۸ |
| <i>Digitalis aegyptiaca</i> | | Solanaceae | | ۳۴۹ |
| <i>Digitaria stolonifera</i> Schrad. | | Graminae | | ۹۹ |
| <i>Diospyros ebenum</i> Kon. | | Ebenaceae | Ebony persimmon | ۳۳ |
| <i>Diospyros melanoxylon</i> Roub. | | Ebenaceae | | ۳۲۷ |
| <i>Dipsacus fullonum</i> L. | | Dipsacaceae | Wild teasel | ۳۳۶، ۳۱۳، ۱۵۰ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|---------------|-------------------------|--------------------|
| <i>Dipsacus sylvestris</i> Mill. = <i>Dipsacus fullonum</i> ssp. <i>sylvestris</i> | | Dipsacaceae | Teasel, Common or Wild | ۳۳۶ |
| <i>Docynia</i> sp. | | Rosaceae | | ۱۸۹ |
| <i>Dolichos biflorus</i> L. | | Papilionaceae | | ۲۵۹، ۱۱۲ |
| <i>Dolichos lablab</i> L. | | Papilionaceae | Hyacinth dolchos | ۲۶۷ |
| <i>Dolichos lubia</i> Forsk | | Papilionaceae | | ۳۳۳، ۳۱۲، ۲۷۱ |
| <i>Dolichos</i> sp. | | Papilionaceae | Dolichos | ۱۱۱ |
| <i>Dolichos uniflorus</i> L. | | Papilionaceae | | ۱۱۲ |
| <i>Dorema ammoniacum</i> Don. | * | Umbeliferae | Bombay sumbul | ۳۴۲، ۳۱۵، ۲۹۵، ۵۲ |
| <i>Dorema ammoniacum</i> Don. | | Umbelliferae | Gummi-resina ammoniacum | ۵۲ |
| <i>Dorema</i> spp. | | Umbeliferae | Sumbul | ۵۲ |
| <i>Doronicum cordatum</i> C.Koch = <i>Doronicum wulfenianum</i> Poir. = <i>Doronicum columnae</i> Ten. | | Compositae | | ۱۲۹ |
| <i>Doronicum hookeri</i> Hook. | | Compositae | | ۱۴۵ |
| <i>Doronicum pardalianches</i> L. | | Compositae | | ۳۵۲، ۱۴۵، ۱۴۵، ۱۲۹ |
| <i>Doronicum roylei</i> DC. | | Compositae | | ۱۴۵ |
| <i>Doronicum scorpioides</i> Lam. = <i>Doronicum viscosum</i> Nym. = <i>Doronicum grandiflorum</i> Lam. | | Compositae | | ۱۴۵، ۱۴۵ |
| <i>Dorycnium</i> L. | | Papilionaceae | | ۱۴۴، ۳۵۲، ۳۱۹، |
| <i>Dracaena cinnabari</i> Balf. | | Agavaceae | | ۱۴۷، ۶۹ |
| <i>Dracocephalum kotschyi</i> Boiss. | * | Labiatae | | ۸۴ |
| <i>Dracocephalum moldavica</i> L. | * | Labiatae | Moldvian dragon head | ۷۱ |
| <i>Dracontium</i> sp. | | Araceae | | ۱۸۶ |
| <i>Dracunculus vulgaris</i> Schot. = <i>Arum Dracunculus</i> | | Araceae | | ۲۷۳، ۱۴۲ |
| <i>Dryopteris aculeata</i> (L.) Kuntze | | Aspidiaceae | | ۱۷۱ |
| <i>Dryopteris filix max</i> L. | * | Aspidiaceae | Male fern | ۳۵۷، ۱۶۹ |
| <i>Dryopteris robertiana</i> (Hof.) C.Chr | | Aspidiaceae | | ۱۶۹ |
| <i>Ebenoxylon verum</i> Lour | | Papilionaceae | | ۳۲۷ |
| <i>Ebenus cretica</i> L. | | Papilionaceae | | ۶۴ |
| <i>Ebenus</i> L. | | Papilionaceae | | ۳۲۷، ۳۱۰، ۳۳ |
| Ebonytree (E) = <i>Dalbergia</i> sp. | | Papilionaceae | | ۳۳ |
| <i>Ecballium elaterium</i> Rich. | | Cucurbitaceae | Squirting cucumber | ۲۳۴، ۱۹۴ |
| <i>Echinophora tenuifolia</i> L. = <i>Echinophora sibthorplana</i> Guss. | * | Umbeliferae | | ۳۴۰، ۳۳۹، ۱۶۵، ۱۱۷ |
| <i>Echinops sphaerocephalus</i> | | Compositae | Common globe thistle | ۳۴۱، ۳۳۶ |
| <i>Echium amoenum</i> Fisch. & Mey. | * | Boraginaceae | | ۲۶۸ |
| <i>Echium creticum</i> L. | | Boraginaceae | | ۳۴۸ |
| <i>Echium diffusum</i> L. | | Boraginaceae | | ۳۸ |
| <i>Echium italicum</i> L. | * | Boraginaceae | | ۳۴۹، ۳۸ |
| <i>Echium rubrum</i> L. | * | Boraginaceae | | ۳۴۹، ۳۱۹، ۴۲ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--|---------|----------------|--|--------------------------------|
| <i>Echium sericeum</i> Vahl. | | Boraginaceae | | ۲۶۸ |
| <i>Echium</i> sp. | | Boraginaceae | Viper's bugloss | ۴۲ |
| <i>Echium vulgare</i> L. | | Boraginaceae | Common viper's bugloss | ۳۴۹ |
| <i>Elaeagnus angustifolius</i> L. | * | Elaeagnaceae | Russian olive | ۲۱۹، ۱۶۳ |
| <i>Elaeagnus hortensis</i> Boiss. | | Elaeagnaceae | | ۲۱۹ |
| <i>Elaeagnus</i> sp. | | Elaeagnaceae | Eleagnus | ۱۶۳ |
| <i>Elaterium agreste</i> | | Cucurbitaceae | | ۲۳۴ |
| <i>Elaterium officinale</i> | | Cucurbitaceae | | ۲۳۴ |
| <i>Elcaya jemenensis</i> Forsk. | | | | ۱۵۷، ۱۰۸ |
| <i>Eletteria cardamomum</i> White & Maton | ** | Zingiberaceae | Cardamon | ۲۹۶، ۲۳۶، ۲۳۲ |
| <i>Eletteria</i> sp. | | Zingiberaceae | | ۳۰۹ |
| <i>Eleusine coracana</i> Gaer. | | Gramineae | Ragi millet ; raggee ; tocusso | ۲۶۳ |
| <i>Embelica officinalis</i> Ga. | | Euphorbiaceae | Embelic myrobalan Indian gooseberry | ۶۳ |
| <i>Ephedra distachya</i> Bort. | * | Ephedraceae | Joint-fir ephedra ; sea grape | ۳۵۰، ۳۲۹، ۲۰۱ |
| <i>Ephedra vulgaris</i> Rich. | | Ephedraceae | | ۲۹۹ |
| <i>Epimedium alpinum</i> L. | | Podophyllaceae | Alpine willoweed | ۳۴۸، ۵۷ |
| <i>Equisetum arvense</i> L. | * | Equisetaceae | Field horsetail | ۳۵۰، ۲۶۲، ۲۱۱، ۱۵۱، ۵۰ |
| <i>Equisetum fluviatile</i> L. | | Equisetaceae | | ۳۵۰ |
| <i>Equisetum hyemale</i> L. | | Equisetaceae | Scouring rush | ۲۶۲، ۱۵۱ |
| <i>Equisetum limosum</i> L. = <i>Equisetum fluatile</i> L. | * | Equisetaceae | Swamphorse tail | ۳۵۰ |
| <i>Equisetum pallidum</i> L. | | Equisetaceae | | ۳۴۷، ۲۱۰ |
| <i>Equisetum ramosissimum</i> Desf. | * | Equisetaceae | | ۲۴۶، ۵۰ |
| <i>Equisetum sylvaticum</i> L. | | Equisetaceae | | ۳۵۰ |
| <i>Eramothecium ashybi</i> Filamentous (Fungi) | | | Routien | ۲۴۰ |
| <i>Erianthus ravnennas</i> Beauv. | | Gramineae | <i>Sacchrum ravnennae</i> | ۳۲۶ |
| <i>Erica arborea</i> L. | | Ericaceae | | ۳۲۶، ۳۰۹، ۱۳۷، ۴۶ |
| <i>Erica cinerea</i> L. | | Ericaceae | Twisted heath | ۱۳۷ |
| <i>Erica</i> sp. | | Ericaceae | Heath | ۱۳۷ |
| <i>Erigeron</i> sp. | | Compositae | Fleabane; Cutleaf Daisy | ۱۹۳ |
| <i>Erodium malachoides</i> Willd. | | Geraniaceae | | ۳۴۴ |
| <i>Eruca sativa</i> Lam. | | Cruciferae | Rocket salad | ۱۰۲ |
| <i>Eruca sativa</i> Mill. | | Cruciferae | | ۳۳۲ |
| <i>Ervum ervillia</i> L. | | Papilionaceae | | ۳۳۰، ۲۵۴، ۲۵۳ |
| <i>Ervum lens</i> L. = <i>Lens culinaris</i> Medik. subsp. <i>Culinaris</i> | | Papilionaceae | Lentil; Cultivated lentil | ۳۳۰ |
| <i>Eryngium campestre</i> L. | | Umbeliferae | Snakeroot eryngo | ۳۳۷، ۳۱۳، ۱۹۲، ۱۸۸، ۹۲، ۸۴، ۵۰ |
| <i>Eryngium coeruleum</i> ? | | Umbeliferae | | ۲۱۰ |
| <i>Eryngium creticum</i> L. | | Umbeliferae | | ۲۳۶، ۲۱۰، ۱۹۲، ۸۴، ۵۰ |
| <i>Eryngium maritimum</i> L. | | Umbeliferae | Sea-holly eryngo | ۲۶۴ |
| <i>Eryngium planum</i> L. | | Umbeliferae | | ۳۳۷ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--|---------|----------------|-----------------------|------------------------|
| <i>Erysimum barbarea</i> L. | | Cruciferae | | ۱۳۰ |
| <i>Erysimum cheiranthoides</i> L. | | Cruciferae | Treacle erysimum | ۱۳۰ |
| <i>Erysimum officinale</i> L. = <i>Sisymbrium officinale</i> (L.) Scop. | * | Cruciferae | Hedg mustard | ۹۶ |
| <i>Erysimum repandum</i> L. | * | Cruciferae | Spreading erysimum | ۱۲۹ |
| <i>Erythraea centaurium</i> Pers. = <i>Centaurium erythraea</i> = <i>Centaurium umbellatum</i> | | Gentianaceae | Drug cenanurium | ۲۳۶، ۲۴۶ |
| <i>Eugenia aromatica</i> Baill. | | Myrtaceae | | ۲۳۸ |
| <i>Eugenia caryophyllata</i> Thunb. | ** | Myrtaceae | Clover tree | ۲۳۸ |
| <i>Eupatorium cannibinum</i> L. | * | Compositae | Hemp eupatorium | ۲۴۹، ۲۳۸، ۹۴ |
| <i>Euphorbia aculeata</i> Forsk. | | Euphorbiaceae | | ۲۵۳ |
| <i>Euphorbia aleppica</i> L. | * | Euphorbiaceae | | ۲۵۶ |
| <i>Euphorbia apios</i> L. | | Euphorbiaceae | | ۲۵۶، ۵۷ |
| <i>Euphorbia chamaesyce</i> L. | | Euphorbiaceae | | ۱۲۷ |
| <i>Euphorbia characias</i> L. | | Euphorbiaceae | | ۲۵۶ |
| <i>Euphorbia curcas</i> | | Euphorbiaceae | | ۱۰۸ |
| <i>Euphorbia dendroides</i> L. | | Euphorbiaceae | | ۲۵۶، ۱۲۱ |
| <i>Euphorbia esula</i> L. = <i>Euphorbia boissieriana</i> (Woron.)prokh. | * | Euphorbiaceae | Leafy euphorbia | ۲۶۵ |
| <i>Euphorbia falcata</i> L. | * | Euphorbiaceae | Sickle-grass | ۲۵۶ |
| <i>Euphorbia helioscopia</i> L. | * | Euphorbiaceae | Sun euphorbia | ۲۵۶، ۳۰۰، ۲۲۵ |
| <i>Euphorbia lathyris</i> L. | | Euphorbiaceae | Caper euphorbia | ۲۵۶، ۲۷۷، ۲۲۴ |
| <i>Euphorbia myrsinites</i> | * | Euphorbiaceae | | ۲۵۶، ۳۰۰ |
| <i>Euphorbia officinarum</i> L. | | Euphorbiaceae | | ۲۲۵ |
| <i>Euphorbia paralias</i> L. | | Euphorbiaceae | Sea staff-sea wand | ۲۵۶، ۳۰۰ |
| <i>Euphorbia pilosa</i> L. | | Euphorbiaceae | | ۲۵۶ |
| <i>Euphorbia pilulifera</i> L. | | Euphorbiaceae | | ۶۵ |
| <i>Euphorbia pithyusa</i> L. | | Euphorbiaceae | | ۲۲۵، ۱۸۴ |
| <i>Euphorbia pythuse</i> Friw. | | Euphorbiaceae | | ۱۷۵ |
| <i>Euphorbia resinifera</i> Berg. | | Euphorbiaceae | | ۲۲۵ |
| <i>Euphorbia sibthorpii</i> Boiss. | | Euphorbiaceae | | ۳۰۰ |
| <i>Euphorbia</i> sp. | | Euphorbiaceae | Ebebright | ۲۴۲، ۳۱۵، ۳۰۰، ۲۲۴، ۵۵ |
| <i>Euphorbia spinosa</i> L. | * | Euphorbiaceae | | ۲۵۷، ۳۹ |
| <i>Euphorbia triaculeata</i> For. | | Euphorbiaceae | | ۲۶۵ |
| <i>Evernia prunastri</i> (L.) Ach. (Lichen) | | | Staghorn | ۵۲ |
| <i>Evonymus europeus</i> L. | ** | Celasteraceae | Prickwood | ۸۲ |
| <i>Evonymus latifolia</i> L. | * | Celasteraceae | Broad-leowed evonymus | ۸۲ |
| <i>Evonymus velutina</i> L. | * | Celasteraceae | Prickwood | |
| <i>Evonymus verrucosa</i> L. | * | Celasteraceae | Warty-barked | ۸۲ |
| <i>Faba vulgaris</i> Monch. | | Papilionaceae | Broad bean | ۷۳ |
| <i>Fagara</i> sp. | | Rutaceae | | ۲۲۳ |
| <i>Fagonia cretica</i> L. | | Zygophyllaceae | | ۷۱ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--|---------|----------------|--|-------------------|
| <i>Farsetia clypeata</i> R.Br. | | Cruciferae | | ۷۰ |
| <i>Feniculum</i> sp. | | Umbelliferae | Fennel | ۱۵۳ |
| <i>Ferula assafoetida</i> L. | | Umbelifetae | Asafetida giant fennel | ۳۴۲، ۱۲۱، ۷۵، ۵۱ |
| <i>Ferula communis</i> L. | | Umbelifetae | Common giant fennel | ۳۴۱، ۲۵۹، ۲۴۵، ۷۲ |
| <i>Ferula ferulago</i> L. | | Umbelifetae | | ۳۴۲، ۷۲ |
| <i>Ferula galbaniflua</i> Boiss. & Bus. = <i>Ferula gumosa</i> Boiss. | * | Umbelifetae | | ۳۴۲، ۲۴۶، ۱۰۱، ۷۲ |
| <i>Ferula gumosa</i> Boiss. | * | Umbelifetae | Galbanum plant | ۲۴۶ |
| <i>Ferula marmarica</i> | | Umbelifetae | | ۵۲ |
| <i>Ferula narthex</i> Boiss. | | Umbelifetae | | ۷۵ |
| <i>Ferula nodiflora</i> L. | | Umbelifetae | | ۳۱۵ |
| <i>Ferula nodosa</i> Benth & Hook. | | Umbelifetae | | ۳۳۹ |
| <i>Ferula opopanax</i> Spreng. | | Umbelifetae | | ۳۳۹ |
| <i>Ferula orientalis</i> L. | * | Umbelifetae | | ۳۴۲ |
| <i>Ferula persica</i> Willd. | * | Umbelifetae | Persian asafetida | ۳۴۲، ۱۷۳ |
| <i>Ferula rubricaulis</i> Boiss. | * | Umbelifetae | | ۲۴۶، ۷۲ |
| <i>Ferula saapenum</i> Polack | | Umbelifetae | | ۱۷۳ |
| <i>Ferula scordosma</i> Benth & Hook | | Umbelifetae | | ۱۲۱ |
| <i>Ferula scowitziana</i> D.C. | | Umbelifetae | | ۳۴۲، ۱۷۳ |
| <i>Ferula sumbul</i> Hook. | | Umbelifetae | | ۲۵۴ |
| <i>Ferula tingitana</i> L. | | Umbelifetae | | ۳۴۲ |
| <i>Festuca altissima</i> Boiss. | * | Gramineae | | ۲۱۲ |
| <i>Festuca</i> sp. | | Gramineae | Fescue | ۲۱۲ |
| <i>Ficus carica</i> L. | * | Moraceae | Common fig | ۳۲۹، ۹۷، ۹۶ |
| <i>Ficus laccifera</i> Roxb. | ** | Moraceae | | ۲۷۱ |
| <i>Ficus palmata</i> Forsk. | * | Moraceae | | ۹۶ |
| <i>Ficus</i> sp. | | Moraceae | Fig | ۹۶ |
| <i>Ficus sycomorus</i> L. | | Moraceae | Sycamore | ۳۲۹، ۳۱۱، ۱۰۵، ۶۶ |
| <i>Filipendula ulmaria</i> Maxim. | | Rosaceae | European meadowsweet | ۲۶۸ |
| <i>Flacourita cataphracta</i> Willd. | | Flacourtiaceae | Paniala; coffee plum; paniala; puneala; Chinese plum | ۱۹۹، ۱۶۱ |
| <i>Flemmigia rhodocarp</i> Bak. | | Papilionaceae | | ۲۹۵ |
| <i>Flores tussilaginis</i> = <i>Flores Farfarae</i> , <i>Flores Tussilaginis</i> , <i>Flos Farfarae</i> = <i>Farfarae flos</i> | | Compositae | | ۷۳ |
| <i>Foeniculum vulgare</i> Mill. | | Umbeliferae | Common fennel | ۳۴۱، ۱۵۳، ۷۸ |
| <i>Fragra avicennae</i> Lam. | | | | ۲۲۳ |
| <i>Fraxinus excelsior</i> L. | | Oleaceae | European ash | ۳۲۶، ۲۷۸، ۲۶۹ |
| <i>Fraxinus</i> sp. | | Oleaceae | Ash | ۲۷۸ |
| <i>Fritillaria imperialis</i> L. | | Liliaceae | | ۵۹ |
| <i>Fucus</i> sp. | | Fucacea | Rock weed-sea oak | ۱۹۸ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--|---------|------------------|---|------------------------|
| <i>Fumaria officinalis</i> L. | | Fumariaceae | | ۱۸۳ |
| <i>Fumaria parviflora</i> Lam. | | Fumariaceae | | ۱۸۳ |
| <i>Fumaria</i> sp. | | Fumariaceae | Fumitory | ۱۸۳ |
| Fungi sp. | | | | ۳۵۲، ۲۲۶ |
| <i>Galium aparin</i> L. | * | Rubiaceae | Catchweed; Catchweed bedstraw ;cleavers | ۳۴۲، ۳۱۵، ۲۷۰، ۵۵ |
| <i>Galium</i> sp. | | Rubiaceae | Bedstraw | ۲۱۹ |
| <i>Galium verrucosum</i> Spr. | | Rubiaceae | | ۳۴۲ |
| <i>Galium verum</i> L. | * | Rubiaceae | Yellow bedstraw | ۳۵۳، ۳۲۰، ۲۱۹ |
| <i>Garicina mangostana</i> L. | | Guttiferae | Mangosteen | ۱۰۷ |
| <i>Genista acathoclada</i> DC. | | Papilionaceae | | ۳۲۴ |
| <i>Gentiana lutea</i> L. | | Gentianaceae | | ۳۳۵، ۳۱۳، ۱۰۶ |
| <i>Geranium arabicum</i> Forsk. | | Geraniaceae | | ۲۲۱ |
| <i>Geranium columbinum</i> L. | | Geraniaceae | Long-stalked geranium | ۲۷ |
| <i>Geranium rotundifolium</i> L. | | Geraniaceae | Round-leaved fluellen; Cancerwort | ۳۴۴، ۳۱۶ |
| <i>Geranium</i> sp. | | Geraniaceae | Geranium ; Crowfoot | ۲۱۸، ۳۷ |
| <i>Geranium tuberosum</i> L. | * | Geraniaceae | Tuberous-rooted crane's bill | ۳۴۴ |
| <i>Gladiolus communis</i> L. | ** | Iridaceae | Common ginger | ۳۴۸، ۲۵۵، ۱۸۱، ۱۴۶، ۴۵ |
| <i>Gladiolus segetum</i> Ke. | * | Iridaceae | Corn flag gladiolus | ۴۵ |
| <i>Gladiolus</i> sp. | | Iridaceae | Gladiolus ;Corn flag | ۱۴۶ |
| <i>Glaucium corniculatum</i> Curt. | * | Papaveraceae | Black-spot horn poppy;red celandine | ۳۵۱، ۳۴۲، ۲۷۶، ۱۳۴ |
| <i>Glaucium flavum</i> Crantz. | * | Papaveraceae | Yellow horn poppy ; sea celandine | ۱۳۵ |
| <i>Glaucium luteum</i> Scop. | | Papaveraceae | | ۳۵۱ |
| <i>Glaucium</i> sp. | | Papaveraceae | Horn poppy | ۲۷۶ |
| <i>Globularia</i> sp. | | Globulariaceae | Globe daisy | ۲۱۸ |
| <i>Glossostemon bruguieri</i> DC. | | Papilionaceae | Sahlab | ۲۸۳ |
| <i>Glossostemon</i> sp. | | Papilionaceae | | ۲۸۳ |
| <i>Gloxinia</i> sp. | | Gesneriaceae | Gloxinia | ۲۲۱ |
| <i>Glycyrrhiza glabra</i> L. | * | Papilionaceae | Japan clover common lespedeza | ۳۳۶، ۳۱۳، ۱۸۰ |
| <i>Gnaphalium dioicum</i> L. | | Compositae | | ۲۲۶ |
| <i>Gnaphalium leontopodium</i> L. = <i>Leontopodium alpinum</i> Cass. | | Compositae | Edelweiss; Pied de lion; Immortelle des neiges | ۳۵۳، ۲۰۰، ۱۴۷ |
| <i>Gnaphalium sanguineum</i> Spr. | | Compositae | | ۳۳۹، ۱۴۷ |
| <i>Gnaphalum</i> L. | | Compositae | Cudweed | ۳۴۴، ۲۲۶، ۳۱۶، |
| <i>Gossypium herbaceum</i> L. | | Malvaceae | Levant cotton | ۲۴۲ |
| <i>Gossypium</i> sp. | | Malvaceae | Cotton | ۲۴۲ |
| <i>Gratiola officinalis</i> L. | | Scrophulariaceae | Drug hedge hyssop | ۱۰۰ |
| <i>Grewia bicolor</i> Just. | | Tiliaceae | White Raisin | ۲۹۰ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|-----------------|-------------------------------|------------------------|
| <i>Grewia populifolia</i> L. | | Tiliaceae | | ۲۸۹ |
| <i>Guilandina boneculla</i> Flem. | | Papilionaceae | | ۱۵۵ |
| <i>Gundelia tournefortii</i> L. | * | Compositae | | ۱۱۵ |
| <i>Gymnogramma ceterach</i> (L.) Spre. | | Polypodiaceae | | ۳۴۵ |
| <i>Gypsophila</i> sp. | | Caryophyllaceae | Gypsophila; chalk plant | ۲۶۳ |
| <i>Gypsophila struthium</i> L. | | Caryophyllaceae | | ۲۶۳، ۱۷۱ |
| <i>Hedera helix</i> L. | * | Araliaceae | English ivy | ۳۳۵، ۲۶۷، ۲۴۰ |
| <i>Hedera</i> sp. | | Araliaceae | Ivy | ۲۱۰، ۱۱۳ |
| <i>Hedysarum</i> sp. | | Papilionaceae | Sweet vetch-frenh honeysuckle | ۳۴۵، ۳۱۷، ۲۰۷، ۶۶ |
| <i>Helichrysum sanguineum</i> Cost. | | Compositae | | ۱۴۷ |
| <i>Helichrysum siculum</i> (Spr.) Boiss. | | Compositae | | ۳۵۰ |
| <i>Helichrysum</i> sp. | | Compositae | Eveylasting | ۳۵۰، ۳۱۹ |
| <i>Helichrysum stoenchas</i> DC. | | Compositae | | ۶۱ |
| <i>Heliconia</i> sp. | | Heliconiaceae | Heliopsis | ۲۹۵ |
| <i>Helicteris isora</i> L. | * | Sterculiaceae | Indian screw tree; Isora | ۲۵۸ |
| <i>Heliethrips haemorrhoidalis</i> Bouc. | | Boraginaceae | | ۱۵۷ |
| <i>Heliotropium europaeum</i> L. | | Boraginaceae | Common helitrope | ۳۵۷، ۳۲۱، ۱۹۴، ۱۵۱، ۳۵ |
| <i>Heliotropium villosum</i> Pers. | ** | Boraginaceae | | ۳۵۷ |
| <i>Helleborus alba</i> L. | | Ranunculaceae | | ۱۳۰ |
| <i>Helleborus cyclophyllus</i> Boiss. | | Ranunculaceae | | ۳۵۵ |
| <i>Helleborus niger</i> L. | | Ranunculaceae | Christmas rose | ۱۳۰ |
| <i>Helleborus officinalis</i> Salisb. | | Ranunculaceae | | ۳۵۵ |
| <i>Helleborus</i> sp. | | Ranunculaceae | Hellebor | ۱۳۰ |
| <i>Helminthia echiodes</i> Gaertn. = <i>Helminthotheca echioides</i> (L.) Wolud | | Compositae | Bugloss | ۳۳۱ |
| <i>Helvella phalloides</i> | | Helvellaceae | | ۲۲۱ |
| <i>Hemerocallis flava</i> L. | | Liliaceae | Lemon daylily | ۳۴۴، ۳۱۶، ۱۸۱، ۱۶۴ |
| <i>Hemionitis</i> L. | | Hemionitidaceae | | ۳۴۵، ۳۱۷ |
| <i>Heracleum spondylium</i> L. | | Umbeliferae | Hogweed cow parsnip | ۳۴۱، ۳۱۵، ۲۵۹، ۱۷۲ |
| <i>Hermodactylus tuberosis</i> Salisb. | | Iridaceae | Snake's-head iris | ۲۷۰ |
| <i>Herniaria tourneforti</i> | | Caryophyllaceae | | ۶۳ |
| <i>Hetrocarpus santalinus</i> L. | | Pandalidae | | |
| <i>Hibiscus esculentus</i> L. | ** | Malvaceae | Okra-gubo | ۸۴، ۷۴ |
| <i>Hibiscus mutabilis</i> L. | ** | Malvaceae | Cotton-rose-changeable rose | ۷۴ |
| <i>Hibiscus rosa-sinensis</i> L. | ** | Malvaceae | Chinese hibiscus | ۱۰۱ |
| <i>Hibiscus tortuosus</i> Roub. | | Malvaceae | | ۷۴ |
| <i>Hippomane manchinella</i> L. | | Euphorbiaceae | manchineel | ۱۹۴ |
| <i>Hippomarathrum libanotis</i> | | Umbeliferae | | ۳۴۱، ۳۱۵، ۱۵۳ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|-----------------|---------------------------------|--------------------|
| Koch. | | | | |
| Hippophae rhamnoides L. | * | Elaeagnaceae | Common sea buckthorn | ۳۵۶، ۳۹ |
| Hippuris vulgaris | * | Hippuridaceae | Mare's-tail | ۳۴۷ |
| Holcus dochna Forscal | | Gramineae | | ۱۴۳ |
| Holcus sorghum L. | | Gramineae | Sudan grass | ۱۵۰، ۱۰۰ |
| Holosteum sp. | | Caryophyllaceae | Mouse-ear | ۳۴۸ |
| Holosteum umbellatum L. | * | Caryophyllaceae | Jagged chickweed | ۳۴۸، ۳۱۸، ۱۰۱ |
| Hordeum morinum L. | * | Gramineae | Mouse barley | ۳۵۰ |
| Hordeum sp. | | Gramineae | Barley | ۳۲۹، ۱۸۷ |
| Hordeum vulgare L. | | Gramineae | Berley | ۱۸۸، ۱۸۷ |
| Horminum pyrenaicum L. | | Labiatae | | ۴۵ |
| Hyacinthus comosus | | Liliaceae | | ۳۳۴ |
| Hyacinthus orientalis | ** | Liliaceae | Common hyacinth | ۳۵۱، ۳۱۹ |
| Hyoscyamus albus L. | | Solanaceae | | ۳۵۱، ۸۸ |
| Hyoscyamus aureus L. | | Solanaceae | | ۳۵۱ |
| Hyoscyamus niger L. | * | Solanaceae | Black henbane sticking-roger | ۳۵۱، ۱۹۱، ۸۸ |
| Hyoscyamus reticulatus L. | * | Solanaceae | | ۸۸ |
| Hyoscyamus Sp. | | Solanaceae | | ۳۵۱، ۳۱۹ |
| Hypecoum procumbens L. | ** | Papaveraceae | | ۵۶ |
| Hypericum barbatum L. | | Hypericaceae | | ۳۴۷، ۳۱۸، ۲۹۸ |
| Hypericum ciliatum L. | | Hypericaceae | | ۳۴۷، ۲۹۸، ۶۸ |
| Hypericum coris L. | | Hypericaceae | | ۳۴۷، ۲۹۸ |
| Hypericum hircinum L. | * | Hypericaceae | | ۳۵۰، ۲۸۲، ۲۰۱، ۱۸۶ |
| Hypericum perforatum L. | * | Hypericaceae | John's wort | ۳۴۷، ۳۰۱، ۱۴۱ |
| Hypericum procumbens L. | | Hypericaceae | | ۳۵۱ |
| Hypericum quadrangulum L. | | Hypericaceae | Square-stalked s.t-john's-wort. | ۵۶ |
| Hypericum sp. | | Hypericaceae | St. -john's-wort | ۳۰۱، ۱۴۱ |
| Hyphaene thebaica (L.) Mart. = <i>Corypha thebaica</i> L. = <i>Hyphaene guineense</i> | | Arecaceae | Egyptian doum palm | ۳۲۵، ۲۸۴ |
| Hyssopus officinalis L. | * | Labiatae | Hyssop | ۳۳۷، ۳۱۳، ۱۶۵ |
| Ilex aquifolium L. | * | Aquifoliaceae | English holly | ۶۲ |
| <i>Illecebrum paronychia</i> L. = <i>Paronychia verticillata</i> Lam. | | Illecebraceae | coral necklace | ۳۵۰ |
| Illicium anisatum L. | | Illiciaceae | anise tree | ۷۲ |
| Illicium verum Hooker fil | | Illiciaceae | star anise | ۷۲ |
| Impatiens balsamina L. | * | Balsaminaceae | | ۲۱۱ |
| Indigofera sp. | | Papilionaceae | Indigo | ۲۹۲ |
| Indigofera tinctoria L. | ** | Papilionaceae | True lavender | ۲۹۲، ۲۱۱ |
| Inula britannica L. | * | Compositae | British inula | ۳۴۴ |
| Inula candida Cass. | | Compositae | | ۳۵۴ |
| Inula conyzoides DC. | | Compositae | Cinnamonroot inula | ۳۴۴، ۳۱۶، ۲۰۰، ۷۷ |
| Inula conyzoides L. | | Compositae | | ۱۸۳ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|----------------|---|------------------------------|
| <i>Inula helenium</i> L. | | Compositae | Elecampane inula | ۳۲۵، ۳۰۹، ۱۵۴، ۱۵۳ |
| <i>Inula saxatilis</i> Lam. | | Compositae | | ۳۴۴ |
| <i>Inula viscosa</i> Ait. | | Compositae | | ۳۰۱، ۲۰۰ |
| <i>Ipomea hederacea</i> Jack. | | Convolvulaceae | | ۲۹۲، ۱۱۳ |
| <i>Ipomea turpethum</i> R.Br. | | Convolvulaceae | | ۹۳ |
| <i>Iris ensata</i> Thund. | ** | Iridaceae | | ۷۰ |
| <i>Iris florentina</i> L. | | Iridaceae | Florentine iris | ۳۲۴، ۳۰۹، ۱۸۱، ۷۰ |
| <i>Iris foeditissima</i> L. | * | Iridaceae | | ۳۴۸ |
| <i>Iris germanica</i> L. | * | Iridaceae | German iris | ۱۶۴، ۷۰ |
| <i>Iris nobilis</i> Pall. | | Iridaceae | | ۷۹ |
| <i>Iris pseudacorus</i> L. | * | Iridaceae | Yellow flag iris | ۳۲۴، ۲۹۳ |
| <i>Iris</i> sp. | | Iridaceae | Iris | ۱۸۱، ۶۷ |
| <i>Isatis lusitanica</i> Brot. | * | Cruciferae | | ۳۳ |
| <i>Isatis</i> sp. | | Cruciferae | Woad | ۲۱۱ |
| <i>Isatis titictoria</i> L. | * | Cruciferae | Dyer's woad | ۳۳۵، ۳۱۳، ۲۹۲، ۲۵۱، ۲۱۱، ۱۱۳ |
| <i>Jasminum gradiflorum</i> L. | ** | Oleaceae | Catalonian jasmine- spanish jasmine | ۲۹۹ |
| <i>Jasminum officinale</i> L. | ** | Oleaceae | Common jasmine | ۲۹۹ |
| <i>Jasminum sambac</i> (L.) Ait. | ** | Oleaceae | Arabian jasmine | ۲۹۹، ۲۲۷ |
| <i>Jasminum</i> sp. | | Oleaceae | Jasmine | ۲۹۹ |
| <i>Jatropha curcas</i> L. | | Euphorbiaceae | Barbados nut ; physic nut | ۱۰۸ |
| <i>Jatropha gossipifolia</i> L. | | Euphorbiaceae | | ۲۲۷ |
| <i>Juglans regia</i> L. | * | Juglandaceae | Persian walnut; Royal walant tree | ۳۲۹، ۱۰۷ |
| <i>Juncus acutus</i> L. | * | Juncaceae | | ۳۵۰، ۱۷۵، ۵۰ |
| <i>Juncus arabicus</i> Post. | | Juncaceae | | ۳۵۰، ۲۲۰، ۱۷۵، ۵۰ |
| <i>Juncus maritimus</i> Lam. | * | Juncaceae | Sea rush | ۱۷۵ |
| <i>Juncus soinosus</i> For. | | Juncaceae | | ۱۷۵ |
| <i>Juncus</i> sp. | | Juncaceae | Rush | ۱۷۵، ۵۰ |
| <i>Juniperus communis</i> L. | * | Cupressaceae | Common juniper | ۳۲۵، ۲۰۸، ۳۹ |
| <i>Juniperus oxycedrus</i> L. | * | Cupressaceae | Prickly juniper; Red berried juniper | ۲۳۴، ۲۰۸ |
| <i>Juniperus sabina</i> L. | | Cupressaceae | Sarin juniper | ۳۲۵، ۳۹ |
| <i>Juniperus</i> sp. | | Cupressaceae | Juniper | ۲۰۸ |
| <i>Juniperus vulgaris</i> | | Cupressaceae | | ۲۰۸ |
| <i>Kandelia rheedii</i> W. & A. | | Rhizophoraceae | Mangrove | ۱۷۳ |
| <i>Laburnum vulgare</i> Bercht. & Prsl. | | Papilionaceae | | ۳۵۴ |
| <i>Lactuca sativa</i> L. | ** | Compositae | Garden lettuce | ۳۳۲، ۱۳۴، ۱۳۳ |
| <i>Lactuca scariola</i> L. = <i>Lactuca serriola</i> L. | * | Compositae | Prickly lettuce | ۳۳۲ |
| <i>Lactuca</i> sp. | | Compositae | Lettuce | ۱۳۳ |
| <i>Lagenaria vulgaris</i> Ser. | ** | Cucurbitaceae | Calabash gourd; Bottle gourd | ۱۴۲ |
| <i>Lagoecia cuminoides</i> L. | | Umbelliferae | | ۳۴۰، ۲۶۲ |
| <i>Lallemantia iberica</i> F.&M.. | * | Labiatae | | ۷۳ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|----------------|-----------------------------------|-------------------------|
| <i>Lallemantia royleana</i> Benth. | * | Labiatae | | ۷۳ |
| <i>Lamium album</i> L. | * | Labiatae | White durra | ۲۱۹، ۱۱۵ |
| <i>Lamium maculatum</i> L. | * | Labiatae | Spotted dead nettle | ۳۴۳، ۲۷۴، ۱۳۳ |
| <i>Lamium purpureum</i> L. | * | Labiatae | Purple dead nettle | ۳۵۳ |
| <i>Lamium striatum</i> Sibth. | ** | Labiatae | | ۳۴۳ |
| <i>Lapathum aquaticum</i> Scop. | | Polygonaceae | | ۱۲۳ |
| <i>Lappa major</i> Gaertn. = <i>L. officinalis</i> All. = <i>Arctium lappa</i> L. | | Compositae | Great burdock | ۳۵۴، ۳۲۰، ۴۵۰ |
| <i>Laserpitium siler</i> L. | | Umbelliferae | | ۱۶۵، ۱۱۷ |
| <i>Lathyrus aphaca</i> Tourn. & L. | * | Papilionaceae | Yellow vethling; Tare | ۳۳۳ |
| <i>Lathyrus sativus</i> L. | * | Papilionaceae | Grass pea vin | ۱۰۴، ۱۳۷ |
| <i>Lathyrus</i> sp. | | Papilionaceae | Pea vine | ۱۳۷، ۱۰۴ |
| <i>Laurus camphora</i> L. | | Lauraceae | | ۲۴۸، ۱۱۰ |
| <i>Laurus nobilis</i> L. | ** | Lauraceae | Grecian laurel; True bay | ۳۲۵، ۲۱۸، ۱۵۹، ۱۴۹، ۱۴۸ |
| <i>Lavandula dentata</i> L. | | Labiatae | Fringed Lavender, French Lavender | ۴۷ |
| <i>Lavandula</i> sp. | | Labiatae | Lavender | ۱۳۳ |
| <i>Lavandula spica</i> Cav. | | Labiatae | | ۱۳۳ |
| <i>Lavandula stoechas</i> L. | ** | Labiatae | French Lavendar | ۳۳۷، ۳۱۳، ۴۷ |
| <i>Lavandula vera</i> DC. | * | Labiatae | True lavender | ۱۳۳ |
| <i>Lawsonia alba</i> Lam. | | Lythraceae | | ۳۲۶، ۱۲۵ |
| <i>Lawsonia inermis</i> L. | * | Lythraceae | Henna | ۱۲۵ |
| <i>Lawsonia</i> sp. | | Lythraceae | Henna bush | ۱۲۵ |
| <i>Lecanara circummunita</i> Nyl. | | Lecanoraceae | Lichen | ۱۱۷ |
| <i>Lecanora affini</i> Ev. | | Lecanoraceae | Lichen | ۱۰۷ |
| <i>Lecanora esculenta</i> Ev. | | Lecanoraceae | Lichen | ۱۰۷ |
| <i>Lemna minor</i> L. | * | Lemnaceae | Common duckweed | ۳۵۳، ۲۰۱ |
| <i>Lemna</i> sp. | | Lemnaceae | Duckweed | ۳۵۳، ۲۰۷ |
| <i>Lens culinaris</i> Medic. = <i>Lens esculenta</i> Monch. | * | Papilionaceae | Common lentil | ۲۰۷ |
| <i>Lens esculenta</i> Monch. | * | Papilionaceae | | ۳۳۰، ۲۰۷ |
| <i>Leontice chrysogonum</i> L. | | Podophyllaceae | | ۳۴۲ |
| <i>Leontice leontopetalum</i> L. | * | Podophyllaceae | Leon's leaf | ۳۵۰، ۳۴۲، ۳۱۵، ۳۵۰ |
| <i>Leontodon</i> sp. | | Compositae | Hawkbit | ۳۰۱ |
| <i>Leontodon taraxacum</i> L. | | Compositae | | ۲۰۰ |
| <i>Leontopodium de Dioscoride</i> | | Compositae | | ۳۵۷، ۶۷ |
| <i>Lepidium campestre</i> L. | * | Cruciferae | | ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۰۲ |
| <i>Lepidium campestres</i> R.Br. | | Cruciferae | Field pepper weed | ۳۳۳، ۱۳۱ |
| <i>Lepidium draba</i> L. = <i>Cardaria draba</i> (L.)Des. | | Cruciferae | Pepper weed white top | ۳۳۳، ۳۱۲، ۲۵۰، ۱۱۶ |
| <i>Lepidium iberis</i> L. | | Cruciferae | | ۱۹۴ |
| <i>Lepidium latifolium</i> L. | * | Cruciferae | Eropean papperwort | ۳۳۴، ۱۹۴ |
| <i>Lepidium sativum</i> L. | * | Cruciferae | Garden-cress; Peppergrass | ۳۳۴، ۳۳۳، ۳۱۲، ۱۹۴، ۱۱۵ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|------------------|------------------------------------|------------------------------------|
| Lepidium sp. | | Cruciferae | Pepperweed; Peppergrass | ۲۸۱، ۱۹۳ |
| Leptochloa bipinnata (L.) Hochst. | | Gramineae | | ۱۲۲، ۱۲۲ |
| Leucojum sp. | * | Amaryllidaceae | Snowflake | ۲۰۶ |
| Levisticum officinale Koch. | * | Umbelliferae | Garden lovage | ۳۴۰، ۳۱۴، ۲۵۴، ۲۴۸، ۱۱۷ |
| Lichen | | | | ۵۲ |
| <i>Ligusticum levisticum</i> L. = <i>Levisticum officinale</i> | | Umbelliferae | Lovage | ۲۴۸، ۶۵ |
| Lilium candidum L. | | Liliaceae | Madonna lily | ۳۴۳، ۱۸۱ |
| Lilium chalcidonicum L. | | Liliaceae | Chalcedonian lily | ۳۴۴ |
| Lilium sp. | | Liliaceae | Lily | ۱۸۱، ۱۶۴ |
| Linaria elatine Mill. | | Scrophulariaceae | Sharp pointed fluellin | ۳۴۹، ۳۱۹، ۲۶۷ |
| Linaria spuria Mill. | | Scrophulariaceae | | ۳۴۹ |
| Linaria vulgaris Mill. | * | Scrophulariaceae | Butter and eggs | ۲۷۷ |
| Linum sp. | | Linaceae | Flax | ۲۵۱ |
| Linum usitatissimum L. | * | Linaceae | Fiber flax ; Common flax | ۳۲۹، ۲۵۱ |
| Liquidambar orientalis L. | * | Hamameliaceae | Sweet gum | ۲۸۹ |
| Liquidambar orientalis Mill. | | Hamameliaceae | | ۵۳ |
| Liquidambar sp. | | Hamameliaceae | | ۲۶۷ |
| Liserpitium siler L. | | Umbelliferae | | ۳۴۰ |
| Lithospermum purpurea- coeruleum Defs. & DC. | * | Boraginaceae | Creeping gromwell | ۳۳۵ |
| Lithospermum fruticosum L. | | Boraginaceae | | ۳۸ |
| Lithospermum officinale L. | | Boraginaceae | Common gromweel | ۳۴۶، ۳۱۷، ۲۹۶، ۲۵۹، ۲۴۳، ۴۸ ۲۴۸ |
| Lithospermum tinctorium L. | | Boraginaceae | | ۱۹۰ |
| Lodoicea sechellarum Lab. | | Arecaceae | Coco maledivicus ; Nux media | ۲۸۷ |
| Lolium perenne L. | * | Gramineae | Perennial rye grass | ۹۱ |
| Lolium sp. | | Gramineae | Rye grass | ۱۶۴ |
| Lolium temulentum L. | * | Gramineae | Darnel rye grass | ۳۲۹، ۱۹۴، ۱۶۴ |
| Lonicera caprifolium L. | ** | Caprifoliaceae | Sweet honeysuckle | ۳۳۴، ۱۹۵، ۷۵ |
| Lonicera periclymenon L. | | Caprifoliaceae | | ۳۴۸، ۳۱۸، ۲۴۴، ۱۸۵ |
| Lonicera sp. | | Caprifoliaceae | Honeysucle | ۱۹۵ |
| Lophotenaria aurea L. | | Gramineae | | ۱۸۲ |
| Loranthus curopaeus Jack. | | Loranthaceae | | ۲۱۶ |
| Loranthus europaues L. | * | Loranthaceae | Continental mistletoe | ۱۶۷، ۱۴۳، ۸۸ |
| Loranthus globiferus A.Rich. | | Loranthaceae | | ۱۳۱ |
| Loranthus sp. | | Loranthaceae | Loranth | ۲۱۶ |
| Lotus ornithopodioides L. | | Papilionaceae | | ۲۱۶ |
| Lotus sp. | | Papilionaceae | Deervetch; Bird's- foot trefoil | ۳۵۴، ۳۲۰، ۲۷۲ |
| Luffa aegyptiaca Mill. | | Cucurbitaceae | | ۲۷۳ |
| Luffa cylindrica M.Roe. | ** | Cucurbitaceae | Suakwa-vegetable | ۲۷۳ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--|---------|-----------------|---------------------------------|-------------------------|
| | | | spone | |
| Luffa sp. | | Cucurbitaceae | Towel ground ; Dishcloth gourmd | ۲۷۳ |
| Lupinus albus L. | | Papilionaceae | White lupine | ۹۳ |
| Lupinus angustifolius L.. | | Papilionaceae | Blue lupine | ۳۳۰، ۹۳ |
| Lupinus pilosus Murr. | | Papilionaceae | | ۳۳۰ |
| Lupinus sp. | | Papilionaceae | Lupine | ۹۳ |
| Lupinus termis Forsk. | | Papilionaceae | | ۳۳۰، ۳۱۱، ۹۳ |
| Lychnis chalconica L. | | Caryophyllaceae | Maltese cross campion | ۲۶۸ |
| Lychnis coronaria Desf. | | Caryophyllaceae | Rose campion | ۳۴۳، ۳۱۶، ۲۶۸ |
| Lychnis githago L. | | Caryophyllaceae | | ۱۶۹ |
| Lychnis sp. | | Caryophyllaceae | | ۲۶۸ |
| Lycium afrum L. | | Solanaceae | | ۳۲۶، ۲۳۱، ۲۱۷، ۱۲۰، ۶۱ |
| Lycium europaeum L. = Lycium edgeworthii Dun. | | Solanaceae | | ۲۱۷ |
| Lycium sp. | | Solanaceae | Wolfberry; desert thorn | ۲۱۷، ۱۲۰ |
| Lycoperdon sp. (Fungi) | | | Puffbal | ۲۲۷ |
| Lysimachia vulgaris L. | | Primulaceae | Golden loosestrife | ۳۴۷، ۳۱۸، ۲۷۲، ۱۷۱ |
| Lythrum salicaria L. | * | Lythraceae | Purple lythrum | ۳۴۷ |
| Maerua crassifolia Forsk. | | Capparidaceae | Sunduhi, Hasu (Ou) | ۳۳ |
| Majorana hortensis Moench. | | Labiatae | Sweet marjoram | ۲۷۸ |
| Majorana sp. | | Labiatae | Marjoram | ۲۷۸ |
| Malabaila pumila Rois. | | Umbelliferae | | ۱۸۸ |
| Malabaila secacul Russ. | * | Umbelliferae | | ۱۸۸ |
| Mallotus philippinensis Mull. | | Euphorbiaceae | Red kamala | ۲۹۵، ۲۴۴ |
| Mallotus sp. | | Euphorbiaceae | | ۲۴۴ |
| Malus orientalis Ugli. | * | Rosaceae | | ۹۴ |
| Malva alcea L. | | Malvaceae | Hollyhock mallow | ۳۴۶ |
| Malva parviflora L. | * | Malvaceae | | ۱۲۹ |
| Malva rotundifolia Diss. | * | Malvaceae | | ۳۳۰، ۲۸۴، ۱۲۹، ۸۵ |
| Malva sp. | | Malvaceae | | ۱۲۹ |
| Malva sylvestris L. | * | Malvaceae | High mallow; Wild mallow | ۳۳۰، ۲۸۴، ۱۲۹ |
| Mandragora officinarum L. | | Solanaceae | | ۳۵۲، ۳۲۰، ۳۰۰، ۲۷۰، ۱۶۲ |
| Mandragora sp. | | Solanaceae | Mandrake | ۲۷۰ |
| Mandrgora officinarum L. | ** | Solanaceae | | ۱۴۹ |
| Mangifera indica L. | ** | Anacardiaceae | Common marchantia | ۲۱۴، ۶۳ |
| Marrubium pseudodictamnus L. | | Labiatae | | ۳۳۸ |
| Marrubium sp. | | Labiatae | Hoarhound | ۲۳۰، ۲۲۴ |
| Marrubium vulgare L. | * | Labiatae | Common horehound | ۳۴۳، ۲۲۴ |
| Marsednia erecta L. | * | Asclepiadaceae | Marsdenia | ۴۲ |
| Matricaria aurea Sch. | * | Compositae | | ۵۸ |
| Matricaria chamomilla L. | | Compositae | German comomile | ۲۳۵، ۱۸۷، ۵۸ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|-----------------|--------------------------|-----------------------------|
| <i>Matricaria parthenium</i> L. | | Compositae | Feverfew | ۵۸ |
| <i>Matthiola incana</i> R.Br. | | Cruciferae | Common stock | ۳۴۵، ۱۶۹، ۷۹ |
| <i>Matthiola livida</i> DC. | | Cruciferae | | ۲۸۵، ۱۳۸ |
| <i>Medicago arborea</i> Mill. | | Papilionaceae | Tree medic; Tree alfalfa | ۲۴۰ |
| <i>Medicago ciliaris</i> Hook. | ** | Papilionaceae | | ۲۹۱ |
| <i>Medicago hispida</i> Gaertn. | | Papilionaceae | Califonia bur clover | ۲۹۱ |
| <i>Medicago intertexta</i> L. | * | Papilionaceae | Horns and hedgehog | ۲۹۱ |
| <i>Medicago littoralis</i> Rhod. | | Papilionaceae | | ۲۹۱ |
| <i>Medicago sativa</i> L. | * | Papilionaceae | Alfalfa | ۳۳۲، ۳۱۲، ۲۹۱، ۱۵۶ |
| <i>Medicago</i> sp. | | Papilionaceae | Medic | ۲۴۱ |
| <i>Melastoma</i> sp. | | Melastomaceae | Melastoma family | ۱۶۷ |
| <i>Melia azadarach</i> L. | * | Meliaceae | Margosa | ۳۵ |
| <i>Melilotus officinalis</i> Lam. | * | Papilionaceae | Yellow sweet clover | ۳۳۹، ۳۱۴، ۵۹، ۳۹ |
| <i>Melilotus parviflora</i> | | Papilionaceae | | ۲۳۶ |
| <i>Melilotus</i> sp. | | Papilionaceae | Sweet clover melilot | ۱۲۶ |
| <i>Melissa calamintha</i> L. = <i>Calamintha officinalis</i> Moench | | Labiatae | Calamint savory | ۱۲۶ |
| <i>Melissa clinopodium</i> Benth. | | Labiatae | | ۳۴۲ |
| <i>Melissa officinalis</i> L. | * | Labiatae | Common balm | ۳۴۳، ۳۱۶، ۲۲۵، ۷۱ |
| <i>Memecylon edule</i> Rox. | | Melastomataceae | Iron wood tree | ۲۹۵ |
| <i>Memecylon tinctoria</i> Wil. | | Melastomataceae | | ۲۹۵ |
| <i>Memecylon tinctorium</i> L. | | Melastomataceae | | ۵۳ |
| <i>Menispermum cocculus</i> L. | | Menispermaceae | | ۲۷۷ |
| <i>Mentha aquatica</i> L. | * | Labiatae | Water mint | ۳۳۸، ۲۲۱، ۲۸۲، ۲۲۹، ۱۹۸ |
| <i>Mentha arvensis</i> L. | * | Labiatae | Field mint | ۳۴۲ |
| <i>Mentha officinalis</i> Hull. | | Labiatae | | ۲۲۹ |
| <i>Mentha piperita</i> Smith. | * * | Labiatae | Peppermint | ۳۳۸، ۲۹۱، ۲۲۹ |
| <i>Mentha pulegium</i> L. | * | Labiatae | Pennyroyal | ۳۳۸، ۲۲۹، ۲۲۱، ۱۹۶، ۱۰۵، ۸۳ |
| <i>Mentha pulegium</i> var. <i>erecta</i> | | Labiatae | | ۳۳۸ |
| <i>Mentha sativa</i> L. | | Labiatae | | ۳۳۸، ۲۹۱ |
| <i>Mentha</i> sp. | | Labiatae | Mint | ۲۹۱ |
| <i>Mentha sylvestris</i> L. | | Labiatae | | ۳۳۸، ۲۲۹، ۲۰۵ |
| <i>Mercurialis annua</i> L. | * | Euphorbiaceae | Herb mercury | ۳۵۷، ۳۴۴، ۱۲۱ |
| <i>Mercurialis</i> sp. | | Euphorbiaceae | | ۱۲۱ |
| <i>Merendera persica</i> Boiss. = <i>Colchicum robustum</i> (Bge)Stefan | * | Colchicaceae | | ۱۸۰ |
| <i>Mespilus pycnoloba</i> C.Koch. | | Rosaceae | | ۲۱۹ |
| <i>Mesua ferrea</i> L. | | Guttiferae | Iron wood | ۲۸۸ |
| <i>Meum athamanticum</i> Jack | | Umbelliferae | | ۳۲۴، ۳۰۹، ۲۸۵، |
| <i>Mezereum officinal</i> C.A.Mey. | | Thymelacaceae | | ۲۷۵ |
| <i>Micromeria juliana</i> Benth. | | Labiatae | | ۳۳۹ |
| <i>Micropus erectus</i> L. | | Compositae | | ۳۵۵ |
| <i>Milium indicum</i> | | Gramineae | | ۱۰۰ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--|---------|---------------|--|-------------------|
| <i>Milium nigricans</i> Ruis. | | Gramineae | | ۲۰۴ |
| <i>Mimosa arabica</i> Lam. | | Mimosaceae | | ۲۳۷ |
| <i>Mimosa nilotica</i> L. | | Mimosaceae | | ۲۳۷، ۲۳۷، ۱۹۱ |
| <i>Mimosa oerfota</i> Fork. | | Mimosaceae | | ۲۰۸ |
| <i>Mimusops schimperi</i> Hochst. = <i>Mimusops laurifolia</i> (Forssk.) I.Friis | | Sapotaceae | | ۳۲۹، ۲۶۶، ۷۶ |
| <i>Mogorium sambac</i> Lam. = <i>Jasminum</i> L. | | Oleacea | | ۲۲۷ |
| <i>Momordica elaterium</i> L. = <i>Ecballium elaterium</i> (L.) A. Reich | | Cucurbitaceae | squirting cucumber, pepino de Sao Gregorio, pepino do Diabo, elaterio | ۳۵۵، ۲۳۴ |
| <i>Morchella esculenta</i> Pers. (Mushrooms) | | Morchellaceae | Pancita, morilla, mazorquita, , elotito mazorca, elote, hueccasy colmena. | ۲۲۱ |
| <i>Moringa aptera</i> Gaertn. | | Moringaceae | | ۱۱۱ |
| <i>Moringa arabica</i> Pers. | | Moringaceae | | ۱۱۵ |
| <i>Moringa pterygosperma</i> Gaertn. | | Moringaceae | | ۱۱۱ |
| <i>Morus acedosa</i> Cr. | | Moraceae | | ۹۶ |
| <i>Morus alba</i> L. | * | Moraceae | White mustard | ۳۲۹، ۳۱۱، ۹۶، ۹۵ |
| <i>Morus indica</i> L. | | Moraceae | | ۹۶ |
| <i>Morus nigra</i> L. | * | Moraceae | Black mixed | ۳۲۹، ۹۶، ۹۵ |
| <i>Morus</i> sp. | | Moraceae | Mulberry | ۹۵ |
| <i>Moschosma</i> sp. (Moss) | | Labiatae | | ۱۹۸ |
| <i>Musa paradisiaca</i> L. | * | Musaceae | | ۲۸۵، ۲۰۳ |
| <i>Musa sepientum</i> L. | * | Musaceae | Banana tree | ۲۸۵، ۲۰۳ |
| <i>Musa</i> sp. | | Musaceae | Banana | ۲۸۵ |
| <i>Muscari comosum</i> Mill. | * | Liliaceae | Feathered grape hyacinth | ۳۳۴، ۸۶ |
| <i>Muscari</i> sp. | | Liliaceae | Grape hyacinth | ۸۶ |
| <i>Muscus arboreus</i> | | (Moss) | | ۵۲ |
| <i>Muscus</i> sp. (Mushroom) | | (Moss) | | ۵۲ |
| <i>Myosotis alpestris</i> Schm. | | Boraginaceae | Alpine forget-me- not | ۳۴ |
| <i>Myosotis arvensis</i> L. | | Boraginaceae | Field forget-me-not | ۳۴ |
| <i>Myosotis palustris</i> Lam. | * | Boraginaceae | True forget-me-not | ۳۳۵، ۳۱۳، ۲۱۸، ۳۴ |
| <i>Myosotis</i> sp. | | Boraginaceae | Forget-me-not | ۳۴ |
| <i>Myosotis stricta</i> Roem & Schut. | * | Boraginaceae | | ۳۴ |
| <i>Myrica sapida</i> Wall . = <i>Myrica</i> <i>nagi</i> Thunb | | Myricaceae | Box myrtle | ۱۴۱ |
| <i>Myriophyllum</i> sp. | | Haloragaceae | Water milfoil parrot feather | ۲۸۰ |
| <i>Myriophyllum spicatum</i> L. | * | Haloragaceae | Spiked milfoil | ۳۵۶، ۳۲۰، ۱۱۷ |
| <i>Myristica aromatica</i> Lam. | | Myristaceae | | ۱۰۷ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|----------------|----------------------------------|-------------------------|
| <i>Myristica fragrans</i> Houtt. | | Myristaceae | Common nutmeg | ۳۲۶، ۲۰۰، ۱۴۲، ۱۰۷، ۷۸ |
| <i>Myrobalanus bellerica</i> Gaertn. | | Combretaceae | | ۷۹ |
| <i>Myrobalanus chebulae</i> <i>Gaertn.</i> = <i>Terminalia chebula</i> | | Combretaceae | | ۷۹ |
| <i>Myrobalanus citrinae</i> Gaertn. | | Combretaceae | | ۷۹ |
| <i>Myrobalanus nigrae</i> | | Combretaceae | | ۷۹ |
| <i>Myrrhis odorata</i> Scop. = <i>Scandix odorata</i> | | Umbelliferae | Sweet cicely | ۳۵۴، ۳۴۰، ۳۲۶ |
| <i>Myrtus communis</i> L. | * | Myrtaceae | Turemyrtle | ۳۲۸، ۳۶ |
| <i>Myrtus</i> sp. | | Myrtaceae | Mangel | ۳۶ |
| <i>Narcissus jonquilla</i> L. | | Amarillidaceae | Jonquil | ۲۹۰ |
| <i>Narcissus poeticus</i> L. | | Amarillidaceae | | ۳۵۶، ۲۹۰، ۲۰۶ |
| <i>Narcissus</i> sp. | | Amarillidaceae | Poet's narcissus | ۲۹۰ |
| <i>Narcissus tazetta</i> L. | * | Amarillidaceae | | ۲۹۰، ۲۰۶ |
| <i>Nardostachys jatamansi</i> DC. | * | Valerianaceae | | ۳۲۴، ۳۰۹، ۲۸۸، ۱۷۸، ۱۷۷ |
| <i>Nardostachys sampharitke</i> ? | | Valerianaceae | | ۲۳۸ |
| <i>Nardus indica</i> L. | | Gramineae | | ۱۷۸ |
| <i>Narthecium ossifragum</i> Huds. | | Liliaceae | | ۲۵۵ |
| <i>Narthecium</i> sp. | | Liliaceae | Bog asphodel | ۲۵۵ |
| <i>Nasturtium officinale</i> R.Br. | | Cruiferae | | ۲۸۴، ۲۳۵، ۲۲۴، ۱۱۵ |
| <i>Nasturtium officinalis</i> L. | * | Cruiferae | Water cress | ۳۳۱، ۱۱۶ |
| <i>Nauclea</i> sp. | | Rubiaceae | | ۲۳۰ |
| <i>Nelmbium nuciferum</i> Gaer. | * | Nymphaceae | Hindu lotus | ۶۸ |
| <i>Nelmbium speciosum</i> L. = <i>Nelmbium nuciferum</i> Gaertn. | ** | Nymphaceae | Chinese water lily | ۶۸ |
| <i>Nelumbium speciosum</i> Willd. | | Nymphaceae | | ۳۳۰ |
| <i>Nemastopora corylii</i> (Fungi) | | | | ۲۴۰ |
| <i>Nepeta micrantha</i> Bu. | | Labiatae | | ۱۶۵ |
| <i>Nepeta mispahanica</i> Bo. | | Labiatae | | ۱۶۵ |
| <i>Nerium oleander</i> L. | * | Apocynaceae | | ۳۵۲، ۳۲۰، ۲۹۴، ۱۴۵ |
| <i>Nerium</i> sp. | | Apocynaceae | Common oleander | ۱۴۵ |
| <i>Neurada procumbens</i> L. | * | Rosaceae | Garden fennelflower; Black cumin | ۱۷۲ |
| <i>Nigella sativa</i> L. | * | Ranunculaceae | Nutmeg flower | ۱۹۲، ۹۴، ۳۴ |
| <i>Nigella</i> sp. | | Ranunculaceae | Fennelflower | ۱۹۲ |
| <i>Nuphar alba</i> L. | * | Nymphaceae | | ۲۹۳ |
| <i>Nuphar luteum</i> L. | * | Nymphaceae | European cow lily | ۳۴۵، ۲۹۳ |
| <i>Nymphaea alba</i> L. | * | Nymphaceae | White water lily | ۳۴۵، ۳۱۷، ۲۹۳، ۸۰ |
| <i>Nymphaea coerulea</i> L. | | Nymphaceae | Yellow mexican water lily | ۲۹۳ |
| <i>Nymphaea flava</i> Leitner | | Nymphaceae | | ۲۹۳ |
| <i>Nymphaea indica</i> ? | | Nymphaceae | | ۲۹۳، ۶۸ |
| <i>Nymphaea lotus</i> L. | | Nymphaceae | White Egyptian lotus | ۳۵۴، ۲۹۳، ۲۸۶، ۲۷۲، ۸۰ |
| <i>Nymphaea lutea</i> L. | * | Nymphaceae | | ۲۹۳ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--|---------|---------------|--|------------------------------------|
| <i>Nymphaea nelumbo</i> L. | | Nymphaeaceae | European cow lily | ۳۳۰، ۷۳ |
| <i>Nymphaea</i> sp. | | Nymphaeaceae | Water lily | ۲۹۳ |
| <i>Nymphaea stellata</i> Willd. | | Nymphaeaceae | | ۳۵۴ |
| <i>Ochna</i> sp. | | Ochnaceae | Ochna | ۱۱۷ |
| <i>Ocimum album</i> L. | | Labiatae | | ۷۱ |
| <i>Ocimum basilicum</i> L. | * | Labiatae | Sweet basil; hoary basil | ۳۱۱، ۲۲۵، ۱۸۴، ۱۶۰، ۱۲۲، ۷۱ ۳۳۲ |
| <i>Ocimum filamentosum</i> Forsk. | | Labiatae | | ۱۶۰، ۱۰۵ |
| <i>Ocimum gratissimum</i> L. | | Labiatae | | ۱۶۰، ۱۰۵ |
| <i>Ocimum minimum</i> L. | | Labiatae | | ۱۹۸، ۱۸۴ |
| <i>Ocimum pilosum</i> Willd. | | Labiatae | | ۳۳۹، ۲۲۵، ۱۸۴، ۱۲۲ |
| <i>Oenothera biennis</i> L. | | Onagraceae | evening primrose, fever plant, night willow-herb, scabish, scurvish, tree primrose | ۳۵۴ |
| <i>Olea europaea</i> L. | * | Oleaceae | Common olive | ۱۶۶ |
| <i>Olea oleaster</i> L. | | Oleaceae | | ۳۲۷، ۲۰۶، ۱۶۶ |
| <i>Onobrychis viciaefolia</i> Scop. = <i>Onobrychis altissima</i> Grossh. | | Papilionaceae | Common sainfoin | ۳۳۴، ۳۱۸ |
| <i>Ononis antiquorum</i> L. = <i>Ononis spinosa</i> subsp. <i>Antiquorum</i> | | Papilionaceae | Balomaga | ۳۳۷، ۳۱۳ |
| <i>Ononis antiquorum</i> L. | | Papilionaceae | | ۳۳۷، ۱۹۸، ۱۸۴ |
| <i>Onopordon acanthium</i> L. | * | Compositae | Cotton thistle | ۳۳۶، ۲۰۴، ۱۸۹، ۷۱، ۵۸ |
| <i>Onopordon arabicum</i> L. | | Compositae | | ۳۳۷، ۱۸۹ |
| <i>Onopordon illiricum</i> L. | | Compositae | | ۳۳۷ |
| <i>Onosma echinoides</i> L. | ** | Boraginaceae | | ۳۴۵، ۳۱۷، ۶۸، ۴۳ |
| <i>Onosma</i> sp. | | Boraginaceae | Old- field toadflax | ۳۴۵، ۱۹۰، ۱۲۵، ۳۸ |
| <i>Onosma tinctoria</i> Bieb. | | Boraginaceae | | ۲۵۲ |
| <i>Ophioxylon serpentium</i> L. | | Orchidaceae | | ۲۱۶ |
| <i>Ophrys apifera</i> Huds. | * | Orchidaceae | Bee orchid | ۳۴۵ |
| <i>Ophrys</i> sp. | | Orchidaceae | | ۳۴۵ |
| <i>Opopanax chironium</i> Koch. | | Umbelliferae | | ۳۳۹، ۱۰۰ |
| <i>Opopanax hispidus</i> Griseb. | | Umbelliferae | | ۳۳۹ |
| <i>Opuntia hircina</i> ? | | Cactaceae | | ۹۰ |
| <i>Opuntia</i> sp. | | Cactaceae | Prickly pear | ۱۹۵ |
| <i>Orchis anthropophora</i> L. | | Orchidaceae | | ۳۴۵، ۱۳۵ |
| <i>Orchis hircina</i> Griseb. | | Orchidaceae | | ۱۳۶، ۱۳۵، ۹۰ |
| <i>Orchis morio</i> L. | | Orchidaceae | | ۳۴۴، ۳۱۶، ۹۰، ۸۹ |
| <i>Orchis rubra</i> Jacq. | | Orchidaceae | | ۳۴۴ |
| <i>Orchis</i> sp. | | Orchidaceae | Orchid; Orchis | ۱۳۵، ۹۰، ۸۹ |
| <i>Orchis undulatifolia</i> L. | | Orchidaceae | | ۳۴۵، ۳۱۶ |
| <i>Origanum aegyptiacum</i> L. | | Labiatae | | ۱۶۵ |
| <i>Origanum amaracus</i> Gled. | | Labiatae | | ۲۷۹، ۲۷۸ |
| <i>Origanum creticum</i> L. | | Labiatae | | ۲۸۱ |
| <i>Origanum dictamnus</i> L. | | Labiatae | | ۳۳۸، ۳۱۴، ۲۸۱، ۲۳۰ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--|---------|----------------|--|--------------------|
| <i>Origanum hirtum</i> L. | | Labiatae | | ۲۸۱ |
| <i>Origanum lirium</i> | | Labiatae | | ۳۳۷ |
| <i>Origanum majorana</i> L. | | Labiatae | Sweet majoran | ۳۳۹، ۲۷۸ |
| <i>Origanum maru</i> L. | | Labiatae | | ۲۷۹، ۲۲۱ |
| <i>Origanum marum</i> L. | | Labiatae | | ۳۳۹ |
| <i>Origanum onitis</i> L. | | Labiatae | | ۳۳۸ |
| <i>Origanum sipyleum</i> L. | | Labiatae | | ۳۳۷ |
| <i>Origanum</i> sp. | | Labiatae | Origanum | ۳۳۸، ۳۱۳، ۱۹۶، ۱۹۵ |
| <i>Origanum vulgare</i> L. | * | Labiatae | Common origanum; Wild marjoram | ۳۳۸، ۲۳۰، ۱۹۶ |
| <i>Origanum vulgare</i> var. <i>megastachyum</i> | | Labiatae | | ۳۳۸ |
| <i>Ornithogalum</i> sp. | | Liliaceae | Star-of-bethlehem | ۱۹۴، ۵۱ |
| <i>Ornithogalum stachyoides</i> Host. | | Liliaceae | | ۳۳۴، ۱۳۸ |
| <i>Ornithogalum umbellatum</i> L. | * | Liliaceae | Common star-of-bethlehem | ۳۳۲، ۵۱ |
| <i>Orobanche aegyptiaca</i> Pers. | * | Orobanchaceae | | ۶۸ |
| <i>Orobanche caryophyllacea</i> SM. = <i>Orobanch vulgaris</i> Poir. | * | Orobanchaceae | Clove-scented broomrape | ۳۳۲، ۳۱۱، ۲۰۱ |
| <i>Orobanche</i> sp. | | Orobanchaceae | Broomrape | ۶۸، ۴۷ |
| <i>Orseille tinctoria</i> = <i>Rocella tinctoria</i> DC. (Lichen) | | | Dyer's Weed ; Orchella Weed ; Lichen Rocella | ۱۶۸ |
| <i>Oryza sativa</i> L. | * | Graminae | Rice | ۳۲۹، ۳۱۱، ۴۴ |
| <i>Osmunda cinnamomea</i> L. | | Osmundaceae | | ۱۶۹ |
| <i>Osmunda regalis</i> L. | | Osmundaceae | Royal fern | ۱۶۹ |
| <i>Osyris alba</i> L. | | Santalaceae | | ۳۵۵ |
| <i>Oxalis acetosella</i> L. | * | Oxalidaceae | Wood-sorrel; oxalis | ۸۳ |
| <i>Oxalis corniculata</i> L. | * | Oxalidaceae | Creeping oxalis | ۱۲۵ |
| <i>Oxalis</i> sp. | | Oxalidaceae | Oxalis ; Wood sorrel | ۱۲۳ |
| <i>Paeonia corallina</i> L. | | Paeoniaceae | Coral peony | ۳۴۶، ۲۲۳ |
| <i>Paeonia corallina</i> Ret. | | Paeoniaceae | | ۲۹۵ |
| <i>Paeonia officinalis</i> L. | | Paeoniaceae | Common peony | ۲۹۵ |
| <i>Paeonia officinalis</i> Retz. | | Paeoniaceae | | ۳۴۶، ۲۲۳ |
| <i>Paeonia wittmanniana</i> Hart. | * | Paeoniaceae | | ۲۹۵ |
| <i>Paliurus aculeatus</i> Lam. | | Rhamnaceae | | ۳۲۶، ۳۰۹، ۱۶۸ |
| <i>Paliurus</i> sp. | | Rhamnaceae | Paliurus | ۱۸۵ |
| <i>Pancratium maritimum</i> L. | | Amaryllidaceae | sea daffodil | ۲۴۳، ۲۲۶ |
| <i>Pandanus</i> sp. | | Pandanaceae | Screw pine pandnus | ۲۴۸، ۴۵ |
| <i>Panicum dactylon</i> L. | | Geramineae | | ۹۹ |
| <i>Panicum italicum</i> L. | | Geramineae | | ۱۴۳ |
| <i>Panicum milliaceum</i> L. | * | Geramineae | Proso-broomcorn; millet | ۳۲۹، ۱۴۳، ۱۰۰ |
| <i>Pannkratium maritimum</i> L. | | Amaryllidaceae | | ۳۳۴، ۳۱۲ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--|---------|------------------|-------------------------------|-------------------------|
| <i>Papaver argemone</i> L. | * | Papaveraceae | Fall daffodil | ۴۴ |
| <i>Papaver rhoeas</i> L. | * | Papaveraceae | Corn poppy ; Field poppy | ۳۵۱، ۳۸۸، ۱۹۰، ۱۳۴ |
| <i>Papaver somniferum</i> L. | * | Papaveraceae | Opium poppy | ۳۵۱، ۱۵۸، ۱۳۵، ۱۳۴ |
| <i>Papaver</i> sp. | | Papaveraceae | Poppy | ۱۳۴ |
| <i>Papyrus antiquorum</i> Willd. = Cyperus Papyrus | | Cyperaceae | Papyrus | ۳۲۶، ۷۵ |
| <i>Papyrus domesticus</i> Poir. | | Cyperaceae | | ۷۶ |
| <i>Parietaria cretica</i> L. | | Urticaceae | | ۳۵۳، ۱۱۹، ۳۴ |
| <i>Parietaria diffusa</i> L. | | Urticaceae | | ۱۱۹ |
| <i>Parietaria officinalis</i> L. | | Urticaceae | Wall pellitory | ۳۴ |
| <i>Parietaria</i> sp. | | Urticaceae | Pellitory | ۳۵۳ |
| <i>Paris incompleta</i> Bieb. | | Trilliaceae | Jorusalem thorn; hore-bean | ۲۱۵ |
| <i>Parkinsonia aculeata</i> L. | * | Aesalpinaceae | | ۷۵ |
| <i>Parkinsonia</i> sp. | | Aesalpinaceae | | ۷۵ |
| <i>Parnassia palustris</i> L. | | Saxifragaceae | Wide-world parnassia | ۳۴۹ |
| <i>Paronichia</i> sp. | | Caryophyllaceae | Nailwort; Whitwort | ۱۱۸ |
| <i>Paronychia serpyllifolia</i> DC. | | Caryophyllaceae | | ۳۵۰، ۳۱۹، ۲۳۱ |
| <i>Passeina hirsuta</i> L. | | Umbelliferae | | ۳۴۷ |
| <i>Pastinaca graeca</i> ? | | Umbelliferae | | ۳۴۱ |
| <i>Pastinaca sativa</i> L. | | Umbelliferae | Garden parsnip | ۳۳۰، ۱۸۱، ۱۵۹، ۱۵۶، ۱۰۳ |
| <i>Pastinaca schekakul</i> Russ. | | Umbelliferae | | ۱۸۸ |
| <i>Pastinaca secacul</i> Russ. = Malabaila secacul (Miller) Boiss. Susp. Secacul | | Umbelliferae | | ۱۰۳ |
| <i>Pedicularis tuberosa</i> Vill. | | Scrophulariaceae | | ۳۴۴ |
| <i>Peganum harmala</i> L. | * | Zygophyllaceae | Harmel peganum African rue | ۳۳۹، ۳۱۴، ۱۱۶ |
| <i>Penaea mucronata</i> L. | | Penaeaceae | | ۶۶ |
| <i>Penaea</i> sp. | | Penaeaceae | | ۳۴۲ |
| <i>Pennisetum</i> sp. | | Gramineae | Pennisetum | ۹۷ |
| <i>Peperomia</i> sp. | | Piperaceae | Peperomia | ۲۲۱ |
| <i>Pergularia tomentosa</i> L. | * | Ascleopiadaceae | | ۲۲۱ |
| <i>Periploca</i> sp. | | Periplocaceae | Silk vine | ۸۶ |
| <i>Persica vulgaris</i> Mill. | * | Rosaceae | Peach | ۱۳۹ |
| <i>Petroselinum oreoselinum</i> L. = <i>Peucedanum oreoslinum</i> (L.) Moe. | | Umbelliferae | | ۲۵۴ |
| <i>Petroselinum sativum</i> Hoffm. | * | Umbelliferae | Common garden parsly | ۲۵۴ |
| <i>Peucedanum ammoniacum</i> ? | | Umbelliferae | | ۳۰۰ |
| <i>Peucedanum cervaria</i> L. | | Umbelliferae | Much-good | ۳۴۱ |
| <i>Peucedanum officinale</i> L. | * | Umbelliferae | Common hog's- fenel | ۳۴۱، ۳۱۵، ۷۴ |
| <i>Peucedanum oreoseinum</i> Moench. | | Umbelliferae | Mountain parsley | ۳۱۵، ۳۶، ۳۴۱، |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--|---------|---------------|------------------------|-------------------------|
| <i>Peucedanum sativum</i> Benth. | | Umbelliferae | | ۱۸۱ |
| <i>Phalangium ramosum</i> Lam. | | Phalangida | | ۳۴۳، ۳۱۶، ۲۲۳ |
| <i>Phalaris canariensis</i> Nutt. | ** | Gramineae | Canary grass | ۳۴۶ |
| <i>Phalaris tuberosa</i> L. | | Gramineae | | ۳۴۶، ۳۱۷، ۲۲۳ |
| <i>Phaseolus communis</i> Paritz. | | Papilionaceae | | ۲۷۱ |
| <i>Phaseolus max</i> L. | | Papilionaceae | | ۲۷۶ |
| <i>Phaseolus mrabatus</i> L. | | Papilionaceae | | ۲۷۶ |
| <i>Phaseolus mungo</i> L. | | Papilionaceae | Mungo bean; Black gram | ۲۷۵ |
| <i>Phaseolus radiatus</i> L. | ** | Papilionaceae | | ۲۷۵ |
| <i>Phaseolus vulgaris</i> L. | * | Papilionaceae | Kidney bean | ۲۷۱ |
| <i>Phelypaea coccinea</i> Poir. = <i>Anoplon coccineum</i> (M.B.) H. Riedl | | Orobanchaceae | | ۲۷۱ |
| <i>Phelypaea egyptiaca</i> Walp. | | Orobanchaceae | | ۲۰۱ |
| <i>Philadelphus</i> sp. | | Saxifragaceae | Mock orange | ۱۷۱ |
| <i>Phillyrea latifolia</i> L. | | Oleaceae | Tree phillyrea | ۳۲۷، ۳۱۰، ۲۰۶، ۱۶۶، ۱۱۲ |
| <i>Phoenix dactylifera</i> L. | * | Palmaceae | Date; Plum persimmon | ۳۲۸، ۳۱۰، ۹۵ |
| <i>Phragmites communis</i> Trin | | Gramineae | Common reed | ۳۲۶، ۲۴۰ |
| <i>Phyllanthus emblica</i> L. = <i>Emblica officinalis</i> | | Euphorbiaceae | Emblic leaf flower | ۶۳ |
| <i>Phyllitis scolopendrium</i> L. | * | Aspleniaceae | Hart's-tongue; | ۳۴۳، ۳۱۶، ۱۶۹ |
| <i>Physalis alkekengi</i> L. | * | Solanaceae | Strawberry; Alkekengi | ۳۵۲، ۲۴۹، ۲۱۵ |
| <i>Physalis somnifera</i> L. | | Solanaceae | | ۳۵۲ |
| <i>Picea excelsa</i> Link. | | Pinaceae | Norway spruce | ۳۲۵، ۳۰۹، ۱۹۷، ۴۴ |
| <i>Picnomon acarna</i> (L.) Cass. | * | Compositae | Yellow plume thistle | ۷۲ |
| <i>Picnomon acarna</i> Coss. | | Compositae | | ۳۳۶، ۷۳ |
| <i>Pimpinella anisum</i> L. | | Umbelliferae | Anise | ۳۴۰، ۳۱۴، ۹۴، ۶۷ |
| <i>Pimpinella dioica</i> L. | | Umbelliferae | | ۳۵۴ |
| <i>Pimpinella dissecta</i> Polli. = <i>Pimpinella rhodantha</i> Boiss. | * | Umbelliferae | | ۳۵۴ |
| <i>Pimpinella trgium</i> Vill. | | Umbelliferae | | ۲۰۲ |
| <i>Pinites stroboides</i> (Conw.) Sch. | | Cecidomyiinae | | ۲۶۴ |
| <i>Pinites succinifer</i> Goppert & Bernedt | | Cecidomyiinae | Amber | ۲۶۴ |
| <i>Pinus cembra</i> L. | | Pinaceae | Swiss stone pine | ۱۹۷ |
| <i>Pinus eldarica</i> Medew. | | Pinaceae | | ۱۹۷ |
| <i>Pinus halepensis</i> Mill. | * | Pinaceae | Aleppo pine | ۳۵۶، ۱۹۷، ۴۴ |
| <i>Pinus maritima</i> Lam. | | Pinaceae | | ۱۹۷ |
| <i>Pinus nigra</i> L. | ** | Pinaceae | Austrian pine | ۱۹۷ |
| <i>Pinus orientalis</i> Link. | | Pinaceae | | ۱۹۷ |
| <i>Pinus pinea</i> L. | * | Pinaceae | Italian stone pine | ۳۲۵، ۳۰۹، ۱۹۷ |
| <i>Pinus</i> sp. | | Pinaceae | Pine | ۱۹۷ |
| <i>Pinus sylvestris</i> L. | | Pinaceae | Scotch pine | ۱۹۷ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|----------------|--|-------------------------|
| <i>Piper aromaticum</i> Lam. | | Piperaceae | | ۳۳۳، ۳۱۲، ۲۲۸، ۱۴۲، ۴۶ |
| <i>Piper betle</i> L. | | Piperaceae | Betel pepper | ۲۳۰، ۱۸۴، ۹۳ |
| <i>Piper cubeba</i> L. | | Piperaceae | | ۲۴۹، ۵۶ |
| <i>Piper longum</i> L. | | Piperaceae | | ۲۲۸، ۱۴۲ |
| <i>Piper nigrum</i> L. | ** | Piperaceae | Black pepper | ۳۳۳، ۲۲۹، ۱۴۲، ۴۶ |
| <i>Piper</i> sp. | | Piperaceae | Pepper | ۲۲۸ |
| <i>Pistacia chia</i> DC. | | Anacardiaceae | | ۲۸۲ |
| <i>Pistacia khinjuk</i> Stoc. | * | Anacardiaceae | | ۱۱۱، ۸۱ |
| <i>Pistacia lentiscus</i> L. | | Anacardiaceae | Lentisk pistache; Mastic tree | ۳۲۹، ۳۲۵، ۲۸۲، ۱۹۸ |
| <i>Pistacia terebinthus</i> L. | | Anacardiaceae | Terebinth pistache | ۳۲۵، ۱۹۸، ۱۱۱، ۸۱ |
| <i>Pistacia vera</i> L. | * | Anacardiaceae | Common pistache | ۳۲۹، ۳۱۱، ۲۲۵ |
| <i>Pistia stratiotes</i> L. | | Anacardiaceae | | ۳۵۳، ۳۲۰، ۱۷۱، ۳۸ |
| <i>Pisum sativum</i> L. | * | Papilionaceae | Garden pea | ۱۳۷، ۱۰۴، ۷۹ |
| <i>Plantago coronopus</i> L. | * | Plantaginaceae | Crowfoot; Buckhorn plantain | ۳۳۱، ۳۱۱ |
| <i>Plantago major</i> L. | * | Plantaginaceae | Ripple-seed plantain-great plantain | ۲۶۹ |
| <i>Plantago psyllium</i> L. | * | Plantaginaceae | Flaxseed plantain; Psyllium seed | ۳۵۱، ۳۱۹، ۷۸ |
| <i>Platanus orientalis</i> L. | * | Platanaceae | Oriental plant tree | ۳۲۶، ۳۰۹، ۱۴۶ |
| <i>Platanus</i> sp. | | Platanaceae | Plant tree sycamore | ۲۱۷، ۱۴۶ |
| <i>Plumbago europaea</i> L. | | Plumbaginaceae | | ۲۴۵، ۲۰۳ |
| <i>Plumbago rosca</i> L. | | Plumbaginaceae | | ۱۹۴ |
| <i>Plumbago zeylanica</i> L. | | Plumbaginaceae | | ۱۹۳ |
| <i>Poa cynosuroides</i> Retz. | | Gramineae | | ۱۲۲ |
| <i>Poa multiflora</i> Forsk. | | Gramineae | | ۱۲۲ |
| <i>Podospermum jacquinianum</i> Koch . = <i>Scorzonera cana</i> (C.A. Meyer) O. Hoffm | | Compositae | | ۲۶۸ |
| <i>Polemonium coeruleum</i> L. | | Polemoniaceae | Greek-valerian polemonium | ۳۴۸، ۳۱۸ |
| <i>Polemonium</i> Sp. | | Polemoniaceae | Polemonium; Greek valerian; Jacob's ladder | ۹۰ |
| <i>Polygonatum officinale</i> L. | | Asparaginaceae | Drug solomon's- seal | ۳۴۸، ۳۱۸، ۲۱۱ |
| <i>Polygonum amphibium</i> L. | * | Polygonaceae | | ۲۲۰ |
| <i>Polygonum aviculare</i> L. | | Polygonaceae | | ۲۰۳، ۳۴۷، ۳۱۸، ۲۱۱، ۲۲۰ |
| <i>Polygonum bistorta</i> L. | * | Polygonaceae | European bistort | ۶۴ |
| <i>Polygonum equisetiforme</i> Sibth. = <i>Polygonum equisetiformis</i> Sibth. | * | Polygonaceae | | ۲۱۱ |
| <i>Polygonum hydropiper</i> L. | * | Polygonaceae | Marsh-pepper smartweed | ۳۳۴، ۳۳۳، ۳۱۲، ۲۲۸، ۱۶۴ |
| <i>Polygonum</i> sp. | | Polygonaceae | Knotweed | ۲۱۱ |
| <i>Polygonum tinctorium</i> Hort. | | Polygonaceae | | ۱۸۵ |
| <i>Polygonum viviparum</i> L. | | Polygonaceae | Viviparous bistort | ۶۵ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|------------------|------------------------------------|--------------------------------|
| <i>Polypodium vulgare</i> L. | * | Polypodiaceae | Common polypody; Wall fern | ۳۵۷، ۳۲۱، ۸۰ |
| <i>Polyporus officinalis</i> Fr .(Fungi) | | | Purging agaric | ۳۳۵، ۲۶۰، ۲۱۸ |
| <i>Poppia fabiana</i> Koch . = <i>Luffa cylindrica</i> (L.) Roem. | | Cucurbitaceae | | ۲۷۳ |
| <i>Populus alba</i> L. | * | Salicaceae | White poplar | ۳۲۲، ۱۲۷ |
| <i>Populus euphratica</i> L. | * | Salicaceae | Willows | ۲۲۰ |
| <i>Populus nigra</i> L. | * | Salicaceae | Black poplar | ۳۲۲، ۲۶۴، ۱۰۸ |
| <i>Populus</i> sp. | | Salicaceae | Poplar | ۱۲۷ |
| <i>Portulaca oleracea</i> L. | * | Portulacaceae | Common purslane | ۳۳۱، ۸۳ |
| <i>Portulaca sativa</i> Ha. | | Portulacaceae | | ۸۳ |
| <i>Potamogeton natans</i> L. | | Potamogetonaceae | | ۳۵۳، ۳۲۰، ۹۹ |
| <i>Potentilla reptans</i> L. | * | Rosaceae | Creeping cinquefoil | ۳۴۹، ۸۹ |
| <i>Poterium sanguisorba</i> L . = <i>Sanguisorba minor</i> Scop. | * | Rosaceae | Small burnet | ۳۴۹، ۲۵۷، ۱۷۸ |
| <i>Poterium</i> sp. | | Rosaceae | Burnet | ۳۴۱ |
| <i>Poterium spinosum</i> L. | | Rosaceae | | ۳۴۸ |
| <i>Prangos ferulacea</i> L. | * | Umbelliferae | | ۳۴۱ |
| <i>Prangos pabularia</i> L. | * | Umbelliferae | Hay plant | ۲۵۴، ۷۲ |
| <i>Premna latifolia</i> Roxb. | | Verbenaceae | | ۷۳ |
| <i>Prenanthes purpurea</i> L. | | Compositae | | ۳۴۱ |
| <i>Protea</i> sp. | | Proteaceae | Purple rattlesnake root | ۲۲۶ |
| <i>Prunus amygdalus communis</i> L. | | Rosaceae | Protea | ۲۷۲ |
| <i>Prunus amygdalus</i> Stokes . = <i>Amygdalus communis</i> L. | * | Rosaceae | | ۳۲۹، ۳۱۱، ۲۷۲ |
| <i>Prunus amygdalus</i> var. <i>amara</i> Focke | | Rosaceae | | ۳۲۹، ۳۱۱، ۲۷۲ |
| <i>Prunus armeniaca</i> L. | | Rosaceae | Common apricot | ۳۲۸، ۳۱۰، ۲۸۲ |
| <i>Prunus avium</i> L . = <i>Cerasus avium</i> (L.) Monch | * | Rosaceae | Mazzard cherry | ۲۳۵ |
| <i>Prunus cerasia</i> Br. | | Rosaceae | Sour chery | ۳۲۸، ۳۱۰ |
| <i>Prunus cerasifera</i> Ehrh. | | Rosaceae | Myrobalan plum | ۲۳۵ |
| <i>Prunus divaricata</i> Led. | * | Rosaceae | Wild myrobalan plum | ۲۹۱، ۴۱ |
| <i>Prunus domestica</i> L. | * | Rosaceae | Gardan plum | ۳۲۸، ۲۶۱، ۲۱۷، ۱۴۰، ۷۶، ۴۲، ۴۱ |
| <i>Prunus mahaleb</i> L . = <i>Cerasus mahaleb</i> (L.) Mill. | * | Rosaceae | Mahaleb cherry; St. lucy cherry | ۱۱۲ |
| <i>Prunus persica</i> Sieb . = <i>Persica vulgaris</i> Mill. | * | Rosaceae | Peach | ۳۲۸، ۳۱۰ |
| <i>Prunus spinosa</i> L. | * | Rosaceae | Sole-blackthorn | ۴۱ |
| <i>Psidium guajava</i> L. | ** | Myrtaceae | Common guava | ۶۲ |
| <i>Psoralea bituminosa</i> L. | | Papilionaceae | | ۳۴۳، ۲۰۳ |
| <i>Psylla</i> sp. | | Psyllidae | psylla | ۱۲۴ |
| <i>Pteris aquilina</i> L. | | Pteridaceae | Western bracken | ۳۵۷ |
| <i>Pteris radiofa</i> Mett. | | Pteridaceae | | ۲۸۶ |
| <i>Pterocarpus santalinus</i> L. | | Papilionaceae | Sandlwood padauk; Lal - Chandan | ۱۹۶ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--|---------|---------------|-------------------------------------|-------------------------|
| <i>Ptychotis verticellata</i> Duby | | Umbelliferae | | ۳۶ |
| <i>Pulicaria crispa</i> Cass. = <i>Francoeuria undulate</i> (L.) Loc. | * | Compositae | | ۱۰۲ |
| <i>Pulicaria odora</i> Reichb. | | Compositae | | ۱۸۳ |
| <i>Pulmonaria officinalis</i> L. | | Boraginaceae | Common lungwort | ۲۶۸ |
| <i>Punica granatum</i> L. | | Punicaceae | Pomegranate | ۳۲۸، ۲۸۹، ۲۸۳، ۱۰۴ |
| <i>Pyrethrum parthenium</i> Sm. = <i>Tanacetum parthenium</i> (L.) Sch. | * | Compositae | Feverfew; Feverfew chrysanthemum | ۲۴۶، ۱۸۶ |
| <i>Pyrus amygdaliformis</i> L. | | Rosaceae | Almond pear | ۳۲۸ |
| <i>Pyrus communis</i> L. | * | Rosaceae | Common pear | ۳۲۸، ۲۶۱، ۵۷، ۴۱ |
| <i>Pyrus communis</i> var. <i>akhras</i> | | Rosaceae | | ۳۲۸، ۳۱۱ |
| <i>Pyrus cydonia</i> L. | | Rosaceae | Cydonia oblonga | ۱۷۲ |
| <i>Pyrus germanica</i> Hook. | | Rosaceae | | ۱۶۲ |
| <i>Pyrus germanica</i> L. | | Rosaceae | | ۳۲۸، ۱۶۲ |
| <i>Pyrus malus</i> L. = <i>Malus</i> <i>orientalis</i> Ugl. | * | Rosaceae | Appel | ۳۲۸، ۳۱۰، ۴۹۴ |
| <i>Pyrus sorbus</i> Gaertn. | | Rosaceae | | ۳۲۸، ۲۲۰، ۶ |
| <i>Quercus aegilops</i> L. | | Fagaceae | Valonia oak | ۳۲۷ |
| <i>Quercus aesculus</i> Boiss. | * | Fagaceae | | ۳۲۷ |
| <i>Quercus coccifera</i> L. | | Fagaceae | Kermes oak | ۳۵۰، ۳۲۷، ۸۶ |
| <i>Quercus ilex</i> L. | | Fagaceae | Holly oak | ۳۵۲، ۲۱۲، ۸۶ |
| <i>Quercus infectipria</i> Olivier | * | Fagaceae | Aleppo oak | ۲۱۲ |
| <i>Quercus lusitanica</i> Lam. | | Fagaceae | | ۳۲۷، ۲۱۲ |
| <i>Quercus lustanica</i> var. <i>tauricola</i> | | Fagaceae | | ۲۱۲ |
| <i>Quercus persica</i> Jaub. & Sp. = <i>Quercus brantii</i> Lindl. | * | Fagaceae | Oak ; Manna tree | ۸۶ |
| <i>Quercus robur</i> L. | * | Fagaceae | | ۸۶ |
| <i>Quercus</i> sp. | | Fagaceae | Oak | ۲۱۲، ۱۷۹ |
| <i>Randia dumetorum</i> L. | | Rubiaceae | Malabar randia | ۱۰۹ |
| <i>Randia</i> sp. | | Rubiaceae | | ۱۵۴ |
| <i>Ranunculus acris</i> L. | | Ranunculaceae | Tall buttercup | ۳۳۴ |
| <i>Ranunculus aquatilis</i> L. | | Ranunculaceae | Water crowfoot | ۳۳۵، ۲۵۰ |
| <i>Ranunculus arvensis</i> L. | | Ranunculaceae | Corn buttercup | ۲۵۹ |
| <i>Ranunculus asiaticus</i> L. | | Ranunculaceae | Persian buttercup | ۳۳۴، ۲۹۴، ۲۶۶، ۲۵۰، ۱۸۹ |
| <i>Ranunculus ficaria</i> L. | | Ranunculaceae | Figroot buttercup | ۳۳۵ |
| <i>Ranunculus lanuginosus</i> L. | | Ranunculaceae | Buttercup ficaria | ۳۳۵، ۲۵۰ |
| <i>Ranunculus muricatus</i> L. | * | Ranunculaceae | | ۳۳۵ |
| <i>Ranunculus muricolus</i> L. | | Ranunculaceae | | ۲۵۰ |
| <i>Ranunculus repens</i> L. | | Ranunculaceae | | ۳۴۱ |
| <i>Ranunculus</i> sp. | | Ranunculaceae | Buttercup; Crowfoot | ۱۲۷ |
| <i>Raphanus niger</i> Mill. | | Cruciferae | | ۲۲۴ |
| <i>Raphanus raphanistrum</i> L. | * | Cruciferae | Wild radish | ۳۳۰، ۲۲۴ |
| <i>Raphanus sativus</i> L. | ** | Cruciferae | Garden radish | ۳۳۰، ۳۱۱، ۲۲۴ |
| <i>Raphanus</i> sp. | | Cruciferae | Radish | ۲۲۴ |
| <i>Reseda alba</i> L. | * | Resedaceae | White mignonette | ۱۰۱ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|---------------|------------------------------|------------------------|
| <i>Reseda canescens</i> L. | | Resedaceae | | ۳۵۵ |
| <i>Reseda luteola</i> L. | * | Resedaceae | Weld mignonette | ۲۹۵ |
| Resin | | | | ۱۵۲ |
| <i>Retama</i> sp. | | Papilionaceae | Retama | ۱۵۵ |
| <i>Rhamnus alaternus</i> L. | ** | Rhamnaceae | Common alaternus | ۳۷ |
| <i>Rhamnus cathartica</i> | * | Rhamnaceae | Common buckthorn | ۲۱۷ |
| <i>Rhamnus infectoria</i> L. | | Rhamnaceae | Persian berry buckthorn | ۳۲۷، ۲۳۱، ۲۱۷، ۱۲۰، ۶۱ |
| <i>Rhamnus tinctoria</i> Waldst. | | Rhamnaceae | | ۱۹۶ |
| <i>Rhamnus zizyphus</i> L. | | Rhamnaceae | | ۲۱۴ |
| <i>Rheum officinale</i> Baill. | | Polygonaceae | Medicinal rhubarb | ۱۵۴ |
| <i>Rheum palmatum</i> L. | | Polygonaceae | Sorrel rhubarb | ۱۵۴ |
| <i>Rheum raphaniticum</i> L. (Rhubarbes) | | Polygonaceae | Garden rhubarb | ۱۵۴ |
| <i>Rheum ribes</i> L. | * | Polygonaceae | Cuvrant-fruited ; Rhubarb | ۱۵۹ |
| <i>Rheum</i> sp. | | Polygonaceae | Rhubarb | ۱۵۹ |
| <i>Rhubarbes officinale</i> Baillon. | | Polygonaceae | | ۱۵۴ |
| <i>Rhubarbes ribes</i> ? | | Polygonaceae | | ۱۵۴ |
| <i>Rhus coriaria</i> L. | * | Anacardiaceae | Sicilian sumac | ۳۲۷، ۳۱۰، ۱۷۵ |
| <i>Rhus cotinus</i> L. | * | Anacardiaceae | Common smok tree; Aaron's | ۱۷۵ |
| <i>Rhus glabra</i> L. | | Anacardiaceae | Smooth sumac | ۱۷۵ |
| <i>Rhus</i> sp. | | Anacardiaceae | Sumac | ۱۷۵ |
| <i>Rhus vermicifera</i> DC. | | Anacardiaceae | Japanese lacquer tree | ۱۷۸ |
| <i>Ricinus communis</i> L. | * | Euphorbiaceae | Castor bean | ۳۵۶، ۲۰۳، ۱۳۳ |
| <i>Rocella tinctoria</i> DC. (Lichen) | | Rocellaceae | Litmus roccella | ۱۱۷ |
| <i>Romeria dodecandra</i> Stapf. = <i>Romeria hybrida</i> (L.) DC. | * | Papaveraceae | Violot horned poppy | ۱۶۱ |
| <i>Rosa alba</i> L. | | Rosaceae | Cottage rose | ۲۹۴ |
| <i>Rosa anserinaefolia</i> Boiss. = <i>Rosa beggeriana</i> Schrnk | * | Rosaceae | Begger rose | ۱۴۶ |
| <i>Rosa canina</i> L. | * | Rosaceae | Dog-rose | ۳۲۶، ۲۹۴، ۲۹۰ |
| <i>Rosa centifolia</i> L. | ** | Rosaceae | Cabbage rose | ۲۹۴، ۱۴۶ |
| <i>Rosa cinensis</i> Jac. | | Rosaceae | | ۲۹۴ |
| <i>Rosa damascena</i> Mill. | * | Rosaceae | Domask rose | ۲۹۴، ۱۴۶ |
| <i>Rosa gallica</i> L. | ** | Rosaceae | French rose | ۲۹۴، ۱۴۶ |
| <i>Rosa indica</i> L. | | Rosaceae | Chines rose | ۲۹۴ |
| <i>Rosa lutea</i> Bort. = <i>Rosa foetida</i> Herrm | * | Rosaceae | Austrian briar rose | ۳۲۷ |
| <i>Rosa maialis</i> Desf. | | Rosaceae | | ۲۸۹ |
| <i>Rosa moschata</i> Herrm. | * | Rosaceae | Musk rose | ۲۹۰ |
| <i>Rosa sempervirens</i> L. | | Rosaceae | Evergreen rose | ۳۲۶ |
| <i>Rosa</i> sp. | | Rosaceae | Rose | ۳۲۷، ۳۱۰، ۲۹۴ |
| <i>Rosmarinus officinalis</i> L. | ** | Labiatae | Rosemary | ۶۰ |
| <i>Rottlera tinctoria</i> Roxb. = | | Euphorbiaceae | Common madder; | ۲۹۵، ۲۴۴ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|----------------|---------------------------------|--------------------|
| <i>Croton philippensis</i> Lam. <i>Mallotus reticulatus</i> Dunn = <i>Mallotus philippensis</i> (Lam.) Muell. Arg. | | | kemala tree | |
| <i>Rubia cordiifolia</i> L. | | Rubiaceae | | ۲۳۰ |
| <i>Rubia tinctorium</i> L. | * | Rubiaceae | | ۳۴۶، ۲۳۰ |
| <i>Rubus fruticosus</i> L. | | Rosaceae | European blackberry | ۲۷۹، ۲۱۳ |
| <i>Rubus idaeus</i> L. | | Rosaceae | Red raspberry | ۳۴۹، ۲۱۳ |
| <i>Rubus sanctus</i> Schreb. | | Rosaceae | European raspberry | ۲۱۳ |
| <i>Rubus</i> sp. | | Rosaceae | Raspberry blackberry | ۲۱۷، ۲۱۳ |
| <i>Rubus ulmifolius</i> Schott . = <i>Rubus anatolicus</i> (Focke) Fock & Wauss. | * | Rosaceae | Elm-leaved blackberry | ۳۴۹ |
| <i>Rumex acutus</i> L. | | Polygonaceae | | ۳۳۰، ۲۷۰، ۱۲۲ |
| <i>Rumex aquaticus</i> L. | | Polygonaceae | | ۳۳۰ |
| <i>Rumex brettanica</i> L. | | Polygonaceae | | ۳۴۷، ۳۱۸، ۷۶ |
| <i>Rumex conglomeratus</i> L. | * | Polygonaceae | Clustered | ۱۲۳ |
| <i>Rumex elbursensis</i> Boiss. | * | Polygonaceae | | ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۳ |
| <i>Rumex hydrolapathum</i> L. | | Polygonaceae | Water dock | ۳۳۰، ۱۷۴، ۱۲۲ |
| <i>Rumex lacerus</i> Balb. | | Polygonaceae | | ۱۲۴ |
| <i>Rumex obtusifolius</i> L. | * | Polygonaceae | Bitter dock | ۱۲۴، ۱۲۳ |
| <i>Rumex patientia</i> L. | * | Polygonaceae | Potenc dock | ۳۳۰، ۱۲۳، ۱۲۲ |
| <i>Rumex scutatus</i> L. | * | Polygonaceae | French sorrel | ۱۲۲ |
| <i>Rumex vesicarius</i> L. | * | Polygonaceae | Bladder dock; Bladder sorrel | ۱۲۴ |
| <i>Ruscus aculeatus</i> L. | | Liliaceae | Butcher's-broom | ۳۰۰، ۳۶ |
| <i>Ruscus hypoglossum</i> | | Liliaceae | | ۳۰۰ |
| <i>Ruscus hypophyllum</i> | | Liliaceae | | ۳۰۷، ۳۰۰ |
| <i>Ruscus racemosus</i> L. | | Liliaceae | | ۳۰۷ |
| <i>Ruta graveolens</i> L. | | Rutaceae | Common rue-herb of grace | ۳۳۹، ۱۶۸ |
| <i>Ruta hortensis</i> Mill. | | Rutaceae | | ۱۶۸ |
| <i>Ruta montana</i> L. | | Rutaceae | | ۳۳۹، ۳۱۴، ۱۶۸، ۱۰۰ |
| <i>Ruta</i> sp. | | Rutaceae | Rue | ۱۶۸ |
| <i>Ruta tuberculata</i> Fisch . = <i>Haplophyllum versicolor</i> Fisch & C.A. Mey. | * | Rutaceae | | ۱۶۸ |
| <i>Saccharum officinarum</i> L. | ** | Gramineae | Sugar cane | (۲۴۱) ۱۷۳ |
| <i>Saelanthus quadragonum</i> Forsk. | | Vitidaceae | | ۱۷۴ |
| <i>Salicornia fruticosa</i> L. | * | Chenopodiaceae | | ۵۲ |
| <i>Salicornia herbacea</i> L . = <i>Salicornia europaea</i> L. | * | Chenopodiaceae | Marsh samphire | ۲۴۴، ۵۲ |
| <i>Salicornia</i> sp. | | Chenopodiaceae | Glasswort | ۵۲ |
| <i>Salix acmophylla</i> Boiss. | | Salicaceae | | ۱۳۷ |
| <i>Salix aegyptiaca</i> Forsk. | * | Salicaceae | Egyptian willow | ۱۳۷، ۱۱۰ |
| <i>Salix alba</i> L. | * | Salicaceae | White willow | ۱۳۷ |
| <i>Salix australior</i> Forbes = <i>Salix</i> <i>excelsa</i> S.G.G.M. | * | Salicaceae | | ۱۳۷ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|-----------------|---|-----------------------|
| <i>Salix babylonica</i> L. | * | Salicaceae | Babylon weeping willow | ۳۲۷، ۲۲۰، ۱۳۷ |
| <i>Salix balchia</i> | | Salicaceae | | ۱۳۷ |
| <i>Salix caprea</i> L. | | Salicaceae | Good willow | ۱۳۷ |
| <i>Salix fragilis</i> L. | | Salicaceae | Brittle willow | ۱۳۷ |
| <i>Salix rosmarinifolia</i> L. | | Salicaceae | | ۱۳۷ |
| <i>Salix safsaf</i> Forsk | | Salicaceae | | ۱۳۷ |
| <i>Salix</i> sp. | | Salicaceae | Willow-osier | ۲۲۰، ۳۲۷ |
| <i>Salsola kali</i> L. | * | Chenopodiaceae | Common russian thistle | ۵۲ |
| <i>Salsola soda</i> L. | * | Chenopodiaceae | Soda plant; bakilla-plant | ۵۲ |
| <i>Salsola tragus</i> L. = <i>Salsola kali</i> Subsp. <i>Tragus</i> | * | Chenopodiaceae | | ۵۲ |
| <i>Salvadora indica</i> Royle | | Salvadoraceae | Niepa bark tree | ۴۳ |
| <i>Salvadora persica</i> Gaer. | * | Salvadoraceae | Kikuel oil plant; Mustard- seed | ۲۵۰، ۴۳ |
| <i>Salvia aethiopsis</i> L. | | Labiatae | Ethiopian sage-woolly clay | ۳۵۴ |
| <i>Salvia cyanescens</i> Boiss. | | Labiatae | | ۳۳۸ |
| <i>Salvia horminum</i> L. = <i>Salvia viridis</i> L. | * | Labiatae | | ۳۴۵، ۳۱۷، ۴۵ |
| <i>Salvia officinalis</i> L. | ** | Labiatae | Garden sage | ۳۳۸، ۲۶۸، ۱۵۶، ۶۰، ۴۸ |
| <i>Sambucus ebulus</i> | * | Caprifoliaceae | Mediterranean herb elder; danwort | ۳۵۶ |
| <i>Sambucus nigra</i> L. | * | Caprifoliaceae | European elder | ۳۵۷، ۱۳۸ |
| <i>Sanguisorba officinalis</i> | * | Rosaceae | Garden carrot | ۳۴۹ |
| <i>Sanguisorba</i> sp. | | Rosaceae | Bloodroot | ۳۴۹ |
| <i>Santalum album</i> L. | | Santalaceae | | ۱۹۶ |
| <i>Santalum</i> sp. | | Santalaceae | Sandalwood | ۱۹۶ |
| <i>Santolina maritima</i> Smith. | | Compositae | | ۳۴۴، ۲۲۶ |
| <i>Saponaria officinalis</i> L. | * | Caryophyllaceae | Bouncing bet | ۳۳۳، ۱۷۱ |
| <i>Sarcostemma viminalis</i> R.Br. = <i>Euphorbia viminalis</i> | | Asclepiadaceae | Rapunzel Plant, Somabutta | ۱۱۷ |
| <i>Satureia hortensis</i> L. | | Labiatae | Summer savory | ۳۳۹، ۱۹۵ |
| <i>Satureia thymbra</i> L. | | Labiatae | | ۱۹۵ |
| <i>Saussurea lappa</i> Clarke | | Compositae | Saussura | ۲۳۹ |
| <i>Scandix pecten veneris</i> L. | * | Umbelliferae | Shepherd's-needle-lady's-s-comb; Venus's-comb | ۳۳۲، ۳۱۱ |
| <i>Schaenus</i> sp. | | Cyperaceae | Bog rush | ۲۱۷ |
| <i>Schoenocaulon officinale</i> A.Gray = <i>Veratrum officinale</i> Schl. & Cham = <i>Veratrum sabadilla</i> Retz | | Liliaceae | Drug sabadilla ; sabadilla | ۲۶۱ |
| <i>Scilla bifolia</i> L. = <i>Scilla autumnalis</i> L. | * | Liliaceae | Twin-leaved squill | ۳۵۱ |
| <i>Scilla maritima</i> L. | | Liliaceae | | ۳۳۴، ۳۱۲، ۴۹ |
| <i>Scilla pancratium</i> Nym. | | Liliaceae | | |
| <i>Scilla</i> sp. | | Liliaceae | Squill | ۲۱۵ |
| <i>Scolopendrium hemionitis</i> L. | | Polypodiaceae | | ۳۴۵ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--|---------|------------------|---------------------------------------|---------------|
| <i>Scolopendrium vulgare</i> Sw . = <i>Scolopendrium officinale</i> Swartz = <i>Phyllitis scolopendrium</i> (L.) Newman | | Polypodiaceae | Hart's-tongue | ۳۴۵، ۴۸ |
| <i>Scolymus hispanicus</i> L . = <i>Scolymus grandiflorus</i> auct. | * | Compositae | Spanis; golden thistle | ۳۳۶، ۳۱۳، ۱۱۴ |
| <i>Scorpiurus</i> sp. | | Papilionaceae | Scorpoin's-tail; Caterpillar plant | ۱۵۱ |
| <i>Scorzonera elongata</i> L. | | Compositae | | ۳۴۰ |
| <i>Scrophularia aquatica</i> L. = <i>Scrophularia umbebrosa</i> Dumort. | * | Scrophulariaceae | Water-betony | ۱۲۷ |
| <i>Scrophularia chrysanthemifolia</i> L. | | Scrophulariaceae | | ۳۴۹، ۱۷۸ |
| <i>Scrophularia lucida</i> L. | | Scrophulariaceae | | ۳۴۹ |
| <i>Scrophularia peregrina</i> L. | | Scrophulariaceae | | ۳۵۳ |
| <i>Secale cereale</i> L. | * | Gramineae | Rye; Rie | ۱۹۴ |
| <i>Secale corutom</i> | | Gramineae | | ۱۴۷ |
| <i>Securigera coronilla</i> DC . = <i>Securigera securidaca</i> (L.) DE. & DO. | * | Papilionaceae | Hatchet vetch | ۳۴۵، ۷۰ |
| <i>Securigera securidaca</i> (L.) DE. & DO. | * | Papilionaceae | | ۳۴۵، ۷۰ |
| <i>Sedom anopetalum</i> DC. | | Crassulaceae | Goldmoss; stonecrop goldmoss | ۳۵۶ |
| <i>Sedum acre</i> L. | | Crassulaceae | | ۳۵۳، ۳۸ |
| <i>Sedum cepaea</i> L. | | Crassulaceae | | ۳۴۶، ۳۱۸، ۱۰۸ |
| <i>Sedum ochroleucum</i> Vill. | | Crassulaceae | | ۳۵۳ |
| <i>Sedum roseum</i> Scop. | | Crassulaceae | Rose-root stonecrop | ۳۵۰ |
| <i>Sedum</i> sp. | | Crassulaceae | Stonecrop | ۳۸ |
| <i>Sedum stellatum</i> L. | | Crassulaceae | | ۳۵۳ |
| <i>Sedum telephium</i> L. | | Crassulaceae | Live-forever | ۲۲۳، ۳۸ |
| <i>Sedum telephullon</i> L. | | Crassulaceae | | ۳۵۳ |
| <i>Selinum galbanum</i> | | Umbelliferae | | ۳۴۲ |
| <i>Selinum officinal</i> | | Umbelliferae | | ۷۴ |
| <i>Semecarpus anacardium</i> L. | | Anacardiaceae | Marking Nut | ۱۶، ۸۵ |
| <i>Sempervivum arboreum</i> L. | | Crassulaceae | | ۳۵۳، ۶۴، ۳۸ |
| <i>Sempervivum</i> sp. | | Crassulaceae | Houseleek | ۳۸ |
| <i>Sempervivum tectorum</i> L. | | Crassulaceae | Hen-and-chickens; Roof houseleek | ۳۸ |
| <i>Senebiera coronopus</i> (L.) Poir. = <i>Coronopus squamatus</i> (Forssk.) Ascherson | | Cruciferae | Coronopus; Greater swinecress | ۱۱۶ |
| <i>Senecio coronopifolius</i> Defs . = <i>Senecio glaucus</i> L. | * | Compositae | | ۱۰۲ |
| <i>Senecio vulgaris</i> L. = Common groundsel | * | Compositae | | ۳۵۳ |
| <i>Serapias lingua</i> L. | | Orchidaceae | | ۳۴۶، ۲۷۱ |
| <i>Serratula chamepeuce</i> L. | | Compositae | | ۲۱۸ |
| <i>Sesamum indicum</i> L. | * | Pedaliaceae | Oriental sesme | ۳۲۹، ۳۱۱، ۱۷۶ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|-----------------|---|------------------------------|
| <i>Sesamum oleiferum</i> Moench | | Pedaliaceae | | ۱۷۶ |
| <i>Sesamum orientale</i> L. = <i>Sesamum indicum</i> L. | * | Pedaliaceae | | ۱۷۶ |
| <i>Sesbania aegyptiaca</i> Poir. | | Papilionaceae | Peabush | ۱۸۲ |
| <i>Sesbania</i> sp. | | Papilionaceae | <i>Sesbania</i> | ۱۸۲ |
| <i>Seseli ammoides</i> L. | | Umbelliferae | <i>Seseli</i> ; Meadow | ۳۴۱ |
| <i>Seseli tortuosum</i> L. | | Umbelliferae | | ۳۴۰، ۳۱۴، ۲۴۸، ۱۸۲، ۱۶۷ |
| <i>Setaria italicum</i> Beauv. | * | Gramineae | Foxtail barley; Squirrel; Tail grass | ۳۲۹ |
| <i>Sideritis remota</i> Urv. | | Labiatae | Ironwort | ۳۴۹ |
| <i>Silene cucubalus</i> Will. | | Caryophyllaceae | Bladder silene | ۱۰۰ |
| <i>Silene gallica</i> L. | | Caryophyllaceae | French silene | ۳۴۹ |
| <i>Silene infelata</i> Sm. | | Caryophyllaceae | | ۳۵۱، ۱۳۶، ۱۰۰ |
| <i>Silene</i> sp. | | Caryophyllaceae | Catchfly; Campion | ۳۵۵ |
| <i>Silybum marianum</i> Gaer. | * | Compositae | Blessed milk Thistle; St.mary thistle | ۳۵۵، ۲۱۳، ۱۱۵، ۷۱ |
| <i>Silybum syriacum</i> | | Compositae | | ۳۳۷ |
| <i>Sinapis alba</i> L. | * | Cruciferae | White mustard | ۱۳۱، ۱۱۵ |
| <i>Sinapis arvensis</i> L. | * | Cruciferae | Charlock | ۳۳۰، ۱۳۱ |
| <i>Sinapis nigra</i> L. | | Cruciferae | | ۱۳۱ |
| <i>Sinapis</i> sp. | | Cruciferae | Mustard | ۱۳۱ |
| <i>Sison ammi</i> Jac. = <i>Trachyspermum copticum</i> (L.)Lin. | * | Umbelliferae | | ۲۸۹ |
| <i>Sison amomum</i> L. | | Umbelliferae | | ۳۴۰، ۳۱۴، ۲۲۰ |
| <i>Sisymbrium alliaria</i> Scop. | | Cruciferae | | ۹۹ |
| <i>Sisymbrium irio</i> L. | * | Cruciferae | London pride | ۱۲۹ |
| <i>Sisymbrium nasturtium</i> Muhl. | | Cruciferae | | ۳۳۱ |
| <i>Sisymbrium officinale</i> L. | * | Cruciferae | Hedg mustard | ۹۶ |
| <i>Sisymbrium officinale</i> Scop. | | Cruciferae | | ۳۳۳، ۱۲۹ |
| <i>Sisymbrium polyceratium</i> | | Cruciferae | | ۳۳۳، ۱۲۹ |
| <i>Sisymbrium sophia</i> L. = <i>Descurainia sophia</i> (L.)Sct. | * | Cruciferae | | ۱۳۰ |
| <i>Sisymbrium</i> sp. | | Cruciferae | <i>Sisymbrium</i> | ۹۶ |
| <i>Sium latifolium</i> L. | | Umbelliferae | | ۳۳۱، ۳۱۱، ۲۵۴، ۲۳۵، ۱۸۲، ۱۰۲ |
| <i>Sium nodiflorum</i> L. | | Umbelliferae | | ۳۳۱ |
| <i>Sium sisarum</i> L. | * | Umbelliferae | Skirret water parsnip | ۳۳۰، ۳۱۱، ۱۸۱ |
| <i>Smilax aspera</i> L. | * | Asparaginaceae | Rough bindweed | ۳۵۵، ۳۳۳، ۲۸۹، ۲۲۶ |
| <i>Smilax glabra</i> Roxb. | | Asparaginaceae | | ۱۰۶ |
| <i>Smilax</i> L. | | Asparaginaceae | Greenbrier | ۲۲۶، ۱۰۶ |
| <i>Smilax sarsaparilla</i> L. | | Asparaginaceae | | ۲۰۹ |
| <i>Smyrnum dioscoridis</i> Spreng. | | Umbelliferae | | ۳۴۱ |
| <i>Smyrnum olusatrum</i> L. | | Umbelliferae | | ۳۴۱، ۳۱۵، ۲۵۴ |
| <i>Smyrnum perfoliatum</i> L. | | Umbelliferae | | ۳۴۱، ۲۵۴ |
| <i>Smyrnum</i> sp. | | Umbelliferae | Alexanders | ۱۷۶ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|-------------------|---------------------------------|-----------------------|
| <i>Solanum indicum</i> L. = <i>Solanum indicum</i> L. | * | Solanaceae | | ۷۸ |
| <i>Solanum melongena</i> L. | * | Solanaceae | Garden egg plant | ۲۸۳، ۷۲ |
| <i>Solanum nigrum</i> L. | * | Solanaceae | Black nightshade | ۳۵۲، ۲۱۵، ۱۵۴ |
| <i>Solanum sodomum</i> L. | | Solanaceae | | ۷۰ |
| <i>Solanum tuberosum</i> L. | * | Solanaceae | Potato | ۳۵۲ |
| <i>Sonchus arvensis</i> L. | | Compositae | Field sow thistle | ۳۳۱ |
| <i>Sonchus ciliatus</i> L. | | Compositae | | ۸۴، ۵۰ |
| <i>Sonchus oleraceus</i> L. | * | Compositae | Common sow thistle | ۳۳۱، ۳۱۱، ۲۹۶، ۸۴، ۵۰ |
| <i>Sophora mollis</i> Gr. | * | Papilionaceae | Himalayan laburnum | ۴۴ |
| <i>Sophora</i> sp. | | Papilionaceae | Pagoda tree | ۱۹۶ |
| <i>Sorbus aucuparia</i> L. = <i>Sorbus boissieri</i> Sch. | * | Rosaceae | | ۲۲۰ |
| <i>Sorbus boissieri</i> Schn. | * | Rosaceae | | ۲۲۰ |
| <i>Sorbus domestica</i> L. | | Rosaceae | Serviceberry; Juneberry | ۳۲۸، ۲۲۰ |
| <i>Sorbus Pyrus</i> Crantz | | Rosaceae | | ۲۲۰ |
| <i>Sorbus</i> sp. | | Rosaceae | Mounthain ash | ۲۲۰ |
| <i>Sorbus torminalis</i> (L.) Crantz | * | Rosaceae | Checker-tree mountain ash | ۲۸۶ |
| <i>Sorghum vulgare</i> L. | ** | Gramineae | Sorghum; Broom corn | ۱۵۰، ۱۴۳ |
| <i>Sparganium ramosum</i> Huds. | | Sparganiaceae | | ۳۴۸، ۳۱۹، ۱۸۱ |
| <i>Spartium junceum</i> L. | | Papilionaceae | Weaver's-broom; Spanish broom | ۳۵۵، ۷۵ |
| <i>Spartium spinosum</i> L. | | Papilionaceae | | ۱۴۱ |
| <i>Spermophthora gossypii</i> (Fungi) | | Metschnikowiaceae | | ۲۴۰ |
| <i>Spinacia oleracea</i> L. | ** | Chenopodiaceae | Spinach; Prickly-seeded spinach | ۴۸ |
| <i>Spiraea filipendula</i> L. | | Rosaceae | | ۳۴۴ |
| <i>Sqtaria italica</i> Beauv | | Graminae | Millet, foxtail; Italian millet | ۱۴۳ |
| <i>Stachys betonica</i> Benth. | | Labiatae | | ۳۴۷، ۲۳۹ |
| <i>Stachys germanica</i> L. | | Labiatae | Mouse-earbetony | ۳۴۳، ۳۱۶، ۲۹۵، ۱۷۱ |
| <i>Stachys hirta</i> L. | | Labiatae | | ۱۷۱ |
| <i>Stachys lavandulaefolia</i> Vahl. | | Labiatae | | ۲۷۸ |
| <i>Stachys palaestina</i> L. | | Labiatae | | ۳۴۳ |
| <i>Stachys recta</i> L. | | Labiatae | | ۳۴۹، ۱۸۰ |
| <i>Stachys</i> sp. | | Labiatae | Betony-woundwort | ۲۹۵، ۱۷۱ |
| <i>Statice limonium</i> L. = <i>Limonium vulgare</i> Miller | | Plumboginaceae | | ۳۴۸، ۳۱۹، ۹۱ |
| <i>Sterculia acuminata</i> Beauv. | | Sterculiaceae | | ۱۰۸ |
| <i>Stipa</i> sp. | | Gramineae | Needlegrass; Feather grass | ۱۲۲ |
| <i>Stratiotes aloides</i> L. | | Hydrocharitaceae | Water-soldier | ۳۵۳، ۱۷۱ |
| <i>Streptosolen</i> sp. | | Solanaceae | | ۲۰۷ |
| <i>Strychnos nux-vomica</i> L. | | Loganiaceae | Poison Nut; Semen | ۱۲۸، ۱۰۸، ۴۲ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--|---------|-----------------|------------------------------|-----------------------------|
| | | | strychnos | |
| <i>Styrax officinale</i> L. | | Styracaceae | Drug snowbell | ۳۲۵، ۳۰۹، ۲۸۹، ۲۶۸، ۲۶۷، ۵۳ |
| <i>Swertia chirata</i> Ham. | | Gentianaceae | | ۲۴۱ |
| <i>Symphytum bulbosum</i> Schimp. | | Boraginaceae | | ۳۴۸، ۱۷۶ |
| <i>Symphytum officinale</i> L. | | Boraginaceae | Common comfrey; Woundwort | ۱۷۶، ۴۳ |
| <i>Symphytum petraeum</i> ? | | Boraginaceae | | ۳۴۸، ۳۱۸، ۱۷۶ |
| <i>Symphytum</i> sp. | | Boraginaceae | Comfrey | ۳۴۸، ۱۷۶ |
| <i>Syringa</i> sp. | | Oleaceae | Lilac | ۲۹۲ |
| <i>Syzygium aromaticus</i> (L.) Merr. = <i>Eugenia caryophyllata</i> Thunb = <i>E. aromatica</i> Kuntze. = <i>Caryophyllus aromaticus</i> Linn. | | Myrtaceae | Clove tree | ۲۳۸ |
| <i>Tagetes erecta</i> L. = <i>Tagetes mayor</i> | | Compositae | Aztec marigold | ۲۴۳، ۲۰۱ |
| <i>Tamarindus indica</i> L. | | Caesalpinaceae | Tamarind | ۱۲۴، ۹۵ |
| <i>Tamarix articulata</i> Vahl. = <i>Tamarix aphylla</i> (L.) Kay. | ** | Tamaricaceae | | ، ۳۲۶، ۲۰۲، ۵۷، ۴۰ |
| <i>Tamarix gallica</i> L. | * | Tamaricaceae | French tamarsk | ۳۲۶، ۲۰۲، ۴۰ |
| <i>Tamarix gallica</i> L. var. mann? | | Tamaricaceae | | ۴۰ |
| <i>Tamarix nilotica</i> Ehr & Bung. | | Tamaricaceae | | ۴۰ |
| <i>Tamarix orientalis</i> Forsk. | | Tamaricaceae | | ۴۰ |
| <i>Tamarix pentandra</i> Pall. = <i>Tamarix ramosissima</i> Led. | * | Tamaricaceae | Five-stamen tamarisk | ۲۰۲ |
| <i>Tamarix</i> sp. | | Tamaricaceae | Tamarisk | ۲۰۲، ۴۰ |
| <i>Tamarix tetrandra</i> Guebh. | * | Tamaricaceae | Four stamen tamarisk | ۲۰۲ |
| <i>Tamus communis</i> L. | | Dioscoraceae | | ۳۵۷، ۳۵۶، ۲۲۲ |
| <i>Tamus dioica</i> | * | Dioscoraceae | Adder's meat | ۲۲۲ |
| <i>Tamus</i> sp. | | Dioscoraceae | Black bryony | ۲۹۷، ۲۲۲ |
| <i>Tanacetum annum</i> L. | | Compositae | | ۲۱ |
| <i>Tanacetum umbelliferum</i> Boiss. | | Compositae | | ۸۹ |
| <i>Tanacetum vulgare</i> L. | | Compositae | Common tansy | ۱۱۹ |
| <i>Taraxacum dens-leonis</i> DC. | | Compositae | | ۲۰۰ |
| <i>Taraxacum officinale</i> Will. | | Compositae | Common dandelion | ۲۹۸، ۲۹۶، ۲۰۰، ۱۳۴ |
| <i>Taraxacum vulgare</i> Shramk = <i>Taraxacum vagum</i> V.S. | * | Compositae | | ۲۰۰ |
| <i>Taxus baccata</i> L. | * | Taxaceae | English yew | ۳۵۲، ۱۹۹، ۱۹۰، ۱۶۱، ۱۵۵ |
| <i>Tectonia grandis</i> L. | | Verbenaceae | Teca | ۱۶۶ |
| <i>Tectonia</i> sp. | | Verbenaceae | Teak | ۱۶۶ |
| <i>Telekia speciosissima</i> DC. = <i>Buphthalmum speciosissimum</i> L. | | Compositae | | ۲۹۵ |
| <i>Telephium imperati</i> L. | * | Caryophyllaceae | Tree orpine | ۱۷۰، ۷۵ |
| <i>Terfezia claveriji</i> (Fungi) | | | | ۲۶۰ |
| <i>Terminalia bellerica</i> Roxb. | * | Combretaceae | Myrobalan tree | ۸۷، ۶۹ |
| <i>Terminalia chebula</i> Ret. | | Combretaceae | Hebula terminalia | ۶۹، ۶۸ |
| <i>Terminalia citrina</i> Roxb. | | Combretaceae | | ۶۹ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|---------------|---|-------------------|
| <i>Terminalia horrida</i> Stend. | | Combretaceae | | ۲۹ |
| <i>Teucrium chamaedrys</i> L. | | Labiatae | Chamaedoreas germander | ۳۴۳، ۳۱۵، ۲۶۰، ۸۷ |
| <i>Teucrium flavum</i> L. | | Labiatae | Cat thyme | ۳۴۲، ۳۱۵ |
| <i>Teucrium marum</i> L. | | Labiatae | | ۲۸۰، ۲۷۵ |
| <i>Teucrium polium</i> L. | | Labiatae | | ۳۴۳، ۳۱۶، ۱۰۴ |
| <i>Teucrium sapinum</i> L. | | Labiatae | | ۲۶۱ |
| <i>Teucrium scordium</i> L. | | Labiatae | Water germander | ۳۴۳، ۳۱۶، ۹۸، ۴۹ |
| <i>Teucrium</i> sp. | | Labiatae | Germander | ۲۰۴ |
| <i>Thalictrum aquilegifolium</i> L. | | Ranunculaceae | Columbne meadow rue | ۹۷ |
| <i>Thalictrum flavum</i> L. | | Ranunculaceae | Yellow meadow rue | ۳۵۳، ۳۲۰ |
| <i>Thalictrum minus</i> L. | | Ranunculaceae | | ۳۵۳ |
| <i>Thapsia garganica</i> L. | | Umbelliferae | | ۳۵۵، ۱۶۸، ۱۴۵، ۹۷ |
| <i>Thea sinensis</i> L. | | Theaceae | Common tea; chinese tea | ۹۹ |
| <i>Thelygonum cynocrambe</i> L. | | Thelygonaceae | | ۳۵۷ |
| <i>Thlaspi bursa-pastoris</i> L. | | Cruciferae | | ۳۳۳ |
| <i>Thlaspi campestre</i> L. | | Cruciferae | | ۱۳۱، ۱۰۲ |
| <i>Thrinicia tuberosa</i> DC. | | Compositae | | ۳۳۲ |
| <i>Thus oxycantha</i> = <i>Crataegus laevigata</i> (Poiret) De Candolle = <i>Crataegus oxycantha</i> L. | | Rosaceae | Hawthorn, English hawthorn, haw, May flower, whitethorn, quickthorn | ۲۷۱ |
| <i>Thuja articulata</i> Vahl. | | Cupressaceae | Oriental arborvitae; Chinese arborvitae | ۱۷۹ |
| <i>Thuja orientalis</i> L. | | Cupressaceae | | ۲۱۲ |
| <i>Thymbra spicata</i> Stric. & Hort. | * | Labiatae | Spiked thymbra | ۳۳۷ |
| <i>Thymelaea hirsuta</i> Endl. | | Thymeliaceae | | ۲۷۷ |
| <i>Thymelaea mezereum</i> Scop. | | Thymeliaceae | | ۲۷۵ |
| <i>Thymelaea tartonraira</i> Endl. | | Thymeliaceae | | ۲۰۹ |
| <i>Thymus barrelieri</i> Spreng. | | Labiatae | | ۳۱۴، ۲۲۹ |
| <i>Thymus calamintha</i> Scop. | | Labiatae | | ۳۳۸، ۳۱۴، ۲۲۹ |
| <i>Thymus capitatus</i> L. | | Labiatae | | ۳۳۸، ۳۱۴ |
| <i>Thymus capitatus</i> Lk. & Hoffm. | | Labiatae | | ۹۹، ۱۱۰ |
| <i>Thymus glaber</i> Mill. | | Labiatae | | ۳۳۹، ۲۹۱، ۱۸۲ |
| <i>Thymus graveolens</i> Bieb. | | Labiatae | | ۳۳۸ |
| <i>Thymus kotchyanus</i> Boiss. | | Labiatae | | ۱۹۶ |
| <i>Thymus nepeta</i> Sm. | | Labiatae | | ۳۱۴، ۲۲۹ |
| <i>Thymus nummularius</i> Benth. | | Labiatae | | ۱۸۲ |
| <i>Thymus serpyllum</i> Frie. | | Labiatae | Mother-of- thyme | ۱۸۲ |
| <i>Thymus serpyllum</i> L. | | Labiatae | Serpolet; Wild Thyme | ۲۹۱، ۱۹۵ |
| <i>Thymus sibthorpii</i> Benth. | | Labiatae | | ۳۳۹ |
| <i>Thymus vulgaris</i> L. | | Labiatae | Common thyme | ۳۳۹، ۱۹۶، ۱۱۰ |
| <i>Tilia rubra</i> De. & T. | | Tiliaceae | | ۱۶۶ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|----------------|---|---------------|
| <i>Tilia silvestris</i> Desf. | * | Tiliaceae | Little-leaf-linden | ۱۶۶ |
| <i>Tilia</i> sp. | | Tiliaceae | Lindelofia | ۱۶۶ |
| <i>Tithymalus cotinifolius</i> Haw . = <i>Euphorbia cotinifolia</i> L. | | Euphorbiaceae | Red spurge | ۱۸۴ |
| <i>Tordilium officinale</i> L. | | Umbelliferae | | ۳۴۰، ۳۱۴، ۱۸۲ |
| <i>Torilis leptophylla</i> Reichb. | | Umbelliferae | | ۸۹ |
| <i>Trachyspermum copticum</i> Link. = <i>Trachyspermum ammi</i> (L.) Sprague | | Umbelliferae | | ۲۸۹ |
| <i>Tragium columnae</i> Spreng. | | Umbelliferae | | ۳۵۰، ۳۱۹، ۲۰۱ |
| <i>Tragopogon orientalis</i> L. | | Compositae | | ۳۳۲، ۳۱۲ |
| <i>Tragopogon pratensis</i> L. | | Compositae | Meadow salsify | ۲۶۸، ۱۵۱ |
| <i>Tragopogon</i> sp. | | Compositae | Salsify ; Goatsbeard | ۲۶۸ |
| <i>Tragopogon villosus</i> L. | | Compositae | | ۳۳۲ |
| <i>Trapa natans</i> L. | | Trapaceae | Water chestnut | ۱۱۸ |
| <i>Tribulus terrestris</i> L. | | Zygophyllaceae | Puncture rine | ۳۴۸، ۳۱۹، ۱۱۸ |
| <i>Trichera arvensis</i> Schrad. = <i>Knautia arvensis</i> (L.) Coulter = <i>Scabiosa arvensis</i> L. | | Dipsacaceae | Status(es) (compiled from below "Data sources"): Weed | ۱۷۱ |
| <i>Trichodesma indicum</i> DC. | | Boraginaceae | | ۲۶۸ |
| <i>Trichodesma molle</i> DC. | | Boraginaceae | | ۲۶۸ |
| <i>Trichodesma zeylanicum</i> R.Br. | | Boraginaceae | | ۲۶۸ |
| <i>Trichilia emetica</i> Wahl. | | Meliaceae | | ۱۵۷، ۱۱۰، ۱۰۸ |
| <i>Trifolium alexandrinum</i> L. | | Papilionaceae | | ۲۳۶، ۱۵۶ |
| <i>Trifolium arvense</i> L. | | Papilionaceae | Rabbit-foot clover; Hare's-foot | ۳۴۸، ۲۶۵ |
| <i>Trifolium fragiferum</i> L. | | Papilionaceae | Strawberry clover | ۳۹ |
| <i>Trifolium italicum</i> Boiss. | | Papilionaceae | | ۳۳۹ |
| <i>Trifolium melilotus-indica</i> L. | | Papilionaceae | | ۲۹۱ |
| <i>Trifolium officinalis</i> Willd. | | Papilionaceae | | ۳۳۹ |
| <i>Trifolium pratense</i> L. | | Papilionaceae | Red clover | ۱۵۶ |
| <i>Trifolium sipyleum</i> | | Papilionaceae | | ۳۳۹ |
| <i>Trifolium</i> sp. | | Papilionaceae | Clover | ۲۹۱، ۲۰۳ |
| <i>Trigonella coerulea</i> Ser. | | Papilionaceae | Blue-white trigonella | ۲۸۶، ۱۲۶ |
| <i>Trigonella corniculata</i> L. | | Papilionaceae | | ۱۵۰ |
| <i>Trigonella elatior</i> Sybth. | | Papilionaceae | | ۲۸۶ |
| <i>Trigonella foenum-graecum</i> L. | | Papilionaceae | Fenugreek trigonella; Fenugreek | ۳۲۹، ۱۲۱ |
| <i>Trigonella graeca</i> Boiss. | | Papilionaceae | | ۳۳۹ |
| <i>Trigonella grandiflora</i> Bunge. | | Papilionaceae | | ۱۲۱، ۵۹ |
| <i>Trigonella hamosa</i> L. | | Papilionaceae | | ۱۲۷، ۱۲۶، ۳۹ |
| <i>Trigonella laciniata</i> L. | | Papilionaceae | | ۱۵۰ |
| <i>Trigonella</i> sp. | | Papilionaceae | Trigonella | ۱۲۱ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|---------------|---------------------------------|--------------------|
| <i>Tripteris vaillantii</i> L. | | Papilionaceae | | ۲۷۸ |
| <i>Triticum dicoccum</i> Schr. | | Graminae | Emmer; Dinkel wheat | ۲۶۳، ۲۱۳ |
| <i>Triticum monococcum</i> L. | | Graminae | Einkorn; One-grained wheat | ۲۲۹، ۲۶۴، ۲۶۳، ۲۱۳ |
| <i>Triticum ovatum</i> L. | | Graminae | | ۱۴۷ |
| <i>Triticum repens</i> L. | | Graminae | | ۹۹ |
| <i>Triticum romanum</i> L. | | Gramineae | | ۲۲۹، ۱۳۹ |
| <i>Triticum spelta</i> L. | | Graminae | Splet | ۲۶۴، ۱۷۴، ۱۳۹، |
| <i>Triticum vulgare</i> Vill. | | Graminae | Wheat | ۱۲۶ |
| <i>Triticum zea</i> Host. | | Graminae | | ۲۶۴ |
| <i>Trodylium ackakul</i> | | Umbelliferae | | ۱۸۸ |
| <i>Tropaeum majus</i> L. | | Tropaeolaceae | Tropae | ۲۶۵ |
| <i>Tuber album</i> Sow .(Fungi) | | | | ۲۶۰، ۲۲۶ |
| <i>Tuber brumale</i> Vittad. (Fungi) | | | | ۲۲۶ |
| <i>Tuber cibarium</i> (Fungi) | | | | ۲۳۲، ۲۵۸ |
| <i>Tuber magnatum</i> (Fungi) | | | | ۲۶۰ |
| <i>Tuber melanosporum</i> Vitt. (Fungi) | | | Perigord truffle | ۲۶۰، ۲۵۸ |
| <i>Tuber michell</i> (Fungi) | | | | ۲۳۲، ۲۶۰ |
| <i>Tulipa gesneriana</i> L. | | Liliaceae | | ۱۳۵ |
| <i>Tussilago farfara</i> L. | * | Compositae | Horse-hoof; Common colt's foot | ۲۳۴، ۱۷۲، ۱۱۹، ۷۳ |
| <i>Tussilago vulgaris</i> L. | | Compositae | | ۲۴۴ |
| <i>Typha angustata</i> L. = <i>Typha australis</i> Sch.&Th. | * | Typhaceae | Narrow-leaved cattail | ۲۴۴ |
| <i>Typha latifolia</i> L. | * | Typhaceae | Common cattail | ۲۴۴، ۳۱۶، ۲۰۴ |
| <i>Ulmus campestris</i> L. | * | Ulmaceae | English elm | ۲۲۶، ۱۸۶، ۱۴۴ |
| <i>Ulmus effusa</i> Sibth. | | Ulmaceae | Spreading | ۱۸۵، ۱۴۴ |
| <i>Ulmus glabra</i> L. | * | Ulmaceae | Scoth elm; wych elm | ۱۸۶ |
| <i>Ulmus minor</i> Mill. | * | Ulmaceae | | ۲۹۳ |
| <i>Ulmus montana</i> With. | | Ulmaceae | Scoth elm; wych elm | ۱۸۵، ۱۴۴ |
| <i>Ulmus</i> sp. | | Ulmaceae | | ۱۸۵، ۱۴۴ |
| <i>Ulva lactuca</i> (Green algae) | | | Common sea lettuce; green laver | ۳۵۳ |
| <i>Uncaria gambier</i> | | Rubiaceae | Bengal gambir plant | ۲۳۰ |
| <i>Ungula caballina</i> | | Compositae | | ۷۳ |
| <i>Urginea maritima</i> Bak. | * | Liliaceae | Shore sea onion | ۴۹ |
| <i>Urtica dioica</i> L. | | Urticaceae | Big-sting nettle; Sting nettle | ۶۵ |
| <i>Urtica pilulifera</i> L. | * | Urticaceae | Roman nettle | ۳۵۳، ۲۱۲، ۶۵ |
| <i>Urtica</i> sp. | | Urticaceae | Nettle family | ۲۳۴، ۶۵ |
| <i>Urtica urens</i> L. | * | Urticaceae | Dog nettle | ۳۵۳، ۲۵۵، ۶۵ |
| <i>Usnea articulata</i> (L.) Hoffm. (Lichen) | | | | ۵۳ |
| <i>Usnea barbata</i> Ach .(Lichen) | | | Bearded bell flower | ۲۲۴، ۱۹۲، ۱۱۷، ۵۲ |
| <i>Usnea barbata</i> var. <i>florida</i> (Lichen) | | | | ۳۵۰ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--|---------|------------------|--|--------------------|
| Usenea sp. (Lichen) | | | Usenea | ۳۲۴، ۵۲ |
| Uvularia amplexifolia L. | | Uvulariaceae | | ۳۵۰، ۶۴ |
| Valeriana celtica L. | | Valerianaceae | | ۳۲۴، ۲۸۸، ۱۷۸، ۱۷۷ |
| Valeriana dioscorides Sibth. | | Valerianaceae | | ۳۲۴، ۲۸۸، ۲۲۹، ۱۷۸ |
| Valeriana hardwickii Wal. | | Valerianaceae | | ۴۶ |
| Valeriana jatamansi DC. | | Valerianaceae | | ۲۸۸ |
| Valeriana jatamansi Jone. | | Valerianaceae | Nard | ۱۷۷ |
| Valeriana montana L. | | Valerianaceae | Mountain valerian | ۲۸۸ |
| Valeriana officinalis L. | | Valerianaceae | Common valerian | ۲۸۸، ۲۲۹، ۱۷۸، ۱۷۷ |
| Valeriana phu L. | | Valerianaceae | | ۲۸۸، ۲۲۹ |
| Valeriana sp. | | Valerianaceae | Phu; all-heal; fragrant valerian; heliotrope | ۲۸۸، ۲۲۹، ۱۷۷ |
| Valeriana spica Vahl. | | Valerianaceae | | ۲۸۸ |
| Valeriana tubereuse Sprun. | | Valerianaceae | | ۳۲۴، ۱۷۷ |
| Valeriana wallichii DC. | | Valerianaceae | Indian Valerian | ۲۸۸ |
| Veratrum album L. | | Liliaceae | White Hellebore | ۳۵۵، ۲۶۳، ۱۳۰ |
| Veratrum nigrum L. | | Liliaceae | Black false hellebore | ۱۳۰ |
| Verbascum nigrum L. | | Scrophulariaceae | Black mullein | ۹۰، ۳۵۴ |
| Verbascum plicatum Sibth. | | Scrophulariaceae | | ۳۵۴ |
| Verbascum sinuatum Desc. | * | Scrophulariaceae | Mediterranean hrb elder; Danewort | ۳۵۴ |
| Verbascum sp. | | Scrophulariaceae | Mullein | ۳۵۴، ۹۰ |
| Verbascum thapsus L. | * | Scrophulariaceae | Flannet mullen; Great mullein | ۳۵۴، ۲۷۵، ۹۰، ۷۷ |
| Verbena officinalis L. | | Verbenaceae | European verbena | ۳۵۱، ۱۵۶، ۷۳ |
| Verbena sapina L. | | Verbenaceae | | ۳۵۱، ۶۹ |
| Verbena sp. | | Verbenaceae | Vervain | ۳۵۱، ۱۵۶ |
| Veronica officinalis L. | * | Scrophulariaceae | Drug speedwell | ۲۶۷ |
| Veronica teucrium L. | | Scrophulariaceae | | ۳۴۲ |
| <i>Vesicaria gnaphaloides</i> Boiss. = <i>Veronica viscose</i> Boiss. | * | Scrophulariaceae | | ۱۴۰ |
| Vicia cracca L. | * | Papilionaceae | Brid vetch; Cow vetch | ۳۳۳، ۹۲ |
| Vicia ervillia Willd. | * | Papilionaceae | Bitter vetch | ۳۳۰، ۲۷۶، ۲۵۴، ۲۵۳ |
| Vicia faba L. | * | Papilionaceae | Broad bean | ۳۳۰، ۷۳ |
| Vicia onobrachoides L. | | Papilionaceae | | ۳۴۷ |
| Vicia sativa L. | * | Papilionaceae | Common vetch | ۲۷۲، ۹۷، ۹۲ |
| Vigna catjang Walp | | Papilionaceae | Catjang cowpea | ۲۷۱ |
| Vigna sinensis Endl. | | Papilionaceae | Common cowpea | ۲۷۶ |
| Vinca minor L. | ** | Apocynaceae | Periwinkle | ۳۴۸، ۲۴۱ |
| Vincetoxicum officinale Monch. | | Asclepiadaceae | White swallowwort | ۲۲۱ |
| <i>Viola cinerea</i> Boiss = <i>Viola behboudiana</i> Rech.F.&Esfa.. | * | Violaceae | | ۸۹ |
| Viola odorata L. | * | Violaceae | Violet ; sweet | ۳۵۴، ۸۹ |

| SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | FAMILY | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---|---------|---------------|---|--|
| | | | Violet | |
| <i>Viola serpens</i> Wa. | | Violaceae | | ۱۹ |
| <i>Viola</i> sp. | | Violaceae | Violet | ۱۹ |
| <i>Viola tricolor</i> L. | * | Violaceae | Wild pansy | ۱۹ |
| <i>Virgilia</i> sp. | | Papilionaceae | Ax plant | ۱۳۶ |
| <i>Viscum album</i> L. | * | Loranthaceae | European mistletoe | ۳۴۲، ۲۱۶، ۱۴۳ |
| <i>Vitex agnus-castus</i> L. = <i>Vitex Pseudo-negundo</i> (Haus.)Hand-Mzt. | * | Verbenaceae | Lilac chaste; Agnus castus | ۲۹۷، ۲۵۹، ۱۸۵، ۱۷۰، ۵۳، ۴۱ ۳۲۷، ۳۱۰ |
| <i>Vitis repanda</i> Wight | | Vitaceae | | ۱۲۴ |
| <i>Vitis vinifera</i> L. | * | Vitaceae | Eropean grape; Vine grape | ۲۵۵، ۲۱۴ |
| <i>Withania coagulans</i> Dunal | * | Solanaceae | Cheese-maker; Puneer cardaoms | ۲۴۹ |
| <i>Withania somnifera</i> Dunal. | * | Solanaceae | Clustered winter cherry | ۱۹ |
| <i>Xanthium strumarium</i> L. | * | Compositae | Lesser burdock | ۳۵۵ |
| <i>Xanthoxylon avicenne</i> DC. = <i>Zanthoxylum piperitum</i> DC. | | Rutaceae | Aniseeed, Ash Berries, Badiana, Brown Peppercorns, Chinese Anise | ۲۲۳ |
| <i>Zea mays</i> L. | * | Gramineae | Maize; Indian corn | ۱۵۰، ۱۰۰ |
| <i>Zelkova crenata</i> Spac. = <i>Zelkova carpiniifolia</i> | * | Ulmaceae | Zelkova elm of Siberia | ۳۵ |
| <i>Zingiber officinale</i> Rosc. | | Zingiberaceae | Common ginger | ۳۳۳، ۱۶۴ |
| <i>Zingiber</i> sp. | | Zingiberaceae | Ginger | ۱۶۴ |
| <i>Zingiber zerumbet</i> Rosc. | | Zingiberaceae | | ۱۶۱ |
| <i>Zizyphora capitata</i> L. | ** | Labiatae | | ۳۴۲ |
| <i>Zizyphus jujuba</i> Lam. | | Rhamnaceae | | ۲۱۴ |
| <i>Zizyphus lotus</i> Lam. | * | Rhamnaceae | African lotus | ۱۶۸ |
| <i>Zizyphus sativa</i> G. | | Rhamnaceae | | ۲۱۴ |
| <i>Zizyphus spina-christi</i> Willd | * | Rhamnaceae | Christ's thorn ; Nubk tree | ۱۶۸ |
| <i>Zizyphus vulgaris</i> L. | | Rhamnaceae | | ۳۲۶، ۲۱۴ |

۲ - جدول نام های علمی گیاهان دارویی به ترتیب خانواده

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|-------------------|--|---------|--|-------------------|
| | <i>Ulva lactuca</i> (Green algae) | | Common sea lettuce; green laver | ۳۵۳ |
| | <i>Corallium rubra</i> L. (Red Coral) | | Potato bean | ۷۹ |
| Lycoperdaceae | <i>Bovista plumbea</i> Pers. = <i>Lycoperdon plumbeum</i> (Macrofungi) | | Lead-grey Bovist. | ۲۲۶ |
| | <i>Ashbia gossypii</i> = <i>Eremothecium gossypii</i> (Fungi) | | Strain Number | ۲۴۰ |
| | <i>Eremothecium ashybi</i> (Fungi) | | Routien | ۲۴۰ |
| | Fungi sp. | | | ۳۵۲، ۲۲۶ |
| | <i>Lycoperdon</i> sp. (Fungi) | | Puffbal | ۲۲۷ |
| Morchellaceae | <i>Morchella esculenta</i> Pers. (Mushrooms) | | Pancita, morilla, mazorquita, elotito, mazorca, elote, huecasy colmena. | ۲۲۱ |
| | (Mushroom) | | | ۲۲۶ |
| | <i>Nemastopora corylii</i> (Fungi) | | | ۲۴۰ |
| | <i>Polyporus officinalis</i> Fr. (Fungi) | | Purging agaric | ۳۳۵، ۲۶۰، ۲۱۸ |
| Metschnikowiaceae | <i>Spermophthora gossypii</i> (Fungi) | | | ۲۴۰ |
| | <i>Terfezia claveriji</i> (Fungi) | | | ۲۶۰ |
| | <i>Tuber album</i> Sow. (Fungi) | | | ۲۶۰، ۲۲۶ |
| | <i>Tuber brumale</i> Vittad. (Fungi) | | | ۲۲۶ |
| | <i>Tuber cibarium</i> (Fungi) | | | ۳۳۲، ۲۵۸ |
| | <i>Tuber magnatum</i> (Fungi) | | | ۲۶۰ |
| | <i>Tuber melanosporum</i> Vitt. (Fungi) | | Perigord truffle | ۲۶۰، ۲۵۸ |
| | <i>Tuber michell</i> (Fungi) | | | ۳۳۲، ۲۶۰ |
| | <i>Evernia prunastri</i> (L.) Ach. (Lichen) | | Staghorn | ۵۲ |
| Lecanoraceae | <i>Lecanora circummunita</i> Nyl. (Lichen) | | | ۱۱۷ |
| Lecanoraceae | <i>Lecanora affini</i> Ev. (Lichen) | | | ۱۰۷ |
| Lecanoraceae | <i>Lecanora esculenta</i> Ev. (Lichen) | | | ۱۰۷ |
| Roccellaceae | <i>Rocella tinctoria</i> DC. (Lichen) | | Litmus roccella | ۱۱۷ |
| | <i>Usenea articulata</i> (L.) Hoffm. (Lichen) | | | ۵۳ |
| | <i>Usenea barbata</i> Ach. (Lichen) | | Bearded bell flower | ۳۲۴، ۱۹۲، ۱۱۷، ۵۲ |
| | <i>Usenea barbata</i> var. <i>florida</i> (Lichen) | | | ۳۵۰ |
| | <i>Usenea</i> sp. (Lichen) | | Usenea | ۳۲۴، ۵۲ |
| Agaricaceae | <i>Agaricus</i> sp. (Mushroom) | | Fool's-parsley agric | ۲۱۹ |
| | (Moss) | | | ۲۰۰ |
| Aspleniaceae | <i>Cetraria islandica</i> (L.) Ach. (moss) | | | ۱۱۷ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|-----------------|--|---------|--------------------------------|-----------------------------------|
| | Muscus arboreus (Moss) | | | ۵۲ |
| | Muscus sp. (Moss) | | | ۵۲ |
| Acanthaceae | Blepharis persica | * | | ۷۵ |
| Acanthaceae | Acanthus mollis L. | ** | Bear's breach soft acanthus | ۳۳۷ |
| Acoraceae | Acorus calamus L. | * | Drug sweet flag; Calamus | ۳۰۹، ۲۹۳، ۲۴۱، ۲۴۰، ۱۶۵، ۱۵۰، ۳۲۴ |
| Adiantaceae | Acrostichum dichototum Forsk. | | Maidenhair fern | ۲۸۶ |
| Adiantaceae | Adiantum capillus-veneris L. | * | South maidenhair; Venus's-hair | ۳۵۵، ۱۸۷، ۷۶ |
| Aesalpinaceae | Parkinsonia aculeata L. | * | | ۷۵ |
| Aesalpinaceae | Parkinsonia sp. | | | ۷۵ |
| Agavaceae | Dracaena cinnabari Balf. | | | ۱۴۷، ۶۹ |
| Alangiaceae | Alangium lamrckii Th. | | Ankola (Sanskrit) | ۶۷ |
| Alangiaceae | Alangium salviifolium (L.F.) Wan. | | Sage Leaves | ۶۷ |
| Alismataceae | Alisma plantaga L. | | American water plantain | ۳۴۷، ۳۱۸، ۲۸۱ |
| Alismataceae | Alisma sp. | | Water plantain | ۲۸۱ |
| Amarantaceae | Celosia argentea L. | ** | Feather cockscomb | ۷۹ |
| Amarantaceae | Crinum sp. | | Crinum | ۱۴۳ |
| Amaranthaceae | <i>Albersia blitum Kunth . = Amaranthus blitum subsp. Blitum</i> | | | ۸۴ |
| Amaranthaceae | <i>Amaranthus blitum L. = Amaranthus graecizans L. Var. sylvestris (Vil.)Asch.</i> | | Prostrate amaranth | ۳۳۰، ۳۱۱، ۸۴ |
| Amaranthaceae | Amaranthus cruentus L. | * | Grain Amaranth | ۷۹ |
| Amaranthaceae | Amaranthus gangeticus L. | | Tumbelweed amaranth | ۱۴۳ |
| Amaranthaceae | Amaranthus graecizas L. var. sylvestris (Vil.) Asch. | * | | ۸۴ |
| Amaranthaceae | Amaranthus paniculatus L. | | Scarlet amaranth | ۱۴۳ |
| Amaranthaceae | Amaranthus tricolor L. | | Love-lies-bleeding | ۱۴۳، ۷۹، ۷۶ |
| Amarillidaceae | Narcissus jonquilla L. | | Jonquil | ۲۹۰ |
| Amarillidaceae | Narcissus poeticus L. | | | ۳۵۶، ۲۹۰، ۲۰۶ |
| Amarillidaceae | Narcissus sp. | | Poet's narcissus | ۲۹۰ |
| Amarillidaceae | Narcissus tazetta L. | * | | ۲۹۰، ۲۰۶ |
| Amarylloidaceae | Leucojum sp. | * | Snowflake | ۲۰۶ |
| Amarylloidaceae | Pancratium maritimum L. | | sea daffodil | ۲۴۳، ۲۲۶ |
| Amarylloidaceae | Pannkratium maritimum L. | | | ۳۳۴، ۳۱۲ |
| Anacardiaceae | Mangifera indica L. | ** | Common marchantia | ۲۱۴، ۶۳ |
| Anacardiaceae | Pistacia chia DC. | | | ۲۸۲ |
| Anacardiaceae | Pistacia khinjuk Stoc. | * | | ۱۱۱، ۸۱ |
| Anacardiaceae | Pistacia lentiscus L. | | Lentisk pistache; Mastic tree | ۳۲۹، ۳۲۵، ۲۸۲، ۱۹۸ |
| Anacardiaceae | Pistacia terebinthus L. | | Terebinth pistache | ۳۲۵، ۱۹۸، ۱۱۱، ۸۱ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---------------|---|---------|---|-------------------------|
| Anacardiaceae | <i>Pistacia vera</i> L. | * | Common pistache | ۳۲۹، ۳۱۱، ۲۲۵ |
| Anacardiaceae | <i>Pistia stratiotes</i> L. | | | ۳۵۳، ۳۲۰، ۱۷۱، ۳۸ |
| Anacardiaceae | <i>Rhus coriaria</i> L. | * | Sicilian sumac | ۳۲۷، ۳۱۰، ۱۷۵ |
| Anacardiaceae | <i>Rhus cotinus</i> L. | * | Common smok tree; Aaron's | ۱۷۵ |
| Anacardiaceae | <i>Rhus glabra</i> L. | | Smooth sumac | ۱۷۵ |
| Anacardiaceae | <i>Rhus</i> sp. | | Sumae | ۱۷۵ |
| Anacardiaceae | <i>Rhus vermicifera</i> DC. | | Japanese lacquer tree | ۱۷۸ |
| Anacardiaceae | <i>Semecarpus anacardium</i> L. | | Marking Nut | ۱۶، ۱۸۵ |
| Apocynaceae | <i>Apocynum erectum</i> Vell. | | | ۳۵۲، ۳۲۰، ۲۳۲، ۴۳ |
| Apocynaceae | <i>Apocynum</i> sp. | | Dogbane | ۱۲۸ |
| Apocynaceae | <i>Nerium oleander</i> L. | * | | ۳۵۲، ۳۲۰، ۲۹۴، ۱۴۵ |
| Apocynaceae | <i>Nerium</i> sp. | | Common oleander | ۱۴۵ |
| Apocynaceae | <i>Vinca minor</i> L. | ** | Periwinkle | ۳۴۸، ۲۴۱ |
| Aquifoliaceae | <i>Ilex aquifolium</i> L. | * | English holly | ۶۲ |
| Araceae | <i>Acorus aromaticus</i> Gilib. | | | ۲۹۳، ۲۴۱ |
| Araceae | <i>Areca catechu</i> L. | | Betel-nut palm ; betel palm | ۲۳۰، ۵۴ |
| Araceae | <i>Areca catechu</i> Willd. | | Areca Nut | ۱۲۰ |
| Araceae | <i>Areca faufel</i> Gaertn. | | | ۲۳۰ |
| Araceae | <i>Arum arisarum</i> L. | | | ۳۳۴، ۳۱۲، ۲۷۳ |
| Araceae | <i>Arum colocasia</i> L. | | | ۲۴۴، ۲۳۱، ۱۲۵ |
| Araceae | <i>Arum dioscoridis</i> L. | | | ۳۳۴ |
| Araceae | <i>Arum dracunculus</i> L. | | Common stink dragon | ۳۳۴، ۳۱۲، ۲۸۶، ۲۷۳، ۲۳۱ |
| Araceae | <i>Arum esculenta</i> L. | | | ۲۴۴ |
| Araceae | <i>Arum italicum</i> L. | | Italian arum | ۲۷۳، ۱۵۰، ۱۴۲ |
| Araceae | <i>Arum maculatum</i> | | Lords-and-lodies ; Cuckoopint | ۳۳۴، ۲۷۳ |
| Araceae | <i>Arum</i> sp. | | Arum | ۲۳۱ |
| Araceae | <i>Arum vulgare</i> L. | | | ۳۳۴، ۳۱۲، ۲۷۳ |
| Araceae | <i>Calamus aromaticus</i> = <i>Acorus aromaticus</i> Lam. | | Sweet flag | ۲۹۳، ۲۴۰ |
| Araceae | <i>Calamus asiaticus</i> | | | ۲۹۳ |
| Araceae | <i>Calamus draco</i> Willd . = <i>Daemonoropos draco</i> BLUME | | | ۱۴۷ |
| Araceae | <i>Colacasia antiquorum</i> Sch. | | | ۲۴۴ |
| Araceae | <i>Colacasia esculenta</i> L . = <i>Colocasia antiquorum</i> var <i>esculenta</i> | | papa china, taro, bore, ocumo, quiquisque | ۲۴۴ |
| Araceae | <i>Colocasia antiquorum</i> Shott . = <i>Arum esculentum</i> L., <i>Caladium esculentum</i> (L.) Vent., | | taro, eddo, kalo, dasheen, cocoyam, elephant ears | ۲۳۱ |
| Araceae | <i>Dracontium</i> sp. | | | ۱۸۶ |
| Araceae | <i>Dracunculus vulgaris</i> Schot . = <i>Arum Dracunculus</i> | | | ۲۷۳، ۱۴۲ |
| Araliaceae | <i>Hedera helix</i> L. | * | English ivy | ۳۳۵، ۲۹۷، ۲۴۰ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|------------------|--|---------|---------------------------------|-------------------------|
| Araliaceae | Hedera sp. | | Ivy | ۲۱۰، ۱۱۳ |
| Arecaceae | <i>Daemonorops draco</i> Blume = <i>Calamus draco</i> Willd. | | dragon's blood | ۱۴۷ |
| Arecaceae | <i>Hyphaene thebaica</i> (L.) Mart. = <i>Corypha thebaica</i> L. = <i>Hyphaene guineense</i> | | Egyptian doum palm | ۲۲۵، ۲۸۴ |
| Arecaceae | <i>Lodoicea sechellarum</i> Lab. | | Coco maledivicus ; Nux media | ۲۸۷ |
| Aristolochiaceae | <i>Asarum europaeum</i> L. | | European wild ginger | ۳۲۴، ۳۰۹، ۲۹۰، ۴۶ |
| Aristolochiaceae | <i>Aristolochia boetica</i> | | | ۳۳۶ |
| Aristolochiaceae | <i>Aristolochia longa</i> L. | | Long-rooted Birthwort | ۱۶۱ |
| Aristolochiaceae | <i>Aristolochia pallids</i> Round = <i>Aristolochia pallida</i> Willd. | | Wild Ginger | ۳۳۵ |
| Aristolochiaceae | <i>Aristolochia rotunda</i> L. | | Snakeroot | ۱۶۱ |
| Aristolochiaceae | <i>Aristolochia sempervirens</i> L. | | Birthwort | ۳۳۶ |
| Aristolochiaceae | <i>Aristolochia</i> sp. | | Dutchman's-pipe-birthwort | ۳۳۵، ۳۱۳، ۱۶۱ |
| Asclepiadaceae | <i>Pergularia tomentosa</i> L. | * | | ۲۲۱ |
| Asclepiadaceae | <i>Barjonia racemosa</i> Decne. | | | ۴۲ |
| Asclepiadaceae | <i>Calotropis procera</i> R.B. | * | French cotton | ۲۰۹ |
| Asclepiadaceae | <i>Calotropis</i> sp. | | Calotrope | ۲۰۹ |
| Asclepiadaceae | <i>Cynanchum erectum</i> L. | | | ۳۵۲، ۴۲ |
| Asclepiadaceae | <i>Cynanchum nigrum</i> Pers. | | | ۳۴۴ |
| Asclepiadaceae | <i>Cynanchum pyrotechnicum</i> L. | | | ۲۷۸ |
| Asclepiadaceae | <i>Cynanchum vincetoxicum</i> Pers. | | White swallowwort | ۳۴۲ |
| Asclepiadaceae | <i>Daemia cordata</i> R.Br. | | | ۲۲۱ |
| Asclepiadaceae | <i>Marsdenia erecta</i> L. | * | Marsdenia | ۴۲ |
| Asclepiadaceae | <i>Sarcostemma viminale</i> R.Br. = <i>Euphorbia viminale</i> | | Rapunzel Plant, Somabutta | ۱۱۷ |
| Asclepiadaceae | <i>Vincetoxicum officinale</i> Monch. | | White swallowwort | ۲۲۱ |
| Asclepiadiaceae | <i>Asclepias cynanchoides</i> Humb. | | | ۲۰۹ |
| Asclepiadiaceae | <i>Asclepias gigantea</i> R.Br. | | | ۲۰۹ |
| Asclepiadiaceae | <i>Asclepias vincetoxicum</i> L. | | | ۳۴۲، ۳۱۵، ۲۴۵ |
| Asparaginaceae | <i>Asparagus acutifolius</i> L. | | Sharp-leaved asparagus | ۳۳۱، ۲۸۹ |
| Asparaginaceae | <i>Asparagus adscendens</i> Roub. | | | ۲۹۷ |
| Asparaginaceae | <i>Asparagus officinalis</i> L. | | Common asparagus | ۳۳۱، ۳۱۱، ۲۹۷، ۲۸۹، ۱۹۸ |
| Asparaginaceae | <i>Asparagus</i> sp. | | Asparagus | ۲۹۷ |
| Asparaginaceae | <i>Polygonatum officinale</i> L. | | Drug solomon's-seal | ۳۴۸، ۳۱۸، ۲۱۱ |
| Asparaginaceae | <i>Smilax aspera</i> L. | * | Rough bindweed | ۳۵۵، ۳۳۳، ۲۸۹، ۲۲۶ |
| Asparaginaceae | <i>Smilax glabra</i> Roxb. | | | ۱۰۶ |
| Asparaginaceae | <i>Smilax</i> L. | | Greenbrier | ۲۲۶، ۱۰۶ |
| Asparaginaceae | <i>Smilax sarsaparilla</i> L. | | | ۲۰۹ |
| Aspidiaceae | <i>Dryopteris aculeata</i> (L.) Kuntze | | | ۱۷۱ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---------------|--|---------|-------------------------|---------------|
| Aspidiaceae | <i>Dryopteris filix max</i> L. | * | Male fern | ۳۵۷، ۱۶۹ |
| Aspidiaceae | <i>Dryopteris robertiana</i> (Hof.) C. Chr | | | ۱۶۹ |
| Aspleniaceae | <i>Asplenium adianthum-nigrum</i> L. | | Black spleenwort | ، ۱۶۹، ۴۴ ۳۵۷ |
| Aspleniaceae | <i>Asplenium ruta muraria</i> L. | | Wall rue | ۱۷۱ |
| Aspleniaceae | <i>Asplenium trichomanes</i> L. | | Maidenhair spleenwort | ۳۵۵، ۱۸۷، ۱۶۹ |
| Aspleniaceae | <i>Phyllitis scolopendrium</i> L. | * | Hart's-tongue; | ۳۴۳، ۳۱۶، ۱۶۹ |
| Avicenniaceae | <i>Avicennia officinalis</i> L. | * | | ۲۳۸ |
| Balanitaceae | <i>Balanites aegyptiaca</i> L. | | Higleeg | ۱۶۳ |
| Balsaminaceae | <i>Balsamina hortensis</i> L. | | | ۲۱۱ |
| Balsaminaceae | <i>Impatiens balsamina</i> L. | * | | ۲۱۱ |
| Berberidaceae | <i>Berberis asiatica</i> Roxb. | * | Asiatic barberry | ۶۱ |
| Berberidaceae | <i>Berberis lycium</i> Roy. | ** | | ۱۲۰ |
| Berberidaceae | <i>Berberis vulgaris</i> L. | * | European barberry | ۶۱ |
| Bombacaceae | <i>Adonsonia</i> sp. | | | ۱۲۵ |
| Boraginaceae | <i>Achium diffusum</i> L. | | | ۳۴۸ |
| Boraginaceae | <i>Alkanna orientalis</i> (L.) Boiss. | * | Yellow bugloss | ۲۶۳ |
| Boraginaceae | <i>Alkanna</i> sp. | | Alkanet | ۱۳۴ |
| Boraginaceae | <i>Alkanna tinctoria</i> Tausch. | * | Dyer's alkanet | ۳۴۸، ۳۹، ۳۸ |
| Boraginaceae | <i>Anchusa hybrida</i> Ten. | | Carly bugloss | ۲۶۸ |
| Boraginaceae | <i>Anchusa italica</i> Retz. | | Italian bugloss | ۲۶۸، ۲۶۸ |
| Boraginaceae | <i>Anchusa officinalis</i> L. | | Common buckwheat | ۲۶۸ |
| Boraginaceae | <i>Anchusa paniculata</i> Ait. | | | ۳۵۴ |
| Boraginaceae | <i>Anchusa tinctoria</i> L. | | | ۱۲۴، ۳۹ |
| Boraginaceae | <i>Andropogon jawarancusa</i> Jo. | | | ۴۳ |
| Boraginaceae | <i>Asperugo procumbens</i> L. | * | Grman madwort ; madwort | ۷۱، ۳۴ |
| Boraginaceae | <i>Borago officinalis</i> L. | ** | Common borrago | ۲۶۸ |
| Boraginaceae | <i>Caccinia glauca</i> Savi . = <i>Cacalia macranthera</i> Var. <i>crassifolia</i> (Vent.) Brand | * | | ۲۶۸ |
| Boraginaceae | <i>Cerinthe minor</i> L. | | Lesser honeywort | ۳۳۵ |
| Boraginaceae | <i>Ceterach officinarum</i> L. | | Miltwaste | ۱۱۹، ۴۹ |
| Boraginaceae | <i>Ceterach</i> sp. | | | ۳۵۷ |
| Boraginaceae | <i>Cordia myxa</i> L. | * | | ۱۶۷، ۱۴۳ |
| Boraginaceae | <i>Cordia sebestena</i> L. | | | ۱۶۷ |
| Boraginaceae | <i>Cynoglossum officinale</i> L. | | Common hound's-tongue | ۳۵۴، ۲۷۰ |
| Boraginaceae | <i>Cynoglossum</i> sp. | | Hound's-tongue | ۲۷۰ |
| Boraginaceae | <i>Echium amoenum</i> Fisch. & Mey. | * | | ۲۶۸ |
| Boraginaceae | <i>Echium creticum</i> L. | | | ۳۴۸ |
| Boraginaceae | <i>Echium diffusum</i> L. | | | ۳۸ |
| Boraginaceae | <i>Echium italicum</i> L. | * | | ۳۴۹، ۳۸ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--------------|---|---------|--|----------------------------------|
| Boraginaceae | Echium rubrum L. | * | | ۳۴۹، ۳۱۹، ۴۲ |
| Boraginaceae | Echium sericeum Vahl. | | | ۲۶۸ |
| Boraginaceae | Echium sp. | | Viper's bugloss | ۴۲ |
| Boraginaceae | Echium vulgare L. | | Common viper's bugloss | ۳۴۹ |
| Boraginaceae | Heliothrips haemorrhoidalis Bouc. | | | ۱۵۷ |
| Boraginaceae | Heliotropium europaeum L. | | Common helitrope | ۳۵۷، ۳۲۱، ۱۹۴، ۱۵۱، ۳۵ |
| Boraginaceae | Heliotropium villosum Pers. | ** | | ۳۵۷ |
| Boraginaceae | Lithospermum purpurea-coeruleum Defs. & DC. | * | Creeping gromwell | ۳۳۵ |
| Boraginaceae | Lithospermum fruticosum L. | | | ۳۸ |
| Boraginaceae | Lithospermum officinale L. | | Common gromweel | ۳۴۶، ۳۱۷، ۲۹۶، ۲۵۹، ۲۴۳، ۴۸، ۳۴۸ |
| Boraginaceae | Lithospermum tinctorium L. | | | ۱۹۰ |
| Boraginaceae | Myosotis alpestris Schm. | | Alpine forget-me-not | ۳۴ |
| Boraginaceae | Myosotis arvensis L. | | Field forget-me-not | ۳۴ |
| Boraginaceae | Myosotis palustris Lam. | * | True forget-me-not | ۳۳۵، ۳۱۳، ۲۱۸، ۳۴ |
| Boraginaceae | Myosotis sp. | | Forget-me-not | ۳۴ |
| Boraginaceae | Myosotis stricta Roem & Schut. | * | | ۳۴ |
| Boraginaceae | Onosma echinoides L. | ** | | ۳۴۵، ۳۱۷، ۲۸، ۴۳ |
| Boraginaceae | Onosma sp. | | Old- field toadflax | ۳۴۵، ۱۹۰، ۱۲۵، ۳۸ |
| Boraginaceae | Onosma tinctoria Bieb. | | | ۲۵۲ |
| Boraginaceae | Pulmonaria officinalis L. | | Common lungwort | ۲۶۸ |
| Boraginaceae | Symphytum bulbosum Schimp. | | | ۳۴۸، ۱۷۶ |
| Boraginaceae | Symphytum officinale L. | | Common comfrey; Woundwort | ۱۷۶، ۴۳ |
| Boraginaceae | Symphytum petraeum? | | | ۳۴۸، ۳۱۸، ۱۷۶ |
| Boraginaceae | Symphytum sp. | | Comfrey | ۳۴۸، ۱۷۶ |
| Boraginaceae | Trichodesma indicum DC. | | | ۲۶۸ |
| Boraginaceae | Trichodesma molle DC. | | | ۲۶۸ |
| Boraginaceae | Trichodesma zeylanicum R.Br. | | | ۲۶۸ |
| Burseraceae | Baswellia Roxb. | | | ۳۲۵، ۲۷۴ |
| Burseraceae | Bdellium Engl. | | aromatic gum resin obtained from trees of the genus Commiphora | ۲۸۴ |
| Burseraceae | Bdellium indicum | | | ۲۸۴ |
| Burseraceae | Boswellia carterii Bird | | Bible frankincense | ۲۶۳، ۳۲۵، |
| Burseraceae | Boswellia serrata Roxb. | | Indian frankincense; Salai tree | ۲۶۳ |
| Burseraceae | Boswellia sp. | | Frankincense ; Incense tree | ۲۶۱ |
| Burseraceae | Commiphora abyssinica Engl. | | Abyssinian myrrh tree | ۲۷۸ |
| Burseraceae | Commiphora africanum Engl. | | | ۲۸۴ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|----------------|--|---------|---|-------------------|
| Burseraceae | Commiphora kataf Engl. | | | ۲۴۲ |
| Burseraceae | Commiphora mukul Engl. = <i>Balsamodendrum mukul Hook.</i> | | | ۳۲۵، ۲۸۴ |
| Burseraceae | Commiphora mulomol Engel. | | | ۲۸۴ |
| Burseraceae | Commiphora myrrha Engl. | | Common myrrh tree | ۳۲۵، ۲۸۹، ۲۷۸ |
| Burseraceae | Commiphora opobalsamum Engl. | | Mecca myrrh tree | ۸۶ |
| Burseraceae | Balsamodendron africanum Ar. | | African Bdellium | ۲۸۴ |
| Burseraceae | Balsamodendron DC. | | | ۸۶ |
| Burseraceae | <i>Balsamodendron kataf</i> = Commiphora kataf | | | ۲۴۲ |
| Burseraceae | Balsamodendron mukul Hook. | | Bdellium Gum, Guggul, Guggulipid, Gum Gugal, Salaitree | ۲۸۴، ۲۶۴ |
| Burseraceae | Balsamodendron myrrha Nees. | | Gum myrrh tree | ۲۷۸، ۸۶ |
| Buxaceae | Buxus dioica For. | | | ۲۵۱ |
| Buxaceae | Buxus sempervirens L. | | Common box | ۲۰۷، ۸۲ |
| Cactaceae | Opuntia hircina? | | | ۹۰ |
| Cactaceae | Opuntia sp. | | Prickly pear | ۱۹۵ |
| Caesalpinaceae | <i>Caesalpinia bonducella Fl.</i> = <i>Caesalpinia bonduc Roxb.</i> | * | Nicker-nut caesalpina | ۱۵۵، ۸۸، ۵۴ |
| Caesalpinaceae | Caesalpinia echinata L. | | Prickly brazilwood | ۲۱۵ |
| Caesalpinaceae | Caesalpinia sappan L. | | Sappan caesalpinia | ۸۵ |
| Caesalpinaceae | Caesalpinia sp. | | Brasiletto | ۲۱۵ |
| Caesalpinaceae | Cassia absus L. | | | ۹۴ |
| Caesalpinaceae | Cassia acutifolia Deli. | | Alexandria senna | ۱۷۷ |
| Caesalpinaceae | Cassia angustifolia Vahl. | | Congo senna | ۱۷۷ |
| Caesalpinaceae | Cassia fistula L. | | Golden-shower senna ; purging cassia | ۱۴۰ |
| Caesalpinaceae | Cassia lanceolata Forsk. | | | ۱۷۷ |
| Caesalpinaceae | Cassia obovata Coll. | | | ۲۱۰ |
| Caesalpinaceae | Cassia sophera L. | | | ۲۱۰ |
| Caesalpinaceae | Cassia tora L. | | | ۲۴۴، ۲۱۰، ۱۵۸ |
| Caesalpinaceae | Ceratonia siliqua L. | * | Carob | ۳۲۸، ۳۰۱، ۱۳۲ |
| Caesalpinaceae | Cercis siliquastrum L. | * | Judas tree | ۱۴۱، ۴۴ |
| Caesalpinaceae | Cercis sp. | * | Cercis ; Redbud | ۴۴ |
| Caesalpinaceae | Tamarindus indica L. | | Tamarind | ۱۲۴، ۹۵ |
| Campanulaceae | Campanula lacinata L. | | | ۳۴۸ |
| Campanulaceae | Campanula ramosissima Sibth. | | | ۴۲ |
| Cannabaceae | Cannabis indica L. | | | ۱۱۲ |
| Cannabaceae | Cannabis sativa L. | | Hemp | ۳۴۶، ۲۴۵، ۱۱۲، ۹۵ |
| Cannabaceae | Cannabis sativa L. var. indica | | | ۳۴۶، ۳۱۷، ۱۱۲ |
| Cannabaceae | Cannabis sylvestris | | | ۲۴۵ |
| Cannaceae | Canna sp. | | Canna | ۲۴۵ |
| Capparidaceae | Cadaba farinosa Forsk. | | | ۱۶۹، ۳۳ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|-----------------|--|---------|-------------------------------------|------------------------|
| Capparidaceae | Cadaba sp. | | | ۱۶۹ |
| Capparidaceae | Capparis sp. | | Caper-caperbush | ۲۵۰ |
| Capparidaceae | Capparis spinosa L. | * | Common capers | ۳۳۴، ۳۱۲، ۲۵۰ |
| Capparidaceae | Maerua crassifolia Forsk. | | Sunduhi, Hasu (Ou) | ۳۳ |
| Caprifoliaceae | Lonicera caprifolium L. | ** | Sweet honeysuckle | ۳۳۴، ۱۹۵، ۷۵ |
| Caprifoliaceae | Lonicera periclymenon L. | | | ۳۴۸، ۳۱۸، ۲۴۴، ۱۸۵ |
| Caprifoliaceae | Lonicera sp. | | Honeysucle | ۱۹۵ |
| Caprifoliaceae | Sambucus ebulus | * | Mediterranean herb elder; danwort | ۳۵۶ |
| Caprifoliaceae | Sambucus nigra L. | * | European elder | ۳۵۷، ۱۳۸ |
| Caryophyllaceae | Gypsophila sp. | | Gypsophila; chalk plant | ۲۶۳ |
| Caryophyllaceae | Gypsophila struthium L. | | | ۲۶۳، ۱۷۱ |
| Caryophyllaceae | Holosteum sp. | | Mouse-ear | ۳۴۸ |
| Caryophyllaceae | Holosteum umbellatum L. | * | Jagged chickweed | ۳۴۸، ۳۱۸، ۱۰۱ |
| Caryophyllaceae | Agrostemma githago L. | | Common corn cockle | ۳۴۳، ۲۶۸، ۱۹۲، ۱۶۹، ۲۷ |
| Caryophyllaceae | Agrostemma sp. | | corn cockle | ۱۶۸، ۱۳۲ |
| Caryophyllaceae | <i>Cerastium aquaticum</i> L. = <i>Myosoton aquaticum</i> (L.) Monch. | * | | ۳۴۹ |
| Caryophyllaceae | Dianthus caryophyllus L. | | Pink-carnation | ۲۳۸ |
| Caryophyllaceae | Dianthus sp. | | | ۲۳۸ |
| Caryophyllaceae | Paronichia sp. | | Nailwort; Whitwort | ۱۱۸ |
| Caryophyllaceae | Paronychia serpyllifolia DC. | | | ۳۵۰، ۳۱۹، ۲۳۱ |
| Caryophyllaceae | Saponaria officinalis L. | * | Bouncing bet | ۳۳۳، ۱۷۱ |
| Caryophyllaceae | Silene cucubalus Will. | | Bladder silene | ۱۰۰ |
| Caryophyllaceae | Silene gallica L. | | French silene | ۳۴۹ |
| Caryophyllaceae | Silene infelata Sm. | | | ۳۵۱، ۱۳۶، ۱۰۰ |
| Caryophyllaceae | Silene sp. | | Catchfly; Campion | ۳۵۵ |
| Caryophyllaceae | Telephium imperati L. | * | Tree orpine | ۱۷۰، ۷۵ |
| Caryophyllaceae | Caryophyllus aromaticus L. | | | ۲۳۸ |
| Caryophyllaceae | Herniaria tourneforti | | | ۶۳ |
| Caryophyllaceae | Lychnis chalcidonica L. | | Maltese cross campion | ۲۶۸ |
| Caryophyllaceae | Lychnis coronaria Desf. | | Rose campion | ۳۴۳، ۳۱۶، ۲۶۸ |
| Caryophyllaceae | Lychnis githago L. | | | ۱۶۹ |
| Caryophyllaceae | Lychnis sp. | | | ۲۶۸ |
| Cecidomyiinae | Pinites stroboides (Conw.) Sch. | | | ۲۶۴ |
| Cecidomyiinae | Pinites succinifer Goppert & Berned | | Amber | ۲۶۴ |
| Celasteraceae | Evonymus europeus L. | ** | Prickwood | ۸۲ |
| Celasteraceae | Evonymus latifolia L. | * | Broad-leaved evonymus | ۸۲ |
| Celasteraceae | Evonymus velutina L. | * | Prickwood | |
| Celasteraceae | Evonymus verrucosa L. | * | Warty-barked | ۸۲ |
| Chamaeleonidae | <i>Chamaeleo vulgaris</i> = <i>Chamaeleo chamaeleon</i> (Parasite) | | Common or European or Mediterranean | ۴۷ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|----------------|--|---------|---|-------------------------|
| | | | Chameleon | |
| Chenopodiaceae | <i>Atriplex halimus</i> L. | ** | Shrubby arach | ۳۲۶، ۳۰۹، ۲۸۴، ۲۴۲ |
| Chenopodiaceae | <i>Atriplex hastata</i> L. | * | Halberd-leaved Arrach | ۲۴۲ |
| Chenopodiaceae | <i>Atriplex hortensis</i> L. | * | Garden orach | ۳۴۲، ۳۳۱، ۲۴۱، ۱۶۱، ۱۷۰ |
| Chenopodiaceae | <i>Atriplex rosea</i> L. | | Tumbling orach | ۳۳۱، ۲۴۲، ۱۷۰، ۱۷۰ |
| Chenopodiaceae | <i>Atriplex</i> sp. | | | ۲۴۱، ۱۷۰ |
| Chenopodiaceae | <i>Beta vulgaris</i> L. | * | Common beet | ۳۳۱، ۱۹۷، ۱۹۲، ۱۷۴ |
| Chenopodiaceae | <i>Blitum virgatum</i> L. = <i>Chenopodium foliosum</i> (Moench) Asch. | | Strawberry Blite, Goosefoot, Pigweed | ۸۴ |
| Chenopodiaceae | <i>Camphorosma glabrum</i> L. | | | ۲۴۹ |
| Chenopodiaceae | <i>Camphorosma</i> sp. | * | Camphorfume | ۱۶۰ |
| Chenopodiaceae | <i>Chenopodium ambrosioides</i> L. | * | Wormseed goose ; Wormseed tea ; Mexican tea | ۱۹۰، ۷۷ |
| Chenopodiaceae | <i>Chenopodium botrys</i> L. | * | Jerusalem-oak goosefoot ; Jerusalem oak | ۳۴۴، ۳۱۶، ۱۹۰، ۷۷ |
| Chenopodiaceae | <i>Chenopodium capitatum</i> L. | | Blire goosefoot ; Straw berry blite | ۸۳ |
| Chenopodiaceae | <i>Chenopodium murale</i> L. | * | Nettle-leaf goosefoot | ۱۵۹ |
| Chenopodiaceae | <i>Salicornia fruticosa</i> L. | * | | ۵۲ |
| Chenopodiaceae | <i>Salicornia herbacea</i> L. = <i>Salicornia europaea</i> L. | * | Marsh samphire | ۲۴۴، ۵۲ |
| Chenopodiaceae | <i>Salicornia</i> sp. | | Glasswort | ۵۲ |
| Chenopodiaceae | <i>Salsola kali</i> L. | * | Common russian thistle | ۵۲ |
| Chenopodiaceae | <i>Salsola soda</i> L. | * | Soda plant; bakilla- plant | ۵۲ |
| Chenopodiaceae | <i>Salsola tragus</i> L. = <i>Salsola kali</i> Subsp. <i>Tragus</i> | * | | ۵۲ |
| Chenopodiaceae | <i>Spinacia oleracea</i> L. | ** | Spinach; Prickly- seeded spinach | ۴۸ |
| Cholchicaceae | <i>Colchicum autumnale</i> L. | | | ۳۵۲، ۳۲۰، ۲۳۲ |
| Cholchicaceae | <i>Colchicum autumnale</i> L. | | Common autumn crocus ; Meadow saffron | ۱۸۰ |
| Cholchicaceae | <i>Colchicum montanum</i> L. = <i>Colchicum szovitsii</i> Fisch&C.A.Mey. | * | | ۲۱۲ |
| Cholchicaceae | <i>Colchicum parnassicum</i> Sart. | | | ۳۵۳ |
| Cholchicaceae | <i>Colchicum persicum</i> Bak. | | | ۱۸۰ |
| Cholchicaceae | <i>Colchicum</i> sp. | | Autumn crocus | ۱۸۰ |
| Cholchicaceae | <i>Colchicum speciosum</i> Ste. | | | ۱۸۰ |
| Cholchicaceae | <i>Colchicum variegatum</i> L. | | | ۱۸۰ |
| Cistaceae | <i>Cistus creticus</i> L. | | Wrinkle leaf rockrose | ۳۲۷، ۲۶۵ |
| Cistaceae | <i>Cistus hypocistis</i> L. | | | ۳۲۷، ۳۱۰ |
| Cistaceae | <i>Cistus ladanifolius</i> L. | | Gum rockrose | ۳۲۷، ۲۶۵، ۲۳۹ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--------------|---|---------|--|------------------------------|
| Cistaceae | <i>Cistus salviaefolius</i> Boiss. | | | ۳۲۷ |
| Cistaceae | <i>Cistus</i> sp. | | Rockrose | ۲۶۵ |
| Cistaceae | <i>Cistus villosus</i> L. | ** | Rock rose | ۳۲۷، ۲۶۵ |
| Colchicaceae | <i>Merendera persica</i> Boiss. = <i>Colchicum robustum</i> (Bge) Stefan | * | | ۱۸۰ |
| Combretaceae | <i>Myrobalanus bellerica</i> Gaertn. | | | ۷۹ |
| Combretaceae | <i>Myrobalanus chebulae</i> <i>Gaertn.</i> = <i>Terminalia chebula</i> | | | ۷۹ |
| Combretaceae | <i>Myrobalanus citrinae</i> Gaertn. | | | ۷۹ |
| Combretaceae | <i>Myrobalanus nigrae</i> | | | ۷۹ |
| Combretaceae | <i>Terminalia bellerica</i> Roxb. | * | Myrobalan tree | ۸۷، ۷۹ |
| Combretaceae | <i>Terminalia chebula</i> Ret. | | Hebula terminalia | ۷۹، ۷۸ |
| Combretaceae | <i>Terminalia citrina</i> Roxb. | | | ۷۹ |
| Combretaceae | <i>Terminalia horride</i> Stend. | | | ۷۹ |
| Compositae | <i>Achillea ageratum</i> L. | | | ۳۵۰، ۵۵ |
| Compositae | <i>Achillea fragrantissima</i> Sch. | | | ۲۴۷، ۳۳۷ |
| Compositae | <i>Achillea millefolium</i> L. | * | Common yarrow | ۳۵۶، ۱۸۱، ۱۷۱، ۱۵۱ |
| Compositae | <i>Achillea ptarmica</i> L. | | Sneezewoort | ۳۳۳، ۳۱۲، ۲۱۶ |
| Compositae | <i>Achillea pubescens</i> L. | | | ۷۷ |
| Compositae | <i>Achillea</i> sp. | | | ۳۴۹ |
| Compositae | <i>Achillea tomentosa</i> L. | | | ۳۴۹، ۳۱۹، ۲۵۷، ۲۲۰، ۱۷۸، ۱۴۶ |
| Compositae | <i>Achillea viscosa</i> Lam. | | | ۳۵۰ |
| Compositae | <i>Ambrosia maritima</i> L. | | | ۳۴۴، ۳۱۶، ۷۷، ۶۱ |
| Compositae | <i>Anacyclus pyrethrum</i> DC. | | | ۳۴۱، ۳۱۵، ۲۵۵، ۲۰۶ |
| Compositae | <i>Anacyclus radiatus</i> L. | | | ۹۱ |
| Compositae | <i>Anacyclus valentine</i> | | | ۹۱ |
| Compositae | <i>Antennaria</i> sp. | | dillweed, dillseed, dill | ۲۰۵ |
| Compositae | <i>Anthemis arvensis</i> L. | | Field camomile | ۳۴۶، ۲۹۵، ۲۱۷، ۹۱، ۵۸ |
| Compositae | <i>Anthemis chia</i> L. | | | ۳۴۵ |
| Compositae | <i>Anthemis nobilis</i> L. | | Roman chamomile ; English camomile | ۳۴۵، ۳۱۷، ۲۳۵، ۷۰، ۶۴، ۵۸ |
| Compositae | <i>Anthemis pyrethrum</i> L. | | | ۲۱۶، ۲۰۶ |
| Compositae | <i>Anthemis rosea</i> Sibth. | | | ۳۴۶ |
| Compositae | <i>Anthemis</i> sp. | | Comomile | ۵۸ |
| Compositae | <i>Anthemis tinctoria</i> L. | | Golden Marguerite | ۳۴۶، ۹۱، ۵۸ |
| Compositae | <i>Anthemis valentina</i> L. | | | ۳۴۶ |
| Compositae | <i>Apargia</i> sp. = <i>Leontodon</i> sp. | | | ۳۳۲ |
| Compositae | <i>Arctium bardana</i> Willd. | | | ۴۵ |
| Compositae | <i>Arctium lappa</i> L. | * | Great burdock | ۳۵۴، ۳۲۰، ۴۵ |
| Compositae | <i>Arctium tomentosum</i> Shkuhr. | | Cotton burdock | ۳۵۴، ۳۲۰، ۴۵ |
| Compositae | <i>Arnopogon picroides</i> Willd. = <i>Tragopogon capensis</i> Jacq. = <i>Tragopogon picroides</i> L. = <i>Urospermum capense</i> (Jacq.) Spreng. = <i>Urospermum</i> <i>picruides</i> | | prickly goldenfleece, urospermum | ۳۴۰ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|------------|--|---------|-------------------------------------|------------------------|
| Compositae | <i>Artemisia abrotanum</i> L. | | Old-man wormwood ; Southern wood | ۲۴۷، ۱۹۰، ۷۷ |
| Compositae | <i>Artemisia absinthium</i> L. | * | Common worm ; Absinthium | ۳۳۷، ۳۱۳، ۱۳۰، ۵۶ |
| Compositae | <i>Artemisia arborescens</i> L. | | Sagewort worm wood ; Field wormwood | ۳۴۴، ۱۹۳ |
| Compositae | <i>Artemisia campestris</i> L. | | Tarragon | ۳۴۴ |
| Compositae | <i>Artemisia dracunculus</i> L. | * | Maritime wormwood | ۲۰۲ |
| Compositae | <i>Artemisia judaica</i> L. | | Wormwood | ۲۰۶، ۱۹۳ |
| Compositae | <i>Artemisia maritima</i> L. | | Sea Wormwood | ۳۳۷، ۱۹۳، ۷۷، ۵۶ |
| Compositae | <i>Artemisia palmate</i> Lam. | | | ۳۳۷ |
| Compositae | <i>Artemisia pontica</i> L. | | Roman wormwood | ۳۳۷، ۱۹۳ |
| Compositae | <i>Artemisia santonica</i> Lam. | * | | ۱۹۳ |
| Compositae | <i>Artemisia siversiana</i> Ehrh. & Willd. | | | ۵۶ |
| Compositae | <i>Artemisia</i> sp. | | Wormwood ; Sagebrush | ۱۹۳، ۷۷ |
| Compositae | <i>Artemisia vulgaris</i> L. | * | Douglas Mugwort | ۳۴۴، ۳۱۶، ۲۴۷، ۱۹۰، ۷۷ |
| Compositae | <i>Aster alpinus</i> L. | * | Alpine aster | ۱۳۲ |
| Compositae | <i>Aster amellus</i> L. | | Italian aster | ۳۵۴، ۵۴، ۴۸ |
| Compositae | <i>Aster atticus</i> Pall. | | | ۵۴، ۴۸، ۴۷ |
| Compositae | <i>Aster tripolium</i> L. | * | Tripoli aster ; Sea aster | ۲۰۳، ۹۳، ۴۸ |
| Compositae | <i>Astrattikos tripolium</i> L. = <i>Aster tripolium</i> L. ssp. <i>tripolium</i> | | | ۳۵۷ |
| Compositae | <i>Atractylis gummifera</i> L.Q. | | | ۳۳۶، ۹۷، ۵۱ |
| Compositae | <i>Aucklandia costus</i> Fal. = <i>Aucklandia lappa</i> (Decne.) = <i>Saussurea costus</i> (Falc.) = <i>Saussurea lappa</i> (Decne.) | | | ۲۳۹ |
| Compositae | <i>Baccharis</i> sp. | | Baccharis | ۳۳۹، ۳۱۴ |
| Compositae | <i>Cacalia</i> sp. | | | ۲۳۳، ۲۳۲ |
| Compositae | <i>Cacalia verbascifolia</i> Sib. | | | ۲۳۲ |
| Compositae | <i>Calendula arvensis</i> L. | | Pot marigold | ۳۵ |
| Compositae | <i>Calendula officinalis</i> L. | * | | ۳۵۷، ۳۵ |
| Compositae | <i>Cardopatum corymbosum</i> pers. | | | ۳۳۶، ۵۱، ۴۷ |
| Compositae | <i>Carduus benedictus</i> Auct. | | | ۷۱ |
| Compositae | <i>Carduus pycnocephalus</i> L. | * | | ۳۳۶ |
| Compositae | <i>Carthamus lanatus</i> L. | * | Woolly safflower | ۳۴۲، ۲۳۷، ۲۱۰، ۴۲ |
| Compositae | <i>Carthamus</i> sp. | | Safflower ; False saffron | ۲۳۸ |
| Compositae | <i>Carthamus tinctorius</i> L. | * | Safflower | ۲۳۶، ۲۱۰، ۴۲ |
| Compositae | <i>Centaurea aegptiaca</i> Del. | | | ۲۷۸ |
| Compositae | <i>Centaurea alexandrina</i> D. | | | ۲۷۸ |
| Compositae | <i>Centaurea behen</i> L. | * | White behen | ۹۱ |
| Compositae | <i>Centaurea benedicta</i> L. | | | ۱۱۰ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|------------|---|---------|---|-------------------------|
| Compositae | <i>Centaurea calcitrapa</i> L. | | Star thistle | ۲۷۸ |
| Compositae | <i>Centaurea centaurium</i> L. | | | ۳۳۶، ۳۱۳، ۲۴۶ |
| Compositae | <i>Centaurea cyanus</i> L. | * | Corn flower ; Bachlor's button ; Bluebottle | ۲۴۶، ۱۰۸ |
| Compositae | <i>Centaurea minus</i> Moen. | | | ۲۴۶ |
| Compositae | <i>Centaurea officinale</i> | | | ۲۴۶ |
| Compositae | <i>Centaurea pallescens</i> Del. | | | ۲۷۸ |
| Compositae | <i>Centaurea</i> sp. | | | ۲۴۶ |
| Compositae | <i>Centaurea stellata</i> | | | ۲۷۸ |
| Compositae | <i>Chamaepeuce diacantha</i> DC. | | | ۱۲۸ |
| Compositae | <i>Chondrilla juncea</i> L. | | Rush skeleton weed ; Gun succory | ۳۲۲، ۳۱۱، ۳۰۱، ۲۹۸، ۱۳۹ |
| Compositae | <i>Chondrilla ramosissima</i> Sibth. | | | |
| Compositae | <i>Chondrilla</i> sp. | | Sierra juniper | ۱۳۹ |
| Compositae | <i>Chrysanthemum coronarium</i> L. | | Crowndaisy ; Crown-daisy chrysanthemum | ۳۰، ۹۱ |
| Compositae | <i>Chrysanthemum parthenium</i> Pers. = <i>Tanacetum parthenium</i> (L.) Shultz-Bip. | * | Feverfew ; Feverfew chrysanthemum | ۳۴۶، ۳۱۷، ۱۸۸، ۵۸ |
| Compositae | <i>Chrysanthemum segetum</i> L. | | Corn chrysanthemum ; Corn marigold | ۹۱ |
| Compositae | <i>Chrysocoma linosyris</i> L. | | | ۳۰ |
| Compositae | <i>Chrysocoma</i> sp. | | | ۳۰، ۳۱۹، ۱۵۱، |
| Compositae | <i>Cichorium endivia</i> L. | ** | | ۳۳۲، ۲۹۸ |
| Compositae | <i>Cichorium intybus</i> L. | * | Common chicory | ۲۹۸، ۲۹۸ |
| Compositae | <i>Cincus acarna</i> = <i>Picnomon</i> <i>acarna</i> (L.) Cass. | | | ۵۸ |
| Compositae | <i>Cincus</i> sp. | | | ۳۵۷ |
| Compositae | <i>Cirsium diacantha</i> DC. | | | ۱۲۸ |
| Compositae | <i>Cirsium rhocephalum</i> C.A.Mey. | * | | ۱۵۱ |
| Compositae | <i>Cirsium stellatum</i> L. | | | ۳۵۷، ۳۹ |
| Compositae | <i>Cirsium tenuiflorum</i> Boiss. | | | ۳۵۴ |
| Compositae | <i>Cirsium tuberosum</i> All. | | | ۳۳۷ |
| Compositae | <i>Cnicus acarna</i> L. | | | ۳۳۶، ۷۱ |
| Compositae | <i>Cnicus tuberosus</i> L. | | | ۳۳۷ |
| Compositae | <i>Conyza candida</i> L. | | | ۳۵۴ |
| Compositae | <i>Conyza squarrosa</i> L. | | | ۳۳۹ |
| Compositae | <i>Cynara cardunculus</i> L. | | Cardoon | ۲۹۹، ۱۱۵، ۱۱۴ |
| Compositae | <i>Cynara scolymus</i> L. | | Artichoke ; Globe artichoke | ۳۳۷، ۲۶۲، ۱۱۵، ۱۱۴ |
| Compositae | <i>Cynara</i> sp. | | | ۲۹۹، ۱۱۵ |
| Compositae | <i>Cynara syriacus</i> Gaer. | | | ۲۹۹، ۲۹۹ |
| Compositae | <i>Doronicum cordatum</i> C.Koch = <i>Doronicum wulfenianum</i> Poir. = <i>Doronicum columnae</i> | | | ۱۲۹ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|------------|---|---------|---|--------------------|
| | Ten. | | | |
| Compositae | <i>Doronicum hookeri</i> Hook. | | | ۱۴۵ |
| Compositae | <i>Doronicum pardalianches</i> L. | | | ۳۵۲، ۱۴۵، ۱۴۵، ۱۲۹ |
| Compositae | <i>Doronicum roylei</i> DC. | | | ۱۴۵ |
| Compositae | <i>Doronicum scorpioides</i> Lam. = <i>Doronicum viscosum</i> Nym. = <i>Doronicum grandiflorum</i> Lam. | | | ۱۴۵، ۱۴۵ |
| Compositae | <i>Echinops sphaerocephalus</i> | | Common globe thistle | ۳۴۱، ۳۳۶ |
| Compositae | <i>Erigeron</i> sp. | | Fleabane; Cutleaf Daisy | ۱۹۳ |
| Compositae | <i>Eupatorium cannabinum</i> L. | * | Hemp eupatorium | ۳۴۹، ۲۳۸، ۹۴ |
| Compositae | <i>Flores tussilaginis</i> = <i>Flores Farfarae</i> , <i>Flores Tussilaginis</i> , <i>Flos Farfarae</i> = <i>Farfarae flos</i> | | | ۷۳ |
| Compositae | <i>Gnaphalium dioicum</i> L. | | | ۲۲۶ |
| Compositae | <i>Gnaphalium leontopodium</i> L. = <i>Leontopodium alpinum</i> Cass. | | Edelweiss; Pied de lion; Immortelle des neiges | ۳۵۳، ۲۰۰، ۱۴۷ |
| Compositae | <i>Gnaphalium sanguineum</i> Spr. | | | ۳۳۹، ۱۴۷ |
| Compositae | <i>Gnaphalum</i> L. | | Cudweed | ۳۴۴، ۲۲۶، ۳۱۶، |
| Compositae | <i>Gundelia tournefortii</i> L. | * | | ۱۱۵ |
| Compositae | <i>Helichrysum sanguineum</i> Cost. | | | ۱۴۷ |
| Compositae | <i>Helichrysum siculum</i> (Spr.) Boiss. | | | ۳۵۰ |
| Compositae | <i>Helichrysum</i> sp. | | Eveylasting | ۳۵۰، ۳۱۹ |
| Compositae | <i>Helichrysum stoenchas</i> DC. | | | ۶۱ |
| Compositae | <i>Helminthia echiodes</i> Gaertn. = <i>Helmnthoeceea echioides</i> (L.) Wolud | | Bugloss | ۳۳۱ |
| Compositae | <i>Inula britannica</i> L. | * | British inula | ۳۴۴ |
| Compositae | <i>Inula candida</i> Cass. | | | ۳۵۴ |
| Compositae | <i>Inula conyzoides</i> DC. | | Cinnamonroot inula | ۳۴۴، ۳۱۶، ۲۰۰، ۷۷ |
| Compositae | <i>Inula conyzoides</i> L. | | | ۱۸۳ |
| Compositae | <i>Inula helenium</i> L. | | Elecampane inula | ۳۲۵، ۳۰۹، ۱۵۴، ۱۵۳ |
| Compositae | <i>Inula saxatilis</i> Lam. | | | ۳۴۴ |
| Compositae | <i>Inula viscosa</i> Ait. | | | ۳۰۱، ۲۰۰ |
| Compositae | <i>Lactuca sativa</i> L. | ** | Garden lettuce | ۳۳۲، ۱۳۴، ۱۳۳ |
| Compositae | <i>Lactuca scariola</i> L. = <i>Lactuca serriola</i> L. | * | Prickly lettuce | ۳۳۲ |
| Compositae | <i>Lactuca</i> sp. | | Lettuce | ۱۳۳ |
| Compositae | <i>Lappa major</i> Gaertn. = L. <i>officinalis</i> All. = <i>Arctium lappa</i> L. | | Great burdock | ۳۵۴، ۳۲۰، ۴۵۰ |
| Compositae | <i>Leontodon</i> sp. | | Hawkbit | ۳۰۱ |
| Compositae | <i>Leontodon taraxacum</i> L. | | | ۲۰۰ |
| Compositae | <i>Leontopodium de Dioscoride</i> | | | ۳۵۷، ۶۷ |
| Compositae | <i>Matricaria aurea</i> Sch. | * | | ۵۸ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|------------|--|---------|---|-----------------------|
| Compositae | <i>Matricaria chamomilla</i> L. | | German comomile | ۲۳۵، ۱۸۷، ۵۸ |
| Compositae | <i>Matricaria parthenium</i> L. | | Feverfew | ۵۸ |
| Compositae | <i>Micropus erectus</i> L. | | | ۳۵۵ |
| Compositae | <i>Onopordon acanthium</i> L. | * | Cotton thistle | ۳۳۶، ۲۰۴، ۱۸۹، ۷۱، ۵۸ |
| Compositae | <i>Onopordon arabicum</i> L. | | | ۳۳۷، ۱۸۹ |
| Compositae | <i>Onopordon illiricum</i> L. | | | ۳۳۷ |
| Compositae | <i>Picnomon acarna</i> (L.) Cass. | * | Yellow plume thiste | ۷۲ |
| Compositae | <i>Picnomon acarna</i> Coss. | | | ۳۳۶، ۷۳ |
| Compositae | <i>Podospermum jacquinianum</i> Koch . = <i>Scorzonera cana</i> (C.A. Meyer) O. Hoffm | | | ۲۱۸ |
| Compositae | <i>Prenanthes purpurea</i> L. | | | ۳۴۱ |
| Compositae | <i>Pulicaria crispa</i> Cass . = <i>Francoeuria undulate</i> (L.) Loc. | * | | ۱۰۲ |
| Compositae | <i>Pulicaria odora</i> Reichb. | | | ۱۸۳ |
| Compositae | <i>Pyrethrum parthenium</i> Sm . = <i>Tanacetum parthenium</i> (L.) Sch. | * | Feverfew; Feverfew chrysanthemum | ۳۴۶، ۱۸۶ |
| Compositae | <i>Santolina maritima</i> Smith. | | | ۳۴۴، ۲۲۶ |
| Compositae | <i>Saussurea lappa</i> Clarke | | Saussura | ۲۳۹ |
| Compositae | <i>Scolymus hispanicus</i> L . = <i>Scolymus grandiflorus</i> auct. | * | Spanis; golden thistle | ۳۳۶، ۳۱۳، ۱۱۴ |
| Compositae | <i>Scorzonera elongata</i> L. | | | ۳۴۰ |
| Compositae | <i>Senecio coronopifolius</i> Defs . = <i>Senecio glaucus</i> L. | * | | ۱۰۲ |
| Compositae | <i>Senecio vulgaris</i> L. = Common groundsel | * | | ۳۵۳ |
| Compositae | <i>Serratula chamepeuce</i> L. | | | ۲۱۸ |
| Compositae | <i>Silybum marianum</i> Gaer. | * | Blessed milk Thistle; St.mary thistle | ۳۵۵، ۲۱۳، ۱۱۵، ۷۱ |
| Compositae | <i>Silybum syriacum</i> | | | ۳۳۷ |
| Compositae | <i>Sonchus arvensis</i> L. | | Field sow thistle | ۳۳۱ |
| Compositae | <i>Sonchus ciliatus</i> L. | | | ۸۴، ۵۰ |
| Compositae | <i>Sonchus oleraceus</i> L. | * | Common sow thistle | ۳۳۱، ۳۱۱، ۲۹۶، ۸۴، ۵۰ |
| Compositae | <i>Tagetes erecta</i> L . = <i>Tagetes</i> mayor | | Aztec marigold | ۲۴۳، ۲۰۱ |
| Compositae | <i>Tanacetum annum</i> L. | | | ۶۱ |
| Compositae | <i>Tanacetum umbeliferum</i> Boiss. | | | ۸۹ |
| Compositae | <i>Tanacetum vulgare</i> L. | | Common tansy | ۱۱۹ |
| Compositae | <i>Taraxacum dens-leonis</i> DC. | | | ۲۰۰ |
| Compositae | <i>Taraxacum officinale</i> Will. | | Common dandelion | ۲۹۸، ۲۹۶، ۲۰۰، ۱۳۴ |
| Compositae | <i>Taraxacum vulgare</i> Shramk = <i>Taraxacum vagum</i> V.S. | * | | ۲۰۰ |
| Compositae | <i>Telekia speciosissima</i> DC . = <i>Bupthalmum speciosissimum</i> L. | | | ۲۹۵ |
| Compositae | <i>Thrinicia tuberosa</i> DC. | | | ۳۳۲ |
| Compositae | <i>Tragopogon orientalis</i> L. | | | ۳۳۲، ۳۱۲ |
| Compositae | <i>Tragopogon pratensis</i> L. | | Meadow salsify | ۲۶۸، ۱۵۱ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|----------------|---|---------|-------------------------------------|-------------------|
| Compositae | Tragopogon sp. | | Salsify ; Goatsbeard | ۲۱۸ |
| Compositae | Tragopogon villosus L. | | | ۳۳۲ |
| Compositae | Tussilago farfara L. | * | Horse-hoof; Common colt's foot | ۳۳۴، ۱۷۲، ۱۱۹، ۷۳ |
| Compositae | Tussilago vulgaris L. | | | ۳۴۴ |
| Compositae | Ungula caballina | | | ۷۳ |
| Compositae | Xanthium strumarium L. | * | Lesser burdock | ۳۵۵ |
| Convolvulaceae | Convolvulus arvensis L. | * | European glovybind | ۳۴۸، ۲۶۷ |
| Convolvulaceae | Convolvulus farinosus L. | | | ۳۵۶ |
| Convolvulaceae | Convolvulus hystirix Vahl. | | | ۱۹۸ |
| Convolvulaceae | Convolvulus scammonia L. | | Scammony glorybind | ۳۵۶، ۱۷۳ |
| Convolvulaceae | Convolvulus sepium L. | | Heath rush | ۲۸۹ |
| Convolvulaceae | Convolvulus sepium L. | | Glorybind | ۳۵۵، ۳۴۸ |
| Convolvulaceae | Convolvulus sp. | | | ۲۶۷ |
| Convolvulaceae | Convolvulus syriacus | | | ۱۷۳ |
| Convolvulaceae | Convolvulus turpethum L. | | | ۹۴ |
| Convolvulaceae | Cressa cretica L. | | | ۳۴۵، ۱۶۵، ۶۴ |
| Convolvulaceae | Ipomea hederacea Jack. | | | ۲۹۲، ۱۱۳ |
| Convolvulaceae | Ipomea turpethum R.Br. | | | ۹۳ |
| Corallinaceae | Corallina officinalis L. | | | ۳۵۳، ۲۰۱ |
| Cornaceae | Cornus mas L. | * | Cornelian cherry ; Cornelian cherry | ۳۲۸، ۲۳۵، ۱۶۳ |
| Cornaceae | Cornus mascula L. | | | ۳۲۸، ۲۷۸ |
| Cornaceae | Cornus sanguinea L. | * | Red dog wood | ۲۳۵ |
| Cornaceae | Cornus sp. | | Campion | ۲۳۵ |
| Corylaceae | Corylus avellana L. | * | | ۳۲۹، ۱۰۵، ۸۸ |
| Crassulaceae | Cotyledon lusitanicus Lam. | | | ۳۵۲، ۳۲۰، ۲۴۷ |
| Crassulaceae | Cotyledon serrata L. | | | ۳۵۳ |
| Crassulaceae | Cotyledon umbilicus L. | | | ۳۵۳، ۱۷۰، ۳۴ |
| Crassulaceae | Sedum anopetalum DC. | | Goldmoss; stonecrop goldmoss | ۳۵۶ |
| Crassulaceae | Sedum acre L. | | | ۳۵۳، ۲۸ |
| Crassulaceae | Sedum cepaea L. | | | ۳۴۶، ۳۱۸، ۱۰۸ |
| Crassulaceae | Sedum ochroleucum Vill. | | | ۳۵۳ |
| Crassulaceae | Sedum roseum Scop. | | Rose-root stonecrop | ۳۵۰ |
| Crassulaceae | Sedum sp. | | Stonecrop | ۳۸ |
| Crassulaceae | Sedum stellatum L. | | | ۳۵۳ |
| Crassulaceae | Sedum telephium L. | | Live-forever | ۲۲۳، ۲۸ |
| Crassulaceae | Sedum telephium L. | | | ۳۵۳ |
| Crassulaceae | Sempervivum arboreum L. | | | ۳۵۳، ۶۴، ۳۸ |
| Crassulaceae | Sempervivum sp. | | Houseleek | ۳۸ |
| Crassulaceae | Sempervivum tectorum L. | | Hen-and-chickens; Roof houseleek | ۳۸ |
| Cruciferae | Alliaria officinalis L. = Alliaria petiolata (M.B.) Cav.&Grand. | * | Garicmustard ; Hedge ; Garrlic | ۹۸ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|------------|--|------------|--------------------------------------|------------------------------|
| Cruciferae | <i>Alyssum campestre</i> L. = <i>Ayssum minus</i> (L.) Rothu. | * | | ۹۶ |
| Cruciferae | <i>Alyssum clypeatum</i> L. | | | ۳۴۲ |
| Cruciferae | <i>Alyssum saxatile</i> L. | * | Golden tuft ; Golden-tuft alyssum | ۳۴۲، ۳۱۵، ۶۰ |
| Cruciferae | <i>Alyssum</i> sp. | | <i>Alyssum</i> | ۶۰ |
| Cruciferae | <i>Anastatica hierochuntica</i> L. | * | Jericho resurrection mustard | ۱۹۸، ۱۸۶ |
| Cruciferae | <i>Barbarea vulgaris</i> R.Br. | | Bitter winter cress | ۱۰۲ |
| Cruciferae | <i>Brassica alba</i> L. | | White mustard | ۳۳۳، ۱۱۵ |
| Cruciferae | <i>Brassica bunias</i> DC. | | | ۳۳۰ |
| Cruciferae | <i>Brassica campestris</i> L. | * | Bird rape | ۱۹۰ |
| Cruciferae | <i>Brassica campestris</i> L. var. <i>napus</i> Bal. | | | ۱۹۰ |
| Cruciferae | <i>Brassica capitata</i> Hort. | | | ۲۵۶ |
| Cruciferae | <i>Brassica caulorapa</i> Pasq. | | | ۲۵۶ |
| Cruciferae | <i>Brassica cretica</i> L. | | | ۳۳۱ |
| Cruciferae | <i>Brassica erucastrum</i> L. | | | ۱۰۲ |
| Cruciferae | <i>Brassica incana</i> L. | | | ۳۳۱، ۲۵۶ |
| Cruciferae | <i>Brassica napus</i> L. | | Winter rape | ۳۳۰، ۱۹۰ |
| Cruciferae | <i>Brassica nigra</i> Koch. | | Black mustard | ۱۳۱ |
| Cruciferae | <i>Brassica oleracea</i> L. | * | Wild cabbage | ۳۳۱، ۲۵۶ |
| Cruciferae | <i>Brassica oleracea</i> var. <i>botrytis</i> | * | Cauliflower | ۲۴۵ |
| Cruciferae | <i>Brassica rapa</i> L. | | Turnip | ۳۳۰ |
| Cruciferae | <i>Brassica sinapistrum</i> Boiss. | | | ۱۳۱ |
| Cruciferae | <i>Bunias erucago</i> L. | | | ۳۳۰ |
| Cruciferae | <i>Cakile maritima</i> Sco. | | GULF SEAROCKET | ۲۴۳، ۲۳۲ |
| Cruciferae | <i>Camelina sativa</i> Crant. | | Big-seeded false flax | ۳۵۴ |
| Cruciferae | <i>Cardamine amara</i> L. | | | ۲۳۶ |
| Cruciferae | <i>Cochlearia armoracia</i> L. | | | ۲۲۴ |
| Cruciferae | <i>Cochlearia coronopus</i> L. | | | ۱۱۶، ۳۶ |
| Cruciferae | <i>Crambe maritima</i> L. | | Common colewort | ۲۵۶ |
| Cruciferae | <i>Eruca sativa</i> Lam. | | Rocket salad | ۱۰۲ |
| Cruciferae | <i>Eruca sativa</i> Mill. | | | ۳۳۲ |
| Cruciferae | <i>Erysimum barbarea</i> L. | | | ۱۳۰ |
| Cruciferae | <i>Erysimum cheiranthoides</i> L. | | Treacle erysimum | ۱۳۰ |
| Cruciferae | <i>Erysimum officinale</i> L. = <i>Sisymbrium officinale</i> (L.) Scop. | * | Hedg mustard | ۹۶ |
| Cruciferae | <i>Erysimum repandum</i> L. | * | Spreading erysimum | ۱۲۹ |
| Cruciferae | <i>Farsetia clypeata</i> R.Br. | | | ۶۰ |
| Cruciferae | <i>Isatis lusitanica</i> Brot. | * | | ۳۳ |
| Cruciferae | <i>Isatis</i> sp. | | Woad | ۲۱۱ |
| Cruciferae | <i>Isatis titictoria</i> L. | * | Dyer's woad | ۳۳۵، ۳۱۳، ۲۹۲، ۲۵۱، ۲۱۱، ۱۱۳ |
| Cruciferae | <i>Lepidium campestre</i> L. | * | | ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۰۲ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---------------|--|---------|-------------------------------|-------------------------|
| Cruciferae | <i>Lepidium campestris</i> R.Br. | | Field pepper weed | ۳۳۳، ۱۳۱ |
| Cruciferae | <i>Lepidium draba</i> L. = <i>Cardaria draba</i> (L.)Des. | | Pepper weed white top | ۳۳۳، ۳۱۲، ۲۴۵، ۱۱۶ |
| Cruciferae | <i>Lepidium iberis</i> L. | | | ۱۹۴ |
| Cruciferae | <i>Lepidium latifolium</i> L. | * | Eropean papperwort | ۳۳۴، ۱۹۴ |
| Cruciferae | <i>Lepidium sativum</i> L. | * | Garden-cress; Peppergrass | ۳۳۴، ۳۳۳، ۳۱۲، ۱۹۴، ۱۱۵ |
| Cruciferae | <i>Lepidium</i> sp. | | Pepperweed; Peppergrass | ۲۸۱، ۱۹۳ |
| Cruciferae | <i>Matthiola incana</i> R.Br. | | Common stock | ۳۴۵، ۱۶۹، ۷۹ |
| Cruciferae | <i>Matthiola livida</i> DC. | | | ۲۸۵، ۱۳۸ |
| Cruciferae | <i>Raphanus niger</i> Mill. | | | ۲۲۴ |
| Cruciferae | <i>Raphanus raphanistrum</i> L. | * | Wild radish | ۳۳۰، ۲۲۴ |
| Cruciferae | <i>Raphanus sativus</i> L. | ** | Garden radish | ۳۳۰، ۳۱۱، ۲۲۴ |
| Cruciferae | <i>Raphanus</i> sp. | | Radish | ۲۲۴ |
| Cruciferae | <i>Senebiera coronopus</i> (L.) Poir. = <i>Coronopus squamatus</i> (Forssk.) Ascherson | | coronopus; Greater swinecress | ۱۱۶ |
| Cruciferae | <i>Sinapis alba</i> L. | * | White mustard | ۱۳۱، ۱۱۵ |
| Cruciferae | <i>Sinapis arvensis</i> L. | * | Charlock | ۳۳۰، ۱۳۱ |
| Cruciferae | <i>Sinapis nigra</i> L. | | | ۱۳۱ |
| Cruciferae | <i>Sinapis</i> sp. | | Mustard | ۱۳۱ |
| Cruciferae | <i>Sisymbrium alliaria</i> Scop. | | | ۹۹ |
| Cruciferae | <i>Sisymbrium irio</i> L. | * | London pride | ۱۲۹ |
| Cruciferae | <i>Sisymbrium nasturtium</i> Muhl. | | | ۳۳۱ |
| Cruciferae | <i>Sisymbrium officinale</i> L. | * | Hedg mustard | ۹۶ |
| Cruciferae | <i>Sisymbrium officinale</i> Scop. | | | ۳۳۳، ۱۲۹ |
| Cruciferae | <i>Sisymbrium polyceratium</i> | | | ۳۳۳، ۱۲۹ |
| Cruciferae | <i>Sisymbrium sophia</i> L. = <i>Descurainia sophia</i> (L.)Sct. | * | | ۱۳۰ |
| Cruciferae | <i>Sisymbrium</i> sp. | | Sisymbrium | ۹۶ |
| Cruciferae | <i>Thlaspi bursa-pastoris</i> L. | | | ۳۳۳ |
| Cruciferae | <i>Thlaspi campestre</i> L. | | | ۱۳۱، ۱۰۲ |
| Crucifrae | <i>Cheiranthus cheiri</i> L. | ** | Common wallflower | ۲۸۵، ۱۷۰، ۱۴۰ |
| Crucifrae | <i>Cheiranthus flava</i> L. | | | ۳۴۴ |
| Crucifrae | <i>Cheiranthus incanus</i> L. | | | ۱۶۹ |
| Crucifrae | <i>Cheiranthus</i> sp. | | Wallflower | ۲۸۵، ۱۴۰ |
| Crucifrae | <i>Cheiranthus tricuspidatus</i> L. | | | ۳۴۴ |
| Cruiferae | <i>Nasturtium officinale</i> R.Br. | | | ۲۸۴، ۲۳۵، ۲۲۴، ۱۱۵ |
| Cruiferae | <i>Nasturtium officinalis</i> L. | * | Water cress | ۳۳۱، ۱۱۶ |
| Cucurbitaceae | <i>Bryonia alba</i> L. | | White bryony | ۲۹۷، ۲۲۲ |
| Cucurbitaceae | <i>Bryonia dioica</i> Jacq. | * | Red-berry bryony | ۲۹۷، ۲۲۲ |
| Cucurbitaceae | <i>Bryonia</i> sp. | | Bryony | ۲۲۲ |
| Cucurbitaceae | <i>Citrullus colocynthis</i> Schrad | * | | ۲۳۷، ۱۲۷ |
| Cucurbitaceae | <i>Cucumis asininus</i> Willd. | | | ۲۳۳ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---------------|---|------------|--|-------------------------|
| Cucurbitaceae | <i>Cucumis colocynthis</i> L. | | | ۳۵۶، ۲۳۷ |
| Cucurbitaceae | <i>Cucumis flexuosus</i> L. | | Snake melon | ۲۳۳ |
| Cucurbitaceae | <i>Cucumis melo</i> L. | * | Muskmelon | ۳۳۲، ۱۹۰، ۸۱ |
| Cucurbitaceae | <i>Cucumis pepo</i> Dum. | | Pumpkin | ۳۳۲ |
| Cucurbitaceae | <i>Cucumis sativus</i> L. | * | Cucumber | ۳۳۲، ۲۲۷، ۲۳۴، ۲۳۳، ۱۳۹ |
| Cucurbitaceae | <i>Cucumis vulgaris</i> | | | ۸۲، ۸۱ |
| Cucurbitaceae | <i>Cucurbita citrullus</i> L. | | | ۸۲ |
| Cucurbitaceae | <i>Cucurbita lagenaria</i> L. | | | ۳۳۲، ۲۳۷ |
| Cucurbitaceae | <i>Cucurbita maxima</i> Duch. | | Winter squash | ۲۳۸ |
| Cucurbitaceae | <i>Cucurbita pepo</i> L. | * | | ۲۳۷، ۱۴۲ |
| Cucurbitaceae | <i>Cucurbita</i> sp. | | Gourd ; squash | ۲۳۷، ۱۴۲ |
| Cucurbitaceae | <i>Ecballium elaterium</i> Rich. | | Squirting cucumber | ۲۳۴، ۱۹۴ |
| Cucurbitaceae | <i>Elaterium agreste</i> | | | ۲۳۴ |
| Cucurbitaceae | <i>Elaterium officinale</i> | | | ۲۳۴ |
| Cucurbitaceae | <i>Lagenaria vulgaris</i> Ser. | ** | Calabash gourd; Bottle gourd | ۱۴۲ |
| Cucurbitaceae | <i>Luffa aegyptiaca</i> Mill. | | | ۲۷۳ |
| Cucurbitaceae | <i>Luffa cylindrica</i> M.Roe. | ** | Suakwa-vegetable sponge | ۲۷۳ |
| Cucurbitaceae | <i>Luffa</i> sp. | | Towel ground ; Dishcloth gourd | ۲۷۳ |
| Cucurbitaceae | <i>Momordica elaterium</i> L. = <i>Ecballium elaterium</i> (L.) A. Reich | | squirting cucumber, pepino de Sao Gregorio, pepino do Diabo, elaterio | ۳۵۵، ۲۳۴ |
| Cucurbitaceae | <i>Poppia fabiana</i> Koch . = <i>Luffa</i> <i>cylindrica</i> (L.) Roem. | | | ۲۷۳ |
| Cupressaceae | <i>Callitris quadrivalvis</i> Vent. | | Arar tree | ۱۷۸ |
| Cupressaceae | <i>Callitris</i> sp. | | Cypress pine | ۱۷۸ |
| Cupressaceae | <i>Chamaecyparis</i> sp. | | False cypress | ۱۸۷ |
| Cupressaceae | <i>Cupressus horizontalis</i> Mill. | | | ۳۹ |
| Cupressaceae | <i>Cupressus sempervirens</i> L. | ** | Italian cypress | ۳۲۵، ۳۰۹، ۱۷۰، ۳۹ |
| Cupressaceae | <i>Cupressus</i> sp. | | Cypress | ۱۷۰ |
| Cupressaceae | <i>Juniperus communis</i> L. | * | Common juniper | ۳۲۵، ۲۰۸، ۳۹ |
| Cupressaceae | <i>Juniperus oxycedrus</i> L. | * | Prickly juniper; Red berried juniper | ۲۳۴، ۲۰۸ |
| Cupressaceae | <i>Juniperus sabina</i> L. | | Sarin juniper | ۳۲۵، ۳۹ |
| Cupressaceae | <i>Juniperus</i> sp. | | Juniper | ۲۰۸ |
| Cupressaceae | <i>Juniperus vulgaris</i> | | | ۲۰۸ |
| Cupressaceae | <i>Thuja articulata</i> Vahl. | | Oriental arborvitae; Chinese arborvitae | ۱۷۹ |
| Cupressaceae | <i>Thuja orientalis</i> L. | | | ۲۱۲ |
| Cuscutaceae | <i>Cuscuta epithymum</i> Mur. | | Common dodder | ۳۵۶، ۲۵۸، ۱۲۳، ۵۶، ۵۵ |
| Cuscutaceae | <i>Cuscuta europaea</i> L. | * | Greater dodder | ۳۳۲، ۲۵۸، ۵۵ |
| Cuscutaceae | <i>Cuscuta hyalina</i> Roth. | | | ۲۵۸ |
| Cuscutaceae | <i>Cuscuta monogyna</i> Vahl. | * | | ۲۵۸ |
| Cuscutaceae | <i>Cuscuta planifolia</i> Ten. | * | | ۲۵۸ |
| Cuscutaceae | <i>Cuscuta</i> sp. | | | ۲۲۰ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|-----------------|---|---------|---|------------------------|
| Cynipidae | Cynips gallaeturciae Hart. | | Gall wasps | ۲۱۲ |
| Cynomoriaceae | Cynomorium coccineum L. | | | ۲۰۱ |
| Cyperaceae | Cyperus esculentus L. | | Chufa flat sedge ; chufa ; Earth almond | ۱۶۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۴۹ |
| Cyperaceae | Cyperus longus L. | * | Galingale flat sedge ; Long cyperus | ، ۱۷۲ ۳۲۴، ۳۰۹ |
| Cyperaceae | Cyperus papyrus L. | | Payrus | ۷۵ |
| Cyperaceae | Cyperus papyrus Trin. | | | ۳۲۶، ۳۰۹ |
| Cyperaceae | Cyperus rotundus L. | * | Nut grass flat sedge | ۱۷۲ |
| Cyperaceae | Cyperus sp. | | Flat sedge cypress grass | ۱۷۲ |
| Cyperaceae | <i>Papyrus antiquorum Willd.</i> = Cyperus Papyrus | | Papyrus | ۳۲۶، ۷۵ |
| Cyperaceae | Papyrus domesticus Poir. | | | ۷۶ |
| Cyperaceae | Schaenus sp. | | Bog rush | ۲۱۷ |
| Dioscoraceae | Tamus communis L. | | | ۳۵۷، ۳۵۶، ۲۲۲ |
| Dioscoraceae | Tamus dioica | * | Adder's meat | ۲۲۲ |
| Dioscoraceae | Tamus sp. | | Black bryony | ۲۹۷، ۲۲۲ |
| Dipsacaceae | Dipsacus fullonum L. | | Wild teasel | ۳۳۶، ۳۱۳، ۱۵۰ |
| Dipsacaceae | <i>Dipsacus sylvestris Mill.</i> = Dipsacus fullonum ssp. sylvestris | | Teasel, Common or Wild | ۳۳۶ |
| Dipsacaceae | <i>Trichera arvensis Schrad.</i> = <i>Knautia arvensis (L.) Coulter</i> = <i>Scabiosa arvensis L.</i> | | Status(es) (compiled from below "Data sources"): Weed | ۱۷۱ |
| Dipsacaceae | <i>Cephalaria pilosa Schr.</i> = Dipsacus pilosus L. | * | | ۲۱۰ |
| Dryopteridaceae | Ahyrium filix-mas L. | | | ۱۷۱ |
| Ebenaceae | Diospyros ebenum Kon. | | Ebony persimmon | ۳۳ |
| Ebenaceae | Diospyros melanoxylon Roub. | | | ۳۲۷ |
| Elaeagnaceae | Elaeagnus angustifolius L. | * | Russian olive | ۲۱۹، ۱۶۳ |
| Elaeagnaceae | Elaeagnus hortensis Boiss. | | | ۲۱۹ |
| Elaeagnaceae | Elaeagnus sp. | | Eleagnus | ۱۶۳ |
| Elaeagnaceae | Hippophae rhamnoides L. | * | Common sea buckthorn | ۳۵۶، ۳۹ |
| Ephedraceae | Ephedra distachya Bort. | * | Joint-fir ephedra ; sea grape | ۳۵۰، ۳۲۹، ۲۰۱ |
| Ephedraceae | Ephedra vulgaris Rich. | | | ۲۹۹ |
| Equisetaceae | Equisetum arvense L. | * | Field horsetail | ۳۵۰، ۲۶۲، ۲۱۱، ۱۵۱، ۵۰ |
| Equisetaceae | Equisetum fluviatile L. | | | ۳۵۰ |
| Equisetaceae | Equisetum hyemale L. | | Scouring rush | ۲۶۲، ۱۵۱ |
| Equisetaceae | <i>Equisetum limosum L.</i> = Equisetum fluatile L. | * | Swamphorse tail | ۳۵۰ |
| Equisetaceae | Equisetum pallidum L. | | | ۳۴۷، ۲۱۰ |
| Equisetaceae | Equisetum ramosissimum Desf. | * | | ۲۴۶، ۵۰ |
| Equisetaceae | Equisetum sylvaticum L. | | | ۳۵۰ |
| Ericaceae | Erica arborea L. | | | ۳۲۶، ۳۰۹، ۱۳۷، ۴۶ |
| Ericaceae | Erica cinerea L. | | Twisted heath | ۱۳۷ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---------------|--|---------|-------------------------------------|-------------------------|
| Ericaceae | Erica sp. | | Heath | ۱۳۷ |
| Ericaceae | Arbutus andrachne | | | ۳۲۸ |
| Ericaceae | Arbutus sp. | | | ۲۴۲، ۲۳۱ |
| Ericaceae | Arbutus unedo L. | * | Strawberry saxifrage ; Aron's-beard | ۳۲۸، ۲۴۲، ۲۳۱، ۲۱۱، ۱۰۶ |
| Ericaceae | Arctostaphylos uva-ursi Spreng. | | Bearberry | ۲۱۵ |
| Euphorbiaceae | Croton tiglium L. | | Purging coroton | ۲۷۷، ۱۴۷، ۱۱۳ |
| Euphorbiaceae | Croton tinctorium L. | | | ۹۵ |
| Euphorbiaceae | <i>Croton tinctorium</i> L. = <i>Chrozophora tinctoria</i> (L.) A. Juss. | | Croton; Maurelle(F) | ۳۵۷ |
| Euphorbiaceae | Embellica officinalis Ga. | | Embelic myrobalan Indian gooseberry | ۶۳ |
| Euphorbiaceae | Euphorbia aculeata Forsk. | | | ۲۵۳ |
| Euphorbiaceae | Euphorbia aleppica L. | * | | ۳۵۶ |
| Euphorbiaceae | Euphorbia apios L. | | | ۳۵۶، ۵۷ |
| Euphorbiaceae | Euphorbia chamaesyce L. | | | ۱۲۷ |
| Euphorbiaceae | Euphorbia characias L. | | | ۳۵۶ |
| Euphorbiaceae | Euphorbia curcas | | | ۱۰۸ |
| Euphorbiaceae | Euphorbia dendroides L. | | | ۳۵۶، ۱۲۱ |
| Euphorbiaceae | <i>Euphorbia esula</i> L. = <i>Euphorbia boissieriana</i> (Woron.)prokh. | * | Leafy euphorbia | ۲۶۵ |
| Euphorbiaceae | Euphorbia falcata L. | * | Sickle-grass | ۳۵۶ |
| Euphorbiaceae | Euphorbia helioscopia L. | * | Sun euphorbia | ۳۵۶، ۳۰۰، ۲۲۵ |
| Euphorbiaceae | Euphorbia lathyris L. | | Caper euphorbia | ۳۵۶، ۲۷۷، ۲۲۴ |
| Euphorbiaceae | Euphorbia myrsinites | * | | ۳۵۶، ۳۰۰ |
| Euphorbiaceae | Euphorbia officinarum L. | | | ۲۲۵ |
| Euphorbiaceae | Euphorbia paralias L. | | Sea staff-sea wand | ۳۵۶، ۳۰۰ |
| Euphorbiaceae | Euphorbia pilosa L. | | | ۳۵۶ |
| Euphorbiaceae | Euphorbia pilulifera L. | | | ۶۵ |
| Euphorbiaceae | Euphorbia pithyusa L. | | | ۲۲۵، ۱۸۴ |
| Euphorbiaceae | Euphorbia pythuse Friw. | | | ۱۷۵ |
| Euphorbiaceae | Euphorbia resinifera Berg. | | | ۲۲۵ |
| Euphorbiaceae | Euphorbia sibthorpii Boiss. | | | ۳۰۰ |
| Euphorbiaceae | Euphorbia sp. | | Ebebright | ۳۴۲، ۳۱۵، ۳۰۰، ۲۲۴، ۵۵ |
| Euphorbiaceae | Euphorbia spinosa L. | * | | ۳۵۷، ۳۹ |
| Euphorbiaceae | Euphorbia triaculeata For. | | | ۲۶۵ |
| Euphorbiaceae | Hippomane manchinella L. | | manchineel | ۱۹۴ |
| Euphorbiaceae | Jatropha curcas L. | | Barbados nut ; physic nut | ۱۰۸ |
| Euphorbiaceae | Jatropha gossipifolia L. | | | ۲۲۷ |
| Euphorbiaceae | Mallotus philippinensis Mull. | | Red kamala | ۲۹۵، ۲۴۴ |
| Euphorbiaceae | Mallotus sp. | | | ۲۴۴ |
| Euphorbiaceae | Mercurialis annua L. | * | Herb mercury | ۳۵۷، ۳۴۴، ۱۲۱ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|----------------|--|---------|---|---------------|
| Euphorbiaceae | <i>Mercurialis</i> sp. | | | ۱۲۱ |
| Euphorbiaceae | <i>Phyllanthus emblica</i> L. = <i>Emblia officinalis</i> | | Emblia leaf flower | ۶۳ |
| Euphorbiaceae | <i>Ricinus communis</i> L. | * | Castor bean | ۳۵۶، ۲۰۳، ۱۳۳ |
| Euphorbiaceae | <i>Rottlera tinctoria</i> Roxb. = <i>Croton philippensis</i> Lam. <i>Mallotus reticulatus</i> Dunn = <i>Mallotus philippensis</i> (Lam.) Muell. Arg. | | Common madder; kemala tree | ۲۹۵، ۲۴۴ |
| Euphorbiaceae | <i>Tithymalus cotinifolius</i> Haw. = <i>Euphorbia cotinifolia</i> L. | | Red spurge | ۱۸۴ |
| Fagaceae | <i>Castanea sativa</i> Mill. | | European chestnut ; Spanish chestnut | ۸۷ |
| Fagaceae | <i>Castanea vesca</i> Gaertn. | | | ۸۷ |
| Fagaceae | <i>Castanea vulgaris</i> Lam. | | | ۸۷ |
| Fagaceae | <i>Quercus aegilops</i> L. | | Valonia oak | ۳۲۷ |
| Fagaceae | <i>Quercus aesculus</i> Boiss. | * | | ۳۲۷ |
| Fagaceae | <i>Quercus coccifera</i> L. | | Kermes oak | ۳۵۰، ۳۲۷، ۸۶ |
| Fagaceae | <i>Quercus ilex</i> L. | | Holly oak | ۳۵۲، ۲۱۲، ۸۶ |
| Fagaceae | <i>Quercus infectipria</i> Olivier | * | Aleppo oak | ۲۱۲ |
| Fagaceae | <i>Quercus lusitanica</i> Lam. | | | ۳۲۷، ۲۱۲ |
| Fagaceae | <i>Quercus lutanica</i> var. <i>tauricola</i> | | | ۲۱۲ |
| Fagaceae | <i>Quercus persica</i> Jaub. & Sp. = <i>Quercus brantii</i> Lindl. | * | Oak ; Manna tree | ۸۶ |
| Fagaceae | <i>Quercus robur</i> L. | * | | ۸۶ |
| Fagaceae | <i>Quercus</i> sp. | | Oak | ۲۱۲، ۱۷۹ |
| Flacourtiaceae | <i>Flacourtia cataphracta</i> Willd. | | Paniala; coffee plum; paniala; puncala; Chinese plum | ۱۹۹، ۱۶۱ |
| Fucacea | <i>Fucus</i> sp. | | Rock weed-sea oak | ۱۹۸ |
| Fumariaceae | <i>Corydalis claviculata</i> (L.) DC. | | | ۳۵۷ |
| Fumariaceae | <i>Fumaria officinalis</i> L. | | | ۱۸۳ |
| Fumariaceae | <i>Fumaria parviflora</i> Lam. | | | ۱۸۳ |
| Fumariaceae | <i>Fumaria</i> sp. | | Fumitory | ۱۸۳ |
| Gentianaceae | <i>Erythraea centaurium</i> Pers. = <i>Centaurium erythraea</i> = <i>Centaurium umbellatum</i> | | Drug cenaurium | ۳۳۶، ۲۴۶ |
| Gentianaceae | <i>Gentiana lutea</i> L. | | | ۳۳۵، ۳۱۳، ۱۰۶ |
| Gentianaceae | <i>Swertia chirata</i> Ham. | | | ۲۴۱ |
| Gramineae | <i>Panicum dactylon</i> L. | | | ۹۹ |
| Gramineae | <i>Panicum italicum</i> L. | | | ۱۴۳ |
| Gramineae | <i>Panicum milliaceum</i> L. | * | Proso-broomcorn; millet | ۳۲۹، ۱۴۳، ۱۰۰ |
| Geraniaceae | <i>Erodium malachoides</i> Willd. | | | ۳۴۴ |
| Geraniaceae | <i>Geranium arabicum</i> Forsk. | | | ۲۲۱ |
| Geraniaceae | <i>Geranium columbinum</i> L. | | Long-stalked geranium | ۳۷ |
| Geraniaceae | <i>Geranium rotundifolium</i> L. | | Round-leaved | ۳۴۴، ۳۱۶ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|----------------|---|---------|--|--------------------|
| | | | fluellen; Cancerwort | |
| Geraniaceae | Geranium sp. | | Geranium ; Crowfoot | ۲۱۸، ۳۷ |
| Geraniaceae | Geranium tuberosum L. | * | Tuberous-rooted crane's bill | ۳۴۴ |
| Gesneriaceae | Conandron sp. | | Iwa-tabako | ۲۴۳ |
| Gesneriaceae | Gloxinia sp. | | Gloxinia | ۲۲۱ |
| Globulariaceae | Globularia sp. | | Globe daisy | ۲۱۸ |
| Graminae | Digitaria stolonifera Schrad. | | | ۹۹ |
| Graminae | Oryza sativa L. | * | Rice | ۳۲۹، ۳۱۱، ۴۴ |
| Graminae | Sqtaria italica Beauv | | millet, foxtail; Italian millet | ۱۴۳ |
| Graminae | Triticum dicoccum Schr. | | Emmer; Dinkel wheat | ۲۲۳، ۲۱۳ |
| Graminae | Triticum monococcum L. | | Einkorn; One- grained wheat | ۳۲۹، ۲۶۴، ۲۶۳، ۲۱۳ |
| Graminae | Triticum ovatum L. | | | ۱۴۷ |
| Graminae | Triticum repens L. | | | ۹۹ |
| Graminae | Triticum spelta L. | | Splet | ۲۶۴، ۱۷۴، ۱۳۹، |
| Graminae | Triticum vulgare Vill. | | Wheat | ۱۲۶ |
| Graminae | Triticum zea Host. | | | ۲۶۴ |
| Gramineae | Aegilops ovata L. | * | | ۳۵۵، ۱۴۷ |
| Gramineae | Aeluropus littoralis Ga. | * | | ۲۱۲ |
| Gramineae | Agropyrum repens Beauv. | * | Couch-grass ;Quakgrass | ۳۴۹، ۲۱۲، ۹۹ |
| Gramineae | Andropogon lanigera Desf. | | | ۴۳ |
| Gramineae | Andropogon nardus L. | | | ۱۱۷ |
| Gramineae | Andropogon schoenanthus L. | | | ۳۲۴، ۳۰۹، ۴۳ |
| Gramineae | <i>Andropogon sorghum</i> Brot. = <i>Sorghum vulgare</i> Pers. | * | Sorghum | ۳۲۹، ۱۵۰، ۱۴۳ |
| Gramineae | Andropogona martini Roxb. | | | ۲۴۱ |
| Gramineae | Apera spica-venti L. | | Wind bent grass ; Wind grass ; Corn grass | ۲۹۶ |
| Gramineae | Arundinaria sp. | * | | ۲۱۳ |
| Gramineae | Arundo bambos L. | | | ۱۹۹ |
| Gramineae | Arundo donax L. | * | Giant reed | ۳۲۶، ۲۴۰ |
| Gramineae | Arundo phragmites L. | | | ۲۴۰ |
| Gramineae | Avena elatior L. | | | ۱۴۷ |
| Gramineae | Avena fatua L. | * | Wild oat | ۳۵۰، ۲۳۷، ۹۱ |
| Gramineae | Avena sativa L. | * | Common oat | ۳۵۵، ۲۹۶، ۲۳۷، ۱۷۴ |
| Gramineae | Avena sp. | | Oat | ۱۳۱ |
| Gramineae | <i>Bambusa arundinacea</i> Willd. = <i>Arundo bambos</i> L. = <i>Bambusa bambos</i> (L.) Voss | | Reed bamboo, Spiny bamboo , Thorny bamboo, Indian bamboo. | ۲۰۰، ۱۴۰ |
| Gramineae | Bambusa sp. | | Bamboo | ۱۴۰ |
| Gramineae | Cenchrus frutescens Sieber | | | ۳۲۶ |
| Gramineae | Cymbopogon schoenanthus | | Halfa bar | ۳۲۴، ۴۳ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--------------|--|---------|---|---------------|
| | Spreng. | | | |
| Gramineae | Cynodon dactylon Pers. | | | ۳۳۶، ۲۰۰، ۹۹ |
| Gramineae | Cynosurus egyptiaca L. | | Hedgehog dog's-tail | ۳۴۹ |
| Gramineae | Dactylis repens L. | | | ۳۴۹ |
| Gramineae | <i>Dactylon officinale Villars</i> . = <i>Cynodon dactylon (L.) Persoon</i> | | bermuda-grass | ۹۹ |
| Gramineae | Danthonia sp. | | Danthonia | ۱۲۷ |
| Gramineae | Eleusine coracana Gaer. | | Ragi millet ; raggee ; tocusso | ۲۶۳ |
| Gramineae | Erianthus ravennas Beauv. | | Sacchrum ravennae | ۳۲۶ |
| Gramineae | Festuca altissima Boiss. | * | | ۲۱۲ |
| Gramineae | Festuca sp. | | Fescue | ۲۱۲ |
| Gramineae | Holcus dochna Forscal | | | ۱۴۳ |
| Gramineae | Holcus sorghum L. | | Sudan grass | ۱۵۰، ۱۰۰ |
| Gramineae | Hordeum morinum L. | * | Mouse barley | ۳۵۰ |
| Gramineae | Hordeum sp. | | Barley | ۳۲۹، ۱۸۷ |
| Gramineae | Hordeum vulgare L. | | Berley | ۱۸۸، ۱۸۷ |
| Gramineae | Leptochloa bipinnata (L.) Hochst. | | | ۱۲۲، ۱۲۲ |
| Gramineae | Lolium perenne L. | * | Perennial rye grass | ۹۱ |
| Gramineae | Lolium sp. | | Rye grass | ۱۶۴ |
| Gramineae | Lolium temulentum L. | * | Darnel rye grass | ۳۲۹، ۱۹۴، ۱۶۴ |
| Gramineae | Lophotenia aurea L. | | | ۱۸۲ |
| Gramineae | Milium indicum | | | ۱۰۰ |
| Gramineae | Milium nigricans Ruis. | | | ۲۰۴ |
| Gramineae | Nardus indica L. | | | ۱۷۸ |
| Gramineae | Pennisetum sp. | | Pennisetum | ۹۷ |
| Gramineae | Phalaris canariensis Nutt. | ** | Canary grass | ۳۴۶ |
| Gramineae | Phalaris tuberosa L. | | | ۳۴۶، ۳۱۷، ۲۲۳ |
| Gramineae | Phragmites communis Trin | | Common reed | ۳۲۶، ۲۴۰ |
| Gramineae | Poa cynosuroides Retz. | | | ۱۲۲ |
| Gramineae | Poa multiflora Forsk. | | | ۱۲۲ |
| Gramineae | Saccharum officinarum L. | ** | Sugar cane | ۲۴۱، ۱۷۳ |
| Gramineae | Secale cereale L. | * | Rye; Rie | ۱۹۴ |
| Gramineae | Secale corutom | | | ۱۴۷ |
| Gramineae | Setaria italicum Beauv. | * | Foxtail barley; Squirrel; Tail grass | ۳۲۹ |
| Gramineae | Sorghum vulgare L. | ** | Sorghum; Broom corn | ۱۵۰، ۱۴۳ |
| Gramineae | Stipa sp. | | Needlegrass; Feather grass | ۱۲۲ |
| Gramineae | Triticum romanum L. | | | ۳۲۹، ۱۳۹ |
| Gramineae | Zea mays L. | * | Maize; Indian corn | ۱۵۰، ۱۰۰ |
| Guttiferae | Garicina mangostana L. | | Mangosteen | ۱۰۷ |
| Guttiferae | Mesua ferrea L. | | Iron wood | ۲۸۸ |
| Haloragaceae | Myriophyllum sp. | | Water milfoil parrot feather | ۲۸۰ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|------------------|---|---------|-----------------------------------|------------------------|
| Haloragaceae | Myriophyllum spicatum L. | * | Spiked milfoil | ۳۵۶، ۳۲۰، ۱۱۷ |
| Hamameliaceae | Liquidambar orientalis L. | * | Sweet gum | ۲۸۹ |
| Hamameliaceae | Liquidambar orientalis Mill. | | | ۵۳ |
| Hamameliaceae | Liquidambar sp. | | | ۲۶۷ |
| Heliconiaceae | Heliconia sp. | | Heliopsis | ۲۹۵ |
| Helvellaceae | Helvella phalloides | | | ۲۲۱ |
| Hemionitidaceae | Hemionitis L. | | | ۳۴۵، ۳۱۷ |
| Hippocastanaceae | Aesculus hippocastanum L. | | Common horse chestnut | ۸۷ |
| Hippuridaceae | Hippuris vulgaris | * | Mare's-tail | ۳۴۷ |
| Hydrocharitaceae | Stratiotes aloides L. | | Water-soldier | ۳۵۳، ۱۷۱ |
| Hypericaceae | Hypericum barbatum L. | | | ۳۴۷، ۳۱۸، ۲۹۸ |
| Hypericaceae | Hypericum ciliatum L. | | | ۳۴۷، ۲۹۸، ۶۸ |
| Hypericaceae | Hypericum coris L. | | | ۳۴۷، ۲۹۸ |
| Hypericaceae | Hypericum hircinum L. | * | | ۳۵۰، ۲۸۲، ۲۰۱، ۱۸۶ |
| Hypericaceae | Hypericum perforatum L. | * | John's wort | ۳۴۷، ۳۰۱، ۱۴۱ |
| Hypericaceae | Hypericum procumbens L. | | | ۳۵۱ |
| Hypericaceae | Hypericum quadrangulum L. | | Square-stalked s.t-john's-wort. | ۵۶ |
| Hypericaceae | Hypericum sp. | | St. -john's-wort | ۳۰۱، ۱۴۱ |
| Illecebraceae | Illecebrum paronychia L. = Paronychia verticillata Lam. | | coral necklace | ۳۵۰ |
| Illiciaceae | Illicium anisatum L. | | anise tree | ۷۲ |
| Illiciaceae | Illicium verum Hooker fil | | star anise | ۷۲ |
| Iridaceae | Crocus sativus L. | * | Saffron crocus | ۳۲۵، ۳۰۹، ۱۶۳ |
| Iridaceae | Crocus sp. | | Crocus | ۱۶۳ |
| Iridaceae | Gladiolus communis L. | ** | Common ginger | ۳۴۸، ۲۵۵، ۱۸۱، ۱۴۶، ۴۵ |
| Iridaceae | Gladiolus segetum Ke. | * | Corn flag gladiolus | ۴۵ |
| Iridaceae | Gladiolus sp. | | Gladiolus ;Corn flag | ۱۴۶ |
| Iridaceae | Hermodactylus tuberosis Salisb. | | Snake's-head iris | ۲۷۰ |
| Iridaceae | Iris ensata Thund. | ** | | ۷۰ |
| Iridaceae | Iris florentina L. | | Florentine iris | ۳۲۴، ۳۰۹، ۱۸۱، ۷۰ |
| Iridaceae | Iris foeditissima L. | * | | ۳۴۸ |
| Iridaceae | Iris germanica L. | * | German iris | ۱۶۴، ۷۰ |
| Iridaceae | Iris nobilis Pall. | | | ۷۹ |
| Iridaceae | Iris pseudacorus L. | * | Yellow flag iris | ۳۲۴، ۲۹۳ |
| Iridaceae | Iris sp. | | Iris | ۱۸۱، ۶۷ |
| Juglandaceae | Carya sp. | | Hickory | ۲۳۲ |
| Juglandaceae | Juglans regia L. | * | Persian walnut; Royal walant tree | ۳۲۹، ۱۰۷ |
| Juncaceae | Juncus acutus L. | * | | ۳۵۰، ۱۷۵، ۵۰ |
| Juncaceae | Juncus arabicus Post. | | | ۳۵۰، ۳۲۰، ۱۷۵، ۵۰ |
| Juncaceae | Juncus maritimus Lam. | * | Sea rush | ۱۷۵ |
| Juncaceae | Juncus soinosus For. | | | ۱۷۵ |
| Juncaceae | Juncus sp. | | Rush | ۱۷۵، ۵۰ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|----------|---|---------|--|-------------------------|
| Labiatae | <i>Ajuga chamaepitys</i> L. | | Ground pine | ۳۴۷، ۳۱۸، ۲۶۱، ۲۰۷ |
| Labiatae | <i>Ajuga chamaepitys</i> Sch. | | | ۲۶۱ |
| Labiatae | <i>Ajuga iva</i> L. | | | ۲۶۱، ۱۰۴ |
| Labiatae | <i>Ajuga</i> sp. | | Bugle | ۲۰۷ |
| Labiatae | <i>Amaracus dictamnus</i> Ben . = <i>Origanum dictamnus</i> L. | | Cretan Dittany | ۲۸۱ |
| Labiatae | <i>Calamintha acinos</i> Man. | | Spring savory | ۲۲۵ |
| Labiatae | <i>Calamintha graveolens</i> Benh. | | | ۲۲۵ |
| Labiatae | <i>Calamintha incana</i> Boiss. & Held. | | | ۱۵۳ |
| Labiatae | <i>Clinopodium montanum</i> (L.) Kuntz. | | | ۲۳۸ |
| Labiatae | <i>Clinopodium vulgare</i> L. | * | Wild basil savory | ۳۴۲، ۳۱۵ |
| Labiatae | <i>Collinsonia canadensis</i> L. | | Stone Root, Horseweed, Richweed, Richleaf, Knob-Root, Knobweed, Horsebalm | ۸۲ |
| Labiatae | <i>Dracocephalum kotschy</i> Boiss. | * | | ۸۴ |
| Labiatae | <i>Dracocephalum moldavica</i> L. | * | Moldvian dragon head | ۷۱ |
| Labiatae | <i>Horminum pyrenaicum</i> L. | | | ۴۵ |
| Labiatae | <i>Lallemantia iberica</i> F.&M.. | * | | ۷۳ |
| Labiatae | <i>Lallemantia royleana</i> Benth. | * | | ۷۳ |
| Labiatae | <i>Lamium album</i> L. | * | White durra | ۲۱۹، ۱۱۵ |
| Labiatae | <i>Lamium maculatum</i> L. | * | Spotted dead nettle | ۳۴۳، ۲۷۴، ۱۳۳ |
| Labiatae | <i>Lamium purpureum</i> L. | * | Purple dead nettle | ۳۵۳ |
| Labiatae | <i>Lamium striatum</i> Sibth. | ** | | ۳۴۳ |
| Labiatae | <i>Lavandula dentata</i> L. | | Fringed Lavender, French Lavender | ۴۷ |
| Labiatae | <i>Lavandula</i> sp. | | Lavender | ۱۳۳ |
| Labiatae | <i>Lavandula spica</i> Cav. | | | ۱۳۳ |
| Labiatae | <i>Lavandula stoechas</i> L. | ** | French Lavendar | ۳۳۷، ۳۱۳، ۴۷ |
| Labiatae | <i>Lavandula vera</i> DC. | * | True lavender | ۱۳۳ |
| Labiatae | <i>Majorana hortensis</i> Moench. | | Sweet marjoram | ۲۷۸ |
| Labiatae | <i>Majorana</i> sp. | | Marjoram | ۲۷۸ |
| Labiatae | <i>Marrubium pseudodictamnus</i> L. | | | ۳۳۸ |
| Labiatae | <i>Marrubium</i> sp. | | Hoarhound | ۲۳۰، ۲۲۴ |
| Labiatae | <i>Marrubium vulgare</i> L. | * | Common horehound | ۳۴۳، ۲۲۴ |
| Labiatae | <i>Melissa calamintha</i> L . = <i>Calamintha officinalis</i> Moench | | Calamint savory | ۱۲۶ |
| Labiatae | <i>Melissa clinopodium</i> Benth. | | | ۳۴۲ |
| Labiatae | <i>Melissa officinalis</i> L. | * | Common balm | ۳۴۳، ۳۱۶، ۲۲۵، ۷۱ |
| Labiatae | <i>Mentha aquatica</i> L. | * | Water mint | ۳۳۸، ۲۹۱، ۲۸۲، ۲۲۹، ۱۹۸ |
| Labiatae | <i>Mentha arvensis</i> L. | * | Field mint | ۳۴۲ |
| Labiatae | <i>Mentha officinalis</i> Hull. | | | ۲۲۹ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|----------|--|---------|--------------------------------|------------------------------------|
| Labiatae | Mentha piperita Smith. | * | Peppermint | ۳۳۸، ۲۹۱، ۲۲۹ |
| Labiatae | Mentha pulegium L. | * | Pennyroyal | ۳۳۸، ۲۲۹، ۲۲۱، ۱۹۶، ۱۰۵، ۸۳ |
| Labiatae | Mentha pulegium var. erecta | | | ۳۳۸ |
| Labiatae | Mentha sativa L. | | | ۳۳۸، ۲۹۱ |
| Labiatae | Mentha sp. | | Mint | ۲۹۱ |
| Labiatae | Mentha sylvestris L. | | | ۳۳۸، ۲۲۹، ۲۰۵ |
| Labiatae | Micromeria juliana Benth. | | | ۳۳۹ |
| Labiatae | Moschosma sp. | | | ۱۹۸ |
| Labiatae | Nepeta micrantha Bu. | | | ۱۶۵ |
| Labiatae | Nepeta mispahanica Bo. | | | ۱۶۵ |
| Labiatae | Ocimum album L. | | | ۷۱ |
| Labiatae | Ocimum basilicum L. | * | Sweet basil; hoary basil | ۳۱۱، ۲۲۵، ۱۸۴، ۱۶۰، ۱۲۲، ۷۱ ۳۳۲ |
| Labiatae | Ocimum filamentosum Forsk. | | | ۱۶۰، ۱۰۵ |
| Labiatae | Ocimum gratissimum L. | | | ۱۶۰، ۱۰۵ |
| Labiatae | Ocimum minimum L. | | | ۱۹۸، ۱۸۴ |
| Labiatae | Ocimum pilosum Willd. | | | ۳۳۹، ۲۲۵، ۱۸۴، ۱۲۲ |
| Labiatae | Origanum aegyptiacum L. | | | ۱۶۵ |
| Labiatae | Origanum amaracus Gled. | | | ۲۷۹، ۲۷۸ |
| Labiatae | Origanum creticum L. | | | ۲۸۱ |
| Labiatae | Origanum dictamnus L. | | | ۳۳۸، ۳۱۴، ۲۸۱، ۲۳۰ |
| Labiatae | Origanum hirtum L. | | | ۲۸۱ |
| Labiatae | Origanum lirium | | | ۳۳۷ |
| Labiatae | Origanum majorana L. | | Sweet majoran | ۳۳۹، ۲۷۸ |
| Labiatae | Origanum maru L. | | | ۲۷۹، ۲۲۱ |
| Labiatae | Origanum marum L. | | | ۳۳۹ |
| Labiatae | Origanum onitis L. | | | ۳۳۸ |
| Labiatae | Origanum sipyleum L. | | | ۳۳۷ |
| Labiatae | Origanum sp. | | Origanum | ۳۳۸، ۳۱۳، ۱۹۶، ۱۹۵ |
| Labiatae | Origanum vulgare L. | * | Common origanum; Wild marjoram | ۳۳۸، ۲۳۰، ۱۹۶ |
| Labiatae | Origanum vulgare var. megastachyum | | | ۳۳۸ |
| Labiatae | Rosmarinus officinalis L. | ** | Rosemary | ۶۰ |
| Labiatae | Salvia aethiopis L. | | Ethiopian sage-woolly clay | ۳۵۴ |
| Labiatae | Salvia cyanescens Boiss. | | | ۳۳۸ |
| Labiatae | Salvia horminum L. = Salvia viridis L. | * | | ۳۴۵، ۳۱۷، ۴۵ |
| Labiatae | Salvia officinalis L. | ** | Garden sage | ۳۳۸، ۲۶۸، ۱۵۶، ۶۰، ۴۸ |
| Labiatae | Satureia hortensis L. | | Summer savory | ۳۳۹، ۱۹۵ |
| Labiatae | Satureia thymbra L. | | | ۱۹۵ |
| Labiatae | Sideritis remota Urv. | | Ironwort | ۳۴۹ |
| Labiatae | Stachys betonica Benth. | | | ۳۴۷، ۲۳۹ |
| Labiatae | Stachys germanica L. | | Mouse-earbetony | ۳۴۳، ۳۱۶، ۲۹۵، ۱۷۱ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|-----------|-----------------------------------|---------|--|------------------------------|
| Labiatae | Stachys hirta L. | | | ۱۷۱ |
| Labiatae | Stachys lavandulaefolia Vahl. | | | ۲۷۸ |
| Labiatae | Stachys palaestina L. | | | ۳۴۳ |
| Labiatae | Stachys recta L. | | | ۳۴۹، ۱۸۰ |
| Labiatae | Stachys sp. | | Betony-woundwort | ۲۹۵، ۱۷۱ |
| Labiatae | Teucrium chamaedrys L. | | Chamaedoreas germander | ۳۴۳، ۳۱۵، ۲۶۰، ۱۸۷ |
| Labiatae | Teucrium flavum L. | | Cat thyme | ۳۴۲، ۳۱۵ |
| Labiatae | Teucrium marum L. | | | ۲۸۰، ۲۷۵ |
| Labiatae | Teucrium polium L. | | | ۳۴۳، ۳۱۶، ۱۰۴ |
| Labiatae | Teucrium sapinum L. | | | ۲۶۱ |
| Labiatae | Teucrium scordium L. | | Water germander | ۳۴۳، ۳۱۶، ۹۸، ۴۹ |
| Labiatae | Teucrium sp. | | Germander | ۲۰۴ |
| Labiatae | Thymbra spicata Stric. & Hort. | * | spiked thymbra | ۳۳۷ |
| Labiatae | Thymus barrelieri Spreng. | | | ۳۱۴، ۲۲۹ |
| Labiatae | Thymus calamintha Scop. | | | ۳۳۸، ۳۱۴، ۲۲۹ |
| Labiatae | Thymus capitatus L. | | | ۳۳۸، ۳۱۴ |
| Labiatae | Thymus capitatus Lk. & Hoffm. | | | ۹۹، ۱۱۰ |
| Labiatae | Thymus glaber Mill. | | | ۳۳۹، ۲۹۱، ۱۸۲ |
| Labiatae | Thymus graveolens Bieb. | | | ۳۳۸ |
| Labiatae | Thymus kotchyanus Boiss. | | | ۱۹۶ |
| Labiatae | Thymus nepeta Sm. | | | ۳۱۴، ۲۲۹ |
| Labiatae | Thymus nummularius Benth. | | | ۱۸۲ |
| Labiatae | Thymus serpyllum Frie. | | Mother-of- thyme | ۱۸۲ |
| Labiatae | Thymus serpyllum L. | | Serpolet; Wild Thyme | ۲۹۱، ۱۹۵ |
| Labiatae | Thymus sibthorpii Benth. | | | ۳۳۹ |
| Labiatae | Thymus vulgaris L. | | Common thyme | ۳۳۹، ۱۹۶، ۱۱۰ |
| Labiatae | Zizyphora capitata L. | ** | | ۳۴۲ |
| Labiatae | Ballota nigra L. | * | Black ballota ; Blak horehound | ۳۴۳، ۳۱۶، ۱۷۹، ۱۸۷، ۲۲۴ |
| Labiatae | Ballota pseudodictamnus Benth. | | Ballota | ۳۳۸ |
| Labiatae | Betonica alopecuroides L. | | | ۳۴۷ |
| Labiatae | Betonica officinalis L. | | Common betony | ۲۳۹ |
| Labiatae | Hyssopus officinalis L. | * | Hyssop | ۳۳۷، ۳۱۳، ۱۶۵ |
| Lauraceae | Cinnamomum camphora Nees. | | Camphor tree | ۲۴۸ |
| Lauraceae | Cinnamomum cassia Boiss. | | Cassia bark tree ; Chinese cinnamon | ۳۲۴، ۳۰۹، ۲۸۹، ۲۳۹، ۱۷۵، ۱۴۱ |
| Lauraceae | Cinnamomum citriadorum Th. | | | ۳۲۴، ۱۶۷ |
| Lauraceae | Cinnamomum iners Reinw. | | | ۳۲۴، ۱۷۵ |
| Lauraceae | Cinnamomum malabathrum Burm. | | | ۱۶۷ |
| Lauraceae | Cinnamomum obtusifolium Nees. | | | ۱۷۵ |
| Lauraceae | Cinnamomum tamala Nees. | | | ۱۶۷ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|-----------|---|---------|---|-------------------------|
| Lauraceae | Cinnamomum zeilanicum Nees. | ** | Ceylon cinnamon | ۳۲۴، ۳۰۹، ۲۳۹، ۲۳۸، ۱۴۱ |
| Lauraceae | Cinnamomum sp. | | Cinnamon | ۱۴۱ |
| Lauraceae | Laurus camphora L. | | | ۲۴۸، ۱۱۰ |
| Lauraceae | Laurus nobilis L. | ** | Grecian laurel; True bay | ۳۲۵، ۲۱۸، ۱۵۹، ۱۴۹، ۱۴۸ |
| Lemnaceae | Lemna minor L. | * | Common duckweed | ۳۵۳، ۲۰۱ |
| Lemnaceae | Lemna sp. | | Duckweed | ۳۵۳، ۲۰۷ |
| Lichen | Lichen | | | ۵۲ |
| Lichen | <i>Orseille tinctoria</i> = <i>Roccella tinctoria</i> DC. | | Dyer's Weed ; Orchella Weed ; Lichen Roccella | ۱۶۸ |
| Liliaceae | Allium ampeloprasum L. | * | Great round ; Headed garlic | ۳۳۳، ۳۱۲، ۲۵۳، ۲۵۲ |
| Liliaceae | Allium ascalonicum L. | * | Shallot | ۳۳۳، ۲۵۳، ۲۵۲، ۲۴۳ |
| Liliaceae | Allium carinatum L. | | Keeled onion | ۹۸ |
| Liliaceae | Allium cepa L. | * | Garden onion | ۳۳۳، ۲۵۳، ۸۱ |
| Liliaceae | Allium descendens L. | | | ۳۳۳ |
| Liliaceae | Allium dioscoridis Sibth. | | | ۳۳۹ |
| Liliaceae | Allium magicium L. | | | ۸۶ |
| Liliaceae | Allium moly L. | ** | Lily leek | ۳۳۹، ۳۱۴، ۸۶ |
| Liliaceae | Allium porrum L. | | Leek | ۳۳۳، ۲۵۲ |
| Liliaceae | Allium roseum L. | | | ۲۵۳ |
| Liliaceae | Allium sativum L. | * | Garlic | ۳۳۳، ۹۸ |
| Liliaceae | Allium scorodoprasum L. | | | ۳۳۳، ۳۱۲، ۲۵۲، ۹۹، ۹۸ |
| Liliaceae | Allium silvestrum | | | ۱۸۹، ۹۹، ۹۸ |
| Liliaceae | Allium subhirsutum L. | | | ۳۳۳ |
| Liliaceae | Allium ursinum L. | | Ramsons ; Bear's-garlic | ۲۵۲ |
| Liliaceae | Allium vineale L. | | Field garlic | ۲۵۲ |
| Liliaceae | Allium xiphopetalum Ait. | * | | ۱۸۹، ۹۹، ۹۸ |
| Liliaceae | Aloe aloexylon | | | ۶۱ |
| Liliaceae | Aloe scotrina | | Socotrine aloe | ۶۱ |
| Liliaceae | Aloe vera L. | * | True aloe | ۳۳۷، ۳۱۳، ۱۹۵، ۶۱ |
| Liliaceae | Aloe vulgaris Lam. | | Mediterranean aloe | ۳۳۷ |
| Liliaceae | Asphodelus damascenus Boiss. | | | ۵۱ |
| Liliaceae | Asphodelus microcarpus (L.) Swartz | | | ۱۳۸ |
| Liliaceae | Asphodelus ramosus L. | | | ۳۳۴، ۱۳۸ |
| Liliaceae | Asphodelus sp. | | | ۱۳۸ |
| Liliaceae | Bulbocodium vernum L. | | Vernal Bulbocodium, Medowe Saffron | ۱۶۲ |
| Liliaceae | Convallaria polygonatum L. | | | ۳۴۸ |
| Liliaceae | Convallaria rusticellata L. | | | ۳۵۳ |
| Liliaceae | Corchorus olitorius L. | * | | ۲۸۴ |
| Liliaceae | Fritillaria imperialis L. | | | ۵۹ |
| Liliaceae | Hemerocallis flava L. | | Lemon daylily | ۳۴۴، ۳۱۶، ۱۸۱، ۱۶۴ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--------------|---|---------|-----------------------------|---------------|
| Liliaceae | Hyacinthus comosus | | | ۳۳۴ |
| Liliaceae | Hyacinthus orientalis | ** | Common hyacinth | ۳۵۱، ۳۱۹ |
| Liliaceae | Lilium candidum L. | | Madonna lily | ۳۴۳، ۱۸۱ |
| Liliaceae | Lilium chalcidonicum L. | | Chalcedonian lily | ۳۴۴ |
| Liliaceae | Lilium sp. | | Lily | ۱۸۱، ۱۶۴ |
| Liliaceae | Muscari comosum Mill. | * | Feathered grape hyacinth | ۳۳۴، ۸۶ |
| Liliaceae | Muscari sp. | | Grape hyacinth | ۸۶ |
| Liliaceae | Nartheicum ossifragum Huds. | | | ۲۵۵ |
| Liliaceae | Nartheicum sp. | | Bog asphodel | ۲۵۵ |
| Liliaceae | Ornithogalum sp. | | Star-of-bethlehem | ۱۹۴، ۵۱ |
| Liliaceae | Ornithogalum stachyoides Host. | | | ۳۳۴، ۱۳۸ |
| Liliaceae | Ornithogalum umbellatum L. | * | Common star-of-bethlehem | ۳۳۲، ۵۱ |
| Liliaceae | Ruscus aculeatus L. | | Butcher's-broom | ۳۵۵، ۳۶ |
| Liliaceae | Ruscus hypoglossum | | | ۳۵۵ |
| Liliaceae | Ruscus hypophyllum | | | ۳۵۷، ۳۵۵ |
| Liliaceae | Ruscus racemosus L. | | | ۳۵۷ |
| Liliaceae | <i>Schoenocaulon officinale</i> A.Gray = <i>Veratrum officinale</i> Schl. & Cham = <i>Veratrum sabadilla</i> Retz | | Drug sabadilla ; sabadilla | ۲۶۱ |
| Liliaceae | <i>Scilla bifolia</i> L. = <i>Scilla autumnalis</i> L. | * | Twin-leaved squill | ۳۵۱ |
| Liliaceae | <i>Scilla maritima</i> L. | | | ۳۳۴، ۳۱۲، ۴۹ |
| Liliaceae | <i>Scilla pancratiuon</i> Nym. | | | |
| Liliaceae | <i>Scilla</i> sp. | | Squill | ۲۱۵ |
| Liliaceae | <i>Tulipa gesneriana</i> L. | | | ۱۳۵ |
| Liliaceae | <i>Urginea maritima</i> Bak. | * | Shore sea onion | ۴۹ |
| Liliaceae | <i>Veratrum album</i> L. | | White Hellebore | ۳۵۵، ۲۶۳، ۱۳۰ |
| Liliaceae | <i>Veratrum nigrum</i> L. | | Black false hellebore | ۱۳۰ |
| Linaceae | <i>Linum</i> sp. | | Flax | ۲۵۱ |
| Linaceae | <i>Linum usitatissimum</i> L. | * | Fiber flax ; Common flax | ۳۲۹، ۲۵۱ |
| Loganiaceae | <i>Strychnos nux-vomica</i> L. | | Poison Nut; Semen strychnos | ۱۲۸، ۱۰۸، ۴۲ |
| Loranthaceae | <i>Loranthus curopeus</i> Jack. | | | ۲۱۶ |
| Loranthaceae | <i>Loranthus europaeus</i> L. | * | Continental mistletoe | ۱۶۷، ۱۴۳، ۸۸ |
| Loranthaceae | <i>Loranthus globiferus</i> A.Rich. | | | ۱۳۱ |
| Loranthaceae | <i>Loranthus</i> sp. | | Loranth | ۲۱۶ |
| Loranthaceae | <i>Viscum album</i> L. | * | European mistletoe | ۳۴۲، ۲۱۶، ۱۴۳ |
| Lythraceae | <i>Lawsonia alba</i> Lam. | | | ۳۲۶، ۱۲۵ |
| Lythraceae | <i>Lawsonia inermis</i> L. | * | Henna | ۱۲۵ |
| Lythraceae | <i>Lawsonia</i> sp. | | Henna bush | ۱۲۵ |
| Lythraceae | <i>Lythrum salicaria</i> L. | * | Purple lythrum | ۳۴۷ |
| Malvaceae | <i>Abelmoschus esculentus</i> (L.) | ** | Akar; Gumbo | ۷۴ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|-----------------|--|---------|---------------------------------|--|
| | <i>Moench = Hibiscus esculentus L.</i> | | | |
| Malvaceae | <i>Alcea rosea L.</i> | ** | | ۳۳۱ |
| Malvaceae | <i>Althaea cannabina L.</i> | * | | ۳۴۶، ۳۱۸، ۱۱۲ |
| Malvaceae | <i>Althaea ficifolia R.Br.</i> | | | ۱۳۶ |
| Malvaceae | <i>Althaea officinalis L.</i> | * | Hollyhock | ۳۴۶، ۳۱۷، ۲۹۷، ۱۳۶ |
| Malvaceae | <i>Althaea rosea Cavan.</i> | | | ۳۴۶، ۳۱۷، ۲۹۵، ۱۳۶ |
| Malvaceae | <i>Althaea sp.</i> | | Althaea | ۱۲۹ |
| Malvaceae | <i>Gossypium herbaceum L.</i> | | Levant cotton | ۲۴۲ |
| Malvaceae | <i>Gossypium sp.</i> | | Cotton | ۲۴۲ |
| Malvaceae | <i>Hibiscus esculentus L.</i> | ** | Okra-gubo | ۸۴، ۷۴ |
| Malvaceae | <i>Hibiscus mutabilis L.</i> | ** | Cotton-rose- changeable rose | ۷۴ |
| Malvaceae | <i>Hibiscus rosa-sinensis L.</i> | ** | Chinese hibiscus | ۱۰۱ |
| Malvaceae | <i>Hibiscus tortuosus Roub.</i> | | | ۷۴ |
| Malvaceae | <i>Malva alcea L.</i> | | Hollyhock mallow | ۳۴۶ |
| Malvaceae | <i>Malva parviflora L.</i> | * | | ۱۲۹ |
| Malvaceae | <i>Malva rotundifolia Diss.</i> | * | | ۳۳۰، ۲۸۴، ۱۲۹، ۸۵ |
| Malvaceae | <i>Malva sp.</i> | | | ۱۲۹ |
| Malvaceae | <i>Malva sylvestris L.</i> | * | High mallow; Wild mallow | ۳۳۰، ۲۸۴، ۱۲۹ |
| Melastomaceae | <i>Melastoma sp.</i> | | Melastoma family | ۱۶۷ |
| Melastomataceae | <i>Memecylon edule Rox.</i> | | Iron wood tree | ۲۹۵ |
| Melastomataceae | <i>Memecylon tinctoria Wil.</i> | | | ۲۹۵ |
| Melastomataceae | <i>Memecylon tinctorium L.</i> | | | ۵۳ |
| Meliaceae | <i>Azadirachta indica Juss . = Melia Azadirachta L.</i> | ** | Margosa; Neem | ۳۵ |
| Meliaceae | <i>Melia azadarach L.</i> | * | Margosa | ۳۵ |
| Meliaceae | <i>Trichilia emetica Wahl.</i> | | | ۱۵۷، ۱۱۰، ۱۰۸ |
| Menispermaceae | <i>Anamirta paniculata Colebr . = Cocculus indicus Royle</i> | | Indicus Cocculus | ۲۷۷ |
| Menispermaceae | <i>Menispermum cocculus L.</i> | | | ۲۷۷ |
| Mimosaceae | <i>Albizzia lebbek Bth.</i> | * | Lebbek tree ; Siris tree | ۲۶۶، ۷۶ |
| Mimosaceae | <i>Acacia arabica Willd . = Acacia nilotica Del.</i> | * | Babulacacia | ۱۹۱، ۱۷۴، ۱۳۲، ۸۲، ۶۲، ۵۲ ۳۲۷، ۳۱۰، ۲۳۹ |
| Mimosaceae | <i>Acacia ehrenbergiana Hayne.</i> | * | | ۱۷۴ |
| Mimosaceae | <i>Acacia flava Forsk.</i> | | | ۱۷۴ |
| Mimosaceae | <i>Acacia mellifera Boiss.</i> | | | ۱۷۶ |
| Mimosaceae | <i>Acacia nilotica Del.</i> | | Gum arabic tree | ۱۹۱ |
| Mimosaceae | <i>Acacia oerfota (Forsk.) Sch.</i> | * | | ۲۸۳، ۲۰۸ |
| Mimosaceae | <i>Acacia senegal Willd.</i> | | | ۲۳۳ |
| Mimosaceae | <i>Acacia senegalensis</i> | | | ۲۳۳ |
| Mimosaceae | <i>Acacia spirocarpa Hook.</i> | | | ۱۷۶ |
| Mimosaceae | <i>Acacia vera Willd.</i> | | | ۳۲۷، ۱۹۱ |
| Mimosaceae | <i>Mimosa arabica Lam.</i> | | | ۲۳۷ |
| Mimosaceae | <i>Mimosa nilotica L.</i> | | | ۲۳۷، ۲۳۷، ۱۹۱ |
| Mimosaceae | <i>Mimosa oerfota Fork.</i> | | | ۲۰۸ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--------------|---|---------|---------------------------|------------------------|
| Moraceae | <i>Ficus carica</i> L. | * | Common fig | ۳۲۹، ۹۷، ۹۶ |
| Moraceae | <i>Ficus laccifera</i> Roxb. | ** | | ۲۷۱ |
| Moraceae | <i>Ficus palmata</i> Forsk. | * | | ۹۶ |
| Moraceae | <i>Ficus</i> sp. | | Fig | ۹۶ |
| Moraceae | <i>Ficus sycomorus</i> L. | | Sycomore | ۳۲۹، ۳۱۱، ۱۰۵، ۶۶ |
| Moraceae | <i>Morus acedosa</i> Cr. | | | ۹۶ |
| Moraceae | <i>Morus alba</i> L. | * | White mustard | ۳۲۹، ۳۱۱، ۹۶، ۹۵ |
| Moraceae | <i>Morus indica</i> L. | | | ۹۶ |
| Moraceae | <i>Morus nigra</i> L. | * | Black mixed | ۳۲۹، ۹۶، ۹۵ |
| Moraceae | <i>Morus</i> sp. | | Mulberry | ۹۵ |
| Moringaceae | <i>Moringa aptera</i> Gaertn. | | | ۱۱۱ |
| Moringaceae | <i>Moringa arabica</i> Pers. | | | ۱۱۵ |
| Moringaceae | <i>Moringa pterygosperma</i> Gaertn. | | | ۱۱۱ |
| Musaceae | <i>Musa paradisiaca</i> L. | * | | ۲۸۵، ۲۰۳ |
| Musaceae | <i>Musa sepientum</i> L. | * | Banana tree | ۲۸۵، ۲۰۳ |
| Musaceae | <i>Musa</i> sp. | | Banana | ۲۸۵ |
| Myricaceae | <i>Myrica sapida</i> Wall. = <i>Myrica nagi</i> Thunb | | Box myrtle | ۱۴۱ |
| Myristaceae | <i>Myristica aromatica</i> Lam. | | | ۱۰۷ |
| Myristaceae | <i>Myristica fragrans</i> Houtt. | | Common nutmeg | ۳۲۶، ۲۰۰، ۱۴۲، ۱۰۷، ۷۸ |
| Myrsinaceae | <i>Aegiceras</i> sp. | | | ۳۳ |
| Myrtaceae | <i>Balaustion</i> sp. | | | ۱۵۸ |
| Myrtaceae | <i>Eugenia aromatica</i> Baill. | | | ۲۳۸ |
| Myrtaceae | <i>Eugenia caryophyllata</i> Thunb. | ** | Clover tree | ۲۳۸ |
| Myrtaceae | <i>Myrtus communis</i> L. | * | Turemyrtle | ۳۲۸، ۳۶ |
| Myrtaceae | <i>Myrtus</i> sp. | . | Mangel | ۳۶ |
| Myrtaceae | <i>Psidium guajava</i> L. | ** | Common guava | ۶۲ |
| Myrtaceae | <i>Syzygium aromaticus</i> (L.) Merr. = <i>Eugenia caryophyllata</i> Thunb = <i>E. aromatica</i> Kuntze. = <i>Caryophyllus aromaticus</i> Linn. | | Clove tree | ۲۳۸ |
| Nymphaeaceae | <i>Nelmbium nuciferum</i> Gaer. | * | Hindu lotus | ۶۸ |
| Nymphaeaceae | <i>Nelmbium speciosum</i> L. = <i>Nelmbium nuciferum</i> Gaertn. | ** | Chinese water lily | ۶۸ |
| Nymphaeaceae | <i>Nelumbium speciosum</i> Willd. | | | ۳۳۰ |
| Nymphaeaceae | <i>Nuphar alba</i> L. | * | | ۲۹۳ |
| Nymphaeaceae | <i>Nuphar luteum</i> L. | * | European cow lily | ۳۴۵، ۲۹۳ |
| Nymphaeaceae | <i>Nymphaea alba</i> L. | * | White water lily | ۳۴۵، ۳۱۷، ۲۹۳، ۸۰ |
| Nymphaeaceae | <i>Nymphaea coerulea</i> L. | | Yellow mexican water lily | ۲۹۳ |
| Nymphaeaceae | <i>Nymphaea flava</i> Leitner | | | ۲۹۳ |
| Nymphaeaceae | <i>Nymphaea indica</i> ? | | | ۲۹۳، ۶۸ |
| Nymphaeaceae | <i>Nymphaea lotus</i> L. | | White Egyptian lotus | ۳۵۴، ۲۹۳، ۲۸۶، ۲۷۲، ۸۰ |
| Nymphaeaceae | <i>Nymphaea lutea</i> L. | * | | ۲۹۳ |
| Nymphaeaceae | <i>Nymphaea nelumbo</i> L. | | European cow lily | ۳۳۰، ۷۳ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---------------|---|---------|--|-------------------------|
| Nymphaeaceae | Nymphaea sp. | | Water lily | ۲۹۳ |
| Nymphaeaceae | Nymphaea stellata Willd. | | | ۳۰۴ |
| Ochnaceae | Ochna sp. | | Ochna | ۱۱۷ |
| Oleaceae | <i>Mogorium sambac</i> Lam. = <i>Jasminum</i> L. | | | ۲۲۷ |
| Oleaceae | Fraxinus excelsior L. | | European ash | ۳۲۶، ۲۷۸، ۲۶۹ |
| Oleaceae | Fraxinus sp. | | Ash | ۲۷۸ |
| Oleaceae | Jasminum gradiflorum L. | ** | Catalonian jasmine-spanish jasmine | ۲۹۹ |
| Oleaceae | Jasminum officinale L. | ** | Common jasmine | ۲۹۹ |
| Oleaceae | Jasminum sambac (L.) Ait. | ** | Arabian jasmine | ۲۹۹، ۲۲۷ |
| Oleaceae | Jasminum sp. | | Jasmine | ۲۹۹ |
| Oleaceae | Olea europaea L. | * | Common olive | ۱۶۶ |
| Oleaceae | Olea oleaster L. | | | ۳۲۷، ۲۰۶، ۱۶۶ |
| Oleaceae | Phillyrea latifolia L. | | Tree phillyrea | ۳۲۷، ۳۱۰، ۲۰۶، ۱۶۶، ۱۱۲ |
| Oleaceae | Syringa sp. | | Lilac | ۲۹۲ |
| Onagraceae | Circaea lutetiana L. | * | Paris circaea | ۲۱۰ |
| Onagraceae | Circaea sp. | | Enchanter's nightshade | ۳۴۴، ۳۱۶، ۲۱۰ |
| Onagraceae | Oenothera biennis L. | | evening primrose, fever plant, night willow-herb, scabish, scurvish, tree primrose | ۳۰۴ |
| Orchidaceae | <i>Aceras anthropophora</i> Steud. = <i>Orchis anthropophora</i> (L.) Allioni | | Man Orchid | ۱۳۰ |
| Orchidaceae | Ophioxylon serpentium L. | | | ۲۱۶ |
| Orchidaceae | Ophrys apifera Huds. | * | Bee orchid | ۳۴۰ |
| Orchidaceae | Ophrys sp. | | | ۳۴۰ |
| Orchidaceae | Orchis anthropophora L. | | | ۳۴۰، ۱۳۰ |
| Orchidaceae | Orchis hircina Griseb. | | | ۱۳۶، ۱۳۰، ۹۰ |
| Orchidaceae | Orchis morio L. | | | ۳۴۴، ۳۱۶، ۹۰، ۸۹ |
| Orchidaceae | Orchis rubra Jacq. | | | ۳۴۴ |
| Orchidaceae | Orchis sp. | | Orchid; Orchis | ۱۳۰، ۹۰، ۸۹ |
| Orchidaceae | Orchis undulatifolia L. | | | ۳۴۰، ۳۱۶ |
| Orchidaceae | Serapias lingua L. | | | ۳۴۶، ۲۷۱ |
| Orobanchaceae | Orobanche aegyptiaca Pers. | * | | ۶۸ |
| Orobanchaceae | <i>Orobanche caryophyllacea</i> SM. = <i>Orobanch vulgaris</i> Poir. | * | Clove-scented broomrape | ۳۳۲، ۳۱۱، ۲۰۱ |
| Orobanchaceae | Orobanche sp. | | Broomrape | ۶۸، ۴۷ |
| Orobanchaceae | <i>Phelypaea coccinea</i> Poir. = <i>Anoplon coccineum</i> (M.B.) H.Riedl | | | ۲۷۱ |
| Orobanchaceae | Phelypaea egyptiaca Walp. | | | ۲۰۱ |
| Osmundaceae | Osmunda cinnamomea L. | | | ۱۶۹ |
| Osmundaceae | Osmunda regalis L. | | Royal fern | ۱۶۹ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---------------|--|---------|--------------------------------------|-------------------------|
| Oxalidaceae | Oxalis acetosella L. | * | Wood-sorrel; oxalis | ۱۳ |
| Oxalidaceae | Oxalis corniculata L. | * | Creeping oxalis | ۱۲۵ |
| Oxalidaceae | Oxalis sp. | | Oxalis ; Wood sorrel | ۱۲۳ |
| Paoniaceae | Paonia corallina L. | | Coral peony | ۳۴۶، ۲۲۳ |
| Paoniaceae | Paonia corallina Ret. | | | ۲۹۵ |
| Paoniaceae | Paonia officinalis L. | | Common peony | ۲۹۵ |
| Paoniaceae | Paonia officinalis Retz. | | | ۳۴۶، ۲۲۳ |
| Paoniaceae | Paonia wittmanniana Hart. | * | | ۲۹۵ |
| Palmaceae | Phoenix dactylifera L. | * | Date; Plum persimmon | ۳۲۸، ۳۱۰، ۹۵ |
| Palmaeae | Cocos nucifera L. | ** | Coconut palm | ۲۸۷، ۲۸۹ |
| Pandalidae | Hetrocarpus santalinus L. | | | |
| Pandanaceae | Pandanus sp. | | Screw pine pandnus | ۲۴۸، ۴۵ |
| Paoilionaceae | Psoralea bituminosa L. | | | ۳۴۳، ۲۰۳ |
| Papaveraceae | Argemone sp. | | Prickly poppy | ۴۴ |
| Papaveraceae | Chelidonium carniculatum L. | | | ۲۷۶ |
| Papaveraceae | Chelidonium dodecandrum Forsk. | | | ۱۶۱ |
| Papaveraceae | Chelidonium majus L. | * | Greater celandine | ۳۳۵، ۳۱۳، ۲۷۶، ۲۰۹، ۱۲۷ |
| Papaveraceae | Glaucium corniculatum Curt. | * | Black-spot horn poppy; red celandine | ۳۵۱، ۳۴۲، ۲۷۶، ۱۳۴ |
| Papaveraceae | Glaucium flavum Crantz. | * | Yellow horn poppy ; sea celandine | ۱۳۵ |
| Papaveraceae | Glaucium luteum Scop. | | | ۳۵۱ |
| Papaveraceae | Glaucium sp. | | Horn poppy | ۲۷۶ |
| Papaveraceae | Hypecoum procumbens L. | ** | | ۵۶ |
| Papaveraceae | Papaver argemone L. | * | Fall daffodil | ۴۴ |
| Papaveraceae | Papaver rhoeas L. | * | Corn poppy ; Field poppy | ۳۵۱، ۲۸۸، ۱۹۰، ۱۳۴ |
| Papaveraceae | Papaver somniferum L. | * | Opium poppy | ۳۵۱، ۱۵۸، ۱۳۵، ۱۳۴ |
| Papaveraceae | Papaver sp. | | Poppy | ۱۳۴ |
| Papaveraceae | <i>Romeria dodecandra Stapl . = Romeria hybrida (L.)DC.</i> | * | Violt horned poppy | ۱۶۱ |
| Papilionaceae | Alhagi camelorum Fisch. | | Camel's-thorn | ۳۳۱ |
| Papilionaceae | Alhagi mannifera Desv. | | | ۲۰۶، ۱۱۰ |
| Papilionaceae | <i>Alhagi maurorum Tourn. = Alhagi pseudalhagi (M.B.)Desf.</i> | | | ۲۰۶، ۱۱۰ |
| Papilionaceae | Aloexylon agallocha Roxb. | | Aloe Wood | ۲۱۶ |
| Papilionaceae | Aloexylon agallochum Lou. | | Aloe Wood | ۳۲۵ |
| Papilionaceae | Anagyris foetida L. | * | Mediterranean stinkbush | ۳۴۶، ۳۱۸، ۳۰۱، ۶۳، ۶۲ |
| Papilionaceae | Anagyris sp. | | | ۳۰۱ |
| Papilionaceae | Astragalus annulairis FORSSK. | * | | ۱۱۴ |
| Papilionaceae | Astragalus aristatus L. | | | ۳۳۷ |
| Papilionaceae | Astragalus arnacantha M. | | | ۲۹۲، ۲۳۳ |
| Papilionaceae | Astragalus boeticus L. | * | Swedish coffe | ۳۵۱ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---------------|--|---------|-------------------------------|--------------------|
| Papilionaceae | <i>Astragalus creticus</i> Lam. | | | ۳۳۶ |
| Papilionaceae | <i>Astragalus fasciculaeifolius</i> Boiss. | * | | ۶۶ |
| Papilionaceae | <i>Astragalus glaux</i> L. | | Tragacanth milk vetch | ۳۵۵ |
| Papilionaceae | <i>Astragalus gummifera</i> Lab. | | | ۲۵۱، ۲۳۳، ۱۵۵ |
| Papilionaceae | <i>Astragalus hamosus</i> L. | * | | ۵۹ |
| Papilionaceae | <i>Astragalus poterium</i> L. | | | ۳۳۶، ۳۱۳، ۲۳۳ |
| Papilionaceae | <i>Astragalus sarcocolla</i> Dym. | | | ۶۶ |
| Papilionaceae | <i>Astragalus sarcocolla</i> L. | | | ۳۴۲، ۳۱۵ |
| Papilionaceae | <i>Astragalus sesameus</i> L. | * | | ۴۸۳، ۴۷ |
| Papilionaceae | <i>Astragalus</i> sp. | | | ۳۵۵، ۳۵۱، ۳۱۹ |
| Papilionaceae | <i>Astragalus tragacantha</i> L. | | | ۳۳۷، ۳۱۳، ۲۵۱، ۲۳۳ |
| Papilionaceae | <i>Bonaveria securidaca</i> Desv. = <i>Coronilla securidaca</i> L. = <i>Securigera coronilla</i> DC. = <i>Securigera securidaca</i> (L.) Degen & Doerfler | | | ۶۹ |
| Papilionaceae | <i>Calycotom spinosa</i> Lk. = <i>Calycotome spinosa</i> (L.) Link. | | ginestra spinosa | ۳۲۴، ۱۴۱ |
| Papilionaceae | <i>Cicer arietinum</i> L. | * | Chick-pea ; Gram chick-pea | ۳۳۰، ۱۲۴ |
| Papilionaceae | <i>Cladrastis</i> sp. = <i>Cladrastis lutea</i> = <i>Cladrastis kentukea</i> | | Yellowwood | ۱۳۶ |
| Papilionaceae | <i>Clitoria ternatea</i> L. | | Butterfly Pea | ۲۷۵ |
| Papilionaceae | <i>Crotalaria juncea</i> L.Q | | Sunn crotalaria; Sunn hemp | ۱۷۷ |
| Papilionaceae | <i>Crotalaria retusa</i> L. | ** | | ۲۴۴، ۱۵۸ |
| Papilionaceae | <i>Cytisus hypocistis</i> L. | | | ۲۹۹، ۲۶۷، ۲۶۵ |
| Papilionaceae | <i>Cytisus lanigerus</i> DC. | | | ۳۲۴ |
| Papilionaceae | <i>Cytisus scoparius</i> Br. | | Scotch cotton thistle | ۱۵۴ |
| Papilionaceae | <i>Cytisus spinosus</i> Lam. | | | ۱۴۱ |
| Papilionaceae | <i>Dalbergia lanceolaria</i> L. | | | ۷۴ |
| Papilionaceae | <i>Dalbergia melanoxylon</i> G.D.R. | | African blackwood | ۳۳ |
| Papilionaceae | <i>Dalbergia volubilis</i> Roxb. | | | ۷۴، ۳۷ |
| Papilionaceae | <i>Dolichos biflorus</i> L. | | | ۲۵۹، ۱۱۲ |
| Papilionaceae | <i>Dolichos lablab</i> L. | | Hyacinth dolchos | ۲۶۷ |
| Papilionaceae | <i>Dolichos lubia</i> Forsk | | | ۳۳۳، ۳۱۲، ۲۷۱ |
| Papilionaceae | <i>Dolichos</i> sp. | | Dolichos | ۱۱۱ |
| Papilionaceae | <i>Dolichos uniflorus</i> L. | | | ۱۱۲ |
| Papilionaceae | <i>Dorycnium</i> L. | | | ۱۴۴، ۳۵۲، ۳۱۹، |
| Papilionaceae | <i>Ebenoxylon verum</i> Lour | | | ۳۲۷ |
| Papilionaceae | <i>Ebenus cretica</i> L. | | | ۶۴ |
| Papilionaceae | <i>Ebenus</i> L. | | | ۳۲۷، ۳۱۰، ۳۳ |
| Papilionaceae | Ebonytree (E) = <i>Dalbergia</i> sp. | | | ۳۳ |
| Papilionaceae | <i>Ervum ervillia</i> L. | | | ۳۳۰، ۲۵۴، ۲۵۳ |
| Papilionaceae | <i>Ervum lens</i> L. = <i>Lens culinaris</i> Medik. subsp. <i>Culinaris</i> | | Lentil; Cultivated lentil | ۳۳۰ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---------------|---|---------|-----------------------------------|--------------------|
| Papilionaceae | <i>Faba vulgaris</i> Monch. | | Broad bean | ۷۳ |
| Papilionaceae | <i>Flemmigia rhodocarp</i> Bak. | | | ۲۹۵ |
| Papilionaceae | <i>Genista acathoclada</i> DC. | | | ۳۲۴ |
| Papilionaceae | <i>Glossostemon bruguieri</i> DC. | | Sahlab | ۲۸۳ |
| Papilionaceae | <i>Glossostemon</i> sp. | | | ۲۸۳ |
| Papilionaceae | <i>Glycyrrhiza glabra</i> L. | * | Japan clover common lespedeza | ۳۳۶، ۳۱۳، ۱۸۰ |
| Papilionaceae | <i>Guilandina boneculia</i> Flem. | | | ۱۵۵ |
| Papilionaceae | <i>Hedysarum</i> sp. | | Sweet vetch-frenh honesuckle | ۳۴۵، ۳۱۷، ۲۰۷، ۶۶ |
| Papilionaceae | <i>Indigofera</i> sp. | | Indigo | ۲۹۲ |
| Papilionaceae | <i>Indigofera tinctoria</i> L. | ** | True lavender | ۲۹۲، ۲۱۱ |
| Papilionaceae | <i>Laburnum vulgare</i> Bercht. & Prsl. | | | ۳۵۴ |
| Papilionaceae | <i>Lathyrus aphaca</i> Tourn. & L. | * | Yellow vethling; Tare | ۳۳۳ |
| Papilionaceae | <i>Lathyrus sativus</i> L. | * | Grass pea vin | ۱۰۴، ۱۳۷ |
| Papilionaceae | <i>Lathyrus</i> sp. | | Pea vine | ۱۳۷، ۱۰۴ |
| Papilionaceae | <i>Lens culinaris Medic . = Lens esculenta</i> Monch. | * | Common lentil | ۲۰۷ |
| Papilionaceae | <i>Lens esculenta</i> Monch. | * | | ۳۳۰، ۲۰۷ |
| Papilionaceae | <i>Lotus ornithopodioides</i> L. | | | ۲۱۶ |
| Papilionaceae | <i>Lotus</i> sp. | | Deervetch; Bird's-foot trefoil | ۳۵۴، ۳۲۰، ۲۷۲ |
| Papilionaceae | <i>Lupinus albus</i> L. | | White lupine | ۹۳ |
| Papilionaceae | <i>Lupinus angustifolius</i> L.. | | Blue lupine | ۳۳۰، ۹۳ |
| Papilionaceae | <i>Lupinus pilosus</i> Murr. | | | ۳۳۰ |
| Papilionaceae | <i>Lupinus</i> sp. | | Lupine | ۹۳ |
| Papilionaceae | <i>Lupinus termis</i> Forsk. | | | ۳۳۰، ۳۱۱، ۹۳ |
| Papilionaceae | <i>Medicago arborea</i> Mill. | | Tree medic; Tree alfalfa | ۲۴۰ |
| Papilionaceae | <i>Medicago ciliaris</i> Hook. | ** | | ۲۹۱ |
| Papilionaceae | <i>Medicago hispida</i> Gaertn. | | Califonia bur clover | ۲۹۱ |
| Papilionaceae | <i>Medicago intertexta</i> L. | * | Horns and hedgehog | ۲۹۱ |
| Papilionaceae | <i>Medicago littoralis</i> Rhod. | | | ۲۹۱ |
| Papilionaceae | <i>Medicago sativa</i> L. | * | Alfalfa | ۳۳۲، ۳۱۲، ۲۹۱، ۱۵۶ |
| Papilionaceae | <i>Medicago</i> sp. | | Medic | ۲۴۱ |
| Papilionaceae | <i>Melilotus officinalis</i> Lam. | * | Yellow sweet clover | ۳۳۹، ۳۱۴، ۵۹، ۳۹ |
| Papilionaceae | <i>Melilotus parviflora</i> | | | ۲۳۶ |
| Papilionaceae | <i>Melilotus</i> sp. | | Sweet clover melilot | ۱۲۶ |
| Papilionaceae | <i>Onobrychis viciaefolia</i> Scop . = <i>Onobrychis altissima</i> Grossh. | | Common sainfoin | ۳۳۴، ۳۱۸ |
| Papilionaceae | <i>Ononis antiquorum</i> L. | | | ۳۳۷، ۱۹۸، ۱۸۴ |
| Papilionaceae | <i>Ononis antiquorum</i> L. = <i>Ononis spinosa</i> subsp. <i>Antiquorum</i> | | Balomaga | ۳۳۷، ۳۱۳ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---------------|--|---------|------------------------------------|--------------|
| Papilionaceae | Phaseolus communis Paritz. | | | ۲۷۱ |
| Papilionaceae | Phaseolus max L. | | | ۲۷۶ |
| Papilionaceae | Phaseolus mrabatus L. | | | ۲۷۶ |
| Papilionaceae | Phaseolus mungo L. | | Mungo bean; Black gram | ۲۷۵ |
| Papilionaceae | Phaseolus radiatus L. | ** | | ۲۷۵ |
| Papilionaceae | Phaseolus vulgaris L. | * | Kidney bean | ۲۷۱ |
| Papilionaceae | Pisum sativum L. | * | Garden pea | ۱۳۷، ۱۰۴، ۷۹ |
| Papilionaceae | Pterocarpus santalinus L. | | Sandlwood padauk; Lal - Chandan | ۱۹۶ |
| Papilionaceae | Retama sp. | | Retama | ۱۵۵ |
| Papilionaceae | Scorpiurus sp. | | Scorpoin's-tail; Caterpillar plant | ۱۵۱ |
| Papilionaceae | <i>Securigera coronilla</i> DC . = <i>Securigera securidaca</i> (L.) DE. & DO. | * | Hatchet vetch | ۳۴۵، ۷۰ |
| Papilionaceae | <i>Securigera securidaca</i> (L.) DE. & DO. | * | | ۳۴۵، ۷۰ |
| Papilionaceae | <i>Sesbania aegyptiaca</i> Poir. | | Peabush | ۱۸۲ |
| Papilionaceae | <i>Sesbania</i> sp. | | <i>Sesbania</i> | ۱۸۲ |
| Papilionaceae | <i>Sophora mollis</i> Gr. | * | Himalayan laburnum | ۴۴ |
| Papilionaceae | <i>Sophora</i> sp. | | Pagoda tree | ۱۹۶ |
| Papilionaceae | <i>Spartium junceum</i> L. | | Weaver's-broom; Spanish broom | ۳۵۵، ۷۵ |
| Papilionaceae | <i>Spartium spinosum</i> L. | | | ۱۴۱ |
| Papilionaceae | <i>Trifolium alexandrinum</i> L. | | | ۲۳۶، ۱۵۶ |
| Papilionaceae | <i>Trifolium arvense</i> L. | | Rabbit-foot clover; Hare's-foot | ۳۴۸، ۲۶۵ |
| Papilionaceae | <i>Trifolium fragiferum</i> L. | | Strawberry clover | ۳۹ |
| Papilionaceae | <i>Trifolium italicum</i> Boiss. | | | ۳۳۹ |
| Papilionaceae | <i>Trifolium melilotus-indica</i> L. | | | ۲۹۱ |
| Papilionaceae | <i>Trifolium officinalis</i> Willd. | | | ۳۳۹ |
| Papilionaceae | <i>Trifolium pratense</i> L. | | Red clover | ۱۵۶ |
| Papilionaceae | <i>Trifolium sipyleum</i> | | | ۳۳۹ |
| Papilionaceae | <i>Trifolium</i> sp. | | Clover | ۲۹۱، ۲۰۳ |
| Papilionaceae | <i>Trigonella coerulea</i> Ser. | | Blue-white trigonella | ۲۸۶، ۱۲۶ |
| Papilionaceae | <i>Trigonella corniculata</i> L. | | | ۱۵۰ |
| Papilionaceae | <i>Trigonella elatior</i> Sybth. | | | ۲۸۶ |
| Papilionaceae | <i>Trigonella foenum-graecum</i> L. | | Fenugreek trigonella; Fenugreek | ۳۲۹، ۱۲۱ |
| Papilionaceae | <i>Trigonella graeca</i> Boiss. | | | ۳۳۹ |
| Papilionaceae | <i>Trigonella grandiflora</i> Bunge. | | | ۱۲۱، ۵۹ |
| Papilionaceae | <i>Trigonella hamosa</i> L. | | | ۱۲۷، ۱۲۶، ۳۹ |
| Papilionaceae | <i>Trigonella laciniata</i> L. | | | ۱۵۰ |
| Papilionaceae | <i>Trigonella</i> sp. | | <i>Trigonella</i> | ۱۲۱ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|----------------|--|---------|---|------------------------|
| Papilionaceae | <i>Tripteris vaillantii</i> L. | | | ۲۷۸ |
| Papilionaceae | <i>Vicia cracca</i> L. | * | Brid vetch; Cow vetch | ۳۳۳، ۹۲ |
| Papilionaceae | <i>Vicia ervillia</i> Willd. | * | Bitter vetch | ۳۳۰، ۲۷۶، ۲۵۴، ۲۵۳ |
| Papilionaceae | <i>Vicia faba</i> L. | * | Broad bean | ۳۳۰، ۷۳ |
| Papilionaceae | <i>Vicia onobrachoides</i> L. | | | ۳۴۷ |
| Papilionaceae | <i>Vicia sativa</i> L. | * | Common vetch | ۲۷۶، ۹۷، ۹۲ |
| Papilionaceae | <i>Vigna catjang</i> Walp | | Catjang cowpea | ۲۷۱ |
| Papilionaceae | <i>Vigna sinensis</i> Endl. | | Common cowpea | ۲۷۶ |
| Papilionaceae | <i>Virgilia</i> sp. | | Ax plant | ۱۳۶ |
| Pedaliaceae | <i>Sesamum indicum</i> L. | * | Oriental sesame | ۳۲۹، ۳۱۱، ۱۷۶ |
| Pedaliaceae | <i>Sesamum oleiferum</i> Moench | | | ۱۷۶ |
| Pedaliaceae | <i>Sesamum orientale</i> L. = <i>Sesamum indicum</i> L. | * | | ۱۷۶ |
| Penaeaceae | <i>Penaea mucronata</i> L. | | | ۶۶ |
| Penaeaceae | <i>Penaea</i> sp. | | | ۳۴۲ |
| Periplocaceae | <i>Periploca</i> sp. | | Silk vine | ۸۶ |
| Phalangida | <i>Phalangium ramosum</i> Lam. | | | ۳۴۳، ۳۱۶، ۲۲۳ |
| Pinaceae | <i>Cedrus deodara</i> Loud. | ** | Deodar cedar | ۱۴۹ |
| Pinaceae | <i>Cedrus libani</i> Barrel. | ** | Cedar Lebanon | ۳۲۶، ۳۰۹، ۲۳۴، ۴۴ |
| Pinaceae | <i>Cedrus libani</i> Loud. | ** | | ۱۴۹ |
| Pinaceae | <i>Picea excelsa</i> Link. | | Norway spruce | ۳۲۵، ۳۰۹، ۱۹۷، ۴۴ |
| Pinaceae | <i>Pinus cembra</i> L. | | Swiss stone pine | ۱۹۷ |
| Pinaceae | <i>Pinus eldarica</i> Medew. | | | ۱۹۷ |
| Pinaceae | <i>Pinus halepensis</i> Mill. | * | Aleppo pine | ۳۵۶، ۱۹۷، ۴۴ |
| Pinaceae | <i>Pinus maritima</i> Lam. | | | ۱۹۷ |
| Pinaceae | <i>Pinus nigra</i> L. | ** | Austrian pine | ۱۹۷ |
| Pinaceae | <i>Pinus orientalis</i> Link. | | | ۱۹۷ |
| Pinaceae | <i>Pinus pinea</i> L. | * | Italian stone pine | ۳۲۵، ۳۰۹، ۱۹۷ |
| Pinaceae | <i>Pinus</i> sp. | | Pine | ۱۹۷ |
| Pinaceae | <i>Pinus sylvestris</i> L. | | Scotch pine | ۱۹۷ |
| Piperaceae | <i>Peperomia</i> sp. | | Peperomia | ۲۲۱ |
| Piperaceae | <i>Piper aromaticum</i> Lam. | | | ۳۳۳، ۳۱۲، ۲۲۸، ۱۴۲، ۴۶ |
| Piperaceae | <i>Piper betle</i> L. | | Betel pepper | ۲۳۰، ۱۸۴، ۹۳ |
| Piperaceae | <i>Piper cubeba</i> L. | | | ۲۴۹، ۵۶ |
| Piperaceae | <i>Piper longum</i> L. | | | ۲۲۸، ۱۴۲ |
| Piperaceae | <i>Piper nigrum</i> L. | ** | Black pepper | ۳۳۳، ۲۲۹، ۱۴۲، ۴۶ |
| Piperaceae | <i>Piper</i> sp. | | Pepper | ۲۲۸ |
| Plantaginaceae | <i>Plantago coronopus</i> L. | * | Crowfoot; Buckhorn plantain | ۳۳۱، ۳۱۱ |
| Plantaginaceae | <i>Plantago major</i> L. | * | Ripple-seed plantain-great plantain | ۲۶۹ |
| Plantaginaceae | <i>Plantago psyllium</i> L. | * | Flaxseed plantain; Psyllium seed | ۳۵۱، ۳۱۹، ۷۸ |
| Platanaceae | <i>Platanus orientalis</i> L. | * | Oriental plant tree | ۳۲۶، ۳۰۹، ۱۴۶ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|----------------|--|---------|--|-------------------------|
| Platanaceae | Platanus sp. | | Plant tree sycamore | ۲۱۷، ۱۴۶ |
| Plumbaginaceae | Plumbago europaea L. | | | ۲۴۰، ۲۰۳ |
| Plumbaginaceae | Plumbago rosea L. | | | ۱۹۴ |
| Plumbaginaceae | Plumbago zeylanica L. | | | ۱۹۳ |
| Plumbaginaceae | <i>Statice limonium</i> L. = <i>Limonium vulgare</i> Miller | | | ۳۴۸، ۳۱۹، ۹۱ |
| Podophyllaceae | Epimedium alpinum L. | | Alpine willoweed | ۳۴۸، ۵۷ |
| Podophyllaceae | Leontice chrysogonum L. | | | ۳۴۲ |
| Podophyllaceae | Leontice leontopetalum L. | * | Leon's leaf | ۳۵۰، ۳۴۲، ۳۱۵، ۳۵ |
| Polemoniaceae | Polemonium coeruleum L. | | Greek-valerian polemonium | ۳۴۸، ۳۱۸ |
| Polemoniaceae | Polemonium Sp. | | Polemonium; Greek valerian; Jacob's ladder | ۹۰ |
| Polygonaceae | <i>Bistorta officinalis</i> Rafin. = <i>Polygonum bistorta</i> L. | | Common betony | ۶۴ |
| Polygonaceae | Calligonum comosum L. | * | | ۴۴ |
| Polygonaceae | Calligonum sp. | | Calligonum | ۴۴ |
| Polygonaceae | Lapathum aquaticum Scop. | | | ۱۲۳ |
| Polygonaceae | Polygonum amphibium L. | * | | ۲۲۰ |
| Polygonaceae | Polygonum aviculare L. | | | ۲۰۳، ۳۴۷، ۳۱۸، ۲۱۱، ۲۲۰ |
| Polygonaceae | Polygonum bistorta L. | * | European bistort | ۶۴ |
| Polygonaceae | <i>Polygonum equisetiforme</i> Sibth. = <i>Polygonum equisetiformis</i> Sibth. | * | | ۲۱۱ |
| Polygonaceae | Polygonum hydropiper L. | * | Marsh-pepper smartweed | ۳۳۴، ۳۳۳، ۳۱۲، ۲۲۸، ۱۶۴ |
| Polygonaceae | Polygonum sp. | | Knotweed | ۲۱۱ |
| Polygonaceae | Polygonum tinctorium Hort. | | | ۱۸۵ |
| Polygonaceae | Polygonum viviparum L. | | Viviparous bistort | ۶۵ |
| Polygonaceae | Rheum officinale Baill. | | Medicinal rhubarb | ۱۵۴ |
| Polygonaceae | Rheum palmatum L. | | Sorrel rhubarb | ۱۵۴ |
| Polygonaceae | Rheum raphonticum L. (Rhubarbes) | | Garden rhubarb | ۱۵۴ |
| Polygonaceae | Rheum ribes L. | * | Cuvrant-fruited ; Rhubarb | ۱۵۹ |
| Polygonaceae | Rheum sp. | | Rhubarb | ۱۵۹ |
| Polygonaceae | Rhubarbes officinale Baillon. | | | ۱۵۴ |
| Polygonaceae | Rhubarbes ribes? | | | ۱۵۴ |
| Polygonaceae | Rumex acutus L. | | | ۳۳۰، ۲۷۰، ۱۲۲ |
| Polygonaceae | Rumex aquaticus L. | | | ۳۳۰ |
| Polygonaceae | Rumex brettanica L. | | | ۳۴۷، ۳۱۸، ۷۶ |
| Polygonaceae | Rumex conglomeratus L. | * | Clustered | ۱۲۳ |
| Polygonaceae | Rumex elbursensis Boiss. | * | | ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۳ |
| Polygonaceae | Rumex hydrolapathum L. | | Water dock | ۳۳۰، ۱۷۴، ۱۲۲ |
| Polygonaceae | Rumex lacerus Balb. | | | ۱۲۴ |
| Polygonaceae | Rumex obtusifolius L. | * | Bitter dock | ۱۲۴، ۱۲۳ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|------------------|--|---------|---|------------------------------|
| Polygonaceae | <i>Rumex patientia</i> L. | * | Potenc dock | ۳۳۰، ۱۲۳، ۱۲۲ |
| Polygonaceae | <i>Rumex scutatus</i> L. | * | French sorrel | ۱۲۲ |
| Polygonaceae | <i>Rumex vesicarius</i> L. | * | Bladder dock; Bladder sorrel | ۱۲۴ |
| Polypodiaceae | <i>Aspidium aculeatum</i> Smit . = <i>Polystichum aculeatum</i> | | Hard shield fern; prickly shield fern; hedge fern | ۳۵۷ |
| Polypodiaceae | <i>Aspidium lonchitis</i> L. | | | ۳۴۶، ۳۱۷، ۲۷۱، ۱۵۷، ۱۱۴، ۱۱۳ |
| Polypodiaceae | <i>Gymnogramma ceterach</i> (L.) Spre. | | | ۳۴۵ |
| Polypodiaceae | <i>Polypodium vulgare</i> L. | * | Common polypody; Wall fern | ۳۵۷، ۳۲۱، ۸۰ |
| Polypodiaceae | <i>Scolopendrium hemionitis</i> L. | | | ۳۴۵ |
| Polypodiaceae | <i>Scolopendrium vulgare</i> Sw . = <i>Scolopendrium officinale</i> Swartz = <i>Phyllitis scolopendrium</i> (L.) Newman | | Hart's-tongue | ۳۴۵، ۴۸ |
| Portulacaceae | <i>Portulaca oleracea</i> L. | * | Common purslane | ۳۳۱، ۸۳ |
| Portulacaceae | <i>Portulaca sativa</i> Ha. | | | ۸۳ |
| Potamogetonaceae | <i>Potamogeton natans</i> L. | | | ۳۵۳، ۳۲۰، ۹۹ |
| Primulaceae | <i>Anagallis arvensis</i> L. | * | Scarlet runner bean | ۳۳۵، ۶۳، ۳۴ |
| Primulaceae | <i>Anagallis coerulea</i> Schreb. | | Blue pimpernel | ۳۳۵، ۶۳ |
| Primulaceae | <i>Androsace lactea</i> L. | | | ۳۴۵، ۳۱۷، ۲۴۳ |
| Primulaceae | <i>Androsace</i> sp. | * | | ۲۴۳، ۱۰۴ |
| Primulaceae | <i>Cyclamen europaeum</i> L. | | European cyclamen | ۳۳۳، ۳۱۲، ۱۸۶، ۷۵، ۲۳ |
| Primulaceae | <i>Cyclamen graecum</i> L. | | | ۳۳۳ |
| Primulaceae | <i>Cyclamen hederifolium</i> Ait. | | | ۳۳۴، ۱۶۵ |
| Primulaceae | <i>Cyclamen</i> sp. | | Cyclamen | ۲۰۸، ۱۳۰، ۷۵، ۳۵ |
| Primulaceae | <i>Lysimachia vulgaris</i> L. | | Golden loosestrife | ۳۴۷، ۳۱۸، ۲۷۲، ۱۷۱ |
| Proteaceae | <i>Protea</i> sp. | | Purple rattlesnake root | ۲۲۶ |
| Psyllidae | <i>Psylla</i> sp. | | psylla | ۱۲۴ |
| Pteridaceae | <i>Pteris aquilina</i> L. | | Western bracken | ۳۵۷ |
| Pteridaceae | <i>Pteris radiofa</i> Mett. | | | ۲۸۶ |
| Punicaceae | <i>Punica granatum</i> L. | | Pomegranate | ۳۲۸، ۲۸۹، ۲۸۳، ۱۰۴ |
| Ranunculaceae | <i>Anemone coronaria</i> L. | | Poppy anemone | ۳۳۵، ۳۱۲، ۱۸۸ |
| Ranunculaceae | <i>Anemone hortensis</i> L. | | | ۳۳۵، ۱۸۸ |
| Ranunculaceae | <i>Anemone pulsatilla</i> L. | | Yellow Anemone | ۱۸۸ |
| Ranunculaceae | <i>Anemone</i> sp. | * | Anemone | ۱۸۸، ۱۳۴ |
| Ranunculaceae | <i>Clematis cirrhosa</i> L. | | Vernal clematis | ۳۵۶ |
| Ranunculaceae | <i>Clematis ochroleuca</i> Poir. | | | ۲۰۵ |
| Ranunculaceae | <i>Coptis teeta</i> Wall. | | | ۲۷۶ |
| Ranunculaceae | <i>Delphinium consolida</i> L . = <i>Consolida regalis</i> S.F.Gray | | Branchin larkspur | ۳۴۱ |
| Ranunculaceae | <i>Delphinium peregrinum</i> L. | | | ۳۴۱ |
| Ranunculaceae | <i>Delphinium semibarbatum</i> Bie. | * | | ۱۶۲ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---------------|--------------------------------|---------|----------------------------|-------------------------|
| Ranunculaceae | Delphinium zalil Ait. | | | ۱۶۶ |
| Ranunculaceae | Delphinium staphisagria L. | | | ۳۰۰، ۲۸۹ |
| Ranunculaceae | Helleborus alba L. | | | ۱۳۰ |
| Ranunculaceae | Helleborus cyclophyllus Boiss. | | | ۳۰۰ |
| Ranunculaceae | Helleborus niger L. | | Christmas rose | ۱۳۰ |
| Ranunculaceae | Helleborus officinalis Salisb. | | | ۳۰۰ |
| Ranunculaceae | Helleborus sp. | | Hellebor | ۱۳۰ |
| Ranunculaceae | Nigella sativa L. | * | Nutmeg flower | ۱۹۲، ۹۴، ۳۴ |
| Ranunculaceae | Nigella sp. | | Fennelflower | ۱۹۲ |
| Ranunculaceae | Ranunculus acris L. | | Tall buttercup | ۳۳۴ |
| Ranunculaceae | Ranunculus aquatilis L. | | Water crowfoot | ۳۳۰، ۲۰۰ |
| Ranunculaceae | Ranunculus arvensis L. | | Corn buttercup | ۲۰۹ |
| Ranunculaceae | Ranunculus asiaticus L. | | Persian buttercup | ۳۳۴، ۲۹۴، ۲۶۶، ۲۰۰، ۱۸۹ |
| Ranunculaceae | Ranunculus ficaria L. | | Figroot buttercup | ۳۳۰ |
| Ranunculaceae | Ranunculus lanuginosus L. | | Buttercup ficaria | ۳۳۰، ۲۰۰ |
| Ranunculaceae | Ranunculus muricatus L. | * | | ۳۳۰ |
| Ranunculaceae | Ranunculus muricolus L. | | | ۲۰۰ |
| Ranunculaceae | Ranunculus repens L. | | | ۳۴۱ |
| Ranunculaceae | Ranunculus sp. | | Buttercup; Crowfoot | ۱۲۷ |
| Ranunculaceae | Thalictrum aquilegifolium L. | | Columbne meadow rue | ۹۷ |
| Ranunculaceae | Thalictrum flavum L. | | Yellow meadow rue | ۳۰۳، ۳۲۰ |
| Ranunculaceae | Thalictrum minus L. | | | ۳۰۳ |
| Ranunculaceae | Aconitum anthora L. | | Pyrenees monkshood | ۲۰۴، ۶۴ |
| Ranunculaceae | Aconitum erectum L. | | | ۱۲۸، ۴۲ |
| Ranunculaceae | Aconitum ferox Wall. | | | ۹۲ |
| Ranunculaceae | Aconitum luridum Hook. | | | ۹۲ |
| Ranunculaceae | Aconitum lycoctonum L. | | Wolfsbane monkshood | ۳۰۲، ۱۲۹ |
| Ranunculaceae | Aconitum napellus L. | ** | Aconite monkshood | ۳۰۲، ۳۲۰، ۱۲۹ |
| Ranunculaceae | Aconitum sp. | | Monkshood | ۹۲، ۶۴ |
| Ranunculaceae | Actaea sp. | * | Baneberry | ۱۳۸ |
| Resedaceae | Reseda alba L. | * | White mignonette | ۱۰۱ |
| Resedaceae | Reseda canescens L. | | | ۳۰۰ |
| Resedaceae | Reseda luteola L. | * | Weld mignonette | ۲۹۰ |
| Rhamnaceae | Paliurus aculeatus Lam. | | | ۳۲۶، ۳۰۹، ۱۶۸ |
| Rhamnaceae | Paliurus sp. | | Paliurus | ۱۸۰ |
| Rhamnaceae | Rhamnus alaternus L. | ** | Common alaternus | ۳۷ |
| Rhamnaceae | Rhamnus cathartica | * | Common buckthorn | ۲۱۷ |
| Rhamnaceae | Rhamnus infectoria L. | | Persian berry buckthorn | ۳۲۷، ۲۳۱، ۲۱۷، ۱۲۰، ۶۱ |
| Rhamnaceae | Rhamnus tinctoria Waldst. | | | ۱۹۶ |
| Rhamnaceae | Rhamnus zizyphus L. | | | ۲۱۴ |
| Rhamnaceae | Zizyphus jujuba Lam. | | | ۲۱۴ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|----------------|---|---------|---|----------------------------|
| Rhamnaceae | <i>Zizyphus lotus</i> Lam. | * | African lotus | ۱۶۸ |
| Rhamnaceae | <i>Zizyphus sativa</i> G. | | | ۲۱۴ |
| Rhamnaceae | <i>Zizyphus spina-christi</i> Willd | * | Christ's thorn ; Nubk tree | ۱۶۸ |
| Rhamnaceae | <i>Zizyphus vulgaris</i> L. | | | ۳۲۶، ۲۱۴ |
| Rhizophoraceae | <i>Kandelia rheedii</i> W. & A. | | Mangrove | ۱۷۳ |
| Rosaceae | <i>Agrimonia eupatoria</i> L. | * | Agrimony | ۳۴۹، ۳۳۵، ۳۱۹، ۲۱۹، ۹۴، ۵۴ |
| Rosaceae | <i>Agrimonia</i> sp. | | | ۲۱۹ |
| Rosaceae | <i>Amygdalus amara</i> Hayne | | | ۲۷۲ |
| Rosaceae | <i>Amygdalus communis</i> L. | * | Almond | ۳۲۹، ۲۷۲ |
| Rosaceae | <i>Amygdalus dulcis</i> Mill. | | | ۲۷۲ |
| Rosaceae | <i>Amygdalus persica</i> L. | | Peach tree | ۱۳۹ |
| Rosaceae | <i>Armeniaca vulgaris</i> Lam . = <i>Prunus armeniaca</i> L. | | Common apricot ; Apricot | ۲۸۲ |
| Rosaceae | <i>Cerasus avium</i> L. | * | Mazzard cherry ; Gean ; Sweet cherry | ۲۳۴ |
| Rosaceae | <i>Cerasus mahaleb</i> Mill. | * | Mahhlab | ۱۱۳ |
| Rosaceae | <i>Cotoneaster nigra</i> Wahl. | | | ۱۹۳ |
| Rosaceae | <i>Cotoneaster nummularia</i> Fich & Mey. | | | ۱۹۳ |
| Rosaceae | <i>Cotoneaster</i> spp. | | Cotoneaster | ۸۵ |
| Rosaceae | <i>Cotoneaster vulgaris</i> L . = <i>Cotoneaster integerrima</i> Medicus | * | | ۱۹۳ |
| Rosaceae | <i>Crataegus azarolus</i> L. | * | Azarole hawthorn | ۳۲۸، ۲۹۱، ۱۶۲، ۹۴ |
| Rosaceae | <i>Crataegus lagenaria</i> Fisch. | | | ۱۶۲ |
| Rosaceae | <i>Crataegus melanocarpa</i> Bory & Chu. | * | | ۱۶۲ |
| Rosaceae | <i>Crataegus monogyna</i> Jacq . = <i>Crataegus microphylla</i> C.koch. | * | Single-seed hawthorn | ۱۶۲ |
| Rosaceae | <i>Crataegus orientalis</i> Bieb. | * | Silver hawthorn | ۱۶۲ |
| Rosaceae | <i>Crataegus oxyacantha</i> L. | * | English hawthorn ; European hawthorn | ۳۲۶، ۳۱۰، ۱۶۲، ۵۹ |
| Rosaceae | <i>Crataegus pentaggyyna</i> (St.- Hil.) Eng . = <i>Crataegus</i> <i>melanocarpa</i> M.B. | * | | ۱۶۲ |
| Rosaceae | <i>Crataegus pyracantha</i> Medic. | | | ۳۲۶ |
| Rosaceae | <i>Crataegus sinaica</i> Boiss. | | | ۹۴ |
| Rosaceae | <i>Crataegus</i> sp. | | Hawthorn | ۱۶۲ |
| Rosaceae | <i>Cydonia indica</i> Spach | * | | ۱۸۹ |
| Rosaceae | <i>Cydonia oblonga</i> Mill. | * | Apple quince | ۱۷۲ |
| Rosaceae | <i>Cydonia semina</i> = <i>Pyrus</i> <i>cydonia</i> L. | | | ۱۷۲ |
| Rosaceae | <i>Cydonia vulgaris</i> Delarbre = <i>Cydonia Oblonga</i> | | (Kwee) | ۱۷۲ |
| Rosaceae | <i>Cydonia vulgaris</i> Pers. | | Common quince | ۳۲۸، ۳۱۰ |
| Rosaceae | <i>Docynia</i> sp. | | | ۱۸۹ |
| Rosaceae | <i>Filipendula ulmaria</i> Maxim. | | European meadowsweet | ۲۶۸ |
| Rosaceae | <i>Malus orientalis</i> Ugli. | * | | ۹۴ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|----------|--|------------|--|--------------------------------|
| Rosaceae | <i>Mespilus pycnoloba</i> C.Koch. | | | ۲۱۹ |
| Rosaceae | <i>Neurada procumbens</i> L. | * | Garden fennelflower; Black cumin | ۱۷۲ |
| Rosaceae | <i>Persica vulgaris</i> Mill. | * | Peach | ۱۳۹ |
| Rosaceae | <i>Potentilla reptans</i> L. | * | Creeping cinquefoil | ۳۴۹، ۱۸۹ |
| Rosaceae | <i>Poterium sanguisorba</i> L. = <i>Sanguisorba minor</i> Scop. | * | Small bureat | ، ۳۴۹، ۲۵۷، ۱۷۸ |
| Rosaceae | <i>Poterium</i> sp. | | Burnet | ۳۴۱ |
| Rosaceae | <i>Poterium spinosum</i> L. | | | ۳۴۸ |
| Rosaceae | <i>Prunus amygdalus communis</i> L. | | Protea | ۲۷۲ |
| Rosaceae | <i>Prunus amygdalus</i> Stokes. = <i>Amygdalus communis</i> L. | * | | ۳۲۹، ۳۱۱، ۲۷۲ |
| Rosaceae | <i>Prunus amygdalus</i> var. <i>amara</i> Focke | | | ۳۲۹، ۳۱۱، ۲۷۲ |
| Rosaceae | <i>Prunus armeniaca</i> L. | | Common apricot | ۳۲۸، ۳۱۰، ۲۸۲ |
| Rosaceae | <i>Prunus avium</i> L. = <i>Cerasus</i> <i>avium</i> (L.) Monch | * | Mazzard cherry | ۲۳۵ |
| Rosaceae | <i>Prunus cerasia</i> Br. | | Sour chery | ۳۲۸، ۳۱۰ |
| Rosaceae | <i>Prunus cerasifera</i> Ehrh. | | Myrobalan plum | ۲۳۵ |
| Rosaceae | <i>Prunus divaricata</i> Led. | * | Wild myrobalan plum | ۲۹۱، ۴۱ |
| Rosaceae | <i>Prunus domestica</i> L. | * | Gardan plum | ۳۲۸، ۲۶۱، ۲۱۷، ۱۴۰، ۷۶، ۴۲، ۴۱ |
| Rosaceae | <i>Prunus mahaleb</i> L. = <i>Cerasus</i> <i>mahaleb</i> (L.) Mill. | * | Mahaleb cherry; St.lucy cherry | ۱۱۲ |
| Rosaceae | <i>Prunus persica</i> Sieb. = <i>Persica</i> <i>vulgaris</i> Mill. | * | Peach | ۳۲۸، ۳۱۰ |
| Rosaceae | <i>Prunus spinosa</i> L. | * | Sole-blackthorn | ۴۱ |
| Rosaceae | <i>Pyrus amygdaliformis</i> L. | | Almond pear | ۳۲۸ |
| Rosaceae | <i>Pyrus communis</i> L. | * | Common pear | ۳۲۸، ۲۶۱، ۵۷، ۴۱ |
| Rosaceae | <i>Pyrus communis</i> var. <i>akhras</i> | | | ۳۲۸، ۳۱۱ |
| Rosaceae | <i>Pyrus cydonia</i> L. | | Cydonia oblonga | ۱۷۲ |
| Rosaceae | <i>Pyrus germanica</i> Hook. | | | ۱۶۲ |
| Rosaceae | <i>Pyrus germanica</i> L. | | | ۳۲۸، ۱۶۲ |
| Rosaceae | <i>Pyrus malus</i> L. = <i>Malus</i> <i>orientalis</i> Ugl. | * | Appel | ۳۲۸، ۳۱۰، ۹۴ |
| Rosaceae | <i>Pyrus sorbus</i> Gaertn. | | | ۳۲۸، ۲۲۰، ۴ |
| Rosaceae | <i>Rosa alba</i> L. | | Cottage rose | ۲۹۴ |
| Rosaceae | <i>Rosa anserinaefolia</i> Boiss. = <i>Rosa beggeriana</i> Schrnk | * | Begger rose | ۱۴۶ |
| Rosaceae | <i>Rosa canina</i> L. | * | Dog-rose | ۳۲۶، ۲۹۴، ۲۹۰ |
| Rosaceae | <i>Rosa centifolia</i> L. | ** | Cabbage rose | ۲۹۴، ۱۴۶ |
| Rosaceae | <i>Rosa cinensis</i> Jac. | | | ۲۹۴ |
| Rosaceae | <i>Rosa damascena</i> Mill. | * | Domask rose | ۲۹۴، ۱۴۶ |
| Rosaceae | <i>Rosa gallica</i> L. | ** | French rose | ۲۹۴، ۱۴۶ |
| Rosaceae | <i>Rosa indica</i> L. | | Chines rose | ۲۹۴ |
| Rosaceae | <i>Rosa lutea</i> Bort. = <i>Rosa foetida</i> Herrm | * | Austrian briar rose | ۳۲۷ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|-----------|--|---------|---|--------------------|
| Rosaceae | <i>Rosa maialis</i> Desf. | | | ۲۸۹ |
| Rosaceae | <i>Rosa moschata</i> Herrn. | * | Musk rose | ۲۹۰ |
| Rosaceae | <i>Rosa sempervirens</i> L. | | Evergreen rose | ۳۲۶ |
| Rosaceae | <i>Rosa</i> sp. | | Rose | ۳۲۷، ۳۱۰، ۲۹۴ |
| Rosaceae | <i>Rubus fruticosus</i> L. | | European blackberry | ۲۷۹، ۲۱۳ |
| Rosaceae | <i>Rubus idaeus</i> L. | | Red raspberry | ۳۴۹، ۲۱۳ |
| Rosaceae | <i>Rubus sanctus</i> Schreb. | | European raspberry | ۲۱۳ |
| Rosaceae | <i>Rubus</i> sp. | | Raspberry blackberry | ۲۱۷، ۲۱۳ |
| Rosaceae | <i>Rubus ulmifolius</i> Schott. = <i>Rubus anatolicus</i> (Focke) Fock & Wauss. | * | Elm-leaved blackberry | ۳۴۹ |
| Rosaceae | <i>Sanguisorba officinalis</i> | * | Garden carrot | ۳۴۹ |
| Rosaceae | <i>Sanguisorba</i> sp. | | Bloodroot | ۳۴۹ |
| Rosaceae | <i>Sorbus aucuparia</i> L. = <i>Sorbus boissieri</i> Sch. | * | | ۲۲۰ |
| Rosaceae | <i>Sorbus boissieri</i> Schn. | * | | ۲۲۰ |
| Rosaceae | <i>Sorbus domestica</i> L. | | Serviceberry; Juneberry | ۳۲۸، ۲۲۰ |
| Rosaceae | <i>Sorbus Pyrus</i> Crantz | | | ۲۲۰ |
| Rosaceae | <i>Sorbus</i> sp. | | Mounthain ash | ۲۲۰ |
| Rosaceae | <i>Sorbus torminalis</i> (L.) Crantz | * | Checker-tree mountain ash | ۲۸۶ |
| Rosaceae | <i>Spiraea filipendula</i> L. | | | ۳۴۴ |
| Rosaceae | <i>Thus oxycantha</i> = <i>Crataegus laevigata</i> (Poirot) De Candolle = <i>Crataegus oxycantha</i> L. | | Hawthorn; English hawthorn; May flower; whitethorn; haw; quickthorn | ۲۷۱ |
| Rubiaceae | <i>Galium aparin</i> L. | * | Catchweed; Catchweed bedstraw ;cleavers | ۳۴۲، ۳۱۰، ۲۷۰، ۰۰۰ |
| Rubiaceae | <i>Galium</i> sp. | | Bedstraw | ۲۱۹ |
| Rubiaceae | <i>Galium verrucosum</i> Spr. | | | ۳۴۲ |
| Rubiaceae | <i>Galium verum</i> L. | * | Yellow bedstraw | ۳۰۳، ۳۲۰، ۲۱۹ |
| Rubiaceae | <i>Nauclea</i> sp. | | | ۲۳۰ |
| Rubiaceae | <i>Randia dumetorum</i> L. | | Malabar randia | ۱۰۹ |
| Rubiaceae | <i>Randia</i> sp. | | | ۱۰۴ |
| Rubiaceae | <i>Rubia cordiifolia</i> L. | | | ۲۳۰ |
| Rubiaceae | <i>Rubia tinctorium</i> L. | * | | ۳۴۶، ۲۳۰ |
| Rubiaceae | <i>Uncaria gambier</i> | | Bengal gambir plant | ۲۳۰ |
| Rutacea | <i>Aegle marmelo</i> Cor. | * | Bael fruit ; Bel golden apple Bengal | ۱۶۶، ۸۹، ۸۰ |
| Rutaceae | <i>Amyris elemifera</i> L. | | Galangal ; Java galangal ; Galingale | ۲۶۶ |
| Rutaceae | <i>Amyris gileadensis</i> L. | | | ۸۶ |
| Rutaceae | <i>Amyris kataf</i> Forsk. | | | ۳۲۰، ۱۷۸ |
| Rutaceae | <i>Amyris myrrh</i> Hafal. | | | ۳۲۰ |
| Rutaceae | <i>Amyris opobalsamum</i> | | | ۲۸۰ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---------------|--|---------|--|-----------------------|
| Rutaceae | Amyris sp. | | Torchwood ; Balsam shrub | ۳۲۵ |
| Rutaceae | Citrus amara Link. | | Sour orange ; Seville orange | ۲۸۹ |
| Rutaceae | <i>Citrus aurantifolia</i> Sw . = <i>Citrus aurantium</i> L. | * | | ۲۷۴ ، ۴۰ |
| Rutaceae | Citrus aurantium Lou.& Auc. | * | Sour orange ; Seville orange | ۲۸۹ |
| Rutaceae | <i>Citrus bigaradia</i> Lois . = <i>Citrus aurantium</i> L. | * | | ۲۸۹ |
| Rutaceae | Citrus limonum Risso | | Lemon | ۲۷۴ ، ۴۰ |
| Rutaceae | Citrus medica L. | * | Cloza | ۲۷۴ ، ۴۰ |
| Rutaceae | Citrus medica Risso | * | | ۲۷۴ |
| Rutaceae | Citrus medica Risso var. cerata | | | ۳۲۸ ، ۳۱۰ ، ۴۰ |
| Rutaceae | Citrus sp. | | Citrus | ۲۷۴ |
| Rutaceae | Citrus vulgaris Riss. | | Sour orange ; Seville orange | ۲۸۹ |
| Rutaceae | Fagara sp. | | | ۲۲۳ |
| Rutaceae | Ruta graveolens L. | | Common rue-herb of grace | ۳۳۹ ، ۱۶۸ |
| Rutaceae | Ruta hortensis Mill. | | | ۱۶۸ |
| Rutaceae | Ruta montana L. | | | ۳۳۹ ، ۳۱۴ ، ۱۶۸ ، ۱۵۰ |
| Rutaceae | Ruta sp. | | Rue | ۱۶۸ |
| Rutaceae | <i>Ruta tuberculata</i> Fisch . = <i>Haplophyllum versicolor</i> Fisch&C.A..Mey. | * | | ۱۶۸ |
| Rutaceae | <i>Xanthoxylon avicenne</i> DC. = <i>Zanthoxylum piperitum</i> DC. | | Aniseseed, Ash Berries, Badiana, Brown Peppercorns, Chinese Anise | ۲۲۳ |
| Salicaceae | Populus alba L. | * | White poplar | ۳۲۶ ، ۱۲۷ |
| Salicaceae | Populus euphratica L. | * | Willows | ۲۲۰ |
| Salicaceae | Populus nigra L. | * | Black poplar | ۳۲۶ ، ۲۶۴ ، ۱۰۸ |
| Salicaceae | Populus sp. | | Poplar | ۱۲۷ |
| Salicaceae | Salix acmophylla Boiss. | | | ۱۳۷ |
| Salicaceae | Salix aegyptiaca Forsk. | * | Egyptian willow | ۱۳۷ ، ۱۱۰ |
| Salicaceae | Salix alba L. | * | White willow | ۱۳۷ |
| Salicaceae | <i>Salix australior</i> Forbes = <i>Salix excelsa</i> S.G.G.M. | * | | ۱۳۷ |
| Salicaceae | Salix babylonica L. | * | Babylon weeping willow | ۳۲۷ ، ۲۲۰ ، ۱۳۷ |
| Salicaceae | Salix balchia | | | ۱۳۷ |
| Salicaceae | Salix caprea L. | | Good willow | ۱۳۷ |
| Salicaceae | Salix fragilis L. | | Brittle willow | ۱۳۷ |
| Salicaceae | Salix rosmarinifolia L. | | | ۱۳۷ |
| Salicaceae | Salix safsaf Forsk | | | ۱۳۷ |
| Salicaceae | Salix sp. | | Willow-osier | ۲۲۰ ، ۳۲۷ |
| Salvadoraceae | Salvadora indica Royle | | Niepa bark tree | ۴۳ |
| Salvadoraceae | Salvadora persica Gaer. | * | Kikuel oil plant; Mustard- seed | ۲۵۰ ، ۴۳ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|------------------|--|---------|--------------------------------------|------------------|
| Santalaceae | Osyris alba L. | | | ۳۵۵ |
| Santalaceae | Santalum album L. | | | ۱۹۶ |
| Santalaceae | Santalum sp. | | Sandalwood | ۱۹۶ |
| Sapotaceae | <i>Mimusops schimperi</i> Hochst. = <i>Mimusops laurifolia</i> (Forssk.) I.Frlis | | | ۳۲۹، ۲۶۶، ۷۶ |
| Saxifragaceae | Parnassia palustris L. | | Wide-world parnassia | ۳۴۹ |
| Saxifragaceae | Philadelphus sp. | | Mock orange | ۱۷۱ |
| Scrophulariaceae | Anthericum graecum L. | | | ۳۴۳ |
| Scrophulariaceae | Anthericum ramosum L. | | | ۲۲۳ |
| Scrophulariaceae | Antirrhinum asarina L. | | | ۱۲۸ |
| Scrophulariaceae | Antirrhinum majus L. | * | Common snapdragon | ۳۵۷، ۳۲۰، ۶۷ |
| Scrophulariaceae | Gratiola officinalis L. | | Drug hedge hyssop | ۱۰۰ |
| Scrophulariaceae | Linaria elatine Mill. | | Sharp pointed fluellin | ۳۴۹، ۳۱۹، ۲۶۷ |
| Scrophulariaceae | Linaria spuria Mill. | | | ۳۴۹ |
| Scrophulariaceae | Linaria vulgaris Mill. | * | Butter and eggs | ۲۷۷ |
| Scrophulariaceae | Pedicularis tuberosa Vill. | | | ۳۴۴ |
| Scrophulariaceae | <i>Scrophularia aquatica</i> L. = <i>Scrophularia umbellifera</i> Dumort. | * | Water-betony | ۱۲۷ |
| Scrophulariaceae | <i>Scrophularia chrysanthemifolia</i> L. | | | ۳۴۹، ۱۷۸ |
| Scrophulariaceae | <i>Scrophularia lucida</i> L. | | | ۳۴۹ |
| Scrophulariaceae | <i>Scrophularia peregrina</i> L. | | | ۳۵۳ |
| Scrophulariaceae | <i>Verbascum nigrum</i> L. | | Black mullein | ۹۰، ۳۵۴ |
| Scrophulariaceae | <i>Verbascum plicatum</i> Sibth. | | | ۳۵۴ |
| Scrophulariaceae | <i>Verbascum sinuatum</i> Desc. | * | Mediterranean hrb elder; Danewort | ۳۵۴ |
| Scrophulariaceae | <i>Verbascum</i> sp. | | Mullein | ۳۵۴، ۹۰ |
| Scrophulariaceae | <i>Verbascum thapsus</i> L. | * | Flannet mullen; Great mullein | ۳۵۴، ۲۷۵، ۹۰، ۷۷ |
| Scrophulariaceae | <i>Veronica officinalis</i> L. | * | Drug speedwell | ۲۶۷ |
| Scrophulariaceae | <i>Veronica teucrium</i> L. | | | ۳۴۲ |
| Scrophulariaceae | <i>Vesicaria gnaphaloides</i> Boiss. = <i>Veronica viscosa</i> Boiss. | * | | ۱۴۰ |
| Solanaceae | <i>Atropa mandragora</i> L. | | | ۳۵۲، ۳۰۰ |
| Solanaceae | <i>Capsicum frutescens</i> L. | | Spanish pepper ; Bush red pepper | ۲۲۸، ۱۴۲ |
| Solanaceae | <i>Capsicum minimum</i> Rox. | | | ۲۹۷ |
| Solanaceae | <i>Capsicum</i> sp. | | Red pepper | ۲۲۸ |
| Solanaceae | <i>Datura fastuosa</i> L. | | | ۸۸ |
| Solanaceae | <i>Datura metel</i> L. = <i>Datura</i> <i>innoxia</i> Miller | * | Hindu datura | ۲۸۵، ۱۰۹ |
| Solanaceae | <i>Datura stramonium</i> L. | * | Jimso-weed datura | ۳۵۲، ۱۰۹ |
| Solanaceae | <i>Digitalis aegyptiaca</i> | | | ۳۴۹ |
| Solanaceae | <i>Hyoscyamus albus</i> L. | | | ۳۵۱، ۸۸ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---------------|---|---------|----------------------------------|-----------------------------|
| Solanaceae | <i>Hyoscyamus aureus</i> L. | | | ۳۵۱ |
| Solanaceae | <i>Hyoscyamus niger</i> L. | * | Black henbane sticking-roger | ۳۵۱، ۱۹۱، ۸۸ |
| Solanaceae | <i>Hyoscyamus reticulatus</i> L. | * | | ۸۸ |
| Solanaceae | <i>Hyoscyamus</i> Sp. | | | ۳۵۱، ۳۱۹ |
| Solanaceae | <i>Lycium afrum</i> L. | | | ۳۲۶، ۲۳۱، ۲۱۷، ۱۲۰، ۶۱ |
| Solanaceae | <i>Lycium europaeum</i> L. = <i>Lycium edgeworthii</i> Dun. | | | ۲۱۷ |
| Solanaceae | <i>Lycium</i> sp. | | Wolfberry; desert thorn | ۲۱۷، ۱۲۰ |
| Solanaceae | <i>Mandragora officinarum</i> L. | | | ۳۵۲، ۳۲۰، ۳۰۰، ۲۷۰، ۱۲۲ |
| Solanaceae | <i>Mandragora</i> sp. | | Mandrake | ۲۷۰ |
| Solanaceae | <i>Mandrgora officinarum</i> L. | ** | | ۱۴۹ |
| Solanaceae | <i>Physalis alkekengi</i> L. | * | Strawberry; Alkekengi | ۳۵۲، ۲۴۹، ۲۱۵ |
| Solanaceae | <i>Physalis somnifera</i> L. | | | ۳۵۲ |
| Solanaceae | <i>Solanum indicum</i> L. = <i>Solanum indicum</i> L. | * | | ۷۸ |
| Solanaceae | <i>Solanum melongena</i> L. | * | Garden agg plant | ۲۸۳، ۷۲ |
| Solanaceae | <i>Solanum nigrum</i> L. | * | Black nightshade | ۳۵۲، ۲۱۵، ۱۵۴ |
| Solanaceae | <i>Solanum sodomum</i> L. | | | ۷۰ |
| Solanaceae | <i>Solanum tuberosum</i> L. | * | Potato | ۳۵۲ |
| Solanaceae | <i>Streptosolen</i> sp. | | | ۲۰۷ |
| Solanaceae | <i>Withania coagulans</i> Dunal | * | Cheese-maker; Puneer cardaoms | ۲۴۹ |
| Solanaceae | <i>Withania somnifera</i> Dunal. | * | Clustered winter cherry | ۸۹ |
| Sparganiaceae | <i>Sparganium ramosum</i> Huds. | | | ۳۴۸، ۳۱۹، ۱۸۱ |
| Sterculiaceae | <i>Cola acuminata</i> Sch. = <i>Sterculia acuminata</i> | | Sudan colanut | ۱۳۲ |
| Sterculiaceae | <i>Helicteris isora</i> L. | * | Indian screw tree; Isora | ۲۵۸ |
| Sterculiaceae | <i>Sterculia acuminata</i> Beauv. | | | ۱۰۸ |
| Styracaceae | <i>Styrax officinale</i> L. | | Drug snowbell | ۳۲۵، ۳۰۹، ۲۸۹، ۲۶۸، ۲۶۷، ۵۳ |
| Tamaricaceae | <i>Tamarix articulata</i> Vahl. = <i>Tamarix aphylla</i> (L.) Kay. | ** | | ، ۳۲۶، ۲۰۲، ۵۷، ۴۰ |
| Tamaricaceae | <i>Tamarix gallica</i> L. | * | French tamarsk | ۳۲۶، ۲۰۲، ۴۰ |
| Tamaricaceae | <i>Tamarix gallica</i> L. var. mann? | | | ۴۰ |
| Tamaricaceae | <i>Tamarix nilotica</i> Ehr & Bung. | | | ۴۰ |
| Tamaricaceae | <i>Tamarix orientalis</i> Forsk. | | | ۴۰ |
| Tamaricaceae | <i>Tamarix pentandra</i> Pall. = <i>Tamarix ramosissima</i> Led. | * | Five-stamen tamarisk | ۲۰۲ |
| Tamaricaceae | <i>Tamarix</i> sp. | | Tamarisk | ۲۰۲، ۴۰ |
| Tamaricaceae | <i>Tamarix tetrandra</i> Guebh. | * | Four stamen tamarisk | ۲۰۲ |
| Taxaceae | <i>Taxus baccata</i> L. | * | English yew | ۳۵۲، ۱۹۹، ۱۹۰، ۱۶۱، ۱۵۵ |
| Theaceae | <i>Thea sinensis</i> L. | | Common tea; chinese tea | ۹۹ |
| Thelygonaceae | <i>Thelygonum cynocrambe</i> L. | | | ۳۵۷ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---------------|---|---------|-------------------------------|---------------|
| Thymelaceae | <i>Daphne angustifolium</i> C.Koch = <i>Daphne mucronata</i> Royle | * | | ۲۷۵ |
| Thymelaceae | <i>Daphne cnidium</i> L. | | Rose daphne | ۳۵۷, ۲۷۷ |
| Thymelaceae | <i>Daphne gnidium</i> L. | | | ۲۷۷, ۲۵۵ |
| Thymelaceae | <i>Daphne mezereum</i> L. | * | February daphne | ۳۵۵, ۲۷۵, ۲۶۱ |
| Thymelaceae | <i>Daphne oleoides</i> Schr. | * | | ۲۷۵, ۱۶۶ |
| Thymelaceae | <i>Daphne tartonrarira</i> L. | | | ۲۰۹ |
| Thymelaeaceae | <i>Agallochum</i> sp. = <i>Aquilaria agallicha</i> | | Aloes wood, Eagle | ۵۴ |
| Thymelaeaceae | <i>Aquilaria malacensis</i> Lam. | | Agarwood | ۲۱۶ |
| Thymelaeaceae | <i>Mezereum officinal</i> C.A.Mey. | | | ۲۷۵ |
| Thymeliaceae | <i>Thymelaea hirsuta</i> Endl. | | | ۲۷۷ |
| Thymeliaceae | <i>Thymelaea mezereum</i> Scop. | | | ۲۷۵ |
| Thymeliaceae | <i>Thymelaea tartonraira</i> Endl. | | | ۲۰۹ |
| Tiliaceae | <i>Grewia bicolor</i> Just. | | White Raisin | ۲۹۰ |
| Tiliaceae | <i>Grewia populifolia</i> L. | | | ۲۸۹ |
| Tiliaceae | <i>Tilia rubra</i> De. & T. | | | ۱۶۶ |
| Tiliaceae | <i>Tilia silvestris</i> Desf. | * | Little-leaf-linden | ۱۶۶ |
| Tiliaceae | <i>Tilia</i> sp. | | Lindelofia | ۱۶۶ |
| Trapaceae | <i>Trapa natans</i> L. | | Water chestnut | ۱۱۸ |
| Trilliaceae | <i>Paris incompleta</i> Bieb. | | Jorusalem thorn; hore-bean | ۲۱۵ |
| Tropaeolaceae | <i>Tropaelum majus</i> L. | | Tropae | ۲۶۵ |
| Typhaceae | <i>Typha angustata</i> L. = <i>Typha australis</i> Sch.&Th. | * | Narrow-leaved cattail | ۳۴۴ |
| Typhaceae | <i>Typha latifolia</i> L. | * | Common cattail | ۳۴۴, ۳۱۶, ۲۰۴ |
| Ulmaceae | <i>Celtis australis</i> L. | * | European hackberry | ۳۲۸, ۲۷۲ |
| Ulmaceae | <i>Celtis</i> sp. | | Haircap moss | ۲۸۶ |
| Ulmaceae | <i>Ulmus campestris</i> L. | * | English elm | ۳۲۶, ۱۸۶, ۱۴۴ |
| Ulmaceae | <i>Ulmus effusa</i> Sibth. | | Spreading | ۱۸۵, ۱۴۴ |
| Ulmaceae | <i>Ulmus glabra</i> L. | * | Scotch elm; wych elm | ۱۸۶ |
| Ulmaceae | <i>Ulmus minor</i> Mill. | * | | ۲۹۳ |
| Ulmaceae | <i>Ulmus montana</i> With. | | Scotch elm; wych elm | ۱۸۵, ۱۴۴ |
| Ulmaceae | <i>Ulmus</i> sp. | | | ۱۸۵, ۱۴۴ |
| Ulmaceae | <i>Zelkova crenata</i> Spac. = <i>Zelkova carpinifolia</i> | * | Zelkova elm of Siberia | ۳۵ |
| Umbeliferae | <i>Athamanta cretensis</i> L. | | | ۱۴۸, ۱۱۸, ۱۰۳ |
| Umbeliferae | <i>Athamanta macedonica</i> L. | | | ۲۶۱ |
| Umbeliferae | <i>Athamanta oreoselinum</i> L. | | | ۲۵۴ |
| Umbeliferae | <i>Athamanta</i> sp. | | | ۳۴۱ |
| Umbeliferae | <i>Bunium bulbocastanum</i> L. | | | ۱۰۸ |
| Umbeliferae | <i>Bupthalmum speciosissimum</i> Ard. | | | ۲۹۵ |
| Umbeliferae | <i>Bupleurum fruticosum</i> L. | | Shrub thoroughwax | ۳۴۰, ۱۸۲, ۱۲۱ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|-------------|--|---------|--|--------------------------------|
| Umbeliferae | <i>Bupleurum rotundifolium</i> Scho. | * | Round-leaved th Round-leave hare's- ear; thoroughwax | ۱۲۱ |
| Umbeliferae | <i>Bupleurum</i> sp. | | Oxyeye | ۱۲۱ |
| Umbeliferae | <i>Cachrys libnotis</i> L. | | | ۳۴۱، ۳۱۰ |
| Umbeliferae | <i>Carum ammioides</i> Benth. | | | ۱۰۰ |
| Umbeliferae | <i>Carum ammioides</i> Benth. | | | ۳۶ |
| Umbeliferae | <i>Carum bulbocastanum</i> Koch. | | | ۲۶۲ |
| Umbeliferae | <i>Carum carvi</i> L. | | Caraway | ۳۴۰، ۳۱۴، ۲۶۲، ۲۰۶ |
| Umbeliferae | <i>Carum copticum</i> Ben .= <i>Trachypernum copticum</i> (L.)Link | | Ajowan caraway | ۳۴۰، ۲۸۹، ۲۶۲ |
| Umbeliferae | <i>Carum petroselinum</i> Benth. & Hook. | | | ۳۴۱، ۳۱۰، ۲۲۷، ۲۰۴ |
| Umbeliferae | <i>Caucalis maritima</i> L. | | | ۳۳۲، ۳۱۱ |
| Umbeliferae | <i>Caucalis orientalis</i> (L.) RE .= <i>Astrodaucus orientalis</i> (L.)Drude | | | ۸۹ |
| Umbeliferae | <i>Chaerophyllum</i> sp. | | Chervill | ۲۳۲ |
| Umbeliferae | <i>Conium maculatum</i> L. | * | Poison hemlock | ۳۰۲، ۳۲۰، ۲۰۱، ۱۹۱ |
| Umbeliferae | <i>Coriandrum sativum</i> L. | * | Coriader | ۳۴۰، ۲۰۷ |
| Umbeliferae | <i>Coriandrum</i> sp. | | Coriader | ۲۰۷ |
| Umbeliferae | <i>Daucus carota</i> L. | * | Wild carrot | ۳۴۰، ۱۴۸، ۱۰۳، ۰۳ |
| Umbeliferae | <i>Daucus gingidium</i> L. | | | ۳۳۲، ۳۱۱، ۱۰۳ |
| Umbeliferae | <i>Daucus guttatus</i> Sib. & Sm. | | | ۳۴۰ |
| Umbeliferae | <i>Dorema ammoniacum</i> Don. | * | Bombay sumbul | ۳۴۲، ۳۱۰، ۲۹۰، ۰۲ |
| Umbeliferae | <i>Dorema</i> spp. | | Sumbul | ۰۲ |
| Umbeliferae | <i>Echinophora tenuifolia</i> L .= <i>Echinophora sibthorpiana</i> Guss. | * | | ۳۴۰، ۳۳۹، ۱۶۰، ۱۱۷ |
| Umbeliferae | <i>Eryngium campestre</i> L. | | Snakeroot eryngo | ۳۳۷، ۳۱۳، ۱۹۲، ۱۸۸، ۹۲، ۸۴، ۰۰ |
| Umbeliferae | <i>Eryngium coeruleum</i> ? | | | ۲۱۰ |
| Umbeliferae | <i>Eryngium creticum</i> L. | | | ۲۳۶، ۲۱۰، ۱۹۲، ۸۴، ۰۰ |
| Umbeliferae | <i>Eryngium maritimum</i> L. | | Sea-holly eryngo | ۲۶۴ |
| Umbeliferae | <i>Eryngium planum</i> L. | | | ۳۳۷ |
| Umbeliferae | <i>Foeniculum vulgare</i> Mill. | | Common fennel | ۳۴۱، ۱۰۳، ۷۸ |
| Umbeliferae | <i>Heracleum spondylium</i> L. | | Hogweed cow parsnip | ۳۴۱، ۳۱۰، ۲۰۹، ۱۷۲ |
| Umbeliferae | <i>Hippomarathrum libanotis</i> Koch. | | | ۳۴۱، ۳۱۰، ۱۰۳ |
| Umbeliferae | <i>Seseli ammoides</i> L. | | Seseli; Meadow | ۳۴۱ |
| Umbeliferae | <i>Seseli tortuosum</i> L. | | | ۳۴۰، ۳۱۴، ۲۴۸، ۱۸۲، ۱۶۷ |
| Umbelifetae | <i>Ferula assafoetida</i> L. | | Asafetida giant fennel | ۳۴۲، ۱۲۱، ۶۰، ۰۱ |
| Umbelifetae | <i>Ferula communis</i> L. | | Common giant fennel | ۳۴۱، ۲۰۹، ۲۴۰، ۷۲ |
| Umbelifetae | <i>Ferula ferulago</i> L. | | | ۳۴۲، ۷۲ |
| Umbelifetae | <i>Ferula galbaniflua</i> Boiss. & <i>Bus</i> .= <i>Ferula gumosa</i> Boiss. | * | | ۳۴۲، ۲۴۶، ۱۰۱، ۷۲ |
| Umbelifetae | <i>Ferula gumosa</i> Boiss. | * | Galbanum plant | ۳۴۶ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--------------|--|---------|--|-------------------------|
| Umbelifetae | <i>Ferula marmarica</i> | | | ۵۲ |
| Umbelifetae | <i>Ferula narthex</i> Boiss. | | | ۶۵ |
| Umbelifetae | <i>Ferula nodiflora</i> L. | | | ۳۱۵ |
| Umbelifetae | <i>Ferula nodosa</i> Benth & Hook. | | | ۳۳۹ |
| Umbelifetae | <i>Ferula opopanax</i> Spreng. | | | ۳۳۹ |
| Umbelifetae | <i>Ferula orientalis</i> L. | * | | ۳۴۲ |
| Umbelifetae | <i>Ferula persica</i> Willd. | * | Persian asafetida | ۳۴۲، ۱۷۳ |
| Umbelifetae | <i>Ferula rubricaulis</i> Boiss. | * | | ۲۴۶، ۷۲ |
| Umbelifetae | <i>Ferula saapenum</i> Polack | | | ۱۷۳ |
| Umbelifetae | <i>Ferula scordosma</i> Benth & Hook | | | ۱۲۱ |
| Umbelifetae | <i>Ferula scowitziana</i> D.C. | | | ۳۴۲، ۱۷۳ |
| Umbelifetae | <i>Ferula sumbul</i> Hook. | | | ۲۵۴ |
| Umbelifetae | <i>Ferula tingitana</i> L. | | | ۳۴۲ |
| Umbelliferae | <i>Aethusa cynapium</i> L. | | Fool's-parsley aethusa | ۱۹۱ |
| Umbelliferae | <i>Ammi copticum</i> Boiss. | | | ۲۸۹ |
| Umbelliferae | <i>Ammi visnaga</i> (L.) Lam. | * | Bishop's Flower; Visnaga | ۳۴۰، ۲۸۹ |
| Umbelliferae | <i>Anethum graveolens</i> L. | * | Dill | ۳۴۰، ۳۱۴، ۱۸۴، ۱۱۷، ۹۷ |
| Umbelliferae | <i>Angelica sylvestris</i> L. | | Angelika, Echte Brustwurzel | ۳۴۰ |
| Umbelliferae | <i>Anisum stellatum</i> L. | | | ۷۲ |
| Umbelliferae | <i>Anisum vulgare</i> Gaertn. | | | ۶۷ |
| Umbelliferae | <i>Apium</i> Gr. | | Celery | ۲۵۴ |
| Umbelliferae | <i>Apium graveolens</i> L. | * | Wihd celery | ۳۴۱، ۲۵۴ |
| Umbelliferae | <i>Apium petroselinum</i> L. = <i>Petroselinum sativum</i> Hoffm. | | Percely, Persil, Petersilie, Petroselinum, Roc Parsley | ۲۵۴ |
| Umbelliferae | <i>Apium vulgare</i> L. | | | ۲۵۴ |
| Umbelliferae | <i>Cicuta virosa</i> L. = <i>Selinum virosum</i> (L.) E.H.L. Krause | | European water hemlock ; Wasserschierling, Borstenkraut | ۱۹۱ |
| Umbelliferae | <i>Crithmum maritimum</i> L. | | Samphire | ۳۳۱، ۳۱۱، ۱۵۵ |
| Umbelliferae | <i>Dorema ammoniacum</i> Don. | | Gummi-resina ammoniacum | ۵۲ |
| Umbelliferae | <i>Feniculum</i> sp. | | Fennel | ۱۵۳ |
| Umbelliferae | <i>Lagoecia cuminoides</i> L. | | | ۳۴۰، ۲۶۲ |
| Umbelliferae | <i>Laserpitium siler</i> L. | | | ۱۶۵، ۱۱۷ |
| Umbelliferae | <i>Levisticum officinale</i> Koch. | * | Garden lovage | ۳۴۰، ۳۱۴، ۲۵۴، ۲۴۸، ۱۱۷ |
| Umbelliferae | <i>Ligusticum levisticum</i> L. = <i>Levisticum officinale</i> | | Lovage | ۲۴۸، ۶۵ |
| Umbelliferae | <i>Liserpitium siler</i> L. | | | ۳۴۰ |
| Umbelliferae | <i>Malabaila pumila</i> Rois. | | | ۱۸۸ |
| Umbelliferae | <i>Malabaila secacul</i> Russ. | * | | ۱۸۸ |
| Umbelliferae | <i>Meum athamanticum</i> Jack | | | ۳۲۴، ۳۰۹، ۲۸۵، |
| Umbelliferae | <i>Myrrhis odorata</i> Scop. = | | Sweet cicely | ۳۵۴، ۳۴۰، ۳۲۶ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|--------------|--|---------|--|------------------------------|
| | <i>Scandix odorata</i> | | | |
| Umbelliferae | <i>Opopanax chironium</i> Koch. | | | ۳۳۹، ۱۰۰ |
| Umbelliferae | <i>Opopanax hispidus</i> Griseb. | | | ۳۳۹ |
| Umbelliferae | <i>Passeina hirsuta</i> L. | | | ۳۴۷ |
| Umbelliferae | <i>Pastinaca graeca</i> ? | | | ۳۴۱ |
| Umbelliferae | <i>Pastinaca sativa</i> L. | | Garden parsnip | ۳۳۰، ۱۸۱، ۱۵۹، ۱۵۶، ۱۰۳ |
| Umbelliferae | <i>Pastinaca schekakul</i> Russ. | | | ۱۸۸ |
| Umbelliferae | <i>Pastinaca secacul</i> Russ. = <i>Malabaila secacul</i> (Miller) Boiss. <i>Susp. Secacul</i> | | | ۱۰۳ |
| Umbelliferae | <i>Petroselinum oreoselinum</i> L. = <i>Peucedanum oreoselinum</i> (L.) Moe. | | | ۲۵۴ |
| Umbelliferae | <i>Petroselinum sativum</i> Hoffm. | * | Common garden parsly | ۲۵۴ |
| Umbelliferae | <i>Peucedanum ammoniacum</i> ? | | | ۳۰۰ |
| Umbelliferae | <i>Peucedanum cervaria</i> L. | | Much-good | ۳۴۱ |
| Umbelliferae | <i>Peucedanum officinale</i> L. | * | Common hog's- fenel | ۳۴۱، ۳۱۵، ۷۴ |
| Umbelliferae | <i>Peucedanum oreoselinum</i> Moench. | | Mountain parsley | ۳۱۵، ۳۶۱، ۳۴۱، |
| Umbelliferae | <i>Peucedanum sativum</i> Benth. | | | ۱۸۱ |
| Umbelliferae | <i>Pimpinella anisum</i> L. | | Anise | ۳۴۰، ۳۱۴، ۹۴، ۶۷ |
| Umbelliferae | <i>Pimpinella dioica</i> L. | | | ۳۵۴ |
| Umbelliferae | <i>Pimpinella dissecta</i> Polli. = <i>Pimpinella rhodantha</i> Boiss. | * | | ۳۵۴ |
| Umbelliferae | <i>Pimpinella trgium</i> Vill. | | | ۲۰۲ |
| Umbelliferae | <i>Prangos ferulacea</i> L. | * | | ۳۴۱ |
| Umbelliferae | <i>Prangos pabularia</i> L. | * | Hay plant | ۲۵۴، ۷۲ |
| Umbelliferae | <i>Ptychotis verticellata</i> Duby | | | ۳۶ |
| Umbelliferae | <i>Scandix pecten veneris</i> L. | * | Shepherd's-needle- lady's-comb; Venus's-comb | ۳۳۲، ۳۱۱ |
| Umbelliferae | <i>Selinum galbanum</i> | | | ۳۴۲ |
| Umbelliferae | <i>Selinum officinal</i> | | | ۷۴ |
| Umbelliferae | <i>Sison ammi</i> Jac. = <i>Trachyspermum copticum</i> (L.) Lin. | * | | ۲۸۹ |
| Umbelliferae | <i>Sison amomum</i> L. | | | ۳۴۰، ۳۱۴، ۲۲۰ |
| Umbelliferae | <i>Sium latifolium</i> L. | | | ۳۳۱، ۳۱۱، ۲۵۴، ۲۳۵، ۱۸۲، ۱۰۲ |
| Umbelliferae | <i>Sium nodiflorum</i> L. | | | ۳۳۱ |
| Umbelliferae | <i>Sium sisarum</i> L. | * | Skirret water parsnip | ۳۳۰، ۳۱۱، ۱۸۱ |
| Umbelliferae | <i>Smyrniun dioscoridis</i> Spreng. | | | ۳۴۱ |
| Umbelliferae | <i>Smyrniun olusatrum</i> L. | | | ۳۴۱، ۳۱۵، ۲۵۴ |
| Umbelliferae | <i>Smyrniun perfoliatum</i> L. | | | ۳۴۱، ۲۵۴ |
| Umbelliferae | <i>Smyrniun</i> sp. | | Alexanders | ۱۷۶ |
| Umbelliferae | <i>Thapsia garganica</i> L. | | | ۳۵۵، ۱۶۸، ۱۴۵، ۹۷ |
| Umbelliferae | <i>Tordilium officinale</i> L. | | | ۳۴۰، ۳۱۴، ۱۸۲ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---------------|--|---------|--|--|
| Umbelliferae | <i>Torilis leptophylla</i> Reichb. | | | ۱۹ |
| Umbelliferae | <i>Trachyspermum copticum</i> Link. = <i>Trachyspermum ammi</i> (L.) Sprague | | | ۲۸۹ |
| Umbelliferae | <i>Tragium columnae</i> Spreng. | | | ۳۰، ۳۱۹، ۲۰۱ |
| Umbelliferae | <i>Trodylium ackakul</i> | | | ۱۸۸ |
| Umbelliferae | <i>Cuminum cyminum</i> L. | * | Cumin | ۳۴۰، ۳۱۵، ۲۶۲ |
| Urticaceae | <i>Parietaria cretica</i> L. | | | ۳۵۳، ۱۱۹، ۳۴ |
| Urticaceae | <i>Parietaria diffusa</i> L. | | | ۱۱۹ |
| Urticaceae | <i>Parietaria officinalis</i> L. | | Wall pellitory | ۳۴ |
| Urticaceae | <i>Parietaria</i> sp. | | Pellitory | ۳۵۳ |
| Urticaceae | <i>Urtica dioica</i> L. | | Big-sting nettle; Sting nettle | ۶۵ |
| Urticaceae | <i>Urtica pilulifera</i> L. | * | Roman nettle | ۳۵۳، ۲۱۲، ۶۵ |
| Urticaceae | <i>Urtica</i> sp. | | Nettle family | ۲۳۴، ۶۵ |
| Urticaceae | <i>Urtica urens</i> L. | * | Dog nettle | ۳۵۳، ۲۵۵، ۶۵ |
| Uvulariaceae | <i>Uvularia amplexifolia</i> L. | | | ۳۵۰، ۶۴ |
| Valerianaceae | <i>Nardostachys jatamansi</i> DC. | * | | ۳۲۴، ۳۰۹، ۲۸۸، ۱۷۸، ۱۷۷ |
| Valerianaceae | <i>Nardostachys sampharitke</i> ? | | | ۲۳۸ |
| Valerianaceae | <i>Valeriana celtica</i> L. | | | ۳۲۴، ۲۸۸، ۱۷۸، ۱۷۷ |
| Valerianaceae | <i>Valeriana dioscorides</i> Sibth. | | | ۳۲۴، ۲۸۸، ۲۲۹، ۱۷۸ |
| Valerianaceae | <i>Valeriana hardwickii</i> Wal. | | | ۴۶ |
| Valerianaceae | <i>Valeriana jatamansi</i> DC. | | | ۲۸۸ |
| Valerianaceae | <i>Valeriana jatamansi</i> Jone. | | Nard | ۱۷۷ |
| Valerianaceae | <i>Valeriana montana</i> L. | | Mountain valerian | ۲۸۸ |
| Valerianaceae | <i>Valeriana officinalis</i> L. | | Common valerian | ۲۸۸، ۲۲۹، ۱۷۸، ۱۷۷ |
| Valerianaceae | <i>Valeriana phu</i> L. | | | ۲۸۸، ۲۲۹ |
| Valerianaceae | <i>Valeriana</i> sp. | | Phu; all-heal; fragrant valerian; heliotrope | ۲۸۸، ۲۲۹، ۱۷۷ |
| Valerianaceae | <i>Valeriana spica</i> Vahl. | | | ۲۸۸ |
| Valerianaceae | <i>Valeriana tubereuse</i> Sprun. | | | ۳۲۴، ۱۷۷ |
| Valerianaceae | <i>Valeriana wallichii</i> DC. | | Indian Valerian | ۲۸۸ |
| Verbenaceae | <i>Premna latifolia</i> Roxb. | | | ۷۳ |
| Verbenaceae | <i>Tectonia grandis</i> L. | | Teca | ۱۶۶ |
| Verbenaceae | <i>Tectonia</i> sp. | | Teak | ۱۶۶ |
| Verbenaceae | <i>Verbena officinalis</i> L. | | European verbena | ۳۵۱، ۱۵۶، ۷۳ |
| Verbenaceae | <i>Verbena sapina</i> L. | | | ۳۵۱، ۶۹ |
| Verbenaceae | <i>Verbena</i> sp. | | Vervain | ۳۵۱، ۱۵۶ |
| Verbenaceae | <i>Vitex agnus-castus</i> L. = <i>Vitex Pseudo-negundo</i> (Haus.) Hand-Mzt. | * | Lilac chaste; Agnus castus | ۲۹۷، ۲۵۹، ۱۸۵، ۱۷۰، ۵۳، ۴۱ ۳۲۷، ۳۱۰ |
| Violaceae | <i>Viola cinerea</i> Boiss = <i>Viola behboudiana</i> Rech.F.&Esfa.. | * | | ۱۹ |
| Violaceae | <i>Viola odorata</i> L. | * | Violet ; sweet Violet | ۳۵۴، ۱۹ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|---------------|--|---------|--|-------------------|
| Violaceae | <i>Viola serpens</i> Wa. | | | ۱۹ |
| Violaceae | <i>Viola</i> sp. | | Violet | ۱۹ |
| Violaceae | <i>Viola tricolor</i> L. | * | Wild pansy | ۱۹ |
| Vitaceae | <i>Cissus</i> sp. | | Treebine | ۱۷۴ |
| Vitaceae | <i>Cissus vitiginea</i> L. | | | ۳۲۴، ۱۲۴ |
| Vitaceae | <i>Vitis repanda</i> Wight | | | ۱۲۴ |
| Vitaceae | <i>Vitis vinifera</i> L. | * | Eropean grape; Vine grape | ۲۰۰، ۲۱۴ |
| Vitidaceae | <i>Saelanthus quadragonum</i> Forsk. | | | ۱۷۴ |
| Zingiberaceae | <i>Alpinia galanga</i> (L.) Will. | | Great | ۱۳۹ |
| Zingiberaceae | <i>Alpinia khulanjan</i> (L.) Will. | | | ۱۳۹ |
| Zingiberaceae | <i>Alpinia officinarum</i> Hance | ** | Galangal | ۱۳۹ |
| Zingiberaceae | <i>Alpinia</i> sp. | | | ۱۳۹ |
| Zingiberaceae | <i>Amomum cardamomum</i> L = <i>Amomum compactum</i> Sol. ex Maton = <i>Elettaria cardamomum</i> (L.) Maton | | Tooth pick ammi ; Bishop's-weed | ۱۲۴ |
| Zingiberaceae | <i>Amomum granum-paradisi</i> L. = <i>Aframomum granum-paradisi</i> K. Schum | | | ۲۹۶، ۲۳۲، ۱۰۸ |
| Zingiberaceae | <i>Amomum racemosum</i> L. | | | ۱۲۴ |
| Zingiberaceae | <i>Amomum racemosum</i> Lam. | | | ۳۲۴، ۳۰۹ |
| Zingiberaceae | <i>Amomum repens</i> Son. | | | ۲۳۲ |
| Zingiberaceae | <i>Amomum</i> sp. | | | ۲۹۶، ۲۳۲ |
| Zingiberaceae | <i>Amomum zerumbet</i> L. = <i>Zingiber zerumbet</i> (L.) Smith = <i>Zingiber officinale</i> Roscoe | | | ۱۶۱ |
| Zingiberaceae | <i>Amomun melegueta</i> Ros. = <i>Aframomum melegueta</i> K. Schum. | | | ۲۹۶، ۲۳۶، ۲۳۲ |
| Zingiberaceae | <i>Cardamomum</i> sp. = <i>Elettaria</i> <i>cardamomum</i> (L.) Maton = <i>Amomum cardamomum</i> L. | | cardamom | ۳۰۹، ۲۳۶ |
| Zingiberaceae | <i>Costus albus</i> A.Chev | | | ۲۳۹ |
| Zingiberaceae | <i>Costus amarus</i> Rad. | | | ۲۳۹ |
| Zingiberaceae | <i>Costus arabicus</i> L. | | | ۲۳۹ |
| Zingiberaceae | <i>Costus speciosus</i> Sm. | | Crape Ginger | ۳۲۴، ۳۰۹، ۲۳۹ |
| Zingiberaceae | <i>Curcuma aromatica</i> Salisb. | | Curcuma; Status(es) (compiled from below | ۲۰۶ |
| Zingiberaceae | <i>Curcuma caesia</i> Roxb. | | | ۲۰۰، ۱۰۲ |
| Zingiberaceae | <i>Curcuma domestica</i> Valet. | | | ۵۳ |
| Zingiberaceae | <i>Curcuma longa</i> Ra. | ** | Common turmeric | ۲۷۶، ۲۰۰، ۲۱۰، ۵۳ |
| Zingiberaceae | <i>Curcuma</i> sp. | | Turmeric | ۲۰۰ |
| Zingiberaceae | <i>Curcuma tinctoria</i> Gui. | | | ۲۷۶، ۵۳ |
| Zingiberaceae | <i>Curcuma zedoaria</i> Rosc. | | | ۲۰۰، ۱۶۱، ۱۰۲، ۵۳ |
| Zingiberaceae | <i>Elettaria cardamomum</i> White & Maton | ** | Cardamon | ۲۹۶، ۲۳۶، ۲۳۲ |
| Zingiberaceae | <i>Elettaria</i> sp. | | | ۳۰۹ |

| FAMILY | SCIENTIFIC NAME | IN IRAN | COMMON NAME | PAGE NUMBER |
|----------------|---------------------------|------------|-------------------------------|---------------|
| Zingiberaceae | Zingiber officinale Rosc. | | Common ginger | ۳۳۳، ۱۶۴ |
| Zingiberaceae | Zingiber sp. | | Ginger | ۱۶۴ |
| Zingiberaceae | Zingiber zerumbet Rosc. | | | ۱۶۱ |
| Zygophyllaceae | Fagonia cretica L. | | | ۷۱ |
| Zygophyllaceae | Peganum harmala L. | * | Harmel peganum African rue | ۳۳۹، ۳۱۴، ۱۱۶ |
| Zygophyllaceae | Tribulus terrestris L. | | Puncture rine | ۳۴۸، ۳۱۹، ۱۱۸ |

کتابنامه:

فارسی:

- ابن سینا، ابو علی الحسین بن علی. قانون در طب، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی، چاپ چهارم، انتشارات سروش ۱۳۶۸ هـ - ش).
- ابن سینا، ابو علی الحسین بن علی. طبیعت، نشر دانش.
- اژدری، اسماعیل. مجموعه طب سستی، (۱۳۷۰ هـ - ش)، انتشارات باربد مشهد.
- افشار، ایرج. پزشکی سستی مردم ایران، (۱۳۷۰ هـ - ش).
- امیری، منوچهر. فرهنگ داروها و واژه های دشوار تحقیق در باره کتاب الالبیه عن حقایق الادویه، (۱۳۵۳ هـ - ش)، انتشارات بنیاد فرهنگ.
- امین، غلامرضا. گیاهان داروئی سستی ایران، (۱۳۷۰ هـ - ش)، موسسه پژوهشهای گیاهان داروئی ایران دانشکده داروسازی دانشگاه تهران.
- انصاری، علی بن حسین معروف به حاج زین الدین عطار. اختیارات بدیعی، (۱۰۲۳ هـ - ق)، آستان قدس رضوی شماره ۱۳۱۰۵.
- بهرامی، حسینعلی. فرهنگ گیاهی، (۱۳۲۹ هـ - ش).
- پارسا، احمد. دارونامه، از نشریات موزه علوم طبیعی، چاپخانه دانش.
- تاج بخش، حسن. تاریخ دامپزشکی ایران، (۱۳۷۵ هـ - ش)، انتشارات دانشگاه تهران.
- جرجانی، اسماعیل. خفی علائی، (۵۰۴ هـ - ق)، به کوشش علی اکبر ولایتی، محمود نجم آبتدی انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۹ هـ - ش.
- جرجانی، اسماعیل. ذخیره خوارزمشاهی، (۵۰۴ هـ - ق)، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- حویزی، عبداللطیف. بیماری ها و درمان گیاهی، (۱۳۷۰ هـ - ش)، انتشارات کتاب آفرین.
- خسروی، سید مهدی. گیاهان داروئی و نحوه کاربرد آن برای بیماری های مختلف در طب سستی، (۱۳۷۴ هـ - ش)، نشر محمد.

- خلخال، کاظم. ترجمه طب الرضا علیه السلام و طب الصادق علیه السلام، علامه عسکری، انتشارات رثوف.
- دهخدا، علی اکبر. فرهنگ دهخدا، (۱۲۵۸ ه - ش)، موسسه لغت نامه دهخدا.
- رجب نیا، مسعود. (ترجمه کتاب) تاریخ طب اسلامی، ادوارد بروان (۱۳۷۱ ه - ش)، انتشارات علمی فرهنگی.
- رنگجی، غلامحسین. گل و گیاه در ادبیات منظوم فارسی، (۱۳۷۳ ه - ش)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زاهدی، اسماعیل. واژه نامه گیاهی، (۱۳۳۷ ه - ش)، انتشارات دانشگاه تهران.
- زرگری، علی. گیاهان دارویی، جلد ۱ تا ۵، (۱۳۶۶ ه - ش)، انتشارات دانشگاه تهران.
- زمانی، ساعد. ترجمه گیاهان دارویی، ژان ولاگ، (۱۳۷۶ ه - ش)، انتشارات ققنوس.
- سزگین، فواد. تاریخ نگارش های عربی، جلد ۳ و ۴، (۱۳۸۰ ه - ش)، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد.
- شمالی، مهرداد. واژه نامه گیاهی، (۱۳۶۹ ه - ش)، انتشارات عمید.
- صفی پور، عبدالرحمن بن عبدالکریم. منتهی الارب، (۱۳۷۷ ه - ق)، تهران.
- عطار یزدی، میر حسین. نسخه حکیم طب قدیم، (۱۳۶۹ ه - ش)، انتشارات جاوید.
- عقیلی علوی، محمد حسین. قرابادین کبیر، (۱۱۸۹ ه - ش)، انتشارات کتابفروشی محمودی.
- فهرست نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی.
- فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- فهرست نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- کریمی، هادی. اسامی گیاهان ایران، (۱۳۷۴ ه - ش)، مرکز نشر دانشگاهی.
- مصطفوی، حسن. مقایسه طب سنتی با پزشکی نوین، انتشارات دانشگاه تهران.
- مظفریان، ولی الله. فرهنگ نام های گیاهان ایران، (۱۳۷۵ ه - ش)، انتشارات فرهنگ معاصر.
- معین، محمد. برهان قاطع، (۱۳۶۲ ه - ش)، انتشارات امیر کبیر.
- مومن دیلمی تنکابنی، محمد. تحفه، با مقدمه محمود نجم آبادی، (۱۳۳۰ ه - ش)، کتابخانه مصطفوی.
- میر حیدر، حسین. گنجینه اسرار گیاهی، جلد ۱ تا ۳، (۱۳۶۳ ه - ش)، انتشارات وحید.
- میر حیدر، حسین. معارف گیاهی، جلد ۱ تا ۸، (۱۳۷۳ ه - ش)، نشر فرهنگ اسلامی.
- نجم آبادی، محمود. تاریخ طب در ایران، ج ۱ و ۲، (۱۳۷۵ ه - ش)، انتشارات دانشگاه تهران.
- نفیسی، علی اکبر (ناظم الاطبا). پزشکی نامه، (۱۳۱۷ ه - ق)، خط عبد الله قزوینی، تهران.
- هروی، قاسم بن یوسف ابو نصر. ارشاد الزراعه، به اهتمام محمد مشیری، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۳۷۱ ه - ش.

هروی، موفق الدین علی . الابنیه عن حقایق الادویه، (۳۵۰ هـ - ق) به تصحیح احمد بهمنیار ، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۱.

یوسفی، غلامحسین. ترجمه تقویم الصحه ابن بطلان بغدادی، (اوایل قرن ششم) ، انتشارات علمی و فرهنگی.

منابع غیر فارسی :

۱- عربی:

ابن مراد ، ابراهیم.. المصطلح الاعجمی، ج ۱ و ۲ ، (۱۹۸۵ م)، دار الغرب الاسلامی.

اخوینی البخاری، ابو بکر ربیع بن احمد . هدايه المتعلمين، به اهتمام جلال متینی، انتشارات دانشگاه فردوسی ۱۳۷۱ هـ - ش.

ابن بیطار المالقی، ابی محمد عبد الله احمد بن محمد . الجامع، (۶۴۶ هـ - ق).

ابن بیطار المالقی، ابی محمد عبد الله احمد بن محمد. تنقیح الجامع ، (۶۴۶ هـ - ق)، دارا لغرب الاسلامی.

ابن بیطار المالقی، ابی محمد عبد الله احمد بن محمد. تفسیر کتاب دیاسکوریدوس ، (۶۴۶ هـ - ق)، تحقیق ابراهیم بن مراد ، دار الغرب الاسلامی ، ۱۹۸۹ م.

ابن جزله بغدادی، یحیی بن عیسی . منهاج البیان فی مستعملات انسان ، (۱۱۰۹ هـ - ق) ، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۱۳۹۹۰.

ابن جوزیه، شمس الدین محمد بن ابی بکر ایوب الزرعی. الطب النبوی صلوات الله علیه و اله، (۷۵۱ هـ - ق)، دار الفکر.

ابن سینا، ابو علی الحسین بن علی . قانون فی الطب، جلد ۱ الی الرابع، (۴۲۸ هـ - ق) ، موسسه عز الدین ۱۴۱۳ هجری.

ابن قریب الاصمعی، ابو سعید عبد الملک. النبات ، (۱۲۸ هـ - ق) ، با تحقیق عبدالله یوسف الغتیم، مکتبه المبتنی شارع الجمهوریه القاهره - ۱۹۷۲ م.

ابن مراد، ابراهیم . بحوث فی تاریخ الطب و الصيدله عند العرب ، (۱۹۹۱ م)، دار الغرب الاسلامی.

ابن منظور، الافریقی . لسان العرب، (۷۱۱ هـ - ق)، اعداد و تصنیف یوسف الحیاط، بیروت.

الاشبیلی، ابی الخیر. عمدہ الطیب فی معرفه النبات ، (قرن ششم هجری)، دار الغرب الاسلامی.

ابن محمود، احمد.. مجموعه، (۱۲۷۴ هـ - ق) ، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۱۰۶۸۴.

ابن سلیمان، اسحاق . الاغذیه و الادویه، (٣٢٠ هـ - ق)، موسسه عز الدین تحقیق دکتور محمد الصباح.

اسرائیلی قرطبی، ابو عمران موسی بن عبید الله . شرح اسماء العقار، باهتمام ماکی میرهوف، قاهره ١٩٤٠ م.

انطاکی، شیخ داود . تذکره، (٩٥٠ هـ - ق)، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ١٠٧١٠.

انیس، ابراهیم . المعجم الوسیط، (١٩٧٢ م)، مجمع اللغة العربیه بالقاهره.

بیرونی، ابو ریحان . صیدنه، (٤٤٠ هـ - ق)، با تصحیح عباس زریاب ١٣٧٠.

جزایری، عبدالرزاق محمد بن حمدوش. کشف الرموز فی شرح العقاقیر و الاعشاب، (١١٦٣ هـ - ق)، دار الکتب العلمیه بیروت.

حایک، میساک. موسوعه النبات الطبیبه المعجم، الاول الی الرابع، (١٩٩٢ م)، مکتبه اللبنان .

خراسانی، سید حسن . طب الامام الرضا علیه السلام، (١٣٨٥ هـ - ق)، منشورات الکلیه الحیدریه و مطبعه النجف.

خلیلی، محمد. طب الامام الصادق علیه السلام، (١٣٨٩ هـ - ق)، منشورات الکلیه الحیدریه و مطبعه النجف. خوئی، شافعی یوسف بن اسماعیل . ما لایسع الطیب جهله، (١٠٦٧ هـ - ق)، کتابخانه آستان قدس، شماره ٥٢١٦.

دینه وری، ابو حنیفه احمد داود بن وند . النبات، (٢٨٢ هـ - ق)، المعهد العلمی الفرنسی لاثار الشرقیه بالقاهره.

رازی، محمد بن زکریا. اسرار و سر الاسرار با تجارب شهریار، (٢٥١ هـ - ق)، به کوشش محمد تقی دانش پژوه ١٣٤٣ هـ - ش.

رازی، محمد بن زکریا. الحاوی، ج ١ و ٢، (٢٥١ هـ - ق)، باهتمام شرکت داروسازی الحاوی ١٣٧٢ هـ - ش.

رازی، محمد بن زکریا. خواص الخاص، نسخه خطی آستان قدس، شماره ١٠٣.

رفعت، محمد. الموسوعه الصحیه العلاج بلاعشاب، (١٩٩٥ م)، موسسه عزالدین.

رواجیه، عایده احمد. اسرار الطب العربی و الحدیث، (١٤١٦ هـ - ق)، دار ابن زیدون.

سنکری، محمد نذیر. ابحات المؤتمر السنوی الاولی لتاریخ العلوم عند العرب، (١٩٧٧ م)، معهد التراث العربی جامعه حلب.

سنکری، محمد نذیر. ابحات المؤتمر السنوی الثالث لتاریخ العلوم عند العرب، (١٩٨٠ م)، معهد التراث العربی جامعه حلب.

سنکری، محمد نذیر. ابحات المؤتمر السنوی الثانی لتاریخ العلوم عند العرب، (١٩٧٩ م)، معهد التراث العربی جامعه حلب.

- شبر، عبدالله. طب الاثمه، (١١٨٨ هـ - ق)، الارشاد لطباعه و النشر بیروت - لندن.
- شیرازی، قطب الدین. قوانین الطب، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ٥١٣١.
- عبد الرحیم، محمد. الاعشاب و النباتات الطیبه و الاغذیه فی تفسیر الاحلام، دارالفکر بیروت، (١٤١٧ هـ - ق).
- غالب، ادوار. الموسوعه فی علوم الطبیعه، ج ١ تا ٣، (١٩٦٥ میلادی)، مطبعه الکاتولیکیه بیروت.
- غسانی، ابوالقاسم بن محمد بن ابراهیم معروف به وزیر. حدیقه الازهار ماهیه العشب و اللعقار، (٨٩٨ هـ - ق) تحقیق محمد العربی الخطابی، دار الغرب الاسلامی.
- قینسی، احسان. الطب العربی المعروف تذکره السویدی، شرح و تعلیق محسن عقیل، دار المجتبی بیروت، ١٩٩٥ م.
- کرمانی، حاج محمد کریم. حقایق الطب، (١٢٦٤ هـ - ق)، نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی شماره ٥١٧٣.
- مرعشلی، ندیم و مرعشلی، اسامه. الصحاح فی اللغة و المعلوم، ج ١ و ٢، (١٩٧٤ م)، دار الحضاره العربیه - بیروت.
- ابن منصور، مهران. الحشایش، (شرح کتاب دیسکوریدوس)، (قرن ششم هجری)، نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی.
- میدانی، ابوالفتح احمد بن محمد. السامی فی الاسامی، (٦٠١ هـ - ق)، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ١٣٤٥ هـ - ش.
- هروی، محمد بن یوسف. بحرالاجواهر، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ٥٠٥٠.
- هروی، محمد بن یوسف. جواهر اللغة (١٢٤٥ هـ - ق)، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ٥١٧١.
- هروی، محمد بن یوسف و ابن علینقی، شریف محمد جامع الفوائد، فوائد الاخبار، زاد المسافرین (١٢٥٨ هـ - ق)، نسخ خطی آستان قدس رضوی، شماره ١٠٣١١.
- یاقوت حموی، شهاب الدین. معجم البلدان، مصر، ١٣٣٤ هـ - ق.

٢ - لاتینی :

- CHENALLIER A. 1996. *ENCYCLOPEDIA OF MEDICINAL PLANT*, DORLING KINDERSEY.
- CHIEJ ROBERTO. 1982. *LES PLANTES MEDICINALES*, GIUSEPPE MAZZA.
- FORSKAL PETRUS. 1775. *FLORA EGYPTIACO - ARABICA*, HAUNIE.
- GHAREMAN A. 1999. *BIODIVERSITY OF PLANT SPECIES IN IRAN*, TEHRAN UNIVERSITY PUBLICATION.
- GHOPRA R.N. & NAYAR S.L. & CHOPRA I.C. 1956. *GLOSSARY OF INDIAN MEDICINAL PLANTS*, COUNCIL OF SCIENTIFIC.

- GUEST E. 1966. **FLORA OF IRAQ**, PUBLISHED BY THE MINISTRY OF AGRICULTURE OF THE REPUBLIC OF IRAQ.
- HASAN KAMAL. 1975. **ENSYCLOPAEDIA OF ISLAMIC MEDICINAL**, GENERAL EGYPTIAN BOOK ORGANIZATION.
- HOOKE & JAKSON. 1895. **INDEX KEWENSIS VOLUM 1 & 2**, OXFORD.
- LAUFER BERTNOLD. 1873. **SINO-IRANICA**, FIELD MUSEUM OF NATURAL HISTORY.
- MACURA P. 1979. **ELSIER'S DICTIONARY OF BOTANY I. PLANT NAMES**, ELSIER SCIENTIFIC PUBLISHING COMPANY, AMSTERDAM-OXFORD-NEW YORK.
- MAHDIHASSAN S. 1984. **BAZAR DRUGS AND FOLK MEDICINE IN PAKISTAN**, HAMDARD FOUNDATION PRESS.
- MIKI, HOND, USMNGHANL. 1986. **HERB DRUGS AND HERBALIST**, INSTITUTE FOR THE STUDY OF LANGUAGES AND CULTURES OF ASIA AND AFRICA.
- PANGLOX D. 1987. **MEDICINAL PLANT BANGKOK & THAILAND**, EXHIBITION COMMITTEE.
- PARSA A. 1960. **FLORA DE L' IRAN**, TEHRAN UNIVERSITY PUBLICATION.
- RECHINGER K. 1976. **FLORA OF IRAN**.
- ROBERT T. 1934. **THE GREEK HERBAL OF DIOSCORIDES**, OXFORD.
- TAHMIJAH H. 1983. **WILD PLANTS OF QATAR**, ARAB ORGANIZATION FOR AGRICULTURAL DEVELOPMENT.

Matching The Old Medicinal Plant Names With Scientific Terminology

Vol 1

- A History of Medicinal Plants
- The Methodology For Using Ancient Medicinal Plant Texts And Sources
- The Old Medicinal Plant Names
- The Terminology And Old Names in The Identification of Scientific Names For Plants

by

Ahmad Ghahreman

Professor of Botany Faculty of Science Tehran University

&

Ahmad Reza Okhovvat

Academic Member of Biology Group Faculty of Science Tehran University